

کتاب شصت و سوم

دخالت‌های آمریکا
در ایران (۱۲)

«... انقلابی که در ایران واقع شده اکثر مردم نمی‌دانند چه شده است، نمی‌دانند مقابله کی با کی بوده است، اطلاع ندارند که این انقلاب بی‌نظیر است. یک جمعیت سی و چند میلیونی، دست خالی، بدون ابزار جنگ و بدون اینکه نظامیگری داشته باشند، اینها برای خاطر توجهشان به اسلام، توجهشان به دیانت، آنها حرکت کردند و نهضت کردند و چه کردند. تمام قدرتها، تقریباً تمام قدرتهای بزرگ و کوچک همه مخالف بودند، شوروی مخالف بود، انگلستان مخالف بود، در رأس آنها آمریکا مخالف بود، دول غربی همه مخالف بودند، بعضی اظهار موافقت می‌کردند، آنها برای اینکه کم کم دیده بودند که دارد جلو می‌رود، والا مخالف ایران بودند. ملت ایران بود با همه رژیمها، مقابله ایران بود با تمام قدرتها.

یک همچو انقلابی که همه قدرتهایی که چشم طمعشان را به این مملکت دوختند، دستشان از منافع زیادی که از این مملکت می‌بردند بریده شده است، بازار از دستشان گرفته شده است. نفت از دستشان گرفته شده است منابع زیر زمینی و رو زمینی ازشان گرفته شده است....»

امام خمینی ۵۸/۸/۱۱

دوازدهمین جلد از مجموعه اسناد «دخالت‌های آمریکا در ایران» یعنی کتاب حاضر حاوی ۲۸ سند است که در فاصله زمانی اوت ۱۹۷۸/ مرداد ۱۳۵۷ تا اکتبر ۱۹۷۹ / آبان ۱۳۵۸ تهیه گردیده است. اسناد تا شماره ۱۱ چون اکثراً مقارن با اوج جریانات انقلاب بوده بیشتر به تجزیه و تحلیل جریانات مذکور و عناصر دخیل در آن قضایا پرداخته است. موضوعات اسناد، از شماره ۱۱ به بعد مربوط به دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد که مطالب آن در سه محور عمده قابل تقسیم‌بندی است: «انقلاب»، «مسائل فیما بین ایران و آمریکا» و «روندهای اقتصادی ایران بعد از انقلاب».

اولین سند یک ارزیابی اطلاعاتی در مورد ایران است که تحت عنوان «بروز مجدد اغتشاشات داخلی» در ۱۶ اوت ۱۹۷۸ / ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ تهیه گردیده است و به بررسی ریشه‌های ناراضی‌تی که به صورت تظاهرات مردمی در سالهای ۵۶ و ۵۷ تجلی کرده بود، پرداخته است. تظاهراتی که از ۳۰ تیر ۵۷ با بهانه قرار دادن فوت کافی صورت گرفت و تداوم آنها، محرک نگارنده برای ارائه تحلیل بوده و پس از ذکر حوادث، ریشه‌های آن را «در مخالفت دیرین محافظه‌کاران مذهبی که با شاه به خاطر دنیاگرایی و نوگرایی جامعه ایران مخالفت می‌ورزند» دیده و هدف قرار گرفتن بانکها، سینماها، وسایط نقلیه و تجارتخانه‌ها توسط تظاهرکنندگان را نیز ناشی از افکار محافظه‌کارانه و گرایشهای مذهبی قلمداد کرده است. روند حوادث از تظاهرات اصفهان و شیراز که به مناسبت چهلم شهدای تبریز برگزار شده بود تا برقراری حکومت نظامی در اصفهان و سه شهر تابعه آن و حوادث بعدی از مطالب مورد بحث در سند است.

سیاست اعطای آزادیهای سیاسی و تأکید بر این سیاست توسط شاه به عنوان یکی از عوامل بروز اغتشاشات مطرح و سیاستهای رژیم که همگام با اعطای آزادیهای سیاسی و گسترش تظاهرات اعمال می‌گردید (از قبیل تهیه مقدمات انتخابات آزاد مجلس و گسترش باب مذاکره با جامعه میانه‌رو مذهبی) مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مطالب مندرجه می‌توان به مطالبی در مورد نقش امام خمینی و پیروان ایشان در تظاهرات، حمایت گروههای مختلف مانند چیگرایان (به ویژه توده‌ایها)، لیبرالها و ملی‌گرایان از انقلاب و رهبری آن؛ انگیزه‌های این گروهها در حمایت از انقلاب؛ افزایش فعالیت‌های ضد آمریکایی و غیره اشاره کرد. در قسمتی از سند چنین آمده: «خمینی از دیرباز علیه حضور آمریکا در ایران سخن رانده و مدعی است که آمریکا حامی اصلی شاه است و ثروت ایران را به غارت می‌برد.» ادامه سند به بررسی وضعیت آمریکاییان در ایران و انگیزه‌های نهفته در موضعگیریهای ضد آمریکایی جناحهای مخالف ایران می‌پردازد. قرار گرفتن شاه بر سر دو راهی بواسطه مواجهه با سردرگمی در اتخاذ و تداوم سیاست اعطای آزادیها و یا در پیش گرفتن سیاست سرکوب و اختناق و دیدگاههای مخالفین رژیم و نظامیان در این موارد، مطالب انتهایی سند را تشکیل می‌دهد.

سند شماره ۲، متن مکالمات بین معاون وابسته نظامی سفارت فرانسه، سفیر یونان و دبیر دوم سفارت آمریکا در تهران در مورد اوضاع داخلی ایران می‌باشد. نظرات وابسته نظامی سفارت فرانسه در باب مبارزات مذهبی ایران با شاه، نقش اسلام به عنوان عامل نشانگر شکوه‌های مردمی، شریعتمداری و میانه‌روی در جریان انقلاب جالب توجه است: «.. او (وابسته نظامی فرانسه) پیش‌بینی می‌کند که اگر شاه در دو هفته آتی اقدامات گسترده‌ای را در پیش نگیرد، تا پایان اکتبر مجبور به ترک ایران خواهد شد. طبق پیش‌بینی وی حدود یک میلیون نفر مسلمان از بازار در جنوب تهران مانند موجی به تظاهرات خواهند پرداخت که ارتش و پلیس نیز قادر به متوقف کردن آنان نخواهند بود...» بقیه سند در تشریح نظریات افراد مذکور در باب موضوعات داخلی ایران است.

امنیت و رفاه جامعه آمریکایی مقیم ایران و تأمین آن، یکی از وظایف اساسی هیأت دیپلماتیک و سفارت تهران بوده است. برای توجیه این جامعه و ارائه برنامه‌ای جهت تأمین امنیت و رفاه آنان، سفیر در اجتماعی خطاب به نمایندگان تجاری مهم آمریکا در ایران سخنانی در باب رویدادهای جاری آن دوران، واقعیتهای سیاسی و وضعیت آمریکاییان ایراد می‌کند که خلاصه‌ای از آن در سند شماره ۴

درج شده است. تحت عنوان «نگرشی بر رویدادهای جاری»، سفیر به مرور زنجیره‌ای از رویدادهای مهم سیاسی ایران در خلال ده ماه تا آبان ۱۳۵۷ پرداخته است. وی تمایل شاه را به واگذاری سلطنت به پسرش و نیاز به روند اشتراک تصمیم‌گیری در امورات مملکت و مغایرت آن با آنچه در دوران سلطنت خودش رواج پیدا کرده بود، و بالنتیجه تغییرات سیاسی و باز شدن فضای سیاسی ایران از عوامل گسترش تظاهرات و ابراز نارضایتی از سوی مردم ایران قلمداد کرده است، به ویژه که این تحولات سیاسی در کشوری به وقوع پیوسته است که تا آن زمان این روش را تجربه نکرده بود. سپس سفیر به بررسی حوادث و نقش امام در آنها پرداخته و روند جریاناتی که به حادثه ۱۷ شهریور میدان شهدا منجر گردید و سیاست‌های دولت و گروه‌های مخالف رژیم را مورد بررسی قرار داده است. نقش میانه‌روها و امیدهایی که به آنان بسته شده بود و اعزام آنها به پاریس جهت مذاکرات با امام، دولت آشتی ملی و دولت نظامی از مسایل مطروحه بعدی در سند است. سفیر وضعیت آن زمان تولید نفت، اعتصابات، سیاست‌های دولت از هاری، بازگشایی مدارس و تاکتیک مخالفین رژیم را تحلیل کرده و در پایان سخنان طرح‌های اضطراری و شیوه‌های مرتبط با امنیت و رفاه جامعه آمریکایی را به اطلاع آنان رسانده است.

حساسیت آمریکاییان به فرارسیدن ماه رمضان و شدت یافتن میزان تظاهرات در این ماه در تعدادی از اسناد مشهود است که به عنوان نمونه مشخصه آن می‌توان از سند شماره ۵ نام برد. این سند توسط سیا تهیه شده و در پایان متن ترجمه انگلیسی پیام حضرت امام به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان آورده شده است (ترجمه‌ای از انگلیسی به فارسی نیز در متن فارسی صورت گرفته است).

سند شماره ۷ به این صورت شروع می‌شود: «درست مثل همه ما، اسرائیلیها با حالت بهت‌زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جان‌نشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشد.» در دنباله متن اثراتی که ناآرامیها و سقوط شاه بر رژیم صهیونیستی خواهد داشت مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله تقویت بنیادگرایی اسلامی نوظهور در خاورمیانه، فروش نفت به اسرائیل و امنیت ۸۰ هزار یهودی ایرانی می‌باشد. از دید صهیونیستها تحولات ایران تأثیرات محسوسی در بر خواهد داشت که این تأثیرات نه فقط بر روی روابط دوجانبه ایران و اسرائیل تأثیر خواهند گذارد، بلکه بر ثبات منطقه‌ای که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می‌باشد نیز مؤثر واقع می‌شوند. بر طبق آنچه در سند آمده «برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین از اهمیتی سمبلیک برخوردار بوده است. همکاری نظامی و اطلاعاتی پر اهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شده بود. شرکتهای اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشتند و با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست می‌آوردند.» از نظر سمبلیک اسرائیلیها به روابط نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه‌ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی‌شود، می‌نگریستند. نکته جالب توجه در این سند این امر است که در پی جریان‌ات ایران، اسرائیلیها نسبت به ارزش تعهدات آمریکا مشکوک شده و به ایران به عنوان مثالی در این خصوص که اسرائیل در تحلیل

نهایی نمی‌تواند متکی به واشنگتن باشد، اشاره می‌نمودند.

در ۱۶ دی ۱۳۵۷ و پس از روی کار آمدن دولت غیر نظامی بختیار وضعیت و مشکلاتی که این دولت با آن روبرو خواهد شد در سند شماره ۸ تحلیل شده است و بیان گردیده که: «... این مشکلات قادر است خوش شانس‌ترین و مجربترین سیاستمداران را به ورطه شکست بکشاند. چه آنکه به نظر نمی‌رسد چنین دولتی دارای چنان سیاستمدار خوش شانس و مجربی باشد.» تحلیلگر بعداً اشاره کرده که: «... از آنجا که ایران کنونی با مشکلاتی رو به روست که دولتهای پیشین را سرنگون ساخته و ناآرامیها و اعتصابات ۶ ماه گذشته نیز به آنها افزوده شده، بعید است که وی بتواند کابینه‌ای را که از نظر عملکرد، کارایی داشته باشد روی کار آورد و احتمالاً اولین قربانی دوران بعد از شاه خود او خواهد بود.» در ادامه سند مشکلاتی که دولت بختیار با آنها رو به رو بوده است مطرح می‌گردد که عناوین مطالب مطروحه عبارت است از: مورد قبول شاه واقع شدن، پذیرفته شدن توسط مجلس، در رابطه با دو مورد اول مورد قبول مردم قرار گرفتن، مبارزه با فساد، وجود انتقامجویی علیه عناصر آلوده رژیم در بین مردم و از همه مهمتر مسئله اقتصاد (شامل اعتصابات، اعتصابات شرکت نفت، افزایش دستمزدها وعده‌های داده شده، تورم، خروج سرمایه و سرمایه‌دارها، انتقال ارز و....).

در بخش دیگری از سند به بررسی سناریوی پرداخته که احتمال داده می‌شده که موفقیتی محدود برای بختیار به همراه داشته باشد. این سناریو منعکس کننده نظریات فعالین جبهه ملی در اصفهان بوده است و «فرض بر این بوده که با رسیدن مخالفت امام خمینی و جبهه ملی با بختیار به اوج خود، شاه ایران را ترک گوید که خود سبب فروکش کردن جنبشها و تظاهرات در نتیجه شادی ناشی از این موفقیت خواهد شد و به این ترتیب تمام کارگران به سر کارهایشان باز خواهند گشت و....» در پایان سند احتمال سقوط دولت بختیار و رژیمهای جانشین وی و برخورد هر کدام از رژیمهای جانشین احتمالی با آمریکا مورد بحث قرار گرفته است.

متن بیانات ساندرز معاون وزیر امور خارجه آمریکا که قرار بوده است در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا ایراد شود، محتوای سند شماره ۹ را تشکیل می‌دهد. به طور خلاصه ساندرز در این بیانات سعی داشته به چهار سؤال زیر پاسخ دهد: ۱- منافع و نقش آمریکا در ایران چه بوده است؟ ۲- وضع کنونی چیست و چگونه پدید آمد؟ ۳- آمریکا در قبال این وضع چه موضعی را اتخاذ کرده است؟ ۴- در پیش رو چه داریم؟ این بیانات هر چند جنبه رسمی و نسبتاً حالت عمومی داشته ولی در عین حال حاوی مطالب جالب توجهی است. در جواب سؤال اول منافع آمریکا را این گونه بر شمرده است: «به خاطر اهمیت از نظر امنیت منطقه خلیج، آینده خاورمیانه و تولید نفت، ما به ایرانی آزاد، با ثبات و مستقل شدیداً علاقه مند هستیم» و در توضیح نقش آمریکا چنین آمده است: «... به دو طریق به ایران کمک کرده‌ایم تا بنیه اقتصادی خود را تقویت کند. ۱- ما در روند نوسازی ایران اولاً از طریق کمکهای عمرانی و ثانیاً از طریق شرکتهای خصوصی آمریکایی مشارکت داشته‌ایم. ۲- شرکتهای آمریکایی و غربی در زمینه تولید و بازاریابی نفت ایران شرکت داشته و.... ما به درخواست ایران مبنی بر کمک به نوسازی نیروهای مسلح آن، که در دفاع ایران نقش مهمی را ایفا کرده و می‌کند پاسخ داده‌ایم.» این نقش در ادامه این قسمت در ابعاد دیپلماسی بین‌المللی، تأمین انرژی جهانی و امنیت خلیج فارس نیز بررسی گردیده است.

در مورد سؤال دوم یعنی «چگونگی پیدایش وضع حاضر» عوامل چندی را تحت عناوین نوسازی، انقلاب سفید، اعتماد و رشد (۵۵ - ۱۳۴۲). مشکلات و فشارها (۵۷ - ۱۳۵۵) مورد بحث قرار داده است. پیشرفتهای اقتصادی ناشی از انقلاب سفید و فقدان پیشرفتهای مشابه در نظام سیاسی، مشکلات ناشی از تمرکز قدرت سیاسی، فقدان کارایی و سیاست در سطوح بالا، بی‌احترامی به احساسات مذهبی، عدم موازنه بین درآمدها، قربانی شدن برنامه‌های عمرانی در راه کسب تجهیزات نظامی و.... به عنوان مهمترین عوامل نارضایتی و ایجاد آشوب مورد تحلیل قرار گرفته است. اوضاع اقتصادی ایران در دوران طرح مسئله (اعتصابات، تظاهرات، توقف عملکرد سیستم بانکی، و...) و ارزیابی علل آشوب مطرح و مشکلات آمریکا و مسائلی که در پیش رو داشته ارائه گردیده است.

در اواسط صحبت‌هایش، ساندرز به طرح سؤال جدیدی پرداخته است و این که آیا بی‌ثباتی ایران همراه با رویدادهای افغانستان، یمن شمالی و جنوبی و شاخ آفریقا بخشهایی از یک الگوی بی‌ثباتی که جهت‌گیری سیاسی منطقه استراتژیک خاورمیانه را تغییر خواهد داد، نیست؟ ساندرز در چهار پاراگراف به بررسی و تحلیل این سؤال پرداخته و مواضع نسبتاً رسمی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سؤال فوق را همراه با ذکر سیاستهای رسمی آمریکا در قبال وقایع ایران ارائه داده است.

اسناد مربوط به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی الف - انقلاب

سند شماره ۱۲ با عنوان «چه اشتباهی در ایران رخ داد؟» توسط یکی از دیپلماتهای سابق آمریکا که در سفارت تهران طی دو دوره خدمت کرده، تهیه شده است. وی مشاهدات و تحلیل خود را راجع به ایران قبل از انقلاب و آنچه که باعث بروز انقلاب گردید، در سند تشریح کرده است. در بخشی از سند آمده: «واضح است که سیاست ایرانی ما که برای مدت ۳۰ سال در خدمت به ما مؤثر واقع شده بود، اکنون به صورت عاملی بی‌ربط و ناهنجار درآمده و در مواردی بسیار حتی قبل از سقوط شاه نیز خطراتی را علیه منافع ما به وجود آورده بود بنابراین بجاست دیگر سؤال شود ایران چه اشتباهی رخ داده و چرا ما با وجود این همه منافع در ایران، وقوع آن را پیش‌بینی نکرده بودیم.» در پی این مطلب وقایع و عواملی را که منجر به سقوط دیکتاتوری شاه گردید، بررسی می‌کند. وی در تحلیلش به دو واقعه که در سقوط شاه نقش مهمی داشته‌اند اشاره می‌کند: «واقعه یا عامل اول و مهمتر تصمیم سال ۱۹۷۴ / ۱۳۵۳ شاه مبنی بر استفاده از درآمد افزایش یافته نفتی ایران در تسریع حرکت برنامه‌های عمران ملی بود و در نتیجه رشد تورم و توزیع ناعادلانه درآمدها و...» و «رویداد دوم ظهور سیاست حقوق بشر کارتر بود.» سیاستهای شاه و دیدگاههای وی با این بیان که «شاه نیز مایل بود جو سیاسی خاصی پدیدار گردد تا امکان انتقال قدرت به فرزندش پیدا شود و شاید نسبت به سیاست حقوق بشر کارتر عکس‌العمل نشان داد، اقداماتی انجام داد تا حیات سیاسی ایران آزادتر گردد»، مطلب بعدی مندرج در سند است. نقش رهبری امام خمینی، مذهب و مرجعیت در ایران به عنوان عامل مؤثر در سرنگونی شاه و اشاره‌ای مختصر به وقایع تاریخی در این باب از مسایل مطروحه دیگر است. تحلیلگر سپس به بررسی شیوه‌های متخذه در قبال ایران و پیگیری سیاستهای گزارشگری سفارت آمریکا در تهران در مواجهه با حوادث سیاسی رژیم شاه می‌پردازد.

مشاور اصلی فرماندهی کل قوا در نیروی دریایی ایران در زمان شاه، وقایع مربوط به دوران انقلاب و مجموعه حوادثی که به انقلاب منجر شدند را به صورت وقایع‌نگار در سند شماره ۱۳ به رشته تحریر درآورده است. این متن فاقد تحلیل است و به جز بخش کوچکی در انتهای سند، صرفاً حالت گزارش وقایع را دارد.

ب - مسایل فیما بین ایران و آمریکا

سیزده سند از این مجموعه مربوطه است به مسائلی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بین ایران (به ویژه دولت موقت) و آمریکا مطرح گردیده است. فهرست مندرجات اسناد مرتبط با این موضوع ذیلاً آمده است.

سند شماره ۱۴ - ملاقات فقیه، کاردار ایران با مقام وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن، موضوع سند مزبور است که این موضوعات مورد گفتگو واقع شده است: صدور ویزا برای خانواده سلطنتی؛ تأکید مقام وزارت خارجه آمریکا بر ایجاد رابطه‌ای نزدیک و مولد با ایران ابراز نارضایتی مقامات آمریکا از بیانات ضد آمریکایی حضرت امام وضعیت امنیتی محوطه سفارت روایدهای دانشجویی، مهاجرتی و غیره.

سند شماره ۱۵ - شرح ملاقات بین کاردار (لینگن) و جانشین وابسته اقتصادی سفارت با دکتر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی دولت موقت می‌باشد.

مسایل مطروحه در سند عبارت است از: صحبت‌های ایزدی در باب روابط خارجی و اتکای به آمریکا برای تأمین کمک‌های فنی و علمی، سیاست تبلیغاتی و مطبوعاتی آمریکا نظرات اقتصادی و کشاورزی وزیر تقاضای ایزدی از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکایی برخوردار وزیر با آمریکاییها و بیوگرافی وی.

سند شماره ۱۶ - نامه دکتر ایزدی (وزیر خارجه) به سایروس ونس (وزیر خارجه آمریکا) است شامل این مطالب: تشکر از انتصاب کاتلر به عنوان سفیر در ایران اعتراض رسمی دولت ایران به قطعنامه سنای آمریکا علیه ایران.

سند شماره ۱۹ شرح ملاقاتی است بین جانشین وابسته اقتصادی سفارت با دکتر رضا سلیمی معاون سرپرست سازمان سرمایه‌گذاریها و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که در طی آن در مورد موضوعات ذیل گفتگو شده است: مساعدتهای خارجی ایران (به افغانستان، مصر، سنگال، هند و صندوق اوپک)؛ سرمایه‌گذاری خارجی؛ درآمدهای حاصله از قراردادهای سازمان سرمایه‌گذاریها؛ پرداخت و دریافت قروض توسط ایران.

در اسناد ۲۰ تا ۲۵ به ترتیب این مسائل مطرح گردیده است: تشکر کریستوفر معاون وزیر خارجه آمریکا از بیانیه تلویزیونی امیرانتظام و مسکوت گذاشتن اعلام زمان انتصاب سفیر کاتلر؛ طرح سوالاتی درباره ارتباطات سیاسی در داخل رهبری انقلاب؛ گزارش موادی از پیش‌نویس قانون اساسی برای وزارت خارجه آمریکا و اظهار نظر در مورد آنها؛ ملاقات یکی از مأمورین وزارت خارجه آمریکا با رئیس بانک ملی (جلیل شرکاء) در مورد امکان فعال‌سازی مجدد اتاق بازرگانی و مسئله مدیریت بعد از انقلاب؛ نطق تلویزیونی بازرگان و طرح وجود سیستم‌های موازی حکومتی در

ایران و راه حل پیشنهادی دولت موقت برای ایجاد هماهنگی بین دولت با کمیته‌های انقلاب و دادگاه‌های انقلاب؛ تظاهرات ضدآمریکایی در ایران و به حمایت از امام. سند شماره ۲۶ - شرکت دکتر یزدی وزیر امور خارجه وقت، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک و اجلاس غیرمتمعهدها در هاوانا فرصتی برای آمریکاییها فراهم آورده بود که به تحلیل مواضع دکتر یزدی و دولت موقت پردازند. اهداف سیاسی دکتر یزدی، هدف وی در روابط با آمریکا، بررسی افکار یزدی، تدارک نظامی و موضع علنی آمریکا در قبال انقلاب از جمله مسائل مندرج در این سند است.

ج - روندهای اقتصادی ایران

انقلاب اسلامی ایران که به دنبال تظاهرات و اعتصابات چندی به ثمر رسید، همراه با عملکرد دولتهای نظامی و ائتلاف ملی و غیره، یک اقتصاد بیمارگونه و بحرانی عظیم را به ارث گذاشت. تأثیر این بحران در خدمات اصلی زیربنایی، و سطح فعالیت اقتصادی مولد، صنایع، صنایع غذایی و دارویی، نیروی انسانی و سیاستهای دولت موقت در برخورد با این مسائل، در سند شماره ۱۸ به صورت تحلیلی جامع ارائه گردیده است.

ماهیت اقتصاد بیمارگونه و عوامل سیاسی متعدد که تأثیری تعیین کننده بر امور اقتصادی داشته، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و در مقایسه با عوامل مثبتی چون ذخایر ارزی بسیار، بدهیهای بسیار ناچیز و پایگاه نفتی پردرآمد، آینده اقتصادی ایران و روند آن پیش‌بینی گردیده است. از جمله مسائل مندرج در این سند می‌توان به بررسی سیاستهای اقتصادی انقلاب اسلامی در قبال مسائل ملی، تجاری، بانکی و مربوط به قیمت و تورم اشاره کرده که به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

سند دیگر در زمینه امور اقتصادی ایران بعد از انقلاب سند شماره ۲۷ با عنوان «بهبود اقتصادی - اکنون کجا هستیم می‌باشد که در آبان ۱۳۵۸ تهیه شده است. فهرست عناوین مهم طرح شده در سند عبارت است از: «عدم موفقیت در انتقال سرمایه‌های نقدی و غیر نقدی بانکها به بخش صنعتی، عدم اطمینان و امنیت اقتصادی، عدم وجود سرمایه و سرمایه‌گذار؛ خروج سرمایه، بی‌لیاقتی دولت در همه زمینه‌ها؛ عدم تأمین شخصی؛ شخصیت اقتصادی بازاریها؛ عدم صلاحیت مدیران و انتصاب مدیران بی تجربه.

در پایان انتظار داریم که انتشار این اسناد، جزئیات بیشتری از سوابق رژیم فاسد شاه، ارتباط آن با آمریکا و سیاستهای استعمارگرانه شیطان بزرگ را روشن نماید. مطالب آنها چراغی باشد فرا راه آیندگان تا از دام و حیلت‌های آن برهند و تذکاری بر ما تا قدردان خونهای پاک شهیدانی باشیم که با خون خویش، نهال استقلال و آزادی را بارور کردند و رهایی از قید بیگانگان و سلطه‌گران را به ارمغان آوردند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

سند شماره (۱)

خیلی محرمانه
غیر قابل رؤیت برای بیگانگان ۱۶ اوت ۱۹۷۸ - ۲۵ مرداد ۱۳۵۷
ارزیابی اطلاعاتی ایران: بروز مجدد اغتشاشات داخلی تهیه شده توسط: سرگرد دان آدامیک،
ایالات متحده آمریکا این نشریه وزارت دفاع توسط آژانس اطلاعاتی دفاعی، معاونت تولید تهیه
شده است.

ناآرامیهای اخیر شامل فعالیتهای ضد آمریکایی بوده است		
۲۷ ژوئیه	شیراز	شیشه تمام پنجره‌های ساختمان انجمن ایران و آمریکا توسط تظاهرکنندگان شکسته شد.
۱ اوت	اصفهان	پرتاب سه راهی به داخل محوطه کنسولگری آمریکا.
۶ اوت	شیراز	جمعیت سعی می‌کنند به زور داخل انجمن ایران و آمریکا شوند و شیشه تمام پنجره‌ها را خرد می‌کنند.
۸ اوت	شیراز	جمعیتی که از طرف مسجد به سوی انجمن ایران و آمریکا حرکت کرده توسط پلیس متفرق می‌گردد.
اوایل اوت	اصفهان	چند آمریکایی گزارش داده‌اند که تهدید شده‌اند.

خیلی محرمانه، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان.

ایران: بروز مجدد ناآرامیهای داخلی (طبقه‌بندی نشده)

خلاصه

(C / NOFORN)* از ۲۱ ژوئیه ایران شاهد موجی از فعالیت ناراضیان بوده که قبلاً نیز در پنج‌ماهه اول همین سال کشور با آن دست به گریبان بود. عناصر مذهبی مخالف شاه سبب بروز درگیریهای با دولت شده‌اند که منجر به کشته شدن ۱۲ الی ۲۰ نفره، زخمی شدن چند نفر دیگر و دستگیری چند صد نفر شده است. دیگر مخالفین شاه عبارتند از افراد لیبرال‌تر، دانشجویان و احتمالاً گروههای تروریستی که به صورت حاشیه‌ای عمل می‌کنند. گرچه این گروهها ممکن است برای آینده ایران طرحی قطعی نداشته باشند، ولی همه آنها در مخالفت خویش با شاه، متحد می‌باشند.

(C / NOFORN) ناآرامیهای اخیر حاکی از افزایش فعالیتهای ضدآمریکایی است. در رقابتی که برای پیشی گرفتن بر یکدیگر بین آنها پدید آمده، گروههای مختلف ناراضی احتمالاً به تشدید سخنرانیهای ضدآمریکایی خواهند پرداخت و بیگانه‌ترسی نهفته در شخصیت ایرانی را آشکار خواهند کرد. این امر می‌تواند موجب بروز مشکلاتی برای جامعه عظیم آمریکاییان مقیم ایران به خصوص آنهایی که ممکن است در شهرهای محافظه‌کارتر درگیر این رویدادها شوند، گردد.

(C / NOFORN) مرگ و میرهای اخیر احتمالاً سبب پیدایش دوره‌های جدیدی از تظاهرات مذهبی که در اوایل سال جاری تجربه شد، خواهد گردید. ماه اسلامی رمضان که نزدیک است و روزهای ویژه عزاداری در اواخر ماه اوت احتمال بروز تظاهرات بیشتر را افزایش می‌دهد. احتمالاً

* خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان = (cinfoform).

دولت خواهد توانست از پس اوضاع برآید ولی شاه هنوز هم با معمایی لاینحل رو به رو است که: چگونه می‌توان همگام با حفظ نظم و آرامش به اعطای آزادیها در جامعه ایران پرداخت و از سرکوب شدید ناراضیان دست برداشت.

سابقه

(C / NOFORN) بروز ناآرامیهای داخلی ایران در چند هفته گذشته از بسیاری جهات با اغتشاشات بین ماههای ژانویه و مه شباهت دارد. ریشه‌های آن در مخالفت دیرین محافظه‌کاران مذهبی که با شاه به خاطر دنیاگرایی و نوگرایی جامعه ایران مخالفت می‌ورزند، نهفته است. اهداف تظاهرکنندگان نیز همان است، یعنی بانکها، سینماها، وسائط نقلیه و تجارتخانه‌های معمولی. دیگر مخالفینی که در حین عدم مشارکت از آنها حمایت می‌کنند عبارتند از افراد دارای بینش لیبرالی مانند دانشجویان، پیروان جبهه ملی که اکنون غیر قانونی اعلام شده و احتمالاً گروههای تروریستی. گرچه این ناآرامیها با تظاهرات قبلی شباهتهایی دارند ولی خصوصیات جدید و تازه‌ای نیز به خود گرفته‌اند.

بحث

پیدایش ناآرامیها

(C / NOFORN) اغتشاشات اخیر در روز ۲۱ ژوئیه که یک روز تعطیل مذهبی است و برای مسلمانان شیعه ایران حایز اهمیت می‌باشد، آغاز گردید. به جای برگزاری مراسم معمول، پیروان آیت‌الله خمینی خواستار تشکیل گردهماییهای سیاسی شدند. مجالس بزرگداشت آیت‌الله کافی، که یک رهبر مذهبی قابل احترام در شهر مشهد بود، برگزار و پس از آن روز به بعد بین تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی دولتی درگیریهایی به وقوع پیوست. از شهرهای دیگر نیز بروز چند واقعه گزارش شده که ظاهراً محرک همه آنها افراطیون مذهبی بوده‌اند.

(C / NOFORN) طی هفته بعد مجالس عزاداری برای کافی و برای کسانی که طی هفته قبل کشته شده بودند، نیز منجر به بروز اغتشاشات بیشتر شد. شایعه کشته شدن کافی بدست مقامات امنیتی دولت، پیروان وی را بیش از پیش تحریک نمود. طبق گزارش مطبوعات تحت کنترل دولت حدود ۳۰۰ نفر دستگیر، حدود شش نفر کشته و ۲۶ نفر طی این دو هفته خشونت‌بار مجروح شده‌اند. این رویدادها با بمب‌گذاری کنسولگری آمریکا در اصفهان خاتمه یافت. گرچه در این واقعه کسی مجروح نشد و تنها خساراتی جزئی به ساختمان کنسولگری وارد آمد، ولی این اولین باری است که در چند ماه گذشته یک اقدام آشکار ضد آمریکایی صورت می‌گیرد.

(C / NOFORN) دوره بین ۵ تا ۱۰ اوت تا حدی آرامتر بود، گرچه مرکز الهیات قم و شهرهای شیراز و اصفهان شاهد بروز خشونت نیز بودند. افراطیون مذهبی در هر موقعیتی سعی کرده‌اند موضوع ادامه بزرگداشت کافی، روز قانون اساسی ایران و آغاز ماه رمضان را وارد دیگر مسائل بنمایند. دستگیری یک رهبر برجسته مذهبی در اصفهان توسط ساواک یعنی سازمان اطلاعات و امنیت ایران نیز در بروز تظاهرات ضد دولت نقش داشته است.

(C / NOFORN) در تاریخ ۱۱ اوت، دولت ایران در دومین شهر بزرگ کشور یعنی اصفهان

حکومت نظامی اعلام کرد. تلاش پلیس برای متفرق کردن تظاهرات مذهبی منجر به بروز اغتشاش گردید، به همین علت از نیروهای نظامی برای برقراری نظم و آرامش کمک گرفته شد. مقررات منع عبور و مرور به اجرا درآمده و اجتماع سه نفر یا بیش از آن ممنوع شده است. حکومت نظامی برای مدت یک ماه ادامه خواهد یافت و بنابه گزارشهای رسیده و طبق ضرورت شهرهای دیگر را نیز در بر خواهد گرفت. گزارشات مطبوعاتی تأیید نشده حاکی از آن است که حکومت نظامی احتمالاً در سه شهر کوچک دیگر نزدیک اصفهان برقرار شده است. تحمیل سریع حکومت نظامی در مرکز صنعتی و توریستی نشانگر جدیت و وخامت وضع و تمایل دولت به رویارویی با افراطیون با نیروی لازم جهت اعاده نظم می‌باشد. در اصفهان و دیگر شهرها از تاریخ ۱۱ اوت شمار کشته و زخمی شدگان افزایش یافته، اما آمار و ارقام موثق هنوز موجود نیست.

اعطای آزادیهای سیاسی یک عامل

(C / NOFORN) با فروکش کردن تظاهرات و ناآرامیهای ضدشاهی در ماه مه و اعلام سرکوب مخالفان توسط دولت، اکثر رهبران مذهبی ظاهراً خواستار آرامتر شدن اوضاع بودند. شواهد موجود نشانگر وجود مذاکره بین شاه و جامعه مذهبی بود. در همان حال، رهبر ایران بار دیگر بر سیاست اعطای آزادیهای سیاسی خویش تأکید نمود و تهیه مقدمات انتخابات پارلمانی سال آتی مهمترین موضوع خبری را تشکیل می‌داد. فضای باز سیاسی سبب بروز بحثها و تبادل نظرها و کاهش عمومی وضعیت متشنج گردید.

(C / NOFORN) آرامش نسبی ظاهراً به مذاق مخالفین افراطی تر سلطان، خوش نیامده است. پیروان ضد شاه خمینی تبعید شده نیز ظاهراً عامل بسیاری از خشونتها بوده و حداقل می‌توان گفت که توانسته‌اند از مراسم بزرگداشت برگزار شده توسط اکثریت مذهبی بهره‌برداری لازم را به عمل آورند. بنابه گزارشهای واصله، حزب توده یا حزب کمونیست غیر قانونی ایران تلویحاً به حمایت از گروههای مذهبی طرفدار خمینی پرداخته است. ملی‌گرایان دیرین دارای عقاید چپگرایانه به حمایت از فعالیتهای ضد دولتی برخاسته‌اند. گرچه این گروهها برای آینده ایران نقشه هماهنگی ندارند و معلوم نیست که آیا اصولاً نقشه‌ای داشته باشند، ولی در مخالفت خویش علیه شاه و شکل کنونی دولت، با یکدیگر متحد می‌باشند.

(C / NOFORN) شیوع اخیر ناآرامیها حکایت از افزایش فعالیتهای ضد آمریکایی در میان مخالفین دولت دارد. آن دسته از ملی‌گرایانی که از دیرباز با شاه مخالفت ورزیده‌اند مدعی هستند که شاه بازیچه دست آمریکا و اجرا کننده فرامین واشنگتن است. آنها با اشاره به سیاست اعطای آزادیهای سیاسی و بهبود وضع حقوق بشر در ایران می‌گویند همین‌ها خود نشانه پیروی شاه از دستورات آمریکاست. شواهد اخیر نیز گویای آن است که مخالفین شاه به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا در مورد بهبود وضع سیاسی ایران، فشار لازم را به وی وارد نمی‌آورد.

(C / NOFORN) طبق گزارشات موجود، عناصر مذهبی نیز به خصوص در اصفهان از موضوع ضدیت با آمریکاییها بهره‌برداری می‌کنند. خمینی از دیرباز علیه حضور آمریکا در ایران سخن رانده، و مدعی است که آمریکا حامی اصلی شاه است و ثروت ایران را به غارت می‌برد، در حالی که

آمریکاییان مقیم این کشور از امتیازات خاصی بهره‌مند می‌شوند. ایرانیها معمولاً خارجیها را مسئول بروز مشکلات خویش می‌دانند و در اینجا آمریکاییها به صورت یک هدف بسیار خوب درآمده‌اند. برای برتری جستن بر دیگر مخالفین رقیب، رهبران مذهبی احتمالاً در مخالفت خویش با دولت موضع تندتری اتخاذ خواهند کرد. این موضعگیری می‌تواند در سخنرانیهای روزافزون ضدآمریکایی منعکس گردد، و باعث شود که بیگانه‌ترسی نهفته در جمعیت ایران به تدریج آشکار شود که خود می‌تواند بروز مشکلاتی را برای جامعه عظیم آمریکایی ۳۷۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفری مقیم ایران به وجود بیاورد.

(C / NOFORN) لحن ضدآمریکایی هنوز علناً ظاهر نشده و ممکن است به جناح مخالف افراطی‌تر محدود باشد. با این حال، شمار اقدامات ضدآمریکایی در هفته گذشته غیر عادی است، چون در طول پنج ماه ناآرامی اوایل سال جاری احساسات ضدآمریکایی چندانی بروز ننموده بود. علاوه بر این، شمار عظیم آمریکاییان مقیم این کشور به خصوص در شهرهای محافظه‌کارتری چون اصفهان و شیراز احتمالاً سبب گرفتار شدن آنها در این رویدادها خواهد شد. بخش اعظم محل آمد و شد آمریکاییها در اصفهان مانند رستورانها و مغازه‌ها در منطقه نسبتاً کوچکی از شهر قرار گرفته است. بنابراین میزان تمرکز آمریکاییها شدیدتر و احتمال بروز وقایع بیشتر می‌شود.

خیلی محرمانه

رهبر مذهبی تبعید شده که هنوز هم در ایران صاحب نفوذ است.

آیت‌الله روح‌الله خمینی

سن: ۷۶ سال

از شاه و برنامه اصلاحی‌اش انتقاد کرده است
با حضور امریکاییها در ایران مخالفت ورزیده است
در سال ۱۹۶۴ به عراق تبعید گردید.
خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

دورنما

(C / NOFORN) معمای دیرین شاه هنوز به قوت خود باقی است که عبارت است از نحوه اعطای

آزادیه‌ها در جامعه ایرانی و حفظ نظم و آرامش بدون مبادرت ورزیدن به سرکوب شدید ناراضیان. مخالفین وی به او فشار وارد می‌آورند تا بیش از پیش لیبرال شوند و در همان حال نیروهای امنیتی نیز در برابر محدودیتهایی که بر آنها تحمیل شده تاب تحمل را از دست می‌دهند. اکثریت مردم این کشور نیز بدون شک از ایجاد وقفه در زندگی عادی ناراحت شده و خواستار برقراری نظم و قانون خواهند شد. در کوتاه مدت شاه نیز احتمالاً همان تاکتیکهای خویش را دنبال خواهد کرد و تلاش خواهد نمود تا با مخالفین مذهبی وارد مذاکره شود. معذالک، و در صورت ضرورت، از اقدامات قاطع نیروهای امنیتی برای سرکوب خشونت‌های جدید استفاده خواهد شد. حکومت نظامی در اصفهان مثال دیگری از عزم راسخ شاه در حفظ نظم و قانون می‌باشد.

(C / NOFORN) احتمال بروز ناآرامیهای بیشتر زیاد است. در گذشته مجلس بزرگداشت کسانی که در تظاهرات کشته می‌شدند چهل روز بعد برگزار می‌شد، که خود منجر به بروز خشونت‌های دیگر می‌گردید. بدین ترتیب می‌توان گفت که در ۲۲ ژوئیه دور جدیدی از اغتشاشات مذهبی پایه‌ریزی شده است. در همان حال ماه رمضان - ماه روزه و نماز - نزدیک است و احتمالاً میزان تشنج و بحران را افزایش خواهد بخشید. روزهای ۲۴ و ۲۶ اوت که در آن ایام ایرانیها در سوگ وفات (حضرت) علی علیه‌السلام رهبر مذهبی بسیار والا مقام خویش می‌نشینند نیز دورانی بسیار خطرناک خواهد بود. بازگشایی مدارس در ماه آینده هم احتمالاً جمعیت دانش‌آموزان و دانشجویان را به اغتشاشگران خواهد افزود. (C / NOFORN) ماههای آتی به احتمالی ماههایی آستان حوادث برای ایران می‌باشند. ثبات حکومت شاه را هیچ عاملی تهدید نمی‌کند، ولی بین دولت و جناح مخالف زور آزماییهای بسیاری در جریان است.

سند شماره (۲)

طبقه‌بندی: سری
یادداشت مکالمات شرکت کنندگان: آلن دویویوی، معاون
وابسته نظامی سفارت فرانسه، سفیر پانایوتیس اکونومو، سفارت یونان، جورج ب. لامبراکیس،
سفارت آمریکا در تهران زمان و مکان: ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۲۴ شهریور
۱۳۵۷، محل اقامت لامبراکیس

موضوع: اوضاع داخلی

دویویوی تنها عضو محفل دیپلماتیک است که جدیت مبارزه مذهبی با دولت و شاه را که ما شاهد آن هستیم قبلاً پیش‌بینی کرده بود. او با همه گفتگو می‌کرده است و تحت‌الشعاع خشمی قرار گرفته که در محافل مذهبی شکل گرفته و از سوابق تاریخی اسلام به عنوان یک عامل نشانگر شکوه‌های مردمی با خبر است. از نظر تاریخی، هم‌پیمانان ملاها بیش از تعداد هم‌پیمانان آنها در سال ۱۳۴۲ می‌باشند.

دویویوی گفت ما نباید اجازه دهیم که میانه‌روی موقت شریعتمداری ما را از روند واقعی غافل سازد. شریعتمداری تندروها را تحت کنترل ندارد و بالاخره تسلیم آنها خواهد شد. او که یک «فرد مذهبی» است نمی‌تواند یک سیاستمدار باشد و اقدامات وی نیز با اقدامات یک سیاستمدار تفاوت دارد. در پاسخ به دعوت من به اینکه باز هم پیش‌بینی کند، دویویوی گفت که اگر شاه در دو هفته آتی

اقدامات گسترده‌ای را در پیش نگیرد، او پیش‌بینی می‌کند که شاه تا پایان اکتبر مجبور به ترک ایران شود.

طبق پیش‌بینی وی حدود یک میلیون نفر مسلمان از بازار در جنوب تهران مانند موجی به تظاهرات خواهند پرداخت که ارتش و پلیس نیز قادر به متوقف کردن آنان نخواهند بود. وی گفت زمانی خواهد رسید که تیمسار اویسی به همراه سخنگوی مجلس یعنی ریاضی و احتمالاً سفیر آمریکا در تظاهرات (!) از شاه خواهند خواست که بر هواپیما سوار شده و کشور را ترک گوید.

به نظر دویوپوی تنها راه اجتناب از این کار، این است که شاه در قبال مردمش نقش مستقیم‌تری را ایفا کند. او با محاکمه کردن زیر دستان خود نمی‌تواند خود را از مسئولیتهای حکومتی در دو دهه گذشته تبرئه کند. مردم دیگر وعده‌های وی را باور نخواهند کرد مگر آن که این وعده مستقیماً و از طریق تلویزیون به مردم داده شود. مردم از او می‌خواهند که خانواده‌اش و تمام وزارت دربار را به دور افکند. جناح مخالف ظاهراً سازش نخواهد کرد مگر آنکه یک سلطنت مشروطه بر کشور حکمفرما شده و حکومت را به سیاستمداران بسپارد.

سفیر یونان نیز گفت که با نظرات دویوپوی موافق است. وی گفت آمریکاییها باید قبول کنند که شاه اکنون تنها شده است، و هیچ کس از وی حمایت نخواهد کرد. دویوپوی و سفیر مزبور اعتراف کردند که شاه تأثیر خوبی برای ایران داشته است و در صورت امکان باید حفظ شود «اگر شما آمریکاییها هنوز هم در او نفوذ دارید، سعی کنید اقدامات لازم را تا فرصت باقی است انجام دهید».

در تشریح بیشتر نظریات خود، دویوپوی گفت که او شخصاً تظاهرکنندگان را در تهران دنبال کرده و از دیگران نیز خواسته است که این کار را انجام دهند. در تاریخ ۱۳ شهریور حدود ۲۰۰ - ۱۰۰ هزار نفر به تظاهرات پرداخته بودند چون رهبران میانه‌رو مذهبی نیز به افراطیون پیوسته بودند. در تاریخ ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه تظاهرکنندگان به طور یکپارچه از افراطیون تشکیل شده بودند. رقم تظاهرکنندگان در تاریخ ۱۷ شهریور به ۵۰۰۰۰ نفر می‌رسید. این نقطه اوج نمایش قدرت افراطیون بود. بنابراین خطرترین مسئله برای شاه جلوگیری از پیوستن رهبران میانه‌رو به افراطیون در آینده نزدیک است.

راستی، دویوپوی در سازمان اطلاعاتی فرانسه کار می‌کند.

سند شماره (۳)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا در تهران
تاریخ: ۵ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۴ آبان ۱۳۵۷
به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اقدامات خنثی‌کننده یک سازمان طرفدار

۱ - بنابه گفته یک منبع دارای رابطهای خوب (که صحت خبر تأیید نشده است) شاه دو کمیته پنج نفری در اختیار دارد که هر یک از آنها در کشور در زمینه تجهیز حمایت برای او نقش مهمی ایفا می‌کند. یکی از آنها تظاهراتی را به طرفداری از شاه برپا می‌کند. سرپرستی این کمیته را دوست و خدمتکار خوب شاه، یعنی ژنرال فردوست عهده‌دار است. اعضای دیگر آن عبارتند از ارسلان افشار، رئیس تشریفات دربار؛ ژنرال اویسی، رئیس حکومت نظامی تهران؛ آهنچیان، تاجر مشهد و ژنرال

خسروانی.

۲ - کار کمیته دیگر با مطبوعات و تبلیغات مرتبط است. اعضاء این کمیته عبارتند از امین اشرفی، سردبیر روزنامه «آتش» و ژاندارم (M.P - م) قدیمی (از دوران ۱۹۵۳)؛ قنات آبادی، نخست‌وزیر پیشین (از دوران ۱۹۵۳)؛ متین، عضو سابق وزارت دربار (در زمان علم)؛ متقی، و بازرگان معروف به بیوک صابر. این کمیته در نظر دارد یک روزنامه جدید حامی شاه را بزودی منتشر سازد. علاوه بر این مقالاتی را در نشریات دیگر به چاپ می‌رساند که یکی از آنها اخیراً در مجله «خواندنیها» ظاهر شد و در پشت جلد آن شاه را به صورت مرد جوانی نشان می‌داد که دختر بچه‌ای او را در آغوش کشیده بود. (در سالهای ۱۹۴۰!)

۳ - علی تقی انصاری، سفیر اسبق ایران در ایتالیا و رئیس دفتر شاهدخت شمس نیز فرد پولداری است.

۴ - این تلاشها جدای از اقدامات «تحریک‌آمیز» ساواک است که بنابه گفته یک منبع دیگر، عامل بسیاری از خرابکاریها و برخوردها در کرمان، راور، کرمانشاه، همدان، گرگان، رضائیه، آمل، بانه، مراغه، سنندج و غیره بوده است. طبق گفته‌های همین منبع به مشاور سیاسی، شخص پرویز ثابتی (زمانی که هنوز یکی از مقامات ساواک به شمار می‌رفت) در مورد دو رویداد اول گفته بود که عازم کردستان است؛ از ادای این مطلب چیزی نگذشته بود که به طرفداری از شاه در آنجا تظاهرات و حملاتی آغاز گردید.

۵ - اظهار نظر؛ قبل از این در مورد اقدامات خنثی کننده توسط زاهدی (تهران ۱۰۶۹۹) سخن به میان آورده بودیم. بعید نیست که عامل پیدایش این دو کمیته نیز زاهدی بوده باشد. از آنجا که نمی‌توان باور کرد که شاه از فعالیتهای ساواک بی‌اطلاع است، ولی باید گفت که ملاقات شاه با زاهدی و پاسخگویی شاه به وی در حضور سفرای آمریکا و انگلیس به این علت صحنه‌سازی شده بود تا آنها باور کنند که شاه در وقایعی که به طرفداری از وی رخ داده بی‌گناه است.

تعدادی از ناظران ایرانی که با منابع خوبی در تماس هستند معتقدند که این امر نشانگر بی‌اطلاعی شاه از وجهه کنونی مردمی خویش است و قادر نیست وضع خطرناک مربوط به خود و سلطنت را لمس کرده و اقدامات لازم را در مورد آنها به عمل آورد. بنابه گزارشات واصله خوش‌بینیهای زاهدی نیز در این زمینه مؤثر واقع نخواهد شد.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ آبان ۵۷

از: SCIATT ورنون ئی. آدلر به: مشاور اقتصادی - آقای جان میلز

موضوع: خلاصه‌ای از ملاقات سفیر با گروه منتخبی از نمایندگان جامعه تجاری آمریکا جان، فکر کردم بهتر است لحن و محتوای بیانات سفیر سولیوان خطاب به جامعه تجاری در تاریخ ۱۵ نوامبر، برای سفارت و دفتر امور ایران جنبه سندیت پیدا کنند. به همین جهت این یادداشت مکالمات را جهت تأیید شما ارسال می‌نمایم.

وابسته SCI: ورنون آدلر

محرمانه

یادداشت مکالمات تاریخ و مکان: ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸؛ رستوران کاروانسرا شرکت‌کنندگان: سفیر ویلیام اچ. سولیوان اعضای اصلی سفارت آمریکا نمایندگان جامعه تجاری آمریکا (حدود ۱۵۰ نفر)

موضوع: خلاصه‌ای از بیانات سفیر سولیوان خطاب به نمایندگان تجاری مهم آمریکا در ایران. سفیر بیانات خویش خطاب به جامعه تجاری را با تشریح دو علت این گردهمایی در این جلسه توجیهی آغاز کرد و گفت: اولاً، زمان آن فرا رسیده که وضعیت حاضر را مورد ارزیابی قرار دهیم و ثانیاً، موعد آن است که در مورد وضعیت موجود برای جامعه تجاری در ایران صریحاً به تبادل نظر بپردازیم. تا به حال وی میل نداشت که اعضای این جامعه را در یک مکان گرد هم آورد چون ساختار وضعیت به نحوی استقرار نیافته بود که ما را قادر به بررسی زیرکانه جهات و راه حلها سازد. ولی اکنون به نظر می‌رسد که امور از اثبات بیشتری برخوردار شده‌اند. گروه گرد آمده در اینجا تقریباً گروهی است منتخب که می‌تواند نماینده بخش اعظم آمریکاییهای مشغول به کار در ایران باشد. محتوای این ملاقات بایگانی نمی‌شود و در اختیار مطبوعات نیز قرار نخواهد گرفت تا سفیر بتواند مطالب خود را با صراحت بیان دارد و مطبوعات نیز از آن بهره‌برداری ننمایند.

نگرشی بر رویدادهای جاری:

سفیر ابتدا به مرور زنجیره‌ای از رویدادهای مهم سیاسی ده ماهه اخیر ایران پرداخت و این کار را با یادآور شدن تغییرات قابل پیش‌بینی در فوریه، یعنی زمانی که رژیم در کمال آگاهی اعلیحضرت دریافته بود که جامعه ایران پیچیده‌تر از آن است که تمام تصمیمات آن بتواند توسط یک نفر اتخاذ شود، آغاز کرد. شاه به این نتیجه رسیده بود که روند اشتراک تصمیم‌گیری باید به وجود آمده و به فرزندش که به دودمانی مغایر با دودمان موجود در ۳۷ سال گذشته نیازمند است، منتقل شود. شاه پذیرفته بود که پدید آوردن این تغییر سیاسی دشوار است و رهاندن جامعه از فشارهای دیرین ثبات سطحی کشور را دگرگون ساخته و ممکن است آن را به مرحله انفجار بکشاند. ایران قبلاً این نوع روش خلاصی از فشار را تجربه نکرده بود، چون در تمام طول مدت حکومت شاه یک نیروی پلیسی مسلط بر تمام جوانب جامعه وجود داشت. سفیر به دنبال کردن رویدادها از تبریز جایی که جوانان کوچ کرده به شهرها دریافته بودند که تحت کنترل رفتاری متفاوت با رفتار سنتی روستایی قرار گرفته‌اند، پرداخت.

حمله‌ای که توسط مقامات مجاز شمرده شد، در بسیاری از شهرها تکرار شد و به دانشگاهها سرایت کرد. خمینی نقش فعال خود را بار دیگر در عراق آغاز و از جو جدید توأم با صراحت بیان بهره‌برداری نمود. جناح مخالف خود را در میان پیروان خمینی پنهان و مخفی نمود.

واقعتهای سیاسی:

با پایان یافتن ماه رمضان، میانه‌روها دریافتند که بیش از این قادر به ادامه یک نقش میانه واقعی و مستقلی نیستند. در تمام طول تابستان، سیاستمداران پس از آنکه دیدند که برخلاف خمینی قادر

نیستند پیروانی را گرد خود جمع کنند، به سمت خمینی گرایش پیدا کردند، علیرغم این واقعیت که شاه خواهان برقراری یک جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت قانونی، با کمیته‌ای مرکب از پنج ملاحظه بود تا قوانین پیشنهادی را مورد بررسی قرار داده و عدم تناقض آن با مجموعه قوانین اسلامی را مشخص کنند (جمله نامفهوم و فاقد استنتاج است - م). پس از راهپیمایی صلح‌آمیز هفتم سپتامبر، حکومت نظامی و واقعه میدان ژاله در هشتم سپتامبر به وقوع پیوست و نظامیان رودرروی تظاهرکنندگان قرار گرفتند. در ماه سپتامبر، دولت بر آن شد تا با جذب میانه‌روها بین آنان و خمینی جدایی و تفرقه پدید آورد. بنابراین این آزادی‌هایی اعطا شد، یعنی در تلویزیون جلسات مناظره پدیدار گشت، حقوق و مزایای کارمندان دولتی افزایش یافت و بر اساس قانون اساسی اقدامات آشتی‌جویانه دیگری معمول شد تا نشانگر حمایت از موضع میانه‌روها باشد. تقریباً در اواخر ماه اکتبر، سیاستمداران به پاریس رفتند تا با خمینی وارد مذاکره شوند ولی او همچنان در موضع خود سرسخت و پا برجا بود.

شاه به این نتیجه رسیده بود که کابینه شریف امامی نمی‌تواند مانع از گسترش امواج ضد شاهی شود. در اواسط اکتبر شاه دریافت که تنها دو راه برای او باقیمانده است: یعنی یا یک دولت ائتلافی تشکیل دهد و یا یک حکومت نظامی را روی کار آورد. او هرگز در رابطه با ائتلاف پاسخ مثبتی دریافت نمود. در تاریخ ۴ نوامبر، سنجابی پس از عزیمت به پاریس، اعلام نمود که کاملاً از خمینی حمایت می‌کند؛ این امر برای شاه قابل قبول نبود چون موضع خمینی با برکناری شاه و دودمان پهلوی، و ایجاد یک «حکومت اسلامی» که هنوز مشخصات آن اعلام نشده بود آغاز و به همانجا خاتمه می‌یافت. در تاریخ ۴ نوامبر، در دانشگاه درگیریهایی به وقوع پیوست و افرادی کشته شدند. در تاریخ ۵ نوامبر، نظامیان غیبی غریب داشته و در تظاهرات شورش‌وار به هیچ وجه دخالت نکردند ولی از چند مکان حراست به عمل آوردند. البته در همان زمان کابینه شریف امامی استعفا داد و استفاده از راه نظامی را پیشنهاد کرد که همان روز عصر، ژنرال ازهراری به عنوان رئیس حکومت نظامی منصوب گردید.

وضعیت کنونی ما:

اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اراده و قدرت ما به مرحله آزمایش در می‌آید. هیچ کس از میزان قدرت جناح مخالف مطلع نیست. ارتش با ظرافت و پیچیدگی کار خود را آغاز کرده و قوای خود را نه تنها بر اعاده قانون و نظم بلکه بر رابطه بسیار نزدیک بین «بازگشت به کار»، به خصوص در زمینه تولید نفت، متمرکز ساخته است. نخست وزیر ازهراری اعلام کرد که افراد (خاطی - م) از کار برکنار، از مسکن سازمانی محروم و حتی تحت پیگیری قانونی قرار خواهند گرفت. تولید نفت وضع بهتری پیدا کرده، گرچه نوسان داشته است. اعتصاب پالایشگاه آبادان یافته است. (در حال حاضر سطح عادی تولید ۶/۲ میلیون بشکه در روز است). سطح تولید در هفته جاری حدود ۳ میلیون در روز یا کمی بیش از آن است. مردم هر روز بیش از گذشته به کارهای خود باز می‌گردند ولی اعتصاب به طور کامل از بین نرفته است. اعتصاب ایران ایر پایان یافته است. اعتصابات پراکنده هنوز در وزارتخانه‌ها در جریان است. (به طور مثال، کارمندان گمرک در وزارت دارایی در اعتصاب به سر می‌برند). بنابراین شاهد روند بازگشت به کار و افزایش تولید هستیم. درخواست خمینی مبنی بر برگزاری اعتصاب

عمومی طی هفته گذشته در شیراز، اصفهان و بازارهای تبریز برخلاف تهران مؤثر واقع شد. رژیم نیز تا هیجدهم ماه دست از آزمایش وضعیت مدارس برداشته و گشایش مدارس ابتدایی را مجاز شمرده است. خواهیم دید که آیا قبل از گشایش مجدد دبیرستانها و (احتمالاً) دانشگاهها، معلمین و شاگردان مدارس ابتدایی کار خود را آغاز خواهند کرد یا نه.

خمینی تصور می‌کند که برگزاری اعتصاب عمومی می‌تواند کشور را به زانو درآورد و خود اوست که حق دارد مردم را به مسلح شدن ترغیب کند. به نظر ما شورش مسلحانه موفق نخواهد بود و توان مردم در مسلح شدن نیز محدود است. گمان نمی‌کنیم که خمینی بتواند دستور جهاد یا جنگ مقدس را صادر کند، چون این کار می‌تواند تنها علیه کفار صورت پذیرد و دولت نیز بر این موضع است که مجموعه رفتار اسلامی را حفظ کند. بنابراین موضوع حاضر نمی‌تواند از طریق انتخابات آن گونه که در آمریکا معمول است حل و فصل شود. بلکه، امواج گاهی به این سو و گاه به سوی دیگر به حرکت در می‌آیند. در صورتی که وضع غیر نظامی عادی بر کشور حاکم باشد، نظاره‌کنندگان یا «اکثریت صامت» می‌توانند ظاهر شده و از شاه حمایت کنند، در غیر این صورت اگر بازگشت به کار با قهر و کم کاری و اجبار مردم همراه باشد، این موج به سرعت طومار زندگی شاه را در هم خواهد پیچید. دولت مایل به کاهش نفوذ خمینی و حرکت در جهت ایفای یک نقش دموکراتیک بر طبق اصول سلطنت مشروطه است. آغاز مجدد اعتصابات در این زمان، می‌تواند دارای تغییر جهت بوده و به نفع طرف مقابل نیز به حرکت در آید. این امر سبب خواهد شد که دولت راه حل دموکراتیک را مد نظر قرار ندهد ولی ما احساس می‌کنیم که در حال حاضر دولت اهرمهای قدرت را در اختیار دارد و این نشانه خوبی است.

امنیت و رفاه جامعه آمریکایی:

سفیر سپس به بحث پیرامون امنیت جامعه آمریکایی و اقدامات اضطراری که به عمل خواهد آمد، پرداخت که جزئیات آن توسط آقای ناس به دفعات با گروه کوچکی از نمایندگان ۴ یا ۵ شرکت طی هفته‌های جاری در میان گذاشته خواهد شد. سفیر اعتراف کرد که طرحهای اضطراری بسته به میزان و شدت و ضعف وضعیت اضطراری تغییر خواهد کرد؛ ولی، به شرح بعضی از عوامل به ترتیب ذیل پرداخت: ما برای تأمین امنیت فیزیکی خویش به نیروی نظامی ایران متکی خواهیم بود. آنها نیز به نوبه خود جهت حفظ تمامیت دفاعی خود به ما وابسته می‌باشند. بیمانکاران دفاعی آمریکا برای ابقای تمامیت نظامی ایران عاملی حیاتی به شمار می‌آیند.

برای برنامه‌های اضطراری معیارهایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت چون در صورت بروز هر گونه وضعیت اضطراری هرچه تعداد افراد دخیل در اقدامات مقدماتی کمتر باشد، اجرای طرح با سهولت بیشتر انجام خواهد گرفت. بنابراین با بروز و تکامل وضعیتهای اضطراری تصمیمات مربوطه نیز به طور پیوسته «مقیاس بندی» خواهد شد.

مسائل مختلف:

محروم ماندن از حدود یک میلیارد دلار درآمد و روند کم کاری و اعتصابات که بخش اعظم امور

تجاری کشور را فلج کرده است بسیار پر خرج و پرهزینه بوده و بار بودجه بسیار عظیمی را بر دوش دولت ایران تحمیل می‌کند. پرداختهای دولتی با کندی صورت می‌گیرد، و طبیعی است که از این بابت خساراتی نیز متوجه جامعه آمریکایی گردد. تعداد حدود ۴۰ هزار آمریکایی در ماههای آتی به حداقل کاهش خواهد یافت. آخرین نکته مورد نظر سفیر این بود که او از نحوه پاسخگویی جامعه آمریکایی در برابر فشارها و شایعاتی که تاکنون رایج بوده احساس فخر و مباهات می‌کند. سپس از افراد حاضر در ملاقات سؤالاتی دریافت شد. مطالب مطروحه در این مورد به شرح زیر می‌باشد:

الف: نخست وزیر از هاری قانون تشکیل دادگاههای ویژه را عنوان کرده است. این قانون بزودی برای مجازات و اثبات اتهامات افراد برجسته وضع خواهد گردید. از هاری نسبت به این بازی شکار و شکارچی حساس شده و قصد دارد به سرعت اقدامی مؤثر به عمل آورده و راه را بر شکار ببندد و قبل از پیدایش مجدد رویدادهای ناخوشایند به حیات آن خاتمه بخشد.

ب: ذخایر ارزی ایران هنوز هم ۱۱ میلیارد دلار است، ولی آنها امکان قرض گرفتن بین‌المللی را به حالت تعلیق درآورده‌اند ولی به خاطر مسئله کاهش ارزش پول داخلی که مشکل مهمی است مجبورند این کار را مجدداً از سر بگیرند.

ج: طی برنامه‌ای بیسیم‌هایی را توزیع خواهیم کرد تا در صورت قطع رابطه تلفنی که اکنون به آن متکی هستیم، بتوانیم رابطه خود را با جامعه آمریکایی حفظ کنیم. (در اینجا سفیر بر جنبه آسیب پذیری ارتباطات آمریکایی به خاطر اتکای کامل خود بر سیستم تلفنی ایران تأکید کرد.)

د: تا مدتها در انتظار انتشار روزنامه‌های انگلیسی زبان نباشید و برای کسب اطلاعات دقیق به اخبار انگلیسی توجه ننمایید.

ه: گمان نمی‌کنیم که وضع وخیمتر از وضع حاضر بشود، لیکن در صورت بروز وضعیت اضطراری، احتمالاً شاهد بعضی از نشانه‌های تشنج از جمله خرابکاری، اقدامات تروریستی پراکنده و غیره خواهیم بود. سفیر به طور مؤکد گفت ما وقوع این گونه حوادث را پیشگویی یا پیش‌بینی نمی‌کنیم ولی می‌گوییم که امکان آن نیز همیشه وجود دارد.

و: نقاط تجمع خاصی برای جامعه آمریکایی در نظر گرفته خواهد شد. این مسئله بسیار حساس است، بنابراین اطلاعات مربوط به آن نیز خیلی محرمانه خواهد ماند. با استفاده از معیارها، اطلاعات را توزیع کرده و موضوع عزیمت را نیز به همین ترتیب عنوان خواهیم نمود. سفیر تأکید کرد که ایران نباید شاهد آن باشد که جامعه آمریکایی او را تنها می‌گذارند، بلکه باید بدانند که «هیچ اشکالی ندارد» که این افراد برای گذراندن دوران کریسمس به آمریکا رفته و یا برای مدتی صندلیهای خالی هواپیماهای پان آمریکا را که اخیراً پروازهای خود را از سرگرفته‌اند، اشغال نمایند.

ز: در مورد ثبات ریال، سفیر گفت، قیمت آن بیش از حد لزوم است و در صورتی که به آن اجازه نوسان آزاد داده شود، این میزان افزایش خواهد یافت. (مطبوعات ایران خواستار یک دلار به ازاء هر ۶۰ ریال بجای یک دلار برای ۷۰ ریال هستند چون ایران در نتیجه کاهش ارزش دلار که ارز مخصوص خرید نفتی است مقدار قابل توجهی از درآمد خود را از دست داده است.)

ح: در داخل نیروهای مسلح شاهد فقدان وفاداری نبوده‌ایم، با این حال، افسران ارشد در مورد وضع سربازان خود ابراز نگرانی کرده‌اند چون این دسته نیز از میان همان گروههای برخاسته‌اند که

تظاهر کنندگان عضو آنان می‌باشند.

ط: از تاریخ ۱۶ نوامبر آقای ناس هر بار با ۴ یا ۵ شرکت تماس خواهد گرفت و از آنها خواهد خواست که آمار خاصی چون تعداد کارمندان، آدرس‌ها، شماره تلفن‌ها، تعداد وابستگان، اطلاعاتی در مورد وسائط نقلیه و غیره را همراه خود به سفارت بیاورند. وی گفت به همین منظور یک مرکز اطلاعاتی در تمام طول هفت روز هفته مشغول کار خواهد شد تا به تلفن‌ها و سوالات از ساعت ۷/۳۰ صبح تا ساعت ۸ شب پاسخ بگوید.

سند شماره (۵)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده کشور: ایران

موضوع: دستورات آیت‌الله خمینی برای انجام تظاهرات ضد حکومتی

در ماه محرم (اواخر نوامبر ۱۹۷۸ - اوایل آذر ۱۳۵۷)

منبع: معتمد یک عضو بلند پایه و قدیمی تشکیلاتی برجسته در جنبش مخالفین میانه‌روی ایران که تماس‌های مستمر و صمیمانه با رهبری این تشکیلات دارد. گزارش‌های پیشین وی مستمراً تأیید شده‌اند. ۱ - در تاریخ ۲۵ و ۲۶ نوامبر آیت‌الله خمینی دستوراتی برای حامیان و «برادران دینی» وی مبنی بر انجام تظاهرات علیه مقامات دولت ایران در خلال ماه محرم به تهران رسید. خمینی از حامیان خود خواسته است که محدودیت‌های دولت نظامی بر تظاهرات، اجتماعات و راه پیمائیها را نادیده بگیرند. خمینی قصد دارد تظاهرات ضد شاه را در ماه محرم به برخوردی خشونت‌بار با نظامیان و نیروهای امنیتی مبدل کند، چون که وی معتقد است این امر به سقوط قطعی شاه و سلطنت منجر خواهد شد.

۲ - (اظهار نظر منبع: رهبران جبهه ملی در بحث بر سر دستورالعمل‌های خمینی برای تظاهرات خشونت‌آمیز ضد شاه به این نتیجه دست یافته‌اند که براساس باور خمینی ارتش از دستورات متابعت نموده و بر روی مردم آتش خواهد گشود ولی با افزایش تعداد کشته شدگان و ادامه تظاهرات در سلسله مراتب ارتش نیز انقلابی رخ داده و سقوط شاه محقق خواهد گردید.)

۳ - اعلامیه‌های خمینی در دعوت برای خشونت در محرم در تهران و دیگر شهرها انتشار می‌یابد. از تظاهرکنندگان خواسته شده تا پارچه‌های سفید بر تن کرده و تمایل خود را به کشته شدن به دست ارتش نشان دهند. در مساجد و دیگر مکانها جلساتی تشکیل می‌شود تا تاریخ و محل برگزاری تظاهرات وسیع تعیین گردد.

۴ - (اظهار نظر منبع: در حال حاضر هیچ کس نمی‌تواند با اطمینان بگوید که اکثریت ایرانیان به دستور خمینی با مایه گذاشتن از جان در تظاهرات راهپیمایی شرکت جسته و با ارتش به مقابله بخواهند خواست. ولی، به نظر می‌رسد که تظاهرات همه‌گیر علیه شاه در ماه محرم احتمالاً انجام خواهد گردید. احساسات ضدشاهی بین دانشجویان، بازاریان و دیگر عناصر «قابل تحریک» بسیار شدید بوده و اینها حتماً دستورات خمینی را اجرا خواهند نمود.)

۵ - (اظهار نظر حوزه مأموریت: آنچه در ذیل می‌آید خلاصه ترجمه «اطلاعیه خمینی به مردم

ایران به مناسبت فرارسیدن «محرم» است و پیامی می‌باشد که در بالا به آن اشاره شد. پیش‌بینی می‌شود که ماه محرم توأم با قهرمانی، فداکاری، و شجاعت باشد - ماه محرم ماهی است که خون بر شمشیر پیروز می‌شود، ماه قدرت حق است. ماهی است که ظالمین به پای میز محاکمه کشیده شده و دولت شیطان مغلوب می‌گردد. این ماه در جهان شهرت خواهد یافت. ماهی که در آن نیرومند به وسیله کلمه حق در هم شکسته می‌شود. ماهی که در آن امام مسلمانان راه به قدرت رسیدن علیه ظالمان را نشان خواهد داد. ماهی که مبارزان آزادی و وطن پرستان با مشت گره کرده بر تانکها و مسلسلها پیروز خواهند شد. امام مسلمین به ما آموخته است که مستکبرین را براندازیم. زمانی که اسلام در خطر است باید متحد شده قیام کنید. دولت در دست افراد غیر مسلمان قرار گرفته تا به حفظ منافع حاکم شیطان صفت و انگل‌هایشان بپردازند و کشور را به نابودی بکشانند، مردم باید تمام نیرویشان را برای نابودی شاه به کار برند.

دولت نظامی نامشروع و پست است و باید از پرداخت مالیات به این رژیم ظالم امتناع ورزید؛ باید که به تظاهرکنندگان کمک کرده از کارمندان شرکت نفت بخواهید که دست به اعتصاب بزنند. آیا کارمندان نفت نمی‌دانند که سلاحهای خریداری شده از فروش نفت بروی برادران، همسران، مادران و کودکانشان آتش می‌گشاید؟ آیا آنها می‌دانند که شاه مقادیر معتابهی نفت به اسرائیل می‌دهد تا علیه مسلمانان به کار رود؟ آیا دولت قادر هست که کارمندان نفت را مجبور به ادامه این خیانت بنماید؟ افراد مطلع می‌دانند که صورتی از اسامی مقامات دولتی مجرم در دست تهیه است. مقامات دولتی می‌دانند که اگر به حمایت از شاه علیه اسلام بپردازند در آینده‌ای نزدیک مجازات خواهند شد. در ماه محرم زمانی که شمشیر به دست سربازان اسلام بیفتد، روحانیون رهبری شیعه را بدست گرفته درخت ظلم و خیانت (دولت) را از ریشه بر خواهند انداخت. تا از حکومت شیطان رهایی پیدا کنیم.

پیروزی عظیم اسلامی و آزادی و عدالت بر جنایت و خیانت به وقوع خواهد پیوست و حکومت اسلامی تشکیل خواهد شد و موج خون در عاشورا برپا خواهد شد تا نشانه روز انتقام از جنایت و استکبار باشد.

سخنوران و ظایف مقدس و جنایات رژیم را به احترام حضرت علی گوشزد خواهند کرد. اعلامیه‌هایی به روستاها فرستاده خواهد شد تا جنایات شاه را افشاء کند. به آنها باید گفته شود که حکومت اسلامی طرفدار آنها و ضد سرمایه‌دار و زمینداران است. بنابه توصیه آمریکاییها شاه کشاورزی را از بین برده است. او کشور را به نفع سرمایه‌داری تضعیف کرده است. حکومت جدید از حقوق شما دفاع خواهد کرد.

جوانان مذهبی مدارس و دانشگاهها، روزنامه‌نگاران، کشاورزان، کارگران، بازاریان و قبایل همه برای رسیدن به اهداف اسلامی متحد شوید تا حکومت و رژیم مستکبر شاه را برانداخته و جمهوری اسلامی را بر اساس اصول پیشرفته اسلام برقرار سازید.

جلسات عزاداری باید آزاد و بدون اجازه شهرداری و سازمانهای امنیتی برگزار گردد. باید بدون اجازه این اجتماعات را برپا کنید.

این روزها برای ایران روزهای حساسی است و شما مردم ایران را تاریخ به خاطر کارهایی که

انجام می‌دهید به یاد خواهد سپرد. برای شما تکلیف است که دولت را براندازید. از ملت بر علیه دشمنان اسلام دفاع کنید. خیانت پیشگان می‌خواهند از شاه حمایت کنند ولی سخت در اشتباه هستند. شاه باید برود و این انگلها نمی‌توانند او را نجات بدهند.

از تمام مردم بزرگ ایران، می‌خواهم که از نیروی اسلام علیه شاه و یاران ظالمش در ماه محرم استفاده کنند. بیایید برای رسیدن به اهداف مقدس، به خاطر ملت متحد شویم. به مادران و پدرانی که فرزندان‌شان در این راه شهید شده‌اند، تبریک می‌گویم.

انقلاب اسلامی عظیمی در ایران و دیگر کشورهای مسلمان به وقوع خواهد پیوست. آنها نمونه و سرمشق دیگر جوانان کشورهای اسلامی خواهند بود. امیدواریم که شما پرچم جمهوری اسلامی را در همه جا به اهتزاز درآورید.

این مسئولیت من از طرف خداست.»^۱

با درود - آیت‌الله روح‌الله خمینی

۶ - محل دستیابی: ایران، تهران (۲۹ نوامبر ۱۹۷۸). گزارش از حوزه مأموریت به شماره ۱۵۱۹۴

- NIT

۷ - پخش از حوزه مأموریت: سفارت آمریکا در تهران (برای سفیر، وزیر مختار، مشاور سیاسی، وابسته دفاعی و افسر امنیت منطقه‌ای)، این گزارش به پاریس، دهلی‌نو، کابل، اسلام آباد، کراچی، مسقط آتن، ابوظبی، کویت، جدّه، عمان، تل آویو، قاهره، منامه، آنکارا استانبول، (مخصوص سفیر، وزیر مختار، و مشاور سیاسی) ارسال شود. این گزارش با عنوان انحصاری برای رکن دوم، رئیس ستاد ارتش آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی هوایی آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی زمینی آمریکا در اروپا، رئیس ستاد نیروی دریایی آمریکا در اروپا، فرماندهی نیروی خاورمیانه، فرماندهی ناوگان هفتم، ریاست ستاد فرماندهی نیروی خاورمیانه، فرماندهی ناوگان هفتم، ریاست ستاد فرماندهی استراتژیک هوایی، رئیس ستاد نیروی اقیانوس آرام، COMIPAC مشاور سیاسی و نماینده نظامی ملی ایالات متحده (مخاطب: ژنرال هیگ) ارسال شود.

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های حساس اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده می‌باشد.

۱ - بیانیة فوق ترجمه‌ای از متن انگلیسی تهیه شده توسط سفارت می‌باشد. اصل بیانیة حضرت امام در محرم ۱۳۵۷ (۱/۹/۵۷) در صحیفه نور، جلد سوم موجود می‌باشد.

سند شماره (۶)

یادداشت مکالمات
شرکت کنندگان: Serqe Deqallaix دبیر اول، سفارت فرانسه کلایدی، تیلور، دبیر اول سفارت آمریکا
زمان و مکان: ۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۲ آذر ۱۳۵۷، رستوران میرابل
موضوع: منافع اقتصادی فرانسه در ایران

فرانسویهای مقیم ایران

طبق برآورد آقای Deqallaix حدود ۴۵۰۰ فرانسوی در ایران اقامت دارند. وی گفت مقامات مدرسه فرانسوی LYCEE در تاریخ ۱۲ آذر ماه تصمیم گرفته‌اند که مدرسه را دو هفته قبل از آغاز تعطیلات کریسمس تعطیل نمایند، طبق پیش‌بینی وی در طول تعطیلات گروه زیادی به فرانسه مهاجرت خواهند کرد. وی گفت قبل از تعطیل LYCEE میزان ثبت نام از ۴۵۰ نفر به ۳۷۵ نفر کاهش یافته بود.

تأثیرات موجود بر تجارت فرانسه در ایران

آقای Deqallaix گفت طبق اطلاع وی تا به حال به علت مشکلات موجود در این جا تنها یکی از شرکتهای فرانسوی که شرکت بزرگی نیست کار خود را متوقف کرده است. وی گفت شنیده است که در بازپرداخت مربوط به شرکتهای فرانسوی کاهش بیشتری پدید آمده است. وی گفت بانک صادرات فرانسه یعنی کوفاس در مورد طلب خود از بانک عمران که بیش از ۱۰۰ میلیون دلار است دچار نگرانی شده است. وی گفت این قروض شامل سرمایه‌گذاریهای مشترکی است که با شرکت بنیاد پهلوی و بانک عمران صورت گرفته است. وی گفت پروژه متروی تهران هنوز لغو نشده ولی ممکن است مدت زیادی به طول انجامد.

راه آهن

فرانسویها هنوز در مورد برقی کردن راه آهن با ایران قراردادی منعقد نساخته‌اند لیکن قرارداد مربوط به طراحی کلی و کمک فنی آنها با راه آهن دولتی ایران هنوز به قوت خود باقی است و ادامه دارد.

هسته‌ای

وی گفت اعتصاب در ایستگاههای راکتورهای هسته‌ای حدود دو هفته طول کشید و مناقشه موجود به خاطر مشخص شدن وضع پرداخت حقوق کارگران در حین اعتصاب بوده است. ارتش اعلام کرده بود که حقوق کارگران باید پرداخت شود ولی سازمان انرژی اتمی ایران آن را نپذیرفته است؛ بالاخره در این مورد توافق حاصل شد و کارگران نیمی از حقوق خود را دریافت داشتند.

آیت الله خمینی

Deqallaix گفت در مورد وضع خمینی پس از خاتمه روادید سه ماهه او در فرانسه نیابستی نگرانی

وجود داشته باشد. وی گفت او می‌تواند تا یک سال دیگر بماند و دولت متبوع وی خمینی را از جمله ۲۵۰۰ ایرانی دیگر مقیم فرانسه به حساب می‌آورد. وی گفت خمینی می‌تواند تا یک سال دیگر نیز در فرانسه باقی بماند.

بیوگرافی

آقای Deqallaix که با چند مسأله سیاسی و همچنین اقتصاد کلان (که این با کار دفتر بازرگانی که در محل دیگری واقع است و منحصرأً با مسائل تجاری سروکار دارد، اختلاف دارد) درگیر است. حدود دو سال و نیم است که در تهران به سر می‌برد. وی در پایان شهریور اینجا را ترک خواهد گفت؛ همسرش در حال حاضر اینجا را ترک گفته است. در پاریس وی سمت معاونت دوسدوی سفیر سابق فرانسه را که مسئولیت امور اجناس می‌باشد عهده‌دار خواهد شد.

سند شماره (۷)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا، تل‌آویو
تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۴ دی ۱۳۵۷
به: وزارت خارجه، واشنگتن

موضوع: اسرائیل و تحولات ایران

۱ - خلاصه: اسرائیلیها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فرو ریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. انتظار می‌رود که انقراض رژیم شاه تعصب‌گرایی اسلامی نوظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می‌گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می‌دهد و سپس ثبات منطقه‌ای را که در پی‌ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می‌باشد مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید. چیزی که به تیرگی منبعث از این نگرانیها می‌افزاید عکس‌العملهای استراتژیک بی‌شمار ضد غربی است که یک ایران رادیکال از خود نشان خواهد داد. باور عمومی اسرائیلیها، بر این قرار دارد که ایالات متحده می‌توانست با شدت و انرژی بیشتر و بطریقی مؤثرتر از جانب شاه وارد عمل شود و برخی نیز به ایران به عنوان مثالی (برای اسرائیل - م) اشاره می‌کنند که در تحلیل نهایی و به این وصف اسرائیل نمی‌تواند متکی به واشنگتن باشد. علاوه بر این اسرائیلیها وحشت دارند که کشورهای صنعتی و خصوصاً ایالات متحده حتی از این هم بیشتر به عربستان سعودی متکی شوند و در نتیجه تمایل کمتری به اعمال فشار بر سعودیها جهت حمایت از پیمان کمپ دیوید و راه حلی معتدل برای تضاد اعراب و اسرائیل از خود نشان دهند. نگرانیها و اضطرابهایی که منبعث از تحولات ایران می‌باشند تغییر مشهودی در مواضع دولت اسرائیل در رابطه با معاهده با مصر ایجاد نموده است، در اینجا نسبت به تأثیری که یک ایران رادیکال می‌تواند بر خاورمیانه به طور عام و اسرائیل به طور خاص داشته باشد، نگرانی زیادی وجود دارد ولی تأییدی بر این که سیاستهای دولت ایران بتواند نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر سرنوشت میانه‌روی در منطقه داشته باشد، وجود ندارد.

۲ - درست مثل همه ما، اسرائیلیها با حالت بهت‌زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را

نظاره کرده‌اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشد. در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هرکه باشد، به اکثر و اگر نه تمام جنبه‌های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل پایان می‌بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانائی می‌دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد. با نگرشی به درون چهارچوب منطقه‌ای، در اینجا انتظار می‌رود که توفیق مخالفین اسلامی شاه به نیروهای نوظهور متعصب اسلامی در خاورمیانه قدرت ببخشد که به نوبه خود به عدم ثبات منطقه‌ای کمک خواهد کرد و راه رخنه‌افزایش یافته‌ی روسها در منطقه را می‌گشاید. بنابراین به تعبیر اسرائیلیها تحولات ایران تأثیرات محسوس دربر خواهد داشت که این تأثیرات نه فقط بر روی روابط دوجانبه ایران و اسرائیل تأثیر خواهند گذارد بلکه بر ثبات منطقه‌ای که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سالهای آتی عامل مهمی می‌باشد نیز مؤثر واقع می‌شوند.

۳ - برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می‌باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پر اهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته‌اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست آورده‌اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی‌ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه‌ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی‌شود، نگرسته‌اند. هرچند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به عنوان هیئت‌های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به صورت بی‌نام. علاوه بر این به زندگی امنی که ۸۰/۰۰۰ یهودی ایرانی از آن برخوردار بودند قدر و منزلت بخشیده است و این تعداد بالاترین رقم یهودیانی است که هنوز در یک کشور مسلمان زندگی می‌کنند.

۴ - بدین جهت اسرائیلی‌ها با بیم و هراس فزاینده‌ای علائم واضحی را در خصوص مورد تهدید واقع شدن روابط دوجانبه شان با ایران مشاهده می‌نمایند. آنها به اظهارات بختیار نخست وزیر معرفی شده در این خصوص که اسرائیل در آینده از ایران نفت خام دریافت نخواهد کرد اشاره می‌کنند. هرچند این تحول که انتظار می‌رفت مسئله مبرمی را برای اسرائیل ایجاد می‌نماید ولی دولت اسرائیل مشتاق پناه آوردن به تعهد سال ۱۹۷۵ ایالات متحده در شبه جزیره سینا در خصوص تأمین اسرائیل با نفت ایالات متحده تا زمانی که راه‌های چاره دیگر به خوبی مورد بررسی قرار گیرند، نمی‌باشد. نه تنها پیش‌بینی اتکای بیشتر به واشنگتن در اینجا شبهات و تردیدهایی را ایجاد می‌نماید، بلکه خرید نفت ایالات متحده خیلی گران تمام خواهد شد و بنابراین اگر امکان آن وجود داشته باشد بایستی از آن اجتناب ورزیده شود.

۵ - چیزی که به تیرگی منبعث از این نگرانی‌ها می‌افزاید، عکس‌العمل‌های استراتژیک بی‌شمار ضدغربی است که یک ایران رادیکال از خود نشان خواهد داد. نه تنها یک تولیدکننده مهم نفتی با یک تلاطم از جبهه غرب خارج می‌شود بلکه موضع ایالات متحده در قسمت شمالی هرچه بیشتر در معرض از هم پاشیدگی قرار می‌گیرد و احتمالاً به نفوذ شوروی افزوده می‌شود. علاوه بر این چون که

به نظر نمی‌رسد مخالفین مسلمان شاه قادر به استقرار یک رژیم جانشین با ثبات باشند، اسرائیلیها معتقدند ایران برای یک دوران طولانی در آشوب به سر خواهد برد. دولت بعدی ممکن است یک دولت تندرو نباشد، ولی قوی هم نخواهد بود. علی‌رغم به رسمیت شناختن نیروهای انقلابی در حال فعالیت در ایران از طرف اسرائیلیها، آنان معتقدند که ایالات متحده می‌توانست با انرژی و شدت بیشتر و به طرز مؤثرتری به یکی از متحدان همیشگی و ثابت قدم آنان یاری دهد. آن اسرائیلیهایی که نسبت به ارزش تعهدات ایالات متحده مشکوک می‌باشند، به صورت بی‌تجانسی به ایران به عنوان مثالی (برای اسرائیل - م) در این خصوص که اسرائیل در تحلیل نهایی نمی‌تواند متکی به واشنگتن باشد، اشاره می‌نمایند.

۶ - با نگرشی وسیعتر اسرائیلیها از این وحشت دارند که تا زمانی که در تولید نفت ایران به میزان زیادی کاهش وجود دارد، کشورهای صنعتی حتی ممکن است از این هم بیشتر به عربستان سعودی متکی شوند. در اینجا به ایالات متحده این طور نگریسته می‌شود که برای اعمال فشار به عربستان جهت حمایت از پیمان کمپ دیوید و راه حلی معتدل برای تضادهای اعراب و اسرائیل تمایل کمتری خواهد داشت. علاوه بر این در این حال که سعودیها کنترل را از همیشه بیشتر در اختیار دارند، سادات نیز جای کمتری برای مانور در مذاکرات صلح از زمان حاضر خواهد داشت.

۷ - اسرائیلیها با در نظر گرفتن این مطلب یکبار دیگر بر جدل همیشگی خود در این خصوص که عربستان سعودی برای آمریکا یک حامی غیر قابل اتکاء می‌باشد، اصرار می‌ورزند. دید اسرائیلیها از عربستان سعودی به این صورت است که آن را ذاتاً درست مثل رژیم شاه در مقابل موجی از تعصب‌گرایی اسلامی ضربه‌پذیر می‌دانند. اعتقاد بر این است که سیر سریع نوسازی و تغییر و تحول در عربستان سعودی زمینه‌ای آماده برای نفوذ فزاینده عناصر مذهبی افراطی در خاندان سلطنتی و سنتی برای ظهور یک سعودی فراهم می‌آورد.

۸ - نگرانیها و اضطرابهایی که بواسطه تحولات ایران ایجاد شده‌اند هنوز تغییر مشهودی در مواضع دولت اسرائیل در رابطه با معاهده با مصر ایجاد نموده‌اند و ماهم فکر نمی‌کنیم که ایجاد نمایند. مسائل باقیمانده در عهدنامه محدود هستند و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وقایع ایران بتوانند در آنها رسوخ نمایند. فی‌الواقع، می‌توان به طور منطقی به این نتیجه رسید که انقراض یکی از رژیمهای میانه‌رو در منطقه، اسرائیلیها را به فکر عاقبت خود با مصر در وحله اول و متعاقباً با عربستان سعودی انداخته و بنابراین با حداکثر سرعت ممکنه به سمت پایان بخشیدن به کار معاهده حرکت می‌نمایند. ولی متأسفانه آن آینده‌نگری استراتژیک در اینجا تقریباً به طور کامل وجود ندارد. برخی افراد از جمله دایان وزیر امور خارجه رژیم سادات را بالقوه و به همان اندازه در مقابل همان نیروهایی که به نظر می‌رسد تقریباً شاه را ساقط کرده باشند، ضربه‌پذیر می‌دانند. آنها نسبت به واگذاری منطقه استراتژیک و چاههای نفت در مقابل یک پیمان صلح با رژیم بالقوه ضربه‌پذیر مصر فقط محتاط‌تر شده‌اند. چیزی که ما به طور کلی در اینجا شاهد آن هستیم یک اضطراب عمیق در مورد تأثیری می‌باشد که یک ایران رادیکال می‌تواند بر خاورمیانه به طور اعم و اسرائیل به طور اخص داشته باشد، ولی تأییدی بر اینکه سیاستهای دولت ایران بتواند نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر سرنوشت میانه‌روی در منطقه داشته باشد وجود ندارد.

سند شماره (۸)

از : کنسولگری آمریکا در اصفهان
 طبقه‌بندی : خیلی محرمانه

موضوع : پیش‌بینی دورنمای تیره برای ایران
 به : وزارت خارجه آمریکا
 تاریخ : ۶ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۶ دی ۱۳۵۷

خلاصه: یک دولت غیر نظامی اداره امور را در ایران به دست خواهد گرفت و با مشکلاتی روبرو خواهد شد که قادر است خوش شانس‌ترین و محبوب‌ترین سیاستمداران را به ورطه شکست بکشاند؛ حال آن که به نظر نمی‌رسد چنین دولتی دارای چنان سیاستمداران خوش شانس و مجربی باشد. امیدوار کننده‌ترین دورنمایی که می‌توان برای آن متصور شد این است که دولت بتواند به صورتی متزلزل و آماده جنگ در مصدر امور باقی بماند تا منجر به برگزاری انتخابات اوایل تابستان گردد. عدم موفقیت و شکست آن محتملتر است که خود منجر به تجدید و تشدید بحران خواهد شد. به هر حال، برای فرد فرد آمریکاییان، آینده خالی از خطر نخواهد بود. (پایان خلاصه)

نقطه نظرات اصفهانیها در مورد دولت بختیار

با پخش شایعات مبنی بر روی کار آمدن دولت بختیار، در صد برآدم تا از نقطه نظرات اصفهانیها در مورد امکان موفقیت وی مطلع شوم. اکثر پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که اگر بختیار بتواند حمایت خمینی را نسبت به خود جلب کند و (مهمتر از همه) موجبات خروج شاه را فراهم سازد و افراد ذیصلاح و عاری از انتقاد را به عنوان اعضای کابینه گردآورد، آنها با او مخالفت نخواهند کرد و او از شانس موفقیت نیز برخوردار خواهد شد. در میان تمام کسانی که من با آنها صحبت کردم هیچ کس نبود که از شنیدن نام وی هیجان‌زده شود ولی هیچ کس از او ناراضی و ناراحت نیز نبود. آنها می‌گفتند که احتمالاً وی بیش از هر یک از دیگر افراد موجود در جناح مخالف که در گذشته از آنها ذکری به میان آمده مورد قبول ارتش واقع خواهد شد و احتمالاً جبهه ملی نیز وی را قبول خواهد کرد. آنها می‌گفتند که تحصیل‌کرده‌تر بودند می‌گفتند که صلاحیت و عدم مشارکت در صحنه عمومی کشور طی بیست سال گذشته یا اندی (که هر دو لازم و ملزوم خالی از انتقاد بودن است) به احتمال بسیار ترکیب درستی نخواهد بود و دیگر اینکه بختیار چاره‌ای ندارد جز اینکه بین صلاحیت و حمایت یکی را برگزیند. از آنجا که ایران کنونی با مشکلاتی روبروست که دولتهای پیشین را سرنگون ساخته و ناآرامیها و اعتصابات شش ماه گذشته نیز به آنها افزوده شده. بعید است که وی بتواند کابینه‌ای را که از نظر عملکرد کارایی داشته باشد روی کار آورد و احتمالاً اولین قربانی دوران بعد از شاه خود او خواهد بود. ممکن است در نتیجه مانورهای آخرین لحظات بتوان فرد دیگری را جانشین بختیار نمود. ولی، هر دولت غیر نظامی که در این زمان روی کار آید با همان محدودیتها و مشکلات بختیار روبرو خواهد بود؛ بنابراین آنچه در ذیل گفته می‌شود مشکلاتی است که در خدمت نخست وزیر جدید خواهد بود و نام وی در این موضوع تغییری ایجاد نمی‌کند.

مشکلاتی که دولت با آنها روبروست

دولت جدید باید در ابتدای امر با ظرافت و زرنگی خاصی تعادل خود را حفظ کند. در ابتدا باید

ثابت کند که مورد قبول شاه است وگرنه منصوب نخواهد شد، ولی اگر میزان تأیید آن توسط شاه بیش از حد لازم باشد، مخالفین آن را نخواهند پذیرفت. این دولت باید مورد تأیید پارلمان که تقریباً نماینده مردم است نیز قرار گیرد. لیکن از آنجا که خود پارلمان نیز حاوی اعضای است که در نظر ناراضیان مقبول نمی‌افتند، (و آن را تشکیلاتی می‌دانند که آلت دست شاه می‌باشد) باید بتواند از پارلمان فاصله بگیرد. این دولت باید مورد قبول کارگران اعتصابی واقع شود، تا آنها نیز به سر کارهای خویش باز گردند، ولی باید از وعده‌های دولت قبلی در مورد افزایش دستمزدها فاصله بگیرد تا بتواند با تورم برخورد کند.

اولین مسئله‌ای که دولت با آن روبرو خواهد شد عبارت است از: خروج شاه؛ ضرورت مورد قبول واقع شدن و سازمان مقاومت مرکب از گروه‌های مخالف در حال رقابت با یکدیگر. احتمالاً شاه زمان عزیمت خویش را به تعویق خواهد انداخت تا از ثبات حکومت جدید اطمینان حاصل کند. اما اگر در تعیین موعد مقرر برای این کار مهارت لازم را به خرج ندهد، تأخیر وی سبب می‌شود که دولت بختیار نیز در انتظار مردم مانند یکی دیگر از دولتهای دست‌نشانده شاه به شمار آید و در نهایت مورد قبول مردم واقع نشود.

ولی پس از پذیرفته شدن، این دولت باید با عامل انتقامجویی سروکار پیدا کند. در اصفهان لیستهای حاوی بیش از ۱۰۰ اسم تهیه شده که می‌بایست به «مرگ» محکوم شوند و شمار کثیر دیگری نیز هست که برای آنها «کیفر» (نامشخص) و یا حبس در نظر گرفته شده است. این لیستها که به وسیله جناح مخالف محلی تهیه شده، ظاهراً حامل اسامی آن دسته از پرسنل ساواک که دستور قتل ناراضیان را صادر کرده و یا عامل کشتار آنها بوده‌اند و علاوه بر این در برگرفته اسامی افرادی از بخش خصوصی و دولتی است که سودجو و فاسد تلقی شده‌اند. اسامی موجود در این گونه لیستها به نسبت تهیه کنندگان آنها تغییر می‌کند و می‌گویند بسیاری از اسامی تنها به منظور تسویه حسابهای قدیمی و شخصی در آنها گنجانده شده است. ظاهراً در تمام شهرها و شهرکهای ایران این گونه فهرستها تهیه شده است. در اصفهان تعدادی از کسانی که نامشان در زمره محکومین به مرگ آمده بود، به قتل رسیده‌اند. دولت جدید باید در جهت ارضای این حس انتقامجویی و در عین حال حضور عدالت و دادگستری گام بردارد. علاوه بر این، تعداد اسامی مقامات ارتشی و امنیتی در این گونه لیستها آن قدر زیاد است که ارتش در برابر هیچ چیز مگر یک فداکاری رسمی تاب مقاومت نخواهد داشت. ولی اگر گروههای مردمی با اقدامات دولت راضی نشوند ممکن است خود وارد معرکه شوند و ساواک و ارتش نیز به دفاع از خود اقدام کند که به احتمال بسیار درگیری خونین به وقوع خواهد پیوست. به مفهوم وسیعتر، دولت باید راهی برای برقراری نظم بیابد، در حالی که با دسته‌هایی از جوانان سرسخت روبرو خواهد شد که به خشونت‌های دسته جمعی عادت داشته و از آن لذت می‌برند و در عین حال به فعالیت‌های خود نیز ادامه می‌دهند. به هر حال باید یک موازنه ظریف برقرار شود زیرا اگر چیزی شبیه حکومت نظامی یا استبدادی حاکم شود کل جمعیت بار دیگر قیام خواهد نمود.

مسئله مهمتر، اقتصاد خواهد بود. دولت باید کارگران را به سرکارهایشان بازگرداند و در عین حال از آنها و نیز از کل کشور بخواهد که فداکاری کرده و به کمبودها و احتمالاً قیمت‌های بالا تن در دهند. به کارگران وعده افزایش دستمزدهایی داده شده که خارج از استطاعت کشور است و هزینه بازگرداندن

اقتصاد کشور به وضعیت عادی نیز سرسام آور و نجومی می‌باشد. کارگرانی که زمانی به خاطر افزایش دستمزدهایشان به میزان بین ۵۰ الی ۱۲۵ درصد دست از کار کشیده بودند آیا اکنون با دریافت دستمزدهای قدیمی حاضر به از سرگرفتن کار خود می‌باشند؟ کاپیتالیستها و سرمایه‌داران و کسانی که سرمایه‌هایی را تحت کنترل خویش دارند که طی شش ماه گذشته از کشور خارج شده، اقدامات دولت را به دقت زیر نظر خواهند گرفت. اگر آنها دریابند که سیاستهای دولت طوری طراحی شده که منجر به خشنودی کارگران و پیدایش تورم و عقب‌افتادگی اقتصادی می‌شود، از به خطر انداختن سرمایه‌های خویش امتناع خواهند ورزید. میزان بی‌کاری در حال حاضر زیاد است و افزایش نیز خواهد یافت. مگر آنکه تجار و بازرگانان حاضر شوند در اقتصاد کشور مشارکت نمایند. جامعه تجاری کشور از نظر جریان تقدینگی در وضعیت بحرانی است. آن دسته از کارخانجاتی که به کار خود ادامه داده‌اند. نیز تمام اعتبارات بانکی موجود در اختیار خویش را مصرف کرده و اکنون اقدام به استفاده از ذخایر (به خصوص سوخت) کرده و ذخایر عظیمی از کالاهای فروخته نشده را در اختیار داشته ولی پولی ندارند. بازاریها نیز که برای مدتی حدود دو ماه کارشان را تعطیل کرده بودند از نظر پولی وضع خوبی ندارند و مشتریانی نیز که قیمت‌های منفعت باری را می‌پردازند ولی از نظر دریافت دستمزد وضع مشخصی ندارند، کم پول هستند. بالاخره از نقطه‌ای باید به مقدار عظیمی پول نقد یا اعتبار برای به راه افتادن چرخهای اقتصاد، به این کشور تزریق شود و این کار باید برای یک مدت زمان طولانی انجام شود، زیرا در این جا معاملات معمولاً بر اساس صورت حسابهای قابل پرداخت در مدت ۱۲۰ روز صورت می‌گیرد. اگر جلو فرار سرمایه گرفته نشود تا بتوان آنرا در جامعه به کار برد، تولید پول جدید، تورمی عظیم را پدیدار ساخته و عامل پیدایش یک بحران جدید اقتصادی و سیاسی خواهد شد.

سناریو برای موفقیت (محدود)

به نظر نمی‌رسد که چنین دولت بی تجربه‌ای بتواند بر مشکلات فوق‌الذکر فایز آید. ولی یک سناریو وجود دارد که می‌تواند موفقیت محدود آن را به همراه داشته باشد: این سناریو منعکس‌کننده نظریات فعالین جبهه ملی در اصفهان است. در این سناریو فرض بر این است که با رسیدن مخالفت خمینی / جبهه ملی با بختیار به اوج خود، شاه ایران را ترک می‌گوید که خود سبب فروکش کردن جنبشها و تظاهرات در نتیجه شادی ناشی از این موفقیت می‌گردد. به این ترتیب تمام کارگران به سرکارهایشان برمی‌گردند چون از این قضیه خوشحالند و از دستمزدها هیچ سخنی به میان نمی‌آورند. خمینی نیز میزان نفوذ خویش را از دست می‌دهد، چون او خواستار برگزاری تظاهرات می‌شود در حالی که مردم، دیگر خسته شده‌اند. دولت چند محاکمه مهم ظاهری را ترتیب خواهد داد و به نحوی فهرستهای متعددی حاوی اسامی کسانی که باید از آنها انتقام گرفته شود مورد «تأیید» قرار می‌دهد؛ بدون اینکه در مورد آنها اقدامی به عمل آورد و سعی می‌کند که توجه مردم را به محاکمات مهم معطوف دارد و شعار «تعقیب بی‌وقفه» تمام تبهکاران را نیز سر دهد در همان حال زمانی که دولت دریافت که اشخاصی مهم از ایران گریخته‌اند اقدام به ضبط و توقیف اموال آنها در ایران خواهد نمود. از آنجا که تنبیه زیر دستان پس از فرار کله‌گنده‌ها منصفانه نیست، دولت چند نفر را به صورت نمایی دستگیر می‌کند. از آن پس نیز هر کارگری در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها اقدام به برگزاری

اعتصاب یا تظاهرات نماید، مانند شاه، به عنوان فردی سودجو مورد انتقاد قرار خواهد گرفت و در نهایت با دهان بسته به کار خویش بازگردانده خواهد شد. کابینه دائماً تغییر خواهد یافت و نمایندگانی از جبهه ملی و دیگر جناح‌های غربی مخالف را جذب و آنها را رودرروی یکدیگر قرار خواهد داد و وزرا را به اتهام ناتوانی در برخورد با مسائل اخراج خواهد کرد و بدین ترتیب تقصیر را متوجه دیگری ساخته و فرصت بیشتری را برای خود پدید می‌آورد. توجه زیادی به انتخابات آتی خواهد شد و چند کمیته مرکب از چهره‌های مخالف منصوب و تأخیرهای جزئی نیز ایجاد خواهد شد تا مردم در حالت اضطراب و انتظار باقی بمانند. خود دولت نیز در مبارزات انتخاباتی نقش عمده‌ای را ایفا خواهد نمود و مشکلات کشور را بسیار جدی عنوان خواهد کرد. و از نامزدهای انتخاباتی خواهد خواست که به مسایل پردازند و شخصیتها را مورد خطاب قرار ندهند. بدین ترتیب جناح مخالف مجبور است دائماً مراقب انتخابات باشد و بنابراین نخواهد توانست علیه بختیار جبهه متحدی را تشکیل دهد. اقتصاد به چرخش در خواهد آمد در حالی که دولت دائماً خواستار فداکاری بیشتر خواهد شد تا ایران متعلق به ایرانیان شود. بالاخره و شاید مهمتر از همه، دولت توجه خود را به یک دشمن جدید معطوف خواهد ساخت که این دشمن شاید خارجی و به احتمال زیاد آمریکا باشد. آنها متهم خواهند شد که به عنوان آخرین حربه خویش در حمایت از شاه پروژه‌های لازم‌الاجرا را به طرز خائنانه‌ای به حال خود رها کرده و در همان حال سعی کرده‌اند در حال ماندن و یا ترک کشور از اقتصاد استوار بر تقاضا و سود کشور سوءاستفاده کنند. از جمله اقدامات تأدیبی نمایشی که در مورد خارجیهایی که بدون وجود کار و یا اجازه اقامت و یا برخلاف سایر مقررات و قوانین ایران هنوز به کار خود ادامه می‌دهند می‌توان از اخراج آنها نام برد که با جار و جنجال نیز توأم باشد. در این سناریو جایی دیگری برای مانور باقی نمی‌ماند، اما اگر تمام عناصر لازم در مکانهای بایسته خویش قرار گیرند، دولت بختیار خواهد توانست تا زمان برگزاری انتخابات و شاید بعد از آن روی کار باقی بماند که اینها همه به میزان تفرقه میان جناح مخالف بستگی دارد.

تأثیر آنچه که گفته شد بر آمریکا و آمریکاییان

اگر دولت بختیار سقوط کند، محتمل‌ترین نتیجه آن روی کار آمدن رژیم استبدادی یا به وسیله یک کودتای نظامی یا جناح راست رادیکال که (خمینی را به قدرت برساند) یا حرکت جناح چپ (که به نظر نمی‌رسد با آمریکا برخوردی دوستانه داشته باشد) خواهد بود. یک کودتای نظامی در عین حال که ممکن است موفقیت‌آمیز باشد و با آمریکا برخوردی دوستانه داشته باشد، مدت زیادی دوام نخواهد آورد، زیرا مردم نحوه مبارزه با ارتش را آموخته‌اند یعنی به جای اعمال خشونت مستقیم به نافرمانی و اعمال فشار اقتصادی می‌پردازند و شواهد موجود حاکی از آن نیست که ارتش توانسته است پاسخ صحیح مربوط به این گونه رفتارها را بیابد. موفقیت آن نیز بستگی به پیروی از یکی از دو جناح راست یا چپ رادیکال دارد. دولت خمینی، در صورت روی کار آمدن اصولاً ضد آمریکایی و خارجی خواهد بود و پس از مدت کوتاهی به خاطر عدم شایستگی و صلاحیت و کارایی خویش از بین خواهد رفت. دولت جناح چپ تندرو نیز در صورت روی کار آمدن مانند آنچه که در افغانستان است، احتمالاً در روابط خویش با آمریکا رویه درستی را در پیش خواهد گرفت. لیکن مجبور خواهد

شد شدیداً به حمایت شوروی متکی بشود و به سرعت گرفتار منازعات داخلی با جناح راست مذهبی گردد که این وضعیت نیز با وضع موجود در افغانستان شباهت بسیار دارد. هر یک از نتایج فوق سبب از هم پاشیدن بنیه اقتصادی ایران، فزونی گرفتن گروه‌بندیها و درگیریها و در نهایت از دست رفتن ایران به عنوان یکی از همپیمانان آمریکا خواهد شد.

از طرف دیگر موفقیت بختیار ممکن است حداقل در کوتاه مدت برای آمریکاییهای مقیم ایران و یا حداقل اصفهان آستن خطرات جدی باشد. احساسات ضد آمریکایی و ضد خارجی توأم با خشونت رو به فزونی، در این جا به قوت خود باقی است. اگر دولتی که در تهران امور را به دست می‌گیرد انتقامجویی علیه ساواکیها و شخصیتهای امنیتی را محدود کرده و یک موضع ضد آمریکایی اتخاذ کند، میزان رویدادهای خشونت‌آمیز علیه آمریکاییان افزایش یافته و اگر خشونتها در سطوح بالای کنونی ادامه یابد نتایج آنها وارد آمدن جراحات جدی و یا مرگ خواهد بود. چنین به نظر می‌رسد که آنچه که به نفع آمریکاست به ضرر فرد فرد آمریکاییان مقیم اینجا است و ایجاب می‌کند که حضور آمریکاییان حداقل برای مدت چند ماه کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. مک‌گافی

سند شماره (۹)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۱۳۵۷
به: سفارت آمریکا در امان - فوری

موضوع: بیانیۀ ساندرز معاون وزیر امور خارجه

آنچه در ذیل می‌آید متن بیاناتی است که ساندرز معاون وزیر امور خارجه در روز چهارشنبه در ساعت ۱۰ صبح در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایراد خواهد کرد. لطفاً توجه داشته باشید که تا قبل از انتشار این مطالب در برابر کمیته متن بیانیه نباید در اختیار عموم قرار گیرد.

آغاز متن

وضع حاضر در ایران و تأثیرات آن

مقدمه:

در این جلسه فرصتی پدید آمده تا به اتفاق یکدیگر مروری داشته باشیم بر وضع کنونی ایران و بعضی از تأثیرات آن بر آینده سیاست آمریکا در قبال ایران و خاورمیانه
پیشنهاد می‌کنم که در مقدمه مطلب سؤالات زیر، مورد بحث و تبادل نظر واقع شوند:
منافع و نقش آمریکا در ایران چه بوده است؟
وضع کنونی چیست و چگونه پدید آمد؟
تأثیر این رویدادها در ایران بر اوضاع منطقه و جهان چگونه است؟
آمریکا در قبال این وضع چه موضعی را اتخاذ کرده است؟
در پیش رو چه داریم؟
به طور خلاصه در مورد نکات ذیل صحبت خواهیم کرد:
آمریکا مانند تمام دولتهای سابق این کشور از زمان جنگ جهانی دوم نسبت به ایرانی آزاد، با

ثبات و مستقل، خود را متعهد می‌داند. استقلال ایران برای حراست از آزادی ملل دیگر در خاورمیانه حیاتی است. پنجاه درصد نفت، مصرفی جهان آزاد از طریق تنگه هرمز در قسمت جنوبی ایران عبور می‌کند.

ایران مانند کشورهای دیگری که به سرعت پیشرفت کرده‌اند طی دو دهه گذشته دستخوش تغییراتی سریع و بنیادین شده است که عبارتند از عمران اقتصادی، تغییرات اجتماعی گسترده و تقاضا برای مشارکت بیشتر مردم در اتخاذ تصمیماتی که بر حیات و آینده ایران تأثیر بسیار دارد. در مسیر این نوگرایی بسیار سریع، پیشرفت اقتصادی فراتر از گسترش نهادهای سیاسی بوده است. بعضی از ایرانیها معتقدند که نقش سنتی آنها و اعتقادات مذهبی شان بواسطه این پیشرفت‌ها و نیز رواج فرهنگی بیگانه مورد تهدید و در معرض خطر واقع شده است. در حال حاضر بسیاری خواستار مشارکت بیشتر در زمینه قدرت سیاسی و نیز منافع اقتصادی می‌باشند. این هسته اصلی مشکل کنونی ایران است.

در طول سه دهه گذشته سیاست ما بر همکاری با ایران و دیگر کشورهایی که دستخوش همین تغییرات شده‌اند، بوده است تا راه‌های سازنده‌ای برای مشکلات آنها یافته شود، ثباتی نوین صحنه‌های تغییر را پشت سر بگذارد و در نهایت موجبات حراست و حفاظت از استقلال آنها پدید آید. نظر اکثر ما این است که هیچ نیروی خارجی حق ندارد مسیر پیشرفت ایران را دیکته کرده، از بی‌ثباتی آن برای نیل به اهداف خود سود جسته و یا درصدد کنترل این منطقه باشد. هر کشوری حق دارد آزادانه و به دور از مداخله خارجی آینده خود را تعیین کند.

تمام منطقه آسیای غربی دستخوش رشد و تغییر شده است. تغییر، مولد فرصتها و نیز بی‌ثباتی و بحران است. ولی باید دید که چگونه می‌توان تغییر را منجر به پیدایش ثبات و قدرت نمود. موضع ما در این منطقه توأم با قدرت است. اکثر کشورهای منطقه از اهداف ما برای این منطقه یعنی امنیت و استقلال ملی هر کشور و ایجاد فرصتی برای اینکه بتوانند با شیوه‌های خود سطح زندگی ملتشان را بهبود بخشند، پیروی می‌کند. از آنجایی که ما نیز درصدد تحقق همین اهداف بوده و سلطه‌طلب نیستیم، معتقدیم برای اینکه ملل منطقه بتوانند آینده خود را ترسیم کنند در آینده نیز مانند گذشته به کمک آمریکا نیاز خواهد بود. با حکومت‌های موجود در منطقه و نقاط دیگر جهان که منافعشان بواسطه اوضاعی مشابه تحت تأثیر واقع شده در تماسی نزدیک هستیم.

منافع و نقش آمریکا:

منافع آمریکا در ایران در طول عمر نسل گذشته به قوت خود پا برجا مانده است. به خاطر اهمیت ایران از نظر امنیت منطقه خلیج، آینده خاورمیانه و تولید نفت، ما به ایرانی آزاد، با ثبات و مستقل شدیداً علاقه‌مند هستیم. ما از زبان جنگ جهانی دوم مصرانه و فعالانه در پی تحقق این هدف بوده‌ایم.

با همکاری در محدوده تعیین شده توسط دولت ایران در زمینه علائق مشترک، به دو طریق به ایران کمک کرده‌ایم تا بنیة اقتصادی خود را تقویت کند:

(۱) ما در روند نوسازی ایران اولاً از طریق کمک‌های عمرانی و ثانیاً از طریق همکاری شرکت‌های خصوصی آمریکایی مشارکت داشته‌ایم.

(۲) شرکتهای آمریکایی و غربی در زمینه تولید و بازاریابی نفت ایران شرکت داشته و به این وسیله درآمدهایی را تأمین کرده‌اند که محرک اصلی عمران اقتصادی ایران بوده است. همان گونه که در مورد دولتهای دارای قدرت تمرکز یافته و نیز کشورهای که در آنها منافع اقتصادی و استراتژیک در گرو بسیاری مسائل دیگر است، صادق می‌باشد، توان ما در حفظ تماس با تمام عناصر جامعه و مطبوعات جهت پدید آوردن تغییرات مؤثر و سازنده بسیار محدود بوده است. زمانی که شاهد فشارهای اجتماعی و سیاسی در جامعه بودیم توجه مقامات را نسبت به آنها جلب می‌کردیم، ولی سرعت پیشرفتهای و رویدادها توسط دولت و شرایط حاکمه بر ایران تعیین شده بود. علاوه بر این ما به درخواست ایران مبنی بر کمک به نوسازی نیروهای مسلح آن که در دفاع ایران نقش مهمی را ایفا کرده و می‌کند پاسخ داده‌ایم. پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، ما کشورهای منطقه را در زمینه تقویت بنیه امنیتی آنها دعوت به همکاری کرده‌ایم. برای جبران خلأ ناشی از کناره‌گیری انگلستان نیز رابطه کمک امنیتی مختصر خود را پدید آوردیم. نیروهای مسلح ایران علاوه بر یاری رسانیدن به عمان در دفاع از خود علیه شورشیان در حراست از غرب به منظور دسترسی داشتن به عرضه کنندگان نفتی متمر ثمر بوده‌اند. علاوه بر این ما ایران را به همکاری در زمینه پیشرفت اقتصادی و ثبات جهان نیز ترغیب نموده‌ایم. ایران تا همین اواخر نه تنها با تولید نفت جهت تأمین انرژی مورد نیاز جهان بلکه با ارائه کمکهای عمده خود به کشورهای دیگر، سرمایه‌گذاری در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت و ایفای نقشی مهم در صحنه اقتصادی جهان، کمکهای شایان توجهی کرده است. در دیپلماسی بین‌المللی، ایران مساعده‌های بسیار ثمر بخشی داشته است: حراست از صلح در ویتنام و خاورمیانه، حمایت از راه‌حلهای توأم با میانه‌روی در برابر مسائل آفریقا و نقاط دیگر، و تلاش برای حل اختلافات دیرین با همسایگان خود از آن مقوله‌اند. در نتیجه منافع دیگرمان در ایران، به رویدادها و ثبات داخلی ایران نیز در آینده نیز مانند گذشته به حقوق ایرانیها در تعیین سرنوشت آتی خود احترام بگذاریم.

چگونگی پدیدار شدن وضع حاضر:

برای پی بردن به ماهیت وضع کنونی باید چگونگی پدیدار شدن آن را مورد بررسی قرار دهیم.

نوسازی

پس از جنگ جهانی دوم ایران بسیاری از فشارها و بحرانهای داخلی ناشی از نوسازی را که موجب بی‌ثباتی کشورهای دیگر بوده‌اند تجربه کرده است. بعضی از این بحرانها آشنا هستند؛ مانند رشد سریع جمعیت، گرایش مردم از روستا نشینی به شهرنشینی، کثرت دانشجویان و کارگران بیکار یا کم‌کار و مسائل متعدد دیگری که در کشوری با ملیتهای گوناگون و در حرکت به سوی عمران و پیشرفت در چند جبهه به طور قرینه وجود دارد.

در ایران نکته حائز اهمیت از جدایی و بیگانگی رو به افزایش بین رهبران و سود برندگان از روند نوسازی با دیگرانی است که موضع اجتماعی آنها و نیز اعتقادات عمیقاً مذهبی‌شان توسط این روند

تهدید می‌گردد.

انقلاب سفید:

۶۳ - ۱۹۶۲. در دهه ۱۹۶۰ رهبران ایران از افزایش ناراضی‌تیبها مطلع گشته و دریافتند که باید اصلاحات گسترده‌تری را در بعدی وسیع‌تر پدید آورند تا در نظامی غیراستبدادی از نظر سیاسی پاسخگوی نیاز همگان باشد. به منظور کانالیزه کردن این فشارها در جهت به وجود آوردن تغییرات سازنده به جای دیگر تغییرات انقلابی، دولت ایران یک برنامه اصلاحی و عمرانی انقلابی را آغاز کرده که از بالا به صورت پیش‌نویس تحمیل شده بود. این انقلاب سفید، نوسازی اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده و شاه نیز مهمترین عامل در این روند اصلاحی به شمار می‌آمد. برنامه اصلاحی متأثر از درآمدهای رو به افزایش در سالهای ۱۹۶۰ سریعاً منجر به تغییرات دور از تصور گردید و زندگی بسیاری از شهروندان را بهبود و وضع بسیاری دیگر را به وخامت کشانید. به طور مثال تقسیم مجدد اراضی قدرت زمینداران بزرگ و نیز روحانیون را تضعیف نمود، چون منبع درآمد مستقل آنان را از بین می‌برد و وابستگی آنها را به اعانات خصوصی افزایش می‌داد. بعد جاه‌طلبی برنامه عمرانی نخبگان جدیدی را پدیدار کرد و آنان را مأمور برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها ساخت، لیکن این برنامه‌ها طرح‌ریزی و اجرا می‌شد بدون این که آرای عمومی در نظر گرفته شود. در همان حال که علائق تجار بازاری و دیگر عناصر سنت‌گرا نادیده گرفته می‌شد، گسترش بخش خصوصی موجب پیدایش طبقه جدیدی از سرمایه‌گذاران گردید. فرصتهای موجود در زمینه آموزش و پرورش افزایش یافت، لیکن محدودیتهای جاری موجب محدود شدن مشارکت تحصیلکردگان جدید در روند سیاسی می‌شد و میزان آموزش دیدگان بیش از کسانی بود که در پستهای جالب توجه به استخدام در می‌آمدند.

اعتماد و رشد: ۷۶ - ۱۹۶۳

پیشرفتهای اقتصادی ناشی از انقلاب سفید فقدان پیشرفتهای مشابه در نظام سیاسی را تحت‌الشعاع قرار داده بود. در سال ۱۹۷۶، اکثر ناظران صحنه ایران بر این عقیده بودند که نحوه برخورد ایران با روند مدرن‌سازی پیشرفتهای عمده‌ای را به دنبال داشته است. در نتیجه برنامه اصلاحی، ایران در حال تبدیل به یک قدرت مدرن اقتصادی بود و آینده آن درخشان به نظر می‌آمد. چنین به نظر می‌رسید که درآمدهای سریعاً رو به افزایش نفتی کامیابی اقتصادی کشور را تضمین کرده است. تا سال ۱۹۷۶ پیشرفتهای قابل توجه بود، ولی پیشرفتهای اقتصادی و سیاسی با سرعتهای بسیار متفاوت راههای جداگانه‌ای را در پیش گرفته بودند.

مشکلات و فشارها: ۱۹۷۸ - ۱۹۷۶

پیشرفت جدید سبب مخفی ماندن مشکلات ناشی از تمرکز قدرت سیاسی در راس هرم دولت و فقدان کارایی و سیاست در سطوح بالا، بی‌احترامی به احساسات مذهبی مردم، عدم موازنه بین درآمدها و هزینه‌ها، کمبود برنامه‌ریزی، اجرای پروژه‌های جاه‌طلبانه، بیکاری روز افزون در شهرها با

فروکش کردن کارهای ساختمانی، فرصتهای شغلی غیر ممکن برای دانشجویانی که هر ساله فارغ‌التحصیل می‌شدند، توزیع غیر عادلانه منافع حاصله از برنامه‌های عمرانی، قربانی شدن برنامه‌های غیر نظامی در راه کسب تجهیزات نظامی و افزایش تورم که دائماً فراتر از افزایش حقوق و دستمزدها بود و نمی‌توانست چشمداشتهای موجود در رابطه با افزایش سطح زندگی را برآورده سازد، از جمله اشتهای موجود در رابطه با افزایش سطح زندگی را برآورده سازد، از جمله مهمترین عوامل نارضایتیها به شمار می‌آمدند. این شکوه‌ها و فقدان نهادهای سیاسی جهت تأثیر بخشیدن بر سیاستهای دولت، رهبران جناح مخالف میانه‌رو را بر آن داشت تا با عناصر برجسته روحانیت مسلمان همگام شوند.

در پاسخ به انتقادات و شور و حرارتهای سیاسی در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷، دولت تلاشی را برای ریشه‌کن ساختن فساد در بخشهای خصوصی و عمومی آغاز کرد، برای از بین بردن اسراف و افزایش کارایی خود را مجدداً سازماندهی نمود و به یک حزب رسمی سیاسی اجازه مشارکت بیشتر داد مشروط بر آنکه تجاوزی به حقوق سلطنتی نکند. اقداماتی نیز در جهت بهبود وضع حقوق بشر، از بین بردن شکنجه و افراط‌کاریهای تأدیبی در زندانها و عفو زندانیان سیاسی به جای ایجاد نهادهای سیاسی جدید، انجام گرفت. در نهایت اقدامات دولتی سبب ترغیب «انتقادات سازنده» در جهت افزایش مشارکت مردم در مسائل دولتی و نیز سبب کاهش رشد اقتصادی سریع که موجب انحرافهای جدی در جامعه شده بود، گردید. ولی این تغییرات نتوانست نیاز روزافزون ایرانیان را به نظامی باز از نظر سیاسی ارضا کند.

در پایان سال ۱۹۷۷، ناظران خارجی و ایرانی مشاهده کردند که این حرکتها اولین نتایج سیاست رسمی دولت مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی ایران که از سال ۱۹۷۶ آغاز شده بود، می‌باشد. ولی این حرکتها به هیچ وجه در برگیرنده حرکتی اساسی بسوی تغییرات بنیادین سیاسی نبود. در اوایل ۱۹۷۸ اغتشاشات گسترده آغاز و دانشجویان ایرانی مقیم خارج نیز نسبت به آن ابراز همدردی کردند. در ابراز مخالفت با دولت چهره‌های مذهبی رهبریت را به دست گرفتند. شاه علناً اظهار داشت که قصد دارد روند گسترش فضای باز سیاسی را دنبال کرده و در نهایت انتخابات آزادی را برگزار کند. ولی در اواخر اوت معلوم شد که دولت عمق نارضایتیها را دست کم گرفته است. در آن زمان دولتی جدید روی کار آمد که آزادی فعالیت احزاب سیاسی مشروع را وعده داد چند روز بعد مجبور به اعلام حکومت نظامی در تهران و بازده شهر دیگر در پاسخ به تظاهرات عمومی گردید. در اواخر اکتبر، اعتصابات و بی‌نظمی‌ها گسترش عجیبی یافته بود. تولید نفت به طرز فاحش کاهش یافته بود و فعالیت بخشهای مختلف دولت متوقف گردید. با افزایش شورشها در اوایل نوامبر بحران بحد نهایی رسیده و یک حکومت نظامی روی کار آمد.

امروز

به عقیده ما وضع کنونی ایران شامل عناصر زیر است: اعتصابات و تظاهرات گسترده اقتصاد ایران را تقریباً به طور کامل متوقف ساخته است. بسیاری از مردم شهرهای بزرگ کار نمی‌کنند و از کمبود کالاهای اساسی رنج می‌برند. عملکرد سیستم بانکی متوقف شده و تولید نفت نمی‌تواند نیاز داخلی را

تأمین کند رهبران فعال مذهبی و بسیاری از اعضای سیاسی مخالف خواستار خروج شاه از ایران و یا کناره‌گیری وی از سلطنت شده‌اند. شاه نیز ایران را به بهانه گذراندن تعطیلات ترک کرده است. از شورای نیابت سلطنت خواسته شده تا به وظایف خود در غیاب شاه عمل کند. دولت نخست وزیر بختیار با وظیفه دشوار برقراری نظم در کشور و آشتی دادن عناصر سیاسی مخالف با یکدیگر، روبرو گردیده است.

خلاصه اینکه، ایران یک و نیم دهه رشد سریع و تغییر اجتماعی را پشت سر گذاشته در حالی که نهاد‌های سیاسی آن از این رشد و تکامل برخوردار نبوده‌اند. مردمی که بیش از همه تحت تأثیر این تغییرات واقع شده‌اند اکنون خواستار مشارکت بیشتر در تعیین سرنوشت ایران شده‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند به طور منظم عقاید خود را در مورد مسیر آتی ایران و نحوه تعیین سرنوشت آن ابراز دارند.

چرا انفجار؟

در وهله اول توضیح این سؤال بسیار ساده است ولی این طور نیست. بعضی از تحلیلگران دولتی و غیر دولتی طی سال‌های متمادی خاطرنشان ساخته‌اند که در سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران نقطه ضعفهایی وجود دارد. در اواسط سال ۱۹۷۶، با آغاز عکس‌العمل رهبریت ایران در برابر نارضایتی‌های روز افزون، تحلیلگران موجود در واشنگتن اعلام کردند که مشارکت سیاسی همگام با رشد اقتصادی سریع ایران نبوده و دولت باید زمینه را برای تقسیم بیشتر قدرت فراهم آورد.

از سال ۱۹۷۶ چند رویداد سبب عمیقتر شدن میزان نارضایتیها و تسریع غیر قابل انتظار بحران گردیده است. موفقیت روند نوگرایی اقتصادی یکی از محرک‌های اصلی این موضوع بوده است. رشد اقتصادی توأم با افزایش بیکاری و تورم سبب بالا رفتن میزان نارضایتیها و بیکارانی گردید که دیگر در اقتصاد فعال موجود سهمی نداشتند. در همان حال که دولت ایران گامهایی را در جهت آزادسازی بیان انتقادی و بهبود عملکرد خود در زمینه حقوق بشر برمی‌داشت، شکوه‌های اساسی به قوت خود باقی بود. در همین رابطه، تظاهرات وسیع ضد دولتی در اعتراض به برنامه‌های شاه در اوایل ۱۹۷۸ برگزار شد و آغازی بود بر فعل و انفعالاتی که از آن زمان به بعد شاخص اصلی صحنه ایران بوده است.

مسائلی که در پیش رو داریم:

مهمترین مسأله برای دولت ایران پایان بخشیدن به خونریزیها و اعاده نظم در کشور است تا با برگزاری انتخابات عمومی بتوان در مورد حکومت آتی ایران و اولویتهای داخلی و خارجی آن تصمیم‌گیری نمود. مهمترین کار شورای نیابت سلطنت و دولت غیر نظامی جدید جلب حمایت مردم است تا خشونت پایان پذیرد و فعالیتهای عادی اقتصادی از سر گرفته شود، علاوه بر پایان بخشیدن به رنجهایی که مردم در ماههای اخیر تجربه کرده‌اند، باید محیطی برای مباحثات منطقی بر اساس یافتن یک راه حل سیاسی برای مشکلات ایران در دراز مدت پدید آید.

در کشوری با معضلات ایران نمی‌توان راه‌حلهای سریع را تجویز نمود. در کشوری که خشونت بسیار را تجربه کرده است، نمی‌توان انتظار پدید آمدن پاسخهای خالی از رنج و دردسر را داشت. صلح

داخلی باید برقرار شود و احتمالاً زمان بسیاری باید بگذرد تا مردم ایران بتوانند در مورد آینده سیاسی خود تصمیم‌گیریهایی لازم را بنمایند. نکته مهم این است که این روند باید به طور منظم دنبال شود. ما نمی‌توانیم بگوییم که ایران چه راهی را انتخاب خواهد کرد ولی ایرانیها خود باید این تصمیم مهم را اتخاذ کنند.

تأثیرات منطقه‌ای:

مهمترین سؤالی که به کرات در مورد تأثیرات بحران کنونی ایران مطرح می‌شود این است که آیا ما بی‌ثباتی ایران همراه با رویدادهای اخیر افغانستان، یمن شمالی و جنوبی و شاخ آفریقا را بخشهایی از یک الگوی بی‌ثباتی که جهت‌گیری سیاسی منطقه استراتژیک خاورمیانه را تغییر خواهد داد، نمی‌بینیم؟

در اینجا باید چهار نکته مهم را روشن ساخت:

اولاً، ما می‌دانیم که در منطقه آسیای غربی و شمال شرقی آفریقا تغییراتی بنیادین از جمله نوگرایی اقتصادی، تغییرات اجتماعی، تجدید حیات دینی، ناسیونالیسم و درخواست روزافزون مردمی برای مشارکت بیشتر در روند سیاسی در حال وقوع است. ولی این تغییرات توسط نیروهای داخل همین کشورها پدید آمده است. ما باید بین آنها وجوه تمایزی قائل شده و از ساده‌گرایی پرهیز نماییم. رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدیده‌های پیچیده‌ای هستند و ما هنوز نتوانسته‌ایم از آنها سردر بیاوریم. سیاست آتی ما مانند سیاست سی سال گذشته مان همکاری با کشورهای دستخوش این گونه تغییرات است تا بتوانند به راه‌حلهای سازنده‌تری دست پیدا کرده و با ثبات نوینی این دوران توأم با تغییرات را پشت سر بگذارند. تا زمانی که این ملتها به معنی واقعی کلمه مستقل نشوند و بدون ترس به دنبال کردن سیاستهای خود بپردازند، آمریکا نخواهد توانست جهانی را که مد نظر دارد، ایجاد نماید.

ثانیاً، بی‌ثباتی در کشوری که در یک منطقه استراتژیک قرار دارد عامل مهمی در سیاستهای جهانی محسوب می‌گردد. ما با همپیمانان و دوستان خود در خاورمیانه و نقاط دیگر جهان در تماس نزدیک بوده و از نگرانی آنها مبنی بر این که مبادا مشکلات ایران خطرات موجود علیه استقلال آنها را افزایش دهد، مطلع هستیم. ما به همکاری خود با آنها در جهت کاهش این خطر ادامه خواهیم داد. ما به آنها اطمینان خواهیم داد که ثبات، امنیت و استقلال ملی هر یک از ملل منطقه را تضمین خواهیم کرد. به نظر ما این هدف مشترک اساس همکاریهای صمیمانه‌تر آتی را پی‌ریزی خواهد نمود.

ثالثاً، موضع دراز مدت ما در این منطقه استراتژیک تا زمانی که کشورهای منطقه بتوانند اهداف عمرانی خود را به دور از هرگونه مداخله خارجی دنبال کنند، نیرومند باقی خواهد ماند. احترام ما به اصول دموکراسی و آزادیهای انسانی، درخواست آنها برای دستیابی به قدرت اقتصادی و تکنولوژیک غرب و تلاش ما در جهت پیاده کردن اصول دموکراسی مورد توجه شدید ملل و کشورهای منطقه واقع شده است. آنها می‌دانند که ما آماده‌ایم تا از تلاشهای آنان در جهت تقویت توان دفاعیشان حمایت کنیم بدون آنکه از آنها چیزی را بخواهیم که خود مایل نباشند به ما بدهند.

رابعاً، تغییراتی که ما در این منطقه از آسیای غربی و شمال شرقی آفریقا شاهد آنها هستیم حاوی

اهدافی در جهت پیشرفت و نیز بحران است. بعضی از نقاط این منطقه از جمله ملل بسیار غنی و سریعاً رو به رشد جهان می‌باشند و بعضی دیگر از جمله فقیرترین و سنتی‌ترین جوامع می‌باشند. مبارزه‌ای که ما و دوستانمان با آن روبرو هستیم در نحوه استفاده از فرصتها برای کانالیزه کردن تغییرات در جهت پدید آمدن نتایج سازنده است نه نشان دادن عکس‌العمل صرف نسبت به آن به عنوان یک عامل مهم بی‌ثباتی و تضاد.

البته با گفتن این مطلب خطراتی را که علیه منافع آمریکا وجود دارد نیز کاهش ندادیم، ولی باید منافع مردم منطقه را نیز در نظر گرفت.

سیاست آمریکا:

سیاست آمریکا در قبال ایران همیشه بر سه اصل، با توجه به رویدادهای چند ماه اخیر این کشور استوار بوده است:

۱ - ما به کرات تصریح کرده‌ایم که تصمیمات مربوط به آینده ایران و رابطه بین مردم و دولت ایران باید در ایران و توسط ایرانیها اتخاذ شود. ما مایل نیستیم در زمینه این تصمیم‌گیرها نقشی داشته باشیم و از نظر ما اعمال نفوذ خارجی نادرست است.

۲ - دولت آمریکا در چهار چوب نهادهای ایران و با مقامات این کشور بر اساس مفاد قانون اساسی ایران همکاری کرده است. در قانون اساسی مواد برای تغییر اصول آن وجود دارد و ما از تصمیمات دولت ایران هر زمان و هر جا که بتوانیم مفید واقع شویم حمایت می‌کنیم.

۳ - ما از استقلال ایران حمایت کرده‌ایم. موضع‌گیری ما چنین بود که هیچ نیروی خارجی حق بهره‌برداری از بی‌ثباتی ایران و یا کشورهای دیگر را به نفع خود ندارد، هدف نهایی آمریکا در رابطه با ایران این است که این کشور باید به دور از هر گونه مداخله خارجی بتواند آینده خود را مشخص کند. این اصول دائماً همزمان با آشوبهای سال گذشته ایران به کار گرفته شده و شاخصهای اصلی سیاستهای آتی ما خواهند بود.

در متن این اصول ما این اهداف مهم را دنبال کرده‌ایم:

اولاً، امیدواریم که شاهد پایان خونریزیها باشیم تا مردم ایران بتوانند زندگی عادی خود را از سرگیرند، چون تنها در این شرایط است که با برگزاری مباحث منطقی می‌توان راه‌های سیاسی را برای مشکلات ایران یافت و ثبات را بر این کشور حکمفرما نمود. ما از تمام طرفین خواهیم خواست که با راههای مسالمت‌آمیز به اهداف سیاسی خود دست یابند.

ثانیاً، ما خواهان حفظ روابط خود با ایرانی مستقل، با ثبات و امن هستیم. ما معتقدیم که منافع ایران و آمریکا به یکدیگر وابسته‌اند بنابراین خواستار حکمفرما شدن جوی توأم با احترام متقابل و همکاری مثبت می‌باشیم. ما معتقدیم که این امر به نفع ایران، آمریکا و جهان آزاد خواهد بود.

ثالثاً، ما خواهان ایرانی با ثبات و کامیاب هستیم تا بتواند نقش خود را در منطقه و جامعه بین‌المللی ایفا کند. ما آماده کمک فنی به ایران در سطوح دولتی و دیپلماتیک هستیم تا بنیه تولیدی خود را بازیافته و حس اعتماد بین‌المللی را که طی دهه گذشته نسبت به خود جلب کرده بود بار دیگر

به دست آورد. آغاز مجدد صادرات نفتی ایران به نفع اقتصاد ایران و اقتصاد جهان آزاد است. ما معتقدیم که این اهداف نه تنها به حفظ منافع کشور خودمان بلکه به حراست از منافع مردم ایران نیز خواهد انجامید. به نظر ما همین اهداف زمینه عملی همکاریهای آتی را فراهم می‌آورد.

در پیش رو چه داریم؟

ایران در چنگال یک بحران عظیم اجتماعی گرفتار آمده است و به نظر ما این روند به سادگی حل نخواهد شد و برای ما نیز قابل توجیه نیست که تنها سیر وقایع را پیش‌بینی کنیم. مردم آمریکا و ایران در مورد چهار معیار اساسی توافق دارند.

اولاً، ما هر دو از موروثات مذهبی قدرتمندی برخورداریم.

مردم هر دو کشور به نحوه‌ای از زندگی معتقد هستند که از اصول اخلاقی نشأت گرفته باشد. ما معتقدیم که این اصول باید راهنمای دولتی واقعاً عادل باشد.

ثانیاً، ما معتقدیم که مردم حق اظهار نظر سیاسی از طریق نهادهای تشکیل شده توسط خود را دارند. ما هر دو معتقدیم که ایرانیها باید در مورد حکومت آتی خود تصمیم بگیرند همان طور که در آمریکا این کار توسط مردم آمریکا انجام می‌شود.

ثالثاً، هر دوی ما به استفاده از سلامت ملی خود در جهت بهبود وضع زندگی مردمان معتقدیم. به همین دلیل آمریکا آماده است در زمینه عمران کشور به ایران کمک کند.

نهایتاً اینکه، آمریکاییها و ایرانیها خواستار پدید آمدن ایرانی واقعاً مستقل می‌باشند. ما به هیچ وجه خواهان دیکته کردن سیاستهای دولت ایران نیستیم.

بر اساس همین اشتراک نظر و منافع، ما تلاش خواهیم کرد تا رابطه نزدیک بین ایران و آمریکا را حفظ نماییم.

در نگاهی به آینده، آمریکا با رهبران ایران در جهت تقویت حکومتی غیر نظامی و جلب حمایت مردمی از اعاده نظم و قانون و ایجاد یک بنیاد سیاسی سالم برای تداوم پیشرفت و استقلال ایران همکاری خواهد نمود.

ونس

سند شماره (۱۰)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا در کپنهاک
تاریخ: ۲۹ ژانویه ۱۹۷۹ - ۹ بهمن ۱۳۵۷
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: سفر فرانسوا پونست، وزیر خارجه فرانسه به کپنهاک

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - خلاصه: دفتر وزارت امور خارجه در تاریخ ۶ بهمن ماه در مورد سفر پونست به کپنهاک در تاریخ ۳ بهمن گزارشی به ما ارائه کرد. موضوعات مورد بحث عبارت بوده‌اند از نظام پولی اروپا و رابطه آن با موازنه مقادیر پولی، مناقشه بودجه‌ای پارلمان و شورای جامعه کشورهای اروپایی، خلع سلاح، ایران و تأثیر آن بر حل مسائل خاورمیانه، و هندوچین. (پایان خلاصه)

۳ - فرانسوا پونست، وزیر خارجه، عصر روز ۳ بهمن ماه از راه رسید و در ساعت ۱۰ همان شب

آنجا را ترک گفت. این سفر یکی از چند سفری است که پس از انتصاب به سمت جدید انجام داده است. در کپنهاک وی با وزیر خارجه دانمارک یعنی هنینگ کریستوفرسن و چند تن از دیگر مقامات ملاقات کرد و پس از آن در ضیافت شامی که از طرف کریستوفرسن تهیه دیده شده بود حضور یافت. ۴ - در ملاقات قبل از شام سه موضوع مورد بحث قرار گرفت. نظام پولی اروپا، رابطه توازن مقادیر پولی و آغاز کار نظام پولی اروپا و مناقشه بین شورا و پارلمان جامعه کشورهای اروپایی بر سر بودجه. بنابه گفته مقام وزارت خارجه دانمارکیها در مورد این مسائل با میهمان خود برخوردی «عادلانه» داشتند.

۵ - ضیافت بحث و شام بیشتر یک «ضیافت شام» بود. وزیر خارجه فرانسه در مورد کنفرانس پیشنهادی دولت خود در زمینه خلع سلاح اروپا؛ اوضاع ایران و تأثیر آن بر حل تضاد موجود در خاورمیانه و اوضاع آسیای جنوب شرقی گفتگو کرد.

الف. فرانسوا پونست در مورد کنفرانس خلع سلاح اروپا گفت باید بر اصول موجود در پیشنهاد تأکید خاصی نشده یعنی هر کشور به تنهایی امنیت خود را تضمین نماید. وی در مقام تأیید گفت ابتدا باید به مسئله نیروهای قراردادی و پس از آن به اهمیت شرایط رضایتبخش تأیید پرداخت. وی گفت فرانسه حاضر است در رابطه با پیشرفت کنفرانس صبر و حوصله بسیاری به خرج دهد. (وی در مورد ۱۵ - ۱۰ سال تلاش شوروی در رابطه با کنفرانس از این نوع سخن گفت)

ب - فرانسوا پونست در مورد آینده ایران با «بدبینی» سخن گفت و اظهار داشت که این کشور دچار «آشوب و بی‌ثباتی» خواهد شد. وی گفت نگرانی او این است که اروپا در نتیجه این وضع در اواخر سال جاری دشواریهای مربوط به کاهش عرضه نفتی را تجربه خواهد کرد.

ج - بنابه اعتقاد وزیر خارجه فرانسه، رویدادهای ایران احساس ناامنی اسرائیل و مصر را افزایش می‌دهد. اسرائیل که گذشته از دیگر مسائل نگران وضع آتی نفت است، در انعقاد قرارداد دوجانبه با مصر انعطاف پذیری کمتری نشان خواهد داد و مایل به استرداد قلمرو تحت اشغال خود نخواهد بود. گسترش ناامنی حل مسائل خاورمیانه را از طریق کمپ دیوید دشوارتر خواهد نمود. به گفته فرانسوا پونست این شرایط در صورت انعقاد قرارداد بین مصر و اسرائیل موضع اروپا را پیچیده‌تر خواهد کرد. وی افزود در چهار ماه گذشته جامعه کشورهای اروپایی از انعقاد این قرارداد استقبال می‌کرد، لیکن در حال حاضر پاسخ جامعه کشورهای اروپایی ابهام‌آمیز است. (مقام سفارت خواستار توضیح بیشتر در این مورد شد. اما مقام وزارت خارجه گفت که در ضیافت شام بیش از این چیزی اظهار نشده است).

د - مقام وزارت امور خارجه گفت موضع وزیر امور خارجه فرانسه در مورد هندوچین با موضع آمریکا و دانمارک مطابقت دارد. یعنی حضور ویتنامیها در کامبوج غیر قابل قبول است؛ در مورد تحریم کمکها صحبت شد، ولی در عین حال گفته شد باید راهها باز باشد چون ممکن است ویتنامیها به اشتباهات خود اعتراف کنند. و ویتنامیها باید بدانند که غرب هنوز هم از «طرفین بالقوه» مانشل می‌باشد.

سند شماره (۱۱)

۷۹-۰۲۱۷۳ / ۳۱۵ - TDFIRDB تاریخ: ۵ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۶ بهمن ۱۳۵۷
 طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار، شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای
 بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور
 کشور: ایران

موضوع: بحثهای اقتصادی حامیان آیت‌الله خمینی (تاریخ اطلاعات: اوایل فوریه ۱۹۷۹)
 منبع: یک... و نویسنده مقالات بازرگانی که به مخالفین مذهبی در تهران دسترسی دارد. او قبلاً نیز
 در مورد امور اقتصادی گزارش داده است ولی میزان دسترسی وی به جامعه مذهبی مشخص نیست.
 ۱ - مشاورین آیت‌الله روح‌الله خمینی اکنون به این سؤال پرداخته‌اند که پس از به دست گرفتن
 قدرت چگونه با مشکلات اقتصادی عظیم کشور دست و پنجه نرم خواهند کرد و درصد فرمول‌بندی
 اصول مهم برای هدایت برنامه‌های اقتصادیشان برآمده‌اند. عموماً، آنها از کلی‌گویی در مورد اصل
 ملی‌سازی واحدهای تولیدی و تأکید بر تولیدات کشاورزی یا را فراتر ننهاده‌اند. اصولاً این مشاورین و
 نیز شخص خمینی سعی دارند در ابتدای امر با ماهیت اقتصاد ایران برخورد کنند. در حقیقت حاضرند
 اقتصادی نه چندان پیچیده را بپذیرند تا در آن صورت بتوانند حضور خارجی را در ایران و نیز سلطه
 بیگانگان بر اقتصاد کشور را کاهش دهند. علاوه بر این در مورد نیاز کشور به صادرات نفت به میزان
 قبل از دوران اعتصاب اظهار تردید کرده‌اند. آنها که نگران قدرت جذب اقتصاد کشور هستند معتقدند
 که کاهش تولید اقتصاد را تحت کنترل آنها در آورده و در نهایت سبب کنترل مسیر حرکت آن خواهد
 شد.

۲ - در زمینه‌های خاص، خمینی و مشاورانش در نظر دارند اقدامات زیر را دنبال کنند:
 الف: کشاورزی - خمینی بر این باور است که برنامه اصلاحات ارضی شاه سبب نابودی بسیاری از
 اراضی زراعی ایران در نتیجه تقسیم آنها شده است چون این تقسیمات از نظر اقتصادی مقرون به صرفه
 نبوده و دهقانان را از آزادی چندانی برخوردار نمی‌کرده است. دولت الهام گرفته از خمینی بر
 کشاورزی تأکید خواهد کرد ولی برنامه‌های این دولت برای انجام چنین کاری هنوز طرح‌ریزی نشده
 است.

ب: کارگری - در مورد برخورد با مسئله کارگری و نیز افزایش مزایا و خدمات اجتماعی برای
 کارگران نیز هیچ برنامه خاصی فرمول‌بندی نشده است.

ج: صنعت - خمینی و مشاورانش شدیداً در فکر ملی‌سازی تمام واحدهای تولیدی مهم اقتصاد
 ایران می‌باشند. صنایع بهائیه و به خصوص شرکت مهم «ارج» از این جمله بوده و مورد توجه خاص
 قرار دارد. ولی برنامه‌ای خاص که از طریق آن ملی‌سازی تحقق خواهد یافت و یا از طریق آن بخش
 تولیدی اقتصاد به حرکت در خواهد آمد، تدوین نشده است.

د: بانکداری - بر طبق اصول اسلامی، بانکها دیگر بر اساس معیارهای پذیرفته شده غربی عمل
 نخواهند کرد و ملی خواهند شد. بانکها باز هم پول قرض خواهند داد ولی بهره‌ای به آن تعلق نخواهد
 گرفت، بلکه منافع حاصله از سرمایه‌گذارها قابل توزیع است و ضرر و زیان حاصل از آن قابل جذب.
 سیاستهای مربوط به پس‌انداز و دیگر معاملات بانکی نیز در مرحله فرمول‌بندی است.

۳- (اظهار نظر منبع: طرز فکر اقتصادی خمینی و مشاورانش نادر است و پس از تفحص بیشتر از جمله در مورد نحوه اجرای برنامه ملی‌سازی، این مشاورین می‌گویند که جزئیات بعداً به اطلاع خواهد رسید. بخش اعظم این طرز فکر ناشی از ساده‌اندیشی است و در حین اتخاذ تصمیم در مورد اقتصاد و مولد بودن آن تغییر خواهد کرد.)

۴- بدست آمده در: ایران، تهران (۴ فوریه ۱۹۷۹). شماره از حوزه فعالیت ۱۰۴۳۸ - NIT
۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و مشاور اقتصادی در تهران. ارسال شده به پاریس، کویت، جدّه، ابوظبی، امان، قاهره، تل‌آویو، منامه، مسقط، دهلی نو، کابل، اسلام‌آباد، کراچی (فقط برای مقامات ارشد).

طبقه‌بندی گزارش سری: هشدار، شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای مشاورین یا مشاورین پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده. تا تاریخ ۵ فوریه ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده است. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

سند شماره (۱۲)

خیلی محرمانه

استانلی تی.^۱ اسکودرو

چه اشتباهی در ایران رخ داد؟

در تمام مدت بعد از جنگ و به خصوص از سال ۱۹۵۳ به این طرف، آمریکا با شاه ایران و رژیمش رابطه‌ای بسیار نزدیک برقرار نمود. ما در سرنگونی نخست وزیر چیگرا و ناسیونالیست یعنی مصدق و بازگرداندن شاه از تبعید مختصرش در اروپا نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودیم. ما چند میلیارد دلار در زمینه پروژه‌های کمک دو جانبه مصرف کردیم که بسیاری از آنها به خوبی قابل درک بود و مورد تمجید قرار گرفت. بر اساس منافع مشترک امنیتی و نیز قدرت خرید ایران، ما به ایران کمک کردیم تا به صورت قدرت بی‌چون و چرا در خلیج فارس درآید. ما در آن کشور دارای هزاران مستشار و تکنیسین نظامی و غیر نظامی بودیم. از حاکمی نیرومند و مستبد حمایت می‌کردیم که در نتیجه بصیرت خویش به ضرورت عمران ملی پی برده بود و ظاهراً آن قدر شجاع بود که هدایت ایران را در مسیر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ملی به دست گرفت تا ایران بتواند به قرن بیستم وارد شود. این فهرست بسیار عریض و طویل است ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که ما در انجام این کارها موفق بودیم.

لیکن پس از بازگشت به تهران در نوامبر ۱۹۷۸، پس از ۳ سال و نیم دوری از این شهر، متوجه شدم که شاه آخرین روزهای عمر حکومت خود را پشت سر می‌گذارد. مقامات آمریکایی با وسایط نقلیه زرهی و همراه گاردهای مسلح سفر می‌کردند، تا از آنها نه در برابر گروههای منزوی تروریستی بلکه در برابر دسته‌های عظیمی از افراد ایرانی معمولی حراست به عمل آید. سفارت و دیگر تأسیسات آمریکا و دولت ایران نیز به وسیله کامیونهای مملو از سربازان ایرانی مسلح به سلاحهای خودکار در

۱- استانلی اسکودرو دوبار در ایران خدمت کرده است؛ آخرین دوره آن به صورت موقت و بین ماههای نوامبر ژانویه بود. در حال حاضر وی در دفتر امور ایران / UNP خدمت می‌کند.

برابر این گونه خطرات حراست می‌شد. با این وصف سفارت و کنسولگری ما در تبریز مورد حمله قرار گرفت و محوطه سفارت به تصرف مهاجمین در آمد. بعدها خود سفارت نیز برای مدت کوتاهی به تصرف مهاجمین درآمد. احساسات ضدآمریکایی خشونت‌بار در تمام بخشهای جامعه ایران حس می‌شد و بسیاری از قدرتهایی که ما سیاستهای خویش را بر آنها بنا نهاده بودیم اکنون به صورت خطری متوجه خود ما شده بود، این وضع پس از عزیمت شاه در اواسط ژانویه بسیار وخیمتر گردید. خطر تجدید و تشدید هرج و مرج، جنبه‌ای واقعی‌تر به خود گرفت.

واضح است که سیاست ایرانی ما که برای مدت ۳۰ سال در خدمت به ما مؤثر واقع شده بود، اکنون به صورت عاملی بی‌ربط و ناهنجار در آمده و در مواردی بسیار حتی قبل از سقوط شاه نیز خطرانی را علیه منافع ما بوجود آورده بود. بنابراین بجاست اگر سؤال شود که در ایران چه اشتباهی رخ داده و چرا ما با وجود این همه منافع در ایران وقوع آن را پیش‌بینی نکرده بودیم.

شرح کامل وقایع و نیروهایی که منجر به سقوط دیکتاتوری شاه گردید تا مدت‌ها موضوع بحثهای علمی خواهد بود، به هر حال، در این نوشتار امکان این کار نیست. ولی می‌توان گفت که این وضع به طور مسلم نتیجه مستقیم یک انقلاب اصیل داخلی بود، نه ناآرامی و آشوب هدایت شده از خارج. آنچه که به طور بسیار ساده‌لوحانه‌ای گفته شده این است که نظام حکومتی شاه به وجود یک دست قدرتمند در رأس حکومت با حمایت یک مکانیزم حکومتی خشن و توان مالی لازم برای کاهش نارضائیتها از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی، سوبسید مستقیم و همکاری کسانی که ممکن بود در غیر این صورت به مخالفت با رژیم برخیزند، بستگی داشت. سالها سرکوب، فساد، عدم مدیریت، چالوسی و تملق، وعده‌های توخالی، و عدم سیاست و کارایی کلی هر دو ستون رژیم را تضعیف و باعث شد که بسیاری از ایرانیها که به هر حال نسبت به حکومت خویش بدبین و بی‌اعتماد هستند، نسبت به موفقیت‌های چشمگیر و باارزش حکومت سلطنتی واقعیات را نادیده بگیرند. نوآوری سریع و فرصتهای آموزشی رو به رونق نیز صحنه را برای سقوط پهلوی فراهم نمود.

به نظر من، دو واقعه در مرحله نهایی سقوط نقش بسیار بسزایی داشته‌اند. واقعه یا عامل اول و مهمتر تصمیم سال ۱۹۷۴ شاه مبنی بر استفاده از درآمد افزایش یافته نفتی ایران در تسریع حرکت برنامه‌های عمرانی ملی بود که با پذیرفته شدن این خطر همراه بود که ممکن است تولید آن قدر افزایش نیابد که موجب افزایش تقاضا و از بین رفتن تورم گردد. در زمان آغاز این تصمیم ایران دارای یک تورم دو رقمی بود، کشور فاقد زیربنای فیزیکی، نیروی انسانی مجرب و مدیریت متخصص ضروری جهت جذب برنامه‌هایی معادل ۵۰ درصد برنامه‌های جاه‌طلبانه بود. این نقائص در نتیجه تلاش و سرسپردگی شاه به تجهیز غیر ضروری و بیش از حد ارتش، بیشتر جلوه‌گر شد. در نتیجه، در تمام موارد برنامه‌های عمرانی ناموفق ماند ولی تورم رو به افزایش گذاشت. سطح تورم در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد است. با وخیمتر شدن وضع اقتصادی شکاف موجود در توزیع درآمدها آشکارتر گردید. نارضایتی مردم افزایش یافت و توان رژیم در استفاده از منابع مالی به عنوان وسیله‌ای برای حفظ بقای خود رو به ضعف نهاد.

رویداد دوم ظهور سیاست حقوق بشر دولت کارتر بود. بسیاری از ایرانیها سرسختانه معتقدند که سیاستهای کشورشان از اواخر قرن نوزدهم، بوسیله یک دست خارجی هدایت می‌شود، که اولین آنها

روسها یا انگلیسیها بوده و از سال ۱۹۵۳ به بعد آمریکاییها بوده‌اند. بعضی از مخالفین، سیاست حقوق بشر را گامی در جهت دوری از شاه و ضعف بعدی تاج و تخت تلقی می‌کنند. چون در نتیجه آن، آنها تشویق و فعالیت‌گردیده بودند. در همان حال شاه نیز که مایل بود جو سیاسی خاصی پدیدار گردد تا امکان انتقال قدرت به فرزندش پیدا شود و شاید عکس‌العمل در قبال سیاست حقوق بشر نشان داد، اقداماتی انجام داد تا حیات سیاسی ایران آزادتر گردد.

به طور کلی می‌توان گفت که ایرانیها نسبت به قدرت حکومت نظر خاصی دارند، یعنی آن را مانعی در راه موفقیت‌های فردی تصور می‌کنند و به همین دلیل سعی می‌کنند در هر حال آن را نادیده بگیرند. پس از این نادیده گرفتن و تخلفها، قدرت حکومتی قابل تحقیر می‌باشد؛ ولی حکومتی که در آن تخلف جایز نباشد از نظر آنها واجد احترام همراه بایی میلی است.

حکومت مطلقه شاه حد و حدود ابراز مخالفتها را معین کرده بود. ولی حرکت‌های وی مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و بیانی‌های ما در زمینه حقوق بشر این ابعاد را تغییر داده و ابعاد جدیدی را جایگزین آن ساخته بود مردم ایران که نمی‌خواستند باور کنند رژیم اگر ضعیف نباشد میزان کنترل خود را کاهش نخواهد داد. در تمام جهات به اعمال فشار پرداخته و تلاش کردند با این کار محدوده‌های جدید رفتار سیاسی فردی را مشخص کنند تا به امروز آنها نتوانسته‌اند این مرزها را شناسایی کنند؛ چون شاه نمی‌توانست یا نمی‌خواست دست به اقدامات خنثی بزند که در گذشته موقعیت وی را مستحکم ساخته بودند و دولت جدید نیز هنوز نتوانسته است ابراز قدرت لازم تخصص در مدیریت و انسجام ملی را که باید برای نیل به موفقیت در اختیار داشته باشد بدست گیرد.

در زمانی مناسب، رهبر تبعیدی اسلامی آیت‌الله روح‌الله خمینی، مخالفت خود را از سرگرفت و به صورت نشانه و عامل خشونت و خشم مردم در آمد. همانطور که در زمینه هر حرکت انقلابی ملی موفقیت‌آمیز در ایران معاصر صادق است، این نهاد اسلامی نیز محیطی مورد احترام را برای ائتلاف عناصر مخالف پدید آورد و برای به حرکت در آوردن نهضت از توان ارزشمند خود در بسیج شمار عظیمی از مردم استفاده کرد.

همین ائتلاف انقلابی مستقیماً یا به طور غیر مستقیم باعث مرگ یک شاه، اخراج یک شاه دیگر، و تبعید موقت شاه سومی در طول ۸۳ سال گذشته شده است. اکنون نیز باعث انقراض حکومت آخرین شاه احتمالی این کشور گردیده است. از میان تمام شاهانی که از زمان تأسیس سلسله قاجاریه در سال ۱۷۹۶ در ایران حکومت کرده‌اند، تنها یک شاه با انتقال آرام و بدون دردسر قدرت به تاج و تخت دست یافته است. با در نظر گرفتن این شواهد تاریخی باید گفت که خطری که محمدرضا پهلوی را از سوی انقلاب ایران تهدید می‌کرد نباید باعث شگفتی شود. ولی همه شگفت‌زده شده‌اند.

ساده‌تر بگویم، ما برای سقوط رژیم پهلوی آماده نبودیم چون نمی‌خواستیم واقعیت را بپذیریم. گفتن این مطلب که پس از سال ۱۹۵۳ شاه به صورت باز یچه آمریکا در آمده بود مبالغه‌آمیز است ولی این مبالغه چندان شدید نیست. به هر حال با گذشت سالها او بیشتر نسبت به خودش اعتماد پیدا کرد و برخورد ما یا او نیز به صورت یک طرف مساوی در آمد ولی با رشد این رابطه سالمتر، خطای اساسی در سیاست آمریکا بیشتر جلوه‌گر شد، که همانا همسو خواندن منافع آمریکا در ایران و منافع رژیم پهلوی بود. در حدود سال ۱۹۶۸ یعنی زمانی که در خاطر من مانده، می‌بینم که سیاست پنهانی وزارت

خارج، سفارت (و احتمالاً دولت، گرچه یک مقام تازه کار چون من نمی‌تواند در این مورد با قاطعیت اعلام نظر کند). بر ارسال گزارشهایی خطیر در انتقاد از شاه استوار بود. در طول خدمت خود در تهران در سالهای ۷۵ - ۱۹۷۱ نیز شاهد پیگیری همین سیاست بودم. پس از مطرح کردن این سؤال به طور کلی، به من گفته شد که اطلاعات خطیر می‌تواند به خارج رخنه کرده و توسط دشمنان شاه در واشنگتن مورد استفاده نادرست قرار گیرد. در مورد یک موضوع خاص وقتی که به من دستور داده شد که در مورد ازدواج موقت شاه با یک زن ایرانی گزارشی ارسال نمایم، به من اطمینان داده شد که این موضوع در نامه‌های رسمی و غیر رسمی به طور کامل مطرح شده است. ولی به نظر من نمی‌توان به این ترتیب جامعه اطلاعاتی را در جریان یک رویداد مهم قرار داد.

از طریق تحمیل این سیاست اصولاً غیر صادقانه در طول دهه گذشته وزارت خارجه خود را از اطلاعاتی محروم نمود که می‌توانست آمریکا را بهتر از پیش آماده پذیرش رویدادهای اخیراً ایران سازد.

محدود شدن تماسهای بین سفارت و کسانی که تماس آنها با ما از نظر شاه مانعی نداشت نیز این خطا را شدت بیشتر بخشید. تماس با رهبران جناح مخالف و تشکیلات اسلامی ممنوع شده بود. به جای آن سفارت می‌بایست تنها با همان محفلی از رابطها تماس بگیرد که طی ۲۵ سال گذشته آنان را در اختیار داشته است. به طور کلی این افراد حامی شاه بودند. ثروت، قدرت نفوذ و تا حدودی رفاه جسمانیشان به ادامه الطاف سلطنتی بستگی داشت. لیکن در نگرش به ایران از دید آنها ما نیز این کشور را مانند یک سلطان می‌دیدیم. بنابراین شگفت‌آور نیست که ببینیم اکثر گزارشهای ارسالی در حمایت از شاه و برنامه‌هایش بوده‌اند.

حتی در صورتی که می‌خواستیم نظریات تمام عناصر جامعه ایران را گزارش کنیم، فقدان مقاماتی که در زمینه کاربرد زبان فارسی شایستگی داشته باشند، کار ما را با موانع خاصی روبرو می‌ساخت. حفظ تماس با سران اسلامی و بازاری، بدون وارد بودن به زبان فارسی غیر ممکن است و همین مسئله در مورد بسیاری از اساتید و دانشجویان دانشگاهی نیز صادق است. یک مسافر در سفر خود به استانها اگر نتواند به زبان مردم صحبت کند، در هاله‌ای از جهالت خواهد ماند.

روسها قبل از ارسال هر یک از مأمورین خود به ایران قبلاً آنها را به مدت پنج سال در زمینه مطالعات شرقی آموزش می‌دهند، تا به محض ورود بتواند به زبان فارسی تکلم کرده و حتی بنویسند. امکان در پیش گرفتن برنامه‌ای مشابه برنامه‌های روسی عملی نیست، ولی مقامات ما خوشبختند که می‌توانند حداقل مدت ۱۰ ماه در زمینه زبان فارسی آموزش ببینند. لیکن قبل از ورود به محیط تهران که زبان انگلیسی در آن کاملاً رایج است، باید آموخته‌های خود در آمریکا را طی یک دوره شش ماهه در یکی از دانشگاههای ایرانی خارج از تهران مانند دانشگاه فردوسی مشهد که برنامه فارسی بسیار خوبی دارد تقویت نمایند. گذراندن این دوره سخت برای تمام مقامات متخصص زبان آسان نیست ولی باید از مقامات سیاسی خواسته شود که این دوره را حتماً بگذرانند.

با بررسی وقایع گذشته واضح است که ما به جاهل و غافل ماندن خود در مورد بسیاری از جنبه‌های شرایط ایران از طریق وارد شدن از آسانترین راه ممکن کمک کرده‌ایم. ما راهی نداشتیم مگر آنکه با حاکم مطلق ایران که در هر حال تمام امکانات را در اختیار ما قرار می‌داد، برخورد داشته

باشیم. بنابراین چرا بیشتر خود را به در دسر بیندازیم؟ به هر حال، در جهان امروز هر سیاستی که بیش از ۲۵ سال قابلیت کاربرد داشته باشد سیاست خوبی است. موضوعی که باعث شرمساری ما شده اینست که ما در صدد یافتن راه حل نبوده‌ایم بلکه از یک بازنده حمایت کرده‌ایم. در صورتی که می‌توانستیم حوزه تماس‌های خود را گسترش داده و در همان حال مانع از آسیب‌پذیر شدن روابط خود و شاه نیز بشویم. هنگامی که ما او را از تصمیمات خود در زمینه تماس با مخالفین مطلع ساختیم، او با مسئله با تردید و سوء ظن برخورد نمود. حتی اتخاذ یک سیاست گزارشگری که کمتر در آن ابهام و تردید باشد نیز نمی‌توانست ما را در نجات شاه یاری دهد. آن چه بر او رفت، دیر یا زود و شاید در مورد این شاه نه بلکه در مورد فرزندش رخ می‌داد ولی زمانی که ما از پیدایش انقلاب با خبر شدیم، متوقف ساختن آن غیر ممکن شده بود. اما در صورتی که دولت ما آماده اقدام بر اساس اطلاعات متناقض با سیاست موجود بود با تماس‌های وسیعتر و گزارشات دقیقتر و حتی به قیمت به خطر افتادن روابط صمیمانه دولت آمریکا و دولت ایران، ما می‌توانستیم بسیاری از وقایع را پیش‌بینی کرده و میزان خسارات وارده به موقعیت خویش در ایران را به حداقل کاهش دهیم. امروزه، تا آنجا که به دولت کنونی و مردم ایران مربوط است. این وضع و موفقیت به خطر افتاده و با دشواری بسیار و زحمات طاقت فرسا شاید بتوان آن را احیا نمود.

ما در دوران بعد از جنگ چین و در ویتنام مرتکب همین خطا شدیم و هرگاه که منافع خویش و دولت مورد حمایت خود را تمیز ندهیم باز هم همین طور خواهد شد. ولی بالاخره باید بیاموزیم که هدف از گزارشات سیاسی ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیل‌های آگاهانه برای کمک به اتخاذ تصمیم‌گیریهای لازم در زمینه خط مشی‌های آتی است، نه پیگیری و حمایت از سیاستهای موجود. بالاخره باید اعتراف نمود که هیچ سیاستی خالی از خطا نیست.

طبقه‌بندی شده توسط گالن فوکس مطابق برنامه خروج از طبقه‌بندی بخشنامه اجرایی شماره ۱۲۰۶۵ است. در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۸۵ از طبقه‌بندی خارج خواهد شد.

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ - ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: دریادار اف. سی. کالینز، نیروی دریایی آمریکا

به: رئیس اطلاعات، اداره نیروی دریایی، واشنگتن دی. سی. ۲۰۳۵۰

پیوست: (۱) چهارچوب لازم برای سخنرانی در مورد انقلاب ایران

موضوع: تأیید متن سخنرانی؛ درخواست برای:

۱ - از ماه مه ۱۹۷۸ تا فوریه ۱۹۷۹ اینجانب به عنوان مشاور اصلی فرمانده کل قوا در نیروی دریایی شاهنشاهی ایران خدمت می‌کردم و در عین حال سرپرست بخش نیروی دریایی هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران نیز بودم. لازم است بگویم که این دوره بسیار پر ماجرا و جالب بود، چون فرصتی بسیار شگفت‌انگیز فراهم نمود تا جهش ایران از یک نیروی دریایی مربوط به جنگ جهانی دوم به تکنولوژی قرن بیستم و ناوشکنهای کوروش طبقه ۹۹۳ و نیز انقلابی بسیار خوشونت‌بار

که توانست یک دودمان ۵۰ ساله حکومت استبدادی را سرنگون سازد، مشاهده نمایم.
۲ - با پیش‌بینی این که شنیدن این داستان دست اول برای بعضیها جالب توجه خواهد بود، مطالبی را تحت عنوان «آنا تومی انقلاب» به رشته تحریر در آورده‌ام تا زیر بنا یا مبنای نکات مطروحه توسط اینجانب باشد. این نوشتار جنبه واقعیت‌نگاری دارد و تنها در دو صفحه آخر به ذکر نظریات شخصی و علت وقوع آن پرداخته‌ام.

مطالب دارای عناوین مربوطه و مناسب نیز خواهد بود. کمکهای بصری اینجانب در تأیید مطالب عبارتند از گرافها و اسلایدهای ۳۵ میلیمتری استخراج شده از روزنامه‌های کیهان و تهران ژورنال - یعنی دو روزنامه انگلیسی زبان تهران که در دوره مورد نظر منتشر می‌شد.

۳ - مایلم شما نیز استفاده از این مطالب را در سخنرانیهای آینده در مورد موضوع انقلاب در ایران مورد تأیید قرار دهید. برای مدت کوتاهی از منطقه واشنگتن خارج خواهم شد و پس از آن از طریق وست کوست (کالیفرنیا - م) عازم مأموریت می‌شوم، بنابراین در صورت تمایل می‌توانید بین تاریخ ۲۸ آوریل تا ۷ مه از طریق فرمانده نیروهای زمینی اقیانوس آرام در سان‌دیگو با من تماس حاصل نمایید. پس از این تاریخ جهت خدمت خود را به عملیات - ۴۰ معرفی خواهم کرد.

۴ - با تشکر اف. سی. کالینز

رونوشت برای: رئیس هیئت مستشاری نظامی آمریکا

در ایران

آنا تومی انقلاب

پیشگفتار

اختتام ۲۵۰۷ سال امپراطوری ایرانی در تاریخ ۱۱ فوریه، همه را از جمله آیت‌الله روح‌الله خمینی و نخست وزیر بختیار در شگفتی فرو برد. چه واقعه‌ای رخ داد؟ این واقعه چگونه رخ داد؟ آنچه در ذیل می‌آید نظریات من در این مورد است.

آغاز

* ژانویه ۱۹۶۳ - زمانی بود که شاه از طریق «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» زمینهای سلطنتی و موقوفی را بین دهقانان و روستاییان تقسیم نمود. می‌گویند ۶۰ درصد این زمینها متعلق به روحانیون بوده است. برای پی بردن به ژرفای نفوذ روحانیت کافی است بدانید که در این کشور ۳۵ میلیون نفری حدود ۸۰۰۰۰ مسجد، ۱۸۰۰۰۰ ملا و بیش از ۱۲۰۰ آیت‌الله وجود دارد. یکی از ناراضیانی که علناً بر سر موضوع تقسیم اراضی با شاه به مخالفت خشونت‌بار برخاست، روح‌الله خمینی بود که در شهر مقدس قم در ۹۰ مایلی جنوب تهران مشغول تدریس بود. به خاطر همین مخالفت تبعید شد و تا تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۸ یعنی زمان عزیمت به پاریس، در شهر مقدس نجف به سر می‌برد. نقل مکان وی به پاریس در نتیجه اعمال فشارهای مقامات عراق صورت گرفت چون می‌خواستند که روابط بهبود یافته شان با ایران به قوت خود باقی بماند.

* تجلیات خارجی انقلاب در ایران به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۷۸ برمی‌گردد که در آن دانشجویان در

قم و اصفهان دست به شورش زدند. در اصفهان و دیگر شهرهای اطراف حکومت نظامی برقرار گردید. * در ژوئیه ۱۹۷۸ آرامش نسبی در تهران برقرار بود، ولی گاهی نیز تظاهراتی برگزار و اماکن عمومی (بانکها، مشروب‌فروشیها و ماشینها) تخریب می‌شد. شاه و خانواده‌اش بخش اعظم تابستان را در دریای خزر می‌گذراندند. شایعه مربوطه به سوء قصد به جان شاه توسط یک افسر جوان ارتش (ستوان خاتمی، فرزند ژنرال خاتمی متوفی) تکذیب شد و عکسهای شاه و شهبانو در روزنامه‌ها منتشر گردید.

* بمب‌گذاری اوت ۱۹۷۸ در رستوران خانسالار تهران و پس از شورشهای اصفهان در تاریخ ۱۱ اوت به وقوع پیوست و بالاخره در آن تاریخ ۱۷ اوت فاجعه سینما رکس آبادان رخ داد که در آن ۳۷۷ نفر کشته شدند و این سرآغازی بود بر دورانی توأم با شورشهای فعال و مداوم. * آیت‌الله شریعتمداری، چهره مذهبی برجسته کشور، علناً خواستار انجام اصلاحات گردید و آیت‌الله طالقانی که پیشگام زندانیان سیاسی بود توسط شاه از زندان آزاد گردید، ولی او نیز به شریعتمداری پیوست. در این زمان دولت سعی کرد با خمینی در عراق وارد مذاکره شود ولی موفق نشد.

* ۲۷ اوت ۱۹۷۸. یکی از نشانه‌های بارز پیدایش مشکلات، استعفای نخست وزیر آموزگار است در حالی که بیش از یک سال عهده‌دار این سمت نبود.

* ۲۸ اوت ۱۹۷۸. جعفر شریف امامی که در سالهای ۶۱ - ۱۹۶۰ نخست وزیر بود، وارد این پست شد. همه گمان می‌کردند که او فردی محافظه‌کار است که می‌تواند با روحانیون، جبهه ملی و غیره ارتباط برقرار سازد؛ متأسفانه امامی تحرک و قاطعیت چندانی ندارد و تظاهرات و خرابکاریها ادامه یافته است.

* ساعت ۶ صبح هشتم سپتامبر. حکومت نظامی در تهران (مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۹ شب تا ۵ بامداد) و ۹ شهر دیگر ایران برقرار شد. نکته مهم اینکه هیچ یک از شهرهای تحت کنترل نیروی دریایی تابع حکومت نظامی نبودند. ژنرال اویسی فرمانده نیروی زمینی رئیس حکومت نظامی تهران گردید. صبح روز ۸ سپتامبر، جمعیت زیادی در میدان ژاله گرد آمدند تا از میزان جدیت حکومت در زمینه منع مقررات عبور و مرور مطلع شوند. به ناچار، نظامیان بر روی مردم آتش گشوده و حدود ۳۰۰ نفر را کشته و حدود ۱۰۰۰ نفر دیگر را زخمی کردند. (آمار دولتی حاکی از کشته شدن ۷۰ نفر و زخمی شدن ۲۸۰ نفر بود).

* ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸. زلزله در شهر طبس واقع در شمال شرقی ایران منجر به کشته شدن حدود ۲۵۰۰۰ نفر شد و غمی دیگر بر ناراحتیهای شاه افزوده شد.

* ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸. خمینی، نجف عراق را به مقصد پاریس ترک می‌گوید و مبارزه تبلیغاتی وسیعی را علیه دودمان «پهلوی» و دولت آغاز می‌کند.

* اوایل اکتبر. شاهد تظاهرات کارگران پستخانه و بیمارستانی و غیره بود. در تاریخ ۱۱ اکتبر اعتصاب ۴ روزه روزنامه‌ها در اعتراض به سانسور مطبوعات شروع شد.

* ۲۶ اکتبر روز تولد شاه. مراسمی خالی از جنجال؛ بار عام در کاخ گلستان در پائین شهر تهران با بازرگانان، فرهنگیان، روحانیون و مقامات ارشد نظامی. وضع مزاجی شاه خوب است، مردم تحت

تأثیر واقع شده‌اند شاه در اتومبیلی بدون حضور افراد امنیتی در میان صفوف حضار در کاخ راندگی کرد.

* او اواخر اکتبر. ساواک پلیس امنیتی و اطلاعاتی ایران به باد انتقاد گرفته شد. ژنرال نصیری رئیس پیشین ساواک متهم به قتل گردید.

* اول نوامبر. آغاز اعتصاب کارگران نفتی.

* ۴ نوامبر. از کریم سنجابی رهبر جبهه ملی دعوت شد تا از پاریس یعنی محل مذاکره‌اش با خمینی، به ایران بازگشته و دولتی را تشکیل دهد؛ خمینی فرصت ایجاد یک راه حل مسالمت‌آمیز را از بین برد.

* ۵ نوامبر. حمله به بانکها، سینماها و مشروب‌فروشیها به اوج بی‌نظمی و آشوب رسید. تا به حال ۳۰۰ بانک تخریب شده، ساختمان ۱۱ طبقه بانک ملی ایران با خاک یکسان شد. مقر ۷ طبقه بانک ملی دستخوش حریق گشته، تعداد بیشماری از سینماها و مشروب‌فروشیها به آتش کشیده شدند. دولت شریف‌امامی استعفا می‌دهد.

* ۶ نوامبر. شاه، ژنرال غلامرضا ازهاری را به عنوان نخست وزیر برگزید. او نیز به نوبه خود خواستار برقراری نظم و آرامش گردید و به وجود فساد در دولت اعتراف نمود. سخنرانی وی مورد قبول همگان قرار گرفت و تنها برخی معتقدند که او نیز مرتکب اشتباهات شخصی خواهد شد؛ قانون اساسی می‌گوید که شاه نمی‌تواند خطا کار باشد ولی دولت چرا.

رؤسای قوای سه گانه به وزارتخانه‌ها منصوب گردیدند؛ ربیعی - وزیر مسکن، اویسی - وزیر کار، حبیب‌اللهی - آموزش و پرورش / صنایع / فرهنگ / آموزش عالی، قره‌باغی - وزیر کشور و غیره. یک هفته بعد استعفا داد چون بر اساس قانون اساسی نمی‌تواند دارای دو پست مهم دولتی باشد.

* محرم (۱۰ - ۱۱ دسامبر). عزاداری برای امام حسین، سومین امام؛ فرزند علی، جانشین محمد؛ آغاز تظاهرات وسیع - سرپیچی از قوانین حکومت نظامی - سردادن شعارهای الله اکبر از روی بامها نیز مانند تحقیر حکومت نظامی به صورت امری عادی در آمده است.

* ۷ - ۸ دسامبر. تخلیه وابستگان آغاز شد تا خطر ناشی از شورشهای ۱۰ - ۹ دسامبر کاهش یابد.

* تاسوعا (۹ دسامبر). رژه توسط ازهاری مجاز شناخته شد. ۳۴ میلیون تا یک میلیون نفر تا شهیاد پیاده روی کردند.

* عاشورا (۱۰ دسامبر). تاسوعا تکرار می‌گردد. میزان جمعیت همان است.

* دسامبر. قطع برق شبانه، کمبود بنزین، نفت و گازوئیل. صفوف ۴۸ ساعته بنزین، صفوف نفت حداقل ۱۰ - ۸ ساعت. کمبود گازوئیل خانه‌ها و حمامها را سرد نموده است.

* ۳۰ دسامبر. به ژنرال ازهاری یک سکتة قلبی خفیف دست داده و خواستار کناره‌گیری از پست نخست وزیری شده است.

* ۳ ژانویه ۱۹۷۹. از صدیقی برای تشکیل حکومت دعوت شد ولی نتوانست کابینه‌ای را تشکیل دهد. ژنرال اویسی، فرمانده نیروی زمینی و رئیس حکومت نظامی تهران از کشور خارج و عازم آمریکا گردید. بدعاقبتی بود. شاپور بختیار موافقت کرده است که به سه شرط حکومتی را تشکیل دهد

که عبارتند از: شاه کشور را ترک نماید؛ به او آزادی عمل داده شود؛ و ارتش نیز تحت کنترل وی درآید. شاه نیز موافقت می‌کند.

* ۷ ژانویه ۱۹۷۹. بختیار کابینه خود را تقدیم می‌دارد که همه ضد شاه هستند. این کابینه اکنون باید مورد تصویب مجلس و سنا واقع گردد. مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۱۱ شب تا ۵ صبح است. صحبت از کودتاست.
* ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹. کابینه بختیار مورد تأیید قرار می‌گیرد.

چرخش ناگهانی قضایا

* ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹. شاه ایران را برای استراحت ترک می‌کند و شورای نیابت سلطنت را عهده‌دار امور می‌گرداند. تهرانی رئیس شورا می‌شود. هیجان زیادی وجود دارد. شاه یک روز را در بندرعباس به سر برد.

* ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹. یک روز را نیز در بوشهر به سر برد. روحیه ضعیف است ولی کاملاً درهم شکسته است.

* ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹. کمونیستها تظاهرات عظیمی را در پائین شهر تهران برگزار کرده و با مقداری مخالفت روبرو می‌شوند.

* ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹. خمینی تهدید می‌کند که به تهران باز خواهد گشت؛ فرودگاه مهرآباد به مدت ۵ روز بسته می‌شود.

* ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹. طرفداران قانون اساسی در حمایت از بختیار راهپیمایی موفقیت‌آمیزی تا میدان بهارستان مقابل مجلس به راه می‌اندازند. ۵۰۰۰۰۰ - ۳۰۰۰۰۰

* ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹. بختیار می‌گوید که آماده است با خمینی در پاریس ملاقات نماید؛ خمینی می‌گوید: «استعفا در دست پیش بیا».

۱ فوریه ۱۹۷۹. خمینی پس از ۱۵ سال به ایران باز می‌گردد. ۷۵۰۰۰۰ تا ۱ میلیون با بیان «آقا آمد» به استقبال وی می‌شتابند.

۶ فوریه ۱۹۷۹. خمینی، مهدی بازرگان ۷۰ ساله را به عنوان نخست وزیر حکومت انقلابی منصوب می‌نماید. بختیار می‌گوید که دولت انقلابی لطیفه‌ای بیش نیست.

۸ فوریه ۱۹۷۹. هفت تن از وزرای کابینه بختیار به سمت بازرگان می‌روند. قره‌باغی در مدرسه افسری می‌گوید «وظیفه ارتش دفاع از کشور است نه وارد شدن در سیاست».

۹ فوریه ۱۹۷۹. در کلیسای جامعه مسیحیان تهران یک سخنرانی تحت عنوان «نمی‌توان از هیچ چیز سر درآورد» ایراد می‌شود. در دوشان‌تپه، همافران دست به شورش می‌زنند. از گارد سلطنتی خواسته می‌شود تا آن را سرکوب کنند.

۱۰ فوریه ۱۹۷۹. شایع شده که ارتش به نبرد با نیروی هوایی پرداخته است. تیراندازی و آتش سوزی در جنوب قرارگاه نیروی دریایی.

مقررات منبع عبور و مرور از ساعت ۱۶/۳۰ آغاز می‌شود، با سرکوب ناآرامیها در دوشان‌تپه، بخش نیروی دریایی وارد عمل می‌شود؛ هیئت مستشاری نظامی آمریکا تصمیم به اقامت در قرارگاه

نیروهای سه گانه می‌گیرد. کلانتریها به ترتیب و به طور منظم به تسخیر در می‌آید.

پایان دوران یک دودمان

۱۱ فوریه ۱۹۷۹. از همه خواسته شده تا از منازل خود خارج نشوند. تیراندازیهای پراکنده. قهرباغی حرکات ارتش را با عبارت «سیاست را برای سیاستمداران بگذارید» خنثی می‌کند. گارد سلطنتی به پادگان بازمی‌گردد. مردم دچار جنون می‌شوند. شایع شده که آب شهر زهرآلود گشته است. ژنرال بدره‌ای، جعفریان و بیگلری هر سه امروز کشته شدند.

۱۲ فوریه ۱۹۷۹. اسلحه خانه گارد سلطنتی به تصرف در می‌آید. هزاران قبضه سلاح، و میلیونها فشنگ اکنون در اختیار انقلابیون قرار گرفته است. رادیو اعلام می‌کند برای خنثی کردن انقلاب آمریکاییها نیز به گارد سلطنتی پیوسته‌اند. افراد گارد سلطنتی یا به انقلابیون پیوسته و یا از خدمت فرار می‌کنند. تیراندازیها افزایش یافته است. در ساعت ۴/۳۰ دقیقه صبح گاست و گروه وی توسط ابراهیم یزدی نجات یافته و به سفارت رسانده می‌شوند.

۱۳ فوریه ۱۹۷۹. دریا سالار حبیب‌اللهی از طریق رادیو از اعضای نیروی دریایی می‌خواهد که به کارهای خود بازگردند.

۱۴ فوریه ۱۹۷۹. در ساعت ۱۱/۲۰ گاست تلفن کرد که به سفارت حمله شده است. من به دریا سالار حبیب‌اللهی تلفن کرده و خواستار کمک شدم. از ایستگاه پلیس خمینی نیز تقاضای کمک کردم. در ساعت ۱/۴۵ گاست تلفناً می‌گوید که سفارت اشغال شده و ما تسلیم گشته‌ایم. نیروهای یزدی و خمینی از راه رسیده و از چریکها می‌خواهند که زندانیان را تسلیم کنند و بعد آنان را برای بازجویی به قرارگاههای خمینی می‌برند. چریکها ادعا می‌کنند که مارکسیست و فدایی هستند. مدعی هستند که در جستجوی اعضاء و سوابق مربوط به ساواک در سفارت می‌باشند. تمام پرسنل نظامی سفارت همان روز بعد از ظهر به سفارت بازگشتند. باب پرایور وارد می‌شود و من از او دعوت می‌کنم که در اینجا بماند. در مورد ترک کلیسا در تاریخ ۱۱ فوریه سخن می‌گوید.

۱۵ فوریه ۱۹۷۹. افراد مسلح دم دروازه اجتماع می‌کنند. باغبان می‌گوید که شخص مهمی در اینجا به سر نمی‌برد.

۱۶ فوریه ۱۹۷۹. با پرایور همراه می‌شوم تا مراسم را در اتاق سعدی هتل هیلتون برگزار کند. شبه نظامیان خمینی درب ورودی را تحت کنترل دارند. در ساعت ۱۲/۳۰ هنگام تهیه نهار عبدل می‌گوید که کمیته اینجا آمده و حضور من الزامی است. از ۲۵ نفر کمیته‌ای هشت نفر وارد محوطه می‌شوند. از من سؤال می‌کنند که چرا هنوز اینجا هستم، از من می‌خواهند که اینجا را ترک نمایم چون امنیت ندارد. آنها نمی‌توانند حراست از ما را عهده‌دار شوند و با ما رفتاری مؤدبانه دارند.

۱۷ فوریه ۱۹۷۹. نیروی دریایی ایران کار خود را آغاز می‌کند. کمیته به بازجویی افسران ارشد می‌پردازد. ناخدا سلطان نماینده ارشد نیروی دریایی است و یک ملا عهده‌دار امور است. برادران پورزند وضع خوبی ندارند. کیهان اولین تصاویر مربوط به «عدالت اسلامی» را منتشر می‌سازد. دادگاههای انقلابی ژنرال نصیری (ساواک)، ناجی (رئیس حکومت نظامی اصفهان)، رحیمی (رئیس حکومت نظامی تهران) و خسرو داد (فرمانده هوانیروز) را محکوم و تیرباران می‌کنند. تصاویر خونین.

تصاویر چهار افسر دیگر با دستهایی از پشت بسته شده. آنها نیز به همان سرنوشت دچار می‌شوند. عرفات رهبر ساف در شهر است.

۱۸ فوریه ۱۹۷۹. لباسها را به خدمتگذاران می‌دهم و اسباب و اثاثیه خود را بسته به هیلتون نقل مکان می‌کنم و به محض ورود ما اعلام می‌شود که هتل بمب‌گذاری شده است.

۱۹ فوریه ۱۹۷۹. در فرودگاه مهرآباد شدیداً تفتیش شده و پاسپورتم هفت بار مورد بررسی قرار گرفت. پرواز شماره ۱۵۰۲ به سوی آزادی پرواز می‌کند.

علل اصلی سقوط دودمان پهلوی

- «تنفر خمینی از شاهنشاه»
- «فساد در دولت»
- «عدم موفقیت شاه در مراقبت از اوضاع»
- «حکومت استبدادی شاهنشاه»
- «فقدان اطلاعات باارزش و به موقع توسط آژانسهای اطلاعاتی آمریکا و ایران»
- «خروج شاه از صحنه عمومی در ماه سپتامبر»
- «حمایت فرانسه از خمینی»
- «اخبار به زبان فارسی از شبکه بی‌بی‌سی»
- «عدم موفقیت در اجرای قوانین حکومت نظامی»
- «عدم موفقیت در مبارزه علیه خمینی و مخالفین»
- «عدم موفقیت در سرکوب مؤثر اعتصابات»
- «عدم وجود ارتش با دل و جرأت»
- «حدسیات نادرست در مورد توان جذب منابع پرسنلی ایران»
- «سیاستهای حقوق بشر»
- «عدم برداشت صحیح غریبها از فرهنگ خاورمیانه‌ای»

سؤالات مهم بدون پاسخ

- «چرا شاه از رهبریت فعال کناره‌گیری کرد؟»
- «چرا ژنرال قره‌باغی ارتش را خنثی نمود؟»
- «چرا دولت سعی نکرد یا اعتبار خود را نزد مردم بالا ببرد یا حیثیت خمینی را لکه‌دار کند؟»
- «چرا ارتش صنایع اعتصابی از جمله پالایشگاهها و گمرکات را به تصرف خود در نیاورد؟»

سند شماره (۱۴)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: وزارت خارجه - واشنگتن
تاریخ: ۲۷ آوریل ۷۹ - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۸
به: سفارت آمریکا - تهران - فوری شماره: ۶۹۲۴
موضوع: ملاقات با کاردار ایران

- ۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲ - فقیه، کاردار ایران در ۲۷ آوریل به تقاضای خودش در بخش ایران - امور خاور نزدیک، حضور به هم رسانید. مقصود اولیه فقیه از این ملاقات دو جنبه داشت:
الف - حمایت دولت موقت ایران از درخواست نصر (ناصر) افشار در مورد آزادی (انتشار) اطلاعات را متذکر شد و همچنین اظهار داشت روحانی و دیگران از وی خواسته‌اند تا بر حمایت دولت موقت از انتشار اسناد مربوط به خاندان پهلوی تأکید ورزد.
ب - بر پیام اخیر که بوسیله یادداشتی ارسال شده بود و در آن اظهار شده بود چنانچه ایالات متحده برای خاندان پهلوی ویزا صادر نماید، دولت موقت ایران آن را یک اقدام خصمانه تلقی خواهد نمود. تأکید ورزید. مقام وزارت خارجه در پاسخ به فقیه خاطر نشان ساخت که وی باید مراقب باشد که در امور داخلی دولت ایالات متحده دخالت ننماید. دعوی حقوقی ناصر افشار هنوز در دادگاهها مطرح می‌باشد و با درخواست وی برای آزادی (انتشار) اطلاعات بنا به صحت یا عدم صحت نفس دعوا و مطابق با قوانین و مقررات ایالات متحده برخورد خواهد شد. ما کاملاً از احساس قوی دولت ایران و ایرانیان نسبت به شاه آگاه بوده‌ایم. گزارش مطبوعات به طور واضح به مسئله غامضی که این امر برای دولت ایالات متحده ایجاد نموده، اشاره کرده بود. ایران بایستی آگاه باشد که ایالات متحده در مورد پذیرش خارجیانی که در دردرس افتاده‌اند. بدون اینکه به سوابق آنان توجه نماید دارای یک خط مشی سنتی می‌باشد. ما امیدوار بودیم که روابط با ایران به تدریج تقویت گردد تا بتواند بر پایه و اساسی محکمتر از مسئله صدور ویزا قرار گیرد. در حال حاضر مسئله آمدن خانواده پهلوی به ایالات متحده مطرح نشده چون که به نظر می‌رسد آنها رو به سوی مقصد دیگری نهاده باشند. مقام وزارت خارجه گفت که چندین ماه پیش در تهران برای خانواده پهلوی ویزا صادر شد.
- ۳ - مقام وزارت خارجه در رابطه با بررسی روابط ایران و آمریکا نکاتی که وزیر (خارجہ آمریکا) به آنها اشاره کرده بود را مورد تأکید قرار داد و اظهار داشت که ما مایل به ایجاد رابطه‌ای نزدیک و مولد با ایران هستیم ولی قصد نداریم که برای سرعت بخشیدن به آن به ایران فشار بیاوریم. وی اظهار داشت که ما مشتاقانه از هر گونه پیشنهادی که دولت ایران در تقویت ثبات سیاسی و اقتصادی آن مد نظر دارد، استقبال می‌کنیم. ما علی‌الخصوص خواستار آن می‌باشیم که هر گونه سوءظنی یا شکی که ایران ممکن است نسبت به اقدامات آمریکا داشته باشد، در سر میز مذاکره مطرح شود.
- ۴ - مقام وزارت خارجه این طور به سخنان خود ادامه داد که ما از اظهارات اخیر خمینی مبنی بر این که ایالات متحده به نحوی علیه ثبات ایران فعالیت می‌نماید، ناراحت شده‌ایم. البته این موضوع مطمئناً حقیقت ندارد چون که ما قویاً از استحکام بیشتر دولت بازرگان حمایت کرده‌ایم. ما امیدوار بوده‌ایم که آن افرادی که مشاور آیت‌الله می‌باشند با صراحت و صداقت در مورد موضع ایالات متحده از ابتدای انقلاب با وی گفتگو کنند. چنانچه آنان سوءظن و تردیدهایی به دل دارند که می‌خواهند برای

آیت‌الله مطرح نمایند، ما امیدواریم که در ابتدا آن را برای ما مطرح نمایند.
۵ - مقام وزارت خارجه این طور ادامه داد که یکی از مسائل غامضی که از بازگشت به شرایط عادی جلوگیری می‌کند، وضعیت امنیتی محوطه سفارتخانه ما است. تا زمانی که ما حفاظت از آن را بهبود بخشیده‌ایم، قادر نخواهیم بود که بر یک اساس عادی و به آن نحو که مطابق میل ماست شروع به صدور ویزا بنماییم.

۶ - مقام وزارت خارجه با اشاره به موضوع ویزا، خاطرنشان ساخت که برخی از کنسولگریهای ایران عرف جاری در صدور ویزا را رعایت نکرده و برای مثال برخی از ویزاها برای مدت ۱۰ روز و یک بار ورود معتبر می‌باشد. برخی از کارمندان کنسولی ما نیاز به ارائه معرفی‌نامه‌ای از دولت ایالات متحده دارند. همانطور که کاردار مطلع است، قانون ما بر لزوم مقابله به مثل در صدور ویزا تأکید دارد. ما مایل نیستیم که این کار را به یک امر عادی تبدیل نماییم، لیکن اگر وضعیت اصلاح نشود مجبور به انجام آن می‌باشیم، فقیه گفت که وی سریعاً به این امر رسیدگی می‌کند و اظهار داشت که برخی از اعضای کمیته از عرف جاری عدول می‌نمایند. او برای تصحیح این وضعیت با دکتر یزدی تماس خواهد گرفت. ما از او درخواست کردیم که پیش از آنکه از سفارت آمریکا در تهران درخواست نمایم موضوع را با مقامات دولت موقت ایران در میان بگذارد، وی گزارشی از یافته‌های خود در مورد این امر به ما بدهد.

۷ - سرانجام مقام سفارت موضوع رضا امینی را مطرح ساخت و اظهار داشت که وی شخصاً نمی‌تواند قبول کند که رضا امینی در توطئه علیه دولت جدید دخالت داشته است. هیچ گونه اتهامی در مورد وی اعلام نشده است و اثر عملی ادامه حبس امینی زبانی برای تلاشهای ما در جهت تقویت روابط ایران و آمریکا می‌باشد. فقیه این موضوع را یادداشت کرد و اشاره نمود که وی با تهران تماس خواهد گرفت.

سند شماره (۱۵)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۴ مه ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: ملاقات کاردار با دکتر محمد ایزدی، وزیر کشاورزی

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ - خلاصه: در تاریخ ۲ مه کاردار طی ملاقاتی با ایزدی وزیر کشاورزی همان پیام سیاسی قبلی را به وی داد و ایزدی در پاسخ با لحنی مؤدبانه لیکن در کمال خونسردی گفت مایل است که مشکلات موجود در زمینه سیاست خارجی آمریکا از بین رفته و براساس روابط تاریخی در زمینه آموزشی، فنی و کالا، رابطه دوجانبه کشاورزی برقرار گردد. در مورد سیاستهای جدید و یا خاص کشاورزی مطلبی آشکار نشد ولی وزیر از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکایی دعوت کرد که پیشنهادات خود را در زمینه قراردادهای تولید دراز مدت به وزارتخانه تابع وی تسلیم نمایند. (پایان خلاصه)

۳ - کاردار همراه با جانشین مشاور اقتصادی در تاریخ ۲ مه با دکتر محمد ایزدی، وزیر کشاورزی و عمران روستایی ملاقات نمود. آقای مقصدپور از دفتر روابط بین‌المللی نیز در این ملاقات حضور

داشت. کاردار به تشریح سیاستهای اصلی آمریکا در قبال ایران، تمامیت ارضی ایران و بنیه اقتصادی و عدم مداخله آمریکا پرداخت و اظهار امیدواری کرد که بتوانیم در این جو جدید بر اساس تفاهم متقابل، وابستگیهای تاریخی و مبادرت به انجام بازرگانی سودآور برای طرفین با یکدیگر همکاری کنیم. در اینجا کاردار به ذکر چند برنامه دوجانبه فنی، به خصوص در رابطه با وزارت کشاورزی پرداخت و با اعتراف به ناپختگی این ملاحظات، از وزیر کشاورزی ایران دعوت کرد تا در حین طراحی برنامه‌های کشاورزی خود جنبه خصوصی و عمومی موجود در آمریکا در رابطه با این مسئله را نیز مد نظر داشته باشد.

۴ - دکتر ایزدی، در پاسخ، به نادرست بودن استراتژی اقتصادی رژیم گذشته که بر پروژه‌های «نمایشی» بیشتر تأکید داشت و اهداف غیرواقع‌گرایانه‌ای را دنبال می‌کرد اشاره نمود. وی گفت ایران باید به کشاورزی سنتی خود با تأکید بر تمام فنون مناسب بازگردد: «ما از تمام دوستانمان کمک دریافت خواهیم کرد.» در رابطه با روابط خارجی در زمینه کشاورزی وی گفت که آمریکا منبع شماره یک و منطقی کمکهای فنی و علمی ماست چون برتری نهادهای آمریکایی و آب و هوای آن نقش مهمی را در آموزش ایرانیها داشته است. وی گفت ادامه یا قطع این روابط به سیاست آمریکا در زمینه ترغیب این روابط بستگی دارد.

۵ - در زمینه مسائل سیاسی، دکتر ایزدی به اختلاف بین آمریکاییها (محبت‌آمیز و مثمر ثمر و غیره) و سیاست آمریکا پرداخت. وی گفت سیاست آمریکا بر گزارشات عمال آن و رسانه‌های جمعی آمریکایی استوار بوده که اغلب تحت کنترل همان انحصاری است که فیلمهای آمریکایی می‌باشند. اگر آمریکا درمی‌یابد که مورد تنفر واقع شده، به خاطر این است که خارجیا نسبت به نادرست جلوه‌گر شدن خود در رسانه‌های ما عکس‌العمل نشان می‌دهند. وی گفت اگر طبق نظر کاردار، آمریکا بخواهد در این روابط بهبودی پدید آورد باید وضع رسانه‌های جمعی آمریکایی را تغییر دهد. وی گفت دولت کنونی ایران با نظری باز به مسائل نگرسته و خواستار برخوردی صادقانه است. از آنجا که همه ما فرزندان آدم و حوا هستیم، باید بر اساس تفاهم و احترام متقابل با یکدیگر همکاری کنیم. این ملاقات ۳۰ دقیقه‌ای در حالی پایان یافت که دکتر ایزدی به انتقاد از مطبوعات آمریکا پرداخت و گفت که در نتیجه چند سال تحصیل در آمریکا دریافته است که رسانه‌های آمریکا تحت کنترل چند انحصارطلب می‌باشند. دولت آمریکا باید با وضع قانونی، این مسئله را حل کند؛ ولی بعداً اظهار داشت که البته او طرفدار آزادی مطبوعات است.

۶ - کاردار با نظریات وزیر کشاورزی و انتقادات صادقانه وی از رسانه‌های آمریکا گفت که شاه نیز از مطبوعات آمریکا انتقاد می‌کرد ولی می‌گفت که چنین مطبوعاتی نمی‌تواند چندان بد نیز باشد.

۷ - در تلاش برای متمرکز ساختن بحث در زمینه مسائل کشاورزی کاردار از وزیر کشاورزی خواست که در مورد سیاست و برنامه‌های کشاورزی سخن بگوید. بار دیگر با در نظر گرفتن اینکه دولت وی جدیداً روی کار آمده است، از وی خواست که برنامه‌های دولت را در زمینه عمران روستایی (راهسازی و برق‌رسانی)، سیاستهای بنیادین کشاورزی (تعاونیها)، شرکتهای صنایع کشاورزی) و سیاستهای قیمت‌گذاری کالاها تشریح نماید. دکتر ایزدی گفت در این زمینه و به خصوص در زمینه ساختار کشاورزی تصمیمات چندانی گرفته نشده است. وی گفت شخصاً خواستار

سرمایه‌گذارهای خصوصی با مداخله دولت در زمینه تعیین مسیرهای صحیح و تأمین وسایلی که توسط بخش خصوصی مکن نیست مانند سدهای آبیاری و راهسازی است. قیمت رسمی گندم افزایش یافته و قیمت غله، چغندر و برنج تحت بررسی است. هنگامی که مقام سفارت از موفقیت‌های تعاونی ملی روستایی آمریکا در کشورهای دیگر سخن به میان آورد؛ نیز گفت که این شرکت تعاونی مایل است در این زمینه به ایران نیز کمک کند. دکتر ایزدی گفت برنامه برق‌رسانی روستایی مهم است ولی باید پس از توزیع و انبارسازی تولیدات کنونی کشاورزی صورت پذیرد. (جزئیات اطلاعات مورد درخواست در تلگرام عطف، پس از ملاقات ما دریافت گردید، ولی بیشتر متناسب با تلاش وابسته کشاورزی است، که پس از تعطیل دفتر کار این وابسته در اواسط فوریه متوقف ماند).

۸ - وزیر ایزدی از سازندگان تجهیزات کشاورزی آمریکا خواست که پیشنهادات خود را به این وزارتخانه تسلیم کنند؛ البته اگر مایل به مشارکت در تولیدات درازمدت در ایران هستند. وی گفت این وزارتخانه همگام با تأکید جدید ایران بر کشاورزی سه شرکت را جهت تولید و فروش به ایران دعوت خواهد نمود. البته توان آنها در تولید قطعات یدکی و ارائه خدمات نیز مدنظر واقع خواهد شد. شرکت‌های علاقه‌مند باید کاتالوگ‌های تولیدات خود را با ذکر قیمت‌ها ارائه نمایند. مقام سفارت پرسید این سیاست بر آینده دیگر شرکت‌های خارجی مقیم اینجا (از جمله شرکت تراکتورسازی رومانی با مسی فرگوسن تبریز و شرکت جان دیر و اینترناسیونال هاروستر اراک) تأثیر خواهد داشت؟ و وزیر کشاورزی گفت این تسهیلات را می‌توان تغییر داد. (تذکر: کارمندان بخش بازرگانی و کشاورزی ما مسئله را تعقیب می‌کنند و گزارشات بعدی را ارسال می‌دارند).

۹ - مدت ۲۵ دقیقه منتظر ملاقات ماندیم و به مقصودپور از وزارت کشاورزی و تعاون روستایی توضیح دادیم که وزارت کشاورزی ایران، پیش‌پرداخت ۲۱۷۰۰ دلار به آموزش بینندگان رشته جنگلداری را به وزارت کشاورزی آمریکا بدهکار است. وی گفت که از هیچ کمکی در زمینه حل این مسئله فروگذار نخواهد کرد و کارمندان محلی اداره کشاورزی خارجی ما با وی تماس خواهند گرفت. مقصودپور که بیست و پنج سال در خدمت این وزارتخانه بود، گفت این وزارتخانه شروع به کار خواهد کرد. تشکیلات اداری آن از نه معاون به چهار معاون کاهش یافته که یکی از آنها از چهره‌های گذشته است.

۱۰ - بیوگرافی: دکتر محمد ایزدی، ۵۳ ساله، فردی است لاغر اندام، با کله‌ای تاس و صورتی ریش دار. او زبان انگلیسی را خیلی خوب به کار می‌برد و به دقت صحبت می‌کند و ظاهری مورد اعتماد دارد. او در دانشگاه پنسیلوانیا درس خوانده و در زمینه علوم کشاورزی از دانشگاه اورگون مدرک دکترای دریافت کرده است. در این اواخر نیز در دانشگاه پهلوی شیراز به عنوان استاد علوم کشاورزی کار می‌کرد. وی خود کشاورز است و ظاهراً سیب زمینی، کلم و برنج می‌کارد. رفتار وی با میهمانانش توأم با خونسردی و بی تفاوتی بود. پذیرش گرمی از ما به عمل نیاورد. (حتی در حین گفتگو، بدون عذرخواهی به انجام یک مکالمه طولی‌المدت تلفنی پرداخت). به نظر می‌رسید او خود را آماده کرده باشد تا به محض شروع سخن حملاتش را به سیاست خارجی آمریکا آغاز نماید. نظریات صادقانه و تحقیقاتی تغییرناپذیر وی در مورد مطبوعات آمریکا که رواج آن حتی بین ایرانیانی با این تحصیلات عالی در آمریکا نیز عجیب نیست، توأم با تعقیب کورکورانه وی در مورد تبلیغات و اکاذیبی

بود که (توسط) خمینی و «جوخه حقیقت‌گوی» وی به خورد مردم ایران داده می‌شود. ایزدی نیز مانند دیگر وزیران کابینه بازرگان برای مقام خود شایستگی دارد. گرایشات او به بخش خصوصی شرایط خوبی برای یک برخورد اصلی با حرفه‌ای فراهم می‌آورد که فعلاً اعتمادی نسبت به آن در سرمایه‌گذاران وجود ندارد.

در صورت وجود امکانات پرسنلی این ملاقات باید پیگیری شود. اعتراف صریح ایزدی نسبت به تمایل طبیعی ایران به سمت آمریکا در زمینه کشاورزی نیز باید به دقت توسط بخش خصوصی ما مورد بررسی قرار گیرد تا اگر نتواند مانع از بین رفتن خصومت وی نسبت به موضع آمریکا بشود، حداقل سوءظن و تردیدهای وی را از بین ببرد.

سند شماره (۱۶)

بسمه تعالی

جناب آقای وزیر امور خارجه تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۳۰

دریافت نامه مورخ سیزدهم مه ۱۹۷۹ آن جناب موجب خوشوقتی گردید. از تبریكات و آرزوهایی که به مناسبت انتخاب اینجانب به سمت وزیر امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران ابراز فرموده‌اید سپاسگزارم و مایلم متقابلاً به شما اطمینان بدهم که جمهوری اسلامی نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور آماده همکاری می‌باشد. از خبری که در مورد انتصاب آقای کاتلر به سمت سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران بمن داده‌اید متشکرم و امیدوارم به محض مساعد شدن فضای روابط دیپلماتیک دو کشور، ایشان بتوانند به ایران آمده و وظایف خود را شروع کنند. من از عقیده شما مبنی بر لزوم تبادل نظر کامل و صادقانه، خواه به طور مستقیم و خواه به وسیله نمایندگان دو کشور، استقبال می‌کنم و در چهارچوب این فکر مایلم مطلب زیر را با شما در میان بگذارم و توجه خاصتان را نسبت به آن جلب نمایم.

جناب آقای وزیر امور خارجه

شما در نامه خودتان نوشته‌اید که دولت متبوعتان قصد ندارد به هیچ گونه در امور داخلی ایران مداخله نماید. من از این تصریح متشکرم. اما ناگزیرم بگویم که به نظر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۹ سنای کشور شما در مورد مجازات جنایتکاران رژیم سابق به هیچ وجه از اصل فوق پیروی نمی‌کند و از مصادیق بارز مداخله در امور داخلی کشور ما می‌باشد و ناگزیر دولت ایران نسبت به این رویه و قطعنامه سنای آمریکا شدیداً اعتراض می‌نماید. برای ملت ایران مایه تعجب است که چگونه سنای آمریکا، هنگامی که رژیم گذشته جوانان ما را بی‌پروا به خاک خون می‌غلتاند ساکت می‌ماند و احساس نمی‌کرد که حقوق بشر در ایران نقض شده است. اما اکنون که انقلاب پیروز شده و جنایتکاران، بدون در نظر گرفتن وابستگیهای مذهبی آنان، به سزای اعمالشان می‌رسند فریاد نقض حقوق بشر را در کشور ایران بلند کرده و از کسانی که برای پیش از نیم قرن شرم‌آورترین جنایات را مرتکب شده‌اند، پشتیبانی می‌نماید.

جناب آقای وزیر امور خارجه

یقین دارم که جنابعالی به خوبی وقوف دارید که یکی از هدفهای اصلی و مستمر انقلاب مردم ایران، پایان دادن به هرگونه دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورشان است. در چنین شرایطی باید با نگرانی اظهار کنم که اقدام سنای کشور شما نه تنها به ایجاد تفاهم مشترک و مبنایی برای همکاری ثمربخش که شما در نامه خودتان بدان اشاره کرده‌اید کمک نمی‌کند بلکه دولت ایران را مجبور می‌سازد که زیر فشار شدید افکار عمومی ملت در روابط خود با دولت آمریکا در جهت محدود نمودن آن تجدید نظر نماید.

به شما اطمینان می‌دهم که دولت متبوع من نیز مایل است با ایالات متحده آمریکا روابط نزدیک دوستی و همکاری را بر اساس حفظ استقلال مملکت و منافع ملی و احترام متقابل برقرار نماید ولی این روابط همان طوری که جنابعالی نیز متذکر شده‌اید باید بر مبنای جدیدی پایه‌گذاری شود. این مبنای، به نظر دولت من، توجه و احترام به احساسات و خواسته‌های مردم ایران و قبول واقعیات ملهم از انقلاب قهرمانانه آنان می‌باشد.

به شما اطمینان می‌دهم که چنانچه روابط جدید دو کشور ما بر اساس مبنایی فوق بنا شود زمینه برای همکاری‌هایی که جنابعالی در نامه خودتان بدان اشاره فرموده‌اید مساعد خواهد شد. متقابلاً آرزومندم در آینده فرصتی پیش آید که شما را ملاقات کنم.

با احترام ابراهیم یزدی

جناب آقای سایروس

ونس وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا

سند شماره (۱۷)

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ - ۳ خرداد ۱۳۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران - فوری

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی موعود

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - ما از اقدامات سفارت برای بالا بردن امنیت سفارت و نیز طرح متفرق ساختن پرسنل سفارت در روز تظاهرات تا حد امکان، تقدیر می‌نماییم. به هر حال ما تا این تاریخ از پاسخ دولت موقت ایران به درخواست شما مبنی بر افزایش اقدامات امنیتی رضایت نداریم. بنابراین لطفاً برای خاطر نشان ساختن نکات ذیل سریعاً با نخست وزیر بازرگان و یا وزیر خارجه یزدی ملاقات نمایید:

الف. همان طور که دولت ایران واقف است دولت ایالات متحده نهایت سعی خود را در جهت بهبود روابط و عادی ساختن آن با ایران مبذول داشته و تلاش نموده که بروز عکس‌العملهای عاطفی یا توأم با سوء تفاهم را محدود سازد. ما توانایی کنترل تظاهرات مطبوعات آمریکا و یا کنگره این کشور را نداریم.

ب. ما سعی نموده‌ایم که تصویری واقعی از وقایع ایران ترسیم نموده و منافع و نگرانیهای مشترک دو کشور را برای کلیه طرفهای آمریکایی ذریبط توضیح دهیم.

ج. ما از پدیده فزاینده ضدآمریکایی‌گرایی، که به نظر می‌رسد عمدتاً از سوء تفاهم مردم نسبت به رفتار دولت ایالات متحده نشأت می‌گیرد، مضطربیم. ما محدودیتهایی را که دولت موقت ایران با آن روبروست درک کرده و تلاشهای این دولت را که تاکنون در جهت خنثی کردن جو کاملاً متشنج فعلی انجام گرفته مورد تقدیر قرار می‌دهیم.

د. ما بشدت نگران این مطلب هستیم که مبادا تظاهرات، امنیت پرسنل سفارت در تهران را مورد تهدید قرار دهد. ما مایلیم که دولت ایران اقدامات حفاظتی بیشتری را در این شرایط توأم با تشنج احساسات به عمل آورد. در عین حال ما سریعاً درخواست می‌کنیم که مقداری از افراد امنیتی مؤثر و منظم در جهت تأمین امنیت سفارت آمریکا و پرسنل آن به کار گمارده شوند. ه ما همچنین خواستار اجرای، اقداماتی در جهت جلوگیری از برگزاری تظاهرات مورد نظر که ممکن است در اثر تهدید محل سفارت به خشونت بینجامد هستیم.

۳- در همین حال ما همین نکات را در یک نشست اضطراری در این جا با سفارت ایران در میان خواهید گذاشت. کریستوفر

سند شماره (۱۸)

گزارشی از سفارت آمریکا در تهران

ژوئن ۱۹۷۹ - خرداد ۱۳۵۸

روندهای اقتصادی ایران

خلاصه

در اواسط سال ۱۹۷۹ اقتصاد ایران در نتیجه یک تشنج انقلابی که به صورت جمهوری اسلامی در فوریه گذشته ظاهر گردید، فلج شد. علیرغم وجود برخی فریبکاریها جهت عادی نشان دادن اوضاع، مانند خدمات اصلی زیر بنایی، سطح فعالیت اقتصادی مولد معادل نیمی از فعالیتهای انجام شده در سال گذشته نیز نمی‌باشد. این وضع بر کشاورزی تأثیری نداشته و در بخش صنایع، صنایع غذایی و دارویی به صورت تقریباً عادی و طبیعی به عملیات خود ادامه می‌دهند. با وجود این که هیچ گونه آمار و ارقام رسمی و یا حتی برآوردی منتشر نشده، ولی گمان بر این است که تولید ناخالص ملی واقعی در سال ۱۳۵۷ که در تاریخ ۲۰ مارس پایان می‌گیرد ۲۰ درصد کاهش یافته است. به بهبود وضع اقتصادی به عنوان یک چشم‌انداز میان مدت نگرینسته می‌شود که عوامل سیاسی نقشی تعیین‌کننده‌تر از عوامل اقتصادی، در به وجود آوردنش داشته‌اند. رهبران انقلابی ایران وارث اقتصادی بیمارگونه می‌باشند، ولی عوامل مثبتی چون ذخایر ارزی بسیار، بدهیهای ناچیز پایگاه نفتی پردرآمد و امکانات درازمدتی که می‌تواند توجیه‌کننده آرمانهای نسبتاً جاه‌طلبانه اجتماعی و اقتصادی باشند، را نیز در اختیار دارند. تأثیر انقلاب بر منافع بازرگانی خارجی در ایران نیز منفی و عمده بوده است. وضع اکثر قراردادهای منعقد در قبل از انقلاب هنوز نامعلوم است و از بازرگانان خواسته شده که قبل از سفر به ایران و یا محاسبه در مورد امواج فعلاً آرام انقلابی آن، آخرین اطلاعات لازم را تهیه کنند.

وضع و روندهای اقتصادی جاری

وضع آشفته اقتصادی

اقتصاد بعد از انقلاب ایران تا آخر ماه ژوئن آشفته بوده است. تداوم ماهیت انقلاب که موجب سرنگونی حکومت سلطنتی در ۱۱ فوریه گردید، مؤثرترین عامل در این آشفتگی اقتصادی است. ایران تحت یک حکومت موقت است و در انتظار اتخاذ تصمیم در زمینه یک قانون اساسی جدید و انتخاب یک حکومت دائمی است. موقتی بودن دولت و چشمداشت‌های بسیار منفی، بیمارگونگی اقتصاد را نیز تداوم می‌بخشد. دولت و مقامات انقلابی در ماه فوریه اقتصادی را به ارث بردند که از عدم توازنهای ناشی از اعتصابات و امتیازات اعطایی به کارگران زیان دیده بود. صنعت گذشته از بخشهایی که مانند صنایع غذایی و دارویی اعتصاب‌زده نیستند، در وضعی بسیار بد به سر می‌برد. بخش صنعت ساختمانی کاملاً تعطیل و متوقف گردیده است. بازرگانی دستخوش کندی مصرف، تحریمهای گمرکی، و سیستم بانکی تقریباً ورشکسته، شده است. بخش نفتی قادر به تأمین نیاز داخلی نبوده است. این وضع آشفته، ظاهراً بر کشاورزی چندان تأثیری نگذاشته است. ولی، برخلاف بسیاری از انقلابیون موجود، رهبران ایران یک ذخیره ارزی خارجی بسیار خوب، میزان بدهی ناچیز و قدرت اکتساب درآمدهای ارزی از طریق بخش نفتی را نیز به ارث برده‌اند.

از زمان تغییر حکومت عوامل غیر اقتصادی نقش بسزایی داشته‌اند. مانند بسیاری از انقلابها، «روند پاکسازی» از اولویت برخوردار بوده و نتایج اقتصادی حاصل از این کار نیز تابع نیل به اهداف انقلابی گردیده است. ولی این مرحله از «گذشته نگری» انقلاب گویا هنوز به حد تکامل نرسیده است. قراردادهای مالی و ثروتهای شخصی تحت بررسی قرار گرفته و افراد مقصر توسط عدالت انقلابی ریشه‌کن گردیده‌اند. این عمل نیز نتوانسته است به رشد عوامل مورد نیاز برای بازیابی اقتصادی، از قبیل ایجاد ساختار قدرت، تصمیم‌گیری مؤثر نظم و ترتیب کارگری و چشمداشت مؤثر و مثبت کمک کند. بر عکس، اکثر اعضای رهبریت ارشد و برجسته دولتی و تجاری کشور برکنار، زندانی، اعدام و یا به دلخواه تبعید شده و یا به آنها دستور داده شده که از کشور خارج شوند، و با ادامه از دست رفتن مدیران میان‌رتبه، حرفه‌ایها و تکنیسینها از طریق مهاجرت، اقتصاد ایران دچار کمبود رهبریت و تخصص و فرسایشهای ناشی از این روند و نتایج حاصل از آن شده است. مقامات عمومی و تجاری، تصمیمی نمی‌گیرند و افراد زیر دست آنها نیز که از نتایج نامشخص این روند انقلابی هراسناک هستند، مانع از اجرای برنامه‌ها می‌شوند.

بسیاری از جنبه‌های اقتصاد ایران بعد از انقلاب به طرز عجیبی عادی است. ساختار زیربنایی آب، برق، مخابرات، پست و عرضه نفت به قوت خود باقی بوده و با تأمین نیازهای اولیه چنین می‌نماید که وضع در بقیه نقاط نیز عادی است. کارمندان دفاتر و بانکها در محل کار خود حاضر می‌شوند و اکثر مغازه‌ها بازند، اما میزان عملکرد اقتصادی پایین‌تر از سطح معمول است و این امر در وضعیت انقلاب قابل درک است، ولی با وجود مشکلات عادی و روزمره قابل تمجید نیست. در ماه ژوئن، یکی از مقامات برجسته ایران گفت که صنایع کشور با ۴۰ درصد ظرفیت کار خود را دنبال می‌کنند؛ ولی منظور او احتمالاً ۴۰ درصد ظرفیت معمول بوده است. همین شخص، کمبود اعتبار و فقدان اطمینان را موانع اصلی در راه رسیدن به بازیافت اقتصادی خوانده است.

از سپتامبر ۱۹۷۸ یعنی آغاز بحران انقلابی آمار اقتصادی چندانی ارائه نشده است. گزارش سالانه بانک مرکزی، که در برگرنده آمار اقتصادی سال مربوطه است، تا قبل از ماه سپتامبر منتشر نخواهد شد؛ یعنی سه ماه از موعد انتشار آن خواهد گذشت. بهترین برآورد ما در مورد عملکرد اقتصادی سال ۱۳۵۷ که در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۹ پایان می‌یابد، تولید ناخالص ملی را معادل ۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده که در مقایسه با ۱۷ درصد افزایش در سال ۱۳۵۶ حدود ۸ درصد کاهش داشته است. در این سطح تولید ناخالص ملی، می‌توان گفت که درآمد سرانه ۱۹۸۸ دلار یعنی ۲۰ درصد کمتر بوده است. طبق برآورد ما در صورت ثابت ماندن قیمت‌ها از سال ۱۳۵۳، تولید ناخالص ملی ۲۰ درصد کاهش و معادل ۴۴ میلیارد دلار بوده است، که با ۲/۸ درصد رشد سال ۱۳۵۶ قابل مقایسه است. کاهش تولید ناخالص ملی نتیجه مستقیم بحران سیاسی بود که کشور را تا لبه پرتگاه فلیج اقتصادی سوق داد. تولید نفت که در طول پاییز نامنظم بود، در ۲۶ دسامبر به سطح تقریباً ثابتی رسید و صادرات تا ۵ مارس به تعویق افتاد و برای تمام سال معادل ۱۴/۸ میلیارد دلار بود. ارزش افزوده در گروه بخش‌های صنعتی ۲۰ درصد پایین آمد در حالی که مهمترین خسران متوجه صنایع ساختمانی شده بود. هزینه‌های دولت نیز در ماه فوریه معادل درآمد آن بود.

اکثر ناظران معتقدند که تا چند سال دیگر بازیافت اقتصادی تحقق پیدا نخواهد کرد، چون ضربات ناشی از امواج انقلاب بسیار سهمگین بوده است. بخش نفتی که اکنون برای اقتصاد ضروری‌تر است، روزانه ۴ میلیون بشکه تولید دارد یعنی ۴۰ درصد کمتر از سطح تولید آن در یک سال قبل، لیکن اگر همین سطح تولید ادامه پیدا کند میزان تولید در سال ۱۳۵۸ تقریباً معادل تولید در سال قبل خواهد شد. در سال ۱۹۷۸ تولید نفت ۱/۹ میلیارد بشکه‌ای حدود ۸/۳ درصد کاهش یافت. ولی میزان درآمدها حداقل ۴۰ درصد افزایش می‌یابد، که در حال حاضر به میزان ۲۴ میلیارد دلار در سال رسیده است. صنعت در صورت بهبود و آغاز کارهای ساختمانی با ۲۰ درصد ظرفیت عادی سبب کاهش فشار بر تولید ناخالص ملی خواهد شد. ارقام مربوط به تولیدات کشاورزی احتمالاً منفی خواهد بود چون گذشته از وضع یکسان یا بهتر گندم (۵/۴ میلیون تن متریک)، سویا و لبنیات، گوشت، برنج و تولید محصولات دیگر کاهش یافته است. سیاست‌های مالی، طبق گزارشات واصله، روند رو به رشدی را در پیش گرفته‌اند، اما پس از اخذ تصمیم در مورد بودجه سال ۱۳۵۸ و پرداخت تعهدات، تأثیرات اقتصادی آن در سال جاری حس نخواهد شد. تجارت غیر نفتی خارجی کمتر از سطوح قبلی است، در حالی که سطح واردات بیش از ۹ میلیارد دلار نبوده است. پروژه‌های مهم یا لغو شده و یا از کار افتاده و در انتظار تأیید و تصویب مجدد و به جریان افتادن می‌باشند. بیکاری همچنان مهمترین مسئله اقتصادی و سیاسی کشور است و رهبران دولت در مورد «دیکتاتوری کارگری» ناله سرداده‌اند. ضرایب تورمی تشدید شده و در نتیجه بازیابی اقتصادی لجام گسیخته خواهد شد که خود اجتناب‌ناپذیر است. سرمایه‌گذاری خصوصی، که واقعاً در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت، در حال حاضر وجود خارجی ندارد و با وجود ملی‌سازیها و وجود عدم اطمینانها، دیگر در بخش خصوصی صورت نخواهد گرفت. خلاصه اینکه، عملکرد اقتصادی ایران در کوتاه مدت تابع محیط یا جو سیاسی آن است. تداوم جو عدم اطمینان مانع از بهبود وضع موجود می‌گردد، چون اعاده ثبات و نیل به سطح معقول فعالیت اقتصادی نیازمند ابتکارات عمده دولتی می‌باشد. خوشبختانه، اگر تولید نفت در حدود ۴ میلیون بشکه در روز

حفظ شود که بدون وجود تکنیسین‌های خارجی در کوتاه مدت امکان‌پذیر است، ایران با مشکلات مالی جدی روبرو نخواهد شد.

سیاست‌های اقتصادی هنوز هم در وضعی آشفته به سر می‌برند. همه سیاست‌های مربوط به گذشته مظنون واقع شده است. اسلام شیعه ظاهراً در بخش عظیمی از مسائل اقتصادی انعطاف‌پذیر است و گذشته از شعار تکراری حقوق مالکیت خصوصی و تساوی حقوق، تصمیم‌گیریهایی مربوط به خط مشی اقتصادی در ایران بیشتر با موضع جهان سومی و نیاز اجتماعی و اقتصادی آن مربوط است. اختلاط نهایی بخش‌های خصوصی و دولتی در اقتصاد ممکن است با مداخله کنونی دولت در امور اقتصادی تفاوت داشته باشد چون این مداخله به خاطر وضع آشفته بعد از انقلاب قابل توجیه است. در زمینه خط مشی‌ها چند تغییر مشاهده شده است که یکی از آنها ملی شدن بانکها در تاریخ ۷ ژوئن و دیگر ملی شدن شرکتهای مهم در تاریخ ۲۵ ژوئن می‌باشد ولی در حال حاضر ملی‌سازی بخش صنایع و کشاورزی را در بر نخواهد گرفت. مالیات قابل پرداخت افزایش یافته ولی میزان حقوق‌های دولتی کاهش یافته است. سیاست‌های بازرگانی نیز حامی کاهش کنترل قیمت‌ها، وابستگی به نیروهای بازار و توجه بیشتر به اولویت‌های بخش‌های روستایی و کشاورزی می‌باشد. پروژه‌های «تجملی» و سیستم‌های پیشرفته نظامی از بین رفته است.

همان‌طور که قبلاً نیز گفته بودیم ایران از دورنمایی بهتر از دورنمای معمولی دراز مدت برخوردار است. با ذخایر نفتی حدود ۶۰ میلیارد بشکه، دومین ذخایر بزرگ گاز و بخش معادن نه چندان کم اهمیت و قدرت تحصیل ارز خارجی آن این کشور می‌تواند به اجرای برنامه‌های عمرانی نسبتاً جاه‌طلبانه در دراز مدت مبادرت ورزد. واقعیتی که انقلاب آن را نادیده می‌گیرد این است که ایران از کشوری با برنامه‌های جاه‌طلبانه که هزینه‌های آن از طریق نفت تأمین می‌شد، به کشوری با زیربنای بهتر، سطح سواد بالاتر و مهارت‌های بیشتر نیروی انسانی و مصرف سرانه قادر به حمایت از صنایع داخلی، تبدیل شد. انقلابها به ندرت صاحب کارایی و سیاست بوده‌اند و انقلاب ایران نیز از نظر انسانی و فیزیکی بهای گزافی را پرداخته است. مسایلی که با آنها باید مقابله شود عبارتند از اداره امور ملتی با سه درصد میزان رشد، میزان بیسوادی بسیار عظیم، توزیع ناعادلانه درآمدها و جناح‌بندیهای اجتماعی. این کشور امروزه باید ساختارهای سیاسی و حتی اجتماعی جدید و یک هویت خودی پیدا نماید تا با توسل به آنها بتواند به رفاه فردی و اجتماعی و آرمانهای اقتصادی خود دست پیدا کند.

رویدادهای مالی:

عملکرد مالی ایران از اواخر سال ۱۹۷۸ جنبه غیرعادی یافته است. بازپرداخت دیون مربوط به پروژه‌های سرمایه‌ای به طور کلی متوقف گردید. بازپرداخت‌های مربوط به سال ۱۳۵۷ باز هم معوق مانده است. افزایش هزینه‌های جاری همچنان کنترل می‌شود و میزان آن کمی از هزینه‌های حقوق تجاوز می‌نماید. قروض و سرمایه‌گذاریهایی خارجی حدود یک سال است که مورد توجه واقع نشده و واقع نخواهد شد. جمع‌آوری مالیاتها در پائین‌گذشته متوقف گردید و پرداخت بدهیها به دولت نیز تا ۲۱ ژوئیه به تعویق افتاد. خرید سهام قرضه نیز در ماه اکتبر متوقف شد و گمان نمی‌رود که بتواند در کوتاه مدت به عنوان یک منبع درآمد دولتی حائز اهمیت باشد. محدودیت در مخارج با کاهش کسری

بودجه سال ۱۳۵۷ دولت به میزان حداقل یعنی زیر ۳ میلیارد دلار، برطرف می‌گردد. قروض خارجی دولت در همه جا موضوع بحث است، اما پرداخت به موقع این قروض به شرکتهای خارجی مشکل است.

بودجه موقت فصل اول سال ۱۳۵۸ تمام شده و بودجه دائمی هنوز مورد تصویب واقع نشده است. این بودجه گویا ۲۲۴۰ میلیارد ریال (۳۱/۸ میلیارد دلار) است که ۸۰۰ میلیارد ریال (۱۱/۳ میلیارد دلار) آن هزینه است و بقیه آن برای فعالیتهای جاری و مختلف می‌باشد. این ارقام به طرز عمده‌ای کمتر از ارقام مربوط به سال ۱۳۵۷ است، لیکن تقریباً معادل هزینه‌های دو سال گذشته می‌باشد. کمکهای مالی دولت نیز تا حدودی کاهش یافته تا افزایش حقوقهای پائیز گذشته نیز از بین برود. گرایشهای عمده بودجه‌ای متوجه کشاورزی، عمران روستایی و مسکن است. در مورد ادامه پروژههای بزرگ هنوز تصمیم‌گیری نشده، اما اختصاص کلی بودجه ظاهراً با در نظر گرفتن کندی موجود بین تصمیم‌گیری و باز پرداختها کافی می‌باشد. مسئله مهم ظرفیت سیاسی اختصاص بودجه و توان آن در بازپرداخت قروض است. منحنی مواجهه رهبریت جدید با شرایط، به لحاظ بوجود آمدن ضعف در نیروی انسانی درجه دوم که یا مهاجرت کرده‌اند و یا به خاطر تب انقلابی کنار گذاشته شده‌اند، خط سیر واقعی طول تری را در پیش گرفته و باید در هنگام به حساب آوردن چشمداشتها مورد ملاحظه قرار گیرد. موضوع دیگر توان یا اراده موجود در از بین بردن بدهیهای سال ۱۳۵۷ است. کسری بودجه پیش‌بینی شده ۵ میلیارد دلاری باید از طریق درآمدهای بیشتر نفتی و نیز خرید شخصی سهام دولتی (نه نهادی) حذف شود. دریافتیهای ایران از سرمایه‌گذارهای غیر پولی خارجی ۷ میلیارد دلاری، باید حدود ۱ میلیارد دلار باشد. میزان خالص درآمدهای ناشی از برنامه عفو مالیاتی و نتایج حاصله از افزایش بی‌حد و حساب معافیت مالیات بر درآمد شخصی به سهولت قابل محاسبه نیست؛ اما درآمدهای غیر نفتی باز هم سهم عمده‌ای را در زمینه درآمدهای حاصله از منابع ایفا خواهد کرد.

تحولات پولی و مربوط به قیمت:

در هنگام تهیه این نوشتار سیستم بانکی ایران عملکردی منطقی داشت. سلامت بانکها تا قبل از ملی‌سازی ۷ ژوئن دستخوش بحران بود چون حدود ۱۵ بانک با سرمایه‌گذارهای داخلی و شش بانک سپرده حساب دیگر با سرمایه‌گذارهای خارجی تشکیل شده بود. پس از انقلاب بانکها کار خود را به صورت معمول آغاز کردند ولی خدمات آنها عاری از خطا نبود؛ بازار ارز خارجی نیز از آشفتگی خاصی برخوردار بود، چون مقررات بانک مرکزی در تاریخ ۵ مه کاملاً تغییر و پس از آن نیز دائماً مورد تجدید نظر واقع می‌گردید. مدیریت بانکها نیز مانند مدیریت دیگر نقاط اقتصادی کشور با تغییر دو سوم مدیران آنها در هم شکسته شد. عادیترین قراردادهای نیز زیر نظر کمیته‌های انقلابی منعقد می‌گردید. در تاریخ ۲۱ ژوئن یعنی زمانی که جریمه‌ها و بهره‌های دیر کرد قروض می‌بایست پرداخت می‌شد، پرداخت این قروض بازگانی به تعویق انداخته شد. به دنبال ملی شدن بانکها، مدیریت بانکهای خصوصی و نیز بانکهایی که با سرمایه‌گذارهای مختلط تشکیل شده بودند نیز تغییر یافت. در حال حاضر چنین پیش‌بینی می‌شود که با قرار گرفتن دولت در موضع طرف دعوای سیستم بانکی، مشکل بانکهای ضعیف و نیز عدم تمایل اکثر بانکها به تأمین اعتبار حل خواهد شد. بازپرداخت

بدهی‌های داخلی و بخش خصوصی به بانکها نیز به احتمال زیاد به تعویق خواهد افتاد؛ در طرف دیگر، اکثر بانکها در زمانی به سر می‌برند که باید قروض داخلی و خارجی خود را پرداخت و یا دریافت کنند. بانکهای آمریکایی که سرمایه‌گذاری آنها در ایران معادل ۳ میلیارد دلار تا سال ۱۹۷۹ بوده است میزان تأمین اعتبار و دیگر فعالیتهای مالی خود را کاهش داده‌اند. آنها نیز مانند دیگر بانکهای خارجی و ایرانی بانکها هنوز حل نشده، اما دولت موقت از اصل جبران سهام حمایت کرده است.

آمار پول رسمی از اکتبر ۱۹۷۸ منتشر نشده، اما ظاهراً رکود پولی از تاریخ ۲۱ سپتامبر تا ۱۹ فوریه پنج درصد افزایش یافته چون میزان انتشار اسکناس ۱۰۳ درصد افزایش داشته ولی میزان پس‌اندازها و سپرده‌های ثابت ۲۰ درصد کاهش داشته است. بنابراین این کاهش سرعت گردش پول فعالیت چاپ اسکناس‌های درشت که ضامن ادامه فعالیت بانکها در دوران توأم با خارج ساختن مقادیر زیاد از حسابها می‌باشد را متوقف نموده است. اسکناسهای در گردش تا تاریخ ۲۰ مارس معادل ۹۱۲ میلیارد ریال بود در حالی که این میزان در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۴۵۰ میلیارد ریال برآورد شده است. بانک مرکزی هنوز ذخایر پول خود را که در اکتبر گذشته کاهش یافته بود تقویت نکرده و خرید سهام دولتی توسط بانکها نیز اجباری نیست. بانکهای دارای نقدینگی نیز برای دریافت اعتبار دولتی جهت بهبود اقتصادی در برنامه منظور شده‌اند، که در ماه مه این اعتبارها در زمینه صنعت، کشاورزی، مسکن و شرکتهای مختلف دولتی ارائه گردید. میزان بهره و یا «کارمزد» معادل شش درصد یا کمتر از آن می‌باشد چه بانک مرکزی توجه خود را به بهبود اوضاع بانکها متمرکز کرده و هنوز بودجه پولی را به کار نگرفته است. ولی در نظر دارد برای سال ۱۳۵۸ اسکناسها را از دور خارج نماید که به منظور بازگرداندن اسکناسهای خارج شده از کشور خواهد بود. در مورد حسابهای خارجی، ایران ظاهراً در کوتاه‌مدت با مسئله حادی روبرو نخواهد بود. موازنه مقدماتی یازده ماهه مربوط به پرداختها حاکی از آن است که موازنه حساب ارزی خارجی متعادل است و قدری مازاد نیز دارد. ارز خارجی رسمی در اواسط ژوئن، پس از سه ماه فقدان کامل درآمدهای نفتی، کمی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است. با فرض بر اینکه پرداختهای سال ۱۳۵۸ معادل ۱۳ میلیارد دلار یعنی ۴۰ درصد کمتر باشد و صادرات نفتی (خام و فرآورده) معادل ۳/۴ میلیون بشکه در روز، می‌توان گفت که مازاد جاری ایران معادل ۱۰ میلیارد دلار و ذخایر پایان سال آینده نیز ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود. چنین امکاناتی ممکن است ایران را ترغیب نماید تا درصدد بازپرداخت وامهای خارجی با بهره و کارمزد بالا برآید و در نتیجه تا هنگام حصول به امر برآوردن نیازهای اقتصادی از یک موقعیت نسبتاً خوب برخوردار شده و در آن صورت بتواند میزان درآمدها را کاهش داده و یا هزینه‌ها را بالا ببرد. در مورد نحوه مبادله ارز مباحثات بسیاری در جریان و شامل کاهش ارزش پول و یا افزایش ارزش آن است. بانک مرکزی دارای دو نرخ فروش ارز است؛ بخشی از ارز مورد نیاز دولتی به نرخ ۷۰/۶۰ ریال و بخشی دیگر به نرخ ۷۹ ریال به فروش می‌رسد. درآمدهای ارزی غیر نفتی از نرخ مقبولتر ۷۷/۵۰ ریال برخوردار است.

تحوالات تجاری:

سطح تجارت ایران در سال ۱۹۷۸ کاهش عمده داشت و در سال ۱۹۷۹ نیز ظاهراً ۴۰ درصد

کاهش خواهد یافت. آخرین ارقام تجاری ایران در دسامبر ۱۹۷۸ منتشر گردید. ارقام و آمار مقدماتی مربوط به هفت ماه اول سال ۱۳۵۷ (که در ۲۲ اکتبر پایان خواهد یافت) حکایت از واردات غیر نظامی معادل ۸۱۵۷ میلیون دلار و یا میزان سالانه ۱۴ میلیارد دلار دارد. به علت اعتصابات گمرکی و دیگر بخشها، شک داریم که میزان این واردات از ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ بالاتر باشد، در حالی که کل پرداختی کالا حدود ۱۴/۵ تا ۱۵ میلیارد دلار در مقایسه با ۱۸ میلیارد دلار ۱۳۵۶ می‌باشد. صادرات غیر نفتی و غیر گازی نیز احتمالاً در سال ۱۳۵۷ بیش از ۳۵۰ میلیون دلار نخواهد بود. دریافتهای حاصله از صادرات نفتی نیز در سال ۱۳۵۸ حدود ۲۱ میلیارد دلار خواهد بود. مشروط بر آنکه سطح تولید معادل ۴ میلیون بشکه در روز باشد. صادرات غیر نفتی و غیر گازی که شدیداً به رکود موجود در زمینه معادن و صنایع بستگی دارد، نیز ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. مقررات مربوط به واردات در سال ۱۳۵۸ نیز به تنها منعکس سازنده ممنوعیتهای اسلامی است بلکه نشانگر حاکمیت فلسفه خودکفایی یا استقلال اقتصادی است. به طور مثال، وارد کردن وسائط نقلیه کاملاً ممنوع اعلام شده است.

اوضاع حاکم بر بنادر، پس از انقلاب، بخاطر اعتصابات طویل‌المدت آشفته بوده است. علیرغم درگیریهای موجود در زمینه‌های مدیریت و سیاسی، عملیات به کندی از سرگرفته شد و کالاهای بارگیری شده به مقصد ایران که در زمان برگزاری اعتصابات تحویل داده شده بود تخلیه گردید. مشکلات نژادی و سیاسی وقت در خرمشهر سبب تعطیل کامل آن بندر در ماه مه گردید. خوشبختانه تمام واردات غذایی ایران که تمام فعالیتهای جاری در زمینه واردات را شامل می‌گردد، از طریق بنادر آرام دیگر تخلیه و وارد کشور می‌شد. در مناطق گمرکی که دارای انبارهای عظیم بوده و یا نبوده‌اند واردات یا به حال خود رها می‌شوند و یا اصولاً مشکل عمده‌ای را ایجاد کرده‌اند. فقدان سرمایه قابل گردش نیز یکی از موانع مهم در راه حل این گونه مسایل است. شرایط مالی برای انجام فعالیتهای تجاری جدیداً وضع شده است. اکثر صادر کنندگان به ایران خواستار اعتبارنامه هستند ولی اکثر بانکهای ایرانی نیز قبلاً خواستار دریافت سپرده‌ای معادل ۱۰۰ درصد بهای صادرات شده‌اند. ولی هنوز به طور قطع نمی‌توان گفت که این مانع عظیم در نتیجه ملی شدن بانکها از میان خواهد رفت. صادر کنندگان ایرانی قبلاً باید قراردادی را امضاء کنند که بر اساس آن درآمدهای ارزی خارجی خود را به نظام بانکی به فروش برسانند.

مسئله تورم:

چنین به نظر می‌رسد که ایران باید برای بازیابی اقتصادی خود هزینه سنگینی را به صورت افزایش تورم بپردازد. در سال ۱۹۷۸ بخاطر کاهش رشد اقتصادی و سیاستهایی که بر قیمت زمین تأثیر می‌گذاشت نرخ رشد تورم کاهش یافت. شاخص قیمتهای عمده فروشی و خرده فروشی در سال ۱۳۵۷ به ۹/۴ تا ۹/۷ درصد رسید که نسبت به رشد دورقمی نرخهای گذشته کاهش عمده‌ای محسوب می‌شد. متأسفانه به خاطر تغییر الگوی هزینه‌های ناشی از فلج و نامطمئنیهای اقتصادی این شاخصها نمی‌توانست در سال ۱۳۵۷ به طور کامل مورد کاربرد جامع واقع گردد. بنابراین، از نظر ما نرخ تورم در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۵ و ۱۱ درصد و قدرت تورم شکنی تولید ناخالص ملی نیز ۱۲

درصد خواهد بود. بررسی اخیر حرکتها و تغییرات قیمت‌های جاری حاکی از آن است که نرخ تورم سالانه قیمت‌های موارد مصرفی حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد بوده است. قیمت زمین و املاک و اجاره‌ها نیز کاهش یافته است. قیمت لوازم منزل تا حدودی کاهش یافته ولی قیمت پوشاک و هزینه حمل و نقل بالا رفته است. هزینه مواد غذایی به استثنای آن دسته از مواد دارای سوبسید دولتی نیز سبب بالا رفتن فهرست قیمت‌های مواد مصرفی می‌گردد. میوه، گوشت و سبزیجات دچار کمبود شده و قیمت بعضی از این اجناس دو تا سه برابر قیمت آن در سال قبل است. به طور کلی می‌توان گفت که قیمت مواد غذایی در شش تا نه ماه گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است. کمبود لوازم یدکی ماشین آلات، پلاستیک و مواد شیمیایی صنعتی نیز محسوس شده است. سیاست دولت در زمینه قیمت‌ها نیز هنوز مشخص نشده است. ظاهراً سوبسیدهای مواد غذایی کلاً ادامه پیدا خواهند نمود. افزایش دستمزدهای پاییز گذشته، کمبودها و افزایش تقاضا بخاطر عوامل سیاسی، سبب کاهش کارایی تولیدی، افزایش هزینه‌های دولتی و کاهش بیکاری و در نتیجه افزایش تورم معادل ۳۰ درصد در آینده نزدیک خواهد شد. اصولاً، حرکت معتدل قیمت‌ها در آینده نزدیک، نتیجه مستقیم فعالیت اقتصادی و کاهش تقاضا خواهد بود؛ افزایش نرخ تورم نیز بهای بازیابی اقتصادی در کوتاه‌مدت و یا رکود اقتصادی در دراز مدت می‌باشد.

اوضاع کارگری:

شاید بتوان گفت که بیکاری مهم‌تری مسئله اقتصادی و سیاسی ایران است. عظمت این مسئله در نتیجه سیاست کار داوطلبانه یا غیر داوطلبانه علیرغم نیاز تحت‌الشعاع قرار گرفته است. گزارشات واصله حکایت از آن دارد که اکثراً از برنامه وام بیکاری دولت که معادل ۱۰ میلیارد ریال در ماه است برخوردار نمی‌باشند. معذالک، بسیاری هنوز نمی‌دانند که میزان پس‌اندازهای شخصی و کمک‌های اجتماعی برای چند میلیون فرد بیکار یا دستخوش کم‌کاری چه زمانی پایان خواهد یافت. همین مسائل در زمینه ساختمانی و حمل و نقل توأم با کندی رشد صنعت و خدمات بخش خصوصی سبب تشدید امر گردیده است. در نهایت این اقتصاد جامعه است که باید خسارات وارده در نتیجه کم‌کاریها را جبران نماید. یک نمونه بارز کارخانه‌ای است که تعداد کارمندان آن در مقایسه با یک سال قبل فرقی نکرده است، اما سطح تولید آن حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت معمولی است و دستمزدهای گزافی را نیز می‌پردازد. در بخش بازرگانی، کارفرمایان حقوق کارمندان خود را از محل سرمایه یا جیب پرداخت می‌کنند و منتظرند تا وضع کار تغییر پیدا کند. بوروکراسی دولتی نیز مانند بخش خصوصی درگیر مسائل سیاسی و تشکیلاتی است. نکته خنده‌آور این است که جنبش جدید و تازه به دوران رسیده کارگری ایران، که از اعتصابات سیاسی پاییز گذشته قدرت خود را به نمایش گذاشته بود، با اقتصادی بحرانی روبرو شده و از طرف دیگر رهبریت انقلابی ایران نیز از آن می‌خواهد که بخاطر انقلاب از رفاه مادی خود چشم‌پوشی کند. در واقع، دولت دلسرد ایران نیز اخیراً یک نیروی ویژه برای تنظیم مقررات کارگری و جلوگیری از مداخله کارگران در عملیات کار را تشکیل داده است. برنامه مالی دولت نیز گویا شامل تولید کار در مناطق روستایی به این امید است که مهاجرت روستاییان به شهرها کاهش یابد.

محیط

جو سیاسی و اقتصادی ایران هنوز هم جوی انقلابی است. مردم منتظر پیدایش رویدادهای خاصی هستند که در تصور آنها امنیت و انگیزه کاری و نیز خطرات عادی اقتصادی دارای اهمیت می‌باشند. عفو زندانیان سیاسی و کسانی که مظنون بوده‌اند از نظر بسیاری برای از بین بردن جو ترس و نااطمینانی صورت گرفته است. به همین ترتیب، تصویب قانون اساسی و انتخاب دولت دائمی مورد قبول عامه مردم و نیز گامی الزامی در جهت کاهش بیماریهای سیاسی و چمشداشت‌های منفی بوده است. استقرار یک سیستم قضایی و امنیتی عادلانه نیز مورد نظر می‌باشد. توزیع قدرت در میان ساختار دولتی و انقلابی هنوز هم به قوت خود باقی است. غریبه‌ها، و نیز ایرانیهایی که در غرب آموزش دیده‌اند، اغلب تأثیر قضاوت‌های انقلاب در مورد نفوذ و حضور غرب را احساس می‌کنند. در عین حال که خطرات جانی کاهش یافته، جو موجود می‌تواند خصومت‌بار نیز باشد.

نتایج برای آمریکا

تأثیر اقتصادی عدم فعالیت ایران و انقلاب آن بر عرضه کنندگان خارجی کالاها و خدمات آن چشمگیر بوده و تا مدتها حس خواهد شد. در اواخر سال ۱۹۷۸ صادرات خارجی به ایران بطرز فاحشی کاهش یافت و سفارشات فعلی عبارتند از مواد غذایی، دارویی، محصولات کاغذی و لوازم یدکی. صادرات غیر نظامی آمریکا که در سال ۱۹۷۸ بین ۱ تا ۳/۷ میلیارد دلار افزایش یافته بود در فصل اول سال ۱۹۷۹ معادل ۷۲ درصد کاهش یافت و برابر ۲۴۵ میلیون دلار گردید. توان صادراتی آمریکا در زمینه کالاهای کشاورزی خوب است و تحویل این گونه مواد به صورت عادی از سر گرفته شده است. البته امکانات سرمایه‌گذاری نامشخص هستند و شرکت‌هایی که در ایران سرمایه‌گذاری مشترک نموده‌اند در بسیاری از موارد منتظر مشخص شدن وضعیت آینده خود می‌باشند. در بعضی از موارد از جمله صنایع غذایی و دارویی آینده همچنان درخشان است.

بسیاری از قراردادهای دولت ایران با شرکتهای خارجی لغو گردیده، معدودی تهدید و بسیاری دیگر نیز به حال تعلیق درآمده‌اند. ارزش قراردادهای غیرنظامی لغو شده حدود ۳۸ میلیارد دلار می‌باشد. ارزش قراردادهای نظامی ایران و آمریکا نیز حدود ۱۵ میلیارد دلار بدون احتساب بسیاری از قراردادها در زمینه خدمات مربوطه است. در حالی که هنوز منبع تأمین این فروشها تغییر نکرده ولی می‌توان گفت که افزایش بیکاری از جمله تأثیرات این انقلاب بر اقتصاد آمریکا خواهد بود. از جمله قراردادهای غیرنظامی کاملاً فسخ شده می‌توان از کارخانه‌ای در آبادان، قرارداد کالینگاز در مورد گاز طبیعی مایع، دو نیروگاه هسته‌ای فرانسوی ۹۰۰ مگاواتی، پروژه برقی کردن راه آهن تهران - خرمشهر - بندر خمینی (بندر شاهپور) و پروژه نوسازی مرکز تهران به نام شاهستان را می‌توان نام برد پروژه‌هایی که امکان ادامه آن به دست خارجیها و یا پیمانکاران داخلی بعید است عبارتند از پروژه ساختمان فرودگاه بین‌المللی تهران، شاهراه قم، بندر امام خمینی و برقی کردن راه آهن تهران - تبریز. در مورد خطوط لوله گاز ایگات - ۲ و دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی آلمانی (که دو سوم ساختمان آنها تکمیل شده)، کارخانه ذوب آهن ایتالیایی در بندرعباس، و قطار زیرزمینی تهران هنوز تصمیماتی گرفته نشده است. پروژه‌هایی که ادامه خواهند یافت عبارتند از مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن، مجتمع مس

سرچشمه، بازیابی و تزریق مجدد گاز در خوزستان و پروژه مخابرات راه دور. از بازرگانان و تجار خواسته شده که برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد پروژه‌ها و نیز وضع کلی اقتصادی ایران با وزارت بازرگانی و وزارت امور خارجه آمریکا تماس حاصل نمایند.

اکثر شرکتهای خارجی دارای قراردادهای و یا سرمایه‌گذاری مشترک عظیم در ایران، پس از انقلاب با همکاران ایرانی خود تماس برقرار ساخته‌اند. بسیاری از آنها معتقد بودند که اگر از این کشور خارج نشده بودند، کما اینکه بعضیها حضور خود را در ایران متوقف نکرده بودند، می‌توانستند به آژانس ذیربط ایرانی نشان دهند که به فعالیتهای گذشته خود توجهی ندارند. نتیجه تجدید قراردادهای بسیار متفاوت بود، لیکن به طور کلی بازرگانان خارجی حتی در صورت لاینحل ماندن بسیاری از قضایا سفرهای خود به ایران را قابل توجه می‌بینند. یک بازرگان خارجی در بسیاری از موارد متوجه شده است که دولت ایران قادر نیست در مورد یک مسئله خاص تصمیم‌گیری کند. آژانسهای دولتی در مواردی که مذاکرات می‌بایست تجدید گردد، تلاش کرده‌اند تا موجبات جرح و تعدیلهای نزولی در قراردادهای را فراهم آورده، هزینه‌های واحدهای فعال را کاهش و حضور کارگران خارجی را تقلیل دهند و در نتیجه هزینه‌های توقف کار و آغاز مجدد کارفرمای خارجی، در نتیجه انقلاب را پرداخت نمایند. بدین ترتیب حتی زمانی که به یک قرارداد اجازه آغاز کار داده می‌شود، شرکت خارجی مایل به شروع کار تا زمانی که مسائل و پرداخت‌های گذشته حل نشده‌اند نیست و در نتیجه این امر با سیاستهای دولتی مشکلی مواجه می‌گردد. سکنه عظیم خارجی ایران اکنون به چند هزار نفر کارگر خارجی تقلیل یافته است. جمعیت آمریکایی ۴۵۵۰۰ نفری مقیم ایران نیز به استثنای تبعه دارای دو ملیت به چند صد نفر کاهش یافته است. سیاست جدید و بسیار محدود کننده اجازه کار خارجیها نیز در صد افزایش استخدام ایرانیهاست، اما آغاز مجدد قراردادهای قدیمی و یا جدید را مشکل می‌سازد. سفارت نیز از طریق درخواستهای مستقیم و یا از طریق آژانسهای موجود در واشنگتن رهنمودهای لازم را در زمینه سفر به ایران ارائه می‌کند. در همان حال که بسیاری از تجار آمریکایی یا کار خود را ادامه داده و یا بدون هیچگونه مزاحمتی کار خود را موقتاً و یا به طور همیشگی متوقف کرده و به آمریکا بازگشته‌اند، ولی در بسیاری از موارد نیز تجار آمریکایی زندانی شده، از خروج آنها از ایران ممانعت به عمل آمده و یا مورد اذیت و آزار کارمندان واقع شده‌اند. گروه مستشاری امنیتی سفارت نیز در اواخر ماه ژوئن اعتراف کرده است که قادر نیست از جان و مال آمریکاییها در ایران حراست به عمل آورد. سفرهای تجاری با اهداف و مقاصد خاص می‌تواند مجاز شمرده شود، لیکن از بقیه افراد خواسته شده که قبل از سفر به ایران حرکت خود را مورد ارزیابی قرار داده و در ایران نیز دائماً با سفارت در تماس باشند.

سند شماره (۱۹)

از: سفارت آمریکا در تهران
 به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت ۲۱۳۵ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
 موضوع: کمک خارجی، سرمایه‌گذاری، درآمدها و قروض ایران
 وزارت خارجه متن حاضر را در اختیار بانک صادرات و واردات آمریکا قرار دهد. سفارت

آمریکا در پاریس نیز این متن را در اختیار سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی قرار دهد.

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - جانشین مشاور اقتصادی سفارت در تاریخ ۱۲ ژوئن از دکتر رضا سلیمی معاون سرپرست سازمان سرمایه‌گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران (واقع در وزارت اقتصاد و دارایی و تابع همین وزارتخانه) اطلاعات مختصری را در مورد وضعیت و خط مشی دولت موقت ایران در زمینه سرمایه‌گذاری، کمک خارجی، درآمدها و قروض خارجی به دست آورد. فهرستی از وامهای خارجی اعطایی ایران، اعتبارها و سرمایه‌گذاریهایی که توسط این سازمان صورت گرفته و قبلاً توسط رژیم گذشته مخفی نگاهداشته می‌شد، در مطبوعات مورخ ۲۹ مارس تهران منتشر گردید و گویا تعدادی از کارمندان سازمان سرمایه‌گذاریها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران این اطلاعات را در اختیار مطبوعات قرار داده بودند. یکی از مقامات ارشد این سازمان می‌گوید این گزارشات حاوی اطلاعاتی نادرست نیز بوده است. به ما قول داده شد که اطلاعات درست و مفصل در اختیارمان قرار خواهد گرفت. در همین حال، ارقام مجموع فهرست منتشره دامنه عمل را به صورت کلی نشان می‌دهد: وامهای بلاعوض ۱۶۹۰۵۰۱۲۶ دلار؛ اعتبار - ۷۹۶۰۵۲۳۴۴۵ دلار و سرمایه‌گذاری ۸۵۴ میلیون دلار.

۳ - مساعدت خارجی: بودجه مساعدهای خارجی سال ۱۳۵۸ که در تاریخ ۲۱ مارس آغاز گردید، بنا به گفته دکتر سلیمی هنوز فرمول‌بندی نشده است. از زمان انقلاب در ۱۲ فوریه تنها به صندوق اوپک کمک شده است. وی گفت امیدوار است که به تعهدات عمل شود. اظهارات وی در مورد برنامه‌های ویژه کشور وی گرچه پراکنده است ولی به شرح زیر می‌باشد:

افغانستان - از زمان انقلاب هیچ گونه کمکی به این کشور نشده است.

اظهار نظر: با وجود اصطکاک حاکم بر روابط جاری، نمی‌توان از ایران انتظار سخاوت داشت.

مصر - علیرغم اعلام این مطلب توسط دولت موقت در ماه مارس مبنی بر تعلیق کمکها، سلیمی بر برنامه‌های تعلیقی سرمایه‌گذاری مشترک با شرکتها به نحوی اشاره کرد که گویای فعال بودن این برنامه‌ها باشد.

سنگال - برنامه‌هایی که قبلاً «امکان‌ناپذیر» عنوان شده بود کاملاً از نظر افتاده‌اند.

هند - پرداختهای مالی مربوط به پروژه آهن کودره‌موخ که احداث آن به پایان رسیده معوق مانده است، چون در مورد نحوه عملکرد آن اختلاف نظر وجود دارد.

صندوق اوپک - دکتر سلیمی گفت ایران اخیراً به درخواست مالی اوپک پاسخ مثبت نداده و اعلام داشته است که سهمیه تولید نفتی ایران در مقایسه با دیگر اعضای سازمان نمایشگر تولید واقعی نفت آن نیست. در اینجا عضو مورد اشاره عربستان سعودی است. سلیمی گفت ایران باید ۴۲۰ میلیون دلار در اختیار این صندوق قرار دهد (که ۱۲۰ میلیون دلار آن در اختیار سازمان گسترش مواد غذایی و عمرانی قرار می‌گیرد) در حالی که عربستان سعودی که مهمترین تولیدکننده سازمان است تنها ۴۱۵ میلیون دلار به این صندوق می‌پردازد. وی گفت پرداختهای ایران به این صندوق فراتر از ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

۴ - سرمایه‌گذاری خارجی: دکتر سلیمی گفت خط مشی دولت انقلابی ایران در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی هنوز تحت بررسی است، ولی در حال حاضر قرار بر ممانعت از سرمایه‌گذاریها

در خارج از کشور است. وی انتقاداتی را که از سرمایه‌گذارهای خارجی رژیم گذشته به عمل می‌آمد بجا می‌داند. گزارشات چند روزه اخیر مطبوعات در مورد حضور وزیر صنایع و معادن در جلسه هیأت مدیره صنایع اروپا آلمان نشانگر غرور ایرانیها از مشارکت در چنین صنایعی می‌باشد.

۵- درآمدهای حاصله از قراردادهای سازمان سرمایه‌گذارها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران: دکتر اشرفی، سلف دکتر سلیمی، گفت دریافتیهای ایران از طریق این سرمایه‌گذارهای خارجی در سال جاری ایرانی حدود ۱/۲ میلیارد دلار خواهد بود. هنگامی که مقام سفارت این مسئله را یادآور شد، دکتر سلیمی گفت این رقم بسیار زیاد است ولی اذعان نمود که چون در سمت حاضر تازه وارد است نمی‌تواند اطلاعات دقیقی در این مورد داشته باشد. دو پرداخت عمده یکی به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار از هیئت آب لندن و نیز پرداخت سریع وجهی معادل ۳۰۰ میلیون از بانک فرانسه، رقمی معادل ۷۰۰ میلیون دلار را تشکیل می‌دهد؛ به همین دلیل می‌توان با احتساب نرخ بهره و غیره گفت که میزان این درآمدها بیش از یک میلیارد دلار است. کشورهایی که نتوانسته‌اند از کمک ایران برخوردار شوند عبارتند از مصر، سودان و پاکستان. بدهی مصر مدتها قبل مجدداً برنامه‌ریزی شد، ولی در مورد بدهیهای سودان و پاکستان و یا برنامه‌ریزیهای مجدد آن اطلاعاتی در دست نداریم. آمار و ارقام مربوط به درآمدهای دولت از این طریق هنوز موجود نمی‌باشد.

۶- پرداخت و دریافت قروض توسط ایران: این سازمان مسئول دنبال کردن قروض عمومی ایران (چه مستقیم و چه به صورت تضمینی) می‌باشد و نیز باید قروض خارجی تمام سازمانهای دولتی را تصویب کند. پس از انقلاب که توأم با فلج شدن بانکها و اعتصابات در بخش دولتی بود این سازمان تحت فشار قرار گرفته بود تا علت تأخیر در پرداخت اقساط را توضیح دهد و علاوه بر این قول تأمین مبالغ مورد نیاز را بدهد. در بعضی از موارد قسمت اخیر، این سازمان به عنوان ضامن پرداختها را به تعویق انداخت تا اقدامات معقولی در زمینه وادار ساختن طرف متعهد به پرداخت به عمل می‌آید. دکتر سلیمی گفت بخش دولتی از اطلاعات جدیدی در زمینه قروض خارجی خود برخوردار است. موارد مستثنی از این قاعده عبارتند از: بانک اعتبارات صنعتی که قروضش توسط وزارت اقتصاد و دارایی تضمین نمی‌شوند؛ و کمپانی تراکتورسازی ایران که آن هم تضمین شده نیست. دکتر سلیمی از جرایم ناشی از دیرکرد پرداخت اقساط اظهار نگرانی کرد و سؤال نمود که با در نظر گرفتن مشکلات جاری در تهران آیا دولت آمریکا نمی‌تواند این جرایم را نادیده بگیرد. وی گفت این سازمان قبلاً چندین برابر جریمه‌های دیرکرد را پرداخته ولی در حال حاضر وزارت اقتصاد و دارایی به علت وجود وضعیت اضطراری از پرداخت آنها امتناع می‌ورزد. مقام سفارت گفت علت نگرانیها را می‌داند ولی دولت موقت سعی دارد مسئله را بیش از این پیچیده نکند. سازمانهای دولتی دعوت‌های اضطراری شرکتهای خارجی را در رابطه با کارهای ناتمام مانده در طول انقلاب نمی‌پذیرند.

در اینجا مقام سفارت از حوزه و وسعت جرایم سؤال کرد و گفت آیا همه آنها توسط دولت آمریکا اعمال شده است؟ وی گفت حدود یک میلیون دلار است و تقریباً بخش اعظم آن از آن آمریکاست. مقام سفارت گفت دولت آمریکا قادر نیست در زمینه پس گرفتن قروض بیش از این انعطاف نشان دهد. در اینجا سلیمی گفت در صورتی که آمریکا بیش از این اصرار کند وی از شورای اقتصادی خواهد خواست که مبالغ لازم را در اختیار وی قرار دهند.

سند شماره (۲۰)

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.
تاریخ: ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ - ۳ تیر ۱۳۵۸
به: سفارت آمریکا در تهران - فوری ۳۱۶۲
موضوع: بیانیه امیرانتظام

۱ - تمام متن خیلی محرمانه

۲ - در صورت ملاقات با یزدی یا امیرانتظام، لطفاً مراتب سپاسگزاری ما را از بیانیه تلویزیونی انتظام در مورد روابط ایران و آمریکا به اطلاع ایشان برسانید. امیدواریم شعارها کاهش یافته و در زمینه رفع مشکلات موجود در روابط دوجانبه بتوانیم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته باشیم.
۳ - در صورت مطرح شدن موضوع انتصاب سفیر لطفاً مانع از اعلام زمان این کار بشوید. همان طور که می‌دانید، عدم پذیرش سفیر کاتلر توسط ایران بسیاری را در اینجا عصبانی کرده و باید مدتی دیگر بگذرد تا سنای آمریکا بتواند انتصاب فرد دیگری را بپذیرد.
کریستوفر

سند شماره (۲۱)

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.
تاریخ: ۲۹ ژوئن ۷۹ - ۸ تیر ۵۸
به: سفارت آمریکا در تهران
موضوع: موضوعات برای گزارش

آنچه در زیر می‌آید متن مرجع ب تقاضا شده در تلگرام مرجع الف مورخ ۲۸ ژوئن است. چون شما تقاضا کرده بودید و چون فرصتها در هفته‌های آینده گسترش می‌یابند در اینجا مواردی را که بر اساس آنها توانستیم اطلاعات اضافی و مستمر را به کار بریم ذکر می‌کنیم.

۱ - ارتباطات سیاسی در داخل رهبری انقلاب

الف - شخصیت‌های مقتدر، با داشتن یا بدون داشتن موقعیت رسمی که باید آنها را به عنوان رهبران آینده در نظر بگیریم، بیوگرافی آنها مورد احتیاج است.

ب - قدرت و اتحاد سیاسی امیر انتظام و صباغیان چگونه است؟ ما در مورد هر دوی آنها اطلاعات نسبتاً کمی داریم.

ج - موقعیت یزدی در تشکیلات پس از انتصابش در وزارت امور خارجه چگونه است؟ آیا او قدرت از دست داده یا بدست آورده است؟ عکس‌العمل پرسنل وزارت امور خارجه نسبت به او چگونه بوده و آیا اثرات قابل پیشگویی در سیاست به چشم می‌خورد؟

۲ - نفوذ عمومی بازرگان چگونه است؟ در نظر گروه‌های مهم مختلف چطور است؟ رقیبی دارد؟

۳ - ما در مورد طالقانی، اطرافیان و ارتباطاتش با دیگران در نهادهای مذهبی و غیر مذهبی اطلاعات ثابتی نداریم.

۴ - به تماس‌های سیستماتیک برای تجسم روندهای مختلف منجمله تعیین زمینه‌های اقتصادی و سیاسی خاص جهت بررسی و گزارشهای دوره‌ای نیاز داریم. چندین طبقه‌بندی را در تلگرافهای قبلی توضیح داده‌ایم.

۵ - آمریکا در نظرها چگونه است؟ چه عمل یا عکس‌العملی از اواسط فوریه به نفع یا ضرر ما

بوده است؟ چگونه می‌توانستیم بهتر عمل کنیم؟
۶- گزارشات از مکالمات نظامی خیلی مفیدند. گاهیگاهی خلاصه کردن تشکل روندهای مختلف برای هریک از نیروهای (مسلح) متمر ثمر خواهد بود. اطلاعات در مورد پلیس و ژاندارمری نیز مفید است.

۷- از گزارشات ارزشمند اقتصادی بینهایت قدردانی می‌کنیم. ما توانستیم (به عنوان قسمتی از شماره ۴ بالا) از گزارشات منظم در زمینه قیمت کالاها، بازار، کمبودها، استخدام و ناراضی‌تیا استفاده کنیم. بیکاران، زندگی را چگونه اداره می‌کنند؟

۸- فعالیتها، قدرت و طرحهای لیبرال دموکراتها (متین دفتري) جبهه ملی (سنجایی)، چریکهای چپی (فدائیان) گروههای مختلف مجاهدین، عناصر طرفدار شاه چگونه است؟

۹- وضع استانها چگونه است؟ خصوصاً از نظر برداشت محصول و دسترسی به مواد غذایی؟

۱۰- کوشش اجتماعی برای قطع فروش و ارسال کمکها و تجهیزات نظامی در چه حد است؟

۱۱- از احساس و درک سفارتهای مهم چه مقدار می‌توانید جمع‌آوری نمایید؟ شوروی چه قصدی دارد؟

۱۲- وضعیت دانشگاهها، رادیو تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی چگونه است؟

۱۳- وضعیت برنامه‌های طرح‌ریزی شده برای قانون اساسی و انتخابات چگونه است؟

۱۴- دولت موقت / خمینی در جهت عفو عمومی برای ارتش، پلیس و دیگران چه انجام داده‌اند؟

۱۵- و ضمناً فراموش نکن ترتیب پارتی چهارم ژوئیه را بدهی. کریستوفر

سند شماره (۲۲)

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا در ایران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه - غیر قابل رویت برای بیگانگان تاریخ: ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱۲ تیر ۱۳۵۸

موضوع: قانون اساسی ایران

۱- (طبقه‌بندی نشده) روزنامه تهران تایمز، اخیراً در چند گزارش خود، ترجمه «پیش‌نویس قانون اساسی ایران» را منتشر ساخته است. این گزارشها علاوه بر این حکایت از آن دارند که وزیر کشور، یدالله سجایی، نیز این ترجمه‌ها را به عنوان «عمدتاً» صحیح تأیید کرده است. این پیش‌نویس حاوی ماده ۱۵۱ در برگیرنده تمام جوانب حکومتی جمهوری جدید اسلامی است که البته باید منتظر تصویب باشد. این گزارش حاوی بخشهایی از موارد قانون اساسی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند بر نیروهای مسلح ایران و سیاستهای دفاعی آن تأثیر بگذارد.

الف. ماده ۶- سانسور مطبوعات تنها در زمان جنگ اعمال خواهد شد.

ب. ماده ۷۶- رئیس جمهور باید ایرانی‌الاصل و شهروند ایران باشد.

ج. ماده ۸۲- رئیس جمهور طبق سوگندی که یاد می‌کند باید با استفاده از تمام اختیارات خود در حراست از تمامیت ارضی کشور کوشا باشد.

د. ماده ۹۳- رئیس جمهور فرمانده کل نیروهای نظامی کشور است. رئیس ستاد نیروهای مسلح ایران نیز طبق پیشنهاد کابینه انتخاب و باید مورد تصویب رئیس جمهور قرار گیرد.

ه ماده ۹۴ - توشیح معاهده‌های ایران با کشورهای دیگر و نیز معاهده‌های بین‌المللی از مسئولیت‌های رئیس‌جمهور است، البته پس از آنکه این معاهده‌ها و پیمانها مورد تصویب پارلمان کشور قرار گیرد.

و. ماده ۹۵ - اعلام جنگ، آتش‌بس و انعقاد صلح نیز پس از تصویب پارلمان در اختیار رئیس‌جمهور است. در صورت بروز اوضاع اضطراری، پس از مشورت با کابینه وزراء رئیس‌جمهور می‌تواند وضع اضطراری اعلام نماید.

ز. ماده ۱۰۳ - اداره امور کشوری و مسئولیت تمام سازمانهای نظامی و غیر نظامی بعهده شورای وزیران است.

ح. ماده ۱۲۱ - نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مسئول حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌باشند.

ط. ماده ۱۲۲ - هیچ سرباز یا افسر خارجی حق خدمت در نیروهای مسلح ایران را ندارد. حضور نیروهای مسلح خارجی در کشور و یا عبور آنها از کشور تنها زمانی مجاز است که به نفع کشور باشد و توسط ۳۴ کل اعضای پارلمان تصویب شود.

ی. ماده ۱۲۳ - بودجه سالانه ارتش باید مورد تصویب پارلمان قرار گیرد. هزینه خرید تسلیحات و علل خرید آنها باید در بودجه نظامی تصریح گردد.

ک. ماده ۱۲۳ - ایجاد هرگونه پایگاه خارجی در ایران حتی برای استفاده‌های صلح‌آمیز کاملاً ممنوع است.

ل. ماده ۱۳۸ - تخلفات و سرپیچی از وظایف خاص و مسئولیتهای نظامی در دادگاههای نظامی بررسی می‌گردد. بررسی جرائم عمومی مرتکب شده توسط پلیس نظامی نیز بعهده دادگاههای عدلیه عمومی است.

م. ماده ۱۴۲ - به منظور حراست از قانون اساسی و حصول اطمینان از تطابق دیگر قوانین با آن، شورایی مرکب از عناصر زیر خواهد شد:

۱. پنج رهبر مذهبی مطلع به مقتضیات عصر حاضر. پارلمان این پنج نفر را از میان رهبران سرشناس مذهبی انتخاب خواهد کرد.

۲. شش فرد خبره در امور قضایی: که سه تن از آنان اساتید حقوق قضایی در دانشکده‌های حقوق کشور و سه تن دیگر از قضات دیوان عالی کشور بوده و توسط پارلمان انتخاب می‌شوند.

۲- (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اظهار نظر: در صورت تصویب قانون اساسی فوق، رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوای مسلح عمل خواهد کرد (ماده - ۹۳). ظاهراً رئیس ستاد هم‌دیف یا همتای سرپرست رؤسای ستاد مشترک ما خواهد بود. اگر قرار باشد که رئیس‌جمهور، رئیس مذهب اسلامی ایران (یعنی دین رسمی تشیع جعفری) باشد، مثلاً اگر خمینی رئیس‌جمهور شود، در برابر ارتش از قدرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار خواهد بود. این وضعیت کاملاً جمع‌گرا حتماً بوجود خواهد آمد چون رهبر (آیت‌الله، رئیس یا سرپرست) پنج رهبر مذهبی حافظ قانون اساسی (ماده - ۱۴۲) نیز به احتمال قوی خمینی خواهد بود. در صورتی که یک فرد عادی به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شود، رهبریت مذهبی به صورت عاملی بسیار مهم در تصمیم‌گیریها عمل خواهد نمود.

از نظر استراتژیک، ممنوعیت ایجاد پایگاه‌های خارجی در خاک ایران حتی برای استفاده‌های صلح‌آمیز (ماده - ۱۲۴) در صورت تصویب (و گمان می‌کنیم که تا زمان تکیه زدن خمینی بر قدرت اجرا خواهد شد) مانع از برقراری مجدد عملیات نظامی دوران قبل از انقلاب ایران توسط آمریکا به استثنای عملکردهای مربوط به هیأت مستشاری نظامی خواهد شد. اجرای موادی که در این پیام نیامده است، تأثیری بر وضع نیروهای مسلح نخواهد داشت. در اینجا تکرار می‌کنیم که این قانون اساسی در مرحله پیش‌نویس قرار دارد و این نکته‌ای است که سحابی نیز در گفتگوهای خود با مقامات سفارت در تهران آن را متذکر شده بود. جناح‌های مختلف مردم نیز تا بحال در چند مورد نسبت به آن اعتراضاتی نشان داده‌اند.

سند شماره (۲۳)

از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت
تاریخ: ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۳۱ تیر ۱۳۵۸
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: روابط تجاری ایران و آمریکا

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ - مقام وزارت خارجه با رئیس بانک ملی، جلیل شرکا در تاریخ ۲۲ ژوئیه ملاقات کرده و در تبادل نظر در مورد روابط تجاری ایران و آمریکا از مطالب و نکات مطروحه در تلگرام مرجع استفاده نمود. در این سفر می‌خواستیم از نظریات وی در مورد امکان فعال‌سازی مجدد اتاق بازرگانی و یا شورای بازرگانی مطلع شویم، چون شرکاء زمانی سرپرست ایرانی کمیته اقتصاد و دارایی کمیسیون مشترک ایران و آمریکا بود.

۳ - مقام وزارت خارجه با اظهاراتی مختصر در مورد روحیه تجاری آمریکا براساس گفتگوهای انجام شده با بعضی از شرکتهای از زمان پیدایش انقلاب، بحث را آغاز نمود. موضوع اصلی این بود که هنوز حفظ روابط تجاری با ایران مورد توجه است ولی در مورد رویدادها و وقایع ایران نیز نوعی غفلت و عدم اطمینان قابل ملاحظه، محسوس است. شرکتهای آمریکایی می‌توانند با شرایط «بد» وفق پیدا کنند، اما در مبارزه با عدم اطمینان مشکلات بسیار داشته‌اند. گرچه بعضی از شرکتهای چون جنرال موتورز و دوپونت در سفرهای خود نتایج مثبتی را تجربه کرده‌اند، ولی شرکتهای دیگری چون جی.تی.ئی. با مشکلات بسیار جدی مواجه می‌باشند. (اظهار نظر: شرکا نیز مانند ما نمی‌دانند که چرا با شرکت جی.تی.ئی. چنین رفتاری شده است. پایان اظهار نظر.) ما امیدوار بودیم که بتوانیم از طریق کانالهای غیر رسمی وضع ارتباطی را بهبود بخشیده و میزان مناقشات و اختلافات تجاری را به حداقل کاهش دهیم.

۴ - شرکاء گفت که «آشکارا نگران» وضعیت موجود است. انقلاب همه چیز را ۱۸۰ درجه تغییر داده است. در وزارتخانه‌ها دیگر کسی نیست که با این مسائل آشنا باشد. وی در ادامه گفت «تنها یک نفر مانده است». شرکتهای نیز در زمینه مدیریت خود در سطوح ارشد همین تغییرات را تجربه کرده‌اند. شرکا گفت به همین دلیل است که اقتصاد در وضعی خطرناک به سر می‌برد و بسیاری از شرکتهای خارجی نیز مشکلات مربوط به برقراری مجدد روابط را تجربه می‌کنند.

۵ - شرکاء گفت که اخیراً بنابه درخواست نخست‌وزیر بازرگان، به نیویورک و لندن سفر کرده بود. هدف از این کار تشریح سیاست ملی‌سازی بانکها و نگرانیهای مربوط به بخشی از بانکهای خارجی بود. دو هفته قبل او اجلاسی از عالیرتبه‌ترین بانکها در نیویورک تشکیل داده و از طرف دولت ایران در مورد سرمایه‌هایشان به آنها اطمینان داده بود. شرکاء گفت که ایرانیها در این زمینه سوابق مثبتی دارند و به ذکر مواردی که در زمان کار در وزارت دارایی با آنها مواجه شده بود پرداخت که یکی از آنها رعایت حقوق سهامداران می‌باشد.

۶ - در رابطه با احیای مجدد شورای بازرگانی، شرکاء گفت که این نظریه بسیار خوب است. ولی مشکل موجود این است که طرف ایرانی باید فرصت بازسازی خود را داشته باشد و بخاطر مهاجرت وسیع بازرگانان بزرگ ایرانی، زمان مورد نیاز برای طرف ایرانی طولانی‌تر خواهد شد. شرکاء صریحاً معتقد است که بهتر است این پیشنهاد تا روی کار آمدن دولت جدید مسکوت بماند. مقام وزارت خارجه در پاسخ گفت البته در مورد زمان‌بندی از نظر ایرانیها مطلع خواهیم شد، ولی باید مکانیزم مشورتی غیر رسمی خاصی نیز وجود داشته باشد. شرکاء احساس می‌کند در این زمان بهتر است که شرکت‌های آمریکایی به صورت جداگانه به دنبال تأمین منافع خود باشند. در رابطه با کمیسیون مشترک، شرکاء گفت در دولت موقت سخنی به میان نیامده است. بنا به اعتقاد این کمیسیون وسیله‌ای است بسیار مفید و پیشنهاد کرد که این موضوع را حتماً با وزیر دارایی و دیگران در میان بگذاریم.

۷ - امکان ورود یک هیئت کوچک نمایندگان شرکت‌های مهم آمریکایی به تهران نیز مورد بحث قرار گرفت. بار دیگر وی گفت که زمان برای این کار مناسب نیست. بهتر است تا زمان انتشار مقررات ملی‌سازی صنعتی منتظر بمانیم. با این حال شرکاء گفت که قبل از دنبال کردن این نظریه بهتر است آن را با دیگران نیز در میان بگذاریم.

(اظهار نظر: با فرا رسیدن ماه رمضان در آخر هفته جاری، باید گفت که سفر مزبور باید در پاییز صورت پذیرد. پایان اظهار نظر.) بانک ملی (که او توسط شاه در فوریه ۱۹۷۸ به عنوان رئیس آن منصوب شد) از وضعیت ممتازی برخوردار است. وی گفت علت این امر نیز وجود رابط‌های نیرومند خانوادگی وی در بازار است. همین خصیصه او را مورد قبول «طرف مقابل» ساخته است. از بیانات شرکاء چنین بر می‌آید که او و مغز کوچکش در این بانک در زمینه سیاست اقتصادی به صورت پلی بین دولت بازرگان و دیگر شخصیت‌های انقلابی عمل می‌کنند.

سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا در تهران
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. فوری
 تاریخ: ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱ مرداد ۱۳۵۸
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
 موضوع: دولت موقت ایران (بار دیگر) برای کنترل جنبش انقلابی تلاش می‌کند
 ۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ - خلاصه: در یک نطق تلویزیونی خطاب به ملت در تاریخ ۲۰ ژوئیه نخست‌وزیر بازرگان علل وجودی سیستم‌های موازی حکومتی ایران را مورد بررسی قرارداد و آخرین پاسخ دولت موقت را برای حل این مشکل ارائه نمود. به نظر ما، دولت موقت در این زمینه نقش چندان مؤثری نخواهد

داشت. راه حل پیشنهادی برای آینده قابل پیش‌بینی این است که کمیته‌های انقلاب، دادگاه‌های انقلاب، و گروه‌های مختلف مسلح شبه نظامی مستقل از دولت موقت و رهبریت جنبش انقلابی عمل نمایند. پایان خلاصه.

۳- بازرگان در تاریخ ۲۰ ژوئیه (تلگرام عطف) خطاب به ملت اظهار داشت که در طول تاریخ سه نوع انقلاب نظامی، حزبی و ملی وجود داشته است. کودتای ۱۹۲۱ به سرکردگی رضاخان (که بعداً شاه شد) نمونه‌ای از انقلاب نوع اول، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نمونه‌ای از نوع دوم، و البته، انقلاب ۱۹۷۹ ایران نمونه‌ای از نوع سوم است که «در تاریخ جهان بسیار کم نظیر است». وی گفت، نتیجه مشارکت توده‌های مردم در انقلاب ایران، پدید آمدن عدم تمرکز قدرت در تمام افراد و سازمان‌های اعمال‌کننده آن، بوده است.

۴- بازرگان گفت این وضع نمی‌تواند بیش از این ادامه داشته باشد، زیرا به کرات دیده شده که آنهایی که در تلاشند تا اعمال قدرت کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه در نیل به اهداف تناقض ایجاد کرده‌اند. دولت موقت ایران، شورای انقلاب و خمینی جلسه‌ای برای حل این مسئله تشکیل داده‌اند و به سه راه حل دست یافته‌اند:

یکی این که کمیته‌های انقلاب و همه عناصر غیر رسمی ساختار حکومتی منحل شوند، یا دولت مستقیماً در برابر شورای انقلاب مسئول واقع شود همان طوری که «کمیته‌های امام تحت نظارت آن هستند» و یا اینکه اعضای دولت و شورای انقلاب در یکدیگر ادغام شوند. آخرین راه شایسته‌ترین شناخته شد و بازرگان اعلام نمود که پنج تن از اعضای شورای انقلاب در سه وزارتخانه مختلف دولت موقت ایران به سمت معاونین وزرا منصوب خواهند شد. این وزارتخانه‌ها عبارتند: از وزارت دفاع ملی، امور اقتصاد و دارایی و علوم و آموزش عالی.

۵- این راه حل نیز نخواهد توانست در حل مشکلات و معضلات ناشی از دوگانگی اختیارات حکومتی مؤثر واقع شود. قابل تصور نیست که سه ملا و یک غیر نظامی در پست معاونت وزیر (تئورسین اقتصادی ابوالحسن بنی صدر نیز از قبول این سمت در وزارت اقتصاد و دارایی سرباز زد که ظاهراً باعث خوشحالی وزیر اقتصاد، علی اردلان، گردیده است) در حل مشکل اصلی دولت یعنی اعمال قدرت بر کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلابی و نیروهای شبه نظامی مؤثر واقع شوند، چون تمام این عناصر نه تنها مستقل از دولت موقت بلکه مستقل از همه کس و همه چیز عمل کرده‌اند، و دلیلی ندارد که بگوییم آنها از استقلال عمل خود دست برخواهند داشت. لینگن

سند شماره (۲۵)

از: آژانس اطلاعات دفاعی در واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱۶ اوت ۱۹۷۹ - ۲۵ مرداد ۱۳۵۸
به: آژانس اطلاعات دفاعی (بخش اطلاعات جاری CURINTL)

گزارش اطلاعاتی دفاعی آژانس اطلاعات دفاعی

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

ایران: تظاهرات در حمایت از خمینی

۱- (طبقه‌بندی نشده) پس از سه روز خشونت، در تاریخ ۱۵ اوت تهران به خاطر بزرگداشت

وفات امام علی، یک رهبر فرقه شیعه، تقریباً به حالت تمام تعطیل درآمده بود. در همان حال، مطبوعات گزارش دادند که دهها هزار نفر در قم در حمایت از خمینی به راهپیمایی پرداخته‌اند.

۲ - (طبقه‌بندی نشده) بنا به گزارشات واصله راهپیمایان یک قطعنامه ۵ ماده‌ای صادر کردند که در آن خاطرنشان شده که «ملت ایران تحت رهبریهای خمینی هرگونه توطئه، خیانت، نفوذ، تشنج و یا نابسامانی را در نقطه خفه خواهند کرد، و علیرغم تمام توطئه‌های بین‌المللی راه خود را ادامه خواهد داد». این قطعنامه همچنین از دادگاههای انقلاب خواستار اعدام «رهبران اصلی صهیونیستها و کسانی که با آنها رابطه دارند» شده است.

۳ - (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این قطعنامه بار دیگر نشانگر احساس شدید ضد بیگانه رایج در ایران است. ظاهراً مردم نمی‌توانند مسئولیت پیدایش شرایط یا اقدامات نادرست را به گردن بگیرند. در عوض، آنها وضع اقتصادی وخیم، آشوبهای نژادی، و تظاهرات ضد خمینی را عناصری از توطئه‌های خارجی می‌دانند که بنابر اعتقاد آنها توسط آمریکا و اسرائیل طراحی شده است.

۴ - (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) برگزاری این تظاهرات در حمایت شدید از خمینی پس از تصویب اعمال کنترل شدید بر مطبوعات پدیدار گشت. علیرغم اقدامات خود مختارانه و سرکوبگرانه وی، این موضوع بار دیگر بر این واقعیت دلالت دارد که او از حمایت شدید طبقه پایین اجتماع برخوردار می‌باشد. نیروهای اسلامی کنترل امور را در دست دارند و هیچ گروه سیاسی دیگری برای مبارزه با آنها عرض اندام نکرده است.

۵ - (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) با این وصف، بنیادگرایان اسلامی ناتوانی خود را در متحد ساختن جامعه ایران با اقوام، ملل و گروههای اجتماعی، مذهبی و سیاسی مختلف که شامل عناصر مهمی از نوگرایان و مادیرگرایان است نشان داده‌اند. در طول شش ماهی که به قدرت رسیده‌اند، گروهها را یکی پس از دیگری با خود بیگانه کرده‌اند. این رویه و روش نمی‌تواند تا مدت نامعلومی ادامه پیدا کند. ولی تا زمانی که حمایت مالی توده‌های مردم فرسایش نیافته، خمینی کنترل امور را در دست خواهد داشت و قدرت خود را تحکیم خواهد بخشید.

تهیه شده توسط: دی. آدامز، نیروی دریایی آمریکا، DN - 2E (خروج از طبقه‌بندی ۱۵ اوت ۱۹۸۵)

سند شماره (۲۶)

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۰ مهر ۱۳۵۸
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. فوری ۴۲۱۷ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
موضوع: یزدی در نیویورک، اکنون کجاست؟

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است

۲ - خلاصه: عملکرد یزدی در نیویورک جنبه فرسایشی داشت و طی آن یادآور شد که ما باید به طریقی عمل نماییم که نشان دهد انقلاب را واقعاً پذیرفته‌ایم. بخشی از این عملکرد جنبه شعارهای انقلابی دارد ولی بخش اعظم آن از اصلاتی خاص برخوردار و نشانگر تلاش محفلی خاص در درون

دولت موقت ایران برای تحکیم مواضع قدرت خود می‌باشد. تا آنجا که در توانمان هست اقدام در چند زمینه را توصیه می‌کنیم و ما باید تلاش خود را صرف تقویت خط مشی خود در این جو بنماییم. (پایان خلاصه)

۳- سفارت از دریافت تلگرام مرجع که حاوی تجزیه و تحلیلی ارزشمند از عملکرد دکتر یزدی در نیویورک می‌باشد بسیار سپاسگزار است و باید گفت که یزدی به عنوان عضو گروهی که در داخل دولت موقت به خمینی بسیار نزدیک است به احتمال قوی در انقلاب ایران بعد از انقلاب نقش مهمی را ایفا خواهد کرد. (دیگر افراد موجود در این گروه عبارتند از وزیر دفاع جدید چمران، قطب‌زاده در رادیو و تلویزیون ملی ایران، سخنگوی دولت موقت، طباطبائی و وزیر کشور صباغیان.)

۴- ما نیز با تجزیه و تحلیل وزارتخانه در مورد یزدی در این خصوص که او می‌خواهد برای رسیدن به اهداف روانی و سیاسی خود انقلابیون اسلامی را به عنوان نسل جدیدی از انسان بنمایاند که می‌خواهند در صحنه جهانی حق اظهار نظر داشته باشند، موافقیم. یزدی در هاوانا و در نیویورک چنین فرصتی را به دست آورده بود و مصمم بود که از آن حداکثر بهره‌برداری را بنماید.

۵- نکته مهم دیگر این است که هدف وی در رابطه با آمریکا این بود که چه به طور علنی و چه خصوصی به ما بفهماند که باید اقدامات بسیاری را انجام دهیم که نشان دهد ما انقلاب را پذیرفته‌ایم، و به ما هشدار بدهد که تا زمانی که این کار صورت نگرفته نمی‌توان در جهت ایجاد روابط بهتر پیشرفتی پدید آورد. پس از بازگشت از نیویورک (تلگرام جداگانه) نیز وی همین نکات را به طور مفصل در یک کنفرانس مطبوعاتی مطرح نمود. یزدی می‌گوید یخ حاکم بر روابط بین دو کشور هنوز شکسته نشده است.

۶- این اظهارات تا حدودی جنبه افراطی دارد چون دولت آمریکا با اقدامات خود نشان داده است که ما واقعاً این انقلاب را پذیرفته‌ایم. ولی به چند دلیل می‌توان گفت که این امر چندان شگفت‌آور نیز نیست و لازم نیست که ما هم این دلایل را بپذیریم ولی باید در تلاش خود برای کنار آمدن با این رژیم سرسخت حتماً همان دلایل را مد نظر داشته باشیم.

۷- همان گونه که در تلگرام مرجع خاطر نشان شده، یزدی یک سیاستمدار انقلابی جاه طلب است. همین دیدگاه است که به خصوص در اولین بازگشتش به آمریکا پس از هیجده سال اقامت در تگزاس و دیگر نقاط (قسمتی از گذشته او که اکنون تحمل آن را دشوار می‌بیند)، او را وادار به سخن گفتن و نمایش کردار یک انقلابی می‌نماید. در نتیجه برای وی مهم بود که در بازگشت به کشورش از وجهه یک انقلابی واقعی برخوردار شود تا همه بدانند که او آماده مقاومت در برابر آمریکاست و تحت تأثیر «بردگی فکری» که بنابه گفته خودش در هاوانا» مشخصترین اثر انگشت امپریالیسم در جهان است... و به عنوان یک وسیله مؤثر لیکن کم بها سلطه امپریالیستی را در جهان تداوم می‌بخشد» قرار نگرفته است.

۸- اما در مقاومت سرسختانه وی در برابر آمریکا مفاهیم بیشتری نهفته است که در مذاکرات او با وزیر خارجه آمریکا و نیز در محتوای سخنرانیهای عمومی‌اش آشکار است. یزدی از نظر سیاسی جاه طلب ولی یک انقلابی معتقد نیز هست. به همین دلیل نمی‌توان او را فردی صرفاً قلمداد کرد. روش برخورد وی حکایت از مطالبی دارد که بنیاد تمام تجهیزات و دستگاههای انقلابی اینجاست؛ که خود

جنبه تاکتیکی کوتاه مدت آن است: ولی او از مطالبی بنیادی تر و دراز مدت تر نیز سخن می‌راند.

۹ - در کوتاه مدت، یزدی و دیگر نزدیکان وی در اندرون دولت موقت تلاش می‌کنند تا قدرت سیاسی خود را که از نظر خودشان در معرض خطر واقعی و یا خیالی قرار گرفته مستحکم سازند. به همین دلیل است که نسبت به بروز مشکلات در کردستان و خوزستان عکس‌العملهای تندی نشان داده می‌شود عکس‌العملی که شاخص آن رگباری از تبلیغات داخلی است تا نشان داده شود که آمریکا در پشت صحنه است و در واقع این عراق است که با همکاری عمال آمریکایی و تحت تأثیر آنها در بروز این گونه حوادث دست دارد. رابطه این تبلیغات با شرایط بحرانی این دو استان هر چه باشد، می‌توان گفت که این تبلیغات طوری طراحی شده تا کنترل روحانیون و انقلابیون بر نیروهای امنیتی و دستگاههای در حال تکامل دولتی را تقویت کند تا پس از تکمیل قانون اساسی بتوان هر یک را در محل خاص خود استقرار بخشید. تلاش آنها در جهت تحکیم قدرت نیز از نظر بسیاری از شاهدان تأکیدی است بر ضرورت «محوسازی» آثار به جای مانده از رژیم منسوخ و مخالفین سیاسی‌شان از ساختار دولتی. به همین دلیل به نقل از سخنان یزدی در نیویورک گفته‌اند که مرحله پاکسازی وزارت خارجه هنوز به پایان نرسیده است. چمران نیز از پاکسازی مورد نظر خود در نیروهای مسلح سخن می‌گوید. مسائلی که در نتیجه وجود نزیه در شرکت ملی نفت ایران پدیدار گشته نیز سخن از ضرورت پیگیری روند پاکسازی را به دنبال داشته که به قولی نزیه آن را نادیده گرفته و کنار گذاشته است. خمینی نیز می‌گوید تنها راه بقای انقلاب، انجام پاکسازیهای لازم در کل بافت اجتماعی و اقتصادی کشور است.

۱۰ - آنچه به همین موضوع مرتبط است ولی از ماهیتی دراز مدت تر برخوردار است، ابراز نگرانی در مورد یک خطر دیگر بزرگتر است که انقلاب، اهداف و مقاصد آن را تهدید می‌کند. ماحصل این نگرانی محسوس شدن ضرورت حذف سلطه فرهنگی اجانب و به خصوص غرب است که بنا به قولی از رژیم گذشته بر جای مانده و از نظر انقلابیون تأثیر اسلام را در تحرک بخشیدن به جامعه و ایجاد انگیزه برای حل بافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران فرسایش می‌دهد. واقعیت این است که آنها این خطر را در تمام نقاط جهان اسلام حس می‌کنند، که به صورت نوعی جبر ایدئولوژیک ممزوج شده با سخنان مبنی بر الحاق سرزمینهای اسلامی به یکدیگر که از ایده‌آلیسم پنهان شیعیان منشأ می‌گیرد و باعث تیره شدن روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اکثر همسایگان مسلمان آن می‌شود.

۱۱ - یزدی در بخش اعظم سخنرانی افشاگرانه خود در هاوانا به همین مضمونی که در ذهن انقلابیون ایرانی جای دارد اشاره نمود. بنابه گفته او «معیار بندی ارزشها، اهداف و آرمانها در میان نخبگان حاکم بر جهان، بعد جدید سلطه فرهنگی را به ماهیت رو به تکامل امپریالیسم در جهان معاصر افزوده است.» یزدی خواستار «زدودن و کناره‌گیری از همپیمانی فرهنگی با ابرقدرتها و تلاشی منظم در جهت رهانیدن خود از اسارت فکری سلطه فرهنگی شده است.»

۱۲ - برای ما کار کردن با رهبریتی که مانند او عمل می‌کند دشوار است؛ چون علیرغم اینکه به ما نیازمند است سعی می‌کند زیاده از حد به ما نزدیک نشود تا انقلاب حفظ شود. زمان و شرایط اجباری ناشی از یک تحرک و پویایی نهفته در مادیرگایی و نوگرایی اقتصاد ایران و ساختار اجتماعی شهری آن این وضع را در نهایت تغییر خواهد داد. ولی در نتیجه بعضی از مشکلات سیاسی که در کوتاه مدت

اجتناب‌ناپذیر است، حرکت کندتر خواهد شد. ما باید حداکثر صبر و حوصله و حساسیت خود را در پیگیری منافع خود در جوی انباشته از سوء ظن که توسط یزدی در نیویورک منعکس گردیده، به کار گیریم.

۱۳ - پس از ادای این مطالب، از این پس به اظهار نظر در سه مورد خاص می‌پردازیم: اول، تدارک نظامی؛ دوم، موضع علنی ما در قبال انقلاب؛ و سوم، حرکت سمبلیک ملاقات با خمینی و انتصاب سفیر.

۱۴ - یزدی در نیویورک از روشن ساختن این موضوع باز نماند که عملکرد ما در زمینه تدارکات نظامی همچنان محکی است برای مواضع ما در مقابل انقلاب. مسیر بسیار صعب‌العبوری در پیش است، آن هم نه به خاطر اینکه برقراری رابطه با چمران به عنوان سرپرست جدید نهاد دفاعی موضوع بحث باشد، بلکه به خاطر اینکه ترس از گسترش نفوذ آمریکا در جامعه ایران از طریق نظامی وجود دارد. (طبق گفته یزدی در هاوانا بیش از ۱۲۰۰ پرسنل نظامی ایرانی در آمریکا دوره دیده‌اند، که این رقم از نظر ما محافظه کارانه ارائه شده است.) علاوه بر این یزدی و دیگران معتقدند که ایران از طریق صندوق اعتباری خود فریب خورده است.

۱۵ - بنابراین ما با مسئله ارضای سیاستمدارانی چون یزدی، چمران و نیز افراد حرفه‌ای نظامی روبرو هستیم که دریافته‌اند که از پشتیبانی لجستیکی و فنی آمریکایی مورد نیاز خود محروم خواهند ماند. با این وصف، از نظر ما موضعگیری کنونی ما در قبال تدارک نظامی اصولاً صحیح است که همان موضعگیری صریح و روشن در قبال پرداخت صورتحسابهاست و به صورتی بسیار صریح قوانین و مقررات خودمان را در آمادگیمان به پاسخگویی به سؤالات دولت موقت در زمینه جزئیات مالی و ارائه لوازم یدکی پس از برقراری نظم در حکومت موقت ایران، ارائه می‌دهیم، به آن گوشزد می‌کند. ولی، به نظر ما باید در خط مشی‌های خود به صورت منفرد و منفک و به خصوص در مورد ارائه مقرراتی که به تجهیزات طبقه‌بندی شده و حساس تأثیر می‌گذارد نیز تن به خطر و ریسک بدهیم. در نتیجه باید در پاسخ به درخواست دولت موقت در مورد هواپیماهای اف - ۴ بسرعت موضع‌گیری مثبتی را از خود نشان دهیم. هرگونه به تأخیر و یا ممانعت از ارسال این جنگنده‌ها این سوءظن را بر می‌انگیزد که مبدا آمریکا خیال تنبیه و تأدیب دولت موقت را از نظر مالی و سیاسی دارد؛ تصویب مورد مربوط به این تعداد کوچک از هواپیماها که هزینه آنها نیز اضافه بر صورتحسابهای نیروی هوایی پرداخت شود در حراست از منافع ما در ایران (در صورتی که نیاز به مشورت با کنگره باشد) قابل دفاع و توجیه است.

۱۶ - ثانیاً، همان طور که این سفارت قبلاً پیشنهاد کرده بود، ما معتقدیم که باید راهی یافته و علناً اعلام کنیم که وجود دگرگونی در ایران را پذیرفته‌ایم. برای این کار دو علت وجود دارد یکی اینکه سوءظنهای دولت موقت نسبت به مقاصد ما کاهش پیدا می‌کند و دیگر اینکه با این کار به مردم خودمان منافع درازمدت‌مان در ایران را یادآور می‌شویم (چون مطبوعات آمریکا در این زمینه نقشی مصنوعی و سطحی داشته‌اند). البته معنی این مطلب این نیست که برای ما حمایت و تأیید علنی خمینی و یا تشویق و حمایت از چمران و یزدی و تمام بیانات و کردار آنها و یا تمجید از سیاست دولت موقت در کردستان ضروری و حیاتی است. آنچه که باید بگوییم آن هم به طریقی که تا به حال نگفته‌ایم این

است که ما در ایران دارای منافع دراز مدتی هستیم که هنوز هم به قوت خود باقی است و به نظر ما باید در ایران اسلامی نیز پیگیری شود.

۱۷ - ما مخصوصاً از وزارت خارجه می‌خواهیم که علناً و بطریقی اعلام نماید که ما مایلیم که ایران اهداف انقلابی خود را طوری تحقق بخشد که مورد حمایت تمام اقشار ملت آن باشد و آمریکا قصد ندارد مقاصد خود و یا رژیم خاصی، چه سلطنتی و چه غیر از آن را بر ایران تحمیل کند و القای تمامیت و استقلال ایران به نفع ما و مورد توجه ماست؛ و منافع آمریکا در دسترسی داشتن به نفت ایران مترادف است با منافع ایران در ادامه و تأمین مالی عمران صنعتی و کشاورزی آتی ایران. ما باید فرصتهایی پیدا کرده و تأکید ایران انقلابی بر اسلام و کمک معنوی آن به جامعه را با در نظر گرفتن طریقی که آمریکاییان نیز برای جنبه‌های معنوی تلاش انسانی اهمیت قائل می‌شوند، به عنوان عنصری مورد احترام و قابل درک برای آمریکاییها مورد استقبال قرار دهیم.

۱۸ - نظریات چند ماه قبل معاون وزیر خارجه، یعنی ساندرز در مورد خاورمیانه بخش اعظم این مطالب را در بر دارد و چیزهایی است که باید مکرراً به سمع ایرانیها رسانیده شود.

۱۹ - ثالثاً، و مختصراً، یک موضوع بسیار با اهمیت دیگر دیدار با خمینی و انتصاب یک سفیر در ایران است. اکنون برای انجام این کارها شاید دیر شده باشد؛ ولی موضوع اصلی راهی را پیش پا می‌گذارد که از نظر یزدی و اکثر ایرانیها می‌تواند به روشن شدن طرز برخورد ما در قبال انقلاب بینجامد. اگر قرار باشد انتصاب سفیر جدید باز هم به تأخیر افتد، توصیه می‌کنیم که زمینه برای ملاقات با خمینی در سطح کاردار فراهم آید. اما در رابطه با انتصاب سفیر، اکنون زمان مناسبتر از همیشه است و نباید در این مورد بیش از این تأخیر روا داشت.

سند شماره (۲۷)

از : سفارت آمریکا در تهران
به : وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت
موضوع : بهبود اقتصادی - اکنون کجا هستیم؟
۱ - (تمام متن خیلی محرمانه)

۲ - مقدمه و خلاصه: در حالی که عایدات نفتی ایران ۲ میلیارد دلار در ماه می‌باشد، در حدود ۲/۴ میلیون نفر (یا ۲۰ درصد) نیروی کار ایران بیکار هستند. بسیاری از کارخانه‌های در حالت رکود به سر می‌برند. متوسط تولید ۵۰ درصد ظرفیت تخمین زده می‌شود. با گذشت ۸ ماه از انقلاب و در حالی که اولین مرحله ابتدایی که همانا تخفیف هرج و مرج‌ها و سر و سامان دادن به امور می‌باشد انجام پذیرفته است، بسیاری از ایرانیان شروع به پرسیدن این سؤال کرده‌اند که چرا بهبود اوضاع به طرز سریعتری انجام نمی‌گیرد.

۳ - این تلگرام به بررسی یک مشکل اساسی می‌پردازد و آن عدم موفقیت در انتقال سرمایه‌های نقدی و غیر نقدی بانکها به بخش ناتوان صنعتی که بشدت محتاج سرمایه یا اعتبار هستند می‌باشد. کمبود اعتبار، تصمیمات اعلام شده دولت را بی‌اثر می‌سازد و به بی‌ثباتی و عدم اطمینان که خود از عوامل دخیل در این مشکل هستند کمک می‌نماید. دلایل دیگری که ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرند

عبارتند از: عدم وجود سرمایه و سرمایه‌گذار، خروج سرمایه، بی‌لیاقتی دولت در همه زمینه‌ها، عدم تأمین شخصی، عدم موفقیت در اجرای برنامه اعتبار ضروری و عدم توانایی کسانی که قصد گرفتن وام دارند در بازپرداخت وامشان. آینده این رژیم بستگی به موفقیت دولت در حل چنین مشکلاتی و اجرای برنامه‌های اطمینان بخش در ماه‌های آتی دارد. (پایان مقدمه و خلاصه)

۴ - عدم اطمینان، عدم سرمایه‌گذاری، ترجیح سرمایه‌نقدی بر غیر نقدی و خروج سرمایه نقدی و غیر نقدی از دو طریق می‌تواند مولد شود. از طریق سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های موجود یا جدید و از طریق اعطای وام جهت سرمایه‌کاری. در حال حاضر سرمایه‌گذاری انجام نمی‌گیرد و این تا حدودی ناشی از فرار طبقه تاجر به خارج از کشور می‌باشد. صادق سمیعی، معاون مدیر کل بانک ایران - عرب که خودش از همان تبار می‌باشد می‌گوید در حال حاضر بیش از ۱۵ نفر ایرانی که ثروت شخصی لازم را دارا باشند باقی نمانده‌اند و آنها هم در شرایط فعلی کاری نمی‌توانند بکنند.

۵ - اقشار بازاری (بازرگانان محافظه کار)، دلال هستند و نه سرمایه‌گذاران اهل ریسک. بنابه گفته ابطحی، مدیر بخش خارجی بانک ملی (بزرگترین بانک تجاری)، بازاریها افراد بسیار ثروتمندی هستند اما با توجه به عدم اطمینانهای مشابهی، آنها ترجیح می‌دهند که ثروتشان را در بانکها انباشته کنند و یا حتی بهتر از این، آن را صادر نمایند. گرانتر از حد واقع پرداختن برای واردات (overvoicing) وسیله معمول برای توضیح اینکه چرا ارزش (و به عبارتی ارزش دلاری) اعتبارات اسنادی در دو ماه گذشته با چنین شدتی افزایش یافته‌اند را فراهم می‌آورد. این امر ضرورتاً به معنای افزایش واردات یا افزایش فعالیت اقتصادی نمی‌باشد. ابطحی می‌گوید من مکرراً از مردم سؤال می‌کنم چرا آنها با این واقعیت که ما در وضعیت بسیار بدی هستیم روبرو نمی‌شوند؟

۶ - ابطحی ادامه داد، بازاریها (و دیگران) متناوباً در حال تبدیل ثروتشان به کالاهایی هستند که احتمالاً بازارهای خوبی در خارج پیدا می‌کنند. علاوه بر کالاهای معمول مانند طلا یا فرشهای شرقی، زعفران نیز در حال حاضر خواهان بسیار پیدا کرده است. بر عکس طبقه کارخانه‌داران که نزدیکی نامطبوعی با رژیم گذشته داشتند، بسیاری از بازاریها از نظر ایدئولوژیکی به رژیم فعلی تر حریف هستند. به طور کلی آنها پول خوبی در می‌آورند و شاهد این امر، خرده‌فروشیهای قابل توجه در بازارها و بالا رفتن رقم پس انداز بانکی آنها می‌باشند. بنابراین دلیل عدم اطمینان از جانب ایشان، نباید به سادگی رد شود.

۷ - قسمتی از این عدم اطمینان ناشی از سیاستها یا بی‌سیاستهایی است که از دولت سرچشمه می‌گیرند. به جای خط مشی‌های ثابت و استوار بازرگانان با تئوریهای مبهمی از قبیل بهره‌ صفر درصد، (مرجع ب)، بدون ایجاد انگیزه‌هایی که آنها بتوانند بدان پاسخ گویند و برنامه‌های خودشان را بر آنان استوار سازند، مواجه می‌شوند. ابطحی تنها با لحن نیمه شوخی اظهار داشت که صحبت از بهره صفر درصد ممکن است تهدید دروغین برای انتقال مازاد سرمایه‌های نقدی و غیر نقدی از حسابهای جاری مشمول بهره به بازار سهام یا به شکل‌های مستقیم‌تری (از سرمایه‌گذاری بوده باشد. او با لحن غمناکی گفت، اما این امر به هیچ وجه تحقق نیافت.

۸ - عامل دیگری که موجب تشویش خاطر بازاریان را فراهم می‌کند قیمت است. چقدر باید برای این یا آن کالای وارداتی بپردازند؟ چقدر باید بابت این کالاها از مصرف‌کنندگان پول دریافت کنند؟

گرچه این امر یک آیین مذهبی - سنتی در اسلام سنتی است اما برخورد ساده‌انگارانه اسلام با این مسئله و اضطرابی که انزجار ایشان نسبت به سودگرایی ایجاد می‌کند، مانع دیگری بر سر راه سرمایه‌گذاری یا وام دهی می‌باشد.

۹ - عامل دیگری که ممکن است تضییع اطمینان را فراهم سازد عدم صلاحیت مدیرانی است که برای به راه انداختن صنایع ملی شده انتخاب شده‌اند. از قرار معلوم حتی کارگران نیز در این مورد گله‌مند هستند. بانکداران از مدیرانی صحبت می‌کنند که مجبورند تازه با اختلاف بین ستون بدهکار ترازنامه و بستانکار آن آشنا شوند. عدم اطمینان از این که کسانی مالکان و کنترل‌کنندگان شرکتها هستند بر بی میلی بانکداران برای اعطای وام به شرکت‌های فاقد مدیریت با تجربه می‌افزاید. در مواردی که همه سهام یک شرکت مصادره شده ولیکن دولت یا یک بنیاد خیریه، مدیران معینی را جهت هیأت مدیره منتصب می‌کند، حوزه‌های مسئولیت افراد و مسئولیت نهایی مالی نامشخص باقی می‌ماند.

۱۰ - انعکاس انتصاب مدیران بی تجربه در خروج افراد با تجربه از کشور مشاهده می‌شود. با این حال هنوز تعدادی از افراد مزبور در کشور مانده‌اند و در این سیستم کار می‌کنند. اما توانایی آنها برای پر کردن شکاف تجربه موجود و تأثیرشان در ایجاد تحرک اقتصادی به خاطر ناملایمات روحی ناشی از مشاغل آنان کاسته شده است. ابطحی پرسید آیا شما می‌توانید درک کنید که دوره تصدی من بستگی به این دارد که آیا من نماز می‌خوانم یا نه؟ سایر کسانی هم که مانند ابطحی نمی‌خواهند منافق‌گونه عمل کنند، چیزهای مشابهی را گفته‌اند. همه تا اندازه‌ای آسیب‌پذیر هستند، این درسی است که به طور مؤثری از اخراج نزیه - رئیس شرکت نفت - گرفته شده است. لذا تمایل رو به‌رشدی وجود دارد که از تصمیماتی که احتمالاً جلب توجه کرده یا تهاجمی را علیه خودشان بر می‌انگیزاند اجتناب ورزند. این امر حتی به تمایل آنها برای اضافه کاری لطمه می‌زند. (مخصوصاً بعد از کاهش عمده اخیر در حقوق کارکنان شرکت نفت و بانکها.)

۱۱ - مسئله دیگر، ترس از این می‌باشد که نه این رژیم، بلکه جانشین آن، مدیران را بخاطر اجرای دستورات رژیم فعلی مورد مواخذه قرار دهد؛ آنچه که بر سر بسیاری از کسانی که دستورات شاه را اجرا کردند آمد. عدم ثبات آشکار رژیم و احتمال محسوس وجود ضدانقلاب همه دست به دست هم داده تا از تحرک و ابتکار جلوگیری کنند. البته از جنبه مثبت قضیه باید گفت که مثال عاقبت کسانی که بخاطر حمایت از دوستان نزدیک شاه قوانین را زیر پا گذاشتند باعث تقویت بانکداران برای مقاومت در مقابل دخالت‌های خام (بیجای) روحانیت و کمیته‌ها که خواستار به اجرا درآمدن پروژه‌های نفتی - هر چند غیر اقتصادی - خود می‌باشند شده است. عقیلی، مدیرعامل بانک ایران و خاورمیانه می‌گوید هیچ کس نمی‌خواهد همان گونه که آنها عده‌ای (از عمال رژیم سابق) را اعدام کردند، مرا نیز تیرباران نمایند.

۱۲ - اما به هر حال در مجموع، اثر این فشارها مخصوصاً بر بانکداران، که در حال حاضر کارمندان دولت به شمار می‌آیند، این بوده است که از هر نوع ابتکار و ابداع، جسارت و انعطاف از سوی آنها ممانعت به عمل آورد. کیفیات و مشخصات ذکر شده مخصوصاً از این جهت مورد نیازند که در حال حاضر بسیاری از صنایع ایران که قادر به پرداخت دیون خود نمی‌باشند با بهبودگی تقاضای اعتبار می‌نمایند.

۱۳ - برای درک اهمیت اعتبار برای صنایع ایران، باید به یاد آورد که عمده این صنایع در واقع مونتاژ قطعات خارجی می‌باشد و یا حداقل به شدت به مواد خام وارداتی وابسته است. صاحبان صنایع به سختی قادر به حفظ اعتباراتشان هستند. همان طور که ساقظلیان (SAGHETELIANE) مدیر عامل بانک تجارت خارجی ایران اظهار داشت، آنها قبل از این که به بانکداران ایرانی خودشان توجهی داشته باشند متوجه تأمین کنندگان مواد اولیه‌شان می‌باشند. در مقابل، بسیاری از آنها از امتیازات خرید با اعتبار نامحدود برخوردار هستند. سایرین نیز اعتبارات اسنادی با مهلت ۱۸۰ روز یا بیشتر را در اختیار دارند. اعتبارات اسنادی ضمن آنکه آنها را مجاز ساخته که قبل از اینکه مجبور به پرداخت قیمت کالاهای وارداتی به صادر کنندگان این مواد باشند، یک ماه برای حمل کالاهای وارداتی، یک ماه برای عمل‌آوری این مواد و یک ماه برای دادن فرصت به خریدار محصولات تولید شده برای پرداخت، و نیز از یک مدت ۳ ماهه اضافه جهت بازپرداخت برخوردار باشند. شناوری مدت زمان پرداخت از عوامل مهم در سودبری آنها می‌باشد.

۱۴ - با شروع انقلاب، صادر کنندگان خارجی شروع به تأکید برای اعتبارات اسنادی تأیید شده کردند، که در واقع به معنای پرداخت نقدی بود. شرکتها نیز به نوبه خود از مشتریانانشان خواستار پرداخت نقدی گشتند. شناوری مدت پرداخت از بین رفته، و در بسیاری از موارد در حالی که باید همچنان ۲۰ درصد اضافه حقوق کلیه کارمندان حفظ شود، تولید و درآمدها کاهش یافته‌اند.

مشتریان پرداختهای خود را معلق کرده‌اند. بدین ترتیب بسیاری از صنایع کاملاً در قرض فرو رفته بر اثر این مشکلات از پرداخت قروض خود عاجز شده بودند و در ضمن وثیقه‌های (ملکی) ایشان نیز فاقد اعتبار گشته بود و تلاش می‌کردند که حتی برای پرداخت حقوق کارکنانشان وام بگیرند و البته اغلب هم تلاششان به جایی نمی‌رسید.

۱۵ - فریاد برای اعتبار اضطراری که برای اولین بار ۵ ماه قبل به گوش رسید توسط کمیته بازرگانی کمیته انقلاب در قم پاسخ داده شد. اتحادیه‌ای متشکل از بازاریان راستگرا با اعتبار اضطراری ۸۰ میلیارد ریالی مشهور خود، امیدهای بزرگی را به همراه آورد. بانک مرکزی ایران قصد داشت که این ۸۰ میلیارد را با بهره ۶ درصد و با صرف‌نظر نمودن از الزامات جانبی (وثیقه) بین ده نوبت از طریق ۱۰ شعبه (که اخیراً یازده تا شده‌اند) از بانکهای قویتر تجاری تقسیم نماید. پنجاه درصد نیازمندیهای متقاضیان از این طریق تأمین می‌شد و این درحالی بود که وجوه مورد نیاز از محل ذخایر خود بانکها تأمین می‌گشت. به این ترتیب با ۱/۶ میلیارد ریالی که انتظار می‌رفت از هر یک از بانکهای انتخاب شده در نوبت اول پرداخت نمایند، مجموعاً ۱۶۰ میلیارد ریال به اقتصاد کشور تزریق می‌شد. این اعتبارات می‌توانست برای پرداخت حقوق کارکنان یا جهت خرید مواد خام مورد مصرف قرار گیرند.

۱۶ - به جز یک استثنای احتمالی بقیه رابطهای بانکهای ما روی این نکته توافق دارند که این طرح یک شکست کامل بوده است. بانک صنایع یعنی تنها بانک برگزیده شده‌ای که ارقام خودش را به ما می‌دهد خاطر نشان ساخت که از ۱/۶ میلیارد ریال آن تنها ۳۰۹ میلیون یا به عبارتی ۲۰ درصد هدف نهایی تأمین شده است. همه اذعان دارند که بن بست عمده در این مسیر بوروکراسی پیچیده یأس‌آوری بود که متقاضیان با آن مواجه بودند. ساقظلیان از بانک تجارت خارجی ایران می‌گوید، کمیته وام

وزارت صنایع و معادن از یکی از متقاضیان که درخواست وام برای خرید مواد خام کرده بود، تنها درخواست نمود که اسامی کلیه کارکنانش به این کمیته داده شود. او سهواً در نوع اعتبار درخواستی اشتباه کرده بود. (این سؤال باقی می ماند که آیا برای پرداخت وام اضطراری جهت پرداخت حقوق کارکنان همه آن اسامی لازم می باشند یا خیر). بوروکراسی ایران در این وزارتخانه خود را به مانند نمایندگان روحانی، با درخواست جزئیات زیادی و نامربوط سرگرم می سازد و ماهها می گذرد بدون اینکه عملی از سوی وزارتخانه مزبور یا بانک مرکزی صورت بگیرد.

۱۷ - به نظر می رسد در میان بانکداران تنها ساقطیان گرفتار این مشکلات نبود. هنگامی که بانک مرکزی در حل مسئله سستی به خرج می داد او کل مبلغ لازم را از صندوق خود بانک تجارت خارجی ایران تأمین و بعداً حسابها را تصحیح می کرد. ساقطیان گفت به فرض این که نرخ کاهش ذخیره سایر بانکها پایین باشد باز هم صنایع عمده ایران به طور سنتی بانک او را طرف معاملات خود قرار می دهند. به عبارت دیگر او به اندک کسانی که واقعاً احتیاج به اعتبار ضروری نداشتند وام داد. همانطور که در بالا ذکر شد اجماع بر این واقع شده بود که آنهایی که به این اعتبارات نیاز داشتند آنها را دریافت نمی کردند.

۱۸ - بنابراین مسئله ای که بی پاسخ مانده، ارزش اعتباری صاحبان صنایع بخش خصوصی می باشد. ابطیحی گفت بانک ملی هر آنچه که در توان داشته باشد برای اعطای اعتبارات انجام داده است. ولی موقعی که یک شرکت به طور محسوسی ناتوان از پرداخت دیون خود می باشد و مجبور است که حتی برای پرداخت حقوق کارکنانش وام بگیرد باید دور آن را خط کشید. ابطیحی به وضوح گفت که او نیز مانند عقیلی میل ندارد که روزی در سینه دیوار قرار بگیرد.

۱۹ - نتایج: بانکهای تجارتي با توجه به عدم صلاحیت وزارتخانه مسئول و عدم وجود قوانین جنبی، در مقابل این اولویت ملی که از آنها خواسته شده تا پولهای خودشان را در عملیات کمک به افراد مقروضی که از بازپرداخت وام خود عاجزند، سرمایه گذاری کنند پاسخ شایسته ای نمی دهند. نتایج این امر به طرق متعددی احساس می شوند.

۲۰ - برای مثال، صنعت کامیون سازی به طور جدی با کمبود قطعات یدکی مواجه است. یکی از بزرگترین وارد کنندگان قطعات یدکی تنها می تواند ۶۵ درصد از سفارشات این صنعت را برآورده سازد. ذخایر اضافی در انبارهای گمرک موجود می باشد اما هنوز پول آنها پرداخت نشده است. شرکت (وارد کننده این قطعات) در عسرت می باشد و هیچ بانکی حاضر به اعطای وام به این شرکت جهت پرداخت بهای کالاهای وارداتی و ترخیص آنها از گمرک نمی باشد. در همین حال، وزرای کابینه نیز به تولید کنندگان و وارد کنندگان فشار می آورند تا کاری برای حل این مشکل نکنند.

۲۱ - این شاید حالت افراطی قضیه باشد. صنایع متعلق به دولت حداقل بنابه گفته مدیر عامل افغانی و طرفدار دولت بانک صادرات ایران، قادر هستند که اعتبار کافی برای واردات و یا جهت تداوم تولید را کسب کنند. تعداد زیادی از این مشکلات میراث زمان شاه می باشند. به ما گفته می شود که ماشین آلات کشاورزی وضع بهتری دارند.

۲۲ - معهدنا بر طبق تحلیل ذکر شده، جای نگرانی وجود دارد. هرچه که از زمان پیروزی انقلاب می گذرد مردم از آنچه که دولت در حال حاضر انجام می دهد توقع بیشتری دارند. ماههای آتی بهتر به

ما نشان خواهند داد که آیا منحنی ثبات و اطمینان سیر صعودی خواهد داشت یا تنزل خواهد نمود.

لینکن

سند شماره (۲۸)

از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: صنعت بعد از انقلاب ایران - مرسدس بنز.

۱ - (تمام خیلی محرمانه است.)

۲ - خلاصه: در سفر اخیر خود به تبریز، مقام سفارت از کارخانه سرمایه‌گذاری مشترک موتور دیزل مرسدس بنز بازدید به عمل آورد. به خاطر مأموریت قبلی مقام سفارت (۷۴ - ۱۹۷۲) در تبریز، این مقام آشنایی کاملی به کارخانه، مدیرعامل سابق آن و مدیرعامل فعلی آن یعنی، کریس آقاییگیان که یک فرد ارمنی است، پیدا کرده بود. با در نظر گرفتن معیارهای صنعتی بعد از انقلاب ایران سطح تولید کنونی که معادل ۵۰ درصد ظرفیت تولید گذشته است می‌تواند نوعی موفقیت به حساب آید. داستان مربوط به نحوه مبارزه کارخانه با بحران موجود حکایتی است جالب در مورد انقلاب ایران و اینکه چگونه یک مدیر با استعداد ارمنی می‌تواند بین تضاد منافع موجود در بخشهای دولتی، سهامداران خصوصی، بانکها، کمیته‌های انقلابی، ملاها و کارگران ایجاد مسالمت نماید. (پایان خلاصه)

۳ - شرکت دیزل‌سازی در سال ۱۹۷۰ به صورت سرمایه‌گذاری مشترک مرسدس بنز تأسیس شد تا بتواند موتورهای دیزلی کامیون و اتوبوس را بسازد. بانک عمران ایران، شرکت خاور ایران ناسیونال در این سرمایه‌گذاری خصوصی تقریباً دارای سهامهای مشترکی می‌باشند. شرکتهای خاور و ایران ناسیونال در تهران به ساخت موتورهای دیزلی کامیونهای متوسط و اتوبوس مشغولند. شرکت سازنده موتورهای دیزلی نیز سرنوشتی موفقیت‌آمیز داشته است، تا سال ۱۹۷۷ سطح تولید افزایش یافته و معادل ۱۸۰۰۰ موتور دیزل در سال بود (که تقریباً به طور مساوی بین شرکت خاور و ایران ناسیونال تقسیم می‌شد) و برنامه گسترشی کارخانه می‌توانست سطح تولید را بیش از این افزایش دهد. سطح تولید در سال جاری (از مارس تا سپتامبر) کاهش و به ۷۵۰ موتور در ماه یا ۹۰۰۰ موتور در سال تقلیل یافته است.

۴ - شرکت دیزل‌سازی در بازار جاذب ایرانی گاهی وضعی بسیار خوب و گاه تأسف‌بار داشته است. از اوان انقلاب شرکت خاور با مشکلاتی جدی در زمینه اعتبار و تولید روبرو بوده است. در عین حال که مهمترین سهامدار آن (یعنی خانواده سوده‌ور) (soudevar) در ایران مانده‌اند، دولت مدیریت و هیئت مدیره جدیدی را در این کارخانه منصوب نموده است. شرکت خاور حتی قبل از انقلاب نیز مشکلاتی داشت و چون کامیونها به صورت اعتباری به فروش می‌رفت این کارخانه می‌بایست تلاش بسیاری به خرج دهد تا بتواند سرمایه گردش کار خود را تأمین نماید. با ظهور انقلاب تعطیل پروژه‌های بزرگ ساختمانی، امتناع یا عدم توان مشتریان آن در پرداخت دیون خود، توأم با کمبود اعتبار و بی‌تجربگی مدیریت جدید، کارخانه را به ورطه ورشکستگی کشاند. دستمزد کارگران افزایش یافته ولی سطح تولید واقعاً ناچیز است. از طرف دیگر شرکت ایران ناسیونال در ایران قبل از انقلاب به

صورت یک ماشین سکه‌زنی برای صاحبان خود، یعنی خیامیها عمل می‌کرد. تقاضا برای اتومبیل‌های پیکان ساخت این کارخانه آن قدر زیاد بود که مشتریان آن ۶ ماه قبل از تحویل اتومبیل پول پرداخت می‌کردند و بازار مینی‌بوسهای تولیدی آن نیز رو به گسترش بود. خیامیها از ایران فرار کرده‌اند، ولی دولت موقت نیز نتوانسته است کارخانه ایران ناسیونال را ویران سازد. سرمایه در گردش این کارخانه در اوایل انقلاب بیش از یک میلیارد تومان (۱۳۵ میلیون دلار) بود. همین امر سبب شد که کارخانه بتواند بحرانهای ناشی از افزایش دستمزد کارگران را پشت سر بگذارد و افزایش تقاضا برای مینی‌بوسهای آن نیز بازار تولیدات کارخانه موتور دیزل‌سازی ایران را گرمتر ساخته است.

۵ - طبق استانداردهای تبریز و حتی ایران، کارخانه دیزل‌سازی ایران یک شرکت سودآوری برای سهامدارنش بوده است. دریافتی سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون تومان (حدود ۱۰۰ میلیون دلار) و واردات قطعات شرکت دیلمر بنز نیز معادل ۱۰۰ میلیون مارک در سال بوده است، با این حال سود شرکت در سال ۱۹۷۷ معادل ۸۰ میلیون تومان (یا بیش از ۱۰ میلیون دلار) بود و برای ۱۳۰۰ نفر از تبریزیها تأمین کار می‌نمود. ظرفیت تولیدی کنونی کارخانه ۵۰ درصد است، ولی حقوق افزایش یافته نیروی کار خود را می‌پردازد (چون قابل کاهش نیست) و ماهانه ۵ میلیون تومان ضرر می‌دهد (حدود ۸۰۰۰۰۰ دلار). علت اصلی ضررها نیز استفاده از کاهش ذخایر ارزی و استفاده از اعتبارهای بانکی است. قبل از انقلاب، شرکت دیلمر بنز آلمان قطعات لازم برای این کارخانه را با ۵۰ درصد پیش پرداخت و پرداخت مازاد آن با اقساط ۹، ۱۲ و ۱۵ ماهه می‌فروخت. پس از انقلاب این نسبت به ۲۰ درصد و ۸۰ درصد تغییر کرد و پس از آنکه شرکت بیمه هرگز صادرات این شرکت را بیمه ننمود، شرکت دیزل‌سازی ایران نیز مجبور شد با استفاده از اعتبارنامه، خریدهای خود را انجام دهد.

۶ - انقلاب روابط بین مدیریت و نیروی کار کارخانه دیزل‌سازی را در کوتاه مدت دستخوش تغییرات فاحش ساخته است. آقایبگیان در اوایل سال ۱۹۷۴ به صورت معاون مدیر عامل کارخانه درآمد. آقا بیگیان که از ارمنیهای بومی تبریز است ۱۳ سال در آلمان اقامت داشته، لیکن در سال ۱۹۷۰ به عنوان مهندس به ایران بازگشته و در نتیجه تلاش و کوشش خود در این کارخانه به سمت مدیر عامل درآمده بود. هیئت مدیره پس از انقلاب آقا بیگیان را به عنوان مدیر عامل برگزید و کمیته انقلاب کارخانه نیز در جلسه‌ای پرچونجالی با شرکت ۱۳۰۰ کارگر کارخانه او را در همین پست ایفاء نمود. کمیته اولیه کارخانه مرکب از ۲۹ نفر (چند کمونیست) بود، اما پس از آن کارگران، یک کمیته ۵ نفره مرکب از کارگران بسیار مذهبی کارخانه را برگزیدند. آقا بیگیان معتقد است که کارگرانی که می‌خواهند مشکلات خود را مستقیماً با وی در میان بگذارند باید حتماً از این کمیته بگذرند. در عین حال که این امر نشانه اعتماد و اطمینان است ولی میزان تقاضا برای اوقات کار او افزایش می‌یابد.

۷ - حتی قبل از انقلاب نیز آقا بیگیان به صورتی بسیار جدی نسبت به ناراحتیها و کمبودهای کارگران عکس‌العمل نشان داده بود. برخلاف میل کارمندان وی به کارگران اجازه داد که از کلوپ، استخر و میدان تنیس شرکت استفاده کنند. وی کار احداث محل مسکونی ۲۵۰۰۰۰ دلاری خود در تبریز را متوقف ساخت و به سکونت در خانه‌ای کوچکتر در تبریز ادامه داد. وی خاطر نشان ساخت که برای کارگران مذهبی محل برگزاری نماز وجود نداشت و به همین دلیل کار احداث یک مسجد کوچک را در کارخانه آغاز نمود. او از راننده استفاده نمی‌کند. اتومبیل مرسدس بنز جدید خود را

فروخته و یک مرسدس دیگر را که پنج سال از عمر آن می‌گذرد استفاده می‌کند. در نتیجه همین اقدامات بین او و کارگران رابطه بهتری ایجاد شده. ولی نکته مهم دیگر این که نتیجه این کارها باعث بهبود روابط بین آقایان و نهاد جدید انقلابی شهر شده است. تأییدات کمیته مذهبی کارخانه از اقدامات وی سبب بازدیدها و توصیه‌های مکرر آیت‌الله اصلی شهر شده است. وامهای مورد درخواست وی از بانکهای محافظه کار تبریز نیز همیشه مورد حمایت کمیته مرکزی انقلاب، استاندار و آیت‌الله‌های سرشناس شهر تبریز بوده است.

۸ - آقایان می‌داند که در ایران انقلابی موفقیت جنبه موقتی دارد. کارگرانی که او را انتخاب کرده‌اند احتمالاً ممکن است به خاطر هیچ و پوچ علیه وی بسیج شوند. هیئت مدیره او نیز که اکثرًا از طرف دولت منصوب شده‌اند نیز احتمال مورد نظر را قویتر می‌سازد. ولی او با آنها درگیر شده و از تغییر یادداشتهای جلسات هیئت مدیره از زبان انگلیسی به فارسی ممانعت به عمل آورده است و با انقلاب مورد نظر آنها (یعنی شعار بدون کار) مبارزه کرده است. تجزیه و تحلیل انگیزه‌ها بسیار دشوار است. ولی آقایان که تاکنون سه بار در حال دادن استعفا بوده است، معتقد است که این کارخانه بدون وجود او شکست خواهد خورد و چون هیئت مدیره و کمیته کارگران استعفای او را نپذیرفته‌اند، این معنی قوت بیشتری می‌گیرد. آقایان مدیری است مایل به دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، ولی اگر مشکلات بسیار عظیم باشد راه فرار برای او باز است؛ کارخانه بنر آلمان همیشه حاضر به پذیرش او در آلمان می‌باشد و بستگان ارمنی وی در لس‌آنجلس نیز حاضرند با وی در کسب و کار خود شریک شوند. آقایان یکی از چند مدیر امروزی است که ایران نمی‌تواند او را از دست بدهد، چون بسیاری از آنها تا بحال از کشور گریخته‌اند. اکثر آنهايي که مانده‌اند نیز مانند آقایان سرخورده‌اند و همانند او در بسیاری از نقاط دیگر جهان فرصت پیشرفت بیشتر دارند.

لینکن

کتاب شصت و چهارم

سیاست جهانی آمریکا
از ادعا تا واقعیت

مقدمه

مطالعه سند حاضر ما را به این حقیقت رهنمود می‌کند که چگونه دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا اهداف توسعه‌طلبانه و امپریالیستی خود را، در پشت کلمات مقدسی مانند صلح‌طلبی، حقوق بشر، کمک‌های اقتصادی و غیره پنهان می‌کنند. آنها در مخفی نمودن اهداف واقعی خود، تا آنجا پیش رفته‌اند که در اسناد طبقه‌بندی شده و برای مأموران دیپلماسی تحت امر خود نیز آن را به صورت حقایق بدیهی و اصولی انسان دوستانه مطرح نموده‌اند به گونه‌ای که امر بر خودشان نیز مشتبه شده و هیچ قبحی در نظریات خویش نمی‌بینند. البته بدیهی است که الزاماً تمامی دیپلمات‌های آمریکایی در جریان دانسته‌ها و ماهیت طرح‌های طراحان مرکز نبوده و شاید اشاره به این واقعیتها اثراتی منفی در عملکرد و تبلیغات این افراد داشته باشد.

از روزی که غرب با استفاده از شعارهای انسان دوستانه برای به انقیاد درآوردن کشورهای جهان سوم قیام نمود، عده‌ای از روشنفکران! این جهان! نیز آن را باور نموده و در پی آن روان شدند و اکنون ایالات متحده، خود نیز بر این باور شده است که رسالتی جاویدان در رهایی بشر! و کسب حقوق! آن دارد. رسالت روشنفکر واقعی جهان سوم، خصوصاً کشورهای اسلامی آن است که تفاوت عظیم موجود بین این ادعا و واقعیت امر را برای جهانیان مخصوصاً ملل اسلامی روشن نماید. امید است با عنایت به این مقدمه و اسناد موجود در کتاب، قدمی در روشن نمودن این امر خطیر برداشته شود.

سابقه سیاست خارجی آمریکا

پس از استقلال آمریکا، طی جنگ‌های ۱۷۸۳ - ۱۷۷۵ و بالا رفتن میزان قدرت ایالات متحده و در کنار آن افول قدرت استعماری اسپانیا در آمریکای لاتین و استقلال مستعمرات اسپانیا، ایالات متحده با اعلان دکترین مونرو (۱۸۲۳) قدم به عرصه سیاست جهانی گذاشت. این دکترین که توسط جیمس مونرو رئیس جمهوری وقت آمریکا اعلام شد، شامل سه ماده می‌گردد:

(الف) عدم دخالت مستعمراتی اروپا در امور آمریکا (شمالی و جنوبی)

(ب) عدم دخالت دول متحده در مستعمرات اروپا در آمریکای لاتین

(ج) عدم دخالت آمریکا در امور داخلی کشورهای اروپایی^(۱)

پس از اشغال اراضی وسیعی از مکزیك (۱۸۳۸) و نیز پایان جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۱) -

۱۸۶۵) و در نتیجه تکمیل وحدت ایالت‌های مختلف آمریکای شمالی، سیاست خارجی ایالات متحده تحرك بیشتری یافت و حرکت خود را در جهت دستیابی به اهداف امپریالیستی و استعماری آغاز کرد که از اولین موارد آن می‌توان به جنگ با اسپانیا در سال ۱۸۹۸ اشاره کرد. این جنگ بر اثر بحران داخلی کوبا در رابطه با استعمار اسپانیا به وجود آمده بود. نتیجه این جنگ واگذاری پورت‌ریکو به آمریکا و خارج شدن اسپانیا از کوبا و فیلیپین و اشغال این دو سرزمین توسط ایالات متحده بود. که پایگاه‌های نظامی آمریکا در این دو کشور نیز از همان زمان برقرار گردید.^(۲)

در شروع جنگ جهانی اول، آمریکا موضع بیطرفانه‌ای اتخاذ کرد، ولی پس از مدت کمی با کمک به فرانسه و انگلیس و در نهایت با دخالت نظامی بر علیه آلمان، بیطرفی را کنار گذاشت. علت اصلی کمک به دو کشور مزبور و نیز دخالت در جنگ، عمدتاً ناشی از منافع اقتصادی آمریکا بود، زیرا در صورت ادامه سیاست بیطرفانه، کشورهای مزبور پولی برای خرید اجناس آمریکایی نداشتند و لذا صادرات آمریکا دچار رکود می‌شد، در نتیجه ضرورت اعطای اعتبارهای چند میلیاردی به دو کشور مذکور احساس شد. همچنین شرکت مستقیم در جنگ هم ناشی از ملاحظات اقتصادی بود، زیرا احتمال شکست فرانسه و انگلیس، خصوصاً پس از خروج روسیه از میدان جنگ وجود داشت که در این حالت کلیه اعتبارات پرداخت شده به متفقین که بالغ بر ده میلیارد دلار می‌شد، از دست می‌رفت.^(۳) پس از پایان جنگ اول تغییرات مهمی در جهان حادث شد. روسیه بر اثر جنگ داخلی و انقلاب بلشویکی و نیز جدا شدن قسمت عمده‌ای از سرزمین آن، از صحنه سیاست جهانی خارج گردید. امپراطوری اتریش - هنگری و امپراطوری عثمانی نیز منحل شدند. آلمان نیز مغلوب شده بود و در اروپا تنها دو قدرت استعماری انگلیس و فرانسه پابر جای ماندند. البته به علت خرابیهای ناشی از جنگ و صرف بودجه هنگفت نظامی از قدرت آنها نسبت به قبل از جنگ کاسته شده بود. در عوض ایالات متحده تنها کشوری بود که از جنگ قدرتمندتر نسبت به گذشته خارج گردید.

آمریکا که قبل از جنگ به اروپا بدهکار بود، پس از جنگ جزو طلبکاران از اروپا درآمد. طی جنگ افزایش صادرات این کشور بر وارداتش به ۹/۵ میلیارد دلار رسید.^(۴)

در این میان رئیس جمهوری آمریکا با شعارهای ضد استعمار قدیم و نیز اصل «آزادی ملل در تعیین سرنوشت خود» برای برقراری صلح وارد میدان سیاست جهانی گردید.

البته این اصول با ترجمه آمریکایی آن مطرح گردید و به عقیده آقای رئیس جمهور مانعی نداشت که دولتی صنعتی با استفاده از زور و حتی بوسیله اشغال نظامی، در کشورهای تازه استقلال یافته را بر روی تجارت خود باز کند.^(۵) ویلسون علاقه‌مند بود، پس از جنگ نقش مهمی را در سیاست جهانی بر عهده گیرد. وی تقریباً محور اصلی کنفرانس صلح ورسای بود و اصول ۱۴ گانه پیشنهادی او مورد قبول کنفرانس واقع گردید، لیکن سیاست خارجی وی در داخل ایالات متحده با عکس‌العمل منفی و در نهایت با شکست مواجه شد. بدین صورت که عهدنامه ورسای در مجلس سنا رأی نیاورد و با ماده ۱۰ آن که مربوط به دخالت نظامی در تضمین تمامیت ارضی و استقلال کلیه دولتهاست و نیز ماده دیگری که مربوط به دخالت جامعه ملل در مسایل بین‌المللی می‌گردید، مخالفت شد. آنها معتقد بودند که جامعه ملل حق دخالت در مسائل مربوط به دکترین مونرو، رژیم گمرکات و مقررات مهاجرت موجود در ایالات متحده را ندارد. در پایان، رأی دهندگان آمریکایی طی یک رفراندوم، با الحاق به

جامعه ملل مخالفت نهایی خود را اعلام کردند.^(۶)

یکی از علل مهم این تصمیم‌گیری ترس مردم و سنای آمریکا، از دخالت در امور اروپا بود، که این امر را مخالف منافع خود می‌دانستند. خصوصاً که فرانسه و انگلیس هم بدان حد تضعیف نشده بودند که بدون چون و چرا انقیاد ایالات متحده را بپذیرند.

جنگ جهانی دوم سیستم بین‌المللی را به طور اساسی متحول نمود، پس از جنگ قدرتهای اروپایی به شدت تضعیف شده بودند و در مقابل شوروی به عنوان يك کشور بزرگ و فاتح ظاهر شده بود که تعدادی از کشورهای اروپای مرکزی نیز جزو اقمار آن به حساب می‌آمد و امکان سقوط دیگر دول اروپایی به دامن شوروی وجود داشت. از طرف دیگر نفوذ فرانسه و انگلیس برای حفظ منافع استعماری در کشورهای جهان سوم تا حد زیادی از بین رفته بود. در نتیجه اروپا خود را در قبول رهبری آمریکا مجبور می‌دید. زیرا قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا به بالاترین حد قابل قبول تصور در آن زمان رسیده بود. چنین شرایطی، توسعه‌طلبی را با زنده‌ترین شکلش وسوسه نموده و دیگر کسی به فکر اتخاذ سیاستی انزواگرایانه مانند آنچه که پس از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد نبود. علائم این توسعه‌طلبی قبل از ورود آمریکا به جنگ نیز بروز نموده بود.

هنری لوس در ۱۹۴۱ در برابر ادعاهای هیتلر دربارهٔ ضرورت توسعهٔ ارضی احتجاج نموده و می‌گوید: «حکومت‌های استبدادی ممکن است نیازمند فضای حیاتی بسیار وسیعی باشند، لیکن «آزادی» به فضای حیاتی بسیار وسیعی نسبت به حکومت‌های استبدادی نیازمند است.»^(۷)

پس از جنگ جهانی دوم قدرت دریایی آمریکا نسبت به زمان شروع جنگ ۵ برابر شده و ۱۵ هزار هواپیمای جنگی خود را به هواپیمای مسافربری تبدیل می‌کند. تولیدات کشاورزی و ذغال و نفت افزایش یافته و تولید سنگ آهن چهار برابر و تولیدات صنعتی ۱۰۰٪ افزایش می‌یابد. آمریکا در این زمان نصف انرژی تولیدی دنیا را مصرف می‌کند و ۲۳ استعداد تولید صنایع تبدیلی جهان را در کنار مازاد تجاری ۴۰ میلیارد دلار و ۵۰٪ ذخایر طلای جهان را به خود اختصاص داده و بزرگترین قدرت جهانی محسوب می‌گردد، در مقابل شوروی نیز هر چند ۱۰٪ جمعیت خود را از دست داده و بیش از ۳۰ هزار مؤسسه صنعتی و ده هزار مجتمع کشاورزی و ۶۵ هزار کیلومتر راه آهن آن طی جنگ ناپود شد، ولی پس از جنگ تولید ذغالش نسبت به شروع آن ۵۰٪ افزایش یافت و تولید برق آن دو برابر گردید و تنها کشوری که طی جنگ توسعهٔ ارضی پیدا می‌کند و سرزمینهای بالتیک، روسیه سفید، بسارابی، بوکووین شمالی و قسمتی از خاک فنلاند را به خود ضمیمه می‌کند و همچنین بر کشورهای لهستان، رومانی، مجارستان، بلغارستان، چکسلواکی، اطریش، یوگسلاوی و نصف آلمان نظارت می‌نماید و از نظر نیروی نظامی و تجهیزات قوی‌ترین کشور اروپایی محسوب می‌گردد.^(۸)

سیستم جهانی پس از جنگ دوم به صورت دو قطبی در می‌آید و اثرات آن در کلیه نقاط و در اغلب مسائل جهان منعکس می‌شود. ایالات متحده پس از جنگ چند نوع سیاست را به طور همزمان اختیار می‌کند:

(الف) تقویت اروپا و استفاده از آن برای مقابله با شوروی، که این امر از لحاظ اقتصادی در قالب طرح مارشال و از نظر نظامی در چهارچوب ناتو تحقق یافت.

(ب) کمک‌های نظامی و اقتصادی به کشورهایی که در خطر هجوم روسها و یا عواملشان قرار دارند

که این موضوع نیز ضمن طرح ترومن و با کمک فوری به یونان و ترکیه برای مقابله با کمونیستهای محلی شروع گردید.

در کلیه مناطقی که اعمال این سیاست با عقد قراردادهای و یا کمکهای نظامی میسر بود، این سیاست دنبال گردید. از جمله می توان از پیمانهای O.A.S (در آمریکای لاتین) و آنزوس (استرالیا و زلاندنو) و سیتو و سنتو نام برد. البته در مواردی هم با عقدی پیمانهای دو جانبه این روابط استحکام بیشتری می یافت، انعقاد قرارداد با فیلیپین، کره، تایوان و ژاپن از این نمونه هستند. غیر از پیمان ناتو که بین آمریکا و اروپا توازن نسبی برای انعقاد یک قرارداد نظامی وجود داشت، بقیه این پیمانها بین دو طرف نابرابر منعقد می شد و همین نابرابری طرفین بود که این پیمانها را به صورت یک سری قراردادهای استعماری در می آورد. مثلاً در پیمان O.A.S که مشترکاً برای دفع تجاوز نسبت به هر کشوری و بوسیله ۲۳ آراء اقدام می کنند، بین تجاوز داخلی و خارجی تفاوت قائل نگشته اند و لذا کانادا که در پیمان ناتو حضور دارد، دارد در این پیمان حضور ندارد.^(۹)

طی این مدت مقابله با نفوذ کمونیسم از طریق کمک به کشورهای تحت خطر انجام نمی شد، بلکه این مقابله با حضور آمریکا بجای حضور احتمالی و یا خیالی شوروی در آن کشورها، انجام می گردید و این نحوه عملکرد فضای واقعی سیستم دو قطبی طی این مدت می باشد. تا قبل از شروع دوران تشنج زدایی بین شرق و غرب، آمریکا با یک تازی در عرصه نظامی، در صدد مقابله با کمونیسم بود. دخالتهای نظامی در کره (۱۹۵۰) و گواتمالا (۱۹۵۴)، لبنان (۱۹۵۸) و سپس در کوبا و ویتنام مبین اعمال اینگونه سیاستها بود.

پس از شکست انگلیس و فرانسه در خاورمیانه (۱۹۵۶) و به وجود آمدن قضایای مربوط به کانال سوئز، سیاست فوق مجدداً از طرف آیزنهاور مورد تأیید قرار گرفت که به طرح آیزنهاور مشهور گردید. این طرح شامل نکاتی می گردی که بر اثر آن، از هر دولتی که مورد تجاوز یکی از دولت‌های تابع نفوذ کمونیسم قرار می گرفت، حمایت شده و به دولت‌های منطقه که با آمریکا پیمان می بستند، کمک اقتصادی لازم برای تقویت قوه نظامی آنها صورت می گرفت.^(۱۰) اصول و اهداف و کمکهای اقتصادی آمریکا در دوران پس از جنگ در بخش جداگانه ای مطرح خواهد شد.

به دنبال به وجود آمدن توازن وحشت و ضرورت همزیستی مسالمت آمیز و نیز قدرت یافتن اروپا و در کنار آن رشد کمی و کیفی کشورهای جهان سوم از غلظت دو قطبی بودن جهان کاسته شد و به همین علت با شروع دوران نیکسون در سیاست خارجی آمریکا تغییرات و تحولاتی به وجود آمد. ضرورت این تحولات را هنری کیسینجر یا طراح سیاست خارجی نیکسون بدین صورت مطرح می نماید:

«در دو دهه پس از جنگ جهانی دوم، برداشت آمریکا از روابط بین‌المللی برای حل مسایلی که در این دو دهه مطرح شدند برداشتی مناسب بود. ما به هر جا که رو می کردیم، با جابجایی عمیقی روبه‌رو می شدیم که ترسیم آن بدون کمک ما امکان پذیر نبود... اوضاع بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۶۰ به مراتب پیچیده تر شده است. ایالات متحده دیگر در موقعیتی نیست که به تنهایی برنامه‌هایی را در سطح جهان اجراء کند. ناگزیر این کشور باید اجرای چنین برنامه‌هایی را تشویق کرده و همکاری و مشارکت دیگر کشورها را برای پیروزی آنها جلب کند. به عبارت دیگر، آمریکا امروز در وضعی

نیست که بتواند راه‌حلهایی را که خود ترجیح می‌دهد به دیگران تحمیل کند.»
«...بهترین و غرور انگیزترین بیان مقاصد جهانی ما هنگامی متجلی شده است که با همکاری دیگران و به صورت دسته جمعی عمل کرده‌ایم... پس برای آنکه بتوانیم نقش مستمر و موثر در جهان ایفا کنیم، باید اتحادها و ائتلاف‌هایی به وجود آوریم که دارای اهدافی مشترک باشند.
پیمانهای منطقه‌ای که از طرف آمریکا حمایت می‌شوند، باید مسئولیتهای مهمی را در مورد مسائل مربوط به منطقه خود به عهده بگیرند و آمریکا باید بیشتر به برقراری نظم و امنیت در سطح جهانی پرداخته و به چهارچوب کلی نظم بین‌المللی توجه کند، نه حل و فصل هر مسئله و بحران ناحیه‌ای.»
تحلیلهای این دوران که از نتایج جنگ ویتنام متأثر است، به این صورت در نوشته‌های کیسینجر منعکس می‌شود:

«... یکی از میراثهای جنگ ویتنام آن خواهد بود که آمریکا دیگر به آسانی حاضر به درگیر شدن در منازعات منطقه‌ای نشود»^(۱۱).

از آنجا که قدرتها منطقی جز زور ندارند و فقط با همین منطق هم مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، لذا تا روزی که دخالت مستقیم نظامی موفق بود، همه از آن دفاع می‌کردند، ولی از روزی که شکستهای فاحش در ویتنام تحقق یافت. استدلال آنها هم به احتراز از دخالت مستقیم راه یافت.
برای اجرای این سیاست، ایجاد ژاندارمهای منطقه‌ای و تقویت بنیه نظامی آنها در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت و دخالتهای منطقه‌ای نیز بر عهده همین ژاندارمها گذاشته شد، از جمله می‌توان تقویت رژیم شاه و حمایت از دخالت وی در قضایای ظفار و شاخ آفریقا را از نمونه‌های بارز این سیاست دانست.

دوران کارتر را باید به مثابه یک دوره برزخ از سیاست نیکسون تا هجوم ریگان دانست. که طی آن آمریکا سعی کرد، کم‌کم سلاحهای جدیدتری همچون حقوق بشر را به محک تجربه بگذارد. لیکن عدم کارایی آن به سرعت روشن شد، زیرا که حقوق بشر کارتر، نه از بابت اعتقادش به آن، که از باب ناچاری بود و سلاحهای گذشته در شرایط آن روز کاربرد مؤثری نداشتند. و اجرای شیوه‌های جدیدتری در سیاست خارجی ضرورت داشت. و چون روشهای جدید مواجهه با شکست شد، ریگان با سیاستی تهاجمی‌تر و فاشیستی‌تر نسبت به کارتر و حتی اسلاف جمهوری خواهش قدم به کاخ سفید گذاشت، تا خاطرات شیرین گذشته آمریکا را زنده نماید. ولی قبل از آن ضربات زیادی به منافع آمریکا وارد آمد، خصوصاً پیروزی انقلاب اسلامی، تسخیر لانه جاسوسی و انقلاب نیکاراگوئه را می‌توان از نمونه‌های بارز آن دانست که جبران آن برای ریگان مشکل، بلکه محال می‌نمود.

اکنون ریگان آمده است تا عظمت از دست رفته آمریکا را بازگرداند، ولی اشکال قضیه در این است که دسترسی به این هدف غیر ممکن و یا حداقل با استفاده از وسایل و روشهای گذشته محال است و اگر در سال ۱۹۵۸ با چند هزار سرباز توانست لبنان را به نحو دلخواه آرام نموده و حاکمیت متزلزل کامل شمعون را ثبات بخشد، امروز نه تنها با کمک دوستان فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و حتی اسرائیلی خود، نمی‌تواند به چنین هدفی دست یابد، بلکه با تلفات فراوان مجبور به عقب‌نشینی می‌گردد و اگر روزی در کره و ویتنام دخالت نظامی می‌کرد، امروزه حداکثر می‌تواند به جزیره‌ای بسیار کوچک چند هزار نفری در آمریکای مرکزی چون گرانادا حمله‌ور شود.

اصول حاکم بر سیاست خارجی آمریکا

«سیاست خارجی به ندرت منطبق با خصوصیات و ویژگیهایی است که سیستم دموکراسی داراست. بالعکس، سیاست خارجی خواستار اعمال تقریباً تمامی آن چیزهایی است که در دموکراسی ناپسند است»^(۱۲).

از سخنان پرفسور تاکویل فرانسوی

در خصوص سیاست خارجی آمریکا

منظور ما از اصول حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، کلی‌ترین خطوط این سیاست است که روح حاکم بر تصمیم‌گیریها می‌باشد.

مهمترین اصل در سیاست خارجی هر کشور حفظ و گسترش منافع ملی آن کشور است و طبیعی است که این اصل در مورد آمریکا نیز صدق می‌کند، ولی نکته مهم در تعریف حدود و ثغور دو کلمه «منافع ملی» می‌باشد، در خصوص منافع ملی آمریکا، نکته قابل توجه، خالی بودن بعد «ارزشی» آن است.

بدین معنی که تعدادی از کشورها خارج از چهارچوب مادی به بعضی از اصول انسانی و اخلاقی نیز که بعد ارزشی دارد، اعتقاد دارند و ملاحظه آن را جزو اصول سیاست خارجی خود می‌دانند و یا حداقل در حفظ منافع مادی خویش از اتخاذ سیاستهای غیر اخلاقی پرهیز می‌کنند و در تعریف و حفظ منافع ملی خویش بعضی اصول اخلاقی و ارزشی را دخیل می‌نمایند.

در سیاست خارجی آمریکا، خصوصاً پس از جنگ دوم، به همه چیز از دریچه منافع ملی و با عینک قدرت و زور نظاره شده است، و از آنجا که آمریکا روند فعلی جهان را مخالف موقعیت قبلی خود تصور می‌کند، لذا برای حفظ آن موقعیت از ملاکها و ارزشهای انسانی در سیاستهای خود چشم پوشی نموده است.

این که باید گذشته را فراموش کرد و فقط خاطرات شیرین آن را به یاد آورد، حقیقتی است که رؤسای جمهور آمریکا پس از آیزنهاور آن را به نحوی درک نمودند و تا حد امکان عملاً به آن گردن نهادند. تنها ریگان است که می‌خواهد گذشته را برگرداند و طبیعی است که او هم بیشتر شعار می‌دهد و در عمل از گذشته خبری نیست.

در چنین سیاستی اگر مواردی ارزشی همچون حقوق بشر مشاهده شود، نه از اعتقاد قلبی، که از مصلحت ملی است. و هنگامی که کارگر نیفتد به همان سرعتی که می‌آید، به همان سرعت هم محو می‌شود.

برای روشن تر شدن موضع نکاتی که به طور خلاصه جمع‌بندی کتاب «سیاست امنیت ملی آمریکا در دهه هشتاد» می‌باشد، ذکر می‌شود.

مؤلفین این کتاب عمدتاً از مشاوران ریگان بوده و ۱۳ فصل آن به وسیله افراد مختلفی تحریر شده است که نویسندگان نسبت به نقاط زیر تلویحاً و یا تصریحاً اشتراک نظر دارند.

(الف) آمریکا در بعضی مناطق حقوق و منافع حیاتی دارد (و در مناطق دیگر منافع درجه دوم دارا می‌باشد) و لازم است که عملاً برای دفاع از آنها اقدام نمود، زیرا در غیر این صورت دیگر آن منافع را نمی‌توان حیاتی تعریف نمود.

(ب) لازم است که آمریکا هیچ‌کدام از هم‌پیمانهای خود را رها نکند، همچنان که لازم است در همکاری با دولتهای دارای اهمیت اقتصادی یا استراتژیک امثال آفریقای جنوبی و برزیل* در خود تردیدی راه ندهد.

(ج) با وجود اختلاف وجهه نظر نویسندگان در خصوص چگونگی و یا امکان دخالت آمریکا برای حمایت از منافع خارجی، همه آنها در حق ایالات متحده به دخالت در همه کشورهای جهان به طور اصولی توافق دارند. (ولو به طور ضمنی) (۱۳)

کلیه سیاستهای خارجی آمریکا در زمینه‌های مختلف متأثر از خطوط فوق است و اکنون عناوینی که در اسناد آمده‌اند را در حد ممکن مورد ملاحظه و ارزیابی قرار می‌دهیم. توجه به نکات طرح شده در این اسناد برای روشن شدن ماهیت امپریالیستی آمریکا کافی است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پاییز ۱۳۶۶

* هنگام تحریر کتاب، برزیل تحت سلطه نظامیان دیکتاتور بود.

شماره سند: وزارت خارجه ۷۸۸۹۴

تاریخ: ۲۷ مارس ۱۹۷۸
از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی
به: تمام واحدها دیپلماتیک و کنسولی
رونوشت: سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) واشنگتن دی سی، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی
واشنگتن دی سی

موضوع: پیش‌بینی کلی روندها

۱ - آنچه که در ذیل به عنوان پیش‌بینی کلی روندها در رویدادهای جهان ۱۸ ماه آینده می‌آید توسط دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت خارجه و بنا به درخواست M,S/P تهیه شده و به عنوان یک راهنمای کلی در اختیار شما قرار می‌گیرد. می‌توانید از آن برای تکمیل اطلاعات خود در رابطه با مراجع و دیگر پیامهای مرتبط با همین موضوع بهره‌برداری کنید.

۲ - این یک پیش‌بینی تشریحی است و روش عملی ارائه نمی‌کند گذشته از این هیچ سیاست خاصی را پیشنهاد نکرده و یا مورد تأیید قرار نمی‌دهد، ولی سعی دارد جو سیاسی، اقتصادی و نظامی خارجی خاصی را تشریح کند که براساس آنها سیاستها اتخاذ و اجراء می‌گردد.

۳ - این پیش‌بینی با بحث پیرامون روندهای موجود در هر منطقه آغاز می‌شود و اقتصاد بین‌المللی را مورد تفحص قرار می‌دهد و رویدادهای احتمالی مربوط به حقوق بشر، کنترل تروریسم، سلاحهای قراردادی و عدم تکثیر هسته‌ای را پیشگویی می‌کند. اختصاص منصفانه منابع جهانی، بخصوص انرژی و مواد غذایی، و تأمین نیازهای اساسی بشری در شرایطی که رشد جمعیت به سرعت و با تفاوت صورت می‌پذیرد، از موضوعات دیگر این گفتار است.

۴ - مهمترین نکات به شرح زیر است:

(الف) گرایش به همبستگی و تقسیم قدرت شتاب می‌گیرد.

(ب) رویدادهای اقتصادی سلطه روزافزونی بر جو سیاسی پیدا می‌کند.

(ج) بلوکهای قدرت شرق و غرب باز هم به عنوان قدرتهای بزرگ در صحنه جهانی عمل می‌کنند، لیکن صف‌آرایی کشورهای در حال توسعه از نظر تغییرات داخلی در حال رشد است، یعنی گروهی از کشورهای مهمتر نفوذ اقتصادی و سیاسی بیشتری پیدا می‌کنند.

(د) تضادهای منطقه‌ای ممکن است به درگیریهای وسیعتری مبدل شود، که عبارتند از تضاد اعراب و اسرائیل، آفریقای جنوبی و شاخ آفریقا،

۵ - بررسی منطقه‌ای

۶ - اروپای غربی: اروپای غربی باز هم با مشکلات اقتصادی دست به گریبان خواهد بود. یعنی باید به محدود کردن تورم و متعادل‌سازی کسری پرداختها و کاهش بیکاری پردازد. بین ما و دیگر شرکای صنعتی نسبت به حمایت دولت از تولید کنندگان داخلی و جلوگیری از واردات، اصطکاکها و فشارهایی وجود خواهد داشت.

۷ - مهمترین کشورهای اروپایی به طور همزمان نگران آینده تشنج زدایی و افزایش نیروی نظامی شوروی بخصوص قدرت تانکها و موشکهای اس اس ۲۰ شوروی و نیز پیدایش موشکهای جدید قاره‌پیمای این کشور خواهند بود، اروپاییها مذاکرات خلع سلاح آمریکا - شوروی را به دقت زیر نظر

خواهند گرفت تا مبادا منافع آنها پایمال گردد. توافق اصولی هم پیمانان نسبت به کاربرد روز افزون تسلیحات تشعشعی و کاربرد آنها در مذاکرات خلع سلاح در سیاستهای داخلی بعضی از این کشورها تناقض‌هایی را ایجاد خواهد ساخت.

۸ - جناح جنوبی ناتو به خاطر لاینحل ماندن مناقشه یونان و ترکیه نامتعادل خواهد بود و به همین علت یونان نیز به طور کامل با ناتو همکاری نخواهد کرد. تأخیر در برقراری مجدد روابط نظامی آمریکا و ترکیه، مدرن‌سازی تأسیسات نظامی ترکیه را به تأخیر خواهد انداخت و بر رابطه آمریکا و ترکیه، همچنین گرایش ترکیه به سوی ناتو تأثیر منفی خواهد داشت. در همان حال رابطه ما با یونان و نیز صحنه سیاسی داخلی این کشور دستخوش ناآرامی‌هایی خواهد بود.

۹ - موعد برگزاری انتخاب در ایتالیا و انگلستان نزدیک است. در انگلستان مسائل اقتصادی بر انتخاب تأثیر اصلی را خواهد داشت. ولی ضعف‌های موجود در بافت نظام ایتالیا در مقایسه با مبارزات سیاسی علیه مشارکت کمونیست‌ها در حکومت از اهمیت ثانوی برخوردار خواهد بود. تروریسم نیز قادر خواهد بود در جناح‌بندی‌های کنونی تغییراتی را پدید آورد.

۱۰ - در مسیر تحقق «تمامیت بخشی» به اروپا تنها پیشرفتی جزئی و گاهی نوعی سیر قهقرائی به وجود خواهد آمد. جامعه اروپا خود را آماده انتخاب مستقیم پارلمان خواهد کرد. مذاکراتی آغاز خواهد شد تا یونان، اسپانیا و پرتغال نیز به این جامعه بپیوندند، اما مسائل سهمگین اقتصادی مانع از پیدایش نوعی توافق در زمینه رقابت محصولات کشاورزی می‌گردد و ترس از صدور بیکاری همچنان پابرجاست.

۱۱ - شوروی و اروپای شرقی: علیرغم توافق در مورد بعضی از مسائل مورد علاقه طرفین که عبارتند از قرارداد ۲ سالت و دیگر قراردادهای خلع سلاح و گسترش مبادلات، جو حاکم توأم با عدم آرامش است. علاوه بر مسائل حاد ناشی از مداخله شوروی در آفریقا، استعمار جهان سوم توسط شوروی نیز می‌تواند وخامت اوضاع را تشدید کند. معذالک امکان پیشرفت در مورد بعضی از مسائل سیاسی دو جانبه جو سیاسی را در برابر هرگونه وخامت شدید مصونیت خواهد بخشید.

۱۲ - اما به نتیجه نرسیدن و یا عدم تصویب قرارداد ۲ روابط آمریکا و شوروی و تشنج زدائی شرق و غرب را تیره خواهد ساخت. روسها ابتدا برای تحت کنترل داشتن رابطه استراتژیک خود باز هم به قراردادهای موقتی دیگر روی می‌آورند، لیکن فشارهای سیاسی در جهت تجهیز بیشتر تسلیحاتی در شوروی در سال ۱۹۷۸ یعنی زمان آغاز برنامه‌ریزیهای سالانه شوروی افزایش خواهد یافت.

۱۳ - تغییر رهبری در شوروی این روندها را تشدید می‌کند و یا روند تصمیم‌گیری در مسکو را فاقد تحرك خواهد ساخت. گمان می‌کنم هنگامی که جایگزینی صورت گیرد، روند تصمیم‌گیری را کندتر خواهد ساخت، اما مسکو از هدف خود که همانا بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در جهان سوم است غافل نخواهد ماند. طبق انتظار ما حداقل در کوتاه مدت توجه به مسائل داخلی در رژیم آینده بیشتر خواهد شد، ولی در دراز مدت سیاست خارجی شوروی تداوم پیدا خواهد کرد.

۱۴ - انتظار داریم شوروی در ارتباط با اروپای شرقی خواستار تطابق بیشتر ایدئولوژیک و هماهنگی سیاست خارجی شود. شوروی در زمینه واگذاری بعضی از مشکلات اقتصادی اروپای

شرقی به غرب با مشکلاتی دست به گریبان خواهد بود، چون مایل نیست که از سلطه خود در این بخش از جهان بکاهد. لهستان حساسترین بخش این مسئله را تشکیل می‌دهد. انتظار داریم که شوروی برای جلب همکاری بیشتر عناصر متمایل به خود در درون حزب کمونیست و نیروهای مسلح یوگسلاوی تلاش بیشتری بکند، تا خود را برای دوران پس از مرگ تیتو آماده سازد.

۱۵ - چین: رهبران چین با اختلافاتی دست به گریبان خواهند بود، لیکن در مورد نیاز مبرم این کشور به برنامه‌های عمرانی توافق کلی خواهند داشت. سیاست خارجی «مائو - چو» باز هم پیگیری خواهد شد. تأخیر در عادی شدن روابط چین و آمریکا مانع از وخامت این روابط خواهد شد مشروط بر آن که چین باور کند که آمریکا در برابر شوروی مقاومت می‌کند و بیانه شانگهای را به قوت خود باقی دانسته و سیاست «دو چین» (چین دوگانه - م) را اتخاذ نخواهد نمود.

۱۶ - پکن مسکو را مهمترین دشمن خود تصور کرده و در صحنه جهانی به مخالفت علیه شوروی ادامه می‌دهد. به طور مثال چینها از ابتکارات آسیایها و مصرها برای ایجاد صلح در خاورمیانه حمایت کرده و آن را مانعی بر سر راه گسترش نفوذ شوروی قلمداد می‌نمایند. از نظر چین آمریکا و کشورهای جامعه اروپا علاوه بر اینکه نیروهای بازدارنده‌ای در برابر شوروی به حساب می‌آیند، یک منبع مهم تجاری و تکنولوژیکی نیز به شمار می‌آیند.

۱۷ - می‌توان انتظار داشت که چین در تعقیب هدف خود که همانا تضعیف رابطه کشورهای عضو پیمان ورشو با شوروی است، در زمینه ایجاد رابطه بیشتر با آنها انعطاف پذیری نشان دهد، گرچه پکن به تبلیغ پیرامون «وحدت نظامی خود» و جهان سوم خواهد پرداخت، ولی کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای قدرتمند منطقه همچون ایران و عربستان سعودی را تشویق خواهد کرد که به خنثی سازی نفوذ شوروی در جهان سوم بپردازند، لیکن در این راه به افزایش کمکهای اقتصادی خود به کشورهای در حال توسعه متوسل نخواهند گشت.

۱۸ - آسیای شرقی و اقیانوس آرام: ژاپن از نظر سیاسی با ثبات خواهد بود، لیکن احزاب میانه‌رو مخالف نیز نفوذ خود را گسترش خواهند داد. مهمترین مسئله ژاپن تنظیم اقتصاد داخلی و تجارت خارجی است، تا بتواند انتقادات بین‌المللی را خنثی ساخته به نحوی که مایه عدم ثابت اقتصادی و عدم محبوبیت سیاسی در داخل کشور نگردد. در خلال کاهش عدم توازنهای تجاری که موجب نگرانی شدید آمریکا می‌باشد ژاپن در رسیدن به میزان رشد مورد نظر دچار اشکال خواهد شد، روابط امنیتی بین ژاپن و آمریکا به قوت خود باقی خواهد ماند و ژاپن تحت حمایت آمریکا توان دفاعی خود را بهبود خواهد بخشید.

۱۹ - کره جنوبی روند مدرن سازی اقتصادی شگفت‌انگیز خود را دنبال می‌کند و بیش از پیش خودکفا می‌گردد. علیرغم تحقیقات کنگره در مورد اعمال نفوذهای کره، حقوق بشر، خروج نظامیان و بازپرداخت خسارات، آمریکا و کره جنوبی روابط صمیمانه‌ای خواهد داشت.

۲۰ - در کره شمالی، مشکلات اقتصادی در رابطه با بودجه دو راه را در پیش روی کره‌ایها قرار می‌دهد که یکی عمران اقتصادی است و دیگری بهبود وضع نظامی. در صورتی که آرامش جنوب به طور جدی مشوش نشود، شمال از حمله و یا تحریک در منطقه غیر نظامی دست خواهد کشید.

۲۱ - علیرغم تغییرات احتمالی در رهبریت اندونزی و مالزی همکاری متقابل «آسه آن» گسترش

خواهد یافت. رابطه این جامعه با آمریکا همچنان صمیمانه خواهد بود، لیکن مسائل مربوط به حقوق بشر گاه به گاه بر آن تأثیر خواهد بخشید. نگرانی‌هایی نیز در مورد اهداف درازمدت چین، ویتنام و شوروی به چشم خواهد خورد و در عین حال تلاش‌هایی تدریجی صورت گرفته است که روابط رسمی با این کشورها بهبود پیدا کند.

۲۲ - کشورهای هند و چین با رویدادهای داخلی از جمله کمبود مواد غذایی و تضادهای مرزی دست به گریبان خواهند بود. تشنج حاکم بر روابط چین و ویتنام بخصوص در مورد کامبوج ادامه خواهد یافت، لیکن درگیری آشکار به وجود نخواهد آمد، مگر آنکه هانوی برای سرنگونی و سقوط کامبوج به زور متوسل شود.

۲۳ - با وجود دولتهای طرفدار آمریکا، استرالیا و نیوزلند ثبات خود را حفظ خواهند نمود، ولی روابط بین‌المللی تجاری و نیز وخامت وضع دلار نگرانی‌هایی را برای آنها پدید خواهد آورد.

۲۴ - آسیای جنوبی: توسعه اقتصادی، محاسبات سنتی موازنه قدرت و علائق امنیتی نگرانی‌های عمده آسیای جنوبی را تشکیل می‌دهد. بخصوص پاکستان و بنگلادش احتمالاً دستخوش ناآرامی‌های سیاسی خواهند شد و حکومت نظامی آنها درصدد حل این مشکلات برمی‌آیند.

۲۵ - مذاکرات پاکستان و فرانسه در مورد تجهیزات غنی‌سازی و موضع هندوستان در رابطه با تسلیحات اتمی مشکلاتی را در زمینه سیاسی به وجود خواهد آورد. توجه هند به یک جت جنگنده پیشرفته می‌تواند موجبات تشدید مسابقه تسلیحاتی را در این منطقه فراهم آورد. روابط چین و هند بهبود خواهد یافت ولی نه چندان زیاد.

۲۶ - خاورمیانه و خلیج فارس: تلاش برای دستیابی به یک راه حل در زمینه تضاد اعراب و اسرائیل، رویدادهای خاورمیانه را شکل و جهت خواهد داد. مصر و اسرائیل و نیز جهان عرب از عدم پیشرفت مذاکرات صلح ناراضی هستند. برای اینکه سادات بتواند به مذاکرات خود با اسرائیل ادامه دهد بایستی در زمینه مذاکرات حرکت چشمگیری رخ دهد. به همین منظور او و دیگر اعراب میانه‌رو به آمریکا فشار می‌آورند که با نفوذ خود در اسرائیل آن را وادار به اعطاء امتیازاتی کند تا روند صلح حفظ شود.

۲۷ - در صورت شکست ابتکار سادات، ممکن است شاهد بروز عواقب جدی آن در منطقه باشیم، تغییر موضع سادات و اتخاذ موضع مقاوم‌تری در برابر اسرائیل، روی کار آمدن عناصر تند رو در رژیم مصر به جای سادات، نارضایتی و واخوردگی اعراب میانه‌رو و تقویت، ارتدادیون و نفوذ شوروی در منطقه از جمله این بحرانها به حساب می‌آید.

۲۸ - اثر شکست مذاکرات در اسرائیل، یا به عنوان عامل همبستگی و یا متفرق کننده در صحنه سیاسی عمل خواهد کرد که البته بستگی به نحوه تصور اسرائیلیها در مورد این موضوع دارد. آنها احتمالاً یا با دولت به عنوان نمایش همبستگی دفاعی تجدید پیمان خواهند کرد و یا خواستار روی کار آمدن دولت وحدت ملی تحت رهبریت جدید خواهند شد. به هر حال بگین در یکی دو سال آینده یا بنا به دلایل سیاسی و یا به دلیل وخامت وضع مزاجی از سیاست کناره خواهد گرفت. ولی در صورتی که مردم اسرائیل وی را مسئول تیرگی روابط آمریکا و اسرائیل بدانند کناره‌گیری وی زودتر از موعد مقرر صورت خواهد گرفت.

۲۹- در صورت شکست مذاکرات صلح گذشته از دلایل شکست، آمریکا مسئول شناخته شده و روابط آن با کشورهای مهم منطقه به سردی خواهد گرایید. در صورتی که اعراب به این نتیجه برسند که قادر به مبارزه نظامی با اسرائیل بوده و یا تنها راه به شکست کشانیدن روند صلح را درگیری نظامی تصور نمایند و یا اینکه اسرائیل به این نتیجه برسد که امنیتش در گرو يك حمله تعیین کننده است، خصومتها بار دیگر با شدت بیشتری از سر گرفته خواهد شد.

۳۰- لبنان به صورت يك منطقه بی ثبات و بحرانی حاد باقی خواهد ماند که علت آن نیز عدم توافق آراء سیاسی و حضور گسترده فلسطینیهای مسلح است.

۳۱- علیرغم ناآرامیهای فزاینده در ایران، چشم انداز تداوم صلح در خلیج امیدوار کننده است. اگر جنگ دیگری بین اعراب و اسرائیل رخ ندهد، عرضه نفت دچار وقفه نخواهد شد، گرچه اقدامات تروریستی می تواند در کوتاه مدت سبب قطع جریان نفت گردد. لیکن در صورت شکست ابتکار صلح و عدم ارائه جنگنده‌های اف - ۱۵ به عربستان سعودی توسط کنگره، سعودیها نیز در زمینه صدور نفت همکاری نکرده و حداقل مانع از بالا بردن تولیدات نفتی خود خواهند شد.

۳۲- یک عامل ناشناخته دیگر حمایت شوروی و کوبا از منابع منطقه‌ای بی ثباتی در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، عمان و دیگر «مناطق مورد نظر آتی» می باشد. همکاری سعودیها و ایران در پاسخ به این گونه اعمال فشارها گسترش خواهد یافت.

۳۳- آفریقا: بحران جنوب آفریقا بی ثباتی پایدار در شاخ آفریقا به همراه اوضاع رو به انفجار در صحرای غربی، همچنان در صحنه آفریقا مطرح خواهد بود و مهمترین مسئله در جنوب آن به قدرت رسیدن حکومت اکثریت در رودزیا و نامیبیا می باشد.

۳۴- اسمیت و «ناسیونالیستهای داخلی» در رودزیا اقدام به تشکیل مستعمرات داخلی کرده‌اند ولی هنوز معلوم نیست که این امر بتواند رژیم با ثبات و منسجمی را پدید آورد و از آنجا که تنها بعضی از احزاب در این امور شرکت دارند، اقدامات جدید خطر بروز جنگ داخلی را که از قبل وجود داشته تشدید می نماید. در نامیبیا، تصمیم آفریقای جنوبی مبنی بر پیگیری «روش داخلی» و قطع رابطه با گروه تماس سبب می شود که قوانین تحریم جدیدی توسط جامعه بین المللی علیه پرتوریا وضع گردد.

۳۵- در شاخ آفریقا، اکنون که سومالی توسط نیروهای مشترک اتیوپی و کوبا شکست خورده، روسها احتمالاً از نفوذ خود در آدیس آبابا استفاده خواهند کرد تا علاوه بر اعاده موقعیت پیشین خود در سومالی، نفوذ خود را بر هر دو کشور اعمال نمایند. حتی اگر مسکو در این راه ناموفق باشد، در آینده نزدیک نفوذ شوروی و کوبا در اتیوپی فزونی خواهد یافت به طور مثال ممکن است هر دو کشور به آدیس آبابا در بازپس گرفتن اریتره از شورشیان کمک نماید. ثبات کشور جدید جیبوتی قابل تردید است و تمایل فرانسه به حفظ حضور نظامی خود در آنجا بر آن تأثیر خواهد داشت.

۳۶- در صحرای غربی، امکان دستیابی به يك راه حل جهت از میان برداشتن تضاد موجود ضعیف به نظر می رسد. نهضت استقلال طلبان صحرا که از طرف الجزایر حمایت می شود نخواهد توانست امتیازات مهمی را کسب کند، مگر آنکه فرانسه از نظر نظامی کمکهای شایان توجهی به مراکش و موریتانی ننماید. شوروی گرچه علناً خود را از این مناقشه به دور نگاهداشته، ولی مقادیر بسیاری تجهیزات پیشرفته در اختیار الجزایر قرار خواهد داد.

۳۷- در بعضی از کشورهای آفریقایی طی ۱۸ ماه آینده تشنجات سیاسی حادی می‌تواند رخ دهد و مناطق بحرانی جدیدی را به وجود آورد، از جمله رویدادهایی که می‌تواند این وضع را پدید آورد می‌توان از مرگ کنیاتا نایره یا عیدی امین، شورشهای تحت‌الحمایه لیبی در چاد، رقابتهای بین مالی و ولتای علیا و سقوط اقتصادی در زئیر را نام برد.

۳۸- نیم‌کره غربی، پس از حل مسئله کانال، نظرها به نگرانیهای دو جانبه اقتصادی که دارای ماهیت منطقه‌ای و جهانی می‌باشند، جلب خواهد شد. تضاد نظامی دیرین مرزی و مناقشات ارضی بین پرو، شیلی و بولیوی، بین پرو و اکوادور، بین السالوادور و هندوراس، بین آرژانتین و شیلی، و بین بلیزه مستقل و گواتمالا به جنگ آشکار تبدیل نخواهد شد، ولی عکس آن را نیز نباید از نظر دور داشت. همانطور که رژیم سوموزا تلاش می‌کند تا کنترل داخلی نیکاراگوئه را به دست گیرد، عملیات چریکی نشأت گرفته از کاستاریکا نیز می‌تواند منجر به تشدید بحران بین دو کشور گردد.

۳۹- در روابط بین آمریکا و دولتهای نظامی مانند آرژانتین، شیلی، اروگوئه، پاراگوئه و السالوادور مسئله حقوق بشر نوعی نگرانی را پدید آورده است در همین حال، حامیان حقوق بشر که در خارج از حیطه این دولتها عمل می‌کنند مانند برزیل، با استفاده از سیاست حقوق بشر آمریکا برآند تا بار درگیر ساختن آمریکا به دولتهای خود فشار وارد کنند.

۴۰- اهداف آمریکا در زمینه عدم تکثیر اتمی در آرژانتین و برزیل با مخالفتهای شدیدی روبه‌رو می‌گردد، چون هر یک از این کشورها به این‌گونه منابع نیاز مبرم داشته و از نظر سیاسی متعهد به استقلال اتمی شده‌اند. با وجود اینکه هیچ‌یک از این کشورها برای چشم پوشی از نیروگاه‌های خود رغبتی نشان نداده‌اند، ولی آرژانتین می‌تواند در مسیر تحقق اهداف آمریکا حرکت کند.

۴۱- چند حکومت نظامی ممکن است سرنگون شود. رژیم سوموزا در نیکاراگوئه تحت فشار مخالفتهای شدید قرار گرفته است. اکوادور و بولیوی انتخابات ریاست جمهوری را برگزار خواهند کرد و پرو در نظر دارد در سال ۱۹۷۸ انتخابات مجلس مؤسسان انجام دهد. حکام نظامی آرژانتین، شیلی و اروگوئه، علناً اعلام کرده‌اند که روزی حکومت را به دست غیر نظامیان خواهند سپرد، ولی تنها دولت نظامی اروگوئه است که علناً در مورد طرحهای برگزاری انتخابات سال ۱۹۸۱ گفتگو می‌کند.

۴۲- در کانادا، فشارهای ناشی از انقلاب و تجزیه طلبی و نیز نگرانیهای مربوط به سلطه آمریکا بر اقتصاد کانادا ادامه خواهد یافت، ولی گمان نمی‌کنیم که رابطه آمریکا و کانادا به سردی بگراید.

۴۳- اقتصاد بین‌المللی

۴۴- تجارت، اعتبار و رشد اقتصادی: گمان نمی‌کنیم که در روندهای مهم اقتصادی تغییرات شدیدی پدید آید، اما مشکلات اساسی تطابق اقتصاد جهانی در چند سال آینده مرتفع نخواهد شد.

۴۵- اقتصاد آمریکا به رشد خود به میزان ۴/۵ درصد در سال ادامه خواهد داد، اما در سال ۱۹۷۸ با یک کسری موازنه تجاری روبه‌رو خواهیم شد، و دلار نیز ضعیف خواهد گردید. در پایان سال ۱۹۷۸، موازنه تجاری آمریکا بهبود پیدا می‌کند و آمار منفی کاهش ارزش دلار نیز در فصل سوم همان سال ظاهر خواهد گردید. علاوه بر این، در صورت برگزاری اجلاس اقتصادی بن در ماه ژوئیه، اقدامات مرتبط با کاهش تورم مورد تأکید قرار خواهد گرفت. در همین حال، لویای انرژی که محدود کننده واردات نفتی در میان مدت است سبب ثبات بیشتر دلار خواهد گردد.

۴۶ - مازاد تجاری و حساب جاری ژاپن، روابط ژاپن و آمریکا و اروپا را شدیداً پیچیده خواهد کرد. رشد کند آلمان غربی ادامه خواهد یافت، وین برای افزایش فعالیت اقتصادی از طریق هم که احتمالاً موجب افزایش فشارهای تورم گردد یا مسائل سیاسی داخلی به بار آورد، اقدام چندانی به عمل نخواهد آورد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۱۹۷۸ تغییرات چندانی نخواهد داشت، چون ترس از تورم مانع از تحرك بخشیدن بیشتر به اقتصاد می‌گردد.

۴۷ - میزان بیکاری در سراسر اروپای غربی همچنان افزایش می‌یابد و فشارهای داخلی در جهت حفظ مشاغل کنونی و نیز همزمان با آن تحرك بخشیدن به اقتصاد ادامه خواهد یافت. نحوه اداره سیاست حمایت از تولید کنندگان داخلی و جلوگیری از واردات همچنان به صورت يك نگرانی عمده برای کشورهای صنعتی باقی خواهد ماند.

۴۸ - ایران و عربستان سعودی در سال ۱۹۷۸ قیمت نفت خود را ثابت نگاه خواهند داشت تا علاوه بر ممانعت از کاهش بیشتر ارزش دلار از بروز رویدادهای منفی دیگر در خاورمیانه نیز جلوگیری کرده باشند. بر اساس روحیه کنونی سعودیها و دیگر اعضاء اوپک می‌توان گفت که در سال ۱۹۷۹ قیمت نفت قدری بالا خواهد رفت ولی این امر نیز به نوبه خود به وضع بازار نفت بستگی دارد که نمی‌توان با قطعیت در مورد آن پیش‌بینی نمود. مازاد پول اوپک به طور مطلق کاهش پیدا خواهد کرد ولی جذب آن با دشواریهایی توأم خواهد بود.

۴۹ - در اروپای شرقی بدهیهای ارزی افزایش خواهد یافت، مهمترین مسئله این منطقه بدهیهای ارزی لهستان به میزان ۱۳ میلیارد دلار است که منبع نگرانی شدیدی را برای اعتبار دهندگان اروپای غربی فراهم آورده است. گرچه در حال حاضر لهستان به دنبال برنامه‌ریزی مجدد رسمی و وسیع دیون خود نیست، ولی این سیاست در سال آتی تغییر تندی پیدا خواهد کرد.

۵۰ - ظاهراً رشد اقتصادی شوروی پایتتر از سطح رشد مورد نظر در همین برنامه پنج ساله (۱۹۸۰ - ۱۹۷۶) خواهد بود. قرار است در سال ۱۹۷۸ در بخش صنعت تولید فقط تا میزان ۴/۵ درصد افزایش یابد. بنابراین برای اینکه به سقف مورد نظر برسد، لازم است در فاصله ۸۰ - ۱۹۷۷ رشدی بیش از ۷ درصد داشته باشد. به دنبال عملکرد مایوس کننده اقتصاد در سال ۱۹۷۷ رهبریت شوروی بر بالا رفتن میزان کارایی و تولید تأکید نموده، ولی هیچ‌گونه پیشنهاد قاطعی را ارائه نکرده است.

۵۱ - در زمینه روابط آمریکا و شوروی باید گفت که در نیمه دوم سال، ۱۹۷۷ شاهد افزایش شدید خرید غلات توسط شوروی بودیم، ولی آمریکا در حالی که زارعینش به دنبال بازارهای ضربه گیر هستند، نمی‌تواند از فروش غلات برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده کند. آینده تجارت غله به درستی قابل پیش‌بینی نیست، لیکن اصلاحیه «جسکون و اینک» فروش مصنوعات را محدود می‌سازد. به هر حال، موقعیت آمریکا در اعمال فشار اقتصادی به شوروی از طریق فروش غله یا طرق دیگر محدود باقی خواهد ماند.

۵۲ - روابط شمال و جنوب: مذاکرات اقتصادی شمال و جنوب شامل مذاکره پیرامون مسائلی خاص از قبیل دیون، صندوق مشترک، اقدامات تدریجی و خاص در مذاکرات تجاری با کشورهای در حال توسعه و قرارداد برای کالاهای خاص می‌باشد. در گروه ۷۷ در مورد این مسائل اختلاف

عقیده‌هایی وجود دارد و بعضاً آنان را وادار می‌کند که در ارزش‌گذاری جانب حداقل را بگیرند. این مسئله حل مشکلات را پیچیده کرده و فشارهای وارده بر آمریکا را در جهت از دست دادن بعضی از امتیازات در مذاکرات مربوطه افزایش می‌دهد.

۵۳- کمیته جدید سازمان ملل بنام Whole برای کنترل مسیر آتی مذاکرات شمال و جنوب به وجود آمده، ممکن است به بررسی موضوعات جنبه سیاسی بدهد و اجلاس اونکتاد ۵ که قرار است در اواسط سال ۱۹۷۹ تشکیل شود، به صورت مرکز اصلی این مباحثات و مذاکرات در خواهد آمد. شکاف وسیع بین مواضع اتخاذ شده توسط گروه ۷۷ و کشورهای پیشرفته طی سال آینده پر نخواهد شد. گذشته از این، کنفرانس ارتباط رادیویی جهانی سال ۱۹۷۹ نیز ممکن است به صورت محل بروز نظریات متناقض شمال و جنوب در آید.

۵۴- کشورهای در حال توسعه: کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در سال ۱۹۷۸ به میزان کمتر از ۵ درصد سال ۱۹۷۷ توسعه خواهند یافت. این کاهش میزان رشد، نشانگر کاهش رشد کشورهای صنعتی و نیز تأثیر محدودیتهای واردات می‌باشد. بعد از دو سال بهبود انتظار می‌رود کسری حساب جاری کشورهای در حال توسعه وارد کننده نفت پس از کسریهای عظیم در سال ۱۹۷۵، باز هم افزایش یابد. رشد صادرات کم شده، و شرایط تجاری بخصوص در کشورهای در حال توسعه مهمتر، تا حدودی وخیمتر خواهد شد.

۵۵- منابع مالی مورد نیاز برای از بین بردن کسری حساب جاری این کشورها احتمالاً از طریق افزایش معتدل کمکهای رسمی عمرانی، سرمایه‌گذاریهای خصوصی و قروض بیشتر از بازارهای سرمایه بخش خصوصی جبران خواهد گردید، معذالک ممکن است این کشورها از منابع ارز ذخیره سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ جهت مرتفع ساختن مسئله کسری حساب جاری خود استفاده کنند. مسائل مربوط به موازنه پرداخت و دیون تنها در مورد چند کشور در حال توسعه باقی خواهد ماند، ولی تعدادی از آنها باید متوسل به سیاستهای دیگری در این زمینه بشوند.

۵۶- منابع موجود برای حمایت از کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت. کشورهای کمک دهنده سرمایه‌های عمومی خود را افزایش می‌دهند. تا علاوه بر مضاعف شدن سرمایه بانک بین‌المللی توسعه و بازسازی، سرمایه آژانس عمران بین‌المللی نیز افزایش یابد.

۵۷- گذشته از این، میزان وام دهی بانک جهانی نیز گسترش می‌یابد که البته نسبت به گذشته چندان زیاد نیست. افزایش انتخابی استفاده از سهام در حد سال ۱۹۷۷ حدود ۸ میلیارد دلار به سرمایه ۴۱ میلیارد دلاری، بانک عمران و بازسازی بین‌المللی خواهد افزود. افزایش سهمیه‌ها نیز حدود ۱۱ میلیارد دلار به سرمایه صندوق بین‌المللی پول خواهد افزود. علاوه بر این، چند کشور عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در نظر دارند برنامه‌های کمک عمرانی دو جانبه خود را توسعه دهند.

۵۸- توان قرض‌دهی صندوق بین‌المللی با ۱۰ میلیارد دلار (پرداختی از طرف مؤسسه ویتنام) افزایش خواهد یافت، تا اعضای صندوق بتوانند مشکلات موازنه پرداخت خود را برطرف سازند. صنایع مالی صندوق بین‌المللی شاهد ۱۱ میلیارد دلار افزایش دیگر از طریق بالا رفتن میزان سهمیه اعضا خواهند بود. علاوه بر این، چند کشور عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی درصدد توسعه

و برنامه‌های کمک عمرانی می‌باشند.

۵۹- قانون دریاها، سومین کنفرانس سازمان ملل تحت عنوان کنفرانس قانون دریاها در مذاکرات خود وارد یک مرحله حساس شده است. اجلاس آتی آن در تاریخ مارس و مه ۱۹۷۸ در ژنو نیز با پایان مذاکرات در این زمینه خواهد بود و یا مذاکرات را تسریع خواهد کرد تا سبب موفقیت اولیه آن شود. در صورت عدم موفقیت مذاکرات، آمریکا باید سیاستهایی را در جهت حفظ منافع ملی خود اتخاذ کند که از جمله می‌توان انعقاد قراردادهای ویژه منطقه‌ای و گروهی را نام برد. ولی در صورت حصول پیشرفت، راه برای عقد قرارداد با اعضای میانه‌رو کشورهای در حال توسعه باز می‌شود و سهولتی در مسائل دیگر مطرحه بین شمال و جنوب پدید می‌آید و عنصر ایدئولوژیک موجود در مذاکرات کاهش پیدا می‌کند.

۶۰- مسائل جهانی

۶۱- حقوق بشر: شوروی احتمالاً از طریق تبعید داوطلبانه و اجباری، محاکمه‌های علنی، فشارهای اقتصادی، اذیت و آزار و اقدامات شدید پلیسی به خشونت علیه ناراضیان ادامه خواهد داد. محدودیت عملیات شوروی در این رابطه بستگی به وجهه شوروی و نیز روابط آن با دموکراسی‌های غربی دارد. اکثر دولتهای غربی در مجامع بین‌المللی به حمایت از ابتکارات آمریکا برمی‌خیزند و از اقداماتی که ممکن است تشنج زدایی غرب و شرق را به خطر اندازد، اجتناب خواهند ورزید، در بخش اعظم جهان سوم، حقوق گروهی و نیز تأمین نیازهای بشر، بر حقوق سیاسی حقوقی و مدنی فرد اولویت خواهد یافت.

۶۲- رژیمهای مستبد چپ و راست، روشهای خود را با دلایل ایدئولوژیک مذهبی و امنیتی توجیه خواهد کرد. معذالک، بعضی از دولتها بخصوص در مورد نحوه برخورد با زندانیان سیاسی دست به اصلاحاتی خواهند زد. با این وصف اکثر کشورها شاهد بهبود وضع حقوق فردی، تغییر در شیوه اعمال شکنجه، آدم‌ربایی و توقیف خودمختارانه خواهند بود.

۶۳- حقوق بشر آمریکا برای گروههای مخالف در بسیاری از کشورهایی که تحت حکومتهای استبدادی به سر می‌برند، قوت قلبی بوده است. حتی توقف و اصلاح نسبی در پاسخ به فشارهای آمریکا و جامعه بین‌المللی می‌تواند مقداری از نیروهای مهم را آزاد سازد تا سبب تغییر سیاسی و اجتماعی شوند. پس از این رویداد، دولتها مجبورند بین انجام اصلاحات بیشتر و یا سرکوب مخالفین خود یک راه را انتخاب نمایند.

۶۴- تروریسم: روش کنونی بمب‌گذاری، آدم‌ربایی، قتل، حمله مسلحانه و هواپیماربایی به احتمال زیاد کاهش نخواهد یافت. لیبی، عراق، یمن جنوبی و الجزایر به حمایت خود از چند گروه تروریستی و آنارشویستی که در ایتالیا و آلمان فعال هستند و نیز ارتش جمهوریخواه ایرلند و تروریستهای پروتستان در ایرلند شمالی ادامه خواهند داد.

۶۵- در ابداع اقدامات ضد تروریستی مؤثر بین‌المللی پیشرفتهای چشمگیری پدید خواهد آمد، ولی هنوز هم نقطه نظرات سیاسی و اخلاقی مانع از پیشرفت بیشتر این تلاشها می‌گردد. بسیاری از کشورها نیز به خاطر ترس از اقدامات تلافی‌جویانه تروریستها و یا کشورهای حامی آنها مایل نیستند که در این راه گامی بردارند.

۶۶ - محدودیت تسلیحات سنتی: سیل این گونه تسلیحات به جهان سوم محدود نخواهد گردید. همکاریهای چند جانبه بین کشورهای تولید کننده جهت محدودسازی فروش این گونه تسلیحات به چند علت با دشواری صورت می‌گیرد که یکی از این علتها منافع اقتصادی است و علت دیگر ترس از امکان فروش مقادیر عمده‌ای سلاح آمریکایی می‌باشد. با در نظر گرفتن عدم توافق شوروی با عرضه محدود تسلیحات، اکثر کشورهای غربی با آمریکا در این زمینه همکاری نمی‌کنند تا مبادا شوروی بتواند خلاء ایجاد شده را پر کرده و نفوذ سیاسی خود را میان کشورهای کمتر رشد یافته گسترش دهد.

۶۷ - تقاضای جهان سوم برای سلاح افزایش پیدا خواهد کرد و کشورهای که از نظر تکنولوژیک بسیار عقب افتاده هستند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آرمان کسب حیثیت یا وجهه سیاسی و نیز خطرات داخلی و خارجی، انگیزه‌های لازم را در این رابطه ایجاد می‌کنند. توازن روزافزون کشورهای در حال توسعه مهمتر از قبیل هند و برزیل در تولید سلاح، نه تنها برای استفاده خودشان بلکه برای صدور به کشورهای در حال توسعه باید تحت کنترل درآید.

۶۸ - مذاکرات مربوط به کنترل تسلیحات: دورنمای موفقیت مذاکرات مربوط به قرارداد ۲ امیدوار کننده بوده و می‌تواند منجر به قراردادی در منع آزمایشات هسته‌ای شود لیکن مذاکرات مربوط به موشکهای قاره‌پیما و محدودیتهای تسلیحاتی در اقیانوس هند، به دلیل رویدادهای غیر قابل پیش‌بینی لاینحل باقی خواهند ماند.

۶۹ - یکی از ابتکارات جدید غرب می‌تواند سبب به راه افتادن مجدد، مذاکرات در مورد موشکهای قاره پیما گردد، لیکن روسها تا به حال نشان داده‌اند که روش غرب را در کاهش تولید این موشک نخواهند پذیرفت اگر طرفین از نظر سیاسی تحرك بیشتری نشان ندهند، پس از انعقاد ۲ نیز پیشرفت چندانی حاصل نخواهد شد.

۷۰ - رویدادهای شاخ آفریقا پیچیدگیهای و معضلاتی را در مذاکرات محدودسازی تسلیحات در اقیانوس هند به وجود خواهد آورد. در غیر این صورت امکان توافق در مرحله ابتدائی مذاکرات زیاد است که به دنبال آن میزان نیروهای آمریکا و شوروی در این منطقه متعادلتر خواهد گردید.

۷۱ - اجلاس ویژه سازمان ملل در مورد خلع سلاح، که قرار است در مه و ژوئن ۱۹۷۸ برگزار شود، تنها کنفرانس برگزار شونده در این رابطه خواهد بود. گذشته از ماحصل اجلاس ویژه خلع سلاح، جنبش غیر متعهدها نیز با اعمال فشار خواستار پیشرفت و حرکت سریعتر ابرقدرتها در زمینه خلع سلاح خواهد شد. روسها نیز طوری پیشنهادات خود را در این رابطه مطرح خواهند ساخت تا از اقدامات دیگران و انتقادات کشورهای در حال توسعه مصون بمانند.

۷۲ - پیمان عدم افزایش سلاحهای هسته‌ای، به استثناء مورد آفریقای جنوبی، طی ۱۸ ماه آینده، کشورهای مختلف باید منتظر ماحصل مذاکرات عدم افزایش سلاحهای هسته‌ای به مانند کشورهای دیگر منتظرند تا شاهد موارد زیر باشند:

- (۱) شکل نهایی قانون صدور انرژی هسته‌ای آمریکا و نحوه کاربرد آن.
- (۲) نتایج مطالعات کنونی سیکل سوخت هسته‌ای که بر سیاست عدم افزایش سلاحهای هسته‌ای آمریکا تأثیر خواهد گذاشت.
- (۳) نتایج مذاکرات مربوط به کنترل تسلیحاتی که از دید دیگر کشورهای غیر هسته‌ای، تمایل

بر قدرتها را به محدودسازی عمودی و افقی نیروهای هسته‌ای نشان می‌دهد.

۷۳ - شاهدهی در دست نیست که حکایت از طرحهای پرتوریا مینی بر انجام آزمایشات هسته‌ای در آینده نزدیک باشد. معذالک آفریقای جنوبی فعالیتهای خود را شدت بخشیده تا بالا بردن میزان خودکفائی اتمی خود، از تحریمهایی که ممکن است به دنبال یک آزمایش هسته‌ای علیه آنها وضع شود، مصون باشند.

۷۴ - منابع جهانی: عرضه نفت در سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ بیش از تقاضا خواهد بود، بخصوص آنکه تقاضای کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی افزایش شدیدی پیدا نخواهد کرد. دریای شمال و آلاسکا و نیز بازده رو به گسترش مکزیک نیز مقادیری را به میزان عرضه کنونی خواهند افزود. ولی گمان نمی‌کنم که در آینده نزدیک از نظر تکنولوژیکی چنان پیشرفتی حاصل آید تا از طریق آن منابع انرژی مرسوم بیشتری کشف گردد و یا جایگزینی برای آنها پیدا شود.

۷۵ - عرضه مواد غذایی در جهان برای سال ۱۹۷۸ کافی است، ولی در رابطه با توزیع مواد غذایی مشکلاتی وجود دارد. زیرا خشکسالی سبب کاهش تولید در نیم کره جنوبی، تایلند و سواحل آفریقا و نقاط اطراف آن شده است.

۷۶ - رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانع از رشد درآمد سرانه شده و مانع از بهبود سطح زندگی برای اکثر مردم جهان می‌گردد. علاوه بر این رشد جمعیت کارگر در بازارهای اقتصاد در حال توسعه مشکلات بیکاری و کم کاری را افزایش خواهد داد. جمعیت افراد بین سنین ۲۴ - ۱۵ سال به میزان ۳/۳ درصد در سال ۱۹۸۰ رشد خواهد داشت. این همان گروه سنی است که در نتیجه افزایش اخیر سطح بیکاری در کشورهای صنعتی، شدیداً صدمه دیده است. در چند کشور اروپای غربی از قبیل انگلستان، یونان، ایتالیا، اتریش و اسپانیا، رشد جمعیت هنوز هم با سرعت ادامه دارد.

۷۷ - بهداشت جهانی و مشکلات مربوطه توجه دولتها را جلب خواهد کرد. چون سال ۱۹۷۹ سال بین‌المللی کودک نامگذاری شده و دهه ۱۹۸۰ نیز دهه آب نامگذاری خواهد شد، مشکلات غذایی جمعیت و بهداشت موجود جهان اجرای سیاسی حقوق بشر آمریکا که هدفش تأمین نیازهای اساسی بشر است را با دشواریهایی روبه‌رو خواهد ساخت.

سری

از: وزارت خارجه واشنگتن دی سی تاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ - (۸ آذر ۱۳۵۷)
به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی
رونوشت: دفتر حفاظت منافع در بغداد
سفارت آمریکا در بیروت - سفارت آمریکا در برازاویل - سفارت آمریکا در پرتوریا - شورای امنیت ملی در واشنگتن دی سی - ستاد مشترک ارتش در واشنگتن دی سی - وزارت دفاع در واشنگتن دی سی - اداره خزانه داری در واشنگتن دی سی - سفارت آمریکا در مپوتو

موضوع: خط مشی جهانی

تشریح اهداف و موفقیت‌های حاصله در زمینه سیاست خارجی آمریکا و نیز سیاستها پدید آمده بعدی همراه با اخبار و رهنمودهای لازم در اختیار واحدها قرار می‌گیرد تا از آن در رابطه با اهداف و

مدیریت منابع خود در سال مالی ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) بهره‌برداری نمایند، شما به انگیزه‌های مهم موجود در رابطه با اهداف سیاست خارجی دولت واقف هستید. این پیام نشانگر موفقیت‌هایی است که طی دو سال گذشته در تمام نقاط مهم علمی و جغرافیایی برای رسیدن به آن اهداف کسب کرده‌ایم و نیز در برگزیده سیاست‌هایی است که باید طی دو سال آینده و پس از آن اتخاذ گردد. ما از طریق ابتکارات دو جانبه، از طریق مشارکت در سازمان ملل^۱ و دیگر هیئت‌های بین‌المللی هم چون سازمان کشورهای آمریکایی^۲ (قاره آمریکا - مترجم) و نیز با توسل به عضویت خویش در ناتو^۳ (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) و از راه اعمال نفوذ بر سازمان‌های منطقه‌ای چون سازمان وحدت آفریقا^۴ و جامعه اقتصادی اروپا^۵ که در آنها عضویت نداریم، اهداف خود را دنبال خواهیم کرد. سفیر باید این پیام را در اختیار پرسنل ذیربط موجود در واحد خود قرار دهد.

I - مناطق عملیاتی

الف) مسائل اقتصادی بین‌المللی

۱ - انرژی: در عین حال که بحران اولیه ناشی از تحریم نفتی و چهار برابر شدن قیمت آن سپری شده، ولی آینده نیز آستان مشکلاتی می‌باشد. کاهش وابستگی غرب به نفت وارداتی از ضروریات بوده و ما باید وارد آن مرحله از اقتصاد جهانی شویم که «دیگر منابع» انرژی بتوانند ایفاگر نقش مهمی در آن باشند. همزمان با این امر باید از تکثیر نیروی اتمی در جهان نیز جلوگیری به عمل آید. در سازمان همکاری و عمران اقتصادی^۶ بخصوص در آژانس بین‌المللی انرژی سعی کرده‌ایم که موضوع انرژی به محور همکاری تبدیل گردد نه عامل تفرق.

سران کشورها در اجلاس بن توافق کردند که وابستگی به نفت وارداتی را کاهش داده و از ذغال سنگ، انرژی اتمی، و منابع انرژی قابل احیاء، بهره‌برداری بیشتری بنمایند.

آمریکا نیز به نوبه خود متعهد شد که از پایان سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) اقداماتی را به عمل آورد که تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) منجر به صرفه‌جویی نفت وارداتی به مقدار ۲/۵ میلیون بشکه در روز گردد. در نتیجه تصویب لایحه انرژی در پاییز سال جاری، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ما روزانه ۲/۴ تا ۲/۹ میلیون بشکه کمتر از گذشته نفت وارد نمائیم و در نظر داریم تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ذخیره نفتی استراتژیک به میزان یک میلیارد بشکه ایجاد کرده و تولید ذغال سنگ را به مقدار دو سوم افزایش دهیم. علاوه بر این دولت ما در نظر دارد قیمت پرداختی در ازاء نفت را در آمریکا تا پایان سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به سطح قیمت‌های جهانی برساند. تصمیم رئیس‌جمهور کارتر در ماه مه ۱۹۷۹ مبنی بر اینکه آیا قیمت نفت در داخل آمریکا باز هم باید تحت کنترل باشد یا نه، بدون تردید از

1- UN.

2- OAS.

3- NATO.

4- OAU.

5- EC.

6- OECD.

نظر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه دور نخواهد ماند.

در اجلاس سران در بن، شرکت‌کنندگان موافقت کردند که در زمینه انرژی، تلاش هماهنگی به منظور تشدید کمک‌های دو جانبه به کشورهای رو به رشد به عمل آورند و تکنولوژی استفاده از منابع انرژی قابل احیاء را در معرض استفاده روز افزونتری قرار دهند. چنین تعهداتی محتاج به پیگیری جدی بوده و بایستی در برنامه‌های تکنولوژیکی و مساعدتهای عمرانی عمومی ما در سالهای آتی منعکس شده باشد.

ذخائر نفت و گاز مکزیک در دراز مدت نقش بسیار مهمی را در دورنمای عرضه انرژی ایفاء خواهد کرد.

طی دو سال آتی هدف سیاست بین‌المللی انرژی ما، تقویت همکاری دراز مدت در زمینه انرژی خواهد بود. ما در تلاش خود برای در حد معقول نگهداشتن قیمت و سیاستهای تولیدی نفت اوپک^۱، سعی خواهیم کرد جبهه متحد و هماهنگی متشکل از کشورهای مصرف‌کننده نفت به وجود آوریم و فعالیتهای خود را در آژانس بین‌المللی انرژی افزایش خواهیم داد. و همکاریهایی دو جانبه در زمینه صرفه‌جویی در انرژی و کاستن از مصرف و بخصوص دستیابی به منابع انرژی جایگزین را تقویت خواهیم نمود.

۲ - تجارت و بازرگانی: دو مسئله مهمی که ما با آن درگیر هستیم مسئله قراردادهای چند جانبه تجاری و نحوه برخورد با جوسازی‌های محافظه‌کارانه است.

همیشه باید به یاد داشت که بهترین مذاکرات چند جانبه تجاری باید تعداد موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای را کاهش دهد. مهمتر از همه، شاید این کار سبب پیدایش مجموعه قوانین جدیدی گردد که عامل نظم و هماهنگی بیشتر در اقدامات تجاری آینده بشود. این قوانین، پاسخگوی مسائلی از قبیل سوبسیدهای دولتی و اقداماتی خواهد بود که سایر کشورها زمانی به انجام آنها مبادرت می‌ورزند که صنایع داخلی آنها در نتیجه واردات در معرض آسیب قرار می‌گیرند (روشهای حفاظتی). قرارداد نهایی باید از نظر تعرفه‌ای و نیز قوانین حاکم بر عملیات تجاری، برای کشورهای در حال رشد امتیازاتی داشته باشد (یعنی کشورهای رو به رشد^۲ خواستار دریافت کل امتیازات گمرکی نباشند).

در صورتی که مذاکرات یک قرارداد چند جانبه تجاری^۳ موفقیت آمیز باشد، باید کل متون قرارداد به تصویب کنگره (آمریکا - م) نیز برسد. مهمترین موضوع مربوط به این مسئله این است که کشورهای تجاری مهم که شامل تعدادی از کشورهای مهم در حال توسعه می‌باشند، با قوانین مورد مذاکره و اتخاذ تدابیری جهت پیشبرد آزادی عمل در بازار موافقت نماید. (وزارت خارجه واحدها را دائماً در جریان پیشرفت یا روند ملاحظات و مذاکرات کنگره پیرامون کل متون قرارداد تجاری چند جانبه قرار خواهد داد. تلاش واحدها در برخورد با هرگونه مسئله بین‌المللی مطروحه در حین این مذاکرات نیز حائز اهمیت بسیاری است).

در دراز مدت، آمریکا پیرامون نقاط مرتبط با حوزه تجاری، براساس اولویتهایی به شرح زیر عمل

1- OECD.

2- LDCS.

3- MTN.

خواهد کرد:

اولین مورد تخلف از قوانین جدید که به قرارداد عمومی و تعرفه و تجارت^۱ ارجاع گردد و نیز اولین اقدام حراستی تجاری که بر اساس قوانین جدید اتخاذ شود خطیرترین نقش را در موفقیت و یا عدم موفقیت مذاکرات چند جانبه تجاری ایفاء خواهد کرد. رعایت و عدم تخلف از این قوانین و حل و فصل سریع اختلافات از طریق سیستم قرارداد عمومی تعرفه و تجارت بخصوص زمانی که مهمترین کشورهای تجاری با مسئله‌ای درگیر باشند، به طرز بسیار خطیری کارائی قوانین جدید را در افکار عمومی داخل آمریکا نشان خواهد داد. برای کشورهای در حال توسعه، رضایتبخش بودند سیستم قرارداد عمومی تعرفه و تجارت در زمینه عضویت فعال آنها در سیستم تجاری موجود و یا رسیدن آنها به این نتیجه‌گیری که باید بازسازیهای مهمی صورت گیرد، تاثیر بسزائی خواهد داشت. (به ضمیمه شماره ۴ مراجعه شود)

کشورهای رو به رشد^۲ صادر کننده فعالتر به رقابت با آمریکا خواهند پرداخت. در همان حال که از اقدامات محافظه کارانه اجتناب خواهیم ورزید سعی خواهیم کرد کشورهای در حال توسعه‌ای مانند مکزیک را وادار سازیم تا سیستم قرارداد عمومی تعرفه و تجارت^۳ را رعایت کنند (و در بعضی موارد به آن بپیوندند).

ما و دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی^۴ باید تلاش کنیم تا در بایم که چگونه می‌توان با تغییرات حاصل از قیمت‌های انرژی، تکنولوژی، و نیز امتیازات نسبی در میان کشورهای مهم تجاری انطباق‌پذیری مثبتی پیدا کرد. در دوران بعد از عقد قراردادهای چند جانبه تجاری، کشورهای در حال توسعه از کشورهای پیشرفته^۵ مصرانه خواهند خواست که سطح واردات خود را افزایش دهند. آمریکا نیز از دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی که دارای مازاد تجاری هستند، خواهد خواست که سطح واردات خود را افزایش دهند تا موجبات تحرك رشد را فراهم آورده و در توزیع کالای وارداتی را در اقتصاد خود سبب شوند. بروز این گونه اقدامات از طرف آن دسته از کشورهای در حال توسعه دارای مازاد تجاری که استراتژی رشد وابسته به صادرات را دنبال کرده ولی از نظر تاریخی همیشه در مقام حراست از صنایع داخلی در برابر واردات بوده‌اند، دور از انتظار ما نیست. ما باید در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) گزارشی پیرامون عملیات پنج ساله اول سیستم کلی ارجحیت‌ها^۶ به کنگره تسلیم نماییم. چون سال ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) آخرین مهلت موجود برای این کار خواهد بود. در هر مورد فرصت داریم نحوه بهبود بیشتر این سیستم را بررسی نماییم.

۳ - کالاهای: از نظر آمریکا اقداماتی که می‌تواند در جهت کاهش نوسانات تند قیمت مواد خام کلیدی به عمل آید، به نفع کشورهای تولید کننده و مصرف کننده است. در صورت مفید شناخته شدن

1- GATT.

2- LDSC.

3- GATT.

4- OPEC.

5- DCS.

6- GSP.

این اقدامات، ما نیز تشريك مساعی خواهیم کرد تا قراردادهائی برای ثابت ماندن قیمت‌ها منعقد گردد و فرضیهٔ مسئولیت مشترک تولید کننده و مصرف کننده در جهت تأمین هزینه قراردادهای کالا پذیرفته‌ایم. طی دو سال آینده موضوع قرارداد کالا در بین گروههای خاص تولید کننده و مصرف کننده مورد همکاری بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت ولی در روابط شمال و جنوب برخلاف گذشته تأثیر بسزایی باقی نخواهد گذاشت. نکات مهم عبارتند از:

صندوق مشترک: کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی قصد دارند که حداکثر تا تشکیل پنجمین کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل^۱ در این مورد به نتیجه و توافق برسند، در صورت عدم موفقیت مذاکرات، گروه - ۲۷ آن را در اجلاس مذاکرات شمال و جنوب مطرح خواهد نمود. حتی در صورت به توافق رسیدن بر سر جنبه‌های اساسی، پیرامون جنبه‌های جزئی تشکیل این صندوق بحث‌های چند ماهه‌ای آغاز خواهد شد.

هر يك از کشورهای تولید کننده کالا نیز بایستی در مورد شرکت یا عدم شرکت خود در این صندوق تصمیم بگیرند. امیدواریم که کشورهای تولید کننده و مصرف کننده بخصوص کشورهای در حال توسعه در مذاکرات مربوط به جزئیات صندوق آن چنان موضعی را اتخاذ نمایند که:

(۱) با موضوع متخذه آنها در قبال هر يك از قراردادهای کالائی^۳ یکسان باشد. و

(۲) استقلال قرارداد تبادل کالاها را نیز حفظ نماید.

لاستیک: مذاکرات مربوط به تثبیت قراردادهای لاستیک در نوامبر ۱۹۷۸ (آذر ماه ۱۳۵۷) آغاز می‌گردد. به احتمال زیاد يك قرارداد کلی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) منعقد خواهد شد.

مس: مشورت‌های کنفرانس سازمان ملل در زمینهٔ تجارت و توسعه (اونکتاد) در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) در مورد ایجاد یک سازمان مشترک متشکل از کشورهای تولید کننده و مصرف کننده مس به جائی نرسید. ما می‌خواهیم هر چه زودتر مذاکرات فنی مربوط به وضع بازار مس را آغاز کرده و امکانات به ثبات کشاندن قراردادهای مس را تحت بررسی قرار دهیم.

شکر: مناقشه بر سر شرایط برنامهٔ حمایت از قیمت داخلی شکر مانع از تصویب قرارداد بین‌المللی شکر توسط آمریکا و نیز تصویب لایحهٔ اجرائی مربوطه در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) گردید. اما کنگره مناظرات مربوطه را در اوایل اجلاس آتی از سر خواهد گرفت. در عین حال سهمیه‌های صادراتی قراردادها هنوز به قوت خود باقی است.

گندم: مشارکت در مذاکرات کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در ماه نوامبر، آن هم پیرامون يك قرارداد جدید بین‌المللی گندم^۴ در مورد موضوعات خطیری چون قیمت، سطح ذخیره‌سازی، وضع شرایط خاص برای کشورهای در حال توسعه به نتیجه‌ای نرسید. به همین دلیل مذاکرات به تعویق افتاد و احتمالاً در اوایل سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) بار دگر از سر گرفته خواهد شد (در اواسط دسامبر نیز احتمالاً کمیتهٔ (میان دوره‌ای) تشکیل خواهد داد)

1- UNCTAD.

2- G- 77.

3- ICAS.

4- IWA.

دیگر قراردادهای کالائی: ترتیبیاتی که به منظور افزایش تولید، توسعه محصولات جدید، ایجاد بازارهای جدید، یا متعادل کردن آن با سایر کالاها همچون جو صورت گرفته نیز ممکن است در سال بعد یا پس از آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. ما کشورهای تولیدکننده در حال توسعه را ترغیب خواهیم کرد که با وجود راه‌حلهای بهتر، از اصرار و پافشاری در مورد قراردادهای تثبیت قیمت دست بردارند. تدبیر مالی جبران‌کننده و تثبیت میزان درآمد ارز خارجی^۱: طی سال آتی اقدامات بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا به تثبیت درآمد ارز خارجی کشورهای در حال توسعه که از نوسانات بازار کالاهای بین‌المللی تأثیرات منفی را تجربه کرده‌اند، منجر شود. جامعه اروپایی^۲ به انعقاد مجدد قرارداد (LOME) که شامل مفاد تثبیت درآمد ارز خارجی می‌شود، خواهد پرداخت. کشورهای عضو مجمع ملل جنوب شرقی آسیا^۳ نیز احتمالاً به ژاپن فشار وارد خواهند ساخت تا برای تحت پوشش قرار گرفتن صدور مواد خام خویش به این کشور، در صدد انعقاد قرارداد تثبیت درآمد ارز خارجی منطقه‌ای برآید. صدر اعظم اشمیت هنوز هم در حال تلاش برای به کرسی نشاندن پیشنهاد خود یعنی انعقاد قرارداد تثبیت درآمد ارز خارجی در سطح جهان است.

هنوز نسبت به مفید واقع شدن برنامه‌های تثبیت درآمد ارز خارجی در جبران کاهش منافع مربوط به بعضی از کالاهای خاص متقاعد نشده‌ایم. CFF که در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) آزاد گردید، مکانیزم شایسته‌تری است، چون به طور کلی درآمد حاصل از صادرات هر کشور را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. در کمیته بررسی کارایی CFF که از طرف صندوق بین‌المللی پول^۴ و بانک توسعه و عمران بین‌المللی^۵ تشکیل شده شرکت خواهیم کرد و امیدواریم که صندوق بین‌المللی پول در اجلاس خود که در مارس ۱۹۷۹ (فروردین ۱۳۵۸) تشکیل می‌گردد، تغییرات لازم را در زمینه CFF نماید.

۴ - کمکهای عمرانی: دولت آمریکا (دولت کارتر - م) کمی پس از روز کارآمدن به بررسی همه جانبه برنامه کمکهای خارجی پرداخت. ریاست جمهور تصمیماتی اتخاذ نموده که در سالهای آتی می‌تواند در زمینه کمکهای خارجی به شرح زیر راهنمای ما باشد. البته از سطوح بودجه و نحوه برخورد کنگره نیز نباید غافل بود. (به ضمیمه ۵ تحت عنوان کمکهای اقتصادی و عمرانی مراجعه شود.)

آمریکا امیدوار است تا سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) کمکهای امتیازی، (دو جانبه و چند جانبه) خود را عمدتاً به میزان بیش از آنچه که در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ارائه شده، بالا ببرد.

امیدواریم که آمریکا بتواند حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد^۶ به برنامه اعطای وام بلاعوض چند جانبه کمک کند تا شاهد افزایش کمک در زمینه مواد غذایی و افزایش چشمگیرتری در برنامه‌های عمرانی دو جانبه باشیم. در سال ۱۹۸۲ میزان کمکهای پشتیبانی امنیتی ثابت خواهد بود. فشارهای مالی و

1- STABEX.

2- EC.

3- ASEAN.

4- IMF.

5- IBRD.

6- PCT.

کاهش بودجه توسط کنگره نیز از توان ما در رسیدن به این اهداف خواهد کاست. کمکهای دو جانبه امتیازی ما نیز بر رفع نیازهای اساسی^۱ مردم فقیر کشورهای دست به گریبان با فقر متمرکز باشد، البته باید از چنان انعطاف پذیری برخوردار باشد که به رشد منصفانه کشورهای دارای درآمد متوسط هم کمک کند و در صورت موجود بودن، منابع مالی کافی به دولتهایی اختصاص یابد که متعهد کمک به فقرای خود هستند. در نتیجه این تصمیمات ۸۵ فقره وام و وام بلاعوض اختصاص یافته به کشورهای در حال توسعه در سال مالی ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) برای آن دسته از کشورهایی در نظر گرفته شد که درآمد سرانه آنها کمتر از ۵۲۰ دلار در سال می باشد (براساس قیمتهای سال ۱۹۷۵) در بودجه سال مالی ۱۹۸۰ برنامه کمک بیشتری را برای کشورهای فقیر در نظر خواهیم گرفت. سیاست ما بر این عقیده استوار است که تأمین نیازهای اساسی انسانی تنها از طریق برنامه‌هایی امکان پذیر است که هدفشان توسعه رشد باشد. (به ضمیمه ۵ قسمت توزیع کمکها مراجعه شود).

به عنوان یک هدف، ارضاء نیازهای اساسی انسان در برگیرنده حداقل سطوح زندگی ملموس و غیر ملموس یا به عبارت دیگر تغذیه کافی، بهداشت، بهزیستی، پوشاک، مسکن و آموزش و پرورش برای تمام انسانها است و تأکید آن نیز بر مساوات است. تأمین نیازهای اساسی انسانی، به عنوان یک استراتژی، تولید کلی را تحرك بخشیده و بالا می برد تا این نیازها مرتفع و ظرفیت تولیدی و درآمد فقرا افزایش یابد. به همین دلیل می توان گفت که بر رشد تأکید دارد.

بررسی‌های بیشتری انجام خواهیم داد تا معلوم شود که آیا ایجاد انعطاف پذیری بیشتر در اجرای سیاستهای تأمین نیاز انسانی به تحقق اهداف ما کمک خواهد کرد یا نه. انتظار داریم که مذاکرات هر چه زودتر آغاز شود و سبب افزایش سرمایه بانک عمران و بازسازی بین‌المللی به میزان صد در صد گردد. کاهش عمده، سرمایه آژانس عمران بین‌المللی^۲ نیز در سال آتی مورد مذاکره واقع خواهد شد. اخیراً نیز کاهش سرمایه‌های دارای شرایط «سخت» و «معتدل» بانکهای منطقه‌ای که آمریکا عضو آنها است نیز به مورد مذاکره گذاشته شد. یکی از اهداف مهم آمریکا افزایش کارایی کمک، از طریق ایجاد هماهنگی با دیگر کمک دهندگان می باشد.

۵ - عرضه مواد غذایی به نسبت رشد جمعیت: آمریکا در زمینه سیاست خارجی کشاورزی اهداف ذیل را دنبال می نماید:

گسترش تجارت کشاورزی آمریکا از طریق آزادسازی تجارت، مذاکرات در سطح قراردادهای چند جانبه تجاری در ژنو ادامه دارد.

کمک به کشورهای در حال توسعه در بالا بردن سطح تولید مواد غذایی و کشاورزی به عنوان عنصر مهم عمرانی.

افزایش امکانات حفظ و نگهداری و تثبیت قیمت مواد غذایی در سطح جهان، از طریق ایجاد دفاتر غله درون کشوری تحت نظارت یک نظام بین‌المللی، مذاکرات مربوط به این مورد هنوز ادامه دارد.

1- BHN.

2- IDA.

ارائه کمکهای غذایی به کشورهای فقیر در حمایت از برنامه‌های عمرانی آنها، ایجاد بازارهای بیشتر برای مواد کشاورزی صادراتی آمریکا و دیگر هدفهای آمریکا در زمینه سیاست خارجی آن و نیز برای نیل به اهداف بشر دوستانه.

هدف ما در رابطه با جمعیت به شرح زیر است:

مورد شمول قرار دادن عوامل جمعیتی در استراتژی عمرانی به نحوی بهتر.

افزایش کمک به کشورهای که رشد جمعیت آنها بیشتر است.

متعهد ساختن کشورهای در حال توسعه برای برخورد قاطع تر با رشد افراطی جمعیت گسترش اقدامات مربوط به رشد جمعیت از قبیل طرح خانواده و بهداشت و تغذیه به عنوان بخشی از برنامه‌هایمان در تأمین نیازهای اساسی انسانی.

طی دو سال آتی به بهبود تلاشهایمان در رابطه با «جمعیت» خواهیم پرداخت تا حمایت کشورهای در حال توسعه از طرح خانواده و برنامه‌های دیگر بیشتر شود، و تحقیقات داخلی خود را در مورد روشهای ضد بارداری که با سهولت بیشتری در کشورهای در حال توسعه استفاده شوند، افزایش دهیم و، نهادهای چند جانبه دست‌اندرکار چون نیز UNFPA^۱، سازمان بهداشت جهانی، UNDP^۲ و بانک جهانی تقویت شوند.

۶- تکنولوژی: مسئله انتقال تکنولوژی مسئله‌ای بسیار پیچیده و حائز اهمیت در روابط شرق و غرب و شمال و جنوب است (به ضمیمه شماره ۵ مراجعه شود). در مذاکرات شمال و جنوب تلاشهای ما در حال حاضر و در سالهای آتی بر مسائل زیر متمرکز خواهد بود:

کنفرانس اوت ۱۹۷۹ سازمان ملل بنام کنفرانس علم و تکنولوژی برای عمران^۳ آماده‌ایم تا به بررسی استراتژی‌های جهانی برای کمک به کشورهای در حال توسعه جهت بهره‌برداری از تکنولوژی موجود و در حال پیدایش برای بالابردن استعدادهای هر کشور در حال توسعه بپردازیم. در این کنفرانس روشهای توانائی کشورهای در حال توسعه را مورد توجه اساسی قرار خواهیم داد که عبارتند از: نحوه گسترش یا تطابق تکنولوژی، تأمین هزینه‌ها و مدیریت بهره‌برداری از فنون پیشرفته. در این رابطه تکنولوژیهای مربوط به انرژی، مواد غذایی و بهداشت مورد توجه قرار خواهد گرفت.

طی سه سال گذشته، مذاکرات شمال و جنوب در مورد انتقال تکنولوژی بیشتر در زمینه جهانی متمرکز بوده تا معیارهای تعیین شده (که از نظر ما رهنمودهای داوطلبانه) است برای اینکه دولتها و شرکتهای بتوانند در زمینه قراردادهای بین‌المللی و در رابطه با دریافت جواز ثبت، قراردادهای مربوط به آموزش فنون، قراردادهای مهم و دیگر اشکال انتقال انرژی آموزش ببینند. یکی از کنفرانسهای سازمان ملل (از ۱۶ اکتبر تا ۱۰ نوامبر) نتوانست در مذاکره بر سر مسائل مهم مربوط به این مجموعه قوانین (از قبیل، ماهیت حقوقی، روش پیگیری، نحوه برخورد با قراردادهای اصلی و فرعی، توجیه بعضی از اعمال محدود کننده در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، اصولی که براساس آن دولتها می‌توانند مقررات مربوط به انتقال تکنولوژی را وضع کنند). راه حل و فصل نماید. این کنفرانس مذاکرات خود

1- WHO.

2- Unicef.

3- UNCSTD.

را در طول ۱۶ فوریه الی ۲ مارس آغاز خواهد کرد. در حالی که مطابق شواهد تعدادی از کشورهای گروه ۶۶ میلند بجای پیشبرد امور بر پایه میانه‌روی، در مجموعه قوانین، به رویارویی (احتمالاً در اجلاس پنجم اونکتاد) بپردازند موضع ما در این مذاکرات کم تحرک لیکن سازنده بوده است، و همیشه خواستار پیدایش روشهای داوطلبانه و قابل کاربرد بوده‌ایم، تا وضع کشورهای در حال توسعه عملاً بهبود یابد و جو موجود برای سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی نیز مساعدتر شود. در صورتی که مذاکرات به نتیجه‌ای نرسد، امیدواریم که کنفرانس سازمان ملل در مورد علم و تکنولوژی برای عمران در سال ۱۹۷۹ موقعیتی پیش آورد تا جهت مذاکرات را به نحوه پاسخگویی در برابر محدودیت کشورهای در حال توسعه در رابطه با تحولات تکنولوژیکی معطوف نمائیم. بنیاد بین‌المللی همکاری تکنولوژیکی^۱ که ذیلاً شرح آن آمده، می‌تواند بعد از تشکیل کنفرانس فوق نقش مهمی را در روابط تکنولوژیکی با کشورهای در حال توسعه داشته باشد.

دولت (آمریکا - م) اخیراً پیشنهاد کرد که سازمانی به نام بنیاد بین‌المللی همکاری تکنولوژیکی ایجاد شود. این بنیاد برای دولت آمریکا به منظور کاربرد اطلاعات تکنولوژیکی در زمینه عمران، مکانیزم بسیار مهمی به حساب خواهد آمد. این بنیاد وظیفه ارائه کمک را بر عهده خواهد داشت و از طریق صندوقهای کمک عمرانی تأمین هزینه خواهد شد و با استفاده از منابع مالی دولتی و بخش خصوصی در زمینهای عمرانی به بازسازی و فعالیت خواهد پرداخت، و با کشورهای در حال توسعه نیز همکاری نزدیک خواهد داشت. حوزه عمل و تشکیلات بنیاد بین‌المللی همکاری تکنولوژیکی توسط قوه مجریه در دست بررسی است. در صورتی که کنگره نسبت به آن رأی مثبت دهد، در سال مالی ۱۹۸۰ عملیات خود را آغاز خواهد نمود.

چاره‌اندیشی تدابیری به منظور توسعه و اداره بهتر همکاریهای تکنولوژیکی و علمی ما با کشورهای در حال توسعه ثروتمندتر، اروپای شرقی، شوروی، چین و کشورهای اوپک که امری بسیار دشوار است، در سالهای آتی نیز به صورت تلاشی بسیار مشکل باقی خواهد ماند. دموکراسیهای صنعتی باید در یافتن راه بهتری برای استفاده از تکنولوژی جهت انجام وظایف جهانی خود از قبیل محیط زیست، بهبود وضع بهداشت، کنترل رشد جمعیت، ممانعت از آلودگی دریاها، بهره‌برداری از منابع انرژی امن و قابل احیاء و بهره‌برداری بهتر از خاک و حیات نباتی و حیوانی که هدایت و رهبری را بر عهده گیرند.

۷ - مذاکرات شمال و جنوب: تقریباً تمام مسائل فوق، عناصر مهم مذاکرات شمال و جنوب را تشکیل می‌دهند (که ما قبل از هرگونه مذاکرات مهم سعی خواهیم کرد با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مشورت کنیم). دیگر موضوعات مهم و بالقوه به شرح زیر هستند. (به ضمیمه شماره ۵ مراجعه شود):

دیون کشورهای در حال توسعه: اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی از جمله آمریکا اقداماتی را اتخاذ کرده‌اند تا از طریق آنها از بار سنگین دیون کشورهای دارای حداقل رشد بکاهند. در مورد افزایش سرمایه صندوق بین‌المللی پول و دیگر مؤسسات جدید این صندوق (صندوق تراست، وینته‌وین، و غیره) به میزان ۵۰ درصد توافق به عمل آمده که این موضوع به کشورها

1- FITC.

کمک می‌کند تا مشکلات موجود در رابطه با موازنهٔ پرداخت را در کوتاه مدت از میان بردارند. همکاری اقتصادی در میان کشورهای در حال رشد^۱: ظاهراً گروه ۷۷ برای این موضوع اهمیت ویژه‌ای قائل است، گرچه این گروه و یا گروه ب به محتوای موضوع توجهی نداشته‌اند. کشمکش بیشتر بر سر مراحل بوده است و اینکه آیا اونکتاد می‌تواند پیرامون این موضوع که منحصرأ به گروه ۷۷ مربوط است، جلسه‌ای تشکیل دهد یا خیر؟ سعی خواهیم کرد کشورهای در حال توسعه را متقاعد سازیم که کشورهای پیشرفته را نیز در مذاکرات خود مربوط به برنامه‌های ECDC راه دهند و ECDC نباید پدید آورنده نهادهای محدود باشد.

کشورهای در حال توسعه پیشرفته: می‌خواهیم این منطق را در سطح بین‌المللی تعمیم دهیم که باید با هر کشور در حال توسعه بنا بر میزان رشد خودش برخورد شود. کمکهای امتیازی باید در اختیار فقیرترین کشورها قرار گیرد. کشورهای پیشرفته در حال توسعه باید از امتیازت ویژه خود به عنوان در حال توسعه چشم پوشی کرده و به جای آن، به اقدامات معمولی تجاری چند جانبه روی آورده، از بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای تأمین منابع مالی خارجی استفاده کنند، و در رابطه با عملکرد اقتصاد بین‌المللی، مسئولیتهای بیشتری را پذیرا شوند. کشورهای پیشرفته نیز متقابلاً باید روشهایی را ابداع کرده و کشورهای در حال توسعه را در روند تصمیم‌گیریهای مربوط به سازمانهای اقتصادی بین‌المللی دخالت دهند.

استراتژی عمرانی: بخش اعظم مذاکرات اکنون بر نحوهٔ انتقال منابع از شمال به جنوب متمرکز است و از استراتژی عمرانی داخلی کشورهای در حال توسعه سخن به میان نمی‌آید. در نظر داریم در رابطه با مسائلی از قبیل نیازهای اساسی انسانی، توزیع درآمدها، صادرات در قبال استراتژیهای رشد بازارهای داخلی و غیره راههایی بیابیم تا مسائل فوق با فعالیت بیشتری پیگیری شود.

مذاکرات شمال و جنوب طی دو سال گذشته بسیار سازنده بوده است، در ماهها و سالهای آتی مسائل جدید پدیدار خواهد شد. اجلاسهای گروه ۷۷ در سطح وزراء منطقه که منجر به تشکیل جلسه وزراء در آروشای - تانزانیا گردید، در اسفند ماه سکوی جدید برای گروه ۷۷ به وجود خواهد آورد تا اعلامیه ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) «مانیل» به اجرا گذاشته شود. کمیتهٔ کارشناسی سازمان ملل نیز برای دهه‌های آتی درصدد فراهم آوردن يك استراتژی جدید و عمرانی بین‌المللی خواهد بود. اونکتاد ۵، کمیته Whole^۲ و اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل^۳ سال ۱۹۸۰ (که یک استراتژی جدید عمرانی را اتخاذ خواهد کرد) اعلام خواهند نمود که این مذاکرات در چه سازمانهایی ادامه پیدا می‌کند. ما مایل به مشارکت سازنده در این مجامع هستیم تا برنامه کار واقعگرایانه آتی را فراهم آوریم.

در چند سال آینده آمریکا نگران تأثیر روند مدرن‌سازی بر ثبات سیاسی کشورهای در حال توسعه و کارایی نهادهای موجود در انطباق پذیری با مشکلات و فشارهای جدید است. این مسائل را نمی‌توان با کشورها به صورت منفرد در میان گذاشت چون به روندهای داخلی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر یک از آنها مربوط هستند. رویدادهای چند ساله اخیر معدودی از کشورها از قبیل هند،

1- ECDC.

2- COW.

3- UNGA.

پاکستان، ایران، نیجریه و مکزیك نشان می‌دهد که ارزیابی آن دسته از سفارت‌های آمریکایی که در این کشورها مستقر می‌باشند، تا چه حد در طرح‌ریزیها و فرمول‌بندی سیاسی آمریکا حائز اهمیت است. (ب) حقوق بشر: (به ضمیمه ۲ و ضمیمه ۵ قسمت ارتباط کمکها با حقوق بشر مراجعه شود).

۱- کلی: ما متعهد به تلاش و پیگیری برای پیشبرد هر سه بخش حقوق بشر که توسط وزیر خارجه ونس در آوریل ۱۹۷۷ (فروردین ۱۳۵۶) توصیف و تشریح شده است، می‌باشیم. حقوق شخصی با حقوق اقتصادی (حق برخورداری از غذا، مسکن، بهداشت و تحصیلات) و حقوق سیاسی از جمله مسائل تشریح شده می‌باشند. مسائل مربوط به حقوق بشر جزء لاینفک روابط ما، از تبادل خصوصی دیپلماتیک گرفته تا برنامه‌های کمک مالی و روابط نظامی با دیگر دولتها شده است تجاربی که تا کنون به دست آمده نشانگر آن است که می‌توان بین مسئله بهبود وضع حقوق بشر و دیگر منافع آمریکا نوعی توازن ایجاد نمود و نفوذ ما نیز عامل مهمی در بهبود بخشیدن به وضع حقوق بشر باشد. پیشرفتهای مهمی در زمینه حقوق شخصی حاصل شده است. شمار زندانیان سیاسی آزاد شده به هزاران نفر می‌رسد که دربرگیرنده چند کشور از جمله تانزانیا، هائیتی، شیلی، بولیوی، کره جنوبی، فیلیپین، تایلند، ایران، پاکستان، بنگلادش، گینه، مراکش و نیپال می‌باشد. شکنجه زندانیان سیاسی کاهش یافته و در بعضی موارد محاکمه آنها نیز علنی برگزار شده است. سعی داریم برای بالا بردن سطح حقوق اقتصادی اشخاص در برنامه‌های کمکی دو جانبه و نقش خود در بانکهای عمرانی چند جانبه بر نیازهای اساسی بشر تأکید داشته باشیم. همانطور که انتظار داشتیم، پیشرفت حاصله در رابطه با بهبود وضع حقوق سیاسی با کندی بسیار صورت می‌گیرد ولی در بعضی موارد به خصوص در رابطه با آزادی بیان و گسترش مشارکت سیاسی نقطه آغاز، بسیار امیدوارکننده بوده است. دیگر ملل موجود به خصوص در اروپای غربی با استقلال نسبی به همکاری در بعضی از جنبه‌های این سیاست پرداخته‌اند تا با اقدامات خود موجبات بهبود وضع حقوق بشر را در جهان فراهم آورند.

قانون و سیاست ما بسیار واضح بوده و در مورد حقوق انسانی و حقوق اقتصادی کاربردی ساده دارد. ارتقاء حقوق سیاسی نیز برای ما از اهمیت کمتری برخوردار نیست، ولی باید ابتدا به حساسیت سیاستها و فرهنگهایی که با سیاست و فرهنگ ما (و یکدیگر) تفاوت دارند، پی برد.

اجرای این سیاست پیچیده و جاه‌طلبانه بسیار دشوار است. واحدها می‌دانند که در روابط دوجانبه ما با بعضی از کشورها این مسئله چه مشکلات و موانعی را پدید آورده است. مسائل دیگر با نحوه پاسخگویی و پیگیری موقعیت نسبی سیاست موجودمان مرتبط است. طی دو سال آتی باید مسائل و موضوعات ذیل را دقیقاً زیر نظر داشته باشیم:

نحوه ایجاد توازن بین اهدافمان در زمینه حقوق بشر با نیازمان به حفظ همکاری با دولتهای میزبان به خصوص در زمینه مسائل مهمی از بیل منافع امنیتی و اقتصادی ما.

در رابطه با کشورهایی که در هنگام مواجهه با فشارهای مخالفین داخلی به سرکوب متوسل می‌شوند و یا در رابطه با کشورهایی که امکان ناآرامیهای سیاسی مضر به حال منافع آمریکا وجود دارد، چگونه می‌توان به پیگیری اهدافمان در زمینه حقوق بشر پرداخت.

چگونه می‌توان میان اهداف مختلفمان در زمینه حقوق بشر از قبیل بهبود حقوق اقتصادی فقرا در مقابل کاربرد فشارهای اقتصادی به منظور بهبود حقوق سیاسی یا فردی تعادل برقرار ساخت.

در بانکهای چند جانبه عمرانی^۱ چگونه باید به پیگیری اهداف خویش در زمینه حقوق بشر پردازیم، بی آنکه تمامیت اینگونه نهادها به مخاطره افتد. و در چه زمانی می توانیم با برنامه های بانکهای چندجانبه عمرانی که در خدمت تأمین نیازهای اساسی انسان قرار دارند، مخالفت خویش را نشان دهیم؟

آیا از برنامه های کمکی که هدف اولیه آن عمران اقتصادی است می توان در پیدایش روند تصمیم گیری محلی استفاده کرد (یعنی می توان از گروههای شهروندی در اجرای این برنامه ها استفاده کرد).

چگونه می توان وضع حقوق بشر را در کشورهایی که یا در آنها اهرم نیرومندی نداریم و یا اخبار مورد نیاز در مورد حقوق بشر در آن کشورها به ما نمی رسد، بهبود بخشیم و در انتقاد علنی از این کشورها در زمینه حقوق بشر تا چه حدی می توانیم فعال باشیم حال آنکه می دانیم این عمل ما، حداقل در کوتاه مدت نمی تواند تأثیر عملی داشته باشد.

چگونه می توان از مکانیزم حقوق بشر سازمانهای چند جانبه در تحقق حقوق بشر استفاده کرد و چگونه می توانیم مکانیزم کنونی حقوق بشر را در برخورد با مسائل موجود در زمینه حقوق بشر از کارآیی بیشتری برخوردار سازیم.

در صورتی که حقوق بشر در کشوری بهبود بسیار یافته ولی وضع کلی رضایتبخش نباشد، چه عکس العملی باید نشان داده شود. این موضوع به خصوص در رابطه با نقاطی که در آنها وضع حقوق فردی بهبود یافته (بعضی زندانیان سیاسی آزاد شده اند) ولی در رابطه با تضمینهای اساسی و یا تغییرات سیاسی بهبودی حاصل نشده، مصداق دارد.

در حال حاضر ما مشغول ارزیابی کاربرد اعمال محدودیتهایی بر تاجرت و اعتبار به عنوان وسیله ای برای پیشبرد تعدادی از اهداف سیاست خارجی آمریکا و نیز حقوق بشر هستیم.

کنگره نیز به حقوق بشر توجه بسیار نشان می دهد، با وجود اینکه قانونگذاری عمومی مورد توجه بیشتر قرار گرفته ولی تمام قوانین بازدارنده ای که تا به حال برای بهبود حقوق بشر وضع شده، به قوت خود باقی است و ما انتظار داریم که این وضع ادامه یابد.

۲ - آوارگان یا پناهندگان: طی چهار سال گذشته بیش از ۴۰۰۰۰۰ آواره از هند و چین به کشورهای غیر کمونیست گریخته اند. در ماههای اخیر این رقم افزایش عمده ای داشته است و کشورهایی که پناهگاههای امنی برای آنها به حساب می آیند، قادر نیستند این پناهندگان را جذب نمایند و حال آنکه علت این فرار همان نارضایتی های سیاسی و اقتصادی در ویتنام، ظلم و جنگ در کامبوج، و تبعیض و خصومت شدید علیه قبایل موجود در لائوس می باشد. آمریکا تا به حال ۱۸۰۰۰۰ نفر از آنان را پذیرفته و امیدوار است ۴۵۰۰۰ نفر دیگر را نیز تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ به داخل مرزهای خود راه دهد قوانین جدید آمریکا و مهمتر از همه تلاشهای جدید بین المللی باید صورت گیرد تا بتوان با مشکل يك میلیون پناهنده ای که ممکن است در سه سال آینده بخواهند از هند و چین بگریزند، دست و پنجه نرم کرد.

ج) کنترل تسلیحاتی

۱ - سالت ۲ (مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک): ما امیدواریم که در آینده نزدیک بتوانیم قرارداد سالت ۲ را منعقد سازیم. برخلاف سالت ۱، قرارداد جدید بر سیستم سلاحهای استراتژیک هسته‌ای آمریکا و شوروی از نظر کمی و کیفی محدودیتهایی قائل خواهد شد و آمریکا و شوروی با پیگیری و آغاز مذاکرات (سالت ۳) متعهد خواهند شد که اقداماتی را در جهت محدودسازی و کاهش سلاحهای استراتژیک اتخاذ نمایند.

(به بخش ۵ ذیل در مورد مسئله مربوط به سیستمهای نقاط خاکستری مراجعه کنید.)

توافق شده است که مجموع محموله‌های سیستمهای استراتژیک در پایان عقد قرارداد از ۲۴۰۰ سیستم به ۲۲۵۰ سیستم کاهش یابد و تعداد موشکهای چند کلاهک^۱ به ۱۳۲۰ تقلیل خواهد یافت که در نتیجه، قبل از کاستن مورد لزوم از تعداد موشکهای ضد موشکهای کلاهک‌دار^۲ می‌توان تعداد ۱۲۰ فروند از هواپیماهای حامل موشکهای کروز کاست و شماره مجاز موشکهای قاره پیمای دارای چند کلاهک^۳ نیز تا سقف ۸۲۰ تعیین شده است.

طرفین همچنین توافق کرده‌اند که تعداد موشکهای قاره پیمای دارای کلاهک و فاقد کلاهکهای هسته‌ای خود را نیز تا سال ۱۹۸۵ کاهش دهند، ولی هنوز مسئله مربوط به تعداد کلاهکهای جنگی موشکهای قاره پیمای^۴ و موشکهای قاره پیمای قابل پرتاب از زیر دریایی^۵ حل نشده است. نظارت بر روند کاهش نیز از طریق تدابیر فنی ملی هر یک از طرفین از جمله توان شناسایی ماهواره‌ای و نیز تبادل اطلاعات مورد نظر اعمال خواهد شد و حال آنکه شوروی در گذشته سرسختانه از این کار طفره می‌رفته است.

تنها چند مسئله متناقض و نسبتاً جزئی هست که باید حل شود. مهمترین مسائل لاینحل به موشکهای کروز و بمبافکنهای بک فایر شوروی مربوط است. روسها اعلام کرده‌اند که به آمریکا تضمین خواهند داد که تولید بمبافکنهای بک فایر را متوقف خواهند کرد و توان آنها در ضربه زدن به آمریکا را نیز محدود خواهند نمود، ولی ما هنوز در مورد بعضی از جنبهای این تضمینها توافق نکرده و نمی‌دانیم که در انظار عموم و در برابر کنگره با آنها چه نوع برخوردی باید داشته باشیم.

۲ - قرارداد منع آزمایش تسلیحاتی^۶: میان انگلستان و شوروی یک قرارداد منع آزمایشات تسلیحاتی به مذاکره درآمده است.

مدت مذاکرات را سه سال تعیین کرده‌ایم تا در این مدت کنفرانس به بررسی مسئله جایگزین ساختن پیمان پردازند. هنوز معلوم نیست که مسائل مربوط به نحوه تأیید و نظارت چگونه حل خواهد شد. در هر حال روند مزبور به دنبال مذاکرات سالت ۲ پیگیری خواهد شد.

۳ - کاهش دو جانبه و متعادل نیروها^۷: در آوریل گذشته غرب با جرح و تعدیل موضع خود به

1- MIRV.

2- MIRVEDM.

3- MIRVEDMICBM.

4- ICBM.

5- SLBM.

6- CTB.

7- MBFR.

شوروی اجازه داد که به جای یک لشکر تانک، یکی از پنج لشکر خود را عقب بکشاند و در همین رابطه و در مرحله اول قول داد، که با همکاری کشورهای اروپای غربی در مرحله دوم کاهش نیرو و نیز همکاری نماید. در ماه ژوئن، شرق به گونه‌ای پاسخ داد که گویا با کل موضع اروپای غربی موافقت کرده است. لیکن از غرب خواست اعتراف کند که در نقاطی که قرار است کاهش صورت پذیرد، تفاوت نیروی جنگی انسانی بسیار زیادی وجود دارد. از آنجا که غرب معتقد است که نیروی جنگی انسانی شرق ۱۵۰۰۰۰ نفر بیش از رقم مورد ادعای آن است، اختلافاتی به وجود آمده است امیدواریم که در ماههای آتی بتوانیم شرق را در مورد این ارقام متقاعد سازیم تا توافقی که تا به حال به وجود آمده، به خطر نیفتد. در همین حال ما در درون ناتو در نظر داریم که به اقدامات ایجاد کننده ثبات پرداخته و نیز معتقدیم که باید در این خصوص با شرق وارد مذاکره شویم.

۴ - سیستمها و فعالیتهای ضد ماهواره‌ای^۱: هیئتهای نمایندگی آمریکا و شوروی در ژوئن ۱۹۷۸ در هلسینکی مذاکرات مقدماتی خود را پیرامون محدودسازی فعالیتهای ضد ماهواره‌ای آغاز کردند. این مذاکرات بسیار مفید بود چون امکان پیدایش قرارداد و توافق را در این زمینه پدید می‌آورد هیئتها موافقت کردند که بار دیگر جهت تداوم مذاکرات در اوایل سال ۱۹۷۹ ملاقات نمایند.

۵ - سیستمهای نقاط خاکستری^۲: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به بررسی مدرن‌سازی برنامه هفته‌ای خود و نیز امکان کنترل تسلیحاتی پرداخته است تا بتواند با شرایط مربوط به افزایش جنگ افزار هسته‌ای برخوردی معقول داشته باشد.

این سازمان ممکن است در سالهای آتی به این نتیجه برسد که افزایش تسلیحاتی هسته‌ای تا حدودی ضروری است، که خود نوعی عکس‌العمل در پاسخ به موشک بالستیک میان برد^۳ اس - اس - ۲۰ می‌باشد، با وجود علاقه آلمان غربی به کنترل تسلیحات دور برد و نیز فشارهای شوروی به منظور محدودسازی ساختن موشکهای کروز آمریکا، می‌توان گفت که هدف سالت ۳ احتمالاً محدودسازی بعضی از سیستمهای جنگی آمریکا و شوروی خواهد بود در چند سال آینده مدرن‌سازی هسته‌ای و سیستم نقاط خاکستری توجه بسیاری را به خود معطوف خواهد ساخت.

۶ - سلاحهای شیمیایی و جنگ افزارهای رادیولوژیکی: در هر دو مورد مذاکرات دو جانبه با شوروی ادامه دارد. احتمالاً قراردادی مبنی بر منع تولید و کاربرد سلاحهای رادیولوژیکی نیز منعقد خواهد شد. پیشرفت در جهت منع کامل تولید و کاربرد سلاحهای شیمیایی چندان چشمگیر نبوده است. اختلافات بسیار مهمی در مورد مسائلی از قبیل اقدامات توأم با تنوع و تغییر طرفین را از یکدیگر جدا ساخته است.

۷ - محدودسازی تسلیحات در اقیانوس هند: از ژوئن ۱۹۷۷ با شوروی مذاکراتی را آغاز کرده‌ایم تا شاید بتواند به تثبیت و یا کاهش تسلیحات نظامی آمریکا و شوروی در اقیانوس هند منجر گردد. این قرارداد به هیچ وجه محدود کننده نیروهای کشورهای هم پیمان ما یا هم مرز با اقیانوس هند نیست و نخواهد بود. این گفتگو از فوریه ۱۹۷۸ به تأخیر افتاده و ما برآنیم تا موجبات آغاز مذاکرات

1- ASAT.

2- IRBM.

3- IRBM.

را فراهم آوریم لیکن تصمیمی در این زمینه اتخاذ نشده است.

۸ - سیاست انتقال تسلیحات قراردادی: در این زمینه سیاست آمریکا از سه بخش تشکیل شده است: (۱) کنترل کیفیت سیستمهای پیشرفته، (۲) محدودیت کمی فروش این تسلیحات به بعضی از کشورها و (۳) محدودسازی فعالیتهایی که جهت بالا بردن میزان فروش صورت می‌گیرد. تمام عناصر موجود در این سیاست به اجرا درآمد و حتی در سال مالی ۱۹۷۸، هشت مورد کاهش نیز پدید آمده است.

مسئله مربوط به همین کاهش در سال مالی ۱۹۷۹ تحت بررسی است در سال ۱۹۸۰ از واحدها خواسته خواهد شد که در رابطه با انتقال این گونه تسلیحات همان وظایف قبلی را انجام دهند.

۹ - مذاکرات خودداری از انتقال تسلیحات قراردادی: نیل به هدف محدودسازی جهانی انتقال اینگونه تسلیحات، بستگی به همکاری عرضه‌کنندگان این اقلام از غرب گرفته تا شوروی و خریداران آنها دارد. در این رابطه نیز با شوروی وارد مذاکره شده‌ایم، تا پس از همکاری دو جانبه، دیگر عرضه‌کنندگان و نیز خریداران را به همکاری وادار سازیم. روسها نسبت به این مسئله علاقه نشان داده‌اند، لیکن قراردادی منعقد نشده است. بسیاری از کشورها را نیز در این زمینه توجیه کرده‌ایم تا از نقطه نظرات و همچنین پشتیبانی آنها برخوردار شویم. بسیاری از عرضه‌کنندگان تسلیحات اروپایی در این باره می‌گویند که عمل آنها بستگی به عکس‌العمل شوروی دارد. علاوه بر این ما به حمایت خریداران تسلیحات نیز نیازمندیم. ترغیب ابتکارات منطقه‌ای دریافت‌کنندگان مانند آنچه در آمریکای لاتین می‌گذرد، هدف مهمی در این مذاکرات به حساب می‌آید.

اگر قرار باشد که در سال مالی ۱۹۸۱ مذاکرات ما با شوروی ادامه یابد و بتوانیم دیگر عرضه‌کنندگان و خریداران را نیز وارد فعالیتهای کنیم، عملیات واحدها افزایش خواهد یافت، چون بعضی از دولتهای میزبان می‌توانند در ترغیب ابتکارات منطقه‌ای از سوی دریافت‌کنندگان و یا عرضه‌کنندگان تسلیحات نقش به‌سزایی داشته باشند.

(د) عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود).

طی ۲۲ ماه گذشته تلاشهای ما در چند جبهه متمرکز بوده است.

۱ - لایحه عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای: این لایحه که در ماه مارس وضع گردیده، مقرر می‌دارد که کشورهایی که فاقد سلاحهای هسته‌ای بوده لیکن مصالح و تجهیزات هسته‌ای آمریکایی را دریافت می‌دارند باید فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای خود را تا مارس ۱۹۸۰ در چهارچوب حراستهای بین‌المللی درآورند، تا بتوانند باز هم صادرات هسته‌ای آمریکایی و تجدید قراردادی مربوطه را نیز به وجود آورده است.

این گونه تجدید قراردادهای می‌تواند بر روابط سیاسی حساس تأثیر بگذارد. ما با جامعه اروپا نیز در زمینه ارائه خدمات هسته‌ای به توافقی دست یافته‌ایم. ما هنوز هم سوخت مورد نیاز راکتور اتمی هند در تاراپور را تأمین کرده و قرار است پیرامون محدودیتهای یک قرارداد جدید نیز با دولت هند وارد مذاکره شویم.

۲ - برنامه ارزیابی بین‌المللی سیکل سوخت هسته‌ای^۱: این برنامه بنا به ابتکار ما ایجاد گردید و ۵۳ کشور به مدت دو سال مشغول انجام مطالعاتی در زمینه سیکل سوخت می‌باشند که امیدواریم تا پایان سال ۱۹۷۹ اتفاق آرایبی را در مورد عدم تکثیر هسته‌ای مورد نظر ما پدید آورد.

۳ - خودداری عرضه کنندگان: تلاشهای خود را در رابطه با گروه عرضه کنندگان هسته‌ای^۲ گسترش داده‌ایم تا از یک سیاست مشترک در زمینه تکنولوژی «نقاط خاکستری» استفاده شود، که این تکنولوژی منحصرأً برای برنامه‌های هسته‌ای به کار نمی‌رود، ولی با تغییراتی می‌توان از آن برای نقاط حساس هسته‌ای (همچون غنی‌سازی و تجدید کاربرد) استفاده نمود.

۴ - پیمان عدم تکثیر^۳ و نقاط آزاد از تسلیحات اتمی: ما شدیداً خواستار رعایت همه جانبه پیمان عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای بوده‌ایم تا از گسترش تکنولوژی تسلیحات هسته‌ای جلوگیری کرده و توسعه صلح آمیز انرژی هسته‌ای را سبب شده باشیم. همچنین براساس شرایط مناسب از ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای حمایت کرده‌ایم.

۵ - سیاست داخلی: آمریکا برای نشان دادن سیاست بین‌المللی خود، در داخل نیز موانع به کارگیری مجدد سوخته‌های هسته‌ای در زمینه تجاری شده است.

۶ - رویدادهای نقاط دیگر: ما آن دسته از کشورهای دیگر را که مشغول فعالیتهایی در زمینه اتمی بوده‌اند و اقدامات آنها می‌تواند بر اهدافمان در رابطه با عدم تکثیر هسته‌ای تأثیر بگذارد، زیر نظر داشته‌ایم. ممانعت از فروش یک نیروگاه «تجدید کاربرد» توسط فرانسه به پاکستان نیز براساس سیاست عدم تکثیر صورت گرفت. قرارداد فروش تکنولوژی هسته‌ای آلمان غربی به برزیل نیز حاوی بندهائی است که براساس آن تکنولوژی تجدید کاربرد نیز باید به آن کشور فروخته شود که با اعتراض ما روبه‌رو شده است. موضوع تجدید کاربرد بر رابطه هسته‌ای بین ما و ژاپن نیز تأثیر مستقیم دارد. توافق ژاپن با تأخیری دو ساله جهت تصمیم‌گیری پیرامون استفاده تجاری از اپلوتونیوم در راکتورهایی که از آب سبک استفاده می‌کنند و نیز در رابطه با کارخانه‌های سنتی تولید مجدد(از فضولات) با مشورت صمیمانه آمریکا حاصل گردید. (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود).

آنچه که باید از این پس انجام شود:

سعی خواهیم کرد رعایت گسترده پیمان عدم تکثیر را سبب شویم. ما و چند کشور هم پیمان، چند کشور دیگر را وارد مذاکرات پیمان - عدم تکثیر کرده‌ایم. چند کشور مختلف مهم از جمله اندونزی، ترکیه، نیجر، و سری‌لانکا نیز نسبت به این پیمان اظهار علاقه کرده‌اند. در سال ۱۹۸۰ کنفرانسی برای بررسی پیمان عدم تکثیر تشکیل خواهد شد. استراتژی کنفرانس نیز طی سال آینده فرمول بندی خواهد شد.

ما همچنان به حمایت خود از اجرای برنامه دور نگهداشتن آمریکای لاتین از تسلیحات هسته‌ای ادامه خواهیم داد و انتظار می‌رود که آرژانتین نیز آنرا تصویب نماید. کوبا در آمریکای لاتین تنها کشوری خواهد بود که این قرارداد را تصویب نخواهد کرد. (شرایط قرارداد مانع از اقدام «گویانا» در

1- INFCE.

2- NSG.

3- NPT.

جهت تصویب آن است ولی دبیر کل این پیمان در نظر دارد با ارائه يك فرمول خاص موجبات پذیرش آن را فراهم آورد. امکان تصویب قرارداد توسط کوبا بسیار ضعیف است. طی دو سال آینده قراردادهای مربوط به همکاریهای هسته‌ای را براساس لایحه عدم تکثیر هسته‌ای سال ۱۹۷۸ منعقد خواهیم ساخت. این مذاکرات نیز همکاری واحدهای مستقر در خارج را ایجاب می‌نماید.

در بخش ارزیابی بین‌المللی سیکل سوخت هسته‌ای نیز تلاش خواهیم کرد که راههایی برای مدیریت بر سیکل سوخت هسته‌ای مشخص شود. اجلاس این بخش نیز در فوریه ۱۹۸۰ برگزار می‌گردد. از طریق این بخش سعی خواهیم کرد به منابع سوخت و ذخیره‌گاههای سوخت مصرف شده دست یابیم تا گسترش صنعت تجدید کار برد سوخت و غنی‌سازی محدود شود، ولی کشورهای عمده هسته‌ای در برابر تغییرات الزامی در برنامه‌های سرمایه‌گذاری خود مقاومت خواهند کرد و حتی اگر سیکلهای سوختی درگیر نیز کشف گردد.

ما در NSG و به طور دو جانبه با کشورهای عرضه کننده همکاری خواهیم کرد تا سیاست صادرات هسته‌ای هماهنگ گردد.

ه) جنبش عدم تعهد^۱

در چند سال گذشته این جنبش به خاطر سیاست کوبا در آفریقا، میزان رویارویی مورد نظر با غرب و چند موضع دیگر از جمله شرایط عضویت، دستخوش اختلافات داخلی گشته است. این اختلافات در سال ۱۹۷۸ بیشتر بروز کرده و یوگسلاوی، مصر، هند و دیگر اعضای «میان‌رو» جنبش را در برابر اعضاء تندرو جنبش قرار داده است. اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا که در سپتامبر ۱۹۷۹ برگزار خواهد شد، تأثیر نفوذ کوبا را بر این جنبش و نیز بر وحدت آن و روابط آمریکا با بسیاری از اعضاء آن طی چند سال آینده به منصه آزمایش خواهد گذارد. بروز اختلاف یا تشدید رویارویی بر سر مسائل اقتصادی مطرحه در اونکتاد ۵ و نیز مسائل سیاسی اجلاس سران جنبش غیر متعددها، تأسف بار خواهد بود. ما در حال بررسی نحوه برخورد خود با اجلاس سران هستیم تا از بروز این بحرانها جلوگیری به عمل آوریم. بسیاری از کشورهایی که در جنبش عدم تعهد عضویت ندارند نیز با ما در این مورد هم عقیده هستند و بسیاری از واحدها را نیز در جریان امر قرار خواهیم داد، تا فعالانه در نیل به اهداف، نقش خود را ایفا نمایند.

و) اصلاحات سازمان ملل (به ضمیمه شماره ۶ تحت عنوان «سازمان ملل» مراجعه شود) گزارش مارس ۱۹۷۹ رئیس جمهور به کنگره در مورد اصلاحات سازمان ملل مبنای تلاش منظم و مداوم آمریکا در جهت بهبود توانایی سازمان ملل برای تأمین نیازهای روز افزون جهانی است. آمریکا بخصوص به موارد ذیل توجه دارد.

بهبود روشهای سازمان ملل جهت حل مسالمت‌آمیز منازعات، کاربرد مؤثرتر سیستمها و نهادهای دیپلماتیک سازمان ملل و بالا بردن توان آن در جهت استقرار و حفظ صلح. هماهنگ‌سازی بیشتر برنامه‌های کمک فنی آژانسهای مختلف سازمان ملل، و نیز گسترش تلاشهای استوار بر ارزیابی، نظارت و کنترل کیفیت.

بررسی پیشنهاداتی که در رابطه با ایجاد منابع درآمد مستقل برای این سازمان بین‌المللی ارائه می‌شود.

کاهش آن دسته از مسائل مربوط به سیستم سازمان ملل که به طور روز افزون از طرف کنگره و مردم مورد انتقاد و بررسی قرار دارد که مسائل عبارتند از افزایش بودجه، تمایل روز افزون آژانسهای مختلف آن به شامل ساختن کمکهای فنی در بودجه ارزیابی شده خود، و سیاسی شدن بعضی از این آژانسهای فنی.

ز) کنترل تروریسم

سیاست آمریکا در مبارزه با تروریسم بر اصول زیر استوار است:
حراست از منافع آمریکا و شهروندان آن در تمام نقاط جهان در برابر تروریسم.
حراست از اتباع بیگانه و مایملک آنها در حیطه قانونی آمریکا.
هماهنگ‌سازی کامل تلاشهای ضد تروریستی ما با کشورهای دوست
تعداد حملات تروریستی به طور کل و تعداد این حملات علیه منافع آمریکا بالاخص در سالهای ۷۸ - ۱۹۷۷ ظاهراً کاهش یافته است. تقویت اقدامات امنیتی نمایندگیهای آمریکا در خارج و توجه شرکتهای آمریکایی به اقدامات ضد تروریستی، از جمله عوامل کاهش دهنده این فعالیتها به شمار می‌آیند.

اعلامیه ضد هواپیمارمایی اجلاس بن که خواستار لغو خدمات هوایی غیر نظامی به کشورهای می‌شود که از استرداد و یا به کیفر رسانیدن هواپیما ربا و یا بازگرداندن هواپیماهای ربوده شده خودداری می‌کنند، اساس فعالیتهای دیپلماتیک ما بوده است.

ما در صدد جلب حمایت بیشتر از این اعلامیه و دیگر اقدامات مشابه از قبیل کنوانسیون توکیو، لاهه، و مونترال که امنیت هواپیمائی بین‌المللی را افزایش می‌دهند، هستیم. ما از کنوانسیون ضد گروگانگیری آلمان غربی شدیداً حمایت خواهیم نمود. علاوه بر این در مورد کشورهای که به عنوان حامیان تروریسم بین‌المللی مشهور شده‌اند به تلاش گسترده‌ای دست خواهیم زد تا حمایت لجستیکی و مالی تروریستها از طریق این منابع کاهش یابد.

ح) کنترل مواد مخدر

در این زمینه نیز سیاست ما بر آن است تا از طریق سفارتخانه‌های خود و دیگر سازمانهای بین‌المللی توان حکومتهای دیگر را در از بین بردن منابع تولید نامشروع مواد مخدر و قاچاق یاری داده و مانع از صدور این مواد به آمریکا گردیم.

تلاشهای دو جانبه مهمی در رابطه با کشورهای تولیدکننده مواد مخدر در آسیای شرقی، آمریکا و خاورمیانه صورت گرفته که امیدواریم حمایت این حکومتها را در رابطه با این اقدامات جلب کرده و آموزش، تجهیزات و حمایت کافی را به منظور کنترل قاچاق مواد مخدر در اختیار آنها قرار دهیم.

در سطح بین‌المللی، ما به صندوق کنترل مواد مخدر سازمان ملل^۱ کمکهای مالی کرده و در اجلاسهای چند جانبه شرکت جسته‌ایم تا فعالیتهای حکومتی را در زمینه کنترل مواد مخدر هماهنگ نمائیم و ویژه سوئد، نروژ، دانمارک، و هلند سبب کاهش میزان کمکهای آمریکا به

1- UNFDAC.

بودجه صندوق مذکور شده ولی باید بیشتر تلاش کرد تا دیگر ملل پیشرفته نیز از این اقدامات حمایت نمایند. با انجام بررسیهایی در نظر داریم نظر کشورهای آسیای جنوب شرقی و گروه کلمبو را نیز نسبت به این موضوع جلب نمائیم.

همکاری بین دولت آمریکا و دولتهای مکزیک، برمه، تایلند، و کلمبیا در ممانعت از قاچاق و جریان غیر نظامی مواد مخدر به آمریکا بسیار موفقیت آمیز بوده است ولی اقدامات بسیاری وجود دارد که باید انجام شود.

مکزیک یکی از مهمترین منابع هروئین وارده به آمریکا خواهد بود، ولی موفقیت برنامه ریشه کن سازی خشخاش در مکزیک از اهمیت آن به عنوان عرضه کننده این ماده مخدر خواهد کاست. هروئین آسیای جنوب شرقی که در مثلث طلائی تولید می‌گردد، به صورت مهمترین منبع هروئین صادره به آمریکا درآمده است و علاوه بر این مهمترین منبع این ماده مخدر برای کشورهای اروپای غربی می‌باشد.

کاکائو از بولیوی و پرو به کلمبیا برده شده و در آنجا پس از تبدیل به هزاران کیلو کوکائین به سوی آمریکا سرازیر می‌گردد. اقداماتی که در جهت کنترل کوکائین به عمل آورده‌ایم مستقیماً با همین کشورها در رابطه می‌باشد.

علاوه بر این باید در مورد کشورها و نقاطی که مواد مخدر از آنها عبور می‌کند (یعنی مالزی، هنگ‌کنگ، سنگاپور، اکوادور، کلمبیا، اندونزی و کشورهای حوزه کارائیب به خصوص باهاما) و از آنجا به آمریکا می‌رسد نیز اقداماتی معمول داریم.

باید ورود ماری جوانا از ساموآی شرقی به ایالات متحده آمریکا را نیز تحت کنترل درآوریم، چون جزایر این منطقه علاوه بر به جیب زدن منافع سرشار، از سندیکاهای قاچاق مواد مخدر و جنائی در داخل و خارج از آمریکا حمایت می‌کنند.

مشکلاتی که در کوتاه مدت وخامت بیشتری خواهند یافت عبارتند از: (۱) عرضه مازاد بر احتیاج مواد مخدر مشروع در سطح جهان (۲) امکان ورود جریان عظیم هروئین تولیدی در افغانستان و پاکستان به اروپا و آمریکا.

ط) محیط زیست

مشکلات مربوط به محیط زیست در سطح جهان و منطقه بر رفاه تمام کشورها تأثیر می‌بخشد. مشکلات موجود و یا رو به پیدایش عبارتند از: افزایش آلودگی هوا و آب، گسترش مواد سمی، و کاهش میزان زمینهای زراعی و سیستمهای خاکی و آبی که برای حفظ روند پیشرفت و عمران ضروری هستند. در کنفرانسها و اجلاسهای بین‌المللی اخیر به این موارد توجه بسیار شده است. دولت در حال اتمام بررسیهای خود در زمینه منابع محیطی و مشکلات مربوط به جمعیت است که باید به صورت محرکهایی برای اقدامات جدید درآید.

طی دو سال آینده به حمایت از تلاشهای برنامه محیط زیست سازمان ملل خواهیم پرداخت تا یک شبکه بین‌المللی نظارت بر محیط زیست به وجود آید و کشورهای در حال توسعه را یاری خواهیم داد تا بتوانند همگام با عمران اقتصادی وضع محیط زیست خود را نیز به نحو بهتری اداره کنند.

گذشته از این، ما از تلاشهای UNFPA و سازمان بهداشت جهانی در نحوه برخورد با مشکل مواد مسموم کننده و بخصوص خطراتی که در رابطه با بهداشت دارد، حمایت می‌کنیم. در میان کشورهای پیشرفته نیز ما با کمیته جامعه مدرن ناتو، کمیته محیط زیست کشورهای سازمان عمران و توسعه اقتصادی، و کمیسیون اقتصادی برنامه محیط زیست اروپا روابط مستحکم تری برقرار خواهیم ساخت. کمک به کشورهای در حال توسعه در رابطه با مدیریت بهتر زمین، از جمله مسائل مرتبط با ممانعت از گسترش کویر، ممانعت از جنگل زدائی و فرسایش خاک، از طریق برنامه‌های کمکی، عمرانی مورد تأکید بیشتری قرار خواهد گرفت. طی دهه‌های آتی تأثیر نوسانات جوی را نیز مورد مطالعه بیشتر قرار خواهیم داد.

ی) قانون دریاها^۱ (به ضمیمه شماره ۴ قسمت «قانون دریاها» مراجعه شود) از زمانی که مذاکرات مربوط به بعضی مسائل حائز اهمیت برای آمریکا در قانون دریاها آغاز شد، که یکی از آنها حفظ و حراست از حقوق دریایمایی سنتی در برابر گسترش حیطه دولتهای ساحلی و تسلط آنها بر منابع بود، پیشرفتهای بیشتری در این رابطه به وجود آمده است. علاوه بر این، حق عبور بلا مانع از تنگه‌ها نیز تاکنون از قانون مرزی ۱۲ میل دریائی متأثر نشده است. نتایج پافشاریهای آمریکا توافق در مورد حراست از محیط زیست دریایی بوده است و ما موفق شده‌ایم روش خود را در حل مناقشات و اختلافات به کرسی بنشانیم، ولی در دو بخش ما هنوز به اهداف خود دست پیدا نکرده‌ایم که عبارتند از: کشف معادن در بسترهای عمیق دریاها و تحقیقات علمی دریائی.

کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بر سر (الف) ماهیت یک رژیم بین‌المللی که بتواند بر فعالیتهای معدنی و دریائی، و (ب) توزیع درآمدهای حاصله از این معادن نظارت داشته باشد، اختلافات شدیدی دارند. آمریکا پیشنهاد کرده است که یک «سیستم همزمان» اکتشاف و بهره‌برداری به وجود آید که در نتیجه نیمی از مناطق دارای معادن را برای «کشور مربوطه» و نیمه دیگر را برای شرکتها یا دول پیمانکار باقی می‌گذارد. در حال حاضر همه این موضوع را به عنوان اساس «مذاکرات» پذیرفته‌اند.

کشورهای گروه ۷۷ به انتقاد از قانون پیشنهادی آمریکا در مورد بستر دریاها پرداخته و در مورد احتمال فعالیتهای معدنی در خارج از چهارچوب بین‌المللی به رسمیت شناخته شده اظهار نگرانی کرده‌اند. آنها این گونه فعالیتهای را براساس حقوق بین‌المللی نامشروع می‌انگارند. لیکن آمریکا نیز معتقد است که این عمل نشانگر آزادی دریاهاست و تنها یک قرارداد بین‌المللی می‌تواند اقدامات آمریکا را در این زمینه محدود نماید.

بنا به پیشنهاد دولت (آمریکا - م) این قانون باید (الف) ماهیتاً میان دوره‌ای باشد. یعنی پس از آن پیمانی منعقد گردد، (ب) پس از آنکه پیمانی منعقد گردید، باید مبالغی به یک صندوق ویژه پرداخت گردد تا زمینه مشارکت جامعه بین‌المللی فراهم آید. (ج) حق حاکمیت را بر بستر ژرف دریاها اعمال ننماید. این قانون به این دلیل پیشنهاد شده تا معدنچیان آمریکا بتوانند تکنولوژی مورد نیاز را پدید آورده و در صورت مقرون به صرفه بودن حتی بدون عقد قرارداد خاصی فعالیتهای معدنی آغاز گردد. کشورهای در حال توسعه و دیگر کشورهای ساحلی معتقدند که تحقیقات گسترده علمی در شعاع

۲۰۰ میلی باید به موجب رضایت توافق آنها آغاز گردد. آمریکا و دیگر کشورهای محقق خواستار کسب آزادی بیشتر در رابطه با تحقیقات خود می‌باشند، البته مشروط بر انجام تعهداتی از طرف کشور محقق در برابر کشورهای ساحلی. دیگر مسائل لاینحل مهم شامل تعریف و مشخص شدن محدوده دریایی کشورهای ساحلی و اختیارات آنها بر منابع دریایی، دسترسی کشورهای فاقد مرزهای آبی و کشورهای محروم از نظر جغرافیایی به منابع ماهی و علامت گذاری مرزهای دریایی بین کشورهای مجاور و کشورهای که در برابر یکدیگر واقع شده‌اند، می‌باشد.

آمریکا در نظر دارد یک قرارداد قانون دریاها که همه جانبه بوده و شامل فعالیتهای معدنی در بستر دریاها باشد، را پدید آورد. ما طی دو سال آینده به دنبال تحقق این پیمان و اختتام مذاکرات مربوط تا سال ۱۹۸۰ خواهیم بود.

در سال ۱۹۷۹ قرار است دو کنفرانس در مورد قانون دریاها تشکیل گردد که یکی از آنها به تاریخ ۱۹ مارس در ژنو برگزار خواهد شد.

ک) ارتباطات و رسانه‌های گروهی بین‌المللی

برای اولین بار در بیست سال گذشته، کنفرانس مدیریت جهانی رادیو^۱ در سپتامبر ۱۹۷۹ و به سرپرستی اتحادیه بین‌المللی ارتباطات تشکیل جلسه خواهد داد، و به طور کلی به بررسی و تخصیص و توزیع فرکانس به سراسر جهان می‌پردازد. حدود ۱۰۰۰ هیئت نمایندگی از طرف ۱۴۰ کشور در این اجلاس شرکت خواهند نمود. ما از هم اکنون با ۳۶ کشور در رابطه با کنفرانس سال ۱۹۷۹ مدیریت جهانی رادیو وارد مذاکره شده‌ایم و طی ماههای آینده نیز این مذاکرات دو جانبه را دنبال خواهیم کرد. به طور کلی، آمریکا معتقد است که فقط تغییرات محدود نسبی در تخصیص فرکانس ضرورت دارد. و برای ایجاد تغییرات ناشی از ضروریات ارتباطاتی و بهبود توان یا استعدادهای تکنولوژیک، باید بر انعطاف پذیری بیشتر تأکید شود.

البته ممکن است کشورهای در حال توسعه خواستار ایجاد تغییرات عمده‌ای در تخصیص فرکانسها شوند تا بدین ترتیب عدم تعادل ارتباطی بین شمال و جنوب برطرف گردد. ولی معلوم نیست که آیا مشترکاً و با هماهنگی در این زمینه اقدام خواهند کرد یا خیر.

دیگر نگرانیهای کشورهای در حال توسعه در مورد عدم تعادل ارتباطات بین‌المللی شامل موضوعات ذیل است:

یک اعلامیه اصولی سازنده در رابطه با رسانه‌های گروهی اخیراً در کنفرانس عمومی یونسکو^۲ به تصویب رسید. آمریکا و کشورهای اروپای غربی موفق شدند مخالفت خود را با متن بیانیه دال بر اینکه رسانه‌های گروهی باید وسیله‌ای برای تحقق اهداف دولتی باشند، به کرسی بنشانند.

در کنفرانس برون فضائی سازمان ملل، نه تنها کشورهای در حال توسعه و شوروی بلکه بسیاری از دموکراسیهای صنعتی نیز معتقدند که کشور خواهان ارتباط مستقیم با ماهواره (تکنولوژی ارتباطاتی که هنوز به طور کامل وارد مرحله عمل نشده) باید از طرف پخش تلویزیونی بین‌المللی رضایت نامه دریافت دارد. آمریکا هنوز هم با این شرط مخالفت می‌ورزد.

1- WARC.

2- UNESCO.

مشکلاتی که کانادا و دیگر کشورهای اروپای غربی با آنها دست به گریبان هستند، عبارتند از: نیاز به حذف اقدامات محدود کننده در رابطه با انتقال بین المللی آمارهای کامپیوتری، آمریکا در این زمینه نقش بسیار فعالانه‌ای را ایفا خواهد کرد.

ل) فضای برون

در سیاست و برنامه‌های فضایی آمریکا عناصر مهمی وجود دارد که به شرح زیر است: تأکید بر کاربردهایی که موجب بالا بردن دانش ما در رابطه با منابع زمینی، کشاورزی، جوی، هوایی و آلودگی می‌گردد.

نمایش تواناییهای تکنولوژیک به روشهای آزاد و تخیل‌پردازانه که به نفع کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت باشد.

ادامه حمایت ما در رابطه با ایجاد یک رژیم مشروع برای فضا تا کاربرد امن و مسالمت آمیز از فضا را ممکن سازد.

استفاده از شاتل فضایی به منظور کاهش هزینه‌ها

در حال حاضر آمریکا به ایجاد کارخانه‌های فضائی، ماهواره‌های خورشیدی، و دیگر پروژه‌های مهندسی وسیع نخواهد پرداخت. ولی توسعه تکنولوژی این راه را باز خواهد گذاشت. در آینده:

به دنبال فرصتهایی خواهیم بود تا مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای متعدد فضایی گسترش یابد.

در کمیته برون فضایی سازمان ملل که هدف آن بررسی امکان استفاده از منابع انرژی هسته‌ای فضا و جنبه‌های مختلف حقوق فضایی است شرکت مداوم خواهیم کرد. آمریکا آماده مشارکت در مباحثات مربوط به تعریف و تعیین حدود «برون فضا» است. ولی ادعای بعضی از کشورها را که معتقدند مدار زمینی فضا نیز در حاکمیت کشور مربوط است، از نظر علمی یا حقوقی مستدل نمی‌دانیم. ما از پیشنهاد مربوط به تشکیل کنفرانس سازمان ملل در چند سال آینده حمایت می‌نماییم. این کنفرانس توجه خود را به تحقیقات علمی و تکنولوژیک فضایی و منافع حاصل از تکنولوژی فضایی و نیاز به همکاری بین المللی در جهت شناخت منافع حاصله از مطالعات فضائی متمرکز خواهد ساخت. III - تحقیقات مربوط به روندهای منطقه‌ای:

الف) روابط آمریکا - شوروی

مذاکرات ما با شوروی پیرامون مسائل مرتبط با امنیت ملی روابط بین دو کشور را تشکیل می‌دهد. مذاکرات کنترل تسلیحاتی از نظر پیچیدگی و حدود و ثغور، گسترش خواهد یافت. همان گونه که قبلاً گفته شد، مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک به احتمال زیاد سلاحيهایی که قبلاً «صرفاً» جنبه تاکتیکی داشت را در بر خواهد گرفت، و این نگرانی را برای شوروی پدید خواهد آورد که آن کشور با چهار نیروی اتمی مواجه است، در حالی که آمریکا خود را با يك نیروی اتمی مواجه می‌داند. انعقاد قرارداد سالت - ۲ و تأیید آن در اواسط سال ۱۹۷۹، همراه با توافق اولیه در مورد منع وسیع آزمایشات هسته‌ای، ممکن است در جو حاکم بر روابط دو کشور بهبودهایی را پدید آورد. پیشرفت در زمینه M-B-F-R نیز به این روند کمک خواهد کرد. تلاشهای دیگر همچون مذاکرات مربوط به

تسلیمات ضد ماهواره‌ای با پیشرفتی غیر قابل پیش‌بینی و برآورد، ادامه پیدا خواهد کرد این مذاکرات باید توأم با صراحت و بی‌پرده‌گویی در مورد مسائل نظامی باشد که کشور شوروی نیز به اهمیت این عنصر در مذاکرات پی برده است.

ضرایب و عوامل سیاسی که بر روابط ما تأثیر دارند در این مذاکرات نقش خطیری خواهند داشت. روسها که از خطر دیرین احتمالی چینی‌ها نسبت به جناح جنوبی خود نگران بودند، اکنون به واقعیت، پیوستن این خطر عیناً شاهد می‌باشند. به همین دلیل مایل نیستند ضرابخانه ملی خود را محدود سازند مگر آنکه مطمئن شوند که خواهند توانست بدون آنها هم در برابر چین از خودشان دفاع نمایند.

هم‌پیمانان ما در ناتو میل دارند در این مذاکرات نقش بسیار فعالانه‌ای داشته باشند چون همین مذاکرات بر تسلیمات مستقر در خاک آنها نیز تأثیر می‌بخشد. این مذاکرات تا حدود زیادی تحت تأثیر اختلافات سیاسی آمریکا در مورد رویدادهای جهان سوم واقع خواهد شد، ولی بنا به اعتقاد ما مذاکرات اصلی یعنی سالت، باید جدا از این مسائل حل شود ولی همین مسئله نیز تحت تأثیر و نفوذ جو داخلی آمریکا قرار می‌گیرد.

فعالیت‌های شوروی و کوبا در شاخ آفریقا و به طور بالقوه در جنوب آفریقا و نیز در افغانستان و یمن جنوبی سبب بروز نگرانی مردم و کنگره در مورد اهداف احتمالی شوروی شده است. ما خواستار حل مسائل در شاخ و جنوب آفریقا آن هم از طریق مذاکره شده‌ایم و صریحاً اعلام داشته‌ایم که فعالیت‌های شوروی در این منطقه بر روابط ما تأثیر خواهد بخشید. مداخله شوروی در ایران و یا نقش فعال و منفی تر آن در روابط اعراب و اسرائیل نگرانی عموم و کنگره آمریکا را افزایش خواهد داد. سیاست آمریکا بر این است که به کشورهای نگران از فعالیت‌های شوروی و کوبا قوت قلب داده و روابط اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا و غرب را با کشورهای مهم تقویت نماید، و مانع از بروز فرصتهایی شود که بجای حل مسالمت آمیز مسائل، مداخلات شوروی را به دنبال داشته باشد.

جانشینان برژنف نیز به خصومت‌های بین شوروی و چین دامن خواهند زد. رقابت با چین سبب فعال شدن بیشتر شوروی در جهان سوم، اعمال فشار بیشتر شوروی بر پیمان ورشو به منظور ایجاد تطابق بیشتر، و تلقین این نظریه می‌کرد که هرگونه برقراری ارتباط بین آمریکا و چین به معنی گسترش سیاست آمریکا خواهد بود. آسیای جنوب شرقی و بخصوص ویتنام به عنوان مرکز ثقل آن، توجه شوروی را باز هم به خود معطوف خواهد داشت. خصوصاً آنکه روسها سعی خواهند کرد تا به روشهایی فعالیت و نفوذ چینینها را در این کشورها کاهش دهند.

روسها هیچ‌گاه راه حلی را که در مورد خاورمیانه و تنها تحت نظارت آمریکا ارائه شود نخواهند پذیرفت زیرا در غیر این صورت از نفوذ آنها در منطقه بیش از این کاسته خواهد شد. در نتیجه به حمایت خود از ساف^۱ و دیگر اعراب رادیکال مخالف قرارداد کمپ دیوید ادامه داده و با استفاده از فرصت‌های مغتنم به گسترش روابط خود با کشورهای منطقه خواهند پرداخت ولی اگر تشنج به حدی بالا رود که منجر به تضاد مسلحانه شود آنها به هیچ وجه سودی نخواهند برد.

میزان تجارت بین شوروی و آمریکا پس از نزول شدید در سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۷، در سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. گرچه طرحهای موجود بر آن نیستند تا بر قانون منع جکسون - وائیک مبنی بر

عدم ارائه اعتبار^۱ و منابع مالی به شوروی اصلاحیه‌هایی را اضافه نمایند، ولی انتظار داریم که سطح کنونی تجارت حفظ و حتی به طور معتدل رشد نماید. علائق تجاری شوروی در زمینه تکنولوژی پیشرفته متمرکز است و حال آنکه کنترل‌های صادراتی از جمله عوامل مهم محدود کننده در این زمینه به حساب می‌آیند. نیاز آن کشور به غله همچنان محفوظ و مهمترین عنصر در روابط دو جانبه به حساب خواهد آمد. محدودیت ارزش خارجی شوروی حجم واردات آن کشور را محدود خواهد کرد. علاوه بر این فقدان صادرات قابل توجه شوروی به بازارهای آمریکا حجم صادرات شوروی به این کشور را نیز محدود خواهد نمود. امکان گسترش تجارت آنهم از طریق معاملات جبرانی وجود دارد. ولی روسها بیش از هر چیز به برقراری روابط اقتصادی چین و غرب بخصوص در زمینه تکنولوژی پیشرفته، حساسیت نشان می‌دهند. آمریکا براساس سیاست مشخص خود در زمینه تجاری با چین و شوروی روش و برخوردی یکسان دارد. سیاست ما بر فروش تجهیزات نظامی و یا تکنولوژی مربوط به چین و یا شوروی استوار نیست، بلکه کشورهای دیگر باید در مورد نحوه برخوردشان تصمیم بگیرند.

سیاست حقوق بشر ما در مورد شوروی نتایج مختلفی به همراه داشت. روسها به حساسیت موضوع واقف هستند و از نظر ایدئولوژیکی موضع دفاعی گرفته‌اند. در عین حال بیانی‌های ما نیز به تشنج موجود در روابط دو جانبه دامن زده و اعدام مخالفین که نوعی عکس‌العمل در برابر سیاست ما تلقی می‌گردد، منجر به بحرانی‌تر شدن روابط بین دو کشور گردیده است. اجرای سیاست حقوق بشر در متن روابط ما با شوروی مشکلات دیگری را به وجود خواهد آورد. لیکن با فرا گرفتن نحوه کاربرد مؤثرتر آن، خواهیم توانست از تأثیر آن بر روابط موجود کاسته و در عین حال در زمینه مسائلی از قبیل مهاجرت، تأثیر و نفوذ حقوق بشر را افزایش دهیم.

ب) اروپای شرقی

مسائل ذیل بر سیاست آمریکا در قبال اروپای شرقی تأثیر خواهد بخشید:

دوران بعد از تیتو در یوگسلاوی: مشکلات مرتبط با مسئله تعیین جانشین وی نقش مهمی را در حفظ ثبات و امنیت اروپا، علی‌الخصوص منطقه بالکان و شرق مدیترانه ایفا خواهد نمود. تداوم استقلال و اتحاد یوگسلاوی برای آمریکا و غرب حائز اهمیت بسیار است.

لهستان و سقوط ارزی: لهستان طی دو یا سه سال آینده در رابطه با دیون ارزی خود با مشکلات سنگینی دست به گریبان خواهد بود. علیرغم توانایی لهستان در دستیابی به اشکال جدید پرداخت دیون، این کشور شاید مجبور به برنامه‌ریزی مجدد دیون خود شود. حتی اگر لهستان بتواند بدون برنامه‌ریزی مجدد کار خود را به پیش برد، عرضه کالاهای مصرفی مورد نیاز بخصوص گوشت، و نیز سرکوب فشار نهضت‌های مخالف خطرانی جدی را برای دولت آن کشور پدید خواهد آورد. در صورتی که لهستان قادر به پرداخت دیون خود نباشد، ممکن است از آمریکا خواسته شود که به این کشور کمک کرده و یا اروپای غربی را متقاعد سازد که اعتبارات بیشتری را در اختیار لهستان قرار دهند. نارضایتیهای جدی داخلی و فشارهای اعمال شده جدید شوروی بر لهستان، علاوه بر اینکه برای سیاست آمریکا در قبال لهستان و مسائل و دشواریهایی پدید آورد، روسیه را نیز دچار مشکلاتی

خواهد ساخت.

کنفرانس CSCE مادرید: دومین کنفرانس CSCE در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۰ در مادرید برگزار خواهد شد. قرار است در ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ یک اجلاسیه مقدماتی برگزار گردد. با فرا رسیدن زمان برگزاری این دو کنفرانس باید منتظر افزایش فعالیت مخالفین در شوروی و اروپای شرقی بود. عکس‌العمل دول اروپای شرقی نه تنها بر این مخالفتها بلکه بر وضع روابط آنها با شوروی و غرب و نیز نیروی داخلی‌شان استوار خواهد بود.

نحوه برخورد آنها نیز بر سیاست ما در قبال آنها که فراتر از CSCE است، تأثیر خواهد بخشید. به منظور شرکت در کنفرانس مزبور، برنامه‌ریزان آمریکا باید تصمیماتی را پیرامون نحوه پیشبرد مؤثر حقوق بشر در لایحه نهایی هلسینکی اتخاذ نمایند.

علاوه بر این طراحان و برنامه‌ریزان باید روش ایجاد هماهنگی بیشتر بین تلاشهای آمریکا و اروپای غربی و NNAهای هوادار را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. آمریکا تلاشهای داخلی خود را طی ۱۸ ماه آینده براساس اجرای CSCE تقویت خواهد کرد تا بتواند به طرز مؤثرتری در کنفرانس مزبور شرکت نماید.

تأثیر و نفوذ بالقوه یک پاپ لهستانی: انتخاب جان پل دوم موقعیت کلیسای کاتولیک رم را در لهستان و دیگر نقاط بلوک شوروی تقویت کرده، و ابعاد سیاست خارجی واتیکان را نیز گسترش خواهد داد. این امر نه تنها خطری برای شوروی و هم پیمانانش به حساب خواهد آمد و بلکه بر روابط شرق و غرب و سیاستهای داخلی ایتالیا نیز بی اثر نخواهد بود. گرچه عکس‌العمل اولیه شوروی به طرز حساب شده‌ای مثبت بود، ولی شوروی می‌توانست با تشدید کنترل داخلی در بلوک خود و بخصوص لهستان عکس‌العمل نشان دهد تا منجر به حمایت بیشتر کلیسا از ناسیونالیسم و آزادی مذهب در اروپای شرقی نشود.

ج) اروپای غربی

۱- روابط با احزاب چپ گرا: پس از شکست جناح چپ در انتخابات مجلس مقننه فرانسه و نیز رویدادهای مشابه دیگر، احزاب چپگرا تمام محتوای پیمان سیاسی خود را به بررسی و مطالعه مجدد گذاشته‌اند. آمریکا باید نسبت به این تغییرات و تأثیر آنها بر منافع آمریکا در ناتو و نقاط دیگر حساسیت نشان دهد.

۲- تکامل جامعه اروپایی: طی چند سال آینده گامهای ذیل برای تقویت جامعه اروپایی برداشته خواهد شد:

فرانسه و آلمان غربی هماهنگی سیاستهای خود را بخصوص در رابطه با سیستم پولی پیشنهادی برای اروپا بیشتر خواهند کرد.

اعضاء پارلمان اروپا مستقیماً انتخاب خواهند شد و همین امر نفوذ این هیئت را افزایش خواهد داد.

یونان، اسپانیا، و پرتغال نیز احتمالاً به جامعه اروپا خواهند پیوست همین موضوع فشارهای بیشتری را به مؤسسات جامعه اروپایی و روابط درونی میان اعضاء بر آن وارد خواهد کرد. این شرایط نیاز مبرم به حفظ منافع آمریکا را بخصوص در رابطه با مسائل ویژه حادث خواهد

نمود، و در عین حال استحکام و وحدت جامعه اروپایی را تضعیف نخواهد کرد. در مورد سیستم پولی جامعه اروپا، مشکلاتی برای نقش دلار و صندوق بین‌المللی پول به وجود خواهد آمد. در رابطه با افزایش اعضاء جامعه نیز مسائل تجاری بخصوص در رابطه با مسائل کشاورزی پدید خواهد آمد. چند سال آینده شاهد ظهور یک جامعه اروپایی رو به تکامل با خواص مثبت و منفی مربوط به همبستگی انسجام اروپا و منافع آمریکا خواهیم بود.

۳- تکامل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو:

آمریکا باید همگام با هم‌پیمانان خود در ناتو تصمیم بگیرد که آیا مدرن‌سازی نیروی اتمی دوربردش ضرورت دارد یا نه و اگر پاسخ مثبت است چه سیستمی باید جایگزین آن شود. آمریکا و هم‌پیمانان ناتو علاوه بر این باید نقش هر یک از اعضاء را در زمینه نحوه مشارکت، سهم شدن در سواحل و یا استقرار سیستمهای جدید تعیین نمایند.

عنصر مهم موجود در هماهنگی سیاست آمریکا و هم‌پیمانانش، نحوه تکامل مذاکرات کنترل تسلیحاتی و تأثیر آن بر مدرنیزاسیون و قدرت تسلیحات دوربرد غرب خواهد بود. گرچه در سال گذشته در رابطه با کاهش متعادل دو جانبه نیروها پیشرفتهایی حاصل شده، ولی مذاکرات با کندی بیشتری ادامه خواهد یافت و در میان مدت، تلاشها مصروف رفع نواقص موجود در رابطه با آمار و ارقام نیروهای شرق و غرب خواهد شد. (به بخش ط و ج، پاراگراف ۳ فوق رجوع شود.)

این پیمان همچنین با مشکلات دشوار مشاوره‌ای و برداشت از مفاهیم در هماهنگ‌سازی مذاکرات متعدد کنترل تسلیحاتی از قبیل مذاکرات سالت، کاهش متعادل دو جانبه نیروها^۱ و اقدامات که مبتنی بر ایجاد اعتماد در برنامه‌های پیگیری CSCE که به یکدیگر بستگی دارند، رو به رو خواهد شد. گذشته از این، پیشنهادات فرانسه در رابطه با خلع سلاح اروپا ممکن است در دستور کار ناتو باقی بماند. در رابطه با استانداردهای تسلیحات نیز ناتو با مشکلاتی مواجه خواهد شد و تمایل آمریکا مبنی بر اعمال یک برخورد «دو طرفه» در خرید تسلیحات از عرضه‌کنندگان اروپایی و فروش آنها نیز موجبات نگرانی هم‌پیمانان را فراهم خواهد آورد.

۴- مناقشات یونان و ترکیه: مسئله قبرس و مناقشات اژه از دیر باز شکل دهنده روابط ترکیه و یونان بوده و آمریکا باید در رابطه با مسائل ذیل تصمیمات دشواری را اتخاذ نماید: میزان کمکهای اقتصادی و نظامی آمریکا و اینکه آیا این کمکها باید مرتبط با مشارکت هم‌پیمانان ناتو باشد.

تلاش مداوم آمریکا در جهت حل مناقشه قبرس، از طریق فراهم آوردن محیط مذاکره بین دو جامعه قبرسی تحت سرپرستی و نظارت سازمان ملل، اینکه آیا آمریکا باید نقش فعالتری را در حل مناقشه اژه به عنوان میانجی ایفا کرده و طرفین را وادار به مذاکره نماید، یا از دیگر هم‌پیمانان ناتو بخواهد که در به وجود آمدن محیط مذاکره همکاری نمایند؟

۵- سیاستهای رشد اقتصادی: مشکلات اروپای غربی در حل مسائل مربوط به کندی رشد

اقتصادی، بیکاری و از بین بردن ظرفیت مازاد صنایع مهم همچون صنایع فولاد، کشتی‌سازی، و نساجی می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌هایی شود که با منافع آمریکا مغایرت دارند. اروپایی‌ها نیز می‌توانند نسبت به آن دسته سیاست‌های آمریکا که بر آنها تأثیر می‌بخشد، حساسیت نشان دهند. مشورت در مورد مسائل اقتصادی از جمله سیاستها و اوضاع اقتصادی داخلی، هسته اصلی روابط اروپا و آمریکا را تشکیل می‌دهد. ما باید در همه حال مراقب خط تمایز ظریف بین تلاش‌های دولتی در منطقی جلوه‌گر ساختن تغییر الگوی تجاری و اشکال جدید و تغییر چهره یافته حمایت دولتی از تولید داخلی و جلوگیری از واردات باشیم. انطباق مثبت کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به ما فرصت مشورت همکاری بیشتر در این بخش را می‌دهد.

۶- کمک به اقتصادهای متلاطم: ریاضت‌های اقتصادی ثبات سیاسی کشورهای که در حد فاصل رشد قرار دارند یعنی پرتغال، اسپانیا و ترکیه را به خطر می‌اندازد. کمک‌های دو جانبه آمریکا محدود خواهد بود بنابراین آمریکا میزان تلاش‌های مفید صندوق بین‌المللی پول، جامعه اروپا و بانک‌های خصوصی را مورد بررسی و ملاحظه قرار خواهد داد.

(د) خاور نزدیک و آسیای جنوبی

۱- تضاد اعراب و اسرائیل: قرارداد کمپ دیوید چهارچوبی را تشکیل می‌دهد که از طریق آن نه تنها می‌توان امکان درگیری مجدد را کاهش داد، بلکه می‌تواند پاسخگویی مسائلی نظیر رابطه فلسطینیها و اسرائیلیها با دیگر همسایگان‌شان نیز باشد. روابط پیچیده میان کشورهای غرب و نیز بین آمریکا و اسرائیل و هر یک از کشورهای منطقه نشانگر آن است که حل تضاد اعراب و اسرائیل همچنان به عنوان اولویت سیاسی برای ما باقی خواهد ماند. تغییرهای مهم و مسائلی که می‌تواند مصور آن دسته موضوعات مؤثر بر سیاست‌های ما باشد به شرح زیرند.

نقش شوروی گرچه در حال حاضر راکد است ولی بعدها ممکن است فعال شود.

هزینه‌های اقتصادی و عمرانی صلح در منطقه

تأثیر شکست یا عدم موفقیت کمپ دیوید بر سیاست‌های منطقه‌ای، جهانی و داخلی.

۲- مشکلات امنیتی خاور نزدیک و آسیای جنوبی: مشکلات معدود امنیتی «منطقه‌ای» در خاور نزدیک می‌تواند ثبات منطقه را دستخوش دگرگونی ساخته و به همین علت باید از نظر اطلاعاتی و سیاسی تحت کنترل و نظارت دقیق درآید.

امنیت خلیج فارس و آسیای جنوبی به وسیله اوضاع وخیم داخلی ایران، پاکستان و رژیم چپ‌گرای جدید در افغانستان به خطر افتاده است.

ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. اوضاع این کشور آنچنان به سرعت تغییر کرد که اتخاذ هیچ گونه سیاستی در یک یا دو سال آینده قابل پیش بینی نمی‌باشد. تولید نفت ایران بر قیمت‌های بین‌المللی نفت تأثیر خواهد گذارد، بقاء و قدرت دولت شاه و یا ماهیت دولت جایگزین آن، بر امیرنشینهای خلیج، عراق، پاکستان و عربستان سعودی از نظر سیاسی تأثیر خواهد گذاشت، و نقش شاه در پیمان سنتو، همکاری با آمریکا در زمینه سیاسی و نظامی و روابط آن با شوروی در رابطه با امنیت کل منطقه حائز اهمیت بسیار است. رویدادهای ایران اهمیت کاری تمام واحدها را در بررسی دراز مدت روندهای اقتصادی - اجتماعی و نیز جنبش‌هایی که می‌تواند عامل تغییرات خطرناک در

محیط‌های سیاسی جوامع باثبات باشند را نشان می‌دهد.

موضع شوری در بخش سفلی دریای سرخ - اتیوپی و جمهوری - دموکراتیک خلق یمن^۱ - طی دو سال گذشته نیرومندتر شده است. این امر سبب بروز نگرانی عمیق عربستان سعودی و همسایگان محافظه‌کارش شده است. که به آمریکا به عنوان حافظ امنیت خود می‌نگرند. در پاسخ به نگرانی سعودیها، ما به طور اصولی با فروش عمده تجهیزات به جمهوری عربی یمن موافقت کرده‌ایم، که البته هزینه‌های لازم توسط سعودیها تأمین می‌گردد.

اختلافات مراکش - الجزایر و موریتانی بر سر صحرای عربی و نیز شورشیان پولیساریو می‌تواند ثبات شمال آفریقا را به مخاطره افکند.

جنگ داخلی لبنان به صورت یک مشکل خطرناک منطقه‌ای درآمده و می‌تواند بار دیگر موجب بروز جنگ بین اعراب و اسرائیل گردیده و مشکلات انسانی بسیار عمیقی برای مردم لبنان به وجود آورد.

مدتهاست که بین مصر و لیبی روابط تیره‌ای برقرار است. اگر مصر علیه لیبی اقدام به حرکت نماید، احتمالاً دیگر کشورهای عرب و حتی شوروی مداخله خواهند کرد.

۳ - محور بندی احتمالی روابط سیاسی آسیای جنوبی:

نگرانی عمده ما در مورد افغانستان و پاکستان به ثبات حکومت آنها و نفوذ پذیری آنها در برابر شوروی، و یا تجزیه احتمالی پاکستان مربوط است. روابط هند و پاکستان گرچه فعلاً آرام است، ولی علیرغم قدرت نظامی هند در منطقه، این روابط در دراز مدت دستخوش بحران و تشنج خواهد شد. در سیاست آمریکا مهمترین موضوع این است که چگونه می‌توان از پاکستان حمایت نمود بدون آنکه روابط بین هند و پاکستان و هند و آمریکا را دستخوش بحران ساخت.

۴ - بعضی از جنبه‌های سیاست اوپک: مازاد موازنه پرداختهای اعضای اوپک در حوزه خلیج فارس اخیراً کاهشهای سریعی را تجربه کرده است. این روند بر سیاست قیمت‌گذاری و تولید اوپک تأثیر می‌بخشد. شاید اعضای اوپک به این نتیجه برسند که باید قیمتها را افزایش دهند تا روند مزبور تغییر جهت یابد. برای بالا بردن قیمتها ممکن است از میزان تولید نیز بکاهند. آنچه آمریکا باید مد نظر قرار دهد، چگونگی تأثیر این رویدادها بر انسجام اوپک است و دیگر اینکه مشخص نماید که کار برد نفوذش در عربستان سعودی تا چه حد می‌تواند افزایش قیمتها و یا کاهش تولید را محدود نماید. آمریکا از کشورهای اوپک مصرانه خواهد خواست که میزان کمکهای خود را به کشورهای در حال توسعه افزایش دهند.

۵ - تکثیر اتمی: انفجار یک بمب اتمی توسط هند در سال ۱۹۷۴ نگرانی ما را در مورد تکثیر اتمی در منطقه آسیای خاور نزدیک^۲ افزایش داد. با وجود اینکه فرانسه تصمیم گرفته است که فروش نیروگاه غنی‌سازی به پاکستان را متوقف سازد، ولی دولت پاکستان هنوز هم در صدد کسب قدرت اتمی می‌باشد. این وضع و اوضاع دیگر منطقه باید شدیداً زیر نظر قرار گیرد. (به ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود)

1- PORY.

2- NEA.

با وجود اینکه دولت موراجی دسای متعهد شده که حتی برای مقاصد صلح طلبانه اقدام به ساخت و یا انفجار یک بمب اتمی دیگر ننماید، ولی در صورتی که دولت پاکستان بتواند بمب اتمی را به دست آورد، طرز برخورد دهلی نو نیز تغییر خواهد کرد.

با توجه به خطراتی که علیه امنیت ایران وجود دارد، این کشور ممکن است نتواند در برابر وسوسه تهیه بمب اتمی مقاومت نماید. نامشخص بودن رویدادهای داخلی ایران هرگونه پیشرفتی را در این زمینه غیرقابل پیش‌بینی جلوه‌گر می‌سازد.

برنامه‌های عراق به برنامه‌های ایران و نیز نتیجه‌گیری خود عراق در مورد نقش رهبریت آتی آن در جهان عرب بستگی دارد.

در عین حال که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که اسرائیل از یک قدرت اتمی محدود برخوردار است، ولی ما از اسرائیل خواهیم خواست که نقش عدم تکثیر اتمی را در منطقه به نحو مؤثری ایفاء کند.

ه) آسیای شرقی

۱ - چین و جهان خارج: ما و هم پیمانانمان «جهش عظیم چین به خارج از حصار» را به گرمی استقبال کرده‌ایم. ولی باید حرکت‌های پکن در مناطق مهمی از قبیل ژاپن و آسیای جنوب شرقی که از مانورهای چین و شوروی تأثیرپذیری دارند را زیر نظر داشته باشیم. - ما و چند کشور عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی افزایش عمده‌ای را در تبادل فرهنگی بین خود و جمهوری خلق چین^۱ پدید خواهیم آورد تا تماس‌های چین با غرب و دو سال آینده توسعه یافته و عمیق‌تر گردد. سرعت و وسعت تغییرات سیاست چین در نزدیک شدن به جهان آزاد می‌تواند در کوتاه مدت تشنج و بحرانهای داخلی را به همراه داشته و در دراز مدت بر سیاستها و جامعه چین تأثیرات عمیق داشته باشد.

آینده برقراری کامل روابط عادی بین آمریکا و چین هنوز مشخص نیست، ولی این موضوع در تفاهم نامه ۱۹۷۲ شانگهای به عنوان یک هدف دولتی مشخص شده است. اقدامات سیاسی آمریکا در این جهت باید رفاه حال مردم تایوان را نیز در نظر داشته باشد. تصمیمات اخیر در رابطه با فروش هواپیماها و دیگر تسلیحات در جهت مرتفع‌سازی نگرانی‌های تایوان اتخاذ شده است.

افزایش مبادلات تجاری چین و آمریکا در رابطه با فروش تجهیزات نظامی و انتقال تکنولوژی حساس، مشکلات مهمی را به وجود می‌آورد. ما تلاش خواهیم کرد که مبادلات مربوط به مسائل حساس (از قبیل عدم تکثیر هسته‌ای و کنترل تسلیحاتی) با چین به تدریج صورت پذیرد.

۲ - ژاپن: روابط بین ما و ژاپن صمیمانه خواهد بود. با این وصف این روابط خالی از مشکلات اقتصادی نبوده و طرفین باید به دقت با آنها برخورد نمایند.

روسها نسبت به توسعه نقش سیاسی ژاپن حساسیت نشان خواهند داد، ولی چینها از آن به گرمی استقبال خواهند کرد. روابط چین و ژاپن از نظر اقتصادی، فرهنگی و فنی به سرعت گسترش خواهد یافت. شوروی در ژاپن نفوذ چندانی نخواهد داشت. کشورهای آسیای جنوب شرقی از گسترش نظامی ژاپن نگران بوده و در عین حال از روابط تجاری و سرمایه‌گذاریهای آن کشور استقبال می‌نمایند.

تمایل ژاپن به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل دفاعی و تقویت بنیه دفاعی به طور غیر مستقیم به بالا رفتن امنیت منطقه کمک می‌کند ولی بعضی از کشورها اظهار ناراحتی خواهند نمود.

۳ - شبه جزیره کره: تصمیم دولت مبنی بر خارج‌سازی نیروهای زمینی خود از کره توأم با بحرانهای ناشی از افشاگریهای کریاگیت (در برابر واترگیت - م) نوعی کاهش اعتماد کره جنوبی^۱ به این رابطه هم‌پیمانی است تصمیم دیگر ما مبنی بر کاهش روند خروج سربازان در سال ۱۹۷۸ و توافق ما مبنی بر انتقال گسترده تجهیزات نظامی به این شبه جزیره سبب متعادل شدن حضور ما در این نقطه از جهان گردیده است. اوضاع امنیتی شمال و جنوب را باید به دقت زیر نظر داشته و در مرحله بعدی خروج نیروهای آمریکایی برآورد درستی از سطوح نیرو در کره شمالی داشته باشیم. برقراری تماس بین کره شمالی و کشورهای کمونیست بخصوص شوروی مسئله چندان مهمی نیست و امیدواریم که در مقابل پیونگ یانگ آنقدر انعطاف پذیر باشد که بتواند از فرصتهای لازم برای مذاکرات بیشتر بهره‌برداری نماید.

۴ - آسیای جنوب شرقی: ما از نظر سیاسی و اقتصادی حمایت بنیادین خود را از مجمع ملل آسیای جنوب شرقی «آسه آن» نشان داده و اعلام داشته‌ایم که منطقه‌گرایی آسیای جنوب شرقی باید با سرعت مخصوص به خود و نیز با در نظر گرفتن اولویتهای خود تکامل یابد. کشورهای آسه آن انسجام بیشتری از خود نشان داده، و در زمینه برنامه‌های داخلی پیشرفت چشمگیری کرده و می‌توانند برنامه‌های عمرانی خود را تقویت نموده و آن را توسعه بخشند. ولی آنها از این نگرانند که مبادا بحرانهای موجود در هند و چین که ناشی از رقابتهای بین شوروی و چین است، قلمرو آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد و تلاشهای عمرانی آنها را منحرف سازد. کمکهای اقتصادی و امنیتی آمریکا به کشورهای منطقه نشان داده که آمریکا از منافع آنها حمایت می‌کند. در برخورد با مسئله غیر منتظره پناهندگان در منطقه باید روشهای جدید و عکس‌العملهای گسترده بین‌المللی را پدید آورد. کنترل بین‌المللی مواد مخدر بخش اعظم تلاشهای ما را در این منطقه تشکیل می‌دهد.

۵ - هند و چین: ویتنام و کامبوج درگیر يك جنگ مرزی بوده‌اند که می‌تواند جنگ را به سطح منطقه بکشاند، در حالی که هر یک از آنها توسط یک قدرت کمونیستی حمایت می‌شود یعنی کامبوج تحت حمایت چین و ویتنام تحت حمایت شوروی می‌باشد. ویتنام مایل است به کالاها و تکنولوژی آمریکایی دست پیدا کند و به همین دلیل خواستار برقراری روابط عادی با آمریکا است تا بتواند نفوذ شوروی را در منطقه کاهش داده و اعتبار سیاسی خود را در میان کشورهای آسه آن بهبود بخشد. سرپیچی و نقض حقوق بشر در کامبوج نگرانیهای بسیاری را سبب شده است. ما در حین برقراری ارتباط با این کشورها سعی خواهیم کرد در جنگ مرزی جانب هیچ یک از طرفین را نگیریم و دخالت جمهوری ویتنام را نیز محکوم نمائیم. و در اثناء یافتن راهی برای از بین بردن تضاد موجود، رعایت حقوق بشر در کامبوج (لائوس و ویتنام) را نیز خواستار شویم. در همان حال باید برقراری تماس با غرب و ژاپن و کناره‌گیری از شوروی را ترغیب کرد.

۶ - فیلیپین: در حال حاضر مهمترین مسئله موجود در روابط ما تمایل به حفظ تأسیسات نظامی خویش - پایگاه هوایی کلارک و پایگاه دریایی دماغه سوییک تحت یک موافقت اصلاح شده است که

ما را از امتیازات عملیاتی مداوم خود مطمئن ساخته و در عین حال حاکمیت فیلیپین را تأیید می‌نماید و اقدامات جبران‌کننده را (مثلاً کمکهای دولت آمریکا در ازاء استفاده از این کشور به عنوان یک پایگاه نظامی - م) نیز در نظر دولت این کشور معقول‌تر جلوه‌گر می‌سازد. دو پایگاه مزبور دارای تجهیزاتی است که نمی‌توان در نقطه‌ای دیگر از اقیانوس آرام مستقر ساخت و انتقال دیگر تأسیسات قابل انتقال نیز هزینه‌های گزافی را به همراه خواهد داشت. مسائل دیگر چندان حاد نیست، ولی تا مدت‌ها اذهان دو دولت را به خود مشغول خواهد نمود. از جمله این مسائل حقوق بشر، تجارت، مهاجرت و این احساس پابرجای فیلیپینی‌هاست که ناشی از گذشته استعماری آنها بوده و مبتنی بر این است که باید «رابطه‌ای خاص» با ایالات متحده داشته باشند. مشارکت گسترده‌تر فیلیپین در آسه‌آن بعضی از این مسائل را در متن این مجمع مطرح خواهد ساخت، ولی دشوارترین آنها باید از طریق کانالهای دو جانبه حل و فصل گردد.

(و) آفریقا

مهمترین اهداف ما در رابطه با مناطق زیر صحرای آفریقا عبارتند از: ایجاد زمینه مساعد برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات، بخصوص در رابطه با مسائلی که صلح جنوب آفریقا^۱ را تهدید می‌کند، ممانعت از حضور نظامی شوروی و کوبا در منطقه، حفظ روابط حسنه با تمام کشورها، ارائه کمکهای محدود نظامی و کمکهای اقتصادی به مللی که به کمک ما نیاز دارند، جلب حمایت همه جانبه از سیاستهای ما در سازمانهای بین‌المللی از جمله حقوق بشر و حفظ دسترسی خود به بازارها و منابع مواد خام منطقه، همگام با دیگر کشورها تلاش می‌کنیم تا منطقه ساحلی آباد گردد و از بروز مجدد قحطی و دیگر آثار ناشی از خشکسالی منطقه ساحلی مانند دوران سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۶۸ جلوگیری گردد.

۱ - جنوب آفریقا: مسائل سیاسی که ما طی چند سال آینده در این منطقه خواهیم داشت تا حدود زیادی به نتایج ابتکارات مذاکرات جاری بستگی دارد.

الف) رودزیا: این کشور حتماً در آینده تحت حکومت اکثریت در خواهد آمد. هدف آمریکا مساعدسازی شرایط برای تحقق حاکمیت اکثریت در جامعه است. طرح انگلیس و آمریکا مبتنی بر چهارچوبی است که تمام احزاب مخالف باید براساس آن در حکومت کشور، مشارکتی مسالمت‌آمیز داشته باشند. حتی این طرح نیز قادر نیست تضمین کند که احزاب موجود روشهای مرتبط با قانون اساسی را رها نکرده و به جنگ داخلی متوسل شوند. در صورتی که گذر به مرحله حاکمیت اکثریت از طریق مذاکره ممکن نباشد، یک «راه حل نظامی» پیش کشیده خواهد شد و درگیری نیروهای خارجی در تضاد موجود قطعاً بیشتر خواهد شد. حتی پیروزی نهضت‌های آزادی‌بخش نیز تضاد جناح‌های رقیب را به دنبال خواهد داشت. سیاست آمریکا استوار بر همکاری با تمام احزاب است تا از نظر سیاسی راه حلی پیدا شود که منجر به استقلال و حاکمیت اکثریت گردیده و مانع از مداخلات شوروی، کوبا و یا ارتش آفریقای جنوبی شود و استقلالی را که پس از پیدایش، ظریف و شکننده خواهد بود، تقویت نماید.

ب) نامیبیا: در صورتی که رژیم پرتوریا با انتخاباتی که تحت نظارت جامعه بین‌المللی برگزار شود،

۱- به ضمیمه شماره ۳ تحت عنوان «صلح طلبی» مراجعه شود.

موافقت ننماید، سازمان ملل مجبور خواهد شد مجموعه تحریمهایی را علیه آفریقای جنوبی به مرحله اجراء بگذارد و حتی در صورتی که آفریقای جنوبی طرح شورای امنیت سازمان ملل را که توسط پنج کشور گروه تماس عنوان شده بپذیرد، از نظر اجرای آن با مشکلاتی رو به رو خواهد شد، که به روشن شدن وضع دماغه والویس و بندر مهم منطقه که از نظر آفریقای جنوبی از نامیبیا جداست، بستگی دارد. حل موفقیت آمیز مسائل مربوط به نامیبیا مشکلات مربوط به رودزیا را نیز کاهش داده و سبب بهبود روابط آمریکا و آنگولا می‌گردد.

موضع آمریکا در قبال بعضی از تحریمها با موضع دیگر هم‌پیمانان هماهنگ خواهد گردید، زیرا اگر این هماهنگی به وجود نیاید آفریقای جنوبی به سادگی از زیر بار آنها شانه خالی خواهد کرد. این مسئله کشورهای مختلف از جمله آمریکا را با تصمیمات دشواری روبه‌رو ساخته، و به همین علت ما نمی‌دانیم که چه نوع تحریمهایی مناسب هستند.

ج) جمهوری آفریقای جنوبی: سیاستهای آپارتاید آفریقای جنوبی و نیز سیاستهای اتمی این کشور مسائلی هستند که در دراز مدت بر روابط ما تأثیر خواهند گذاشت. در کوتاه مدت، به جلب همکاری پرتوریا در رابطه با رودزیا و نامیبیا خواهیم پرداخت. آنهم از طریق ترکیبی از انگیزه‌ها و اعمال فشارهای مؤثر.

گرچه مشکلات نژادی آفریقای جنوبی پیچیده است و در آینده نزدیک حل نخواهد شد، ولی به نظر ما جامعه آفریقای جنوبی باید دستخوش یک دگرگونی مترقی گردد، تا بتواند از سیاستهای تبعیض نژادی کناره‌گیری کرده و تمام اتباع آفریقای جنوبی را از نظر مشارکت سیاسی یکسان تلقی کند. ما مصرانه از آفریقای جنوبی خواهیم خواست که یک روند مشورتی سیاسی سازنده را آغاز نماید تا از طریق آن آرمانهای سیاسی تمام اتباع آفریقای جنوبی در نظر گرفته شود. در صورتی که این روند آغاز نشود، روابط ما با آفریقای جنوبی به سردی خواهد گرائید.

ما از آفریقای جنوبی مصرانه می‌خواهیم که پیمان عدم تکثیر هسته‌ای را رعایت کرده و تسلیحات هسته‌ای خود را با حفاظتهای بین‌المللی تطبیق دهد تا آمریکا نیز بتواند با دولت آفریقای جنوبی از نظراتی همکاری داشته باشد.

۲ - شاخ آفریقا: شاخ آفریقا در چند سال گذشته شاهد تغییر پیمانها و نبردهای تلخ استقلال و خودمختاری اریتره و منطقه اودکان اتیوپی که ساکنین اصلی‌اش را سومالیاییها تشکیل می‌دهند بوده است. کمکهای نظامی گسترده شوروی به اتیوپی در سال گذشته و حضور ۱۵ الی ۲۰ هزار نظامی کوبایی سبب دفع حملات سومالی در سال ۱۹۷۸ توسط اتیوپی گردید، اما تداوم حضور این نیروی نظامی خارجی مایه نگرانی آمریکا، سودان، مصر و عربستان سعودی را فراهم آورده است. تأثیر و نفوذ ما در اتیوپی آنچنان نیست که بتواند آنها را متقاعد به کاهش حضور شوروی و کوبا در این کشور بنماید، گذشته از این مایل به ارائه کمک نظامی متقابل به سومالی نیستیم چون این کشور از یک نیروی شورشی در اوگادن حمایت می‌نماید. در این شرایط سیاستهای ما بر مسائل ذیل متمرکز گردیده است:

فراهم آوردن زمینه مساعد برای حل اختلافات اتیوپی و سومالی از طریق میانجیگری سازمان وحدت آفریقا.

اثبات این موضوع به اتیوپی که ما نیز اساساً به هدف اصلی انقلاب آن کشور یعنی بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم - علاقه‌مند بوده و خواستار بهبود وضع حقوق بشر نیز هستیم. یافتن راههایی برای از بین بردن نگرانیهای امنیتی سومالی بدون اینکه نیازی به ارائه تسلیحات نظامی تهاجمی مورد درخواست زیاد باره باشد.

۳- دیگر کشورهای مهم:

سودان: پس از عادی شدن روابط در اواسط سال ۱۹۷۶ سطح روابط ما با سودان نیز بالا رفته است. برنامه کمک نظامی و اقتصادی ما به این کشور عظیم‌ترین برنامه‌ها را در آفریقا تشکیل می‌دهد. بهبود روابط بیش از اینها امکان‌پذیر است.

کنیا: روابط آمریکا و کنیا عالی است. خوشحالییم از اینکه رئیس‌جمهور «موتی» از طریق قانون جانشین «کنیاتا» گردید، و هنوز هم از هواپیماها و ناوهای آمریکایی در آنجا استقبال می‌شود و دیگر اینکه دولت در جهت ریشه‌کن‌سازی فساد تلاش می‌کند و سعی دارد پایگاه مشارکت سیاسی مردمی را گسترش دهد. ما در نظر داریم برنامه‌های کمکهای نظامی و اقتصادی خود را ادامه دهیم لیکن تأثیر مخارج نظامی کنیا را بر برنامه‌های اقتصادی و عمرانی آن به دقت زیر نظر خواهیم داشت.

نیجریه: با وجود عدم خوش بینی، امیدواریم که یک حکومت غیر نظامی در این کشور روی کار آید، و از بحرانهای اجتماعی اجتناب کرده و اوضاع اقتصادی را بهبود بخشد، رئیس‌جمهور قول کمکهای بیشتری را داده و ما هم پیرامون برنامه‌های جدید دو جانبه در تلاش هستیم.

زئیر: اعاده‌نظم در منطقه «شابا» آنهم توسط یک نیروی بین‌المللی در سال ۱۹۷۸ زئیر و آنگولا را آماده بهبود روابط کرده و در کوتاه مدت سبب بهبود وضع بخش معادن زئیر گردیده است خروج نهایی نیروهای بین‌المللی نشان خواهد داد که دولت زئیر تا چه حد از حمایت مردمی برخوردار است، زئیر و آنگولا تا چه حد قادر به سرکوب شورشیان خواهند بود، و آموزشهای نظامی بلژیک و فرانسه تا چه حد موفق بوده است در سالهای اخیر زئیر بیش از هر کشور دیگر آفریقایی از کمکهای آمریکا برخوردار بوده است. با این وصف اگر اصلاحات بیشتری صورت نگیرد، این کمکها قادر به بهبود ثبات اقتصادی، نظامی و سیاسی زئیر نخواهد بود، و برنامه کمکی آمریکا نیز با انتقادهای داخلی روبه‌رو خواهد گردید. مسائل ما در این رابطه عبارتند از:

برای ایجاد اصلاحات بیشتر چگونه می‌توان از کمک دو جانبه استفاده کرد.

برای ایجاد اصلاحات بیشتر چگونه می‌توان میان کمک دهندگان هماهنگی ایجاد نمود.

چگونه می‌توان موجبات همکاری بیشتر زئیر و آنگولا را فراهم آورد.

۴- حل اختلافات: ایجاد یک روش موثر برای حل اختلافات موجود در آفریقا در آینده نیز مد نظر خواهد بود.

ما و آفریقائیه‌ها معتقدیم که تنها راه‌حلهای آفریقایی قادر به حل مسائل آفریقا می‌باشند، ولی مکانیزمهای سازمان وحدت آفریقا برای میانجیگری در حل این اختلافات بسیار ضعیف است. تقویت نقش سازمان وحدت آفریقا در حل اختلافات درون آفریقایی می‌تواند منجر به تحقق اهدافمان در محدود ساختن مداخلات بیگانه در این قاره شود، و از جمله حضور شوروی و کوبا را کاهش دهد.

اما در رابطه با اوضاع اتیوپی و سومالی، ما مایل به ایجاد و ارائه یک راه حل مناسب هستیم. لیکن آفریقایی‌ها به خاطر عدم تمایل به متوسل شدن به سازمانهایی چون سازمان ملل قادر نیستند این راه‌حلها را تحقق بخشند.

۵ - بهبود بیشتر روابط با «مترقیان» آفریقایی: مسئله بهبود روابط با کشورهای «رادیکال» و یا «مترقی» آفریقایی مرتبط با تمام مسائل فوق‌الذکر است. بهبود روابط با این دولتها می‌تواند از میزان مداخلات شوروی و کوبا بکاهد. معدودی از «مترقیان» (از جمله گینه، کنگو و آنگولا) نسبت به این بهبود روابط اظهار علاقه کرده‌اند. ممکن است اختلافات ایدئولوژیکی به قوت خود باقی بماند، ولی این کشورها اهم تلاش خود را وقف کاهش وابستگی خود به شوروی و هم‌پیمانان آن کرده و در رابطه با امور تجاری و سرمایه‌گذاری به غرب روی می‌آورند.

ز) آمریکای لاتین

۱- کلی: تصویب پیمانهای مربوط به کانال پاناما مهمترین عامل کدورت در روابط آمریکا و آمریکای لاتین را از بین برده است. طی دو سال گذشته شاهد بهبود وضع حقوق بشر در چند کشور و نیز حرکت منطقه به سوی محدودسازی سلاحهای قراردادی یا متعارف، ایجاد دموکراسی بیشتر و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بوده‌ایم.

۲ - آمریکای مرکزی: فشارهایی اعمال می‌شود تا نیکاراگوئه و السالوادور از نظر سیاسی دستخوش تغییرات بنیادین گردند. سازمانهای چریکی و نیروهای چپ‌گرای متعهد به ایجاد تغییرات اساسی در هر دو کشور فعال بوده و بحران بیشتری را به وجود خواهند آورد.

آمریکا به دنبال راههایی است که از طریق آنها بتواند رعایت حقوق بشر را در آمریکای مرکزی سبب گردیده و مانع از افزایش خشونت‌های سیاسی داخلی گردد.

۳ - مکزیک: ذخائر عظیم نفتی مکزیک و قدرت رو به افزایش اقتصادی آن، این کشور را به صورت اهرمی در برابر آمریکا درآورده است. ولی چند موضوع پیچیده، روابط آمریکا و مکزیک را تحت تأثیر خود قرار داده است که عبارتند از:

مسائل تجاری، مهاجرت، مواد مخدر، مسائل مرزی، در رابطه با قاچاق، جنایت، آب و آلودگی و نیز نگرانیهای مربوط به انرژی.

پس از سفر رئیس‌جمهور لوپز پورتیلو به آمریکا در سال ۱۹۷۷ روابط بین دو کشور تا حدودی بهبود یافت. گرچه فقدان قراردادی در زمینه شرایط صدور گاز طبیعی مکزیک به آمریکا و «موانع ایجاد شده توسط توریتلا» نقاط ضعف روابط ما را نشان می‌دهد، سفر رئیس‌جمهور (در فوریه) سبب بهبود بیشتر روابط بین دو کشور خواهد شد.

۴ - علاوه بر بهبود قابل ملاحظه وضع حقوق بشر در چند کشور آمریکایی لاتین که قبلاً مورد بحث قرار گرفته، آمریکا خواستار برقراری حکومت‌های دموکراتیک غیر نظامی در این نقطه از جهان بوده است.

اخیراً تلاشهای آمریکا بر چهار کشور، جمهوری دومینیک، اکوادور، بولیوی و پرو متمرکز بوده است. علیرغم بعضی عقب‌نشینی‌ها، در رابطه با اعاده دموکراسی پیشرفتهائی صورت گرفته که انتخاب رئیس‌جمهور «گازمان» در دومینیک نمونه بارزی از آن است.

۵- همکاری در منطقه کارائیب: منطقه کارائیب با عقب‌افتادگی اقتصادی، بیکاری و تورم دست به گریبان است، که همین سه عامل ثبات کشورهای این منطقه را به خطر انداخته است. استقلال «دومینیکا» و دیگر مستعمرات انگلستان در «ولت اندیس» چند کشور کوچک دیگر را در منطقه به وجود خواهد آورد که امیدی به بقای آنها نیست. آمریکا خواستار یک راه‌حل منطقه‌ای در برخورد با مشکلات کارائیب است. گروه عمران کارائیب بانک جهانی روشی را اتخاذ کرده که امیدواریم منجر به ثبات سیاسی و اقتصادی این منطقه گردد.

۶- پیدایش قدرتهای متوسط: علاوه بر مکزیك، چند کشور دیگر آمریکای لاتین نیز به عنوان قدرتهای متوسط در امور جهانی به ایفای نقش پرداخته‌اند. برزیل به خاطر مساحت، امکانات اقتصادی و پویائی آن، و ونزوئلا به خاطر منابع انرژی آن به صورت قدرتهای منطقه‌ای در خواهند آمد. آرژانتین را نیز می‌توان در این طبقه‌بندی قرار داد، گرچه این کشور در دهه اخیر دستخوش مشکلات داخلی بوده است، مسائل اقتصادی (تجارت) در برزیل و ونزوئلا (انرژی) نقش مهمی را در روابط دو جانبه خواهند داشت. خصوصاً حالا که روند آزادسازی در برزیل مسئله حقوق بشر را کمتر به عنوان یک رنجش خاطر در روابطمان درآورده است. آمریکا باید مشخص کند که تا چه حد حاضر است نیاز این کشورها را برآورده سازد و با در نظر گرفتن نفوذ و اهمیت آنها چگونه برخوردی با آنها خواهد داشت.

۷- محدودیت تسلیحاتی و حل اختلافات: تلاش آمریکای لاتین در ایجاد منطقه‌ای در نیمکره غربی که عاری از تسلیحات اتمی باشد تا حدود زیادی پیشرفت داشته (به بخش «ط، و د» پاراگراف ۶ رجوع کنید)

در رابطه با محدودیت تسلیحات مرسوم، ابتکار مکزیك بر به وجود آوردن یک رژیم محدود کننده تسلیحات با همکاری آمریکا پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دارد. طی دو سال گذشته همیشه پنج اختلاف مرزی در آمریکای لاتین بین السالوادور و آرژانتین و شیلی وجود داشته است. در صورتی که طی دو سه سال آینده این اختلافات شدت یابد، آمریکا مجبور خواهد شد برای حل آنها به مداخله پردازد.

۸- سازمان کشورهای آمریکایی: آمریکا و مکزیك از جمله کشورهایی هستند که امیدوار به مشخص شدن مجدد اهداف سیستم درون آمریکایی و بازسازی سازمان کشورهای آمریکا می‌باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای این نیمکره باشد.

احتمالاً در این رابطه با مشکلات ذیل روبه‌رو خواهیم بود:

ورود تعداد بیشتری از کشورهای کوچک کارائیب (که الگوی آراء منفی سازمان را به ضرر کشورهای بزرگتر این قاره آشفته می‌سازد) و تلاشهای آمریکای لاتین به منظور بهره‌برداری از این سازمان جهت جلب امتیازات اقتصادی از آمریکا.

ونس

«فهرست اختصارات»^۱

سیستمها و فعالیتهای ضد ماهواره‌ای:

ASAT	Anti Satellite Activities and Systems	
		مجمع ملل جنوب شرقی آسیا:
ASEAN	Association Of South - East Asian Nations	
		نیازهای اساسی انسانی:
BHN	Basic Human Needs	
		انتقال تسلیحات قراردادی:
CAT	Conventional Arms Transfer	
		صندوق مشترک:
CFF		
		کمیته کلی:
COW	Committee Of The Whole	
CSCE		
		قرارداد منع آزمایش تسلیحاتی:
CTB	Comprehensive Test Ban Treaty	
		کشورهای پیشرفته:
DCS	Developed Countries	
		جامعه اروپا:
EC		
		بنیاد بین‌المللی همکاریهای تکنولوژیکی:
FITC	Foundation for International, Technological Cooperation	
		کشورهای گروه ۷۷:
G- 77		
		سیستمهای نقاط خاکستری:
GAS	Gray Area Systems	
		قرارداد عمومی تعرفه و تجارت:
GATT	General Agreement on Tariffs and Trade	

۱- اختصارات فوق از متن سند و یا از کتاب

تعمیم سیستم اولویتها:

GSP	Generalized System OF Preferences	بانک توسعه و عمران بین المللی:
IBRD	International Bank For Reconstruction, and Development	قرارداد تبادل کالا:
ICAS	Individual Commodity Agreements	موشکهای بالستیک قاره پیما:
ICBM	Intercontinental Ballistic Missile	آژانس عمران بین المللی:
IDA	International Development Association	صندوق بین المللی پول:
IMF	International Monetary Fund	ارزیابی بین المللی سیکل سوخت هسته ای:
INFCE	International Nuclear Fuel Cycle Evolution	موشک بالستیک میان برد:
IRBM	Intermediate Range Ballistic Missile	قرارداد بین المللی گندم:
IWA	International Wheat Agreement	کشورهای رو به رشد:
LDCS	Less Developed Countries	قانون دریاها:
LOS	Law Of The Sea	بانکهای چند جانبه عمرانی:
MBDS	Multilateral Development Banks	کاهش دو جانبه و متعادل نیروها:
MBFR	Matual Balanced- Forced Reduction	موشکهای چند کلاهک:
MIRV		موشکهای ضد موشک چند جانبه:
MIRVEDM		مذاکرات تجاری چند جانبه:
MIN	Multilateral Trade Negotiation	جنبش عدم تعهد:
NAM	Non - Aligned Movement	

		سازمان پیمان آتلانتیک شمالی:
NATO	North Atlantic Treaty Organization	
		آسیای خاور نزدیک:
NEA	Near East Asia	
NNA		
		پیمان عدم تکثیر:
NPT	Non - Proliferation Treaty	
		گروه عرضه کنندگان هسته‌ای:
NSG	Nuclear Suppliers Group	
		سازمان کشورهای آمریکایی:
OAS	Organization Of American State	
		سازمان همکاری و عمران اقتصادی:
OECD	Organization Of Economic Cooperation and, Development	
		سازمان کشورهای صادرکننده نفت:
OPEC	Organization Of Petroleum Exporting Countries	
		موشک‌های بالستیک قابل پرتاب از زیر دریایی:
SLBMS	Submarine Launched Ballistic Missile	
		تثبیت درآمد ارز خارجی:
STABEX	Stabilizing Exchange	
		کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد:
UNCTAD	United Nation Coferece on trade and, Development	
		کنفرانس سازمان ملل در مورد علم و تکنولوژی برای عمران:
UNCSTD	United Nation Conference on Science and, Technology For Development	
		برنامه عمرانی سازمان ملل:
UNDP	United Nation Development Program	
		سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی سازمان ملل:
UNESCO	United Nation Educational, Scientific and, Cultural Organization	
		صندوق کنترل مواد مخدر سازمان ملل:
UNFDAC	United Nation Fund For Drug Abuse Control	
		مجمع عمومی سازمان ملل:
UNGA	United Nation Genral Assembly	
UNICEF	United Nation International Childrn's Emergency Fund	
UNFPA		

کنفرانس مدیریت جهانی رادیو:

WARC World Administrative Radio Conference

سازمان بهداشت جهانی:

WHO World Health Organization

ضمیمه شماره ۱

عدم دسترسی دیگران به سلاح هسته‌ای

آمریکا شدیداً امیدوار بود که برتری و انحصار هسته‌ای خود را پس از جنگ دوم حفظ کند. لیکن با دستیابی شوروی به این سلاح، امید آمریکا از بین رفت. پس از آن دو ابرقدرت سعی نمودند که با انحصاری نمودن سلاح اتمی در حیطه خویش بر جهان حکومت کنند، به همین دلیل هنگامی که در ۱۹۶۳ دوگلاز تأسیسات اتمی فرانسه بازدید می‌کرد، گفت: «این که دو ابرقدرت بخواهند برای همیشه انحصار نیروی اتمی را در دست داشته باشند، بدان معنی است که دنیا به سلطه دو جانبه آنها تن داده است. و کشور ما نمی‌تواند این را بپذیرد.»^(۱۴)

اصولاً دوگلاز به علت عدم اعتمادش به آمریکا و اینکه علاقه‌مند بود تحت سلطه آمریکا عمل نکند، دستور ساختن بمب اتمی را صادر کرد. همچنین یکی از دلایل مهم اختلافات چین و شوروی نیز متأثر از توافق دو ابر قدرت مبنی بر عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای در سطح جهان بود، که این امر از نظر چین بدین صورت تفسیر می‌شد که آنها می‌خواهند مانع از دسترسی چین به سلاح هسته‌ای گردند.

آمریکا فقط برای حفظ سلطه خود بر قدرت اتمی، و در نتیجه بلامنازع بودن اعمال نظریاتش است که سعی در ممانعت از دسترسی دیگران به قدرت هسته‌ای دارد، و هیچ معیار انسان دوستانه و اخلاقی در آن نهفته نبوده و حتی ایالات متحده در این ادعا نیز صادق نمی‌باشد. بدین معنی که امروزه به غیر از ۵ قدرت اتمی جهان، کشورهای دیگر همچون برزیل، هند، پاکستان و اسرائیل و آفریقای جنوبی به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا کرده و یا در راه حصول آن می‌باشند. در این میان اسرائیل و آفریقای جنوبی همکاری دوجانبه داشته و تقریباً اکثر قریب به اتفاق ناظران معتقدند که اسرائیل چندین بمب اتمی دارد.^(۱۵) لیکن آمریکاییها قدمی در خصوص مخالفت با دستیابی اسرائیل به سلاح هسته‌ای برنداشته و حتی هیچ اقدامی، ولی نمایی در جهت تحت فشار قرار دادن آن نیز ننموده‌اند، در حالی که سیاست آمریکا نسبت به پاکستان در این خصوص کاملاً متفاوت می‌باشد.^(۱۶)

هنگامی که دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا از سیاستهای هسته‌ای آفریقای جنوبی شکایت می‌کنند، متذکر می‌شوند که این امر در دراز مدت بر روابط ما تأثیر خواهد گذاشت.^۱ و طبیعی است که کلمه دراز مدت احاله به آینده نامعلوم است، خصوصاً امروزه که بیش از ۷ سال از تحریر این سند می‌گذرد، واضح می‌باشد که نه تنها روابط دو کشور تیره نشده که بهتر از گذشته نیز می‌باشد.

در قسمت دیگری از سند آمده است^۱ بسیاری از تحلیلگران معتقدند که اسرائیل از یک قدرت اتمی محدود برخوردار است. ولی ما از اسرائیل خواهیم خواست که نقش عدم تکثیر اتمی را در منطقه به نحوی مؤثر ایفا کند. «جای تعجب است که، آمریکا از کلیه فعل و انفعالات اتمی شوروی مطلع است، چگونه از دسترسی و یا عدم دسترسی اسرائیل به سلاح اتمی اطلاعی ندارد؟ و تنها از قول بسیاری از تحلیلگران و به صورت احتمال مطرح می‌کند.

ضمیمه شماره ۲

حقوق بشر

دفاع از حقوق بشر در مقابله با نقض حقوق خدادادی انسان از جانب ستمگران، به وسیله حق طلبان همواره مطرح بوده است. اکنون این سؤال پیش می‌آید که در جهان امروزی چه کسانی این حقوق را نقض کرده‌اند؟ و موارد نقض کدام می‌باشد؟ قریب به اتفاق مصادیق عناوین نقض حقوق بشر در غرب یعنی اروپا و آمریکا بوده است. و حتی اصطلاحات آن نیز غربی است. انگیزسیون (نفتیش عقاید)، پوگروم (قتل عام)، گتو (محاصره اقلیتها)، اندلازونگ (ریشه کن ساختن اقلیتها)، هولوکوست (همه‌سوزی)، امپریالیسم نو و کهنه (استعمار)، آپارتاید (نژادپرستی) و حتی تجارت برده (Slave Trade) به بدترین شکل آن در قرن ۱۸ و ۱۹ در آمریکا و به وسیله اروپاییان وجود داشت و مزارع پنبه جنوب آمریکا به وسیله همین برده‌های سیاه پوست آباد گردید و غرب با تلفیق ایدئولوژی نژادپرستی با تجارت برده، پایه‌های برده‌داری را ثبات و استحکام بخشید و بازمانده‌های این طرز تفکر هنوز هم در آمریکای شمالی و آفریقای جنوبی صاحب قدرت هستند.^(۱۷) مسئله مهم این است که آیا حقوق بشر در ایدئولوژی غربی به عنوان یک اصل پذیرفته شده؟ و یا اینکه به عنوان یک ابزار جدید در به زیر سلطه کشیدن مظلومان جهان به کار می‌رود؟ به عبارت روشنتر آیا تفاوتی بین افکار آقای ریگان آقای پیترو بتا وجود دارد؟ یعنی اگر هم اکنون رئیس جمهوری آمریکا، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی شود و بالعکس، آیا تفاوتی در سیاست خارجی و داخلی دو کشور آفریقای جنوبی و ایالات متحده رخ خواهد داد؟ یا اینکه نحوه تفکر آنها تفاوت جوهری نداشته و فقط شرایط سیاسی - اجتماعی چنین اقتضاء می‌کند که آنها با دو شیوه به ظاهر متفاوت حکومت کنند، واضح است که جواب سؤال فوق منفی است، یعنی حقوق بشر يك اصل اخلاقی و ارزشی برای غرب نمی‌باشد، که در هر شرایط و هر رژیمی به آن معتقد باشند و عمل نمایند. اکنون این مسئله را باید روشن نمود که چه شرایط و زمینه‌هایی منجر گردید که غرب سنگ حقوق بشر را به سینه بزند؟

چند تغییر عمده در جهان و نیز در درون کشورهای صنعتی پدید آمده است که غرب را در به کارگیری سلاح حقوق بشر ترغیب نموده است. اولین تغییر، در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی غرب بوده است. قدم گذاشتن به مرحله و فور اقتصادی منجر به گسترش طبقه متوسط و از بین رفتن خطر قیام محرومین و کارگران و بیکاران بر علیه نظام سرمایه‌داری گردید، تشکیلات درونی نظامهای غربی شکلی استوار و تقریباً ثابت به خود گرفت و کلید مبارزات سیاسی درون نظام و نه بر علیه نظام،

انجام می‌گرفت و لذا خطر بروز انقلاب و تغییر نظامهای سیاسی منتفی گردید و حتی هنگامی که احزاب سوسیالیست هم حاکم می‌شوند، تغییر عمده‌ای در سیاست داخلی و خارجی این نظامها پدید نمی‌آورند. قبل از دوران وفور اقتصادی حقوق بشر به زشت‌ترین صورت آن در غرب مورد تعرض قرار می‌گرفته است و فاشیستی‌ترین رژیمهای تاریخ طی این دوره در آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی و اسپانیای فرانکو و غیره مشاهده شده است و اگر در داخل کشورهای اسکاندیناوی و انگلیس و فرانسه هم مشاهده نمی‌شود، نه از بابت طبع آزادمنش آنهاست که از بابت عدم امکان دسترسی آنها به شرایط و زمینه‌های توسعه طلبی (اسکاندیناوی) و یا نحوه توسعه طلبی غیر قاره‌ای (انگلیس و فرانسه) بوده است، و این دو رژیم اخیر عمده‌تاً در مستعمرات خود مشغول ذبح حقوق بشر بوده‌اند.

تغییر و تحول دیگر در ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون، رادیو، مطبوعات و غیره می‌باشد، این تحول به اندازه‌ای اهمیت دارد که قرن اخیر را با همه پیشرفت‌هایش از جهات مختلف، می‌توان قرن ارتباطات نامید. متأثر بودن شدید افکار عمومی از وسایل ارتباط جمعی مخالفت بالفطره مردم با استبداد و بی‌عدالتی، حکومت‌های غربی را مجبور به پذیرش بعضی اصول در سیاست داخلی نمود. از جمله تغییر و گسترش شرایط انتخاب کنندگان و حق انتخاب کردن و سپس انتخاب شدن زنان و غیره از این موارد می‌باشد.^(۱۸) حتی رعایت حقوق اجتماعی از قبیل ساعت کار و حق بازنشستگی، بیمه و غیره ناشی از ضرورت‌های اقتصادی جوامع غربی، در کنار مبارزات کارگری بود و این طور نیست که نظام سرمایه‌داری غرب به طیب خاطر چنین تحولاتی را پذیرفته و اکنون هم وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشورشان است که آنها را به دفاع از چنین طرز فکری مجبور می‌نماید.^(۱۹) تفکر مغرب زمین، خصوصاً پس از قرون وسطی به شدت متأثر از جامعه و تغییرات اجتماعی بوده است و عاری از ارزشهای مقدس می‌باشد هر چند که تحول در ابتدا در کنار تغییرات اقتصادی، غرب را مجبور به قبول اصلاحات سیاسی و اجتماعی نمود، لیکن از طرف دیگر «سرمایه» حاکمیت خود را بر وسایل ارتباط جمعی به سرعت محقق ساخت. و اگر روزی این وسایل بر علیه نظام عمل می‌کردند، بعداً در انقیاد نظام سرمایه‌داری درآمدند و یکی از ابزارهای لازم برای حفاظت سیستم سرمایه‌داری از خطرات دموکراسی گردید. به عبارت دیگر دموکراسی یا حاکمیت مردم امروزه در غرب تبدیل به حاکمیت وسایل ارتباط جمعی شده است و این وسایل نیز تحت حاکمیت «سرمایه» می‌باشند. و از این طریق است که شعار دموکراسی و استفاده از آن به عنوان یک حربه در غرب سهل شده است. موريس دورژه در کتاب جامعه‌شناسی سیاسی توضیح می‌دهد که چگونه وسایل ارتباط جمعی به یک سلاح سیاسی تبدیل شد و نیز چگونه این وسایل در غرب به سمت تمرکز پیش رفته است. و کلیه روزنامه‌های محلی در انحصار یک یا دو روزنامه مهم درآمده‌اند و چگونه این وسایل به صورت حربه‌ای بر علیه دموکراسی تبدیل شده‌اند و بدین نحو تنوع که سرچشمه اصلی آزادی مطبوعات است، جای خود را به انحصار می‌دهد و در جهت جنجال‌گرایی و «تحمیق» مردم گام بر می‌دارد.^(۲۰)

تحول دیگر کند شدن بعضی از سلاح‌های سیاسی - نظامی غرب در به استعمار کشیدن کشورهای جهان سوم می‌باشد. تغییر موازنه قوا به موازنه وحشت و عدم کارایی سلاح اتمی در حل دلخواه

مناقشات منطقه‌ای و نیز رشد قدرت کشورهای جهان سوم^(۲۱) باعث گردیده است که غرب به دنبال اکتشاف سلاح‌های جدیدتری جهت زورگویی و تسلط بر جهان باشد زیرا دیگر دورانی که فریاد زند: «امپراطوری راه حلی برای مسئله نان است، اگر می‌خواهید جنگ داخلی نداشته باشید، باید امپریالیست شوید.»^(۲۲) گذشته است و سلاح زور برای امپریالیست شدن کهنه شده است.

برای به کارگیری حقوق بشر به عنوان یک حربه لازم بود که تغییراتی نیز در اوضاع داخلی کشورهای غربی خصوصاً آمریکا، نسبت به مسائل حقوق - بشر از جمله نژادپرستی به وجود آید. هر چند که تئوریسین‌های آمریکایی سعی کرده‌اند که این امر را به سیاست سد نفوذ آمریکا ارتباط دهند. آمریکا مجبور بود که سیاست جدیدی را در پیش گیرد (در مقابل نفوذ شوروی) زیرا موضوع قراردادهای نظامی و سد نفوذ کفایت نکرده و برای نفوذ در کشورهای دیگر احتیاج به کسب مشروعیت برای سیاست داخلی خود داشت و لذا برای جلوگیری از عکس‌العمل منفی در خارج می‌بایست سیاست خود را نسبت به «سیاهان» تغییر می‌داد.^(۲۳) از طرف دیگر کشورهای جهان سوم عمدتاً دارای ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسبی که بتوانند شیوه‌های حکومتی به شکل غرب به وجود آورند، نمی‌باشند و در صورت عدم تمکین نسبت به خواسته‌های غرب، مورد هجوم تبلیغاتی و سیاسی غرب قرار می‌گیرند، زیرا اگر یک حکومت مستقل و غیر وابسته به غرب در جهان سوم تصمیم به ادامه حیات خود و با شیوه حکومتی غرب بگیرد، طولی نخواهد کشید که دسیسه‌های فرهنگی و سیاسی غرب او را از پا در خواهد آورد و اگر در مقابل فشار غرب تسلیم نشود، و آن طور که صلاح ملتش می‌باشد، عمل کند، همواره تحت بمباران تبلیغاتی غرب و سازمان‌های وابسته به آن خواهد بود و متهم به نقض قوانین انسانی و حقوق بشر خواهد شد.

نکته‌ای که تذکر آن خالی از فایده نمی‌باشد. این است که متأسفانه روشنفکران جهان سوم و حتی وسایل ارتباط جمعی آنها هم در توره‌های این دام غربی افتاده و دیگر کشورهای هم‌نوع خود را با همین شیوه استدلال و از دیدگاه دمکراسی به مفهوم غربی آن مورد هجوم قرار می‌دهند و لذا از نظر یک روشنفکر وابسته جهان سومی نحوه حکومت هند به مراتب پسندیده‌تر از چین یا الجزایر می‌باشد. البته عکس این قضیه صادق نیست که هر حکومتی از دمکراسی غربی دورتر باشد، بهتر است. بلکه اصل مطلب در این است که ملاک‌های تعیین حق و باطل نسبی این رژیمها در غرب تعیین نمی‌شود.

و لذا بدین نتیجه می‌رسیم که حقوق بشر به مفهوم و تفسیر غربی آن ناشی از منافع غرب در شرایط تاریخی - اقتصادی خاصی است و هیچ‌گونه بار ارزشی ندارد و حتی متأثر از مسیحیت هم نمی‌باشد، زیرا اگر چنین بود باید طی قرون وسطی و یا پس از آن نمونه‌های آن بروز می‌نمود. در مقابل در کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای اسلامی، حقوق انسانها جزو اصول ارزشی و اعتقادی مردم بوده است و عملکرد نظام‌های غربی چه قبل از جنگ دوم و یا در طول جنگ و حتی پس از آن در کلیه مستعمرات، به وضوح ضد انسانی بودن آنها ثابت می‌کند. حتی امروز هم نمونه‌های این امر که به صورت آتش زیر خاکستر می‌باشد در غرب دیده می‌شود. از جمله، هجوم‌های نژادی به مسلمانان در فرانسه و به سیاه‌پوستان در انگلیس و به خارجی‌ان غیر اروپایی در آلمان و غیره را می‌توان نام برد، در حالی که در کشورهای اسلامی وضع چنین نبوده و نیست، زمانی که اسپانیا در دست مسلمانان بود، مذاهب سه گانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، ولی هنگامی که اسپانیا دوباره به دست اروپاییان

مسیحی فتح شد، وحشیانه‌ترین اعمال را نسبت به مسلمانان روا داشتند، در صورتی که در حکومت عثمانی و در اوج قدرت آن که تا وین پیش رفته بود، اجباری در مسلمان نمودن مسیحیان ننمودند و آنها به زندگی و عبادات خود ادامه می‌دادند و حتی مرکزیت مذهبی آنها در استانبول حفظ گردید. در اینجا بی‌مناسبت نیست که قسمتی از جویبه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن را به بیانیه اعلام مواضع حزب سوسیالی دمکرات آلمان که دربارهٔ اوضاع ایران در تاریخ اکتبر ۱۹۸۵ منتشر شده بود را ذکر نماییم.^۱

«در کشورهای اسلامی هیچ‌گاه تعقیب دینی سیستماتیک وجود نداشت. تفتیش عقاید مذهبی (انگیزسیون، قتل عام (پوگروم)، محاصره اقلیتها (گتو)، ریشه‌کن ساختن اقلیتها (اندلازونگ)، همه‌سوزی (هولوکوست) اصطلاحاتی است که در غرب ساخته و پرداخته شده است و به اعمال شناخته شده‌ای اطلاق می‌شود که در این سرزمین سنت طولانی دارد ما این اعمال را مدیون ملل متمدنی هستیم که گاه‌وگاه می‌خواهند به ما درس حقوق بشر بدهند.

... زندگی مسالمت‌آمیز ادیان سه‌گانه در دورهٔ حکومت اسلامی در اسپانیا و تعقیب دینی این ادیان که پس از فتح مجدد اسپانیا به آن گرفتار آمدند، قابل ذکر است....

جنگهای سی ساله بین مسیحیان، جمعیت اروپا را به نصف آن کاهش داد. یهودیان و مسلمانان قرنهای متمادی در فلسطین با مسالمت در کنار هم زندگی می‌کردند، تا یهودیان اروپایی که تحت تعقیب بودند به آنجا پناه آوردند و خود به تعقیب دیگران پرداختند زیرا یهودیانی بودند که خلق و خوی اروپایی و غربی داشتند [تاریخ رایش سوم و جنایات آلمانی‌ها به عنوان متمدن‌ترین قوم اروپایی کاملاً شناخته شده است].»

اکنون به واقعیت سیاست حقوق بشر آمریکا که اوج آن طی دوران حکومت کارتر بود و چکیده آن در این اسناد آمده است، می‌پردازیم.

«مسائل مربوط به حقوق بشر جزء لاینفک روابط از جمله تبادل خصوصی دیپلماتیک تا برنامه‌های کمک مالی و روابط نظامی ما با دیگر دولتها شده است.»

ذکر این خط مشی کلی مانع از آن نمی‌باشد که در سراسر متن روح مخالف آن را حاکم بر نوشته بباییم. خصوصاً در تحلیل اوضاع منطقه‌ای آفریقا و آمریکای لاتین این امر به وضوح دیده می‌شود. در صفحه ۸۷ ضمن خوشحالی از بهبود قابل ملاحظه وضع حقوق بشر در چند کشور آمریکای لاتین متذکر می‌گردد که آمریکا خواستار برقراری حکومت‌های دمکراتیک مدنی در این نقطه از جهان بوده است. ولی توضیح نمی‌دهد که ارتباط این وضعیت ناهنجار و ضد انسانی در این نقطه جهان با تسلط و حاکمیت کلی ایالات متحده بر آنجا چگونه است؟ چه دلایلی باعث شده است که دیکتاتورترین حکومت‌های جهان در منطقه امنیتی و خصوصی آمریکا پرورش یابند؟ چگونه در مناطق دیگر آسیا و آفریقا که بعضاً از نظر اقتصادی و اجتماعی از کشورهای آمریکای لاتین عقب‌تر هستند، حکومت‌هایی به مراتب انسانی‌تری یافت می‌شوند؟ و از همه مهم‌تر در عمل چه نوع محضوراتی را اعم از دیپلماتیک و اقتصادی در روابط خود با این کشورها در نظر گرفته‌اند؟ و حتی در این سند سری و غیرآشکار

۱- برای آشنا شدن با چگونگی حقوق بشر در آلمان می‌توان به کتاب «قهقرا» نوشته گوتنر و رالف ترجمه س - پوستی که از اواخر سال ۱۳۶۴ به صورت پاورقی در کیهان منتشر شد، مراجعه کرد.

ذکری از نقض حقوق بشر در کشورهای هم‌چون برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه به میان نمی‌آید. چگونه است که اگر اختلافات مرزی بین کشورها شدت یابد، آمریکا مجبور به مداخله خواهد شد؟^۱ ولی توانائی ممانعت از نقض حقوق بشر در این کشورها را ندارد؟

در این میان فقط نیکاراگوئه و السالوادور مورد تعرض جدی از طرف انقلابیون بوده‌اند، و لذا آمریکا برای دفاع از موجودیت آمریکایی این رژیمها و ممانعت از تغییر و تحولات اساسی و ایجاد بحران^۲ در صدد برمی‌آید که تغییراتی بنیادین را در این دو کشور به وجود آورد، در حالی که دیگر حکومت‌های منطقه از نظر نقض حقوق بشر دست کمی از این دو رژیم نداشتند.

«آمریکا به دنبال راه‌هایی است تا از طریق آنها بتواند رعایت حقوق بشر را در آمریکای مرکزی سبب گردد و مانع از افزایش خشونت‌های سیاسی داخلی گردد.»^۳

سؤال این است که آیا این نقض حقوق بشر در آمریکای لاتین تازگی داشته است؟ یا دارای قدمت دیرینه به عمر دکترین مونرو می‌باشد؟ و چرا تاکنون راهی برای آن پیدا نشده است؟ البته جواب واضح است زیرا در قسمتی از متن که توجیه سیاست موجود با بخش‌های دیگر دستورالعمل همسو نبوده است آنرا به نحوی به آینده موهوم و خیالی احاله داده‌اند. مثلاً در قسمت دیگری آمده است که: گرچه مشکلات نژادی آفریقای جنوبی پیچیده است (!!)... ما مصرانه از آفریقای جنوبی خواهیم خواست که یک روند مشورتی سیاسی سازنده را آغاز نماید... در صورتی که این روند آغاز نشود روابط با آفریقای جنوبی به سردی خواهد گرائید.»^۴

در ابتدا با پیچیده جلوه دادن مشکلات نژادی یک پیشداوری ظالمانه را به نفع رژیم نژادپرست تلقین می‌کند، و سپس درخواست آغاز نمودن یک روند مشورتی سیاسی سازنده را به آینده احاله می‌کند و معلوم است که تاکنون چنین درخواستی را نکرده‌اند و در نهایت هم معتقدند اگر این روند آغاز نشد، روابط به سردی می‌گراید و البته معلوم نیست که سقف زمانی لازم برای این موضوع چه موقع است و امروز از نزدیک به ده سال از تاریخ نگارش متن سند می‌گذرد، همه شاهد هستند که از نظر آمریکا پیچیدگی نژادی در آفریقای جنوبی به حدی است که عدم آغاز چنین روندی منطقی است و زمان شروع سردی روابط فی مابین نرسیده است. روابط گرمی که حقوق بشر جزء لاینفک آن به شمار می‌رود!!

در جای دیگر آمده است که: «اگر رژیم پروتوریا طرح‌های سازمان ملل (در خصوص نامیبیا) را نپذیرد، سازمان ملل مجبور خواهد شد که بر علیه آن تحریم کند، این مسئله کشورهای مختلف از جمله آمریکا را با تصمیمات دشواری روبه‌رو ساخته و به همین علت ما نمی‌دانیم که چه نوع تحریم‌هایی مناسب هستند.»^۵ (!!) این هم یکی از موارد دشوار در سیاست خارجی آمریکا است و حق هم همین است. جالب است که اگر گفته شود یک سال بعد و پس از تسخیر لانه جاسوسی و فقط در

۱- صفحه ۱۴۴ کتاب حاضر.

۲- صفحه ۱۴۶ کتاب حاضر.

۳- صفحه ۱۴۶ کتاب حاضر.

۴- صفحه ۱۴۱ کتاب حاضر.

۵- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

عرض چند روز برای تحریم کامل ایران از نوع آنها مطلع شدند ولی طی مدت چند سال با آن همه نفوذ در آفریقای جنوبی هنوز نمی‌دانند که چه نوع تحریمهایی برای رژیم نژادپرست مناسب است. کدام دیپلمات آمریکایی در جهان با خواندن این سطور باور خواهد کرد که، آمریکا با آن همه دستگاههای اطلاعاتی و خبری و تحقیقاتی مختلف که مدعی اطلاع از تمام مسائل جهان می‌باشند، از مسئله نسبتاً ساده‌ای بدین صورت، تحلیلی ندارد؟

تعیین‌کنندگان خط مشی خارجی آمریکا هنگامی که هیچ توجیهی برای عملکردهای خود ندارند، دلایل عجیبی ارائه می‌کنند که مصداق عذر بدتر از گناه می‌باشد: «در حال حاضر مهمترین مسئله موجود در روابط فی‌مابین (با فیلیپین) تمایل ما به حفظ تأسیسات نظامی... پایگاه هوایی کلارک و پایگاه دریائی دماغه... است که گذشته از امتیازات عملیاتی برای ما، در تأیید حاکمیت فیلیپین بوده و اقدامات جبران‌کننده را نیز در نظر دولت این کشور معقول‌تر جلوه‌گر می‌سازد. دو پایگاه دیگر دارای تجهیزاتی است که نمی‌توان در نقطه‌ای دیگر از اقیانوس آرام مستقر ساخت و انتقال دیگر تأسیسات قابل انتقال نیز هزینه‌های گزافی را در بر خواهد داشت. مسائل دیگر چندان حاد نیست، ولی تا مدت‌ها اذهان دو دولت را به خود مشغول خواهد نمود. از جمله این مسایل حقوق بشر، تجارت، مهاجرت و این احساس پابرجای فیلیپینی‌هاست که ناشی از گذشته استعماری آنها بوده و مبتنی بر این است که باید «رابطه‌ی خاص» با ایالات متحده داشته باشند»^۱

توجیه یک رابطه استعماری و ظالمانه و با استناد به دلایل نژادپرستانه را چه می‌توان نامید؟ اگر این نوشته مربوط به ابتدای قرن حاضر، یعنی زمانی که مستعمره فیلیپین بیشتر از سه ربع قرن تحت تسلط آمریکایی‌های انسان دوست! و ضد استعمار! قرارداد آیا استناد به سابقه استعماری نمی‌توانند فریبی برای توجیه رابطه ویژه باشد؟ و اگر هم حقیقت داشته باشد، آیا این حقیقت مبین چهره کریه استعمار آمریکایی نمی‌باشد؟ چگونه است که مردم کشورهای دیگر منطقه از جمله مالزی، سنگاپور، ویتنام و غیره که مدت کمتری از آزادی آنها از سلطه استعمار اروپا می‌گذرد، چنین مشکلی ندارند؟ چهارچوب حقوق بشر آمریکایی! در صفحه ۴۹ به سئوالاتی در زمینه چگونگی متعادل نمودن منافع آمریکا هنگام تعارض با حقوق بشر و یا هنگام بحران در کشورهای طرفدار آمریکا، مطرح شده است و پیدا کردن جوابهای مربوط به آینده احاله شده است، آینده‌ای که پس از گذشت قریب به ده سال امروز برای ما روشن شده است، و سیاستهای ضد حقوق بشری ریگان بر همگان واضح می‌باشد. این نحوه برخورد شیوه‌ای است که اگر امروز هم به متون مشابه صادره از وزارت خارجه آمریکا دسترسی پیدا کنیم، کاملاً متوجه می‌شویم که، مسایلی بدین صورت همه به آینده‌ای مجهول احاله می‌گردند.

ضمیمه شماره ۳

صلح طلبی

معنای واقعی صلح طلبی در قاموس سیاسی ایالات متحده، حفظ آن قسمت از وضع موجود است که منطبق بر منافع ایالات متحده می‌باشد، و نیز مبارزه و جنگ بر علیه آنچه مورد پسند آمریکا

۱- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

نیست، البته تا حدودی که توان انجام چنین عملی را داشته باشد.

بین دو ابرقدرت تصور مشترکی در خصوص نگرش دو قطبی به جهان و تحلیل مسائل و مشکلات آن از این دیدگاه وجود دارد، یعنی هر حرکتی را که به نحوی مخالف منافع و اهداف خود بدانند، فوراً آن را به دخالت‌ها و دسیسه‌های ابرقدرت دیگر مربوط می‌کنند. جدا از این که ابرقدرتها به این طرز تفکر اعتقاد داشته و یا نداشته باشند، از آن برای توجیه دخالت‌های غیر انسانی خود در امور دیگر کشورها استفاده می‌کنند روسها با توجیه وجود توطئه از طرف امپریالیسم آمریکا در افغانستان، در آنجا دخالت نظامی می‌کنند، همچنین آمریکاییها نیز معتقدند: «مداخله شوروی در ایران (منظور حوادث مربوط به انقلاب اسلامی است)... نگرانی عموم و کنگره آمریکا را افزایش خواهد داد.^۱ و با همین دیدگاه نیز حرکت‌های ضد نژادپرستانه را در آفریقای جنوبی و نامیبیا نوعی حضور شوروی و کوبا در منطقه می‌داند که این امر صلح جنوب آفریقا را تهدید می‌کند.^۲

یکی از اصول دیگری که در برخورد با مسائل سیاسی از جانب ابرقدرتها پذیرفته شده است، اصل تمکین در مقابل امر واقعی ولی در قالب منافقانه می‌باشد، یعنی تا هنگامی که بتوانند با یک موج جدید مبارزه کنند، به این عمل خود ادامه می‌دهند، ولی هنگامی که توان خود را برای اجرای این امر کافی نبینند، فوراً تغییر جهت داده و خود را همسوی آن موج می‌نمایند تا به نحوی بر آن سوار شوند. به عنوان مثال در خصوص رودزیا نوشته‌اند: «چون رودزیا حتماً در تحت حکومت اکثریت در می‌آید هدف آمریکا نیز مساعدسازی زمینه برای تحقق این مطلب است.»^۳

ملاحظه می‌شود هر چند که در شیوه نژاد پرستی بین رژیم رودزیا و آفریقای جنوبی تفاوتی وجود نداشت، لیکن سیاست فوق در آفریقای جنوبی دنبال نمی‌شود، زیرا در آنجا نژادپرستان آنقدر قوی هستند که هنوز بر سریر قدرت بمانند.

و یا در قسمت دیگری آمده است که: «ما و آفریقائی‌ها معتقدیم که تنها راه حل‌های آفریقائی قادر به حل مسایل آفریقا می‌باشد.»^۴ (منظور ممانعت از دخالت نیروهای کوبا و شوروی است). اگر این مطلب به عنوان یک اصل است چرا در آمریکای لاتین و یا آسیای جنوب شرقی مصداق نداشته باشد؟ واضح است که در آنجا آمریکا توان مداخله دارد و این کار را هم می‌کند، ولی در آفریقا این قدرت را ندارند و لذا منادی عدم دخالت می‌گردد. (روابط آمریکا با ملل محروم آفریقا، خالی از ابعاد انسانی است و تنها محور این روابط ممانعت از نفوذ روسها و کوبا و نیز دسترسی به با زارها و منابع مواد خام منطقه می‌باشد.)

صلح‌طلبی در سیاست خارجی آمریکا به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شود. بلکه آنجا که از سر ناچاری تن به مسائل ناخوشایندی می‌دهند، برای آنکه به شکست و یا ماهیت خود اعتراف نکنند، فوراً صلح‌طلب می‌شوند.

۱- صفحه ۱۳۲ کتاب حاضر.

۲- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

۳- صفحه ۱۴۰ کتاب حاضر.

۴- صفحه ۱۴۲ کتاب حاضر.

ضمیمه شماره ۴ مسائل اقتصادی و بین‌المللی

۱- ثبات بازار جهانی مواد اولیه:

برای به گردش درآمدن چرخهای صنعتی و تولدی غرب، به طور مطلوب، ثبات بازار جهانی مواد اولیه یک ضرورت است. حتی اگر این ثابت به قیمت فقیرتر شدن کشورهای جهان سوم تمام شود، زیرا اکثر این نوع کشورها دارای مواد اولیه متعدد می‌باشند ولی فاقد تکنولوژی لازم جهت تبدیل آنها به کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی می‌باشند و لذا اقدام به فروش آنها به صورت خام می‌نمایند.

تئوریهای اقتصادی غرب مدافع آزادی بازارهای داخلی و جهانی است و حتی المقدور با سیاستهای گمرکی مخالفت می‌نمایند، این تئوری مبتنی بر اصل آزادی رقابت می‌باشد، ولی در عمل به وجود آمدن کارتلها و تراستهای بزرگ مانع از قیمت گذاری براساس عرضه و تقاضا گردیده است. این کارتلها و تراستها با اعمال سیاستهای متمرکز درصدد تثبیت و یا حتی تنزیل قیمت مواد خام کشورهای جهان سوم برمی‌آیند، و از طرف دیگر قیمت تولیدات خود را با اتخاذ سیاستهای حمایتی افزایش می‌دهند. تنها گروهی که تاکنون توانسته است تا حدودی در مقابل این مؤسسات امپریالیستی قد علم کند، اوپک بوده است، که آن هم چندی است در دام سیاستهای امپراطوری تراست - کارتل‌های غربی افتاده و قیمت نفت تاکنون به کمتر از نصف آن کاهش یافته است.^۱

برای روشن شدن سیاست ثبات بازار جهانی مواد اولیه کافی است نگاهی به آمار زیر که تغییرات قیمت بعضی از مواد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱

تغییر قیمت مواد معدنی - کشاورزی طی ۲۲ سال

(۲۴)

قیمت - واحد	هرپسکه به دلار	سنت / پوند	سنت / پوند	دلار / تن	سنت / پوند	سنت / پوند
سال / جنس	نفت	قهوه پرزیل	پنبه مصر	فسفات مراکش	لاستیک تایلند	شکر
۱۹۵۰	۱/۷۱	۴۴/۱	۵۴	۱۴/۵	۲۴/۲	۴/۹۸
۱۹۷۲	۱/۹۰	۴۲/۷	۶۵	۱۱/۵	۱۲/۸	۴/۵۳

ملاحظه می‌شود که طی ۲۲ سال به استثنای پنبه (آن هم حدود ۲۰٪) بقیه با کاهش قیمت مواجه شده‌اند. قیمت این مواد طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ افزایش یافت ولی روند تغییرات آن بعد از سال ۷۷ نیز قابل توجه می‌باشد.

۱- مطلب مربوط به سال ۱۹۸۶ می‌باشد.

جدول شماره ۲
تغییر قیمت بعضی مواد

(۲۵)

جنس / سال قیمت	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	قیمت - واحد
نفت	۱۲/۴	۱۲/۷	۱۷/۳	۲۸/۷	۳۲/۵	۳۳/۵	۲۹/۳	۲۸/۵	دلار / بشکه
قهوه	۲۲۳	۱۴۹	۱۶۵	۱۴۷	۱۰۲	۱۱۱	۱۲۴	۱۳۸	سنت / پوند
پنبه	۱۴۹	۱۳۹	۱۵۳	۱۵۳	۱۵۲	۱۲۵	۱۴۰	۱۶۴	سنت / پوند
فسفات	۳۱	۲۹	۳۳	۴۵	۴۹/۵	۴۱/۵	۳۷	۳۸	دلار / تن
لاستیک	۳۷	۴۵	۵۷	۶۵	۵۱	۴۰	۴۸	۴۳	سنت / پوند
شکر	۱۴	۱۶	۱۹	۲۲	۱۹	۱۸	۱۸	۱۶	سنت / پوند

در صورتی که بخواهیم تغییر قیمت‌های فوق را با لحاظ نمودن تورم جهانی (جدول ۳) منظور کنیم. جدول شماره ۴ حاصل می‌شود.

جدول شماره ۳
نرخ تورم جهانی

(۲۶)

سال	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
تغییرات	۱۱/۳	۹/۷	۱۲/۵	۱۵/۸	۱۴/۱	۱۲/۳	۱۲/۶	۱۴/۱

جدول شماره ۴

تغییرات شاخص و قیمت ثابت ۶ ماده کشاورزی - معدنی

بر مبنای سال پایه ۱۹۷۷

سال	۱۹۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
نفت	دلار / بشکه	۱۲/۴	۱۱/۶	۱۴	۲۷/۵	۱۹/۸	۱۸/۳	۱۴/۲
قهوه	سنت / پوند	۲۲۳	۱۳۶	۱۳۴	۱۰۳	۶۳	۶۰/۶	۶۰/۱
پنبه	سنت / پوند	۱۴۹	۱۲۷	۱۲۴	۱۰۷	۹۳	۶۸/۳	۶۸
فسفات	دلار / تن	۳۱	۲۶/۴	۲۶/۷	۳۱/۵	۳۰/۴	۲۲/۷	۱۸
لاستیک	سنت / پوند	۳۷	۴۱	۴۶/۲	۴۵/۵	۳۱/۳	۲۱/۹	۲۳/۳
شکر	سنت / پوند	۱۴	۱۴/۶	۱۵/۴	۱۵/۴	۱۱/۷	۹/۸۴	۸/۷۳

در جدول فوق باید تغییرات ارزش برابری دلار را نیز محاسبه نمود که از انجام آن صرف نظر نموده و لذا اعداد جدول را به طور تقریبی باید مورد ملاحظه قرارداد.

ملاحظه می‌شود که ثابت نگه داشتن قیمت این مواد چه ضربه سختی بر اقتصاد نوپای کشورهای جهان سوم وارد می‌کند. به عنوان مثال می‌توان میزان تبدیل این مواد به کالاهای صنعتی را مورد مطالعه قرار داد. در سال ۱۹۵۹ با فروش ۲۴ تن شکر امکان خرید یک تراکتور ۶۰ اسب وجود داشت لیکن در آخر سال ۱۹۸۲ برای این معامله ۱۱۵ تن شکر ضروری بود. در سال ۱۹۵۹ با فروش ۶ تن چتایی امکان تهیه در یک کامیون ۸-۷ تن وجود داشت لیکن در آخر سال ۱۹۸۲ این تعادل با ۶۶ تن چتایی حاصل می‌شد. در سال ۱۹۵۹ یک تن سیم مسی برای خرید ۳۹ لوله اشعه ایکس کافی بود، ولی در آخر سال ۱۹۸۲ همین میزان فقط شامل یک لوله اشعه ایکس می‌شد. (۲۷)

تثبیت قیمت گندم از سوی آمریکا و غرب که از تولیدات غرب است، نیز ناشی از ضرورت بوده است زیرا در صورت اضافه نمودن قیمت آن اولاً کشورهای دیگر اهمیت بیشتری به کشت آن داده و به سمت خودکفائی خواهند رفت و این امر اهرم فشار گندم را برای مواقع ضروری از دست آمریکا خواهد گرفت، ثانیاً اضافه تولید در غرب به حدی است که امکان اضافه نمودن قیمت آن به طور جدی وجود ندارد. فشار تولید کننده آمریکایی به دولت متبوعش در زمینه صدور گندم به حدی است که آمریکا در استفاده از گندم به عنوان یک اهرم فشار در شرایط غیر متعادل، منصرف نشده است.

سیاستهایی که آمریکا و غرب در مواجهه با قیمت نفت اتخاذ کردند را می‌توان در کتاب جداگانه‌ای که در همین رابطه چاپ می‌شود، ملاحظه کرد. ولی خلاصه‌ای از آن در صفحات بعدی آمده است.

۲ - قانون دریاها:

از جمله مسائلی که تاکنون حل نشده و به عنوان عامل تنش بین کشورهای جهان سوم با آمریکا و انگلیس وجود دارد، چگونگی استفاده از منابع دریاهای غیر ساحلی و خارج از فلات قاره می‌باشد. آمریکا به علت داشتن بالاترین تکنولوژی و نیز دارا بودن سرمایه لازم در کنار تسلط نظامی بر دریاهای، شرایط لازم برای تحقق سلطه کامل بر دریا جهت بهره‌برداری از منابع آن را دارد. از طرف دیگر کشورهای جهان سوم نداشتن شرایط فوق را مانع از ذیحق بودنشان در منافع حاصل از دریا نمی‌دانند، همان طوری که در منابع تحت‌الارض داخل کشور نیز عدم بهره‌برداری مانع از ذیحق بودنشان نمی‌باشد.

اهمیت زیاد منابع معدنی^۱ دریاهای خارج از فلات قاره سبب شده است که توافق برای بهره‌برداری مشترک یا منفرد از آن با موانع سختی مواجه شود. دولت مالت پیشنهاد کرد که این مناطق به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده و یک مقام بین‌المللی مسئولیت بهره‌برداری از منابع آن را تقبل کند و منافع آن را بین اعضای جامعه بین‌المللی با در نظر گرفتن رشد اقتصادی هر یک تقسیم کند. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای پیشرفته صنعتی روبه‌رو شد. (۲۸)

هر چند وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در دنباله فلات قاره‌ها و حتی در اعماق ژرف اقیانوسها امری مسلم است و بسیاری از فلزات مهم قابل استخراج در آن وجود دارد و به عبارتی پاسخگوی قرنهای نیاز بشر خواهد بود لیکن مطبوعات غربی در این زمینه سر و صدایی راه نمی‌اندازند، و دست‌اندرکاران امور مالی و اقتصادی جهان در این باره سکوت را بر جنجال ترجیح می‌دهند. هر چند آرام آرام تکنولوژی خود را در حدی گسترش می‌دهند که امکان استخراج را در اعماق زیاد دریاهای

۱- مثلاً منگنز و فسفوریت به صورت کلوخه در بستر اقیانوسها در اعماق ۷۰۰ الی ۶۱۰۰ متری یافت می‌شود.

فراهم نمایند. (۲۹)

نحوه برخورد سیاستمداران آمریکایی با مسئله فوق در متن سند به خوبی روشن است، و پس از ذکر پیشنهاد آمریکا در خصوص دریاها آمده است که «این قانون بدین دلیل پیشنهاد شده که معدنچیان آمریکا بتوانند تکنولوژی مورد نیاز را پدید آورده و در صورت مقرون به صرفه بودن حتی بدون عقد قرارداد خاصی فعالیت‌های معدنی آغاز گردد.^۱ و یا در قسمت دیگر اراده آمریکا را در اعمال نظرات خود در مواجهه با دیگر کشورها را بدین صورت بیان می‌نماید: در صورت عدم موفقیت مذاکرات، آمریکا باید سیاستهایی را در جهت حفظ منافع ملی خود اتخاذ نماید، که از جمله می‌توان انعقاد قراردادهای ویژه منطقه‌ای و عملی را نام برد. ولی در صورت حصول پیشرفت راه برای عقد قرارداد با اعضای میانه‌رو کشورهای در حال توسعه باز می‌شود...^۲

نکته جالبی که در سراسر سند مشاهده می‌شود، تناقض بارزی است که بین شعارهای آمریکا در دفاع از آزادی، حقوق بشر، توسعه، مبارزه با فقر و غیره از یک طرف و مخالفت قاطع کشورهای جهان سوم با سیاستهای آمریکا در زمینه‌های حقوق دریاها، انتقال تکنولوژی، سازمان ملل و ارکان‌های تابعه آن ارتباطات و فضا برونی وجود دارد، حتی در مواردی نیز کشورهای صنعتی هم با نظرات آمریکا مخالف بوده و در مقابل آن ایستادگی می‌کنند.^۳ همه جا صحبت حمایت از منافع و توسعه کشورهای در حال پیشرفت می‌باشد ولی عجیب است که این کشورها همواره با آن مخالفت می‌کنند. نمونه‌ای از این نظرات در آراء سازمان ملل و در قسمت بعدی ارائه خواهد شد.

ضمیمه شماره ۵

کمکهای اقتصادی و عمرانی

شاه بیت قصیده سیاست خارجی آمریکا مسئله کمکهای اقتصادی و عمرانی است. نقش مهم کمکهای اقتصادی در سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم ظاهر گشت. آنها مدعی‌اند که این کمکها با هدف زیر انجام می‌شود. «کمکهای دو جانبه امتیازی ما نیز باید بر رفع نیازهای اساسی مردم فقیر کشورهای دست به گریبان با فقر متمرکز باشد... و در صورت موجود بودن منابع مالی کافی به دولت‌هائی اختصاص یابد که متعهد کمک به فقرای خود هستند... سیاست ما بر این عقیده استوار است که تأمین نیازهای اساسی انسان مکمل برنامه‌هایی است که هدفشان توسعه و رشد است»^۴

یا در جای دیگر می‌خوانیم که: «کمکهای امتیازی باید در اختیار فقیرترین کشورها قرار گیرد»^۵ برای روشن شدن حقیقت کمکهای خارجی آمریکا و اینکه واقعیت این کمکها با جمله‌پردازی‌های فوق چه تفاوتی دارد، ابتدا نظری به سیاست کمکهای اقتصادی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی

۱- صفحه ۱۲۹ کتاب حاضر.

۲- صفحه ۱۰۸ کتاب حاضر.

۳- صفحه ۱۳۰ کتاب حاضر.

۴- صفحه ۱۱۵ کتاب حاضر.

۵- صفحه ۱۱۹ کتاب حاضر.

انداخته و سپس کمکهای خارجی اخیر دولت ریگان که مربوط به سال ۱۹۸۶ می‌باشد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پس از جنگ دوم و خرابی شدید اروپا، طرح مارشال جهت ثبات اروپا برای دفاع در مقابل نفوذ کمونیسم ارائه شد. از آنجا که کمک گیرندگان کشورهای با سابقه صنعتی بودند. لذا این کمکها در مسایل اساسی و زیربنایی به کار رفت. به طوری که پس از سه سال اقتصاد اروپا رمق از دست رفته خود را بازیافت. و حتی با سرعت بیشتر از آنچه که برآورده شده بود. و نیز با استفاده کمتر از سقف کمکهای پیش‌بینی شده در طرح مارشال، به نتیجه دلخواه رسید.^(۳۰)

هدف این کمکها صرفاً برای مقابله با نفوذ کمونیسم در کشورهای اروپایی بود. اجرای این هدف در کشورهای ترکیه و یونان در قالب طرح ترومن پدیدار شد و کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به این کشورها و نیز کمکهای مشابه به کشورهای دیگر، نوع جدیدی از کمکهای خارجی آمریکا در عرصه جهانی نمودار گشت.

قسمتی از این کمکها صرفاً جهت تقویت ارتش و دولت برای مواجهه با نیروهای انقلابی و به دنبال هدفهای استراتژیک بوده است، در این رابطه سخنان ژاکوب وینر (Jacob Viner) مشاور پیشین آیزنهاور که تحت عنوان نقش آمریکا در اقتصاد جهانی و طی یک کنفرانس در دانشگاه کلمبیا درباره سیاست ملی و موفقیت داخلی و خارجی در سال ۱۹۵۴ ایراد شده است، قابل توجه می‌باشد.

«اگر تقاضایی کمک یکسره و تنها مبتنی بر ملاحظات خالصاً اقتصادی بودند هیچ اقبال توفیقی در جنباندن رگ سود کشورهای پیشرفته پیدا نمی‌کردند.

این تنها به خاطر ربط کمک با استراتژی کشورهای غنی است که تقاضاهای کشورهای در راه رشد تا اندازه‌ای اقبال اجابت دارند. در عرصه شطرنج سیاست، کشورهای از رشد مانده نقش پیاده را برای کشورهای زورمند بازی می‌کنند.

تنها عاملی که قادر است ما را به لزوم طرح و اجرای یک برنامه کمک واقعاً وسیع به کشورهای از رشد مانده متقاعد کند، اطمینان به این امر است که دوستی یا اتحاد این کشورها برایمان دارای ارزش استراتژیک و سیاسی، روانی در «جنگ سرد» است. اطمینان به این امر است که در تأمین این دوستی و اتحاد می‌توانیم بر روی کمکهای اقتصادی پرحجم خود حساب کنیم و اطمینان به این امر است که بها و هزینه قابل ملاحظه این برنامه کمک اقتصادی، در مقایسه با بردها و دست‌آوردهای استراتژیک بهای گزافی نیست.»^(۳۱)

هدف سرمایه‌های آمریکایی در خارج از کشور سود بیشتر همراه ملاحظات سیاسی بوده است و نه توسعه کشورهای جهان سوم. برای روشن شدن این امر کافی است گفته شود که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ از ۳۴ میلیارد دلار کمک خارجی آمریکا ۲۶ میلیارد آن به اروپا و ژاپن و فقط ۶۰ میلیون آن یعنی حدود ۰/۰۰۲ کمکها نصیب آفریقا شده است.^(۳۲) از مجموع سرمایه‌گذارهای آمریکا در آفریقا در طی چندین سال بعد از جنگ دوم مقدار ۵۱٪ آن در نفت، ۱۳/۵٪ در تجارت و ۲۲٪ در معادن و فقط ۱۳/۵٪ در صنعت به کار رفته است و این نسبت در خاورمیانه ۹۳٪ برای نفت و ۳٪ در صنعت بوده است و کلاً در سال ۱۹۶۲ ۶۵٪ سرمایه‌گذارهای آمریکا در آسیا در رشته نفت انجام شده و ۴۷٪ سرمایه‌گذارهای فرانسه نیز در ۱۹۶۱ در نفت بوده است.^(۳۳)

این سیاست حتی در انتقال تکنولوژی نیز رعایت می‌شده است. تکنولوژیهای مربوط به انرژی، مواد غذایی و بهداشت در انتقال به کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار خواهد گرفت... دموکراسی‌های صنعتی باید در تلاش خود برای بهره‌برداری بهتر از تکنولوژی در مسیر حفظ محیط، بهبود وضع بهداشت، کنترل رشد جمعیت، ممانعت از آلودگی دریا، بهره‌برداری از منابع انرژی امن و قابل تجدید و بهره‌برداری بهتر از خاک و نبات و حیوانات رشته امور را در جهان به دست گیرند.^۱ ملاحظه می‌شود که این کمکها همواره در جهت حل معضلات و مشکلات غرب بوده است. تأمین انرژی امن، حفظ محیط زیست، کنترل رشد جمعیت و آلودگی دریاها... کشورهای جهان سوم در منافع دریاها شریک نمی‌باشند و تسلطی بر آن ندارند که مسئله آلودگی دریا برای آنها مطرح باشد، البته این بدان معنی نیست که آنها خواستار آلودگی دریاها هستند، بلکه منظور در اولویت قرار داشتن مسایل می‌باشد. درصد ناچیزی از این کمکها در امور اساسی که پایه‌های محکمی برای اقتصاد ملی کشورهای جهان سوم باشد، صرف شده است.

مقداری از این کمکها تحت عنوان «کمک برای دفاع» انجام می‌شد. و به آن دسته از متحدین نظامی آمریکا تعلق می‌گرفت که قادر به تحمل هزینه‌های دفاعی خود نبودند. این کمک بدین صورت بود که، به کشور مورد نظر اجازه وارد کردن هر کالائی را از آمریکا می‌دهد، بدون آنکه نیازی به پرداخت دلار باشد و از فروش آن در داخل کشور، پول محلی عاید می‌گردد که این پول در صندوق جمع می‌شود و آن گاه دولت آمریکا به کمک گیرنده اجازه می‌دهد که برای تأمین مخارج و به ویژه هزینه‌های نظامی از این صندوق برداشت کند. کشور کمک گیرنده برای فروش سریعتر ترجیح می‌داد که کالاهای مصرفی وارد کند. این کمکها با شرایطی که برای آن وجود داشت منجر به به وجود آمدن یک طبقه متوسط وابسته می‌شد. این مبالغ به دولت اجازه می‌داد که سازمان اداری اعم از لشگری و کشوری را اداره کند، البته در نظر آمریکاییها این طبقه متوسط متناسب با کالائی شده است که از محل کمک وارد می‌گردد، لذا اگر دولت بخواهد با ممنوع کردن واردات کالاهای مصرفی، ورود کالاهای سرمایه‌ای را ترویج کند، موجب آن می‌شود که در صندوق وجهی فراهم نیاید و بدین سان تحویل بودجه ممکن نگردد، و از این رو دولت کمک گیرنده چه بخواهد و چه نخواهد در تله شیوه سرمایه‌داری رشد می‌افتد، شیوه رشد سرمایه‌داری از این دیدگاه، این است که بالا رفتن پس انداز طبقه متوسط نیاز به فرآورده‌های صنعتی را موجب می‌شود که این امر مقدمات و شرایط ایجاد یک صنعت محلی را فراهم می‌آورد، طبقه متوسط شهری که بدین سان پدید می‌آید، و در درآمد و مصرف وابسته به غرب است، خود خندق مطمئنی علیه کمونیسم می‌گردد.^(۳۴)

بدین صورت واضح است که کمکهای خارجی راهی جز روند وابستگی و به انحطاط کشاندن اقتصاد ملی طی نکرده است، در این رابطه قبول کمکهای اقتصادی آمریکا به وسیله مصر پس از توافق کمپ دیوید نمونه جالبی می‌باشد و نشان می‌دهد چگونه سرمایه‌های خارجی در بخشهای خدمات، جهانگردی، تجارت، نفت، ساختمان و بانکداری به کار گرفته شده است و بخشهای عمده صنعت و کشاورزی از آن بهره کافی و متناسب نبرده‌اند که این امر منجر به تخریب نظام اقتصاد ملی مصر گردیده است.^(۳۵)

گذشته از موارد مزبور نگاهی گذرا به بودجه کمکهای خارجی آمریکا در سال ۱۹۸۶ که تقریباً مشابه کمکهای گذشته است. مؤید این مطلب است که این کمکها دارای هیچ‌گونه بار ارزشی و انسان دوستانه و در جهت تحقق اهداف حقوق بشر نمی‌باشد و یا آن طور که مدعی هستند، در مسیر تأمین نیازهای اساسی انسان دربرگیرنده حداقل سطوح زندگی ملموس و غیر ملموس یا به عبارت دیگر تغذیه کافی، بهداشت، بهزیستی، پوشاک، مسکن و آموزش و پرورش برای تمام انسانها است. و تأکید آن نیز بر تساوی است،^۱ نمی‌باشد. در نظر آمریکاییها نه تنها توسعه کشورهای جهان سوم در کمکهایشان، مسئله اصلی نمی‌باشد بلکه اخیراً از روند توسعه نیز نگران شده‌اند!

«در چند سال آینده آمریکا نگران تأثیر روند مدرن‌سازی بر ثبات سیاسی و کارایی نهادهای موجود، در تطابق با روشها و مشکلات جدید است. رویدادهای چند ساله اخیر معدودی از کشورها از قبیل هند، پاکستان، ایران نیجریه و مکزیک نشان می‌دهد که...»

۱- میزان کمکها^(۳۶)

مقدار کمکهای خارجی آمریکا برای سال ۱۹۸۶ که از طرف کنگره تصویب شده است برابر ۱۲/۷۷ میلیارد دلار است و در مقایسه با مبلغ ۳۰۱۱ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی آمریکا این عدد برابر ۰/۴۲٪ نسبت به گذشته^۲ کاهش نشان می‌دهد. همچنین باید توجه داشت که حدود نصف این کمکها نظامی می‌باشد^۳ که به صورت فروش وسایل و تجهیزات نظامی است و ۱۳ این مبلغ نیز به صورت وام با نرخ بهره ترجیحی ۵٪ می‌باشد.

۲- ارتباط کمکها با حقوق بشر

میزان واقعیت ادعای کاخ سفید در خصوص رعایت حقوق بشر در کمکهای خارجی را می‌توان از خلال آمار زیر دریافت.

در سال ۱۹۸۶ مبلغ ۵۴ میلیون دلار برای مبارزه با تروریسم در آمریکای مرکزی درخواست شده است که ۲۲ میلیون دلار آن برای پلیس و ارتش السالوادور و ۱۱ میلیون دلار برای هندوراس، ۹ میلیون دلار برای کاستاریکا و ۳ میلیون دلار برای گواتمالا و ۷ میلیون نیز برای پاناما در نظر گرفته شده است. این کمکها عمدتاً به نیروهای پلیس کشورهای مزبور که از ضد بشری‌ترین حکومتهای جهان می‌باشند، تعلق گرفته است تا بدین وسیله به اسم مقابله با تروریسم در جهت سرکوبی قیامهای مردمی اقدام نمایند، این سیاست به حدی روشن است که کنگره نیز مخالفت خود را با این اهداف ریگان اعلام نموده است. این کمکها با توجیه خطر امنیت اتباع و منافع ایالات متحده انجام می‌پذیرد که به طور مشخص پس از کشته شدن ۴ تفنگدار آمریکایی در سان سالوادور مطرح گردید. نکته جالب این است که هنگام دفاع از ارقام پیشنهادی فوق مطرح شد که این پولها در راه مبارزه با گروههای چپگرا و راست‌گرا!!! به کار خواهد رفت.

۱- صفحات ۱۱۶ و ۱۲۰ کتاب حاضر.

۲- کل بودجه ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ برابر ۹۶۷/۶ میلیارد دلار و بودجه نظامی ۲۲۳ میلیارد و کمک خارجی ۱۲/۷۷ میلیارد و تولید ناخالص ملی ۳۰۱۱ میلیارد دلار می‌باشد. تولید ناخالص ملی به نرخ ثابت ۱۹۸۰ حساب شده است.

۳- از مجموع ۱۲/۷۷ میلیارد کمک خارجی ۶/۲۷ میلیارد دلار آن در امور نظامی است که بدین صورت توزیع می‌شود وام‌های صرف نظر شده ۳۱۰۰، وام با نرخ روز ۲۲۷۱، بلاعوض و غیره ۹۳/۲ میلیون دلار که در مجموع ۶۲۶۹/۳ میلیون دلار می‌باشد.

رژیم‌های ضد بشری دیگر آمریکای لاتین مانند پاراگوئه، هائیتی و السالوادور از کمک‌های اقتصادی و نظامی بهره‌مند شده‌اند. مثلاً برای السالوادور به ترتیب ۳۵۰ و ۱۳۲/۶ میلیون دلار کمک اقتصادی و نظامی در نظر گرفته شده است که هدف آن تنها حفظ رژیم وابسته مزبور در مقابل حملات انقلابیون می‌باشد. هنگامی که ریگان بنام حقوق بشر تقاضای کمک برای ضد انقلابیون نیکاراگوئه نمود، این مسئله به قدری ناپسند و غیر اخلاقی مطرح شد که حتی کنگره برای سال ۱۹۸۵ با قسمت کمک‌های نظامی آن موافقت نکرد، ولی برای سال ۱۹۸۶ تعبیر و تفسیرهای بشر دوستانه ولی غیر نظامی از کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه به قدری وسعت داده شد که شامل تجهیزات نظامی از قبیل بی‌سیم، کامیون و هلی‌کوپتر گردیده است!

در صدر کشورهای کمک‌گیرنده از آمریکا، اسرائیل قرار دارد که سیاست‌های نژادپرستانه آن در رابطه با اعراب مناطق اشغالی بر همگان واضح است. تنها موردی که آمریکاییها سعی کرده‌اند اصول حقوق بشر را رعایت نمایند، مشروط نمودن کمک ۳ (!) میلیون دلاری به موزامبیک در مقابل کاهش مشاورین نظامی خارجی! و برقراری انتخابات آزاد می‌باشد!! ماهیت شرط و شروط آمریکا مبین وجود یک روحیه نژادپرستانه و سلطه‌جویانه می‌باشد و از این طریق سعی در تحقیر ملل جهان سوم می‌نماید در مورد لبنان برخوردی به مراتب تحقیرآمیز نموده‌اند، رایگان ۱۰ میلیون دلار برای لبنان درخواست نمود که کنگره فقط با ۲/۵ میلیون دلار آن مشروط به آزادی ۷ گروگان آمریکایی موافقت نمود! واضح است، وقتی برای کمک‌هایی بدین حد ناچیز چنین شرط و شروطی قرار می‌دهند، می‌توان قیاس نمود که برای کمک‌های چند صد میلیونی خود چه شروطی را قایل می‌شوند.

۳- توزیع کمک‌ها

اکنون نوبت آن است که بدانیم چگونه کمک‌های ممتاز در اختیار فقیرترین کشورها قرار گرفته است. از حدود نیمی از ۶/۳ میلیارد دلار کمک نظامی خارجی، مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار به اسرائیل و ۱/۳ میلیارد دلار آن به مصر تعلق گرفته است و هدف این کمک استحکام هر چه بیشتر پایه‌های قرارداد کمپ دیوید می‌باشد که به عنوان یک نقطه اتکاء استراتژیک برای سیاست‌های آمریکا در منطقه مطرح است. و اهمیت آن بدین صورت بیان شده است:

«در صورت شکست ابتکارات سادات، منطقه شاهد بحرانهای شدیدی خواهد بود... روی کار آمدن عناصر تندرو در رژیم مصر به جای سادات، نارضایتی و واخوردگی اعراب میانه‌رو، تقویت ارتدادیون و نفوذ شوروی در منطقه از جمله این بحرانها می‌باشد.»^۱ اهمیت این مسئله پس از بروز انقلاب اسلامی و رشد حرکت‌های انقلابی در منطقه بیشتر شده است.

۵۰٪ بقیه کمک‌ها نیز عمدتاً به متحدین نظامی آمریکا در ناتو و آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین پرداخت شده است. که در واقع به نیابت از آمریکا منافع غرب را حفظ می‌نمایند. از این میان ترکیه ۷۱۴/۲۸ میلیون دلار، یونان ۵۰۰ میلیون، فیلیپین ۷۰ میلیون و السالوادور ۱۳۲/۶ میلیون دلار دریافت می‌دارند و کشورهای کره جنوبی، پرتغال، اسپانیا و تایلند نیز به فراخور نقشی که در دفاع از منافع ایالات متحده دارند، کمک‌هایی دریافت می‌نمایند.

ممتازترین کمک‌های اقتصادی نیز در اختیار مصر و اسرائیل قرار گرفته که به ترتیب ۸۱۵ و ۱۲۰۰

میلیون دلار می‌باشد، و دیگر کشورها نیز به نحوی که در کمکهای نظامی آمد، از این کمکها نصیبی برده‌اند. برای اولین بار در زمینه کمکهای اقتصادی کلیه مبالغ در نظر گرفته شده برای اسرائیل به صورت نقدی پرداخت می‌گردد و برای مصر هم ۱۱۵ میلیون دلار از اعتبار فوق نقداً پرداخت می‌شود. در حالی که بقیه این کمکها همگی به صورت اعتبار جهت واردات از آمریکا در نظر گرفته شده است و اگر نقش اعطای اعتبارات در اقتصادی غرب را نیز در نظر بگیریم، به اهمیت دو بعدی بودن این کمکها پی می‌بریم که از یک طرف منافع سیاسی در پی دارد و از طرف دیگر متضمن منافع اقتصادی آمریکاست.

از دیگر مواردی که در سند آمده است و برای خواننده امروزی بسیاری جالب می‌باشد، در خصوص دیون کشورهای در حال توسعه است.

«اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از جمله آمریکا اقداماتی را اتخاذ کرده‌اند تا از طریق آنها از سنگینی بار دیون کشورهای دارای حداقل رشد بکاهند... افزایش سرمایه صندوق بین‌المللی پول... به این کشورها کمک می‌کند که موازنه پرداخت را در کوتاه‌مدت از میان بردارند.»^۱

بدون آنکه اشاره‌ای به روش اتخاذ شده جهت کم کردن سنگینی بار دیون گردد، سعی گردیده که در این خصوص موضع خیرخواهانه را اعلام نمایند. اگر قرار بود در سال نوشتن گزارش (۱۹۷۸) این قسمت را ارزیابی می‌کردیم، شاید در ذهن خواننده قدری تردید در خیرخواهانه نبودن نیات آمریکا پیدا می‌شد ولی امروز ۸ سال از آن تاریخ می‌گذرد، اعداد رسمی گویای نتایج روشهای مزبور که با مشارکت دیگر دول صنعتی غرب اتخاذ شده، می‌باشد.

جدول شماره ۵ - بدهی کشورهای در حال توسعه

سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	ارقام موقت ۱۹۸۳	تخمین ۱۹۸۴	تخمین ۱۹۸۵
بدهی	۶۱۰	۷۰۲	۷۷۵	۸۴۳	۸۹۵	۹۷۰ میلیارد دلار آمریکا

متوسط رشد سالانه این بدهی‌ها بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ به ۲۰٪ رسیده بود. (۳۷)

ضمیمه شماره ۶

سازمان ملل

اساس شکل‌گیری سازمان ملل متحد برای مشروع نمودن اقتدار ابرقدرتها خصوصاً آمریکا بود و پوششی برای مقاصد توسعه‌طلبانه و یا حفاظت از وضع موجود، به نفع آنها بود و نیز برای تبلیغ این ایده بود که: هیچ مسئله بین‌المللی بدون لحاظ نمودن نقش ابرقدرتها قابل طرح و بررسی و در نهایت قابل حل نمی‌باشد. (۳۸) و لذا آمریکا در گشته با توان لازم از موجودیت این سازمان حمایت می‌کرد،

خصوصاً که در مواقع ضروری مثل جنگ کره از این طریق پوششی مشروع و جهان پسند جهت اقدامات خود کسب می‌نمود. ولی به مرور که کشورهای مستقل بیشتر شده و معیارهای قدرت تغییر نمود و ملل مستضعف فرصت خودنمایی پیدا نمودند، سازمان ملل از حالت یک طرفه بودن کامل خارج گردید، هر چند که جوهر و ماهیت این سازمان و دیگر ارگانهای بین‌المللی وابسته به آن تغییر اساسی نکرده است، ولی در ظواهر و مسایل نسبتاً فرعی قدرت مانور مطلق از آمریکا و غرب سلب گردید، و با رشد این روند، آمریکا نسبت به آن موضع‌گیری نمود.

برخورد ایالات متحده با مجامع بین‌المللی موید وجود یک رویه سلطه‌جویانه نسبت به این مجامع می‌باشد هر چند بدین صورت فریبنده بیان گردد که: «ایالات متحده علاقه‌مند به تلاش مخصوصاً» در موارد ذیل برای تبدیل سازمان ملل به عنوان تأمین‌کننده نیازهای روز افزون جامعه جهانی است.

بهبود روش‌های سازمان جهت حل مسالمت‌آمیز منازعات

هماهنگ‌سازی بیشتر برنامه‌های کمک فنی آژانسهای مختلف سازمان...^۱

ولی نحوه عملکرد آمریکا با سازمانهای جهانی طی لایحه کمکهای خارجی سال ۱۹۸۶ بدین صورت ارائه می‌شود که: کمک به آن دسته از سازمانهای بین‌المللی که برنامه‌هایی برای کمک به ساف، سوپو، لیبی، ایران و کوبا دارند، کاهش خواهد یافت» و یا اینکه در سال گذشته عضویت و کلیه کمکهای خود را به یونسکو لغو نمودند، زیرا عملکرد آن را موافق منافع خویش نمی‌دانستند هر چند که اکثریت کشورهای جهان آن را نپسندند. البته مسئله در این نیست که چرا آمریکا کمک و عضویت خود را لغو می‌کند؟ و یا فلان سازمان را تهدید می‌کند که اگر چنین تصمیمی بگیری، عکس‌العمل ما چنان خواهد بود؟^۲ بلکه مسئله اصلی این است که در چنین صورتی ادعای دفاع از حقوق بشر و کشورهای عقب مانده را نباید بنمایند، زیرا که این ادعا با آن عمل در تعارض می‌باشد.

اگر قطعنامه‌های ارائه شده در اجلاسهای سالانه مجمع عمومی سازمان ملل را به عنوان مسائل عمده جهانی منظور نماییم، آراء ایالات متحده در سال ۱۹۸۴ مؤید دیدگاه و سیاست خصمانه آمریکا در مقابل اکثریت کشورهای جهان می‌باشد. و حتی در بسیاری از موارد، ایالات متحده یگانه مخالف در برابر نظرات کلیه کشورهای جهان می‌باشد.

از مجموع ۳۰ قطعنامه مهم و حیاتی ارائه شد، آمریکا فقط به ۵ قطعنامه رأی مثبت داده است.

موضوع قطعنامه	تعداد مخالفین	رأی آمریکا
۱- وضعیت در آفریقای جنوبی	هیچ	ممتنع
۲- اقدام جهت منع آپارتاید	۲	منفی
۳- اجرای رأی شورای امنیت در نامیبیا	هیچ	ممتنع
۴- استعمار زدایی	۲	منفی
۵- وضعیت در افغانستان	۲۰	مثبت

۱- صفحه ۱۲۶ کتاب حاضر.

۲- در خصوص اخراج اسرائیل از مجمع عمومی سازمان ملل، آمریکا تهدید به خارج شدن از سازمان نموده بود و این در حالی است که ۱۴ بوجه سازمان را تأمین می‌کند.

موضوع قطعه نامه	تعداد مخالفین	رأی آمریکا
۶- اسکان یهودیها و کنوانسیون‌های ژنو	۱	ممتنع
۷- اشغال بلندیهای جولان	۱	ممتنع
۸- کنفرانس صلح خاومیهانه	۳	منفی
۹- تصویب معاهده قانون دریاها	۲	منفی
۱۰- منشور حقوق و عوارض اقتصادی	۱۰	منفی
۱۱- تهدید اقتصادی کشورهای در حال توسعه	۱۹	منفی
۱۲- محصولات مضر برای سلامت و محیط	۱	منفی
۱۳- بودجه سازمان ملل	۱۷	منفی
۱۴- تبعیض علیه زنان	۱	منفی
۱۵- پروتکل مربوط به منع مجازات اعدام	۱۹	مثبت
۱۶- قانون تجاوز علیه صلح و امنیت بشر	—	ممتنع
۱۷- تأمین مالی نیروهای حافظ صلح در لبنان	۱۵	مثبت
۱۸- منع آزمایش‌های سلاحهای هسته‌ای	۳	منفی
۱۹- جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا	هیچ	ممتنع (تنها)
۲۰- متوقف ساختن سلاحهای هسته‌ای	۱۲	رأی ممتنع
۲۱- کاهش بودجه‌های نظامی	۱۶	منفی
۲۲- سلاحهای شیمیایی و باکتریولوژیکی	۱۶	مثبت
۲۳- سلاحهای شیمیایی (شامل سلاحهای مضاعف)	۱	مثبت
۲۴- اقدامات یک جانبه درمورد خلع سلاح	۱	منفی
۲۵- زمستان هسته‌ای	—	منفی
۲۶- گزارش کنفرانس خلع سلاح	۱	منفی
۲۷- جلوگیری از جنگ هسته‌ای	۱	منفی
۲۸- مطالعه و توسعه و تحقیقات نظامی	۱	منفی
۲۹- محدود کردن مسابقه تسلیحات دریایی	۱۹	منفی
۳۰- اجرای امنیت جمعی	۲۲	منفی

بدین صورت جمع آراء آمریکا ۱۸٪ بوده است در حالی که یک صد کشور عضو سازمان بالای ۸۶٪ رأی داده‌اند، این ارقام و استناد دارد در شمارش آراء براساس توافق هر کشور با معیارهای ذیل می‌باشد:

برقراری صلح جهانی و روابط عادلانه بین ملتها، برابری اقتصادی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی،

سازمان جهانی مؤثر، حفظ محیط زیست و اعتدال زیست بومی.
در صد آراء ایالات متحده در سال ۱۹۸۳ برابر ۱۳٪ بوده است. (۳۸)

والسلام علی من التبع الهدی

۶۴/۱۲/۱۶

یادداشتها

- (۱) صدر، تأسیسات و سازمانهای بین‌المللی، تهران ۱۳۵۰، ص ۸۳
 - (۲) ش، دولاند، تاریخ جهانی، از قرن ۱۶ تا عصر حاضر، احمد بهمنش، تهران ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۶۲
 - (۳) پیر رنون، تاریخ روابط بین‌الملل، بحرانهای قرن بیستم، تهران ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۹۳ - ۱۱۰.
 - (۴) همان کتاب، ص ۱۸۲.
 - (۵) همان کتاب، ص ۳۱۰.
 - (۶) همان کتاب، صص ۲۸۳ - ۲۸۴.
 - (۷) لورنس اچ شوپ و ویلیام میتر، تراست مغزهای امپراطوری، منصور آسیم، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۴۰.
 - (۸) پیر رنون، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۷۶ - ۴۷۳.
 - (۹) حمید بهزادی، «سیاست خارجی آمریکا از دیدگاه مورگانتا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۸ (دی ۱۳۵۴)، ص ۶۳ - ۷۰.
 - (۱۰) الموسوعه السياسیه، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، بیروت، ج ۱، ص ۴۳۷.
 - (۱۱) هنری کیسینجر، «سیاست خارجی آمریکا»، حسن محمدنژاد، تهران ۱۳۵۳، ص ۱۱۸، ص ۱۲۴
 - (۱۲) حمید بهزادی، همان کتاب، شماره ۲۰ (بهمن ۱۳۵۶)، ص ۱۰۶.
- (13) Ed. j. Dorman "United States National, Security Policy in The Decade Ahead." 1978
- به نقل از نشریه «الفکر الاستراتیجی العربی»، معهدالانماء العربی، بیروت ۱۹۸۱، شماره اول.
- (۱۴) آندره فونتن، یک بستر و دو دریا، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران ۱۳۶۳، ص ۷۸.
 - (۱۵) برای اطلاع بیشتر در زمینه دسترسی اسرائیل به سلاح اتمی به کتاب «القه العسکریه الاسرائیلیه» از سلسله دراسات استراتیجی شماره ۲ - مرکز العالم الثالث للدراسات و النشر - لندن مراجعه شود.
 - (۱۶) برای اطلاع بیشتر به کتابهای مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی شماره‌های ۴۵ و ۴۶ «دخالت‌های آمریکا در کشورهای اسلامی» پاکستان (۱) و (۲) مراجعه شود.
 - (۱۷) در زمینه جنایاتی که غرب در حق بشریت نموده است، کتب و مقالات فراوانی وجود دارد و در این جا فقط جهت اطلاع قسمتهایی از دو کتاب را مرور می‌نماییم.
- «در سده هفدهم آفریقایان را همانند حیوانات به تاراج می‌بردند، گردانهایی از اروپاییان «متمدن» روستاهای بومیان آفریقا را محاصره می‌کردند و خرد و بزرگ را گروه گروه به ساحل می‌کوچاندند و در آنجا در کشتیهایی که لنگر انداخته و بادبان برافراشته بودند، بار می‌کردند. در هر یک از این کشتیها ۳۰۰ نفر سیاه، مرد، زن و کودک را، همانند چهارپایان، روی هم می‌انباشتند. سپس کشتیها بردگان آینده را به سوی سواحل آمریکا می‌بردند و در آنجا، صاحبان مزارع پنبه در انتظار آنان بودند، شکار برده در تمام قاره آفریقا گسترش می‌یافت. بدین سان ۱۰ میلیون آفریقایی به آمریکاییها فروخته شدند و چند میلیون نفر از آنان نیز به هنگام گذر از اقیانوس اطلس جان سپردند و در

حدود ۱۰ میلیون نفر آنان نیز به هنگام حمل و نقل در داخل قاره آفریقا کشته شدند و یا مردند. تجارت سیاهان برای قاره آفریقا به قیمت زندگی حداقل ۶۰ میلیون دختر و پسر آفریقایی تمام شد. خرید و فروش موجودات انسانی نه تنها وجدان کمال جوی اشرافان اروپایی را ناراحت نمی‌کرد، بلکه به گونه‌های مختلف چنین سوداگری بر سر انسانها را تشویق هم می‌کردند.

الیزابت اول، ملکه انگلستان، به نخستین پیشگام سوداگران بردگان، جان هوکینز عنوان «نجابت» را داد. این شوالیه نخواست باشتاب دستور داد که برای وی جعبه‌ای درست کنند که روی آن یک سیاه به زنجیر کشیده نقش شده باشد.

در سده هجدهم یک نفر کشاورز از اهالی ویرجینیا، به نام چارلز لینچ در برابر سرکشی‌های سیاهان خود به داوری پرداخت. لینچ نقش دادستان بازپرس، وکیل مدافع و دژخیم را یک جا به عهده می‌گرفت. وسیله اجرای «عدالت» وی یک طناب و یک شاخه درخت بود. بدون کوچکترین چون و چرائی سیاهان گریزان از بردگی را به دار می‌آویخت، شیوه ابداعی چارلز لینچ بیش از دویست سال به نام «قانون لینچ» در سرتاسر آمریکا به اجراء درآمد و هزاران سر سیاه زیور شاخه درختان شد.

در قرن نوزدهم اشغالگران سفیدپوست، بی‌رحمانه جمعیت بومی جزیره تاسمانی (استرالیا) را از بین بردند و آخرین بازمانده آنان در سال ۱۸۶۷ جان سپرد. در سرزمین وسیع استرالیا استعمارگران انگلیسی بومیان را معدوم می‌ساختند، عشیره‌ها را تیرباران می‌کردند، با استرکنین (چون سگ) مسموم می‌نموده و یا وادار می‌کردند از گرسنگی بمیرند.

تنها چند ده هزار نفر از بومیان «وحشی» توانستند از چنگ اروپاییان «متمدن»! بگریزند و در بیابانها و سنگلاخ‌ها پناه گیرند، بقیه با خون خود سرزمین استرالیا را آبیاری می‌کردند.

در دهه چهارم سده بیستم، آلمان فاشیستی در جستجوی «فضای - تنفسی» نخست کشورهای همجوار را به تصرف درآورد، سپس به هوس به چنگ آوردن سرزمینهای وسیعتر و نیروی انسانی ارزان‌بها تر و مصرف کنندگان پرشمارتر افتاد. هیتلر برای تحقق داستان «گرگ و میش» اعلام کرد: «ما باید این جماعت را از بین ببریم، چنین کاری جزو وظایف ما در حمایت از ملت آلمان به شمار می‌آید.

لازم است که ما شیوه‌ها و شگردهای نابودسازی جماعت را پی‌گیری کنیم (کوره‌های آدم سوزی در آشویتس). اگر از من پرسند منظورم از نابودسازی جماعت چیست پاسخ خواهم داد که منظورم نابود کردن تمام یک نژاد است. تقریباً این است که می‌خواهم به انجام رسانم و این وظیفه من است... اگر من گل‌های ملت آلمان را به جهنم جنگ اعزام می‌کنم و خون گرانبهای آلمانی را نثار می‌کنم، مسلماً من حق دارم میلیونها آدم از نژاد پست را نابود سازم که چون کرم زیاد می‌شوند، یکی از وظایف عمده سازمان اداری آلمان عبارت از این است که از رشد نژاد اسلاو پیشگیری کند.»

نقل از کتاب «فقر و جنایت در آمریکا»، پرخاشگری انسان، نوشته د. شیخاوندی، ص ۹ - ۱۱، در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در قوانین جزائی و مجازاتها و نیز در روحیه ضد انسانی فرد غربی می‌توان به کتاب جرم‌شناسی در جلد دوم رضا مظلومان بحث دوم و سوم مراجعه نمود. در زیر فقط گوشه‌هایی از این موارد ذکر می‌شود.

در سال ۱۸۱۴ سه نوجوان به سنین ۸ - ۹ - ۱۱ به علت دزدیدن یک جفت کفش محکوم به مرگ شدند.» صفحه

۱۶۴

«وهنر Vehnner» با تشریح شکنجه‌های تحمیلی به یک زن آهستن که در سال ۱۶۳۱ صورت گرفته است و ذکر

منظره دلخراش و بیان نعره‌ها و فریادهای ملت‌سازانه او، به خوبی رنجها و آزارهای تحمیلی به هزاران قربانی به قتل رسیده و شکنجه و عقوبتهایی را که زیر عنوان «درک حقیقت و عدالت خواهی» انجام می‌شد، نشان می‌دهد. شرح این شکنجه‌ها که از پرونده این زن استخراج شده است و لرزه به بدن هر انسان می‌اندازد، به طور اختصار عبارت است از:

- ۱ - دستهای زن را بستند و او را روی نردبانی بالا کشیدند و آنقدر از هر دو طرف او را پیچاندند، که قلبش در حال ترکیدن بود.
- ۲ - چون هنوز به هیچ وجه اعتراف نمی‌کرد، شکنجه‌ها را از نو آغاز کردند. موهای سرش را تراشیدند و او را مجدداً به نردبان بستند. سپس روی سرش الکل ریختند و می‌خواستند تمام سر تراشیده‌اش را بسوزانند.
- ۳ - زیر بغلها و زیر گوشه‌هایش را با آتش سوزاندند.
- ۴ - طنابی به دست‌هایش بستند و به وسیله آن، او را تا سقف بالا کشیدند.
- ۵ - سپس او را پایین آوردند و باز بالا بردند. این عمل چهار ساعت تا موقع نهار قضات ادامه داشت.
- ۶ - هنگامی که داوران برگشتند دستها و پاهای زن آبستن را به پشت بستند.
- ۷ - روی سر او الکل ریختند و پشتش را با کبریت شعله ور کردند.
- ۸ - بعد روی پشتش وزنه‌های سنگین بستند و او را بالا کشیدند.
- ۹ - سپس از نو، او را روی نردبان خواباندند.
- ۱۰ - آنگاه روی پشتی یک تخته سنگین پر از میخهای نوک تیز بستند و از دستهای بسته، او را تا سقف بالا کشیدند.

۱۱ - بعد پاهای او را بستند و روی آنها یک وزنه بیست و پنج کیلوئی آویزان کردند، به طوری که هر آن قلبش در شرف توقف کامل بود.

- ۱۲ - از نو زانوها و پاهایش را به طوری محکم بستند که خون از شست او سرازیر شد.
- ۱۳ - قضات به این هم راضی نشدند و دستور دادند که او را یک دفعه دیگر به گیره شکنجه ببندند.
- ۱۴ - روز بعد برای چندمین بار شکنجه را آغاز کردند و به او گفتند تا رسیدن مرگ، شکنجه خواهد شد.
- ۱۵ - آنگاه از دستهای او را آویزان کردند، به طوری که دیگر نمی‌توانست نفس بکشد.
- ۱۶ - بعد او را شلاق زدند.
- ۱۷ - سپس او را به گیره و چنگ بستند و مدت شش ساعت به همان حال باقی گذاشتند.
- ۱۸ - پس از آن به طور رقت باری او را با ترکه به مدت یک روز کتک زدند.
- ۱۹ - روز دیگر شکنجه‌ها را از نو آغاز کردند. او را از همه طرف محکم بستند و به مدت شش ساعت در گیره شکنجه، عقوبت دادند. «از صفحه ۱۶۵ تا ۱۶۷».

(۱۸) در انگلستان اخذ رأی همگانی فقط از سال ۱۹۱۸ ایجاد شده و زنان از ۱۹۲۸ حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی مردان به دست آوردند. رضا علومی - اصول علوم سیاسی جلد اول صفحه ۳۹۴

(۱۹) بحران اقتصادی ۱۹۲۹ که غرب و اقتصاددانان آن را شوکه نمود سبب بروز تفکرات جدیدی در اقتصاد شد. و کینز با ارائه نظریات جدید خود که نافی نظریات اقتصادی کلاسیکها بود، پیشنهادات اصلاحی در جهت دخالت دولتها در اقتصاد و نیز توزیع بیشتر درآمدها برای افزایش مصرف و خروج از بحران را مطرح نمود که با قبول نسبی سرمایه‌داری غرب مواجه گردید.

(۲۰) برای اطلاع بیشتر از چگونگی عملکرد وسایل ارتباط جمعی در عرب به صفحه ۲۱۷ - ۲۲۷ کتاب جامعه‌شناسی سیاسی موريس دورژه ترجمه ابوالفضل قاضی مراجعه نمائيد. همچنين نگاهی به اخبار تلویزیونهای غربی مبین این واقعیت است که چگونه مردم خود را از حقایق دور نگه می‌دارند. مثلاً ممکن است خبر فلان سگی که وارث ثروت صاحب بدون فرزند خود شده است، برای چند روز از مهمترین خبرهای تلویزیون محسوب شود و یا خبر فردی که سه پیرزن را به طرز مشابهی کشته است و اقدامات پلیس در دستگیری آن و عکس‌العمل مردم و پیرزنها از داغترین اخبار باشد و کلیه افکار عمومی را به خود متوجه کند و این در حالی است که در همان موقع مسائل مهمی در آمریکای لاتین، خاورمیانه و حتی روابط شرق و غرب در جریان می‌باشد.

(۲۱) برای درک بهتر اینکه ورود سلاح اتمی چه تغییراتی را در روابط کشورهای به وجود آورده است، به کتب زیر مراجعه شود:

- حمید بهزادی، قدرتهای بزرگ و صلح بین‌الملل از دیدگاه مورگانتا، تهران ۱۳۵۶.

- هنری کیسینجر، همان کتاب

(22) Of the World's of Cecil Rhodes. 1895.

(۲۳) حمید بهزادی، «سیاست خارجی آمریکا از دیدگاه مورگانتا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۹ (آذر ۱۳۵۵)، ص ۱۰۵.

(24) International Financial Statistics, Year Book 1985, P. 136.

(۲۵) همان کتاب، ص ۱۳۶.

(۲۶) نشریه سالانه صندوق بین‌المللی پول (I.M.F)

(۲۷) «آفریقا در چنگال چند ملیتی‌ها» روزنامه کیهان، ۲۹/۱۱/۱۳۶۴.

(۲۸) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

- جمشید ممتاز «نظام نوین دریاها و اقیانوسها»، نشریه روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی شماره‌های ۱۱ و ۱۲ تهران ۱۳۵۸، ص ۲۵۳ به بعد.

- «طرح مالت»، ترجمه پرویز علوی و... مرکز مطالعات عالی بین‌المللی ۱۳۵۶.

(۲۹) سید حسین سیدی، «اقیانوس و آینده بشریت»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۹ (آذر ۱۳۵۵)، ص ۵۷.

(۳۰) حمید بهزادی، همان مقاله، شماره ۱۸ (دی ۱۳۵۴)، ص ۶۶.

(۳۱) آلبرتینی، مکانیسم‌های از رشد ماندگی، الف، بنی‌صدر، تهران ۱۳۵۲، ص ۱۲۴.

(۳۲) همان کتاب، ص ۱۲۶

(۳۳) همان کتاب، ص ۱۱۸

(۳۴) همان کتاب، ۱۲۷

(۳۵) ع. عبدی، «جایگاه واقعی مردم در نظام اسلامی»، روزنامه کیهان ۷/۱۰/۱۳۶۴.

(۳۶) اعداد مربوط به این بخش از نشریه:

Congressional Quarterly Weekly Report, August 3. 1985. اخذ شده است.

- (۳۷) به نقل از «تراز» هفته نامه بازرگانی خارجی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی وزارت بازرگانی، شماره ۱۲ (۶۴/۹/۱۸)، ص ۲.
- (۳۸) مراجعه شود به: حمید بهزادی «قدرتهای بزرگ و صلح بین الملل از دیدگاه مورگانتا» تهران ۱۳۵۶.
- (۳۹) مطالب مربوط به آراء در سازمان ملل از گزارش که در نشریه «در مجامع بین المللی» فصل نامه اداره کل امور بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دوره دوم شماره هفتم، آبان ۱۳۶۴ چاپ شده است، استخراج گردیده است.

کتاب شصت و پنجم

روندهای اقتصادی و

سیاسی در

شبه جزیره عربستان

مقدمه

من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید. ابرقدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضاء کند، شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد، آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می‌گویند. چه خوب است که بعضی سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زور و زر و تزویر خود این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویند، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که آمریکا و فرانسه و انگلیس چه منفعی در آبهای خلیج فارس دارند که تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می‌خواهند آن را حفظ کنند؟

از پیام حضرت امام خمینی

به مناسبت حج سال ۱۴۰۷ هجری قمری

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برجیده شدن نظام ستم‌شاهی، قدرتهای شیطانی جهان و در رأس آنها شیطان بزرگ آمریکا با به کارگیری بخش عمده‌ای از توش و توان خود، بر آن شدند تا با این حرکت الهی به مقابله جدی برخیزند. لذا از یک طرف در داخل کشور با انجام انواع توطئه‌ها و کارشکنیها توسط ایادی وابسته به خود، به ضعف نظام اسلامی و نهایتاً پشت کردن مردم به انقلاب و یا حداقل بی‌تفاوتی آنان در قبال مسائل حکومتی دل نهاده و از طرف دیگر با شتاب و سراسیمگی

فراوان کمر به محاصره انقلاب اسلامی بستند.

لذاست که در جهت تحقق هدف اخیر، کلیه عوامل اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در منطقه، خصوصاً کشورهای همسایه و در این میان کشورهای و در این میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل حساسیت ژئوپولتیکی و اقتصادی این منطقه - به کار گرفته شد تا با بررسی زمینه‌های موجود در این کشورها، امکان صدور انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری این مناطق از آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

سندی که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته جزوای است پیرامون روند اقتصادی، سیاسی کشورهای شبه جزیره عربستان، که دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و عمدتاً با هدف فوق‌الذکر توسط دفتر تحقیقات اقتصادی بخش کشورهای در حال رشد تهیه شده است. هدف از تهیه گزارش در مقدمه آن به خوبی مشهود است:

فراهم آوردن اطلاعاتی در مورد کشورهای شبه جزیره عربستان و بازشناسی فشارهای عمده اجتماعی، سیاسی اقتصادی جهت ایجاد تغییر در منطقه و نهایتاً تعیین وجوه تشابه و افتراق عوامل تغییر و تحول در ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان.

از لابه‌لای این سند، به خوبی می‌توان هراس آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی و صدور آن به کشورهای منطقه را مشاهده کرد. عوامل اطلاعاتی آمریکا در کشورهای منطقه، با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی داخلی، به جمع‌آوری و دسته‌بندی آخرین اطلاعات پیرامون اوضاع سیاسی اقتصادی و نظامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس پرداخته‌اند. به واقع آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دست به یک بسیج اطلاعاتی در کشورهای همسایه ایران - خصوصاً کشورهای منطقه خلیج فارس زده است تا پیش از رسیدن پیام انقلاب اسلامی به مردم این کشورها و بروز زمینه‌ها و عوامل تغییردهنده در نظام دولتهای منطقه، با تدارک و پیش‌بینی تمهیدات لازمه از میزان آسیب‌پذیری این دولتها - که اکثراً فاقد پایگاه مردمی محکم بوده - بکاهد.

از آنجا که دیدگاه آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی از ابتدا دیدگاهی غیرواقعی بوده و بر این دیدگاه غلط نیز با تبلیغات دروغین و به کارگیری دیپلماسی خود، پای فشرده است، این دیدگاه در تمامی تحلیلها و اسناد مربوط به ایران تأثیر ناگزیر خود را گذاشته است.

در این اسناد، میزان تأثیرپذیری دولتهای حاشیه جنوبی خلیج فارس یعنی کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان بیش از دو دولت یمن شمالی یمن جنوبی برآورد شده است. البته حساسیت آمریکا بر شش کشور مزبور نیز بیشتر است، چرا که دولت جمهوری دموکراتیک یمن (یمن جنوبی) خارج از مدار اعمار آمریکا بوده و جمهوری یمن (یمن شمالی) نیز به سبب فقر منابع مادی و برخوردار نبودن از موقعیت ژئوپولتیکی درجه یک از حساسیت آنچنانی برخوردار نیست.

در این تحلیل، آن دسته از مطالبی که حساسیت بیشتری برای آمریکا در برداشته است، شامل

محورهای زیر می‌باشد:

۱- تحلیل پدید آمدن انقلاب اسلامی با یک دید مادی صورت گرفته است، چنانکه در ابتدای کتاب در بخش «نگرشی کلی» بروز نارضایتی در مردم را معلول افزایش قیمت نفت و تضاد برنامه‌ریزیهای

- تجددطلبانه با راه و رسم سنتهای اجتماعی می‌داند.
- ۲- با تبلیغ رفورم به جای انقلاب برای کشورهای منطقه، این روش را تنها راه در امان ماندن از رشد انقلاب اسلامی و صدور آن می‌داند.
- ۳- علت دیگر بر سقوط رژیم پهلوی در ایران را تز «دفاع از کشور» حتی به قیمت رفاه اجتماعی ذکر می‌کند!!
- ۴- در قسمتهای مختلف سند عنوان شده که در کشورهای خلیج فارس، دولتها با فراهم آوردن امکانات فراوان اقتصادی برای مردم می‌خواهند از تغییر و تحول جلوگیری کنند. (به نظر می‌رسد که نویسنده نسبت به این تز و موفقیت آن خوشبین است).
- ۵- نیروهای مسلح این کشورها غالباً نقش بازدارنده را دارند و تنها می‌توانند تا زمان رسیدن نیروهای کمکی خارجی، مقاومت نمایند.
- ۶- تأثیر انقلاب اسلامی در عملکرد حکام خلیج فارس تاکنون این بوده که به مردمشان بیشتر رسیدگی کنند.
- آمریکا و سایر قدرتهای شیطنی، همواره از درک این معنا که اسلام و انقلاب اسلامی مهارناشدنی بوده و به مثابه یک اعتقاد ناب به هر جا که انسان و انسانیت است راه یافته و تشنگان استقلال و آزادی را سیراب می‌کند، عاجز بوده و با این تفکر که با به کارگیری عوامل اقتصادی، نظامی و سیاسی، می‌توان مانع صدور انقلاب اسلامی شد، هر روز بیش از پیش بر تلاش خود می‌افزایند.
- علیرغم کج فهمی ابرقدرتها اکنون در این برهه حساس از تاریخ مسلمین جهان و مستضعفان به خوبی معنا و مفهوم صدور اسلام و انقلاب اسلامی را دریافته و مصادیق مختلفی در طول نه سال پس از پیروزی انقلاب بر آن یافته‌اند.
- بدون تردید، شعاع تأثیر مبارک انقلاب اسلامی، سراسر جهان اسلامی را در بر گرفته و اسلام اکنون به عنوان قدرتی معنوی و الهی در مقابل تمامی قدرتهای شیطنی، سرفرازی می‌کند.
- اگر انقلاب اسلامی در ایران پیروز نشده و قدرت شیطنی آمریکا در ایران ضربه نخورده بود، بدون تردید:
- ۱- پیمان نامیمون کمپ دیوید، علاوه بر مصر اکثر کشورهای عربی و چه بسا تمام آنان را شامل شده و در این رابطه آمریکا و غاصبان قدس به پیروزی بزرگی دست یافته بودند.
- ۲- ترور انقلابی سادات خائن اتفاق نمی‌افتاد و موج آن در مصر انقلابی، علیه رژیم مبارک و منافع نامشروع آمریکا در این کشور اسلامی به حرکت در نمی‌آمد.
- ۳- دولتهایی چون رژیم آل سعود حتی خود را ملزم بر حفظ ظواهر اسلامی نمی‌دیده و بدون پرده‌پوشی و ریاکاری خود و مقدرات کشور اسلامی حجاز را تماماً در اختیار ابرقدرت آمریکا قرار می‌دادند و خود را از بروز حرکتهای اسلامی مخالف، در امان می‌پنداشتند.
- ۴- رژیم نمیری در سودان هنوز بر سر کار بود و....
- ۵- جغرافیای سیاسی در لبنان با آنچه که امروز هست، تفاوت کلی داشت و تفنگداران آمریکا و فرانسه، اینچنین دلبرانه هدف عملیات قهرمانانه ملت مسلمان لبنان قرار نمی‌گرفتند.
- ۶- در تونس رژیم حاکم به کلی آسوده خاطر بود و خطری از جانب ملت مسلمان تونس متوجه

خود نمی‌دید. بدون شک آمریکای جهانخوار در مقابل پیروزی انقلاب، از خود واکنش نشان خواهد داد و اگر از جاسوسی و فتنه‌گری و دیپلماسی مزورانه طرفی نبندد، از به کارگیری نیروی تجاوزگر نظامی ابا نخواهد کرد. چرا که خوی جهانخواری و تجاوزگری امپریالیسم تحمل‌گسترش‌اندیشه‌ناب اسلام انقلابی را ندارد و بقا و رشد آن را به منزله انحطاط و نابودی خود می‌داند. اما چه باک که رهروان راه شهادت از آن روز که شعار نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی را سر دادند خود را برای مقابله با قدرتهای ضد خدایی مهیا نموده و دل به دریا زده‌اند - و سرانجام کار را احدی‌الحسنین - پیروزی یا شهادت می‌دانند.

حسن ختام مطلب را از پیام تاریخی امام به مناسبت حج می‌آوریم: «من با اطمینان می‌گویم اسلام، ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری بر طرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۱۳۶۶

قابل توجه:

منابع و روشهای اطلاعاتی به کار گرفته شده است.

اطلاعات امنیت ملی:

افشای غیرمجاز مشمول مجازات جنایی خواهد بود.

علائم اختصاری

NF	غیر قابل پخش برای ملیتهای خارجی
NC	غیر قابل پخش برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکار
PP	احتیاط - مشمول اطلاعات انحصاری
NO	فقط برای ادارات
OC	انتشار و اقتباس اطلاعات تحت نظارت تهیه کننده اصلی است
REL	مجاز است که این اطلاعات در اختیار... قرار گیرد
FGI	اطلاعات دولت خارجی
U	طبقه بندی نشده

طبقه بندی مستخرج (مشتق) توسط ۴۸۳۶۲۶ - این نشریه به صورت میکروفیش در دسترس می باشد
- موعده تجدیدنظر ۶ آوریل ۱۹۹۹ - برای اخذ یک نسخه میکروفیش از این نشریه با
۷۱۷۷

CCR/DSB تماس بگیریید.

برای نسخه های آتی (علاوه بر یا به جای نسخه های
مقوایی) با PPG/RD ۵۲۰۳ تماس بگیریید.

جلد

مرکز ملی اطلاعات خارجی سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
یک ارزیابی اطلاعاتی - تحقیقات مربوط به این گزارش در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۷۹ تکمیل گردید.

روندهای اقتصادی و سیاسی در شبه جزیره عربستان

نویسندگان اصلی این گزارش عبارتند از: گوردن فرالین و توماس زرن از «دفتر تحقیقات اقتصادی
- بخش کشورهای در حال رشد». تحلیلگران دیگری نیز در تهیه این گزارش مشارکت داشته اند
منجمه از دفاتر تحقیقات اقتصادی تجربه و تحلیل سیاسی، مرجع مرکزی، تحقیقات جغرافیایی و
نقشه برداری و تحقیقات استراتژیکی. نظرات و سؤالات مورد استقبال بوده و باید برای آقایان فرالین و
یا زرن (تلفن ۷۲۳۴ - ۳۵۱) ارسال شود.

این گزارش در دفتر تحقیقات اقتصادی، هماهنگ با دفاتر تجزیه و تحلیل سیاسی، تحقیقات
استراتژیکی، تحقیقات جغرافیایی و نقشه برداری و مرجع مرکزی، تنظیم گشته است.

سری

ER۷۹-۱۰۲۲۲

آوریل ۱۹۷۹

غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

سری

فهرست

مقدمه

نگرش کلی

بحرین: کشوری که اداره امور اقتصادی و سیاسی اش حادث می شود
کویت: کشوری که با رشوه از وقوع انقلاب جلوگیری می کند
یمن شمالی: روابط این کشور با عربستان سعودی توفیقی روبانند است
عمان: کشوری که قرن بیستم را درک می کند
قطر: یک مؤسسه خانوادگی که به وسیله توسعه مورد تهدید قرار گرفته است
عربستان سعودی: نیروهایش را برای پذیرش تحولات توازن می بخشد
یمن جنوبی: خنجری که از پشت به شبه جزیره عربستان فرو رفته است
امارت متحده عرب: فشار در جهت وحدت بیشتر

ضمائم*

ضمائم آماری

نمودارها

۱- اهمیت انرژی (کشورهای) غیر کمونیست

۲- ذخایر انرژی بین المللی

۳- اهمیت (این شبه جزیره) به مثابه کمک رسان اقتصادی

غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

سری

مقدمه

هدف از این گزارش این است که: (الف) برای گروه دست اندرکار سیاست خارجی زمینه‌ای اطلاعاتی در مورد کشورهای شبه جزیره عربستان فراهم نماید؛ (ب) فشارهای عمده اجتماعی سیاسی و اقتصادی را جهت ایجاد تغییر در منطقه مشخص نماید و تا آنجا که ممکن است روابط میان این عوامل را باز شناساند؛ (ج) وجوه تشابه و افتراق عوامل تغییر و تحوّل در ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان را تعیین نماید. این ارزیابی را به هیچ وجه نباید به عنوان برآوردی از امکان و یا عدم امکان بقاء و تداوم دولتهای حاکم منطقه تفسیر کرد.

روندهای اقتصادی و سیاسی در شبه جزیره عربستان

نگرش کلی

جهشهای بهای نفت در اوپک طی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ موقعیت شبه جزیره عربستان را در جهان به شدت تقویت نموده، نیروهای عظیمی را برای تغییرات درونی به حرکت در آورده است. طی

* برای ملاحظه جداول و نمودارها به متن اصلی مراجعه فرمایید.

چند سال گذشته، کلیه کشورهای منطقه برنامه‌های اقتصادی تجدیدطلبانه‌ای را با شتاب پذیرفته و در پیش گرفته‌اند، و این امر - آن گونه که در مورد ایران صادق است - ارزشهای سنتی اجتماعی را مورد تهدید قرار داده است. برای بسیاری از این کشورها، این مسئله عوارض منفی‌ای از قبیل تنگناهای توزیع، تورم شتاب یافته، هر چه بیشتر در معرض نفوذ بیگانه قرار گرفتن، نابرابریهای وسیعتر درآمد و شیوع فساد را به همراه داشته است. همچون دولت ایران، حکومت‌های این کشورها در اختیار خانواده‌های سلطنتی‌ای قرار دارند که مایل به تقسیم قدرت خویش با طبقه متوسط در حال پیدایش و رشد نمی‌باشند.

به هر ترتیب، صرف نظر از این شباهتها، آن کشورها با ایران قابل قیاس نبوده و یا از وجوه تشابه بارزی برخوردار نیستند. هر چند نهادهای دموکراتیک در سراسر منطقه ضعیف می‌باشند، لکن اکثر کشورها از چنان روشهای سنتی که نفوذ شکایات و خواستهای مردم را به صورت تصفیه شده به مرکز حکومت مقدور می‌سازد، بهره می‌جویند. در بسیاری از موارد، رسوم و عرف مذهبی به مثابه عامل مهمی در خط‌مشی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که انقلاب ایران و عواقب ژئوپلیتیکی آن درون شبه جزیره عربستان مایه نگرانی جدی است، به نظر می‌رسد که اکثر این کشورها، به جای انقلاب به مفهوم واقعی کلمه، با بی‌میلی تحولات سیاسی تدریجی توأم با کاهش شتاب در روند تجدیدطلبانه اجتماعی و اقتصادی در آینده نزدیک را برگزیده‌اند.

شبه جزیره عربستان و جهان

تملک منابع عظیم نفتی به شبه جزیره عربستان در جهان مقامی برجسته بخشیده است. وجهه‌ای که این گونه منطقه در اوپک و در امور مربوط به اعراب کسب نموده است، در غیر این صورت قابل حصول نبود. افزایش بهای نفت در سالهای اولیه دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ به کشورهای ثروتمندتر منطقه مسئولیتهای بین‌المللی وسیعی سپرده است، که دستگاه رهبری و نهادهای موجود در آن کشورها فاقد آمادگی لازم برای پذیرش و ادای آن تعهدات بوده‌اند.

ذخایر شناخته شده نفتی در شبه جزیره عربستان ۴۸٪ کل ذخایر جهان آزاد را تشکیل می‌دهد. تولید نفت خام - عمدتاً در سه کشور واقع در خلیج فارس - به ۲۸٪ آن ذخایر می‌رسد. (به نمودار شماره ۱ رجوع شود)

تخلیه ذخایر در بحرین و عمان هم‌اکنون نیز بازده را به اوج خود رسانیده است. با وجود آنکه در دو کشور یمن نفتی کشف نشده است، این کشورها نیز از ثروتهای همسایگان خود سود برده‌اند. عربستان سعودی بزرگترین تولیدکننده نفت در منطقه بود و پس از اتحاد جماهیر شوروی، مقام دوم را از نظر بازده در دنیا داراست. در نتیجه امکانات بالقوه برای افزایش تولید، عربستان سعودی به عنوان تأمین‌کننده اصلی و نهائی تلقی شده و کانون فشارهای بین‌المللی برای پائین نگاهداشتن قیمت نفت می‌باشد. در گذشته، توان استفاده از ظرفیت مازاد در حقیقت به مثابه اهرمی برای تعدیل بهای نفت اوپک - که به نظر سعودیها ثبات اقتصادی جهان را تهدید می‌نمود - مورد استفاده قرار گرفته است. عمدتاً به منظور حفظ تنها منبع طبیعی با ارزش خویش، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی، سقف تولیدی بر استخراج نفت خود قائل گشته‌اند. با در نظر گرفتن کاهش تولید نفت خام ایران

در ماههای اخیر و کمبود جهانی متعاقب آن، سعودیها قسمت عمده‌ای از قدرت نفوذ خویش در خط‌مشی قیمت‌گذاری اوپک را از دست داده‌اند.

عامل دیگری که بر دیدگاه‌های کشورهای نفت‌خیز درباره‌ی سطح تولید مؤثر بوده است، انباشتگی ارزش رسمی خارج آنان است (به نمودار شماره ۲ رجوع کنید). علیرغم انگیزه‌های شتابنده‌ی توسعه‌ی اقتصادی و برنامه‌های عظیم مربوط به کمک‌های خارجی، جمعیت اندک و توانایی‌های ناچیز برای جذب، مانع استفاده‌ی کامل از درآمدهای نفتی بوده است. در عرض پنج سال، میزان دارایی ذخیره‌ی خارجی رسمی (در تملک دولت) منطقه از نسبت ۵٪ در جهان آزاد به ۱۷٪ در سال ۱۹۷۸ رسیده است. چهار تولیدکننده‌ی اصلی نفت اکنون دارای بیش از ۱۰۵ میلیارد دلار (دارایی ذخیره) و کل شبه جزیره ۱۰۸ میلیارد دلار می‌باشند - که قسمت عمده‌ی آن در خزانه‌های آمریکا و اروپای غربی قرار دارد. عربستان سعودی به تنهایی از دارایی ارزی بیشتری از هر یک از کشورهای آلمان غربی و ژاپن برخوردار است. در نتیجه‌ی این ذخایر انعطاف مالی عظیمی ایجاد شده است، به طوری که کشورهای ثروتمندتر قادرند برای ۲۰ تا ۴۵ ماه واردات خود را تأمین نمایند - در مقایسه با استاندارد عمومی ۵ ماه در کشورهای کمتر رشد یافته (S-NF).

درآمدهای نفتی به طور معتناهی توانایی تولیدکنندگان بزرگ منطقه را تقویت نموده است. ترس از محاصره شوروی و از اعراب رادیکال (تندرو) - منجمله یمن جنوبی واقع در خود شبه جزیره - کشورهای محافظه‌کار را واداشته است، که از غرب و خصوصاً از ایالات متحده آمریکا طلب حمایت نمایند. در عین حال، این کشورها، از طریق کمک‌های وسیع، بر وحدت اعراب تأکید ورزیده‌اند. کمک‌های اهدایی چهار کشور بزرگ تولیدکننده نفت شبه جزیره عربستان به کشورهای عرب درگیر - مصر، اردن و سوریه - در گردش امور آنان بسیار مؤثر بوده است. کمک‌هایی همچونین در اختیار همسایگان فقیرتر، نظیر بحرین، عمان و دو کشور یمن، در جهت حفظ ثبات در شبه جزیره، قرار گرفته است.

روی هم رفته این سیاستها حداقل راهی برای نفوذ دولتهای محافظه‌کار شبه جزیره جهت تعدیل تصمیمات مربوط به امور اعراب گشوده و به حفظ اعتبار خلیج در اخوت عرب کمک نموده است. کمک به کشورهای کمتر پیشرفته جهان، که بهتر است به دست‌ودل‌بازی اجباری تعبیر شود، عمدتاً منحصر به کشورهای مسلمان بوده است (به نمودار شماره ۳ رجوع شود). این کمک در سال ۱۹۷۷ بیش از میزان کمکی بوده که توسط ایالات متحده آمریکا انجام گرفته است. در حقیقت میزان کمک‌های خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی (GNP) خارق‌العاده بوده، به ۴۰٪ برای عربستان سعودی و ۱۰٪ برای کویت بالغ گردیده است.

رونق اقتصادی

ترقی بهای نفت در دهه ۸۰ - ۱۹۷۰، به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحرک و پول لازم جهت تنوع در سیستمهای اقتصادی کلیه کشورهای شبه جزیره عربستان را تأمین نمود. این گونه، روند تجددگرایانه‌ای آغاز گردید که شکافی روز به روز وسیعتر میان ارزشهای اقتصادی و اجتماعی از یک سو و نظامهای سیاسی که در محدوده این ارزشها بایستی عمل نماید از سوی دیگر، ایجاد می‌نماید.

لکن، برخلاف ایران، بسیاری از کشورهای منطقه در نیمه دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ کاهش در اهداف توسعه‌گرایانه خویش آغاز نمودند و هیچ یک، آن همه که ایران بر مسئله دفاع به قیمت رفاه اجتماعی تأکید می‌نمود، بر این امر اصرار نورزیدند.

در قسمتی از شبه جزیره که بر خلیج فارس واقع است، درآمدهای رو به افزایش نفتی بین سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴ رشد اقتصادی واقعی‌ای را بالغ بر سالیانه ۲۰٪ در بخشهای (اقتصادی) غیر نفتی همه کشورهای ایجاد نمود - بجز کویت که میزان متوسط آن به ۸٪ می‌رسید - در اکثر موارد فعالیتهای ساختمانی، تجارت داخلی و خدمات دولتی (از دیگر بخشهای اقتصادی) بیشتر بودند. یمن شمالی، با سود جستن از افزایش سریع درآمد آن دسته از اتباع خود که جذب مشاغل موجود در کشورهای ثروتمند نفتی شده بودند، شاهد رشدی در تولید ناخالص ملی خود بود که در سالهای آخر این دوره به سالیانه ۱۷٪ بالغ می‌گردید.

در اکثر برنامه‌های توسعه‌گرایانه، رفاه اجتماعی از اولویت زیادی برخوردار بوده و امروز در مقایسه با ده سال قبل اغلب اتباع این کشورها در موقعیت مادی بهتری قرار دارند. مدارس رایگان، مراقبت بهداشتی و معافیت از مالیات بر درآمد، بجز در دو کشور یمن، در همه کشورهای امری عادی است. برای مسکن و مواد غذایی نیز عموماً سوبسید در نظر گرفته می‌شود. در عین حال، در موارد متعددی توزیع درآمد نابرابرتر شده و فساد به وسیله خاندان سلطنتی شیوع یافته است. حکام و دستیاران ایشان و برخی از مالکین و تجار احتمالاً امروزه از عموم شهروندان نسبت به قبل از دوره رونق ثروتمندتر شده‌اند. این عدم مساوات به خصوص در عمان بسیار چشمگیر است، چون ایادی سلطان قابوس در این کشور از هیچ چیز جهت اقناع مطامع خویش دریغ نورزیده‌اند.

اگر چه دسترسی به خدمات اجتماعی برای اتباع این ممالک بهبود یافته و سهلتر امکانپذیر است، لکن تنوع‌طلبی اقتصادی، در اکثر موارد به تنگنایی در توزیع و تورمی شتاب یافته منجر گشته است. عقد قراردادهایی که متضمن تشدید تورم بوده‌اند هزینه‌ها را بالا برده و بر ضایعات افزوده‌اند. هزینه‌های گزافی صرف طرحهای نمایشی شده و از آن هم بدتر برای طرحهای بیجایی چون احداث چهار فرودگاه بین‌المللی به فاصله چند صد کیلومتر از یکدیگر در امارات متحده عربی، تلف گردیده است. تعدادی از پروژه‌های مربوط به صنایع سنگین مستلزم مواد خام وارداتی است و این امر احتمالاً سبب خواهد شد که استفاده از محصولات این صنایع صرف نداشته باشد. طرحهای کشور عربستان سعودی برای ایجاد صنعت پتروشیمی مشتمل بر چنان هزینه‌های سنگینی است که ممکن است آن دولت ناگزیر از سوبسید مواد مصرفی این تأسیسات باشد، شاید به این صورت آن طرحها ارزش اجرا پیدا کنند.

مشکلات اقتصادی و نگرانیهای روز افزون درباره عوارض اجتماعی تجددگرایی، بسیاری از کشورهای شبه جزیره عربستان را واداشته است که محرکات توسعه‌گرایانه خویش را در اواسط دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ تعدیل نمایند. در سال ۱۹۷۶ عربستان سعودی چندین پروژه صنعتی خود را به تعویق انداخت و اجرای بقیه طرحها را نیز در جریان یک بحران نقدینگی به کناری نهاد. مشکلات بودجه و موازنه پرداخت باعث شد که عمان در سال ۱۹۷۷ هزینه‌های مربوط به توسعه (اقتصادی) خود را کاهش دهد و کویت در سراسر دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ نسبت به رشد اقتصادی موضعی محافظه‌کارانه اختیار

نمود.

نگرانیهای اجتماعی

تعدیل در انگیزه‌های توسعه‌گرایانه این ممالک بیانگر ترس از وابستگی روز افزون به کارگران بیگانه برای جبران کمبود نیروی انسانی داخلی و نارساییهای تکنولوژیکی ایشان نیز بوده است. مصریها، اردنیها و فلسطینیها به مشاغل نیازمند تبحر و یا نیمه حرفه‌ای و خدمات شهری روی آورده‌اند. غریبها، اگر چه از حیث تعداد محدودند، نیازمندیهای تکنولوژیک را در اختیار گرفته‌اند، حال آن که پاکستانیها، هندیه‌ها و اهالی کره جنوبی مشاغلی را که نیازمند تبحر و تخصص نمی‌باشند پر نموده‌اند. در عربستان سعودی یک سوم از کل جمعیت و بیش از نیمی از نیروی کارگری را بیگانگان تشکیل می‌دهند. در کویت، قطر و امارات متحده عربی اهالی بومی در حقیقت اقلیتی از جمعیت این کشورها را شامل می‌شوند.

هر یک از گروههای بیگانه نوعی نگرانی برای دولتهای میزبان ایجاد می‌کند. حضور فلسطینیها بخصوص در دسر آفرین بوده، موضع کشور میزبان در قبال اختلافات بین اعراب و اسرائیل را تشدید می‌نماید. غریبها به عنوان ناقلان ماتریالیسم (مادیگرایی) و لیبرالیسم نگرینسته می‌شوند. و آداب و رسوم آسیاییها (چینیها و ژاپنیها و غیره) برای اعراب عجیب و بیگانه است. به استثنای یمنی‌های ساکن کشورهای نفت خیز، هیچ یک از گروههای بیگانه با هنجارهای (شعائر و آداب و رسوم) بنیادی مرسوم در شبه جزیره عربستان سازگار نمی‌باشند. بیگانگان مقیم شبه جزیره، مانند مصریها و فلسطینیها - که بسیاری از آنان تمام زندگی خود را در کشورهای میزبان گذرانده‌اند - اغلب کمتر از همکاران محلی خود حقوق می‌گیرند و به ندرت اجازه دریافت تابعیت به آنان داده می‌شود. بیگانگان معمولاً از مزایای اجتماعی کمتری نسبت به اتباع برخوردارند، این مشی کلی عموماً دنبال می‌شود که مهاجرین را از اقامت دائمی دلسرد نموده و در دسر آفرینان را به سرعت اخراج نمایند.

تجددگرایی در شبه جزیره میان عناصر مذهبی محلی بعضی تشنجه‌ها را به وجود آورده است، هر چند اکثر این اصطکاکها اکنون تحت کنترل می‌باشد. مسلمانان سنی منطقه را در اختیار دارند، اما گروههای قابل توجهی از شیعیان در ایالت شرقی عربستان سعودی - آنجا که منابع نفتی کشور قرار دارد - و نیز در کویت وجود دارند، همچنین در بحرین شیعیان ۶۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. از نظر تاریخی، شیعیان همواره به کارهای یدی در خدمت مالکین زمین و تجار سنی اشتغال داشته‌اند. نوعاً علیه آنان تبعیض روا داشته شده و از تعدادی از مشاغل محروم بوده‌اند. اختلافات کهن میان شیعه و سنی در یمن شمالی مشکل منطقه‌ای و قبیله‌ای نیز به خود گرفته است، اعتقاد بر این است که شیعیان در عربستان سعودی دلبستگی خاصی به جریانات سیاسی ایران ندارند و چنین به نظر می‌رسد که آنان در سالهای اخیر از جهت اقتصادی تا آنجا که ایجاد تشنج جدی را از آنان سلب نماید، تأمین شده‌اند. در بحرین، حامیان (امام) خمینی در میان شیعیان از قدرت بیشتری برخوردارند، نیروهای چپگرا نیز در این کشور قدرتمندند.

عایقهای اجتماعی

علیرغم تشنجات سالهای اخیر، اکثر کشورهای شبه جزیره عربستان کمتر گرفتار ناآرامیهای اجتماعی و تلاشهای دانشجویی بوده‌اند. تاکنون موارد فشاری که روی حکومتهایی با پایه (مردمی) و گسترده‌تر وارد شده، بدون اغتشاش عمده‌ای سرکوب گشته است. در بحرین، مخالفت با تعلیق مجلس ملی توسط آل خلیفه حاکم و امتناع آن از مجاز دانستن اتحادیه‌های کارگری ضعیف بوده، اگر چه گروههای مخالف طی هفته‌های اخیر برای ایجاد دولتی مسئول و متعهدتر تلاش نموده‌اند. خاندان صباح (Sabah) در کویت که از تجربه شاه (ایران) نتیجه گرفته است که سرکوبی آزادی بیان سیاسی خطرناک می‌باشد، مناظره برای بازگرداندن دستگاه قانونگذاری را ترغیب می‌کند. با سرکوب شورش در ظفار در اواسط دهه ۸۰ - ۱۹۷۰، مخالفت با حکومت قابوس در عمان لاقلاً ظاهراً ناچیز بوده است.

هر چند احتمالاً این گمان ضعیفی است لکن ثبات اجتماعی در آن سوی شبه جزیره عربستان که بر خلیج فارس قرار دارد، ناشی از قوام سنتی است. سلسله مراتب حکومتی از مشروعیتی تاریخی برخوردار است که به وسیله عموم پذیرفته شده و بین آن و نهادهای مذهبی بومی (داخلی) مناسبات حسنه‌ای برقرار می‌باشد. روند حکومتی که نوعاً از ساخت و ترکیب سنتی برخوردار است، بر مبنای وفاداری قبیله‌ای به خاندان سلطنتی قرار دارد. و این به نوبه خود مستلزم جلب موافقت این خاندان در انتخاب حاکم و تصمیمات مربوط به اداره امور می‌باشد، حاکم به مثابه نگاهبان ارزشهای معنوی، لاقلاً به ظاهر خود را با احکام و موازینی که به وسیله مذهبیین معین شده وفق می‌دهد. تماس او با دیدگاهها و نقطه نظرهای عموم از طریق برپایی متوالی یک مجلس - یا بار عام - به دست می‌آید که طی آن حتی بی‌مقدارترین شهروندان نیز می‌توانند شکایات و مشکلات خویش را ابراز نمایند. مشورتهای متعدد با رهبران قبایل و تجار متشخص نیز دیدگاههای طبقه متوسط را به دست می‌دهد.

نقش ارتش به عنوان مبنای قدرت سیاسی ناچیز به نظر می‌رسد. در اکثر موارد مخارج دفاعی بخش نسبتاً ناچیز و غیر قابل توجهی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد و در نتیجه مقادیر مازاد بر احتیاج انعطاف‌پذیری که این کشورها از نظر مالی از آن برخوردارند، مخارج دفاعی در هیچ موردی از حوائج اقتصادی نکاسته است. قوای مسلح قبل از هر چیز نقشی بازدارنده به عهده دارند به این معنا که وظیفه‌شان سد نمودن حمله دشمن تا زمانی است که نیروهای خارجی به یاریشان بشتابند. تجهیز ارتش با سلاحهای ظریف و پیچیده تاکنون در ازدیاد توان رزمی آن نقشی نداشته است. به خاطر کشش و جاذبه مشاغل غیرنظامی، اکثر آنان از قدرتی به مراتب پایین‌تر از آنچه مورد نظر بوده است برخوردارند و این امر کشورهای متعددی را بر آن داشته است که طرحهای سربازگیری را مورد آزمایش قرار دهند، که از نظر اجتماعی نامطلوب می‌باشد. دو کشور یمن در اقصی نقطه جنوب غربی شبه جزیره استثناء می‌باشند. دستگاه رهبری یمن جنوبی که تحت رژیم مارکسیستی سازمان یافته بر الگوی شوروی عمل می‌کند، سلطه سیاسی و اجتماعی خویش را از طریق حزب حاکم سوسیالیست یمن اعمال می‌نماید. بیشترین پشتیبانی از رژیم از سوی مناطق شهرنشین، به ویژه اطراف عدن صورت می‌گیرد. هر چند حکومت در گسستن پیوندهای قبیله‌ای تا حدی موفق بوده است، هنوز مخالفت با آن در برخی نقاط دور افتاده ادامه دارد. دولت یمن که از انقلاب دهه ۱۹۶۰ پایه گرفت و اکنون در قالب

یک دستگاه قانونگذاری تکامل یافته است، پس از گذر از یک رشته کودتاها و قتل نفسها اکنون تحت حاکمیت یک افسر نظامی خشک سر قرار دارد که از پایگاه مردمی ناچیزی برخوردار است. عربستان سعودی که مدت مدیدی است در امور صنعا دخالت می‌نماید، مقادیر معتناهی کمک در اختیار حکومت مرکزی و قبایل مختلف قرار می‌دهد تا تحت هیچ شرایطی از وجود دوستی در پایتخت بی‌نصیب نماند.

تأثیرات ناشی از ایران

علیرغم تفاوت‌های متعدد (میان کشور ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان)، حوادث (اخیر) ایران یک ناآرامی عمومی را در شبه جزیره عربستان تسریع و تشدید نموده است. سلسله مراتب حاکم به بازبینی امور داخلی خویش پرداخته‌اند تا میزان آسیب‌پذیریشان را در قبال دگرگونی وسیعی که ایران تجربه نموده است، تعیین نمایند. طبق گزارشات واصله، بحث درباره اینکه آیا پیشرفت سریع به سوی تجدد عقلایی است یا خیر گسترش می‌یابد، و در حال حاضر طرفداران محافظه‌کاری و کاهش در رشد اقتصادی، اکثریت را دارا می‌باشند. دستوراتی برای تقلیل مصارف تجملی صادر شده و رعایت احکام مذهبی بیشتر تبلیغ می‌شود. در آینده نزدیک احتمال؛ تولید نفت از سقفهای (حدود) تعیین شده تجاوز نخواهد کرد و کمتر به جمع‌آوری و انباشتن لوازم و تجهیزات خارجی اهمیت داده خواهد شد. شواهد چندانی دال بر لیبرالیزه نمودن روند سیاسی موجود نیست (شواهد چندانی مبنی بر بازتر نمودن فضای سیاسی موجود نیست)، لکن در صورت رشد سریع آزادیخواهی در روند سیاست، حکام احتمالاً تنها سقوط خویش را تسریع خواهند نمود. در عین حال، از بعضی تغییرات سیاسی برای تسکین خواسته‌های طبقه متوسط در حال رشد، نمی‌توان اجتناب نمود.

از نقطه نظر ژئوپولیتیکی، اعراب شبه جزیره از سویی ناظر احاطه روزافزون منطقه توسط روسها در افغانستان، شاخ آفریقا، و یمن جنوبی بوده و از سوی دیگر شاهد کوتاهی ایالات متحده آمریکا در دفع تجاوز روسیه می‌باشند. در حال حاضر، آنان در انتخاب میان امتیازات ناشی از استمرار پیوندهای مستحکم با غرب از یک طرف، و حفظ وحدت اعراب و نقش تعدیل‌کننده‌ای که خلیج در امور مربوط به آنان بازی نموده است از طرف دیگر، مردد می‌باشند. آن گونه که از ناآرامیهای منتج از پیمان صلح اسرائیل و مصر برمی‌آید آنان به احتمال قوی وحدت عربی را انتخاب خواهند کرد.

بحرین

جمعیت: ۳۴۰/۰۰۰ نفر، ۷۵٪ بومی

حکومت: سلطنت سنتی تحت فرمانروایی خانواده الخلیفه

رئیس کشور: امیر عیسی ابن سلمان الخلیفه

مذهب جمعیت بومی: ۶۰ درصد مسلمان شیعی مذهب

۴۰ درصد مسلمان اهل تسنن

سطح سواد: ۴۰ درصد

درصد محصلین در جمعیت: ۲۵ درصد

تولید ذخیره نفت:	۵۰/۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
میزان رسمی ارز خارجی:	۵۵۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص داخلی:	۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۱۶۰۰ نفر
نیروی پلیس ملی:	۲۷۰۰ نفر

بحرین: مدیریت سیاسی و اقتصادی با مشکلات بیشتری روبروست

کشور جزیره شکل بحرین که حدود دویست سال است تحت حاکمیت خاندان خلیفه به سر می‌برد، با بهره‌برداری از ثروت حاصله از نفت به یکی از مراکز بانکی و تجاری منطقه مبدل گشته است. بحرین، که برای ایالات متحده آمریکا از حیث تأمین امکانات بندری برای نیروی دریایی کوچک خاورمیانه‌ای آمریکا در خلیج فارس، از اهمیت خاصی برخوردار است، عرفاً از منابع تعدیل سیاست منطقه به شمار می‌رفته است. حکومت بحرین اکنون با ناآرامی روزافزون از سوی مخالفینی روبه‌رو است که با الهام از تحولات ایران، خواستار مشارکت بیشتر در سیاست و عدالت اجتماعی می‌باشند. در حالی که تولید نفت این کشور کاهش می‌یابد، خلفا امیدوارند سلطه خویش را بر دولت به وسیله بالابردن تدریجی سطح زندگی از طریق توسعه خدمات و صنعت سبک، و وعده مدرنیزه نمودن سیاست، حفظ نمایند. اخیراً جمعیت بحرین ۳۴۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده است، که تقریباً سه چهارم آن را اتباع بومی تشکیل می‌دهند.

حکومت بحرین

هر چند گاه به گاه از مردم بحرین پیرامون حکومت مشروطه و اصلاح اجتماعی نظرخواهی می‌شود، لکن حکومت بحرین همچنان یک «الیگارشی» تحت سلطه خاندان خلیفه (آل خلیفه) باقی مانده است. اعضای این خانواده نیمی از کرسیهای هیئت وزرا و اکثر سمتهای دولتی را در اختیار دارند، هزار خلیفه احتمالاً متصدی چنین پستهایی می‌باشند. عیسی بن سلمان الخلیفه، امیر ۴۵ ساله‌ای که از سال ۱۹۶۱ حکمران این کشور بوده است، نفوذ شخصی شایان توجهی بر امور مربوط به عموم ملت اعمال می‌نماید. اهداف عمده او از این قرار است: (الف) حفظ کشور به عنوان یک ذخیره خانوادگی، (ب) ایجاد و توسعه یک بنیان اقتصادی ثابت، (ج) نابودی عواملی که امنیت داخلی کشور را تهدید می‌کنند، (د) توسعه پیوندهای صمیمانه با همسایگان عرب و کشورهای غربی.

علیرغم فساد و سوء استفاده از حقوق اختصاصی و امتیازات خود، خلفا تاکنون تنها با مقاومت ملایمی از سوی گروههای مخالف مختلف مواجه بوده‌اند. در حقیقت، امیران بحرین تا اوایل دهه ۶۰ - ۱۹۵۰ ظاهراً بدون کوچکترین مخالفتی به حکومت خویش ادامه داده و تنها در این زمان بوده است که تحت فشار خواسته‌های مردم جهت تحولات سیاسی، به اندک تغییراتی در قانون اساسی تن می‌دهند. متعاقب این جریان، نادیده گرفتن وعده اصلاحات سیاسی و اجتماعی توسط عیسی - منجمله رد اتحادیه‌های کارگری، تعلیق «مجلس ملی» در سال ۱۹۷۵، قصور در رعایت حقوق دموکراتیک مربوط به پارلمان، و مخالفت با تجدید قدرت حکمران در قانون اساسی - که انتظار می‌رفت با جنجال

بسیاری مواجه شود، جز با مخالفت بی‌مایه‌ای روبرو نشده است.

بحرین: رؤسای دولت

نام	مقام	سوابق فردی
عیسی ابن سلمان الخلیفه	امیر	
خلیفه بن سلمان الخلیفه	نخست‌وزیر	برادر جوانتر امیر
حمد ابن عیسی الخلیفه	ولیعهد فرمانده کل قوای مسلح	فرزند ارشد امیر
حبیب قاسم	بحرین	
یوسف احمد الشیراوی	وزیر بازرگانی و کشاورزی	
عبدالعزیز بن محمد الخلیفه	وزیر صنایع عمران	برادرزاده امیر
ابراهیم عبدالکریم	وزیر آموزش و پرورش	
محمد بن مبارک الخلیفه	وزیر اقتصاد و دارایی	برادرزاده امیر
علی محمد فخرو	وزیر امور خارجه	
خلیفه ابن عبدالله الخلیفه	وزیر بهداری	برادرزاده امیر
طارق عبدالرحمن المؤید	وزیر مسکن	
محمد بن خلیفه ابن حمید	وزیر اطلاعات	برادرزاده امیر
خلیفه	وزیر کشور	برادرزاده امیر
عبدالله بن خالد الخلیفه	وزیر دادگستری و امور اسلامی	
عیسی ابن محمد الخلیفه	وزیر کار و امور اجتماعی	برادرزاده امیر
مجید الجیشی	وزیر امور عامه	
ابراهیم محمد حسن حمیدان	وزیر راه و ترابری	مسلمان شیعی مذهب
جواد سلیم آل اورید	وزیر مشاور در امور کابینه	مسلمان شیعی مذهب
حسین محمد ال بهارنا	وزیر مشاور در امور حقوقی	

مخالفت داخلی

خطر اصلی که امنیت داخلی را تهدید می‌نماید از شکاف مذهبی درون جزیره سرچشمه می‌گیرد. شیعیان ۶۰٪ ساکنین اصلی بحرین را تشکیل می‌دهند، اما از نظر اقتصادی و سیاسی تحت سلطه سنی‌ها، که شامل خاندان سلطنتی و اکثر تجار عمده نیز می‌شود، به سر می‌برند. طبقه کارگر، ماهیگیران و کشاورزان اکثراً شیعه می‌باشند. طی سالهای اخیر شیعیان تحرکی به سوی قشرهای بالای جامعه را آغاز نموده‌اند، اما پیروان دو مذهب، در نتیجه اقدامات سیاسی تبعیض‌جویانه از جانب سنی‌ها و حفظ نظامهای قضائی، تربیتی و مذهبی جداگانه از سوی شیعیان، به پیوستگی اجتماعی

ناچیزی دست یافته‌اند.

موقعیت اجتماعی، اقتصادی پست‌تر شیعیان بر آنان بسیار تلخ و ناگوار است. در گذشته، آنان در سازمانهای ضعیف ضد حکومتی چپگرا و نهضت‌های کوچک کارگری فعال بوده‌اند؛ هر چند از این کار طرفی نبسته‌اند. موقعیت‌های اخیر شیعیان در ایران الهام بخش نوعی احساس غرور در آنان بوده است. رهبران مذهبی جوانان شیعه را به اشاعه شعارهای ضدحکومتی ترغیب نموده‌اند، ظاهراً عواطف ضد سلطنتی و متمایل به (امام) خمینی در میان شیعیان بحرین شیوع یافته است و فعالیت‌های گسترده‌تر ضد حکومتی بسیار محتمل می‌باشد.

نهضت‌های چپگرا که عموماً شیعی می‌باشند نیز همراه تحولات (اخیر) ایران تقویت گردیده است. مخالفین افراطی در انتظار قدرت یافتن حکومتی چپگرا در ایران که آنان را مشمول حمایت سیاسی و شاید مادی خود قرار دهد، مترصد فرصت‌اند. هر چند این نهضتها تحت سرکوب مداوم توسط یک سیستم امنیتی نسبتاً لایق و کارا تضعیف گشته است، ولی دولت قادر نبوده است از شیوع تدریجی افکار چپگرایانه در میان جوانان بحرینی جلوگیری کند. در حالی که تعداد چپگرایان سازمان یافته از ۱۵۰ تا ۱۸۰ نفر تجاوز نمی‌کند، این عده احتمالاً از همدردی و حمایت هزاران تن از ساکنین بحرین برخوردارند.

رهبران مذهبی شیعه و چپگرایان در مخالفت‌های مشترکی علیه رژیم خلیفه سهیم می‌باشند، لکن احتمالاً در این باره که چه خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی را یک حکومت جدید بایستی دنبال کند، توافق ندارند. تاکنون شواهد کمی از همکاری خود به دست داده‌اند، اما احتمال کوشش‌های مشترک آنان علیه رژیم در آتیه افزایش خواهد یافت. حکومت به زودی ناگزیر خواهد بود که با خواسته‌های شیعیان و چپگرایان در زمینه تقسیم قدرت توافق نماید.

تجددگرایی اقتصادی

گسترش اقتصاد چند پایه‌ای جهت مستعد نمودن شرایط برای آینده‌ای بدون نفت به عنوان یک استراتژی حکومتی مهم برای تسکین ناآرامیهای سیاسی و اجتماعی به کار رفته است. در حالی که ابتدا دولت بحرین بر توسعه صنایع سنگین همچون پالایش آلومینیم و تعمیر کشتی تأکید می‌نمود، در سالهای اخیر ساختن جاده‌ها، تجهیزات بندری، مدارس و وسایل ارتباطی را ترجیح داده است. اولین سیستم فاضلاب و ساختمان یک نیروگاه برق که طرح آن از مدتها قبل تهیه شده بود، در دست تهیه است. قسمت عمده‌ای از هزینه‌های بودجه جاری نیز به مسکن و بهداشت اختصاص یافته است.

اولویتهای اقتصادی آینده شامل تأسیس خدمات و صنایع کارخانه‌ای سبک خصوصی می‌باشد، که در این محدوده، بحرین از نظر منابع انسانی، موقعیت مکانی و یک سیستم حمل و نقل کاملاً پیشرفته، بر دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان از برتری نسبی برخوردار است. طرح جاده‌ای به عربستان سعودی با هزینه همین کشور ریخته شده است که اگر ساخته شود، با در نظر گرفتن نیازهای آتی مرکز صنعتی جیبیل در عربستان سعودی، باعث تحرک صنایع کوچک خواهد شد این جاده تجارت ترانزیت و گمرک سنتی بحرین را نیز گسترش خواهد داد.

متجدد نمودن بخش دفاعی از اولویت اقتصادی ناچیزی برخوردار می‌باشد. بحرین دارای

کوچکترین و از نظر تجهیزات، فقیرترین نیروهای مسلح در شبه جزیره عربستان است. هزینه‌های دفاعی به طور ثابت ۴٪ درآمد ملی بین سالهای ۷۷ - ۱۹۷۳ را شامل می‌شد، هر چند هزینه‌ها به طور مطلق افزایش یافته است. تحویل سالیانه تجهیزات نظامی (که عمدتاً از جهت مالی به وسیله عربستان سعودی تأمین می‌شود) در همین دوره، به همان میزان یک میلیون دلار باقی مانده است. ظاهراً بحرینها خطر خارجی عمده‌ای را احساس نمی‌کنند. افزایش سلاح آنان هدفی را جز تأمین امنیت داخلی و تسکین ارتش که سلاحهای خود را پست‌تر از تجهیزات کشورهای همسایه می‌پنداشت، دنبال نمی‌کند.

درآمدهای عمومی، رشد اقتصادی و توازن پرداخت

توانایی دولت بحرین جهت مدرنیزه کردن و تنوع بخشیدن به اقتصاد آن کشور، در نتیجه چهار برابر شدن قیمت نفت در جهان طی سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ و توسعه سریع در فعالیتهای اقتصادی سراسر شبه جزیره عربستان تقویت گردیده است. هر چند تولید نفت طی سالهای اخیر در حقیقت نقصان پذیرفته است، بحرین که در اوپک عضویت ندارد، در نتیجه افزایش بهای نفت شاهد ازدیاد درآمدهای حاصله از نفت خود - از ۷۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ - بوده است. در عین حال نیاز بیشتر به خدمات مالی دولت بحرین درآمدهای غیرنفتی را به بیش از سه برابر افزایش بخشیده و به ۱۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ رسانیده است.

تولید ناخالص داخلی واقعی به نسبت متوسط سالانه ۱۱٪ از سال ۱۹۷۳ به بعد افزایش یافته است و این واقعیت نمودار پایه فوق‌العاده توسعه یافته درآمد دولت بحرین می‌باشد. تمام این در بخش (اقتصاد) غیرنفتی به ویژه در زمینه خدمات در حال گسترش بانکی و بیمه انجام گرفته است. سیستم بانکی به خصوص پس از تصمیم دولت مبنی بر ارائه جواز به واحدهای بانکی ساحلی در سال ۱۹۷۴ احیاء گردید. تغییر مکان بسیاری از خدمات بانکی و خدمات دیگر پس از جنگ داخلی لبنان نیز برای بحرین سودمند بود. اداره امور ملی، (منجمله دفاع) و صنایع نیز به سرعت گسترش یافته است. زراعت که از ابتدا قابل توجه نبود به تدریج اهمیت خود را از دست داده است و در حالی که ذخایر نفتی رو به نقصان می‌رود، تولید هیدروکربن‌ها در نتیجه افزایش بهای نفت سهم خود را از تولید ناخالص داخلی همچنان حفظ کرده است.

هر چند رشد سریع اقتصادی و تولید رو به نقصان نفت حساب بازرگانی بحرین را از سال ۱۹۷۳ به بعد تضعیف نموده است ولی موازنه پرداخت به قوت خود باقی است. ذخایر رسمی، که از پشتوانه سرمایه‌گذاریهای مستقیم قابل توجه (به ویژه در زمینه فعالیتهای ساختمانی) و کمکهای خارجی (اکثراً از سوی صندوقهای عربی مختلف) برخوردار می‌باشد، افزایش یافته و میزان آن، که در اواسط سال ۱۹۷۸ به ۵۵۲ میلیون دلار می‌رسید، با سه ماه واردات برابری می‌نمود. قروض خارجی نیز در انتهای سال ۱۹۷۷ به حدود ۱۵۴ میلیون دلار افزایش یافته که از این مقدار ۶۵ میلیون دلار آن پرداخت شده است. به هر ترتیب، نسبت بدهی به خدمات در بحرین در آن سال تنها یک درصد بوده است و بدین گونه محل فراوانی جهت گرفتن قروض بیشتر از خارج باقی می‌ماند.

قطع روند تجددگرایانه

اگر چه در نتیجه رونق اقتصادی اکثر مردم بحرین بدون تردید از رفاه مادی بیشتری بهره‌مند گشته‌اند، نیل به تجددگرایی ناگزیر برخی مشکلات اجتماعی، سیاسی را نیز به همراه داشته است. این گونه به نظر می‌رسد که تجددگرایی فاصله‌ای را که عرفاً میان درآمد سنی‌های ثروتمند و شیعیان فقیر موجود بوده است، افزایش داده و به رشد قابل توجهی در نیروی انسانی کنترل‌ناپذیر اتباع سابق این کشور منجر شده است. در عین حال روابط اقتصادی مستحکمتر با عربستان سعودی، بر نفوذ و سلطه فراوان این کشور در خط‌مشی کلی بحرین افزوده است.

توزیع نادرست ثروت

توسعه سریع اقتصادی روابط متنسج معمول میان سنی‌ها و شیعیان را تشدید نموده است. کلیه سکنه بحرین از امکانات تحصیلی، بهداشتی و مسکن بهتری سود جست‌ه‌اند و درآمد سرانه به وجه قابل ملاحظه‌ای - یعنی ۲۷۰ دلار از سال ۱۹۷۳ به بعد، تا ۵۰۰۰ دلار در سال ۱۹۷۷ - افزایش یافته است. به هر ترتیب برگزیدگان سیاسی، مالکین زمین و تجار، که عمدتاً سنی می‌باشند، بیش از کشاورزان (که مورد قصور واقع شده‌اند) و کارگران (که اضافه درآمدشان در نتیجه تورم مضاعف به هدر می‌رود)، از رونق اقتصادی سود برده‌اند.

مشکل اتباع بیگانه

تا سال ۱۹۷۴ بحرین تنها کشور واقع در خلیج فارس به شمار می‌آمد که از نیروی انسانی متخصصی مازاد بر احتیاج خود برخوردار بود. از آن زمان به بعد، رونق اقتصادی نیاز به کارگرانی را که ترک تابعیت ممالک دیگر نموده و حدود نیمی از نیروی کارگری فعلی آن را تشکیل می‌دهند، افزایش داده است. برای جلوگیری از سلطه یک ملیت بیگانه خاص بر نیروی کارگری، حکومت بحرین استخدام اتباع کشورهای دیگر خاور دور را بیش از استخدام کارگران هندی و پاکستانی تشویق می‌نماید. هندیها و پاکستانیها اکنون به ۲۳۰۰۰ نفر بالغ گشته و حدود ۶۰٪ کارگران بیگانه را شامل می‌شوند هزار و پانصد فلسطینی مقیم بحرین به عنوان کارگران متخصص به حسابداری، مدیریت معلمی و خدمات شهری اشتغال دارند. هر چند به علت برخورداری از برخی مزایای دولتی چون تحصیل رایگان و بهداشت، اتباع سابق (کشورهای دیگر) چندان فعالیت سیاسی ندارند، با این همه آنان اغلب مورد خشم و انزجار اتباع بحرین قرار می‌گیرند، به ویژه اگر شغل‌های حرفه‌ای و تخصصی را اشتغال نمایند. حکومت بحرین به ویژه در مورد وابستگی خدمات شهری به بیگانگان نگران است. خط‌مشی دولت مبنی بر استخدام انحصاری اتباع بحرین (بحرینیزاسیون) که چندین سال است آغاز گردیده است، هنوز بایستی این وابستگی را کاهش دهد.

نقش عربستان سعودی

کمک‌های افزایش یافته و پیوندهای صنعتی و مالی در حال توسعه، نفوذ عربستان سعودی بر بحرین را افزوده است. آل خلیفه که دارای پیوند فامیلی با خاندان سلطنت عربستان سعودی و کویت می‌باشد،

مایل است خط‌مشی آنان را در امور داخلی و خارجی دنبال کند. بدون تردید عدم موافقت عربستان سعودی با تجربه پارلمانی بحرین تصمیم عیسی را مبنی بر تعلیق این تجربه، پس از آنکه لیبرالیزاسیون (ایجاد فضای باز سیاسی) مخالفت با حکومت وی را احیاء نمود، راسخ‌تر نموده است.

چشم‌انداز

علیرغم فروکش نمودن تشنجهای اجتماعی و سیاسی، اکثر عواملی که موجب انقلاب ناگهانی در ایران گردیدند در بحرین موجود نبوده و یا آنکه دچار پراکندگی و از هم پاشیدگی می‌باشند. از آنجا که تولید نفت در بحرین ناچیز و رو به نقصان است، جریان ثروت به داخل کشور به اندازه کشورهای عضو اوپک نبوده است. همچنین بحرین مدتهاست که صاحب ثروتی بوده است که پیشرفت اقتصادی این کشور را طی چندین دهه به اعتدال فراهم نماید. نیروی کارگری عظیم بومی بحرین باعث شده است که این کشور کمتر از بسیاری از همسایگانش به نیروی بیگانه متکی باشد. به علت رشد فرهنگی سکنه بحرین منجمله زنان، احتمالاً اتباع بحرین عاقبت حرفه‌هایی را که در تملک اتباع سابق دیگر ممالک می‌باشند، اشغال خواهند نمود.

اما قابلیت انعطاف آل خلیفه احتمالاً بهترین بیمه‌ای است که کشور بحرین علیه عدم ثبات سیاسی دارا می‌باشد. دولت بحرین بر این امر واقف است که این کشور در زمینه توسعه صنایع سنگین قادر به رقابت با کشورهای دیگر نیست، و از این رو خط‌مشی اقتصادی خود را بر رفاه اجتماعی و صنایع سبک متمرکز نموده است. در حالی که دولت اتحادیه‌های کارگری را غیر قانونی اعلام کرده است، قوانینی برای تنظیم شرایط کار وضع نموده و طیفی از مزایای اجتماعی را که به تدریج در حال گسترش می‌باشد برای سکنه بحرین فراهم نموده است.

امیر بحرین طبقه متوسط را به درون دولت جذب نموده و حتی چندین مشاور از جمله دو وزیر کابینه را از میان شیعیان منصوب نموده است. همچنین خاندان حاکم (آل خلیفه) در پی به کار گماردن مجلس ملی دیگری است که فاقد تأثیرات تزلزل آفرین مجلس گذشته باشد و ضمناً تقسیم قدرت را تا آن حد امکان‌پذیر نماید که در صورت بروز ناآرامی عمومی شبیه ایران بتوان سرزنش و تقصیر را نیز تقسیم نمود.

کویت

جمعیت:	۱/۲ میلیون، ۴۷ درصد بومی
حکومت:	سلطنت تحت فرمانروایی خانواده صباح
رئیس حکومت:	امیر جابر الاحمد آل جابر الصباح
مذهب جمعیت بومی:	۲۰ درصد مسلمان شیعه مذهب ۸۰ درصد مسلمان سنی
سطح سواد:	۴۰ درصد
تولید نفت:	۲/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
ذخیره ارز خارجی رسمی:	۲۶/۹ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص داخلی:	۱۲/۸ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۷۷

میزان نیروهای مسلح: ۹۵۰۰ نفر
نیروی پلیس ملی: ۱۵۲۰۰ نفر

کویت کشوری که به یاری رشوه از وقوع انقلاب جلوگیری می‌کند!

در شبه جزیره عربستان کویت کشور کوچکی است که از نظر ثروت غنی‌ترین، از نظر سیاسی پیچیده‌ترین و از نظر سیاست خارجی بیگانه‌گراترین آنهاست. طی دهه گذشته، خاندان حاکم الصباح از طریق مشورت با خانواده‌های تجار برجسته و رهبران قبایل در رابطه با مسائل گوناگون نشان داده است که تا حدودی بر نیاز تجددگرایی سیاسی واقف است. علیرغم تعلیق «مجلس ملی» و تأدیب مکرر رسانه‌های گروهی، این خاندان قادر به تسکین مخالفتها و حفظ دولتی معتبر و با ثبات بوده است، روی هم رفته بیشتر از آنرو که خاندان الصباح برای کویتها بالاترین استاندارد زندگی را فراهم نموده است، به نظر می‌رسد که این خاندان کنترل زمام قدرت را به دست دارد.

به هر ترتیب انتظار می‌رود که فشار از جانب شیعیان بی‌قرار و جوامع متشکل از اتباع دیگر کشورها تحولات اجتماعی و سیاسی را طی سالهای بعد تسریع نماید. به علاوه، آشوب چند ماهه اخیر ایران تمام کشورهای شبه جزیره را در مقابل نیروهای بالقوه تحول را آسیب‌پذیر نموده است. حوادث خارج از مرزهای کویت و خارج از کنترل این کشور همچون قرارداد صلح اعراب و اسرائیل یا کشمکشهای موجود در یمن و لبنان، می‌توانند موجد انعکاسات و عوارضی در این کشور باشند که تسلط بر آن برای خاندان الصباح مشکل و پر زحمت خواهد بود.

نوع و روش حکومت:

حکومت کویت که پس از استقلال از سلطه بریتانیا در سال ۱۹۶۱ اسماً یک پادشاهی مشروطه بود از سال ۱۷۵۶ به بعد تحت سلطه الیگارشی خاندان الصباح بوده است. جانشین «امیر» که در رأس حکومت قرار دارد، از طریق اجماع اعضای ارشد خاندان سلطنتی انتخاب می‌شود. سنت مقتضی است که «امارات» بین دو شاخه این خاندان به نوبت تعویض گردد، و به موجب قانون اساسی، «مجلس ملی» بایستی انتخاب جانشین را تصویب نماید. اما در واقع هر دو شرط احتراماً نقض و یا نادیده گرفته می‌شوند. امیر فعلی جابر الاحمد الصباح از زانویه سال ۱۹۷۸ تاکنون سلطنت نموده است. برای بیش از ده سال پیش از جلوس بر تخت سلطنت، جابر به عنوان ولیعهد و صدر اعظم نقش عمده‌ای در سیاست کویت بازی نمود. امیر به یاری مشورت با مشاوران معتمد، کابینه و دیگر اعضای خاندان صباح حکومت می‌نماید. خاندان سلطنتی اکنون ۹ کرسی از ۲۲ کرسی کابینه را که شامل کلیه پستهای کلیدی می‌باشد در اختیار دارد. رهبران اصلی قبایل خانواده‌های تجار برجسته، رهبران مذهبی و افسران عالی‌رتبه ارتش در رابطه با مسائل مهم مربوط به خط‌مشی سیاست مورد مشورت قرار می‌گیرند. احزاب سیاسی ممنوع می‌باشد و فعالیتهای سیاسی از اتباع سابق کشورهای دیگر (مقیم کویت) پذیرفته نیست.

در سال ۱۹۷۶، متعاقب گذراندن لوایحی از طریق پارتی‌بازی و رشوه توسط چپها که از دیدگاه خاندان سلطنتی مضر بر سیاست خارجی تلقی گردید، مجلس ملی منحل شد. این حرکت به ویژه

انزجار جوانان کویتی را که در خارج تحصیل نموده و خواهان نقش بیشتری در اداره امور مملکت می‌باشند برانگیخت. الیگارش حاکم که به این نتیجه رسیده بود که شاه (ایران) تخت خود را تا حدودی به خاطر ایجاد اختناق سیاسی از دست داده است، اخیراً مناظره‌ای در باب برقراری مجدد مجلس به راه انداخت.

علیرغم وجود چندین دسته‌بندی درون دو شعبه خاندان سلطنتی، حاکم فعلی قادر بوده است همبستگی و نظم این خاندان را حفظ نماید. انتصاب جنرال آفرین سعدالعبده الصباح پسر عموی وی به عنوان ولیعهد و صدراعظم و انتصاب دیگر وزراء توسط او، در میان خاندان سلطنتی به خوبی پذیرفته شده است. هر چند فساد خاندان سلطنتی انتقاد عموم را برانگیخته، اما این فساد نسبت به دیگر اماکن شبه جزیره عربستان از وسعت کمتری برخوردار است. به هر ترتیب، خاندان صباح اکنون به تجدید نظر در مورد نقش اعضای خود در فعالیتهای مالی و تجاری داخلی مشغول می‌باشد. به خانواده‌های ثروتمند تذکر داده شده است، که از اسراف در تجملات بپرهیزند.

روابط با نیروی کارگری

در صورتی که افکار عمومی در این جهت شکل گیرد که در حق کارگران ظلم روا داشته می‌شود و نفوذ سیاسی به طرز افراط‌آمیز مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، نیروی کارگری سازمان یافته می‌تواند مشکلی ایجاد کند. اتحادیه‌های صنفی در این ناحیه جزء سازمان یافته‌ترین (مؤسسات) بوده، در حالی که نمایندگی یک سوم از نیروی کارگری بومی را عهده‌دار می‌باشند. این اتحادیه‌ها بالقوه قادرند فعالیت اقتصادی را در محورهای کلیدی و عمده متوقف نمایند. چهارده اتحادیه‌ای که «فدراسیون عمومی کارگران کویتی» را شامل می‌شوند از کارمندان صنعت نفت، بانکها و نه (۹) وزارتخانه تشکیل یافته‌اند. رهبران اتحادیه‌ها چپ‌گرا یا کمونیست می‌باشند، در حالی که اعضای معمولی نسبت به سیاست بی تفاوت هستند. دولت تاکنون بر رادیکالیسم سیاسی به طرز موفقیت‌آمیزی مسلط بوده، و فعالیت اتحادیه‌ها را به مسائل بسیار جزئی مشغول داشته است.

تقسیم ثروت حاصله از نفت

ملایمت تشنجات سیاسی داخلی نشانگر تقسیم ثروت حاصله از نفت کشور میان اتباع این کشور می‌باشد، که البته بایستی میان آنان و اتباع سابق کشورهای دیگر که جمعیت بسیاری را در کویت شامل می‌شوند، تمایز داده شود. طی سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ کویت در نتیجه افزایش بهای نفت ثروت عظیم بادآورده‌ای به دست آورد در حالی که تا آن زمان نیز بیش از بیست و پنج سال از ثروت حاصله از نفت سود جسته بود. درآمدهای نفتی از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۹ میلیارد در سال ۱۹۷۷ افزایش پیدا نمود. کویت این درآمدها را در جهت بهبود وضع کشوری به کار برده است که در گذشته نیز از جهت رفاه اجتماعی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شده است.

* اشتغال برای همه اتباع تضمین گشته است. در صورت عدم اشتغال افراد در مشاغل غیردولتی، دولت آنان را به استخدام خود در می‌آورد.

* مسکن (که اغلب شامل تدارک زمین و اعتبار می‌باشد) به بهای کسری از بهای واقعی خود فراهم است.

* به مواد غذایی سوبسید (کمک هزینه دولتی) تعلق می‌گیرد.

* درآمد فاقد مالیات می‌باشد.

* تحصیل رایگان برای عموم، بهداشت و آب و برق و تلفن به صورت رایگان برای کلیه اتباع فراهم است.

تنها نقیصه عمده در رفاه‌گرایی کویتها کمبود مسکن برای قشر کم‌درآمد مردم است، زیرا بنای ساختمان همگام با تقاضا نبوده و قادر نیست پاسخگوی آن باشد.

هر چند جمعیت شیعیان بومی این کشور که به ۱۱۰ هزار نفر بالغ می‌گردد (۲۰٪ کل جمعیت بومی کویت) در ثروت حاصله از نفت شریک گشته‌اند، با این همه هنوز از برخی تبعیضات سیاسی و اجتماعی رنج می‌برند. از نظر مالی شیعیان مجموع «بسیار موفق بوده‌اند و ظاهراً ناآرامی مدنی برای ایشان همانقدر زیان‌بخش است که برای برادران سنی مذهبشان، اگر چه اخیراً شیعیان - منجمله خانواده‌های تجاری مرفه - تظاهراتی به پشتیبانی (امام) خمینی برگزار نمودند و احتمالاً برای کسب آزادی سیاسی بیشتر اصرار خواهند ورزید، اما آنان بیش از آن مرفهند که به انقلابیون حقیقی مبدل گردند.

در حالی که اتباع کویت از مزایای ثروت حاصل از نفت برخوردارند، خارجیان که به اکثر مشاغل یدی و حرفه‌های تخصصی درجه ۲ در رابطه با مدیریت اشتغال دارند، از بخت کمتری بهره‌مند می‌باشند. اتباع کشورهای دیگر که ۵۳٪ جمعیت ۱/۲ میلیون نفری این کشور و ۷۰٪ نیروی کارگری را تشکیل می‌دهند، در مقابل کار مشابه از اتباع اصلی حقوق کمتری دریافت می‌کنند و از نظر مسکن در سخت‌ترین شرایط به سر می‌برند. مشاغل پردرآمد و مالکیت زمین، تشکیل احزاب سیاسی و شرکت در هر گونه فعالیت سیاسی برای آنان ممنوع است، طبق قوانین مشکل مربوط به حق تابعیت، تنها تعداد اندکی از خارجیان می‌توانند به تابعیت این کشور درآیند.

محرومیت از مالکیت اموال و فعالیت سیاسی، در میان کسانی که تبعه این کشور نیستند به ویژه فلسطینیها، ایجاد تنفر و خشم می‌نماید. سیصد هزار فلسطینی بزرگترین گروه خارجیان را تشکیل می‌دهند. آنان ۲۵٪ مشاغل مربوط به خدمات شهری شامل بسیاری مناصب کلیدی را در اختیار دارند. قوای امنیتی از نزدیک فلسطینیها را تحت کنترل داشته و گاه به گاه اغتشاش آفرینان فلسطینی را از کشور اخراج می‌نمایند. خطر از دست دادن مشاغل مؤثرترین عامل بازدارنده فلسطینیها از فعالیت سیاسی بوده است. به هر ترتیب، صرف قدرت حاصله از کثرت فلسطینیها همچنان موجب نگرانی خاندان سلطنت می‌باشد.

گردش ثروت حاصله از نفت

با پندگیری از اشتباهات گذشته، دولت کویت کنترل منابع نفتی خود را طی سالهای دهه ۱۹۷۰ به دست گرفته و این سیاست موجب تسکین ناآرامیهای اجتماعی و سیاسی گشته است. به منظور حفظ ذخایر نفتی برای نسلهای آینده، استخراج نفت کاهش پذیرفته است. در نتیجه افزایشهای مستمر در

بهای نفت، کاهش استخراج تاکنون مانع سیر صعودی درآمدهای حاصله از نفت از سال ۱۹۷۵ نبوده است. از سال ۱۹۷۳ تاکنون رشد (اقتصاد) غیر نفتی به میزان متعادل سالانه ۸٪ نگاهداشته شده است، حتی طی دوران قبل از سال ۱۹۷۳، دولت کویت که ظرفیت محدود سرمایه‌گذاری داخلی را دریافته بود، به سرمایه‌گذاری عظیم در خارج از کشور همت گماشت. سالهاست تجربیات سرمایه‌گذاری خارجی کویت از دیگر کشورهای عربی تولیدکننده نفت پیشرفته‌تر بوده است.

طی سالهای دهه ۱۹۷۰، سیاست نفتی دولت تصویر بارزتری از منفعت‌جویی ملی را به نمایش گذارده است. از سال ۱۹۷۳ به بعد، استخراج نفت از ۳ میلیون بشکه در روز به ۲ میلیون بشکه کاهش یافته است. با این حساب، ذخایر نفتی قطعی و احتمالی کشور که ۸۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است برای صد سال کفایت خواهد نمود. دولت بهره‌جداگانه‌ای برای استخراج نفت مقرر کرده و مالیاتها و حق‌الامتیازاتی را که به وسیله کمپانیهای خارجی فعال در کشور پرداخت می‌شوند افزایش داده است. مالکیت بخش (اقتصاد) نفتی که در سال ۱۹۷۵، ۷۰٪ تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌نمود کاملاً در اختیار دولت قرار گرفته است.

در زمینه‌های غیرنفتی، توسعه و پیشرفت (اقتصادی) داخلی بر حمل و نقل، ارتباطات، خدمات اجتماعی و پایه صنعتی تمرکز یافته است. در زمینه صنعت، بخشهای (اقتصادی) مربوط به صادرات که بر صدور سرمایه استوار است و از نفت و گاز به عنوان منابع انرژی و مواد خوراکی خود استفاده می‌نمایند، مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

کویت: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق (۱)
جابر الاحمد الصباح (۲)	امیر	
سعد العبدالله الصباح (۲)	نخست‌وزیر	از بستگان دور امیر
جابر علی الصباح (۲)	معاون نخست‌وزیر و وزیر اطلاعات	از بستگان دور امیر
صباح الاحمد الصباح (۲)	معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه	برادر ناتنی امیر
خالد الاحمد الجابر الصباح (۲)	وزیر امور دیوانی امیر	برادر ناتنی امیر
عبدالوهاب النفیسی	وزیر بازرگانی و صنعت	
سلیمان زید الخالد	وزیر ارتباطات	
سالم الصباح السالم الصباح (۲)	وزیر دفاع	از بستگان دور و فرزند امیر
جاسم خالد المرزوق	وزیر آموزش و پرورش	
حمد مبارک العیار	وزیر آب و برق	
عبدالرحمن سلیم العتیقی	وزیر دارایی	
دکتر عبدالرحمن العوضی	وزیر بهداشتی	
—	وزیر مسکن	
نواف الحمد جابر الصباح (۲)	وزیر کشور	برادر ناتنی امیر

عبدالله المفرح	وزیر دادگستری
سلمان الدویج الصباح (۲)	وزیر امور حقوقی و اداری
علی الخلیفه الصباح (۲)	وزیر نفت
محمد العدسانی	وزیر برنامه‌ریزی
حمود یوسف النصیف	وزیر امور عامه
یوسف جاسم الحاجی	وزیر امور مذهبی و اسلامی
عبدالعزیز محمود بوشهری	وزیر کار و امور اجتماعی
عبدالعزیز حسین	وزیر مشاور در امور کابینه

۱- عبدالمطلب الکاظمی وزیر نفت کویت در سالهای ۷۸ - ۱۹۷۵ تنها شیعی مذهبی بود که توانسته بود در کابینه سمتی کسب نماید، بقیه اعضاء سنی مذهب می‌باشند.

۲- اینان اعضای انتسابی خانواده حاکم می‌باشند. اعضای کابینه شاخه‌های متعدد خانوادگی را نشان می‌دهد که رقبای یکدیگر نیز به حساب می‌آیند.

دولت کویت عموماً پروژه‌هایی را برگزیده است که در صحنه اقتصاد بین‌المللی قادر به رقابت بوده و نسبت به استانداردهای (موازین) معمول تجاری از سود کافی برخوردار باشند. بر خلاف ایران و دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته، کویت از نمایشهای بیش از حد تجملی و پر دردرس در زمینه صنعت اجتناب ورزیده است.

علیرغم مخارج فراوان برای ایجاد تنوع اقتصادی، دولت دارای مازاد بر درآمد نیز می‌باشد. موجودی ذخیره رسمی از ۳/۷ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۳ به ۹/۶ میلیارد دلار در اواسط سال ۱۹۷۸ افزایش یافته است. به علاوه این کشور دارای موجودی غیر ذخیره‌ای بالغ بر ۱۷/۳ میلیارد دلار در خارج از کشور می‌باشد، که اکثر آن در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا سرمایه‌گذاری شده است. درآمد حاصله از این موجودی در پنج برابر شدن درآمدهای غیر نفتی طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴ مؤثر بوده است و دولت امیدوار است که این درآمد توسعه اقتصادی را با وجود کاهش ذخایر و استخراج نفت، تداوم بخشد. اکنون دولت کویت مقرر داشته است که ۱۰٪ از درآمدهای حاصله از نفت به «صندوق ذخیره نسلهای آینده» که در خارج به کار گرفته می‌شود، واریز گردد. درآمدی که از این کار به دست می‌آید در خود صندوق نگاهداشته می‌شود و حداقل به مدت ۲۵ سال نمی‌تواند به عنوان بودجه مورد استفاده قرار گیرد.

سیاست خارجی

کویت سیاست خارجی خود را بر کسب و موازنه حمایت سیاسی همسایگان خود استوار نموده است و این مسئله حاکی از آسیب‌پذیری نظامی و جغرافیایی این کشور می‌باشد. کویت در جستجوی آن است که خلیج فارس را از ستیزه‌جویی یک قدرت بزرگ دور نگاهداشته و با کلیه کشورهای روابط دوستانه برقرار نماید. حمایت جدی کویت از وحدت عربی به منظور آن است که وی را از اشغال و تجاوز به وسیله دیگر کشورها و انقلابی رادیکال که به پشتیبانی بیگانه ممکن است در این کشور به وقوع بپیوندد، در امان دارد. هرگونه شکافی در صفوف اعراب، به خصوص در رابطه با مسئله

فلسطین، به عنوان خطری تلقی می‌شود که امنیت داخلی و خارجی این کشور را تهدید می‌نماید. هر چند این کشور نسبت به مسئله فلسطین همفکر و همدرد است، با این همه اگر به خاطر کثرت جمعیت فلسطینیهای مقیم این کشور نبود، احتمالاً خط محافظه‌کارانه‌تری را در رابطه با این مسئله دنبال می‌نمود. گسترش درآمدهای حاصله از نفت بر نفوذ خارجی کویت افزوده است. طرح یاری رسانی کویت - که این کشور در میان کشورهای تولیدکننده نفت عضو اوپک، جزء اولین مبتکرین آن می‌باشد - اکنون یکی از مهمترین ابزار در خدمت سیاست خارجی این کشور به شمار می‌رود.

کویت که در میان یاری‌رسانان جهان مقام چهارم را دارا می‌باشد، از بالاترین نسبت کمک به تولید داخلی ناخالص (حدود ۱۰٪) برخوردار می‌باشد. بین سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴، مجموع این کمکها به ۲/۸ میلیارد دلار بالغ گشته و بین ۴۰ کشور مختلف توزیع گردید. بیش از سه چهارم این مقدار به کشورهای عرب، به ویژه کشورهای در حال ستیز (خط مقدم - م) تعلق گرفته است. به منظور حفظ پشتیبانی فلسطینیهای داخلی، کویت به سازمان آزادیبخش فلسطین و صندوق کمک به اردوهای پناهندگان مربوط به سازمان ملل متحد نیز یاری نموده است.

اگر سیاستهای سیاسی و اقتصادی قادر به جلوگیری از تجاوز خارجی نباشند، کویت ناچار خواهد بود که بر نیروهای نظامی ناچیز خود تکیه کند. نیروهای مسلح کویت که عمدتاً از عشایر داخلی تشکیل می‌شود، تنها شامل بر ۹۵۰۰ نفر می‌باشد. نیروی پلیس ملی که بالقوه ممکن است ارتش را یاری نماید بر ۱۵۲۰۰ نفر بالغ می‌گردد. در نتیجه مشکلاتی در جذب داوطلب سربازی، کویت به تازگی خدمت و وظیفه اجباری را وضع نموده است.

خاندان سلطنتی دریافته است که قادر به دفع یک تهاجم وسیع نظامی نخواهد بود. از اینرو استراتژی وی بنای یک قوای دفاعی است که قدرت کافی برای متوقف نمودن مهاجم تا کسب کمک خارجی را دارا می‌باشد. در سالهای ۷۷ - ۱۹۷۶، کویت معاینه کامل و اصلاحات عمده‌ای را در رابطه با نیروهای مسلح خود آغاز نمود، به این منظور مسافرتهایی به کشورهای غرب و به میزان بسیار کمتری به روسیه، برای خرید جت‌های جنگنده، تانک، راکت و کشتی انجام گرفت. بهای ابزار نظامی تحویل گرفته شده توسط کویت از ۱/۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۳۲۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافته است. به علت رشد سریع اقتصادی، مخارج دفاعی هنوز تنها ۴٪ تولید ناخالص داخلی یعنی تقریباً به اندازه سال ۱۹۷۳ را تشکیل می‌دهد و آنقدر نیست که نفرت سکنه ثروتمند این کشور را در سطح گسترده‌ای برانگیزد.

چشم‌انداز

با ثروت انبوه و جمعیت ۱/۲ میلیون نفری کویت انتظار می‌رود که این کشور طی چندین سال آتیه قادر باشد ثبات سیاسی خود را حفظ کند. تجربه طولانی در مورد اداره ثروت و توسعه برنامه‌های وسیع اجتماعی باعث شده است، که خانواده صباح کمتر از بسیاری از همسایگانش نسبت به مخالفت‌های داخلی آسیب‌پذیر بماند. به هر ترتیب محتمل است که فشار از سوی شیعیان و فلسطینیهای داخلی و کویتهای تحصیلکرده، متشکل از گروههای نژادی و مذهبی گوناگون منجر به تغییرات اجتماعی و سیاسی در طول سالهای آتی گردد. از طریق بهبود خدمات اجتماعی، کویت احتمالاً قادر

خواهد بود که از ناآرامی بالقوه فلسطینیها و اتباع سابق کشورهای دیگر اجتناب نماید. با در نظر گرفتن وابستگی داخلی کویت به نیروی انسانی بیگانه برای تأمین خدمات و عکس‌العملهای حاد سیاسی که اخراج تعداد قابل توجهی فلسطینی در پی خواهد داشت، اخراج در مقیاس وسیع راه حل مناسبی نخواهد بود. به ویژه خاندان سلطنتی تحت فشار بسیاری قرار خواهد گرفت تا موضع اساسی تری نسبت به پشتیبانی از مسئله فلسطین اختیار کند.

در پاسخ به تقاضای مردم برای حضور بیشتر آنان در صحنه سیاست خاندان صباح احتمالاً کوشش خواهد نمود که مجلس ملی را به شکلی که مشکلات گذشته تکرار نشده و حاکمیت این خاندان به خطر نیفتد، دوباره برقرار سازد. در کوتاه مدت تقسیم مختصری از نفوذ و قدرت سیاسی توسط خاندان سلطنتی ممکن است برای ابقای حکومت آنان کافی باشد. اما در بلند مدت، خاندان صباح تحت فشار روزافزونی قرار خواهد گرفت تا قدرت خود را با نیروهای سیاسی در حال رشد تقسیم نماید.

یمن شمالی

جمعیت:	۶/۳ میلیون نفر که تقریباً تمامی آنها بومی هستند.
حکومت:	رژیم نظامی (طرفدار غرب)
رئیس حکومت:	سرهنگ دوم علی عبدالله صالح
مذهب جمعیت بومی:	۵۵ درصد سنی شافعی ۴۵ درصد شیعه زیدی
سطح سواد:	۱۵ درصد
اقتصاد:	اقتصادی کوچک و کشاورزی که اصولاً به وسیله پولهای کارگرانی که در خارج از کشور بسر می‌برند حمایت می‌گردد.
ارز خارجی رسمی:	۱/۳۵ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸
ذخیره تولید ناخالص ملی:	۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۱۶/۵۰۰ که نیروهای قبیله‌ای به فراخور نیاز فرا خوانده می‌شوند.
نیروی پلیس ملی:	تقریباً ۴۳۰۰ نفر

یمن شمالی، روابط با عربستان سعودی

بقای حکومت فعلی یمن شمالی بر حمایت مستمر اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی از این کشور متکی است. سعودیها پیشتر تلاش بین‌المللی در حمایت از صنعا بوده‌اند و طی پنج سال گذشته حدود یک میلیارد دلار کمک اقتصادی را در گرو این کار نهاده‌اند. با این همه عربستان سعودی هرگز به یمن شمالی اعتماد نداشته و حتی توطئه چیده است که آن را از داخل تضعیف نموده و ضعیف نگاه دارد. به هر ترتیب سعودیها خواستار رژیم مساعدی در یمن شمالی می‌باشند، که بتوانند از آن به عنوان خط مقدم دفاع خود علیه حکومت رادیکال یمن جنوبی استفاده نمایند. در رابطه با پرزیدنت علی عبدالله صالح باید گفت که تلاشهای وی برای حامیان خود و تسکین منتقدان روزافزونی ممکن

است، بسیار دیر شده باشد.

یمن شمالی که نام رسمی آن جمهوری عربی یمن می‌باشد، مساحتی برابر دو بیست هزار کیلومتر مربع از بخش جنوبی شبه جزیره عربستان را می‌پوشاند. کشاورزی قسمت اعظم فعالیت اقتصادی در این کشور را تشکیل می‌دهد. هر چند میزان بارندگی در یمن شمالی نسبت به سایر کشورهای واقع در شبه جزیره بسیار بهتر است، اما محصول کشاورزی در گرو آب و هوایی خشن و متغیر قرار دارد. شمار بسیاری از ساکنین یمن شمالی در جستجوی درآمد بهتر به نقاط پر رونق منطقه خلیج فارس به ویژه به عربستان سعودی مهاجرت نموده‌اند. وجوه ارسالی توسط این کارگران معادل بیش از ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی بوده و بخش عمده‌ای از واردات یمن شمالی را تشکیل می‌دهد. به علاوه از طریق مالیاتهای گمرکی که به این واردات تعلق می‌گیرد، آنان سهم عمده‌ای از درآمدهای دولتی را به طور غیرمستقیم تأمین می‌نمایند. مهاجرت، اتباع سابق یمن را با عقاید و مهارت‌های جدیدی روبرو نموده و این گونه ارزشهای اجتماعی مورد پسند و علاقه، اعراب محافظه‌کار را تغییر و تحول می‌بخشد. تغییر و تحول در ارزشها و شیوه‌های مرسوم زندگی هنگامی اوج می‌گیرد، که یمن شمالی تلاش می‌نماید از سویی از عهده تجاوزات یمن جنوبی برآمده و از سوی دیگر با روابط مستمر با عربستان سعودی و قبایل شمالی که صاحب استقلال فکری می‌باشند کنار آید، موقعیتی که می‌توانست باعث تداوم یک حکومت ضعیف (چون دولت یمن شمالی) گردیده و ایجاد نهادهای دموکراتیک اصیل را به تعویق اندازد.

تحول سیاسی

منطقه‌ای که اکنون جمهوری عربی یمن را در بر می‌گیرد تا انقلاب سپتامبر سال ۱۹۶۲ که سلطه فتودالیستی «امام» را خاتمه بخشیده و راهی برای نفوذ تأثیرات خارجی به داخل منطقه گشود، از نظر سیاسی و اقتصادی در حالتی نامتناسب با شرایط زمان به سر می‌برد. گروه جمهوریخواهان که «امامت» را برانداختند، اقدام به تأسیس نهادها و اشاعه خط‌مشی‌هایی متناسب با یک حکومت متجددتر از دولت اسلامی قرون وسطایی یمن شمالی نمودند. تحت سرپرستی مصریها که از جمهوریخواهان در جنگ داخلیشان علیه عناصر سلطنت‌طلب (که به وسیله عربستان سعودی حمایت می‌شدند) طرفداری می‌کردند، در حدود دوجین وزارتخانه و سایر مؤسسات دولتی و چند شرکت مشترکاً خصوصی - دولتی به وجود آمدند. همزمان با خاتمه رسمی جنگ داخلی در سال ۱۹۷۰، یک قانون اساسی تدوین گشت و اولین انتخابات ملی یمن شمالی برگزار شد که به استقرار یک هیئت قانونگذاری موسوم به «مجلس شورا» منجر گردید. هر چند احزاب سیاسی سازمان یافته در این کشور هرگز مجال رشد نیافته‌اند اما برخی عناصر تشکیل‌دهنده مجلس صاحب اعتقادات بعثی و ناصری و نظریات دیگر می‌باشند.

نفوذ مجلس شورا بر خط‌مشی ملی که از ابتدای تأسیس آن نیز قابل توجه نبوده است، طی سالهای اخیر به علت حاکمیت متوالی «شوراهای رهبری نظامی» تضعیف گشته است. در سال ۱۹۷۴ یک شورای رهبری چهار نفره تحت رهبری آمیخته با نبوغ سرهنگ ابراهیم الحمیدی قدرت کامل را به دست گرفت. با تکیه بر توسعه اقتصادی و تجددگرایی، این شورا کوشش نمود که حکومت مرکزی

را تقویت نماید. چندین کمیته اصلاح، تعاونی، انجمن مهاجرین و مؤسسات دیگری که قدرتهای سنتی و قبیله‌ای را در معرض تهدید قرار می‌داده‌اند، تأسیس گردید. با این همه دولت هرگز قادر نبود کنترل کامل خود را بر بسیاری از مناطق کشور، به ویژه بر شمال شرقی آن اعمال نماید.

پس از آن که حمدی در اکتبر سال ۱۹۷۷ به قتل رسید. بسیاری از برنامه‌ها اصلاحی وی نیز به فراموشی سپرده شدند. دولت تحت رهبری جانشین سرهنگ احمد القشمی، قالب شخصی و نظامی‌تر به خود گرفت. تکیه بر نیروهای نظامی پس از قتل قشمی توسط مأموری از یمن جنوبی در ژوئن سال ۱۹۷۸ همچنان ادامه یافت. رئیس جمهور فعلی سرهنگ دوم علی عبدالله صالح خارج از قوای مسلح پایگاه قدرتی ندارد و مورد تنفر بعضی عناصر درون قوای مسلح نیز می‌باشد، زیرا آنان گمان می‌کنند که وی مسئول مرگ حمدی محبوب بوده است.

رژیم صالح با این مشکل روبروست که ساکنین یمن شمالی را متقاعد نماید که قادر است، مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی این کشور را حل کند. در عین حال، حکومت فعلی بایستی به شرایط امنیتی ناپه‌نجاری که به واسطه فعالیت‌های خرابکارانه مارکسیستی یمن جنوبی ایجاد گردیده است، رسیدگی نماید.

یمن شمالی: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق
علی عبدالله صالح	رئیس جمهور	زیدی
محمد احمد آل جونید	معاون نخست‌وزیر در امور مالی و اقتصادی	شافعی
عبدالکریم آل امیریانی	وزیر کشاورزی	نامشخص
حسین عبدالله الامری	وزیر امور خارجه	نامشخص
یحیی حسین آل	وزیر اطلاعات و فرهنگ	نامشخص
محمد حمود خمیس	وزیر کشور	نامشخص
احمد آل میهانی	وزیر امور عامه و شهرداریها	نامشخص

تقسیماتی از دیدگاه جامعه‌شناسی

یک شکاف مذهبی میان سکنه ۶/۳ میلیون نفری یمن شمالی ماده منفجره بالقوه‌ای در چشم‌انداز امنیت داخلی این کشور به شمار می‌رود. جماعت زیدیه از مذهب شیعه که در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی یمن شمالی به سر می‌برند قرن‌هاست که بر جماعت شافعی از مذهب سنی در جنوب و جنوب غربی این کشور مسلط بوده‌اند. وجه تمایز این دو فرقه بیش از آنکه از تعالیم دینی ایشان نشأت بگیرد، در خصوصیات اجتماعی و فرهنگی آنان نهفته است. از آنجا که جماعت شافعی از نقش محسوسی در امور حکومتی محروم بوده‌اند، اغلب خارج از کشور به تجارت اشتغال ورزیده‌اند و از این رو بیش از زیدیان تنگ‌نظر، در معرض تأثیرات خارجی قرار گرفته‌اند. شافعیان در حال کسب مختصر نفوذی در امور سیاسی می‌باشند. شمار روز افزون تکنوکرات‌های (متخصصین در امور صنعتی) مورد نیاز حکومت که از عهده تهیه خدمات عمومی و اداره طرح‌های مربوط به توسعه اقتصادی کشور

برآیند، در میان شافعیان بیش از زیدیهای قبیله نشین یافت می‌شوند. همچنان که اقتصاد از حرفه‌های کشاورزی سنتی رایج در میان قبایل فراتر می‌رود، به نظر می‌رسد که زیدیها همبستگی خویش را از دست می‌دهند.

ضعف نظامی

اختلاف فرقه‌ای میان شافعیه‌ها و زیدی‌ها وحدت نیروهای مسلح را تضعیف می‌نماید. واحدهای نظامی در ابتدا گردن‌نمایی قبیله‌ای تشکیل شدند. از آنجا که داوطلبان خدمت در ارتش طبیعتاً جذب واحدهای هم‌قبیله‌ای خود شده‌اند، تشکیل قبیله‌ای واحدهای مختلف همچنان تداوم یافته است. افسران ارتشی عموماً زیدیه مذهبند و معمولاً قبیله دوست بوده و از تحصیلات و تربیت پایینی برخوردار می‌باشند. بسیاری از شافعیان از خدمت زیر دست مافوق زیدیه مذهب سرباز زده‌اند. همراه با گرایش روزافزون نیروهای مسلح به سمت سیاست و فساد شایع میان افسران، فرقه‌گرایی به کمبود کارکنان ارتش منجر گردیده است. در حالی که طی برخوردهای خصمانه با یمن جنوبی اختلافات داخلی علت عمده عملکرد ضعیف یمن شمالیها می‌باشد. ارتش این کشور نیز از تجهیزات فرسوده و بد نگهداری شده خود زیان بسیاری تحمل نموده است. تجهیزات نیروهای مسلح را عمدتاً اسلحه فرسوده روسی و برخی وسایل جدیدتر غربی تشکیل می‌دهد. طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷، میزان وسایل نظامی که به یمن شمالی تحویل داده شده است تنها به ۹۰ میلیون دلار بالغ می‌گردد، حال آنکه یمن جنوبی معادل ۱۹۷ میلیون دلار تجهیزات دریافت داشته است. این شکاف در سال ۱۹۷۸ وسعت بیشتری می‌یابد. یمن شمالی تنها ۷/۵ درصد از کارکرد ملی خود را به مخارج دفاعی اختصاص می‌دهد، در حالی که یمن جنوبی ۱۴/۵ درصد وقف این مخارج می‌کند. اخیراً واردات تجهیزات آمریکایی از ایالات متحده و عربستان سعودی که توسط ریاض تأمین (مالی) می‌شود. احتمالاً از عدم توازن نظامی در یمن شمالی خواهد کاست.

مهاجرت: هرز رفتن نیروی انسانی

کمبود کارکنان ارتش نشانگر نقصان عمومی نیروی انسانی در یمن شمالی است. از سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ به بعد که افزایش بهای نفت به رونق اقتصادی در عربستان سعودی و کشورهای دیگر خلیج منجر گردید، تعداد روزافزونی برای اشتغال به خارج مهاجرت نموده‌اند، حدود ۳۰ درصد از نیروی انسانی مرد اکنون خارج از کشور به کار اشتغال دارد. ذخیره غیرکافی نیروی کارگری داخلی فشار عمده‌ای بر برنامه‌های توسعه اقتصادی و گسترش بازرگانی خصوصی، در داخل کشور به شمار می‌رود، به ویژه کشاورزی از این نقصان زیان دیده است. فقدان نیروی انسانی به ترک برخی زمینهای زراعی انجامیده و احتمالاً در کاهش محصول نیز دخیل بوده است. در نتیجه موقعیت کساد نیروی کارگری، زنان به تدریج محدودیتهای سنتی را شکسته و به کار می‌پردازند. این دگرگونی بیش از هر چیز در کشاورزی تکان دهنده بوده است. به علاوه کارهای روزمره نظیر آشپزی، حمل آب، پرورش فرزند، جمع‌آوری علوفه و مراقبت از حیوانات اکنون زنان در فعالیتهایی نظیر شخم زدن، کاشتن و درو کردن که مطابق سنت به مردها اختصاص داشته است نیز دخالت دارند. کارگران زن که به کشاورزی

اشتغال دارند $\frac{1}{4}$ تا $\frac{3}{4}$ مردان همکار خود مزد می‌گیرند، حتی در بعضی نقاط کشور زنان مزارع را اداره می‌کنند، در امور سرمایه‌گذاری صاحب رأی می‌باشند و هم‌تراز مردان در کارهایی چون برق کشی در منازل و حفر چاه شرکت می‌جویند.

مهاجرت: تأمین مالی اقتصاد

طبق گزارش رسمی درآمدهای ارسالی به این کشور توسط یمن شمالی‌هایی که در عربستان سعودی و کشورهای دیگر به کار اشتغال دارند، به یک میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ - یعنی ۹ برابر رقم متعلق به سال ۱۹۷۴ افزایش یافته است. این مبلغ معادل بیش از ۵۰ درصد «تولید ناخالص داخلی» می‌باشد. بدون شک اضافه بر این مبلغ، وجوه دیگری نیز به کشور ارسال می‌شوند که در بانک مرکزی ثبت نمی‌گردند. همچنین یمنی‌هایی که به کشور بر می‌گردند ماشین، کامیون و سایر اقلام مصرفی را به همراه می‌آورند. این وجوه در دو برابر نمودن درآمد سرانه به ۳۵۰ دلار طی پنج سال اخیر مؤثر بوده‌اند. وجوه ارسالی بودجه عمومی را بهبود بخشیده است. از آنجا که افزایش قدرت خریدی که توسط این وجوه به وجود آمده تقاضا برای اجناس وارداتی را بالا برده است، مالیات گمرکی که به این اجناس تعلق می‌گیرد نیز به سرعت افزایش یافته و روی هم رفته بزرگترین قسمت از درآمدهای عمومی تأمین می‌نماید (۸۵٪). در عین حال ذخایر رسمی به طور یکنواخت بالا رفته و در آخر سال ۱۹۷۸ به بیش از $\frac{1}{4}$ میلیارد دلار بالغ گردیده است خط‌مشی کنونی بانک مرکزی یمن شمالی خرید دلار با ریال‌های یمنی است که این کشور چاپ می‌نماید. به عنوان یک کشور کمتر پیشرفته که از نظر منابع طبیعی فقیر می‌باشد، یمن شمالی از اعتبار بین‌المللی خارق‌العاده‌ای برخوردار است. داراییهای خصوصی دلار و دیگر پولهای نقد - که به علت فقدان کنترل ارزی رواج یافته است - احتمالاً بیش از داراییهای عمومی می‌باشد.

در نتیجه محدودیت نیروی انسانی و دیگر فشارها، تنها قسمتی از تقاضاهای حاصله از هجوم وجوه خارجی توسط محصول داخلی که از سال ۱۹۷۳ به بعد سالیانه ۸٪ افزایش یافته است، برآورده می‌شود. بازرگانی، خدمات دولتی، حمل و نقل و بودجه داخلی سریعتر از دیگر چیزها توسعه یافته‌اند. بسیاری از مهاجرین که به کشور بازگشته و مخارجشان توسط پس‌انداز آنها در خارج از کشور تأمین می‌شود، مغازه‌های کوچکی باز نموده و به حرفه‌هایی نظیر نجاری، جوشکاری و خدمات فنی که در عربستان سعودی فراگرفته‌اند، می‌پردازند. از آنجا که مراجعین از عربستان سعودی، از نظر رفاه عمومی توسط دولت آن کشور تأمین می‌شده‌اند، تقاضا برای گسترش خدمات عمومی در سطح کاملاً بالایی قرار دارد.

حتی کشاورزی که هنوز ۴۵٪ از محصولات تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، توسعه قابل توجهی در زمینه محصولات قابل عرضه جدید به ویژه سبزیجات، میوه‌جات و طیور پیدا نموده است. وجوه ارسالی کشاورزی را مکانیزه‌تر نموده، بخصوص پمپ و تراکتور را تأمین کرده است. گیاه مخدر ملایمی که در یمن شمالی به طور وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، همچنان مهمترین (و جنجال‌آفرین‌ترین) محصول قابل عرضه می‌باشد. هر چند مازاد مواد غذایی اکثراً در داخل کشور به مصرف می‌رسد، ولی محصولات کشاورزی چون کتان و قهوه - که بیشتر در زمینهایی که به وسیله

باران آبیاری می‌شوند به عمل می‌آیند - قسمت عمده صادرات را تشکیل می‌دهند. مواد غذایی داخلی می‌بایست توسط واردات غذایی تکمیل شود. مواد غذایی ۲۴ درصد از کل واردات را شامل می‌گردد. از آنجا که سرمایه‌گذاری و تولید داخلی نتوانسته همگام با ازدیاد وجوه ارسالی به داخل کشور توسعه یابد، تورم تسریع گردیده است. طی سالهای اخیر قیمتهای مصرف‌کننده سالانه ۲۵ درصد بالا رفته است. روش اصلی دولت برای کنترل تورم عبارت از توسعه واردات می‌باشد. این گونه است که صنعا هر گونه محدودیت و ممنوعیت در رابطه با واردات تجملی را از میان برداشته است. روشهای دیگر چون کاهش اعتبار بانکی تنها بر کاستن واردات و مالیاتهای گمرکی منجر خواهد شد. تغییر خط‌مشی مربوط به مبادله آزاد ارزهای خارجی ارزش ریال یمنی را پایین آورده و گردآوری ذخایر دلار را کند خواهد نمود.

توزیع درآمد

افزایش وجوه ارسالی توسط کارگران در یکنواخت کردن درآمدها بسیار مؤثر بوده است. وجوه ارسالی از خارج از کشور اکثراً به روستاهایی سرازیر می‌شود که قسمت عمده نیروی کارگری مشغول به کار در خارج اهل آن روستاها می‌باشند. روابط خانوادگی مستحکم سنتی باعث شده است که بسیاری از مردم از این نقل و انتقالات سود ببرند. در عین حال گسترش بخش جدید اقتصادی در یمن شمالی فرصتهای جدیدی برای اشتغال کسانی که اقامت در داخل کشور را انتخاب می‌نمایند به وجود آورده است. با بهره‌جویی از تأثیر مثبتی که وجوه ارسالی بر منابع کشور داشته است، اکنون دولت در پی توسعه برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای اساسی طبقات بسیار فقیر می‌باشد.

تعدادی از تجار مرفه و ملاکین ثروتمند که از تحولات سیاسی سالهای اخیر جان سالم به در برده‌اند، بخش بزرگی از ثروت کشور را دارا می‌باشند. در حقیقت اکنون برخی از تجار با سوء استفاده از کمبودهای مستمر، ثروتمندتر می‌شوند. نظام فعلی مربوط به تصرف زمین و سنت تقسیم محصولات نیز نابرابریهای مالی در مناطق روستایی را ابقاء می‌نمایند. دولت تلاش می‌کند مالیات بیشتری از اقشار پر درآمد دریافت نماید. هر چند که تاکنون چندان جدی نبوده و موقعیت قابل توجهی نیز نداشت است.

ارتباط با عربستان سعودی

عربستان سعودی در مجموع دارای بیشترین نفوذ خارجی بر یمن شمالی است. ریاض موضع سیاسی دو شاخه‌ای (دوگانه‌ای) را نسبت به صنعا دنبال می‌نماید. از یکسو، از اوائل دهه ۱۹۶۰ به بعد عربستان سعودی مهمترین متفق سیاسی دولت یمن شمالی بوده است، تلاشهای بین‌المللی جهت محافظت یمن شمالی علیه تجاوزات جنوبی را رهبری نموده و طی پنج سال گذشته حدود یک میلیارد دلار جهت کمک اقتصادی به این کشور اختصاص داده است. در عین حال سعودیها حمایت سنتی خویش را از قبایل شمالی و شرقی یمن شمالی ادامه داده‌اند. رهبران سعودی روابط خود با این قبایل را به مثابه وسیله‌ای می‌نگرند که نفوذ آنان در یمن شمالی را افزایش بخشیده و چون حصار آنان را علیه یک رژیم بالقوه غیر دوستانه با تمایلات چپ‌گرایانه (که ممکن است در یمن شمالی قدرت را به

دست گیرد) محافظت خواهند نمود.

همچنین سوبسیدهایی که به این قبایل پرداخت می‌شود هجوم نیروی کارگری نامحدودی را به داخل عربستان سعودی تضمین می‌نماید. عقیده بر این است که نیم میلیون نفر از اتباع یمن شمالی در این کشور به کار اشتغال دارند. سعودیها یمن شمالی را به عنوان بهترین منبع نیروی کارگری موجود می‌نگرند. یمنی‌ها برادران عربی هستند که با آنان زبان مشترکی داشته و بر خلاف دیگر کارگران مشکلات اجتماعی کمتری دارند و ضمناً از تحرک بسیاری برخوردارند. توسط معافیت از پاسپورت رسمی، ویزا و مقررات پیمانی، سعودیها کارگران یمنی را تشویق می‌نمایند. اینچنین است که برخلاف اکثر کارگران بیگانه در عربستان سعودی، یمنی‌ها قادرند از شغلی دست کشیده و به شغلی بپردازند که از مزد بیشتری برخوردار باشد. بعضی از اتباع یمن شمالی صنعا را تحت فشار گذارده‌اند، که ریاض را وادار نماید تا مزایای شغلی بیشتری نظیر بیمه تصادفات، مرخصی به علت بیماری، حقوق بازنشستگی و کارآموزی بهتر در اختیار آنان قرار دهد، اما صنعا از مسئله نیروی کارگری احتمالاً گام چانه‌زدن جهت اخذ کمکهای بیشتری از عربستان سعودی سود خواهد جست.

چشم‌انداز

حفظ پشتیبانی کامل عربستان سعودی برای بقای روش حکومتی فعلی در یمن شمالی حیاتی خواهد بود. ما معتقدیم که کمکهای مستمر از جانب عربستان سعودی تا زمانی که این کشور یمن شمالی را به عنوان خط اول دفاع خود علیه حکومت رادیکال عدن می‌پندارد، تقریباً تضمین گشته است. اما در مورد پرزیدنت صالح، بنیان قدرت او بسیار شکننده است و این امر امکان بقای او را ضعیف می‌نماید.

روند تجددطلبی در یمن شمالی احتمالاً تحولی درون حکومت به وجود می‌آورد و قطعاً تحولات عمده‌ای در ارزشهای اجتماعی ایجاد خواهد نمود. قدرت و همبستگی سنتی قبایل به طور روزافزونی توسط مهاجرت از بین می‌رود. تجار الگوی جوانانی می‌گردند که زمانی به رهبران قبایل سنتی به عنوان نمونه و الگو می‌نگریستند. تکنوکراتهایی (متخصصین فنی) را که برای اداره حکومت و اقتصاد مورد نیاز می‌باشند در میان شافعیان که کمتر تمایلات قبیله‌ای دارند بیشتر می‌توان یافت. کارگرانی که از خارج باز می‌گردند طالب خدمات دولتی بهتری در داخل کشور خود می‌باشند. چنین است که روند تغییرات، روابط جدیدی ایجاد خواهد نمود که روابط قبیله‌ای را تحت الشعاع قرار داده و حتی جایگزین پیوستگیهای مذهبی زیدی - شافعی خواهد شد. با وجود چنین تحولات اجتماعی و اقتصادی که در حال وقوع می‌باشند احتمالاً توالی یک رشته حکومتهای ضعیف بالاترین چیزی است که یمن شمالی می‌تواند به آن امید بندد.

عمان

جمعیت:	۷۰۰/۰۰۰ نفر. ۸۰ درصد بومی
حکومت:	سلطنت مطلق
رئیس حکومت:	سلطان قابوس ابن سعید آل بو سعید

مذهب جمعیت بومی:	۵۰ درصد مسلمان ابااضی
	۳۵ درصد مسلمان سنی
	۱۵ درصد مسلمان شیعی
سطح سواد:	۱۰ درصد
درصد دانشجو نسبت به میزان جمعیت:	۷ درصد
تولید نفت:	۳۱۵۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
ارز رسمی خارجی:	۴۱۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص ملی:	۲/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۱۲/۲۰۰ نفر
نیروی پلیس ملی:	۲۴۰۰

عمان: در حال بیداری نسبت به دنیای قرن بیستم

سلطان قابوس، طی ۹ سالی که از خلع پدرش توسط وی می‌گذرد، تلاش نموده است که عمان را با قرن بیستم تطبیق دهد، البته به نحوی که این کار سلطه مطلق وی را تهدید ننماید. در این مدت وی جنگ داخلی‌ای را که علیه سیاستهای سرکوبگرانه پدرش آغاز گردیده بود، فرو نشانده و حرکت گسترده‌ای را جهت متجدد نمودن اقتصاد و جامعه‌ای که توسط نفت تأمین مالی می‌شود، آغاز نموده است. تاکنون استبداد نیکخواهانه وی مخالفت چندانی بر نیانگیخته است، اما تصور وی در رابطه با برقرار نمودن تجدد سیاسی به علاوه نقصان در تولید و ذخایر نفت او را در معرض خطر ناآرامیهای احتمالی آینده قرار خواهد داد. به علاوه یمن جنوبی که توسط شوروی حمایت می‌شود، ممکن است شورش در ایالت ظفار عمان را دوباره تحریک نماید، به خصوص که شاه ایران دیگر به عنوان ژاندارم خلیج فارس عمل نمی‌کند. قابوس که متوجه موقعیت استراتژیک عمان بر تنگه هرمز - که قسمت اعظم صادرات نفتی خلیج فارس از طریق آن بایستی عبور کند - می‌باشد، طالب آن است که آمریکا و قدرتهای دیگر غرب متعهد شوند که هر گونه مبارزه طلبی ملهم از قدرتهای خارجی را دفع نمایند. امتناع عمان از حمایت از اقدامات ضد مصری و عدم شرکت آن کشور در گردهمایی بغداد در ماه گذشته قابوس را در معرض خطر بزرگتری از سوی کشورهای عرب تندرو قرار داده است که حامیان سادات را خیانتکار نامیده و آنان را به یک مبارزه تروریستی تهدید نموده‌اند.

بررسی حکومت

سلطان قابوس ابن سعید آل بوسعید پس از خلع پدرش در ژوئیه سال ۱۹۷۰ تا به حال بر عمان - کشوری بایر به وسعت ۲۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع در لبه جنوب شرقی شبه جزیره عربستان - حکومت نموده است. از آنجا که پدر وی نفوذ تجدد را از این کشور دور نگاهداشته بود، هنگامی که قابوس به حکومت دست پیدا کرد خود را حاکم منزوی و جاهل‌ترین ملل جهان یافت. او خود خالصانه در فکر آن است که عمان را از شرایط فتودالی پیش از سال ۱۹۷۰ به عصر جدید انتقال دهد و از اینرو بر تنوع اقتصادی، قبیله‌زدایی جامعه و جایگزینی غیرعمانی‌ها در دستگاه حکومتی تأکید فراوان داشته است.

همچنین قابوس قوانین خشک و افراطی را که توسط پدر وی اعمال می‌شد لغو نموده است هر چند به این منظور عجلولانه و شتابزده عمل نکرده و در حقیقت قابوس نیز همچون پدرش اغلب به خاطر فقدان فعالیت و مسامحه در حل مشکلات عمان مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

تمایل سلطان قابوس در جهت متجدد نمودن نهادهای سیاسی را در بر نمی‌گیرد. وی که چهاردهمین نفر از خاندان خود است که به حاکمیت می‌رسد، به عنوان یک پادشاه مطلق - هر چند مهربان (ملایم) حکومت می‌کند - قدرت در دستهای وی تمرکز یافته است. او تنها منبع قانونگذاری و بالاترین قدرت قضائی می‌باشد. عمان قانون اساسی ندارد و مردم عملاً فاقد نقش سیاسی می‌باشند. بر خلاف حکام دیگر شبه جزیره عربستان که عناصری از سنت سیاسی بدوی را حفظ نموده‌اند، قابوس فاقد مجلس است، مقید به اجماع هیئت وزراء اعضای خاندان خود نیست و شیوه‌ای رسمی برای آن که هیئت وزراء و یا اتباع کشور از طریق آن عرض حال نمایند مقرر ننموده است. طی ماههای اخیر قابوس بر تماسهای خود با توده مردم و رهبران قبایل افزوده است. با این همه روی هم رفته دسترسی به سلطان برای هیچ کس جز نزدیکترین مشاورین وی که بیشتر در دوائر پلیس و ارتش تمرکز یافته‌اند، میسر نیست. بانفوذترین مشاورین وی که برخی از آنان به پولکی بودن و مزدوری مشهورند، انگلیسی و یا عرب غیرعمانی می‌باشند.

علیرغم قصورهای قابوس، به نظر می‌رسد که عمانیها نسبتاً از وی راضی می‌باشند و تا حدودی به این علت سپاسگزارند که وی پدر مستبد خویش را از سلطنت برکنار نمود. اما احتمالاً زمانی قدردانی آنان نقصان خواهد پذیرفت و او نسبت به سهل‌انگاری در قبال فساد، اسراف و ولخرجی، بی‌توجهی نسبت به امور مملکتی و امتناع وی از قبول هر گونه پیشنهادی در رابطه با تقسیم قدرت سیاسی، با انتقاد بیشتری روبرو خواهد شد.

عمان: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق
قابوس ابن سعید آل بوسعید	سلطان، وزیر دفاع	
سید احمد آل سنفاری	وزیر دارایی	
سلیم بصیر آل بوسعید	وزیر کشاورزی، ماهیگیری، نفت و مواد معدنی	
احمد عبدالله آل غزالی	وزیر ارتباطات	
محمد عبدالله الحرینی	وزیر آموزش و پرورش	
دکتر مبارک خادوری	وزیر آب و برق	
محمد آل زبیر	وزیر بهداشت	
فهدبن محمود آل سعید	وزیر صنایع و بازرگانی	
محمدبن احمد	وزیر اطلاعات و جهانگردی	از وابستگان دور سلطان
هلال ابن احمد السمار	وزیر کشور	
	وزیر دادگستری	

	وزیر کار و امور اجتماعی	حلف بن نصیر وهابی
	وزیر زمین و امور شهرداریها	عاصم الحمالی
از وابستگان دور سلطان	وزیر موروثات ملی	فیصل ابن علی فیصل آل بوسعید
	وزیر پست و تلگراف و تلفن	کریم احمد آل حرافی
	وزیر امور مذهبی و اسلامی	ولید بن ظهیر الهیانی
از وابستگان دور سلطان	وزیر امور سلطان	حمید بن حمود آل بوسعید
	وزیر بدون وزارتخانه	بودیک بن حمود آل غفاری
عموی سلطان	وزیر امور جوانان	فهاربن تیمور بوسعید
	وزیر مشاور در امور خارجی	قیس عبدالمنضم الرواوی

اختلافات داخلی

از نقطه نظر جغرافیایی و جامعه‌شناسی، عمان از شکاف عمده‌ای میان شمال کشور و ظفار که جنوبی‌ترین ایالت آن می‌باشد رنج می‌برد، به علاوه آنکه این دو منطقه به نوبه خود دارای اختلافات داخلی می‌باشند. قبایل و گروههای مختلف نژادی تقسیمات اجتماعی دیگری به وجود می‌آورند، هر چند پیوستگیهای قبیله‌ای به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهند. اباضی‌ها - فرقه‌ای از فرق اسلامی - که اکثریت را شامل می‌شوند، نسبت به سایر گروههای مذهبی، منجمله جوامع کوچک شیعیان، نسبتاً صبور می‌باشند. اگر چه موفقیت (امام) خمینی در ایران بدون شک برخی از اتباع عمان را در پی تصحیح بی‌عدالتیهای اجتماعی در آن کشور برخواهد انگیزت، ولی به نظر نمی‌رسد که احیای اسلامی در عمان به وقوع پیوندد.

مهمترین نگرانی سلطان قابوس در حال حاضر آن است که فقدان حمایت شاه از وی به احیای شورش در ایالت ظفار منجر گردد. «جبهه خلق برای آزادی عمان» یک سازمانی انقلابی مارکسیستی که توسط یمن جنوبی و شوروی حمایت می‌شود، شورش را در ظفار از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۵ رهبری نمود. نقض سیاستهای سرکوبگرانه پدرش توسط سلطان قابوس به علاوه کمکهای نظامی قابل توجهی از سوی ایران و اردن، شورشیان را از نظر نظامی و سیاسی تضعیف نمود. در سال ۱۹۷۵ به استثنای تعداد معدودی از چریکهای نسبتاً غیرفعال که در کوههای ظفار باقی ماندند، شورشیان جبهه خلق «برای آزادی عمان به یمن جنوبی گریختند.» جبهه خلقی برای آزادی عمان که تعداد اعضای آن ۸۰۰ نفر تخمین زده شده است، از سال ۱۹۷۵ به بعد در یمن جنوبی به تربیت کادر مشغول بوده و خطر بالقوه‌ای برای رژیم مسقط محسوب می‌شود.

در نتیجه شورش ظفار و درک خطر خارجی از سوی یمن جنوبی، عمان یکی از مؤثر و کاراترین نیروهای مسلح را میان کشورهای کوچک خلیج به وجود آورده است. به علت آنکه سلطان بر نیروهای مسلح به عنوان پشتیبان اصلی رژیم خود تکیه می‌کند، موقعیت ارتش تقویت گردیده است. مسئله‌ای که نشانگر اهمیت ارتش برای رژیم می‌باشد، این است که دفاع ۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی - یعنی سهمی بیش از دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان - را بخود اختصاص می‌دهد. تجهیزات ارتش که اغلب توسط عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأمین مالی شده و عمدتاً از

اروپای غربی خریداری می‌گردد، در سالهای ۷۷ - ۱۹۷۳ بالغ بر ۱۰۴ میلیون دلار تخمین زده شده است. نیروهای مسلح از رئیس ستاد مشترک گرفته تا سطح گروهان، به وسیله افسران فرماندهی می‌شود. (S)

توسعه اقتصادی

به ضمیمه هزینه‌های سنگین دفاعی، قابوس برنامه‌ای جامع در رابطه با تجدد اقتصادی به عهده گرفته است تا رژیم خود را استحکام بخشد. تا سال ۱۹۶۷ اقتصاد راکد عمان تقریباً تماماً بر کشاورزی و ماهیگیری به حد امرار معاش بنا شده بود. در سال ۱۹۶۷ صادرات نفتی باعث افزایش فراوان عایدات ارز خارجی و درآمدهای عمومی گردید. لکن بخش ناچیزی از عایدات حاصله صرف توسعه اقتصادی شد. هنگامی که قابوس قدرت را به دست گرفت بنای قالب (چارچوب) اصلی یک اقتصاد جدید، به ویژه ساختن جاده و مدارس را اولین اولویت خویش قرار داد.

در حالی که درآمدهای حاصله از نفت به همراه افزایش بهای نفت در جهان ازدیاد پیدا نمود، هزینه سرمایه‌گذاری که در سال ۱۹۷۰ تقریباً صفر بود به ۸۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ و سپس به ۴۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش پیدا کرد. طرحهای عمده شامل بر احداث یک بندر در آبهای عمیق، یک فرودگاه جدید و یک کارخانه که از آب دریا نمک می‌گیرد (کارخانه دیگری از این نوع در دست ساختمان می‌باشد) بوده است. همچنین دولت بر ساختمان جاده‌ها تأکید نموده و طول اتوبانها را از ۱۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۶ افزایش داده است و پیشرفتهای حاصله در رابطه با آموزش و پرورش نیز همین قدر تکان دهنده بوده است. بین سالهای ۷۶ - ۱۹۷۰ تعداد مدارس از سه عدد با کمتر از ۱۰۰۰ محصل به بیش از ۲۵۰ عدد با ۷۰۰۰۰ محصل ازدیاد یافته است. اگر چه توسعه اقتصادی در حیطه پایتخت تمرکز یافته است، ظفار که برای مدت مدیدی عقب افتاده‌ترین و منزوی‌ترین نواحی عمان بوده است نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته و این امر نشانگر تلاشهای سلطان برای تأمین صلح می‌باشد.

در حالی که تولید و ذخایر نفت نقصان می‌پذیرد، عمان در می‌یابد که هر چه سریعتر بایستی فعالیتهای غیر نفتی خود را گسترش دهد. در سال ۱۹۷۴، قابوس یک «شورای توسعه» تعیین نمود تا یک طرح اقتصاد ملی برای سالهای ۸۰ - ۱۹۷۶ تدبیر نماید. اما در نتیجه کمبودهای فنی متصدیان برنامه‌ریزی و پایه اطلاعاتی ضعیف آنان این طرح ساده و محافظه‌کارانه از آب درآمد. اهداف اصلی این طرح عبارتند از:

(الف) توسعه مستمر خدمات اساسی

(ب) کاهش مهاجرت به شهرها از طریق تشویق کشاورزی و ماهیگیری

(ج) یکنواخت نمودن سرمایه‌گذاری در هر منطقه

(د) طرح برنامه‌هایی که مولد درآمد باشند

برنامه‌های خاص شامل توسعه ذخایر داخلی مس به مساعدت ۱۰۰ میلیون دلار (۸۵ درصد کل مخارج)

از سوی عربستان سعودی، احداث یک کارخانه سیمان‌سازی و یک کارخانه فولاد می‌باشد.

احداث لوله‌کشی گاز از مرکز کشور به پایتخت نیز کامل شده است. هر چند کشاورزی که ۴۵ درصد از نیروی کارگری را به خود اختصاص می‌دهد، مورد تأکید دولت قرار گرفته است، با این وجود بعید است که به سرعت توسعه یابد و مهاجرت (به سوی شهرها) احتمالاً ادامه خواهد یافت. پایین بودن سطح محصولات کشاورزی یک مشکل همیشگی است و کمیابی آب و زمین قابل زرع، حاصلخیز نمودن زمینهای جدید را بسیار محدود می‌نماید. در حقیقت منابع آب زیرزمینی عمان در حال تخلیه است و ده سال بعد احتمالاً فقدان آب قابل استفاده به صورت مشکل و خیمی در خواهد آمد. عمان دارای منابع غنی ماهی است که به طور جزئی مورد استفاده قرار گرفته است و به کمپانیهای خارجی امتیاز ماهیگیری از آبهای ساحلی داده شده است.

مشکلات توسعه اقتصادی

تمایل به انتقال عمان به درون دنیای جدید و هزینه ناشی از شورش در ظفار از یک سو و ظرفیت جذب و منابع مالی محدود عمان از سوی دیگر عواقب اقتصادی پر دردسری به همراه داشته است. درآمدهای حاصله از نفت که ۷۵ درصد از درآمدهای عمومی - ۹۰ درصد بجز امتیازات (اعانات) - را تشکیل می‌دهد طی دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ به سرعت بالا رفته و به ۱۰۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ رسید. با این همه هزینه‌های عمومی به ویژه در سالهای ۷۵ - ۱۹۷۴ با سرعت بیشتری افزایش یافتند. در سال ۱۹۷۲ بودجه و حساب جاری موازنه پرداختها از مازاد به کسر بودجه نوسان کرده و بجز سال ۱۹۷۷ - که دولت هزینه‌های دفاعی و عمده را کاهش داده و اعانات معتناهی از عربستان سعودی دریافت نمود - به همان شکل باقی مانده است.

به منظور بازگرداندن توازن به اقتصاد، دولت اصلاحات چندی را در رابطه با نهادها آغاز نموده است تا هزینه‌های عمومی را کنترل کرده یک بانک مرکزی تأسیس نموده و طرحی درباره توسعه اقتصادی را پیاده نماید. در نتیجه فعالیت اقتصادی در اواسط دهه ۱۹۷۰ فروکش نموده و برخی فشارهای وارده بر اقتصاد گداخته (برافروخته) کاهش یافت. متعاقب تنزل بهای مواد غذایی در جهان، تورم نیز به میزان ۱۰ تا ۱۵ درصد طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۵ فروکش نمود. با این وجود اقتصاد عمان در سال گذشته نیز کاهش در بودجه و حساب جاری را نشان می‌داد و این امر تا حدودی ناشی از آن بود که تولید نفت روزانه ۲۵/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافته و به ۳۱۵۰۰۰ بشکه در روز رسید و کمک بودجه عربستان سعودی نیز تنزل پیدا نمود. برای جبران مقداری از قروض خود عمان از خارج قرض کرده و قروض خارجیش در سال ۱۹۷۸ به ۵۵۰ میلیون دلار بالغ گردید. (S) به ویژه از سال ۱۹۷۳ به بعد اکثر عمانیها تحت حکومت سلطان قابوس از منافع اقتصادی بهره‌جسته‌اند. در عین حال تعداد معدودی از مردم شامل خاندان سلطنتی مشاورین نزدیک سلطان و کارمندان عالیرتبه دولت به طرز چشمگیری ثروتمند شده‌اند. برخی اعضای (مافیای مسقط) به علت شرایط مکانی و زمانی مناسب ثروتمند گردیده‌اند، چون اغلب ثروت ایشان ناشی از آن است که مناصب عالی خود را در جهت منافع شخصی به کار می‌گیرند. درآمد متوسط در مناطق روستایی که ۶۰ درصد از جمعیت کشور در آن به سر می‌برند، در اواسط دهه ۱۹۷۰ دویست دلار تخمین زده شده است. درآمد معمول در بخش اقتصادی جدید شاید ده برابر این مقدار باشد و اتباع سابق کشورهای دیگر در عمان بیش از

سه برابر عمانیها درآمد دارند. در حال حاضر تشنج میان طبقات اجتماعی بیش از آنکه بالفعل باشد، بالقوه است، اما ناآرامی ممکن است به سرعت گسترش یابد، به ویژه اگر اقتصاد دچار تنزلی ناگهانی و وسیع گردد.

تجددطلبی در مقابل عمان‌گرایی

از سال ۱۹۷۰ به بعد تحولات سریع عمان مستلزم هجوم خارجیها به داخل کشور بوده است تا وظایف فنی و اجرائی را به عهده گیرند. جمعیت عمان که حدود ۷۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشد بسیار ناچیز بوده و فاقد مهارت و تخصص کافی برای اجرای طرحهای توسعه‌جویانه دولتی - بدون همکاری اتباع کشورهای دیگر در مقیاس وسیع - می‌باشد. مدیران اروپایی (اکثراً انگلیسی) و کارگران و دفترداران آسیای جنوبی به منظور اداره صنایع جدید به این کشور آورده شده‌اند. در حال حاضر آنان دو سوم نیروی کارگری را بجز کشاورزی تشکیل می‌دهند. برخلاف دیگر کشورهای شبه جزیره عربستان، تقریباً تمام کارگران خارجی که مشغول به کارهای یدی و تخصصی می‌باشند از شبه قاره هند آمده‌اند. قابوس نسبت به ورود اعراب غیر عمانی به عمان تمایلی نداشته است و حداکثر ۵۰۰ فلسطینی در عمان به کار اشتغال دارند. استفاده از مصریها، سودانیها و اردنی‌ها در تعلیم و تربیت و خدمات امنیتی از این قاعده مستثنی می‌باشد.

از اهداف اصلی سلطان قابوس جانشین نمودن عمانیها به جای کارگران و مشاورین خارجی است. اما با در نظر گرفتن جمعیت کم این کشور و عدم تمایل عمانیها نسبت به مشاغل پست، وابستگی به اتباع کشورهای دیگر ادامه خواهد یافت. علیرغم تمایل قابوس به عمانیزه نمودن نیروی کارگری به نظر نمی‌رسد که وی برای تعویض مشاورین عالیرتبه سیاسی و مالی خود که انگلیسی، لیبیایی و سعودی می‌باشند، عجله‌ای داشته باشد. او نکوشیده است کارگرانی را که از اتباع کشورهای دیگر بوده و مشاغل کلیدی را در صنعت نفت که تحت کنترل دولت می‌باشد دارا می‌باشند تعویض نماید، با وجود آنکه می‌داند این امر می‌تواند تولید نفت و درآمدهای دولتی را با سیر نزولی شدیدی روبرو سازد.

چشم‌انداز: مشکلاتی که در پیش رو قرار گرفته است.

خط مشی‌ها و برنامه‌های سلطان قابوس تاکنون موجب رضایت اکثر عمانیها بوده و طی آینده نزدیک موقعیت وی به اثبات می‌نماید. با این همه مشکلات ناشی از حکومت مطلقه وی، فشارهای اجتماعی منبث از تجددگرایی و ناهماهنگیها و تبعیضات مالی هر لحظه ممکن است به ناآرامی داخلی بیانجامد. در حالی که افزایش بهای نفت روزی را که درآمدهای حاصله از نفت نقصان پذیرد به تعویق می‌اندازد، عمان بایستی منابع درآمد غیر نفتی را مستعد نموده و در صورت امکان منابع کمکهای خارجی آینده را تعیین نماید.

جدی‌ترین خطری که رژیم عمان را تهدید می‌نماید احیای احتمالی شورش ظفار می‌باشد اگر FPLO (جبهه خلق برای آزادی عمان) تروریسم در شمال را نیز به عهده گیرد، رژیم قابوس بیشتر در مخاطره خواهد افتاد. هر چند ارتش عمان با تجربه است و خوب اداره می‌شود، اما احتمالاً برای شکست شورشی مصمم و وسیع در ظفار به کمک خارجی نیازمند خواهد بود. قابوس معتقد است که

مشاجره میان یمن جنوبی و یمن شمالی در آینده نزدیک به مبارزه علیه دخالت یمن جنوبی در ظفار خواهد انجامید. از اینروست که وی از موقعیت استفاده نموده به تقویت ارتش خود و کسب حمایت عربستان سعودی، آمریکا و کشورهای خارجی دیگر پرداخته است.

قطر

جمعیت:	۲۰۰/۰۰۰ نفر، ۳۵ درصد بومی
حکومت:	سلطنت تحت فرمانروایی خانواده آل ثانی
رئیس حکومت:	امیر خلیفه ابن احمد آل ثانی
مذهب جمعیت بومی:	۸۵ درصد مسلمان سنی مذهب
	۱۵ درصد مسلمان شیعی مذهب
سطح سواد:	۲۵ درصد
نسبت محصلین بر میزان جمعیت:	۲۰ درصد
تولید نفت:	۴۸۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
ارز رسمی خارجی:	۴/۳ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص ملی:	۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۵۶۰۰ نفر
نیروی پلیس ملی:	۳۰۰۰ نفر

قطر: یک مؤسسه خانوادگی که به وسیله توسعه در معرض تهدید قرار گرفته است. کشور کوچک و نفت خیز قطر که از اواخر قرن نوزدهم به بعد تحت حکومت خاندان ثانی (al-thani) بوده است از اوایل دهه ۱۹۶۰ زمانی که برخی اصلاحات سیاسی برای تسکین شکایات مردم انجام شد تاکنون نسبتاً آرام بوده است. در عین حال روش حکومتی سنتی امیر خلیفه و خودپسندیهای خاندان ثانی در رابطه با امتیازاتشان با توسعه سریع اقتصادی و تحولات ارزشهای اجتماعی طی دهه گذشته سخت متعارض است. این تعارض در حال رشد بدون شک موجب فشارهای روزافزونی جهت تحول سیاسی خواهد بود، به ویژه اگر تعداد نسبتاً زیاد قطریهای جوان تحصیل کرده خارج که به وطن باز می‌گردند، استراتژی دولت مبنی بر توسعه صنایع سنگین را مملو از اشتباه تلقی نمایند.

نهادهای دولتی

امیر خلیفه بن حمدالثانی از فوریه سال ۱۹۷۲ - یعنی زمانی که وی پسر عموی خویش امیر احمد را خلع نمود - تاکنون بر قطر، شبه جزیره‌ای به وسعت ۱۰/۰۰۰ کیلومتر مربع که به سمت شمال درون خلیج فارس پیش رفته است، حکومت کرده است. خلع امیر احمد به پشتیبانی اعضای کلیدی خاندانی ثانی و عاری از خشونت و ناآرامی سیاسی انجام گرفت، خلیفه به عنوان قائم مقام امیر و نخست‌وزیر حتی قبل از آنکه به امارت رسد نیز تصمیمات مهم و حکومتی را به عهده داشت. پس از رسیدن به

امارت، اهداف اصلی وی بقرار زیر بوده است:

- الف - حفظ همبستگی و حمایت خاندان ثانی
- ب - جایگزینی اتباع قطر در مناصب عالی دولتی (قطری نمودن مناصب عالی حکومتی)
- ج - حفظ سلطه خاندان ثانی بر قطر
- د - ایجاد یک اقتصاد متنوع

ه - و بهبود روابط با همسایگان عرب و ایالت متحده آمریکا به منظور محافظت از امنیت ملی. شیوه حکومتی خلیفه نشانگر مبدأ قبیله‌ای اکثر قطریها و تمایل مذهبی محافظه‌کارانه امیر و خاندان سلطنتی است. خاندان ثانی سنی مذهبند و عقاید آنان مشابه فرقه وهابیان عربستان سعودی است. آنان ابتدا از عربستان سعودی به این کشور مهاجرت نموده‌اند و این امر تا حدودی نفوذ فراوان حکومت ریاض بر خلیفه را روشن می‌کند در حالی که قطر دارای یک قانون اساسی موقت هیئت وزیران (اکثراً از خاندان ثانی) و یک شورای رایزنی (Advisory council) می‌باشد، کلیه تصمیمات اجرائی و وضع قوانین به عهده خلیفه می‌باشد. «شورای رایزنی» یک هیئت مشورتی است که نزد قطریها از اهمیت چندانی برخوردار نیست. امیر اموراتی چون انتخاب جانشین را به اجماع خاندان ثانی ارجاع نموده و بسیاری از امور مربوط به قانون، تسلیم عرف و رسوم متداول می‌باشد. نظریات عامه مردم از طریق بار عام برای متظلمین و یا به وسیله واسطه‌های با نفوذ مجال بروز می‌یابد.

نزاعهای درونی خاندان ثانی

خاندان ثانی یکی از بزرگترین خاندانهای سلطنتی در شبه جزیره عربستان است که اعضای مذکر آن بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند در حالی که کلیه اعضای این خاندان از امتیازات خاص و مواجب دولتی برخوردارند، نارضایتی میان گروههای متعدد این خاندان در رابطه با سمتهای رسمی و فساد میان مشاورین امیر رواج دارد. این نارضایتی بیشتر از حسادت و نگرانی در مورد محرومیت از غنائم سیستم تاراجگرانه‌ای نشأت می‌گیرد که سیاست قطر را فرا گرفته است. امیر به وسیله اعطای مناصب اختلافات را تسکین بخشیده و منافع رقبا را متعادل می‌نماید. با تعیین پسر خود به مقام ولایت عهد امیر موقعیت برادرش برای نیل به این مقام را بسیار تضعیف نمود. اخیراً تعیین وزراء ظاهراً موقعیت خلیفه را بیش از پیش تحکیم بخشیده است. (S-NF)

قطر: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق
خلیفه ابن حمدالثانی	امیر و نخست‌وزیر	
فیصل بن سمیع‌الثانی	وزیر کشاورزی و صنعت	از وابستگان دور امیر
نصیر بن خالدالثانی	وزیر بازرگانی و اقتصاد	از وابستگان دور امیر
حمد بن خلیفه‌الثانی	وزیر دفاع	فرزند امیر
محمد بن حمدالثانی	وزیر آموزش و پرورش	برادر امیر
قاسم بن محمدالثانی	وزیر برق و منابع آب	از وابستگان دور امیر

فرزند امیر	وزیر دارایی و نفت	عبدالعزیز ابن خلیفه الثانی
برادر امیر	وزیر امور خارجه	صحیم ابن حمد الثانی
	وزیر اطلاعات	عیسی غانم الکوری
برادر امیر	وزیر کشور	خالد بن حمد الثانی
	وزیر دادگستری	پست خالی
مسلمان شیعی مذهب	وزیر کار و امور اجتماعی	علی بن احمد الانصاری
پسر عمومی امیر	وزیر امور شهرداریها	محمد بن جبر الثانی
	وزیر بهداری	خالد محمد المانی
	وزیر کارهای عمومی	خالد بن عبدالله العتیه
	وزیر ارتباطات و ترابری	عبدالله بن نصیر السویدی
از وابستگان دور امیر	وزیر مشاور در امور خارجی	احمد بن صیف الثانی

توسعه اقتصادی

با علم به اینکه ذخایر نفتی قطر طی چند دهه تهی خواهد شد، خلیفه برنامه‌ای در جهت تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور را در سطح گسترده‌ای به مورد اجرا گذاشته است. استراتژی وی برای توسعه اقتصاد شامل تکیه بر تراکم سرمایه در صنایع سنگین قابل صدور می‌باشد. از نقطه نظر تئوری این سیاست، کوچکی بازار داخلی و کمبود نیروی کارگری را در نظر داشته و از گاز طبیعی فراوانی به عنوان منبع انرژی و مواد مورد مصرف خود سود می‌جوید. در عمل بسیاری از پروژه‌های این برنامه بد انتخاب شده و به نظر نمی‌رسد قادر به رقابت با تولیدکنندگان خارجی باشند.

تلاش امیر معمولاً بر این بوده است که اقدامات مشترکی (حداقل ۷۰ درصد تحت مالکیت دولت) با شرکای خارجی که کارشناسان تولید و بازاریابی را تأمین می‌کنند به عمل آورد. از جمله اقدامات بالقوه منطقی ساختمان یک کارخانه گاز طبیعی مایع و بازسازی کارخانه‌ای از این نوع که در سال ۱۹۷۷ در اثر ابتلای به حریق از بین رفته بود را می‌توان نام برد. همین طور به منظور استفاده از منابع گاز که اخیراً در گنبد شمال غربی (North West Dome) کشف گردیده است، دولت قطر درصدد ساختن تجهیزات گاز طبیعی مایع می‌باشد. به این منظور یک کارخانه پتروشیمی در دست ساختمان است. بجز این طرح‌های مرتبط با انرژی، پروژه‌های دیگر شامل یک کارخانه سیمان‌سازی یک کارخانه کود و یک کارخانه فولاد در حال اجرا می‌باشد. در حالی که دولت درصدد توسعه کارخانه تهیه کود می‌باشد مشکلات اخیر در رابطه با بودجه و افراط در سازندگی مناطق دیگری در خلیج موجب شده‌اند که ساختمان تجهیزات ذوب آلومینیوم به مدت نامعلومی به تعویق افتد.

علاوه بر جاده، بندر و نیروگاه برنامه‌های عمده‌ای نیز جهت ساختن مسکن، بیمارستان و مدرسه در دست اجرا می‌باشد. این برنامه‌ها بخشی از یک برنامه وسیع رفاه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که بیشتر برای اتباع طرح‌ریزی شده است. مراقبت‌های طبی به طور رایگان برای کلیه اتباع - منجمه اتباع کشورهای دیگر مقیم قطر - تأمین گردیده است. تحصیل دوره دبیرستان رایگان می‌باشد و دولت برای اتباع، زمین و آب و برق رایگان و وام بدون بهره جهت خرید خانه فراهم می‌نماید. توسعه بخش

اقتصادی در رابطه با دفاع از توجه کمتری برخوردار بوده است. مخارج دفاعی تنها ۸ درصد از هزینه‌های دولتی و تنها کمی بیش از ۳ درصد از کارکرد ملی را تشکیل می‌دهد. نقش اصلی نیروهای مسلح ۶۰۰۰ نفری قطر تأمین ثبات داخلی و جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی می‌باشد. همچون بحرین، قطر خود را در معرض خطر نظامی به مفهوم متعارف آن نمی‌بیند و عربستان سعودی را محافظ خود در برابر خطرهای خارجی می‌داند. نیروهای مسلح قطر تحت کنترل خاندان ثانی قرار دارند و دلیلی وجود ندارد که از جانب آنها خطری رژیم فعلی را تهدید نماید. افسران اکثراً قطری، فلسطینی و اردنی بوده و افراد عادی عمدتاً از بدویهای سعودی می‌باشند. (S-NF).

رونق (اقتصادی) ناشی از نفت و مشکلات (مربوطه)

بخش اقتصاد نفتی که از سال ۱۹۷۶ به بعد کاملاً تحت مالکیت دولت درآمد است، هنوز بیش از سه چهارم بازده ملی و بیش از ۹۰ درصد از درآمدهای عمومی و تقریباً کل درآمد صادراتی را تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۷۳ مجموعه استخراج نفت با ۵۷۰/۰۰۰ بشکه در روز به اوج خود رسید و یک سال پس از آن در نتیجه اقداماتی در جهت حفظ ذخایر نفتی، تنها ۴۸۰۰۰۰ بشکه در روز استخراج گردیده است. مشکلات مربوط به بودجه در سال ۱۹۷۷ و قطع صدور نفت ایران در سال ۱۹۷۸-۷۹، استخراج نفت طی ماههای اخیر را تا حدودی افزایش داده است. علیرغم این تحولات به علت سیر صعودی بهای نفت، درآمدهای حاصله از صادرات نفت از ۰/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ جهش داشته است.

مسئله‌ای که حاکی از افزایش شدید در درآمدهای حاصله از نفت این کشور می‌باشد آن است که مخارج دولت طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴ سالیانه ۵۳ درصد افزایش یافته و در سال ۱۹۷۷ به ۱/۸ میلیارد دلار رسید. این توسعه خارق‌العاده موجب شد که فعالیت بخش خصوصی، به ویژه در زمینه ساختمان و بازرگانی بشدت افزایش پیدا کند. همچنان که گسترش فعالیتهای اقتصادی از ظرفیت جذب اقتصاد سبقت گرفت، فشارهای قوی ناشی از تورم ایجاد گردید و قیمت‌ها طی این دوران سالیانه ۲۰ تا ۲۵ درصد افزوده شد. همزمان با این تحولات، کسری بودجه و نقصان در پرداختهای خارجی نیز به وجود آمد. بالاخره در اواسط سال ۱۹۷۷ دولت بر آن شد تا رشد هزینه‌ها را از طریق تعویق پرداخت به مقاطعه‌کاران و به تأخیر انداختن طرحهای جدید و توقف یا کاهش به روی طرحهای در دست اجرا متوقف نماید. هر چند این اقدامات دیرتر از آن انجام شدند که بتوانند از نقصان بودجه در سال ۱۹۷۷ جلوگیری نمایند، اما تأثیر قابل‌تقدیری بر امور مالی سال گذشته داشته‌اند. در سال ۱۹۷۸ هزینه‌ها یازده درصد پایین آمدند در حالی که درآمدهای حاصله از نفت افزایش یافتند و این امر موجب شد که مازاد بودجه قابل توجهی به دست آید. نقصان حاصله در فعالیتهای اقتصادی و رفع بعضی موانع مؤثر بر میزان واردات باعث گردید که تورم به حدود ۱۰ درصد کاهش یابد.

این اقدام دولت، همچنین کاهش سریع مازاد حساب جاری را آهسته نمود. به همراه واردات، وجوه ارسالی توسط خارجیهایی که در قطر مشغول بکارند و توسعه اعانات (امتیازات) به میزان افزایش صادرات، مازاد حساب جاری از میزان ۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ به ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ کاهش یافته بود. مازاد حساب جاری در سال ۱۹۷۸ به میزان ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زده

می‌شود. ارزش موجود خارجی چهارصد میلیون دلار در نیمه اول سال ۱۹۷۸ افزایش یافته و به ۴/۳ میلیارد دلار بالغ گردید (۳/۹ میلیارد دلار از آن ذخایر رسمی (دولتی) می‌باشد).

اجتماعی متشکل از اتباع کشورهای دیگر

توسعه اقتصادی سریع طی سالهای اخیر موجب هجوم خارجی‌ان به منظور اشتغال به مشاغل مربوط به مدیریت، مشاغل حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای گردیده است. قطر در حقیقت به کشوری متشکل از اتباع سابق کشورهای دیگر تبدیل شده و اتباع آن تنها ۳۵ درصد از جمعیت تخمیناً دویست هزار نفری آن را تشکیل می‌دهند. احتمالاً ۸۰ درصد از نیروی کارگری قطر خارجی هستند، اگر چه دولت این نسبت را ۶۸ درصد اعلام کرده است. در بخش عمومی کارمندان غیر قطری عمدتاً اعراب مصری، اردنی، سوری، سعودی و سودانی می‌باشند. در بخش خصوصی، پاکستانیها، ایرانیها، فلسطینیها، هندیان و یمنی‌ها اکثریت را تشکیل می‌دهند. تعداد فلسطینیها بالغ بر بیست هزار نفر است که مشاغل حرفه‌ای و مدیریت را عهده‌دار می‌باشند. هر چند دولت قطر خدمات اجتماعی بسیاری بر اتباع کشورهای، دیگر فراهم نموده است، اما کوشش فراوانی به کار برده تا از تثبیت کامل آنان جلوگیری کند.

برای مثال از طریق استخدام کارگران خاور دور برای مشاغل مقاطعه‌کاری سلطه پاکستانیها را تعدیل نموده است. بیست هزار نفر پاکستانی که اکنون در قطر می‌باشند، خطری بالقوه علیه امنیت داخلی کشور به شمار می‌روند. همچنین دولت سعی نموده است که سیاستی در جهت قطریزه نمودن (Qatarization) مشاغل اعمال نماید؛ اما از این جهت تاکنون چندان موفقیتی نداشته است و خارجی‌ان همچنان مشاغل کلیدی را در اختیار دارند مشاور عالی‌رتبه سیاسی و حقوقی خلیفه یک شخص مصری است که مسئول برنامه‌ریزی برای مدرنیزه نمودن دولت بوده، نظام حقوقی را بر پایه قوانین مدنی (غیر وابسته به مذهب) بنا نهاده و امتیازات متعلق ثانی‌های هرزه و ولخرج را محدود نموده است. مشاورین عالی‌رتبه در وزارتخانه‌های نفت و امور مالی و در برنامه‌ریزیهای صنعتی، فلسطینی می‌باشند. اما اخیراً امیر برای چهار وزارتخانه معاونین قطری تعیین نموده است. (S-NF)

چشم‌انداز (دورنمای آتیه): تشنجات موجود در پشت صحنه

ثبات ظاهری قطر کشمکشهای عمده اجتماع آن کشور را از انظار مخفی می‌کند. هر چند در این کشور تقریباً هیچ‌گونه حرکت سازمان یافته‌ی چپگرا وجود ندارد و نیروهای امنیتی قطر نسبت به جمعیت آن بسیار بزرگ است، با این همه قطریهای بومی و اتباع سابق کشورهای دیگر از رژیم ثانی ناراضی می‌باشند، و احتمالاً به طور روز افزون ناراضی‌تر خواهند گشت. افزایش ناراضی‌ت، کینه‌خاندانگی میان خاندان سلطنت، ناآرامیهای موجود در جماعت متشکل از اتباع کشورهای دیگر و تکانهای شدیدتری در منطقه در نتیجه ادامه انقلاب کنونی در ایران ممکن است، ناآرامیهای سیاسی در این کشور را به نقطه انفجار بکشانند. علیرغم جمعیت کم شیعیان در قطر آیت‌الله خمینی ظاهراً شخصیت پرچم‌دار و با نفوذی است که می‌تواند الهام بخش بسیاری از مسلمانان عرب و غیر عرب قرار گیرد که نظامهای موجود خود را با تردید و اعتراض نگاه کنند.

اما منشأ عمده تحولات در دراز مدت ممکن است طبقه متوسط متشکل از قطریهای تحصیل کرده در خارج باشد که به منظور مطالبه نقش بیشتری در اداره کشور خود به قطر باز می‌گردند. این فارغ‌التحصیلان درون و خارج از دولت سمتهای مهمی را اشغال نموده و (دولت را) به منظور کسب نقش بیشتر تحت فشار قرار خواهند داد. تاکنون ثانی‌ها با حساسیت تمام تنها به آن حد از تقسیم قدرت رضایت داده‌اند که برای تأمین بقای دراز مدت رژیم لازم خواهد بود. سهم سرانه تولید ناخالص ملی در این پادشاهی کوچک ثروتمند دو برابر این مقدار در ایالات متحده بوده و دهان را آب می‌اندازد!

عربستان سعودی

جمعیت:	۶/۱ میلیون نفر، ۷۰ درصد بومی
حکومت:	سلطنت تحت فرمانروایی خانواده آل سعود
رئیس حکومت:	خالد بن عبدالعزیز السعود
مذهب جمعیت بومی:	۹۸ درصد مسلمان سنی مذهب
	۲ درصد مسلمان شیعی مذهب
سطح سواد:	۲۰ درصد
نسبت محصلین به جمعیت:	۱۰ درصد
تولید نفت:	۸/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
ارز رسمی خارجی:	۵۹/۷ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص داخلی:	۵۷ میلیارد در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۵۶۰۰۰ نفر که ۱۷۰۰۰ تن از آنها گارد داخلی را تشکیل می‌دهند.*

عربستان سعودی: توازن نیروها در مسیر تحول

هر چند آشوب سیاسی در ایران موجب گشته است که دستگاه حاکمه عربستان سعودی مواضع خود را در درون و خارجه از کشور مورد بررسی مجدد قرار دهد، قوای تحول‌زا در این کشور در محیطی کاملاً متمایز عمل می‌کنند. با وجود آنکه خاندان سلطنتی در عربستان سعودی قدرت مطلقه بر روندهای سیاسی را در اختیار دارد، از محبوبیتی برخوردار است که در خاورمیانه به ندرت می‌توان یافت. در این کشور، احترام به احکام مذهبی جزء مکملی از تعیین خط‌مشی حکومتی را تشکیل می‌دهد. خوف از فشارهای اجتماعی ناشی از تجددگرایی نظامی - اقتصادی طی سه سال گذشته به تعدیل شتاب توسعه (اقتصادی) انجامیده و ظاهراً کاهش شتاب بیشتری در این زمینه جزء برنامه آتی قرار دارد. درآمد حاصله از نفت موجب توسعه عمومی اقتصاد گشته و منافع قابل توجهی را برای اکثر اتباع فعال در بخش خصوصی فراهم نموده است. به هر تقدیر، سعودیها حق دارند که در رابطه با آسیب‌پذیری خود در قبال وقایع ایران نگران باشند. سقوط شاه به مفهوم از میان رفتن یکی دیگر از

* در هنگام نوشتن این تحلیل خالد بن عبدالعزیز حاکم حجاز بوده است - مترجم

نظامهای پادشاهی در جهان بوده و این امر نظام حکومتی عربستان را بیش از پیش در معرض خطر قرار می‌دهد. خاندان سلطنتی آمادگی ندارد که قدرت سیاسی خود را با طبقه متوسط در حال رشد تقسیم نماید، هر چند این امر تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. و همچنین اعضای این خاندان در برابر اتهاماتی مبتنی بر فساد عمومی در میان ایشان بی دفاع می‌باشند. در حال حاضر ظاهراً خطری ثبات داخلی کشور را تهدید نمی‌کند. اما در بلند مدت این مسئله را نمی‌توان تضمین کرد. احتمالاً مهمترین انعکاس انقلاب ایران در این کشور آن است که این انقلاب سلسله مراتب حکومت سعودی را واداشته است که در منافع استراتژیک خود در منطقه تجدید نظر نمایند. در اینجا سعودیها خطری جدی را در ارتباط با گسترش نفوذ روسیه احساس می‌نمایند که از سوی آمریکا مهار نمی‌گردد.

نظام حکومتی

پادشاهی عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ توسط ملک عبدالعزیز السعود بطور رسمی بنیان نهاده شد و از آن پس این کشور تحت حاکمیت سلسله‌ای از فرزندان وی قرار داشته که آخرین ایشان، خالد، در سال ۱۹۷۵ به سلطنت رسید. ملک خالد که ۶۶ سال دارد از ناراحتی قلبی شدیدی رنج می‌برد که مانع از شرکت فعالانه وی در اداره کشور است. دومین مقام مملکتی ولیعهد «فهد» می‌باشد که ضمناً قائم مقام نخست‌وزیر نیز بوده و اداره روز بروز حکومت را به عهده دارد. در عربستان سعودی که خشکه مقدس‌ترین و لاقلاً ظاهراً متدین‌ترین کشورهای اسلامی سنی مذهب می‌باشد، حاکم هم به عنوان رهبر ملت و هم به مثابه نگاهبان ارزشهای معنوی شناخته می‌شود. هر چند حدود قدرت و اختیارات دقیق پادشاه توسط قانون اساسی یا یک هیئت قانونگذاری مدنی (غیر مذهبی) مشخص نگردیده است، اما محدوده عملکرد و قدرت پادشاه سعودی را عوامل ذیل تعیین نموده‌اند:

الف: یک روند حکومتی شورایی مبتنی بر سنت که تکامل یافته روشها و رسوم بدوی می‌باشد.

ب: یک ضرورت حفظ پشتیبانی خاندان سلطنت که از ۴ تا ۵ هزار نفر تشکیل شده است (شامل نوه‌های پسری و دختری عبدالعزیز).

عربستان سعودی: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق (۱)
خالد بن عبدالعزیز السعود	شاه	
فهد بن عبدالعزیز السعود (۲)	معاون نخست‌وزیر	برادر ناتنی شاه
عبدالله بن عبدالعزیز السعود	معاون دوم نخست‌وزیر	برادر ناتنی شاه
عبدالرحمن عبدالعزیز حسن الشیخ	وزیر آب و کشاورزی	
سلیمان عبدالعزیز السلیم	وزیر بازرگانی	
حسین ابراهیم المنصور	وزیر ارتباطات	
سلطان ابن عبدالعزیز السعود (۲)	وزیر دفاع هوایی	برادر ناتنی شاه
عبدالعزیز عبدالله الخویتر	وزیر آموزش و پرورش	
محمد علی ابوالخیل	وزیر دارایی و اقتصاد ملی	

برادرزاده شاه فرزند شاه فیصل فقید	وزیر امور خارجه	سعود بن فیصل السعود (۲)
	وزیر بهداری	حسین عبدالرزاق الجزایری
	وزیر آموزش عالی	حسن ابن عبدالله الشیخ
	وزیر صنایع و برق	قاضی عبدالرحمن القسببی
برادر ناتنی شاه	وزیر کشور	نایف بن عبدالعزیز السعود (۲)
	وزیر اطلاعات	محمد عبدویمانی
	وزیر دادگستری	ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الشیخ
	وزیر کار و امور اجتماعی	ابراهیم بن عبدالله انقاری
برادر ناتنی شاه	وزیر شهرداری و امور روستایی	مجید بن عبدالعزیز السعود (۲)
	وزیر منابع نفتی و معدنی	احمد زکی یمانی
	وزیر حج و امور مذهبی	عبدالوهاب عبدالواسع
	وزیر برنامه ریزی	حشام محی الدین نظیر
	وزیر پست و تلگراف و تلفن	علوی درویش کیان
برادر ناتنی شاه	وزیر مسکن و امور عامه	مطیب بن عبدالعزیز السعود
	وزیر مشاور	محمد ابراهیم مسعود
	وزیر مشاور	محمد عبدالطیف الملحم
	وزیر مشاور	عبدالعزیز بن زید القریشی

۱- ظاهراً مسلمان سنی مذهب است

۲- اعضای انتصابی از خانواده سلطنتی

حکام سعودی تشکیلات مربوط به وزارتخانه‌ها (یا آژانسهای اجرائی) را که برخی از آنها تحت سرپرستی اعضای خاندان سلطنتی می‌باشند، توسعه داده‌اند تا مسئولیتهای رو به افزایش حکومت مرکزی را عهده‌دار گشته و اداره نمایند. در سال ۱۹۵۳ یک «هیئت وزراء» به طور رسمی دایر گردید تا شاه را در تعیین خط‌مشی کلی یاری داده و بر فعالیت وزارتخانه‌ها، که مسئول اجرای خط‌مشی‌های تعیین شده می‌باشند، نظارت نماید. در عربستان سعودی دستگاه قانونگذاری رسمی وجود ندارد. شاه در مورد مسائل مهم مملکتی حکم صادر می‌کند و تنظیم مقررات در رابطه با اموری که از اهمیت کمتری برخوردارند بر عهده وزارتخانه‌هاست. درون وزارت دادگستری سیستمی متشکل از دادگاه‌های مذهبی مطابق با «شریعت» (احکام اسلامی) عمل می‌کند، و نظام گسترده‌ای مرکب از «هیئتهای عمومی» با اختیارات قانونی متفاوت، قوانین و مقررات را اجرا می‌نماید.

سعودیها بر حسب عرف و عادت همواره تصمیمات خود را از طریق اجماع گروههای ذی ربط اتخاذ نموده‌اند در برخی موارد تنها عده‌ای از شاهزادگان عالی‌رتبه خاندان سلطنت مورد مشورت قرار می‌گیرند. در موارد دیگر، مشاوره ممکن است طیف وسیعی از خاندان سلطنتی یا اقشاری از جامعه سعودی را در بر گیرد. تعدادی تکنوکرات تحصیل کرده در خارج که شاه و خاندان سلطنتی، برای اداره امور مملکتی وابستگی روزافزونی به ایشان پیدا نموده‌اند، هر چند از پایگاه قدرت مستقلی برخوردار نیستند، در حال حاضر بیش از پیش در تصمیم‌گیری شرکت می‌نمایند.

روند تصمیم‌گیری از طریق اجماع معمولاً ارزیابی مناسبی از آراء عمومی را تضمین می‌کند. به علاوه دسترسی تعداد کثیری از اتباع کشور به اعضای متعددی از خاندان سلطنت، ارتباط مستقیم عقاید و مشکلات عامه مردم را با مرکز قدرت ممکن می‌سازد. به این ترتیب، هر چند گروه‌بندیهای سیاسی اتحادیه‌های کارگری وسایل ارتباط جمعی مستقل و گروه‌های جوساز مجاز نمی‌باشند، اما پادشاهی سعودی به طور وسیعی آگاه به نیازها و مشکلات مردم و پاسخگو به آنها بوده است. این امر به ویژه هنگامی که مخالفتی علنی با عرف جامعه - نظیر موج آزادیخواهی در ارتباط با حقوق زنان - با حساسیتهای محافظه‌کاران افراطی و یا نهاد مذهبی اصطکاک پیدا می‌کند، به چشم می‌خورد. روی هم رفته، سعودیها چندان از روش اداره کشورشان ناراضی نیستند، و در حقیقت نسبت به مقام و موقعیت جهانی کشور خود از اوائل دهه ۱۹۷۰ به بعد بسیار احساس غرور می‌نمایند.

ارتش

ارتش در عربستان سعودی نقش سیاسی نسبتاً جزئی‌ای را ایفا می‌نماید. آرمانهای نظامی ظاهراً به ملاحظاتی پیرامون «پرستیژ» (شهرت و اعتبار) و تلاشهایی در جهت ایجاد یک نیروی دفاعی بازدارنده محدود می‌شود. جنگ داخلی یمن در دهه ۱۹۶۰ انگیزه اتخاذ یک خط‌مشی در جهت اصلاح و بهبود نیروهای مسلح در این کشور گردید و جنگهای اعراب و اسرائیل سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، و شورش ظفار در عمان، این اقدام را تقویت و تأیید نمود. اخیراً سوءظن نسبت به مقاصد و اهداف روسیه در منطقه این روحیه دفاعی را تقویت نموده است. (S)

نیروهای مسلح تحت دو مرکز فرماندهی مجزا سازماندهی شده‌اند: نیروی زمینی، هوایی و دریایی تحت فرماندهی شاهزاده سلطان - وزیر دفاع و هواپیمایی - قرار دارند، و گارد ملی توسط شاهزاده عبدالله اداره می‌شود تعدادی از شاهزادگان پسته‌های کلیدی و اشتغالات ستادی در نیروهای مسلح را به عهده دارند. هر چند میزان حقوق و مزایای ارتش در سطح بالایی قرار دارد، اما موقعیتهای خوب اقتصادی در بخش خصوصی آنقدر جالب توجه گردیده که دولت به سختی توان واحدهای ارتشی را به میزان لازم نگاهداشته است. توان رسمی نیروهای مسلح شامل گارد ملی به ۹۰/۰۰۰ تن نیروی انسانی بالغ می‌گردد، اما توان بالفعل آن ۵۶۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. مسئولیت اصلی گارد ملی را حفظ امنیت داخلی و محافظت از خاندان سلطنت تشکیل می‌دهد. خاندان سلطنتی گارد ملی را به مثابه حامی و پشتیبان خود علیه هر گونه کودتای احتمالی در ارتش می‌نگرد. استخدام در گارد ملی در انحصار قبایل بدوی است که به خاندان سلطنت شدیداً وفادار بوده و تداوم دل‌بستگی‌شان نسبت به این خاندان توسط کمک هزینه‌هایی که دولت پرداخت می‌کند، تضمین می‌شود. (S)

نفوذ بیگانه

هر چند از اواسط سال ۱۹۷۸ کوشش فراوانی جهت ثبت نام و آمارگیری از بیگانگان مقیم عربستان سعودی به عمل آمده، اما اطلاع از ترکیب جمعیت این کشور حدس و تخمینی بیش نیست. طبق اکثر منابع، بیگانگان حدود دو میلیون نفر از ۶ میلیون جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. یک میلیون نفر از نیروی کار توسط کارگران خارجی تأمین می‌شود و اتباع سعودی نیز همین تعداد از

نیروی کارگری را تشکیل می‌دهند. نگرانی دولت از حضور بیگانگان بیشتر درباره‌ی خطری است که در این رابطه ارزشهای سنتی را تهدید می‌نماید، اما گذشته از تأثیرات ظریفی که این امر ممکن است بر آداب و سنن سعودیها داشته باشد، بیگانگان مشکلات سیاسی قابل توجهی ایجاد نموده‌اند. بخشی از این آرامش سیاسی ناشی از خطر اخراج فوری است که خارجیها را تهدید می‌کند. تعداد انگشت شماری شورش در اردوهای ساختمانی که بر سر شرایط زندگی و نابرابری میزان حقوق، به وقوع پیوسته نه بر علیه دولت بلکه علیه کارفرمایان بوده است. اکثر کارگران مهمان (بیگانه) به پادشاهی سعودی می‌آیند تا هر چه می‌توانند پول تحصیل کنند. آنان معمولاً در اسرع وقت به کشورهای خود بازگشته و فرصت درگیری در مسائل و تحولات سیاسی داخلی عربستان را پیدا نمی‌کنند.

یمنی‌ها که به عنوان سعودیهای درجه دو تلقی می‌شوند تقریباً نیمی از دو میلیون خارجی مقیم عربستان را تشکیل می‌دهند. آنان عموماً از یمن شمالی آمده و بدون ویزا به عربستان سعودی پذیرفته می‌شوند. بر خلاف اکثر دیگر ملیتهای بیگانه، حضور ایشان بسته به عقد قراردادی با یک کارفرمای خاص نیست. هر چند آنان مزاحمت سیاسی فراهم نموده‌اند. اما صرف تعدادشان موجب نگرانی دولت می‌باشد. اعراب دیگر، به ویژه مصریان، فلسطینیها و اردنی‌ها یک چهارم از جمعیت خارجیهای (ساکن عربستان) را تشکیل داده و بسیاری از اشتغالات حرفه‌ای نظیر تعلیم و تدریس تا خدمات شهری و مدیریت سطح متوسط را اشغال نموده‌اند. مابقی بیگانگان عمدتاً از آسیا، به ویژه پاکستان و کره جنوبی می‌آیند. شمار آمریکایی‌ها و اهالی اروپای غربی تنها به ۵۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. (S)

فلسطینیهای مقیم عربستان سعودی که حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر می‌باشند بیش از سایر گروهها ایجاد نگرانی می‌نمایند. طی سالهای اخیر، دولت از اعطای حق تبعیت به ایشان خودداری نموده و به منظور جلوگیری از هجوم بیشتر آنان به داخل عربستان مقررات جدی‌تری در رابطه با ویزا و حق اقامت وضع نموده است. دولت از این نگران است که فلسطینیها ممکن است در آتیه - مگر به قصد بازگشت به سرزمینی متعلق به خودشان - عربستان را ترک نگویند. (S)

عربستان سعودی از جمعیت بومی نسبتاً یکپارچه، زبان مشترک و مذهب تسنن فوق‌العاده محافظه‌کارانه‌ای برخوردار است. یک استثناء قابل توجه جامعه ۱۲۵۰۰۰ نفری شیعیان در ایالت شمالی این کشور می‌باشد که تقریباً یک چهارم جمعیت این ناحیه را تشکیل می‌دهند. شیعیان پیش از کشف منابع نفتی دارای مقام اجتماعی و اقتصادی پست‌تری بوده و به کارهای یدی نزد کشاورزان و تجار سنی اشتغال داشتند. اما طی دهه اخیر آنان در بخش اقتصاد نفتی و دوائر مربوط به تجارت خصوصی و دولتی پیشرفتهای شایان توجهی نموده‌اند. تبعیض در اشکال مختلف وجود دارد: از جمله تزییقات در رابطه با استخدام شیعیان در نیروهای مسلح، اداره پلیس و برخی اشتغالات دیگر را می‌توان نام برد. تحقیقات اخیر درباره‌ی جامعه شیعیان ناظران را متقاعد نموده است که تحول اقتصادی موقعیت ایشان را برای ادامه فعالیت در جامعه سعودی تثبیت نموده است. (S)

تجربه عبرت‌انگیز

حضور گسترده خارجیان در جامعه سعودی در وهله اول میراث جریان پرشتاب تجددگرایی است که هدف از آن سوق دادن این کشور به ماورای موقعیت یک کشور در حال رشد بوده است. این جریان

در پی چهار برابر شدن بهای نفت اوپک طی سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ تشدید گردید. عربستان سعودی با در دست داشتن ۲۷ درصد از ذخایر نفت آزاد دنیا، درآمدی معادل ۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به دست آورد. هر چند این کشور از نظر سرمایه مشکلی ندارد، اما دارای خلاءهای عظیمی در رابطه با قابلیت‌های اجرایی، تکنولوژی و نیروی انسانی است. مسکن غیرکافی که جوابگوی هجوم خارجیها به داخل کشور نیست، و شبکه‌های ضعیف حمل و نقل موانع دیگری بر سر راه توسعه آرام و بی دردسر اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

تلاشهای مقدماتی در جهت تسریع توسعه با «اولین طرح توسعه» در سالهای مالی ۷۵ - ۱۹۷۱ آغاز گردید.^۱ ۱۰ میلیارد دلار هزینه‌ای که برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده بود در عمل به ۱۹ میلیارد دلار افزایش یافت. این طرح که مقاصد مبهم را در جهت توسعه دنبال می‌نمود و می‌بایست از طریق هزینه عمومی تحقق یابد، از فشارهای اجتماعی ناشی از این کار غافل بود. «طرح دوم توسعه» (سالهای مالی ۸۰ - ۱۹۷۶) هزینه‌ای معادل ۱۴۲ میلیارد دلار را پیش‌بینی نموده و اصلاح شبکه‌های حمل و نقل ارتباطات و توزیع از اهداف آن به شمار می‌رفت. این طرح برای آنکه نیاز به نیروی کارگری بیگانه را کاهش دهد. بر توسعه صنایع سنگین با سرمایه تمرکز یافته و ترتیب نیروی انسانی بومی تأکید نمود. همچنین اصلاحاتی در زمینه مزایای اجتماعی به منظور جلوگیری از شکافهای رو به رشد در رابطه با توزیع درآمد مورد تأکید قرار گرفت.

در سال ۱۹۷۶ مقامات رسمی مشکلات گوناگونی را در رابطه با جذب کالاها و نیروی انسانی وارداتی تشخیص دادند و در نتیجه سرعت فعالیت در جهت توسعه کاهش یافت.

مسئله عبرت‌انگیز دیگر در سال ۱۹۷۸ به وقوع پیوست، زمانی که روشهای حساب نشده و ناهماهنگ تنظیم بودجه، کاهش در هزینه وزارتخانه‌ها را ایجاب نمود و از سوی دیگر اجرای برخی طرحها را به تعویق انداخته و به کاهش دارایی‌های مالی خارجی منجر گردید.

طی «سومین طرح توسعه» (سال جاری مالی ۸۵ - ۱۹۸۱)، کاهش بیشتری در شتاب روند توسعه اقتصادی پیش‌بینی می‌شود. این طرح، ظاهراً برای آنکه محصولات داخلی را جایگزین واردات نموده و موجبات شرکت گسترده‌تر سعودیهای بومی در توسعه صنعتی را فراهم نماید، بر صنعت (کارخانجات) تأکید خواهد نمود. در میان معیارها و موازین پذیرش طرحهای جدید، حفظ ارزشهای سنتی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. نگرانی رو به رشد در میان جناح محافظه‌کار نظام حکومتی سقفی برای تولید نفت را پیشنهاد می‌کند که احتمالاً کمتر از ۱۲ میلیون بشکه در روز برای اواسط دهه ۱۹۸۰ خواهد بود. (در مقایسه با تولید نفت در اوائل سال ۱۹۷۹ که نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه در روز بوده، و مذاکرات قبلی در رابطه با بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت در روز برای اواسط دهه ۱۹۸۰).

تجربه عبرت‌انگیز عربستان سعودی در رابطه با روند توسعه در ابعاد دیگر نیز به چشم می‌خورد. مدت مدیدی است که سعودیها به مواردی از اجحافات فاحش در رابطه با قراردادهای خود ظن برده‌اند، اما اینک این ظن تبدیل به یقین گشته است. قراردادهای گذشته اخیراً به بهانه‌های مختلف

۱- سال مالی سعودی بر پایه سال هجری قمری است و به طور متوسط ۱۱ روز از سال تقویمی غربی کمتر است. سال مالی ۱۹۷۹ در ششم ژوئن ۱۹۷۸ آغاز شد و در بیست و پنجم ماه مه ۱۹۷۹ خاتمه خواهد یافت.

موضوع مذاکرات مجدد قرار گرفته‌اند و این امر به پس‌اندازی معادل ۳۰ درصد قیمت‌های قبلی منجر گردیده است. در آژانسهای معتبر، کاهش قیمت به منظور حذف حشو و زوائد همراه با اشتیاقی شبیه به شور جهاد صلیبیان (Crusad - Like) انجام می‌گیرد و محتمل است که این امر روند توسعه را بیش از آنکه با توانایی مصرف درآمدهای حاصله در نفت هماهنگ گرداند، با قابلیت جذب واقعی همگام و متناسب نماید.

روی هم رفته، اموری که از اهمیت اجتماعی برخوردارند، همراه با داد و ستد منصفانه، به عنوان مهمترین عوامل مؤثر در شتاب توسعه مطرح می‌شوند. میزان درآمد مالی سعودی قابلیت انعطاف عظیمی را فراهم می‌آورد. مزاددهای حاصله از درآمدهای نفتی دارای رسمی خارجی را از ۴/۷ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۳ به حدود ۶۰ میلیارد دلار در آخر سال ۱۹۷۸ افزایش داده است و این مقدار بیش از آلمان غربی و ژاپن می‌باشد. تنها درآمدهای حاصله از داراییهای خارجی ۲۰ درصد از صورتحساب واردات کشور را می‌پوشاند. در حالی که طی دو سال گذشته مزاددهای موازنه پرداخت کاهش یافته‌اند، و با در نظر گرفتن سیر صعودی بهای نفت در جهان، این روند احتمالاً معکوس خواهد شد.

موارد استفاده از ثروت نفت

هزینه دولتی که طی پنج سال از ۲/۷ میلیارد دلار به حدود ۳۳ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۷۸ افزایش یافته است، انگیزه رشد اقتصادی را فراهم نموده است. بخش اقتصاد نفتی علیرغم آنکه پشتیبان و پایه اصلی اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد، تا حدود ۲ سال پیش توسط درآمدهای کمپانی تأمین مالی می‌شد. تا آنکه سرمایه‌گذاری عظیم برای ایجاد یک سیستم جمع‌آوری گاز هزینه اضافی از سوی دولت را ایجاب نمود. حدود یک چهارم از بودجه طی پنج سال گذشته صرف خریدهای نظامی شامل تجهیزات سنگین، پایگاههای زمینی و دریایی و مراکز فرماندهی و ارتباطات گشته که اکثراً از ایالات متحده خریداری شده است. تکیه بر ظرفیت تکنیکی و کیفیت تجهیزات موجب شده است که عربستان سعودی تجهیزات پیشرفته‌ای نظیر هواپیمای جنگی اف - ۱۵ را به دست آورد. تا اواخر سال ۱۹۷۸ قراردادهای نظامی با آمریکا به ۱۹ میلیارد دلار بالغ می‌گردید. قراردادهای ساختمانی ارتش ۱۱ میلیارد و قراردادهای مربوط به تجهیزات سنگین ۸ میلیارد دلار از این مقدار را تشکیل می‌داد. حدود ۳ میلیارد از هر یک از این دو گروه قرارداد تا به حال انجام شده و یا تحویل گردیده است. یک چهارم دیگر از بودجه صرف طرحهای توسعه اقتصادی شده است. پیشرفت به ویژه در زمینه ساختمان و گسترش بنادر چشمگیر بوده و به از میان برداشتن موانع مربوط به واردات یاری رسانده است. اکثر کارخانجات در جیبیل واقع در خلیج فارس و ینبع (Yanbu) واقع در دریای سرخ هنوز در مراحل مقدماتی و برنامه‌ریزی قرار دارند. بجز فعالیتهایی که در جهت تأمین خدمات در این پایگاهها انجام می‌شود، یک سیستم جمع‌آوری گاز به ارزش ۱۳ میلیارد دلار و مقداری لوله‌کشی گاز سرتاسری تنها تأسیسات عمده‌ای می‌باشند که پس از چندین سال وقفه اکنون در دست اجراء قرار گرفته‌اند. ساختمان یک کارخانه فولاد در جیبیل نیز ممکن است امسال آغاز شود.

بقیه تقسیمات بودجه به ارقام جاری نظیر حقوق، انتقالات، سوبسید و کمکهای خارجی تخصیص

یافته است - تنها مواردی که هزینه به طور مداوم بر مقادیر تخصیص یافته پیشی گرفته است - هزینه‌های مربوط به کمکهای اقتصادی خارجی بطور متوسط طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۵ به ۲ میلیارد دلار در سال بالغ گردیده و در سال ۱۹۷۸ کاهش یافت. کمکهای رسمی اکثراً به صورت امتیازات دو طرفه و وامهایی بر مبنای شرایط امتیازی تأمین شده و عمدتاً به کشورهای عربی و به ویژه کشورهای مبارز تعلق گرفته است. دولت کوشش فراوان به کار برده است تا ثروت حاصله از نفت را با سعودیهای بومی تقسیم نماید. خانواده‌های کم درآمد اکنون توسط بیمه اجتماعی، سوبسیدهای غذایی و کنترل اجارات پشتیبانی می‌شوند. هر تبعه سعودی که دارای قوه ابتکار باشد می‌تواند از اعتبار کم هزینه چشمگیری جهت تأمین مالی اقدامات تجاری خود استفاده نماید و کلیه اتباع از وامی بی‌بهره تا مرز ۹۰/۰۰۰ دلار، بیست ساله، برای ساختمان خانه خصوصی خود برخوردار می‌باشند. هزینه‌های عمومی فراوان نیز صرف تحصیلات و مراقبتهای بهداشتی آنان گردیده است. توسعه هزینه‌های عمومی رشد قابل توجهی در بخشهای غیرنفتی اقتصاد این کشور - که تا همین سالهای اخیر عملاً تک محصولی بوده است - ایجاد نموده رشد حقیقی در بخش دولتی از سال ۱۹۷۳ به بعد به طور متوسط سالانه ۱۶ درصد بوده و در بخش خصوصی به ۱۲ درصد بالغ گردیده است. اقدامات بازرگانی در عربستان سعودی تاکنون منحصر به تجارت و ساختمان بوده و تلاش کمی در زمینه‌های صنعتی دیده شده است.

مقایساتی با ایران

دگرگونی اجتماعی در ایران موجد نوعی خودآگاهی ملی در عربستان سعودی شده است که نگران احتمال بروز سرنوشتی مشابه در این کشور می‌باشد. هر چند وقوف بر خسارات اقتصادی ناشی از تورم و خطری که از جانب جامعه اتباع سابق کشورهای دیگر نظام اجتماعی عربستان را تهدید می‌کند، هم اکنون نیز نیل به تجددگرایی را در این کشور تعدیل نموده است، اما انقلاب ایران ممکن است انگیزه تحول وسیعتری گردد. (S)

خاندان سلطنتی سعود احتمالاً بیش از هر چیز در ارتباط با فساد که قراردادهای خارجی را احاطه نموده حساس و آسیب‌پذیر می‌باشد. گزارشات اخیر حاکی از تنفر عمومی روزافزونی نسبت به این گونه اعمال است. اکنون شهرت یافته است که اعضاء خاندان سلطنتی از طریق همکاری و شرکت در قراردادهای عظیم ساختمانی خارجی ثروتهای هنگفتی به چنگ آورده‌اند. انتقاداتی که در رابطه با این گونه اختلافها پدید آمد، سبب شد که حدود یک سال قبل اقداماتی تصنعی در جهت کاهش نفوذ - فروش به عمل آید. حق الزحمه آژانس به طور قانونی به ۵ درصد بهای قرارداد منحصر گردید و خریدهای نظامی از طریق آژانس به کلی ممنوع گردید. با این همه، خارجییانی که خواهان عقد قراردادهای دولت غیرنظامی می‌باشند می‌بایست از طریق قانونی توسط یک آژانس سعودی عمل کنند و این امر به طرز مؤثری موجب می‌شود که کمیسیونهای نسبتاً بزرگ در اختیار یک اقلیت ممتاز قرار گیرد.

از جهات دیگر خاندان سلطنتی سعودی کمتر از شاه (معدوم ایران) آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد. سلسله مراتب حکومتی روابط نزدیکی با جامعه مذهبی حفظ نموده است. عرف سعودی راهی برای

شکایات شهروندانی که از حق رأی بی بهره‌اند باز گذارده است. هر چند بدون شک توزیع درآمد کاملاً به نفع یک اقلیت کوچک است، اما اکثر سعودیها به طور ملموسی از رونق اقتصادی بهره‌جسته‌اند. برخلاف ایران هزینه‌های دفاعی به قیمت چشم‌پوشی از برنامه‌های اقتصادی اساسی تمام نشده است. در حقیقت به علت درآمد گزاف حاصله از نفت و جمعیت کم، سعودیها یارای تحمل اشتباهات اقتصادی را دارا می‌باشند که می‌توانست برای کشورهای که از بخت کمتری برخوردارند، عواقب وخیمی در برداشته باشد.

چشم‌انداز

ثبات اجتماعی (در عربستان سعودی)، حداقل برای کوتاه مدت، محتمل به نظر می‌رسد. خاندان سلطنتی ظاهراً کنترل کامل را به دست دارد و مردم از نظر اقتصادی به طور معقولانه‌ای آرام نگاه داشته شده و خطری جدی از سوی خارجیان داخل کشور ثبات جامعه را تهدید نمی‌کند. (S) به هر ترتیب چندین منبع تشنج‌زا وجود دارند که در دراز مدت ممکن است تقویت شوند. نگرانیهایی از این دست از سوی سعودیهای عالی‌رتبه ابراز شده است:

(الف) - یمانی، وزیر نفت: تحولات سیاسی - اجتماعی عمده‌ای را برای اواسط دهه هشتاد پیش‌بینی نموده است.

(ب) - وزیر امور خارجه، شاهزاده سعود، گفته است که پادشاهی سعودی قادر نخواهد بود یک کودتای نظامی (درون ارتش خود) را طی درگیری اخیر در یمن تحمل نماید.

(ج) - چندین تن از اعضای خاندان سلطنت رهبری ولیعهد فهد را مردد و در حال نوسان خوانده و مورد انتقاد قرار داده‌اند.

نشانه دیگری از ناآرامی در آتیه، افزایش قاچاق اسلحه به داخل کشور است. (S-NF- NC- OC) هر گونه تهدید احتمالی نسبت به قدرت مطلقه خاندان سلطنت احتمالاً از جانب طبقه کارمندان خدمات شهری، تجار، مهندسين، کارمندان ارتش و کارگران متخصص نشأت خواهد گرفت. همگام با پیشرفت اقتصادی، این طبقه متوسط در حال رشد نقش مهمتری را در عرصه سیاست جستجو خواهد نمود بویژه، پیچیده و ظریف‌تر شدن اقتصاد و فشار ناشی از تحولات اجتماعی - اقتصادی به احتمال قوی بر توان سیاسی تکنوکراتهای تحصیلکرده در خارج خواهد افزود. این قشر بیش از اکثر اعضای خاندان سلطنت در معرض دگرگونی اجتماعی قرار دارند.

به علت فقدان یک رهبری مؤثر و نیرومند در نظام حکومتی عربستان سعودی و خاندان سلطنت - مشکلی که از سال ۱۹۷۵، پس از مرگ ملک فیصل به بعد همواره بغرنج‌تر گردیده است - حل این تشنجات بسیار مشکل خواهد بود. ولیعهد فهد به ویژه در رابطه با مسائل مهم مملکتی که بین مقامات عالی‌رتبه دولتی و شاهزادگان هیچ گونه توافقی وجود ندارد، فاقد قدرت و اختیارات کامل تصمیم‌گیری است. بعلاوه، به نظر می‌رسد که فهد از قاطعیت فکری و روحی لازم نیز بی‌بهره است. او به جای آنکه فکر خود را برای مردم بازگو نماید، آنچه آنان خواهان شنیدنش هستند بر زبان میراند. (S)

فقدان رهبری مؤثر طی چند سال گذشته خصوصتها و رقابتهای درون خاندان سلطنت را تشدید نموده است. اختلافات خانوادگی در ارتباط با بسیاری از روشها و خط مشی‌ها وجود دارد، اما

مهمترین رقابتها از نقطه نظر سیاسی مربوط به جانشینی مقام عالی سلطنت می‌باشد. شاهزاده عبدالله احتمالاً پس از فهد به ولایتعهدی برگزیده خواهد شد اما درباره جانشین عبدالله اختلافات جدی وجود دارد. برادر تنی فهد، سلطان، محبوب برخی است و برادر ناتنی‌اش مشعل (Mish'al)، محبوب برخی دیگر. (S)

خاندان سلطنتی بر سر شتاب تجددگرایی نیز دچار اختلاف است. ولیعهد فهد نماینده طرحهای توسعه طلبانه مترقی است. فهد می‌داند که «مدرنیزاسیون بدون وسترنیزاسیون» (تجددطلبی بدون غرب‌گرایی) آرمانی باطل است اما امیدوار است که این تحول اجتناب‌ناپذیر را تحت کنترل نگاهدارد. اما شاه خالد نماینده گروهی بنیادگراتر است و شاهزاده عبدالله و حتی برخی از برادران تنی فهد نیز به این دسته تعلق دارند. این محافظه‌کاران در مقابل هر گونه لیبرالیزه نمودن نظام اجتماعی مقاومت می‌کنند، اما با توسعه اقتصادی فی نفسه مخالف نیستند. (S-NF)

اختلافاتی هم در زمینه چگونگی برخورد با موقعیت ژئوپولیتیکی منطقه وجود دارد. اقدامات سعودیها حاکی از این اعتقاد ایشان است که روسیه درگیر تلاش استراتژیک به منظور محاصره مناطق نفت خیز خلیج فارس و عربستان سعودی می‌باشد. طی دو سال گذشته، سعودیها درگیری روسیه را در شاخ آفریقا، کودتای افغانستان و فعالیتهای افزایش یافته یمن جنوبی به عنوان گواهی بر مقاصد سوء آن کشور می‌دانند. اگر چه اکثر رهبران سعودی معتقد نیستند که روسیه در سقوط شاه ایران مستقیماً دخالت داشته است، اما عقیده دارند که رویدادهای ایران موازنه قدرت در منطقه را به طرز مؤثری دگرگون نموده و خطر محاصره منطقه توسط روسیه را افزایش داده است. آنان احساس می‌کنند که ایالات متحده دو سال اخطار توسط عربستان سعودی را نادیده انگاشته و بر بحرانی بودن شرایط واقف نیست، و یا متناوباً قادر نیست منافع خود را در منطقه محافظت نماید. این نگرانیها بر اختلاف نظر خاندان سعودی درباره برقراری مجدد نوعی روابط رسمی با روسیه شوروی افزوده است. (S)

در حال حاضر سعودیها روابط خود با ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند. طی ماههای اخیر عربستان سعودی در ارتباط با روند صلح خاورمیانه از مصر و آمریکا دوری گزیده و با اکثریت کشورهای عربی که معتقدند توافقهای «کمپ دیوید» چهارچوب مناسبی جهت صلحی مطلوب را تشکیل نمی‌دهد در یک صف قرار گرفته است. همچنین به نظر می‌رسد که این کشور در حال تجدید روابط با عراق می‌باشد. کاهش اعتبار ایالات متحده در چشم رهبران سعودی احتمالاً هم‌اکنون قدرت سیاسی شاهزادگان عالیرتبه و به ویژه شاهزاده فهد را، که بیش از همه نماینده تام موضع طرفداری از آمریکا می‌باشد، تضعیف نموده باشد. اگر طی ماههای آتی رهبران سعودی متقاعد شوند که واشنگتن پناهگاه قابل اعتمادی برای ایشان نیست، ممکن است موضعی غیرمتعهدانه‌تر اتخاذ نمایند. هر چند که ناخوشایند باشد، احتمال می‌رود که سعودیها، به منظور کسب فرصتی جهت کاستن از شتاب پیشروی محسوس روسیه در منطقه، با آن کشور از در دوستی درآیند. (S)

یمن جنوبی

۱۷۰۰۰۰۰ نفر؛ تقریباً ۱۰۰ درصد آنها بومی می‌باشند

جمعیت:

حکومت:	مارکسیست غیر نظامی
رئیس حکومت:	رئیس جمهور عبدالفتاح اسماعیل*
مذهب جمعیت بومی:	۹۵ درصد مسلمان سنی - شافعی
	۵ درصد مسلمان شیعه - زیدی
سطح سواد:	۱۰ درصد
نسبت محصل به جمعیت:	۱۵ درصد
اقتصاد:	کشاورزی پایدار؛ صنعت کلبه‌سازی
ارز رسمی خارجی:	۱۵۰ میلیون دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص ملی:	۵۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۲۱۸۰۰ نفر
نیروی پلیس ملی:	تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر
شبه نظامیان:	تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر

* البته بعدها علی ناصر محمد روی کار آمد. وی در مقایسه با عبدالفتاح اسماعیل و سالم ربیع علی از دیدگاه متعادلتری برخوردار است. در کودتای سال ۱۳۶۵ علی ناصر محمد به وسیله عبدالفتاح اسماعیل و طرفدارانش از کار برکنار و متواری شد. در جریان کودتا عبدالفتاح اسماعیل و علی عنتر به قتل رسیدند، و نهایتاً العطاس نخست‌وزیر قبلی به حکومت رسید. مترجم

یمن جنوبی: خنجری فرورفته در پشت شبه جزیره عربی

از سال ۱۹۶۷ به بعد یعنی زمانی که یمن جنوبی استقلال خود را به دست آورد، رژیمهای چپگرا تحولات اقتصادی و اجتماعی‌ای را (بر این کشور) تحمیل نموده‌اند که تا حدود زیادی آن کشور را از دیگر همسایگانش در شبه جزیره عربستان متمایز و منزوی ساخته است. حکام تندرو طبقات را کاملاً از بین برده، توسط مبارزات خونین، کشور را آرام نموده و تحصیلات غیر مذهبی را جایگزین تعلیمات اسلامی سنتی نموده‌اند. طی ۹ ماه گذشته، دولت تحت کنترل یک ایدئولوگ مارکسیست متعهد (دو آتشه) به نام عبدالفتاح اسماعیل که به همکاری نزدیک با روسیه متمایل است، قرار داشته است. در گذشته زندگی سیاسی داخلی کشور تحت الشعاع مبارزه‌ای برای قدرت میان اسماعیل و رئیس جمهور فقید علی قرار داشت: علی به عنوان فردی چپگرا اما پراگماتیک‌تر از اسماعیل شهرت داشت.

در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی، سیاستهای یمن جنوبی همسایگان عرب خود را از این کشور بیگانه و دور نموده است. عدن از نهضت‌های انقلابی منطقه جانبداری نموده، تروریست‌های بین‌المللی را در کنف حمایت خود قرار داده و اخیراً نیز فعالانه به خصومت با یمن شمالی - که از متفقین عربستان سعودی می‌باشد - پرداخته است. کوشش‌های عربستان سعودی که با وعده کمک‌های اقتصادی، یمن جنوبی را به استقلال از روسیه ترغیب می‌نماید، عقیم مانده است و مقدار کمک‌های مالی آینده از سوی کشورهای محافظه کار خلیج نامعلوم می‌باشد. آینده اقتصادی یمن جنوبی بدون کمک‌های مالی خارجی تاریک است. عدن فاقد منابع طبیعی است و از نظر نیروهای متخصص فنی و مدیریت برای آنکه

مستقلاً به توسعه اقتصاد خود پردازد در مضيقه قرار دارد.

ابعاد سياسي

ساكنين يمن (عدن) بخش عظيمي از تاريخ اسلامي خود را تحت سلطه ائمه يمن شمالي كه به مدت ۸۰۰ سال در صنعا حاكميت داشته‌اند، به سر برده‌اند. جنوبيها كه عمدتاً سني مذهب و از فرقه شافعي مي‌باشند از بيعت با ائمه كه شيعه بودند خودداري ورزیدند. ايالات كوچك قبيله‌اي و سلطان‌نشينان جنوب يمن هرگز تحت كنترل كامل حكومت يمن قرار نگرفتند. تاريخ جديد يمن جنوبي از زماني آغاز مي‌شود كه عدن - در سال ۱۸۳۹ - به تصرف بریتانیای كبير درآمده و به عنوان پاسگاهي براي حفظ امنيت مسيرهاي تجارتي به هندوستان مورد استفاده قرار گرفت. طی دهه ۱۹۳۰ تمام سلطان‌نشينان يمن به تحت‌الحمایه‌های بریتانیا تبديل شده بودند، اما در پيمان فوریه ۱۹۵۹، بریتانیا عهد بست كه مستعمره عدن و ايالات تحت‌الحمایه را براي استقلال كامل مهيا سازد.

تلاش در جهت آماده نمودن زمينه براي استقلال يمن جنوبي با موج فراگير ناسيوناليسم عربي تلاقي نموده و دچار پيچيدگي و اشكال گرديد. مخالفت با بریتانیا به تروريسم آشكار ميان دو گروه ناسيونالستي و در حال رقابت مبدل شد. سرانجام «جبهه آزاديبخش ملي» پيروز گشته و در ماه نوامبر ۱۹۶۷ کشور را به سمت استقلال هدايت نمود. طی چند سال بعد جناحهاي تندرو NLF نفوذ و قدرت خود را تحكيم بخشیدند و در اواسط سال ۱۹۷۱ اسماعيل - كه دبیر كل ماركسيست جبهه ملي بود - و پرزيدنت سليم ربیع علي رهبری را تقبل نمودند.

رهبران تندرو، تحت حمايت تلقينات سوسياليستي خود، طبقات را ريشه‌كن نموده، قبایل را وادار به اطاعت از حزب و حكومت مركزي كرده، آرامش کشور را از طريق مبارزات خونين تأمین نموده و مسئله نقش زن در جامعه و تحصيلات غير مذهبي را تبليغ و ترويج نمودند. آنان قساوت و بيرحمي بسياري از اقدامات خود را به عنوان اهداف انقلاب توجیه کردند. ملي‌کردنها و سرکوب سياسي موجب شد كه صدها هزار نفر کشور را ترك گفته و بسياري نيز در يمن شمالي مستقر شوند. عده ديگري نيز کشور را به قصد كار در کشورهای همسايه كه از لحاظ نفت غني بودند ترك نمودند. بسياري از كسانی كه به کشورهای ديگر پناهنده شدند، تاجر، كارگران متخصص و صاحب حرفه بودند.

تحكيم قدرت

در اوائل سال ۱۹۷۸ درگيري ميان اسماعيل و علي كه به امتيازات يكدیگر حسد مي‌بردند شدت يافت. قتل رئيس جمهور يمن شمالي، احمد القشمي (al-Qashmi) در ۲۴ ژوئن، حوادثي در پي داشت كه به مرگ علي و حاكميت مطلق اسماعيل و حاميانش در جنوب انجاميد. اسماعيل كوشيد علي را به عنوان مسبب قتل پرزيدنت قشمي معرفی نماید (وي توسط بمبي كه مأمور سياسي يمن جنوبي حامل آن بود به قتل رسيد) اما منطقي‌ترين شرح واقعه، خود اسماعيل را مسؤل ماجرا مي‌شناخت. طی كشمكشهاي بعدی ميان گروههاي مخالف، اسماعيل غالب گشت و علي و دو تن از يارانش اعدام شدند و بقيه حاميان علي تبرئه شدند. (S)

اسماعيل در اصل اهل يمن شمالي است و در ميان رهبران قبيله‌اي سنتي جنوب از محبوبيت كمی

برخوردار می‌باشد. در عوض، اسماعیل بر همقطاران شمالی و عدنیائی که قبائلشان را از دست داده‌اند متکی است و بر پشتیبانی ایشان امیدوار می‌باشد. قدرت اسماعیل در حزب مارکسیست - لنینیستی تمرکز یافته است که خود در تأسیس آن شریک بوده است. ابزار نشر افکار حزب که از نفوذ فراگیرنده‌ای در سراسر یمن جنوبی برخوردار می‌باشد، در جهت یاری دولت برای انجام فرامین رهبری انقلاب طرح‌ریزی شده‌اند. این دستگاه متشکل از کمیته‌های سراسری و «نهادهای توده‌ای» که در کلیه ابعاد زندگی ملت حضور دارند، در کنترل جمعیت پراکنده و عقب افتاده ۱/۷ میلیونی آن کشور بسیار مؤثر بوده است. مخالفت رهبران قبایل که در روستاها هنوز از نفوذ بسیاری برخوردارند - و حامیان علی با حکومت اسماعیل، چندان جدی تلقی نمی‌شود. (S-NF)

نقش ارتش

نیروهای مسلح کم حجم اما مؤثر یمن جنوبی طی دهه اخیر بیش از دو برابر افزایش یافته است. ارتش این کشور از تجربیات رزمی قابل توجهی برخوردار است و توان رزمی خود را طی چندین کشمکش مختصر با یمن شمالی و عربستان سعودی نشان داده است. همچنین در رفع حملات ناگهانی گروه‌های تبعیدی موفق بوده است. دو نیروی «میلیشای توده» و «نیروی امنیت عمومی» ارتش را تکمیل کرده و در عین حال خنثی می‌کنند. میلیشیا، که تصور می‌رود تحت کنترل اسماعیل باشد، مسئولیت حفظ امنیت در عدن و مناطق مرزی را که فاقد واحدهای ارتشی معمولی هستند بر عهده دارد، با وجود آنکه میلیشیا می‌توانست منبع مهمی برای تقویت ارتش باشد، اما روابط بین ایندو خوب نیست. میلیشیا طی زد و خوردهایی با ارتش در سال ۱۹۷۶ صدمات زیادی تحمل کرد، اما ظاهراً اسماعیل با تکیه بر میلیشیا کودتای موفق خود را در سال ۱۹۷۸ به انجام رسانید. «نیروی امنیت عمومی» در دسته‌های کوچک در سراسر کشور پراکنده است تا از ثبات داخلی محافظت نماید. (S-NF)

روسیه به امید آنکه نفوذش را در منطقه گسترش داده و یک پایگاه عملیاتی برای پشتیبانی از ناوگان خود در اقیانوس هند کسب نماید، عملاً کلیه تجهیزات سنگین ارتش یمن جنوبی را تأمین نموده و طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۳ تجهیزاتی معادل تقریباً ۲۰۰ میلیون دلار را به این کشور تحویل داده است. وسایلی که در سال ۱۹۷۸ از سوی روسیه به یمن جنوبی تحویل داده شد بیش از ۱۳۰ میلیون دلار ارزش داشته و شامل چندین دستگاه اسلحه پیشرفته بود. در این کشور قریب پانصد مشاور نظامی روسی موجود می‌باشند، که عمدتاً نیروهای هوایی و زندهوایی را پشتیبانی می‌کنند. پیش از ژوئن ۱۹۷۸، حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ مشاور کوبایی در عدن مستقر بودند، اما پس از کودتا تعداد ایشان احتمالاً به هزار تن افزایش پیدا کرد، طی ماههای اخیر به نظر می‌رسد که تعداد کوبائیا به ۵۰۰ مشاور نظامی و چند صد متخصص غیر نظامی کاهش یافته است. (S-NF)

یمن جنوبی: رهبران حکومت

نام

مقام

عبدالفتاح اسماعیل

رئیس، رئیس جمهور، و سرپرست شورای عالی خلق

معاون رئیس و سرپرست شورای عالی خلق	علی ناصر محمدالحسنی
دبیر ریاست و سرپرستی شورای عالی خلق	فضل محسن عبدالله
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	سلطان محمد الدوش
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	ریاض ال اکبری
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	ایدا علی سعید
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	سید صالح سلیم
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	محمود سعید المهدی
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	عبدالله احمد الغانم
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	فاریس سلیم احمد
عضو ریاست و سرپرستی شورای خلق	علی احمد نصیر سلامی
رئیس شورای وزیران	علی نصیر مجدالحسنی
وزیر کشاورزی و اصلاحات کشاورزی	محمد سلیمان الناصر
وزیر ارتباطات	محمود عبدالله رشید اوشیش
وزیر فرهنگ و جهانگردی	محمود نجاشی
وزیر دفاع	احمد ناصر البیسی
وزیر تعلیم و تربیت	سعید عبدالخیر النوبان
وزیر اقتصاد	علی ناصر محمد الحسنی
وزیر منابع ماهیگیری	محمد سلیم کوثر
وزیر امور خارجه	محمد صالح یغائی
وزیر بهداری	دکتر عبدالله احمد بوخیر
وزیر صنایع	عبدالغنی عبدالقدیر
وزیر اطلاعات	رشید محمد ثابت
وزیر تأسیسات	حیدر ابوبکر العتاس
وزیر کشور	صالح مصلح القاسم
وزیر دادگستری و اوقاف مذهبی	خالد فضل منصور
وزیر کار و خدمات مدنی	نصر نصر علی
وزیر برنامه	عبدالعزیز عبدالولی النشیر
وزیر امنیت کشوری	محمد سعید عبدالله محسن الشرجابی
وزیر تجارت و تدارکات	احمد عبیدالفضل
وزیر مشاور در امور کابینه	علی اسد مثنی

✽ جمعیت کشور از شاخه شافعی تسنن اسلامی پیروی می نماید. ملاحظات مذهبی از دیرباز در زندگی اجتماعی نقش بسیار مهمی داشته، لیکن عضویت در حکومت و کابینه مشروط بر اعتقاد شدید به ایدئولوژی مارکسیستی است و برای این کار نیازی به اعتقادات مذهبی نیست.

سیاست خارجی

یمن جنوبی خود را به عنوان یکی از اعضای اردوی سوسیالیستی بین‌المللی می‌نگرد و از این رو نسبت به سیاست حمایت از نهضت‌های انقلابی، شرکت در کشمکش اعراب علیه اسرائیل و مخالفت با دولتی که «امپریالیست» و «مرتجع» می‌نامد، احساس تعهد می‌نماید. فقدان ظرافت و دقت در این سیاستها مانع پیوند نزدیک با سایر کشورهای عربی است. با وجود آنکه لیبی نیرومندترین همپیمان عرب عدن می‌باشد، رژیم قذافی احتمالاً فقدان هر گونه رنگ اسلامی در امور داخلی یمن جنوبی را با سوءظن می‌نگرد. روابط این کشور با عراق به دلیل اختلافات موجود در ارتباط با شاخ آفریقا و ممانعت عدن از فعالیت مؤثر بعثی‌های سبک عراقی در سیاست یمن، سرد می‌باشد کشورهای خلیج فارس معمولاً در مخالفت با یمن جنوبی، عربستان سعودی را سرمشق قرار می‌دهند، سوریه و مصر در سوءظن سعودی نسبت به نفوذ روسیه (در یمن جنوبی) شریک می‌باشند. (S)

یمن جنوبی همواره ثبات منطقه را بر هم زده است. در اواخر دهه ۷۰ - ۱۹۶۰، این کشور حامی اصلی شورشیان ظفار در عمان بود و با تکیه بر کمکهای آن، شورشگران توانستند کنترل دولت را در آن منطقه به مخاطره اندازند. هر چند عمان، بیاری ایران اردن و عربستان سعودی، در اواسط دهه ۸۰ - ۱۹۷۰ حاکمیت خود را بازیافت. اما این کشور نگرانست که خروج سربازان ایرانی که اخیراً انجام گرفت اسماعیل را ترغیب نماید که حمایت از شورشیان افزایش دهد.

روابط بین دو کشور یمن شمالی و جنوبی هرگز خوب نبوده است و در سال ۱۹۷۰، هنگامی که عربستان سعودی و ایالات متحده حکومت صنعا را به رسمیت شناختند، این روابط تیره‌تر گردید. در سال ۱۹۷۲ جنگی میان دو کشور در گرفت و طی آتش‌بس متعاقب آن، «اتحادیه عرب» مسئله اتحاد دو کشور را به عبث به مذاکره گذاشت. پس از یک دوره طولانی درگیریهای مرزی، در اوائل سال ۱۹۷۹ یمن جنوبی هجوم وسیعی به داخل خاک یمن شمالی را به امید برانداختن حکومت صنعا، آغاز نمود. این کشمکش حداقل در حال حاضر فروکش نموده است. (S-NF)

عربستان سعودی که از گسترش نفوذ روسیه در درون شبه جزیره نگران است تلاشهایی نموده است تا سیاستهای عدن را تعدیل نماید. ریاض برای مدتی اجتماعات پناهندگان در عربستان سعودی و یمن شمالی را در ارتباط با عملیات نظامی فعال (هر چند بی‌نتیجه) ایشان علیه جنوب یاری نمود. سپس سعودیها وعده حمایت اقتصادی را مطرح نمودند؛ روابط دیپلماتیک برای اولین بار در اوائل سال ۱۹۷۷ برقرار گردید و پرزیدنت علی توافقی نمود که در ازای کمکهای سعودی از نفوذ کمونیستها در یمن جنوبی جلوگیری نماید. در آخر سال ۱۹۷۷، عربستان سعودی کمکهای مالی اش را متوقف نمود زیرا عدن به وعده‌های خود وفا ننموده بود؛ حمایت یمن جنوبی از اتیوپی چشم سعودیها را بر واقعیات گشود. کودتای موفقیت‌آمیز اسماعیل از سوی حکام سعودی به عنوان گواهی بر کوششهای روسیه در جهت احاطه بر شبه جزیره تلقی گردید، و متعاقباً سعودیها به موضع خصومت‌آمیز گذشته خود بازگشتند. (S-NF)

پایه اقتصادی ساده

پیش از کسب استقلال در سال ۱۹۶۷، در همسایگی بندر عدن یک اقتصاد جدید شکوفا و پویا به

وجود آمده بود. ترقی روزافزون شهر بر پایه یک پالایشگاه نفت، خدمات کشتی و سوختگیری، فعالیتهای بازرگانی ناشی از بندر آزاد، و تأمین خدمات پرسنل نظامی بریتانیا بنا گردیده بود. خارج از عدن، اقتصاد بر کشاورزی برای معاش، ماهیگیری و قاچاق متکی بود. شبکه‌های اصلی حمل و نقل و ارتباطات ابتدایی و غیر پیشرفته بودند. استقلال ضربه سنگینی بر اقتصاد کشور وارد نمود به ویژه آنکه با بسته شدن کانال سوئز و ترک سربازان انگلیسی مصادف گردید. خروج انگلیسیها تقاضا برای خدمات داخلی را کاهش داده و درآمد اقتصادی در اطراف عدن را حدود ۳۰ درصد پایین آورد، نرخهای سرمایه‌گذاری را فوق‌العاده کاهش داد و قریب ۲۰/۰۰۰ نفر (یعنی یک چهارم از نیروی کارگری در شهرها) را بیکار برجای گذارد. توقف ناگهانی حمایت مالی بریتانیا درآمد دولتی را به نصف تقلیل داد و توان رژیم را برای ایجاد فعالیتهای جدید اقتصادی محدود نمود.

رژیم چپگرای جدید دست به اقدامات افراطی زده و یک برنامه توسعه سوسیالیستی را آغاز نمود. اصلاحات اقتصادی با ملی کردن املاک خارجی در سال ۱۹۶۹ آغاز گردید و این امر بخش اقتصادی خدمات جدید اطراف عدن (شامل بانکداری، بیمه، کشتیرانی و بازرگانی) را تحت کنترل دولت قرار داد. هر چند برخی فعالیتهای خصوصی، عمدتاً در زمینه بازرگانی، صنایع دستی و کارخانجات کوچک مجاز بود، اما این گونه اقدامات نقشی فرعی ایفا نمودند. دو قانون اصلاحی در رابطه با زمین، تقسیم محصول زمین را منسوخ نموده و مالکیت فردی در رابطه با زمین را به قطعات کوچک محدود نمود. همزمان با این اقدامات، تعاونیهای جدید تولیدی و مزارع ایالتی (دولتی) به وجود آمدند. زنان نیز آزاد شده و ترغیب گشتند که به عنوان نیروی انسانی غیر زراعی به کار مشغول شوند و جای کسانی را که کشور را ترک می‌نمودند پر کنند. هم سطح نمودن درآمدها از اهداف بسیار مهم تلقی گردید.

یمن جنوبی برای تعقیب اهداف خود در زمینه مدرنیزاسیون و تنوع اقتصادی با مشکلات مهیبی روبروست که مهمترین آنها فقدان منابع طبیعی، کمبود ارز خارجی و مهارتهای فنی و مدیریت غیر کافی می‌باشد. آب و هوای خشک و خشن نواحی قابل کشت را محدود می‌کند و بازار داخلی محدود و قلت منابع مواد خام موانعی بر سر راه رشد صنعتی این کشور به شمار می‌روند. کیفیت ناهموار محلی بر پیچیدگی این مشکلات می‌افزاید و مشکلات جدی در رابطه با ارتباطات داخلی ایجاد نموده و بهای حمل و نقل محلی را نیز افزایش می‌دهد.

دولت برای احیاء اقتصاد کساد خود پیش از هر چیز بر هزینه‌های عمومی متکی بوده است. از طریق برنامه‌های متوالی توسعه، سرمایه‌گذاریهای ملی (GNP) از ۳۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به قریب ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ - یعنی از ۱۲ درصد به ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی - افزایش یافت. بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری ملی صرف بخش تولید و کالاهای مفید گشته است که از آن جمله ۳۷ درصد به ماهیگیری و کشاورزی، ۱۳ درصد به صنعت و ۷ درصد به اکتشافات معدنی تخصیص یافته است. قریب ۱۴ از این سرمایه‌گذاری به حمل و نقل و ارتباطات اختصاص یافته و بقیه صرف خدمات اجتماعی گردیده است.

ابقای این افزایش در هزینه عمومی مستلزم تلاشی عمده به منظور بسیج نمودن منابع مالی بوده است. مالیاتهای جدیدی وضع گردیده و وصول مالیات اصلاح شده است؛ همچنین حقوق سالانه

کارکنان دولت دوبار کاهش یافته است. علیرغم این اقدامات، منابع داخلی همچنان از عهده هزینه‌های عمومی برنیامده و دولت ملزم بوده است که بیش از پیش بر کمکهای خارجی متکی باشد. کمکهای مشخصاً پرداخت شده از قریب ۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بالغ گردید و این رقم به طور معتنابهی از تشکیل سرمایه داخلی بیشتر است.

روند توسعه مایوس‌کننده!

طی دهه پس از کسب استقلال، یمن جنوبی به زحمت آغاز به ایجاد شتاب اقتصادی نموده است. آمار نامناسب تنها تصویر مبهمی از سالهای اولیه نشان می‌دهد، اما تحولات اجتماعی و سازمانی بدون شک تولید داخلی را کاهش داده‌اند، در حالی که اقدامات سخت‌گیرانه می‌بایست جداً مصرف خصوصی را محدود نموده باشد. فعالیتهای خصوصی که سهم عمده‌ای از بازده محصولات داخلی را تأمین می‌نمود به طور محسوسی کاهش یافت. توسعه نیز به علت وقفه زمانی میان سرمایه‌گذاری و بازده در بخش عمومی تقلیل یافت. به احتمال قوی بازده حقیقی طی سالها پس از ۱۹۶۷ کاهش یافته و برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ نشانگر توسعه بود. رشد اقتصادی واقعی طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۶ حدود ۶ تا ۷ درصد بوده و عمدتاً توسط انتقال وجود ارسالی از سوی کارگران یمنی در خارج از کشور - که یک سوم از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد - حاصل می‌گشت. در سال ۱۹۷۸، توسعه نسبت به دو سال پیش از آن احتمالاً تقلیل یافت و این امر ناشی از کاهش هزینه دولتی در ارتباط با پروژه‌های توسعه داخلی بود.

امروز کشاورزی و ماهیگیری مهمترین فعالیتهای اقتصادی این کشور به شمار رفته و صنعتی ناچیز همراه با تأمین خدمات بندری مکمل این فعالیتها می‌باشند:

کشاورزی و ماهیگیری ۴۵ درصد از نیروی کارگری را به کار گرفته و ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخل را تأمین می‌نمایند. غله و حبوبات دو سوم از زمینهای زیر کشت را به خود اختصاص می‌دهند و اخیراً کشت گندم مورد توجه خاص قرار گرفته است. محصول پنبه که زمانی مهمترین محصول صادراتی به شمار می‌رفت به علت آنکه زمینها به طرحهای آبیاری واگذار شده‌اند، رو به کاهش است. ماهیگیری رو به رشدترین شاخه از این بخش اقتصادی است و در نتیجه بهبود وسایل، تکنیکهای جدیدتر و افزایش در قیمت‌های تحت کنترل دولت با صرفه بوده است.

صنعت ۸ درصد از بازده داخلی را فراهم می‌نماید که عمدتاً از پالایشگاه نفتی در عدن، که توسط شرکت نفت انگلیس بهره‌برداری می‌شود و ظرفیتی برابر با ۱۷۰ هزار بشکه در روز دارا می‌باشد به دست می‌آید. از سال ۱۹۷۳ به بعد تولید نفت به طور یکنواخت (به طور ثابت) کمتر از ۷۰ هزار بشکه در روز یعنی به مقدار لازم برای جبران هزینه‌ها بوده است. این روند رو به نقصان، رقابت افزایش یافته‌ای منطقه‌ای - که تقاضا برای خدمات سوختگیری را کاهش داده است - و نقص تجهیزات بندری کنونی برای پذیرایی از کشتیهای بزرگ را منعکس می‌نماید. صنایع دیگر شامل تأسیسات کوچکی است که کالاهای مصرفی، ماشین آلات سبک و لوازم یدکی تولید می‌نمایند. محور طرحهای توسعه صنعتی جانشین نمودن کارخانجات کوچکی است که صابون، اکسیژن و آستیلین تولید نموده و روغن‌های نباتی و تولیدات لبنی را تهیه می‌نماید تا جایگزین وارد کردن کالاهای مذکور بشود.

فعالتهای بندری مقدار کمی از اشتغالات را تأمین می‌کند. پیش از بسته شدن کانال سوئز، بندر عدن بیش از ۶۰۰۰ کشتی در سال را پذیرایی می‌نمود. اما فعالیت بطور فوق‌العاده به ۲۰ درصد سطوح قبلی کاهش پذیرفت و در سال ۱۹۷۸ رفت و آمد کشتیها نسبت به ده سال پیش کمتر از پنجاه درصد بود. پیشرفت مختصری به منظور احیاء بنادر در زمینه مدرنیزه کردن تجهیزات بارگیری و تعمیق کانالهای کشتیرانی به چشم می‌خورد، هر چند بازسازی کشتیرانی بین‌المللی از سال ۱۹۶۷ به بعد این امر را که عدن موقعیت گذشته خود را مجدداً به دست آورد، غیرممکن می‌سازد.

درآمدها و کمک خارجی

موازنه پرداخت در یمن جنوبی تا سال ۱۹۷۷ دائماً دچار کمبود بود تا اینکه در این سال افزایش صادرات داخلی و عایدات رو به رشد کارگران خارجی مازاد معتناهی به وجود آورد. یک ضعف اساسی موازنه بازرگانی می‌باشد که با فروش ماهی، کنان، قهوه و تعداد اندکی اقلام دیگر تنها به جبران ۱۰ تا ۱۵ درصد کالاهای عمده، تولیدات واسطه و اجناس غذایی و مصرفی که می‌بایست از خارج وارد شوند اکتفا می‌کند. کالاهای غذایی معمولاً ۲۳ درصد از واردات را تشکیل می‌دهند و از نظر ارزشی برابر با کل ماهیگیری و کشاورزی داخلی می‌باشند. طی پنج سال گذشته، جهت بازرگانی از کشورهای سوسیالیستی به ممالک صنعتی و عمدتاً ژاپن و انگلیس تغییر کرده است.

توسعه وجوهات ارسالی توسط کارگران در رشد واردات متناسب با خود مؤثر و مفید بوده است. طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۳ این وجوهات تقریباً با دریافتیهای کمکهای خارجی مساوی بوده است. در اوائل دهه ۱۹۷۰ ضوابط خشک دولتی و کنترل شدید ارز خارجی موجب کاهش وجوهات ارسالی به یمن جنوبی گردید. به علت نقصان در نیروی انسانی داخلی و قابلیت تولید پایین، مهاجرت در سال ۱۹۷۳ ممنوع گردید. اما رونق توسعه اقتصادی در کشورهای همسایه و در نتیجه بالا رفتن سطح مزد تجدید نظر در خط مشی دولتی را در جهت جذب وجوهات کارگرانی که در خارج به کار اشتغال داشتند ایجاب می‌نمود. هیتهای دیپلماتیک به کشورهای دیگر اعزام شده و درصدد بر آمدند که اتباع را نسبت به ایمنی وجوهاتی که به عدن ارسال می‌شدند، مطمئن سازند. بهره‌های سنگین تری برای موجودی بانکی اشخاص غیر مقیم پیشنهاد گردید و زمین و مصالح ساختمانی در اختیار مهاجرین قرار گرفت تا برای خود یا خانواده‌شان خانه بسازند. این اقدامات موجب گردید که وجوهات ارسالی طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴ افزایش یافته و به ۱۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بالغ گردد. این رقم نیز شاید میزان واقعی وجوهات ارسالی را کمتر از آنچه هست قلمداد نماید، زیرا اطلاعات موجود تنها نشانگر وجوهاتی است که از طریق سیستم بانکی به داخل کشور راه یافته‌اند.

کمکهای خارجی اکثراً در قالب وامهای امتیازی نیز از منابع مهم پشتوانه هزینه‌ها و سرمایه جهت توسعه اقتصادی بوده است. طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۳، مجموع کمکهای اقتصادی دریافتی توسط یمن جنوبی به ۴۴۲ میلیون دلار بالغ گردید. هزینه سرویس بدهیها در سال ۱۹۷۷، ۱/۵ میلیون دلار بود و با در نظر گرفتن ماهیت امتیازی (یا اعطایی) وامها، این مسئله مشکلات مالی ناچیزی را طی سالهای آینده به همراه خواهد داشت. (S)

کمکهای اقتصادی طی اولین سالهای استقلال این کشور تماماً توسط کمونیستها تأمین می‌گردید.

در اواسط دهه ۱۹۷۰، کشورهای عربی یاری‌کنندگان اصلی به این کشور بودند زیرا تلاش می‌کردند عدن را از اردوی کمونیستی برابند. در اواسط سال ۱۹۷۸، کمکهای کشورهای عربی و منابع مالی دیگر یمن جنوبی به مخاطره افتاد، زیرا اتحادیه عرب با در نظر گرفتن نقش عدن در قتل رئیس جمهور یمن شمالی، تصمیم گرفت کمکهای فنی و اقتصادی به این کشور را متوقف سازد. اما این تحریم در سال ۱۹۷۸ برطرف گردید و مدتی که به طول انجامیده بود کمتر از آن بود که خسارت زیادی برای توسعه اقتصادی این کشور در برداشته باشد. (S)

نگرش کلی: دورنمایی دلسردکننده

شرایط اقتصادی یمن جنوبی در آتیۀ نزدیک دلگرم‌کننده نیست. علیرغم برطرف شدن تحریم (اقتصادی) توسط اتحادیه عرب احتمالاً بعضی از اعضاء و به ویژه کشورهای محافظه‌کار خلیج فارس، از پرداخت کمک به میزان گذشته خودداری خواهند نمود. در این صورت به نظر می‌رسد که لیبی و روسیه جانشینان اصلی این کشورها خواهند بود. این کشور از نقطه نظر مالی ضعیف‌ترین از آن است که به تنهایی متجدد شود. (به تنهایی قادر به تحقق مدرنیزاسیون باشد) از دست دادن کمکهای عربستان سعودی در سال ۱۹۷۷ موجب شد که برنامه‌ریزان دولتی طرحهای جدید را از برنامه سال ۱۹۷۸ حذف نموده و هزینه‌های طرحهای در دست اجرا را تقلیل دهند.

شانس عدن برای نیل به استقلال مالی از یاری دهندگان خود در بلند مدت نیز ضعیف است. اهداف توسعه‌گرایانه در کشورهای تولیدکننده نفت در خلیج فارس عموماً به اهدافی طویل‌مدت تبدیل می‌شوند و این امر تقاضا برای وارد نمودن نیروی کارگری را تقلیل داده و در نتیجه وجوهات ارسالی توسط کارگران (در خارج از کشور) کاهش خواهد یافت. موانع طبیعی بر سر راه توسعه کشاورزی وابستگی به واردات غذایی را تداوم خواهد بخشید. دولت عدن سرمایه‌گذاران خارجی را تأمین ننموده و اشتیاق ایشان (برای سرمایه‌گذاری در این کشور) را بر نمی‌انگیزد. تاکنون جستجوی نفت بیپوده بوده است.

از نظر سیاسی مهمترین خطری که رژیم «اسماعیل» را تهدید می‌کند احتمال بروز نارضایتی در میان یکی از ارکان اصلی جمعیت این کشور و سازمان یافتن شورش علیه این رژیم می‌باشد. شاید اصطکاک میان ارتش و میلیشیا یکی از نکات مورد نظر باشد. همچنین شورش می‌تواند به وسیله اقتصاد پر از موانع این کشور پرورش یافته و تقویت شود. گذشته از کودتا و شورش، تحولات کوتاه مدت دیگر احتمالاً به سقوط رژیم یمن جنوبی خواهند انجامید. اگر اسماعیل بمیرد - و اغلب گفته می‌شود که وضع جسمانی وی چندان مساعد نیست - و یا اگر بقتل رسد، یاران وی احتمالاً به سرعت جانشین ثابت و استواری برای وی انتخاب خواهند نمود. از آنجا که همقطاران سابق علی‌تصفیه شده‌اند، احتمال می‌رود که هر حکومت جدیدی سیاستی نظیر خط‌مشی اسماعیل را دنبال نماید. تا آنگاه که همسایگان این کشور در شبه جزیره عربستان بر محدودیت‌های نظامی خو فائق آیند، انتظار می‌رود یمن جنوبی از تمرد و شورش در منطقه حمایت خواهد نمود و با این حساب عدن همواره در جهان عرب به عنوان یک مرتد باقی خواهد ماند. (S)

امارات متحده عربی

جمعیت:	۸۶۰۰۰۰ نفر؛ ۲۸ درصد بومی
حکومت:	فدراسیون از قبایل شیخ نشین تحت سرپرستی رئیس جمهور
رئیس حکومت:	شیخ زاید بن سلطان آل نهیان
مذهب جمعیت بومی:	۹۰ درصد مسلمان سنی مذهب
	۱۰ درصد مسلمان شیعی
سطح سواد:	۲۵ درصد
نسبت محصلین به جمعیت:	۲۵ درصد
تولید نفت:	۱/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸
ارز رسمی خارجی:	۱۴/۴ میلیارد دلار در ژوئن ۱۹۷۸
تولید ناخالص داخلی:	۱۳/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷
میزان نیروهای مسلح:	۲۴۷۰۰ (تقریبی)
نیروی پلیس ملی:	۶۶۰۰ (تقریبی)

امارات متحده عربی: فشارهایی در جهت وحدت گسترده تر

امارات متحده عربی (UAE) که در سال ۱۹۷۱ در پی ترک شبه جزیره عربستان توسط انگلیس، بنیان نهاده شد، مجموعه هفت شیخ نشین می باشد که با (فدراسیونی) سست و ناپایدار به هم پیوسته اند. از همان ابتدا منازعاتی بر سر میزان تمرکز، تشکیلات اداری (بوروکراسی) و نیروهای مسلح و ترکیب بودجه، پیوند این شیخ نشینها را تحت فشار قرار داده است. هجوم درآمدهای حاصله از فروش نفت به داخل این شیخ نشینها - و به ویژه شیخ نشین اصلی یعنی ابوظبی - منشأ طرحهای توسعه بی شماری بوده است که بسیاری از آنها به طور ناقص برنامه ریزی شده اند. این طرحها ایجاب نموده اند که تعداد بسیاری کارگران خارجی به این مناطق جذب شوند به طوری که اتباع بومی اقلیتی از جمعیت این شیخ نشینها را تشکیل می دهند.

تلاشهای رئیس جمهور شیخ زاید برای تحکیم کنترل مرکزی و توزیع بار بودجه فدراسیون به طور متساوی به علت گرایش دیگر شیخها به سوی استقلال در عمل و همچنین به علت ناهماهنگی در اعمال قدرت توسط خود شیخ زاید بی نتیجه می ماند. دگرگونی عظیم و ناگهانی در ایران مولد فشار در جهت اصلاح حکومت فدرال می باشد. در حالی که ظاهراً خطر جدی ای امنیت داخلی امارات متحده عربی را تهدید نمی کند، اما این مناطق برای روبرویی با خطرات جدی که احتمالاً توسط آشوب در ایران و دیگر نیروهای تجزیه و آشوب طلب (Disruptive force) در منطقه ایجاد خواهد گردید، آمادگی کامل ندارد.

فدراسیون (اتحادیه)

شیخ نشینهای امارات متحده عربی در گذشته تروشال استیتز (Trucial States) خوانده می شدند که عبارت بود از: ابوظبی، دوبی، عجمان، فجیره، رأس الخیمه، شارجه و ام القیوین. ابوظبی و دوبی

تولیدکنندگان ثروتمند نفت بوده و بقیه نسبتاً فقیر می‌باشند. شیخ زاید از ابوظبی از ابتدای تشکیل حکومت مرکزی رئیس جمهور آن بوده است. شیخ راشدالمکتوم از دویی نایب وی می‌باشد. زاید به همراه «شورای عالی حکام» (هیئتی متشکل از هفت شیخ) که به عنوان عالی‌ترین مقام قانونگذاری و اجرائی عمل می‌کند، حکم می‌راند. وضع قوانین در شورای عالی مستلزم رأی یک اکثریت نسبی می‌باشد، اما این اکثریت می‌بایست شامل ابوظبی و دویی باشد. یک «مجلس ملی فدرال» - شورایی متشکل از ۴۰ عضو که توسط حکام هفت امیرنشین تعیین می‌گردد - در مورد وضع قوانین مورد مشورت قرار می‌گیرد.

نهادهای رسمی حکومت مرکزی ضعیف می‌باشند. همه حکام از قدرت معتناهی در شیخ‌نشینهای خود برخوردارند و زاید و راشد پرنفوذترین ایشان در حکومت فدرال هستند. سیاست در امیرنشینها تحت سلطه یک طبقه برگزیده به نمایندگی از سوی خاندانهای حاکم و همدستان ایشان می‌باشد. شخصیت‌های برجسته صنف تجار و رؤسای قبایل نیز به عنوان شرکای پایین رتبه مطرح بوده و عمدتاً نقش مشاور و همکار را بر عهده دارند.

حکومت مطابق سنتهای اسلامی و قبیله‌ای اداره می‌گردد. تصمیمات مملکتی نشانگر توافق خاندانی و قبیله‌ای و عرف مذهب به نسبت‌های مختلف می‌باشند. تکیه بر سنن و فقدان مخالفت فعال با حکومت شیخ‌ها این شبه را ایجاد نموده است که نظام به خوبی عمل کرده و مرکز قدرت برای همه به آسانی قابل دسترس می‌باشد. طبقات بالای جامعه قادرند مستقیماً با حکام تماس بگیرند و اقشار پایین‌تر می‌توانند - بر طبق سنن قبیله‌ای - در یک مجلس یا دادگاه آزاد عرض حال خود را به حاکم برسانند. اما اعتقاد بر این است که طبقه متوسط - که کمتر از سنن پیروی می‌کند - این گونه اظهار نظرم را کسرشان خود می‌داند و بنابراین دادخواهی ندارد.

مشکلات ناشی از تقسیم قدرت

اساسی‌ترین خطر داخلی که امارات را تهدید می‌نماید، رقابتهای کهن سلطنتی در میان شیخ‌نشینهاست. شیخها هنوز نمی‌توانند بپذیرند که قدرت و امتیازات در اختیار گروهی قرار داشته باشد که استقلال سنتی‌اشان را تهدید نموده و احتمالاً منافع شخصی آنان را تأمین ننماید. اختلافات فراوانی در ارتباط با مسائلی چون محل پایتخت حکومت فدرال، توزیع پستهای هیئت دولت، نمایندگی شیخ‌نشینهای فقیرتر، بودجه فدرال و مرزهای نامشخص، وجود دارد. اختلاف میان زاید که طرفدار اصلی فدراسیون و یک حکومت مرکزی مقتدر می‌باشد، و راشد که حامی اصلی حقوق شیخهاست هسته مرکزی این مشاجرات را تشکیل می‌دهد. نزاع ایندو در ارتباط با چگونگی تقسیم قدرت و اعمال آن و کیفیت توزیع طرحهای توسعه در میان یکایک امیرنشینها بزرگترین خطری است که آینده فدراسیون را تهدید می‌کند.

فشارهای سیاسی داخلی برای غلبه بر این اختلافات پس از آشوب در ایران رو به افزایش می‌باشد، به خصوص بسیاری از اعضای مجلس ملی فدرال از این امر که رهبری به جای اشتغال به امنیت ملی، تحولات سیاسی و روند قانونگذاری، درگیر کشمکشهای داخلی است ناراضی هستند. یک روزنامه که به یکی از اعضای مجلس تعلق دارد، برخلاف سنت معمول در امارات نگرانی خود را از

این مسئله ابراز نموده و انتشار داده است. چندین تن از مقامات عالی‌رتبه نیز به طور خصوصی نارضایتی خود را از کیفیت و شیوه رهبری امارات ابراز نموده‌اند، هر چند به نظر نمی‌رسد که اختلاف عقیده در میان بوروکراتهای طبقه متوسط یا شهروندانی که (اتباعی که) از ششم سیاسی کمتری برخوردارند نیز رسوخ یافته باشد. اکنون به نظر می‌رسد که خواسته‌ها و نگرانیها رو به افزایش است تا آنجا که ممکن است زاید راشد ناگزیر شوند که دیگر چون گذشته اختلافات خود را مخفی ننمایند.

(S-NF)

امارات متحده عربی: رهبران حکومت

نام	مقام	سوابق
زاید بن سلطان آل نهیان (ابوظبی)	رئیس جمهور	امیر ابوظبی
راشد بن سعید المکتوم (دوبی)	معاون رئیس جمهور	حاکم دوبی
مکتوم بن راشد بن سعید المکتوم	نخست‌وزیر	فرزند ارشد حاکم دوبی
حمدان ابن محمد آل نهیان (ابوظبی)	معاون نخست‌وزیر	پسرعموی حاکم ابوظبی
سیدالرقبانی	وزیر کشاورزی و ماهیگیری	
محمد سیدالمعلا	وزیر ارتباطات	
محمد بن رشید بن سعید المکتوم (دوبی)	وزیر دفاع	فرزند حاکم دوبی
سلطان بن احمد المعلا (ام القیوین)	وزیر اقتصاد و بازرگانی	فرزند حاکم ام‌القیوین
احمد خلیفه السویدی	وزیر امور خارجه	
خلفان الرومی	وزیر بهداری	
احمد بن حمید آل نهیان (ابوظبی)	وزیر فرهنگ و اطلاعات	پسرعموی حاکم ابوظبی
مبارک بن محمد آل نهیان (ابوظبی)	وزیر کشور	پسرعموی حاکم ابوظبی
محمد عبدالرحمن البکر	وزیر دادگستری، امور اسلامی و موقوفات مذهبی	
عبدالله اعضروی	وزیر کار و امور اجتماعی	
مانی ابن سعید العتیبه	وزیر نفت و منابع معدنی	
سید احمد القباش	وزیر برنامه‌ریزی	
محمد خلیفه ال کنیدی	وزیر امور عامه و مسکن	
احمد بن سلطان القاسمی (شارجه)	وزیر کشور	پسرعموی حکمران شارجه
سید العیص	وزیر مشاور در امور کابینه	
راشد عبدالله علی النویمی (عجمان)	وزیر مشاور در امور خارجی	
محمود بن علی	وزیر مشاور در امور داخلی	
عبدالعزیز بن حمید القاسمی (رأس الخیمه)	وزیر مشاور در امور شورای عالی	برادرزاده حاکم رأس الخیمه

رشد کنترل نشده

فقدان اهداف ملی هماهنگ و رهبری واحد اشتباهات بسیار و ضایعات فراوانی در ارتباط با هدایت و نیل به تجددگرایی در امارات متحده عربی به بار آورده است. پیش از آغاز استخراج نفت در سال ۱۹۶۲ این منطقه از فقیرترین نقاط جهان بود و اقتصاد آن بر کشاورزی بخورونمیر ماهیگیری و روابط بازرگانی دویی (به صورت قانونی و غیرقانونی) با کشورهای همسایه متکی بود. افزایش در تولید استخراج نفت و بالا رفتن بهای آن طی سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ درآمدهای حاصله از نفت را از یک میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به حدود ۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ ارتقاء داد. طی سالهای ۷۸ - ۱۹۷۴ این افزایش ناگهانی درآمد میزان سالانه رشدی معادل بطور متوسط ۲۰ درصد در تولیدات ملی غیرنفتی را تأمین می نمود. با در نظر گرفتن جمعیت کمی معادل ۸۶۰ هزار نفر، رونق اقتصادی حاصله از نفت این تولیدکننده وابسته به اوپک را به یک از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل نمود به طوری که درآمد سرانه به بیش از ۱۵ هزار دلار بالغ گردید.

رونق اقتصادی حاصله از نفت بی هدف و خارج از کنترل بوده است. فدراسیون کوشیده است که در آن واحد شبکه‌های ارتباطی و حمل نقل را گسترش داده، کشور را صنعتی کرده و مردم را در ارتباط با خدمات اجتماعی تأمین نماید. فقدان برنامه منظم و همکاری سیاسی، به اسراف، تکثیر لوازم و یک بحران بانکی کوتاه مدت منجر گردید.

در نتیجه کمبود نیروی کارگری و خدمات پشتیبانی نامناسب، مشکلات جدی‌ای در ارتباط با تدارکات و به خصوص در بخش (اقتصادی) ساختمان ایجاد گردید. تورم در سال ۱۹۷۶ به ۳۱ درصد رسید و در سال ۱۹۷۷ به ۳۱ درصد رسید و در سال ۱۹۷۷ هنوز به ۲۲ درصد بالغ می شد.

قسمتی از عدم نتیجه مطلوب که در روند توسعه به چشم می خورد ممکن است معلول رقابت میان امیرنشین‌ها بوده و با طرحهایی که تنها به منظور کسب شهرت پیشنهاد می شوند ارتباط داشته باشد. چهار فرودگاه بین‌المللی که فاصله میان هر یک برابر با چهار ساعت رانندگی است ساخته شده‌اند و ساختمان سه فرودگاه دیگر نیز جزء برنامه است. دویی در حال اتمام ساختمان بزرگترین اسکله جهان - یک بندر با گنجایش ۷۴ کشتی - برای تأمین خدمات یک شهر جدید صنعتی، و بزرگترین کوره (gas-fired) گازسوز آلومینیم در دنیا می باشد. این تجهیزات با بنادری که هم‌اکنون در ابوظبی و دویی وجود دارند و بندر جدیدی در شارجه و ساختمانهای مشابهی در بحرین به رقابت خواهند پرداخت.

در حالی که پروژه‌های عمده رو به اتمام می باشند. توسعه دیوانه‌وار سالهای نخستین تعدیل می گردد. رشد ناخالص ملی غیر نفتی در مقایسه با حدود ۴۰ درصد افزایش در سال ۱۹۷۴ طی سالهای ۱۹۷۷ تنها قریب ۱۱ درصد رشد یافته است. به علاوه دولت مرکزی با برنامه‌ریزی منسجم فاصله زیادی دارد و هر یک از امیرنشینها همچنان مسئول امور مالی و نفتی خود می باشد.

ابوظبی با ذخیره نفتی کافی برای تأمین میزان فعلی استخراج یعنی ۱/۵ میلیون بشکه در روز طی شصت سال آینده درآمد کافی برای استمرار برنامه توسعه (اقتصادی) خود را دارا می باشد. در عین حال اکتشاف (منابع نفتی) بیش از پیش، استفاده از ذخایر گاز، و اقداماتی در جهت حفظ ذخایر نفتی نظیر تعیین سقف تولید به منظور تأمین ثروت نسلهای آینده مورد تأکید قرار دارد.

دویی که منابع نفتی آن طی ده سال آتیه تهی خواهد شد، پایه‌های رشد اقتصادی خود را توسط اقداماتی نظیر ایجاد جاده‌هایی به منظور پی‌ریزی صنعت و توسعه فعالیت‌های بازرگانی سنتی، تحکیم می‌بخشد.

دیگر امیرنشینها به طور فعال در جستجوی نفت و گاز می‌باشند، اما به احتمال قوی ناگزیر خواهند بود که توسعه (اقتصادی) خود را در مقیاس کوچک به وسیله ثروت نفتی ابوظبی تأمین نمایند.

ارتش و وحدت

اکثر امیرنشینها حامی متجدد نمودن (مدرنیزاسیون) ارتش بوده‌اند و این امر در ابوظبی از اولویت زیادی برخوردار بوده است. هزینه دفاع از کمتر از ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافته و این شتاب در دیگر کشورهای عربی بی‌سابقه می‌باشد. این افزایش هزینه نتیجه خرید یک سیستم پدافند هوایی،

گلوله‌های ضدتانک، هواپیمای جنگی و ناو - که عمدتاً از اروپای غربی خریداری شده - می‌باشد. بسیاری از این تجهیزات هنوز در مرحله سفارش بوده و وسایل تحویل گرفته شده طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ تنها به ۲۸۰ میلیون دلار بالغ گردیده است. (S-NF-NC)

در سال ۱۹۷۶ نیروهای منفرد امیرنشینها به طور رسمی ادغام گردیده و تحت فرماندهی مرکزی واحد با نیرویی معادل ۲۴۷۰۰ نفر قرار گرفت. در عمل تمام واحدها مشترکاً در عملیات و آموزشها شرکت نمی‌کنند. خاتمه پذیرفتن نقش ایران به عنوان ژاندارم خلیج، فشار بیشتری بر شیخها وارد می‌آورد تا فعالیت نظامی خود را برای رویارویی با خطراتی که امنیت ملی و منطقه‌ای را تهدید می‌کند، هماهنگ نمایند. نیروی پلیس ملی که توسط انگلیسیها و اردنی‌ها تربیت می‌شود، معمولاً از نیروهای مسلح منسجم‌تر بوده و ظاهراً از کارایی لازم جهت سرکوب ناسیونالیستهای افراطی و مخالفین خارجی (در داخل کشور) برخوردار می‌باشد. نیروهای مسلح را عمدتاً اتباع عمان (Sultanate) سلطان‌نشین عرب واقع در جنوب امارات تشکیل می‌دهند. ظاهراً خطر فوری‌ای از جانب عمانی‌ها (امارات را) تهدید نمی‌نماید، اما بعید نیست که آنان در آتیه تحت تأثیر تلاشهای مخرب قرار گیرند. امارات متحده عربی در پی آن است که اتباع خود را جایگزین اکثر افسران عمانی نماید. (S-NF)

تنظیمات مالی

ابوظبی در ارتباط با امور مالی امارات مترادف فدراسیون می‌باشد. اما از آنجا که مشکل بتوان معاملات مالی را از معاملاتی که وی به نام دولت انجام می‌دهد، متمایز نمود، وجه اختلاف میان بیت‌المال و اموال خصوصی به سختی قابل تشخیص می‌باشد. هر چند زاید کوشیده است تا حکام دیگر امیرنشینها را وادار نماید که بودجه دولت مرکزی را از نظر مالی تأمین نمایند، ابوظبی هنوز قریب ۹۰ درصد هزینه‌های امارات متحده عربی را تأمین می‌کند. علیرغم هزینه‌های قابل توجه برای تأمین توسعه و وارد نمودن تجملات و اجناس لوکس خارجی درآمدهای نفتی ابوظبی آنقدر بوده است که زاید قادر باشد سرمایه‌های خارجی عظیمی انباشته و کمکهای خارجی را به طور دلخواه انجام دهد. در آخر سال ۱۹۷۸، دارایی امارات متحده عربی شامل ذخایر بین‌المللی مجموعاً به قریب ۱۵ میلیارد

دلار بالغ گردید، اگر امارات مبلغ ۲/۶ میلیارد دلار طی سالهای ۷۷ - ۱۹۷۴ به کشورهای کمتر رشد یافته به عنوان کمک در جهت توسعه رسمی اعطاء نکرده بود، این مبلغ حتی بیش از مقدار فعلی آن بود. بخش غیر ذخیره‌ای دارایی رسمی خارجی (قریب ۶ میلیارد دلار) عمدتاً صرف خرید املاک و بیمه شرکتها در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی می‌گردد. اداره پورت فولیو الگویی را تقلید می‌نماید که توسط ابوسود - یک فرد فلسطینی که به عنوان پدر مشی سرمایه‌داری کویت شهرت یافته است - بنیان نهاده است. پرداخت کمک به طور نامناسب‌تری انجام پذیرفته و تعداد بی‌شماری وام و امتیاز توسط افراد و سازمانهای خصوصی و دولتی متعدد اعطاء گردیده‌اند. زاید از نظر سخاوت شهرتی کسب کرده است. حدود نیمی از این کمکها به کشورهای جبهه پایداری (confrontation states) تعلق گرفته و دیگر کشورهای عربی، کشورهای اسلامی دوست و ممالک ضد اسرائیلی در آفریقای سیاه نیز کمک دریافت نموده‌اند. (S-NF)

بر خلاف سخاوت دولتی و شخصی زاید، رهبر دوبی، یعنی راشد، علیرغم درآمد نفتی قابل توجهش به خست شهرت یافته است، او برای تأمین طرحهای گزاف توسعه (اقتصادی) در دوبی از وامهای خارجی بهره جسته است. در حقیقت احتمالاً بهره وامهای دوبی به زودی به ۳۵ درصد خواهد رسید (در مقابل ۲/۵ درصد برای کل امارات) و این امر راشد را وادار خواهد نمود که ذخایر ارزی خارجی رسمی امیرنشین خود را تهی نموده طرحهای توسعه را بتعویق انداخته و از ابوظبی طلب نجات نماید. (S)

بومیان و خارجیها

هر چند اکنون اکثر اتباع امارات قادرند موقعیت خود را بهبود بخشیده و از خدمات اجتماعی گوناگونی بهره جویند با این همه ثروت هنوز به طرز نابرابری تقسیم گردیده است. هنوز حدود ۲۵ درصد از نیروی کارگری بومی به کشاورزی و ماهیگیری اشتغال دارند، و کسانی که روشهای سنتی را در کشاورزی به کار می‌گیرند احتمالاً از درآمدی معادل فقط ۱۰۰ دلار در سال برخوردار می‌باشند. درآمد بسیاری از شهرنشینان در امیرنشینهای فقیرتر کمی بیش از این مقدار است. شهروندان اغلب به علت فقدان مهارت برای کسب اشتغالات پر درآمدتر به دلسردی و نارضایتی مبتلا می‌شوند. به هر ترتیب، خصوصیات سنتی جامعه ترکیب نسبتاً هماهنگ مذهبی (۹۰ درصد سنی، ۱۰ درصد شیعی) و امنیت پلیسی تاکنون امارات متحده عربی را از افراط‌گراییهای جدی مصون داشته است.

اما بومیان کمتر از ۳۰ درصد جمعیت امارات را تشکیل می‌دهند. خارجیان - عمدتاً پاکستانیها، هندیان، عمانی‌ها، یمنی‌ها و فلسطینیان که به علت رونق اقتصادی ناشی از نفت (به داخل امارات) جذب گشته‌اند، اکثریت نیروی کارگری را تأمین می‌نمایند. این امر به ویژه در ابوظبی و دوبی که خارجیها ۹۰ درصد کارگران شهرها را تشکیل می‌دهند، چشمگیر است. این هجوم بیگانگان طبیعتاً نگرانی قابل توجهی در میان رهبران امارات در ارتباط با حفظ ارزشها و نهادهای محلی به وجود آورده است. دولت تلاش می‌کند که به منظور بهبود مهارتها در میان نیروی کارگری داخلی شرایط تحصیل و آموزش‌های حرفه‌ای را برای ایشان فراهم نماید. همچنین امارات قوانینی در ارتباط با کارگری وضع نموده است تا تعداد کارگران خارج از کنترل دولت و بیگانگانی که به طور غیرقانونی در

این کشور می‌باشند را محدود نماید. این مقررات استخدام کارگران خارجی را به مدت بیش از پنج سال ممنوع نموده و کسب رضایت دولت هنگام تغییر اشتغال را ضروری دانسته است. اعتصابات کارگران خارجی، اخراج فوری ایشان از امارات را به دنبال دارد. دولت همچنین محدودیتهای بیشتری برای اعطای ویزا قائل گردیده تا ورود کارگران به داخل کشور را بیش از پیش تحت کنترل قرار دهد. تاکنون جوامع متشکل از مهاجرین کشمکش و نارضایتی چندانی ایجاد نموده‌اند. اکثر کارگران متخصص به حقوقهای گزاف خود قانع بوده‌اند. در محیط نسبتاً آزاد اقتصادی غیر بومیان ثروتمند املاکی خریداری نموده‌اند حتی این گونه اشخاص و تجار مهاجر خود را با رژیم موجود مرتبط می‌دانند. خطر جدی که ثبات را تهدید می‌کند از جانب کارگران خارجی غیر متخصصی است که تحت قوانین کار با ایشان بد رفتاری می‌شود. کاهش دوساله در رشد اقتصادی - به ویژه در زمینه ساختمان - رقابت بر سر اشتغالات را تشدید نموده و خطر اخراج را افزایش داده است.

چشم‌انداز: تمرکز و یا نابودی

ثبات امارات متحده عربی تا حدود زیادی به قابلیت رهبری برای ایجاد یک حکومت مرکزی با کفایت تر بستگی دارد «مجلس فدرال ملی» و «شورای وزیران» لیستی شامل برخی اصلاحات حکومتی پیشنهادی را به رهبران امارات ارائه داده است. طرحی برای توسعه اقتصادی هماهنگ با کمک نمایندگان هر یک از امیرنشینها توسط وزارت برنامه‌ریزی در دست تهیه است.

به نظر می‌رسد که راشد در دومی - تحت فشار برای پذیرش تمرکز بیشتر قدرت - بیش از پیش منزوی می‌شود. موقعیت وی در نتیجه سرنگونی حامی‌اش یعنی شاه ایران و قطع روابط بازرگانی با ایران تضعیف گردیده است. به هر ترتیب ما معتقدیم که راشد و چندین شیخ دیگر در برابر تمرکز یافتن حکومت، بازرسی امور مالی مربوط به ایشان و نظارت بر امنیت داخلی توسط حکومت مرکزی مقاومت خواهند نمود. نارضایتیهای عمومی نسبت به ضعفهای نظام بایستی ادامه یابد تا حکومت فدرال را به سوی همبستگی و کسب کفایت بیشتر سوق داده و بر شهرت و قدرت زاید و دیگر عناصر پیشرو بیفزاید. در دراز مدت مجلس ملی فدرال از فرصت خوبی برای کسب نفوذ بیشتر برخوردار می‌باشد. (S-NF)

هر چند برنامه‌ریزی اقتصادی هماهنگ میان امیرنشینها برای حذف دوباره کاریها و اسراف ضروری به نظر می‌رسد. اما احتمالاً نسبت به همکاری سیاسی مستحکمتر از اولویت پایین‌تری برخوردار است. همکاری اقتصادی میان ابوظیبی و دیگر امیرنشینها حداقل برای پاسخگویی به وامهای سنگین خارجی دومی، چگونگی بهره‌برداری از ذخایر نفتی محدود و فراهم نمودن منابع درآمد غیر نفتی ضروری می‌باشد، هر چند سیاستهای ابوظیبی برای حفظ ذخایر نفتی، مازاد حساب جاری امارات متحده عربی را کاهش خواهد داد (هم‌اکنون نیز این مبلغ بیش از ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ به ۲ میلیارد دلار تقلیل یافته است). درآمدهای حاصله از نفت برای تأمین توسعه منظم اقتصادی و اجتماعی کاملاً کافی خواهد بود.

حتی اگر جمعیت خارجیان مقیم امارات را صرفاً از نظر تعدادشان در نظر بگیریم، آنان به عنوان یک عامل بالقوه که ثبات و آرامش امارات را تهدید می‌کنند باقی خواهند بود. اما نا متجانس بودن

خارجیان، حقوقهای گزاف و حمایت امارات متحده عربی از قضایای مربوط به اعراب مانع اتحاد عمل ایشان می‌باشد. جمعیت فلسطینیها که به چهل تا هشتاد هزار نفر بالغ می‌گردد از نظر سیاسی منسجم‌ترین گروه خارجیان را تشکیل می‌دهد؛ اما حتی ایشان هم آشوبگر و سرکش نبوده‌اند.

کتاب شصت و ششم

اعتصاب در
صنعت نفت ایران

مقدمه

استعمار آمریکا از ذخایر هنگفت نفت خود استفاده نمی‌کند و از دیگری می‌خرد که برای مصالح کشورش محفوظ باشد، ولی شاه این طلای سیاه رامی فروشد و خزانه ایران و ملت را تهی می‌کند و درآمد آن را به جای اینکه صرف این ملت پابرهنه و گرسنه نماید به اربابان استعمارگرش وام می‌دهد و یا اسلحه‌های خانمانسوز و مخرب می‌خرد تا از منافع و مطالع استعمارگران در ایران و منطقه نگهبانی کند.

امام خمینی ۵۳/۱۲/۲۱

در جریان رشد نهضت اسلامی بر علیه نظام ستمشاهی حضرت امام رهبر آگاه و هوشمند نهضت، با صدور فرمان اعتصاب سراسری بر علیه رژیم یکی از اساسی‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر فرسوده آن وارد کرده و مقدمات فروپاشی و اضمحلال کامل نظام را فراهم ساخت. پشتیبانیها و حمایت‌های بعدی رهبری از اعتصابات و متعاقب آن اجابت بی دریغ ملت از فرامین امام را می‌توان در حقیقت نفی کامل رژیم از طرف گروندگان به انقلاب اسلامی به شمار آورد. با این حرکت رژیم در مرحله احتضار قرار گرفت و با قیام خونین ۲۲ بهمن آخرین نفسهای دستگاه شاهی گرفته شد و نظام شاهنشاهی در قعر تاریخ پر از ظلم و جور خویش مدفون گردید.

برای آنکه تحلیلی هر چند مختصر بر نحوه وارد آمدن این ضربه داشته باشیم، باید به ساختار اقتصادی رژیم شاه نظری افکنده و در این راستا چگونگی تأثیر ضربه را بررسی نماییم. اقتصاد شاهنشاهی اقتصادی وابسته و نیروی محرکه آن بنا به ماهیتش، درآمدهای نفتی بود. تاریخچه ورود درآمد حاصل از نفت به درآمدهای عمومی و بودجه دولتی به سالهای کشف نفت در ایران و قرارداد داری برمی‌گردد، اما از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در پی انعقاد قرارداد جدید با کنسرسیوم و همزمان با تدوین و پیاده شدن برنامه‌های عمرانی دوره‌ای، موقعیت درآمدهای نفتی در بودجه دولتی سال به سال مستحکمتر شد و همین امر ماهیت اقتصاد ایران را دگرگون کرده و آن را به جایی رسانید که «اقتصاد تک پایه‌ای» لقب گرفت. در کنار اهمیتی که نفت برای توسعه اقتصادی غرب داشته است و نقش آن در برنامه‌ریزیهای اقتصادی بلوک غرب رشد و تکامل این روند عمدتاً به لحاظ داخلی به دلایل زیر صورت گرفت:

- ۱- لزوم افزایش قدرت خرید مردم برای تثبیت پایه‌های رژیم
 ۲- ناتوانی در پی‌ریزی یک اقتصاد مستقل مبتنی بر نیروی کار و منابع داخلی
 ۳- روی آوردن به نسخه‌های عمرانی آمریکایی مانند برنامه‌های چند ساله شاهی
 نگاه به جدول زیر این روند را بهتر نشان می‌دهد:

سال	درآمد ناخالص	بودجه کل	درآمد دولت از شرکتهای نفتی	ارقام به میلیون دلار درصد نفت از بودجه
۱۳۳۳	۲۱۰۰	۱۶۲	۲۰/۷	۱۳
۱۳۳۸	۳۶۶۵	۴۱۳	۲۶۲/۴	۶۴
۱۳۴۲	۴۴۷۴	۵۸۹	۳۸۰	۶۵
۱۳۴۶	۶۳۹۲	۱۰۳۴	۷۵۱/۶	۷۳
۱۳۵۰	۱۲۸۱۹	۴۲۳۰	۱۸۵۱/۲	۴۴
۱۳۵۴	۴۶۵۰۴	۳۴۱۵۵	۱۸۸۰۰	۷۹
۱۳۵۵	۵۲۶۸۰	۳۷۶۷۴	۱۷۵۳۱	۷۷

جدول نشان می‌دهد که رژیم شاه تنها راه چاره برای افزایش بودجه دولتی را اتکا به درآمدهای نفتی می‌دانست و این اتکا روز بروز نیز بیشتر می‌شد. بدون تردید این افزایش درآمدها در پی صادرات فراوان نفت و کاهش سریع ذخایر نفتی به وجود می‌آمد. هر چند که بخشی کوچک از این درآمدها صرف ایجاد رفاه کاذبی در اقشار متوسط و افزایش اندکی در قدرت خرید اقشار کم درآمد می‌شد، اما قسمت اعظم درآمدها صرف خرید تسلیحات، افزایش، سرمایه طاغوتیان و بزرگ سرمایه‌داران داخلی و تأمین منافع شرکتهای چند ملیتی می‌گردید. در هر صورت با ورود این درآمدها به سیستم اقتصادی در طول دو دهه در ساختار اقتصادی مملکت تغییرات اساسی ایجاد شد و در نهایت به یک اقتصاد تک پایه‌ای و وابسته مبدل گردید و این در حالی بود که از مشکل کسر بودجه نیز علیرغم درآمدهای نفتی هنگفت رنج می‌برد. بدیهی است رژیمی با این خصوصیات اقتصادی نمی‌تواند دارای پایه‌های قوی باشد، هر چند که در ظاهر بتوان صلابتی برای آن به نمایش گذاشت. از آنجا که جریان نفت شاه‌رگ حیاتی چنین اقتصادی را تشکیل می‌داد و از سوی دیگر زرق و برقهای عوام فریب این اقتصاد مهمترین عامل گرافه‌گوییهای شاه به شمار می‌رفت، در اثر به مخاطره افتادن جریان صدور نفت، حیات رژیم نیز به خطر می‌افتاد، با چنین درک هوشمندانه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمان اعتصابات سراسری را صادر نمودند و بدینسان از اواسط شهریور ماه سال ۱۳۵۷ موج گسترده اعتصابات همه جا را فرا گرفت. «شاه و دولت او که قیام مسلحانه بر ضد ملت حق طلب و بر ضد قانون اساسی و بالاتر بر ضد احکام آزادیبخش اسلام نموده‌اند قهراً خائند و اطاعت از آنان اطاعت از طاغوت است. به آنان مجال ندهید و با اعتصاب و اعتراض دنیا را از اعمال وحشیانه آنان آگاه کنید.»

از پیام امام خمینی در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ در مورد تداوم نهضت پس از فاجعه عظیم ۱۷ شهریور و آشکارتر شدن ماهیت پلید رژیم، اعتصابات حدت و حرارت بیشتری یافت و در ۱۹ شهریور کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت تهران اولین اعتصاب در صنعت

نفت را به راه انداختند و از آن پس به سرعت این اعتصاب به دیگر قسمتهای صنعت نفت نیز گسترش یافت و این امر تا حد توقف کامل صادرات نفت پیش رفت.

در کنار سایر عواملی که رژیم شاه را روز به روز تحت فشار خرد کننده قرار داده بود، جریان اعتصاب هم ضربه کاری دیگری بود که سقوط رژیم را تسریع نموده و به دنبال آن موجب ایجاد نگرانیهای جدی برای حامیان آمریکایی رژیم شاه گردید. گذشته از اثرات این حرکت در بسی ثبات کردن رژیم شاه، اثرات جهانی قطع صادرات نفت ایران نیز نوید بحران گسترده‌ای به سردمداران شیطان بزرگ می‌داد. در پی این نگرانیها وزارت خارجه آمریکا از جاسوسخانه آمریکا در تهران خواست که در مورد اعتصاب صنعت نفت گزارشهایی تهیه کند تا بدین وسیله اطلاعات بیشتری در مورد این مسئله به مقامات آمریکایی برسد. اسنادی که در این کتاب آمده است، مجموعه‌ای از این گزارشها است که از پرونده‌های مختلف جمع‌آوری شده و به چاپ آنها اقدام می‌شود. گذشته از ارزش تاریخی این مجموعه اسناد، که اطلاعات فراوان و مدونی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد، نکته قابل توجه مشاهده نگرانی بسیار عمیق آمریکاییها و وحشت فراوان آنها از اعتصاب است.

بدون تردید این نگرانی ناشی از تهدید جدی است که متوجه منافع اقتصادی و سیاسی آنان بوده است و اهمیت بسیار فراوانی که آنها برای دوام صدور نفت قائل بودند. از آنجا که این اسناد از نوع گزارش خبری هستند به چگونگی این اهمیت و تحلیل آن نمی‌پردازند و در این مقدمه نیز قصد آن نیست که این مبحث باز شود. اما در نگاهی بسیار سریع می‌توان نکات زیر را به عنوان عوامل اصلی نگرانی برشمرد:

رژیم شاه اولین تأمین کننده نفت اسرائیل بود.

طاغوت ایران را به صورت مهمترین حافظ منافع آمریکا در منطقه (ژاندارم خلیج فارس) درآورده بود.

ایران مهمترین بازار سلاح و دیگر کالاهای آمریکایی در منطقه بود.

ایران مستحکمترین و طولانی‌ترین سد برای جلوگیری از دسترسی روسها به آبهای گرم خلیج فارس و مهمترین حلقه پیمان نظامی سنتو به شمار می‌رفت.

علاوه بر موارد فوق اثرات حرکت بر اقتصاد غرب دلایل کافی برای نگرانی زایدالوصف آمریکاییان را موجب می‌شد و این شرایط، سفارت آمریکا در تهران را به صورت یک ستاد خبری در ارتباط با گزارش اخبار اعتصاب در آورده بود، به صورتی که در برخی روزها بیش از یک تلکس در ارتباط با این موضوع به وزارت خارجه مخابره می‌شد. از مطالعه اسناد بر می‌آید که عوامل سفارت در این ماجرا صرفاً نقش گزارشگر و جمع‌کننده خبر را بر عهده ندارند و تماسهای آنان با آن دسته از عوامل دستگاه طاغوت که نقش درجه اول را در اداره امور نفتی و مقابله با اعتصاب به عهده دارند، همفکری حاکمیت آمریکا را برای سرکوب و شکستن اعتصاب نشان می‌دهد. در این مورد حداقل دو دلیل عمده به چشم می‌خورد:

۱- مقامات سفارت به کرات نارضایتی خود را از نحوه برخورد دولت وقت با اعتصابیون ابراز می‌دارند و به نظر آنها سیاست برخورد کجدار و مریض دولت مسأله اعتصاب را حل نمی‌کند. در اولین مرحله اعتصابات نگرانی آنها از موافقت دولت با اکثر درخواستهای اعتصابیون است که به گمان آنها

موضع دولت را بسیار تضعیف می‌نماید. در مراحل بعد آنها معتقدند که دولت باید سیاست یکنواخت و قاطعی برای سرکوب جدی اعتصاب داشته باشد و از نوسانات شدید در خط مشی برخوردار شاکسی هستند.

۲- نقش شتاب دهنده اعتصاب در حرکت انقلاب اسلامی و آگاهی عمیق اعتصابیون و امت مسلمان از این اقتدار و توان ارزشمند انقلاب و نمود این موضوع در افکار عمومی و روزنامه‌ها باعث ناراحتی سفارت می‌شود. سولیوان به مناسبتی این موضوع را به انصاری (مرد شماره یک شرکت ملی نفت ایران) متذکر می‌شود و می‌گوید که شرکت نفت می‌باید به گفته وی اخبار صحیح و واقعی را توسط کارمندان روابط عمومی خویش به مطبوعات بدهد، تا از تغذیه روزنامه‌ها با اطلاعات دروغ اعتصابیون تندر و (به زعم انصاری) جلوگیری کند و قول این کار را از وی می‌گیرد.

به هر صورت علیرغم این تمهیدات و تلاشهای آمریکایی - طاغوتی حرکت نیرومند و سترگ اعتصاب، کوبنده و درهم شکننده ادامه یافت وقتی سرکوبهای وحشیانه رژیم و قتل و زندانی نمودن و شکنجه اعتصابیون باعث کندی این حرکت می‌شد، سیل حمایت‌های گسترده امت و امام، تهدیدات پوشالی دولت طاغوت را خنثی کرده و اعتصاب با سرعت بیشتری به راه خود ادامه داد. در نیمه اول آذر یعنی دو ماه پس از شروع اعتصاب است که آمریکاییان همه چیز را متوجه شده و از طریق منابع خویش به ریشه واقعی اعتصاب پی بردند:

«کلیه منابع ما گزارش می‌کنند که از سرگیری فعالیت اعتصابی در بخش نفت منحصرأ به دعوت خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه مشهود از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد.»

در هر صورت، تفنگ و پول و فریب آمریکاییها و عوامل طاغوتی آنها در مقابله با این حرکت اصیل مکتبی راه به جایی نبرد. اعتصاب نفت به مثابه یکی از قویترین اهرمهای انقلاب اسلامی بر فشار خردکننده و روز افزون خود بر گلوی طاغوت ادامه داد و راه تنفس رژیم را روزبه‌روز تنگ‌تر کرد. پیکر نیمه جان طاغوت با حرکت دلاورانه فرزندان دلاور اسلام در ۲۲ بهمن ۵۷ به ذلت مرگ افتاد و نهال مقدس انقلاب اسلامی به بار نشست. بدون تردید خون سرخ و مطهر نفتگران قهرمانی که در جریان اعتصاب به پای این نهال ریخته شد، دین سنگینی را به عنوان میراث برای همه امت اسلام به خصوص هم سنگران آن شهدای گرانقدر در صنعت نفت برای ادامه راهشان باقی می‌گذارند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۷

سند شماره (۱)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۲۴۶۳۷۶
به: سفارت آمریکا - ایران

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۵ مهر ۱۳۵۷
از: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: اغتشاشات در بخش نفت

۱- خلاصه - وزارتخانه در خلال سه روز گذشته گزارشات از شرکتهای مختلف آمریکایی (و ژاپنی) در رابطه با این مسائل دریافت نموده است:

الف - انفجار خط لوله* IGAT در ۲۱ سپتامبر.

ب - اعتصاب عمومی گزارش شده از جانب کارگران روزمزد در تأسیسات تولیدی و بارگیری مهم.

ج - برکناری محتمل الوقوع هوشنگ انصاری مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران. نظرات و عکس‌العمل‌های سفارت در مورد این گزارشات موجب قدردانی خواهد بود. (پایان خلاصه).

۲ - انفجار خط لوله ایگات. براساس گفته مقامات شرکتهای ژاپنی و آمریکایی، انفجار گزارش شده در تاریخ سه شنبه ۲۱ سپتامبر در نقطه‌ای در مسیر خط لوله واقع در حدود ۱۷ مایلی قم اتفاق افتاد. بنا به گزارش انفجار یک بخش ۵۰۰ پایی خط لوله قطور را نابود کرد. هیچ نوع صدمات جانی گزارش نشده است. یک گزارش مطبوعاتی به نقل از سخنگوی شرکت ملی گاز ایران که نام او فاش نشد، تروریستها را مسئول این واقعه قلمداد کرد.

۳ - اعتصاب کارگران روزمزد. براساس گفته مدیر یکی از شرکتهای آمریکایی که متعلق به کنسرسیوم می‌باشد، روز دوشنبه ۲۵ سپتامبر کارگران روزمزد تمام تأسیسات تولیدی خوزستان و همچنین پایانه بارگیری خارک دست از کار کشیدند. براساس گفته نماینده شرکت در تهران اعتصاب با حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کارگران روزمزد شروع شد. روز بعد به سطح ۱۰۰ درصد بالغ شد. نمایندگان وزارت کار، سندیکاها، کارگران روزمزد، اسکو** و شرکت ملی نفت ایران در ۲۶ سپتامبر برای رسیدگی به وضعیت، جلسه‌ای تشکیل دادند. سخنگوی کارگران روزمزد لیستی مشتمل بر ۴۸ تقاضای غیر رسمی به مقامات شرکت ارائه داد که در رأس آن تقاضای ۵۰ درصد افزایش دستمزد قرار گرفته بود، تا آنجایی که ما اطلاع داریم شکایات عنوان شده منحصراً شامل تقاضاهای اقتصادی هستند و ظاهراً هیچ گونه مسئله سیاسی وجود ندارد.

۴ - تاکنون تأثیر این امر بر عملیات به میزان حداقل بوده است. تولید به لحاظ بسته شدن دو منطقه کوچکتر ۱۹۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافته است. بر طبق اظهار منبع شرکت فقط در ترمینال جزیره خارک مشکل ایجاد می‌شود، چون در آنجا خدمت کارگران روزمزد هنگام بارگیری تانکرها مورد نیاز است. اسکو تلاش می‌کند برای ایجاد تخفیف در مشکل دو یدک کش قراردادی را بکار گیرد. بنا به گزارش نیروی دریایی ایران برای کمک به انجام عملیات در جزیره خارک پرسنلی را در اختیار اسکو و شرکت ملی نفت ایران قرار داده است. یک منبع شرکت اظهار نمود که چنانچه اعتصاب بیش از ۳ روز طول بکشد، مشکلات بسیار حادتر خواهند شد.

۵ - هوشنگ انصاری. یک بانکدار آمریکایی که در مذاکرات با هیئت نمایندگی دولت ایران در جلسات بانک جهانی شرکت جسته بود، اظهار نظر قطعی نمود که برکناری انصاری قریب الوقوع است. بر طبق اظهارات این مقام انصاری متهم به فساد و ارتباطات با بهاییها می‌باشد. (شایع است که پدر انصاری بهایی بود.) مقام شرکت نفتی مذکور در پاراگراف‌های ۳ و ۴ بالا، اشاره نموده است که وی نیز همان شایعات را در مورد انصاری شنیده است. منبع دوم بر این تصور بود که این امر دلیل روند اخیر

* خط لوله اصلی ایران که برای صدور گاز به شوروی کشیده شده بود و از بید بلند تا آستارا ادامه دارد.

** - شرکت خدمات نفتی ایران.

در شرکت ملی نفت ایران بوده و احتمالاً دلیل اینکه چرا در اعتصابات مسائل از کنترل خارج شدند را تشریح می‌نمایید.

۶- ما این گزارشات را برای توضیح و اظهار نظر احتمالی شما ارائه می‌کنیم. همان طور که شما هم می‌توانید تصور کنید، برداشتهای افراد از اوضاع ایران در اطاق کنفرانس و جلسات با این نوع اطلاعات شکل می‌گیرند و هر اطلاعاتی از جانب شما که بتواند موضوع را روشن سازد، مورد تقدیر می‌باشد.

کریستوفر

سند شماره (۲)

تاریخ: ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۶ مهر ۱۳۵۷
 شماره: ۹۴۲۸
 از: سفارت آمریکا - تهران
 مرجع: وزارت خارجه ۲۴۶۳۷۶
 به: وزارت خارجه - واشنگتن
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تحولات اخیر در مناطق نفتی

۱- در ۲۳ سپتامبر مطبوعات محلی گزارشات ضد و نقیضی از يك انفجار در تاریخ ۲۱ سپتامبر نقل کردند که بخشی از خط لوله ۴۲ اینچی (ایگات ۱) را که حدود یک میلیارد فوت مکعب استاندارد در روز گاز طبیعی را به اتحاد شوروی حمل می‌نماید، منهدم نمود. این گسیختگی در نزدیکی ساوه واقع در شمال قم روی داد.

۲- انفجار يك بخش ۷ متری لوله را در بر می‌گرفت و با این همه در جریان تعمیراتی که در مدت ۴۸ ساعت انجام گرفت بیش از ۷۰ متر از لوله تعویض شد. منابع ما در شرکت ملی گاز ایران اظهار می‌دارند که انفجار از خوردگی و تنش لوله ناشی شده است. به هر صورت به لحاظ مشکلات زیاد و غیرعادی که ما در اخذ اطلاعات در خصوص انفجار داشته‌ایم و همچنین به لحاظ میزان زیاد فعالیت در شرکت ملی گاز ایران در خلال هفته گذشته (منجمله جلسه عجولانه‌ای بین نخست وزیر و مقامات شرکت ملی گاز ایران)، احتمال دخالت تروریستها را مردود نمی‌شماریم.

۳- شایعات اخیر در خصوص عزیمت قریب‌الوقوع هوشنگ انصاری (که در تهران ۸۷۲۱ و تهران ۸۹۲۱ راجع به آن اظهار نظر شد) به میزان زیادی کاهش پیدا نموده است. ما شنیده‌ایم که انصاری یکی از افرادی است که مخالفین تحت این عنوان که بایستی برود از او یاد کرده‌اند (اینکه این امر به خاطر ارتباطات بهائی‌گری یا فساد و یا هر دو آنها است روشن نیست، هر چند هر دو مدعا باعث پخش شدن شایعه شده‌اند). به هر صورت این شایعات به طور وسیعی در تهران منتشر شده‌اند و اصلاً روشن نیست که آیا انصاری واقعاً بدانها متهم می‌باشد یا خیر. ما همچنان به عدم باور وجود ارتباطات بهائیگری وی گرایش داریم و تاکنون هیچ گونه اتهام رسمی و علنی در زمینه فساد به او منتسب نگردیده است. البته او و شرکت ملی نفت می‌توانند در جریان مبارزه ضد فساد درگیر شوند، لیکن این تحول قابل پیش‌بینی نیست.

۴- روندی که در تلگراف مرجع در مورد آن اظهار نظر شده در شرکت ملی نفت ایران، خیلی قبل از زمان پخش شایعات درباره خلع ید احتمالی از انصاری آشکار بوده است. ما معتقدیم که این روند عمدتاً انعکاسی از الف - عزیمت دو تن از بهترین و با تجربه‌ترین مدیران شرکت ملی نفت ایران در

فوریه (نابق و مینا)، ب - عدم تجربه عملی انصاری و مهران در زمینه صنعت نفت، ج - مشکل تحرك سازمانی به بزرگی و رخوت شرکت ملی نفت ایران، می باشد. نگرانی در خصوص حفاظت از خود در مقابل امکان يك تحقیق رسمی در حال حاضر افزایش بیشتری یافته است و همان طور که ما در تلگرام تهران ۸۹۷۱ متذکر شده ایم، احتمالاً انصاری این نگرانی را دارا می باشد. بایستی خاطر نشان گردد که تعداد زیادی از مقامات عالی رتبه و نیز در سطح متوسط شرکت ملی نفت (و خیلی دیگر از نهادهای دولتی) وجود دارند که تمایلی به تحقیقات وسیع نداشته و میل دارند که جریانات به خودی خود بگذرند.

۵ - گزارشات در خصوص تأثیر اعتصابات بر عملیات شرکت ملی نفت ایران و اسکو، منجمله تولید و عملیات ترمینال صادراتی جزیره خارک، که در محافل صنعتی تهران (و نیز با توجه به تلگرام مرجع در آمریکا) منتشر شده اند، تأثیرات فعلی و کوتاه مدت را به صورت اغراق آمیزی جلوه داده و تا همین دیروز نیز در مورد وسعت اعتصاب و دست از کارکشیدن گزاره گویی نموده بودند. اعتصابات روز ۲۳ سپتامبر توسط تعداد کمی از کارگران روزمزد در اهواز شروع گردید و تدریجاً گسترش پیدا کرد و تا دیروز تقریباً ۹۰٪ کارگران روزمزد در اهواز، آغا جاری، و گچساران در اعتصاب شرکت جستند، لیستی مشتمل بر ۲۰ تقاضا منجمله حقوق و مزایا به مدیریت اسکو ارائه شد، و در هر حال اسکو نقشی نسبتاً خنثی در مذاکرات متعاقب آن ایفا نمود و مذاکره کنندگان اصلی، وزارت کار، شرکت نفت، سندیکاها و نمایندگان غیر رسمی کارگران روزمزد بوده اند. تمامی آنچه که ما شنیده ایم بر این دلالت دارند که اعتصاب منحصراً انگیزه اقتصادی داشته و هیچ گونه صحبت سیاسی مطرح نبوده است.

۶ - چندین جلسه مذاکره برگزار شده است، لیکن هیچ گونه نشانه ای از پیشرفت وجود ندارد. بنا به گزارش، وزارت کار و شرکت ملی نفت ایران این موضوع را پذیرفته اند که فقط پس از آنکه اعتصاب غیر قانونی خاتمه پذیرد، هر چیزی قابل مذاکره است. ما اطلاع یافته ایم که مذاکره کنندگان دیروز تهدید مبهمی را علیه آن افرادی که از کارگران روزمزد که تا ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز (۲۷ سپتامبر) به سرکارهای مهم خویش بازنگردند، اقامه نموده اند. بنابه گزارش، عده معدودی دیروز و امروز صبح دیر به سرکارهایشان آمدند، ولی تطابق تقاضا با از سرگیری کار در بهترین حالت نامرتب بوده است.

۷ - پیش بینی نتیجه احتمالی غیر ممکن است، ولی اعتصاب شرکت نفت و شاه را بسیار مضطرب ساخته و کارگران قادرند به بسیاری از تقاضاهایشان دست پیدا کنند.

۸ - اعتصاب تاکنون تقریباً تأثیری بر تولید یا صادرات نداشته است و یک میدان کوچک (منصوری با ظرفیت ۲۰ هزار بشکه در روز) و همچنین دو کارخانه نمک زدایی تعطیل شده اند. در جزیره خارک عملیات به صورت عادی پیش می روند. اسکو دو یدک کش قراردادی دارد که در بحث و جدالهای کارگری درگیر نمی باشند، همچنین کشتی یدک کش خود را به وسیله کارکنان خویش اداره می کند و امروز از خدمات يك یدک کش قراردادی دیگر نیز بهره می برد. همان طور که وزارتخانه مطلع است تولید نفت و انجام عملیات در خارک، کارگر زیادی لازم ندارد و مدیریت اسکو و کارمندان آن می توانند برای مدتی بدون تأثیر زیادی بر مقادیر تولید و صادرات به کار خود ادامه دهند. با این وجود

تعمیر و نگهداری دچار نقصان می‌شود، احتمال وقوع حوادث بیشتر است، حفاریهای توسعه‌ای و فعالیتهای مربوط به کار مجدد بر روی دکلهای متوقف شده است، غیره و غیره، و همه منتظر هستند که کارگران روزمزد به سرکارهایشان بازگردند.

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۰ مهر ۱۳۵۷ شماره: ۹۵۲۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: الف) وزارت خارجه (۲۴۶۳۷۶، ب) تهران ۹۴۲۸ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
موضوع: مطالب دیگری در خصوص مسائل کارگری بخش صنعت نفت

۱ - دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران اغتشاشات کارگری در میان کارکنان صنعت نفت در جنوب کشور را در میان هاله‌ای از مخفی کاری پنهان کرده‌اند. به نمایندگان اسکو و کنسرسیوم از طرف شرکت نفت هشدار داده شده که راجع به وضعیت با هیچ کس گفتگو نمایند و تعداد افرادی که در شرکت نفت از جریان اعتصاب مطلع هستند، بسیار کم است. (حتی مدیران مختلفی که ما با آنان گفتگو کرده‌ایم فقط شایعاتی را شنیده‌اند که برخی از آنها اشتباه است.)

۲ - در هر حال ما صحت گزارش مربوط به تقاضای کارگران روزمزد مبنی بر پنجاه درصد افزایش حقوق را تأیید نموده‌ایم (مرجع الف).

مذاکره‌کنندگان از طرف دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران قول افزایش فوری ده درصد حقوق را داده‌اند و همچنین وعده داده‌اند که چنانچه کارگران روزمزد به سرکارهایشان بازگردند، تقاضاهای مربوط به افزایش اضافی حقوق یا بهبود بخشیدن به امور رفاه اجتماعی کارگران را مورد بررسی قرار دهند. از اول اکتبر این پیشنهاد مورد قبول واقع نشده و کارگران روزمزد همچنان در اعتصاب به سر می‌برند.

۳ - نکته جالب توجه دیگری در مورد مشکل کارگری اسکو این واقعیت است که دعوت به اعتصاب و مذاکره بر سر تقاضاهای کارگران روزمزد به وسیله کسانی انجام شد که هیچ گونه حق رسمی برای نمایندگی از جانب نیروی کارگری نداشتند. رهبران فعلی اعتصاب عنوان می‌دارند نمایندگان انتخاباتی آنان خیلی سازشکار هستند و خواسته اکثریت غالب کارکنان اسکو را بیان نمی‌دارند. مقامات شرکت ملی نفت و وزارت کار به این گفته در ابتدا با این پیشنهاد پاسخ داده‌اند که کارگران روزمزد برای انتخاب نمایندگانی جدید که دارای حق مذاکره بر سر شرایط عمومی استخدام باشند، از مراحل و روشهای انتخابی معمول استفاده نمایند. ظاهراً کارگران روزمزد بیشتر خیال دارند که بر شکایت فوری خود اصرار ورزند، تا به انتخاب نمایندگان سندیکایی جدید بپردازند. این قضیه تا حدودی قابل بحث است، چونکه مقامات وزارت کار و شرکت نفت با رهبران اعتصابیون مذاکره کرده‌اند و بدان وسیله حق کارگران روزمزد برای انتخاب سخنگوی غیر رسمی آنان را مورد شناسایی قرار داده‌اند.

۴ - علیرغم ادامه اعتصاب، تولید نفت خام و صادرات در سطوح بالا ادامه دارد. علاوه بر این تهدید قبلی مبنی بر پیوستن کارکنان فنی و متخصص ایرانی شرکت اسکو به کارگران روزمزد صورت

واقعیت به خود نگرفت و هراس از اینکه اعتصاب ممکن است از محدوده کارگران روزمزد پا فراتر نهد، تخفیف یافته است.

۵- ما اطلاع یافته‌ایم که آشوب کارگری در بخش صنعت نفت منحصر به جنوب نیست. خیلی از کارگران روزمزد پالایشگاه تهران (کارکنان شرکت نفت و اسکو) برای تقریباً دو هفته در اعتصاب بوده‌اند. درخواست اصلی آنان حقوق بالاتر و مسکن سازمانی می‌باشد. تأثیر اعتصاب بر پالایشگاه تهران درست به میزان حوزه‌های نفتی جنوب در سطح حداقل بوده است. سولیوان

سند شماره (۴)

تاریخ: ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ - ۳۰ مهر ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران تلگرام
مرجع: تهران ۹۶۵۱
شماره: ۱۰۲۷۹
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصابات در بخش صنعت نفت ادامه می‌یابد

۱- همان طور که در تلگراف مرجع گزارش گردید، دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران دو هفته پیش به طور اساسی در مقابل تقاضاهای کارگران روزمزد اعتصابی شرکت نفت تسلیم شدند (که اساساً کارگران ساده و غیر ماهر هستند)، هر چند که اعتصاب هیچ‌گونه تأثیر بسزایی بر تولید نفت، صادرات، پالایش و غیره نداشت. در هر حال يك اعتصاب، خیلی جدی‌تر چهارشنبه گذشته یعنی ۱۸ اکتبر توسط درصد قابل توجهی از کارمندان ایرانی اسکو در اهواز و پالایشگاه شرکت نفت در آبادان شروع شد.

۲- کارمندان خواستار اضافه حقوق و مزایا معادل و یا بیشتر از مبالغی که به کارگران روزمزد داده شده است می‌باشند. کارمندان اعتصابی بخش نفت در لیست تقاضاهای اقتصادی خود، درخواست پایان گرفتن حکومت نظامی را نیز اضافه کرده‌اند. اگر اعتصاب به مناطق و حوزه‌ها برسد (که محتمل به نظر می‌رسد) و اگر تمام یا بخش اعظمی از کارمندان ایرانی در آن شرکت جویند، تولید و صادرات به نحو جدی تأثیر خواهد پذیرفت. در هر حال براساس گفته منابع ما در شرکت نفت، کارمندان ارشد و همکاران خارجی آنها در اعتصاب مشارکت نخواهند جست و همه چیز را به نحو نسبتاً عادی فعال نگاه داشته‌اند.

۳- صنعت نفت اخیراً مثل دیگر بخشها نه فقط دچار اعتصاباتى به وسیله تمامی گروههای مهم شده بلکه به کم کاری و تحصن نیز (که اکثراً دوره آن کوتاه است) توسط گروههای نسبتاً کوچکی که تقاضاهایشان اکثراً به خوبی بیان نمی‌شود و پای بندی آنان به تقاضای خود اغلب موقتی است، دچار شده است. اعتصاب چند نفری که در پالایشگاه تهران در دسر آفریدند خاتمه یافت، لیکن تقاضای فوق‌العاده برای تولیدات نفتی که به لحاظ شایعات ایجاد شده بود سیستم توزیع داخلی را دچار ازدحام و شلوغی کرد (هر چند که این سیستم مجدداً به طور عادی فعالیت می‌نماید). شرکت نفت انتظار دارد که حتی اگر مشکلات جدیدی وجود نداشته باشند، صفوفی در پمپ بنزینها به وجود آید.

۴- براساس سابقه، تن در دادن به تقاضاهای چند هفته گذشته، می‌توان به طور معقولانه‌ای نتیجه گرفت که دولت ایران و شرکت نفت اعتصاب کارمندان اسکو و شرکت نفت را با موافقت سریع با

درخواستهای آنان حل خواهند نمود. در هر حال یکی از مقامات ارشد شرکت نفت به ما گفت که این شناخت به وجود آمده است که اعتصابات (نه فقط در صنعت نفت بلکه در کل اقتصاد) عمدتاً انگیزه سیاسی دارند و سیاست برآورده ساختن تقاضاهای اقتصادی نمی تواند بیش از دوره کوتاهی آن هم به بهای بسیار زیاد آرامش را ایجاد نماید. پیام صریح و روشنی که مقام شرکت نفت به ما می داد، این بود که شرکت نفت و احتمالاً دولت ایران تصمیم گرفته اند، تا نسبت به اعتصابیون خشن تر شوند، ولی چگونگی آن روشن نیست.

سولیوان

سند شماره (۵)

تاریخ: ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۳۳۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: تهران ۱۰۲۷۹ طبقه بندی: محرمانه

موضوع: اعتصابات در بخش صنعت نفت ادامه می یابد

۱- پیش بینی مقام ارشد شرکت ملی نفت ایران در این خصوص که شرکت نفت با کارکنان اعتصابی با خشونت برخورد خواهد نمود، اساساً اشتباه از کار درآمد. انصاری مدیر عامل شرکت ملی نفت دیروز بعدازظهر مذاکرات طولانی خود را با کارکنان اعتصابی پالایشگاه آبادان خاتمه داد و کلاً با مبلغی افزایش موافقت نمود که نمایانگر ۲۰ تا ۵۲ درصد افزایش در حقوق ناخالص است. این افزایش برحسب درصد مثل افزایشی که قبلاً در حقوق کارمندان روز مزد صنعت نفت به عمل آمد، سخاوتمندانه نیست. شکایات و تقاضاهای کارمندان پالایشگاه در مورد اعمال مقامات حکومت نظامی (یک نکته حساس در پالایشگاه آبادان که باعث برانگیختن احساسات می شود و به طور مستقل با عملیات قرینه شده است، حتی در مسائل امنیتی) موقتاً مسکوت گذارده شد که به مدیریت شرکت نفت زمان کافی داده شود تا روشی را با همکاری مقامات حکومت نظامی طرح ریزی نمایند که برای کارکنان پالایشگاه نیز قابل قبول باشد.

۲- شرایطی که مورد قبول انصاری قرار گرفت شامل افزایشی به میزان ۱۲/۵ درصد در حقوقهای پایه و پرداخت «مزایای مخصوص» جدید به مبلغ ۷۵۰۰ ریال به طور ماهانه می باشد.

۳- بنا به گزارش پیشنهاد شرکت ملی نفت مورد قبول کارکنان پالایشگاه آبادان قرار گرفت، لیکن تاکنون حداقل تعداد زیادی از کارمندان اسکو به سرکارهایشان بازنگشته اند. همان طور که ما انتظار داشتیم، اعتصاب کارکنان اسکو از دفتر مرکزی اسکو در اهواز به حوزه ها کشانیده شد و در حال حاضر کارکنان اسکو در اهواز، گچساران و آغاچاری در اعتصاب شرکت می کنند. بنا به گزارش، عملیات در حوزه ها هنوز به طور مؤثری از جریان اعتصاب متأثر نگردیده اند.

سولیوان

سند شماره (۶)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ - ۳ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: تهران ۱۰۳۸۳
شماره: ۱۰۴۰۸
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مطالب دیگری در مورد اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

۱ - جان اورنج، نماینده کنسرسیوم در محل، صحت و واقعی بودن نظریه شاه در مورد جدی بودن اعتصاب حوزه‌های نفتی (تلکس مرجع) را تأیید نمود. اورنج گفت که در حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت در تولید روزانه کاهش پیدا شده است که عمدتاً در گچساران بوده و صادرات نفت خام تولیدی اسکو در جزیره خارک در حدود ۴ میلیون بشکه در روز بوده است، در حالی که تقاضا ۴/۷ میلیون بشکه می‌باشد.

در عین حالی که ممکن است اعتصاب عمدتاً توسط کارکنان اداری به وجود آمده باشد، لیکن روشن است که تعداد زیادی از کارکنان فنی نیز در آن مشارکت دارند.

۲ - اورنج که از پیش‌بینی تعطیل کامل طفره می‌رفت، نمی‌توانست پیش‌بینی نماید که اعتصاب چگونه می‌تواند متوقف شود و او با صراحت قبول نمود که چنانچه اعتصاب کاملاً موجب تعطیل صادرات از طریق جزیره خارک بشود، زیاد تعجب نخواهد کرد.

۳ - یکی از تحولات مهم و ناراحت‌کننده این است که کارگران روزمزد گچساران و جزیره خارک به اعتصاب کارکنان شرکت ملی نفت و اسکو پیوسته‌اند. این امر علیرغم تسلیم شدن شرکت نفت به خواسته کارگران اعتصابی در ۲/۵ هفته گذشته، تاکنون به نظر می‌رسید که مشکلات کارگران روزمزد را حل کرده باشد.

۴ - اورنج همچنین امروز صبح مطلع شده بود که ناخداهای نیروی دریای نیز به همراه کارگران روزمزد و کارمندان تازه کار اسکو در جزیره خارک اعتصاب کرده‌اند. براساس گفته اورنج این وضعیت بسیار وخیم است و مشکل اصلی و فوری حتی در صورت همکاری نیروی دریایی این خواهد بود که اعتصاب ناخداها به میزان زیادی پهلو گرفتن و بارگیری تانکرها را کاهش داده، و یا احتمالاً از آن جلوگیری به عمل خواهد آورد. انصاری مدیر عامل شرکت نفت امروز به جزیره خارک می‌رود (یا هم اکنون رفته است) و برای متقاعد ساختن افراد کافی به منظور باقی ماندن بر سر کارهایشان و جلوگیری از کاهش بیشتر صادرات تلاش خواهد نمود.

۵ - اورنج موافقت نمود که امروز و فردا صبح زود تا آنجایی که امکان‌پذیر است، اطلاعات بیشتر کسب نموده و اطلاعات را فردا قبل از برگزاری مراسم سلام به سفیر انگلیس و یا خود من بدهد تا بعد از آن من در مورد وضعیت با سفیر انگلیس مذاکره نمایم.
سولیوان

سند شماره (۷)

تاریخ: ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ - ۸ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: الف - تهران ۱۰۵۰۳، ب - تهران ۱۰۴۰۸
شماره: ۱۰۵۴۶
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
موضوع: مطالب دیگری در مورد اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

همان طور که در مرجع الف پیش بینی شده بود، اعتصاب حوزه‌های نفتی موجب کاهش دیگری در تولید و صادرات گردید. اعتصاب ناخداهای نیروی دریایی در ترمینال صادراتی جزیره خارک خاتمه یافت در خارک هیچ گونه مشکلی وجود ندارد. مشکل فعلی مربوط به تولید اسکو می‌شود که به چیزی کمتر از ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

امروز صبح نماینده محلی کنسرسیوم به ما گفت که صادرات نفت خام جزیره خارک که به وسیله اسکو تولید می‌شود به ۱/۱ میلیون بشکه کاهش یافته است. علاوه بر این، طبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، مدیر عامل اسکو به نحو فزاینده‌ای نسبت به توانایی اسکو جهت حفظ سطوح حتی خیلی پایین تولید، بدبین است.

۲ - دو مجتمع سرمایه گذاری مشترك یعنی ایپاک و لاپکو که هفته پیش موفق به حل مسئله اعتصاب شده بودند، به نظر می‌رسد که همچنان پایداری آن را حفظ نموده‌اند و ظرفیت تولیدی آنها در خشکی که هفته گذشته کاهش یافته بود، هنوز در حال بالا گرفتن و برگشتن به سطح اولیه آن می‌باشد.

۳ - ما پیش‌بینی می‌کنیم که تقاضا برای نفت خام صادراتی ایران حدود ۵/۴ - ۵/۵ میلیون بشکه در روز باشد و به طور ضمنی این را می‌رساند که اعتصاب برای ایران حدوداً ۴ میلیون بشکه نفت خام در روز خرج بر می‌دارد که معادل روزانه ۵۰ میلیون دلار می‌شود.

۴ - شرکت ملی نفت ایران دیروز و امروز با انتقال ۲۰ مهندس محقق و تکنسین از لابراتور تحقیقاتی تهران به پالایشگاه آبادان، آنچه را که می‌توانست برای پر کردن جاهای خالی حساس انجام داد، لیکن پرسنل اضافی خیلی کمی باقی مانده‌اند. ظاهراً وضعیت برای دولت و شرکت نفت به حالتی بحرانی تبدیل شده و چشم‌اندازهای انجام موفقیت‌آمیز مذاکرات متعارف مدیریت و کارکنان اعتصابی صنعت نفت در بهترین وضعیت، خیلی دور از دستیابی است.

سند شماره (۸)

تاریخ: ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ - ۸ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۱۰۵۶۰
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوری
طبقه‌بندی: سری

موضوع: اعتصاب بخش نفتی ایران

۱ - بعد از ظهر روز هشتم آبان ملاقات کوتاهی با هوشنگ انصاری رئیس شرکت ملی نفت ایران داشتم. انصاری صبح همان روز پس از چند روز مذاکره شدید با کارگران اعتصابی تأسیسات شرکت ملی نفت ایران در جنوب ایران به تهران بازگشته بود. وی گفت تولید روزانه طی سه روز گذشته به

میزان يك ميليون بشكه کاهش یافته و هم اکنون این کاهش بیش از يك ميليون بشكه است.
۲ - قبل از ملاقات با من، او با نخست وزیر و رئیس حکومت نظامی یعنی اویسی ملاقات کرده بود. او به آنها گفته بود که ۹۰ درصد کارگران اعتصابی حاضرند به خاطر منافع اقتصادی که در مذاکرات مطرح شده به محل کار خود بازگردند، ولی کمتر از ده درصد از «رادیکالهای آموزش دیده» آنها را مرعوب کرده و اصرار دارند که تقاضاهای سیاسی آنها برآورده شود.

۳ - نخست وزیر تصمیم گرفته بود که به مقامات حکومت نظامی دستور دهد که رادیکالها را منزوی کرده و شرایط حکومت نظامی در زمینه متوقف کردن صنایع حیاتی را به آنها بفهماند و به آنها پیشنهاد دهد که یا باید به محل کار خود بازگردند و یا دستگیر و زندانی شوند. این اقدام عصر روز ۸ آبان عملی خواهد شد. در صورت عملی شدن و بازگشت کارگران، انصاری معتقد است که در مدت دو روز تولید به وضع عادی بازخواهد گشت. در غیر این صورت وی آماده خواهد شد تا طرحهای اضطراری را به مرحله اجرا بگذارد.

۴ - اولین اقدام کاهش صادرات و نیز کاهش صدور گاز مرتبط به شوری، و محدود ساختن تولید به رفع نیازهای داخل خواهد بود. پالایشگاهها هنوز در مرحله تولید هستند، گرچه تولید پالایشگاه آبادان به ۳۵۰/۰۰۰ بشکه در روز رسیده است. در نتیجه این اقدام، نفت جیره بندی خواهد شد. (ولی انصاری معتقد است که این کار با دشواری بسیار عملی خواهد شد.)

۵ - اقدام دوم اضطراری استخدام کارگران خارجی از آن دسته تأسیسات اروپایی است که با ظرفیت کم مشغول به کارند تا بتوانند جایگزین اعتصابیون شده و تولید را به مرحله ای برسانند، تا نیاز داخلی تأمین گردد. او و رضا فلاح از شرکت ملی نفت ایران و جورج لینک از اسکو آماده پرواز به لندن هستند تا در مورد جزئیات این طرح با کنسرسیوم وارد مذاکره شوند. سولیون

سند شماره (۹)

تاریخ: اول نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۰ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۶۶۶
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن دی - سی، فوری
مرجع: تهران ۱۰۵۶۰ طبقه بندی: سری

موضوع: وضعیت بخش نفت ایران

۱ - در تاریخ ۳۱ اکتبر با هوشنگ انصاری رئیس شرکت ملی نفت ایران تماس گرفتم تا از نتایج تصمیمات دولت مبنی بر اعزام نیروهای حکومت نظامی به تأسیسات نفتی آگاه شوم. او به طرز محافظه کارانه ای محتاط بود، لیکن اظهار نظرات وی خالی از تشنج و بحران نبود.
۲ - وی گفت بسیاری از کارگران در حال بازگشت به محل کار خود بوده و تولید نیز رو به افزایش است. جزیره خارک به طور کامل وارد مرحله عملیاتی شده است. پالایشگاه با ظرفیت کامل کار نمی کند.

۳ - وی گفت استراتژی مذکور در تلگرام مرجع دچار يك تغییر شده است. یعنی به جای دستگیری آن دسته کارمندان شرکت ملی نفت ایران و اسکو به خاطر امتناع از ادامه کار دولت، تصمیم به اخراج آنها گرفته است. وکلای وی به او اطمینان داده اند که برای این کار در شرایط عادی نیز اساس حقوقی

کافی وجود دارد و لازم نیست به حکومت نظامی متوسل شد.
۴ - نظریه‌ی مانند قبل این بود که اکثر کارگران به کار خود باز می‌گردند. او به معاونش - دیبا - در جنوب ایران دستور داده است تا عملیات را واحد به واحد بازسازی کند. تا به حال این کار هم بدون دردسر ادامه داشته است.

۵ - او گمان می‌کند که تعداد کارگران اخراجی چندان زیاد نباشد و با جورج لینگ رئیس اسکو طرحی ریخته‌اند تا به جای کارگران اخراجی پرسنل دیگری از ارتش، افراد در حال آموزش و قرارگاه‌های تهران جایگزین شوند. بنابراین طرح اضطراری مخصوص استخدام کارگران خارجی فعلاً کنار گذاشته شده است.

۶ - جان اورنج نماینده محلی کنسرسیوم در تاریخ ۱۱ آبان با من تلفنی گفتگو و موارد فوق را تأیید نمود. ظهر روز ۱۱ آبان با انصاری در همین مورد ملاقات دیگری خواهم داشت. سولیوان

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۱ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۶۹۵
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: وضعیت بخش نفتی ایران

۱ - هوشنگ انصاری رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران صبح روز ۲ نوامبر با آخرین اخبار در مورد تأسیسات نفتی به من تلفن کرد. او گفت که تولید تدریجاً افزایش می‌یابد و امروز انتظار می‌رود میزان آن به ۲/۳ میلیون بشکه باشد. برنامه او این بود که با استفاده از همان پرسنل نظامی تولید را به میزان ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

نظریه: ما متعاقب گفتگو با انصاری، با مدیر عامل اسکو صحبت کردیم. وی گفت که ارقام انصاری واقع‌گرایانه هستند. (پایان نظریه)

۲ - او گفت پالایشگاه آبادان دارای پرسنل کافی بوده و امروز ظرفیت آن به ۵۰۰ هزار بشکه می‌رسد. این اقدام برای جبران زیانهای مورد انتظار در شیراز و تبریز که پالایشگاههای آنها مورد تهدید تعطیلی قرار گرفته‌اند، لازم می‌باشد.

۳ - من به انصاری گفتم این وقایع و اخبار با گزارشات روزنامه‌های صبح که اعلام نموده‌اند تولید به صفر رسیده است، مغایر می‌باشند. او گفت روزنامه‌ها با اطلاعات دروغین اعتصابیون تندرو تغذیه شده‌اند. من متذکر شدم شرکت نفت دارای کارمندان روابط عمومی فراوانی است که بایستی اخبار صحیح و واقعی را به مطبوعات بدهند. او قول داد تا آنان را فعال نماید.

۴ - وی سپس به من گفت که در حال حاضر از فرودگاه تلفن می‌زند و قرار است که هم اکنون به مقصد نیویورک سوار هواپیما شود. او در ۳ نوامبر با هنری کیسینجر و چند نفر دیگر به طور ناشناس ملاقات خواهد کرد. او انتظار دارد که در ۴ نوامبر به تهران بازگردد. این عمل ممکن نیست از روی بصیرت و کاردانی باشد، بلکه به نظر می‌رسد از روی خونسردی است. سولیوان

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۱ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۷۲۶
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی.
مرجع: تهران ۱۰۶۹۵ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مطالب بیشتری راجع به اعتصاب بخش نفتی ایران

۱ - تلکس مرجع شامل اطلاعات جاری در خصوص پیشرفت مداوم و افزایش تولید حوزه‌های نفتی خوزستان، یعنی حوزه‌های تولیدی اسکو بود. در هر حال ایپاک (IPAC) هنوز با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز خود کاملاً تعطیل می‌باشد و نگرانیهایی وجود دارد مبنی بر اینکه اعتصاب علیه لاپکو با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز آن، ممکن است از سرگرفته شود.

۲ - اولتیماتومی که دو روز پیش به کارمندان اعتصابی شرکت نفت و اسکو داده شد، مبنی بر اینکه یا به سرکارهایشان بازگردند و یا منتظر زندانی شدن باشند، از اول نوامبر به کارمندان اعتصابی ایپاک داده نشده است. براساس گفته مقام محلی آموکو (مالک ۵۰ درصد ایپاک) هیچ گونه مذاکره‌ای بر سر مسائل و مشکلات شروع نشده است و علت آنهم این است که تقاضاهای اعتصابیون یا اقتصادی هستند و یا سیاسی و در صورت اقتصادی بودن ناراحت کننده و عجیب و غریب می‌باشند.

۳ - ما شب گذشته از طریق مقام محلی آرکو (مالک ۱۲/۵ درصد لاپکو) کسب اطلاع کردیم که کارکنان لاپکو در جزیره لاوان تهدید کرده‌اند که اعتصاب خود را از ۴ نوامبر شروع خواهند کرد. به ما گفته شد که نگرانیها و تقاضاهای کارمندان لاپکو که دیروز عنوان شد برای اولین بار ماهیتاً سیاسی بوده‌اند.

۴ - هر چند که به نظر می‌رسد در حل مسائل و مشکلات شرکت نفت (مشکلات مربوط به کارمندان آن در پالایشگاهها) قضایا به آن ترتیبی که مورد نظر است، پیش خواهند رفت، لیکن وضعیت دو مجتمع بزرگ سرمایه‌گذاری از خوشبینی خیلی کمی برخوردار است. شرکت نفت می‌تواند به نحو قابل توجهی توجه و تلاشهای خود را روی عملیات بسیار حساس (مثل تولید در حوزه‌های خوزستان و پالایش) متمرکز نماید، اما اجازه دادن به اینکه وضعیت به سمت رکود یا وخیم‌تر شدن پیش برود، اشتباه بزرگی خواهد بود.

سولیوان

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۱ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۲۷۹۶۱۸
از: وزارت خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

رونوشت به سفارت آمریکا در توکیو و دفتر ارتباطی ایالات متحده در پکن

موضوع: گزارش در مورد اعتصاب نفت

۱ - وزارت انرژی درخواست نموده است که گزارشهای سفارت در مورد اعتصاب بخش نفتی به دفتر ارتباطی ایالات متحده در پکن و سفارت آمریکا در توکیو مخابره شود و با عبارت «قابل توجه

وزیر شلزینگر» که از آن مناطق بازدید می‌نماید، مشخص شود. پیامهای ارسالی به پکن تا ساعت ۹ به وقت محلی روز ۵ نوامبر و توکیو تا ساعت ۹ به وقت محلی روز ۷ نوامبر مخابره شوند.

۲ - سازمانهای مربوطه در واشنگتن از پست (سفارت آمریکا در تهران - م) به خاطر گزارش کردن عالی وضعیت تقدیر می‌نمایند.

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۴ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۳ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۷۳۸
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: تهران ۱۰۷۳۳ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مطالب دیگری در خصوص اعتصاب در بخش صنعت نفت ایران

۱ - بهبود وضعیت حوزه‌های نفتی خوزستان که تحت کنترل و مدیریت اسکو می‌باشند، از آنچه که ما باور داشتیم یا در خلال دو روز گذشته گزارش نمودیم، سرعت اساساً خیلی کمتری داشته است. ضمن اینکه ما گزارش کردیم انتظار می‌رود تولید اسکو ۲/۲ - ۲/۳ میلیون بشکه در روزهای دوم و سوم نوامبر باشد، لیکن تولید واقعی ۱/۵ میلیون بشکه در دوم نوامبر و ۱/۷ میلیون بشکه در سوم نوامبر بود. اسکو انتظارات خود را پایین آورده و نمی‌تواند پیش‌بینی نماید چه زمانی تولید به ۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. تولید واقعی اسکو در ساعت ۶ صبح امروز ۴ نوامبر در سطح ۱/۸ میلیون بود، لیکن اسکو تصور می‌نماید که امروز ۱/۹ میلیون بشکه تولید خواهد شد.

۲ - تهدید شدن لاپکو به شروع اعتصاب (که در ۲ نوامبر گزارش شد) به خوبی صورت پذیرفت. تعطیلی تأسیسات لاپکو به ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز، شب گذشته شروع شد و ساعت ۶ صبح امروز تولید به تعطیلی کامل کشید. تقاضاهای کارکنان اعتصابی لاپکو حداقل به صورت آشکار ماهیت سیاسی ندارد. در هر حال برخی از تقاضاهای اقتصادی به آن صورت هستند که شرکت نفت و مدیریت لاپکو حتی در صورت تمایل نمی‌توانند با آن موافق باشند. برای مثال یکی از تقاضاها تغییر فوری برنامه کار است به این ترتیب که کارکنان که هم اکنون در مقابل دو هفته کار یک هفته تعطیل دارند و در جزیره لاوان یا سکوهای دریایی کار می‌کنند، در مقابل یک هفته کار یک هفته تعطیلی داشته باشند. چنین تقاضایی در آینده نزدیک نمی‌تواند برآورده شود، زیرا مستلزم گسترش نیروی کار در هنگامه‌ای است که بازار کار از وجود متخصصین نفتی خالی می‌باشد. چنین تقاضاهایی به سادگی می‌تواند یک تاکتیک مذاکره‌ای باشد که برای حصول بهترین نتایج ممکنه طرح‌ریزی شده، لیکن تاکنون تقاضاهای اعتصابیون غیر قابل بحث بوده‌اند و ممکن است برای ایجاد بحران طرح‌ریزی شده باشند.

۳ - هیچ‌گونه تغییری در وضعیت ایپاک روی نداده است. اعتصاب آنها ادامه دارد و ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز آن کاملاً راکد است.

۴ - انتظار می‌رود امروز مجموع تولید (اسکو، سیرپ، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۲ میلیون بشکه سولیان باشد.

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۵ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۴ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

- ۱- تولید اسکو در مناطق نفتی خوزستان در تاریخ ۴ نوامبر ۱/۷۳۴/۰۰۰ بشکه بود که ۶۵۲/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی تحویل شد و ۱/۰۸۲/۰۰۰ بشکه نیز آماده صادرات بصورت خام بود. ایپاک و لاپکو هر دو به خاطر اعتصابات هنوز کاملاً تعطیل هستند. مجموع تولید در ۴ نوامبر (منجمه اسکو، سیرپ، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۱/۸۵ میلیون بشکه بود.
- ۲- براساس گفته دفتر محلی کنسرسیون، اسکو امروز انتظار دارد ۲/۲ میلیون بشکه تولید شود. در هر حال نه دفتر کنسرسیون و نه سفارت هیچ کدام اعتباری برای پیش‌بینی‌هایی که اسکو در ۴-۵ روز گذشته انجام داده، قائل نیستند.
- ۳- امروز صبح کارمندان دفتر مرکزی شرکت ملی نفت به اعتصابیون پیوستند. این اقدام نمی‌تواند هیچ‌گونه تأثیری بر تولید، صادرات و یا پالایش داشته باشد، چون که از یک جهت کارمندان جایگزین فراوانی وجود دارند و از جهت دیگر دفتر مرکزی مسئولیت حیاتی در قبال عملیات اصلی ندارد. به هر حال این اقدام از جهت سمبولیک آن اهمیت دارد، خصوصاً چون که کارمندان دفتر مرکزی از همکارانشان در جنوب بسیار سیاسی‌تر شده‌اند.
- ۴- اعتصابی نیز توسط کارمندان سیستم توزیع تهران شروع شده است، که شدیداً جریان محصولات از پالایشگاه تهران به شبکه خرده‌فروشان را کاهش داده است. در نتیجه این امر صفوفی طولانی در پمپ بنزینها تشکیل شده است. جنبه خوشایند این امر کاهش قابل توجه ترافیک آشنای تهران است، چون که اتوموبیل سواران ظاهراً سوختی را که در اختیار دارند، صرفه جویی می‌نمایند.
- ۵- ما تاکنون قادر نبوده‌ایم اطلاعات موثقی در مورد وضعیت فعلی پالایشگاههای مختلف ایران به دست آوریم. بنا به گزارش پالایشگاههای شیراز و تبریز تعطیل هستند، در حالی که تولید آبادان فقط ۲۰۰/۰۰۰ بشکه است که یک سوم ظرفیت آن می‌باشد. پالایشگاه تهران در حال کار است، لیکن چنانچه اختلال در سیستم توزیع ادامه یابد تولید به نحو توجیه‌پذیری بایستی کاهش پیدا کند.
- ۶- به طور خلاصه، به نظر می‌رسد وضعیت به آهستگی و تدریجاً رو به وخامت می‌گذارد و اسکو و شرکت ملی نفت ایران برای درگیر شدن با مشکلات در صورت وجود پرسنل واجد شرایط، تعداد کمی را در اختیار دارد. ارتش می‌تواند در برخی از محدوده‌ها کمک کند و ما گزارشاتی در دست داریم که آنها تولیدات پالایش شده را به پمپ بنزینها و جایگاههای توزیع خرده‌فروشی حمل می‌نمایند، لیکن سربازان از مهارتهای لازم برای وظایف خطیرتر در صنعت نفت برخوردار نیستند. سولیوان

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۵ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۸۱۵
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - تولید نفت توسط اسکو در حوزه‌های نفتی خوزستان در تاریخ ۵ نوامبر ۱/۷۹۱/۰۰۰ بشکه بود که ۵۵۹/۰۰۰ بشکه آن برای پالایشگاههای داخلی حمل شد و ۱/۲۳۲/۰۰۰ بشکه نیز آماده برای صادر کردن به صورت خام بود. هر دو شرکت ایپاک و لاپکو هنوز به خاطر اعتصابات کاملاً تعطیل می‌باشند. مجموع تولید نفت روز ۵ نوامبر (شامل اسکو، سیرپ، ایمینوکو و سوفیران) در حدود ۱/۹ میلیون بشکه بود.

۲ - تولید امروز خیلی کمتر است. امروز صبح تولید نفت توسط اسکو در حدود ۱/۲۶۱/۰۰۰ بشکه بود و نمایندگان محلی کنسرسیوم هیچ گونه دلیلی که به لحاظ آن انتظار افزایش تولید در خلال روز را داشته باشیم، عنوان نمودند.

۳ - گزارشات تأیید نشده‌ای که ما در مورد کاهش تولید پالایشگاهها دریافت نموده‌ایم، با ارقام دریافت شده از اسکو در مورد محموله‌های ارسالی نفت خام به پالایشگاههای داخلی تطبیق می‌نماید. در حالیکه روزهای آخر هفته منتهی به ۴ نوامبر محموله‌ها در سطح ۶۵۰/۰۰۰ بشکه ثابت ماندند، لیکن دیروز به سطح ۵۵۹/۰۰۰ بشکه کاهش یافت و اسکو امروز فقط برای تحویل ۴۱۷/۰۰۰ بشکه برنامه‌ریزی کرده است. بنا به گزارش، پالایشگاه تهران حدود ظرفیت خود (۲۲۵/۰۰۰ بشکه در روز) فعالیت می‌کند، ولی توزیع ظاهراً مغشوش می‌باشد.

۴ - دیروز شرکت ملی نفت ایران مجدداً مبادرت به مذاکره با کارمندان اعتصابی اسکو نموده است ولی به لحاظ تمایل اعتصابیون به گفتگو در خصوص فقط مسائل سیاسی و امتناع نمایندگان شرکت ملی نفت از مذاکره در باب چیزی بجز مسائل اقتصادی، مذاکرات صورت نپذیرفت.

۵ - ظاهراً وضعیت سیاسی در اهواز و مناطق نفت خیر تحت تأثیر وقایع دیروز تهران قرار نگرفت و مدیریت اسکو گزارش می‌دهد که وضعیت جنوب نسبتاً آرام است و فقط معدودی از افراد کار می‌کنند.
سولیوان

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۶ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۸۷۹
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - تولید نفت توسط اسکو در حوزه‌های نفتی خوزستان در تاریخ ۶ نوامبر ۱/۲۶۱/۰۰۰ بشکه بود که ۴۱۷/۰۰۰ بشکه آن برای پالایشگاههای داخلی حمل شد و ۸۴۴/۰۰۰ بشکه نیز آماده برای صادرات به صورت خام بود. هر دو شرکت ایپاک و لاپکو هنوز به خاطر اعتصابات کاملاً تعطیل

هستند. ما امروز اطلاع یافتیم مجتمع سیرپ که ۵۰ درصد آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد متعلق به اگیپ می‌باشد و ظرفیت تولیدی آن در حدود ۵۰/۰۰۰ بشکه در روز است، ۲ یا ۳ روز پیش به خاطر اعتصابات تعطیل شد. مجموع تولید ۶ نوامبر (شامل اسکو، ایمینوکو و سوفیران) حدود ۱/۳ میلیون بشکه بود.

۲- انتظار می‌رود تولید ۷ نوامبر توسط اسکو حدود ۱/۱۵۲/۰۰۰ بشکه باشد که به صورت مساوی بین صادرات و محموله‌های ارسالی به پالایشگاه‌های داخلی تقسیم شده باشد.

۳- به نظر می‌رسد استقرار دولت نظامی جدید تأثیر کمی بر اعتصابات داشته باشد (تعداد قابل توجهی از مردم هنوز شروع به کار نکرده‌اند و با قضاوت از روی گفتگویی که با چند تن از اعتصابیون داشته‌ایم، در مواضع آنان تغییری مشاهده نمی‌شود). به نظر می‌آید که همه قبل از تصمیم گرفتن در خصوص اینکه چه باید بکنند، منتظر روی دادن چیزی هستند.

۴- بر طبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، وضعیت در اهواز از آرامش بیشتری برخوردار است. اسکو در حال آموزش ۱۶۰ نفر از ملوانان نیروی دریایی برای اداره واحدهای تولیدی می‌باشد و انتظار می‌رود که ظرف یکی دو روز آینده کار را شروع نمایند. حتی اگر به دنبال این امر هیچ یک از اعتصابیون به محل کار بازنگردد، اسکو انتظار دارد که تولید به میزان قابل توجهی افزایش یابد. نماینده محلی کنسرسیوم همچنین اظهار داشت که مقامات حکومت نظامی هم اکنون و یا به زودی اولتیماتومی صادر خواهند نمود که به اعتصابیون جنوب اخطار می‌نماید یا به سرکارهایشان بازگردند و یا منتظر دستگیری باشند. ما فکر می‌کنیم که این بار تهدید قطعاً به مورد اجراء گذاشته خواهد شد، ولی پیش‌بینی اینکه چه روی خواهد داد، غیر ممکن است. سولیوان

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۸ نوامبر ۱۹۷۹ - ۱۷ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۰۹۵۸
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱- تولید نفت توسط اسکو در میادین نفتی خوزستان در تاریخ ۷ نوامبر ۱/۱۵۲/۰۰۰ بشکه بود که ۵۵۳/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاه‌های داخل حمل شد و باقیمانده آن یعنی ۵۹۹/۰۰۰ بشکه آماده صادرات به صورت خام بود. تمام چهار مجتمع سرمایه‌گذاری مشترک به ظرفیت مجموعه ۷۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کاملاً تعطیل می‌باشند. سیرپ و ایمینوکو آخرین شرکت‌هایی بودند که تحت تأثیر (اعتصابات - م) قرار گرفتند و در ۶ نوامبر تولید را متوقف نمودند. در نتیجه تولید ایران در مناطق نفتی خوزستان تنها به وسیله سیرپ، صورت می‌گیرد.

۲- اسکو تولید امروز را در سطح ۱/۱۳۲/۰۰۰ بشکه برنامه‌ریزی کرده بود که ۵۴۴/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاه‌های داخلی حمل خواهد شد و ۵۸۸/۰۰۰ بشکه نیز برای صادرات به صورت خام باقی می‌ماند.

۳- اسکو به صورت محتاطانه‌ای خوشبین است و اظهار می‌دارد که به حداقل (تولید - م) دست

یافته است. در هر حال ما می‌دانیم که تعداد کارکنان معدودی که از توافقات سرپیچی کرده و به سر کارهایشان بازگشته‌اند، از طرف همکاران اعتصابی خود برای متوقف کردن کار تحت فشار قرار دادند. به نظر می‌رسد که وضعیت از همیشه بیشتر سیاسی شده است. امید به تولید بیشتر بر مبنای این انتظار قرار گرفته است که ملوانان آموزش دیده برای اداره تأسیسات میدانهای نفتی، کارآمد و مولد باشند و هیچ کس پیش‌بینی نمی‌کند اعتصابیون به طور گسترده و سریع به سرکارهایشان بازگردند.

۴ - پمپ بنزینهای تهران باز هستند، ولی به طور کامل و دائم سرشان شلوغ است و ردیف اتومبیلهایی که منتظر نوبت خود برای بنزین زدن می‌باشند معمولاً چهار بلوک و یا بیشتر می‌رسد. به نظر می‌رسد مقادیر معتدلی بنزین و سوخت به پمپ بنزینها تحویل داده می‌شود و در نتیجه بایستی ظرف ۲ یا ۳ روز تقاضای بیش از حد بر آورده گردد و وضعیت به حال عادی بازگردد (به استثناء تحولات پیش‌بینی نشده). ما به غیر از لبریز کردن موقتی سیستم توزیع سوخت و کمبود کپسول گاز، صحبت هیچ گونه کمبودی در تولیدات پالایش شده را نشنیده‌ایم. به هر صورت به دلیل اینکه محموله‌های نفت خام حمل شده برای پالایشگاه داخلی در خلال ۴ روز گذشته به میزان خیلی کمی از ۵۰۰/۰۰۰ بشکه تجاوز می‌نماید و شرکت ملی نفت ایران برای برآورده ساختن تقاضای داخل مجبور به پالایش ۸۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد، احتمالاً مشکلاتی بروز خواهد کرد. (مجموع تقاضای داخلی برای تولیدات پالایش شده حدود ۶۵۰/۰۰۰ بشکه در روز است، لیکن برای تولید مقادیر لازم بنزین و مشتقات میانه بایستی ۸۰۰/۰۰۰ بشکه در روز پالایش شود).

۵ - یکی از اخبار جالب در کنار مسئله اعتصابات که ما از آن مطلع شده‌ایم، این است که خواسته اصلی کارمندان دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران که شنبه گذشته به اعتصابیون پیوستند، برکناری انصاری مدیر عامل شرکت نفت به خاطر مسئله فساد می‌باشد. انصاری هفته گذشته ایران را ترک کرد (براساس گزارشات تأیید نشده خانواده وی نیز او را همراه می‌کردند و یا اینکه به دنبال وی عزیمت نمودند) و در شرکت نفت تصور می‌رود که انصاری تا زمانی که وضعیت تثبیت نشود، باز نمی‌گردد.

سند شماره (۱۸)

از : سفارت آمریکا - تهران
تلگرام تاریخ : ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۹ آبان ۱۳۵۷
به : وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی : خیلی محرمانه شماره : ۱۱۰۴۷

موضوع : اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - سطوح تولید امروز برای دومین روز پیاپی مجدداً افزایش یافته است. برنامه‌ریزی اسکو برای تولید امروز ۱/۶۶۱/۰۰۰ بشکه است که ۴۵۹/۰۰۰ بشکه برای پالایشگاههای داخلی حمل می‌گردد و ۱/۲۰۲/۰۰۰ برای صادرات به صورت خام و آماده خواهد بود. ما اطلاع یافتیم که چهار مجتمع تولید در خشکی هنوز به صورت کامل تعطیل هستند.

۲ - طبق گفته نماینده محلی کنسرسیوم، پرسنل اعتصابی هنوز به سرکارهایشان بازنگشته‌اند و افزایش تولید تا میزان زیادی منعکس کننده تلاشهای پرسنل نیروی دریایی ایران است که در مناطق نفتی به خدمت گمارده شده‌اند.

۳- به هر صورت، در جلسه‌ای که دیروز برگزار گردید و ریاست آن را نخست وزیر جدید بر عهده داشت، دولت ایران تصمیم گرفت تا برای شکستن اعتصابات روش جدیدی را به کار گیرد. امروز به کارکنان اعتصابی مناطق نفتی گفته شد، چنانچه به سرکارهایشان باز نگردند، اخراج خواهند شد و از خانه‌های شرکتی بیرون رانده می‌شوند. آخرین مهلت برای کارکنان نوبت کاری (شیفت) امروز بعد از ظهر است، در حالی که تمام کارکنان دیگر بایستی صبح روز یکشنبه به سرکارشان باز گردند و یا مواجه با عواقب آن گردند.

۴- ما گمان می‌کنیم چنانچه کارکنان متقاعد شوند که دولت تهدید خود را به مورد اجراء خواهد گذارد، اکثریت آنان به اعتصاب خود پایان خواهند داد. به هر صورت، حتی تعداد نسبتاً کمی از کارکنان خیلی تندرو در صورت عدم انزوا از دیگر کارکنان و نیز در صورت دستیابی به تأسیسات مناطق نفتی، می‌توانند مشکلات جدی به بار آورند. واضح است که ما تحولات را دقیقاً دنبال خواهیم کرد و بایستی تا فردا نشانه‌هایی از عکس‌العمل اعتصابیون نسبت به اولتیماتوم در دست داشته باشیم. سولیوان

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۱ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۰۶۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱- تولید اسکو به کندی افزایش می‌یابد و برای امروز یعنی ۱۲ نوامبر در سطح ۲/۱۱۵/۰۰۰ بشکه برنامه ریزی شده که ۴۶۴/۰۰۰ بشکه از آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۱/۶۵۱/۰۰۰ بشکه دیگر آماده برای صادرات خواهد بود. کلیه چهار مجتمع سرمایه‌گذاری مشترک هنوز به طور کامل تعطیل هستند.

۲- علیرغم منقضي شدن ضرب الاجل (شب گذشته برای کارکنان شیفت و امروز برای تمام دیگر کارکنان) که بخشی از اولتیماتوم دولت ایران به کارکنان اعتصابی مناطق نفتی بود، هیچ‌گونه بازگشت وسیعی به سرکارها صورت نگرفت. افزایش تولید ذکر شده در پاراگراف يك بالا، عمدتاً قابل انتساب به پرسنل نیروی دریایی می‌باشد، و این افزایش هر چند که از آن استقبال می‌شود، ولی در سطح پایینی قرار دارد و ماهها وقت لازم خواهد بود که (حداقل) تعداد کافی پرسنل نظامی تربیت شوند تا به خوبی و به صورت مؤثری بتوانند جایگزین تمامی اعتصابیون شوند.

۳- بنا به گزارش، وضعیت اهواز و مناطق نفتی خیلی وخیم است. بر طبق اظهارات نماینده محلی کنسرسیوم (وی این اطلاعات را از مدیر عامل اسکو کسب کرده است) دیروز دو نفر (ظاهراً ایرانی) توسط مقامات حکومت نظامی کشته شدند، در گچساران تیراندازی شد (اطلاعی از زخمیها و کشته‌های احتمالی در دست نیست)، خانه یکی از کارمندان مقیم ایران (ملیت او مشخص نیست) اسکو در اهواز توسط گروهی چپاول شد (هیچ‌گونه جراحی به کسی وارد نشد)، اعلامیه‌هایی در جنوب به صورت گسترده توزیع شد و در آن حمایت کامل روحانیت از اعتصاب بخش نفت اعلام گردیده است،

روحیه کارمندان خارجی اسکو رو به بدتر شدن می‌رود و تخلیه خانواده کارمندان خارجی اسکو به طور جدی تری مورد بررسی قرار گرفته است.

۴ - چون تهدید دولت مینی بر اخراج و بیرون رانده شدن از خانه‌های سازمانی در شکستن اعتصابات موفقیتی دربر نداشت، دولت اکنون شروع به دست زدن به اقدامات خشن تری نموده است. اطلاع موثقی به دست ما رسیده مبنی بر اینکه ۱۷۰ نفر از کارگران مناطق نفتی از دیروز دستگیر شده‌اند. براساس اطلاع واصله از یک مقام ارشد ایپاک در جزیره خارک دوازده نفر از کارکنان اعتصابی اسکو امروز صبح دستگیر شدند و متعاقب آن ۸ نفر اظهار تمایل نمودند تا به سرکارهایشان بازگردند. ما مطلع نیستیم که آیا به آنان اجازه داده شده که به سر کار بازگردند یا خیر. دولت ایران ظاهراً با مبادرت به دستگیری و منزوی ساختن رهبران اعتصابیون قصد شکستن اعتصاب را دارد.

۵ - ایپاک از شرکت ملی نفت ایران اجازه‌ای دریافت نموده تا نسبت به صدور اولتیماتوم برای کارکنان اعتصابی خود شبیه به آنچه که برای اعتصابیون اسکو صادر شد، اقدام نماید. مدیریت ایپاک (یعنی آموکو) با خوشبینی نسبی بر این عقیده است، که چنانچه به آنان اجازه داده شود تا کارمندان خود را اخراج نمایند و نیز مقامات نظامی محرکین را دستگیر نمایند، قادر به شکستن اعتصاب خواهند بود. از طرف دیگر مدیریت اسکو خوشبینی خیلی کمتری داشته و ظاهراً این طور فکر می‌کند که امروز انفجار و خیمی در پی خواهد داشت.

۶ - ما همچنان به کسب اطلاعات ادامه خواهیم داد و امروز گزارش وضعیت دیگری ارسال خواهیم داشت.

سولیوان

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۱ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۱۱۰۶۷
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - از امروز صبح وضعیت کارگری در مناطق نفتی جنوب تا حدودی بهبود یافت. اعتصابیون بیشتری شروع به کار نموده‌اند و در حال حاضر پنجاه درصد کارکنان (کارگران و تکنسینها) و حدود ۴۰ درصد کارمندان (اداری) مشغول کار هستند. تقریباً صد درصد کارمندان ارشد و سرپرستان به کار مشغول شده‌اند و نزدیک به تمام کارمندانی که سابقه کار آنها از ۵ سال کمتر است (که در حدود ۶۰ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند) همچنان در حال اعتصاب هستند. نماینده محلی کنسرسیون به ما گفته است که به خدمت اعتصابیون خاتمه داده می‌شود و فکر نمی‌کنیم که دستگیری‌ها ادامه داشته باشد. برداشت نماینده محلی کنسرسیون از گفتگوهای امروز او با مدیریت اسکو این است که وضعیت در حال حاضر کمتر از صبح حالت انفجاری داشته، و دلایلی برای امیدواری وجود دارد که اکثر کارکنان به زودی به سرکارهایشان بازخواهند گشت، لکن هنوز موقع پیش‌بینی‌های دقیق در مورد زمان و چگونگی پایان اعتصابات نرسیده است. اسکو امیدوار است که سیاست نرمش و اجرای قانون (افزایش قابل توجه حقوق و مزایای کارکنان و اخراج و بیرون راندن اعتصابیون از خانه‌های سازمانی

و دستگیری احتمالی آنان) توسط دولت ایران در بازگرداندن کارکنان مؤثر و موفق باشد.
 ۲ - به صورت فزاینده‌ای آشکار می‌گردد که دولت ایران در نظر دارد تا آنجایی که فکر می‌کند لازم است برای بازگرداندن کارکنان مبادرت به اعمال فشار نماید. اگر ۹۰ درصد یا بالاتر از مجموع اعتصابیون به سرکارها بازگردند، می‌توانند با همکاری پرسنل نیروی دریایی و خارجیان مقیم تولید را به سرعت به سطوح بالای آن اعاده نمایند.

۳ - اسکو همچنان تخلیه وابستگان کارمندان خارجی را تحت بررسی قرار داده، لیکن به نظر نمی‌رسد که تصمیم به تخلیه آنان محتمل الوقوع باشد.

۴ - ما تخمین می‌زنیم که درآمد ارزی ناخالص ایران از محل صادرات نفتی به خاطر اثرات اعتصاب تا نیمه شب ۱۲ نوامبر، ۹۰۰ میلیون دلار کمتر از آنچه که در غیاب مشکلات کارگری به دست می‌آمد، باشد. ارزیابی ما براساس تولید ۶/۲ میلیون بشکه در روز در خلال سه هفته گذشته قرار دارد. این فرض معقول است، زیرا میانگین تولید در خلال ماه ایرانی منتهی به ۲۲ اکتبر (مهر) ۶/۱ میلیون بشکه بود و همچنین تقاضا رو به افزایش بود. این زیان قابل انتساب به تولید کاهش یافته در اثر اعتصاب می‌باشد، که در غیر این صورت ۱۱ میلیون بشکه نفت می‌توانست توسط چهار مجتمع سرمایه‌گذاری مشترک و ۶۰ میلیون آن نیز توسط اسکو تولید شود و مجموعاً در صورت تولید صادر می‌شدند. علاوه بر این چنانچه امروز اعتصاب خاتمه یابد، تولید برای حداقل ۱۰ روز آینده به سطح ۶/۳ میلیون بشکه در روز نخواهد رسید، و در خلال این مدت ایران متحمل زیان اضافی در درآمدهای ارزی خود به مبلغ تقریباً ۱۰۰ میلیون دلار خواهد شد.

۵ - هر چند مشکل عمده و فوری که به خاطر اعتصاب بخش نفت به بار آمد، زیان عظیم در درآمد می‌باشد، لیکن احتمالاً تأثیرات منفی دیگری نیز وجود خواهد داشت. برای مثال ما فکر نمی‌کنیم شرکت ملی نفت ایران به راحتی بتواند مستقیماً به بازاریابی برای نفت خام خود بپردازد. هر چند شرکت ملی نفت ایران در خلال ۲ تا ۳ سال گذشته به صورت فزاینده‌ای مستقیماً موفق به بازاریابی برای مقادیر بیشتر و بیشتری از نفت خام خود گردیده است (در واقع به هزینه شرکت‌های تجاری کنسرسیوم) لیکن از جانب خریداران مقاومتی وجود داشته است. قسمتی از مقاومت به همیشه به این اعتقاد گسترده مربوط می‌شده است که خرید از یک شرکت چند ملیتی نفتی که به انواع مختلف نفت خام دسترسی دارد، از تأمین بیشتری برخوردار است. یک چنین ملاحظه‌ای احتمالاً در آینده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و شرکت ملی نفت ایران مقابله را مشکل خواهد یافت. شرکت ملی نفت ایران احتمالاً می‌توانست از روابط خوب خویش با برخی از همکارانش در اوپک بهره‌جسته و اجازه برداشت و خرید نفت خام را از منابع عربستان، کویت و غیره برای مشتریان مرجح شرکت ملی نفت ایران مهیا سازد. به هر صورت ما هیچ گونه خبری حاکی از اینکه ایران با دیگر تولیدکنندگان در رابطه با مسائل ایجاد شده به لحاظ اعتصاب ایران در تماس بوده است نداریم، و برداشت روشن و مشخص ما این است که مشتریان در رابطه با یافتن نفت خام به منظور جایگزینی با نفت ایران راه حل خود را در پیش گرفته‌اند. احتمالاً شرکت ملی نفت انتظار دارد که ارتش در شکستن اعتصاب بخش صنعت نفت به سرعت موفق شود و مشتریانش مبادرت به امضای قراردادهای بلندمدت با جاهای دیگر نمایند. پیش‌بینی اینکه شرکت ملی نفت ممکن است موافقتنامه‌های خریدهای تهاتری و مشابه

آن را در سال آینده به امضاء برساند، می‌تواند تا حدود زیادی خوش‌بینانه باشد.

سولیوان

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۳ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۱۴۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - چشم‌انداز بخش نفت در روز جاری درست مثل دیروز است، یعنی پیشرفت مستمر لیکن همراه با سطح بالایی از تشنجات، خصوصاً در اهواز و مناطق نفتی خوزستان.

۲ - اسکو در نظر دارد که امروز ۲/۹۶۸/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۵۲۵/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۲/۴۴۳/۰۰۰ بشکه آماده صادرات خواهد بود. براساس اطلاعات ما به طور تخمینی ۷۰ درصد (شاید کمی بیشتر) کارکنان ایرانی اسکو و کارگران روزمزد کارشان را شروع کرده‌اند و تعداد بیشتری هنوز در حال بازگشت به سرکارها می‌باشند. مشکلات عمده و بزرگ صرفاً در حوزه‌های مارون و آغاچاری وجود دارند و در آنجا تولید به لحاظ کمبود کارگران هنوز محدود است. اسکو در نظر دارد کار تأسیسات مایع‌سازی گاز طبیعی (یکی از شش مورد) را امروز به جریان بیندازد.

۳ - اواخر روز گذشته یعنی ۱۳ نوامبر لاپکو شروع به در جریان انداختن کار تولید حوزه ساسان نمود و تا نیمه شب تولید به سطحی معادل ۲۰۵/۰۰۰ بشکه رسید. تمامی اعتصابیون لاپکو کارشان را از سر گرفته‌اند.

۴ - ایمینوکو عصر دیروز تولید را شروع کرد و ما مسبوق هستیم که اکنون آنان در سطح ۴۵ تا ۵۰ هزار بشکه تولید می‌کنند. ظاهراً تمامی اعتصابیون به سرکارشان بازگشته‌اند.

۵ - براساس اظهارات یک منبع مطلع شرکت نفت، سیرپ قرار بود که امروز تولیدش را در ساعت ۷ صبح از سر گیرد. ما هنوز تأییدیه رسمی در مورد تولید سیرپ دریافت نکرده‌ایم، ولی تصور می‌کنیم که تا امروز عصر ۵۰/۰۰۰ بشکه تولید نماید.

۶ - ایپاک دیروز عصر جریان انداختن کار تولید حوزه داریوش خود را آغاز نمود، لیکن پیشرفت کار کند بوده است. پرسنل ایپاک در جزیره خارک شروع به از سرگیری کارها نموده‌اند، ولی اکثر پرسنل ایپاک در تأسیسات و سکوهای دریایی هنوز از پایان دادن به اعتصاب خود امتناع می‌ورزند و ظاهراً پرسنل تأسیسات دریایی یا هنوز خبر پیدا نکرده‌اند که اکثر همکارانشان کار را شروع کرده‌اند و یا آن را باور نمی‌کنند.

۷ - مجموع تولید ایران در روز جاری بایستی ۳/۳ میلیون بشکه باشد که ۲/۸ میلیون بشکه آن آماده صادرات خواهد بود.

۸ - مدیر روابط عمومی شرکت نفت به ما اطلاع داده است که «کمیته اعتصابیون» در پالایشگاه آبادان اعلامیه‌ای صادر نموده است مبنی بر اینکه چون شاه قول داده تا تقاضاهای سیاسی آنها را

برآورده سازد، آنان به اعتصاب خود خاتمه خواهند داد. ظاهراً کارکنان پالایشگاه آبادان تقاضاهایشان برای الغاء کلیه قراردادهای نفتی و برکناری تمامی خارجیان از صنعت نفت را فراموش نموده و روی آزادی کلیه زندانیان سیاسی در آینده و استقرار یک دولت اساساً مستقل از شاه فعالیت می‌نمایند.

۹- از پیشرفت ۲ - ۳ روز گذشته خیلی استقبال شده و خوشبینی‌ها افزایش می‌یابد. در هر حال تعداد قابل توجهی از کارکنان اسکو هنوز کار نمی‌کنند و ممکن است به صورت فزاینده‌ای نسبت به روند جاری نگرانی پیدا کنند. سولیوان

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۴ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۲۱۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

۱- پس از شش روز بهبود متوالی در تولید نفت ایران، امروز کاهش کمی نسبت به ۳/۳ میلیون بشکه تولید شده در ۱۴ نوامبر به ۳/۲ میلیون بشکه روز جاری ایجاد شده است.

۲- خبرگزاری پارس و ظاهراً برخی از رسانه‌ها گزارش می‌کنند که اعتصاب نفت خاتمه یافته است. ما اطمینان نداریم که آیا این اخبار نتیجه سردرگمی بر سر اعلامیه دیروز کارکنان پالایشگاه آبادان مبنی بر خاتمه دادن به اعتصابشان است یا اینکه شرکت نفت سیاست فریب‌خبری را پیشه کرده است. در هر صورت تعداد قابل توجهی از کارکنان حوزه نفتی ایپاک و اسکو هنوز به کار اشتغال ندارند. همان طور که ما دیروز گزارش کردیم، اعتصابات حداقل به طور موقت علیه لاپکو، سیرپ و ایمینوکو پایان گرفته است. به نظر می‌رسد اعتصابات پرسنل پالایشگاهی شرکت نفت خاتمه یافته و امروز انتظار می‌رود میزان تولید قابل توجه باشد. در هر حال کارکنان ناراضی زیادی در دفتر مرکزی شرکت نفت وجود دارند که اگر کاری انجام دهند، میزان آن بسیار کم است.

۳- اسکو برنامه ریزی کرده تا امروز تولید خود را به ۲/۹۱۲/۰۰۰ بشکه برساند که ۶۲۰/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل می‌شود و ۲/۲۹۲/۰۰۰ بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود. ما مطلع هستیم که برکناری، اخراج از خانه‌های سازمانی و دستگیریهای پراکنده در مورد اعتصابیون اسکو ادامه دارد. کاهش تولید اسکو (از ۳ به ۲/۹ میلیون بشکه در روز) به لحاظ تعطیل یک واحد تولیدی بوده که آن هم به خاطر کمبود پرسنل انجام شده است. در وضعیت کارگری اسکو هیچ‌گونه وخامتی رخ نداده است، ولی پیشرفت به سرعتی که مورد نظر بوده انجام نشده و آنها (اسکو) خود را شدیداً در مضیقه حس می‌کنند.

۴- آن دسته از کارکنان اسکو چه خارجی و چه ایرانی که هنوز به کار مشغول می‌باشند، همچنان تهدیداتی دریافت می‌دارند از دو روز پیش یعنی زمان وقوع حادثه پرتاب بمب آتش‌زا به اتومبیلی که رانندگی آن با مدیر عامل اسکو بوده است، ما هنوز چیزی از حادثه جدی دیگری شنیده‌ایم.

در هر حال میزان تشنج هنوز بالا است. مقامات حکومت نظامی در تلاشی به منظور جلوگیری از حملات بیشتر به کارکنان اسکو و خانه‌های آنان، نیروهایی را به مناطق مسکونی اسکو اعزام نموده و

پستهای فرماندهی در آن مناطق برقرار نموده‌اند.

۵ - در وضعیت ایپاک از دیروز تغییری حاصل نشده است. تولید بسیار ناچیز است و کارکنان تأسیسات دریایی هنوز از بازگشت به سر کارهایشان امتناع می‌ورزند. مقامات آموکو فکر می‌کند که نیروهای نظامی ممکن است حداقل به برخی از سکوهای دریایی ایپاک رفته و به منظور شکستن اعتصاب شروع به دستگیری رهبران اعتصابیون بنمایند.

۶ - مجموع تولید امروز ۳/۲ میلیون بشکه خواهد بود که به ترتیب زیر است:

اسکو - ۲/۹ میلیون، لاپکو - ۰/۲ و مجموع سیرپ و ایمینوکو ۰/۱. نفت خام آماده برای صادرات ۲/۶ میلیون بشکه خواهد بود.

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۱۸ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۷ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۳۰۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - امروز یعنی ۱۸ نوامبر مجموع تولید ایران افزایش یافت و قرار است که در سطح ۳/۶۷ میلیون بشکه باشد که ۳ میلیون بشکه آن آماده صادرات به صورت خام خواهد بود، ارقام نشان دهنده پیشرفت در سطح خوبی می‌باشند، لیکن وضعیت هنوز حالت انفجاری شدیدی دارد.

۲ - شب گذشته هنگامی که یک کوکتل مولوتف به طرف خانه مدیر ایرانی عملیات منطقه‌ای اسکو پرتاب شد، میزان تشنج در اهواز شدت یافت. این حادثه هیچ گونه جراحتی در بر نداشت. نماینده محلی کنسرسیوم به ما گفت که تعداد زیادی از پرسنل اسکو به خاطر اینکه حضور پلیس در مناطق مسکونی اسکو برای برقراری حفاظت مفید کافی نیست، عصبانی هستند و امکان دارد که تعداد قابل توجهی از پرسنل خارجی در صورت وخیم تر شدن اوضاع ایران را ترک نمایند.

۳ - نشانه دیگری مبنی بر این که ممکن است مسائل به طریقی که تا به حال جریان داشته‌اند، ادامه نیابند، این است که برخی از رهبران اعتصابیون که قبلاً مسئله اعتصاب علیه لاپکو را حل کرده‌اند، تهدید به از سرگیری اعتصابات نموده‌اند. گروه نسبتاً کوچک کارکنان تندرو و پر سر و صدای لاپکو که قبلاً دو بار توانایی خود به اعمال نفوذ و زور در مورد همکارانشان را نشان داده‌اند، چون که اعتصابات ایپاک و اسکو ادامه دارد، این سؤال را مطرح می‌نمایند که آیا تصمیم آنها به از سرگیری کار تصمیم صحیحی بوده است یا خیر.

۴ - پرسنل تأسیسات دریایی ایپاک هنوز از کار کردن امتناع می‌ورزند و در نتیجه تولید به حدود ۳۰/۰۰۰ بشکه از حوزه داریوش محدود است. مدیریت ایپاک منتظر مداخله ارتش و شروع دستگیری رهبران اعتصاب سکوهای دریایی است.

۵ - اسکو در نظر دارد که امروز ۳/۳۴۵/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۶۶۷/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۲/۶۷۸/۰۰۰ بشکه نیز آماده برای صادرات خواهد بود. تولید لاپکو ۲۱۵/۰۰۰ تا ۲۲۵/۰۰۰ بشکه در روز است. مجموع تولید سیرپ و ایمینوکو ۹۰/۰۰۰

بشکه در روز است و حوزه نفت شاه شرکت نفت ۱۵/۰۰۰ بشکه تولید می‌نماید. (نظریه: ما کسب اطلاع کرده‌ایم که شرکت ملی نفت هرگز مجبور به تعلیق تولید نفت شاه نشد و در تمام دوران اعتصاب تولید این حوزه در سطوح معمولی آن بوده است، لیکن این اطلاع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نمی‌باشد.) سولیوان

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۸ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۳۴۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱ - تولید نفت خام ایران هنوز به صورت بطبی افزایش می‌یابد و امروز ۱۹ نوامبر ۳/۸ میلیون بشکه برای تولید برنامه ریزی شده که ۳/۱ میلیون بشکه آن آماده صادرات خواهد بود.

۲ - اسکو ۳/۴۵۲/۰۰۰ بشکه تولید خواهد نمود که ۶۵۷/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۲/۷۹۵/۰۰۰ بشکه به صورت خام صادر خواهد شد. انتظار می‌رود فردا بین دویست تا سیصد هزار بشکه بر تولید اضافه شود. لاپکو، سیرپ، ایمینکو و شرکت نفت به تولید خود کمی بالاتر از ۳۰۰/۰۰۰ بشکه ادامه خواهند داد.

۳ - پرسنل ایپاک که در دریا فعالیت دارند، هنوز در اعتصاب به سر می‌برند و تولید محدود به آن چاههایی است که در حوزه نفتی داریوش قرار دارند، و دارای خطوط انتقال مستقیم از چاهها به جزیره خارک می‌باشند. امروز روز تعویض خدمه و کارکنان می‌باشد و مدیریت ایپاک که توسط پرسنل نیروی دریایی ایران حمایت می‌شوند بر اعزام کارمندان جدید ایپاک به مناطق دریایی به منظور بیرون راندن آنهايي که کار نمی‌کنند، نظارت خواهند نمود.

۴ - اسکو در ۱۸ نوامبر کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی ۶۰۰۰ را راه‌اندازی نمود و قرار است تا فردا کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی دیگری به جریان افتد. شرکت ملی گاز ایران مسائل کارگری خود را حل نموده و بنا به گزارش کارخانه آماده‌سازی گاز بید بلند آن قادر به انجام عملیات (آماده‌سازی) بر روی تمامی گاز حمل شده از واحدهای مایع‌سازی گاز طبیعی می‌باشد. دیروز برای اولین بار در خلال دو هفته گاز در ایگات - ۱ در قسمت ترمینال جنوبی واقع در بید بلند جریان یافت. اگر اسکو به دایر کردن کارخانجات مایع‌سازی گاز طبیعی (NGL) ادامه دهد و در بید بلند مشکلاتی وجود نداشته باشد، شرکت ملی گاز ایران حداقل بایستی قادر باشند تا حمل مقداری گاز به صنایع و مشتریان بخش تجاری را در خلال چند روز آینده شروع نماید. هنوز حتی تعمق راجع به زمان از سرگیری صادرات به شوروی زود است. ۵ - در همین رابطه اکثر کارمندان ایرانی شرکت شیمیایی خارک (۵۰ درصد ان. پی. سی و ۵۰ درصد آموکو) امروز صبح محل کار خود را ترک گفتند. کارخانه هنوز در سطوح کاهش یافته (تولید) به وسیله کارمندان قسمت سرپرستی که مشتمل بر ایرانی و خارجی می‌شود، فعالیت می‌نماید. به هر صورت آموکو ممکن است عمداً اجازه دهد که کارخانه تعطیل شود، تا توجهات را به جنگ در حال باختی که فکر می‌کنند، آنها بر پا کرده‌اند جلب نمایند. تعطیلی شرکت

شیمیایی خارک فوراً مشهود خواهد گردید، زیرا عرضه گاز برای مصرف سوختی تمامی جزیره خارک را کاهش می دهد و همراه سایر مسائلی که ایجاد می نماید دو واحد اصلی نمک زدایی آب را که با گاز کار می کنند و تقریباً تمام آب آشامیدنی خارک را تأمین می نمایند، متوقف خواهد نمود. ۶- در تهران شایعاتی گسترش یافته مبنی بر استعفای هوشنگ انصاری رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و جایگزینی وی با شریف امامی نخست وزیر اسبق و یا یک ژنرال. منابع ما شایعات را تکذیب می نمایند، لیکن توافق دارند که امکان بازگشت انصاری برای اداره شرکت ملی نفت بسیار بعید است. سولیوان

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۲۰ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۹ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۳۶۹
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفتی ایران

۱- وضعیت حوزه های نفتی ایران به استثنای اعتصاب مداوم در لاپکو، ممکن است بکندی به حالت عادی بازگردد. امروز ۲۰ نوامبر مجموع تولید در سطح ۴/۱ میلیون بشکه در نظر گرفته شده است که ۳/۴۶ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات به صورت خام خواهد بود.

۲- اسکو در نظر دارد ۳/۷۴۳/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۶۳۲/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاه های داخلی حمل می شود* ۳/۱۰۲/۰۰۰ بشکه نیز صادر خواهد شد. اسکو انتظار دارد که فردا ۴ میلیون بشکه تولید نماید و امیدوار است که ظرف ۱۰ روز به سطح ۵/۶ - ۵/۵ میلیون بشکه برسد. براساس گفته نماینده محلی کنسرسیوم میزان تشنجات در مناطق نفتی اهواز و خوزستان کاهش یافته و مدیریت اسکو از هفته های گذشته به مراتب خوشبین تر است.

۳- دیگر منابع سفارت اظهار می دارند که وضعیت هنوز هم وخیم است و به سادگی و به سرعت می تواند بدتر هم بشود. امروز به ما گفته شد که مقامات حکومت نظامی همچنان به دستگیری اعتصابیون اسکو ادامه می دهند و برخی از اعتصابیون که بر سر کارهایشان حاضر نشده اند در خلال شب در خانه هایشان دستگیر شده اند.

۴- نیروی دریایی ایران آن طور که انتظار می رفت دیروز در مقابل کارگران اعتصابی ایپاک که در دریا کار می کنند، نقش فعالی بر عهده نگرفت و خدمه جدید که به تأسیسات دریایی عزیمت کردند کاری انجام نمی دهند. تولید ایپاک در حوزه داریوش ۴۵ تا ۵۰ هزار بشکه در روز است. در وضعیت شرکت شیمیایی خارک تغییری حاصل نشده است. اعتصاب ادامه دارد لیکن خدمه ای در حد بسیار کم همچنان به تولید بنزین کافی برای تدارک سوخت جزیره خارک ادامه می دهند.

۵- تولیدکنندگان دیگر یعنی لاپکو، سیرپ، ایمنوکو و شرکت نفت به تولیدی در حدود ۳۲۵/۰۰۰ بشکه در روز ادامه می دهند. برای دو روز گذشته کارکنان لاپکو مبادرت به تکرار تهدیدات برای از سرگیری اعتصابشان نموده اند. سولیوان

* - اعداد، دقیقاً مانند متن اصلی هستند. اختلاف موجود در مجموع دو عدد با میزان تولید کل ناشی از اشتباه در متن اصلی است. (م)

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ آبان ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۱۱۴۲۴
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

- ۱- تولید نفت ایران همچنان که در وضعیت کارگری به تدریج بهبودی حاصل شد، رو به افزایش می‌رود. انتظار می‌رود تولید امروز یعنی ۲۱ نوامبر مجموعاً به $4/3$ میلیون بشکه برسد که $3/66$ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات به صورت خام خواهد بود.
 - ۲- اسکو در نظر دارد $3/968/000$ بشکه تولید نماید که $682/000$ بشکه آن به پالایشگاه‌های داخلی محل خواهد شد و $3/826/000$ بشکه نیز صادر می‌شود. حدود ۸۰ درصد کارکنان اسکو بر سر کارهایشان حاضر هستند. برخی از کارگران تهدید کرده‌اند که چنانچه همکارانشان که در بازداشت به سر می‌برند آزاد نشوند، کارشان را رها خواهند کرد. دولت ایران بنا به گزارش آزادی برخی از کارکنان بازداشتی را که به نظر می‌رسد مایل به بازگشت به سرکارهایشان می‌باشند، مورد بررسی قرار می‌دهد.
 - ۳- تولید روزانه ایپاک هنوز محدود به $4/5000$ بشکه از حوزه داریوش می‌باشد، پرسنل نیروی دریایی سه سکوی دریایی را اشغال نموده‌اند و به اعتصابیون تا ساعت ۱۶ روز ۲۱ نوامبر فرصت داده‌اند تا به سرکارهایشان بازگردند.
 - ۴- دیگر تولید کنندگان همچنان به تولیدی به میزان $325/000$ بشکه در روز ادامه می‌دهند.
- سولیوان

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱ آذر ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۱۱۴۹۷
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

- ۱- تولید نفت ایران در ۲۲ نوامبر حدوداً یک میلیون بشکه افزایش یافت که در نتیجه بهبود مشخص وضعیت کارگری در مناطق نفتی بود. انتظار می‌رود که تولید مجموعاً به حدود $5/2$ میلیون بشکه برسد که $4/5$ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود.
- ۲- اسکو در نظر دارد که $4/682/000$ بشکه تولید نماید که $707/000$ بشکه آن به پالایشگاه‌های داخلی حمل خواهد شد. انتظار می‌رود فردا افزایش اساسی دیگری در تولید اسکو پدید آید که آن را به حدود عادی خواهد رسانید. جزییات موضوع مشخص نیست، لیکن سفارت تصور می‌کند که افزایش ثبت شده در تولید بدین معنی است که اعتصاب در اسکو به نحو مؤثری حداقل برای حال حاضر حل شده است.
- ۳- کارکنان ایپاک نیز در ۲۲ نوامبر به سر کارهایشان بازگشتند. انتظار می‌رود تولید ایپاک (حدود

۲۰۰/۰۰۰ بشکه در ۲۲ نوامبر) تا ۲۳ نوامبر به حالت عادی آن یعنی چیزی بیش از ۴۰۰/۰۰۰ بشکه باز گردد. کارکنان ایپاک پس از کمی تردید ظاهراً از جانب افسران مسئول نیروی دریایی اطمینان حاصل نمودند که تقاضاهایشان برای حقوق و دیگر مزایا به نحو اساسی برآورده خواهد شد. ۴ - اگر افزایشها در تولید پیش‌بینی شده برای ۲۳ نوامبر به همان نحو که انتظار می‌رفت تحقق می‌یافت، تولید نفت ایران عملاً به میزان اصلی آن اعاده می‌گردید، مگر در موارد معدودی که روشهای پیچیده‌ای می‌بایست به کار گرفته شود. به نظر می‌رسد یک نوع متارکه آزمایشی در مورد دعوای کارگری حاصل گردیده باشد، ولی به قیمت وعده اعطای امتیازات مهم اقتصادی. سولیوان

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۸ آبان ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۷۰۱
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: تهران ۱۱۶۵۴ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گزارش وضعیت بخش نفت

۱ - همان طوری که در گزارش دو روز پیش ما پیش بینی شده بود، تولید بکندی افزایش می‌یابد و امروز یعنی ۲۹ نوامبر به میزان ۵/۹ میلیون بشکه خواهد بود که ۵/۲ میلیون بشکه آن آماده برای صادرات خواهد بود. اسکو ۵/۲ میلیون بشکه تولید خواهد کرد، ایپاک در سطحی معادل ۳۷۵/۰۰۰ بشکه تولید می‌نماید و انتظار دارد تا فردا ۵۰/۰۰۰ بشکه دیگر نیز به آن افزوده شود و دیگر تولید کنندگان یعنی لاپکو، سیریپ، ایمینوکو، سوفیران و شرکت نفت در سطح ظرفیت خود تولید می‌نمایند که مجموعاً ۳۲۵/۰۰۰ بشکه در روز می‌رسد.

۲ - هر چند تولید و صادرات به نحو خوبی پیش می‌روند، ولی شرکت ملی نفت ایران همچنان دارای مشکلات عدیده‌ای می‌باشد. پالایشگاههای آبادان، کرمانشاه و تبریز به صورت عادی فعالیت می‌نمایند و اولین خط تولید پالایشگاه اصفهان راه‌اندازی شده و در حال کار است. در هر صورت پالایشگاه شیراز هنوز تعطیل است و تولید پالایشگاه تهران فقط صد تا صد و پانزده هزار بشکه در روز است (ظرفیت = ۲۲۵/۰۰۰ بشکه در روز) و علت آن این است که پرسنل کافی برای اداره هر دو خط وجود ندارد. علاوه بر این شرکت نفت نگران این است که برخوردهای خشونت بار اخیر در دفتر مرکزی آن شرکت در تهران (تلگرام مرجع) ممکن است باعث ترک کار عده دیگری از کارکنان پالایشگاه شود که به نو به خود می‌تواند، امر پالایش در پالایشگاه حساس تهران را کاهش بیشتری داده و یا حتی آن را متوقف سازد.

۳ - شرکت ملی نفت ایران تاکنون هر چند که تولید پالایشگاه تهران برای یک ماه به شدت کاهش یافته است، قادر بوده تا با استفاده از موجودی پالایشگاه و انتقال تولیدات از آبادان به تهران توسط یک خط لوله، تقاضای تولیدات تصفیه شده را بر آورده سازد. در هر حال موجودی بدون شک در سطح پایینی قرار دارد و در ۲۷ نوامبر ۲۰۰ نفر از کارگران خط لوله تهران - آبادان اعتصاب کردند. میزان بازدهی خط تولید کاهش یافته است و عملیات صرفاً توسط گروه کاملی از پرسنل سرپرستی انجام می‌شود. وضعیت به سادگی می‌تواند وخیم‌تر شده و شرکت نفت و دولت ایران شدیداً نگران

احتمال تعطیلی خط تولید هستند.

۴ - یکی از امکانات آسودگی خیال احتمالی افزایش بازدهی پالایشگاه تهران است و شرکت نفت در تلاش برای دستیابی بدین منظور کارکنان عملیاتی پالایشگاه را از آبادان به تهران می‌آورد. (خوانندگان به خاطر می‌آوردند چندین هفته قبل هنگامی که پالایشگاه آبادان در معرض خطر تعطیلی قرار داشت، کارگرانی از تهران به آبادان اعزام شدند).

۵ - علیرغم فقدان هر گونه اشاره‌ای از جانب رسانه‌ها (آن مقدار کمی که باقیمانده است) در خصوص کمبود احتمالی تولیدات تصفیه شده، افکار عمومی نسبت به آن آگاهی دارد. صفوف تشکیل شده در پمپ بنزینهای تهران بین ۴ تا ۶ بلوک طول دارد و تقاضای نفت سفید و نفت گاز ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از میزان آن در سال گذشته است. سولیوان

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۴ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۳ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۸۳۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - وضعیت کارگری حوزه‌های نفتی ایران همچنان وخیم‌تر می‌شود. علاوه بر ایپاک که کل تولید را در ۳ دسامبر متوقف نمود، لاپکو نیز به لحاظ اعتصاب جدید مجبور شد از ساعت ۷ صبح روز ۴ دسامبر کار تولید را کاملاً متوقف نماید. علاوه بر این تعداد قابل توجهی از کارکنان اسکو مجدداً اعتصاب کرده‌اند و در نتیجه آن هر شش کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی تعطیل شده و امروز یعنی ۴ دسامبر برنامه‌ریزی تولید برای ۴/۴۴۱/۰۰۰ بشکه در روز است که ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه کمتر از میزان تولید شده در ۵ روز گذشته است. این امر حتی ممکن است شدیداً خوش بینانه باشد، زیرا ما از چندین منبع کسب اطلاع کرده‌ایم که کارگران همچنان به ترک کار ادامه می‌دهند و نگرانی تجدید شده‌ای وجود دارد که تولید می‌تواند به سادگی و سریعاً به سطوح شدیداً پایین اوائل نوامبر کاهش یابد.

۲ - در نتیجه تعطیل کارخانجات مایع‌سازی گاز طبیعی، تحویل گاز به ایگات - ۱ دچار وقفه شده و صادرات به روسیه نیز از روی اجبار متوقف گردیده است. علاوه بر این اگر کارخانجات مایع‌سازی گاز طبیعی برای بیش از چندین روز تعطیل شوند، کارخانه LPG بندر ماهشهر نیز اجباراً تعطیل شده و در نتیجه کمبود بنزین را تشدید خواهد نمود. ما انتظار داریم که شرکت ملی گاز ایران به زودی شروع به قطع انتقال گاز به صنایع داخلی بنماید.

۳ - سیویپ و ایمینوکو هنوز به تولید ادامه می‌دهند (به ظرفیت مجموع ۹۰/۰۰۰ بشکه در روز) لیکن منابع ما در شرکت ملی نفت ایران انتظار دارند که کارگزارانشان به زودی دست به اعتصاب بزنند. حتی اگر کارگران ایمینوکو اعتصاب نمایند، این شرکت فقط قادر است حدود ۲ تا ۳ روز دیگر به تولید ادامه دهد چونکه تمامی نفت خام ایمینوکو از طریق ترمینال لاپکو صادر می‌شود که به خاطر اعتصاب در آن شرکت تعطیل است و مخازن ایمینوکو نیز که در جزیره لاوان قرار دارند به زودی پر

خواهند شد.

۴ - مجموع تولید ۴ دسامبر ممکن است ۴/۵۵ میلیون بشکه باشد (در صورتی که پیش بینی‌های اسکو برای اوائل روز تحقق یابند) که ۷۹۵/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی و ۳/۷۵ میلیون نیز آماده برای صدور به صورت خام خواهد بود.

۵ - ایپاک دیروز حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان جوان خود را از جزیره خارک انتقال داد، لیکن امروز شواهد بر این دلالت دارند که هنوز کارکنان ارشدتر ایرانی تمایلی به از سرگیری تولید ندارند.

۶ - وضعیت پالایشگاه تهران به نظر می‌رسد که حدوداً مثل گذشته باشد (یعنی مطلوب نیست ولی حساس هم نیست). بنا به گزارش پالایشگاه کرمانشاه به حالت عادی عمل می‌نماید. پالایشگاه تبریز که تاکنون از اعتصابات لطمه‌ای ندیده بود، مجبور شد که تولید را به خاطر ترک کار از طرف کارگران و یا توقف آن، کاهش دهد. پالایشگاه اصفهان که یک خط آن اواخر نوامبر با کمک فلور راه‌اندازی شده بود تعطیل شد و پرسنل تعمیرات و نگهداری و کارگاه تعمیراتی پالایشگاه آبادان مجدداً اعتصاب نموده و منابع مادر شرکت نفت انتظار دارند که اعتصاب به پرسنل عملیاتی نیز سرایت نماید.

۷ - کلیه منابع ما گزارش می‌کنند که از سرگیری فعالیت اعتصابی در بخش نفت منحصرأ به دعوت خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه مشهود از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد. مقامات حکومت نظامی اهواز مجدداً برخی از اعتصابیون را دستگیر می‌نمایند که احتمالاً برخی از افرادی هستند که دو سه روز پیش دستگیر شده و بعداً آزاد گردیدند و یا برخی از افرادی که دو سه هفته پیش آزاد شدند و متعاقباً تحت مراقبت مشغول به کار گردیدند.

۸ - ما انتظار داریم که وضعیت حداقل در خلال چند روز آینده بدتر شود.

سولیوان

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۵ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۴ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۸۷۳

از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - همان طوری که کارکنان بیشتری به اعتصابیون می‌پیوندند تولید نفت ایران مستمراً کاهش می‌یابد. اسکو نتوانست به هدف خود برای تولید ۴/۴۴ میلیون بشکه در روز ۴ دسامبر برسد و تولید واقعی حدوداً به ۴/۲ میلیون بشکه کاهش پیدا کرد (۴/۱ توسط اسکو ۰/۱ بوسیله سیرپ، ایمینوکو، شرکت نفت و سوفیران).

۲ - امروز یعنی ۵ دسامبر اسکو انتظار دارد که ۳/۶۱۰/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۶۷۸/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده صادر خواهد گردید. در هر حال این برآورد (مثل دیروز) براساس این فرضیه پیش بینی و تعیین شده است که وضعیت کارگری حوزه‌ها با پیشرفت روز وخیم‌تر نخواهد شد و ممکن است یک فرضیه اساساً غلط باشد.

۳ - ایپاک و لاپکو هنوز به طور کامل تعطیل هستند. سیرپ، ایمینوکو، سوفیران و شرکت نفت

(حوزه نفت شاه) همچنان تولید می‌کنند، ولی میزان آن فقط صد هزار بشکه است. ایمنوکو ممکن است مجبور شود فردا کل تولید را متوقف نماید و آن به خاطر عدم توانایی در صدور از طریق تأسیسات بارگیری است که به لحاظ اعتصاب تعطیل شده‌اند.

۴- وضعیت پالایش از دیروز تغییری نیافته و وضع خوبی ندارد، ولی تنها دلگرمی این است که به نظر نمی‌رسد بدتر شود.

۵- تماس‌های ما با یک سری از منابع صنعتی، ما را مجبور نموده که قبول کنیم شرکت نفت و دولت ایران از حالا تا ۱۲ دسامبر کاری برای شکستن اعتصاب انجام نخواهند داد. ارتش پس از عاشورا تلاش خواهد نمود تا اعتصاب را با به خدمت گرفتن تاکتیک‌های مشابهی که قبلاً در اواسط نوامبر موفقیت خود را به ثبوت رسانیده‌اند (یعنی تقاضای اینکه اعتصابیون به سر کارهایشان باز گردند، یا اخراج شده و از خانه‌های سازمانی بیرون رانده شوند و یا امکان دستگیری مواجه باشند) اعتصاب را بشکنند. سولیوان

سند شماره (۳۱)

تاریخ: ۶ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۵ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۱۹۵۲
از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱- تولید نفت خام ایران همچنان کاهش می‌یابد و امروز یعنی ۶ دسامبر مجموع تولید برای ۳/۰۵ میلیون بشکه برنامه‌ریزی شده است، که ۷۰۰/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاه‌های داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده صادر خواهد شد. در هر صورت تخمین امروز (مثل تخمین‌های دو روز گذشته) احتمالاً خیلی خوش‌بینانه است و سفارت تخمین می‌زند که تولید واقعی از میزان پیش بینی شده شاید ۲۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر باشد.

۲- مدیریت اسکو عقیده دارد که تولید در سطحی خیلی بالاتر از ۱/۱ میلیون بشکه در روز تثبیت خواهد شد که ماه گذشته تولید شده بود و این به خاطر در دسترس قرار داشتن ۱۶۰ تکنسین نیروی دریایی ایران است که برای فعال کردن تأسیسات نفتی آموزش دیده‌اند. این امر ممکن است امکان‌پذیر باشد لیکن فرض بر این قرار می‌گیرد که تحصن و ترک کار پرسنل عادی ممکن است اساساً گسترده‌تر از ماه گذشته نباشد، و بایستی دید که به چه نحو عمل خواهد شد.

۳- در خلال ۲۴ ساعت گذشته هیچ‌گونه تغییراتی در وضعیت تولیدکنندگان دیگر (شرکت‌های طرف سرمایه‌گذارهای مشترک، سوپیران و شرکت نفت) یا پالایشگاه‌ها وجود نداشته است. در هر حال ما امروز صبح از مدیر توزیع داخلی و فروش شرکت نفت (حفاظت شود) کسب اطلاع کردیم که موجودی نفت سفید و نفت گاز به شدت پایین است و تولید جاری پالایشگاه، تقاضا را تأمین نمی‌نماید. منبع ما گفت هر چند که هوا نسبتاً ملایم است، ولی تقاضای مشتقات حد وسط (میانی) تقریباً ۵۰ درصد بیشتر از میزان سال گذشته آن در همین تاریخ است. او پیش‌بینی می‌کند که کمبودهای جدی پیش خواهد آمد و به سادگی خواهند توانست سیستم توزیع را در هم بریزند. منبع ما

همچنین گفت که شرکت نفت در بازار جهانی در تلاش انجام برخی خریدهای مقطعی تولیدات است، لیکن از این وحشت دارد که این کار ممکن است برای جلوگیری از بحران خیلی دیر باشد.

۴ - طبق شایعات جاری، قرار است دکتر پرویز مینا (مدیر سابق امور بین الملل) به عنوان مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران جانشین هوشنگ انصاری شود. براساس گفته یک منبع نزدیک به مینا، شغل به وی پیشنهاد شده است، لکن وی قبل از تقبل آن خواهان برخی تأمینات (نامعلوم) شده است. خبری که به این شایعه اساس و پایه‌ای داده است، این بود که مینا اواخر هفته گذشته به صورت غیر منتظره‌ای به تهران بازگشت. ما از انتصاب دکتر مینا متعجب نخواهیم شد، لیکن تردید داریم که چنین حرکتی قبل از عاشورا یعنی ۱۱ دسامبر ۱۹۷۸ انجام شود. سولیوان

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۱۳۵۷
 از: سفارت آمریکا - تهران
 به: وزارت خارجه - واشنگتن
 شماره: ۱۲۰۴۳
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - به نظر می‌رسد که وخیم‌تر شدن وضعیت بخش نفت ایران حداقل به طور موقت متوقف شده باشد. تولید نفت خام توسط اسکو در ۸ دسامبر در سطح ۲/۷۵۶/۰۰۰ بشکه برنامہ ریزی شده است (حدود و مقادیر دو روز قبل) که ۶۸۱/۰۰۰ بشکه به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و باقیمانده آماده صادرات خواهد بود. ما تصور می‌کنیم (لیکن به لحاظ تعطیلات آخر هفته ایران نمی‌توانیم آنرا تأیید نماییم) که دیگر تولید کنندگان کوچک بجز ایپاک و لاپکو که هنوز کاملاً تعطیل هستند، فعلاً حدود ۱۲۵/۰۰۰ بشکه تولید می‌نمایند.

۲ - وضعیت امنیتی اهواز در نتیجه برخورد روز ۷ دسامبر در گورستان اهواز بین سربازان و گروهی از مردم شهر متشنج‌تر شده است و بنا به گزارش چهار نفر از مردم شهر کشته شدند. کارمندان اسکو چه ایرانی و چه خارجی که مشغول به کار هستند تهدیدات مکرری دریافت می‌دارند، لیکن برنامه ارباب به نظر می‌رسد که از ماه گذشته موفقیت کمتری داشته است. ما فکر می‌کنیم که روحیه افراد در مناطق نفتی هنوز نسبتاً خوب است، که شاید تا حدودی به لحاظ تلاش فراوان ارتش در استفاده از منابع زیادش جهت برقراری امنیت مؤثر برای پرسنل صنعت نفت بوده باشد.

۳ - وضعیت پالایشگاهها و سیستم توزیع داخلی بنا به گزارش تغییری نیافته است، مگر به خاطر تعطیلی ۶ دسامبر به لحاظ اقدام به اعتصاب که آن هم در حدود ۸۰۰/۰۰۰ بشکه است. مسائل مبتلا به اعتصاب، سیاسی و رفاهی هستند. کنسولگری تبریز گزارش می‌کند که ذخایر پالایشگاه از سه روز بیشتر نیست. سولیوان

سند شماره (۳۳)

تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۱۷۶ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - تولید نفت خام ایران کمی کاهش یافته و مجموع تولید برنامه‌ریزی شده بر ای ۱۳ دسامبر ۱/۱۷ میلیون بشکه است که فقط به میزان خیلی کمی بیش از مقدار تولید شده در سطح پایین روز ۸ نوامبر است. تحویل نفت خام به پالایشگاهها نیز پایین است و کمبودهای جدی در تولیدات پالایش شده غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد.

۲ - اسکو در نظر دارد روز ۱۳ دسامبر ۱/۱۰۲/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۵۳۰/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل می‌شود و ۵۷۱/۰۰۰ بشکه نیز آماده صادرات خواهد بود. نمایندگان محلی کنسرسیوم نمی‌دانند کاهش ۱۴۶/۰۰۰ بشکه‌ای امروز در اثر چه عاملی بوده است.

۳ - هیچگونه تغییری در وضعیت شرکت‌های ایپاک و لاپکو که تعطیل شده‌اند به وجود نیامده است. اعتصابیون شرکت‌های طرف سرمایه‌گذاری مشترک حتی این را که چه موقع و تحت چه شرایطی کار را شروع خواهند کرد، با مدیریت در میان نمی‌گذارند. سیرپ، سوفیران و شرکت نفت همچنان به تولید حدود ۷۰/۰۰۰ بشکه ادامه می‌دهند. سولیوان

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۱ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۲۵۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۱۴ دسامبر

۱ - مجموع تولید نفت خام ایران در ۱۴ دسامبر ۱/۲ میلیون بشکه خواهد بود که درست به میزان تولید شده روز پیش است. وضعیت تولید در حال حاضر با ثبات است، لیکن خیلی شکننده می‌باشد و وضعیت تا آنجایی که به پالایش مربوط می‌شود رو به وخامت می‌گذارد.

۲ - اسکو امیدوار است و خصوصاً بیش از آن انتظار نیز دارد که تولید را در سطح ۱/۱ میلیون بشکه نفت روزانه حفظ کند، در هر حال وضعیت کارگری می‌تواند بدتر هم شود و در آن صورت سطح تولید به ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز نیز می‌رسد. این میزان حداقل همچنان می‌تواند با ۱۵۰ تا ۱۶۰ تکنسین نیروی دریایی که در مناطق نفتی فعالیت می‌نمایند، حفظ گردد. ملوانان تنها کارکنان تولید مناطق پاریز و کرنج می‌باشند و نیز می‌توانند دو واحد تولیدی دیگر را نیز اداره نمایند. آنان در شیفت‌های ۱۲ ساعته کار می‌کنند و در تأسیسات رفاهی منطقه بندری سکونت دارند.

۳ - اعتصاب فعلی کارکنان اسکو به نحو قابل ملاحظه‌ای از اوائل نوامبر گسترده‌تر است. علاوه بر این خیلی از آنهایی که هنوز کار می‌کنند به سرپرستان خود گفته‌اند که فقط به منظور تولید نفت خام کافی برای بازار داخلی کار می‌کنند. آنان تهدید کرده‌اند که چنانچه اسکو مبادرت به افزایش تولید نماید و یا پرسنل نظامی را در کنار آنان وارد کار نماید، دست از کار خواهند کشید و بنابر این

تکنسینهای نیروی دریایی منزوی شده و تنها مسئولیت واحدهای تولیدی مشخصی به آنان واگذار گردیده است.

۴ - برخی از اعتصابیون نیز تهدید نموده‌اند چنانچه تولید افزایش یابد به تاکتیکهای خشنی دست خواهند زد و مقامات باتجربه و سطح بالای آمریکایی اسکو متقاعد شده‌اند که تهدیدات جدی هستند. امروز صبح یکی از مقامات ارشد اسکو به ما گفت که تولید می‌تواند با پرسنل موجود کمی افزایش یابد؛ لیکن ترس از تلافی تاکنون از آن جلوگیری نموده است. مقام اسکو که ما با وی گفتگو نموده‌ایم گفت که اعتصابیون اظهار داشته‌اند هیچ‌گونه شکایتی از شرکت ندارند، بلکه اعتصاب یک مسئله ایدئولوژیک است و بنابراین مدیریت اسکو در گفتگو راجع به بازگشت به کار صرفاً وقت خود را تلف می‌کند. منبع ما که اعتماد زیادی به وی داریم، انتظار ندارد که پس از تعطیلات آخر هفته تعداد زیادی به سر کار بازگردند.

۵ - اسکو، شرکت ملی نفت و نیروی دریایی خودشان را برای مسائل بدتر از این هم آماده می‌کنند و دیروز در اهواز جلسه‌ای برای بحث در مورد اینکه ارتش به منظور کمک چه کارهای بیشتری می‌تواند انجام دهد، برگزار گردید. اسکو پیشنهاد کرد که ۵۰۰ ملوان دیگر از نیروی دریایی را آموزش دهد. پاسخ مقام عالی‌رتبه نیروی دریایی که در جلسه حضور داشت، این بود که انتقال ۵۰۰ ملوان دیگر مستلزم کنار گذاشتن دو ناوشکن است و تأیید این مطلب بایستی از تهران بیاید.

۶ - امروز صبح ارقام دقیق تولید و تفکیک آن به صادرات و مصرف پالایشگاههای داخلی قابل دسترسی نبودند. به هر صورت به ما اطلاع داده شد که در ۱۴ دسامبر ۱/۱ میلیون بشکه توسط اسکو تولید خواهد شد و میزان قابل حمل به پالایشگاه آبادان از ۱۳ دسامبر کمتر خواهد بود. (از هنگامی که میزان آن ۵۴۴/۰۰۰ بشکه بود)، در صورتی که حمل محمولات به پالایشگاه تهران در حدود قبلی خواهد بود (میزان حمل در ۱۳ دسامبر ۷۴/۰۰۰ بشکه بود) منبع ما سوءظن ما در مورد افزایش مشکلات کارگری پالایشگاه آبادان را تأیید نموده (که در ۱۱ دسامبر طی تلگرام ۱۲۰۹۹ - تهران گزارش شد) و گفت که وضعیت بسیار وخیم شده است. کمبودهای داخلی در زمینه نفت گاز و نفت سفید پدیدار شده است، ولی هنوز مشکلات جدی یا ترس و وحشت ایجاد نموده‌اند. ظاهراً واردات تولیدات پالایش شده در بندر ماهشهر شروع شده، ولی در بهترین وضعیت ورود تولیدات کافی برای جبران کمبودهای فعلی و در صورت دخالت ندادن مشکلاتی که در اثر بروز کاهش شدید در تولید پالایشگاه آبادان به وجود خواهد آمد، امر مشکلی خواهد بود. علاوه بر مشکل تأمین نیازهای وارداتی، تأسیسات بندر ماهشهر برای صادرات طرح ریزی و ساخته شده و آسان نخواهد بود که از همان تأسیسات برای اداره امور مقادیر زیاد واردات استفاده شود.

۷ - مشکل دیگری که در مقابل قرار داد فشار رو به کاهش گاز در خط لوله ایگات - ۱ است و همچنان گاز را برای مصارف خانگی داخلی تأمین می‌سازد و حدوداً از دو هفته پیش صادرات و مصارف تجاری صنعتی قطع شده است. حدود ۱۲۵ میلیون فوت مکعب استاندارد گاز به طور روزانه در واحدهای تولیدی اهواز سوزانیده می‌شود و این میزان گاز در صورتی که اسکو قادر بود تا یکی از کارخانجات مایع‌سازی گاز طبیعی را راه‌اندازی نمایند می‌توانست در خط لوله ایگات - ۱ جریان یابد. در هر صورت پرسنل در حال اعتصاب هستند و در ۱۳ دسامبر مقامات حکومت نظامی اهواز

مبادرت به شناسایی برخی از این اعتصابیون نمودند، به این منظور که سایر اعتصابیون را حتی به صورت موقت مجبور به بازگشت به سرکارهایشان بنمایند. از امروز یعنی ۱۴ دسامبر، مقامات حکومت نظامی قادر نبوده‌اند که حتی سرپرست ارشد کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی را پیدا نمایند.

۸ - وضعیت تولید کنندگان کوچکتر تغییری نیافته است. ایپاک، لاپکو و ایمینوکو کاملاً تعطیل هستند. سیرپ، سوفیران و شرکت نفت همچنان روزانه ۶۰ تا ۷۰ هزار بشکه تولید می‌نمایند.

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۲۷۸
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گزارش ۱۶ دسامبر در مورد بخش نفت

۱ - امروز یعنی ۱۶ دسامبر اسکو در نظر دارد ۱/۶۷۴/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۶۴۶/۰۰۰ بشکه به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۱/۰۲۸/۰۰۰ بشکه نیز برای صادرات آماده خواهد بود. سیرپ، سوفیران، و شرکت نفت همچنان به تولید ۶۶ تا ۷۰ هزار بشکه در روز ادامه می‌دهند.

۲ - افزایش ۴۰۰/۰۰۰ بشکه‌ای توسط اسکو نتیجه راه‌اندازی یک واحد تولیدی در گچساران و واحد دیگری در بی‌بی‌حکیمه است. کارکنان این دو واحد به صورت داوطلبانه امروز صبح به سرکارهایشان بازگشته‌اند ولی عملاً تنها کارگرانی هستند که به سر کار بازگشته‌اند. دیگر اعتصابیون هیچ‌گونه علائمی از قصد بازگشت نشان نداده‌اند، و بنابراین هنوز خیلی زود است که بگوییم بازگشت دو دسته از کارکنان روندی را نشان می‌دهد.

۳ - اسکو و مقامات شرکت نفت امروز با اعتصابیون جنوب ملاقات می‌نمایند تا به آنان بگویند، چنانچه به سرکارهایشان باز نگردند، وضعیت از کنترل آنها خارج است و مقامات حکومت نظامی اداره امور را به دست خواهند گرفت. ما انتظار داریم که ارتش فردا یعنی ۱۷ دسامبر شروع به اعمال فشارهایی بنماید. به نظر می‌رسد وضعیت وخیمتر از ماه گذشته است و با در نظر گرفتن اشاره خمینی به دعوت خود برای ادامه اعتصاب در بخش نفت ما در مورد امکان برخوردهای خشونت‌بار نگران هستیم.

۴ - حمل نفت خام به پالایشگاهها در حالی که هنوز به آرامی صورت می‌گیرد، برای دو روز متوالی گذشته افزایش داشته است. اکثر افزایشها در حمل محمولات به تهران بوده است. در زمینه نفت، گاز، نفت سفید کمبودهای داخلی وجود داشته است و خیلی از جایگاههای فروش بنزین در تهران در خلال دو روز گذشته با نیاز بیشتری از آنچه که می‌توانند برآورده سازند مواجه بوده‌اند، و در هر حال کمبودها هنوز حاد و بحرانی نیستند.

سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۳۱۱
 از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت - ۱۷ دسامبر

۱ - قرار است اسکو در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲/۱۴۰/۰۰۰ بشکه نفت تولید کند که ۶۵۴۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی تحویل خواهد شد و ۱/۴۹۵/۰۰۰ بشکه آن صادر خواهد شد. ایپاک، لاپکو و ایمینوکو هنوز هم تعطیل هستند، اما تولید کنندگان کوچک دیگر در حال تولید بین ۶۰ هزار تا ۷۰ هزار بشکه در روز هستند.

۲ - حدود ۵۰ درصد کارگران حوزه عظیم گچساران به محل کار خود بازگشته و ۳ واحد تولید مشغول کار است، که ظرفیت تولید کامل نیست. یکی از واحدهای تولیدی که در تاریخ ۱۶ دسامبر در بی‌بی حکیمه وارد مرحله تولید شد، به صورت عادی کار می‌کند. پرسنل ایرانی مشغول گرداندن حوزه‌های پاریز و کرنج هستند و حوزه اهواز نیز تا حدودی مشغول تولید است. با این وصف وضع کارگری در حوزه‌های اهواز، مارون و آغاچاری بهبود پیدا نکرده است.

۳ - ارتش خود را آماده دخالت مستقیم و فوری در این وضع کرده است، یکی از ژنرالهای ارتش به آغاچاری، دیگری به گچساران و دو سرهنگ به اهواز فرستاده شده‌اند، تا عملیات ارتش را در بازگردان تولید به وضع عادی رهبری کنند.

از اسکو خواسته شده که اسامی سران کارگران اعتصابی و افراد محرک را به ارتش بدهد و علاوه بر این به اسکو گفته شده که این گونه افراد در دادگاههای نظامی گچساران، آغاچاری یا اهواز تحت شرایط لایحه خرابکاری در صنعت نفت مربوط به سالهای ۳-۱۹۵۱ یعنی دوره ملی شدن نفت محاکمه خواهند شد.

دو شرکت مهمی که با سرمایه‌گذاری مشترک ایجاد شده، یعنی ایپاک و لاپکو نیز مطلع شده‌اند که همین اقدامات در مورد جزایر خارک و لاوان به عمل خواهد آمد و تیمهایی تحت سرپرستی افسران نظامی فردا وارد جزیره خواهند شد. ارتش به اسکو گفته است که سران و محرکینی که در زمینه خرابکاری در صنعت نفت (یعنی اعتصاب) مقصر شناخته شوند از خانه‌های سازمانی اخراج و اسامی آنها علناً اعلام خواهد شد تا نتوانند در آینده به استخدام دولت ایران و یا شرکتها و مؤسسات دولتی درآیند.

۴ - در مورد انتصاب تکنیسینهای دیگر نیروی دریایی به اسکو جهت آموزش و یا استخدام به عنوان کارگران حوزه نفتی چیز جدیدی شنیده‌ایم و گمان می‌کنیم که این تصمیم موکول به زمانی خواهد شد که ارتش بتواند کارگران اعتصابی را وادار به بازگشت نماید. با این حال، اگر لازم باشد که ۵۰۰ ملوان دیگر وارد حوزه‌های نفتی شوند، همان طور که به اسکو (در تهران ۱۲۲۵۴) گزارش شده، هیچ یک از ناوچه‌های نیروی دریایی بی پرسنل نخواهد ماند.

۵ - پالایشگاه تبریز در تاریخ ۱۶ دسامبر به جریان افتاد و به ما گفته شد که مشکلات کارگری در پالایشگاه آبادان حل شده است. پالایشگاه تهران با ۵۰ درصد ظرفیت تولید کار می‌کند، ولی

پالایشگاههای شیراز و اصفهان هنوز هم تعطیل هستند و کمبود فرآورده‌های نفتی بسیار محسوس است ولی چندان خطیر نیست و به نظر می‌رسد که این وضع تا پایان زمستان به طرز غیر قابل پیش بینی ادامه داشته باشد. در مورد این موضوع مهم فردا نیز گزارشی ارسال خواهیم نمود.

۶ - شرکت ملی نفت ایران جلسه‌ای با حضور اعضاء هیئت مدیره در تاریخ ۱۶ دسامبر داشت و اعلام شد که استعفای (غیابی) هوشنگ انصاری تسلیم و پذیرفته شده است. تعدادی از منابع معمولاً موثق می‌گویند که عبدالله انتظام قرار است جانشین انصاری شود. انتظام دیپلمات پیشین ۸۱ ساله است که وزیر خارجه (۵۵ - ۱۹۵۳)، و مدیر عامل پیشین شرکت ملی نفت ایران (۶۳ - ۱۹۵۷) بود او را فردی صادق و نسبتاً مستقل در محفل کوچک ایرانیان مسن و عاقل می‌دانند. سولیوان

سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۷ آذر ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۳۴۹
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران

۱ - انتظار می‌رود که تولید در روز جاری یعنی ۱۸ دسامبر ۴۰۰/۰۰۰ بشکه افزایش یابد، ولی اعتصاب ادامه می‌یابد. فی الواقع به ما اطلاع داده‌اند که اسکو امروز کارکنان کمتری را نسبت به دیروز در خدمت دارد. برنامه ریزی شده که اسکو ۲/۵۱۴/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۷۲۸/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد و ۱/۷۸۶/۰۰۰ بشکه آماده صادرات خواهد بود. ایپاک، لاپکو و ایمینوکو هنوز تعطیل هستند و منابع ما هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر خوشبینی ارائه نمی‌نمایند. سیرپ، شرکت ملی نفت ایران و سوفیران حدود ۹۰/۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌نمایند، ولی خیلی از کارکنان سوفیران تهدید به اعتصاب نموده‌اند. چنین تحولی صرفاً از نظر روانی اهمیت دارد، چون که تولید سوفیران حدود ۳۰/۰۰۰ بشکه در روز است.

۲ - اسکو دیروز تلاش کرد تا با راه‌اندازی کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی - ۶۰۰ در اهواز تحویل گاز طبیعی به خط لوله ایگات - ۱ را مجدداً آغاز نماید. اواخر بعد از ظهر روز گذشته با تلاش و مشکل بیش از حدی، گروهی جمع‌آوری شده و به کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی اعزام شدند، لیکن قبل از اینکه کارخانه شروع به کار نماید، قطع برق پیش آمد (برق توسط شرکت آب و برق خوزستان تأمین می‌شود) خدمه اسکو امروز صبح قبل از اینکه جریان برق برقرار شود از محوطه کارخانه خارج شدند و کارخانه مایع‌سازی گاز طبیعی ۶۰۰ هنوز نیمه تعطیل است. مدیریت اسکو تحت فشار شدیدی قرار دارد که ثابت نماید برخوردی بین اعتصابیون اسکو و کارکنان همفکر آنان در OSCO وجود داشته است، لیکن نسبت به آن تردید دارد.

۳ - وضعیت پالایش از دیروز تغییری نیافته است. تبریز به صورت عادی فعالیت دارد. آبادان نسبتاً به صورت عادی فعالیت دارد و پالایشگاه تهران حدود ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت دارد، کمبودهایی مستمر در زمینه نفت گاز و نفت سفید وجود دارد در تهران و شاید در دیگر مراکز مصرفی، شرکت نفت توزیع مشتقات میانه را در سطح دو سوم تقاضای طبیعی برای این برهه از سال محدود

نموده است. این کمبودها ادامه خواهند یافت و شاید حتی برای زمستان بدتر هم بشوند و این مسئله بدون توجه به آنچه که در پالایشگاهها اتفاق می افتد و نیز بدون توجه به واردات کالاهایی که هم اکنون شروع شده اند، روی خواهد داد.

۴ - مدیر کل شرکت نفت در خصوص توزیع داخلی و فروش (حفاظت شود) به ما گفت که ذخائر مشتقات میانه در سطح کشور فقط ۱۰ روز مصرف را تکافو می کند (تقاضای طبیعی زمستان برای مشتقات میانه ۴۲۰/۰۰۰ بشکه در روز است) در حالی که ذخایر تهران کمتر از یک روز نیاز مصرفی است. وی همچنین گفت که حداکثر تولید احتمالی مشتقات میانی با فرض عملکرد تمام پالایشگاهها به صورت عادی، چیزی زیر ۴۲۰/۰۰۰ شبکه در روز است. معمولاً ذخایر در خلال تابستان جمع آوری می شوند و در طول زمستان به تدریج مصرف می شوند. در حال حاضر ۴۰ روز ذخیره میزان حداقلی است که برای گذراندن زمستان مورد نیاز می باشد. منبع ما گفت که شرکت نفت خرید ۲ میلیون تن تولیدات پالایش شده را مد نظر قرار داده است، لیکن او همکاریش را متقاعد ساخته است که سیستم توزیع داخلی انتقال بیش از ۵۰۰/۰۰۰ تن از بنادر خلیج فارس (بندر ماهشهر و بندرعباس) به مراکز مصرف داخلی در دو ماه آینده را نمی تواند تحمل نماید، و متعاقباً احتمال دارد که زمستان امسال در بیشتر شهرهای داخلی ایران سرد و طولانی باشد. سویلوان

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۲۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲ دی ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۵۴۲
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: لندن ۲۱۰۵۰ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران ۲۳ دسامبر - ترورها

۱ - پل گریم مدیر عملیات اسکو و یک سرپرست ایرانی منطقه حفاری که در استخدام اسکو بود، در دو واقعه جداگانه در شهر اهواز حدود ساعت ۷ صبح روز ۲۳ دسامبر کشته شدند. گریم یک شهروند آمریکایی بود که موقتاً از تگزاس مأمور خدمت در اسکو شده بود.

براساس اطلاعات ما، گریم همانطوری که به تنهایی در مسیر جاده مسجد سلیمان (یک راه اصلی که به اهواز منتهی می شود) برای رفتن به سر کارش رانندگی می کرد به وسیله آتش یک اسلحه اتوماتیک کشته شد. بنا به گزارش، کارمند ایرانی اسکو در حالی که آماده می شد تا به محل دفتر کار اسکو برود در مقابل خانه اش به قتل رسید.

۲ - اتفاقاً، گریم منبع اصلی سفارت برای پاراگراف ۴ گزارش ۱۴ دسامبر ما در مورد بخش نفت بود (تهران ۱۲۲۵۴) که در آن ما گزارش کرده بودیم که مقامات آمریکایی سطح بالای اسکو متقاعد شده بودند که تهدیدات اعتصابیون برای استفاده از تاکتیکهای خشن، جدی هستند.

۳ - اسکو در اهواز جلساتی برای بحث در مورد وضعیت و تخلیه احتمالی (پرسنل) برگزار می نماید و ما انتظار داریم که اکثر خانواده های خارجی باقی مانده و برخی کارمندان خارجی رفتن را انتخاب نمایند. ما مطلع هستیم که دفتر کنسرسیوم در لندن ترتیباتی داده که چنانچه افراد بیشتری مایل به ترک (ایران) باشند پروازهای فوق العاده ای برای آن دسته از افرادی که تعدادشان افزون بر پروازهای

برنامه ریزی شده است، برقرار نماید.

۴ - ما همچنین تأیید گزارشات مبنی بر اینکه یک کامیون سبک و یک کامیون سنگین متعلق به شرکتهای خدماتی خارجی مناطق نفتی (آمریکایی و فرانسوی) در اهواز احتمالاً به وسیله بمب آتش زانابود شده‌اند را دریافت نمودیم. ما همچنین تأییدیه گزارش تلکس مرجع در ارتباط با خرابکاری خط لوله نفت خام را اخذ کرده‌ایم. در هر صورت نماینده محلی کنسرسیوم در تعطیلات به سر می‌برد و معاون وی اطلاعی از واقعه نداشت. معاون نماینده محلی کنسرسیوم نیز از نامه استعفای دسته جمعی (تلگرام مرجع) خبری نداشت و ما تا کنون قادر نبوده‌ایم هیچ گونه اطلاعات دیگری به دست آوریم.

۵ - حتی پیش از این اتفاقات، اعتصابیون مناطق نفتی مواضع خود را سخت تر نموده بودند. اعتصابیون لاپکو این طور اظهار می‌کرده‌اند که در ۲۶ دسامبر ممکن است به سرکارهایشان بازگردند لیکن ممکن است این تصمیم را نیز بگیرند که به اعتصابشان ادامه دهند تا اینکه یک دولت غیر نظامی بر سر کار آید. مدیریت ایپاک که از آموکو می‌باشد، عملاً امید از سرگیری تولید در آینده نزدیک را از دست داده است. کارکنان ایرانی ایپاک در تمام سطوح شرکت حداقل نسبت به تقاضاهای رهبران اعتصاب از خود هواداری نشان می‌دهند و سرپرستان ایپاک از تقاضا یا ترغیب زیردستان خود برای از سرگیری کار امتناع می‌ورزند.

۶- بنا به گزارش مجموع تولید نفت خام در ۲۱ و ۲۲ دسامبر به طور میانگین ۳/۶ تا ۳/۷ میلیون بشکه شد. به لحاظ آشوب در اسکو، ما تخمینی از تولید امروز یعنی ۲۳ دسامبر نخواهیم داشت.

۷- از هنگام شروع اولیه اعتصابات سیاسی آشکار بخش نفت در اواخر اکتبر، مقامات ارشد دولت ایران، شرکت نفت و حتی ارتش ایران در مورد امکان تحریک به وقوع حوادث حاد و وخیم نگران بوده‌اند. این امر تا حدود زیادی به خاطر نگرانی از این امر است که ارتش برای اعمال فشار زیاد روی اعتصابیون بسیار بی‌میل بوده است.

در هر حال تأکید بر در باغ سبز نشان دادن به جای استفاده محتاطانه و معقولانه از نیروی قهریه، نه فقط منتج به ادامه اعتصاب شده است، بلکه حتی از متوسل شدن (مخالفین) به تروریسم نیز جلوگیری نموده است. وضعیت برای اداره مشکلات و مسائل به لحاظ بالا گرفتن مجدد تاکتیکهای خشونت‌بار و نیز به خاطر اینکه دولت ایران، شرکت نفت و ارتش قسمت اعظم اعتبارشان را از دست داده‌اند، شدیداً مشکل خواهد بود. درصد کوچکی از کارکنان حوزه‌های نفتی (از کارمندان سرپرستی گرفته تا پایین‌ترین رده کارکنان) که اهمیت زیادی نیز دارند، به نظر می‌رسد که متقاعد شده باشند، تهدیدات انجام شده به وسیله دولت ایران انجام نخواهد شد، و این امر یا به لحاظ عدم تمایل از جانب دولت ایران و ارتش یا به خاطر این اعتقاد است که اعتصاب آنچنان مورد حمایت است که کارگران در يك نمایش قدرت غلبه خواهند نمود.

سند شماره (۳۹)

تاریخ: ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۶ دی ۱۳۵۷
 از: سفارت آمریکا - تهران
 به: وزارت خارجه - واشنگتن
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۲۷ دسامبر

۱ - بنا به گفته مقام ارشد خارجی اسکو در تهران که به تازگی مذاکره با ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو را در اهواز به پایان رسانیده است، شیرازه امور در حال از هم گسیختگی است. تولید اسکو در حال حاضر در سطحی پایین تر از ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز قرار دارد. علاوه بر این، وضعیت آنچنان انفجاری است که ممکن است تعطیل کامل کل تولید به وقوع بپیوندد.

۲ - ما فرض را بر این نهاده‌ایم که ملوانان نیروی دریایی عمدتاً مسئول برقراری سطح فعلی تولید هستند. در هر حال ما این تصور را نیز داشته‌ایم که پرسنل نیروی دریایی به تنهایی می‌توانند ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز تولید نمایند (به تلگرام ۱۲۲۵۴ - تهران در تاریخ ۱۴ دسامبر مراجعه شود). نه دفتر محلی کنسرسیوم و نه اسکو در تهران قادر به تشریح دلیل پایین افتادن تولید نیستند و ما برای برقراری تماس با اسکو در اهواز از طریق خطوط ارتباطی نامطمئن به خودمان زحمتی نداده‌ایم، چون که این افراد هم اکنون تحت فشار کافی می‌باشند.

۳ - ما امروز صبح از طریق رئیس تیم ساختمانی فلور (FLUOR) در پالایشگاه تهران اطلاع حاصل کردیم که پالایشگاه در مرحله تعطیل شدن می‌باشد. امروز صبح تظاهرات عظیمی در پالایشگاه برگزار گردید و کارمندان شرکت نفت در پالایشگاه به بذل و بخشش نفت سفید و نفت گاز به هر کسی که با ظرف جلوی درهای پالایشگاه می‌آمد پرداختند که به خودی خود مسئله خیلی مهمی نیست، لیکن علامتی از تعطیل کامل بخشی است که به بهترین نحو اداره می‌شد و پیچیده‌ترین بخشها بود.

۴ - حتی اگر تعطیل پالایشگاه تهران کامل نشده باشد و یا اینکه دوره کوتاهی داشته باشد، کمبود مشتقات میانی بشدت وخیم می‌باشد و همچنان نیز خواهد بود. نفت سفید برای تمام مصارف و مقاصد دیگر در تهران قابل حصول نیست. نفت گاز بسیار کمی در دسترس می‌باشد ولی به آنهایی تعلق می‌گیرد که ارتباطات بسیار ویژه‌ای داشته باشند یا به آنهایی که مایل بوده و قادر باشند تا چهار برابر قیمت بپردازند.

۵ - ما از هالیبورتون شنیده‌ایم که کار فوق‌العاده سودآوری دارند. وظیفه اصلی آنان نصب Packer و سیمان کردن درپوش بر روی چاههایی است که تعطیل می‌باشند. روش معمول صنعتی، بستن چاه به وسیله شیرهای مخصوص است که بر روی Well Head قرار دارد و این در صورتی است که انتظار رود میزان تعطیلی کوتاه مدت باشد. از آنجا که هالیبورتون عملیات سیمانکاری و نصب Packer بر روی خیلی از چاهها (از جمله میدانهای نفتی اصلی مثل گچساران) را انجام داده است، گمان می‌رود که اسکو و یا شرکت ملی نفت ایران انتظار دارند که تعطیلی بلند مدت باشد و یا اینکه اسکو و شرکت نفت این عملیات را به منظور به حداقل رسانیدن خطرات خرابکاریها انجام می‌دهند. ما فکر می‌کنیم که توضیح اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. این موضوع همچنین این را می‌رساند که در صورت

حل شدن مسئله اعتصاب، برای شروع تولید زمان بیشتری لازم خواهد بود. سولیوان

سند شماره (۴۰)

تاریخ: ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ - ۶ دی ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: تهران - ۱۲۵۸۳
شماره: ۱۲۶۱۳
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۲۶ دسامبر

۱ - متعاقب مخابره تلگرام مرجع ما به اطلاعات دقیق‌تری (از طریق اسکو به جای دفتر محلی کنسرسیون) در خصوص تولید و حمل محمولات به پالایشگاهها دست یافتیم. در ساعت ۶ صبح روز ۲۶ دسامبر تولید در سطح روزانه ۴۴۶/۰۰۰ بشکه بود، لیکن اسکو امیدوار است که تولید را تا سطح ۵۵۰/۰۰۰ بشکه بهبود بخشد. ما مطلع هستیم که اسکو هیچ‌گونه قصد فوری برای مبادرت به تولید بیش از ۵۵۰/۰۰۰ بشکه در روز که تماماً به پالایشگاههای داخلی حمل خواهد شد ندارد.

۲ - مشهود است که ۵۵۰/۰۰۰ بشکه خیلی بهتر از ۲۴۰/۰۰۰ بشکه‌ای می‌باشد که ما قبل شنیده بودیم، امروز برای پالایشگاههای داخلی حمل می‌شود. در هر صورت، شرکت نفت حتی زمانی که تولید پالایشگاهها حدود ۷۰۰/۰۰۰ بشکه در روز بود، زمینه و موقعیت خود را تدریجاً از دست داد. با تولید به میزان بالایی همچون ۵۵۰/۰۰۰ بشکه در روز، بحران چند روزی به تعویق می‌افتد، ولی وضعیت اکنون شدیداً وخیم است (ما آن را بحرانی می‌خوانیم، ولی عراق گویبها را برای فردا یا روز بعد آن می‌گذاریم) چون که تقاضای مشتقات میانی به تنهایی و بدون ذکر تقاضای بنزین و سوختهای دیگر افزون بر ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز است.

۳ - ما گزارشاتی از اقدامات رو به تزاید خرابکاریهای جزئی که موجبات تعطیلی و به تعویق انداختن راه‌اندازی تأسیسات گوناگون را دارد، دریافت می‌نماییم. این اقدامات به استثنای خط لوله نفت خام که هفته گذشته با دینامیت منفجر شد، موجب به بار آوردن خسارات عمده و یا نابود کردن تجهیزات حساس نگردید، لیکن تأثیرات ناچیزی بر فعالیتهای تولیدی داشته‌اند. چنین اقداماتی همچنین بایستی به احساس ترس و عدم اطمینان در مورد آن افرادی که تمایل به کار دارند نیز کمک نماید.

۴ - آموکو به آن دسته از پیمانکارانی که به ایپاک خدمات حفاری و دیگر خدمات می‌دهند، اعلام فورس مازور نموده است. این امر کار دکلهای حفاری دریایی را که نسبتاً از اعتصاب ایپاک تأثیری نپذیرفته بودند، متوقف نموده است. دکلهای از بحرین تدارک دیده شده بودند. اکثر دکلهای دریایی که به وسیله پیمانکاران مختلف برای اسکو مورد استفاده قرار می‌گرفتند، نیز تعطیل هستند. تحولات از ۲۳ دسامبر مشکلات را افزایش داده‌اند، ولی برخی از مشکلات که قبلاً وجود داشتند، از میان برداشته شدند و خیلی دیگر نیز در همین حالت قرار گرفتند و این هر دو به لحاظ عدم دسترسی به مواد مهم و حساس است. کمبود مواد نتیجه اعتصاب مداوم گمرکات بوده و هست.

۵ - سوفیران هنوز از اعتصابات لطمه‌ای ندیده است و همچنان به تولید حدود ۳۵/۰۰۰ بشکه در روز ادامه می‌دهد. ما نمی‌دانیم که آیا سیریپ و شرکت نفت (منطقه نفت شاه) مشغول تولید هستند یا

خیر. در هر حال آنان بیش از ۶۰/۰۰۰ بشکه در روز تولید نمی‌کنند. سولیوان

سند شماره (۴۱)

تاریخ: ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۶ دی ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۶۴۹
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۲۷ دسامبر

۱ - امروز یعنی ۲۷ دسامبر قرار بود اسکو ۴۸۷/۰۰۰ بشکه تولید نماید که ۳۲۹/۰۰۰ بشکه آن به پالایشگاه آبادان و ۱۵۸/۰۰۰ بشکه به پالایشگاه تهران حمل خواهد شد. در هر صورت کمی بعد از ظهر پالایشگاه تهران کاملاً تعطیل شد و بنابر این حمل محمولات نفت خام به تهران و در نتیجه آن تولید، ممکن است از آن چه برنامه ریزی شده بود کمتر شود. به ما گفته شده است که پالایشگاه تبریز نیز تعطیل می‌باشد، لیکن هنوز این خبر تأیید نشده است.

۲ - ظاهراً پالایشگاه آبادان نسبتاً از اعتصابات تأثیری نپذیرفته است و بنابراین می‌توانست احتمالاً به میزان قابل توجهی بیش از ۳۲۹/۰۰۰ بشکه‌ای که امروز دریافت می‌دارد، تولید نماید. در هر صورت تولید اسکو اکنون محدود به مناطق اهواز و مارون است و یک سری مسائل تکنیکی وجود دارد (عمدتاً مربوط به اندازه و طرح خطوط لوله نفت خام می‌شود) که افزایش حمل محمولات به آبادان را اساساً مشکل و یا حتی غیر ممکن می‌سازد. در صورتی که این مشکل حل نشود، تولید امروز اسکو (۲۸ دسامبر) ممکن است فقط حدود ۳۵۰/۰۰۰ بشکه باشد.

۳ - عبدالله انتظام مدیر عامل جدید شرکت نفت امروز ساعت ۱۴ از رادیو اعلام کرد که کل شرکت نفت در اعتصاب به سر می‌برد. پیام وی شامل یک درخواست صریح مبنی بر عدم توسل اعتصابیون به خرابکاری بود. او همچنین رهبران مذهبی را دعوت نمود تا به منظور بهبود بخشیدن به اوضاعی که برای مردم دردسر و ناراحتیهای فراوانی ایجاد خواهد نمود در این ماجرا مداخله نمایند. انتظام گفت که تولیدات نفتی در عرض دو روز مصرف خواهند شد و به انتها می‌رسند.

۴ - این وضعیت اکنون حساس است و می‌تواند بدتر هم بشود، ولی نه خیلی زیاد. سولیوان

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۷ دی ۱۳۵۷ شماره: ۱۲۷۰۹
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۲۸ دسامبر

۱ - تقریباً اکثر کارکنان خارجی کلیه شرکت‌های خدماتی مناطق نفتی ایران را ترک کرده یا در حال ترک آن هستند. تمام کارکنان خارجی ایپاک و لاپکو بجز سه نفر از لاپکو در صورتی که اختلالی در امر خدمات هوایی پیش نیاید، ایران را ترک خواهند کرد. اسکو در تلاش است تا به صورت اساسی تعداد کارکنان خود را تقلیل دهد و به ما گفته شده که تقریباً تمام خانواده‌های کارمندان اسکو و

بسیاری از کارمندان آن بین ۳۰ دسامبر و ۲ ژانویه به وسیله پروازهای در بست از ایران تخلیه خواهند شد. عزیمت خانواده‌های اسکو و کارمندان به صورت داوطلبانه خواهد بود، هر چند که خانواده‌ها قویاً ترغیب به این کار شده‌اند.

۲- گزارش قبلی ما مبنی بر اینکه تولید نفت کاهش یافته است اشتباه بود. اسکو در سطح ۳۴۰/۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌نماید که تماماً به پالایشگاه آبادان می‌رود. چون که هیچ گونه نفت خام به تهران حمل نمی‌شود (که از آن طریق نفت خام به تبریز حمل می‌شود)، ما اعتقاد داریم که می‌توانیم تأیید نماییم آبادان تنها پالایشگاه در حال کار است. سولیوان

سند شماره (۴۳)

تاریخ: ۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳ دی ۱۳۵۷ شماره: ۰۰۰۸۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - آخرین گزارش ۳ ژانویه

۱- دیر وقت بعد از ظهر روز دوم ژانویه ما شایعه‌ای شنیدیم مبنی بر اینکه در خط لوله آبادان به تهران خرابکاری صورت گرفت. ما هم اکنون از يك منبع تأییدیه‌ای دریافت کرده‌ایم که آن را معتبر می‌دانیم و بر این دلالت دارد که خط لوله روز دوم ژانویه خسارت دید (و احتمالاً در آن خرابکاری به عمل آمده است) و جریان تولیدات به تهران قطع شده است. ما مطلع هستیم که تعمیرات اضطراری هم اکنون در جریان است و بایستی که به سرعت انجام گیرد.

۲- در نتیجه تحقیقات منابع ما در صنعت نفت، مطلع شده‌ایم که احتمالاً یک هفته و نیم تا دو هفته طول خواهد کشید که عملیات عادی آن دسته از پالایشگاههایی که کاملاً تعطیل شده‌اند؛ مثل تهران، تبریز، و شیراز و جمعاً ظرفیتی معادل ۳۴۵/۰۰۰ بشکه در روز دارند، دوباره آغاز شود. سولیوان

سند شماره (۴۴)

تاریخ: ۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳ دی ۱۳۵۷ شماره: ۰۰۰۹۳
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - سوم ژانویه

۱- در ساعت ۶ صبح روز سوم ژانویه اسکو در سطح ۲۳۵/۰۰۰ بشکه در روز تولید داشت و با در نظر گرفتن تحولات غیر قابل پیش بینی این سطح برای امروز به همین میزان باقی خواهد ماند. تمامی نفت خام همچنان به پالایشگاه آبادان حمل می‌شود.

۲- در روز دوم ژانویه برای اعتصابیون اسکو در اهواز از طرف آیت‌الله هاشمی سخنرانی شد. وی به تازگی از زندان آزاد شده و به عنوان یکی از طرفداران بی‌باک خمینی معرفی شده است. هاشمی به اعتصابیون گفت که تا زمانی که شاه ایران را ترک نکند، هیچ گونه تولیدی برای صادرات وجود نخواهد داشت. پس از عزیمت شاه، صادرات به تمام کشورها بجز آفریقای جنوبی و اسرائیل می‌تواند

ادامه یابد.

۳ - شیعه‌گرایی که بین اعتصابیون با انگیزه‌های مذهبی و تندروهای سیاسی (تهران ۶۲) به وجود آمده است، ظاهراً نه فقط یک تلاش برای برتری جویی است، بلکه شامل نوعی عدم توافق بر سر تاکتیکها نیز می‌باشد. مذهب‌یون تمایل دارند که تولید را فقط برای بازار داخلی شروع نمایند، لیکن تندروهای سیاسی ظاهراً میل دارند که بحران را طولانی‌تر و تشدید نمایند و بنا به گفته منابع اسکو، می‌خواهند که تولید کاملاً تعطیل شود.

۴ - براساس اطلاعاتی که از اسکو دریافت شده، اهواز یک کارخانه عظیم شایعه است و تشنجات بسیار بالا گرفته است.

سند شماره (۴۵)

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۴ دی ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۱۹۰
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۴ ژانویه

۱ - ناصر میناچی رهبر مخالفین که امروز صبح با مهدی بازرگان گفتگو کرد، به کارمند سیاسی گفت که بازرگان در رسیدن به توافق برای شروع تولید نفت به منظور برآوردن نیازهای داخلی موفق شده است. براساس گفته میناچی تولید به اندازه کافی افزایش داده خواهد شد. تا تمام پالایشگاهها را فعال سازد، البته به جز آبادان که میزان بازده آن حدوداً به یک ششم ظرفیت محدود می‌شود. ما تصور می‌کنیم برای محدود ساختن نیاز به صدور مشتقات نفتی سنگین، کار پالایشگاه آبادان محدود می‌گردد. این امر ظاهراً به خاطر تمایل به جلوگیری از صادرات مشتقات نفتی سنگین است که نیاز به تولید مشتقات میانی برای بازار داخلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. (شاید زمانی که آشکار شود تولیدات بیشتری از آبادان مورد نیاز است، برخی انعطاف‌پذیری‌ها در تولید آن صورت گیرد.) میناچی همچنین از گروهی صحبت می‌کرد که مراقب خواهند بود تا هیچ‌گونه نفت خامی صادر نشود.

۲ - تا جایی که ما می‌دانیم تلاشهای بازرگان به اهواز و کارکنان تولید محدود شده است. به این سؤال که اعتصابیون پالایشگاههای شیراز، تبریز و تهران چه زمانی شروع به کار خواهند نمود و تحت چه شرایطی، بایستی بعداً پاسخ داده شود. یکی از منابع ما در پالایشگاه تهران به ما گفت که اعتصابیون هنوز بازگشت به سر کار خود را مورد مطالعه قرار نداده‌اند.

۳ - اسکو از طریق دفتر محلی کنسرسیوم گزارش می‌نماید که برخی از کارکنان به سرکارشان باز می‌گردند و یکی از واحدهای تولیدی که قبلاً توسط نیروی دریایی اداره می‌شد، اکنون به وسیله کارکنان اسکو اداره می‌شود. ما هیچ‌گونه تخمین دقیقی برای تولید امروز در دست نداریم، لیکن مطلع هستیم که از ۲۴۰ هزار بشکه در روز برای دو روز گذشته بیشتر نخواهد بود. دولت ایران تا حدود زیادی تقاضای بازرگان مبنی بر خروج ارتش از مناطق نفتی را مورد قبول قرار داده است. گاردهای نظامی و همچنین ملوانانی که به عنوان کارکنان مناطق نفتی خدمات می‌کرده‌اند، از مناطق خارج شده‌اند و یا اینکه در حال خروج از کلیه واحدهای تولیدی می‌باشند.

۴ - ما اعتقاد پیدا کرده‌ایم که جریان خیلی کم تولیدی که از هنگام بسته شدن پالایشگاه تهران در تهران توزیع می‌شده، از خط لوله آبادان می‌آمده است. در هر حال این مورد ظاهراً از جمله مواردی نبوده است که در مذاکرات بازرگان بخشی را تشکیل دهد، لیکن وی اعلام نموده است که حمل محصولات از طریق خط لوله آبادان به تهران از سر گرفته خواهد شد. (ظاهراً چند بشکه‌ای بیشتر از محصولات در محوطه پالایشگاه تهران باقی نمانده است.)

۵ - با ارزیابی گزارشات پراکنده‌ای که موجود می‌باشند، پیشرفت در جهت حصول به هدف بسیار محدود از سرگیری سوخت برای بازار داخلی به دست آمده است. در هر حال ما هشدار می‌دهیم که فقط یک قدم برداشته شده است. خوشبختانه ممکن است این قدم در جهت صحیح باشد. سولیوان

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۵ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۵ دی ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
شماره: ۰۰۲۳۹
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۵ ژانویه

۱ - جزئیات توافق نامه‌ای که بازرگان مشغول مذاکره بر سر آن می‌باشد و به ترتیب که اسکو آن را در اختیار ما گذاشت، تا حدودی با آنچه ما دیروز گزارش کردیم اختلاف دارد. ظاهراً توافق نامه‌ای که به وسیله شرکت نفت، نمایندگان ارتش و رهبران اعتصابیون امضاء شد در وهله اول فقط کارکنان تولید و پالایش آبادان را شامل می‌شود.

نیت اولیه این است که تولید را به حدود ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افزایش داده و آن را تماماً در پالایشگاه آبادان تصفیه نمایند و محصولات را در تمام کشور توزیع نمایند.

۲ - اولین مشکلی که پدیدار شده است، امتناع کارکنان خط لوله برای از سرگیری کار است که برخی بایستی به منظور توزیع محصولاتی که از آبادان به دست می‌آید، کار را شروع نمایند. بنا به گزارش کارکنان خط لوله تا زمانی که آخرین توافق نامه مورد مذاکره به وسیله بازرگان امضاء نشود، کار را شروع نخواهند کرد. اکنون تلاشهایی می‌شود تا موافقتنامه به نظر همه برسد و صحت و وجود آن نمایش داده شود.

۳ - قدم بعدی احتمالاً این خواهد بود که بازرگان به تهران بیاید و عمل خارق‌العاده خود را در مورد کارکنان پالایشگاه ری به مورد اجرا بگذارد.

۴ - ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو بعد از ظهر فردا با سفیر قرار ملاقاتی دارد و ما امیدواریم که قادر باشیم تصویر بهتری از وضعیت جاری و چشم‌اندازهای آینده به دست آوریم. سولیوان

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۶ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۶ دی ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت خارجه - واشنگتن
شماره: ۰۰۲۵۶
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اعتصاب در بخش نفت ایران - ۶ ژانویه

۱ - اخبار عمده امروز این است که دستور تخلیه تمام خارجیان باقیمانده اسکو از جنوب (یعنی اهواز، آبادان و مناطق نفتی) که تعدادشان به حدود ۶۰ نفر می‌رسد از طرف کنسرسیوم صادر شده است. هم اکنون تدارکات برای این امر در جریان است و انتظار می‌رود که تخلیه در ۷ ژانویه صورت پذیرد. انگیزه اصلی این تصمیم به نظر می‌رسد تخلیه گاردهای امنیتی از محوطه دفتر مرکزی مدیران خارجی اسکو و مناطق مسکونی باشد. اخبار اولیه از جانب مقامات ارشد شرکت نفت دال بر این است که آنان تصمیم به خارج ساختن کلیه پرسنل اسکو را درک کرده و تا حدودی با آن موافق هستند. در هر حال، خارجیان شاغل در اسکو از عملیات بسیار محدود مورد نیاز برای تولید نفت خام برای بازار داخلی ناراضی‌اند.

۲ - جلسه‌ای که برای امروز بعد از ظهر بین سفیر و ایوانس قائم مقام مدیر عامل اسکو برنامه‌ریزی شده بود به هم خورد و دلیل آن این بود که ایوانس مجبور بود برای خاتمه بخشیدن به برنامه‌های تخلیه در جنوب باقی بماند.

۳ - بازرگان در ۵ ژانویه به همراه کمیته همراهش به منظور مسبوق شدن از عملیات بخش نفت و اطمینان یافتن از اینکه هیچ گونه صادراتی صورت نمی‌گیرد از گچساران، بندر ماهشهر و جزیره خارک دیدار کردند و این بدین معنی است که هیچ کس، منجمله کارکنان اعتصابی اسکو و شرکت ملی نفت ایران آگاه نبوده‌اند، که صادرات متوقف شده است. انتظار می‌رود که این گروه امروز از آبادان انتظار می‌رود که این گروه امروز از آبادان دیداری به عمل آورند. ظاهراً کارکنان پالایشگاه آبادان شرایط توافقی که توسط بازرگان به عمل آمد را هنوز مورد قبول قرار نداده‌اند، چون که بازده هنوز فقط حدود ۲۴۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد. بازرگان و گروه وی در خلال دیدارشان از آبادان تلاش خواهند نمود تا کارکنان را متقاعد سازند، تولید را تا حد ظرفیت پالایشگاه (۶۰۰ تا ۶۳۰ هزار بشکه در روز) افزایش دهند.

۴ - جریان محصولات از آبادان به تهران و از طریق خط لوله هنوز شروع نشده است. در هر حال سندی از طرف بازرگان ارسال شده که توافق را تشریح می‌نماید و از کارکنان خط لوله در خواست می‌نماید، که همکاری نمایند. این سند امروز صبح به تهران رسید و شرکت نفت اکنون بایستی مشغول نشان دادن آن به کارکنان در ایستگاه پمپاژ ری باشد.

۵ - یک روزنامه‌نگار که از پایانه محصولات در پالایشگاه ری تهران در روز ۵ ژانویه بازدید نموده بود، از کارکنان اداره توزیع شرکت نفت که در حال کار بودند شنید، نفت سفید و بنزینی که در تهران به فروش می‌رسد، به وسیله کامیونهای نفت کش حمل می‌شود و روزانه تعداد معدودی از این کامیونها از جنوب وارد می‌شوند. همچنین به این روزنامه‌نگار گفته شد که مقدار بسیار کم نفت گازی که به دست مصرف‌کنندگان تهرانی می‌رسد از محل ذخایر ناچیزی است که هنوز در محوطه انبار

پالایشگاه ری وجود دارد.

۶- ما آمار تولید دو روز گذشته را در دست نداریم، لیکن چون تولید پالایشگاه آبادان (تنها پالایشگاه در حال تولید) هنوز فقط ۲۴۰/۰۰۰ بشکه در روز است، بنابراین تولید نفت خام بایستی در همین حدود باشد.
سولیوان

کتاب شصت و هفتم

دلایان اسلحه،
واسطه‌های نفوذی

پیشگفتار

در مجموعه روابط رژیم طاغوت با هیئت حاکمه آمریکا، یکی از نقطه‌های سیاه و قابل توجه روابط تسلیحاتی آنان بوده است و در روابط تسلیحاتی آنچه که ظاهراً به مراتب ریشه‌دارتر از مقوله نیازهای واقعی امنیتی و دفاعی کشور بوده، مسئله سوء استفاده مالی و خصوصاً نقش واسطه‌های معاملات تسلیحات است. اسنادی که در این مجموعه گردآوری شده تلاش می‌کند گوشه‌ای از سوابق این واسطه‌ها، رقابتهای داخلی آنان و طرز تلقی شرکتهای آمریکایی طرف قرارداد آنها را از این ارتباطات نمایان سازد.

اقتصاد تسلیحاتی

اقتصاد جهان صنعتی را می‌توان اقتصاد تسلیحاتی نامید. بیشترین حجم صادرات کالاهای صنعتی ممالک پیشرفته به جهان سوم را اسلحه تشکیل می‌دهد. بیشترین خرید اسلحه در جهان هم توسط ممالک فقیر صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۷۳ تقریباً ۸۵٪ خریدهای تسلیحاتی در سطح جهان توسط ممالک جهان سوم صورت گرفته است. نرخ رشد میزان خرید اسلحه ممالک خاورمیانه در سال ۱۹۷۴ نسبت به سال قبل ۴۰٪ و در سال ۱۹۷۵ نسبت به سال قبل باز هم ۴۰٪ بوده است. صنایع اسلحه‌سازی در اقتصاد غرب از چاههای نفت پر اهمیت‌تر و یکی از بزرگترین مجاری انتقال ثروت ملی و سرمایه‌های بومی ممالک فقیر به غرب است. مکانیزم موجود در مراحل تولید، مدیریت و بازاریابی آن و تلاش جهت توسعه آن بسیار پیچیده و نوعی سوپر استعمار است. بازاریابی و افزایش تقاضای جهانی برای تولیدات و تجهیزات نظامی رابطه مستقیمی با اقدامات مداخله جویانه و سیاستهای استراتژیک ممالک صنعتی دارد. تزریق بحران به جوامع جهان سوم برای رونق بازار اسلحه و فروش بیشتر اسلحه برای ایجاد بحران ساده‌ترین شکل مکانیزم رابطه تسلیحاتی تولیدکنندگان و خریداران است.

خرید اسلحه، سهم زیادی از درآمد ملی ممالک فقیر را می‌بلعد و در شرایط اضطراری مالی حکومت‌های این ممالک برای جبران از سهم فرهنگ و آموزش می‌زنند، تا حجم خریدهای تسلیحاتیشان کاهش نیابد. خریدهای کلان تسلیحاتی، تعویض سیستمهای دفاعی و گران شدن قطعات و لوازم بدکی همیشه ضربه مؤثری بر پیکر اقتصاد ملی بوده است. لیکن تئوری پردازهای غربی دائماً خلاف این را گفته و ترویج کرده‌اند. توجیه غریبه‌ها برای این چپاولگری، ظاهری آراسته و مردم فریب

دارد. آنها می‌گویند صنایع تسلیحاتی و هزینه‌های نظامی راه حلی برای رشد و توسعه می‌باشند و رابطه مثبت و قدرتمندی میان تحلیل هزینه‌های دفاعی از یک سو و آهنگ رشد اقتصادی از سوی دیگر وجود دارد. یعنی هر کشوری که بتواند هزینه نظامی و دفاعی سنگینتری را تحمل کند، شرایط مساعدتری برای رشد اقتصادی خواهد داشت. یکی از وظایف کمپانی‌های تولیدکننده سلاح، ایجاد بازار برای کالاها و تجهیزات تولیدیشان است. حتی برخی بر این عقیده‌اند که گران شدن نفت در سال ۱۹۷۳ مجموعاً پیامد تحریکات صاحبان صنایع اسلحه‌سازی آمریکا بوده است و دقیقاً به همین علت و در عرض چند سال بعد عظیمترین حجم پولی مورد مبادله در اقتصاد بین‌المللی از سوی کشورهای تولیدکننده نفت و در حقیقت فروشندگان نفت برای خرید اسلحه به آمریکا بازگشت داده شد و درآمدهای بادآورده نفتی، جیب صاحبان صنایع اسلحه‌سازی را پر کرد. از جمله باید خریدهای نجومی شاه را نام برد. شاه سعی می‌کرد تسلیحات پیشرفته و از پیچیده‌ترین نوع اسلحه‌ها را خریداری کند و طبعاً همراه آن جمع کثیری از کارشناسان و مستشاران نظامی را جهت آموزش و آماده‌سازی وارد نماید. تنها یک قرارداد شاه با آمریکا رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار اسلحه را شامل می‌شد. البته این بهای رسمی و اعلام شده، تنها بخشی از هزینه‌های نظامی شاه بود. مبالغ کلانی که جهت لوازم یدکی و آماده‌سازی تجهیزات و مبالغ هنگفتی که روانه جیب گشاد دلان و واسطه‌ها و درباریها می‌شد بیش از اینها بود. جنگ مافیایی دلان و رقبای بازار اسلحه کار را به جایی می‌کشاند که حاضر بودند یکدیگر را قربانی اهداف خود نمایند. البته اگر اسلحه‌های مورد معامله دست دوم و یا منسوخ شده و تقلبی نباشند. کشورهایی که نیازمند اسلحه می‌باشند و یا حاضرند بخشی از ثروت ملی خود را برای خرید اسلحه هزینه نمایند ناگزیرند به صحنه روابط موجود در بازار خرید اسلحه گام نهند و به مکانیزمهای مرسوم آن عمل نمایند. این بازار ذاتاً و به دلیل مسائل عدیده‌ای دارای مکانیزمی جدا از بازار کالاهای دیگر است و پیچیدگی و ویژگی بازار اسلحه عمدتاً به دلیل اهداف استراتژیکی ممالک فروشنده می‌باشد. این اهداف، در چهارچوب سیاستهای درازمدت و جهانی سیاستمداران و سرمایه‌داران پایه‌ریزی شده است.

بازار اسلحه همیشه دارای معاملات مخفی و پر مسئله، مبهم و پر از تقلب و ریاکاری و رشوه‌خواری و خباثت است و مکانیزم این بازار دارای مشخصه‌های اصلی زیر است:

زمینه‌سازیهایی که ایادی ممالک تولیدکننده جهت رونق بازار اسلحه صورت می‌دهند. ایجاد فضای دلهره و تشنج سیاسی در مناطق مختلف جهان به صورت درگیریهای سیاسی داخلی، کودتاها، مناقشات مرزی، تعارضات و یا پیمانهای منطقه‌ای، تهدیدات استراتژیکی و جنگ سرد زمینه‌ساز رونق بازار مبادلات تسلیحاتی می‌گردند و رابطه مستقیمی با نوع و تنوع تجهیزات نظامی مورد نیاز دارند. نظامیگری خود دستاورد غربی است که پس از جنگ جهانی دوم، به شدت در کشورهای تحت‌الحمایه غرب رخ نموده است و عامل مهمی در جهت‌گیری اقتصاد تسلیحاتی است. بقای تشنج و بی‌ثباتی، ساده‌ترین راه حل برای رونق بازار اسلحه غرب (به مفهوم جهان صنعتی اعم از بلوک شرق یا غرب) است.

روابط ناسالم مالی و پولی که از آغاز به دست آوردن طرحها و نقشه‌های تکنولوژی ساخت تا مرحله فروش حاکم بر مکانیزم بازار است، سوء استفاده‌های مالی، رشوه‌گرفتنها، انتقال حجم پول در

مجاری مخفی جهت عدم پرداخت مالیات و حقوق گمرکی از مشخصات آن است. کارتهای تولیدکننده سلاحهای جنگی با پرداخت رشوه‌های کلان به مسئولین کشورها و منتفدان و خریدن برخی مهره‌های مهم و صاحب نفوذ، قراردادهای سنگین را به ملل محروم تحمیل می‌کنند.

جایگزینی و نوآوری: به دلیل رقابت فشرده‌ای که میان تولیدکنندگان اسلحه وجود دارد، طراحان ابزار نظامی هر روز در کار خلق ابزار و تجهیزات پیچیده‌تری هستند. نوآوری، تحولات کیفی، خارج کردن سیستمهای فرسوده و منسوخ و جایگزینی تجهیزات پیشرفته‌تر، سود کلانی را نصیب کمپانیهای سازنده اسلحه می‌نماید. به همین دلیل فروشندگان سعی می‌کنند تسلیحات قدیمتر را به فروش برسانند و برای فروش اسلحه پیشرفته‌تر در آینده زمینه‌سازی کنند.

ممنوعیت انتقال تکنولوژی ساخت و به کارگیری. روشهای تخریبی جهت تضعیف و ورشکستگی صنایع دفاعی بومی ممالک تولیدکننده به صورت جدی از دستیابی ممالک ضعیفتر به تکنولوژی ساخت سلاحهای مورد نیاز ممانعت به عمل می‌آورند و یا آنقدر کارشکنی می‌کنند که هیچ‌گاه به مرحله بهره‌برداری نمی‌رسد.

واسطه‌ها و دلالان: گروهی که در بازار اسلحه مجری سیاستهای تولیدکنندگان اسلحه می‌باشند و در اداره بازاریابی به هر شیوه غیر اصولی متمسک می‌گردند، دلالان می‌باشند، یعنی در حقیقت تعزیه‌گردان اصلی بازار اسلحه که علاوه بر دسترسی به مراکز قدرت، دارای نفوذ سیاسی و قضایی نیز هستند. این دلالان و واسطه‌ها که عمدتاً خود متعلق به ممالک خریدار می‌باشند، عموماً به عنوان ستون پنجم و کسانی که از تحولات و اوضاع داخلی مطلعند شناخته می‌شوند. اینها مجریان طرحهای سیاسی دیگران و مزدوران صاحبان کارخانجات اسلحه‌سازی‌اند.

معرفی کتاب

تلاش کمپانیهای تولید تجهیزات و جنگ‌افزارهای نظامی در زمینه ایجاد رابطه با واسطه‌های سرشناس و پر نفوذ ایرانی که به نحوی از انحاء به دستگاه حاکمه شاه نزدیک بودند، از اهداف اصلی آنها به شمار می‌رفته و دادن رشوه‌های کلان به دلالان حرفه‌ای در حقیقت منافع دراز مدت آنها را چپاول هرچه بیشتر پولهای نفتی و نیز تثبیت موقعیت سرمایه‌گذارهای آینده آنها تضمین می‌کرده است.

این طرز تلقی عناصر آمریکایی از ساختار رژیم شاهنشاهی که بر پایه رشوه و فساد مبتنی بوده، دقیقاً برخاسته از همان ساختار حکومتی دولت آمریکا می‌باشد و این نیز حکایت از یک وجه تشابه میان دو نظام دارد. مطالعه اسناد اخیر نشان می‌دهد که کمپانیهای آمریکایی اطمینان داشتند که بدون دادن رشوه‌های کلان که در حقیقت می‌دانستند، نهایتاً به جیب اشخاصی نظیر خاتمی‌ها و طوفانیان‌ها می‌رود، توفیق در فروش جنگ‌افزار نخواهند یافت و راه به بیراهه خواهند برد. شاه که در رأس دزدان و غارتگران بیت‌المال بود و بانکهای دنیا را از سرمایه‌های به غارت برده مردم محروم این سامان لبریز نموده بود، علناً دست افرادی امثال طوفانیان و خاتمی را جهت به یغما بردن سرمایه‌های ملت مسلمان ایران باز می‌گذاشت و تنها، گلایه‌اش از دلالان خرده پا بوده است و مدعی بود آنها با این کارشان امنیت ملی را به خطر می‌اندازند.

نکنه جالب آنکه زمانی که موضوع کنار رفتن واسطه‌های جزء مطرح می‌شود، عناصر آمریکایی آن را برای کمپانیهای آمریکایی یک فاجعه می‌خوانند، چرا که راز موفقیتشان را در زمینه فعالیت‌های گسترده در ایران و جذب پولهای نفتی، همین دلالتان خرده پا، اما با نفوذ می‌دانستند. افرادی مانند طوفانیان، نگرانشان از این بابت بود که چرا کمپانیهایی مانند گرومن و نورتروپ جهت انجام معامله نزد واسطه‌هایی مانند برادران لاوی می‌روند و او را به عنوان فرد اصلی تصمیم گیرنده نادیده می‌گیرند؛ چیزی که وی در مورد آن جنجال زیادی به راه انداخت و قضیه را به مطبوعات کشانید. اما نهایتاً خود نیز به عنوان رشوه‌گیرنده اصلی تیترو روزنامه‌های داخلی و خارجی گردید و مغضوب دزد اصلی یعنی شاه شد.

هرچند که بیان همه واقعت در این مختصر نمی‌گنجد و تنها مشتی از خروارهاست و حضور بیش از چندین دهه نفوذ استعماری گردنکشانه و چپاولگرانه کمپانیهای چند ملیتی آمریکایی مستلزم نوشتن کتابهای بیشمار است، بر این اساس تنها به ذکر نمونه‌هایی از این مقوله بسنده می‌کنیم: حکایت از آنجا شروع می‌شود که کمپانی آمریکایی گرومن سازنده هواپیماهای اف - ۱۴ تام کت در موقعیت ورشکستگی قرار می‌گیرد و دولت ایران جهت نجات گرومن، یک وام ۷۵ میلیون دلاری به منظور جلوگیری از ورشکستگی آن در نظر می‌گیرد.

اما گرومن به این مبلغ اکتفا نکرده و تلاش آن در جهت فروش هواپیماهای تام کت به نیروی هوایی ایران شروع می‌گردد. آنها برادران لاوی^۱ را به عنوان یک پل ارتباطی انتخاب می‌کنند. گفته می‌شد که برادران لاوی با شهرام، یکی از اعضای خانواده شاه در ارتباط بوده‌اند. برادران لاوی در ازای قرار دریافت ۲۸ میلیون دلار از گرومن مقدمه فروش ۳۰ فروند هواپیمای اف - ۱۴ را فراهم می‌کنند. موافقتنامه گرومن - لاوی در نوامبر ۱۹۷۲ منعقد می‌شود، یعنی یک سال قبل از احتمال بررسی خرید هواپیماهای اف - ۱۴ در ایران، ولی اعلام انعقاد آن در فوریه ۱۹۷۴ یعنی یک سال پس از امضای قرارداد فروش صورت می‌گیرد. بر اساس قرائن و شواهد، گرومن در پشت پرده با خاتمی در ارتباط بوده و این نقش واسطگی را برادران لاوی بازی می‌کردند و به خاطر همین روابط پنهانی بود که دولت ایران درصدد نجات کمپانی گرومن از ورشکستگی برآمد. ضمناً واسطه‌های دیگری از قبیل ابوالفتح محوی یکی از بنیانگذاران صنایع هواییمایی ایران و رئیس شرکت اطلاعاتی ایز ایران، از دوستان نزدیک خاتمی در این رابطه در فعالیت بودند. محوی با ۱۷ شرکت آمریکایی که از مهمترین آنها می‌توان راکول، لیتون، جنرال الکتریک، نورتروپ و گرومن را نام برد، در ارتباط بوده و پولهای کلانی را از این راه به جیب می‌زد. سپهد خاتمی و خادمی به اعتقاد آمریکاییها از شرکای اصلی محوی محسوب می‌شدند. فردی واسطه به نام دهش که از طرف طوفانیان رانده شده بود به آمریکاییها گفته بود که محوی به عنوان کمیسیونر اصلی به گرومن معرفی گردیده و گرومن تنها او را به رسمیت می‌شناخته است. محوی یک دلال و واسطه بنام بود و در فروش هواپیماهای اف - ۵ به ایران سهم بسزایی داشت، زیرا ایران در عین حالی که موافقت خود را جهت خرید هواپیماهای اف - ۵ اعلام می‌کرد، میزان خرید خود را در مورد هواپیماهای اف - ۵ از ۳۶ فروند به ۱۴۶ فروند افزایش داد. در بحبوحه فعالیت‌های برادران لاوی در امر واسطگی با گرومن، فرد جدیدی وارد صحنه می‌گردد. نام وی

۱- برادران لاوی یهودی ایرانی‌الصل و تبعه اسرائیل بودند.

آلبرت جی فیوج بود. لای لال ایرانی که در ازای دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون از شرکت گرومن موجبات فروش جنگنده‌های اف - ۱۴ به ایران را فراهم آورده بود، اعلام نمود که تحت فشارهایی مجبور گردیده است که بخش اعظمی از کمیسیون دریافتی را به فردی بدهد که مدعی بود از طرف دو تن از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران (یعنی ژنرال حسن طوفانیان و ژنرال محمد خاتمی داماد شاه) به این کار مامور گردیده است. عامل جدید آلبرت جی. فیوج سریعاً موفق شد که در عرض دو ماه تعداد ۵۰ فروند به خریدهای اف - ۱۴ اضافه نماید. فیوج به لای گفته بود که می‌بایست ۶۶ درصد کل کمیسیون را به او بدهد. قبل از تغییر واسطگی لای به فیوج، یکی از مقامات عالی‌رتبه ایرانی (احتمالاً محوی) پس از افشای پرداخت ۲۸ میلیون دلار رشوه از طرف گرومن به لای در سال ۷۴ به گرومن اطلاع داد که دیگر نباید بیش از این از لای استفاده نمایند. بعدها رئیس گرومن، پیت جی. اورام، اعلام کرده بود که از بازگشت این کمیسیونها به مقامات ایرانی بی اطلاع بوده، اما در زمینه موضوع انتقال کمیسیون از لای به فیوج آگاهی داشته است. در حقیقت این اعلام عدم آگاهی از بازگشت کمیسیونها به مقامات ایرانی، نشانه ترس و اهمه کمپانی گرومن در ارتباط با قراردادهای آینده بود. همان‌طور که در اسناد آمده است، خود آمریکاییها به این امر واقف بودند که برادران لای و فیوج پوششی برای فعالیت عناصر و اشخاص دیگری محسوب می‌شوند که آنها اشخاصی جز ژنرالهای بانفوذ ایرانی نبودند. در این میان بود که رقابت سختی بین محوی و طوفانیان در گرفت. طوفانیان علیرغم آگاهی از روابط نزدیک خاتمی و محوی، جرأت درگیر شدن با ژنرال خاتمی به عنوان داماد شاه را نداشت و این قرعه به نام محوی می‌افتد. طوفانیان ماجرای دخالت‌های محوی و برادران لای را به اطلاع شاه می‌رساند و شاه آنها را در لیست سیاه قرار می‌دهد. محوی که با ۱۷ شرکت آمریکایی رابطه داشت، از قرار گرفتن در لیست سیاه شاه مطلع می‌شود و طی یک توبه‌نامه به شاه مجدداً از لیست سیاه خارج می‌گردد.

اما در این بین طوفانیان موضوع برادران لای را دنبال می‌کند و مسئله ۲۸ میلیون دلار رشوه پرداختی به آنها از طرف گرومن را به جرایم می‌کشاند و ادعا می‌کند که گرومن با اختصاص ۲۸ میلیون دلار جهت کمیسیون، سر ایران را کلاه گذاشته است و تهدید نمود که این شرکت را تحت تعقیب قانونی قرار خواهد داد. فروش هواپیماهای اف - ۱۴ به ایران حدود ۲/۲ میلیارد دلار برای کمپانی گرومن به همراه داشت که جان تازه‌ای در وجود این کمپانی ورشکسته و بی‌رمق دمید. طوفانیان در ملاقات با مستشاری نظامی در ایران به این روش کمپانیها در فروش تجهیزات نظامی به ایران با نشان دادن دو قطعه چک مربوط به پرداختی گرومن به برادران لای به ارزش ۶ میلیون دلار اعتراض نمود و خواستار حذف عناصر واسطه گردید. وی گفت بر اساس رابطه‌ای که وی با گرومن و نورترپ داشته است به آنها اطلاع داده که وی به عنوان معاون وزیر جنگ، تنها نماینده دولت ایران در برابر دولت آمریکا است و مشخص بود که طوفانیان نمی‌توانست سایر رقبای خود را در این میان تحمل نماید و به این خاطر بود که با از میدان به در نمودن تک تک آنها سعی داشت ابتکار عمل را در امور واسطگی خود به دست گیرد. اما ظاهراً این شرکتها و کمپانیها هم با آگاهی از ساختار فاسد دستگاه سلطنتی و نیز جهت حفظ منافع آینده خود به سخنان وی واقعی ننهاند و با وجود اعلام دولت ایران در خصوص منع استفاده از دلالهای اسلحه کماکان کمپانیهای تسلیحاتی به فعالیت خود در ارتباط با

دلالتها به عنوان پلهای ارتباطی و پرنفوذ خود ادامه می‌دادند. نکته جالب آنکه حتی خود آمریکاییها در زمینه محدود نمودن فعالیت کمپانیهای خود و حذف عناصر واسطه به وحشت افتادند و آن را برای فعالیتهای آینده خود مضر می‌دانستند.

البته طوفانیان نیز در این درگیری با واسطه‌ها آنچنان هم رو سفید بیرون نیامد و رقبای او هم در راستای فعالیتهای وی بیکار ننشستند و دست به کار از میدان به در کردن وی شدند. شخصی به نام دهش که از رانده‌شدگان طوفانیان بود در ملاقات با عناصر لانه جاسوسی گفته بود که طوفانیان از بابت معامله فولاد از هندوستان و نیز خرید قایقهای گشتی فرانسوی مبالغ هنگفتی رشوه گرفته است، و با اطمینان گفت که خیلی زود وی از نظرها خواهد افتاد و چنین نیز شد و در اوج مبارزات ملت مسلمان ایران، نام او نیز به عنوان یک رشوه‌گیر بنام، تیترو روزنامه‌های داخلی و خارجی گردید.

مروری بر حرکتها و فعالیتهای کمپانیهای آمریکایی جهت نفوذ و در دست گرفتن بازار ایران می‌تواند تا حدود زیادی عمق نظام فاسد و استکباری آمریکا را نشان دهد؛ نظامی که ساختار اصلی آن را کمپانیهای چند ملیتی تشکیل داده‌اند و هرچند با گذشت زمان با تعویض رؤسای جمهور تظاهر به انجام دگرگونی در نظام بیمارگونه خود می‌نمایند، اما ملل جهان تاکنون به این نتیجه رسیده‌اند که اینها جز عروسکهای خیمه شب بازی چیز دیگری نیستند و صحنه‌گردان اصلی این جریانات همان کمپانیهای چپاولگر می‌باشند. آمار زیر در خصوص پرداخت رشوه می‌تواند تا حدودی روشنگر این واقعیات باشد:

- ۱- شرکتهای لیتون - مک دونالد داگلاس - لاکهید (از بابت فروش پ - ۳) و نورتروپ، همگی جهت ورود به بازار ایران و فروش جنگ‌افزار، رشوه‌های کلان به واسطه‌ها داده‌اند.
- ۲- یک شرکت به نام Economic Development مستقر در سوئیس به توسط فردی به نام فرانک دو فرانسیس جهت ارتقای سطح فروش اف - ۵ در سطح جهان کمیسیونی به مبلغ ۱/۱ میلیون دلار در رابطه با فروش هواپیما به ایران در اختیار یک واسطه گذاشته است.
- ۳- شخصی به نام کشفی دو مبلغ ۳ و ۱/۴ میلیون دلار از کمپانی فیلکو فورد به خاطر انعقاد قرارداد رادار دریافت کرده است.
- ۴- شرکت بل هلیکوپتر به یک عامل ناشناس ۴۸۹۰۰۰ دلار (هزار دلار بابت فروش هر هلیکوپتر) برای فروش سال ۷۳ آن شرکت پرداخت نموده است.
- ۵ - شرکت نورتروپ دو مبلغ ۱/۶ میلیون دلار و ۴۵۰ هزار دلار جهت حق‌الزحمه برای انعقاد یک قرارداد به یک واسطه پرداخته است.
- ۶- پرویز بوشهری - دلچک دربار- از کمپانی GTE طرف قرارداد شرکت مخابرات از یک قرارداد یک میلیاردی، ۲/۵ درصد دریافت نمود.

با بررسی و مطالعه اسناد این نتیجه حاصل می‌شود که اصولاً فروش تسلیحات و جنگ‌افزارهای پیشرفته در مرحله اول باعث اعمال سیاستهای زورمدارانه استکبار جهانی است که در این رهگذر عوامل دلال و واسطه‌ها نقش ثانوی را در اجرای این سیاستها بازی می‌کنند. به‌طور قطع با گذشت زمان و با تشدید رقابتهای تسلیحاتی مابین کشورها و غولهای تسلیحاتی جهان این موضوع بعد تازه‌ای به خود می‌گیرد و کشورهای بی‌که در حجم وسیع روابط تسلیحاتی با آمریکا دارند نمی‌توانند از

این موضوع مستثنی باشند. در کشورهای مرتجع عربی و در راس آنها رژیم حاکم بر حجاز و مصر این موضوع (دخالت عناصر واسطه و دلالت در امر فروش تجهیزات نظامی و به دنبال آن پرداخت رشوه‌های کلان) می‌تواند در ابعاد بسیار وسیعتری مطرح باشد و در همین کشورهاست که کمپانیهای تسلیحاتی آمریکایی از طریق واسطه‌های سرشناس و پر نفوذ اهداف سیاسی - نظامی - اقتصادی خود را جامه عمل می‌پوشانند.

اسناد اخیر نشان می‌دهد که نظام حاکم بر آمریکا مبتنی بر رشوه و فساد و تباهی است و اکنون نیز از آن جز یک ببر کاغذی چیزی باقی نمانده است. تلاش دولتمردان آمریکایی جهت به دست آوردن قدرت و نفوذ گذشته خود به منظور چپاول اموال ملت‌های محروم جهان و به زیر سلطه بردن آنها، با مطرح گردیدن مجدد اسلام حیات بخش و گسترش نفوذ آن در ملل محروم و مستضعف جهان با شکست قطعی روبرو گردیده است و این قدرت استکباری دوران افول خود را به سرعت سپری می‌کند. آمریکا با پی بردن به عظمت و قدرت انقلاب اسلامی ایران به خیال واهی نزدیک شدن به آن و به زعم خودش جذب عناصر میانه‌رو سعی داشت که اهداف و انگیزه‌های شیطنانی خود را به منصفه ظهور گذارد. لکن این بار شیپور را از دهانه گشادش نواخت و به این خیال باطل که اکنون نیز همانند رژیم شاه می‌تواند اهداف خود را از طرق تسلیحات جامه عمل بیوشاند، با شکست و رسوایی ذلت باری مواجه گردید، که همانند مار زخم خورده‌ای هنوز بر خود می‌پیچد.

والسلام

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اسفند ۱۳۶۷

سند شماره (۱)

خیلی محرمانه - آوریل ۱۹۷۳

از: گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در تهران، ایران به: وزیر دفاع، واشنگتن دی - سی
موضوع: دلالهای نفوذ

۱- (خیلی محرمانه) حدود یک سال قبل شاه با بیانی تند خطاب به پرسنل تهیه کننده تسلیحات گفت که ایران دیگر یک کشور در حال ظهور نیست. بنابراین نباید برای نفوذ افراد هزینه‌ای را متحمل گردد. از آن زمان به بعد شدیداً تلاش شد تا با پاکسازی قراردادهای خرید تسلیحاتی تمام عناصری را که هزینه‌های نادرستی را به این کشور تحمیل کرده‌اند، از صفحه خرید حذف نمایند. طی سال گذشته پرونده‌های فروش نظامی خارجی چندین بار و به دقت بررسی شد، و در انجام آن حتی فهرستی از اسامی افرادی که در مذاکرات دخالت داشته‌اند، تهیه گردید.

۲- (خیلی محرمانه) اکنون مقامات ایرانی فهرست مفصلی را از اسامی افراد ایرانی و خارجی که در این کشور اقامت دارند، لیکن نماینده کارخانه‌ها و یا کمپانیهای خارجی دارای رابطهای خاص در خارج از کشور می‌باشند، تهیه نموده‌اند. شخص شاه این فهرست را به دقت مطالعه کرده و فرمان داده است که به هیچ یک از آنها به خاطر انعقاد قراردادهای خرید تسلیحاتی کمیسیون یا هزینه‌ای پرداخت نشود.

۳- (خیلی محرمانه) مقامات نظامی دست‌اندرکار خرید تسلیحاتی این موضوع را تا جایی دنبال کرده‌اند که مسئله جنبه عاطفی به خود گرفته و اعلام نموده‌اند که آن دسته از افرادی که در ایران اقامت دارند لیکن نماینده کمپانیهای خارجی می‌باشند، نباید در جلسات توجیهی، بحثها، و یا مذاکرات مربوط به خرید تسلیحات نظامی حضور داشته باشند. اخیراً نیز آنها در چند مورد افراد حاضر را شناسایی کرده و از بعضی از افراد خواسته‌اند که قبل از آغاز گفتگوها جلسه را ترک نمایند.

۴- (خیلی محرمانه) از مقامات ما در واشنگتن دعوت شده تا نمایندگان شرکتهای تجاری تولیدکننده تجهیزات نظامی را که قصد سفر به ایران دارند معرفی نمایند، تا اطمینان حاصل شود که در پیشنهادات آنها به ایران هیچ‌گونه هزینه و یا کمیسیون نادرستی گنجانده نشده است. این نمایندگان باید از آوردن شخصیتهای محلی به جلسات مذاکرات اجتناب نمایند.

۵- (خیلی محرمانه) ما این وضع را زیر نظر گرفته و در مورد هرگونه انحراف مهمی که در عمل نسبت به مقاصد دولت به وجود آید، گزارشات لازم را ارسال خواهیم نمود.

۶- سفارت آمریکا نیز موافقت خویش را اعلام می‌دارد.

۷- خروج از طبقه‌بندی در سال ۱۹۷۹.

سند شماره (۲)

اداری - غیر رسمی - استفاده اداری محدود
استانلی تی. اسکودرو بخش سیاسی سفارت آمریکا، تهران وزارت خارجه واشنگتن دی. سی.
استان عزیز:

لطفاً در اوقات فراغت خویش اطلاعات، بیوگرافیک مردی به نام محوی که مدیر عامل سیستم اطلاعاتی ایران (ایز ایران) است (یا بوده) و گویا در حال تشکیل شرکت الکتریسیته هسته‌ای ایران (INECO) و شرکت تکنولوژی پیشرفته ایران می‌باشد، برای ما ارسال نمایید. امیدوارم بخش اقتصادی در مورد وی اطلاعات خوبی داشته باشد، چون او ظاهراً خدمتکار خوش‌سیمای شاه در زمینه تشکیل شرکت‌هایی است که آماده واردسازی صنعت تکنولوژی پیشرفته به ایران می‌باشند. هرگونه اطلاعات دیگری که در مورد دست راست محوی یعنی آقای مناوی و نیز شیرین (شاهین - م) آقایان، وکیل و مشاور تجاری وی داشته باشید برای ما جالب خواهد بود.

این اطلاعات تنها جنبه ارضای کنجکاوی شخصی دارد، چون نام این افراد در گفتگو با تجار به کرات مطرح می‌گردد ولی کسب این اطلاعات می‌تواند در پی بردن به رابطه‌های قدرت بسیار مفید واقع گردد. با این وصف می‌توانم از دریافت این اطلاعات صرف نظر نمایم، تا این افراد فکر نکنند که سفارت در مورد آنها فضولی می‌کند.

سلام گرم ما را به جی و ساشا برسانید.

(یعنی آلساندر)

ارادتمند - بیرون بی مورتون دفتر امور ایران

سند شماره (۳)

از: مستشاری نظامی (آرمیش مگ) - تهران
به: سازمان همکاری امنیتی وزارت دفاع - ستاد فرماندهی ایالات متحده در اروپا برای سپهد فیش
و سرلشکر رایدر - از سرلشگر برت

موضوع: وضعیت ابوالفتح محوی

۱- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان معاونت وزیر جنگ امروز ۶ ژوئیه به ژنرال برت تلفن زد و به وی اطلاع داد که شاه آقای ابوالفتح محوی را در لیست سیاه قرار داده است. ژنرال طوفانیان قاطعانه درخواست کرد که ژنرال برت وزارت دفاع را از تصمیم شاه مطلع سازد.

۲- (خیلی محرمانه) بر اساس تجربه گذشته، این امر به وضوح بدین معناست که آقای محوی به عنوان نماینده یا مشاور هرگونه شرکت خارجی پذیرفته نخواهد شد. ما در این مرحله هیچ‌گونه اطلاع موثقی در این خصوص که آقای محوی نماینده کدامیک از شرکت‌های آمریکایی می‌باشد، نداریم؛ ولی در هر حال شواهد دال بر این امر هستند که وی در گذشته نماینده شرکت‌های بازرگانی خصوصی بوده است.

۳- (خیلی محرمانه) پیشنهاد می‌نمایم که این خبر به‌نحو مناسبی پخش شود. از مذاکرات با نمایندگان مقاطعه‌کاران آمریکایی در این جا آشکار است که تمایل بسیار قوی از جانب شاه و دولت

ایران در قبال عدم استفاده از نمایندگیها و یا افرادی که به هر جهت می‌توانند، به طور جدی در معرض خطر قرار گیرند، وجود دارد. ما هیچ‌گونه وقفه‌ای در این تلاش نمی‌بینیم ولیکن قویاً بر این عقیده هستیم که این تنها راهی است که شرکت‌های آمریکائی می‌توانند در ایران به کار بپردازند. من پیش‌بینی می‌کنم که برخی افراد مشهور دیگر نیز در لیست سیاه قرار داده شوند و این امر می‌تواند به شرکت‌های آمریکایی که از طریق این افراد معرفی می‌شوند لطمه وارد نماید.

۴- (خیلی محرمانه) نظرات و پیشنهادات شما مورد قبول ما است. ما در مستشاری نظامی همیشه مستمراً و آگاهانه به نمایندگان شرکت‌های آمریکایی در مورد نقطه نظرات دولت ایران در خصوص این موضوع گوشزد کرده‌ایم.

سند شماره (۴)

خیلی محرمانه - ۸ ژوئیه ۱۹۷۵

از: سرلشکر برت به: پیام شخصی برای وزیر آقای هوفمان (شورای عمومی) و سپهبد فیش
مرجع: الف - پیام ژوئیه ۷۵ (خیلی محرمانه) اینجانب در مورد موضوع ب - پیام ۸ ژوئیه ۷۵ (خیلی
محرمانه) اینجانب تحت عنوان دلالتها و نرخ دلالتها

موضوع: وضعیت آقای ابوالفتح محوی

۱- (خیلی محرمانه) در تاریخ ۸ ژوئیه ۷۵ طی ملاقاتی طولانی بین ژنرال طوفانیان معاون وزیر جنگ و سرلشکر برت از گروه کمک مستشاری نظامی، طوفانیان از اینجانب خواست که نقل قول شده ذیل را که مکمل مطالب گزارش شده در مرجع الف می‌باشد برای وزیر دفاع ارسال نمایم.
نقل قول:

عالیجناب وزیر دفاع جیمز شلزینگر ۸ ژوئیه ۱۹۷۵
پنتاگون، واشنگتن دی - سی.
ایالات متحده آمریکا

آقای وزیر عزیز:

۱- طبق فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر، فرمانده کل قوا، باید به اطلاع آنجناب برسانم که به علت دخالت‌های آقای ابوالفتح محوی در تهیه و تدارک سیستم‌های دفاعی مورد نیاز نیروهای مسلح سلطنتی ایران از صنایع آمریکایی، نام وی باید در فهرست سیاه قرار گیرد. به اینجانب دستور داده شده تا مقدمات اختتام فعالیت‌های وی را فراهم سازم. وی هیچ‌گونه حق و اختیاری ندارد تا تحت هیچ عنوان و پوششی در زمینه تأمین سیستم‌های دفاعی برای نیروهای مسلح سلطنتی مداخله نماید.

۲- باعث خرسندی من خواهد بود چنانچه جناب وزیر با مساعی خویش به تمام شرکتها و صنایع آمریکایی اطلاع دهند که وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران هیچ قراردادی را که آقای ابوالفتح محوی تحت هر نام و به هر ترتیبی با آن مربوط باشد، امضاء نخواهد کرد.

۳- با احترامات گرم و صمیمانه.

ارادتمند:

ژنرال ح. طوفانیان معاون وزیر جنگ.

پایان نقل:

۲- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان همچنین از اینجانب خواست که تمام نمایندگان قراردادهای مرتبط به مسائل دفاعی آمریکایی را در درون کشور ایران از اقدامات دولت ایران در مورد محوی مطلع سازم و علاوه بر این آنها را در جریان موضع محکم دولت ایران در قبال استفاده از دلالتها و یا افراد یا شرکتها، تحت هر پوششی که منجر به دریافت و پرداخت کمیسیون و غیره در زمینه خریدهای نظامی شود قرار دهم. از زمان شروع مأموریتم در ایران، این جانب و تمام کارمندانم در ملاقاتهای خویش با پیمانکاران بر موضع دولت ایران در مورد استفاده از دلالتها، تأکید ورزیده‌ایم؛ با این حال هیچ اقدامی در مورد درخواست ژنرال طوفانیان چه به صورت تشکیل جلسه فوری و چه به صورت ارسال اظهاریه کتبی انجام نخواهم داد تا از شما دستورات لازم را دریافت نمایم، چون این اولین باری است که از ما خواسته شده که به طور علنی هویت یک فرد خاص را فاش نمایم.

به نظر من مطرح ساختن خصوصیات و ویژگی‌های فرد مورد نظر برای نمایندگان پیمانکاران محلی دارای فواید مثبتی نیز می‌باشد. در گذشته ظاهراً چنین بود که بسیاری به این سخنان گوش می‌دادند، ولی هیچ‌کس آن را باور نمی‌کرد. گذشته از این ما موضوع را با مقامات ذی ربط سفارت در میان می‌گذاریم تا از نقطه نظرات آنها نیز مطلع شویم، چون خواهی نخواهی این خبر به دیگر وزارتخانه‌های دولت ایران راه پیدا کرده و به گوش دیگر پیمانکاران بازرگانی نیز می‌رسد.

۳- (طبقه بندی نشده) از دریافت رهنمودهای شما خوشحال خواهیم شد.

خروج از طبقه بندی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱

سند شماره (۵)

از : گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در تهران به : وزارت دفاع در واشنگتن دی. سی.
پیام برای شخص سپهد فیش از طرف سرلشکر برت خیلی محرمانه - ۹ ژوئیه ۱۹۷۵

موضوع : حق الزحمه دلالتها

۱- (خیلی محرمانه) سرلشکر برت در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۵ با ژنرال طوفانیان معاون وزیر جنگ ملاقاتی بسیار طولانی داشت که منحصراً به مشکلات مربوط به استفاده شرکت‌های آمریکایی از دلالتها در رابطه با قراردادهای مربوط به خریدهای نظامی ایران بود. ژنرال طوفانیان خواستار آن شده است که بخش اعظم مطالب ذیل در اختیار مقامات وزارت دفاع قرار گیرد.

۲- (خیلی محرمانه) به محض ورود برت، ژنرال طوفانیان بحث و گفتگو پیرامون دلالتها و حق الزحمه دلالتها را آغاز کرد. در تمام طول ملاقات برخورد وی بسیار جدی و قویاً قاطعانه بود. مسلم است که این موضوع از نظر اعلیحضرت و دولت ایران بسیار حائز اهمیت می‌باشد و تمام مطالبی که به برت گفته می‌شود مورد تأیید اعلیحضرت قرار گرفته است. در آغاز ژنرال طوفانیان اظهار داشت که اعلیحضرت با سرمایه گذاری خصوصی و یا جو تجارت آزاد مخالف نیست، اما قطعاً و به طور صددرصد با پرداخت هرگونه کمیسیون یا حق الزحمه اضافی در زمینه خریدهای دفاعی مخالف می‌باشد. ژنرال طوفانیان اظهار داشت که این موضوع یک «مفهوم مقدسی» می‌باشد که بیان شده

توسط شاه است، که تهیه و تدارکات دفاعی که با امنیت ملی کشور سروکار دارد، باید عاری از هرگونه پرداختهای مالی باشد که مستقیماً بتوان آنها را با قرارداد تهیه و تدارک تجهیزات دفاعی مرتبط ساخت. وی اظهار داشت که هیچ فردی حق ندارد در این زمینه مبالغ اضافی پرداخت یا برداشت نماید. وی افزود، متأسفانه موارد بسیاری مشاهده شده که به افرادی در رابطه با قراردادهای دفاعی چه قراردادهای مستقیم بازرگانی و چه فروش خارجی نظامی مبالغ عظیمی به صورت هزینه‌های اضافی پرداخت شده است. ژنرال طوفانیان اظهار داشت، مبلغ پول مورد نظر چندان اهمیتی ندارد، ولی اصل خودعمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. در همین رابطه می‌توان گفت که تصمیمات اخیر شاه بخصوص در رابطه با آقای محوی که در تلگرام جداگانه ۸ ژوئیه ۷۵ گزارش شده، با تصمیمات ایشان در زمان اعلام انقلاب سفید قابل مقایسه می‌باشد. این تصمیمات باید به عنوان «یک هشدار» مثبت برای تمام پیمانکاران دفاعی تلقی گردد.

۳- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان در اینجا اسنادی را به برت نشان داد، که بر طبق آنها مبالغ هنگفتی از طرف پیمانکاران و یا شرکتهای آمریکایی به افراد و یا شرکتهای خاصی پرداخت شده است. او به برت دو قطعه چک باطل شده‌ای را نشان داد که یکی از آنها به مبلغ ۲/۹ میلیون و دیگری به مبلغ ۳/۱ میلیون دلار توسط شرکت گرومن به برادران لای پرداخت شده بود؛ علاوه بر این وی یک یادداشت امضاء شده‌ای را در اختیار داشت که با یک نظر اجمالی می‌توان گفت مشخص‌کننده مبلغی است که در رابطه با فروش هواپیماهای اف - ۱۴ به ایران، پرداخت گردیده است - گرچه برت فرصت نداشت تا به مطالعه دقیق چکها بپردازد. ولی متوجه شد که تاریخ یکی از آنها ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ می‌باشد، یعنی پس از اعلام دستورات مندرج در ASPERS ژنرال طوفانیان اظهار داشت که گرومن پرداختهایی در حدود ۲۴ میلیون دلار داشته و او اصرار دارد که شرکت مزبور ۲۸ میلیون دلار به دولت ایران بپردازد که ۴ میلیون دلار اضافی به صورت جریمه و یا تأمین مبالغ پرداختی است که هنوز مشخص نشده است.

۴- (خیلی محرمانه) وی سپس به اظهار نظر و ارائه اسناد مربوط به فعالیتهای شرکت نورتروپ پرداخت و گفت نورتروپ به عنوان حق‌الزحمه لغو قرارداد، ۱/۶ میلیون دلار به محوی پرداخت کرده و ۴۵۰۰۰۰ دلار دیگر نیز به وی به عنوان عامل این شرکت در ایران پرداخت نموده است. به همین دلیل طوفانیان اصرار می‌ورزید که نورتروپ باید مبلغ ۲/۲ میلیون دلار را به دولت ایران بپردازد، و گفت گرچه کل مبلغ این نیست، ولی او آن را به صورت عددی روند ارائه کرده است. وی گفت پس از رسیدن مسئله مربوط به دلالتها به سمع رئیس شرکت نورتروپ یعنی جونز، آقای جونز پس از گفتگو با وزیر دربار علم و ژنرال طوفانیان تلاشهای مثبتی را به کار بسته بود تا به رابطه بین نورتروپ و آقای محوی خاتمه دهد. از نظر طوفانیان این موضوع اعتباری است برای نورتروپ. با این وصف گرومن، حتی پس از دریافت هشدار ژنرال طوفانیان ما و دیگران (اظهار نظر: ما یعنی گروه کمک مستشاری نظامی نیز گرومن و دیگر شرکتهای ما را قبل از آوریل ۱۹۷۴ در جریان امر قرار داده بودیم) اقدام به پرداخت مبالغی هنگفت به برادران لای کرده بود. از نظر وی، این مسئله غیر قابل اغماض است و با قوانین ما و آنها مغایرت دارد.

۵- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان سپس نامه‌هایی را که در سال ۱۹۷۲ به نخست وزیر نوشته

بود و در آنها برادران لاوی را در لیست سیاه قرار داده بود، به برت نشان داد و تأکید نمود که علیرغم تمام اینها، شرکت گرومن در اواخر بهار ۱۹۷۴ قراردادی را با برادران لاوی منعقد ساخته بود. او قرارداد منعقد بین گرومن و برادران لاوی را در برابر دیدگان برت به حرکت درآورد. برت نتوانست به قرارداد نگاه کند. در همان حال، ژنرال طوفانیان اظهار داشت که این قراردادی نیست که بین دو طرف تجاری منعقد می‌گردد، بلکه سند تسلیم شرکت گرومن در برابر برادران لاوی است.

۶- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان گفت در نتیجه رابطه‌ای که با گرومن و نورتروپ داشته به هر دوی آنها اطلاع داده است که وی به عنوان معاون وزیر جنگ تنها نماینده دولت ایران در برابر دولت آمریکا و پیمانکاران دفاعی است، اما ظاهراً این شرکتها به سخنان وی وقعی ننهادند و به تلاش خویش از طریق دلالها ادامه داده‌اند. وی گفت این دلالها در هر صورت چیزی را از دست نمی‌دهند، چون پس از عقد قرارداد با شرکتهای آمریکایی، اگر شرکتهای مزبور برنده شوند، پول عاید آنها می‌شود و اگر برنده نشوند، دلالها هیچ چیزی را از دست نمی‌دهند. وی گفت در گذشته دلالهای مزبور با استفاده از هویت‌های کاذب سعی داشته‌اند با شرکتهای آمریکایی ارتباط برقرار سازند و اظهار داشت که برای اثبات مطلب مدارک لازم را در اختیار دارد. وی به ذکر چند مورد پرداخت که بر اساس یکی از آنها، دلالی همراه با یک ایرانی ناشناس به یک کشور خارجی رفته و او را به عنوان ژنرال طوفانیان معرفی کرده است و این ژنرال قلابی نیز به شرکت توصیه کرده است که بهتر است، این فرد را به عنوان نماینده خویش در ایران استخدام نماید. وی در ادامه گفت این کارها حتی در خود ایران نیز جریان دارد چون هنگامی که نمایندگان کمپانیها وارد هتل هیلتون می‌شوند افرادی با آنها تماس گرفته و می‌گویند که حاضرند آنها را به ژنرال طوفانیان معرفی نمایند و حتی ترتیب ملاقات آنها را با شاه را می‌دهند. در اینجا وی یادداشتی را نشان داد که در آن نماینده یک شرکت آلمانی اظهار داشته بود که یک فرد ایرانی می‌خواهد برای او از ژنرال طوفانیان و حتی شاه وقت ملاقات بگیرد. ژنرال طوفانیان نیز گفته بود که با فرد ایرانی مورد نظر هیچ‌گونه رابطه‌ای نداشته و ندارد.

۷- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان اظهار داشت که می‌خواهد یک موضوع را روشن کند و آن اینکه گرچه شرکت‌های آمریکایی از تبلیغات کافی برخوردارند و توجه همگان را به خود جلب کرده‌اند، ولی همین موضوع در مورد شرکت‌های نماینده دیگر کشورها بخصوص آلمان، فرانسه، انگلستان، و بلژیک نیز صادق است. وی بار دیگر گفت که شاه با تجارت آزاد و صحیح مخالف نیست بلکه نمی‌تواند درباره فساد و دوز و کلک در زمینه قراردادهای دفاعی بی تفاوت بماند. این «رهنمود مقدس» شامل همه می‌شود که با همه به طور مساوی برخورد خواهد نمود.

۸- (خیلی محرمانه) سپس ژنرال طوفانیان از برت درخواست نمود که در جلسه‌ای با حضور نمایندگان محلی تمام پیمانکاران دفاعی آمریکایی به آنها اطلاع دهد که آقای محوی در فهرست سیاه قرار گرفته و موضع شاه را به دقت برای آنها توضیح دهد (اظهار نظر: قبل از انجام این عمل، با سفارت و دفتر وزارت دفاع هماهنگی خواهد شد).

۹- (خیلی محرمانه) ژنرال طوفانیان از برت خواست که به دفتر وزارت دفاع اطلاع دهد تا قرارداد ناوچه‌های اسپروآنس (DD 963) را به دقت بررسی نماید، تا مطمئن شود که هیچ‌گونه کمسیون و یا حق‌الزحمه‌ای پرداخت نخواهد شد و از شرکت‌های درگیر نیز بخواهد که استشهاد نامه تهیه شده توسط

دفتر وی را امضاء نمایند.

۱۰- (خیلی محرمانه) گفتگو با نمایندگان محلی شرکتهای آمریکایی در چند روز گذشته نشان داده است که موضوع کمیسیون و یا حق الزحمه دلالتها مهم ترین موضوع مطروحه در ملاقاتهای ژنرال طوفانیان با آنها بوده است. مسلم است که شاه به تلاشی جدی برای از بین بردن فساد و یا هرگونه اعمالی که حاکی از فساد در زمینه امور دفاعی باشد، دست زده است. همان طور که در آغاز مطلب گفته شد، ژنرال طوفانیان از برت خواسته است که این اطلاعات را حتماً در اختیار واشنگتن قرار دهد. در ملاقات مختصر بین ژنرال طوفانیان در بعدازظهر روز ۸ ژوئیه در ساختمان ستاد مشترک، وی بار دیگر از برت خواست که واشنگتن را در جریان اظهارات وی قرار دهد. برت گفت حتماً این کار را خواهد کرد و ژنرال طوفانیان نیز گفت که مایل نیست پیام ژنرال برت را مرور کند، اما مایل است که وی برداشتهای خودش را برای واشنگتن بفرستد. خروج از طبقه بندی ۳۱ دسامبر ۷۵

سند شماره (۶)

خیلی محرمانه

۱۳ ژوئیه ۱۹۷۵ - سفیر

از طریق: معاونت - آقای میکولوس

از طریق: مشاور سیاسی - آقای میلز - مشاور سیاسی نظامی - هنری پرشت حق العمل دلالات
شما خواستار دریافت خلاصه‌ای از گزارش وزارت دفاع در مورد هزینه عاملین و نیز گزارش ارنست و ارنست در مورد شرکت نورتروپ شده بودید. مطالب زیر با ایران در ارتباط است:

گزارش وزارت دفاع

گزارش وزارت دفاع بر اساس قراردادهای نیروی هوایی آمریکا تهیه شده و قطعاً نمی‌تواند حتی در مورد نیروی هوایی کامل بوده باشد. این گزارش حاوی نکات مهم ذیل است:
فیلکوفورد در سال ۱۹۶۹ مبالغی معادل ۳ و ۱/۴ میلیون دلار به خاطر قراردادهای رادار به کشفی پرداخت نمود. این کمپانی همچنین مبلغ ۱۴۴۰۰۰ دلار دیگر به او پرداخت نمود، تا از سال ۱۹۷۰ به مدت دو سال به عنوان مشاور این شرکت عمل کند.

شرکت وستینگهاوس در رابطه با تجارت و یا کار مربوط به نیروی هوایی ایران تنها هزینه‌های ناچیزی را پرداخت کرده است. البته این موضوع با عقل جور در نمی‌آید.
شرکت بل نیز ظاهراً به یک عامل ناشناس حدود ۴۸۹۰۰۰ دلار (۱۰۰۰ دلار در ازاء هر هلیکوپتر) در ازاء فروشهای سال ۱۹۷۳ این شرکت پرداخت نموده است. میزان پرداخت این هزینه ظاهراً پس از اعتراض دولت ایران مبنی بر غیر منصفانه بودن درصد کمیسیون از طریق مذاکره مشخص گردید.

شرکت مک دونالد داگلاس نیز احتمالاً مبلغ نامعلومی را به یکی از افسران بازنشسته نیروی هوایی آمریکا به نام آقای لاون که در اسرائیل زندگی می‌کند و عهده‌دار امور این شرکت در آنجاست پرداخت نموده است. تیوکول نیز گویا ۷۴،۰۰۰ دلار به فردی به نام آقای بزرگمهر و ۸۵،۰۰۰ دلار به فردی به نام آقای شاهان پرداخت کرده که من آنها را نمی‌شناسم.

شرکت لیتون به خاطر انعقاد قراردادی در سال ۱۹۷۳ معادل ۱۲۱۰۰۰ دلار به شرکت خدمات مدیریت فنی با مسئولیت محدود (محو) پرداخت نموده است. شنیده‌ام که محوی به لیتون اطلاع داده است که علیرغم اقدامات تند طوفانیان وضع هیچ‌گونه تغییری نکرده است. لاکهید نیز ظاهراً مبلغ یک میلیون دلار به خاطر فروش ۳۰ میلیون دلاری ۳- پ در سال ۱۹۷۳ به جیم زند پرداخته است. ظاهراً نورتروپ نیز به محوی قول داده است که در صورت انجام فروش ۵۰/۳ میلیون دلاری فانتوم‌های اف - ۵ - ئی، ۱/۵ درصد کمیسیون به وی بپردازد.

گزارش ارنست اند ارنست

اینجانب بخشهایی از این گزارش را که می‌تواند برای شما جالب باشد جدا ساخته‌ام. بعضی از مطالب مربوط به ایران به شرح زیر می‌باشد.

شرکت اکونومیک اند دیولوپمنت، یک کمپانی مرموز مستقر در سوئیس توسط فرانک دوفرانسیس جهت ارتقای سطح فروش فانتوم‌های اف - ۵ - ئی در سطح جهانی، ۱/۱ میلیون دلار «کمیسیون اختیاری» در رابطه با فروش هواپیما به ایران، پرداخت نموده است. «عاملین دیگری» (احتمالاً محوی) نیز در همان فروش ۲/۷ میلیون دلار دریافت داشته‌اند.

یادداشت: TVJ در مورد این قرارداد حاوی عبارت زیر است: «اطمینان دارم که این کار صورت خواهد گرفت من قادر به شناخت صاحب امضاء نیستم ولی حدس می‌زنم که متعلق به یکی از وکلای اروپایی باشد که رئیس است.»

قرارداد امضاء نشده‌ای که با شاهزاده شهرام منعقد شد (و در گزارش با عنوان PCP یاد شده) به عنوان توافق‌نامه‌ای با یک بازرگان خصوصی ذکر شده و گفته شده که این شخص یکی از مقامات دولت ایران نمی‌باشد. مبلغ ۱/۱۲۵ میلیون دلار در ازاء خدماتش به کنسرسیوم INTS به وی پرداخت شده که ۷۰۵،۰۰۰ دلار آن سهم پیچ (Page) بوده است. مبلغ مورد نظر ظاهراً به یکی از حسابهای شماره‌دار بانک سوئیس واریز شده است.

به شرکت مدیریت و مشاوره فنی با مسئولیت محدود (برمودا) که متعلق به محوی است بر اساس یک قرارداد سه ساله از اول اوت ۱۹۷۱ سالانه مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ دلار پرداخت شده است. علاوه بر این، دیگر قراردادهای شرکت نورتروپ، در همین رابطه، کمیسیونهایی معادل ۲/۲ میلیون دلار برای مدت سه سالی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۳ خاتمه یافته پرداخت شده است. زمانی که دولت ایران استفاده از دلالتها را ممنوع اعلام کرد، شرکت نورتروپ سعی کرد با پرداخت ۱/۳ میلیون دلار ادامه فعالیت‌های محوی در رابطه با شرکت مزبور را متوقف سازد. ظاهراً مذاکرات مربوط به این معامله هنوز هم در جریان است و گویا سپهد خاتمی و خادمی نیز از جمله اعضای گروه محوی می‌باشند. محوی قبلاً صاحب ۵۱ درصد سهام شرکت IACI بود، ولی طوفانیان سهام وی را خریداری کرد. خاتمی و خادمی در این توافقنامه تنها نقش سهامدارانی را داشتند که در امور دیگر مربوط به شرکت دخالتی نداشتند. می‌گویند جف کیچن (Jeffkitchen) نیز اظهار داشته که محوی در فروش هواپیماهای اف - ۵ ئی نقش موثری داشته، زیرا ایران در عین حال که هواپیماهای اف - ۴ اس را خریداری می‌کرد، میزان خرید خود را در زمینه اف - ۵ ئی از ۳۶ فروند به ۱۴۶ فروند اضافه نمود. در یک یادداشت بدون امضاء و

تاریخ از محوی چنین نقل قول شده است که «سپهد خاتمی که خود عضو گروه وی می‌باشد، فروش هواپیماهای (اف - ۵ ئی) را به سطح کنونی رساند و بر اساس آنچه از محوی دریافت شده بود او نیز در مبلغ کمیسیون شریک خواهد بود. واقعیت امر این است که مسئله فروش با موانعی روبرو بود ولی در حال حاضر این موانع از بین رفته و فروش به جریان افتاده است.»

شاهین آقایان نیز گویا مبالغی تحت عنوان «پرداختهای ویژه» معادل ۱۵,۰۰۰، ۵۰,۰۰۰ و ۱۶,۰۰۰ دلار بین سالهای ۷۳ - ۱۹۷۱ دریافت کرده است.

شرکت پیچ نیز ظاهراً بین سالهای ۷۳ - ۱۹۷۱ مبلغ ۱۵,۰۰۰ دلار به یک مشاور به نام بیژن پرداخت کرده است. این فرد احتمالاً همان سرهنگ بیژن از نیروی هوایی ایران است که به خاطر دریافت کمیسیون قبل از تغییر مقام سال گذشته‌اش شهرت یافته است.

گویا ژنرال ژابلونسکی نیز به سوئیس سفر کرده و کمیسیون شرکت پیچ (به مبلغ ۶۶۰,۰۰۰ دلار) را به یک فرد ناشناس واقع در یک هتل پرداخت کرده است. علاوه بر این وی برای شرکت مزبور یک حساب بانکی در سوئیس باز کرده است.

سرلشکر برت
آقای کالاهان
آقای وستلی

سند شماره (۷)

برای افراد ذی‌ربط:

بنابه فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر فرمانده کل، باید به اطلاع شما برسانم که به علت مداخله آقای ابوالفتح محوی در تهیه سیستم دفاعی و تأمین نیاز نیروهای مسلح سلطنتی از صنایع آمریکایی، نام وی باید در لیست سیاه قرار گیرد. به من دستور داده شده ترتیبی دهم تا فعالیتهای وی خاتمه یابد. او به هیچ‌وجه و تحت هیچ عنوانی حق ندارد در زمینه تهیه سیستمهای دفاعی نیروهای مسلح سلطنتی ایران دخالت داشته باشد.

مایلم موضوع به اطلاع کمپانیها و صنایع آمریکا برسد که وزارت جنگ دولت سلطنتی ایران هیچ قراردادی را که به نحوی با آقای ابوالفتح محوی مرتبط باشد امضاء نخواهد نمود.

تصویب: ژنرال ح. طوفانیان معاون وزیر جنگ

سند شماره (۸)

قرارگاه گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران

نیویورک ۰۹۲۰۵

۳ ژوئیه ۱۹۷۵

دفتر رئیس - یادداشت برای: ژنرال حسن طوفانیان معاون وزیر جنگ

موضوع: وضعیت آقای ابوالفتح محوی

آقای پرشت و اینجانب معتقدیم که یادداشت پیوست با گفتگوهایمان در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۵

مغایرت و تناقضی ندارد. در صورت تأیید شما اینجانب فوراً رونوشتی از آن را در اختیار آقای پرشت قرار خواهم داد تا بین پیمانکاران آمریکایی توزیع گردد. دول برت سرلشکر نیروی هوایی آمریکا، رئیس، گروه کمک مستشاری نظامی

سند شماره (۹)

خیلی محرمانه

۳۱ ژوئیه ۱۹۷۵ اداری - غیر رسمی

تهران، ایران

جناب بیرون بی. مورتون - وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی، ۲۰۵۲۰

بیرون عزیز:

در حالی که در نوشته‌های استانیلی اسکودرو تحقیق می‌نمودیم، نامه‌ای را که در تاریخ ۳۰ ژانویه برای ایشان ارسال کرده بودید، یافتیم که در آن خواستار دریافت اطلاعاتی در مورد ابوالفتح محوی و رابطهایش شده بودید. با استناد به نامه چارلی ناس که برای جک میکولوس در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۵ فرستاده شده بود، می‌توان گفت که از طریق گزارش ارنست و ارنست اطلاعات بسیار خوبی در مورد فعالیتهای آقای محوی به دست آورده‌اید. (ما نیز یک نسخه از این گزارش را در اختیار داریم). محوی، که من هرگز او را ندیده‌ام، فردی است حدود ۵۰ ساله و بسیار باهوش. وی رابطه‌های بسیار خوبی دارد که احتمالاً به ژنرالهایی چون خاتمی و خادمی (در ایران ایر) می‌رسد. او در ایران دارای چند شرکت بزرگ است و من قطعاً مطالب زیادی در مورد آنها نمی‌دانم. همان‌گونه که در تلگرام اخیر اطلاع داده‌ایم، شرکت ایزایران به تصرف شرکت IEI درآمده است. شرکت هسته‌ای (اتمی - م) محوی یعنی INECO نیز گویا در رابطه با فروش رآکتورهای آلمانی فعالیت می‌نماید. محوی ظاهراً فعالیتهای خود را ابتدا در زمینه تجارت نفت آغاز کرده اما در حال حاضر هیچ‌گونه فعالیت مهم نفتی ندارد.

نمی‌دانم که آیا تلگرام پیوست ارسالی توسط گروه کمک مستشاری نظامی را که خواسته شده بود در اختیار وزارت خارجه نیز قرار گیرد، دیده‌اید یا نه. در گفتگو در مورد محوی با ژنرال طوفانیان در تاریخ ۲۹ ژوئیه وی خاطر نشان ساخت که حدود ۱۷ کمپانی آمریکایی با وی در ارتباط می‌باشند. و به ذکر اسامی این شرکتها پرداخت و از راکول، لیتون و شرکت جنرال الکتریک یاد کرد، ولی موضوع به همین جا خاتمه نیافت. البته رابطه‌ی وی با شرکت نورتروپ برای همه معلوم و آشکار است. ما سعی داریم یک نامه تحت عنوان «به تمام افراد ذیربط» از طوفانیان دریافت کنیم که همان مطالب مندرج در نامه‌اش به وزیر دفاع را داشته باشد.

در صورت موفقیت، چند نسخه از آن نامه را برای شما خواهم فرستاد. تا بنا به صلاحدید خویش در اختیار بازرگانانی که با شما تماس می‌گیرند، قرار دهید.

آقای مناوی که در نامه خود به وی اشاره کرده‌اید، فردی است حدود ۳۰ ساله و یکی از اعضای درخشان ستاد کارمندی محوی است که از سمت خود به عنوان مدیر ایزایران استعفا داده است. طبق اطلاع من وی سرپرستی بقیه شرکتهای محوی در ایران را به عهده خواهد گرفت. او و ریسیس هر دو در حال گذراندن تعطیلاتی طولانی در اروپا می‌باشند. شاهین آقایان که نامش در گزارش ارنست و

ارنست آمده وکیلی است موفق که با نخست وزیر و دیگر مقامات ارشد دولت ایران رابطه دارد. او همچنین از دوستان بسیاری از پرسنل سفارت به حساب می‌آید. آقایان در ایران نماینده بسیاری از شرکتهای آمریکایی است. همسرش که عضو حزب رستاخیز است اخیراً به عنوان نماینده ارمنی‌ها در مجلس برگزیده شده است.

اطلاعات موجود در مورد سه فرد فوق‌الذکر حکایت از آن ندارد که آنها در نتیجه وضع شرکت نورتروپ دچار ضرر و زیان مالی شده‌اند محوی به یکی از طرفهای تجاری آمریکاییش گفته است که «وضع به هیچ‌وجه تغییر نکرده» و بهتر هم شده است. ولی مسلم است که دولت ایران در نظر دارد حداقل مانع ادامه فعالیت‌های محوی در زمینه خریدهای دفاعی گردد. **ضمیمه: تلگرام گروه کمک مستشاری نظامی ارادتمند: هنری پرشت دبیر اول**

سند شماره (۱۰)

اخبار - تجارت

از یک رسوایی چند ملیتی دیگر پرده برداشته شد.

این هفته شاهد رسوایی یک شرکت چند ملیتی که دهها میلیون دلار پول در آن دخالت داشت و توسط روزنامه کیهان افشا شد، بودیم. (برای اطلاع شما طی تلگرام خیلی محرمانه شماره ۲۲ مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۵ ارسال شده است.)

کیهان گزارش زیر را در روزنامه مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۵ خود منتشر کرد: تلاشهای یک شرکت آمریکایی برای مغبون کردن ایران به میزان ۲۸ میلیون دلار، توسط وزارت جنگ خنثی شد. این شرکت گرومن می‌باشد که یک قرارداد فروش هواپیماهای تام کت اف - ۱۴ با ایران دارد. ایران در سپتامبر ۱۹۷۳ مذاکراتی را برای خرید این هواپیماها با شرکت گرومن آغاز نمود. در آن هنگام مقامات شرکت به نمایندگان ایران اطلاع دادند که در نظر دارند، فردی به سروان پولارد را که قبلاً در سفارت آمریکا در تهران کار می‌کرد به عنوان نماینده خود در ایران منصوب نمایند. ولی مقامات ایرانی بلافاصله پاسخ دادند که وی از ایران اخراج شده است و ایران در هر شرایطی برای معاملات خود یک چنین شخصی را واسطه قرار نمی‌دهد.

مقامات ایرانی آقای جیمز شلزینگر وزیر دفاع وقت را نیز فوراً از این قضیه مطلع ساختند و از وی خواستند تا ضمیمه خاصی را به موافقتنامه فروش تسلیحات به ایران اضافه نماید. به این صورت که پرداخت هرگونه وجهی تحت عنوان کمیسیون یا حق دلالی و... به اشخاص واسطه ممنوع گردد. این مطلب تحت عنوان ضمیمه شماره ۹ به موافقتنامه افزوده شد. ایالات متحده آمریکا طبق برنامه فروش تسلیحات خود فروشندگان را ملزم ساخت که دولت را در جریان پرداخت مبالغی که بیش از یک میلیون دلار باشد قرار دهد، در حالی که کمپانی گرومن چنین مطلبی را به اطلاع دولت آمریکا نرسانده بود.

علیرغم تمام این مسائل، اخیراً شایع شده است که گرومن کمیسیونی بالغ بر ۲۸ میلیون دلار را به دو برادر یهودی به نام‌های پرویز و منصور لاوی داده است. ارتشبد حسن طوفانیان، وزیر جنگ ایران، به محض اطلاع از این شایعه، بلافاصله موضوع را به گوش مقامات ذریبط رساند و یک‌بار دیگر از

وزارت دفاع آمریکا خواست که در این مورد تحقیق کند. رئیس و رئیس هیئت مدیره شرکت گرومن برای ادای توضیحات به تهران فراخوانده شدند و پرداخت چنین مبلغی را تایید کردند، ولی ادعا کردند که این مبلغ از محل صندوق اعتبارات ایران تامین نشده است. مدیر عامل شرکت گرومن نیز در ایالات متحده اطلاعیه‌ای انتشار داد، مبنی بر اینکه این پرداخت هیچ هزینه‌ای برای دولت ایران در بر ندارد. ولی این مطلب برای مقامات ایران غیر قابل قبول بوده است. چرا که شرکت گرومن یک سازمان خیریه نیست که مبلغ ۲۸ میلیون دلار به اشخاصی بدهد که علاوه بر اینکه هیچ تماسی با ایران ندارند بلکه ممنوع‌الورود نیز می‌باشند.

درست در هنگامی که چنین مبادله غیر قانونی بین شرکت گرومن و برادران لای در جریان بود، شرکت گرومن در آستانه ورشکستگی قرار داشت و دولت ایران مشغول اعطای یک وام ۷۵ میلیون دلاری به آن شرکت بود تا آن را از ورشکستگی نجات دهد. با توجه به این مطلب دولت ایران درخواست نمود تا گرومن این مبلغ را به ایران برگرداند. ولی در این میان دولت ایران متوجه شد که برادران لای این قرارداد را به شخصی به نام فیوج فروخته‌اند که نامبرده طی نامه‌ای به وزارت جنگ اعلام کرده است که این قرارداد مبلغ ۲۸ میلیون دلار هزینه داشته است.

مقامات گرومن نیز که احتمالاً مبالغ قابل توجهی از این پول را به جیب زده‌اند در نهایت قبول کردند که این مبلغ را به دولت ایران برگردانند، ولی درخواست کردند که این پول صرف خرید لوازم یدکی از همان کمپانی شود. دولت ایران این درخواست را رد کرد و درخواست کرد که این پول فوراً بازپرداخت شود و در غیر این صورت از پرداختهای آینده ایران کسر خواهد شد.

نکته جالب توجه این است که «قرارداد» لای - گرومن در نوامبر ۱۹۷۲، یعنی تقریباً یک سال قبل از اینکه ایران احتمال خرید هواپیماها را مطرح کند منعقد شده بود، ولی در فوریه ۱۹۷۴ یعنی یک سال بعد از اینکه قرارداد فروش هواپیماها منعقد شد، در نیویورک افشا گردید. این مطلب به وضوح نشان می‌دهد، که یک کلاهبرداری در کار بوده است و مقامات گرومن مبلغ هنگفتی پول به جیب زده دولتهای ایران و ایالات متحده را فریب داده و در عین حال شرکای کمپانی خود را نیز گول زده‌اند. معلوم نیست که آیا گرومن که به دولت آمریکا نیز اسلحه می‌فروشد، چنین کلاهبرداریهایی را در مورد معاملات خود با آن دولت به اجرا می‌گذارد یا نه.

به گفته مدیر عامل گرومن، مقامات برجسته ایرانی به وضوح به وی گفته‌اند که هیچ کمیسون یا حق دلالی نبایستی در رابطه با این گونه معاملات پرداخت شود. در اظهارات وی چنین آمده است که بنا به ترتیبات متخذه هیچ پرداختی در رابطه با مقامات دولت ایران یا مستخدمین یا نمایندگان آن صورت نگرفته است.

به گفته منابع آگاه در تهران، دولت ایالات متحده برای پرده برداشتن از رسوایی گرومن از هیچ گونه کمک و همیاری نسبت به دولت ایران دریغ نورزیده است. مدیران گرومن به طور کتبی به انجام این اعمال غیر قانونی اعتراف کرده‌اند و قبول کرده‌اند که پول را برگردانند.

رسوایی شرکت گرومن یادآور خاطره کلاهبرداری کمپانی نورتروپ پیچ می‌باشد، که چندی پیش افشا شد و شامل پرداخت یک کمیسون ۶ میلیون دلاری بود، که بلافاصله توسط دولت ایران کسر شد.

سند شماره (۱۱)

از: سازمان معاونت تسلیحاتی وزارت جنگ
پیرو شماره: ۱۴ - ۷۹ - ۰۱ - ۱۴۰۱

موضوع: جلوگیری از فعالیت واسطه‌ها در امور خریدهای وزارت جنگ
عریضه آقای ابوالفتح محوی مبنی بر اینکه به هیچ عنوان در معاملات وزارت جنگ و نیروهای مسلح شاهنشاهی دخالت ننماید در تاریخ ۵۴/۱۲/۷ از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران گذشت و تصویب فرموده‌اند که نامبرده بالا از لیست سیاه خارج شوند.
جانشین وزیر جنگ ارتشبد حسن طوفانیان

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۹ ژانویه ۱۹۷۶
از میز سیاسی نظامی - هنری پرشت
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
یادداشت برای بایگانی

موضوع: ناهار با هوشنگ دهش

دهش که اغلب از جریانات مطلع و همیشه دارای انگیزه‌های شخصی و خود رأی است، در روز ۱۵ ژانویه مراتب ذیل را اظهار نمود.

مشکل نمایندگان گرومن. دهش اظهار داشت که اتحادیه متشکل از برادران لاوی و دکتر فیوج که وی برادران فولادی را نیز به آنها اضافه نمود، در واقع پوششی برای اشخاص دیگر محسوب می‌شود. اطلاعات وی حاکی از این است که ۲۴ میلیون دلار در حقیقت به محوی داده شد، تا از طریق محوی به ارتشبد خاتمی داده شود. هنگامی که در نوامبر ۱۹۷۳ محوی آشکارا خاتمی را در سفر وی که به منظور بازدید تجهیزات دفاعی مقاطعه‌کاران ایالات متحده انجام می‌شد، همراهی کرد، شرکت گرومن متقاعد شد که می‌بایست با او جهت ضمانت فروش اف - ۱۴ وارد معامله شود تا کمپانی را که در وضعیت حاد ورشکستگی قرار دارد نجات دهد. من به دهش گفتم که شایعاتی مبنی بر اینکه شاهزاده شهرام از برادران لاوی حمایت می‌کند شنیده‌ام. دهش این شایعات را رد نمود و اظهار داشت که گرومن طوفانیان را متقاعد ساخته است که محوی دریافت‌کننده حقیقی حق‌العمل نمایندگان است.

GTE - این شرکت به پرویز بوشهری، برادر شوهر شاهزاده اشرف وعده ۲/۵٪ کمیسیون از قرارداد میلیارد دلاری SWITCHING را داده است. بوشهری که نماینده کمپانی «نور فرنیچر» می‌باشد شخصی مقتدر و توانا در معاملات خود می‌باشد و برای شرکت GTE شخص مهمی محسوب می‌شود، نه به علت رابطه وی با اشرف، بلکه به این دلیل که این کمپانی گفته بود که برای قرارداد با این کمپانی هیچ‌گونه کارمزدی برای واسطه‌ها در نظر نخواهد گرفت. (اظهارات دهش تا اینجا توسط منابع دیگر نیز تأیید شده است.) از آنجایی که قرار بود پولهای پرداختی بوشهری در اختیار مقامات اجرائی شرکت پست و تلگراف و تلفن قرار گیرد. عدم تهیه آن از طرف کمپانی GTE موجب تأخیر در قرارداد خواهد شد. اگر GTE پول را نپردازد، قرارداد امضاء نخواهد شد و بنابراین سفیر آمریکا ناچار است برای عقد این قرارداد نزد شاه وساطت کند.

ارتشبد طوفانیان. (از آنجا که دهش به علت اخراج خود توسط طوفانیان وی را نبخشیده است،

هرچیزی که توسط وی در رابطه با طوفانیان گفته می‌شود بایست با دیده‌تأمل در آن نگریست (هنگامیکه طوفانیان به خانه جدیدش - یک قصر با ۲۸۰۰۰ فوت مربع زیر بنا که در نزدیکی دانشگاه ملی است - نقل مکان کند، مقدمات سقوط خود را در ظرف مدت کوتاهی فراهم خواهد ساخت. طوفانیان در کار خرید نسبتاً پاک و ناآلوده است اما با تأمین کنندگان فولاد از هندوستان قرار و مدارهایی بسته است تا در زمینه تولید سلاح چیزی هم به طور ضمنی عاید خود کند. دهش حدس می‌زند که طوفانیان مقدار ۷٪ بر معامله خرید قایقهای گشتی فرانسوی افزوده باشد، تا خودش شخصاً برداشت کند. او کاملاً مطمئن بود که طوفانیان از نظرها خواهد افتاد اما این قضیه مانند قضیه نیروی دریایی رسوایی علنی نخواهد داشت، زیر آقای ارتشید از نزدیکان شاه به شمار می‌رود. وی گفت که طوفانیان چندی پیش سخت توییح شده بود چون برای ۷۴۷هایی که از TWA خریده‌اند لوازم یدکی عوضی (مدل B به جای A) تهیه کرده بود. (مستشاری نظامی و شرکت بوئینگ می‌گویند که مسئله کوچکی پیش آمد، ولی رسوایی بزرگی ببار نیاورد).

جنجال عمومی برای حق‌العمل کارگزاران. علل اصلی که شاه نسبت به کارگزاران خصوصاً سخت می‌گیرد عبارتند از:

۱- علاقه شدید او به اینکه نام نیک خود و رژیم خود را در معرض انتقادهای بین‌المللی قرار ندهد.

۲- تنگناهای مالی که نشان می‌دهد دولت ایران دیگر نمی‌تواند شاهد سرازیر شدن مبالغ عظیم پول به جیب کارگزاران باشد. این امر تا حدی علت سقوط عطایی هم بود.

تنگناهای مالی - شرکت عزیز فرمانفرمایان به واسطه انبوه سفارشات ساختمانی عقب‌مانده چند ماه پیش خود کادر خود را توسعه داد. چون دولت ایران از پرداخت‌های، خود امتناع می‌ورزد، این شرکت عملاً ورشکسته شده و فرمانفرمایان را فرستاده‌اند به خارج تا سلامت عقلی خود را از دست ندهد. به نظر دهش اگر این تنگناهای مالی منجر شود به تقلیل سفارشات نظامی، که نه در توانایی مملکت است و نه به طور معقول قابل استفاده، چیز خوبی خواهد بود. وی با خوشبینی انتظار دارد که وقتی تیمسار معصومی سرکار بیاید در فعالیتهای ارتشید طوفانیان نظم و ترتیب بیشتری واقع گردد. او فکر می‌کند که شاید لازم شود بسیاری از پروژه‌ها را معلق یا لغو کنند. دو پروژه‌ای که یقیناً لغو نمی‌شوند چون شاه نسبت به آن دو تعلق خاطر دارد، توسعه پایگاه چاه‌بهار و راکتورهای اتمی می‌باشد. در حاشیه دهش گفت که شنیده است، بانک مرکزی تصمیم گرفته است که ایران برای جبران تقلیل درآمدهای نفتی به وام گرفتن روی نیاورد.

سند شماره (۱۳)

گرومن - ایران

تهران، ایران (آسوشیتدپرس) - معاون وزیر جنگ ارتشید حسن طوفانیان روز شنبه اظهار داشت که شرکت گرومن با اختصاص ۲۸ میلیون دلار برای کمیسیون فروش سر ایران را کلاه گذاشته است. وی تهدید نمود که این شرکت را تحت تعقیب قانونی قرار خواهد داد و این پول را از گلولی آن بیرون خواهد کشید.

طوفانیان در یک کنفرانس مطبوعاتی در برابر گزارشگران ایرانی گفت: شرکت گرومن این پول را

به جیب زده است. وی افزود در نتیجه مذاکرات گرومن موافقت کرده است که از مبلغ مذکور ۱۸ میلیون دلار را به ایران بازگرداند اما ایران خواهان دریافت تمام مبلغ ۲۸ میلیون دلار است. گرومن در بتاپیچ در دفتر مرکزی خود در نیویورک در روز سه‌شنبه اظهار داشت که بین این شرکت و دولت ایران مذاکراتی در جریان است تا مشخص گردد، که چه کسی باید مبلغ ۲۸ میلیون دلاری را که می‌بایست به واسطه‌ها در ازاء فروش ۲/۲ میلیارد دلاری هواپیماهای اف - ۱۴ تام کت پرداخت شود، دریافت نماید.

سخنگوی گرومن گزارشات منتشر مبنی بر اینکه شرکت وی با پرداخت مستقیم مبلغ کمیسیون به دولت ایران موافقت کرده است را تکذیب نمود.

طوفانیان مدعی است که بر اساس قرارداد موجود، گرومن موافقت کرده بود که بدون وجود هرگونه واسطه‌ای فروش‌های مورد نظر انجام خواهد گرفت و علاوه بر این اظهار نامه‌ای را در این رابطه امضاء کرده بود، ولی با این وصف مدعی پرداخت کمیسیون به دو برادر ایرانی پرویز و منصور لاوی می‌باشد. طوفانیان گفت از سال ۱۹۷۰ برادران لاوی به خاطر کلاهبرداری تحت تعقیب بوده‌اند. ژنرال دو قطعه چک گرومن به مبلغ ۶ میلیون دلار به کسانی که او آنها را نمایندگان فروش، و آمریکاییهایی که در ایران کار می‌کنند، خواند پرداخت شده، اما شرکت در تلاش است، تا این پول را پس بگیرد.

رئیس شرکت گرومن - جان - سی - بایروث - اظهار داشت که این شرکت و ایران توافق کرده‌اند که پرداخت ۲۸ میلیون دلار اکنون به صورت یک موضوع حقوقی درآید، وی گفت گرومن پس از حل مسائل به وظایف حقوقی خویش عمل خواهد نمود.

طوفانیان به طرح این اتهام پرداخت که در فوریه ۱۹۷۳ گرومن قراردادی با برادران لاوی منعقد ساخته که بر اساس آن کمیسیون دریافتی آنها در نتیجه فروش هواپیماها از ۱ درصد تا ۲۱ درصد افزایش خواهد یافت. وی افزود که قراردادی برای خرید هواپیماهای اف - ۱۴ در سال ۱۹۷۴ منعقد شد. در آن قرارداد تصریح گردیده که نباید به هیچ فردی کمیسیون پرداخت شود و این معامله مستقیماً و بدون دخالت هرگونه واسطه‌ای انجام می‌گیرد.

طوفانیان گفت در آوریل ۱۹۷۵ از طریق دوستانش از اختلاف بر سر تقسیم کمیسیون اطلاع حاصل کرده است.

ژنرال گفت که وی موضوع را به اطلاع وزارت دفاع رسانیده و متعاقب آن دو تن از مدیران شرکت گرومن به تهران پرواز کرده و اعتراف کرده‌اند که کمیسیون پرداخت شده، در حالی که در طول انجام مذاکرات فروش سوگند یاد کرده بودند که در این معامله هیچ دلالی شرکت ندارد. (پایان)

سند شماره (۱۴)

مرجع: تهران ۱۵۶۲

طبقه‌بندی نشده

تاریخ: ۱۹ فوریه ۷۶

به: سفارت آمریکا در تهران

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: مشکل مربوط به دلال شرکت گرومن

۱- آنچه در ذیل آمده از مقاله نشریه نیوزدی مورخ ۱۵ فوریه اقتباس گردیده است. بخش اعظم

مطالبی را که قبلاً انتشار یافته حذف نموده‌ایم.

۲- دلال ایرانی که در ازای دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون با شرکت بین‌المللی گرومن همکاری کرده بود تا موجبات فروش جنگنده‌های اف - ۱۴ به ایران را فراهم آورد، اعلام کرده است که تحت فشارهای وارده مجبور شده است بخش اعظم کمیسیون دریافتی را به فردی بدهد که مدعی شده بود از طرف دو تن از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران برای این کار مأمور شده است.

این دلال که چندین بار در طول شش هفته گذشته مورد مصاحبه گزارشگر نشریه نیوزدی واقع شده هوشنگ لاوی نام دارد و یکی از اتباع ایرانی است که در پلین دیوی آمریکا دفتر کاری دارد. لاوی در ژانویه ۱۹۷۴ سبب فروش ۳۰ فروند اف - ۱۴ گرومن به ایران شد. طبق اظهارات لاوی، چندی نگذشت که یکی از عاملین فروش دارای رابطهای ایرانی با وی تماس برقرار ساخت. این فرد به لاوی اطلاع داد که ۶۶ درصد کمیسیونهای دریافتی گذشته و آتی وی در مورد فروش هواپیماهای اف - ۱۴ گرومن به ایران باید در اختیار وی قرار گیرد.

لاوی گفت که در آوریل ۱۹۷۴ با این مسئله موافقت کرده بود، چون متقاعد شده بود که این عامل جدید به نیابت دو تن از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران فعالیت می‌کند. این دو تن نیز به عنوان ژنرال حسن طوفانیان معاون وزیر جنگ و ژنرال فقید محمد خاتمی، داماد شاه ایران و فرمانده نیروی هوایی کشور شناسایی شدند.

عامل جدید یعنی آلبرت جی. فیوج که یک فرد آمریکایی است، سریعاً مقدمه معاملات دیگری را برای گرومن فراهم ساخت، به طوری که در مدت دو ماه، ایران خود را مقید به خرید ۵۰ فروند دیگر از اف - ۱۴های گرومن، ساخت.

این معامله موجبات شگفتی بسیاری را در واشنگتن فراهم آورد. قبل از آنکه فیوج سررشته امور را از لاوی بریاید، طوفانیان پنهانی به مقامات آمریکا از طرف شاه اطلاع داد که دولت متبوع وی مایل است اف - ۱۵های مک دونالد داگلاس را به جای اف - ۱۴های گرومن خریداری نماید. متن این بیانیه در اختیار نشریه نیوزدی قرار دارد...

...پیتر بی. اورام رئیس شرکت بین‌المللی گرومن بکرات اعلام کرده است، که از بازگشت این کمیسیونها به حساب مقامات دولت ایران توسط فیوج یا لاوی کاملاً بی اطلاع است. ولی اورام اظهار داشته بود که از انتقال کمیسیون از لاوی به فیوج اطلاع داشته است.

... روند تحقیقات، حاوی شواهدی بود که نشان می‌داد، حداقل بعضی از مقامات عالی‌رتبه ایرانی ظرف مدت دو سال می‌دانستند که در ابتدا لاوی و سپس فیوج به عنوان دلالهای گرومن عمل می‌نمایند. در این مورد هیچ‌گونه اعتراض مخفیانه نیز مطرح نشد، تا اینکه در ماه ژوئن گذشته زمانی که کنگره تحقیقات خویش را در مورد معاملات شرکتهای آمریکایی با دولتهای خارجی آغاز نمود، ایران ناگهان از گرومن به خاطر استفاده از دلالها شکایت نمود.

تحقیقات نیوزدی نشان داده است که:

طبق نسخه‌ای از قرارداد امضاء شده بین لاوی و فیوج، لاوی بخش اعظم کمیسیون دریافتیش را در اختیار فیوج قرار داده است، این قراردادها به امضای گرومن رسیده و تاریخ آنها نیز زمانی مشخص شد که این شرکت مطلع گردید که لاوی از این پس به عنوان دلال مورد قبل نیست ولی شخص دیگر

چرا.

علیرغم منع قراردادی ایران از استفاده از عاملین دریافت کمیسیون، یکی از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران در اوایل ۱۹۷۴ به گرومن اطلاع داد که نباید بیش از این از لایو استفاده کند، ولی اعتراضیه دیگری را مطرح نمود. در ژوئن ۱۹۷۵، طوفانیان اسناد دولتی را در اختیار مقامات گرومن قرار داد تا بدانند چرا لایو در لیست سیاه قرار گرفته است. او نیز توصیه کرد که بهتر است گرومن بیش از این از لایو استفاده نکند. ولی هیچ نشانه‌ای دال بر این نیست که او گفته باشد گرومن از مفاد قرارداد سرپیچی کرده و یا خواستار دریافت ۲۸ میلیون دلار کمیسیون مورد نظر شده باشد.

شرکتی که فیوج رئیس و مدیر اجرایی اصلی آن است یعنی شرکت بین‌المللی EFC، دارای دفتری در خیابان ۳۳ ورث در مانهاتان نیویورک و شماره تلفن آن نیز ۴۴۵۰ - ۴۳۱ می‌باشد و مأموریت آن انجام خرید برای نیروی هوایی سلطنتی ایران... فیوج گفته است که کمیسیون را به خاتمی یا طوفانیان نداده، ولی اظهار داشته که آنها را می‌شناسد.

جاده پریچ و خم بین قرارگاه‌های بتاپیچ گرومن و تهران، منبع معاملات سودآور اولین بار در سال ۱۹۷۲ پی‌ریزی شد. لایو که در منزل نه چندان باشکوه خویش در پلین دیوی می‌کرد با مقامات شرکت در ماه سپتامبر تماس گرفت و گفت آماده است در زمینه فروش اف - ۱۴ به ایران کمک کند. در آن زمان شرکت گرومن به خاطر قراردادهای سختی که با نیروی دریایی منعقد ساخته بود ضرر و زیان بسیاری را متحمل می‌شد.

مقامات گرومن در ابتدای امر و در نتیجه بدبینی به تحقیق در مورد اعتبارات لایو پرداخته و طبق اسناد موجود یک قرارداد پرداخت کمیسیون در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۳ با لایو منعقد ساختند. لایو گفت که مدت ۲۴ سال است که به عنوان دلال دریافت‌کننده کمیسیون عمل می‌کند و ۲۶ مورد از تجهیزات آمریکایی را از طریق اعتبار خویش به فروش رسانیده است.

لایو گفت که او درها را به روی گرومن باز کرده و مدعی است که به خاطر آشنایی با خاتمی در دهه ۱۹۵۰ از طریق بازی در دو تیم فوتبال مختلف توانسته بود با وی رابطه‌ای برقرار سازد. وی می‌گوید که خاتمی مقدمات برگزاری جلسات توجیهی برای دیگر مقامات نیروی هوایی ایران را فراهم نمود، تا آنها با استعدادها و توان رزمی اف - ۱۴ که برای نیروی دریایی آمریکا طراحی شده بود آشنا شوند. اورام گفت لایو یکی دو نفر از سرهنگها را معرفی کرده بود و اسامی افراد مناسبی را که می‌بایست با آنها ملاقات شود نیز در اختیار شرکت قرار داده بود. اورام می‌خواست طی دو مصاحبه چنین وانمود کند که لایو تنها به ارائه خدمات لجستیکی برای آمریکاییهایی که به ایران سفر می‌کردند اکتفا می‌کرده است. ولی گذشته از نقش لایو در فروش اولین ۳۰ فروند اف - ۱۴ به ایران در ژانویه ۱۹۷۴، اورام نسبت به خدمات ارائه شده، توسط وی هیچ‌گونه نارضایتی را ابراز نداشته است....

... مقامات گرومن به خصوص اورام، در یاسالار رابرت ال. تاون سند رئیس شرکت بین‌المللی گرومن و توماس ا. برانکاتی رئیس بخش عملیاتی ایران در گرومن را بازنشسته کردند، چون می‌دانستند که در صورت ارائه سفارش دوم آنها ضرر و زیان بسیاری را به شرکت وارد خواهند ساخت.

ایران در نظر داشت بار دیگر به خرید این جنگنده‌ها بپردازد و انتظار می‌رفت که اینبار به رقیب

جنگنده برتر نیروی هوایی آمریکا یعنی اف - ۱۵ ساخت مک دونالد داگلاس چشم دوخته باشد. متن نسخه‌ای از تلگرام ارسالی در آن زمان از سوی گروه کمک مستشاری آمریکا در تهران به رئیس ستاد مشترک آمریکا و دیگر مقامات دولتی به شرح زیر است:

دولت ایران در نظر دارد برای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران ۳۰ فروند اف - ۱۴ تام‌کت، ۵۰ فروند اف - ۱۴ ایگل خریداری نماید. طوفانیان تأکید نموده است که وی (یعنی اعلیحضرت) شخصاً لحن این مطالب را تصویب نموده است.

در اینجا فیوج و شرکت متبوع وی شهام اس وارد می‌شود. بنا به گفته لاوی، فیوج که طی معاملات قبلی با وی آشنا شده بود، در ماه مارس و فوریه ۱۹۷۴ با وی تماس گرفت. وی تاریخ دقیق این تماس را به خاطر نداشت - لاوی افزود، فیوج در آن ملاقات اعلام نمود، که دستوراتی از خاتمی و طوفانیان دریافت کرده که باید قرارداد کمیسیون به نام شرکت شهام فیوج که شرکت بین‌المللی شرقی لاوی را خریداری نمود، انتقال داده شود. بنا به گفته لاوی به وی وعده داده شده بود که انجام امور تمام کارهای مسافرتی گرومن به آژانس مسافرتی وی سپرده شود.

فیوج که می‌گوید از سال ۱۹۷۴ در زمینه تجارت بین‌المللی فعالیت داشته، گفته است که در هیچ توطئه‌ای برای به دست گرفتن کنترل شرکت لاوی و قرارداد کمیسیون وی دست نداشته. وی گفت شرکت شهام که در تمام منطقه خاورمیانه فعالیت می‌کند، علاقه‌مند به فروش هر دو نوع هواپیمای اف - ۱۴ و اف - ۱۵ می‌باشد.

فیوج با صراحت اعلام نمود که هیچ مقدار از مبالغ پرداختی توسط گرومن به مقامات دولتی ایران داده نشده؛ وی در مقام تأکید گفت «هرگز چنین نشده است». وی گفت «پس از تحقیق شواهد را در اختیار همگان قرار خواهد داد». اورام در مورد بعضی از جنبه‌های قرارداد کمیسیون آزادانه سخن گفت، اما از پاسخ به سؤالات طفره می‌رفت. او به کرات از بردن نام منبع ایرانی که به نماینده گرومن اطلاع داده بود که لاوی بیش از این دلال دلخواه نیست امتناع ورزید. و هیچ‌گونه یادداشت و یا سند شرکتی را که دال بر توصیه فیوج به عنوان دلال مناسب بین ایران و گرومن در زمینه فروش اف - ۱۴ به آن کشور باشد، در اختیار نیوزدی قرار نداد.

در مصاحبه بعدی، وی نگفت که چه کسی قبل از همه فیوج را توصیه کرده است، اما اظهار داشت که گرومن اولین بار از طریق برانکاتی رئیس بخش ایرانی عملیات شرکت به این مسئله پی برده است. مقام گرومن گفت که طی ملاقات با طوفانیان در ژوئن ۱۹۷۵، رئیس خریدهای تسلیحاتی ایران به شرکت توصیه نمود که بهتر است به ارتباط خویش با فیوج یا هر دلال دیگری پایان دهد، ولی از کمیسیون صحبتی به میان نیاورد.

گرومن تا به حال ۶ میلیون دلار از ۲۸ میلیون دلار کمیسیون مربوط به ۸۰ فروند اف - ۱۴ فروخته شده به ایران را پرداخت کرده است شرکت مزبور در ماه آوریل ۱۹۷۵ مبلغی معادل ۲/۹ میلیون دلار به فیوج پرداخت کرده است، بنا به گفته لاوی، فیوج نیز از این مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ دلار را به وی عودت داده است. اورام می‌گوید که مبلغ ۳/۱ میلیون دلار نیز به شرکتی بنام شرکت صادرات بین‌المللی استار لایت که شامل برادران لاوی یعنی پرویز و منصور می‌باشند، پرداخت نموده است. ولی بخش اعظم پول حاصله از قرارداد فسخ شده کنونی می‌بایست نصیب فیوج شود. شهام ظاهراً

قرارداد کمیسیون را به نام دولت ایران انتقال داده است. هنوز معلوم نیست که بر چه اساسی این قرارداد دریافت شود. سفارت آمریکا پس از اولین وعده همکاری کامل با نیوزدی، طی دو هفته گذشته هیچ‌گونه پاسخی به سؤالات آن نداده است. اینگرسول

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۷۶

ژنرال طوفانیان معاونت وزارت جنگ

دخالت من به عنوان یک بازرگان مستقل در امور تسلیحاتی نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران با تأسیس و سرمایه‌گذاری در صنایع هواپیمایی ایران و با کسب مجوز قبلی شروع شد. پس از تحویل و تحول در صنایع هواپیمایی ایران و مجدداً با کسب مجوز قبلی و همچنین به یک میزان محدود فعالیت تجاری خود را منطبق با قوانین کشورمان ادامه دادم. هرچند که مدتی است، فعالیتی نداشته‌ام ولی علی‌ایحال موافقت دارم که از این پس هیچ‌گونه دخالتی در امر فعالیت‌های تجاری نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران ننمایم. ابوالفتح محوی

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۲ مارس ۱۹۷۶

شماره: ۳۳ - ۷۹ - ۰۱ - ۱۴۰۱

وزارت جنگ

معاونت تسلیحاتی وزارت جنگ

سلطنت آباد - تهران - ایران

گواهی می‌شود:

به دنبال ایجاد ارتباط با من در ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۵، شکوائیه‌ای که توسط آقای محوی ارائه گردیده بود و در آن ادعا شده بود، که وی خود و هیچ‌یک از عواملش را مستقیماً یا به طور غیرمستقیم در مبادلات مربوط به خریدهای نظامی وزارت جنگ و نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در حال حاضر و یا در آینده دخالت نمی‌دهد، به شرف عرض شاهنشاه آریامهر فرمانده کل قوا در ۲۶ فوریه ۱۹۷۶ رسانیده شد. تأییدیه شاهنشاه برای حذف نام آقای محوی از لیست سیاه اعطاء گردید.

ژنرال طوفانیان

معاونت وزیر جنگ

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: سفارت آمریکا در تهران

از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

مرجع: (الف) تهران ۱۲۲۱۹؛ (ب) تلگرام وزارتخانه ۳۰۰۰۳۶

موضوع: گرومن

۱- مقام سفارت اطلاعات موجود در مرجع الف را در تاریخ ۱۰ دسامبر در اختیار نورمن پاول

قرار داد. این اطلاعات برای پاول جالب توجه بود، اما معتقد است که اقامه دعوی لایوها مانع از آن می‌گردد، که وی در این موقعیت پاسخ جامعی بدهد. او در نظر ندارد در آینده نزدیک به ایران سفر کند. ۲- پاول گفت سند اقامه شکایت لایوها که گزارش‌گر نیویورک تایمز آن را ندیده است، چند مطلب را تصریح می‌کند که در آنها پای ایرانیها و دولت ایران به میان کشیده شده است. وی می‌گوید هرگاه که سندی وارد قلمرو عمومی شود، مقالات مطبوعاتی بسیاری نیز به دنبال آن پدیدار می‌گردند. رابینسون

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت خارجه در واشنگتن دی.سی

موضوع: اختلافات تجاری - شرکت گرومن

۱- آقای برادفورد وستون، نماینده آقای آلبرت آی. ادلمان از شرکت حقوقی تروبین سیلکاکس ادلمان و کنایف، شماره ۳۷۵ خیابان پارک، نیویورک ۱۰۰۲۲ در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر با بخش بازرگانی سفارت تماس گرفت و خواستار دریافت اطلاعات و گفتگو در مورد پرونده حقوقی مطروحه بین برادران لاوی و شرکت گرومن شد.

۲- این شرکت که نماینده برادران لاوی در دعوی حقوقیشان برای دریافت ۲۴ میلیون دلار از شرکت گرومن است، مایل است به اسناد و سوابق مربوط به پرونده، از جمله مطالبی که در آنها به اسنادی اشاره شده که گویا چندین سال قبل توسط سفارت در اختیار گرومن قرار داده شده است، دسترسی پیدا کند. این مطالب عبارتند از: مکاتباتی که حکایت از قرار گرفتن نام برادران لاوی توسط وزارت جنگ در فهرست سیاه دارد.

۳- در پاسخ، مقام سفارت گفت که این بخش فاقد هرگونه پرونده‌ای در مورد شرکت گرومن می‌باشد، ولی یک گزارش جامع در مورد تجارت جهانی مربوط به شریک شرکت لاوی تحت عنوان لاوکو چندین سال قبل تهیه شده که در آن نشانه‌ای از رابطه بین شرکت مزبور و کمپانیهای آمریکایی وجود ندارد.

۴- بررسی دقیق نشان داد که بایگانی اداره تجارت جهانی حاوی چنین گزارشی نمی‌باشد، و ظاهراً تصور بر این است که در پرونده‌های وزارت بازرگانی در واشنگتن ممکن است نسخه‌ای از این گزارش وجود داشته باشد. FSN نیز تأیید کرده که چنین گزارشی را قبلاً تهیه کرده است.

۵- بررسیهای انجام شده در بایگانی پرونده‌های بازرگانی حاوی هیچ گونه سند یا سابقه‌ای در رابطه با لاوی‌ها یا گرومن و به خصوص مکاتبات بین وزارت جنگ و سفارت یا بین سفارت و گرومن نبود.

۶- وابسته بازرگانی که از نوامبر ۱۹۷۴ در این واحد مشغول کار بوده به وستون گفت که او به خاطر ندارد که در این مورد مطلبی دریافت و یا ارسال کرده و یا موضوع را با گرومن و یا مشاور آن در میان گذاشته باشد؛ و در همان حال یادآور شد که در اوج رونق بازار نفتی ایران در سالهای ۱۹۷۴ و ۷۵ شمار بازدیدکنندگان و نامه‌های وارده به این بخش بسیار سرسام‌آور بوده است.

۷- وستون در ملاقات کوتاهی که با مشاورین سیاسی و نظامی داشت، از آنها سؤال کرد که آیا در

بایگانی پرونده‌های سیاسی نظامی نسخه اصلی نامه‌های سال ۱۹۷۲ که در آنها نام لایوها به فهرست سیاه وارد شده وجود ندارد؟ به وی اطلاع داده شد که بررسی پرونده‌ها نشانگر مطالبی مرتبط با این موضوع نبوده است. وستون علاوه بر این به صورت کلی در مورد سیستم ضبط پرونده‌ها و نامه‌ها سؤال کرد.

۸- در پاسخ به سؤال مربوط به نحوه ضبط و ربط نامه‌ها یا مکاتبات دریافتی، وابسته بازرگانی گفت مدتی پس از ورود وی مکاتبات دریافتی در دفتر خاصی ضبط می‌شد، ولی نظام اداری کنونی مجاز است. بنا به دلخواه این کار را انجام ندهد. وی افزود که البته تنها از طرف بخش مربوطه خودش این گونه سخن می‌گوید و به بخشهای دیگر کاری ندارد. وابسته بازرگانی همچنین اظهار داشت که در همان زمان (سال‌های ۱۹۷۷ یا ۱۹۷۸) فرم مخصوصی برای بازدیدکنندگان تهیه شد و در آن نام، کمپانی، آدرس محلی و غیره، بازدیدکنندگان امور تجاری به خصوص کسانی که قبلاً وقت گرفته بودند ضبط می‌شد. ولی کسانی که قبلاً وقت نگرفته بودند از چنین مسائلی برخوردار نمی‌شدند. وی گفت که در اوراق قدیمی جستجو خواهد کرد تا شاید نام بازدیدکننده مورد علاقه وستون را بیابد، ولی بررسی‌های انجام شده نشان داد که تمام این اوراق مربوط به سال ۱۹۷۷ و بعد از آن می‌باشند.

۹- قبل از عزیمت، وستون از وابسته بازرگانی تقاضا کرد که یک نوشته با مضمون زیر در اختیار وی قرار دهد: نقل قول «آیا بایگانیهای وابسته بازرگانی، سفارت آمریکا در تهران حاوی پرونده یا اطلاعات دیگری در مورد شرکتها و افراد ذیل می‌باشند: لاکو، جنتی اینترنشنال، استارلایت اینترنشنال، ایستون اینترنشنال، گدکو، شرکت گرومن، هوشنگ لایو، جمشید لایو، منصور لایو». (پایان نقل قول).

وستون همچنین در نامه خویش خواسته است که نقل قول: وابسته بازرگانی سفارت آمریکا در تهران شرح دهد که از چه سیستمی برای ضبط و ربط نامه‌ها مکاتبات، اطلاعات و دیگر اسناد وارده و تاریخ و فرستنده آنها و غیره استفاده می‌کند. (پایان نقل قول).

۱۰- در صورتی که وزارت خارجه اعتراضی نداشته باشد، وابسته بازرگانی می‌تواند به اطلاع وی برساند که به دنبال یک جستجوی دقیق ولی نه چندان کامل او نتوانسته است، هیچ‌گونه نامه، گزارش، و یا پرونده‌ای در رابطه با شرکتها و یا افراد فوق‌الذکر به دست آورد. که البته یادداشت مکالماتی با مدیر اجرای گرومن از این قاعده مستثنی است و با هیچ یک از طرفین دیگر مربوط نمی‌باشد. ثانیاً یک سال و اندی پس از ورود وی به سفارت به کارگیری سیستم ضبط و ربط نامه‌ها در بخش بازرگانی سفارت معمول گردید ولی بعضی از نامه‌های وارده نیز مشمول این سیستم نمی‌شد. به هر حال، ضبط و ربط در مورد تمام نامه‌ها از جمله مکاتبات دریافتی از دیگر بخشهای سفارت رعایت نمی‌گردد. علاوه بر این، طبق روش معمول پس از مدت دو سال باید تمام سوابق غیر فعال نابود شوند. ۱۱- از دریافت سریع اظهارات و نصایح وزارتخانه خوشحال خواهیم شد. سولیوان

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
مرجع: ۲۶۸۴۵۴ وزارت خارجه
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
موضوع: اختلافات تجاری - گرومن
ما به مطالب دیگری در مورد موضوع پرونده سیاسی - نظامی دلالها در سال ۱۹۷۶ دست یافتیم. قسمت اعظم آن پرونده مربوط به گرومن، برادران لای و فروش هواپیماهای اف - ۱۴ می‌شود. نسخه اصل یا کپی نامه‌های طوفانیان به لای‌ها و محوی ضمیمه شده است. سولیوان

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در تهران
مرجع: تلگرام وزارت خارجه ۲۲۷۱۲۱
به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: پرداخت حق الزحمه دلالها

۱- تحقیق در پرونده‌های سیاسی نظامی سفارت هیچ‌گونه پاسخ قطعی را در ازای سؤال مطروحه در تلگرام مرجع پدید نیاورده است. آخرین اشاره‌ای که به منبع استفاده از دلال‌ها یا پرداخت حق الزحمه به آنها در فروشهای نظامی شده، در یادداشت مکالماتی ۷۳/۸/۱۱ بین معاون ژنرال طوفانیان، هوشنگ دهش و مقامات گروه کمک مستشاری نظامی درج گردیده است. بر طبق این یادداشت مکالماتی، دهش گفته است که دولت ایران پرداخت هیچ‌گونه حق الزحمه یا درصدی را در قبال ۱۶۸۰ فروشهای نظامی خارجی تقبل نخواهد کرد. حتی اگر دولت آمریکا اعلام کند که پرداخت این هزینه‌ها بر اساس مقررات ASPR قابل قبول است، دولت ایران زیر بار نخواهد رفت.

۲- بنا به پیام ۹۱۳۳۵، ژوئیه ۱۹۷۵ گروه کمک مستشاری سرلشگر طوفانیان به ژنرال برت گفته بود که شاه «با پرداخت هرگونه حق الزحمه و یا هزینه‌های اضافی برای تهیه و تدارک تجهیزات دفاعی شدیداً مخالف است».

۳- در پرونده‌های سفارت هیچ‌گونه بیانییه صریحی در رابطه با زمان و یا شکل منع پرداخت حق الزحمه دلالها وجود ندارد. گروه کمک مستشاری نظامی توصیه می‌کند، که شما موضوع را با آژانس کمک امنیتی دفاعی در میان بگذارید. معاون مدیر آژانس کمک امنیتی دفاعی ممکن است در این مورد اطلاعات بیشتری داشته باشد.

۴- سفارت نسخه‌هایی از اسناد مربوطه را برای اداره امور خاور نزدیک / ایران ارسال می‌دارد. تامست

کتاب شصت و هشتم

توهم براندازی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در مجموعه کتابهای دخالت‌های آمریکا در ایران و خصوصاً خط میانه، خط‌مشی آمریکا در مواجهه با انقلاب و رهبری آن به خوبی ملاحظه می‌شود. از کلیدی‌ترین جملات اسناد مندرج در کتاب شماره ۵۵ و در هدایت جریان شریعتمداری و افراد مرتبط با او خط‌مشی زیر می‌باشد:

«من (رئیس قرارگاه سیا در تهران) نظر خود را تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می‌دارم و این هم مرحله‌ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً هیچ کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما برمی‌آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های مذهبی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب (زمانی که ظهورشان شروع شد) را شناسایی کرده و آماده حمایت از آنها بشویم، کسی که بیش از دیگران احتمال داده می‌شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت‌الله شریعتمداری است.»

در جواب ستاد مرکزی سیا تصریح می‌کند: هدف ما از اقدام سیاسی‌مان در ایران، روی کار آوردن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راه‌های نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم، لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم.

«بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه‌روی برخوردار از حمایت مردم است که تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد.»

با این مقدمه روشن است که آمریکا که در مرحله اول با شکست غیرمنتظره‌ای مواجه شده و نتوانسته است علیرغم همه فعالیت‌های سیاسی پشت پرده شاه را بر سریر قدرت نگاه دارد، با حاکمیت انقلاب در کمال احتیاط برخورد نماید و در شرایطی که به عنوان مظنون درجه یک در تهدید انقلاب به او نگریسته می‌شود، به بازسازی اهرم‌های از دست رفته بپردازد.

اسنادی که در این مجموعه ارائه می‌شود حکایت اشخاصی است که به اشکال مختلف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خود را به عناصر آمریکایی نزدیک نموده و موضوع براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را مطرح و خواستار پشتیبانی آمریکا شده‌اند. از آنجا که عموماً این افراد فاقد ویژگی‌های اساسی مورد نظر آمریکا یعنی داشتن هدف و حمایت واقعی توده‌ای و نفوذ با دوام و قابل اتکاء بوده‌اند با جمله کلیشه‌ای «آمریکا قصد دخالت در امور داخلی ایران را ندارد» مواجه می‌شده‌اند. البته به تناسب، این افراد مواضع متمایل به میانه‌روی و معقول‌تری نسبت به شرایط جدید اتخاذ

می‌کردند، این پاسخ آمریکا از رقت کمتری برخوردار بود و روزنه‌هایی برای دسترسی به حمایت آمریکا باقی گذاشته می‌شد. طبیعی است افرادی که مشهور به ارتباط با رژیم گذشته بوده‌اند در آن زمان نمی‌توانستند محور حرکت آتی آمریکا بشوند. در کنار اهداف جاه‌طلبانه به تعبیر خود آمریکاییها فرصت‌طلبانه بعضی از این اشخاص، آمریکا مستقلاً با هدف جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات سعی می‌کند از ظرفیت دسترس‌های آنان حداکثر بهره‌برداری را بنماید. زمانی که این دسترسی شامل اطلاعات با ارزش طبقه‌بندی شده می‌شود فرد به سبب تحویل داده شده و ارتباطات کاملاً صورت اطلاعاتی پیدا می‌کند و تا مرحله آموزشهای ویژه جاسوسی نیز پیش می‌رود.

کلیه این فعالیتها در جهت همان هدف اصلی که ایجاد یک جریان میان‌رو است هدایت می‌شود. محورهای جاسوسی زیر از این اسناد استخراج شده است:

- طرحها و شکافهای درونی رهبری روحانیت.
- دستگاه اطلاعاتی جدید و اطلاعات مربوط به امنیت داخلی.
- شناسایی سرهنگهای میان‌رتبه که هسته رهبری آتی ارتش را به عهده دارند.
- تواناییهای نظامی و دفاعی* (در رابطه با تهاجم عراق، بر علیه آل سعود در مقابل شوروی و در حمایت از پاکستان).

- نحوه مقابله با تحریکات گروهکها که از آن تحت عنوان ناآرامی اقلیتها یاد می‌شود.

- دستیابی به اطلاعات مربوط به خریدهای نظامی گذشته و از جمله زیر دریایی از آلمان غربی.

در مورد عناصری که در خارج از کشور دعوی تشکیل هسته‌های مخالفین را داشتند مسئله تفاوت می‌کرد. این افراد ارزش استفاده جاسوسی را برای آمریکا نداشتند لیکن آمریکا علاقه‌مند بود در جریان فعالیت این به اصطلاح تبعیدیها قرار داشته باشد و همچنین از موضع دولت میزبان آن مطلع باشد.

با این وجود، از آنجا که ارزیابی سفارت آمریکا در تهران این بود که هیچ‌کدام از این تبعیدیها پایگاهی خاص در بین مردم ندارند و از سوی دیگر خود این افراد در ابراز حمایت آمریکا از خودشان بیش از حد غلو می‌کردند و احتمال داده می‌شد که حساسیت دولت ایران در این راستا برانگیخته شود و یا موجب تضعیف جریانهای حامی ارتباط با آمریکا که هنوز از حاکمیت تصفیه نشده بودند گردد، بعضاً از ادامه تماس با به اصطلاح مخالفین واهمه داشتند. تعابیری که در توصیف شخصیت بی‌مقدار بعضی از این عناصر به کار رفته است بسیار قابل توجه است. در عین حال، برخی از آنان نظیر منوچهر گنجی در سالهای اخیر با توجه به رویارویی جدیتر آمریکا با انقلاب اسلامی به صورت محور تحرکات جناح راست و طرفدار غرب درآمده‌اند که ریشه آن را باید در همان تماسهای اولیه و برداشتهای آمریکا از دیدگاههای این فرد دانست. همچنین بعد از تسخیر لانه جاسوسی و تحمل ضربه جدید آمریکا از عناصری همچون باقری (فرمانده وقت نیروی هوایی) در جریان طمس و حمله نظامی به ایران استفاده می‌کند. در واقع شرایط ویژه بعد از انقلاب، زمانی که هنوز جریانهای نظیر نهضت

*- نوع اطلاعات مورد توجه آمریکاییها با توجه به تهاجم نظامی عراق و شروع جنگ توسط رژیم متجاوز بعث و همچنین همکاریهای بعدی بین آمریکا و عراق در زمینه تبادل اطلاعات نظامی که در مطبوعات هم مطرح شد، حاکی از نقش مستقیم آمریکا در شروع جنگ تحمیلی می‌تواند باشد.

آزادی نقش قابل ملاحظه‌ای در اداره امور اجرایی به عهده داشتند، به تحركات آمريکا حساسيت ويژه‌اي مي‌بخشيد که دستيابي به منافع از دست رفته را مطلقاً از مجرای مرتبطين سابق که عموماً به وابستگي به رژيم شاه شهره بودند، نمی‌توانست جستجو کند، لذا به شدت از اين که به عنوان پشتيبان کساني معرفی شود که هيچ اميدي به موفقيتشان در آينده سياسی ايران نمی‌رفت احتراز می‌کرد. در عين حال منابع جمع‌آوری اطلاعات خود را نیز اگر در راستای اهداف اصلی ارزشمند بودند از اين که در به اصطلاح «توطئه چينيهای مخالفين» درگير شوند، مانع می‌شد. (سيروس رامتين نمونه اين شيوه برخورد بوده‌است).

با اين همه عليرغم ادعای عدم دخالت در امور داخلی ايران، حتی مأمورين بخش سياسی سفارت نیز در تماس و مراوده با اين توطئه چينيها بسيار پيش می‌رفتند و حاضر به گفتگو با کساني بودند که صراحتاً تأييد می‌کردند در حرکتهای ايدائی مسلحانه ضدانقلابی نقش داشته‌اند و به دنبال اقدام نظامی بر عليه حکومت انقلابی می‌باشند.

در مجموع ادعای عدم مداخله آمريکا در امور داخلی ايران یک موضع جدی و واقعی نبوده، بلکه بيشتر یک ترغيب ديپلماتيک بوده‌است.

مجموعه اسناد حاضر بر اساس فعاليتهاي افراد موضوع‌بندي شده و در مقدمه اسناد مربوط به هر فرد، توضيحات لازم آورده شده‌است. همچنان که قبلاً هم اشاره شد برخی از اين افراد تا مرحله تماس و رابطه با سازمان جاسوسی آمريکا، سيا، پيش رفته و آنهایی که ارزش کمتری داشته‌اند صرفاً با عوامل وزارت خارجه آمريکا مرتبط بوده‌اند، لذا به طور طبيعي خوانندگان محترم بايستی تفاوتهاي تکنیکی اين اسناد را در نظر داشته باشند.

در خاتمه و جوب شکر نعمت رهبری هوشمندانه انقلاب اسلامی که با زعامت او اين کشتی هر روز در میان طوفانهای سهمگين توطئه، راه خود را به جلو باز کرده و می‌کند، بر خود و همه مستضعفان عاشق اسلام ناب محمدی (ص) را يادآور می‌شویم.

دانشجویان مسلمان پيرو خط امام

بهار ۱۳۶۸

نام : حميد شيرازی
نام رمز: اس دی کت / ۱ شغل : سر تيپ نیروی هوایی ايران
چون اسناد تماسهای ابتدائی از بين رفته‌اند، لذا چگونگی برقراری ارتباط اوليه شيرازی با سيا مشخص نمی‌باشد. نام مشارالیه نیز در اين مجموعه اسناد نمی‌باشد و از توضيح گروگانها در زمان اسارت و تحقيقات بعدی مشخص شده‌است. با توجه به اسناد چنين برمی‌آيد که حميد شيرازی در مسافرتی به هنگ‌کنگ با آمريکاييها تماس می‌گيرد و پس از یک سری ملاقاتها می‌پذيرد که به عنوان یک عامل اطلاعاتی برای سيا کار کند. مشارالیه پيش‌بینی می‌کند بتواند در نیروی هوایی ايران پست مهمی بگيرد و به همین دليل آمريکاييها برای آموزش و توجيه وی تلاش زیادی می‌کنند، سيا از وی خواهان اطلاعاتی در مورد موقعيت نیروی هوایی ايران و مقایسه آن با نیروی هوایی عراق، آمادگی هوايماهای جنگی و روحیه خلبانها، طرح جديد دفاع هوایی ايران در مقابل حمله احتمالی عراق و ... می‌شود و با توجه به اين نیازها وی را ترغيب به گرفتن شغلی در نیروی هوایی می‌کند(شيرازی اظهار

داشت که در مورد مقدمات فعلی نیروی هوایی و احیاناً دستگاه ارتش ظرف چند روز بعد از بازگشت به ایران و گفتگو با دوستانش در ارتش خواهد توانست یک گزارش وضعیت عالی و متکی به اخبار صحیح به ما بدهد.

مأمور مربوطه گفت که از شنیدن این حرف خوشحال است، اما طراحان و تصمیم گیرندگان سیاسی کشور ما علاقه وافری دارند که او طرحها و مقاصد ارتش ایران را هم در اختیار ما گذارد و این کار را فقط وقتی می‌تواند به طور مداوم انجام دهد که در نیروی هوایی شاغل به خدمت باشد. مشارالیه گفت موافق است - سند شماره ۵). طرفین توافق می‌کنند که در ایران به طور مرتب ارتباط عملیاتی داشته باشند و یا در صورت لزوم ارتباط تلفنی و یا پستی به صورت رمز داشته باشند. وی پس از بازگشت به تهران تا مدتی با جاسوسان ارتباط برقرار نمی‌کند و آنها در پی کسب خبر از وی تلاش می‌کنند تا بعداً متوجه می‌شوند که شیرازی برخلاف پیش‌بینی سمتی در ارتش نگرفته و بازنشسته شده است. به همین دلیل سیا از تماس و استفاده از او منصرف می‌شود (چنان که به خاطر می‌آوریم تخلیه اطلاعاتی «ک/۱» نشان داد که در موقعیت او به عنوان یک افسر بازنشسته امکان دسترسی به اطلاعات مفید وجود ندارد و به این ترتیب فایده آشکاری در تماس با او در این موقع وجود ندارد حتی اگر خودش علاقه‌مند باشد لذا این را کنار می‌گذاریم - سند شماره ۱۹)

سند شماره (۱)

۶ شهریور ۵۸ اعضاء
از: رئیس ۵۰۳۳۷۷ به: فوری به توکیو رونوشت فوری برای بانکوک، تهران، هنگ‌کنگ حساس
عطف به: توکیو ۸۶۴۰۸
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

۱- در ذیل احتیاجات اطلاعاتی که در تلگرام مرجع درخواست شده بود می‌آید:
الف - ما علاقه‌مند به دریافت حداکثر جزئیات درباره طرحهای جنگی ایران علیه عراق می‌باشیم. (تصور می‌کنیم که تمام طرحهای جنگی تهیه شده در زمان شاه هنوز معتبر می‌باشند). طرحهای حمله تعرضی نیروی هوایی علیه عراق را به تفصیل شرح دهید. طرحهای مقابله با یک حمله عراق را به تفصیل شرح دهید. آیا ایرانیها اول سعی خواهند کرد نیروی هوایی عراق را از کار بیندازند، بعد سیستم دفاع موشکی ضد هوایی و بعد به پشتیبانی نیروی زمینی ایران بپردازند؟ هر سه کار را با هم انجام می‌دهند؟ چه هدفهای ویژه‌ای مورد اصابت قرار خواهند گرفت؟ در کجا نیروی زمینی ایران نوک حمله خود را متمرکز خواهند ساخت؟ نیروی هوایی ایران چه نوع کمکی می‌تواند در اختیار گذارد. نیروی هوایی چه نوع مقابله‌ای را پیش‌بینی می‌کند؟ برای خنثی‌سازی آن چه مدتی را؟ ارزیابی نیروی هوایی ایران از نیروی هوایی عراق چگونه است؟ آیا خلبانهای عراقی پروازهای مکرر دارند؟ آیا آموزش سخت دارند؟ آیا در تبادل دیدارها (بعد از ۱۹۷۵) مشارالیه هیچ دیداری از عراق داشته؟ اگر آری به تفصیل بیان شود. به کجا رفت؟ چه چیز ویژه‌ای مشاهده کرد؟ تلقی وی چه بود؟ ارزیابی مشارالیه از توانایی نیروی هوایی به اجرای طرحهای جنگی شاه. هیچ طرحی علیه عربستان سعودی در میان بود؟ برای دفاع در برابر شورویها چه؟ برای کمک به پاکستان؟ حتماً طرحهای ایران برای

دفاع در برابر حمله از جانب عراق بیان شوند. احتمال داده می‌شود که عراقیها بیشتر از کجا حمله کنند؟ با چه تجهیزاتی؟ دفاع ایران چگونه خواهد بود؟ ضد حمله‌ها؟
ب - درجه آمادگی عملیاتی هواپیماهای اف - ۱۴ چقدر است؟ آیا سیستمهای موشکی فونیکس در وضع عملیاتی قرار دارند؟ اندازه آمادگی عملیاتی هواپیماهای اف ۴- و اف ۵- چقدر است؟ آیا موشکهای هوا به هوای (سایدویندر و اسپارو و هوا به زمین) در وضع خوبی به سر می‌برند؟
ج - چه نوع هواپیماهای جنگنده‌ای علیه کردها به کار گرفته شده‌اند؟ چه تعداد؟ چه نتیجه‌ای داشته؟

تلفات چقدر بوده؟ (علت م) تلفات چه بوده؟ قصور در نگهداری؟
د - آیا مشارالیه از ناآرامیهای اقلیتها در (بلوچستان - م) اطلاعی دارد؟ آیا دولت ایران پیش‌بینی می‌کند در این منطقه در دسر داشته باشد؟

ه - در خصوص لوازم یدکی و دریافت کمک نگهداری تجهیزات غیر از ایالات متحده چه کشورهایی در نظر گرفته شده‌اند؟ (مثل ایتالیا و پاکستان)

و - آیا نیروی هوایی انتظار دارد از هواپیماهای اف - ۴، اف - ۵، سی - ۱۳۰ تعداد هواپیماهای/عادی کاهش یابد و تمام شود؟ اگر نه، چه اقداماتی در جهت پیشگیری از وخامت ... هواپیماهای قابل پرواز اتخاذ می‌شوند (یعنی استفاده محدود از ذخیره شده‌ها)؟

ز - خط تدارکات لوازم یدکی برای آن نوع لوازمی که قابل تهیه می‌باشند چگونه کار می‌کند؟
ح - آیا طرحهایی برای بازگرداندن مستشاران نیروی هوایی ایالات متحده در میان می‌باشند؟ کدام

افسران نیروی هوایی ایران موافق بازگرداندن مستشاران آمریکایی و کدام مخالف آن هستند؟

ط - از مشارالیه بخواهید که چارت نیروی هوایی و سازمان خود را بکشد و مقامها و صاحبان فعلی آنها را نشان دهد و درباره کارایی نظامی و شخصیت افسران کمی اظهار نظر کند.

ی - آیا درگیری همفران و خلبانان در جهت حل شدن است؟ آیا مداخله کمیته انقلاب در نیروی هوایی ادامه دارد؟

۲- بدون پرنده، تا تاریخ ۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۲)

۹ شهریور ۵۸ اعضاء
از: رئیس ۵۰۵۵۱۳ به: فوری به هنگ‌کنگ، تهران، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: الف - رئیس ۵۰۳۲۵۸ ب - توکیو ۸۶۴۶۷ ج - توکیو ۸۶۴۶۰ د - توکیو ۸۶۴۸۰ ه - تهران
۵۰۳۳۷۷ و - رئیس

۱- به دنبال جواب مطلوبی که در تلگرام مرجع ه آمده بود و ارزیابی مثبت جینوچیو از عکس‌العمل مشارالیه نسبت به پیشنهاد استخدام، ستاد، استخدام وی را با اجرت مشخص شده در پاراگراف ۳ تلگرام مرجع الف تصویب می‌کند. ما هم موافقیم که باید فهمانده شود علاقه ما به او بیشتر برای دراز مدت است و کارایی بالقوه او احتمالاً بسته است به اینکه حاضر باشد در صورت لزوم

مقامی غیر از ریاست ستاد هم قبول کند.

۲- اداره مطالعات استراتژیک از دریافت گزارش تلگرام مرجع (د) خوشحال شد و پیشنهاد کرد نمرات بالایی به آن داده شود. این گزارش همچنین ذائقه آنها را برای گزارشهای بیشتر تحریک کرد. آنها قویاً اصرار می‌ورزند که مشارالیه اطلاعاتش به طور کامل و با حداکثر تفصیلات در مورد طرحهای جنگی پیش از انقلاب علیه عراق در درجه اول، اتحاد شوروی در درجه دوم و طرحهای جنگ یا کمک نظامی علیه هر کشور دیگر در درجه سوم تخلیه شود. (همچنین بابت هر گونه توضیحی که مشارالیه بتواند در مورد محل «کی بی سی K.B.C.» که در پاراگراف دو گزارش مرجع «د» به آن اشاره شده تهیه کند، متشکر خواهیم شد). عدم توانایی مشارالیه به درک احتیاج ما به این نوع خبر که در پاراگراف مرجع «ج» به آن اشاره شد قابل درک است. ما تردیدی نداریم که این موضوعات در رژیم شاه به طور عادی با تیمهای مستشاری نیروی هوایی مورد بحث قرار می‌گرفتند. واقع قضیه این است که تیمهای مستشاری آمریکا - غیر از ایران در سایر کشورها نیز عموماً به آگاه کردن جماعت اطلاعاتی از اخبار حاصله طی مأموریتهای محوله خود در خارج بی‌میل بوده‌اند، از ترس اینکه مبادا دولتهای میزبان آنها را به چشم بازوی جماعت اطلاعاتی بنگرند. این منجر به ایجاد فواصل خالی حساسی در اطلاعات موجود مشتریان بالقوه‌ای مثل اداره مطالعات استراتژیک شده‌است، چنان که از نوع احتیاجات اطلاعاتی تلگرام مرجع «و» این نکته آشکار است. (برای اطلاع شما: تعدادی از این سؤالات و احتیاجات را قبلاً سازمان اطلاعات دفاعی به ما داده بود) فقط برای اطلاع شما. می‌توان به مشارالیه گفت که ما به اخباری برای تأیید اطلاعات فعلی خود و یا هر گونه اطلاعات بیشتری که بتواند فراهم کند احتیاج داریم.

۳- در مورد این نظر مشارالیه که طرحهای جنگی تهیه شده در دوران شاه دیگر اعتبار ندارند، اداره مطالعات استراتژیک موافق نیست. آنها احتمال نمی‌دهند حکومت خمینی طرحهای جدید (جنگ) احتمالی تهیه کرده باشد، خصوصاً با آن بی‌نظمی که در ارتش وجود دارد. برای مثال اگر حکومت فعلی با یک حمله هوایی عراقی روبه‌رو شود باید برای دفاع و ضد حمله از طرح‌ریزیهای نظامی سابق استفاده کند. یا اینکه طرحهای مصلحتی به اجرا بگذارد. در رابطه با مطالب فوق، بسیار متشکر می‌شویم که این موضوع را تعقیب کنید.

۴- پرونده: ۲۷-۱۲۰-۴۱. تا تاریخ ۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۳)

فوری به هنگ‌کنگ، عادی به توکیو (FJT-۲۵۵۰۴)

۱- قرارگاه اطلاعی درباره طرحهای احتیاطی نظامی قبل از انقلاب و مناسبت آنها ندارد. آواکس هیچ‌گاه کامل نشد. خبری که درباره انضباط ارتش و نگهداری هواپیماها داده شده با گزارشهای قرارگاه سازگاری دارند. این مفهوم که به طور غیرمستقیم بیان شده که مسئله لوازم یدکی با ایالات متحده مورد مذاکره قرار نگرفته یا اگر گرفته نتیجه مثبت نداشته غلط است. از منابع متعدد اطلاع یافته‌ایم که تشنج بین همافران و خلبانان شدید بوده‌است.

۲- بدون پرونده. تا تاریخ ۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط می‌شود. تماماً سری سری

سند شماره (۴)

۹ شهریور ۵۸ اعضا سری
عطف به: الف - رئیس ۵۰۵۵۱۳ ب - تهران ۵۴۰۷۸ ج - توکیو ۸۶۴۳۱ د - توکیو ۸۶۴۶۷
از: هنگ‌کنگ ۶۸۱۴۹ به: فوری به تهران، رئیس رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک

۱- بابت تلگرامهای مرجع الف و ب تشکر می‌شود. فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع صبح روز ۹ شهریور مطابق طرح تماس هنگ‌کنگ برای ... توجیه شد... برنامه‌ریزی برای جلسه طولانی شب ۹ شهریور دنبال دیدار بین ساعات ۱۷/۳۰ و ۱۸ ...

۲- تهران. بابت طرح تماس مشروحه در تلگرام مرجع «ب» تشکر می‌شود... طرح(های) اختیاری (یعنی نقاط مختلف و اضطراری ملاقات در اتومبیل) برای ... تهران با ذکر اولویت فوری به هنگ‌کنگ فرستاده شود... دلایل غیرقابل پیش‌بینی ممکن است مشارالیه درباره ... دچار دلهره شود. می‌خواهیم در این صورت چاره‌هایی برای مذاکره... داشته باشیم. التفات داریم که پاسخ شما به همین درخواست در پاراگراف ۲ تلگرام مرجع ... با این مطلب تلاقی می‌کند.

۳- مأمور مربوطه قصد دارد پیشنهادها و...شغلی خود را امشب با مشارالیه در میان گذارد، روی همین نکته ما ... بیشتری خواهیم گذاشت ... پاراگراف ۴ تلگرام مرجع «ج» مشارالیه صریحاً به مأمور مربوطه گفته بود که پیشنهاد داده شده برای فرماندهی کل نیروی هوایی بود، در حالی که تهران و ستاد مرکزی صحبت از ریاست ستاد نیروی هوایی ... آیا ... هست که ما اینجا نمی‌دانیم؟ این نکته را دوباره نزد... روشن خواهیم کرد، همچنین راجع به تمایل مشارالیه به قبول ... کمتر ... یا نظامی، فرماندهی سؤال خواهیم کرد.

۴- در این مرحله نمی‌دانیم مقدار وقتی که مشارالیه برای ملاقات با مأمور مربوطه کنار می‌گذارد چقدر خواهد بود. در صورت مجال، همان طور که در تلگرام مرجع الف درخواست شده، رئوس راهنمای جمع‌آوری اطلاعات را بار دیگر مرور خواهیم کرد.

۵- پرونده: ۲۷- ۱۲۰- ۴۱. تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۵)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضا سری
از: هنگ‌کنگ ۶۸۱۷۱ به: فوری به تهران، رئیس رونوشت با حق تقدم به توکیو، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس الف : تهران ۵۴۰۹۱ ب : هنگ‌کنگ ۶۸۱۴۹ ج : رئیس ۵۰۵۵۱۳

۱- با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع عصر روز ۹ شهریور ملاقات شد و او پذیرفت که به عنوان یک منبع اطلاعات خارجی که مستقیماً به مأمور تهران گزارش می‌کند فعالیت مخفیانه داشته باشد. او نمی‌توانست با وجدان پاک پاداش پولی یا حقوق قبول کند و در ازای خدمات خود چیزی نخواست. معذالک دوباره در مورد پسرش خصوصاً اظهار نگرانی کرد که تحصیل او در سیستم آمریکایی به هم خورده‌است (چنان که قبلاً به بانکوک اطلاع داد)، اما هیچ قول کمک نخواست و صریحاً گفت پیشنهادش هم نشود. فرد مزبور کاری که برایش به عنوان «کمک او به آزادی» پیشنهاد کرده بودیم

پذیرفت- این مقصدی است که او ظاهراً با صداقت می‌گوید برایش از پول مهمتر است. (با این وجود امکان این را مردود نمی‌شمیریم که در آینده حاضر شود به عنوان پشتوانه‌ای برای ابهامات آتیه خود حقوق را قبول کند). فرد مزبور موافقت کرد که اگر شغلی سطح بالا در نیروی هوایی به او پیشنهاد شد آن را بپذیرد، حتی اگر این شغل غیر از ریاست ستاد باشد، تا به این ترتیب سطح دسترسی اطلاعاتی مورد نظر ما تأمین شود. او رابطه خوبی با رئیس ستاد جدید سرلشکر امیر بهمن باقری دارد. باقری یکی از دو سرلشکری بوده که او به عنوان واجدین صلاحیت برای این مقام به وزیر دفاع توصیه کرده بود. مشارالیه قرار است عصر ۱۱ شهریور هنگ‌کنگ را ترک کند. قرار شده ملاقات بعدی در ساعت ۱۴/۰۰ شهریور بیشتر به قصد مرور طرح تماس تهران صورت پذیرد.

۲- ملاقات عصر ۹ شهریور تقریباً ۱ تا ۱/۵ ساعت طول کشید. پیش‌بینی می‌شود ملاقاتهایی که با او تا پیش از عزیمت از هنگ‌کنگ داریم نسبتاً کوتاه باشد، چون خودش حتماً می‌خواهد افراد گروه همسفرش از ظنن نشوند. مأمور مربوطه در ابتدا به فرد مزبور گفت اطلاعاتی که او در جواب پرسشها و مسائل طرح شده در توکیو داده بود در واشنگتن با استقبال خیلی خوبی مواجه شد. با این شواهد ملموس از صحت اطلاعات وی و تمایلش به پاسخ به پرسشهای ما، به او گفته شد که اکنون حاضریم درباره جزئیات یک رابطه مداوم مخفی مذاکره کنیم. مشارالیه با اساس نحوه استدلال اداره مطالعات استراتژیک موافقت داشت که در صورت حمله خارجی به ایران دولت خمینی احتمالاً چاره‌ای نخواهد داشت جز آنکه از طرحهای احتیاطی نظامی که در دوران شاه تهیه شده بود استفاده کند - این مبنای علاقه فراوان ما به جزئیات این طرحها بود. او موافقت کرد که اگر در هنگ‌کنگ فرصت داشت، یک بار دیگر خواسته‌های (اطلاعاتی) ستاد را مرور کنیم. او اظهار داشت که در مورد مقدمات فعلی نیروی هوایی و احیاناً دستگاه ارتش ظرف چند روز بعد از بازگشت به ایران و گفتگو با دوستانش در ارتش خواهد توانست یک گزارش وضعیت عالی و متکی به اخبار صحیح به ما بدهد. مأمور مربوطه گفت که از شنیدن این حرف خوشحال است، اما طراحان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور ما علاقه وافری دارند که او طرحها و مقاصد ارتش ایران را هم در اختیار ما گذارد و این کار را فقط وقتی می‌تواند به طور مداوم انجام دهد که در نیروی هوایی شاغل به خدمت باشد. مشارالیه گفت موافق است.

۳- فرد مزبور گفت برای تأمین خواسته‌های اطلاعاتی که برای وی داشتیم در بازگشت به ایران در نیروی هوایی مقامی خواهد پذیرفت، البته اگر چنان که کاملاً انتظار دارد، دوباره به او پیشنهاد شود. او گفت که در این مرحله نمی‌تواند فعالانه دنبال یک مقام باشد، چون این کار با برخوردش ... مطابقت پیدا نمی‌کند. او کاملاً انتظار دارد کمی پس از مراجعتش وزیر دفاع ریاحی دوباره با پیشنهاد اشتغال نزد او بیاید. سپس درباره امکانات شغلی صحبت کردیم و مأمور مربوطه به او خبر داد که سرلشکر امیر بهمن باقری به عنوان رئیس ستاد جدید معرفی شده‌است. وی از این موضوع اطلاع نداشت (ظاهراً باقری بعد از عزیمت وی برای گذراندن تعطیلات جاری انتخاب شده بود)، اما اظهار داشت در واقع در گفتگو با ریاحی او باقری و یک سرلشکر دیگر به نام ن - یوسفی را به عنوان شایسته‌ترین افراد برای مقام ریاست ستاد توصیه کرده بود. مشارالیه گفت که وی و باقری در مدرسه فرماندهی در آمریکا همکلاسی و دوست صمیمی شده بودند و همسران ایشان خصوصاً دوستی نزدیکی در آن

زمان برقرار کرده بودند. وی و باقری همچنان روابط خوبی با هم دارند. باقری یک خلبان جنگنده شکاری و از تجربه و توانایی فراوانی برخوردار است. معذالک وی شک دارد که باقری برای تجدید سازمان نیروی هوایی، آن طور که ریاحی می‌خواهد شایستگی داشته باشد. او همچنین تردید دارد باقری برای حکومت خمینی کاملاً قابل قبول باشد. بنابراین، اگرچه باقری به عنوان رئیس ستاد انتخاب شده، ولی وی شدیداً معتقد است که به تواناییهای ویژه‌ای که خود مشارالیه دارد احتیاج خواهد بود.

۴- در مورد امکان مشاغلی که برای او وجود دارد، با فرض اینکه باقری در همین مقام باقی بماند، او فکر می‌کند که دو امکان خوب وجود دارد. در (طرحی - م) که او برای تجدید سازمان نیروی هوایی در نظر دارد، مشارالیه فرماندهی عالی را حذف خواهد کرد و معاونین نیروی زمینی و دریایی و هوایی را بین وزیر دفاع و رؤسای نیروها قرار می‌دهد. اگر این طرح پذیرفته شد، فکر می‌کند که شاید خودش کاندیدای معاونت نیروی هوایی شود. در غیر این صورت امکان دارد که تنها برای طراحی و اجرای تجدید سازمان نیروی هوایی مستقیماً برای باقری کار کند. برای وی اهمیت نداشت که یک شغل عملیاتی به عهده نخواهد گرفت و نمی‌تواند بگیرد، چون این ایجاب می‌کند که گروه‌های اقلیت درون ایران را آماج ... نیروی هوایی قرار دهد. در عین حال چون مشارالیه خودش خلبان نیست احتمال نمی‌دهد چنین شغلی به او پیشنهاد شود.

۵- در قبال جوابهایی که مشارالیه داد منجمله توافق گذشته‌اش برای ملاقات مخفی در تهران - که امروز عصر هم تکرار کرد - مأمور مربوطه به او خبر داد که در ازای - خدماتش می‌خواهد به عنوان یادگاری از صمیمیت و قدردانی ۱۰۰۰ دلار بدهد و پرداخت ماهانه ۱۰۰۰ دلار برای یک مدت آزمایشی شش ماهه را به وی پیشنهاد می‌کنیم که در انتهای آن مدت در شروط مناسبات خود تجدید نظر خواهیم کرد. مشارالیه گفت که بابت پیشنهاد متشکر است، اما کاری که تصمیم گرفته برای ... انجام دهد با دلار و سنت قابل ارزیابی نیست. او مدعی شد که آزادی خود را از دست داده و کشورش دیگر آزاد نیست انگیزه وی برای همکاری با دولت آمریکا این است که آنچه ... انجام دهد تا ببیند آزادی دوباره در ایران برقرار شده‌است. بنابراین می‌خواهد از ما درخواست کند وجوهاتی را که برای او کنار گذاشته شده صرف « راه آزادی » کنیم. پذیرفتن پول برای مقصد آزادی بر خلاف شخصیت و وجدان اوست. او افزود که بیشترین نگرانش این است که ترتیبی دهد پسرش تحصیلات خود را ادامه دهد. مشارالیه امیدوار است که طی مدت کوتاهی اوضاع ایران عوض شود تا پسر و خانواده‌اش بتوانند دوباره در آرامش و آزادی در این کشور زندگی کنند. اگر این اوضاع امکان‌پذیر نشود، او می‌خواهد که پسرش بتواند در ایالات متحده تحصیل کند. مأمور مربوطه گفت که از این خواسته خوب آگاهی دارد و احساس همدردی می‌کند، اما نمی‌تواند در این رابطه کمکی نماید. مشارالیه جواب داد که درک می‌کند و می‌داند که مأمور مربوطه کاری نمی‌تواند بکند. مأمور مربوطه گفت هر گاه که دو نفر با هم مناسبات جدیدی پیدا می‌کنند، علیرغم استحکام آن وقفه‌ای در آن رابطه به وجود می‌آید که طی آن هر دو به سنجش حسن نیت و رفتار یکدیگر می‌پردازند. ما نسبت به بازدهی او خیلی خوشبین هستیم اما باید جانب احتیاط را رعایت کنیم. مشارالیه گفت که کاملاً موافق است و هنوز می‌خواهد با ما همکاری کند و به ایالات متحده معتقد است و از ما می‌خواهد که به کشورش کمک کنیم.

۶- مشارالیه گفت که می‌خواهد مأمور مربوطه بداند که شخصیت وی چنان است که در همه امور همیشه بر مبنای تشخیص خود از درستی راهش جلو رفته و او را نمی‌توان مجبور به کاری کرد که به نظر خودش صحیح نیست. مأمور مربوطه جواب داد که در ساعاتی که با هم گذرانده‌اند قوت شخصیت مشارالیه بسیار مشهود بود. فقط می‌خواهد بگوید که مشارالیه در مناسبات جدید خود باید صبور باشد، شاید گاهی اوقات ما او را برای تهیه جواب تحت فشار بگذاریم و رفتاری از خود نشان دهیم که به نظر او خیلی بی‌نزاکتی باشد، اما آن انعکاس درخواستهای مبرم عالیترین سطوح دولت آمریکا می‌باشد و مأمور مربوطه تقاضا می‌کند که او تلاش دو طرفه‌مان برای آزادی را با عدم توافقی جزئی که بین افراد روی می‌دهد افشاء نکند. مشارالیه بطور عادی لبخند کوچکی زد و اظهار موافقت کرد.

۷- فرصت شد که مأمور مربوطه فقط بگوید که حاضر است درباره جزئیات طرح تماس در تهران مذاکره کند و بیشتر فرصت نشد. این طرح در ملاقات ۱۰ شهریور ساعت ۱۴/۰۰ مورد بحث قرار خواهد گرفت. از مشارالیه خواسته شد عکسهایی از خودش به آن ملاقات بیاورد.

۸- بابت تلگرام مرجع الف، منجمله توضیح دربارهٔ عناوین و سلسله مراتب نظامی ایران که مشارالیه نیز در این جلسه اخیر تشریح کرد، متشکریم.

۹- پرونده: ۲۷ - ۱۲۰ - ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۶)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضا
از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷ به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اقدام شبانه تهران، رئیس
عطف به: الف: تهران ۵۴۰۷۸ ب: تهران ۵۴۰۷۹ ج: تهران ۵۴۰۹۱ د: رئیس ۵۰۵۵۱۳ ه:
هنگ کنگ ۶۸۱۷۸ (هویت)

۱- فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در ساعات ۱۵/۳۰-۱۴۰۰-۱۰ شهریور به ملاقات آمد تا طرح تماس تهران را به نحوی که در تلگرامهای مرجع الف و ب داده شده به طور کامل مرور کنیم. شرح این ملاقات در ادامه گزارش می‌شود. طرح تماس جایگزین که در تلگرام مرجع ج آمده مورد احتیاج نبود و با مشارالیه مطرح نشد، معذالک از تهران تشکر می‌کنیم که طرح را برای استفاده احتمالی تهیه نمود. مشارالیه روحیه‌اش بسیار بالا بود و حتی لبخند داشت و در طرح ارتباطی اظهار اطمینان نفس کرد و قول داد برای ادامه ارتباط عملیاتی نهایت کوشش خود را به عمل آورد. قرار شد آخرین ملاقات با مأمور مربوطه در هنگ کنگ ساعت ۱۱،۱۴/۰۰ شهریور باشد تا درباره احتیاجات اطلاعاتی مشروحه در تلگرام رئیس ۵۰۳۳۷۷ بحث شود و طرح تماس برای آخرین مرتبه مرور شود.

۲- بخشهای الف و ب از طرح تماس در پاراگراف ۳ تلگرام مرجع الف برای مشارالیه کاملاً قابل قبول بود و همان طور که تهران راهنمایی کرده اجرا خواهد شد. تاریخهای ۲۲، ۲۹ شهریور و ۵ مهر قابل قبول نیستند، تکرار می‌شود قابل قبول نیستند، زیرا پنجشنبه‌ها برای دیدار با اقوام کنار گذارده

شده است. وی اظهار داشت که چون بازنشسته است همسرش برای همه کارها طرح می‌ریزد و برایش امکان ندارد که اکنون بگوید چه روزهایی آزاد است. بنابر این تصمیم گرفت که قرار اولین ملاقات با رابط تهران از طریق تلفن به «جیم مولیگان» گذاشته شود و خودش را خسرو معرفی می‌کند، به همان نحوی که در پاراگراف ۳ ج تلگرام مرجع الف پیشنهاد شده است. مشارالیه گفت که در فاصله ۱۶ تکرار می‌شود ۱۶ و ۲۵ تکرار می‌شود ۲۵ شهریور تماس خواهد گرفت. او از نکات امنیتی رعایت شده در طرح (تماس) تهران راضی بود و پیش‌بینی می‌کند در اجرای آن اشکالی پیش نیاید. از آنجا که وی طرح اصلی را به طور کامل پذیرفت، مأمور مربوطه طرح تماس جایگزین را که در تلگرام مرجع ج آمده است مطرح نکرد.

۳- مشارالیه ۴۹ ساله است قد ۱۷۳ سانتیمتر، حدوداً ۶۸،۷۲ کیلو، قدری طاس، و همیشه عینک قاب سیاه شیشه شفاف می‌زند. در محل سوار شدن به اتومبیل پیراهن تنیس آستین کوتاه سفید بانلون با نقش‌های سیاه روی یقه شلوار سبز (بژ) کمرنگ و کفشهای قهوه‌ای کمرنگ به تن خواهد داشت. وی قامت بسیار راستی دارد و به آهستگی و با تأنی راه می‌رود. مأمور مربوطه در ۱۱ شهریور عکسهایی از مشارالیه اخذ خواهد کرد و از توکیو آنها را به تهران و ستاد خواهد فرستاد.

۴- اطلاعاتی بیشتر برای تسهیل تماس اضطراری با مشارالیه:

الف: نشانی منزل و شماره تلفن خود مشارالیه هویت الف است. هویت «ب» محلی است که او فعلاً برای امنیت بیشتر همراه همسر و دو فرزندش نزد اقوام به سر می‌برد. پدر و مادر مشارالیه تنها کسانی هستند که در منزل خودش (هویت الف) زندگی می‌کنند. نامه‌های او به نشانی هویت الف می‌آیند و او آنها را از والدین می‌گیرد.

ب: مشارالیه اظهار داشت می‌تواند با امینت نامه‌هایی دریافت کند که از داخل ایران فرستاده شده‌اند و به منزل خودش (هویت الف) می‌رسند. مأمور مربوطه سیستم ظهور با گرما را به او آموزش داد، تا اگر ناچار شدیم یک نوبت برایش دستورالعمل بفرستیم به کار بندد. نامه باید برای مشارالیه به نشانی هویت الف فرستاده شود، به فارسی و بهتر است از مشهد ارسال شده باشد، هر چند که تهران (نیز - م) قابل قبول است. لازم نیست نشانی نام فرستنده روی پاکت باشد. در نامه نویسنده باید اظهار علاقه کند به مذاکره برای خرید زمینی که مشارالیه در مشهد دارد (واقعاً هم در مشهد ملک دارد) و تقاضا می‌کند مشارالیه با فلان شماره با او تماس بگیرد. به نحوی مناسب هم می‌توان هر امضایی کرد. نوشته باید فقط روی یک طرف کاغذ باشد. مشارالیه از محتوای نامه می‌فهمد که از ما است و آن را در معرض حرارت قرار می‌دهد تا

پیام روی طرف سفید نامه ظاهر شود.

ج: نامه نباید از خارج ایران برای مشارالیه فرستاده شود. در دوران شاه افسران نظامی از تماس با بیگانگان منع شده بودند و وی فکر می‌کند همان قاعده هنوز به قوت خود باقی باشد.

د: مشارالیه دو اتومبیل دارد: یک رنو ۱۳۵۷، چهار در، رنگ نارنجی، و یک ایمپالا ۱۹۷۷، چهار در، قرمز رنگ. او نمی‌توانست شماره پلاکها را به خاطر آورد، او و همسرش رانندگی می‌کنند. وی راننده ندارد.

ه: مشارالیه عضو هیچ باشگاه، سازمان یا انجمن نیست. مطالعه سرگرمی اصلی وی است، با

خواندن روزنامه و مجله خود را در جریان اخبار جهان نگاه می‌دارد، اوقات فراغت از اینکه کتابهای علمی و فلسفی بخواند لذت می‌برد. او ورزش خصوصاً اسکی، تنیس، شنا و والیبال می‌کند. معمولاً در محوطه نیروی هوایی تنیس بازی می‌کرد، اما اکنون نمی‌کند. وی در منزل یک استخر شنا دارد.

و: مشارالیه محرم و همراز نزدیک ندارد. خودش هنوز بهترین مشاور خود است. او هرکسی را با حساب قدر و منزلتهای خود آن فرد می‌پذیرد و از کسی بیشتر یا کمتر از وسعش انتظار ندارد. وی هیچ گاه جزئیات کار خود را با همسرش در میان نگذاشته و توضیح داده که این کار خودش است و او از آن چیزی نخواهد فهمید. به همین دلیل و به خاطر امنیت خود و آنها او قصد ندارد که همسرش یا کس دیگری را در جریان روابط مخفیانه قرار دهد.

۵- مأمور مربوطه خاطر نشان کرد که در مورد مسائل و طرف حساب او تاکنون صحبتی نشده است. مشارالیه جواب داد که در مراحل اولیه رابطه مان فهمیده بود که (این رابطه) اطلاعاتی است و علاوه بر آن، دقیقاً فهمیده بود که مسائل و طرفش کیست. او گفت که این مسئله برایش کاملاً روشن است و لزومی ندارد که بیشتر گفته شود.

۶- مشارالیه در این ملاقات اشاره‌ای به پیشنهاد سابق پاداش مالی نکرد، معذالک گفت موقعی دیگر ممکن است برای تبدیل ریال به دلار به کمک ما احتیاج پیدا کند. مأمور مربوطه جواب داد که ما می‌توانیم او را کمک کنیم و او باید موضوع را با رابط خود در تهران در میان گذارد.

۷- متفرقه:

الف - تنها کسانی که می‌دانند مشارالیه در نظر داشته ایران را ترک کند والدین، یک برادرش، سه عمویش، دو خواهر زنش و شوهرانشان می‌باشند. به آنها فقط اظهار داشته که به خاطر فرزندانش شاید تصمیم به ترک کشور بگیرد.

ب - در مسافرت تفریحی جاری، مشارالیه پاسپورت‌های همسر و دو فرزندش را آورده بود تا برای آنها نیز ویزای ایالات متحده بگیرد، مقام کنسولگری بانکوک اظهار داشته بود که اعضای خانواده برای گرفتن ویزا باید شخصاً حاضر شوند، اما وقتی فرصت ... پیش‌بینی می‌کند در گرفتن ویزای آنها اشکالی پیش نیاید.

۸- پرونده: ۲۷ - ۱۲ - ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۷)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضا
عطف به: هنگ‌کنگ ۶۸۱۷۷
سری
از: هنگ‌کنگ ۶۸۱۷۸
به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت با حق تقدم برای توکیو، بانکوک
هدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
اقدام شبانه تهران، رئیس
۱- برگ هویت:

هویت الف: شماره ۷۵ آپارتمانهای آریا شرقی میدان کندی تهران تلفن: ۹۳۴۲۷۴
هویت ب: خیابان اقدسیه، خیابان فرید کوچه باستان، کیهان (منزل متعلق به آقای جنتی عطا... است، که خویشاوند مشارالیه می‌باشد و همچنین در این نشانی با خانواده‌اش زندگی می‌کند).

۲- پرونده: ۲۷ - ۱۲۰ - ۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۸)

۱۰ شهریور ۵۸ اعضا سری
از: هنگ کنگ ۶۸۱۷۹ به: فوری به رئیس، رونوشت با حق تقدم برای تهران، توکیو، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
۱- از آشفتگی که درباره محل «کی بی سی» پیش آمد متأسفم، این نام محلی است که ... از روی نقشه پیدا کردیم. فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع اظهار داشت. که قوای زمینی ایران باید از آن ناحیه احتراز کنند. مشارالیه در ۱۰ شهریور توضیح داد که قوای تهاجم زمینی از تمام منطقه مرزی جنوب مندلی تا خلیج فارس دوری خواهد کرد. رخنه نیروی زمینی در شمال (مندلی - م) از مناطقی غالباً کوهستانی صورت می‌پذیرد.
۲- پرونده ۴۷ - ۱۲ - ۰۴۱ تا تاریخ ۱۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۹)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضا سری
از: تهران ۵۴۰۹۹ به: فوری به هنگ کنگ رونوشت برای رئیس، توکیو، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷
۱- در صورتی که فرصت داشتید. لطفاً از مشارالیه پرسید اگر شرایط ایجاب کرد که اول قرارگاه تهران تماس تلفنی بگیرد، مأمور مربوطه باید خود را با چه نامی معرفی کند. اگر این عملی نبود، به نظر ما او قبول خواهد کرد که به عنوان شناسایی نامی که مأمور مربوطه توکیو با استفاده از آن خود را به او معرفی کرده ذکر شود. لطفاً نظر خود را اعلام کنید.
۲- به نظر می‌رسد که در یک مزیقه زمانی غیرقابل اجتناب، کار آماده‌سازی فرد مورد اشاره تلگرام مرجع به طور کامل صورت گرفته باشد. اگر همه چیز خوب جلو برود، به مجموعه عوامل اینجا منبعی با ارزش افزوده خواهد شد. هنگامی که تماس برقرار شد به مخاطبین این تلگرام اطلاع خواهیم داد.
۳- از ستاد مرکزی درخواست می‌شود شماره (پرونده) - ۲۰۱ و نام رمز تعیین کنند.
۴- پرونده: ۴۷ - ۱۲۰ - ۴۰. تماماً سری

سند شماره (۱۰)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضا سری
از: هنگ کنگ ۶۸۱۸۲ به: فوری به تهران، رئیس، رونوشت برای توکیو، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: الف: تهران ۵۴۰۹۹ ب: هنگ کنگ ۶۸۱۷۷
۱- فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در ملاقات نهایی که برای ساعت ۱۱/۰۰ شهریور قرار گذاشته شده بود فوراً حاضر شد. متأسفانه گروه همسفرش تفریحاتی ترتیب داده بود که ناچار بود در

آنها شرکت کند، بنابراین این ملاقات فقط ۱۵ دقیقه طول کشید. معذالک فکر می‌کنیم روی تمام عوامل مهم طرح واگذاری مشارالیه به (قرارگاه) تهران کار شده است... مشارالیه بی میلی یا تردیدی نسبت به... در تهران اظهار نداشت و دوباره عزم راسخ خود را برای ادامه... ارتباطات مخفی اعلام کرد. او امروز بعد از ظهر عازم ایران می‌شود.

۲- تلگرام مرجع الف به موقع نرسید تا روی آن اقدام شود. نامی که مأمور مربوطه توکیو به آن برای مشارالیه شناخته شده «آلن» است. می‌دانیم که فقط موقعی اقدام به تماس تلفنی با وی در تهران خواهد شد که سایر سیستمها نتیجه‌ای ندهند. در چنین صورتی تماس باید با منزل خودش باشد. از آنجا والدینش می‌توانند پیام را به وی برسانند. مشارالیه شماره تلفن منزلی که فعلاً به طور موقت نزد اقوام خود اقامت دارد به یاد نیاورد، با این وجود نباید با آن نشانی تماس گرفته شود.

۳- مرور نهایی که از طرح تماس مشارالیه در تهران به عمل آمد مأمور مربوطه را متقاعد کرد که او طرح را خوب یاد گرفته. او دوباره تأکید کرد که برای شروع طرح تماس در فاصله ۱۶ و ۲۵ شهریور تماس خواهد گرفت.

۴- مشارالیه یک عکس تمام رخ از خود تهیه کرد که به تهران و ستاد ارسال خواهد شد.

۵- متأسفیم که فرصت نشد به طور عمیق مسائل و احتیاجات اطلاعاتی ستاد را چنان که در نظر داشتیم مرور کنیم. پیشنهاد می‌شود که تهران در موقعی دیگر این مطلب را دنبال کند. وی بیانات ذیل را هم اظهار داشت:

الف: دلیل دیگری که او فکر می‌کند طرحهای احتیاطی نظامی دوران شاه دیگر معتبر نیستند این است که در آن زمان کردها با رژیم شاه همکاری می‌کردند و در آن طرحها به حساب آمده بودند، اما الان کردها دیگر همکاری نمی‌کنند.

ب: مأمور مربوطه سعی کرد مشارالیه را به موضوع اهداف مشخص نظامی در عراق بکشاند، ولی او چیزی به یاد نداشت. چنان که در گزارش اطلاعاتی تهیه شده است، خلبانها اهداف مشخصی... داشتند.

در پایگاههای هوایی ایران، اهدافی که در قلمرو تهاجم هر پایگاه به خصوص قرار داشتند روی نقشه‌های نظامی مشخص شده بودند. خلبانهای یک پایگاه از اهداف معین شده برای خلبانهای پایگاههای دیگر اطلاع نداشتند.

ج: نیروی هوایی ایران چندین مرتبه به دولت ایران در سرکوبی شورشیان پشتیبانی داده بود.

د: فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع نسبت به نظر دولت آمریکا در مورد نقش شاه در آینده ایران اظهار علاقه کرد. او اظهار داشت که اگر نظر آمریکا را بداند شاید در موقعیتی باشد که به منافع آمریکا در ایران کمک کند. برای مثال وی گفت که بسیاری از افسران و افرادی که او می‌شناسد طرفدار شاه می‌باشند و مایلند بازگشت وی را ببینند، اما چون حدس و نشانه‌ای ندارند که احتمال بازگشت شاه چطور است، به سرعت اعتماد به نفس و امید خود را از دست می‌دهند. مشارالیه گفت: که بسیاری از این افراد نظامی ممکن است از صحنه خارج شوند، یعنی استعفا دهند، فرار کنند، مگر آنکه انگیزه‌ای برای ماندن به آنها داده شود و تا زمانی که ممکن است وجودشان لازم شود آنجا بمانند. وی پیشنهاد می‌کرد که شاید بتواند این طرفداران شاه را به اشتغال به خدمت در نیروی نظامی ترغیب کند. مأمور

مربوطه گفت در موقعیتی قرار ندارد که بتواند اظهار نظر کند جز آنکه توصیه کند مشارالیه درباره این موضوع با رابط تهران مذاکره کند که وی گفت این کار را خواهد کرد.

۶- می‌خواهیم برای تهران آرزوی موفقیت کنیم. از ... مأمور مربوطه با وی به نظر می‌رسد که مشارالیه شجاعت، ... شخصیت و ذهنیت لازم برای اینکه منبعی درجه یک، بشود دارد. همچنین مایلیم از قرارگاه هنگ‌کنگ و دموفسکی بابت هوشیاری نسبت به این سرنخ و رساندن آن به مرحله‌ای که جینوچیو توانست آن را بدون اشکالی تحویل بگیرد تشکر کنیم.

۷- پرونده: ۴۷ - ۱۲۰ - ۴۰، تا تاریخ ۱۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۱)

۱۱ شهریور ۵۸ اعضا
از: هنگ‌کنگ ۶۸۱۸۳ به: با حق تقدیم به توکیو، رونوشت برای رئیس، تهران، بانکوک
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: هنگ‌کنگ ۶۸۱۸۲

۱- جای جینوچیو در پرواز ساعت ۱۱/۱۰ ۱۲ شهریور از هنگ‌کنگ به مقصد توکیو تأیید شد.
۲- بدون پرونده: تا تاریخ ۱۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۲)

۱۳ شهریور ۵۸ اعضا
از: رئیس ۵۰۷۱۱۶ به: تهران، رونوشت برای هنگ‌کنگ، توکیو، بانکوک
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: الف - تهران ۵۴۰۹۹ ب - رئیس ۵۰۴۶۵۷

۱- به فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع نام رمز اس.دی.کت / ۱ (۲۰۱-۹۶۲۵۰۷) و پیرو تلگرام مرجع ب در ۶ شهریور ۱۳۵۸ POA داده شد.
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۶۵۰۷، تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۳)

۱۴ شهریور ۵۸ اعضا
از: توکیو ۸۶۵۸۲ به: هنگ‌کنگ، رونوشت برای رئیس، بانکوک، تهران
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
عطف به: هنگ‌کنگ ۶۸۱۸۲

۱- قرارگاه توکیو مایل است مراتب امتنان خود را از قرارگاه هنگ‌کنگ جهت پشتیبانی عالی از جینوچیو طی مأموریت موقت ۸ تا ۱۲ شهریور وی ابراز دارد. این مأموریت با توقف معاون رئیس جمهور در هنگ‌کنگ مصادف بود و باری شد اضافی بر عهده قرارگاه پرمشغله هنگ‌کنگ، ولی آن قرارگاه از همه جهت نهایت مساعی خود را مبذول نمود.

۲- پرونده: ۴۷-۱۲۰-۴۰ تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۴)

۱۴ شهریور ۵۸ اعضاء
از: رئیس ۵۰۷۸۱۰ به: با حق تقدم به توکیو، هنگ‌کنگ، بانکوک، رونوشت برای تهران
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس
۱- بابت تلاش موفقیت‌آمیزی که منجر به تثبیت اس. دی. کت ۱/ به عنوان منبع گزارشگر مخفی اطلاعات خارجی شد ستاد به تمام مراکز دست‌اندرکار تبریک می‌گوید. فکر می‌کنیم که درخواستش برای تسهیل مبادله ارزی و جوابهای صادقانه‌اش به احتیاجات و سؤالات اطلاعاتی در رابطه با ارتش ایران، ممکن است منتهی شود به اینکه در نهایت دریافت دستمزد را بپذیرد. به نظر می‌رسد که به ملاقات مخفی در تهران بسیار تمایل دارد و بعد اگر در تهران ملاقات کرد، به عنوان منبع گزارشگر درباره ارتش ایران که همچنان از اولویت اطلاعاتی بالایی برخوردار است، ظاهراً بسیار امیدوارکننده می‌باشد.
۲- احسنت.

۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۵۰۷، تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۵)

محموله: طبقه‌بندی سری رونوشت به: ریاست اداره خاور نزدیک، ریاست بخش مدارک مهم ریاست اداره آسیای شرقی
از: رئیس قرارگاه هنگ‌کنگ
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.
موضوع: حساس- اس. دی. کت ۱/ (۲۰۱-۹۶۲۵۰۷)
با پوششی جداگانه عکس تمام رخ اس. دی. کت ۱/ ارسال شده است.

لئونارد. آ. جینوچیو

ضمیمه: تحت پوشش جداگانه عکس تحت پوشش جداگانه
توزیع: نسخه اصلی و ۱ نسخه - ریاست قرارگاه تهران، تحت پوشش جداگانه ۱ نسخه - ریاست خاور نزدیک تحت پوشش جداگانه ۱ نسخه - ریاست آسیای شرقی، بدون پیوست و ۱ نسخه - ریاست مدارک مهم، تحت پوشش جداگانه تا تاریخ ۲۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تاریخ: ۲۳ شهریور ۵۸

شماره پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۵۰۷

علامت و شماره محموله: FCHA-۳۴۴۸۸ سری

سند شماره (۱۶)

۳ مهر ۵۸ اعضا
از: تهران ۵۴۳۰۰

به: رئیس، رونوشت برای هنگ‌کنگ، بانکوک، توکیو
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کت

۱- عصر ۲ مهر نیبئی تلفنی با اس. دی. کت ۱/ تماس گرفت که متأسفانه روز مرگ پدرش بود. مأمور مربوطه اظهار تسلیت کرد و بعد به ک/ ۱ گفت متأسفیم که از هنگام بازگشتش او را ملاقات نکرده‌ایم. ک/ ۱ اظهار داشت او نیز متأسف است که با هم ملاقات نداشته‌ایم و هنوز شماره تلفن ما را دارد و هر چه زودتر تماس خواهد گرفت. مأمور مربوطه مجدداً ابراز همدردی کرد و گفت خیلی مشتاقیم دوباره او را ببینیم.

۲- از تلفن، ناراحتی ک/ ۱ آشکار بود، اما اعتقاد هم داریم که در حرف خود صداقت داشت و تماس خواهد گرفت. ما امیدواریم که این قضیه آن امیدهایی را که ابتدا نوید می‌داد تحقق بخشد.

۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۵۰۷، تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری- سری.
تذکر ... مطابق درخواست ... هنگ‌کنگ بانکوک و توکیو به عنوان گیرندگان رونوشت نام برده شدند.
سری

سند شماره (۱۷)

۲۶ مهر ۵۸ اعضا
از: تهران ۵۴۵۱۰

به: رئیس، رونوشت برای هنگ‌کنگ، بانکوک، توکیو
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کت
عطف به: تهران ۵۴۳۰۰

۱- عصر ۲۳ مهر، نیبئی به منزل اس. دی. کت ۱/ تلفن زد. مردی گوشی را برداشت، مأمور مربوطه سراغ ک/ ۱ را گرفت، آن مرد قدری به فارسی حرف زد و قطع کرد. مأمور مربوطه با همان سرسختی سابق دوباره تماس گرفت و پرسید آیا کسی هست که آنجا بتواند به انگلیسی صحبت کند. جواب دهنده طوفانی از کلمات (احتمالاً رکیک) فارسی ردیف کرد و گوشی را سر جایش زد.

۲- شماره‌ای که تماس گرفته شد منزل ک/ ۱ بود، اگر چه سوابق قرارگاه نشان می‌دهند که فقط والدین ک/ ۱ در آنجا زندگی می‌کنند (می‌گویند پدرش اخیراً فوت کرده، چنانچه در تلگرام مرجع اشاره شد). در پرونده آدرس خودش نیز هست اما شماره تلفن خویشاوندی که ک/ ۱ و همسرش ظاهراً آنجا اقامت دارند نیست.

۳- قرارگاه قصد دارد نام ک/ ۱ را به طور نامحسوس در لیست عده‌ای از افسران نیروی هوایی قرار دهد و از دفتر وابسته دفاعی بپرسد که آیا می‌توانند موقعیت آنها را روشن کنند. اقدامات آتی قرارگاه در این قضیه بستگی به این دارد که بتوانیم محل و وضعیت ک/ ۱ را مشخص کنیم.

۴- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۵۰۷، تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری
سری

سند شماره (۱۸)

۲۷ مهر ۵۸ اعضاء
از: توکیو ۸۸۰۳۵ (به کفالت گرشینسکی) به: تهران، رونوشت برای رئیس، هنگ کنگ، بانکوک
سری هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کت
عطف به: الف - تهران ۵۴۵۱۰ ب - هنگ کنگ ۶۸۱۷۷
۱- متأسفیم که آن قرارگاه تاکنون نتوانسته تماس حضوری با اس. دی. کت ۱/ک (۱/ک) برقرار کند.
خاطر نشان می‌سازیم که پاراگراف ۴- تلگرام مرجع ب حاوی دستورالعمل ارسال نامه مخفی نویس به
ک/۱ با شیوه (ظهور) حرارتی است. لطفاً دقت فرمائید که نامه باید به منزل خودش فرستاده شود.
نشانی آن هویت تلگرام مرجع ب است.
۲- چنانچه قرارگاه (توکیو) را در جریان تحولات (آتی) قرار دهید موجب امتنان خواهد بود.
۳- پرونده: ۹۶۲۵۰۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.
سری

سند شماره (۱۹)

...آبان ۵۸ اعضاء
به: رئیس، رونوشت برای بانکوک، هنگ کنگ، توکیو
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کت سری
عطف به: تهران ...
۱- پیرو تلگرام مرجع، وابسته نظامی هنگام صرف شام با افسران عالی‌رتبه نیروی هوایی در ۱۰
آبان ضمن سؤال درباره دیگران از وضع اس. دی. کت ۱/ پرسید، به او گفته شد که ک/۱ به خدمت
بازخوانده نشده و فعلاً قصد این کار در نظر نیست. قضیه‌ای که برای وابسته دفاعی تعریف شد این بود
که نفر قبل از باقری در مقام ریاست ستاد در واقع می‌خواست که ک/۱ را به همان کاری که کمی قبل
از انقلاب داشت با مشابه آن بازگرداند، باقری تصمیم گرفت این طرح را ... ادامه ندهد و چیزی اظهار
نکرده مبنی بر اینکه قصد دارد آن طرح را اعاده کند.
۲- احتمالاً مطلب فوق توجیه غیبت ک/۱ می‌باشد. چنان که به خاطر می‌آوریم، تخلیه اطلاعاتی
ک/۱ نشان داد که در موقعیت او به عنوان یک افسر بازنشسته امکان دسترسی (به اطلاعات) مفید
وجود ندارد و به این ترتیب فایده آشکاری در تماس با او در این موقع وجود ندارد حتی اگر خودش
علاقه‌مند باشد لذا این ... را کنار می‌گذاریم.
۳- پرونده: ۲۰۱
سری

نام: سیروس رامتین
آخرین شغل: مدیر خدمات بین‌المللی رادیو و تلویزیون تا پیروزی انقلاب اسلامی.
نامی از جاسوسان مورد توجه سیا در اواخر سال ۵۷ و ابتدای سال ۵۸ فردی به نام سیروس
رامتین می‌باشد. وی که احتمالاً از سال ۱۳۴۳ وارد رادیو و تلویزیون شده است. در خلال سالهای
۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ عهده‌دار مدیریت خدمات بین‌المللی رادیو و تلویزیون بوده و متناسب با مسئولیت

خود و با توجه به حجم زیاد فعالیتهای این رسانه در رابطه با خارجیان مقیم ایران خصوصاً آمریکاییها، با عوامل سفارت آمریکا در ارتباط بوده است.

از جمله در ۲۰ آبان ۵۷ در ملاقاتی با یکی از مسئولین روابط عمومی سفارت آمریکا خبر می‌دهد که دربار شاه دستور داده فیلمهای فرانسوی و آلمانی و دیگر کشورها را متناسب با برنامه‌های آمریکایی و بدون زیرنویس انگلیسی در کانال مخصوص خارجیان ارائه کند. رامتین ابراز نگرانی می‌کند که این کار با توجه به فقدان اماکن تفریحی سطح پایین معمولی! (مثل بار، زنان مهماندار، سینماهای انگلیسی زبان) ضربه‌ای برای جماعت آمریکایی خواهد بود و موجب عزیمت آنان از ایران خواهد شد!

نامبرده در پی اولین ارتباط جاسوسی با سیا نهایتاً در بهمن ماه ۱۳۵۷ تنها یک هفته قبل از سرنگونی نظام شاه به استخدام سیا در می‌آید و در اسفند ماه نیز از رادیو و تلویزیون اخراج می‌گردد. در پی این تحول شغلی نوع دسترسی او به اطلاعات مورد نیاز سیا تغییر پیدا کرده و تا خرداد ۱۳۵۸ عملاً بهره‌مناسبی برای سیا نداشته است. از خرداد ماه به تعبیر سیا «رامتین مشغول گزارشگری درباره‌ی فعالیتهای و دیدگاههای سران دولت موقت دست‌اندرکار اطلاعات و امنیت داخلی بوده است» و با توجه به آشنایی که با برخی افراد داشته در مورد شکافهای درونی رهبری روحانیت و دستگاه اطلاعاتی جدید و مسائل مربوط به امنیت داخلی به جاسوسی مشغول بوده است.

در عین حال مطلب متفرقه‌ای نظیر رؤیت یک بلغاری که ادعا شده مدیر ایستگاه رادیویی مخفی حزب توده «پیک ایران» بوده را در تهران به سیا اطلاع می‌دهد.

رامتین در تابستان ۵۸ خبر ارتباط خود با گروههایی را به سیا می‌دهد که عمدتاً متشکل از افسران فراری و عوامل ساواک منجمله بوده‌اند و اهداف براندازی و خرابکاری را تعقیب می‌کرده‌اند. سیا ضمن ابراز علاقه‌مندی به حفظ ارتباط رامتین با این گروهها، وی را از همکاری جدی با آنها برحذر می‌دارد، چرا که به تعبیر قرارگاه سیا در تهران اگر رامتین در تهران روی رابطهای خود در دولت موقت کار کند، ارزشش برای سیا بیشتر از درگیر شدن وی در توطئه‌چینیهای مخالفین است. از سوی دیگر سیا اگر چه وجود هسته‌های ضد انقلابی را محتمل می‌داند، اما احساس می‌کند که در مورد تواناییهای آنها به شدت مبالغه و گزافه‌گویی می‌شود و به خوبی روشن است که از همین زاویه نیز به این گروهها کم بها داده می‌شود و نه از روی عدم انطباق اهداف آنها با آمریکا.

نکته قابل توجه در مورد گروه رزم آرا که در اسناد ملاحظه می‌شود ارزیابی ثانوی سیا از طریق یکی از جاسوسان خود به نام نوذر رزم‌آرا می‌باشد که در عین حال از عناصر با سابقه ساواک نیز بوده است. نوذر رزم‌آرا اشاره به طرحی می‌نماید که ظاهراً با کمک سازمانهای اطلاعاتی مصر و اسرائیل برنامه‌ریزی می‌شده، تا با اجرای یک حمله دریایی به خوزستان، توانایی تولید نفت ایران تحت کنترل درآید و به این ترتیب کنترل ایران به دست نیروهای میانه‌روی طرفدار غرب درون ایران بیفتد. این مسئله با توجه به حمله رژیم صهیونیستی عراق در سال بعد از آن اهمیت به سزایی دارد و انگیزه‌های رژیم عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران را تا حد زیادی روشن می‌نماید.

رامتین همچنین از تلاش برای راه‌اندازی روزنامه‌ای توسط حسن شریعتمداری خبر می‌دهد و اظهار می‌نماید در صورتی که این امر تحقق یابد آشنایانی دارد که اگر سیا بخواهد می‌تواند برایش مقالاتی

منتشر کنند که این موضوع مورد استقبال سیا قرار می‌گیرد.
در حاشیه پرونده رامتین اشاره به سوابق تیمسار جم از عناصر بازنشسته ارتش رژیم شاه می‌شود و چنین پیداست که وی از عناصر مرتبط با سازمان جاسوسی انگلیس است.
رامتین ماهیانه از سیا مبلغ ۵۰۰ دلار بابت فعالیتهای جاسوسی‌اش دریافت می‌کرده‌است. آن گونه که از آخرین اسناد به دست آمده برداشت می‌شود، در خصوص دقت گزارشات رامتین در اواخر کار، برای سیا تردیدهایی پدید می‌آید.

سند شماره (۱)

۱۱ نوامبر ۷۸
محرمانه
۲۰ آبان ۵۷
آژانس ارتباطات جهانی تهران - ایران
یادداشت مکالمه شرکت‌کنندگان: آقای سیروس رامتین مدیر بخش روابط بین‌الملل رادیو تلویزیون ملی ایران جک. اچ. شلنبرگر، کارمند روابط عمومی تاریخ و محل: هتل اینترکننتینانتال، ۱۴ نوامبر به درخواست رامتین، در محل نسبتاً بی‌طرفی با هم ملاقات کردیم. وی واهمه عمیق خود را از اوضاع ایران با من در میان گذارد. وی از شلوغیهای امروز تهران و چند شهر استانهای دیگر صحبت کرد. او گفت کارکنان رادیو تلویزیون یا رادیکال شده‌اند («توسط مارکسیستهایی که خود را مسلمان یا طرفدار خمینی جا می‌زنند») یا آنکه متوحش هستند در هفته گذشته چند تظاهرات، «تظاهرات وسیعی در محوطه رادیو تلویزیون» صورت گرفته است. سربازان اینک داخل محوطه حتی در راهروها مستقر شده‌اند. حضور آنها بر عصبیت عمومی می‌افزاید اما «همین روز گذشته، یکی از فعالان، به داخل یک استودیوی تلویزیون پرید و سعی کرد با فریاد شعاری بدهد. او را عقب کشیدند، اما دستگیر نشد» در واقع با مهربانی هم با او رفتار کردند.
ران باگنولو و دو تن آمریکایی دیگر استعفای خود را تسلیم کرده‌اند، آنها عصبی و ناراحت هستند. قید و بندهای حکومت نظامی روی جمع‌آوری و پخش خبر به علاوه برخوردهای فعالان رادیو تلویزیون موقعیت را برایشان غیر قابل تحمل می‌کند و رامتین ناراحتی آنها را می‌تواند درک کند. او امروز جلسه‌ای با کارکنان خارجی خود داشت و قول داد امنیت شخصی آنها را تأمین کند، اما ترس همچنان وجود دارد.

علت اصلی مکالمه ما نگرانی رامتین درباره دستوری از دربار بود که بنا بر آن تلویزیون بین‌المللی باید برنامه‌های فیلم و سریال فرانسوی و آلمانی و دیگر کشورها را متناسب با برنامه‌های آمریکایی و بدون زیرنویس انگلیسی ارائه کند. رامتین معتقد است که این عمل شدیداً به جماعت آمریکاییها لطمه خواهد زد و با فقدان اماکن تفریحی سطح پائین معمولی (مثل بار، زنان مهماندار، سینماهای انگلیسی زبان و غیره)

شاید بیشتر مایل به عزیمت یا رفتار ناشایست باشند.

او نمی‌داند آیا روی این توصیه فکر درست و حسابی شده یا نه و جداً نگران است که اگر به اجرا در آید ظرف دو سه هفته آینده می‌تواند به روحیه خراب فعلی آمریکاییها در ایران شدیداً لطمه بزند وی فکر می‌کند که این توصیه بر اساس برداشتی غیر واقع‌بینانه از جهت سیاسی این مملکت داده

شده است. افزودن ساعاتی به برنامه تلویزیونی فرانسوی، آلمانی، هندی، کره‌ای بدون زیرنویس انگلیسی اقدامی سیاسی است که حداقل تأثیر آن در رابطه با موقعیت شاه خواهد بود و فقط قاطبهً فعلاً بی‌قرار انگلیسی زبان (شامل ایرانیها) را منزجر خواهد ساخت. رامتین افزود وزیر جدید اطلاعات تیمسار سعادت‌مند از مقامات سابق ساواک و مسئول سانسور مطبوعات بوده است. حضور او کمتر از همه می‌تواند به روزنامه‌نگاران اطمینان دهد که این مسئله هم‌گذرا خواهد بود.

جک شلنبرگر ۱۱ نوامبر ۷۸

محرمانه

سند شماره (۲)

۲۱ مرداد ۵۸ اعضاء

سری

از: تهران ۵۳۹۱۱ به: رئیس هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

عطف به: الف - تهران ۵۳۹۰۴ (NIT-۱۰۶۸۲) ب - تهران ۵۳۹۰۹ (NIT-۱۰۶۸۳)

۱- گزارشهای مرجع در ملاقات ۲۱ مرداد از اس. دی. کوئیک ۱/ اخذ شدند. ک/ ۱/ گفت حدود ده روز پیش با نادر معتضد دربارهٔ تشکیلات مخفی صحبت کرده و ک/ ۱/ قبول کرده بود او را با شاپور زندنیا مرتبط سازد، و در ۲۰ مرداد ترتیب آن را داد. معتضد قبلاً مأمور ساواک در ادارهٔ هشتم بوده و مسئولیتهایی برای رادیو و تلویزیون داشته است. معتضد به ک/ ۱/ گفت به دنبال انقلاب بهمن ماه مدت سه ماه در ایران در مخفیگاه به سر می‌برد. طی این مدت پاسداران اتومبیلش را بردند و اثاثیهٔ منزلش را دزدیدند. همسرش عاقبت اتومبیل را پس گرفت.

۲- پس از سه ماه اختفاء، معتضد اطلاع یافت خطری ندارد با مصطفی چمران، رئیس جدید سازمان اطلاعات ایران صحبتی داشته باشد. در این صحبت که در ماه مه صورت گرفت، چمران شغلی در سازمان جدید با حقوق ۵۰۰ تومان در ماه (حدود ۵۰۰۰ دلار در ماه) به معتضد پیشنهاد کرد. معتضد به ک/ ۱/ گفت این حقوق کم غرورش را جریحه‌دار ساخت و پیشنهاد را رد کرد. ک/ ۱/ این امکان را هم می‌دهد که شاید معتضد از طرف چمران دسیسه چینی می‌کند، اما به نظر وی معتضد در فعالیت خود بر ضد رژیم صادق است.

۳- معتضد در هر دو ملاقات خود همراه یک مأمور یا عامل جوان سابق ساواک بود ک خود را «فکری» (املاء تحت اللفظی) معرفی کرد. ک/ ۱/ فکر می‌کند این نام مستعار است. «فکری» گفت وقتی خمینی در پاییز ۱۹۷۸ در پاریس بود در عملیات ساواک در رابطه با خمینی شرکت داشته و ادعا کرد منزلی در نوفل لوشاتو مقابل اقامتگاه خمینی اجاره کرده بود. قرارگاه گزارشهایی از منابع ساواک در ۱۹۷۸ به یاد دارد که از عملیاتی در رابطه با خمینی حاصل شده بود. ک/ ۱/ اوصاف ذیل را از «فکری» نقل کرد که شاید برای مأموران سابق ساواک جهت شناسایی فکری کافی باشد. «فکری» حدوداً ۲۸ - ساله ۶ فوت و ۲ اینچ قد، بدن لاغر، موی سیاه، چشم سیاه و سبیل چخماقی مشکی و پوست گندمگون دارد. در دو ملاقاتی که او با ک/ ۱/ داشت ملبس به پیراهن و شلوار جنس اعلاء بود. ک/ ۱/ از نوع بیان «فکری» حدس می‌زند که او فارغ‌التحصیل دانشگاه و اهل تهران باشد.

۴- معتضد به ک/ ۱/ گفت شنیده است همکار سابق دیگری در ادارهٔ هشتم به نام ایزدی - نام

کوچکش مشخص نیست - اینک عضو فدائیان خلق (چریکهای مارکسیست) است.
۵- نام معتضد در فهرست بایگانی ثبت شود.
۶- پرونده: ۲۰۱-۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۳)

۲۵ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری سری از: تهران ۵۳۹۳۴ به: واشنگتن
موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است اس.دی. کوئیک - پسر اس.دی. کوئیک /
۱- اس.دی. کوئیک / به مأمور مربوطه گفته است پسرش (هویت) که اینک در کالیفرنیا درس
می‌خواند... استخدام است و مایل است شغلی در دولت آمریکا داشته باشد، مأمور مربوطه نشانی و
شماره تلفن سازمان استخدامی... را به اس.دی. کوئیک داد تا برای پسرش استفاده کند و افزود
صلاحیتهای پسرش را به ستاد گزارش خواهد کرد.
۲- ک / اگفت پسرش لیسانس دارد و مشغول تکمیل دوره فوق لیسانس است. پسر وی با یک
شهروند آمریکایی ازدواج کرده است... مطمئناً ظرف حدود یک سال تابعیت آمریکایی کسب خواهد
کرد. او به چند زبان شامل فارسی، انگلیسی،... تکلم می‌کند.
۳- اگر ستاد تصمیم به (تماس احتمالاً - م) با پسرک / اگرفت سخنی از همکاری ک / ا... نباید
مطرح شود... ناآگاه است.
۴- پرونده: ۲۰۱ - ۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۵ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۴)

۲۷ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری سری
از: واشنگتن ۴۹۷۷۱۱
موضوع: هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - گزارشها
۱- نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه ژوئیه که در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ مرور شدند به شرح
زیر است:
(نمره: ۵) - ۷۹ - ۳۱۵/۱۱۸۳۴ - TDFIRDB بدون OPACT ۱۰۶۵۵ - NIT (یک جانبه)
اس.دی. کوئیک / اسری / با تمام قیود.
انتشار در ۱۰ مرداد ۱۳۵۸
«ارتباط لبنانی مصطفی چمران»
نظریه: چنان که قبلاً اشاره شده، مصطفی چمران در حال حاضر یک چهره اصلی به حساب
می‌آید. ما ارتباط وی با لبنان، خصوصاً از طریق موسی صدر را قابل توجه دیدیم، آیا
اس.دی. کوئیک / می‌تواند خبری درباره کمک احتمالی ایران به شیعیان لبنان به دست آورد؟ هر چه
که تا به حال در این مورد داشته‌ایم خبرهای پراکنده بوده است.

سند شماره (۵)

۲۸ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری
از: تهران ۵۳۹۶۶

سری
به: واشنگتن

موضوع: هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک
سی. کی. لگ. وای. کی. باند - الکساندر پوپوف

۱- در ملاقات ۲۷ مرداد، اس.دی. کوئیک/ک (۱/ک) گزارش داد که مطمئن است الکساندر پوپوف متخصصی بلغاری برای رادیوی (خاورمیانه م) را در تهران روز پنجشنبه ۲۳ مرداد دیده‌است. ک/۱ توضیح داد که سالها قبل در چین مسئولیتش در رادیو تلویزیون همراه یک هیئت رادیو تلویزیون ملی ایران به بلغارستان رفته و آنجا پوپوف را ملاقات نموده‌است، او پوپوف را مردی بلند قد، مو بور و درشت اندام توصیف نمود. بعداً در تهران، یکی از دوستان ک/۱ که عضو حزب توده در اروپای شرقی بوده و حالا مرده است به او گفته بود پوپوف مدیر ایستگاه رادیویی مخفی توده به نام «پیک - ایران» بوده‌است.

۲- دفتر ک/۱ حدود دو خیابان (بلوک) با سفارت بلغارستان فاصله دارد و در ۲۳ مرداد ۵۸ او ماشین سفیر بلغارستان را پوپوف در آن دیده که از خیابان محل دفترش گذشتند.

۳- از دریافت هر گونه اطلاعات درباره پوپوف که مأموریت وی در ایران را روشن کند متشکریم.

۴- نام پوپوف در فهرست بایگانی ثبت شود. پرونده ۹۵۹۰۱۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ مرداد ۷۸ در

بایگانی ضبط می‌شود. تماماً سری
سری

سند شماره (۶)

۲۹ مرداد ۵۸ اعضاء
از: تهران ۵۳۹۷۳

سری
به: رئیس

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک کیو - آر. بولستر

۱- اس.دی. کوئیک/۱ می‌گوید پسر شریعتمداری، مهندس حسن شریعتمداری مشغول احیاء پروژه‌ای برای راه‌اندازی روزنامه‌ای فارسی زبان است که متکی به حامیان آذربایجانی شریعتمداری خواهد بود. وقتی چند ماه پیش این پروژه اول بار مطرح شد ۱۲ میلیون تومان (حدود ۱/۲ میلیون دلار) برای راه‌اندازی روزنامه به حسابهای بانکی واریز شد و هنوز موجود است. در آن زمان خمینی مانع شد. (برادر زن یا شوهر خواهر یا باجناق - م) حسن شریعتمداری به نام شجاع‌الدین (نام کوچکش مشخص نیست) از اس.دی. کوئیک/۱ دعوت کرده‌است درباره پروژه با حسن صحبت کند.

۲- اس.دی. کوئیک/۱ گفت این پروژه چه پا بگیرد یا نگیرد، او آشنایانی دارد که اگر ما بخواهیم می‌توانند برایش مقالاتی منتشر کنند. مأمور مربوطه گفت ما به این مطلب علاقه داریم و در ملاقاتهای بعدی دوباره به این موضوع خواهیم پرداخت.

۳- پرونده: ۹۵۹۰۱۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۷)

۲۹ مرداد ۵۸ اعضا
از: تهران ۵۳۹۷۵

سری

عطف به: تهران ۵۳۹۱۱

به: رئیس

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک اس. دی. جانوس

۱- در ... مرداد... در تلگرام مرجع با اس. دی. کوئیک ۱/ک (۱/ک) ملاقات داشت و طی آن از ک/۱ خواست جزئیات محل فرستنده‌های اصلی رادیو و تلویزیون در ایران، همچنین مراکز برق، ژنراتورها و ... را فراهم کند. ک/۱ تصور می‌کند که او این جزئیات را برای ... خرابکاری می‌خواهد. ک/۱ می‌گوید برای فکری (نام مستعار) طفره رفت تا از مأمور مربوطه جواب ... چکار باید بکند.

۲- ک/۱ می‌گوید می‌تواند ... که به جزئیاتی از این قبیل دسترسی دارد همه آن را به دست آورد و از تجارب خود می‌داند. مأمور مربوطه به ک/۱ گفت که ... است او نباید این نوع اطلاعات را به ... بدهد، هر چند که علاقه داریم... ک/۱ به گروه معتضد حفظ شود.

۳- در ملاقات بعدی مأمور مربوطه به ک/۱ تأکید خواهد کرد که باید به فکری پاسخ دهد او ...، به جزئیاتی از آن قبیل دسترسی ندارد... به هر صورت ... است که در اقدامات انفرادی خرابکاری دست داشته باشد، اقداماتی که ... باعث قدری ضربه به دولت می‌شوند اما ... با دقت بسیار بررسی شوند. تصور می‌کنیم که این (پیشنهاد احتمالاً) دسترسی ک/۱ حفظ خواهد کرد و در عین حال او را از خطر مشارکت برکنار می‌دارد.

۴- پرونده: ۹۵۹۰۱۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری
تذکر مترجم: این سند به طور کامل جمع‌آوری نشده و نقطه‌چین‌ها مربوط به عبارات جاافتاده می‌باشد.

سند شماره (۸)

۲۹ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری
از: تهران ۵۳۹۷۷

سری

به: واشنگتن

موضوع: اس. دی. کوئیک پرداختی به اس. دی. کوئیک ۱/

۱- بنابر مدارک موجود در پرونده اس. دی. کوئیک ۱/ و اظهار ک/۱ در ۲۷ مرداد، وی از مارس ۱۹۷۹ که ۵۰۰ دلار دریافت کرد دیگر حقوقی نگرفته است. او به مأمور مربوطه پیشنهاد کرد به جای پرداخت مابقی، قالیچه‌ای قیمتی برای پسرش بفرستد که بتواند در آمریکا نقداً بفروشد.

۲- به جای مشارکت در صدور قالی ایرانی، قرارگاه پیشنهاد می‌کند عطف به آوریل ۱۹۷۹ ماهانه ۵۰۰ دلار آمریکا به او پرداخت شود. اگر ستاد این شیوه را تصویب می‌کند، ک/۱ درخواست دارد. از ۲۵۰۰ دلار بابت پنج ماه، آوریل تا اوت ۱۹۷۹، مبلغ ۱۰۰۰ دلار به حساب بانکی هویت الف و ۱۵۰۰ دلار به حساب بانکی هویت ب فرستاده شود.

۳- پرونده: ۹۵۹۰۱۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سری

سند شماره (۹)

۳۰ مرداد ۵۸ تلگرام غیرفوری
از: تهران ۵۳۹۷۸
عطف به: تهران ۵۳۹۷۷

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک
۱- هویت الف: آقای سیامک رامتین شماره حساب پس‌انداز: ۳۹۹۴-۴۱؟ ۱۰ دفتر... میرآمار
بانک آمریکا، ۹۳۵ جاده کرنی، سان دیه‌گو کالیفرنیا ۹۲۶؟؟
۲- هویت ب: آقای سهراب رامتین شماره حساب ۰۷۰۳۷۰۱، سکیوریتی پاسیفیک نشنال بانک،
دفتر پوینت لوا سان دیه‌گو، کالیفرنیا ۹۲۱۲؟
۳- شماره پرونده: ۲۰۱-۹۵۹۰۱۳. تا تاریخ ۳۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری
سری

سند شماره (۱۰)

۲۰ شهریور ۵۸ تلگرام غیرفوری
از: واشنگتن ۵۱۰۹۸۱
اداره خاور نزدیک / ایران

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک / FSAR -
در ذیل FSAR پیشنهادی ما برای اس.دی. کوئیک / ۱ در دوره گزارشگری حد فاصل دی ۵۷ - مهر
۵۸ ارائه می‌گردد. لطفاً هر نظر یا تصحیح که به نظر تان لازم می‌آید اطلاع دهید و اطلاعات خواسته
شده را تأمین فرمائید تا DID-F کامل گردد. ما در ضمیمه ۳ نسخه‌ای از FSAR ۲۳۰-۶ مورخ ۷
شهریور ۵۶ را برای اطلاع شما از خواسته‌های FSAR ارسال داشته‌ایم.
دوره گزارشگری: دی ۵۷ - مهر ۵۸

۱- معرفی

الف: فعالیت: اس.دی. کوئیک

ب: عوامل: اس.دی. کوئیک / ۱

۲- FAN ۳۳۰۴۹۴۹

۳- هدف: اس - ۱

۴- جزئیات عملیاتی:

الف: مأموریت‌های عملیاتی، تأییدیه‌ها و غیره.

اس.دی. کوئیک / ۱ (ک/۱) مدیر خدمات بین‌المللی رادیو تلویزیون ملی ایران از سال ۱۳۴۳ تا
اخراجش در بهمن ۵۷ بود. اولین بار گنجیان در ۲۳ آذر ۵۷ او را ملاقات کرد و در ۱۵ دی ۵۷ برای
او تأییدیه موقت عملیاتی تصویب شد. در ۱۵ بهمن ۵۷ استخدام و طرح امضای قرارداد تعهد توسط
قرارگاه تهران اعلام شد، اما در پی آن انقلاب و نابودی پرونده‌ها روی داد. در مرداد ۰۰۰ تقاضای
قرارداد شد و با اخراج او از رادیو تلویزیون در اوائل اسفند نوع دسترسی وی به اطلاعات تغییر پیدا

کرد و در حد فاصل فروردین تا خرداد ۵۸ مأموریتها و گزارشگری او وقفه یافت. از خرداد ماه او مشغول گزارشگری درباره فعالیتها و نظرگاههای سران دولت موقت دست‌اندرکار اطلاعات و امنیت داخلی بوده و حقوق گذشته او تا اسفند پرداخت شده است.

ب: دسترسی و هدفها

دوستی ک/۱ با مهدی طالقانی، پسر آیت‌الله سرشناس، به او امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به طرحها و شکافهای درونی رهبری روحانیت در ماههای نزدیک انقلاب داد. دوستی او با معاون نخست‌وزیر مصطفی چمران و معاون وزیر کشور صادق طباطبایی به او امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به دستگاه اطلاعاتی جدید که تحت ریاست چمران است و اطلاعات مربوط به امور امنیت داخلی داد. عضویت او در یک کمیته غیررسمی برای تحقیق درباره وضع امام موسی صدر برای عملیات مخفی فرصتهایی در اختیار می‌گذارد و اگر او به کار در زمینه دایر کردن یک دفتر مطبوعاتی جدید برای طباطبایی ادامه دهد، وی باید به مطالب حساس که به مطبوعات راه نمی‌یابند دسترسی پیدا کند.

ج: انگیزه و کنترل

انگیزه ک/۱ احتیاج او به تأمین مالی فرزندان دانشجویش در ایالات متحده از پول خود یا پولی که سیا به عنوان حقوق می‌دهد، می‌باشد. پرداختهای حقوق وی، به استثنای یک مرتبه به حسابهای فرزندان او واریز شده‌اند و معادل ماهانه ۵۰۰ دلار می‌باشند. (لطفاً قرارگاه درباره انگیزه و دامنه کنترل سیا بیشتر اظهار نظر نماید).

د: اطلاعات مربوط به تماس و ملاقات

در اوائل سال ۱۹۷۹ به ک/۱ در منزلش تلفن می‌شد و ملاقاتها با سوار کردن به اتومبیل صورت می‌گرفت. در اسفند ماه او در چند ملاقات حاضر نشد و در نتیجه مأمور مربوطه تصور کرد که او «تصمیم گرفته خود را کنار کشد» اکنون که وضع امنیت فردی او ظاهراً بهبود یافته، ک/۱ دو باره تماس می‌گیرد (لطفاً قرارگاه اطلاعات جدیدتری در رابطه با برنامه تماس تهیه کند).

ه: امنیت

ک/۱ موافقت کرد در اوایل بهمن یک آزمایش دروغ‌سنجی را بگذرانند، اما در این میان انقلاب روی داد. (لطفاً قرارگاه اطلاعات جدیدتری، احیاناً شامل طرحهایی که برای آزمایش دروغ‌سنجی در نظر است، فراهم نماید).

و: آموزش

آموزشی به ک/۱ داده نشده اما طرحی در این زمینه در نظر نیست (لطفاً قرارگاه اظهار نظر نماید).

۵- موفقیتها و طرحها

ک/۱ طی این دوره گزارشگری بسیار پرثمر بوده است. از دی ماه ۵۷ تا مرداد ۵۸ او ۱۶ گزارش تهیه کرد که چهار فقره نمره ۱۰ و دوازده فقره نمره ۵ گرفتند. ارتباط او با طالقانی (مهدی) منجر به خبرهای مفیدی در اولین ماههای انقلاب شد. این خبرها از مهدی پسر آیت‌الله، که همکلاس دوران دانشکده وی و از یاران «دوره» یا گروه نیمه سری دوستان ک/۱ می‌باشد اخذ شده بودند. ارتباطات او با چمران و در نتیجه با دستگاه اطلاعاتی جدید تحت ریاست وی بیشتر مورد استفاده قرار خواهد

گرفت. دوستی او با طباطبایی نیز منجر به تهیه گزارشهای خوبی درباره کشمکشهای ایران و لیبی بر سر قضیه موسی صدر شده و قطعاً فرصتهایی برای عملیات مخفی فراهم می‌کند که از آن استفاده خواهد شد. (لطفاً قرارگاه اظهار نظر نماید).

۶- مخارج

الف: پرداختها (حقوق) ۵۰۰ دلار آمریکا در ماه، ۴۵۰۰ دلار هزینه‌های عملیاتی (لطفاً قرارگاه تهیه نماید).

ب: پرداختها به حسابهای بانکی پسرانش در آمریکا واریز می‌شوند.

ج: مدت کاری سالانه (لطفاً قرارگاه تهیه نماید).

تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سری

سند شماره (۱۱)

طبقه‌بندی گزارش: سری- هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است- غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار- پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده. کشور: ایران منبع: یک ناظر سیاسی ایرانی که قابلیت اطمینان به وی در حال حاضر مشخص نیست. او این گزارش را از یک خبردهنده که قابلیت اطمینان به وی معلوم نیست و در ارتش ارتباطات شخصی خوبی دارد، دریافت کرد.

موضوع: تشکیل یک گروه مخالف در ارتش ایران (تاریخ خبر: ۲۴ شهریور ۱۳۵۸)

۱- یک گروه از افسران ارتش ایران که عمدتاً تیمسارهای بازنشسته می‌باشند تشکیل شده است تا برنامه‌ای در جهت مخالفت با دولت موقت ایران به اجرا درآورند. افسران اصلی دست‌اندرکار عبارتند از: تیمسار فریدون جم که فعلاً در لندن اقامت دارد؛ تیمسار امیربهنم باقری رئیس ستاد فعلی نیروی هوایی؛ تیمسار بیان (نام کوچکش مشخص نیست) وابسته نظامی سابق در پاکستان؛ تیمسار پزشکیور (نام کوچکش مشخص نیست) برادر رهبر حزب پان ایرانیست؛ تیمسار ناظم (نام کوچکش مشخص نیست) که سابقاً معاون تیمسار جم بوده؛ سرتیپ خسرو دانشور؛ و تیمسار اصغر سپهر.

۲- در اواسط شهریور ۱۳۵۸، هرمز رزم‌آرا، پسر نخست وزیر پیشین که کار تشکیلاتی این گروه را انجام می‌دهد در یک جلسه افسران دست‌اندرکار که در منزل تیمسار سپهر در تهران منعقد گردیده بود سخنرانی کرد. رزم‌آرا ادعا کرد که از دولت ایالات متحده برای طرحهای گروه، چراغ سبز دریافت نموده‌است. برنامه آنها شامل بمب‌گذاری در شهرستانها و به دنبال آن یک حمله در تهران می‌شود. به طوری که ادعا شده، این گروه یک کشتی را مجهز به دستگاههای فرستنده کرده تا در خلیج فارس مستقر شود و تبلیغات مخالف ایران پخش کند.

۳- (توضیح حوزه فعالیت: تیمسار باقری تنها افسر مرتبط (با گروه) است که می‌دانیم شاغل می‌باشد).

۴- بدست آمده در تهران، ایران (۲۶ شهریور ۱۳۵۸)، شماره گزارش حوزه فعالیت؟ ۱۰۷۳ - NIT

۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در تهران فرستاده شد به: امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جدّه، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو، تل‌آویو، لندن. سری

سری

سند شماره (۱۲)

۲۶ شهریور ۵۸ - اعضاء
سری عطف به: تهران ۵۴۲۳۴ (۱۰۷۳۱ - NIT)
از: تهران ۵۴۲۳۳
به: رئیس با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱- اس. دی. کوئیک ۱/ک (۱/ک) خبر تلگرام مرجع را در ۲۴ شهریور از هرمز رزم‌آرا گرفت. رزم‌آرا به او گفت که گروه به دقت درباره ۱/ک تحقیق کرده بود و می‌خواهد او مسئول پروژه فرستنده مستقر در کشتی شود. رزم‌آرا گفت که همسر ۱/ک در صورتی که مایل باشد جهت حفاظت به چاه‌بهار آورده خواهد شد یا به خارج فرستاده می‌شود. برای مسافرت به خارج احتیاجی به ویزا نخواهد بود.

۲- رزم‌آرا گفت که هر روز با برادرش نوذر رزم‌آرا تماس تلفنی دارد. نوذر سابقاً یک مقام عالی‌رتبه ساواک بوده و اکنون در بالتیمور زندگی می‌کند. هرمز نزد ۱/ک ادعا کرد که در اواسط شهریور با یک نماینده آمریکا در تهران ملاقات کرده و بعداً آن فرد در اواخر شهریور از لندن تماس گرفت و گفت که پروژه فرستنده مورد تصویب دولت آمریکا قرار گرفته است.

۳- رزم‌آرا تأکید کرد که گروه وی تشکیلاتی در پاریس، لندن، ایالات متحده و آلمان غربی دارد و از حمایت مالی ایالات متحده برخوردار است.

۴- ۱/ک خواستار نظر مأمور مربوطه درباره پیشنهادی شد که رزم‌آرا داد مبنی بر اینکه پروژه تبلیغاتی را او کنترل کند. مأمور مربوطه به ۱/ک گفت که او باید آن را رد کند.

۵- نظریه: اگر چه امکان دارد رزم‌آرا درباره ... گروه افسران ایرانی راست گفته باشد، ولی به نظر قرارگاه در مورد تماسهای گروه با آمریکا مبالغه می‌ورزد. یا ... به هر صورت، اگر اس. دی. کوئیک ۱/ک ... در تهران روی رابطهای خود در دولت موقت کار کند ارزشش برای ما بیشتر است تا اینکه درگیر توطئه‌چینیهای مخالفین شود).

۶- درخواست می‌شود سوابق موجود در مورد هرمز رزم‌آرا و نوذر رزم‌آرا را اطلاع دهید.

۷- نام هرمز و نوذر رزم‌آرا در فهرست بایگانی ثبت شود.

۸- پروند: ۲۰۱-۹۵۹۰۱۳. تا تاریخ ۲۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۳)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء
سری
از: رئیس ۵۱۶۷۴۹
به: تهران

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

عطف به: الف - ۱۰۷۳۰ - NIT، ۷۹ - ۳۱۵/۱۶۲۳۳ - TDFIRDB - ب - ۱۰۷۳۱ - NIT، ۷۹ -
TDFIRDB - ۳۱۵/۱۶۲۱۴

۱- در قبال ... احساساتی و جنجالی گزارشهای مرجع، ما شروع به تجدید نظر در ... گزارشگری اس. دی. کوئیک ۱/ک در چند ماه گذشته کرده‌ایم. لطفاً حداکثر جزئیات ممکن را راجع به دسترسی شغلی اس. دی. کوئیک ۱/ک (به اطلاعات)، دسترسی اجتماعی وی و دسترسی ... او تهیه فرمائید. فعلاً، لطف کرده برای گزارشهای اس. دی. کوئیک ۱/ک زی. آر. واهو نیز بفرستید.

۲- پرونده: ۲۰۱-۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۴)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضا

از: رئیس ۵۱۶۸۹۸ به: با حق تقدم به لندن، رونوشت با حق تقدم برای تهران

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک جی. ان. سایت.

عطف به: الف - تهران ۵۴۲۳۴ (۱۰/۷۳۱ - NIT) ب - لندن ۱۷۸۹۰ (۷۴/۱۷۴ - DEL)

۱- پس از کسب موافقت تهران، لطفاً گزارش مرجع را با انگلیسیها هم در میان بگذارید و درباره موقعیت تیمسار جم که در آن گزارش مطرح شده نظر آنها را جویا شوید. در آن گزارش تصویری از جم ارائه می‌گردد که دقیقاً خلاف آن تصویر نسبتاً مسالمت جویانه‌ای است که از او داشتیم (گزارش مرجع ب این فکر را تقویت می‌کند). آیا انگلیسیها مطمئن هستند که جم با آنها برخورد صادقانه‌ای دارد؟

۲- پرونده: ۲۰۱-۳۱۵۱۴۷ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۵)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضا

از: تهران ۵۴۲۶۳ به: عطف به: تهران ۵۴۲۳۴ (۱۰۷۳۱ - NIT) سری

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱- در روز دوشنبه ۲۶ شهریور هرگز رزم آرا در جلسه‌ای که در تهران در منزل شفیق مقتدر شفیفاً تشکیل شده بود، طرحهای گروه خود برای قیام مسلحانه را ارائه کرد. مقتدر شفیفاً یک مهندس است که در منطقه دروس تهران زندگی می‌کند. سایر افرادی که در جلسه حضور داشتند عبارت بودند از تیمسار (بازنشسته) تقی فاطمی، پسر عموی سرهنگ فاطمی که نام اولش مشخص نیست، و دکتر بهزادی که نام اولش مشخص نیست، دکتر بهزادی سابقاً برای سرهنگ طباطبایی که نام اولش مشخص نیست، کار می‌کرده است. طباطبایی یک افسر ساواک بوده که درست پیش از انقلاب جای پرویز ثابتی را گرفت.

۲- رزم آرا با تکرار طرحهایی که در تلگرام مرجع گزارش شده‌اند گفت قیامها ابتدا در استانهای بلوچستان، کردستان و خوزستان صورت خواهند پذیرفت. پس از آن گروه‌هایی در تهران حملات مسلحانه را شروع خواهند کرد. رزم آرا افزوده در صورتی که دولت برای حفاظت از زنان معلم در مناطقی از تهران که سخت اسلامی هستند کاری نکند، گروه در نظر دارد یک اعتصاب معلمان ترتیب دهد. رزم آرا (اخبار) گزارش مرجع را تکرار کرد مبنی بر اینکه گروه یک کشتی مجهز به وسائل فرستنده برای مقاصد تبلیغاتی در اختیار دارد.

۳- اس. دی. کوئیک ۱/ تنها فرد دیگر حاضر در جلسه بود.

۴- پرونده: ۲۰۱-۹۵۹۰۳۱ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری.

سند شماره (۱۶)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضا
سری
عطف به: رئیس ۵۱۶۷۴۹
از: تهران ۵۴۲۶۴

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱- بابت تلگرام مرجع تشکر می‌کنیم. قرارگاه به خوبی از طبع احساساتی گزارشهایی که منجر به تجدید نظر در گزارشگری اس. دی. کوئیک/۱ می‌شوند اطلاع دارد. برای این گزارشها و گزارشهای قبلی ما از ک/۱ خواستار شواهد تأیید کننده و تجدید نظر در منابع و منابع فرعی شده‌ایم. در هر یک از ملاقاتهای اخیر ما از او خواسته‌ایم نسخه‌ای از مقاله آیندگان که بنابر گزارش وی دلیل مستقیم تعطیل آن روزنامه بود تهیه کند. او همچنان می‌گوید که فراموش کرد ... ملاقات، خواسته‌ها را پیش روی او می‌گذاریم تا فوراً تأمین کند.

۲- در FSAR جدید اشاره شده بود که اس. دی. کوئیک/۱ در بهمن ۱۳۵۷ حاضر بود آزمایش دروغ سنجی انجام دهد. وقتی مقاله آیندگان را آورد، موضوع آزمایش دروغ‌سنجی را با او در میان خواهیم گذارد و به او می‌گوییم به علت اهمیت گزارشهایش او به یک طبقه گزارشگران ویژه ارتقاء می‌یابد و این کار شرط لازم آن می‌باشد.

۳- تلگرام جداگانه‌ای نیز بعد از این تلگرام درباره آخرین ملاقات او با گروه هرمرز رزم آراست. تشخیص ما این است که این تلگرام به عنوان خبر قابل انتشار نیست، چون فقط چند نام جدید به قبلی‌ها می‌افزاید، اما در رابطه با تجدید نظر در گزارشگری (ک/۱) توجه‌تان را به این گزارش جلب می‌کنیم.

۴- پرونده: ۲۰۱-۹۵۹۰۳۱ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۷)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضا
سری
عطف به: تهران ۵۴۲۶۶ (۱۰۷۳۴-NIT)
از: تهران ۵۴۲۶۵

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱- اس. دی. کوئیک/۱ خبر گزارش مرجع را در یکشنبه ۲۵ شهریور از فردی به نام آقای بابان گرفت که گفت از طرف محمد امین نقشبندی (ن) تماس می‌گیرد. (ن) همچنین از طریق بابان این پیام را رساند که تماس خود با ک/۱ را احتمالاً با تلفن از بیروت حفظ خواهد کرد.

۲- ک/۱ گفت هنگامی که ریاست رادیو تلویزیون ملی در غرب ایران را به عهده داشت (ن) مشاور وی در امور کردی بود و آنجا با (ن) آشنا شده بود. هنگامی که ک/۱ در سال ۱۳۵۵ به تهران رفت، (ن) را هم به عنوان دستیار با خود آورد. ک/۱ نمی‌داند چرا پس از تغییر دولت در بهمن ماه ۱۳۵۷ قطب‌زاده (ن) را به عنوان مشاوره نگهداشته است.

۳- پرونده: ۲۱-۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۸)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضا س.ری عطف به: الف - تهران ۵۴۲۳۳ ب - تهران ۵۴۲۳۴
از: رئیس ۵۱۸۶۰۱

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک

۱- تا آنجایی که می‌دانیم ادعای رزم‌آرا مبنی بر تماس با دولت آمریکا صحت ندارد. ستاد مرکزی یک بار حضوراً و چند بار تلفنی با نوذر رزم‌آرا تماس داشته‌است. نوذر هویت الف است و شماره پرونده ۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷ دارد. غرض از تماس این بود که دسترسی نوذر رزم‌آرا به اهداف اطلاعاتی که فعلاً مورد توجه هستند معین شود و بعد از ملاقاتی یک روزه در اواسط تیر فهمیدیم که دسترسی نداشت. چندین تماس تلفنی با او داشته‌ایم که آخرین آنها در اوائل مرداد دربارهٔ مشکل ویزایی دخترش بود، اما هیچ چیز مهمی صحبت نشد و اشاره‌ای هم به پروژه‌ای که رئوس آن در تلگرامهای مرجع مشخص شده نگردید. نوذر رزم‌آرا به طرحی اشاره کرده بود که ظاهراً با کمک سازمانهای اطلاعاتی مصر و اسرائیل انجام می‌گیرد تا با اجرای یک حمله دریایی به خوزستان توانایی تولید نفت ایران تحت کنترل آید و به این ترتیب کنترل ایران به دست نیروهای میانه‌رو طرفدار غرب درون ایران افتد. از آنجا که شواهدی تأیید کننده به دست نیامد، ما این خبر را به عنوان افکار خیالی انتشار دادیم و هنوز می‌دهیم.

۲- دربارهٔ هرمزد (هرمز) رزم‌آرا سابقه‌ای نداشتیم، اما پرویز برادر نوذر را که تفصیل شرح احوالش در هویت ب آمده‌است می‌شناسیم.

۳- پرونده: ۲۰۱۰۹۵۹۰۱۳؛ ۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.
تماماً سری

سند شماره (۱۹)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضا س.ری عطف به: رئیس ۵۱۸۶۰۱
از: رئیس ۵۱۸۶۴۷

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی. کوئیک

۱- هویت الف: اس.دی. جانوس/۲۷ - تاریخ و محل تولد: ۱۲ اسفند ۱۳۰۹، کرمانشاه، فارغ‌التحصیل دانشگاه سیراکوز، ۱۳۲۸، همسر: نیره رزم‌آرا تاریخ و محل تولد: خرداد ... تهران. در ۱۳۳۶ وارد ساواک شد، خدمت در ترکیه ۳۹-۱۳۳۷؛ بخش تحقیقات، اداره هفتم ۴۴-۱۳۳۹، عربستان سعودی (رئیس قرارگاه) ۴۹-۱۳۳۴، اداره مرکزی ساواک، تهران ۵۰-۱۳۴۹؛ پاکستان ۱۳۵۱؛ رئیس اداره تحقیقات، اداره هفتم ۱۳۵۲؛ مصر (رئیس قرارگاه و نمایندهٔ مخصوص شاه) ۱۳۵۷ بهمن ۱۳۵۴- فعلاً همراه پسر عموی خود در نشانی ۳۰۲۹، خیابان داندالک، بالتیمور، مریلند اقامت دارد.

۲- هویت ب: تلگرام تهران ۴۹۱۰۳ مورخ ۳۰ مهر ۱۳۵۷ گزارش داد برادرش پرویز رزم‌آرا (می‌باشد) تاریخ تولد: حدود ۱۳۲۲، ایران، مأمور رابط بین گروه کمک هواپیمایی کشوری و سازمان هواپیمایی کشوری ایران، مجرد؛ فوق لیسانس بازرگانی از برکلی؛ به دنبال ترور پدرش

تیمسار حاج علی رزم آرا نخست وزیر در ۱۳۳۰، چهارده سال در آمریکا گذراند. پرویز مدیر یک شرکت مشاورتی به نام «دنجون ایران» هم هست. قرار بود کارمند هواپیمایی فدرال ترتیب آشنایی اجتماعی وی با مأمور قرارگاه را بدهد.

۳- پرونده: ۲۰۱۰۹۵۹۰۱۳؛ ۲۰۱۰۲۵۹۴۰۷. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.
تماماً سری سری

سند شماره (۲۰)

۲۶ مهر ۵۸ اعضاء
از: تهران ۵۴۵۲۴
سری
به: رئیس

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کوئیک

۱- در ۹ مهر چند ساعت پیش از آخرین ملاقات مقرر، اس. دی. کوئیک ۱/ با مأمور مربوطه تماس گرفت تا آن را لغو کند. در این مکالمه خیلی کوتاه او ظاهراً مضطرب بود. اس/ دیگر تماس حاصل نکرد تا ۲۵ مهر، که یادداشتی برای مأمور مربوطه گذارد که تماس بگیرد مأمور مربوطه در ۲۵ و ۲۶ مهر تلفن زد ولی اس/ در منزل نبود. رویدادهای آینده را نیز به اطلاع خواهیم رساند.

۲- پرونده: ۲۰۱۰۹۵۹۰۱۳ تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری
سری

نام: هاشم کامبخش
نام رمز: اس. دی. تندرا/ آخرین شغل: سرهنگ نیروی زمینی.
شخص فوق‌الذکر در پی مسافرتی که به همراه خانواده‌اش به ایتالیا داشته‌است در ۱۴ شهریور ماه ۱۳۵۸ به سفارت آمریکا در رم مراجعه می‌نماید و خود را آماده خدمت به آمریکاها اعلام می‌کند. قرارگاه سیا در رم با هماهنگی با ستاد مرکزی سیا در خصوص سوابق وی شروع به تحقیق می‌نماید و به عنوان شروع از او درخواست اطلاعاتی در مورد ادامه قرارداد خرید زیردریایی از آلمان غربی و ناوچه از هلند و همچنین اطلاعاتی در خصوص آمادگیهای رزمی نیروهای مسلح ایران در قبال حمله عراق می‌کند. در پی یک سلسله تماس و کاوش در ویژگیهای روانی و خصوصیات فردی این فرد و سوابق کاری و همچنین دسترس‌های وی به اطلاعات، سیا برای شناسایی سرهنگهای درجه دوم که هسته رهبری آتی ارتش را به عهده می‌گرفتند علاقه‌مند به استخدام وی می‌گردد.

اگر چه در برآوردهای بعدی نسبت به تواناییهای وی در تأمین این نیازها تردیدهایی حاصل می‌شود. به هر حال کامبخش رم را به امید تماسهای بعدی سیا از طریق مکاتبه با نشانی وی در ایران ترک می‌کند. سوابق دوران آموزش وی در آمریکا تصریح بر ضعف‌النفس بودن وی، چاپلوسی در مقابل مقامات بالاتر و عدم موفقیت در تحصیل به واسطه هرزگیهای فوق برنامه او دارد. به هر حال این عنصر خود فروخته تنفر خود را نسبت به رویدادهای اخیر ایران (پیروزی انقلاب اسلامی) و ضرورت همکاری «افراد عاقل» برای واژگون کردن اوضاع را در گفتگو با مأمور سیا اعلام و اظهار می‌دارد مسئولیتهای افسران ارتشی این است که ایران را از وضع فلاکت باری که الان دارد نجات دهند. کامبخش ضمن اینکه به طور تلویحی تأیید می‌کند که به زعم او حداقل ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم حامی حکومت هستند، در عین حال تمایل خود را برای جاسوسی به نفع آمریکا را به نفع کشور

قلمداد کرده و مدعی می‌شود که نمی‌خواهد به صورت عامل برای آمریکا کار کند! البته در جای دیگر ناشیانه از مأمور سیا سراغ مزایای همکاری با آمریکا را می‌گیرد!!

کامبخش در دورانی که در رم تحت آزمایشات مأمورین سیا قرار داشته اطلاعات مورد درخواست آمریکاییها را تا حدی که از آن مطلع بوده در اختیار می‌گذارد و شاید یکی از دلایل دلسردی آمریکاییها از ادامه سرمایه‌گذاری روی این فرد، کیفیت پایین اطلاعات و قابلیت‌های ضعیف فردی او بوده‌است. به هر حال با تصرف لانه جاسوسی ادامه پیگیری استخدام این جاسوس متوقف می‌گردد و هاشم کامبخش از سوی مسئولین قضایی تحت تعقیب قانونی قرار گرفته و دستگیر می‌گردد. میزان سرمایه‌گذاری ایستگاههای سیا در اروپا برای پیگیری عملیات استخدام این فرد و همچنین اطلاعات مورد درخواست در مورد آمادگیهای ایران برای مقابله با تهاجم عراق بسیار قابل توجه است.

سند شماره (۱)

۱۴ شهریور ۱۳۵۸-اعضاء
از: رم ۷۷۶۳۷
سری
به: فوری رئیس، رونوشت با حق تقدم به تهران
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. جانوا

۱- در ۱۴ شهریور هاشم کامبخش سرهنگ نیروی زمینی ایران که «آمادگی خود را برای خدمت به آمریکاییها اعلان کرده»^۱ از سفارت دیدن کرد. در آغاز از فرد مزبور توسط مأمور امنیت سفارت سؤال و جواب شد و مقرر شد که وی در ۱۵ شهریور رأس ساعت ۱۰ به وقت محلی باز گردد.

۲- درباره فرد مزبور که مدعی است پنج ماه پیش در پایگاه فورت براگ «تعلیمات نیروهای مخصوص» می‌دیده سابقه وی را خواستاریم (اقدام شبانه مورد نیاز نیست). وی همچنین مدعی است که در سالهای ۱۳۳۸-۱۳۳۹ و یک بار دیگر در سالهای ۱۳۴۳-۱۳۴۲ در مدرسه نظامی زبان سن آنتونیو تحصیل کرده‌است (فرد مزبور انگلیسی را با مهارت عالی تکلم می‌کند). او همچنین می‌گوید که در سال ۱۳۴۷ برای گذراندن یک دوره «ضد جاسوسی» در پایگاه هواپرد حضور یافته‌است.

۳- فرد مزبور اظهار داشت که همراه با همسر و خانواده‌اش «برای گذراندن تعطیلات» به رم آمده و حوالی ۲۵ شهریور به تهران باز خواهد گشت. قرار است وی در تهران به وزارت دفاع احتمالاً بخش خریدهای نظامی گزارش بدهد.

۴- طبق اظهارات مأمور امنیت سفارت، او فردی متعادل و باهوش به نظر می‌رسد. وقتی که از او سؤال شد آیا برای آمدن به سفارت حالت عصبی پیدا کرده یا نه، فرد مزبور جواب داد که در این ارتباط وی کاملاً احساس امنیت داشته‌است، چرا که ایرانیان مقیم ایتالیا او را نمی‌شناسند و خود او هم هرگز با سفارت ایران در رم تماسهای رسمی نداشته‌است.

۵- اگر سوابق و تحقیقات مثبت باشند، قرارگاه در نظر دارد که از مأمور بخواهد در صبح ۱۵

۱- این عبارت که در گیومه قرار داده شده یعنی نقل قول این فرد است به این صورت که وی آنجا رفته و گفته می‌خواهم اطلاعات خود را به آمریکاییها عرضه کنم - توضیح مترجم.

شهریور سؤال و جواب بیشتری از وی به عمل آورد. اگر شرایط اقتضاء نماید ما همچنین امکان تغییر محل ارتباط به یک مکان خارج از سفارت را در نظر خواهیم گرفت.
 ۶- پرونده: بعداً تعیین شود. تا ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۲)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضا
 عطف به: رم ۷۷۶۳۷
 سری
 به: فوری رم، رونوشت برای تهران

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

۱- متن زیر خواسته‌های (اطلاعاتی) برای استفاده احتمالی در تخلیه اطلاعاتی فرد مورد نظر است:

الف: وضع قراردادهای خرید زیردریایی از آلمان غربی و چند ناوچه هلندی که حکومت شاه بر سر آنها مذاکره می‌کرد چگونه است؟ آیا حکومت بازرگان علاقه‌ای به قبول خرید زیردریایی نشان داده است؟ فرد مورد نظر از قراردادهای سابق تسلیحاتی ایران و آلمان چه می‌داند؟
 ب: آخرین واحد ارتش ایران که فرد مورد نظر در آن خدمت می‌کرد کدام بود؟ وظیفه این واحد هنگام جنگ با عراق چه بود؟ اگر ایران حمله می‌کرد چه؟ اگر عراق حمله می‌کرد چه؟ تا آنجا که امکان دارد مشخصات دقیق بخواهید. آیا این واحد این وظایف را تمرین می‌کرد؟ چند نوبت؟ روحیه واحد را توصیف کنید؟ همین طور کارآیی عملیاتی آن را؟ آیا تجهیزات کار می‌کردند؟ آیا ایرانیها می‌توانستند آنها را به کار گیرند؟

ج: هر گونه اطلاعاتی که فرد مورد نظر بتواند از نیروهای مسلح عراق یا تلقی ایرانیها از عراقیها فراهم کند، باعث امتنان خواهد بود. لطفاً مشخصات دقیق بخواهید و اگر این فرد تلقی ایرانیان را ارائه کرد لطفاً کنجکاوی کنید که ایرانیها چگونه و چرا به این تحقیق و ارزیابی از عراقیها رسیده‌اند؟

د: ما به تمام جزئیات مربوط به مناسبات نظامی بین حکومت جدید ایران و آلمان غربی که هنوز پابرجا می‌باشند علاقه‌مندیم. آیا تعلیمات افسران ایرانی با EM در آلمان صورت می‌پذیرد؟ آیا طرحهایی برای اعزام پرسنل ارتش ایران به آلمان وجود دارد؟

ه: هر گونه اطلاعاتی که فرد مورد نظر بتواند درباره ساخت، قدرت یا ترکیب قومی پاسداران انقلاب فراهم کند یا اطلاعاتی در مورد نیروهای کردی که با دولت مخالفت می‌ورزند مورد علاقه خواهند بود.

و: به عقیده فرد مورد نظر کدام افسران (سرهنگ دو یا سرهنگ تمام) ممکن است در فرماندهی خود در ارتش و جبهه‌ای در بین پرسنل داشته باشند و چرا؟ اگر فرد منظور اطلاعاتی درباره افسران عالی‌رتبه‌تر داشته باشد ما علاقه‌مند خواهیم بود اما توجه ما مخصوصاً به افسران رتبه‌های میانه که کمتر شناخته شده‌اند معطوف است.

۲- پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۳)

سری ۱۵ شهریور ۵۸ اعضاء به: فوری رم، رونوشت فوری تهران، عادی فرانکفورت از: رئیس ۵۰۸۰۹۴ هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. سوابق - آزمایش دروغ سنج عطف به: رم ۷۷۶۳۷ (به فرانکفورت فرستاده نشده، مورد احتیاج نیست).

۱- اطلاعات ذیل دربارهٔ سرهنگ هاشم کامبخش از گزارش ... سازمان اطلاعات دفاعی DIA که طی اقامت کامبخش در پایگاه هواپرد از ... فروردین تا ۱۸ مرداد ماه ۱۳۴۷ تهیه شده، برداشته شده است. شخص مزبور در این دوران سروان بود (توجه کنید که تلفظ فامیل وی به صورت کامبخش بر کامبخش ترجیح دارد). تاریخ و محل تولد ۱۱ دی ماه ۱۳۱۵ ... ایران، شغل افسر اجرایی بخش تعقیب (عیناً نقل قول) واحد ضد اطلاعات عنوان شده است. نام همسر فریده ۱۶ ماه پس از ازدواج جدا شدند، علت نامعلوم. دارای یک دختر به نام شهلا. فردی است فوق‌العاده برونگرا تا بدانجا که دیگران وی را به چشم مودی می‌نگرند. در مجموع فرد دلپذیری است که در فرصتهای اجتماعی با دیگران به خوبی جور می‌شود. بیش از حد به رتبه حساسیت دارد و مشهور است که نزد پرسنل رتبه‌های بالاتر «چاپلوسی می‌کند» تا مورد عنایت واقع شود. میزان هوشش از حد متوسط بالاتر است، اگر چه از لحاظ تحصیلی در دوران آموزش ضعیف بود. تصور می‌شد که عدم موفقیت تحصیلی به جهت فعالیت‌های فوق برنامه‌اش باشد؛ وی به «زن بارگی» مشهور بود. در وفاداری او به کشور و دولتش تردیدی نبود. بی‌نهایت از اینکه افسر ضد اطلاعات است مغرور می‌باشد و ضد اطلاعات را نخبه ارتش می‌داند. انگلیسی خود را روان و بدون اشکال می‌داند و علاقه دارد انگلیسی را با زبان عامیانه آمریکایی و با استفاده از اختصارات نظامی تکلم نماید. توانایی واقعی وی در ابراز مقاصد خود به انگلیسی چه شفاهاً و چه کتباً قدری ابتدائیت است. از اقامتهای قبلی خود در ایالات متحده به نیکی یاد می‌کرد. فرد مزبور در محیط اسلامی احتمالاً «دست از پا خطا نمی‌کند»؛ به هر حال بیرون از این محیط مشروب می‌نوشد و مدت قابل توجهی دنبال زنانی که در دسترس باشند می‌رود. چندین مرتبه به تنهایی در خیابان بالتیمور شرقی، در «محل» دیده شده جایی که چند ردیف مؤسسه استریپ تیز در آنجا واقعند. در دوران آموزش به موفقیت‌های عالی تحصیلی نایل نشد و مشارکتش در بحث‌های کلاسهای درس حداقل بود.

۲- در ستاد مرکزی اطلاعات بیشتری نبود. کارتهای قرارگاه تهران که اینک در ستاد مرکزی هستند نیز بازدید شدند.

۳- به شرطی که قرارگاه تهران موافقت داشته باشد کامبخش از لحاظ عملیاتی به عنوان عامل نفوذی بالقوه در ارتش ایران مورد توجه است، تکرار می‌شود، مورد توجه است و به علت شرایط سخت و محدود عملیاتی قرارگاه تهران، لازم است تخلیه اطلاعاتی بیشتر، ارزیابی و استخدام وی در خارج از ایران انجام شود. اگر امکان داشته باشد رم باید آزمایش دروغ‌سنجی از کامبخش و تعلیمات اساسی ارتباطات او را نیز مد نظر قرار دهد.

تلگرام جداگانه‌ای برای نکاتی که لازمست در تخلیه اطلاعاتی پرسیده شوند مخابره خواهد شد. ۴- نام «کامبخش» اندبکس شود. پرونده: ۲۷-۱۲۰ - ۴۱ تا ۱۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۴)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضا

سری

به: فوری رئیس رونوشت فوری برای تهران

از: رم ۷۷۶۵۴

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

عطف به: الف - رئیس ۵۰۸۰۹۴ ب - رئیس ۵۰۸۰۵۰

۱- در ۱۵ شهریور آناکلاریو مأمور قرارگاه تحت نام مستعار «جیمز لیتل» با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع (درخواست می‌شود برای وی نام رمز تعیین گردد) برای تخلیه اطلاعات به مدت یک ساعت ملاقات کرد. این گفتگو از یک ساعت تجاوز نکرد زیرا مشارالیه تمام خانواده‌اش را به سفارتخانه آورده بود و در حالی که وی و مأمور مربوطه با هم صحبت می‌کردند، همسر و سه فرزندش در اتاق پذیرایی منتظر بودند. تخلیه کامل اطلاعات وی دربارهٔ اقلام ذکر شده در تلگرام مرجع ب قرار شده در نیمه روز ۱۶ شهریور انجام گیرد. هر چه زودتر اخبار را اطلاع خواهیم داد.

۲- مشارالیه در اینکه صادقانه انگیزه‌های تماسش با دولت آمریکا را در میان گذارد تردیدی به خرج نداد. وی اظهار داشت که یک فرد «حرفه‌ای» می‌باشد که از تعطیلات خود در ایتالیا برای تماس با «افراد مناسب» در سفارتخانه آمریکا استفاده می‌کند. او تنفر کامل خود را نسبت به رویدادهای اخیر در ایران و ضرورت همکاری «افراد عاقل» برای واژگون کردن اوضاع را اظهار داشت. او گفت که به علت ارتباطات نزدیکش با ارتش آمریکا، خود را تقریباً آمریکایی می‌داند و امیدوار است بتواند برای کمک به کشورش با آمریکا کار کند. او گفت که حاضر است مابقی مدت اقامت خود در رم را به هر صورت که می‌تواند صرف کمک کند (او در ۲۵ شهریور عزیمت خواهد کرد).

۳- مأمور مربوطه دربارهٔ ضرورت امتحان اشخاصی نظیر وی که به طور ناگهانی با سفارتخانه تماس می‌گرفتند توضیح داد و مقداری وقت صرف مرور کردن سوابق اخیر وی شد. جزئیات کامل سیر سوابق وی در تخلیه اطلاعاتی ۱۶ شهریور اخذ خواهد شد. مشارالیه در ۱۳۴۷ از فورت هولابرد عزیمت کرد و به تهران بازگشت و در آنجا با رتبهٔ سرگردی در گروه عملیات ستاد بزرگ تا سال ۱۳۵۰ خدمت کرد. در همان زمان وی به بخش امنیت و تحقیقات سازمان صنایع نظامی منتقل شد و مدت هشت سال تا ۱۳۵۷ در آن مقام ماند. در سالهای ۵۳-۱۳۵۲ وقفه‌ای در این مأموریت حاصل شد تا وی هشت ماه در کمیسیون بین‌المللی کنترل و نظارت در ویتنام خدمت کند. در ۱۳۵۷ مشارالیه برای شرکت در آموزش افسران ارشد ستاد در دانشکده ستاد نیروی هوایی واقع در مجتمع «دوشان تپه» پشت ستاد مرکزی نیروی هوایی در تهران معرفی گردید. دورهٔ دانشکدهٔ ستاد از آبان ۱۳۵۷ تا ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ به طول انجامید و تحولات ۹ ماهه اخیر در آن تأثیری نگذاشت و پس از پایان کلاس وی به گذراندن تعطیلات مشغول شد و باید تا ۲۷ شهریور مراجعت کند. در این زمان کلاس دانشکدهٔ ستاد مراسم فارغ‌التحصیلی خود را برگزار خواهد کرد. پس از این، وی به وزارت دفاع گزارش خواهد کرد تا مقام جدیدی برای وی تعیین گردد. او فکر می‌کند «تقریباً ۸۵ درصد مطمئن است» که به مقامی در سازمان صنایع نظامی باز خواهد گشت.

۴- مشارالیه پس از دادن اطلاعات فوق، مجدداً تأکید کرد که آماده است در هر ... که بتواند به طور کامل با دولت آمریکا کار کند. او اظهار داشت که در ازای آن چیزی نمی‌خواهد. اما فقط درخواست

کرد که برای امنیت خود و خانواده‌اش این تماس به شدت سری نگاه داشته شود. در جریان بحث پیرامون لزوم مخفیکاری، وی گفت که وی و بهترین دوستش سرهنگ نیروی هوایی محسن پورصبا تصمیم گرفته بودند که پس از دانشکده ستاد در تعطیلات خود سعی کنند با دولت آمریکا تماس بگیرند. او و پورصبا در دانشکده ستاد با هم در یک کلاس بودند. پورصبا برای گذراندن تعطیلات خود به سن آنتونیو تگزاس رفته و الآن باید آنجا باشد و به گفته مشارالیه پورصبا اینک باید مشغول برقراری تماس با ارتش آمریکا در سن آنتونیو باشد تا به همان نحوی که وی در رم با ما تماس دارد خدمات خود را ارائه کند.

۵- مشارالیه بلیطهای هواپیمای خود و خانواده‌اش با خط هوایی اردن را به مأمور مربوطه نشان داد که مسیر مسافرت تهران امان - رم - امان - تهران بود. او اظهار داشت به این دلیل خط هوایی اردن را انتخاب کرده بود که وضع خط هوایی ایران «افتضاح» بود. مشارالیه یک ویزای آمریکایی ب/۱ - ب/۲ برای ورود مکرر نامحدود دارد که در ۱۱ خرداد ۱۳۵۷ صادر شده است. خانواده وی هیچ ویزای آمریکایی ندارند و مشارالیه سعی دارد در رم برای آنها ویزای مسافرتی آمریکا تهیه کند. او گفت که این برای «بیمه» (احتیاط - م) است.

۶- قرارگاه یک اتاق در هتل هیلتون رم گرفته و این کار با استفاده از خدمات تکنسین ای - زی، نوا، اورویل ب. گرونکلتون با نام مستعار صورت گرفت و جلسات تخلیه اطلاعات از ۱۶ شهریور شروع خواهد شد. مشارالیه به همسر و خانواده‌اش می‌گوید که یک دوست نظامی قدیمی در سفارت آمریکا در رم دارد که می‌خواهد ببیندش. همسر و فرزندان وی فقط فارسی حرف می‌زنند و صرفنظر از تمایل مشارالیه به کمک به آنها در خرید و مسافرت در اطراف رم ظاهراً مشکلی ایجاد نمی‌کنند. بر حسب اتفاق، مأمور ای. زی. ویزارد آلدن اچ. کیتوک در رم به سر می‌برد و قصد داریم شب ۱۶ شهریور فرد مورد نظر را تحت آزمایش جی. بی. مینیم قرار دهیم. مأمور آزمایش دروغ‌سنجی، جوئل ام. کلاین اسمیت در ۱۹ شهریور وارد رم می‌شود و برای آزمایش دروغ‌سنجی برنامه‌ریزی خواهیم کرد. اگر تخلیه‌های اطلاعاتی خوب جلو بروند، (آزمایش) جی. بی. مینیم مثبت به نظر برسد و مشارالیه در آزمایش دروغ‌سنجی قبول شود، هفته ۲۴-۱۹ شهریور را برای آموزش وی به نحو مقتضی در اختیار خواهیم داشت.

۷- تأثیر اولیه‌ای که مشارالیه روی مأمور مربوطه داشت بسیار مطلوب بود. او فردی پر حرارت و خوش زبان است که بابت سرهنگ بودن، تکلم خوب به انگلیسی و تجربیات خود در آمریکا احساس غرور می‌کند. هنگامی که مخالفت خود با دولت فعلی را بیان می‌کرد تا حدی احساساتی شد، اما هیچ‌گاه کنترل خود را از دست نداد. او مکرراً به موهای جوگندمی روی گونه خود اشاره می‌کند و می‌گوید «من دارم پیر می‌شوم، اما اهل عمل هستم». خلاصه آنکه اگر مشارالیه از امتحان خوب به درآمد ممکن است مورد علاقه نقداً عملیاتی برای سیا باشد. اظهار نظر و پیشنهادهای بیشتر و احتمالاً وارد کردن مأموران عملیاتی دیگر که با عملیات تهران آشناتر باشند را به ستاد مرکزی و یا تهران واگذار می‌کنیم.

۸- پرونده: ۲۷-۱۲۰-۴۱. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۵)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضا
از: رئیس ۵۰۸۶۱۶
سری
عطف به: رم ۷۷۶۵۴
به: فوری به رم، رونوشت برای تهران

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

- ۱- برای فرد مورد اشاره تلگرام مرجع شماره (پرونده) ۹۶۲۶۸۳ - ۲۰۱ تعیین شد و نام رمز اس. دی. تندرا/۱ خواهد داشت. تهیه POA مراحل خود را طی می‌کند. شما را در جریان خواهیم گذاشت. (به مناسبت مدت زمانی که در ایالات متحده گذرانده، تهیه POA مستلزم دریافت سوابق ان. وی. کنوی (وزارت دفاع یا سازمان اطلاعات دفاعی-م) است که درخواست گردیده).
- ۲- نوبکوفسکی مأمور ستاد مرکزی شعبه ایران در حال حاضر مأموریت موقت به لندن دارد که در ضمن از بن عبور خواهد کرد و در صورت لزوم می‌توان برای مساعدت به (قرارگاه - م) رم از وجود وی استفاده کرد، پس از تخلیه اطلاعاتی در ۱۶ شهریور اظهار نظر آسانتر خواهد بود. لطفاً نظر خود را اطلاع دهید.
- ۳- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۶)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضا
از: رم ۷۷۶۵۹
سری
به: فوری به آتتک، تهران، رونوشت فوری برای فرانتک، رئیس، دیرتک

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

عطف به: الف - رم ۷۷۶۳۷ (به آتتک، فرانتک، دیرتک فرستاده نشد)، ب - رئیس ۵۰۸۰۹۴ (به آتتک، فرانتک، دیرتک فرستاده نشد)

- ۱- تلگرامهای مرجع در رابطه با یک سرهنگ نیروی زمینی ایران و حدوداً چهل ساله است که در ۱۴ شهریور به سفارتخانه آمد تا برای آمریکاییها کار کند. او تا ۲۵ شهریور پیش از عزیمت خود به تهران برای مأموریت موقت در شهر خواهد بود. در تاریخ ۱۹ شهریور از مشارالیه آزمایش دروغ‌سنجی به عمل خواهد آمد.
- ۲- با توجه به فرصت کمی که برای این درخواست وجود دارد، در صورتی که نتایج آزمایش دروغ‌سنجی رضایتبخش بود در رابطه با آموزش فنی که باید به مشارالیه داده شود، از مخاطبین تقاضا می‌کنیم نظر خود را ابراز دارند. طرحهای اولیه‌ای که رم در نظر دارد شامل آموزش مخفی‌نویسی و ارتباط الکترونیک برد کوتاه می‌شود، اما ما با مقدمات فعلی قرارگاه تهران برای پشتیبانی هر کدام از این دو سیستم یا مسائل مربوط به استفاده از سیستم پستی ایران برای نامه‌نگاری محلی یا بین‌المللی آشنا نیستیم.
- ۳- از تهران درخواست می‌کنیم که این قضیه را ارزیابی کند و هرچه زودتر درخواستهای لازم را برای کسب مجوز لازم برای سیستمهای فنی ارسال دارد. ای. ز. ویوید توصیه مربوط به سیستمها را بررسی خواهد کرد و در عین حال ای. زی. نوا به طور مقتضی مأموران متخصص آموزش و وسایل فنی لازم را در اختیار قرار خواهد داشت. به نظر ما مأمور آزمایش دروغ‌سنجی فرانکفورت که قرار

است در ۱۹ شهریور وارد رم شود شاید بتواند وسائل لازم را به طور دستی حمل کند تا ضرب الاجل به اتمام نرسد.

۴- پرونده بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۷)

۱۶ شهریور ۵۸ اعضا
از: آتک ۲۳۹۸۹ به: فوری به رم، رونوشت فوری برای تهران فرانتک، رئیس سری

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

عطف به: الف - رم ۷۷۶۵۹ ب - تهران ۵۴۱۴۱

۱- پیرو تلگرامهای مرجع، در صورت رضایتبخشی نتایج آزمایش دروغ‌سنجی، لطفاً اطلاعات مربوط به فرم 30-SR مخفی نویس را به ای. زی. ویوید بفرستید تا بتواند سیستم MLI مناسب را انتخاب کند.

۲- پرونده: ۲۷-۱۲۰-۴۱. تا تاریخ ۱۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۸)

سری ۱۹ شهریور ۵۸ اعضا
از: رم ۷۷۷۴۸ به: فوری به رئیس، تهران، رونوشت برای دیرتک، فرانتک

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ای. زی. ویزارد- اس. دی. تندرا

۱- در ۱۹ شهریور مأمور (بخش - م) ای. ایکس. ویزارد (پایگاه م) ای. زی. نوا به نام کیتوک اس. دی. تندرا (ت/۱) را که به خواست خود مراجعه کرده تحت آزمایش جی. بی. مینیمم قرار داد. ت/۱ کلاً خود را خوب نشان داد. او شخصیتش با محیط به نحو مطلوبی سازگار یافته و این امر به او امکان خواهد داد که به عنوان یک عامل اطلاعاتی نفوذی در محیط یا فرهنگ خود با کارآیی عمل کند.

۲- ت/۱ از لحاظ سطح هوش عمومی فقط کمی از حد میانگین بالاتر است و تصور می‌شود که در مقایسه با اکثر افسران نظامی آمریکایی هم‌رتبه‌اش از این حد پایین‌تر باشد. با این وجود از دیدگاه غربی این اختلاف عمدتاً در زمینه عملکرد فکری است و در مقایسه با همکاران خودش از لحاظ کارآیی ت/۱ احتمالاً نمره عالی می‌آورد، به علاوه چندین فقره از خصلتهای اصلی او برای افسری که در یک ساخت نظامی بسیار استبدادی قرار دارد «طبیعی» محسوب می‌شوند. یعنی او برای سازگاری با نقش خود حتماً نباید «کاری» انجام دهد.

۳- سازگاری او با محیط هم از لحاظ روانشناسی و هم جسمی خشک است و نتایجش این است که او احتمالاً به سهولت خسته می‌شود و احتمالاً از وضع جسمی نیز ناراحتیهایی خواهد داشت. به هر حال ت/۱ مستقل، خود محور و غیر احساساتی است. سرسختی او با کمی غرور آمیخته و احتمالاً بیشتر از آن قدر که می‌خواهد منفی باف به نظر می‌رسد. او با خصومت نهفته فراوانی عمل می‌کند، خصومتی که اغلب به صورت عبارات طعنه‌آمیز و نیشدار نمایان می‌شود.

۴- ت/۱ در اجتماع فعال و پراراده است، به دنبال رابطه اجتماعی است (و به آن احتیاج دارد) و

باید در تحرک و یا اختلاط یا رشد در زمینه یا فرهنگ آشنای خود موفق باشد. با این وجود قادر نیست در اوضاع اجتماعی ناآشنا خوب عمل کند، چون اسلوب وی نسبتاً انعطاف‌ناپذیر یا یکنواخت است. به این دلیل نباید او را خیلی آب زیرکاه دانست چون می‌توان (ذهن) او را تقریباً خوب «خواند». ت/۱ قطعاً می‌تواند در دروغ‌گویی قدری موفقیت داشته باشد، اما به نظر نمی‌رسد که خود را همچون مبتلایان به مرض دروغ‌گویی بزرگ جلوه دهد.

۵- او میل به غلو اهمیت فردی و لیاقت خود خواهد داشت و بزرگترین خطر این خواهد بود که او نخوت و اعتماد به نفس خود را تحت انقیاد کافی نگاه ندارد. بدبینی و تنفر درست پشت ظاهرش قرار دارند و هنگامی که ت/۱ احساس کند که تحقیر شده یا او را دست‌کم گرفته‌اند یا او را تنها گذارده‌اند کینه توزی نهایی وی نمایان می‌شود. بنابراین او از آن نوع افرادی است که فقط با یک موقعیت آشنای خود تطابق می‌یابد و ظاهراً قادر به کار خوب در چنین شرایطی هستند.

۶- ت/۱ باید برای آزمایش دروغ‌سنجی موضوع مناسبی باشد. یعنی او کسی است که واکنش نشان می‌دهد و باید آزمایش او معتبر محسوب شود.

۷- ت/۱ از نظر فنی قابل تعلیم است. او استعداد کسب فوری یک مهارت طبیعی در یک فن یا شیوه را ندارد، اما بسیار مصمم است که دقیق باشد و بنابراین یاد خواهد گرفت. او باید یک شیوه را آن قدر تمرین کند تا تقریباً عادتش شود.

۸- فرمول جی. ب. مینیم: (E MINUS C PLUS C FOC PLUS U PLUS C O) L.

۹- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ شهریور در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۹)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء
از: رم ۷۷۷۴۹
رونوشت فوری برای تهران

هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: الف - رئیس ۵۰۸۰۵۰، ب - تهران ۵۴۱۴۱، ج - رئیس ۵۰۸۶۱۶، د - رم ۷۷۶۵۴

۱- در ۱۶ شهریور اطلاعات اس. دی. تندرا (ت/۱) درباره موضوعات مندرج در تلگرام مرجع الف تخلیه شد که نتایج آن جداگانه ارسال می‌شود. همچنین مرور کاملی بر سابقه نظامی ت/۱ و نتایج آزمایش ج. ب. مینیم جداگانه ارسال می‌شود.

۲- روز دوم صحبت با ت/۱ امکان داد که بین مأمور مربوطه و ت/۱ نوعی رابطه برقرار گردد و طی آن مدت ت/۱ حالش بهتر به نظر می‌رسید. همان طور که می‌توان از جوابهای ت/۱ به تخلیه اطلاعاتی فهمید او به طور خاصی از حرفه نظامی یا سایر جزئیات مخصوص نظامی اطلاع ندارد. او تقریباً ده سال را در کار امنیتی با یک سازمان ویژه وابسته به وزارت دفاع گذرانده و هیچ‌گاه فرماندهی عملیاتی در دست نداشته است. به نظر می‌رسد که ارزش ت/۱ احتمالاً در آن باشد که اکنون افسری است ارشد که اخیراً در دانشکده ستاد بوده و باید تا حدی اکثر افسران ارتش ایران بین درجه سرهنگ دومی و سرتیپی را که الان وضعشان دچار اشکال نیست و هسته رهبری ارتش ایران

در آینده خواهند بود بشناسد. به این ترتیب او باید مقامی را داشته باشد که دربارهٔ طرحها و طراحان و علل آنها به سیا اطلاع بدهد. مثلاً ت/۱ گفت رئیس جدید سازمان صنایع نظامی، سرتیپ علی اصغر انتقامی که اوائل شهریور به این سمت منصوب شده دوست نزدیک اوست.

۲- طی صحبتی که یک روز به درازا کشید ت/۱ دائم تنفر خود را از «ملاها» اظهار کرد و می‌گفت که مسئولیتهای افسران ارتش این است که ایران را از وضع فلاکت‌باری که الان دارد نجات دهند. او گفت که او و افسران ارشد همکارش صبورانه نشسته‌اند و خمینی را نظاره می‌کنند که «قبر خود را می‌کند» و قبل از اقدام به هر عمل، منتظر زمانی هستند که اکثریت مردم وضع جاری را به حد کافی تجربه کنند. ت/۱ گفت با اینکه از اذعان به این نکته نفرت دارد اما «۶۰-۷۰ درصد ایرانیها یکپارچه احمقند» و با ترکیب شور دینی و هیجان ضد شاهی از خود بیخود شده‌اند و از ندای خمینی برای تشکیل یک جمهوری دینی حمایت کرده‌اند. ت/۱ معتقد است که تمام اینها در قبال فاجعه اقتصادی ناشی از سقوط حاکمیت مرکزی ایران قابل ذکر نیستند و معتقد است که تنها ارتش، تشکیلات و وفاداری فردی لازم برای جان به در بردن از این سقوط را خواهد داشت و موقعیتی را دارا خواهد بود که کشور را به سوی یک دولت دموکراتیک‌تر و مسئول‌تر سوق دهد. ت/۱ اظهار داشت که شاه هرگز باز نخواهد گشت، اما «ملاها باید بروند». او پیش‌بینی کرد که در جریان حذف خمینی «هزاران نفر خواهند مرد»، اما این برای تجدید حیات ایران قیمت قابل قبولی خواهد بود.

۳- چندین بار در خلال روز، ت/۱ با نگرانی از مأمور مربوطه پرسید آیا خواهد توانست «تعلیمات» را شروع کند یا نه. ت/۱ گفت که او و دوست نزدیکش (فرد مورد اشارهٔ پاراگراف ۴ تلگرام مرجع) با یکدیگر تصمیم گرفته بودند که «با آمریکاییها تماس بگیرند» و ت/۱ می‌خواهد اطمینان یابد که وقت کافی برای آموزش جهت ادامهٔ تماس با آمریکاییها «در تهران» خواهد داشت. ت/۱ گفت که کاملاً آگاه است که تماس برای همکاری آتی بین خود و دولت آمریکا تنها در تهران صورت‌پذیر است، چون کار و زندگی در آنجاست» اما او می‌خواهد که تماسش با ایمنی باشد و این آموزش او را ایجاب می‌کند. او از اینکه وقت را تلف می‌کنیم ابراز نگرانی کرد. به ت/۱ گفته شد که او باید مورد تأیید قرار بگیرد و با در نظر داشتن تخصص امنیتی خود باید این را درک کند و تا هنگامی که این انجام نپذیرفته هیچ چیز شروع نخواهد شد، این فرصت به مأمور مربوطه امکان داد که آزمایش جی. بی. مینیمم و امتحان دروغ‌سنجی را که ۱۹ شهریور در نظر گرفته شده مطرح کند. ت/۱ موافقت تام خود را با آزمایشها ابراز داشت و متعاقباً آزمایش جی. بی. مینیمم را توسط کیتوک مأمور ای. زی. ویزارد گذراند. به ت/۱ گفته شد که اگر تمام آزمایشها مثبت باشند، آموزش او از ۲۰ شهریور آغاز خواهد شد. و با این حساب وقت کافی برای آموزش مناسب او موجود خواهد بود. طی این صحبت، ت/۱ «به عنوان یک دوست» پرسید آیا به نظر مأمور مربوطه «شما» (یعنی سیا) می‌خواهد با او کار کند. مأمور مربوطه جواب داد «ما» حقیقتاً خیلی خوشحال هستیم از اینکه فرصت صحبت با ت/۱ را پیدا کرده‌ایم و اگر آزمایشها به خوبی انجام شوند ما به احتمال قوی مایل به کار کردن با او خواهیم بود. ت/۱ آمادگی خود را برای گذراندن هرگونه آزمایش و تمام آنها اظهار داشت تا صداقت خود را به اثبات رساند و خوشحالی خود را از تماس با آمریکاییها دوباره اعلام کرد.

۴- از دیدگاه ما ت/۱ نسبتاً خوب به نظر می‌آید و اگر ت/۱ در آزمایش دروغ‌سنجی مردود شود ما

متعجب خواهیم شد، تصور می‌کنیم که اکنون زمان آماده کردن خود برای پنج روز پر مشغله قبل از موعد بازگشت ت/ا به تهران فرا رسیده است، به شرط اینکه مخاطبین هم تأیید کنند که ت/ا شایسته استخدام نهایی است. قرارگاه رم می‌تواند همان طور که در تلگرام مرجع ب گفته شده در زمینه گزارش نویسی و شیوه‌های ارتباطی آموزش‌مقدماتی در اختیار ت/ا قرار دهد. به هر حال تجربه ما در آموزش عوامل دیگر نشان می‌دهد که تقریباً لازمست پیش از اعزام عامل یک نفر از قرارگاه ذینفع دربارهٔ محلهای تماس عملیاتی در شهر با عامل بحث کند تا برقراری رابطه به تماسی کور با یک مأمور سیا در شرایطی سخت تبدیل نشود. تصور می‌شود که اگر شایستگی ت/ا مورد توافق باشد مأموری عملیاتی از تهران یا حداقل آشنا با محیط تهران ترتیب یک مسافرت موقت را به رم بدهد تا با ت/ا مذاکره نماید و امکان کار دو طرف برای پیدا کردن نقاط تماس مطمئن و متناسب با اوضاع پیش آید (ما قویاً توصیه می‌کنیم همان مأمور مربوطه تهران که کار ت/ا را به دست خواهد گرفت، این مسافرت را انجام دهد، هرچند که ممکن است این به دلیل عوامل دیگری که رم از آنها اطلاع ندارد امکان‌پذیر نباشد)، همچنین با پیشنهاد مندرج در تلگرام مرجع الف موافقت می‌شود که نیکوفسکی کارمند میز ایران یک مسافرت یک هفته‌ای در حدود ۱۹ الی ۲۴ شهریور به رم نماید تا با ت/ا کار کند. کمک او خصوصاً در زمینه فنون گزارش‌دهی کمک پرارچی در جهت دادن آموزش ت/ا است، به نحوی که دقیقاً متناسب با واقعیات ایران باشد، چیزی که مأموران قرارگاه رم با آن آشنا نیستند.

۵- در تلگرام مرجع ب ما هیچ‌ذکری از آموزش ت/ا در زمینه مخفی‌نویسی مشاهده نکردیم. یک بار دیگر سؤال می‌شود آیا مخاطبین نمی‌خواهند که حضور ت/ا در رم را مغتنم دانسته و غیر از آموزش تماس حضوری در تهران (سایر) طرق ارتباطات مطمئن با سیا را به ت/ا آموزش دهند، چون تماس حضوری دستخوش عوامل ظریف بسیاری و از همه مهمتر حضور خود ت/ا در تهران است. او پیش‌بینی می‌کند که مقامی در تهران به او داده شود، اما ما هیچ تضمینی در دست نداریم که عملاً اینطور شود. اگر ت/ا (آموزش) مخفی‌نویسی داشته باشد، حداقل می‌تواند به هرکجا که فرستاده شود با سیا ارتباط داشته باشد. تا آنکه در یک تاریخ دیرتر بتوان تماس حضوری برقرار نمود. چون گرفتن تأییدیه برای (آموزش) مخفی‌نویسی ضروری خواهد بود، لطفاً اطلاع دهید آیا این آموزش مورد نظر است.

۶- پرونده ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱- تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۰)

سری

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء

به: فوری به رئیس

از: رم ۷۷۷۵۰

رونوشت، فوری برای تهران

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا

عطف به: الف - رم ۷۷۷۴۹ ب - رئیس ۵۰۸۰۵۰

۱- پیرو تلگرام مرجع ب - نتایج تخلیه اطلاعاتی اس. دی. تندرا/ا در ۱۶ شهریور به شرح زیر می‌آید تمام جوابها در رابطه با پاراگرافهای تلگرام مرجع ب می‌باشند. در مواقعی که لازم بوده

توضیحات ت/ا در پراوتزها اضافه شده است:

الف - ت/ا اطلاعی دربارهٔ زیردریاییهای آلمانی یا ناوچه‌های هلندی نداشت. او اظهار داشت که با شروع سقوط شاه فعالیت سازمانش متوقف شد (مثل اینکه کلیدش را خاموش کرده باشند) و از اسفند ۱۳۵۷ در ادارات چیزی که بتوان نام کار واقعی روی آن گذاشت جریان نداشته است. سفارشهای جاری هنوز مثل آب باریکه می‌آیند. اما اینها اقلامی بوده‌اند که پیش از خاتمهٔ حکومت شاه قراردادشان بسته شده بود. تا آنجا که ت/ا اطلاع داشت، در سازمان وی هنوز کاری از سر گرفته نشده اگرچه از آبان ۱۳۵۷ قدری تماسش با آنجا قطع بوده است (ت/ا توضیح داد که کار وی اطلاع از امور جاری سازمان خود نیست زیرا فقط مسئولیت جوانب امنیتی فعالیت آن سازمان بر عهدهٔ اوست. او از سابقه هرکس در سازمان اطلاع دارد، اما لزوماً نمی‌داند که همه آنها چه می‌کنند. او اظهار داشت که مراتب شغلی تقریباً خوب رعایت می‌شوند. او فکر می‌کند که می‌تواند چیزهای بسیار بیشتری دربارهٔ سازمانش بداند، اگر این چیزی است که ما می‌خواهیم، چون یکی از بهترین دوستانش اخیراً مسئول کل سازمان شده است).

ب - ت/ا از (آرایشهای رزمی - م) چندان اطلاع نداشت. او گفت که به طور کلی وضع نگهداری تجهیزات در ارتش ضعیف است و بسیاری از تجهیزات گرانقیمت بخشهای مختلف ارتش در اکثر اوقات به کار گرفته نشده‌اند و در این دوره از ارتش، او می‌ترسد اوضاع بسیار بدتر باشد، روحیه (ارتش) پیش از سقوط شاه خوب بود. ت/ا تخمین زد که در آن موقع ۹۵ درصد ارتشها راضی بودند و از آن مهمتر نسبت به وظایف و مراتب خود «مسئول» بودند. حالا عوض شده‌اند و تخمین زد که فقط ۲۵ درصد از کادر وظیفه هنوز مشغول خدمت هستند و اکثراً یا ترک خدمت کرده‌اند یا به صفوف پاسداران انقلاب پیوسته‌اند، یا آنکه خیلی ساده به خانه‌های خود رفته‌اند. درجه‌داران و رده‌های بالاتر آنها سر خدمت هستند اکثراً به این لحاظ که به حقوق احتیاج دارند این به شعبات فنی ارتش مثل واحدهای تجهیزات مکانیکی و نیروی هوایی امکان می‌دهد تا حدی فعال باشند، چون درجه‌داران هنوز در مشاغل خود هستند، روحیه‌ها خراب است. اما هیچ کس نمی‌داند چه باید بکند، بنابراین کار در حال حاضر با نیروی محرکهٔ خودش جلو می‌رود.

ج - ت/ا دربارهٔ مقدمات و مقاصد عراقیها چیزی نداشت که بگوید. او دربارهٔ خط‌مشی فعلی ایران در قبال عراقیها چیزی نمی‌دانست، اما گفت «چنین چیزی وجود ندارد».

د - تنها خبری که وی دربارهٔ مناسبات بین ایران و دولت ایران (احتمالاً منظور دولت آمریکا بوده است - م) داشت خبر آموزش ۳۰ کارآموز سازمان صنایع نظامی در آلمان غربی بود. کارآموزان دورهٔ فنون و تشکیلات صنعتی می‌بینند و قرار شده در اواخر سال ۱۹۷۹ به ایران بازگردند. تا آنجا که ت/ا می‌داند این آموزش با وقوع انقلاب قطع نشده است و هیچ یک از کارآموزان فرا خوانده نشده‌اند. ت/ا نمی‌تواند بگوید پس از بازگشت گروه تعلیمی فعلی باز هم آموزش در آنجا از سر گرفته می‌شود.

ه - ت/ا در مورد این مسئله بسیار احساساتی شد و چندین بار اظهار داشت که سپاهیان انقلاب چیزی نیستند جز «تازه کارهای جوانی» که با سلاحهای ارتشی (که از انبارهای ارتش دزدیده بودند) مسلح شده‌اند. ت/ا فکر می‌کند که این گروهها بسیار بی‌نظم و فاقد توانایی رزمی حقیقی می‌باشند (ت/ا اظهار داشت که یک «تیپ خوب و وفادار از سربازان ارتش می‌تواند تمام کشور را در دست

بگیرد»، او افزود که دیگر «تیپ خوب» باقی نمانده، چون تمام افراد وظیفه فرار کرده‌اند، اما این به مرور زمان درست خواهد شد، ت/ا گفت که آن قدر در رابطه با پرسنل سپاه انقلاب که به یکدیگر تیراندازی کرده‌اند حادثه بوده که دستور داده شد، سلاحها را آزمایش کرده و خالی نگهدارند و خشابهای سلاحهای نیمه اتوماتیک را بیرون بکشند، اما این دستور چندان موفقیت نداشته است. این قدری به دلیل این است که «نیروها» دوست دارند گاهگاهی شلیک کنند، چون خوششان می‌آید. هنگامی که درباره بسیج ارتش علیه کردها سؤال شد، ت/ا جواب داد که اینها اکثراً درجه‌داران و رده‌های بالاتر از ارتش هستند که هنوز به دستورها جواب می‌دهند و به «پاسداران انقلاب» مربوط نمی‌شود. ت/ا فکر می‌کرد که گروههای مسلح کمونیستی لزوماً شبیه پاسداران انقلاب نیستند، چونکه آنها حرفه‌ای‌ترند و از نوعی انضباط برخوردارند. وی پیش‌بینی کرد که اینها همان گروهی خواهند بود که بعد از به قدرت رسیدن ارتش در آینده باید نابود شوند.

و - این قسمت تخلیه اطلاعاتی به تأخیر افتاد تا ت/ا قدری خود را در منزل آماده کند. «مسئله افسران نظامی شایسته» مسئله‌ای بود که بسیار ت/ا را بخود جلب کرد و پیشنهاد شد که در چند روز آینده مقداری از ایده‌های خود درباره این مسئله را مرور کند و توجه به یک مذاکره عمیقتر داشته باشد درباره اینکه چه کسی یک افسر «خوب» است و چه کسی نیست. همان طور که در تلگرام مرجع گفته شد. این زمینه‌ای است که شاید ت/ا در آن بهترین فایده را داشته باشد، اما کمی کار دارد که ت/ا جواب خود را به نحوی مرتب کند که شامل تمام افسران «خوب» بشود، نه فقط دوستانش. این مسئله بعداً در ملاقاتهای آتی با ت/ا با عمق بیشتری جواب داده خواهد شد.

۲- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۱)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضا
از: رم ۷۷۷۵۱
رونوشت فوری برای تهران
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رم ۷۷۷۴۹

۱- سوابق حرفه‌ای سرهنگ هاشم کامبخش که در ۱۶ شهریور اخذ شد به شرح زیر می‌باشد:
تاریخ و محل تولد: ۳ دی ۱۳۱۴، تهران، ایران.
۱۳۳۳- با رتبه ستوان دومی از «وست پوینت» ارتش ایران فارغ‌التحصیل شد. مأمور به خدمت در لشکر سوم، هنگ هفتم، در مراغه از توابع آذربایجان. مأمور به آموزش تاکتیکهای پیاده. پس از شش ماه در امتحان انگلیسی نفر اول و مأمور به خدمت در مدرسه زبان انگلیسی تهران شد. این دوره ۲۴ هفته طول کشید. پس از آن به لشکر سوم بازگشت.
۱۳۳۵- دوباره مأمور به گروه مستشاری، سپاه دوم در زنجان از توابع آذربایجان شد. یکی از وظایفش خدمت به عنوان افسر رابط با افسران مستشاری آمریکا بود که مشارالیه را برای آموزش زبان در آمریکا توصیه کردند.

اواخر ۳۸- ۱۳۳۹- برای آموزش در نیروی مخصوص و جنگ روانی به فورت پراگ در آمریکا فرستاده شد. با مراجعت به ایران، مأمور به خدمت در سپاه یکم، تیپ یکم، تهران به عنوان افسر آموزش و همچنین خدمت در بخش اطلاعات (رکن ۲) شد. افسر رابط افراد مستشاری آمریکا بود. ۱۳۴۱- به ستوان یکمی ترفیع یافت.

۱۳۴۲- به مرکز پیاده شیراز منتقل شد و هنوز جمعی تیپ یکم بود. مسئول برنامه‌های تدریس و آموزشی شد. در امتحانات نیروی هوایی قبول شد.

۱۳۴۲- برای آموزش هلیکوپتر به پایگاه هوایی لاکلند واقع در سن آنتونیو تگزاس اعزام شد. برنامه را تکمیل نکرد و دوره مدرسه زبان را به اتمام رساند. هشت ماه در آنجا ماند. پس از بازگشت به ایران مأمور به خدمت در لشکر هفتم، مشهد، خراسان شد و در آنجا مسئول آموزش در رکن ۲ بود. ۱۳۴۳- به درجه سروانی ترفیع یافت (در شهریور).

۱۳۴۴- برای آموزش اصول ضد اطلاعات مأمور به خدمت در ضد اطلاعات ارتش در تهران شد. با تکمیل دوره، فوراً به شغل قبلی مأمور نشد، بلکه در مرکز ضد اطلاعات ماند و در بخش امنیت امور درخواست‌های تأییدیه را مدت حدوداً یک سال به دست داشت.

۱۳۴۷- برای دوره مدیریت اطلاعات به فورت هولابرد، مریلند اعزام شد که ۱۶ هفته طول کشید. با تکمیل دوره، به ایران بازگشت و در آنجا دوباره مأمور به خدمت در مرکز ضد اطلاعات شد و درخواست‌های تأییدیه را در دست داشت.

۱۳۴۸- مأمور به خدمت در گروه عملیات، ستاد بزرگ، بخش طرحها شد.

۱۳۵۰- به سرگردی ترفیع یافت و دوباره مأمور به خدمت در سازمان صنایع نظامی بخش امنیت شد. کارش در رابطه با تأییدهای داوطلبان استخدامی غیر نظامی بود و بر تماسهای کارکنان نظامی و غیر نظامی با بیگانگان، دزدی، خرابکاری، تحقیقات شناسایی و واحد نیروی حفاظت نظارت می‌کرد. ۱۳۵۳- ۱۳۵۲- به واسطه قابلیت در تکلم و نوشتن انگلیسی، مشارالیه مأموریت یافت که همراه با نیروی اعزامی ایران به ویتنام جزو اولین گروه فرماندهی بین‌المللی کنترل و نظارت باشد. هشت ماه در ویتنام ماند و از دولت ایران مدال گرفت. پس از ویتنام به شغل قبلی خود در بخش امنیتی سازمان صنایع نظامی بازگشت، در شغل خود در صنایع نظامی تا اواسط ۱۳۵۷ ماند.

۱۳۵۳- به سرهنگ دومی ترفیع یافت.

۱۳۵۶- به سرهنگی ترفیع یافت (شهریور).

۱۳۵۷- برای شرکت در سمینار افسران ارشد به مدت ده ماه مأمور به دانشکده ستاد نیروی هوایی شد و در اواخر مرداد ۱۳۵۷ دانشکده را تمام کرد.

۲- مسافرت: علاوه بر مأموریت‌های نظامی به آمریکا در سالهای ۳۹- ۱۳۳۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۷ و ۱۳۴۷ وی به عنوان توریست در سال ۱۳۵۶ از کالیفرنیا آمریکا دیدن کرد. مشارالیه چند روز نیز در پاریس، فرانکفورت و لندن طی این مسافرتها گذرانده است همراه با همسر و سه فرزندش در شهریور ۱۳۵۸ به رم، ایتالیا رفت.

۳- پرونده: ۹۶۲۶۸۳- ۲۰۱ تا تاریخ ۱۷ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۲)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضا
از: رئیس ۵۱۰۵۶۰
به: فوری به بن رونوشت، برای آلمان، رم، تهران، بخش خارجی / سانفرانسیسکو
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است اس. دی. تندرا
عطف به: الف - بن ۸۴۳۵۴ (به رم فرستاده نشد / لازم نبود)، ب - رم ۷۷۷۴۹ (به بن، آلمان
فرستاده نشد)
۱- شرط موافقت... از نویکوفسکی درخواست می‌شود به محض... کار در آلمان با مأموریت
موقت به رم برود تا در... اس. دی. تندرا/ که جدیداً مطرح شده یاری نماید. نویکوفسکی باید بعد از
آن مستقیماً به ایالات متحده بازگردد.
۲- برای بن: اس. دی. تندرا/ افسری است از ارتش ایران که داوطلب همکاری شده و رم او را
برای بازگشت به تهران و شروع کار... عامل مخفی... می‌کند. او مراحل نهایی آزمایش و آموزش را
طی می‌کند. نویکوفسکی می‌تواند در زمینه ارائه آگاهی‌های لازم در منطقه مساعدت کند و ارزیابی
دیگری از استعداد این مورد کاری به عمل آورد. تمام مکاتبات سابقه در رم موجودند.
۳- برای رم: اس. دی. تندرا/ به نحو عجیبی مشتاق تماس در تهران است. این امکان را می‌خواهیم
مطرح کنیم که شاید ما را و امی دارد (حضور احتمالاً - م) سیا را برملا سازیم. لطفاً توجه خاصی به
این... امنیتی مبذول دارید... مذاکرات بعدی و آزمایش دروغ‌سنجی آتی...
۴- اعلام نظر راجع به آموزش مخفی‌نویس را به... واگذار می‌کنیم. به فرض تخفیف... امنیتی
فوق‌الذکر، ستاد مرکزی هم موافق است که این ذخیره مفیدی خواهد بود.
۵- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۳)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضا
از: رم ۷۷۷۶۹
به: فوری به رئیس سری
رونوشت فوری برای تهران
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رم ۷۷۷۴۹
۱- پیرو تلگرام مرجع، اس. دی. تندرا/ (ت/ا) در ۱۹ شهریور هنگام ظهر با قرارگاه تماس گرفت
و درخواست کرد گفتگوی کوتاهی در سفارتخانه داشته باشد. ت/ا همراه با خانواده‌اش در ساعت
۱۶/۰۰ به سفارتخانه آمدند و در آنجا آناکلاریو و ت/ا مدت سی دقیقه در اتاق پذیرایی از مهمانهای
غیر دعوتی با هم صحبت کردند.
۲- در گفتگو، ت/ا توضیح داد آن جلسه طولانی که با مأمور مربوطه و مأمور ای. زی. ویزارد روز
جمعه داشت موجب ناراحتی عمیق همسرش شده بود، چون در هتل با فرزندان تنها مانده بود. از
آنجایی که خانواده وی فقط فارسی می‌دانند و برای برقراری ارتباط با ایتالیاییها کاملاً به ت/ا وابسته

هستند، غیبت وی باعث شد همسرش از فرط ترس و تحریک عصبی ناشی از تنها ماندن تقریباً ناراحتی جسمی پیدا کند. به طوری که ت/ا می‌گوید، هنگامی که از ملاقات با مأمور مربوطه در روز جمعه به هتل بازگشت (این ملاقات همراه با نهار هفت ساعت طول کشید)، بین او و همسرش صحنه تأثرآوری روی داد و ت/ا فکر نمی‌کند که صلاح باشد در بقیه‌ایام تعطیلی خود دوباره از این غیبتها با همسرش داشته باشد.

۳- مأمور مربوطه بیهوده استدلال کرد که این موجب می‌شود که قرار گذاشتن و کار جدی بین ت/ا و مأمور مربوطه برای تماس در ایران فوق‌العاده مشکل شود، زیرا طرح‌ریزی برای تماس در تهران به سختی امکان‌پذیر است. ت/ا گفت که این آنقدرها هم مشکل نیست، چون او شماره تلفن و نشانی منزل خود در تهران را خواهد داد و می‌توان با تلفن با او تماس گرفت و کسی هم می‌تواند به منزل او بیاید و در آنجا با او ملاقات کند. ت/ا دوباره وارد یک سخنرانی در این خصوص شده که او چقدر آمریکا را تحسین می‌کند و می‌خواهد به «دوستان نزدیک» خود کمک کند. بعد او جهت و میل دیگری پیدا کرد که این احتمالاً منعکس‌کننده احساسات درونی او بود. او گفت که نمی‌خواهد یک «عامل» باشد و همه چیز را درباره «مأموران مربوطه عوامل» می‌داند و می‌خواهد روشن کند که فقط به این دلیل با آمریکاییها «همکاری» می‌کند که این کار به نفع کشورش است و او هیچ‌گاه یک عامل نخواهد شد.

۴- مکالمه مدت چند دقیقه دیگر به این روال ادامه یافت و مأمور مربوطه سعی می‌کرد ت/ا را ترغیب کند در هفته چند ساعت با او کار کند و ت/ا سر تصمیم خود بود که همسر و فرزندانش را تنها نگذارد. هنگامی که مأمور مربوطه پیشنهاد کرد او در جمعه شب ۲۳ شهریور میزبان شام ت/ا و خانواده‌اش باشد و در آن موقع امکان‌پذیر است که تحت عنوان گفتگوی اجتماعی درباره تماس احتمالی در تهران صحبت کرد. از آنجایی که هیچ‌یک از افراد خانواده انگلیسی نمی‌داند، می‌توان در حضور خانواده گفتگو کرد. ت/ا این فکر را پذیرفت و برای صرف شام در آن موقع موافقت کرد.

۵- درست پیش از مراجعت به اتاق پذیرایی سفارتخانه که خانواده‌اش در آن منتظر وی بودند، ت/ا مأمور مربوطه را متوقف کرد تا بپرسد اگر برای آمریکاییها کار کند «مزایایش چه خواهد بود» مأمور مربوطه جواب داد که این چیزی است که باید به تفصیل درباره‌اش مذاکره شود، اما مشخص کردن آن در مدت کوتاهی که ما باید با ت/ا در رم گفتگو کنیم غیرممکن است. ت/ا گفت می‌توان مسئله را تا هنگام ملاقات با رابطش در تهران کنار گذارد.

۶- گفتن ندارد که قرارگاه با مشاهده جریان رویدادها قدری دلسرد شده است. مطمئناً به نظر نمی‌رسد که ت/ا همان قدر باهوش و صادق باشد که در ابتدای امر چهار روز پیش نشان می‌داد. اما حکم کردن درباره او در این موقعیت مشکل است. چون ما فقط مدت کوتاهی با او تماس داشته‌ایم. کنترل نداشتن او بر زنش چندان قابل توجیه نیست (همسرش از آن زنهای پهن و چاق و بی‌جذبه است). وضع مالی همسر ت/ا شاید بهتر از خودش باشد، چون می‌گوید که یک مرسدس بنز و یک استخر شنا در منزل دارد و به این ترتیب می‌تواند روی شوهرش احاطه داشته باشد. شاید هم ت/ا در طول هفته درباره آزمایش دروغ‌سنجی خود فکر کرده و به این نتیجه رسیده که نمی‌خواهد چنین چیزی را تجربه کند.

۷- در رابطه با این تحولات، قرارگاه دیگر نمی‌تواند آن امیدواری که قبلاً نسبت به استعداد ت/ا داشت داشته باشد. به این ترتیب ما باید تصمیم‌گیری در مورد اقدامات بیشتر در این قضیه را به مخاطبین این تلگرام واگذار کنیم. در صورتی که تشخیص داده شد که فایده دارد، نوکوفسکی هنوز می‌تواند به رم بیاید و در شام جمعه شب شرکت کند و ت/ا را ببیند. با توجه به شرایط، معرفی ت/ا به مأمور قرارگاه تهران در این موقع به نظر نمی‌آید که مصلحت باشد. به هر صورت سعی خواهیم کرد که نشانی و شماره تلفن ت/ا در تهران را برای تماس احتمالی بگیریم و بعد بگذاریم او و زن (بی‌اطلاعتش) و خانواده در ۲۵ شهریور به ایران بازگردند.

۸- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱، تا تاریخ ۱۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۴)

۱۹ شهریور ۵۸ اعضاء
 از: رئیس ۵۱۰۶۹۴
 به: فوری به بن، رونوشت فوری برای آلمان، رم، تهران. سری
 هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
 عطف به: رم ۷۷۷۶۹ (به بن، آلمان فرستاده نشد/ لازم نبود)
 ۱- با توجه به تلگرام مرجع، نوکوفسکی الان نباید برای مأموریت موقت به رم برای قضیه اس. دی. تندرا/ا طرح‌ریزی کند.
 ۲- برای رم: از بابت رویدادهای اخیر در این قضیه متأسفیم، اما فکر می‌کنیم که برخورد ماهرانه شما اینک مانع گردیده که ما تا آخر باغ سبزی کشیده شویم که یک داوطلب به ما نشان داده است. داوطلبی که به انگیزه‌هایش حالا باید بدیده تردید فراوان نگرست. رفتار ت/ا بسیار قابل تردید و به احتمال زیاد ترس از آزمایش دروغ‌سنجی علت آن است. با طرح‌های قرارگاه برای شام ۲۳ شهریور و گرفتن شماره تلفن و نشانی ت/ا در تهران موافقت می‌شود.
 ۳- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱، تا تاریخ ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۵)

سری: ۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء
 از: رم ۷۷۷۹۸۷
 به: رئیس، رونوشت برای تهران
 هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
 عطف به: الف - رم ۷۷۷۶۹، ب - رئیس ۵۱۰۶۹۴
 ۱- پیرو تلگرام مرجع الف، در شب ۲۳ شهریور اس. دی. تندرا/ا (ت/ا) و خانواده‌اش در یک مهمانی شام توسط آناکلاریو پذیرایی شدند. آن شب خیلی بی‌دردسر گذشت و ت/ا کار ترجمه را به عهده گرفته بود و با توجه به موانع زبانی، خانواده خیلی خوب و مؤدبش فوق‌العاده دلپذیر و خوشایند بودند. معلوم شد که همسر ت/ا فردی خیلی جذاب است و آشکار بود که ت/ا از خانواده‌اش خصوصاً پسرش بسیار احساس سرفرازی می‌کرد.
 ۲- مأمور مربوطه اینک که به گذشته می‌نگرد از مهلت خیلی کوتاهی که برای کار کردن با ت/ا

داشتیم تأسف می خورد، چون اگر وقت کافی داشتیم تا او را به آرامی به سمت نقطه نظر مطلوب سوق دهیم چندان شکی نیست که ممکن بود به نحوی قبول کند که عامل ما شود. به نظر می رسید که روحیه «مسئولیت پذیری» او با واقعیات تخلیه اطلاعاتی و قرار گرفتن تحت آزمایش جی. بی مینیم و دروغ سنجی منطبق نبود. ظاهراً فکر می کرد می تواند فردی باشد که فروش سلاحهای آمریکایی به ارتش دولت جدید ایران را پیش ببرد و از آنجا خود را در عایدی آن سهیم کند. در عین حال آموزشی که در اطلاعات طی کرده بود به وی امکان داد که در این تماس منظور خود را با استفاده از اصطلاحات مخفی کاری بیان کند و این عمل به نوبه خود مأمور مربوطه اش را به اشتباه انداخت که امیدوارانه تصور می کرد فرصتی واقعی برای پرورش یک عامل پیش آمده است. اگر برای کار کردن با یکدیگر وقت بیشتری بود شاید ت/ا و مأمور مربوطه اش می توانستند به یک زمینه تفاهم دست یابند.

۳- ت/ا به دفعات اظهار تمایل کرد که نوعی تماس با سیا برقرار کند (در آن شب او اظهار داشت که می داند با کی سروکار دارد) و مأمور مربوطه توضیح داد که شاید بهتر باشد تا چند ماه آینده اوضاع به همین ترتیب بماند تا هیچ مشکل احتمالی پیش نیاید. مأمور مربوطه توضیح داد که از پیشنهاد مساعدت ت/ا بسیار قدردانی می شود و این مسئله به طور ویژه ای گزارش شده و در ستاد سیا به دقت روی آن بررسی می شود. در آینده او می تواند هر موقع که خواست با اطمینان خاطر با یک مأمور آمریکایی تماس بگیرد (چنان که در رم کرده بود) و سیا در جریان قرار خواهد گرفت و همکاری وی ممکن است به منظور احتمال بهره برداری مورد بررسی واقع شود. به علاوه ت/ا و مأمور مربوطه توافق کردند که با مکاتبه تماس خود را حفظ کنند و برای این کار از پسر نوجوان ت/ا به عنوان گیرنده نامه استفاده خواهد شد. ت/ا نام و نشانی پسرش (هویت الف) را در اختیار گذارد و مأمور مربوطه آدرس عملیاتی در رم (هویت ب) را داد. طرح از این قرار است که چند هفته بعد نامه ای ابتدا توسط مأمور مربوطه فرستاده شود که علی الظاهر یک دوست جوان ایتالیایی پسر ت/ا فرستنده آن است و ت/ا جواب خود را به صورتی خواهد فرستاد که گویی پسر ت/ا در جواب یک آشنای جوان ایتالیایی می نویسد. هر دو توافق داشتیم که این کار یک شیوه ارتباط بین ت/ا و مأمور مربوطه برقرار خواهد کرد که در آینده ممکن است مفید واقع شود.

۴- تشخیص لزوم نوشتن این نامه که مکاتبه را شروع می کند به گیرندگان این تلگرام واگذار می کنیم. به نظر ما حفظ نوعی رابطه با ت/ا مفید است تا ببینیم در ماههای آتی چه روی خواهد داد و در صورتی که گیرندگان این تلگرام در اصل آن موافقت داشته باشند، متن نامه را به منظور تأیید و اظهار نظر بیشتر پیش از ارسال خود نامه خدمتتان ارائه خواهیم نمود.

۵- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۶)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضا
از: رم ۷۷۹۸۸
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱- هویت الف: شهریار کامبخش.

تهران - سلطنت آباد - میدان (اختیاریه - کوچه م) شقایق شماره ۲۷ (تلفن ۲۴۸۲۴۸)

هویت ب: مارکو برناردینی

منطقه پستی کاسلا ۰۲؟ ۱۲

۰۰۱۳۶ - رم - ایتالیا

۲- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۷)

۲۹ شهریور ۵۸ اعضا
از: تهران ۵۴۲۵۷
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱- تشخیص مصلحت استفاده از طرح پیشنهادی برای مبادله نامه‌ها را به ستاد مرکزی واگذار می‌کنیم.

۲- ما توجه داریم که اس. دی. تندرا/ در موقع انتخاب خود تشویق شده بود با دولت آمریکا محرمانه تماس بگیرد. تردید داریم که بدون علائم از پیش تعیین شده بتوانیم با ایمنی تماس در تهران را شروع کنیم. پیشنهاد می‌شود بر این مبنا به او اطلاع داده شود.

۳- پرونده ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۲۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۸)

۳۱ شهریور ۵۸ اعضا
از: رئیس ۵۱۸۸۱۲
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رم ۷۷۹۸۷

۱- پیشنهاد می‌شود که قرارگاه برای پسر اس. دی. تندرا/ در تهران نامه نفرستند. اگر ت/ فکر می‌کند که در آینده می‌تواند خدمتی برای سیا انجام دهد، چنان که در تلگرام مرجع اشاره شده، می‌تواند در آن موقع از شیوه‌ای مثل آنکه در رم به کار گرفته برای تماس با ما استفاده کند، یا می‌تواند خودش مبادله نامه‌ها را شروع کند. کار روی این قضیه که در ابتدا دلگرم کننده می‌نمود توسط رم صورت گرفت و از این بابت تشکر می‌کنیم.

۲- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری سری

سند شماره (۱۹)

۳ مهر ۵۸ اعضاء
از: رم ۷۸۱۸۱
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. تندرا
عطف به: رئیس ۵۱۸۸۱۲
۱- مطابق تذکرات تلگرام مرجع عمل خواهیم کرد. قرارگاه نظارت خود بر آدرس عملیاتی را همچنان ادامه خواهد داد و در صورتی که اس. دی. تندرا (ت/ا) تماس مکاتبه‌ای را شروع کرد اطلاع خواهیم داد. یک سری تصویر ت/ا که از پاسپورتش برداشته شده همراه با یک تصویر جداگانه که او در اختیار آناکلاریو گذارد با T/M فرستاده شد. این تصاویر به گیرندگان تلگرام ارسال می‌شوند تا هر جا که ت/ا دوباره پیدایش شد به طور مثبت شناسایی شود.
۲- پرونده: ۹۶۲۶۸۳-۲۰۱ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

هوشنگ نهاوندی

نهاوندی که از عناصر اصلی رژیم شاه و گردانندگان حزب رستاخیز بوده است، برابر اسناد موجود در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و بازجویی می‌شود، لیکن موفق به فرار از بازداشتگاه شده و در اطراف تهران و منطقه شمال کشور مخفی می‌گردد. وی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ از طریق کردستان به ترکیه گریخته است. او علیرغم تحصیل در فرانسه و سابقه فرانسویش همیشه در تماس با سفرای آمریکا بوده است.

در مرداد ۱۳۵۸ با وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در فرانسه که سابقه دوستی داشته ملاقات و ضمن ادعای او جگیری مخالفتها بر علیه انقلاب از کردها به عنوان قویترین نیروی نظامی در کشور یاد می‌کند. وی پیش‌بینی می‌کند کودتایی توسط بعضی از امرای سابق ارتش و با پشتیبانی کردها ۶ تا ۸ هفته بعد به وقوع می‌پیوندد و اگر کودتا موفق نشود کمونیستها حاکم خواهند شد. وی اظهار نظر کرده که کردها احتمالاً از طرف اسرائیل و عربستان سعودی حمایت می‌شوند. یک هفته بعد در ملاقات دیگری نهاوندی می‌گوید از کودتای خاصی صحبت نمی‌کرده و یک سناریوی خیالی را مطرح نموده است. وی مجدداً بحث براندازی جمهوری اسلامی ایران را مطرح و زمینه‌های زیر را برای آن برمی‌شمرد:

- ۱- حمایت خارجی کشورهای اسرائیل، عربستان سعودی، اردن و مصر، البته وی اضافه می‌کند نیازی به دخالت خارجی نیست، ولی از طرف دیگر ارتش در پشتیبانی از هر نوع نهضت سیاسی ایران نیاز به چراغ سبز یا عدم چراغ قرمز خارج دارد.
- ۲- کردها و نارضایتی آقای شریعتمداری و هواداران او.
- ۳- هواداران رژیم سابق در ارتش.
- ۴- حمایت آمریکا را جداگانه و در آخر با تأکید مطرح می‌کند.

مأمور آمریکایی سیاست عدم دخالت آمریکا در امور ایران را مطرح می‌کند که ریشه آن به خوبی در اسناد بعدی قابل ملاحظه است. سفارت آمریکا در تهران ضمن ارزیابی اظهارات نهادی وردتلویچی آنها وی را یک سیاستمدار فرصت طلب و یکی از چابلوسترین افرادی که شاه را به طور گسترده در سالهای اخیر کمک کرده و به همین جهت مورد تنفر شدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می‌باشد دانسته است و اضافه کرده است با توجه به این وضع، متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم در اطراف این شخص را بعید می‌بینیم.

در پاسخ به سؤال سفارت آمریکا در پاریس که آیا تماس با نهادی ادامه پیدا کند و سطح تماس چگونه باشد، یادداشتی ملاحظه می‌شود که اظهار نظر شده نظریات نهادی مزخرف است و پیشنهاد شده تماسهای آینده با وی در سطح سرایدار باشد؛ وزارت خارجه آمریکا نیز با توجه به سوابق نهادی نقش فرضی رهبری در ایران آتی را برای او منتفی دانسته و به سفارتخانه‌های خود توصیه می‌کند ضمن تماس با ایرانیهایی که در برابر شما خودنمایی می‌کنند، آنها را تشویق به امری نکنید و برای آمریکا دانستن فعالیتهای آنان حتی اگر آینده سیاسی چندان مثبتی نداشته باشند، ضروری است. نهادی بعداً اطلاع می‌دهد که قصد دارد برای دیدن شاه به مکزیک برود و او را در جریان تحرکات مخالفین قرار دهد، لیکن وزارت خارجه آمریکا در مورد نهادی تصریح می‌کند که تماس گاه به گاه با او را بلا مانع می‌داند، لیکن علاقه‌مند نیست که در صحبت با او پیشقدم باشد.

سند شماره (۱)

تاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۲ - ۲۰ دی ۱۳۵۰
 از: منابع کنترل شده آمریکایی
 یادداشت برای: قسمت سیاسی

یادداشت ۱۱۶

موضوع: شهرت دکتر هوشنگ نهادی رئیس دانشگاه تهران در میان شیرازیها

اطلاعات زیر از یک منبع قابل اعتماد می‌باشد که برای اطلاع و استفاده شما نوشته شده و احتیاجی به ذکر و قید منابع کنترل شده آمریکایی نیست.

تا زمانی که نهادی به عنوان رئیس دانشگاه پهلوی شیراز شروع به استفاده از نیروهای ساواک در کاهش مشکلات دانشجویی نکرده بود، دانشجویان رفتاری معتدل و ملایم داشتند. سرکوبهای مستمر توسط ساواک نه تنها دانشجویان بلکه اولیاء آنها را نیز تندروتر کرده است. (اظهار نظر: گزارشهای قبلی حاکی از آن است که ساواک به نهادی گفته است که آنها وارد محوطه دانشگاه پهلوی خواهند شد). نهادی در دسامبر ۱۹۷۱، در نظر داشت که یک سخنرانی در دانشگاه قدیمی خودش در شیراز انجام دهد. به توسط خیلی از شیرازیها به او تذکر داده شد که برای ایراد سخنرانی تلاش نکند، ولی وی پندهای آنها را نادیده گرفته و به شیراز رفت. در حالی که نهادی صحبت می‌کرد عده‌ای از حضار سالمند آنقدر جنجال به راه انداختند که وی سخنرانی خود را نیمه تمام گذاشت و سالن را ترک کرد.

سری

سند شماره (۲)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۸ - ۴ تیر ۱۳۵۷
یادداشت سیا: ۲۲۸
برای: مشاور امور سیاسی

موضوع: هوشنگ نهاوندی

پرونده‌های سیا حاوی مطالب منفی زیر در رابطه با هوشنگ نهاوندی است که احتمالاً همان شخصی است که رئیس گروه بررسی مسائل ایرانیان می‌باشد.
۲۴ اوت ۱۹۵۴ - دانشجوی رشته حقوق و عضو هیئت مدیره یک سازمان طرفدار مصدق در پاریس تحت عنوان اتحادیه دانشجویان ایرانی فرانسه بود که با حزب توده همکاری داشت.
۱۱ ژانویه ۱۹۵۵ - دانشجوی رشته حقوق که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۴ در یکی از جلسات حزب توده که در منزل دوشیزه‌ای به نام خانلری در پاریس برگزار شده بود شرکت داشت. نهاوندی هوادار مصدق توصیف شده است.
سری

سند شماره (۳)

تاریخ: ۳ مه ۱۹۷۹ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸
از: تام فارل
پرونده نهاوندی

در تاریخ ۲ مه یک رفیق ایرانی، به نام رفیع جاوید، یک مقاطعه‌کار برق، به من گفت که آقای نهاوندی رئیس سابق دانشگاه تهران (و رئیس سابق دفتر شهبانو)، در حال ترک کشور (احتمالاً همان شب) به سوی اروپا می‌باشد و گفت که اعضای یکی از کمیته‌ها به وی کمک می‌کنند تا از کشور خارج شود یا فرار کند.

نام نهاوندی در طول بحثی که بر سر اوضاع فعلی بعد از انقلاب داشتیم پیش آمده بود. جاوید درخواست کرده بود که من در اواخر ژانویه بین نهاوندی و سفیر ترتیب ملاقاتی را بدهم. به علت احساس ناامنی که نهاوندی دارد، ملاقاتی که وی با افراد سفارت می‌خواست داشته باشد، هرگز جامه عمل به خود نپوشید. من خوانده بودم که نهاوندی متهم و توسط دادگاه انقلاب محکوم شده و خیال می‌کردم که اعدام شده است، نتیجتاً داشتم به رفیقش جاوید تسلیت می‌گفتم. جاوید مدعی است که نهاوندی بلافاصله بعد از ۲۲ بهمن توسط افراد کمیته مورد بازجویی قرار گرفت، ولی وی موفق شد که از بازداشتگاه فرار کند و هفته‌های اخیر را در اطراف تهران نزد دوستانش به سر برده است. جاوید معتقد است که آخرین پناهگاه نهاوندی در منطقه دریای خزر بوده است.

به هر تقدیر، نهاوندی از ایران خارج شده است، یا به زودی خارج خواهد شد، اگرچه وی در لیست افراد تحت تعقیب است، ولی کمک افراد ناشناسی در کمیته قرار است که خروج وی را تضمین کند.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در پاریس
رونوشت به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: وزیر اسبق وقوع یک کودتا را در ایران پیش‌بینی می‌کند

۱- (سری - تمام مطلب)

۲- خلاصه مطلب: در ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد) هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی اطلاع داد که احساس انزجار نسبت به رژیم فعلی افزایش یافته و ممکن است بدتر از اینها هم بشود. او از کردها به عنوان یکی از قوی‌ترین نیروهای نظامی در کشور یاد کرد و گفت نیروهای مسلح کشور در حال از هم پاشیدگی است. او پیش‌بینی می‌کند که یک کودتا توسط بعضی از تیمسارهای ارتشی با پشتیبانی کردها ۶ الی ۸ هفته دیگر به وقوع خواهد پیوست. نهاوندی پیش‌بینی می‌کند که اگر این کودتا موفق نشود ایران به سوی آشفتگی بیشتر پیش رفته و سرانجام کمونیستها حاکم خواهند شد. (پایان خلاصه).

۳- در ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد) هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی (در سال ۱۹۶۶) و رئیس اسبق دانشگاه تهران (از سال ۱۹۷۱ تا سرنگونی رژیم شاه) مأمور امور فرهنگی سفارت را که یکی از دوستان شخصی او می‌باشد دید. هوشنگ نهاوندی که می‌دانست نظرات او گزارش خواهند شد، تجزیه و تحلیل مفصلی از موقعیت فعلی ایران را ارائه نمود. او در تشریح مطلب گفت که پس از سرنگونی شاه، در اختفا به سر می‌برده و بعداً در نتیجه تماسهایی که با رهبران اکراد داشته ایران را از طریق کردستان ترک و به ترکیه رفته است.

۴- نهاوندی وضعیت ایران را وخیم و رو به زوال توصیف کرده و گفت دو عامل مهم یعنی عادات معمول ایرانیها و نیز فشار وارده بر مصرف‌کنندگان در سقوط دولت فعلی نقش خواهند داشت و پس از آن آشفتگی و هرج و مرج شدید حاکم خواهد شد. وی گفت حزب توده زرنگ‌تر از آن است که در حال حاضر وارد صحنه شود، ولی اکنون مشغول رخنه به مواضع مهم کشور از جمله ارتش می‌باشد تا فرصت مناسب به دست آید. زمان حاضر برای توده‌ای‌ها مناسب نیست، چرا که فعلاً یک حالت ضد کمونیستی قوی بین مردم رواج دارد. ولی ادامه هرج و مرج سبب مقبول واقع شدن کمونیستها خواهد شد.

۵- نهاوندی کردها را یکی از قوی‌ترین (بنا به گفته او در حدود ۱۰۰۰۰ فرد مسلح دارند) و سازمان‌یافته‌ترین نیروها توصیف کرد که منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتر را در طول مرز ترکیه و عراق تحت کنترل خود دارند. او معتقد است که خلع سلاح کردها واقعاً دشوار و غیرممکن است چون نیروهای مسلح ایران نیز در وضعی بسیار آشفتنه بسر می‌برند. او همچنین در مورد منبع پشتیبانی مالی کردها اظهار نظر کرد (بنا به گفته او احتمالاً از طرف اسرائیل و عربستان سعودی حمایت می‌شوند).

۶- نهاوندی به یک کودتای نظامی ویژه که در دست تهیه می‌باشد اشاره کرد و معتقد بود که این کودتا ۶ الی ۸ هفته دیگر به وقوع خواهد پیوست. این کودتا توسط بعضی از تیمسارهای ارتشی

رهبری خواهد شد و اگر این کودتا موفق شود، مانع از ادامه هرج و مرج و به قدرت رسیدن کمونیستها خواهد شد. نیاوندی گمان می‌کند که کردها از این کودتا پشتیبانی نظامی خواهند کرد، چرا که آنها امیدوارند بعداً استقلال داخلی بیشتری، (به خصوص در زمینه تعلیم و تربیت به زبان کردی، و عدم حضور پلیس و نظامیان غیر کرد در استان) به دست آورند. نیاوندی وجود خطر در این طرح را تصدیق کرد، اما معتقد است که خطر این طرح کمتر از حد تصور خواهد بود. به هر حال او گفت که در حال حاضر هیچ نیروی متشکلی غیر از کردها در ایران وجود ندارد.

۷- نیاوندی خود را یک سلطنت طلب می‌داند که شاه پرست نیست. او گفت فکر می‌کند که مراجعت شاه غیر ممکن است، اما بهترین فرم حکومت در ایران روش پارلمانی شاهنشاهی بریتانیایی می‌باشد. او

تصمیم دارد که در پاریس بماند و امیدوار است که بتواند نیروهای مخالف را در اطراف خود جمع آوری کند. تمام یادداشت مکالماتی توسط پست سیاسی برای بخش خاورمیانه امور ایران ارسال گردید.

چپمن

سری

سند شماره (۵)

تاریخ: ۳ اوت ۱۲، ۷۹، مرداد ۵۸
یادداشت مکالماتی
شرکت کنندگان: هوشنگ نیاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی - مشیر فاطمی رئیس اسبق امور دانشجویان دانشگاه پهلوی شیراز - ریچارد تی آرنلدت وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در پاریس.
مکان: رستوران رکامیه پاریس

موضوع: وزیر اسبق ایران وقوع یک کودتا را در ایران پیش بینی می‌کند

سوابق

من فکر می‌کنم هوشنگ نیاوندی در حدود سال ۱۹۲۶ در رشت متولد شد و هنگامی که من در سال ۱۹۶۶ وارد ایران شدم او وزیر مسکن و شهرسازی بود. پس از آن رئیس دانشگاه پهلوی شیراز شد و سپس در سال ۱۹۷۱ رئیس دانشگاه پر قدرت تهران شد، مقامی که همیشه به عنوان یک مقام هم سطح با مقامی در کابینه تلقی می‌شد. او در این مقام تقریباً تا آخرین لحظات باقی ماند اگرچه در آخرین روزهای حکومت شاه یکی از ۲ نفر کاندیدای، احراز مقام نخست‌وزیری بود که بعداً نصیب جعفر شریف‌امامی شد. (اگر شرایط غیر از این بود او مطمئناً روزی به مقام نخست‌وزیری می‌رسید). نیاوندی تحصیل کرده فرانسه است، او دکترای اقتصاد خود را در اوائل سالهای ۵۰ در پاریس گرفت (شاید سال ۱۹۵۲: عنوان دکترایش: جوزف شامپیتر، تئوریسین سرمایه‌داری). او علیرغم سابقه فرانسویش همیشه در تماس با سفرای آمریکا بوده است که این تماسها را با «آرمین مایر» شروع کرده ولی مخصوصاً با هلمز و سولیوان نیز در تماس بوده است. او دشمن نخست‌وزیر هویدا به شمار می‌آمد، ولی از جانب ملکه به خوبی حمایت می‌شد و به همین دلیل قادر به حفظ مقام خویش بود.

قبلاً، او یکی از تکنوکراتهای تحصیل کرده غرب بود که در اطراف علی منصور (که قبل از هویدا نخست‌وزیر بود و به قتل رسید) جمع شده بودند. اگرچه دشمن هویدا و دوست کسی که بر هویدا غالب گشت، یعنی جمشید آموزگار (دکترای خود را در رشته مهندسی از دانشگاه کورنل آمریکا کسب کرده است) می‌باشد، اما گفته است که تفاوت این دو بسیار فاحش است. آموزگار اگرچه دوست او است و در اساس کار با او در توافق است اما مردی است دارای دید نه چندان وسیع و هویدا اگرچه دشمن او و در تضاد با او بود، ولی مردی بود بلنداندیشه و پرجنبه.

نهادندی خود را کسی می‌داند که در مقابل نفوذ فساد در ایران ایستادگی کرده است. می‌گوید که تنها اتهامی که بر علیه او یافته‌اند این بوده که او مبلغ ۲۵۰ هزار دلار در یکی از شغل‌هایی که احتمالاً دانشگاه پهلوی شیراز می‌باشد، بدون هیچ دلیلی دریافت کرده است. او می‌گوید که این پول هنگامی که او و ملکه ترتیب برگزاری کنفرانس مشهور اسپن را می‌دادند برای او و ملکه در آمریکا خرج شده بود. او می‌گوید که پس‌اندازش در اینجا تقریباً ناکافی برای مخارج او و زنش می‌باشد و آنچنان که او می‌گوید در تضاد صریح با دیگر همکاران سابقش که حساب بانکی آنها در اروپا به طور افسانه‌ای است می‌باشد.

انگلیسیش بد نیست، ولی ترجیح می‌دهد در مکالماتش از زبان فرانسه استفاده کند. او فرانسه را واقعاً مانند زبان مادری تکلم می‌کند. مشیر فاطمی زمانی که نهادندی پست ریاست دانشگاه پهلوی شیراز را داشت رئیس امور دانشجویان بود. اما مهمتر اینکه او مسئول امنیتی و احتمالاً رابط دانشگاه با ساواک بوده است. پس از آن نیز وی در زمینه تجهیزات امنیتی از جمله سیستم‌های هشداردهنده و غیره، در آمریکا، ایران و اروپا برای خود شغل پردرآمدی دست و پا کرده است.

مکالمه

او اخیراً بعد از ۶ ماه مخفی بودن به پاریس رسیده است. مدتی از این زمان را در تهران مخفی بوده و سپس با ریشی تمام عیار به محدوده کردستان سفر کرده بود. بعد از آن او برای مدتی در کردستان ماند و سپس آنجا را ترک کرد و با پای پیاده و با پشت سر گذاشتن حدود ۵۰۰ متر از مرز عبور کرد، ولی بقیه راه را عمدتاً با وسیله نقلیه سفر کرده بود. او به اندازه کافی موجودی دارد که در پاریس زندگی کند و با زنش در یک آپارتمان کوچک به سر می‌برند. خوشبختانه تمام بچه‌هایش حقوق‌بگیرند و پول در می‌آورند، بنابراین او نیاز چندانی به پول ندارد. او در نظر دارد که در پاریس بماند و «کار کند» که تصور می‌کنم این کار وقف کمک به اعاده عقل سلیم در ایران باشد. او گفت که یک سلطنت طلب است و نه یک شاه طلب و توضیح داد که به عقیده او بازگشت شاه به ایران غیرممکن است. اما تصور می‌کند که دولت ایده آل برای ایران همانند حکومت سلطنتی پارلمانی در بریتانیا می‌باشد. او گفت در مورد سرنگونی کاملاً اطمینان دارد که به اصطلاح دولت کنونی ایران در زمانی بین شش تا هشت هفته بعد از ملاقات کنونی مان سقوط خواهد کرد.

او گفت فشار مصرف کننده و سنتهای معمولی ایرانیان (خوشگذرانها) عامل مهمی در سرنگونی دولتی خواهد بود که ظاهراً در نظر دارد تمام لذایذ مادی را از بین ببرد. او گفت سرنگونی رژیم خمینی به بحرانهایی می‌انجامد که نتیجه‌اش در درازمدت تنها تسلط شورویها بر این کشور خواهد بود، ولی در

ابتدا ظاهر امر چنین نشان نخواهد داد. او فکر می‌کند که اگر کودتایی که جزئیات طرح آن در زیر آمده است اجرا نشود، سرنگونی رژیم خلائی را به وجود می‌آورد که تنها حزب توده است که در آن سازمان یافته و متشکل باقیمانده است. اما او گفت که در حال حاضر حزب توده خیلی زیرک‌تر و باهوش‌تر از آن است که علناً وارد صحنه شود. او گفت آنها محتاطانه در بخشهای مهم منجمله ارتش لانه می‌کنند و منتظر فرصت مناسب هستند. او احساس می‌کند اکنون زمان مناسبی برای روی کار آمدن کمونیستها یا توده‌ایها و یا روسها نمی‌باشد، چرا که اکنون نارضایتی عمومی با یک جنبه نسبتاً شدید ضد کمونیستی همراه است. او خاطر نشان ساخت که دوران پس از سرنگونی احتمالاً توأم با آشوبهای بیشتری خواهد بود که حتی امکان دارد در زمستان بدتر نیز بشود که به دنبال آن عناصر مارکسیستی جلب نظر خواهند کرد. او معتقد است که حزب توده تا یکی دو سال آینده حرکت نهایی را از خود نشان نخواهد داد.

کودتایی که او به آن اشاره می‌کرد به قسمتی از مشاهدات او در کردستان مربوط می‌شود. او می‌گوید که کردها به شدت مسلح بوده و رقم ۱۰۰۰۰ مرد مسلح را به کار می‌برد. او می‌گوید هر نوع اسلحه قابل تصویری در بازار کردستان آزادانه در معرض خرید و فروش است. او می‌گوید که کردها کنترل منطقه‌ای به طول ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتر را در داخل خاک ایران و در طول مرز ترکیه و عراق در دست دارند. او چنین قضاوت کرد که واقعاً غیرممکن خواهد بود که آنها را خلع سلاح کرد، مخصوصاً با آن از کارافتادگی که ارتش در تهران دارد. او احساس می‌کند که ده هزار کرد در کردستان به علاوه بی‌نظمی حاکم در تهران به علاوه یک رهبری مناسب برای کردها شاید بتواند دولت را سرنگون کند. او گفت جای تردیدی نیست که مقدار قابل توجهی پول خارجی برای تأمین اسلحه‌های کردها به کردستان سرازیر شده است. او گمان نمی‌کند که منبع این پولها آمریکا باشد؛ بلکه برعکس فکر می‌کند که احتمالاً این گونه نیست. اما تشخیص آن مشکل است و معلوم نیست که این پول از کجا می‌آید و آیا یک منبع اولیه دارد یا موقت. او حدس می‌زند که اسرائیل، عراق یا عربستان سعودی احتمالاً منابع مورد نظر هستند، اما احتمالات دیگر را هم کتمان نکرد. واضح بود که از فرار او از طریق ترکیه به وسیله ترکه‌ها ممانعت به عمل نیامده بود. به هر صورت او به کودتای مخصوص نظامی اشاره می‌کند که در حال تکوین و زمان به مرحله اجرا درآمدن آن تعیین شده است که به عقیده او ۶ هفته دیگر خواهد بود. اگر این کودتا موفق شود، که به نظر او احتمال آن زیاد است، جایگزین سناریوی فوق‌الذکر خواهد شد. این کودتا قرار است توسط تیمسارهای خاصی به اجرا درآید. از قرار معلوم در طول مسافرتش به کردستان ملاقاتهایی با افراد بلندپایه کرد و همچنین با چند تن از هم‌ردیفان تهرانی برجسته پناهنده‌اش داشته است. او گفت حالت پناهندگان انتقام‌جویانه بود و او در این ملاقاتها خواسته بود که در صورت انجام این کودتای موفق، کشتار به حداقل برسد، زیرا کشتار بیشتر سبب افزایش تضاد خواهد شد. کردهایی که او با آنها صحبت کرده و ظاهراً با همه رهبران آنها نیز تبادل نظر کرده، گویا حالتی آشتی‌پذیر و مسالمت‌جو داشته‌اند.

وی تحت تأثیر برنامه‌های توأم با فروتنی آنها قرار گرفته است. او گفت که کردها در ازای کمک به آزاد کردن ایران از تعدی خمینی تا حد مشخصی خودمختاری منطقه‌ای می‌خواهند، اما به طرز عجیبی در دیگر خواسته‌هایشان فروتن هستند.

هسته مرکزی خواسته آنها زبان است: آنها می‌خواهند تمام مراحل آموزش و پرورش به زبان کردی صورت گیرد و زبان فارسی به عنوان زبان دوم در سطح دبیرستان تدریس شود. آنها نسبت به اینکه استاندار از تهران فرستاده شود اعتراضی نداشته و بر نصب متصدیان کردی الاصل نیز اصراری ندارند.

وی در جواب سئوالی تأیید کرد که مشخصاً احساسات ملی‌گرایانه کردها را تنها نیروی متشکل‌کننده‌ای می‌داند که می‌تواند اوضاع را در تهران روبه‌راه کند. او می‌داند که این یک ریسک خطرناک است اما افزود که به این نتیجه رسیده که این کم‌خطرترین کار قابل تصور است. او گفت در هر صورت آن طور که او می‌داند هیچ گونه نیروی سازمان داده شده دیگری که بتوان روی آن حساب کرد وجود ندارد. از او در مورد اینکه آیا وضع مناطق مرزی دیگر هم به این صورت هستند سؤال شد وی گفت که در این مورد خبری ندارد، اما تصور می‌کند که در این نقاط نیز حتماً همین وضع حاکم است. در نگاهی به وقایع گذشته، او گفت که احساس می‌کند که آمریکاییها اشتباه کرده‌اند، اما عوامل دیگر هم دخیل بوده‌اند. او مباحثات خصوصی زیاد و عمیقی با سفیران (هلمز و سولیوان) داشته بود. هر دو به او گزارش داده بودند که آنها قادر نبوده‌اند پیامهای مهم او را از حلقه‌ای که در اطراف شاه ایجاد شده گذرانیده و به او برسانند. وی از این موضوع تعجب کرده و چنین تصور می‌کرد که شاه می‌توانسته قابل دسترسی باشد. او ماجرای آخرین کوششهای شاه برای حفظ موقعیت خود را گفت. در زمان بررسی دولت شریف‌امامی او نامزد دیگری برای احراز پست نخست‌وزیری بود. شاه از او و شریف‌امامی خواسته بود که برنامه‌هایشان را تقدیم کنند، ولی برنامه‌های او رد شد، چرا که شاه بعضی از سخت‌گیرهای او را قابل قبول نمی‌دانست. او در بین برنامه‌هایش خواسته بود که یک خواهر و دو برادر شاه فوراً ایران را ترک کنند و ۲ نفر از اعضای جبهه ملی را در کابینه پیشنهادی خود جای داده بود که هر دو آنها هم‌اکنون در کابینه بازرگان فعال هستند که یکی از آنها وزیر دادگستری می‌باشد. او احساس می‌کند که شاه به طور خاصی مانع از پافشاری او شد که تمام اعضای کابینه‌اش باید مرکب از افرادی «غیرقابل» سرزنش باشند. از قرار معلوم او احساس می‌کند که چیزی در گفته‌هایش مانع پذیرفتن شاه شد و او را به بحث فرعی که چه کسی قابل سرزنش و چه کسی قابل سرزنش نیست کشاند. بدون اینکه بخواهد، طفره برود که چه رقابتها بر سر چه مسائلی بوده، گفت که خواسته‌هایش به طرز قابل توجهی از آنچه که شاه یک ماه بعد به دولت بختیار واگذار کرد خاشعانه‌تر بوده است.

در مورد تهران او چندین ماجرا را تعریف کرد. اما در مجموع او گفت که نوشته‌های جین لارتکی در روزنامه پاری‌ماچ ۲ هفته قبل (به پیوست ارسال می‌شود) بهترین گزارشی است که می‌توانسته نوشته شده باشد و آن مقاله جزئیات و بررسی کامل اوضاع را در بر دارد.

واضح است که وی امیدوار می‌باشد که یک هسته مخالف را در پاریس به دور خودش جمع کند. در جواب اینکه در مورد گذراندن یک دوره در دانشگاه آمریکا چه احساسی دارد، او گفت، اگرچه در نظر ندارد خانه‌ای را در نوفل‌لوشاتو اجاره کند، اما بهتر است به کارهایی که در پاریس لازم است انجام گیرد سر و سامان دهد.

آرندت

سری

سند شماره (۶)

۱۰ اوت ۱۹۷۹-۱۹ مرداد ۱۳۵۸

سری

یادداشت مکالماتی

۱- شرکت‌کنندگان: هوشنگ نهاوندی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی ایران، ریچارد تی آرندت، وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در پاریس

۲- تاریخ و محل ملاقات: ۱۰ اوت ۱۹۷۹، کافه پلاس دوترن

۳- موضوع: فعالیت مهاجرین سیاسی ایرانی

هوشنگ نهاوندی از وابسته فرهنگی خواست تا با او به طور خصوصی ملاقات نماید. او گفت در ملاقات قبلی به خاطر حضور نفر سوم تحت فشار بود. او می‌خواست مسائلی را روشن کرده و وارد جزئیاتش گردد.

برخورد ما در اولین ملاقات من را به یک سری تصورات غلط واداشت که ما فوراً مسئله را بیان کردیم. او از وقوع یک کودتای خاص در آینده نزدیک خبر نمی‌داد. با این حال او مطمئن است هنگامی که افکار عمومی از نتایج فاجعه‌انگیز هرج و مرج موجود آگاه گردد، فشارهای داخلی در آینده نزدیک موجب پدیدار گشتن تغییر کلی در ایران خواهد شد. اگر این جریان رهبری و هدایت نشود، ایران حتماً به سوی چپ خواهد رفت. کودتایی که او ذکر کرد یک سناریوی خیالی بوده است. او گفت که اوضاع ایران چنان آشفته است که یک نیروی سازمان یافته خیلی کوچک می‌تواند اوضاع را دوباره تحت کنترل بگیرد و همین امر خود خطر بزرگی محسوب می‌شود. چون افراد جاه‌طلب بسیاری در قسمتهای مختلف دنیا هستند که قادرند اقداماتی را انجام دهند. او از خواهر شاه یعنی اشرف در این زمینه بیش از همه می‌ترسد، ولی بنابه گفته او افراد دیگری نیز هستند مسئله موجود از نظر او مسئله نحوه هدایت این انرژی به داخل یک کانال خاص و متحد ساختن عناصر سیاسی و نظامی است. در همان حال باید واقعیتهایی نیز در نظر گرفته شود تا حکومت جدید برای مردم قابل پذیرش باشد. با در نظر گرفتن وضعیت داخلی، در حال حاضر او هیچ راهی برای داخل کردن شاه نمی‌بیند. مسئله مهم دیگر این است که دولتی که بخواهد در ایران روی کار آید باید شامل افرادی فاقد سوابق و عملکرد مورد تقبیح باشد. اکثر کاندیداهای مهم آنقدر در گذشته سازشکار بودند که نمی‌توان گفت دارای حداقل صداقت مورد نیاز برای عضویت در دولت می‌باشند. او از بختیار دلخور شده بود، ولی او را به عنوان یک مرد با جرأت و با ایمان تحسین کرد که از صداقت ناشی از گذشته فاقد قدرتش برخوردار بود، ولی از طرف دیگر همیشه از سادگی بختیار که از بی تجربگی ناشی می‌شود می‌ترسید. بدتر از همه کنفرانس مطبوعاتی او بود که در هفته گذشته انجام شد و چیزهای تأسفانگیزی را درباره او آشکار کرد. او گفت که کنفرانس از نظر حفظ وجهه و شهرت فردی بطور بدی اداره شده بود.

به نظر او تلاش بختیار برای اثبات این ادعا که در زمان تبعید با دوگل آشنا بود اشتباهی بسیار وحشتناک می‌باشد. موضوع جدی تر اینکه کنفرانس مطبوعاتی، بی‌پولی بختیار را دقیقاً مشخص کرد و نشان داد که او برای پشتیبانی خود مجبور به کمک خواستن از افراد ناشایستی شده است. او گفت که اطراف بختیار از آدمهای نادرستی پر شده است. او به عنوان مثال جواد دولو علامیر رابط قبلی لوموند

را ذکر کرد که رابطه‌هایش با (سازمان آزادیبخش فلسطین) و واقعیت‌های تلخ دیگر زندگیش بسیار است و نشان می‌دهد که انتخاب او به عنوان وابسته مطبوعاتی بختیار کار اشتباهی بوده است. او از اینکه امیر متقی را در اردوی بختیار دیده شدیداً نگران می‌باشد. متقی سالها رئیس چاپلوسها و حتی دلال محبت برای اسدالله علم بود. اشخاصی از این قبیل باعث شکست بختیار قبل از شروع بازی می‌شوند.

او گفت در جهت هماهنگی کار مهاجرانی که جرأت فعالیت‌های آشکار داشته‌اند، یک کمیته به نام آزادی ملی جدیداً شروع به کار خواهد کرد. به دنبال آن اولین مقاله خود او نیز با مطالب دیگر در مجله فیگاروی این هفته چاپ خواهد شد. او گفت گروه‌های ایرانی مهمی در بروکسل، مونیخ، نیویورک، واشنگتن و به علاوه در پاریس وجود دارند و همچنین یادآور شد که حدود ۴۰ هزار ایرانی در تبعید در محله کان - نیس زندگی می‌کنند.

او وضع داخلی ایران را شکننده توصیف کرد و یادآور شد که وضع موجود حداقل پنج کشور (و شاید کشورهای دیگری مثل فرانسه) را که حمایتشان از بختیار عامل مهمی به حساب می‌آید، دچار وسوسه‌های خطرناکی کرده است. اسرائیل، عربستان سعودی، اردن و مصر به تنهایی و یا در رابطه با کشورهای دیگر منافع خود را در به ثبات رساندن ایران می‌بینند. برنامه عراق خیلی پیچیده‌تر از آن است که بتوان در حال حاضر آن را پیش‌بینی کرد، ولی منافع آن نیز بسیار آشکار و عظیم است. او گفت که عراق اشتباه بزرگی مرتکب خواهد شد اگر سعی بکند که به خوزستان حمله کند، زیرا حمله به شاه‌رگ حیاتی ایران بیش از هر عامل دیگر باعث ایجاد وحدت بین دولت فعلی و ملت و انسجام ارتش خواهد شد. او فکر می‌کند که در حال حاضر کمک‌های خارجی به سوی کردستان سرازیر شده، ولی نمی‌داند که منبع آن کجاست. او معتقد است برای اینکه عناصر جدی بتوانند کنترل کشور را به دست گیرند نیازی به دخالت خارجی نخواهد بود، ولی از طرف دیگر قبل از اینکه ارتش در پشتیبانی از هر نوع نهضت سیاسی ایران وارد عمل شود لازم است حداقل توافقی که منجر به دادن چراغ سبز و یا ندادن چراغ قرمز شود انجام گیرد.

او کمی بیشتر درباره قدرت کردها شرح داد. آنها به اعماق کوه‌ها رفته‌اند و بیرون آوردن آنها از آنجا تقریباً محال است. او از میزان آمادگی و مقدار مهمات موجود در اختیار آنها تعجب کرده بود. او غارهایی در کوه دیده بود که برای فرود و پنهان شدن سه هلیکوپتر در آن واحد تعبیه شده بودند و همچنین متذکر شد که توپ‌های سبک در همه جا وجود دارد. او هم چنین معتقد بود که تقاضای رهبران کردها معقول و توأم با میانه‌روی است. بعد از گفتگوی قبلی او از ناآرامی‌های قابل توجهی در آذربایجان خبر می‌داد. نارضایتی آیت‌الله شریعتمداری نتایج مهمی برای آذربایجان به دنبال خواهد داشت، چون در آنجا او نفوذ بسیار زیادی دارد. تاریخ ایران در صدساله اخیر آذربایجان را ناحیه‌ای از کشور نشان داده که حرکت‌های سیاسی خیلی مهم از آنجا آغاز شده است.

کلید اصلی ارتش است. او گفت که ارتش برای عمل حاضر است، ولی باید بداند که چه موقع و چطور و در چه جهت عمل کند. او آرزو داشت که ارتش فرصت بیشتری برای مهیا کردن خود پیدا می‌کرد، ولی در زمان مناسب نیز می‌توان این کار را انجام داد و این موقع مناسب اکنون فرا رسیده است. او معتقد بود که مهره اصلی ژنرال اویسی است که الان در نیویورک ساکن است. ژنرال آزموده که

یک شخصیت خیلی پیرتر و مورد احترام در سلسله مراتب ارتش ایران است، هفته پیش حمایت خود را از اویسی اعلام کرد. او مطمئن است که ساختار سلسله مراتب ارتش ایران قدرت عظیم آن است و عامل اصلی در وحدت عمل آن بعد از تعیین اهداف. او معتقد است که خطر منحرف ساختن اعضاء مختلف ارتش به وسیله دولت فعلی جدی است، ولی هنوز گسترده نشده است که بتواند به عنوان یک عامل منفی تلقی گردد. او پادگانهای متعددی را متذکر شد که هنوز دست نخورده باقی مانده‌اند مانند پادگان لویزان که برای گارد سلطنتی تدارک دیده شده بود. این پایگاه آنقدر قوی است که رژیم موجود جرأت نکرده است که حتی به آن دست بزند و وفاداریش به ارتش قدیم خیلی شدید است. وی گفت از آنجایی که زنهای و بچه‌های آنها در آنجا زندگی می‌کنند، دفاع از آن در موقع حمله خیلی سخت خواهد بود. او گفت که وضع ارتباطی در دواير ارتشی درون و بیرون ایران عالی بوده و شخصیت‌های مختلف ارتشی به راحتی و با پاسپورت‌های متعدد از کشور خارج و یا به آن داخل می‌شوند. او گفت که یک هفته پیش یک گفتگوی طولانی با دو تن از نمایندگان اویسی داشته است و هنگامی که ژنرال آزموده پشتیبانی خود را از اویسی اعلام کرد او نیز در جلسه حضور داشته است. من از او پرسیدم که این افراد ارتشی چه کسانی هستند. او یادآور شد که آنها به او گفته‌اند که به خاطر تجارب تلخ گذشته نمی‌خواهند نامشان فاش شود. آنها معتقدند که علت شکست کودتای ۵ سال قبل لیبی نیز این بود که کودتاچیان به سفارت آمریکا اعتماد کرده بودند و سفارت نیز به شخص قذافی. وقتی بحث شد که منبع این خبر فقط ساواک بوده، گفت برای من صحیح یا غلط بودن آن فرقی نمی‌کند، ولی ارتشیان این موضوع را باور دارند و لذا احتیاط زیادی به خرج می‌دهند. او در درازمدت بیش از همه به اویسی اعتبار می‌دهد و در مجموع فکر می‌کند که اویسی مناسبترین شخص در زمان فعلی می‌باشد. شهرت او به عنوان «جلاد جمعه» جنبه‌های منفی و مثبتی داشته است. یعنی در ایران خیلیها از او می‌ترسند. برای این منظور داستانی بدین مضمون تعریف کرد که: در موقع مخفی بودنش در تهران (در خانه یکی از رؤسای کمیته انقلاب!) یک شایعه پخش شده بود که اویسی به سوی تهران حرکت کرده است و این باعث ایجاد اضطراب در میزبانان شده بود و صاحبخانه می‌گفت «اگر اویسی بیاید ما باید فرار کنیم، چون او همه را سر خواهد برد». این سابقه بی‌رحمی که خود نوعی رحمت است، عامل مثبتی در جریان کثیف برقراری نظم خواهد بود. او گفت که دواير ارتشی اعتقاد پیدا کرده‌اند که تهران غنی‌مندی است که به آسانی به چنگ خواهد آمد. او معتقد است که با پشتیبانی کردها، آنها می‌توانند با کمک ۲۰۰۰ نفر تهران را بگیرند و احتمالاً میزان تلفات نیز سنگین نخواهد بود. او سپس به ارائه پیغامی پرداخت که می‌خواست من پیک آن باشم. در سالهای آخر اقامت در تهران، او بیشتر از یک بار و به طور محرمانه با هلمز و سولیوان مذاکره داشته و به آنها اعتماد کرده است. او گفت که وی با آن دو طوری رفتار کرده است که با هیچ سفیر خارجی دیگری این طور رفتار نکرده است، زیرا آینده ایران خواه ناخواه تحت تأثیر عملیات آمریکا خواهد بود. به همان ترتیب و با همان روحیه او با من به عنوان یک کانال ارتباطی با واشنگتن سخن می‌گفت. کشور او به طور وحشتناکی محتاج کمک است و فقط آمریکا است که می‌تواند به آن کمک کند. علیرغم مخالفت من و اشاره‌ام به سیاست‌های جدید «عدم دخالت» او بر موضع خود پافشاری نمود.

مسئله مهیا کردن نیرو نیست، بلکه ایجاد ائتلاف در میان نیروهای ضروری شامل ارتش و طبقه

سیاسی و احتمالاً کردها می‌باشد. در مرحله دوم فراهم آوردن نوعی رهبری و هدایت برای سایر مردم است که منافعشان در تغییر وضعیت ایران بر همگان آشکار است. او گفت ارتش حرکت نخواهد کرد مگر اینکه اطمینان به چراغ سبز و یا حداقل اطمینان به نبودن چراغ قرمز داشته باشد. خطر موفق نشدن خیلی عظیم است. او گفت که کنترل باید دوباره به دست گرفته شود، به طوری که ارتقاء تولید سریع نفت به اندازه ۲ میلیون بشکه در روز انجام گیرد تا کشور بتواند سرمایه‌ها را جمع‌آوری کرده و دوباره اعتماد نهادهای سرمایه‌گذار ایران را جلب نماید تا چرخهای اقتصاد به حرکت درآید. یک بیانیۀ، هرچند خصوصی، مبنی بر پشتیبانی آمریکا یا حداقل دخالت نکردن آن، به اعضای ایرانی اجازه خواهد داد که به هم ببینند.

نقش او نیز انجام حداکثر تلاش ممکن در این مسیر می‌باشد. او اصلاً خیال رهبر شدن ندارد، ولی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. او گفت که می‌تواند پیروانش یعنی همانهایی را که از ۱۹۷۲ ساخته است با خود بیاورد. او یک تیم فکری مرکب از روشنفکران و چهره‌های سیاسی تشکیل داده بود که درباره مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور تحقیق کند. او گفت قادر است که مرکز ثقل رهبری ایران را در هر زمان که لازم باشد فراهم آورد. سؤال او این است که آیا بهتر نیست که در آینده نزدیک یک ملاقات سری بین مهره‌های اصلی مهاجر ایرانی و چند چهره از واشنگتن که بتوانند با اختیار تام حرف بزنند، انجام گیرد. برای یک چنین گردهمایی مهمی خوب است که یک یا چند تن از رؤسای کردها با هم دعوت شوند. او از سادگی و بی‌تجربگی من در این زمینه سخن گفت و اظهار داشت که خودش ساده‌تر از همه است.

او نمی‌داند در حال حاضر چطور این کار را شروع کند، ولی اعتقاد دارد که مذاکره با آمریکا عامل خیلی حیاتی خواهد بود و بدون آن هیچ چیز نخواهد توانست مانع از گسترش هرج و مرج و در نهایت سوق یافتن ایران به اردوی شوروی، شود.

سند شماره (۷)

۱۳ اوت ۷۹-۲۲ مرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
سری - تهران ۸۹۹۰

سری
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: کودتا در ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- نظرات نهادی درباره وضعیت کردستان ایران در طول مرزهای ترکیه و عراق بطور کلی با اطلاعات محدود ما یکسان به نظر می‌رسد.

بیشتر افرادی که اخیراً از منطقه دیدن کرده‌اند به ما گفته‌اند که در حال حاضر کردها کنترل کامل مرزها را در اختیار گرفته‌اند. با وجود این ما مطمئن نیستیم که آنها، همان طوری که نهادی می‌گوید، از سازماندهی خوبی برخوردار باشند. در حال حاضر چند گروه کرد در منطقه مشغول فعالیت هستند ولی به نظر نمی‌رسد که آنها فعالیت‌های هماهنگ شده مؤثری در منطقه داشته باشند.

۳- هیچ مدرکی نیز دال بر تأیید ادعای نهادی در مورد انجام یک کودتای قریب‌الوقوع به وسیله

تیمسارهای ناراضی ارتش، در ۶ تا ۸ هفته آینده، در دست نیست. این حقیقت مسلم است که هنوز تیمسارهایی هستند که در پستهای مهم ارتش باقی مانده‌اند و ممکن است این کودتا را رهبری کنند. علاوه بر این بی‌نظمی موجود در نیروهای مسلح چنان است که نمی‌توان حتی تصور کرد که کودتای سرهنگها بتواند در آینده نزدیکی شانس موفقیت داشته باشد.

۴- به هر حال اشاره هوشنگ نهاوندی به احتمال دخالت کردها در فعالیتهای نظامی بعید نمی‌باشد چرا که از سالها پیش کردها در ارتش ایران شاغل پستهای نظامی مختلف بوده‌اند. شایعات چنین نقل می‌کند که افراد نظامی کرد و غیر کرد با فرار از ارتش در حال تشکیل یک نیروی نظامی مخالف هستند که قصد دارد در آینده دولت مرکزی را سرنگون کند. مهره اصلی این برنامه احتمالاً عزیرالله پالیزبان ذکر شده است که گفته می‌شود مسئول سازماندهی ارتش مذکور در کردستان است (ما هیچ گونه مدرک عینی جهت اثبات وجود این نیرو یا اقامت پالیزبان در کردستان نداریم).

۵- آقای نهاوندی، به هرگونه‌ای خود را در حال حاضر معرفی کند، یک سیاستمدار فرصت طلب است و یکی از چاپلوس‌ترین افرادی بوده که شاه را به طور گسترده در سالهای اخیر کمک کرده بود و به همین جهت مورد تنفر شدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می‌باشد. ما با توجه به این وضع متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم کنونی در اطراف این شخص را بعید می‌بینیم.

لینکن سری

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۴ اوت ۷۹-۲۳ مرداد ۵۸

سری

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا در پاریس

رونوشت سفارت آمریکا در تهران ۴۳۴۴

سری، پاریس ۲۵۸۰۵

مرجع: الف: تهران ۸۹۹۰، ب: پاریس ۲۴۷۳۹

موضوع: مطالب بیشتر از نهاوندی درباره فعالیت مهاجرین ایرانی

۱- (تمامی متن سری است)

۲- با توجه به شهرتی که در مرجع الف به نهاوندی نسبت داده شده، اظهارنظرهای اضافی زیر را که او روز ۱۰ اوت (۱۹ مرداد) به وابسته فرهنگی ابراز کرده است، گزارش می‌دهیم. چون هیچ کس دیگر حضور نداشت او توانست صریح باشد در حالی که قبلاً با ایماء و اشاره صحبت می‌کرد. متن کامل به وسیله پیک سیاسی فرستاده شده است.

۳- نهاوندی بعضی از جنبه‌های اظهارنظرهای خود را در جریان ملاقات قبلی (مرجع ب) و به ویژه دو نکته روشن کرد. اول اینکه او خود را به عنوان چهره مرکزی تلقی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد تا عناصر میهن پرست را بدون شاه با یکدیگر مؤتلف کند تا کنترل ایران را در دست بگیرند و اقتصاد کشور را بازسازی کنند. دوم اینکه او هیچ گونه اطلاعی درباره نقشه برای کودتا در آینده نزدیک ندارد بلکه یک سناریو فرضی را توصیف کرده است.

۴- نهاوندی از کنفرانس مطبوعاتی بختیار دلسرد بود. نهاوندی در حالی که از تحسین‌کنندگان بختیار است درباره اطرافیان بختیار نظریات انتقادی دارد. وی گفت که یک «کمیته آزادیبخش ملی»

احتمالاً شامل بختیار به زودی در پاریس تشکیل خواهد شد و خود او مقاله‌ای در روزنامه مهم فیگارو چاپ پاریس در هفته جاری منتشر خواهد کرد.

۵- کلید کودتا نظامیان هستند و مرد کلیدی ژنرال اویسی است که اکنون در نیویورک به سر می‌برد. هفته گذشته ژنرال ارشد آزموده در پاریس اویسی را مورد تفقد قرار داد. وی گفت اویسی با نظامیان داخل ایران ارتباطات عالی دارد.

۶- نهاوندی از وابسته فرهنگی خواست تا این پیام را بفرستد. او گفت مسئله فراهم کردن عضله (نیروی نظامی لازم - مترجم) نیست، بلکه ایجاد ائتلاف در میان نیروهای لازم است که نظامیان و قشر سیاسی و احتمالاً کردها را در بر می‌گیرد. جنبه دوم فراهم کردن یک نوع رهبری یا کنترل بر سایر کشورهای است که منافع آنها در تغییر اوضاع ایران شناخته شده است و ممکن است به مداخله ترغیب شوند. نظامیان ایران بدون نوعی چراغ سبز یا لااقل غیبت مطمئن چراغ قرمز اقدام نخواهند کرد. اعلامیه‌ای هرچند خصوصی مبنی بر پشتیبانی ایالات متحده یا لااقل عدم مداخله آن به عناصر ایرانی اجازه خواهد داد تا خود را متشکل کنند. سؤال او این است که آیا یک ملاقات خصوصی در پاریس یا نیویورک در آینده نزدیک بین عناصر کلیدی مهاجرین ایرانی و بعضی از چهره‌های آمریکایی که بتوانند با برخورداری از اختیارات صحبت کنند می‌توان ترتیب داد یا خیر. البته در چنین ملاقاتی یک یا چند تن از سران کرد نیز باید حاضر باشند.

۷- سؤال - با توجه به، مرجع الف پاراگراف ۵ اظهار نظر، آیا وزارت مایل است که این تماس حفظ شود؟ و اگر پاسخ مثبت است در چه سطحی؟
توضیح مترجم: نوشته زیر به صورت یک یادداشت دستنویس ضمیمه سند بوده است.
تا رسیدن نظر وزارت به جریان نیافتد.

این ماجرای «تنها چیزی که لازم داریم یک علامت است» ممکن است در پاریس به حرکت درآید، ولی همه وقت در اینجا درباره آن می‌شنویم. در این مورد من فکر می‌کنم که نشان دهنده مزخرف بودن چیزهایی است که نهاوندی القا کرده است که دوستان او می‌توانند انجام دهند. حتی اگر ارتباطات اویسی با نظامیان در ایران به همان اندازه که ادعا شده خوب باشد (که من در این باره شک دارم) با توجه به شکل کنونی نیروهای مسلح ایران چه فایده‌ای از آن به او خواهد رسید. من پیشنهاد می‌کنم تماسهای آینده در سطح سرایدار باشد.

سند شماره (۹)

۱۴ اوت ۱۹۷۹ - ۲۳ مرداد ۵۸

رونوشت جهت ویکتور تامست

غیر رسمی - اداری

سری

سفارت آمریکا - تهران

ریچارد. تی. آرنلد

وابسته فرهنگی - سفارت آمریکا، پاریس، فرانسه

آقای آرنلد عزیز:

از شما برای فرستادن یک گزارش کامل از گفتگویتان با هوشنگ نهاوندی متشکرم. نقطه نظرهای او نسبتاً در همان خط منوچهر گنجی است که همان طور که می‌دانید یکی از اعضای همان گروه

لیبرالی بود که در اطراف ملکه (فرح) بودند. در زمانی که من در تهران بودم نهایندی در حوزه دانشگاهی خودش محبوبیت چندانی نداشت. او خودش را اولین کاندید برای مقام نخست‌وزیری می‌دانست، اما تعداد کمی از ایرانیها چه در داخل و چه در خارج دستگاه حکومتی او را شایسته چنین مقامی می‌دانستند. بنابراین مثل دیگر مهاجرین قدرتش برای داشتن یک نقش فرضی رهبری در ایران آتی، به نظر نسبتاً محدود می‌رسد.

معهدا امیدواریم تماس شما با ما قطع نشود و در عین حال ایرانیهایی را که در برابر شما به خودنمایی می‌پردازند، تشویق به امری نکنید، برای ما دانستن این مطلب که آنها درصدد انجام چه کاری هستند بسیار ضروری است. حتی اگر آینده سیاسی آنها چندان مثبت نباشد. شاید بخواهید این افکار را با وارن زیمرمان در میان بگذارید. من یک رونوشت از این مطلب را همراه گزارش شما به تهران می‌فرستم.

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹-۲۶ شهریور ۵۸
از: سفارت آمریکا در پاریس
رونوشت برای سفارت آمریکا تهران ۴۳۸۴
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه پاریس ۲۸۹۷۹
موضوع: وزیر سابق ایران که در پاریس در تبعید به سر می‌برد برای گفتگو با شاه عازم مکزیکو خواهد شد

۱- تمامی متن سری است.

۲- هوشنگ نهایندی وزیر سابق مسکن و شهرسازی ایران که در محافل مهاجرین ایرانی فعالیت دارد به وابسته فرهنگی سفارت اطلاع داد که روز دوشنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) پاریس را به قصد مکزیک ترک می‌کند تا با شاه ملاقات نماید. مأموریت او عبارت است از اطلاع دادن به شاه درباره حکومت در تبعید که تازه جوانه زده است. این یک ائتلاف سیاسی است که به طور مداوم به هم نزدیکتر می‌شود و در اطراف بختیار، جمشید آموزگار و خود او، به اضافه دیگرانی که هنوز نمی‌خواهند هویتشان فاش شود دور می‌زند و از پشتیبانی اویسی و جم که از جمله نظامیان مهاجر هستند نیز برخوردار است. قصد او متقاعد کردن شاه است که از این امر به دور باشد و دیگر اینکه برای او امکان بازگشت به ایران وجود ندارد و تنها کاری که می‌تواند انجام دهد این است که امیدوار باشد فرزندش بتواند در آینده کشور نقش ایفا کند.

۳- نهایندی می‌گوید گزارشهای آنها دلالت بر سرخوردگی فزاینده و فقر اقتصادی و هرج و مرج اداری در ایران است. آنها با چهره‌های مهمی در داخل ایران تماس دارند. او از سرکوب شدن کردها دلسرد نشده است و می‌گوید که چهره‌های مهم نظامی بر سر این حادثه تغییر جبهه داده و فرار کرده‌اند. او اشاره به تعداد زیادی از نظامیان سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران می‌کند که بسیاری از آنها در سرکوبی کردها شرکت داشتند. مثلاً یک شخصیت کلیدی بر روی هر هلیکوپتر توپ‌دار حضور داشت.

۴- نهایندی می‌گوید که لحظه انجام اقدام متقابل نزدیک می‌شود و اگر این اقدام صورت نگیرد اوضاع همچنان تا مرگ خمینی به قوت خود باقی خواهد ماند.

۵- نهایوندی به وابسته فرهنگی گفت که او حاضر است با یک مأمور متناسب حکومت آمریکا (ترجیحاً به زبان فرانسه) در زمان بازگشتن از مکزیک یا در واشنگتن و یا در جای دیگر صحبت کند. نهایوندی پیشنهاد کرد که اگر قرار بر این گونه ملاقاتها باشد، با او در منزل دخترش، خانم افسانه ملک‌زاده در شهر سالت لیک سیتی تماس گرفته شود. زیرا پس از ترک مکزیک او به آنجا خواهد رفت. شماره تلفن خانم ملک‌زاده ۲۳۹۲-۲۶۱-۸۰۱ است. با نهایوندی طوری رفتار نشد که انتظار ملاقات با مقامات دولت ایالات متحده را داشته باشد. هارتمن خیلی محرمانه

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹- ۲۱ شهریور ۵۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی
به: سفارت آمریکا در تهران ۴۶۷۷
موضوع: تماس با ایرانیان تبعیدی

۱- (محرمانه - کل مطلب)

۲- در تماس با تبعیدیهای ایرانی در اروپا باید قاطعانه هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می‌کشند همکاری می‌کند، دیده نشود. لطفاً این موضوع را صریحاً برای کسانی که با شما تماس می‌گیرند روشن کنید ما روی این موضوع تأکید داریم زیرا دولت کنونی ایران نسبت به مقاصد آمریکا شدیداً مظنون است. بنابراین هر تماسی حتی معصومانه‌ترین آنها ممکن است دولت ایران را دستخوش تعبیر نادرست سازد. علاوه بر این باید به خاطر داشت که افراد ایرانی در زمینه تماسهای خود با مقامات آمریکایی بیش از حد غلو کرده و عمداً ادعا می‌کنند که دولت آمریکا از حرکت خاص آنها حمایت می‌کند.

۳- البته مفهوم این مطلب این نیست که اصلاً نباید با تبعیدیهای ایران تماس گرفته شود و در بعضی مواقع این ملاقاتها بر مبنای آشنایی شخصی با تبعیدیها، طبیعی است. بعضی از تماسها با کارگزاران سفارت امکان دارد در پیشبرد اطلاعات مورد نظر دولت آمریکا مفید باشد، ولی به هر صورت رعایت احتیاط در زمینه دادن علائم سیاسی ضروری است. اگر کارگزاران به افراد خاصی مشکوک هستند، باید خواهان کسب دستورات جدید شوند. به طوری که تهران (سفارت) گزارش داده، هیچ کدام از این تبعیدیها پایگاهی خاص در بین مردم ندارند، ولی به هر صورت کارگزاران بایستی از فعالیتهای آنها گزارش مناسب را تهیه کنند. ما همچنین علاقمند هستیم از موضع دولت میزبان (که این تبعیدیها را نگهداشته - م) در قبال تبعیدیها مطلع شویم.

۴- برای پاریس: در زمینه فعالیتهای نهایوندی همان طوری که قبلاً ما و سفارت خاطر نشان ساخته‌ایم وی یکی از تبعیدیهایی است که به هیچ وجه نمی‌شود روی او حساب کرد. البته ما هیچ گونه مخالفتی با تماس گاه‌گاه بین شما و او نداریم و اگر او خواستار ملاقات با ما در واشنگتن است، با او ملاقات خواهیم کرد، ولی به هر حال چندان علاقه‌مند هم نیستیم که در صحبت با او پیش قدم شویم.

ونس

خیلی محرمانه

فیروز شریفی

فرد فوق‌الذکر از مسئولین پروژه کامپیوتری ایز ایران و در ارتباط با نیروهای مسلح بوده است. وی از جمله رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی که به طرفداری بختیار در جریان پیروزی انقلاب صورت گرفت در اسناد توصیف شده است.

اسناد ملاقاتها و تماسهای وی در فاصله اردیبهشت تا شهریور ماه ۱۳۵۸ با مأمورین بخش سیاسی جاسوسخانه آمریکا در دست می‌باشد. در این اسناد شریفی اگرچه دیوانه توصیف شده است ولی اخبار فعالیتهای وی که در مجموعه جناح راست محسوب گردیده از سوی آمریکا دنبال می‌شده است. شریفی ادعا می‌کند در تدارک نقشه‌ای برای مقابله نظامی با دولت بازرگان است و با دکتر صدیقی از رهبران جبهه ملی در ارتباط می‌باشد. وی مأمور سفارت را در ۲۰ خردادماه ۵۸ به دیدار فردی به نام «فرد» که مدعی است گروه کوچک ۲۰۰ نفری برای برقراری سلطنت تشکیل داده می‌برد در اتاق محل ملاقات تعدادی مسلسل وجود داشته است، فرد ادعا می‌کند که به چند مقرر کمیته و پاسداران حمله کرده است. وی صحبت از حمایت بلوچها و همچنین تحرکات پالیزبان در مناطق کردستان کرده است. فرد همچنین ادعا کرده ۱۱۷ گروه را می‌شناسد که بر علیه انقلاب مبارزه می‌کنند و از ۵۰ نفر تا چند هزار نفر عضو دارند و او با بیشتر آنها ارتباط دارد؛ فرد در حضور شریفی اظهار می‌کند با منابع کافی مالی می‌تواند گروههای قومی مانند ترکمنها و حتی کردها و گروههای سیاسی همفکر را در تهران بسیج کند.

پاسخ مأمور آمریکایی به ادعاهای فوق این بوده که «مسائل دیگری مانند رهبری و هدف نیز به اندازه منابع مالی برای گروهی که بخواهد خمینی را براندازد مهم هستند».

در هر صورت انگیزه سفارت آمریکا از ادامه ملاقاتها با وی کسب اطلاعات در مورد پروژه‌ای بوده که وی در نیروی دریایی اداره می‌کرده است، به علاوه از آنجا که این احتمال برای آمریکا مطرح بوده که انقلاب احتمالاً در پی به ثمر نرسیدن وعده‌های اقتصادی دچار شکست خواهد شد، تماس با این افراد را مفید ارزیابی می‌کرده است. آمریکاییها ضمن اطلاع از فعالیتهای مسلحانه این عناصر بر علیه جمهوری اسلامی ایران تماس خود را با آنان ادامه داده و چون احتمال موفقیت آنها را بسیار ضعیف می‌دیده‌اند هیچ‌گونه قول حمایت به آنها نمی‌دهند. از اسناد برمی‌آید که شریفی درصدد خروج از کشور بوده است که از سرنوشت بعدی این عنصر ضدانقلاب اطلاعی در اختیار نمی‌باشد.

سند شماره (۱)

تاریخ: ۲۹ آوریل ۷۹ - ۹ اردیبهشت ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت
مرجع: الف: تهران ۲۷۳۹، ب: تهران ۱۹۹۱

موضوع: آخرین اخبار در مورد جناح راست

- ۱- (سری - تمام متن) این یک تلگرام گزارشی است.
- ۲- خلاصه مطالب: تعدادی از وابستگان رژیم سابق در تدارک نقشه‌ای مبنی بر مقابله نظامی با دولت بازرگان می‌باشند. راستگراها ممکن است درصدد جلب کمک نظامی باشند. پایان خلاصه

مطلب.

۳- فیروز شریفی و جانشین رئیس قسمت سیاسی سفارت در حین صرف نهار در روز ۲۴ آوریل (۴ اردیبهشت) با هم دربارهٔ تحولات و مناسبات سیاسی صحبت کردند. شریفی بارها کوشش کرده که بخشی از عملیات سیاسی را به طرفداران شاه واگذار کند. (به تلگرام مرجع رجوع شود) او از مأمور سیاسی سفارت خواست که جهت بررسی تحولات با یکدیگر ملاقات کنند، زیرا او در سوم ماه مه عازم یک سفر یک ماهه خواهد شد.

۴- شریفی گفت: تیمسار اویسی و تعدادی دیگر از تیمسارهای شاه نمی‌خواهند اجازه دهند که جمهوری اسلامی کشور را به دست کمونیستها بسپارد. بنا به گفته شریفی، اویسی، برای اینکه ببیند دولت ایران نسبت به این مسئله چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهد، عامل طغیان در نقده شده است. (نتیجه به نظر شریفی زیاد خوب نبود). تعدادی گروه نظامی میانه‌رو (که طرفدار نیروهای سلطنتی بدون شاه هستند) در چهار نقطهٔ خارج از ایران تشکیل شده و احتمالاً در اواخر ماه مه وارد عمل خواهند شد یکی از آن گروه‌ها در پاکستان دو نیرو در عراق و یک نیرو در ترکیه تشکیل شده‌اند. این گروه‌ها امیدوارند که بتوانند دوباره نیروهایی را که از خمینی سرخورده و دلسرده شده‌اند برای مقابله با چپها جمع‌آوری کنند.

۵- برخلاف معمول، شریفی مستقیماً درخواست کمک نکرد (تلگرافهای مرجع)، ولی گفت که گروه‌ها در حال جمع‌آوری پول و غیره می‌باشند و با یک نگاه استهزاآمیز پیشنهاد کرد که شاید آمریکا نیز مایل باشد در این امر کمک کند. مأمور سیاسی با قاطعیت جواب دندان‌شکنی به شریفی داد. این بار نوبت شریفی بود که گفت ما فقط باید مدتی صبر کنیم و منتظر باشیم که ببینیم چه اتفاقی رخ می‌دهد البته او چنین اطمینانی را قبلاً نشان نداده بود.

او سپس گفت در نظر دارد که برای خرید ماشینهای جوجه‌کشی به مدت ۳۰ روز به خارج مسافرت کند. مأمور سیاسی سفارت گفت برای خرید چیزهای دیگر چطور؟ شریفی با پوزخند ولی جدی جواب داد که اسلحه‌های سنگین هم همین‌طور. (نظریه: در حالی که شریفی احتمالاً از سوداگران مرگ نمی‌باشد، ممکن است در جستجوی کمک نظامی محدود در واشنگتن و یا دیگر بازارهای وسایل نظامی دنیا ظاهر شود).

۶- بنا به نظر شخصی خودم، شریفی چیزهای جالبی برای گفتن دربارهٔ «ایزیران» که مدیر پروژه کامپیوتری آنجا می‌باشد دارد. نیروهای مسلح ایران در حال منحل کردن ایزیران در فرم کنونی خود می‌باشند. اما قصد دارند تعداد زیادی از این پروژه‌ها منجمله پروژه نیروی دریایی را که شریفی در رأس آن می‌باشد ادامه دهند.

رئیس انقلابی جدید ایزیران به خاطر قول واگذاری ماشین و خانه توسط کارگران جوان و سرایداران انتخاب شده است و در درجهٔ دوم اهمیت علمی قرار دارد. یک سری اختلافات داخلی بین رئیس جدید و تعدادی از مدیران وجود دارد. شریفی در شش ماه آینده خود را برای شرکت در هماهنگی مسائل اجرایی آماده می‌سازد، اما فکر می‌کند که مدیران اصلی پروژه منجمله خودش در ادامه موفقیت این پروژه کوشش خواهند کرد، البته در صورتی که ارتش احتیاجات خود را قبل از آنکه دوباره هرج و مرج به وجود آید مشخص نماید.

۷- نظریه عمومی: مدت ملاقات از جلسه قبلی کمتر بود و شریفی زیاد پافشاری نکرد. از طرف دیگر شریفی نسبت به قبل خوشبین تر بود و فکر می کرد که یک نفر در حال انجام کاری است. شریفی با اشاره به اعمال محافظه کارانه به ذکر نمونه ای پرداخت و گفت که فرزندان افرادی که اعدام شده اند شبها پاسداران انقلابی را می کشند. البته نمی توان گفت که چطور این مسئله به اقدام او بستگی دارد، ولی کشته شدن پاسداران انقلاب ادامه دارد. (نیروی حفاظتی ما به مأمور سیاسی سفارت گفته است که در عصر روز ۲۶ آوریل در نزدیکی سفارت شاهد تیراندازی به سوی ۴ پاسدار بوده است). ناس سری

سند شماره (۲)

تاریخ: اول مه ۱۹۷۹- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
سری - تهران ۴۵۱۴

موضوع: آخرین اخبار در مورد جناح راست

- ۱- (سری - تمام متن)
- ۲- سفارت سند شماره تهران ۱۹۹۱ را در اختیار ندارد. مهمترین تلگرام مربوط به این موضوع در ذیل مخابره می گردد:
- ۳- خلاصه مطالب: شریفی یکی از رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی در اوائل فوریه از مأمور سیاسی خواست تا از جنبشی که می خواهد زیاده رویهای جمهوری اسلامی را تعدیل بخشد، حمایت کند. او به مأموران سفارت گفت شایع شده است که آمریکا با خنثی کردن ارتش توسط ژنرال هایزر، موجبات روی کار آمدن خمینی را فراهم آورده است. طرح جدید او نیز این است که یک کاندیدای مردم پسند برای ریاست جمهوری اسلامی ایران پیدا کند و آمریکا هم در زمینه بازاریابی و تبلیغ به او کمک کند. مأمور سیاسی سفارت با قاطعیت اظهار داشت که آمریکا از برنامه او حمایت نخواهد کرد.
(پایان خلاصه مطالب)
- ۴- مقامات سیاسی سفارت استمپل، پاترسون و تامست در عصرانه و شام روز چهارم مارس بیشتر از چهار ساعت با فیروز شریفی، مدیر اجرایی ایزیران که توسط وزیر خارجه بختیار به عنوان یکی از رهبران تظاهرات طرفداران قانون اساسی، قبل از سرنگونی بختیار معرفی شده بود گذراندند. درخواست شریفی برای ملاقات از این جهت بود که بتواند نظرات و اهداف خود را درباره مسیری که ایران باید در آن جهت حرکت نماید بازگو کند.
- ۵- شریفی که یکی از طرفداران تجددگرایی می باشد گفت که اشکال جنبش اسلامی ایران این است که این جنبش افراد با استعداد را که می توانند کشور را مدرنیزه کنند دلسرد خواهد کرد. افراد زرنگ و میهن پرست واقعی می توانند حمایت ملی را بسیج کنند و این امر به اعضاء قبایل و یا حتی اطرافیان خود خمینی که از بینشهای خشک اسلامی او به تنگ آمده اند بستگی دارد. او به چندین نفر تحصیل کرده اروپا اشاره کرد که موقعیتهای عالی در کابینه داشته، ولی در حال حاضر دلسرد شده اند.

شریفی گفت اغلب آنان که از فداییان حمایت نمی‌کردند (چریکهای کمونیست) به سوی آنها برگشته‌اند. چون این تنها راه برای مبارزه با محدودیتهای اسلامی مورد نظر خمینی می‌باشد.

۶- شریفی گفت آمریکا باید حامی آنهایی باشد که می‌خواهند حکومتی را اداره کنند که با ارزشهای آمریکایی هماهنگ باشد. در اینجا مأمور سفارت معترضان گفت (و این مطلب را در طول گفتگو چندین بار تکرار کرد) آمریکا درصدد حمایت از شخص خاصی نیست و فقط خواهان استماع نظریات مختلف می‌باشد. آمریکا بسته به خواست دولت ایران با آن همکاری خواهد کرد. شریفی گفت همه آمریکا را در زمینه بروز این مشکلات در ایران مقصر می‌دانند. آنهایی که می‌دانستند می‌گفتند آمریکا از روی عمد در کوششهای شاه برای یافتن دولت کارآمد کارشکنی کرده، تا ناظر به قدرت رسیدن حرکت اسلامی باشد. شریفی در برابر پرسش متحیرانه مأمور سفارت گفت که این برنامه زیرکانه کارتر بود تا یک کمربند اسلامی در سراسر خاورمیانه به وجود آورد تا از گسترش کمونیسم جلوگیری کند. طبق این نقشه، ژنرال هایزر از دسامبر تا ژانویه از ایران دیدن کرده بود تا اراده نظامیان ایرانی را سست کرده و به آنها القاء کند که نباید جنگ کنند. او برای این ادعایش دلیل دیگری آورد مبنی بر خالی شدن سربازخانه‌ها توسط سربازان ایرانی پیش از آغاز حمله مجاهدین. مأمور سفارت دلایل دیگری برای این مسئله عنوان کرد که شامل خرابی روحیه معنوی سربازان بود. شریفی به نحوی متقاعد شده بود که آمریکا تصمیم انهدام ارتش را گرفته بود تا نتواند در جنگی درگیر شود. ضمناً شریفی گفت که شاه به دوست خود دکتر صدیقی گفته بود که آمریکا باو نصیحت کرده تا کشور را ترک کند. مأمور سیاسی گفت که دروغ است، ولی شریفی بر آن اصرار داشت. (توضیح: موضوع فوق به تفصیل بیان شده چرا که اینک این برداشت حتی در بین قسمتی از افراد تحصیلکرده متجدد ایرانی که شامل بعضی عوامل ارتشی نیز می‌شود رسوخ کرده است. عوامل دلخوش کننده برای ناظران غربی قابل رؤیت است، ولی عامل اصلی توجیه و تمایل ایرانیها به مقصر دانستن خارجیها در زمینه مشکلات خود به این گونه شایعات اعتبار بسیاری بخشیده است).

۷- شریفی سپس راه حل خود را مطرح کرد: ایران احتیاج به دولتی دارد که بتواند ۲۰ درصد جمعیت یعنی افراد نخبه متجدد را با حمایت اکثریت توده راضی و خوشحال نگهدارد. روش انجام این کار استفاده از کمک قبایل و عشایر و خریدن سیاستمداران به همان روش قدیمی می‌باشد. شریفی گفت که به دکتر حسین صدیقی، کسی که در دسامبر گذشته برای پست نخست وزیری تعیین شده بود بسیار نزدیک است. صدیقی مورد احترام کلیه جریانهای سیاسی ایران بجز کمونیستهاست وقتی از شریفی در مورد اینکه آیا او می‌خواهد صدیقی را وادار به قبول مقام بالا بکند سؤال شد، جواب داد احتمالاً بله و ادامه داد انتخاب یک شخص با ثبات به عنوان اولین رئیس جمهور ایران امری است ضروری (شریفی قبول دارد که ایرانیان سرسختانه به جمهوری اسلامی رأی خواهند داد).

۸- مشکل اساسی این است که جنبش جدید نیازمند سازمان دهی حامیان خود می‌باشد. زعمای ایرانی به راحتی می‌توانند توده مردم را با استفاده از روشهای تبلیغاتی جدید آمریکا و با تجربیات بازاریابی آمریکایی قانع سازند شاید این امر برای آمریکا جالب توجه باشد. مأمور سیاسی سفارت مجدداً مؤدبانه و جدی به شریفی گفت که آمریکا دوست ندارد در سیاستهای داخلی دخالت کند. در حالی که همیشه علاقه‌مند به شنیدن نظرات سیاسی اغلب گروهها بوده‌ایم، ولی مایل به دخالت

نبوده‌ایم. شریفی نمی‌توانست بفهمد که چرا این قدر آمریکا مسائل را سرسری می‌گیرد، آیا سیا نمی‌خواهد کاری برای دفاع از منافع آمریکا انجام دهد؟ مأمور سیاسی سفارت تأکید کرد که آمریکا صادق است و بعد از توافق در مورد ادامه تماس این ملاقات طولانی پایان گرفت.

۹ - نظریه: به نظر می‌رسد که شریفی یا دیوانه است و یا اینکه کاندید مناسبی برای تبدیل به شما آینده ایران باشد. تحصیلات آمریکایی به طور وضوح در او اثر کرده‌اند و او ایمان زیادی به شیوه‌های مدیریت آمریکا دارد. او یک نخبه درجه یک می‌باشد و این امر سبب می‌شود که ما به حمایت او از غرب اطمینان پیدا کنیم. او اظهار می‌دارد که به دکتر صدیقی نزدیک است و احتمالاً هم چنین است ولی روشن است، که آیا صدیقی از روش او نسبت به آمریکا مطلع است یا نه (ما فکر می‌کنیم نه). در حالی که او از عمق نفوذ اسلامی در سیاست‌های مردمی ایران امروز آگاه نیست، معتقد است که در آینده سیاست‌های غیراسلامی و یا ضداسلامی اعمال خواهد شد. احتمالاً این حرف او در زمانی که خمینی در به ثمر رساندن وعده‌های اقتصادیش شکست بخورد و توده مردم از او روگردان شوند درست خواهد بود. امکان این امر وجود دارد، ولی به نظر نمی‌رسد تا مدتی اتفاق بیفتد، ولی در خلال این مدت حوادث تداخل‌کننده جالب توجهی وجود دارند که بتوانند این مراحل را متوقف و یا تغییر جهت دهند. شریفی به دوستان و حامیانش در ارتش اشاره کرد، ولی مایل نبود که اسامی آنها را افشا کند. ما تماس با او را حفظ خواهیم کرد. تا اینکه ببینیم آیا کوشش‌هایش به نتیجه خواهد رسید و آیا او و رهبر محبوبش که طرفدار نیروی بختیار می‌باشند. موفق به انجام چنین کاری قبل از آنکه توسط کارگزاران اسلامی از بین بروند خواهند شد یا نه.

ناس

تهران ۴۵۱۴

سند شماره (۳)

۱۰ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۰ خرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا - در تهران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. فوری ۱۹۱۱
موضوع: گروه‌های مخفی مخالف با خمینی از ایالات متحده تقاضای حمایت کرده‌اند.
۱ - (سری - تمام متن: تلگراف گزارشی)

۲ - خلاصه: مشاور سیاسی در ۸ ژوئن با دو نفر که ادعای نمایندگی گروه کوچک زیرزمینی مخالف خمینی و نهضت اسلامی او را داشتند ملاقات کرد. رهبر گروه طرحی را به طور خلاصه مطرح کرد که در آن از طریق حمایت اقلیت‌های قومی و تطمیع افراد اصلی کمیته خمینی، سقوط خمینی با مقداری نمایش قدرت عملی می‌شود. او خواستار حمایت آمریکا از طرحش شد، ولی مشاور سیاسی آن را رد کرد. این گفتگو با جزئیات، گزارش می‌شود چون بینش عمیقی نسبت به فعالیت‌های مخفی که در حال حاضر انجام می‌گیرد، ارائه می‌دهد و مشکلات مخالفت با خمینی را همان طور که در گزارش تحلیل شده، منعکس می‌کند.

۳ - در ۸ ژوئن فیروز شریفی مشاور سیاسی را به دیدن رهبر گروهی که شریفی قبلاً توضیح داده بود برد که سعی دارند نهضت میانه‌رو و مدرنی را جانشین نهضت ارتجاعی اسلامی خمینی سازند.

چون شریفی قبلاً در فعالیتهای طرفداران قانون اساسی شرکت داشت و با غلام حسین صدیقی نیز رابطه داشت، مشاور سیاسی گمان می‌کرد که به ملاقات صدیقی می‌رود. بعد از پیمودن مسیر طولانی در شمال تهران، مقصد منزل مهندس راه و ساختمانی بود به نام فرد که یک شخص ارمنی است.

۴ - «فرد» سراغ اصل موضوع رفت. او پرسید که آیا مشاور سیاسی قبول دارد که کلیه پروزی‌های خمینی با استفاده از پول به دست آمده است و بعد بدون شنیدن پاسخی گفت که مطلقاً مخالف کمونیستها می‌باشد و افراطی‌گریهای خمینی به نفع آنان است. به این دلیل او یک گروه کوچک ۲۰۰ نفری تشکیل داده تا برای برقراری سلطنت با خمینی مبارزه کند. او گفت که البته شاه هم اشتباهاتی داشت ولی آیا همه اشتباه نمی‌کنند؟ او گفت شاه توسط یک عده دزد احاطه شده بود که او را از اصل وقایع بی‌خبر گذاشته بودند، ولی او برای کشور خیلی کار کرده، حتی برای حرامزاده‌هایی که حالا خواهان مرگش هستند هم کار کرده است.

۵ - فرد گفت که او حدود ۱۵۰۰۰۰ دلار از پول خودش در این سازمان گذاشته و بعد پرسید آیا می‌دانی قیمت یک ژ - ۳ چقدر است. ۳۰ هزار ریال. با اشاره به چند اسلحه‌ای که در اطاق بود و با باز کردن کیف دستی محتوی مقداری مهمات، فرد گفت ما تا به حال چندین عملیات داشته‌ایم به چند مقر کمیته و چند مقر پاسداران حمله کرده‌ایم آنها همچنین از مقداری از این پول استفاده کرده‌اند تا دوستانشان را که توسط کمیته‌های خمینی زندانی شده بودند، آزاد کنند. فرد گفت اگر شما معتقد بودید که فساد زیادی در زمان شاه وجود داشته، باید بدانید که امروزه ده برابر بدتر است و ملاها از همه بدتر هستند. فرد نتیجه گرفته که فسادپذیری یکی از خصیصه‌های دائمی ایرانیان است، حتی آمریکاییها هم مصون نیستند، بعد از ۶ ماه از ورودشان، ایرانیان خوبی می‌شوند و به راه دیگران می‌روند، حتماً مسئله‌ای مسری است.

۶ - این فساد پذیری، اصلی بود که فرد بر مبنای آن استراتژی براندازی خمینی را پیاده کرده بود. تعدادی از گروهها هستند که آن طور که او ادعا می‌کرد، فایده‌ای برایش ندارند و جلب حمایت آنها کار ساده‌ای است. مثلاً بلوچها، دنباله‌رو هرکسی که به آنها چند کباب و مقداری برنج بدهد می‌شوند، آنها تا به حال چندین درگیری با افراد خمینی داشته و در هر مورد آنها را کاملاً عقب زده‌اند. یک بار هم آنها یکی از مشاوران سازمان آزادیبخش فلسطین را به همراه چند تن از نظامیان خمینی دستگیر کرده و بعد از خلع سلاح آنها را آزاد کرده بودند. فرد گفت، اما آن عرب حرامزاده را کشتند.

۷ - فرد گفت کردها پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر هستند، ولی آنها هم خمینی را دوست ندارند. او ادعا کرد که اطلاعات معتبری دارد مبنی بر اینکه تمام کردستان، غیر از سنندج، تحت کنترل کردها می‌باشد. ژنرال حبیب‌الله پالیزبان استاندار سابق کرمانشاه که یک فرد کرد است در آنجا به سر می‌برد و افراد خمینی جرأت ندارند به منطقه وارد شوند. به گفته فرد پالیزبان مانند بقیه ژنرال‌ها ترسو نیست، او می‌جنگد. اگر بخواهد او می‌تواند تهران را در دو روز اشغال کند، ولی نمی‌داند چکار باید بکند و الان فقط نشسته و منتظر فرصت است.

۸ - شریفی گفت که ترکمنها، بعد از مقابله خونین شان با کمیته گنبدکاووس در آوریل، به سازماندهی برای مقابله با نیروهای خمینی پرداخته‌اند. شریفی گفت که فداییان مارکسیست در این زمینه به آنان کمک می‌کنند. او هم چنین ادعا کرد که ترکمنها در درگیریهای قبلی، با روسها قراردادی

بسته‌اند که طبق آن می‌توانند از خاک شوروی به عنوان پناهگاه و سنگر استفاده کنند. آنها تماسهایی با آن طرف مرز برقرار کرده و مداوماً از طریق این تماسها کمک دریافت می‌دارند، با پایان یافتن فصل درو در ترکمن صحرا ترکمنها منتظر برخورد دیگری با نیروهای خمینی هستند. شریفی گفت آنها این را فرصتی برای کسب سلاح بیشتر و استفاده بیشتر از مهماتشان می‌دانند.

۹- فرد گفت در ایران گروههای زیادی مانند گروه خودش وجود دارد که بر علیه خمینی فعالیت می‌کنند. او گفت که ما حداقل ۱۱۷ گروه می‌شناسیم و با بیشتر آنها در ارتباط هستیم. این گروهها از ۵۰ نفر تا چند هزار نفر عضو دارند و میانگین اعضاء آنها چند صد نفر است. فرد گفت چندین گروه از افراد دیوانه تشکیل شده. یکی از آنها طرح یک سری قتل را دارد که می‌خواهد آنها را به زودی پیاده کند و این برنامه در برابر کارهای فرقان خیلی وسیعتر است. فرد اضافه کرد که گروهش تماسهایی با این گروه افراطی دارند و حتی چند تای آنها چپی هستند، ولی گفت تماسهای گروهش، به گروههای همفکر محدود می‌شود. ما از ساواکیها و همچنین گروههایی که توسط ژنرالهای رژیم سابق هدایت می‌شوند، دوری می‌کنیم چون آنها فقط حرف می‌زنند. اعضا گروه فرد و گروههای دیگر از طریقۀ متوسط می‌باشند (ما آن حرامزاده‌های پولداری را که وقتی دیدند خمینی می‌آید فرار کردند، نمی‌خواهیم و بگفته فرد افسرهای رده پایین و حتی افسران وظیفه نیز می‌دانند چطور بجنگند).

۱۰- با منابع مالی کافی، فرد مدعی است که می‌تواند گروههای قومی مانند ترکمنها و حتی کردها و گروههای سیاسی همفکر را در تهران بسیج کند. بعد با دادن مقداری پول به مهره‌های اصلی کمیته‌ها و با یک نمایش قدرت، می‌توان به حیات سیاسی امام خاتمه داد. فرد افرادی را به اروپا فرستاده تا پیشنهادهایی به پولدارهای ایرانی آنجا بکنند (به گفته شریفی آنها در آسایش مطلق زندگی می‌کنند و خیلی مایلند که به این زباله دانی برگردند). ولی شاید، چون مقداری از اموالشان را در ایران جا گذاشته‌اند، حاضر نباشند پولی در این جهت خرج کنند. کوششهایی هم در جهت تماس با شاه انجام گرفته، ولی فرد گفت من را چه به او، من یک کنتراتیچی هستم که هرگز شغل دولتی نداشته و خواهشی از او نکرده‌ام «کلاً» بیش از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار لازم نداریم و ما باید سریع حرکت کنیم چون طی دو یا سه ماه آینده اتفاقی خواهد افتاد.

۱۱- مشاور سیاسی که منظور او را فهمیده بود، تاریخ دو دههٔ اخیر را یادآور شد و گفت که حتی اگر سیاست آمریکا بر مبنای عدم دخالت در امور ایران نبود، افکار عمومی آمریکا مسائلی را که فرد عنوان می‌کند نمی‌پذیرفت. بعد بحث طولانی در مورد نکاتی که فرد قبلاً گفته بود ادامه یافت. اشارات نامفهوم و تاریکی در مورد سرنوشت منافع آمریکا در ایران و این منطقه. در صورتی که ما به دوستان واقعیمان در این کشور کمک نکنیم، کرد. مشاور سیاسی بحث را با بیان این مطلب پایان داد که مسائل دیگری مانند، رهبری و هدف، نیز به اندازهٔ منابع مالی... برای گروهی که بخواهد خمینی را براندازد مهم هستند، بعد اشاره کرد که شنیده است که چند نفر می‌گویند که دو یا سه ماه آینده خیلی حساس و تعیین کننده هستند و از فرد پرسید که موضوع از چه قرار است.

۱۲- شاید فرد از اینکه نتوانست پیشنهادش را قالب کند ناراحت شد، ولی چیزی نگفت، من با خانواده‌ام به لندن می‌روم. در این کشور ۱۵ میلیون حرامزاده بیکار و راضی هستند. من بیست سال است که به کار ساختمانی مشغول بوده و آنها را می‌شناسم آنها روزانه با دو نان گاهی یک نان و گاهی

نصف نان سر می‌کنند. لعنتیها آنها می‌توانند گرسنه بمانند، ولی خمینی را به خاطر بدبختیشان دوست می‌دارند و ما هم نمی‌دانیم چکار کنیم. ما طرحی داشتیم تا تلویزیون را منفجر کنیم. ما تانکر پیدا کردیم و آن را با ۵۰۰۰ کیلو تی ان تی پر کردیم، ما می‌خواستیم آن را در برابر ساختمان تلویزیون بگذاریم و با انفجار آن همه را بکشیم، ولی بعداً فکر کردیم برای چی؟ برای کی؟ من از نظر سیاسی قدرت طلب نیستم، این چیزها را نمی‌خواهم من فقط می‌خواهم کار ساختمانی لعنتی خودم را انجام دهم، من می‌خواهم ودکا بنوشم، ایران برای من اهمیت دارد. من این کشور فاسد را دوست دارم، می‌توانم برای آن بمیرم ولی باید بدانم چرا؟ من باید به لندن بروم.

۱۳ - در راه بازگشت به سفارت، در ماشین، شریفی گفت که می‌خواهد یک بار دیگر شانس خود را بیازماید. او به زودی به آمریکا خواهد رفت. او در فکر ازدواج بود و پرسید آیا همسرش می‌تواند کارت سبز بگیرد، چون خودش کارت سبز دارد. او توانسته مقداری پول خارج کند و گفت برای این کار راههایی وجود دارد. عمویش می‌خواست دیسکوتکی در پاریس باز کند و گفت امکان دارد که خود او در آنجا سرمایه‌گذاری کند چون معامله خوبی است و در یک منطقه‌ای خوب قرار گرفته با آپارتمانهای زیادی که افراد جوانی در آن زندگی می‌کنند، احاطه شده است. او چندین تفنگ در منزل داشت، گاهی اوقات آن را بیرون می‌آورد تمیز می‌کرد و دستش را روی آن می‌کشید و فکر می‌کرد چقدر راحت می‌توان از آنها استفاده کرد. بنگ! یک ملا، بنگ، بنگ، یک امام. احتمالاً تا یک هفته دیگر به واشنگتن خواهد رفت، ولی او مصرانه می‌گفت همان لحظه‌ای که تغییری در اوضاع اینجا پیدا شود من با اولین هواپیما بر می‌گردم به این محل عوضی، به این زباله دانی بر خواهم گشت... چه خوابهایی... چه رؤیاهایی.

ناس سری

سند شماره (۴)

سری - ۹ سپتامبر ۷۹ - ۱۸ شهریور ۵۸
 از: سفارت آمریکا در تهران
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی ۳۶۹۱
 موضوع: توطئه گران ایرانی

۱ - (سری - تمام متن)

۲ - طی صرف نهاری در ۶ سپتامبر با دوستی که تاجر ایرانی بود از کارمند سیاسی پرسیده شد که آیا دولت آمریکا به طریقی از فیروز شریفی در کوششهایش برای تشکیل ائتلافی در جهت براندازی دولت موقت، حمایت می‌کند یا نه. تاجر ایرانی گفت که شب قبل او به خانه عمویش احضار شده بود تا با «فرد جالبی» ملاقات کند. این فرد جالب فیروز شریفی بود که طی برنامه غیر رسمی آن شب حضار را مطلع ساخته بود که آمریکاییان از او خواسته‌اند تا گروهی برای به دست گرفتن دولت تشکیل دهد. فیروز شریفی ظاهراً در چند روز آینده به پاریس می‌رود تا با گروههای تبعیدی مختلف ملاقات کند. این تاجر گفت که دو فرد دیگر که در رابطه با بختیار بودند و اخیراً از پاریس آمده بودند نیز در گردهمایی حضور داشتند.

۳ - در صحبتی که روز بعد کارمند سیاسی با تاجر داشت، او را مطلع کرد که مشاور سیاسی تامست با شریفی ملاقات کرده (تلگراف مرجع) و او از آمریکا کمک خواسته بود، ولی به او جواب رد

داده شد. کارمند سیاسی گفت که از اینکه شریفی سعی کرده ما را با طرحهایش در ارتباط جلوه‌گر نماید خیلی ناراحت هستیم.

تامست

تهران ۹۸۹۷ سری

سند شماره (۵)

۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۳ شهریور ۵۸ (خیلی محرمانه)
از: سفارت آمریکا در پاریس به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی ۵۲۵۶
برای اطلاع: سفارت آمریکا در تهران ۴۳۷۹ خیلی محرمانه پاریس ۲۸۷۴۱
مرجع: الف - تهران ۹۸۵۰، ب - تهران ۹۸۹۷، ج - پاریس ۲۵۰۰۵
موضوع: تماس با ایرانیهای تبعیدی

۱ - خیلی محرمانه تمام متن

۲ - ما با علاقه و رغبت تجزیه و تحلیل‌های سفارت آمریکا در تهران را در مورد نقش محدود سیاسیون تبعیدی در فرانسه و جاهای دیگر که کوشش دارند باعث تغییرات سیاسی در ایران بشوند دنبال می‌کنیم (مرجع الف). در مورد فیروز شریفی، اگر او احیاناً با سفارت تماس گرفت، با نهایت احتیاط با او برخورد خواهیم کرد، مخصوصاً با توجه به ادعاهای او مبنی بر حمایت آمریکا از نقشه‌هایش.

۳ - از آنجایی که در حال حاضر فرانسه مرکز عملیات ایرانیان تبعیدی ضد رژیم شده (مهم نیست که تا چه حد مؤثر بوده‌اند) ما از هرگونه راهنمایی که از طرف وزارت امور خارجه در رابطه با چگونگی تماس با تبعید شدگان، بشود ممنون و متشکر خواهیم شد. در این مورد جواب به سؤال پاراگراف ۷ مراجع ج که آیا می‌بایست تماس خود را با نهادی حفظ کنیم یا نه مفید خواهد بود.
هارتمن خیلی محرمانه

منوچهر گنجی

گنجی وزیر آموزش و پرورش رژیم شاه و از اطرافیان همسر شاه معدوم در ملاقات خود با مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا ادعا می‌کند مدتی پس از پیروزی انقلاب در تهران نزد وابستگانش بوده و کسی برای دستگیری او مراجعه نکرده است. وی بعداً از طریق مرز ترکیه از کشور می‌گریزد. وزارت خارجه آمریکا در خرداد ماه ۵۸ از طریق یکی از دوستانش مطلع می‌شود که گنجی در آمریکا در حال اختفا به سر می‌برد و این خبر را با عنوان میانه‌روها علیه انقلاب اسلامی به سفارت آمریکا در تهران منعکس می‌نماید. گنجی در ملاقات فوق در تیرماه از آمریکاییها می‌خواهد که در امور ایران دخالت نمایند. در پاسخ مقام آمریکایی که آمریکا چه باید بکند گنجی می‌گوید: «باید دنبال کسی بگردیم و حمایتش کنیم که بتواند بعد از این که خمینی که ناگزیر در شش ماه یا یک سال آینده قدرت را از دست می‌دهد، منافع ما را حفظ کند.» گنجی در مقابل پاسخ این مقام آمریکایی که هیچ یک از گروههایی که آنها شناسایی کرده‌اند از تشکیلات و حمایت و هدف و واقعی برخوردار نیستند،

به شریعتمداری و فرد دیگری اشاره می‌کند.
از ادامه تماسهای گنجی با مقامات آمریکایی اطلاعی در دست نیست، لیکن فعالیتهای علنی سیاسی بعدی این فرد در آمریکا حکایت از استمرار حمایت آمریکا از این حرکت و جریان وابسته می‌باشد.

سند شماره (۱)

خیلی محرمانه

منوچهر گنجی - وزیر آموزش و پرورش

منوچهر گنجی ۴۵ ساله در نوامبر ۱۹۷۶ به سمت وزیر آموزش و پرورش منصوب شد. وی پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در تهران، در رشته علوم سیاسی دانشگاه کنتاکی درجات فوق لیسانس و دکترا و از دانشگاه کمبریج دیپلم حقوق بین‌المللی و دکترای فلسفه از دانشگاه ژنو دریافت کرد. وی تا هنگام مراجعت خود به ایران در سال ۱۹۶۶ در ژنو مانده و در قسمت دبیرخانه سازمان ملل کار می‌کرد.

وی سپس به دانشکده حقوق دانشگاه تهران پیوست و اولین دبیر کل مرکز مطالعات بین‌المللی شد. وی در سال ۱۹۶۷ به سمت جانشین شاهزاده اشرف در کمیته دولتی ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل منصوب شد. وی در سمت خود به عنوان مخبر مخصوص کمیته، نوشتار مفصلی در مورد نظر گاههای حقوق بشر در زمینه آپارتاید تهیه کرد. این گزارش که نسبت به رودزیا، آفریقای جنوبی و پرتغال شدیداً انتقادآمیز بود، جنجال عظیمی در ایران بپا کرد و سبب شد که دولت پرتغال از سفر وی به سرزمینهای آفریقایی تحت استعمار پرتغال جلوگیری به عمل آورد. وی در سال ۱۹۶۹ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد، در آن سال نیز وی از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به انجام یک مطالعه در مورد نتایج اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل که در سال ۱۹۶۸ انتشار یافته بود، مأمور شد. وی در سال ۱۹۷۴ به سمت مشاور نخست وزیر در امور دانشجویان خارج کشور منصوب شد ولی سمت خود را در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و همچنین کرسی استادی خود را در حقوق بین‌المللی حفظ کرد. عقیده بر این است که وی علیرغم ورود به کابینه همچنان به خدمت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ادامه خواهد داد.

گنجی به مناطق زیادی مسافرت کرده است که شامل یک سفر به چین در سال ۱۹۷۳ می‌شود و به زبانهای انگلیسی و فرانسه صحبت می‌کند. ثریا همسر او (که از اقوام نزدیک خانواده فرمانفرمائیان می‌باشد) در امور مربوط به زنان فعال می‌باشد. گنجی علاوه بر گزارشات خود در سازمان ملل مقالات متعدد و یک کتاب درسی در زمینه حقوق بین‌الملل منتشر کرده است.

کارمندان سفارت در طول سابقه خدمتی او تماسهای وسیعی با وی داشته‌اند. وی که مرد کوتاهی است به عنوان، روشنفکر، جاه طلب، عاقله مرد، سخت کوش و طالب قدرت بنابه دلایل شخصی و فلسفی توصیف شده است. گنجی در عین حال که نسبت به آمریکاییان رفتاری صمیمانه دارد، ولی شدیداً از مواضع ایران دفاع می‌کند و در مسائل بین‌المللی و با توجه به مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته، موضع مستقلی را اتخاذ می‌کند. وی در ابتدا با حمایتهای اشرف و این اواخر با حمایتهای

ملکه ترقی کرده است. وی یکی از اعضای هیئت تحقیق و بررسی تکنوکراتهای روشنفکر فرح می باشد و در کنفرانسهای بین المللی اخیر در مورد مسائل ایران یکی از مشاوران فرح بود.

آوریل ۱۹۷۷

خیلی محرمانه

سند شماره (۲)

تاریخ: ۶ ژوئن ۹ - ۱۶ خرداد ۵۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی
شماره: ۵۱۴۳
به: سفارت آمریکا در تهران فوری
طبقه بندی سری
(سری)

موضوع: میانه روها بر علیه انقلاب اسلامی

یکی از دوستان منوچهر گنجی در واشنگتن تأیید کرد که وی هم اکنون در ایالات متحده بوده و در اختفا به سر می برد.

ونس

سری

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ - ۷ تیر ۱۳۵۸
یادداشت مکالماتی
شرکت کنندگان: آقای منوچهر گنجی، وزیر سابق آموزش و پرورش آقای هنری پرشت، مدیر قسمت مربوط به امور ایران

موضوع: اوضاع در ایران

آقای گنجی، همان طور که آقای یوست میزبان قبلیش در مؤسسه اسپن قبلاً زمینه آن را فراهم کرده بود به ملاقات من آمد. گنجی از فوریه گذشته در تهران بوده و اخیراً از طریق مرز ترکیه گریخته است او در تهران نزد وابستگانش بوده، ولی هیچ کس برای دستگیری او مراجعه نکرده بود. تجارب وی در منطقه مرزی مانند تجارب ناشی از اقامتش در تهران او را متقاعد کرده که ایران به طرف خطرات جدی پیش می رود. او گزارشهایی حاکی از قاچاق اسلحه به کشور، در دهکده های منطقه کردنشین که از آنها بازید کرده بود، دریافت کرده است. مهماندارش در یکی از دهکده ها کسی بود که علناً از حزب توده حمایت کرده و گنجی را نماینده آلمان شرقی معرفی کرده بود. گنجی فکر می کرد که عربها و کردها و چپها دارند قدرت را به دست می گیرند و حرکت چپها بخصوص در نیروهای مسلح بارزتر است. در چنین اوضاعی و از دید جغرافیایی و سیاسی، آمریکا باید کاری انجام دهد. پرسیده شد چه بایستی بکنیم. او گفت که باید دنبال کسی بگردیم و حمایتش کنیم که بتواند منافع ما را بعد از اینکه خمینی ناگزیر، در ۶ ماه یا یک سال آینده، قدرت را از دست داد، حفظ کند. وقتی گفتم که هیچ یک از گروههایی را که ما توانسته ایم شناسایی کنیم از تشکیلات و حمایت و هدف واقعی برخوردار نیستند، گنجی گفت چنین کسانی وجود دارند. او از افرادی نظیر شریعتمداری و

تیمسار فرید رئیس ستاد ارتش نام برد و گفت که به آمریکا علاقه دارند و به طور جدی ضد کمونیست هستند. اگر آمریکا حامیانش را در ایران از دست بدهد، پیروزی از آن عناصر چپی (که همیشه در ارتش به صورت پنهانی با قدرت بوده‌اند) و یا پاسداران انقلاب اسلامی که حامیان خمینی به وجودش آورده‌اند خواهد بود. گنجی دولت با زرگان را بسیار صادق، ولی به شدت ضعیف توصیف کرد. بیشتر کسانی که بازرگان را تحسین می‌کنند معتقدند که بازرگان می‌بایست در ماه مارس استعفا می‌داد. گنجی هیچ ایده‌ای در مورد اینکه چه کسی بعد از او باید روی کار آید، نداشت، معهذاً او فکر می‌کرد که یزدی فرد با نفوذی است. اما پیشنهاد کرد که ما نباید دکتر چمران را از نظر دور داشته باشیم، چون او فردی است ایرانی که در لبنان در تبعید به سر برده و در حال حاضر از دیگر رهبران ایرانی خیلی باهوشتر و سخنورتر است.

گنجی حمایت ایرانیها از شاه را ناچیز می‌داند، اما فکر می‌کند که در صورت بروز عکس العمل، ولیعهد ۲۰ تا ۳۰ درصد شانس بازگشت خواهد داشت. گنجی گفت که او با گروه کارمندان دولتی و دیگر حرفه‌ایهایی که در زمان وزارتش به عنوان مشاوران خصوصی برای ملکه ایجاد کرده بود، در تماس است. اینها اشخاص لیبرالی هستند که خواهان روی کار آمدن دولتی با صداقت در ایران بوده و از درون نظام حکومتی با شاه مخالفت می‌ورزیده‌اند. تعدادی از آنها در دولت موقت پستیایی دارند. آنها به کلی از اعمال نفوذ روحانیون تندرو در امور ایران ناراحت هستند. افراد این محفل، اشتباهات زیادی را که در دولت شاه وجود داشت به او گزارش کرده بودند. او این گزارشها را به ملکه داده بود ولی ملکه به دلیل خودبینی شاه و احساس ناامنیش قادر به ایجاد تغییر رویه‌ای در اعمال شاه نبود. به عبارت دیگر شاه حاضر نبود بر علیه افرادی که برای او اهمیت داشته، ولی فاسد نیز بودند اقدامی به عمل آورد.

تابستان گذشته ملکه به گنجی گفته بود که آمریکاییها می‌خواهند که پهلویها ایران را ترک کنند. گنجی عقیده داشت که در ژانویه گذشته ما به شاه دستور داده بودیم که ایران را ترک کند و به او گفته بودیم که به نفع اوست که از کشور خارج شود. من این موضوع را به شدت تکذیب کردم. اما او گفت که این موضوع حقیقت دارد و احتمالاً پیغام توسط ژنرال هایزر آورده شده بود. گنجی گفت که در اواخر نوامبر گذشته به شاه در مورد فساد بیش از حد خانواده سلطنتی مطالبی ایراد کرده و گفته بودم که لازم است در این باره کاری انجام شود. شاه گفته بود که این موضوع را به آجودان او تیمسار فردوست بگویم، ولی این موضوع خود به خود فراموش شد. این عملی بوده که همیشه در سیستم انجام می‌گرفته، همه از اقدام بر علیه خطاکاران، بخصوص اگر این خطاکاران از اعضای خاندان سلطنتی بودند، می‌ترسیدند. آمریکاییها مسئولیت بخصوصی در این مورد داشتند. چرا که آنها شاه را روی کار آورده و نگهداشته بودند و اجباراً بایستی توجه می‌داشتند که شاه یک دولت با لیاقت را رهبری می‌کند.

من از گنجی پرسیدم که آیا عاقلانه است که شاه به این کشور بیاید. او گفت فکر می‌کنیم که این کار اشتباه است. او پرسید آیا امکانش هست که ولیعهد به اینجا (آمریکا - م) بیاید. من گفتم فکر می‌کنم که اگر او بخواهد به دانشگاه برود، بتوان ترتیب این کار را داد. اما گمان می‌کنم که این کار برای شخص جوانی چون او که مشتاق گذراندن یک زندگی عادی است، مشکل باشد. چون در رابطه با او

مشکلات امنیتی و حقوقی بسیاری به وجود خواهد آمد و تصور می‌کنم که این موضوع در هر جای دیگری هم صدق کند، اما چون از رفتار ولیعهد آگاهی دارم، فکر می‌کنم که محافظت شدید از او در آمریکا برایش غیر قابل تحمل باشد. امکان دارد این کار از جهات سیاسی در ماههای آینده عملی باشد. به نظر من شاه نیز می‌تواند بعدها به ایران بیاید و این کار خالی از اشکال خواهد بود، ولی باید مدتی بگذرد تا ما بتوانیم موضع خود را در ایران بازسازی کرده و شاه نیز خونسردی خود را به دست آورد. در مورد امید ولیعهد به ایفای یک نقش سیاسی اظهارات تردید کرده و گفتم نمی‌دانم که یا اقامت وی در آمریکا کمکی به این امر خواهد کرد یا نه. گنجی با ابراز موافقت گفت، ایرانیها به شخصی که دوران سختی را گذرانده احترام می‌گذارند. ولیعهد هم اگر در تبعید به سر برد از چنین وضعی برخوردار خواهد شد.

گنجی اظهار داشت که می‌گویند شاه پول زیادی از ایران خارج کرده است. وی گفت بعید نیست که او این پولها را توسط دولت ایران خارج کرده باشد که اگر چنین باشد او یک دزد تمام عیار است. گنجی خودش بعد از انقلاب در ایران مانده بود. تا اینکه اسمش را از فهرست کسانی که پول از کشور خارج کرده‌اند پاک کند.

او این کار را توسط دادستان کشور انجام داده بود. معهذاً به خاطر اینکه با رژیم فاسد سابق در ارتباط بوده تحت تعقیب است. گنجی گفت فقط ۶۰۰۰ دلار در بانک دارد و دنبال یک شغل تدریس در آمریکا می‌گردد. امکان دارد که او کتابی دربارهٔ رژیم شاه بنویسد که نشانگر تمام خطاهای او باشد. در بحث و گفتگویی که ۲ ساعت به طول انجامید گنجی مرتباً تکرار می‌کرد که آمریکا بایستی در ایران فعال شود وگرنه ایران را با قصور و غفلت از دست می‌دهد. او در بحث خود راجع به این موضوع مانند دیگران استدلال می‌کند و مانند بسیاری از افراد دیگر چاره و درمان مشخصی برای مسئله‌ای که در حال حاضر موجود است ارائه نمی‌کند.

هنری پرشت - سری

فریدون افشار - پالیزبان

در سند باقیمانده نیز از تماس مستقیم مأمورین آمریکایی با افرادی که از آنها صراحتاً به عنوان «توطئه‌گر» یاد می‌شود حکایت می‌کند. فریدون افشار یک استاد تحصیلکرده آمریکا که یک دوره نیز در مجلس شاه نماینده! بوده است، متعاقب تماسهای تلفنی بالاخره در ملاقات با مشاور سیاسی سفارت در مرداد ۵۸ سخن از نیاز وی به حمایت آمریکا در راه‌اندازی یک تشکیلات نظامی در آذربایجان با هدف سرنگونی نظام انقلابی جدید می‌راند. جواب افشار نیز کم و بیش با توجه به برآوردی که از میزان موفقیت او داشته‌اند مشابه سایرین است. اما در قیاس با دیگران ظاهراً افشار بر نظامیان فراری و جوانان ناقص‌العقل و اشراف عالیمقام و... ترجیح داده‌اند و حساب بیشتری روی او باز کرده بودند. سند دوم حاصل گفتگو با جهان‌شاه پالیزبان برادر پالیزبان فراری است که مقامات آمریکایی را در جریان خروج غیر قانونی از کشور می‌گذرد. جهان‌شاه پالیزبان در عین حال مقداری از برادرش که در آن زمان در مورد فعالیتهای ضد انقلابی او تبلیغات زیادی وجود داشت صحبت می‌کند.

سند شماره (۱)

۱۴ اوت ۱۹۷۹ - ۲۳ مرداد ۵۸
 از: سفارت آمریکا در تهران
 موضوع: درخواست کمک برای تشکیل نیروهای نامنظم نظامی بر علیه جنبش اسلامی
 ۱ - (خیلی محرمانه - تمام متن)

۲ - خلاصه: در ۸ اوت فریدون افشار در گفتگو با مشاور سیاسی سفارت آمریکا خواستار کمک برای تشکیل یک نیروی نظامی در منطقه آذربایجان شد که بتواند برای دفع قدرت جنبش اسلامی مفید واقع شود. مشاور سیاسی تقاضای او را رد کرد و خاطرنشان ساخت که سیاست آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران می باشد. افشار گفت که انتظار چنین جوابی را داشته است، ولی با این وصف در راه عملی ساختن نقشه خود گام برخواهد داشت. پایان خلاصه.

۳ - در ۸ اوت فریدون افشار دوباره با کاردار تماس گرفت و درخواست ملاقات کرد. کاردار فکر می کرد که شخص مزبور «فرید» است که شریک حقوقی رمزی کلارک، وکیل «لواین»، چند هفته پیش گفته بود که به خاطر اوضاع یهودیان در ایران با او تماس خواهد گرفت. به هر حال برای اطمینان بیشتر کاردار به مشاور سیاسی سفارت گفت که با افشار تماس گرفته تا منظور او را دریابد. بعداً معلوم شد که افشار مسائلی غیر از مسائل یهودیان ایران دارد. افشار به مشاور سیاسی سفارت گفت که از مدارس میسیونری ارومیه و تبریز فارغ التحصیل شده و در چندین دانشگاه آمریکا (از جمله آیداهو، اکلاهما، شیکاگو بیبل و جان هاپکینز) تحصیل کرده و دکترای زمین شناسی خود را گرفته است. او همچنین یک دوره کوتاه مدت را در فاصله بین دوره تکمیلی لیسانس و مراجعت به آمریکا در دانشگاه نظامی ایران گذرانده است. زمانی که نفت در ایران ملی شد، افشار به خاطر کمک به پیدا کردن مناطق نفت خیز خارج از حوزه امتیاز بریتیش پترولیم از مؤسسه اسمیتونیان به ایران دعوت شده بود. او اولین چاه نفت حوزه قم را وارد مرحله تولید کرده بود و بعداً به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۹۵۶ به عنوان نماینده مجلس از ارومیه (که در آن زمان رضاییه بود) انتخاب شد. به هر حال او در سال ۱۹۶۱ به خاطر سرخوردگی از مسائل سیاسی کاندید نمایندگی مجلس نشد و مجدداً مشغول تدریس در دانشگاه تهران گردید.

۴ - افشار گفت افرادی نظیر او در حالی که هرگز با بودن شاه موافق نبوده اند، از بی نظمی ملاحا در ایران نیز مطلقاً خسته شده اند. و واضح است که آنها قادر نیستند یک اقتصاد مدرن را پیاده کنند او گفت که به تازگی از ارومیه برگشته و در آنجا شاهد وقایعی مبنی بر درگیری بین کردها و مقامات محلی در سرو بوده است. او اظهار داشت که منطقه مرزی ترکیه و عراق در کنترل کامل کردها می باشد. آنها بیش از ۶ پاسگاه ژاندارمری را بدون مقاومت تصرف کرده اند. و پاسدارانی را که از ارومیه برای بازپس گرفتن این پاسگاهها فرستاده شده بودند به خاک و خون کشیده اند. پاسداران بی انضباط و بدون آموزش بوده و حتی برای کردهای فاقد تشکیلات آنچنانی نیز رقیبی به حساب نمی آیند و ارتش نیز در ارومیه از جنگیدن خودداری می کند.

۵ - افشار گفت که چنین وضعی برای آنچه که او تصمیم گرفته انجام دهد ایده آل است. او گفت که استخدام نیرویی در حدود ۲۰۰۰۰ الی ۳۰۰۰۰ نفر در آذربایجان ساده است و می توانیم آنها را در

منطقه مرز ترکیه جایی که در تصاحب هیچ کس نیست آموزش دهیم و بعداً شمال غربی ایران را به تصرف درآوریم. او گفت ایران حدود ۱۸ میلیون ترک دارد که از این ۱۸ میلیون حدود ۱۶ میلیون ترک آذری هستند که این تعداد از آذربایجان گرفته تا قلب تهران پراکنده می‌باشند و در حدود ۲ میلیون ترکمن و قشقایی نیز در شمال شرقی و جنوب وجود دارند. بیش از ۹ تا ۱۰ میلیون فارس خالص وجود ندارد که تنها در قسمت مرکزی ایران متمرکز گشته و به وسیله ترکهای مسلح و کردها و عربها و بلوچها محاصره شده‌اند. علماً فقط در بین فارسها قدرت دارند. اگر ترکهای شمال غربی و تهران را محاصره کنند، دیگر اقلیتهای غیر فارس نیز به آنها در خلع ید کردن مذهبیها در بقیه کشور یاری خواهد کرد.

۶- افشار صراحتاً گفت که برای پیشبرد نقشه‌اش احتیاج به کمک دارد. حداقل برای شروع این کار احتیاج به پول دارد. کمک تسلیحاتی و آموزش نیز مفید خواهد بود. اغلب ترکها چشمان آبی و موهای بور دارند و بنابراین طبق گفته او اگر تعدادی مشاور خارج در تهیه نقشه‌ها دخالت کنند مشخص نخواهد شد. بعید به نظر می‌رسد که با فقدان کنترل دولت مرکزی در مرز آذربایجان با ترکیه، کسی متوجه اعمال آنان بشود. او امیدوار بود که آمریکا منافع پشتیبانی از شخصی مانند او را درک کرده باشد. او گفت که من در مدارس شما فارغ التحصیل شده‌ام و من می‌دانم که شما به چه چیزهایی معتقد هستید و من هم به آنها معتقدم. خطر واقعی این نیست که چپها بعد از مدتی مذهبیها را بیرون کنند و قدرت را به دست بگیرند، چون مارکسیسم در بین مردم پایگاهی ندارد. بلکه این است که بعد از ادامه بحرانها در ایران، شوروی وقت را غنیمت شمرده و دخالت کند و این چیزی است که خطرهای جدی برای منافع آمریکا در این قسمت دنیا دارد نه آنکه تعدادی ایرانی و چپگرا در اداره نخست‌وزیری بنشینند.

۷- مشاور سیاسی سفارت به افشار گفت که آمریکا نمی‌تواند از نقشه او پشتیبانی کند و این برخلاف سیاست آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران می‌باشد. او گفت که بعد از نتیجه ویتنام و واترگیت مردم آمریکا ماجراجوییهای خارجی را تحمل نمی‌کنند. افشار گفت که انتظار چنین جوابی را داشته، اما فکر می‌کند که حداقل کوشش را برای نشان دادن ارزش نقشه‌اش انجام داده است. او به هر حال این کار را دنبال خواهد کرد.

۸- نظریه: افشار یکی از مهمترین توطئه‌گرانی می‌باشد که تا به حال مشاور سیاسی سفارت ملاقات کرده است. افشار یکی از متخصصین دانشمند می‌باشد و مردی است که در زندگیش با واقع‌بینی با مشکلات برخورد کرده.

برای مثال از نظر او فقدان و نظم و منطق جمهوری اسلامی اهانتی است بر ارزشهای شخصی احساسات وی. به نظر نمی‌رسد که او فردی باشد که تصمیم داشته باشد برای براندازی فوری و سریع حکومت، ناگهان و بدون تعمق قبلی ارتشی را تشکیل دهد. به نظر می‌رسد که او به دقت ضعف دشمن را محاسبه کرده، ولی اینکه آیا او می‌تواند چنین نیرویی را تشکیل دهد یا نه نامعلوم است، اما اگر چنین نیرویی بخواهد متشکل شود فقط، شخصی مثل افشار، احتمالاً این کار را بهتر انجام خواهد داد تا یکی از ارتشیان عالی‌رتبه ایرانی که اراده‌شان در فوریه گذشته خرد شده و یا اشراف عالی‌مقام و مادیرگرا که از پاریس و لوس‌آنجلس توطئه می‌کند و یا جوانان ناقص‌العقل که در خیابانهای دورافتاده

تهران با اتومبیل‌های ب ام و می‌گردند و برای آنها توطئه چینی یک نوع بازی به حساب می‌آید.

لینگن

خیلی محرمانه

سند شماره (۲)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۶ اوت ۷۹ - ۴ شهریور ۵۸

دولت ایالات متحده آمریکا

گزارشگر مایکل. جی. مترینکو - سیاسی

یادآوری

موضوع: موقعیت فعلی خانواده پالیزبان

من عصر روز ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) و در حدود ۲ ساعت در روز ۲۳ اوت (اول شهریور) را به گفتگو با جهان‌شاه پالیزبان برادر ژنرال عزت‌الله پالیزبان پرداختم. تبلیغی که پیرامون فعالیت‌های ضد انقلابی منتسب به ژنرال می‌شود اثرات بدی در آسایش اعضای خانواده که هنوز در ایران به سر می‌برند داشته است و جهان‌شاه پالیزبان موقعیت اقوام مختلف پالیزبان را به شرح زیر توضیح داد:

پدر و مادر ژنرال پالیزبان - در ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) پاسداران کمیته به خانه پدر و مادر ژنرال در کرمانشاه حمله بردند. پدر او که ۹۵ ساله است و در شرایط مزاجی بدی است دستگیر شده است. بر طبق روایاتی که جهان‌شاه از دیگران در کرمانشاه شنیده پدرش بر روی پاسداران کمیته، در حالی که آنها تلاش می‌کردند به زور وارد خانه شوند، آتش گشود. جهان‌شاه در صحت روایت تردید چندانی ندارد، چون پدرش فردی است که در مقابل این گونه دستگیریه‌ها حتماً مقاومت می‌کند. مادر ژنرال و همچنین خواهر بزرگترش که با پدر و مادرش زندگی می‌کردند ناپدید شده‌اند و خانه نیز اکنون در دست کمیته است جهان‌شاه اظهار داشت که از تاریخ ۲۳ اوت (اول شهریور) اطلاعی ندارد که خواهر و مادرش کجا هستند، ولی گمان می‌برد که آنها در امان باشند.

خواهر ژنرال پالیزبان - یک خواهرش فرماندار سابق مشهد بود که با ژنرال امانی رئیس پلیس مشهد ازدواج کرده بود. ژنرال امانی بعد از انقلاب اعدام شد و خواهر پالیزبان هم اکنون در اختفا به سر می‌برد. طبق گفته جهان‌شاه ترتیبی داده شده که این خواهر مخفیانه ایران را ترک کند و او یا به انگلستان خواهد رفت (که در آنجا خانه‌ای دارد) و یا به آلمان غربی جایی که یک عمه (خاله) پسر دارد که می‌تواند با او زندگی کند. پسر یکی از خواهرها دانشجوی نیروی دریایی بود، ولی پس از انقلاب استعفا کرد. در انجام این کار دریا دار مدنی (فرمانده نیروی دریایی و استاندار فعلی خوزستان) او را یاری داده بود و ظاهراً دوست خانوادگی است. این پسر و دیگر فرزندان ژنرال امانی در آینده نزدیکی ایران را ترک خواهند کرد.

جهان‌شاه پالیزبان - همسر و فرزندان جهان‌شاه کمی بعد از انقلاب ایران را ترک کرده و اکنون در آمریکا به سر می‌برند. زمین‌های وسیع مزروعی او در منطقه همدان هفته پیش ضبط شد و مباشر او که یک فامیل دور اوست و در حدود ۳۰ سال دارد در همدان زندانی شده است. مدت کوتاهی پس از انقلاب فوریه (بهمن) املاک وی در همدان به وسیله عده‌ای اشغال شده، ولی جهان‌شاه توانسته بود که

زمینها را از طریق تماسهایش با کمیته محلی دوباره به دست بیاورد، چون در آن زمان مورد سوءظن نبود. محصولات املاک بدون دردسر درو شد و خرمنها جمع‌آوری شد و به دفتر کشاورزی کرمانشاه فروخته شد. اخیراً رئیس دفتر کرمانشاه از پرداخت هرگونه وجهی به جهانشاه امتناع ورزیده و اظهار می‌دارد که او هیچ پولی به پالیزبان پرداخت نخواهد کرد. جهانشاه در تلاش بود که این موضوع را پی‌گیری کند که ناگهان موقعیت خودش نامشخص شد. روزنامه کرمانشاه در هفته دوم اوت نام او را منتشر کرد و درخواست نمود که هر کس از او شکایتی دارد آن را به دفتر دادستان انقلاب کرمانشاه ارائه کند. قبل از آن موقع تنها در دسری که جهانشاه با کمیته داشت ۲ جلسه بازجویی کوتاه در تهران بود. او بازجویی را مؤدبانه و حتی دوستانه توصیف کرد. بازپرسها علاقه‌مند به دانستن محل اختفای برادرش بودند.

جهانشاه پالیزبان ممنوع‌الخروج از ایران نبوده و در نظر داشت که در ۲۵ اوت (۳ شهریور) عازم آمریکا شود. در ۲۲ اوت به وسیله یک دوست که در نزدیکی اقامتگاه او در تهران زندگی می‌کند به او تلفن شد و گفته شد که به آپارتمانش برنگردد، زیرا پاسداران انقلاب در همان لحظه برای پیدا کردن او وارد آپارتمان شده‌اند. وقتی من جهانشاه را در ۲۳ اوت دیدم ظاهراً در مخفیگاه بود. پاسپورت او هم اکنون در فرودگاه است تا قبل از پروازش آن را بگیرد، ولی جهانشاه معتقد بود که اگر او بخواهد از طریق فرودگاه مهر آباد خارج شود بازداشت و دستگیر خواهد شد. او در تلاش بود که در مورد نحوه عمل تصمیم بگیرد و راههای چاره او اینها بود: ۱- از طریق مرز کردستان از ایران فرار کند.

۲- تلاش کند که از بلیط هواپیمایش استفاده کند و در مورد دستگیری ریسک کند و یا ۳- خودش را به دفتر دادستان انقلاب در تهران معرفی کند، البته پس از اینکه از یکی آیت‌الله بخواهد تا برایش پادرمیانی کند.

ژنرال پالیزبان، همسر و فرزندان - بر طبق گفته جهانشاه همسر ژنرال در امان است، ولی از اظهار جزئیات مربوط به محل اختفای او طفره رفت. او گفت «عملاً وی (همسر پالیزبان) در خارج از ایران است.» داماد ژنرال پس از انقلاب توسط پاسداران کمیته دستگیر شد و به مدت سه هفته در ضمن اینکه راجع به محل ژنرال مؤاخذه می‌شد، در زندان نگهداشته شد یک پسرش (انوشیروان) در کالیفرنیا به مدرسه می‌رود. پسر دیگر که دانشجوی مدرسه کشاورزی کرمانشاه بوده پس از انقلاب دستگیر می‌شود، ولی ظاهراً در امان است. جهانشاه در ابتدا اظهار داشت که نمی‌داند برادرش کجاست، ولی بعداً اشاره کرد که او ممکن است هنوز در منطقه کردستان ایران باشد. او گفت در زمان جنگ جهانی دوم برادرش موفق شده بود که به خاطر شناختش از منطقه کردستان به مدت ۶ ماه نیروهای دشمن را از سر باز کند و در آن زمان مقامات هرگز موفق به یافتنش نشدند. از آن به بعد او این شانس را داشته است که تماسهای وسیعی با مردم منطقه داشته و تجربه خیلی ارزشمندی نیز در مورد عملیات اطلاعاتی ارتش ایران دارد. بنابراین پیدا کردن او کاری است تقریباً غیر ممکن.

مترینکو

خیلی محرمانه

کتاب شصت و نهم

کشورهای رو به رشد
امکانات نفتی
سیاستها و محدودیتها

مقدمه

اهمیت انرژی و نفت، به عنوان ارزاترین و رایج‌ترین نوع انرژی در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. با توجه به این مسئله، تغییر در قیمت‌ها و همچنین تغییرات مربوط به ذخایر و ظرفیتهای تولید و میزان مصرف و پالایش کشورهای تولیدکننده، از جمله حساسترین موضوعات از نقطه نظر کشورهای مصرف‌کننده مواد نفتی می‌باشد.

اهمیت نفت و شاخصهای مربوط به آن در اقتصاد جهان و هر کشور به تنهایی، کشورهای مصرف‌کننده نفت را وادار کرده است تا در پی برنامه‌ریزیهای بلندمدت و تدوین استراتژی استفاده و نگهداری از مواد نفتی برآیند، به گونه‌ای که از آثار بحرانهایی که به برخی از آنها در دهه‌های اخیر اشاره می‌شود، در امان بمانند:

- بحران تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۶۳ در پی جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی.
- نابسامانیهای اقتصادی عمدتاً ناشی از افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰.
- بحران اقتصادی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و توقف صدور نفت خام از ایران.

این برنامه‌ریزی به مصرف‌کنندگان اصلی نفت در جهان که همانا دولتهای استکباری هستند این امکان را داد تا نه تنها از تأثیر این بحرانها بر خود بکاهند بلکه در یک حرکت تهاجمی، از حربه خرید نفت به عنوان یک سلاح سیاسی کارا در سیاستهای خود بهره‌برداری نمایند.

مصادق بارز این مدعا سیاست نفتی کشورهای غربی در دهه اخیر می‌باشد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در پی پیروزی انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی ایران، صدور نفت تا حد زیادی دچار وقفه و سبب افزایش ناگهانی قیمتها گردید. این امر غرب را دچار مشکلات اقتصادی فراوانی نمود، ولی در پایان همین دهه، در پی همکاری مزورانه عربستان سعودی و دیگر شیوخ مرتجع با آمریکا و به دنبال اجرای سیاستهای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، وضع به صورتی تغییر کرد که این بار غرب خرید نفت را به عنوان یک سلاح سیاسی مورد استفاده قرار داد و بدین ترتیب توانست بحرانهای اقتصادی شدیدی را بر کشورهای تولیدکننده نفت منجمله ایران تحمیل نماید.

داشتن اطلاعات صحیح و دقیق از ذخایر و ظرفیتهای تولیدی فعلی و همچنین اطلاع از تواناییهای بالقوه کشورهای تولیدکننده نفت در این زمینه از ضروری‌ترین ابزار برای تدوین این گونه استراتژیها و اجرای آنها می‌باشد و با توجه به ضرورت این اطلاعات است که اهمیت کار سازمانهای جاسوسی

غرب و عوامل اطلاعاتی آنها در کشورهای نفت خیز روشن می‌شود. کتاب حاضر ماحصل فعالیت‌های جاسوسی سازمان سیا در کشورهای مختلف غیر اوپک در زمینه ذخایر نفتی و امکانات اکتشاف و استخراج نفت در این کشورها می‌باشد و بیانگر این نکته است که شیطان بزرگ در غارت منابع انرژی به کشورهای عضو اوپک بسنده نکرده و به دنبال بهره‌برداری از منابع نفتی کشورهای غیر اوپک نیز می‌باشد. درک اهمیت فوق‌العاده این گونه اطلاعات هنگامی میسر است که شرایط سیاسی و اوضاع جهان در زمان تدوین این گزارش مد نظر قرار گیرد. بدیهی است که عوامل و مجاری جمع‌آوری اطلاعات در این جهت نقش به‌سزایی دارند و آنان به تحلیلگران امکان می‌دهند که به صراحت و قاطعیت نسبت به اوضاع نفتی یک کشور در آینده اظهار نظر نمایند.

عمده‌ترین عواملی که می‌توانند به چنین اطلاعاتی دسترس داشته باشند برنامه‌ریزان و مشاوران رده بالای صنایع نفتی کشورها و شرکت‌های پیمانکاری خارجی هستند که عوامل مستقیم اجرایی این برنامه‌ها و در اکثر موارد مشاوران اصلی رده‌های بالای تصمیم‌گیری می‌باشند. لذا با مروری گذرا به مجموعه اطلاعات گردآوری شده در این سند به خوبی به میزان عمق فاجعه و نفوذ ویرانگر عوامل سیا در جای جای جهان می‌توان پی برد.

انتشار این سند که حاوی ماحصل سالها تلاش سیا می‌باشد می‌تواند به عنوان یک مرجع اطلاعات علمی اقتصادی در مورد منابع نفتی در کشورهای جهان تا زمان تهیه گزارش نیز محسوب گردد و مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

امیدواریم انتشار این قبیل اسناد هشدار جدی برای مجاهدان و مبارزان راه حق و آزادی در کشورهای تحت سلطه و نوعی درس‌آموزی از انقلاب اسلامی ایران که راه حضور و نفوذ عوامل بیگانه را با قدرت سد نموده باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

تابستان ۶۹

کشورهای رو به رشد، امکانات نفتی، سیاستها و محدودیتها
آژانس اطلاعاتی مرکزی (سیا)
مرکز ملی ارزیابی خارجی
نوامبر ۱۹۷۷

اطلاعات امنیت ملی
افشای غیرمجاز مستوجب مجازاتهای جنایی می باشد

اختصارات مربوط به کنترل توزیع
غیرقابل رؤیت برای ملیتهای بیگانه
غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار
هشدار - شامل اطلاعات اختصاصی می باشد
فقط برای ادارات NFLB
اقتباس و انتشار اطلاعات توسط منشاء آن کنترل می شود.
ارائه این اطلاعات به مجاز می باشد.

طبقه بندی طبق ماده ۱۵۳۱۹.
از برنامه خروج کلی از طبقه بندی طبق ۱۱۶۵۲ E.O مستثنی می باشد.
در تاریخ زیر به صورت خودکار بدون طبقه بندی می شود.
غیرقابل تعیین

فہرست مندرجات

نگرش کلی

آمریکای لاتین

مکزیک

آرژانتین

ونزویلا

پرو

اکوادور

برزیل

بولیوی

کلمبیا

شیلی

گواتمالا و بلیز

پاراگوئے اور گوئے

جنوب و شرق آسیا

اندونزی

ہندوستان

مالزی

برونئی

برمہ

پاکستان

بنگلادش

تایوان

تایلند

فیلیپین

کرہ جنوبی

ویتنام

خاورمیانہ غیر اوپک، آفریقہ شمالی و منطقہ مدیترانہ

مصر

عثمان

تونس

سوریہ

ترکیہ

یونان

اردن
صحرای جنوب آفریقا
نیجریه
آنگولا
گابن
کنگو
زئیر
کامرون، چاد و ساحل عاج

توجه: در نتیجه یک تجدید سازمان که از ۱۱ اکتبر ۱۹۷۷ به جریان خواهد افتاد، نشریات اطلاعاتی که سابقاً توسط ریاست اطلاعات و دفاتر اطلاعات ملی چاپ می‌شد اینک توسط مرکز ملی ارزیابیهای خارجی طبع می‌گردد.

نگرش کلی

امکان کمبود نفت که در اوایل تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ شروع خواهد شد، علاقه به بررسی تواناییهای نفتی کشورهای کمتر رشد یافته را افزایش داده است. اساساً این تواناییها به عوامل زمین شناسی بستگی دارد که پایه ذخایر هر کشور را مشخص می‌کند. ولی شناخت و گسترش پایه ذخیره به چند عامل بستگی دارد از قبیل سیاستهای دولت در قبال کمپانیهای نفتی خارجی، محدودیتهای فنی کمپانیهای نفتی دولتی، ضرورتهای مالی و در بعضی موارد اختلافات ارضی که دسترسی به مناطق نوید بخش را غیر ممکن می‌سازند. با در نظر گرفتن این عوامل، گزارش حاضر تواناییهای نفتی ۴۰ کشور رو به رشد و آن دسته از اعضای اوپک را که در خارج از خاورمیانه و آفریقای شمالی بسر می‌برند مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

پایه ذخایر

در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، پایه ذخایر نفتی آنقدر ناچیز است که نمی‌تواند سطح تولید را پشتیبانی نماید و مشخص شده است که ذخایر وسیع نیز تنها در معدودی از کشورها وجود دارد. در نیمکره غربی، مکزیک با داشتن ۲۵ میلیارد بشکه نفت ذخایر قطعی و احتمالی تاکنون در رتبه اول قرار دارد و کشور بعدی ونزوئلا با ۱۴ میلیارد بشکه نفت است. در صحرای جنوب آفریقا^۱ نیجریه با داشتن ۱۹ میلیارد بشکه نفت رتبه اول را دارد. در میان کشورهای دیگر منطقه، تنها آنگولا و گابن ذخایر معادل یک میلیارد بشکه نفت دارند. از عمده‌ترین کشورهای نفتی خاورمیانه‌ای غیر اوپک عمان دارای ۶ میلیارد بشکه و مصر دارای ۴ میلیارد بشکه نفت می‌باشند. هیچ یک از کشورهای دیگر منطقه دارای این حدود نفت نیست. در آسیای شرقی و جنوبی، اندونزی ۱۴ میلیارد بشکه نفت دارد و

1- Sub - Saharan Africa.

برونئی^۱، مالزی و هند هر یک دارای ۲ میلیارد بشکه نفت هستند. با اقدامات اکتشافی می‌توان پایه ذخایر کشورهایی را که در حال حاضر ذخایر نسبتاً وسیعی دارند گسترش داد. لیکن دستیابی به منابعی با وسعت منابع خاورمیانه تنها در مکزیک و احتمالاً در فلات قاره آرژانتین امکان‌پذیر است. دیگر مناطق دارای تواناییهای خوب لیکن عمدتاً کوچک عبارتند از: شرق پرو، اکوادور، مصر، هند و کشورهای تولیدکننده دیگری که با دریای جنوبی چین^۲ هم‌مرز هستند. در بعضی از کشورها، به خصوص ونزوئلا، نیجریه و اندونزی باید کارهای اکتشافی تفضیلی صورت گیرد تا پایه ذخایر فعلی حفظ شده و کاهش نیابد.

دورنمای زمین‌شناسی در سایر مناطق کشورهای رو به رشد چندان روشن نیست. دستیابی به مناطق دارای شرایط زمین‌شناسی مناسب برای کشف نفت مستلزم اقدامات اکتشافی بسیاری می‌باشد. اصولاً مناطق کشف نشده که دارای توانایی بالقوه باشد شامل حوضچه بلوچستان پاکستان، خلیج بنگال^۳، و جزائر آدامان^۴ می‌باشد. ساحل آفریقای شرقی، خصوصاً در مجاورت سومالی، نیز تا حد زیادی دست نخورده باقی مانده است. تلاش بسیاری نیز باید صورت گیرد تا امکانات خارج از خشکی مناطق آمازون، برزیل، آفریقای غربی بین ساحل عاج^۵ و آنگولا و آبهای دریای جنوبی چین شناخته شود.

مشارکت خارجی

سیاستهای دولتی در قبال کمپانی‌های بین‌المللی نفتی سبب شده است که گسترش حتی امکانات شناخته شده نیز متوقف گردد. شرایط سخت غیرمنصفانه، تغییرات یکجانبه قراردادهای ملی کردن‌ها غالباً از ویژگیهای روابط گذشته بین کشورها و کمپانی‌های نفتی در جهان سوم بوده‌اند. تقریباً در تمام کشورهای رو به رشد کمپانیهای دولتی روی کار آمده‌اند. این کمپانیها بخودی خود در گسترش و اکتشاف نفت وقفه ایجاد نمی‌کنند. در واقع، بعضی از کمپانیهای دولتی که کمپانی نفتی مصری نمونه بارز آن است با شرکتهای خارجی روابط خوبی برقرار کرده‌اند. دیگر کمپانیهای دولتی چیزی بیش از یک وزارتخانه که با کمال وفاداری روحیه و طرز تفکر دولت متبوع خود را نشان می‌دهند، نیستند. اما بعضی از آنها نیز به صورت سنگرهای ملی‌گرایی درآمده و ترجیح می‌دهند نفت در قعر زمین باقی بماند ولی آن را به کمک بیگانگان تولید نمایند. تعداد انگشت شماری از کمپانیهای نفتی دولتی نیز هستند که مهارتهای فنی و مدیریتی لازم را جهت اکتشاف در مناطق خارج از خشکی و اعماق زمین که نفت جدید در آنها وجود دارد، کسب کرده‌اند. بهترین کمپانی نفتی دولتی کمپانی پمکس^۶ مکزیک است که قادر است نفت را در مناطق بسیار سخت کشف و تولید نماید. با این وصف

1- Brunei.

2- South China Sea.

3- Bay Of Bengal.

4- Adaman Ilands.

5- Ivory Coast.

6- Pemex.

سرعت و کارآیی گسترش آن محدود است تا جایی که پمکس نیز نمی‌تواند به «تک روی» خود ادامه دهد. دیگر کمپانی دولتی آرژانتین، برزیل، هند و مصر نیز نمی‌توانند بدون کمک خارجی نفت موجود در مناطق سخت را یافته و تولید نمایند. علیرغم این محدودیتها، بسیاری از کمپانیهای نفتی دولتی بهترین مناطق را در اختیار خود گرفته و در عین حال برای عملیات پرخطر، شرایط بسیار سختی را در مورد مشارکت خارجی تعیین کرده‌اند.

دستورالعمل اجرایی معتدل نمی‌تواند منافع کمپانیها را تأمین نماید مگر آنکه چشم‌انداز زمین‌شناسی نشانگر ذخایر نفتی وسیع باشد. به طور مثال، کمپانیهای بزرگ نفتی مقدار کمی از منابع خود را به اکتشاف در کشورهای جنوب صحرا که دارای امکانات نفتی محدود هستند اختصاص داده‌اند. در چند کشوری که مصرف نفت داخلی کمتر از ۱۰/۰۰۰ بشکه در روز است از قبیل ساحل عاج، چاد، زئیر و کنگو حتی کشف و گسترش ذخایر کوچک نیز نمی‌تواند این نیاز مصرفی را تأمین نماید زیرا لزوم پالایشگاههای منطقه‌ای جهت پالایش مقادیر کم نفت خام از جمله عوامل محدود کننده به شمار می‌آیند. بهر حال، کمپانیهای نفتی علاقه به اکتشاف را از دست داده‌اند چون ذخایر مهم احتمالی آنقدر ناچیز هستند که نمی‌توانند تولید در سطح بالا را تأمین نمایند.

سرمایه‌گذاری و تجهیزات

کشورهای دارای تواناییهای نفتی قطعی در تأمین سرمایه مورد نیاز خود دچار مشکلات چندانی نمی‌شوند. در اوایل سال جاری به دنبال محدودیتهای تحمیلی صندوق بین‌المللی پول^۱ در مورد وامهای خارجی، مکزیک در این زمینه دچار مشکلاتی گردیده بود لیکن این محدودیتها را می‌توان به کمک قروض مربوط به نفت از بین برد. چند تولیدکننده کوچک از قبیل پاکستان نیز در رابطه با تأمین سرمایه لازم جهت خرید تجهیزات اکتشافی از غرب دچار مشکلاتی شده‌اند. هند نیز ممکن است دچار همین گونه محدودیت بشود اما در این موارد مسئله اصلی عدم تمایل دولت به صدور اجازه کار برای کمپانیهای نفتی خارجی در این مناطق است. کشورهای آفریقای غربی از قبیل ساحل عاج، چاد، کامرون، و کنگو نیز در صورت خروج کمپانیهای خارجی نخواهند توانست بدون مواجهه با مشکلات مالی و تکنیکی به اکتشاف ادامه دهند.

در حال حاضر دسترسی به ماشین آلات حفاری و سایر تجهیزات عامل محدودکننده اصلی به شمار نمی‌رود. تنگناهای موقتی زمانی بروز خواهند کرد که لازم باشد در چند منطقه از جهان برنامه‌های اکتشافی گسترده‌ای به طور همزمان اجرا شود. البته این تنگناها احتمالاً در طول یک یا دو سال برطرف شود. عامل محدودکننده اصلی کمبود پرسنل مجرب در تمام سطوح است. این محدودیت علی‌رغم قابلیت تحرک بسیار زیاد کارگران و تکنسین‌های نفتی در سطح جهان که در کمک به بهره‌برداری بسیار مؤثر از چنین نیرویی عامل مهمی است، باز هم تا دهه آینده ادامه خواهد داشت.

1- International Monetary Fund (IMF).

مسائل ارضی

اختلافات ارضی، اکتشافات چند منطقه نویدبخش را با وقفه رو برو ساخته است. به طور مثال، ادعاهای ارضی مناقشه ساز، عملیات خارج از خشکی دریای جنوبی چین و کره جنوبی را متوقف ساخته است. اختلافات مرزی بین تونس و لیبی نیز کار مناطق نفتی خارج از خشکی و دارای توانایی زیاد را مختل کرده است. ادعاهای متضاد یونان و ترکیه نیز مانع از ادامه عملیات کمپانیهای نفتی در خارج از خشکی شده است. ادعاهای آرژانتین و انگلیس در مورد جزائر فالکلند نیز در صورت وجود منابع نفتی در آنجا مشکلاتی پدید خواهد آورد. در خلیج سوئز^۱ نیز مزاحمتهای اسرائیل عملیات کمپانیهای نفتی را در مورد گسترش ذخایر شناخته شده بزرگ دچار وقفه نموده است.

دورنمای تولید

با در نظر گرفتن روند گسترش و اکتشافات کنونی گمان می رود که تولید نفت کشورهای رو به رشد غیر اوپک به صورت گروهی در سال ۱۹۸۰ به سطح ۶ میلیون بشکه در روز و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۸ تا ۹ میلیون بشکه در روز برسد. این پیش بینی ها بر مبنای تلاشهای گسترده ای استوار است که در حال حاضر در جریان بوده و عمدتاً نشانگر میزان احتمالی تولید در مکزیک، مصر و هند می باشد.

کشورهای کمتر رشد یافته منتخب: توانایی نفتی

کشور	دورنمای افزایش ذخایر	جو عملیاتی	توضیحات
آمریکای لاتین			
آرژانتین	خوب تا عالی	خوب تا متوسط	مناقشه مرزی با انگلیس
بلیز	متوسط تا بد	متوسط تا خوب	مناقشه مرزی با گواتمالا
بولیوی	خوب تا متوسط	خوب	افزایش مستمر مقادیر کم به ذخایر احتمالی
برزیل	خوب تا متوسط	متوسط تا خوب	شرایط عملیاتی روبه بهبود است
شیلی	متوسط	خوب تا متوسط	کشفیات کوچک بیشتر احتمال دارد
کلمبیا	متوسط	متوسط تا خوب	بهترین دورنماها در مورد گاز در سواحل شمالی است
اکوادور	متوسط تا خوب	متوسط تا خوب	اکتشافات بیشتری در مناطق شرقی لازم است
گواتمالا	متوسط تا خوب	متوسط	یک برنده واقعی نیست اما افزایش اندکی در ذخایر امکان دارد
مکزیک	عالی	خوب	دورنمای خوبی در مورد کشف منابعی در حد خاورمیانه
پاراگوئه	متوسط	خوب	زمین مناسب اما نتایج اکتشافی ضعیف
پرو	خوب تا متوسط	متوسط تا خوب	در خارج از خشکی و منطقه ترانس آندین اکتشافات بیشتری لازم است.
اروگوئه	ضعیف	خوب تا متوسط	دورنمای تیره ای در مورد رفع نواقص اکتشافی دارد
ونزوئلا	متوسط تا خوب	توسط تا خوب	اکثراً کشف شده اما دورنمای خوبی وجود دارد
سایرین	ضعیف	خوب تا متوسط	احتمال وجود نفت در خارج از ترینیداد و آمریکای مرکزی ضعیف می باشد

1- Gulf Of Suez.

آسیا و حوزه اقیانوس آرام

دورنمای ذخایر گاز امیدوار کننده است. مناقشات مرزی وجود دارد	خوب تا متوسط	ضعیف	بنگلادش
در مورد کشفیات بیشتر خارج از خشکی دورنمای خوبی وجود دارد	عالی	خوب تا متوسط	برونئی
احتمال افزایش مقدار کمی بر ذخایر داخلی وجود دارد تواناییی هم در خارج از خشکی وجود دارد	متوسط	متوسط تا خوب	برمه
یک «بمبئی خوب» بدون مسئله نمی باشد	خوب تا متوسط	خوب	هند
سرعت اکتشاف همچنان بالاست	خوب	خوب	اندونزی
در چندین منطقه اکتشافات بیشتری مورد نیاز است	متوسط	خوب تا متوسط	مالزی
حوزه‌های اصلی کشف نشده‌اند	خوب تا متوسط	متوسط	پاکستان
توانایی در خارج از خشکی و مناقشات مرزی وجود دارد	خوب	متوسط تا خوب	فیلیپین
مناقشات مرزی وجود دارد.	متوسط تا خوب	متوسط	کره جنوبی
دورنمای ذخایر گاز خوب است. مناقشات مرزی وجود دارد	خوب تا متوسط	ضعیف تا متوسط	تایوان
دورنمای ذخایر گاز خوب است	خوب	ضعیف	تایلند
توانایی اکتشافات غیراقتصادی وجود دارد	متوسط تا ضعیف	متوسط تا خوب	ویتنام
	خوب تا ضعیف	ضعیف	سایر مناطق

کشورهای خاورمیانه‌ای غیر اوپک، آفریقای شمالی و حوزه مدیترانه

مناقشه با اسرائیل اکتشاف را کاهش می دهد	خوب	خوب تا عالی	مصر
مناقشه مرزی با ترکیه	متوسط	متوسط تا ضعیف	یونان
ساحل غربی ممکن است تا حدی توانایی داشته باشد	خوب تا عالی	ضعیف	اردن
کشف حوزه‌های کوچکتر و پرهزینه تر احتمال دارد	خوب	خوب تا متوسط	عمان
بهترین دورنماها در مورد خارج از خشکی است	متوسط	متوسط	سوریه
مناقشه مرزی با لیبی	خوب تا متوسط	خوب تا متوسط	تونس
اسرائیل و لبنان دارای تواناییهای اندکی هستند	خوب تا متوسط	ضعیف	سایر کشورها

آفریقای مادون صحرا

تا هنگام تثبیت اوضاع سیاسی هیچ افزایشی در اکتشافات محتمل نمی باشد	ضعیف تا متوسط	خوب تا متوسط	آنگولا
افزایش ذخایر فعلی تقریباً مسلم است	خوب تا متوسط	خوب	کامرون
برای انتقال نفت به خارج خط لوله گرانی مورد نیاز است	خوب تا متوسط	خوب	چاد
هر نوع افزایشی به ذخایر احتمالاً کم خواهد بود	خوب تا متوسط	متوسط تا ضعیف	کنگو
هر نوع افزایشی به ذخایر احتمالاً کم خواهد بود	خوب تا متوسط	متوسط تا ضعیف	گابن
هزینه‌های غیراقتصادی ممکن است منجر به کشفیات بزرگتر گردد	خوب تا متوسط	متوسط تا خوب	ساحل عاج
ممکن است حوزه‌های کوچک بسیاری کشف گردد	متوسط تا خوب	خوب	نیجریه
هر نوع افزایشی در مقدار ذخایر احتمالاً کم خواهد بود	خوب تا متوسط	متوسط تا ضعیف	زئیر
سواحل آفریقای شرقی از سودان تا سومالی و ناحیه خلیج گینه در غرب نیجریه تواناییی دارد	خوب تا ضعیف	ضعیف	سایر کشورها

آمریکای لاتین

نیمکره غربی نوید بخش ترین منطقه جهت یافتن منابع نفتی جدید و عظیم در میان کشورهای کمتر رشد یافته غیر اوپیک است. حوزه‌های رفورمای^۱ مکزیک، در صورت اکتشاف کامل، به احتمال قریب به یقین معادل منابع نفتی خاور میانه نفت خواهد داشت. در این منطقه کار به سرعت پیش می‌رود، و در صورت از بین رفتن محدودیت‌های مالی و سیاسی پیشرفت بیشتری نیز حاصل خواهد شد. حوضچه‌های رسوبی بین آرژانتین و جزایر فالکلند^۲ که تاکنون حفاری نشده‌اند ظاهراً دارای تواناییهای عظیمی می‌باشند و شرایط عملیاتی سخت، قطعی نبودن اجزای سیاستهای نفتی آرژانتین و اختلاف انگلیس و آرژانتین در مورد مالکیت جزایر فالکلند منابع ادامه عملیات اکتشافی در این منطقه می‌شوند. دورنمای پیدایش ذخایر دیگر در سایر مناطق آمریکای لاتین که اکثرشان نسبتاً ناچیز می‌باشند، تقریباً خیلی دورتر از اورنیوکو^۳ و آمازون، در ترانس اندین^۴، پرو، اکوادور، بولیوی و فلات قاره برزیل امکان پذیر است. عدم موفقیت در گذشته، و در بعضی موارد، سیاستهای ناسیونالیستی دولتها عملیات اکتشافی را در حال حاضر محدود نموده است.

مکزیک

مکزیک در میان کشورهای کمتر رشد یافته غیر اوپیک نوید بخش ترین منطقه از نظر افزایش قابل ملاحظه بازده نفتی به‌شمار می‌آید. رئیس جمهور لوپز پورتیلو^۵ و مشاورین اصلی وی متقاعد شده‌اند که افزایش صادرات گاز طبیعی و نفت ضروری است و در مورد شرکت نفتی دولتی این کشور یعنی پمکس^۶ یک برنامه سرمایه‌گذاری جاه‌طلبانه را تصویب نموده‌اند. پایه ذخایر فعلی نفتی این کشور به تنهایی عظیم است و در صورت انجام اکتشافات جدید مقدار آن افزایش شدیدی خواهد یافت. پمکس نیز این توانایی را سریعاً گسترش می‌دهد. در صورت از بین رفتن محدودیت‌های مالی و در صورت تلاش همه جانبه لوپز پورتیلو گسترش این تواناییها با سرعت بیشتری انجام خواهد شد.

چشم‌انداز زمین شناسی

مکزیک در سال ۱۹۷۳ ذخایر نفتی عظیم رفورما^۷ در ایالات جنوب شرقی و تاباسکو^۸ و چیاپاز^۹ را کشف نمود. هم‌اکنون مقامات مکزیک معتقدند که این حوزه‌های نفتی واقع در خشکی با اکتشافات

1- Mexico's Reforma Fields.

2 - Falkland Islands.

3- Orinoco.

4- Trans - Andean.

5- Lopez Portilo.

6 - Pemex.

7- Reforma.

4- Tabasco.

9- Chiapas.

خارج از خشکی اخیر چاک^۱ در ۱۶۰ کیلومتری شمالی این حوزه مرتبط بوده و آن چنان منطقه تولیدی عظیمی را به وجود می‌آورند که می‌تواند با بزرگترین حوزه‌های نفتی عربستان سعودی از نظر وسعت به رقابت بپردازد. با استفاده از تعاریف صنعتی، برآورد می‌کنیم که ذخایر قطعی و احتمالی واقع در خشکی حوزه رفورما معادل ۲۵ میلیارد بشکه باشد. در صورت اثبات این ارقام از طریق حفاری می‌توان احتمال داد که ذخایر بالقوه نفتی این کشور چندین که ذخایر بالقوه نفتی این کشور چندین بار بیشتر از آنچه هست باشد. نفت حوزه رفورما کیفیت بالا و از نظر مقدار گوگرد متوسط (۱/۶ درصد وزنی) و دارای گراوینته ۲۸ تا ۳۰ درجه API می‌باشد. علاوه بر این حوزه رفورما دارای مقدار زیادی گاز طبیعی همراه است که به طور میانگین در برابر هر بشکه نفت ۱۳۰۰ فوت مکعب گاز طبیعی بدست می‌دهد.

از نظر تاریخی، فعالیتهای اکتشافی در منطقه دشتهای ساحلی خلیج مکزیک^۲ متمرکز بوده است. قبل از سال ۱۹۰۰ در ایالات تاماولیپاس^۳ و وراکروز^۴ نفت در اعماق کم کشف گردیده بود. حوزه بسیار بزرگ «گلويس لیس»^۵ مکزیک که در سال ۱۹۱۰ کشف گردید و حوزه‌های غنی پوزاریکا^۶ که در سال ۱۹۳۰ کشف شدند در زمره مهمترین اکتشافات نفتی زمان خود به حساب می‌آیند. پمکس در سالهای اخیر به فعالیتهای اکتشافی خود در مناطق دیگر افزوده است و مقامات معتقدند که تاکنون فقط ۱۰ درصد از مناطق نفت خیز کشف شده است. اخیراً ذخایر گازی بزرگی در شمال مکزیک بین نیوولاریدو^۷ و مونکوا^۸ کشف شده و در مناطق جدید ایالت وراکروز چاههای نفتی بسیار نویدبخشی حفر گردیده است. منطقه خارج از خشکی باجا کالیفرنیا^۹ نیز دارای تواناییهای عمده هیدروکربنی می‌باشد.

پمکس دانش فنی و پرسنل آموزش دیده لازم را برای انجام تمام مراحل عملیاتی صنعت نفت در اختیار دارد. مهندسين این شرکت در رابطه با حفر چاه در ذخایر کربناته دارای تخصص لازم می‌باشند. مکزیک در حال به ثبت رسانیدن اختراعات خود، به خصوص در زمینه پالایش بوده و در حال حاضر کمک‌های فنی در اختیار دیگر کشورها قرار می‌دهد. شرکتهای امریکایی هنوز هم اکثر تجهیزات و تکنولوژی مورد استفاده پمکس را تأمین می‌کنند، اما پرسنل پمکس تمام وظایف را به صورت رقابت آمیزی انجام می‌دهند.

جورج دیاز سرانو^{۱۰} از زمان انتصابش به عنوان مدیر کل پمکس از طرف لویز پورتیلو توانسته است

1- Chac.

2- Gulf of Mexico.

3- Tamaulipas.

4- Veracruz.

5- Golden Lane Fields.

6- Poza Rica Feilds.

7- Nuevo - Laredo.

8- Monclova.

9- Baja - California.

10- Jorge Diaz Serrano.

کارآیی و شایستگی کمپانی را بالا ببرد.

در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد که مکزیکی قادر خواهد بود سرمایه لازم جهت اجرای برنامه توسعه پمکس را تأمین نماید. برنامه شش ساله جدید خواستار آن است که سرمایه‌گذاری سالانه دو برابر میانگین سرمایه‌گذاری دو سال گذشته و معادل ۲/۵ میلیارد دلار در سال بشود. احداث یک خط لوله گازرسانی از حوزه رفورما به امریکا نیز به ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه دیگر نیاز خواهد داشت. افزایش سریع مخارج نفتی پمکس میزان قروض خارجی این شرکت را از ۱/۲۵ میلیارد دلار در سال گذشته به سطح ۲/۴ میلیارد دلار رسانیده است. گرچه نرخ اعتبارات تجاری هنوز هم خوب است، ولی اعتبارات محدودتر خواهد شد. پمکس تخمین می‌زند که لازم است نیمی از سرمایه مورد نیاز خود را از طریق منابع خارجی تأمین نماید.

طرح توسعه ۱۵/۱ میلیارد دلاری پمکس (۱۹۸۲ - ۱۹۷۷) به خوبی با تواناییهای فنی این کمپانی مطابقت دارد. این کمپانی در نظر دارد تا سال ۱۹۸۲ تولید روزانه خود را به ۲/۲ میلیون بشکه نفت و ۳/۶ میلیارد فوت مکعب گاز برساند. این طرح توسعه یک میلیارد دلار به اکتشافات مقدماتی، ۴ میلیارد دلار به حفاری، ۳/۲ میلیارد دلار به تولید، ۶/۹ میلیارد باقیمانده را به پالایش، تولید مواد پتروشیمیایی، بازاریابی و حمل نقل اختصاص داده است. برنامه حفاری مستلزم حفر ۲۱۰۰ چاه توسعه‌ای و ۱۳۰۰ فقره عملیات حفاری مخاطره‌آمیز، منجمله ۴۷۷ چاه توسعه‌ای در تاباسکو و چیاپاز و ۲۴ حلقه چاه اکتشافی و ۱۲۰ حلقه چاه توسعه‌ای در فلات قاره کامپه^۱ می‌باشد. طرح تولید نیز شامل تشدید بهره‌برداری از حوزه‌های فعلی تولیدی، بازاریابی ثانویه و توسعه حوزه‌های خارج از خشکی می‌باشد.

دورنما

در صورت اتخاذ یک طرح توسعه فعالتر و در صورت موجود بودن سرمایه خارجی کافی، مکزیکی حتی خواهد توانست بیش از برنامه تعیین شده کار انجام دهد. به این ترتیب در سال ۱۹۸۰ تولید روزانه معادل ۲/۲ میلیون بشکه و در سال ۱۹۸۲ بیش از ۳/۵ میلیون بشکه نفت خواهد گردید. تحقق چنین امری اجازه می‌دهد که در سال ۱۹۸۰، ۱/۲ و در سال ۱۹۸۲، ۲/۲ میلیون بشکه نفت در روز صادر شود. نحوه تولید هرچه باشد، حوزه رفورما باز هم سهم عظیمی را در تولید به عهده خواهد داشت. میزان موفقیت حفاری‌ها در این مناطق فوق‌العاده بوده و تنها ۱۵ درصد از چاهها خشک و یا غیر تجاری بوده است. مکزیکی علاوه بر طرح توسعه در جهت اجرای یک برنامه ۱/۵ میلیارد دلاری جهت احداث خط لوله گازی ۴۸ اینچی اقدام خواهد نمود. این خط لوله گاز را در طول یک فاصله ۱۲۰۰ کیلومتری از حوزه رفورما به مرز امریکا منتقل می‌نماید. این خطر لوله قرار است از طریق کاکتوس^۲ و چیاپاز به سواحل رینوزا^۳ برسد. احداث این خط لوله از هنگام شروع تا تکمیل دو تا سه سال طول خواهد کشید. ظرفیت واقعی خط لوله روزانه معادل ۲/۷ میلیارد فوت مکعب خواهد بود، با

1- Campeche.

2- Cactus.

3- Reynosa.

این حال مکزیک هر روز فقط ۱ میلیارد فوت مکعب گاز منتقل خواهد کرد، ولی تا سال ۱۹۸۲ میزان انتقال به ۲ میلیارد فوت مکعب در روز خواهد رسید. مصرف کنندگان داخلی ۰/۷ میلیارد فوت مکعب باقیمانده را مورد استفاده قرار خواهند داد.

با وجودی که به نظر می‌رسد لوپز پورتیلو به همکاری در زمینه انرژی علاقه داشته باشد، ولی صریحاً اظهار داشته است که چنین همکاری‌هایی باید حساسیت مکزیکی‌ها را نیز در نظر گرفته و نمی‌تواند تسلط کامل مکزیک در توسعه منابع خود را تحت کنترل قرار دهد. به علت تعصب مکزیکی‌ها در رابطه با کمپانیهای نفتی خارجی قراردادهای مشارکت در تولید را نمی‌توان به هیچ وجه مطرح نمود حتی اگر سبب شود که گسترش نهایی ذخایر بکندی صورت پذیرد.

آرژانتین

موقعیت آرژانتین برای گسترش ذخایرش تا چند برابر ۲/۵ میلیارد بشکه‌ای کنونی بسیار عالی است. فلات قاره این کشور که معادل ۲/۶ میلیون کیلومتر مربع می‌باشد تقریباً معادل چهار برابر وسعت ساحل امریکا در اقیانوس آرام بوده و یکی از نوید بخش‌ترین مناطق بکر جهان است. با وجود اینکه اکتشاف با زحمت شروع شده، ولی نتایج حاصله از مطالعات زمین‌شناسی منطقه وجود ذخایر عظیمی را نشان می‌دهد. ذخایر واقع در خشکی نیز احتمالاً بیش از ذخایر شناخته شده می‌باشد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

فلات قاره آرژانتین ممکن است ذخایر عظیمی از نفت را در بر گرفته باشد. بر اساس تحقیقات زمین‌شناسی سال ۱۹۷۴ ایالات متحده و بر اساس یافته‌های مقدماتی، این ناحیه می‌تواند حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت یا ۸۰ برابر ذخایر قطعی نیمکره غربی را در بر داشته باشد. دولت از دو کمپانی امریکایی یعنی مؤسسه خدمات ژئوفیزیک و کمپانی ژئوفیزیک غربی دعوت کرده است تا در این منطقه تحقیقات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری به عمل آورند. ولی نتایج نهایی تا مدتها معلوم نخواهند شد.

از هشت حوضچه رسوبی، دو حوضچه یعنی سان ژورگه^۱ و اوسترال^۲ (ماژلان) دنباله مناطق تولیدی مهم واقع در خشکی می‌باشند. حوضچه مالویناس^۳ نیز که در مجاورت حوضچه اوسترال قرار دارد از نظر متخصصین بسیار نویدبخش به حساب می‌آید لیکن عملیات اکتشافی با زحمت بسیار صورت می‌گیرد زیرا این حوضچه بین ناحیه تحت حاکمیت آرژانتین و حوزه جزائر فالکلند که توسط انگلیس اداره می‌شود ولی مورد ادعای آرژانتین می‌باشد قرار دارد و مورد اختلاف می‌باشد. در تحقیقات انگلیس احتمالاً بنا به دلایل سیاسی تواناییهای نفتی این منطقه ناچیز به حساب آمده است. دیگر مناطق احتمالی لیکن دارای میزان نویدبخشی کمتر در مجاور فالکلند یعنی بردوودبنک^۴، فلات

1- San Jorge.

2- Austral (Magellan).

3- Malvinas Basin.

4- Burdwood Bank.

فالکلند^۱ و حوضچه سان ژورگه نیز به سرنوشت مشابه دچار شده است. در دیگر مناطق خشکی اکتشافات با سهولت بیشتری انجام می‌شود و در حوضچه کلرادو^۲ خارج از باهیابیانکا^۳ عملیات هم‌اکنون آغاز شده است. کمپانی نفتی دولتی به نام «یاسی مینتوس پترولیوفروس فیسکالس»^{*} در اوایل سال جاری با استفاده از ماشین‌آلات حفاری خریداری شده از فرانسه عملیات حفاری در این منطقه را آغاز کرده است. اولین چاه که عملیات آن به پایان رسید بی‌حاصل بود، لیکن دومین چاه ظاهراً به سنگ حامل نفت برخورد کرده است و طرح چاه سوم نیز در دست اقدام است.

در سرتاسر آرژانتین اکتشاف مناطق ساحلی با سرعت بیشتری در حال انجام است. تمام ایالت‌های نیمه جنوبی کشور و ایالات جوجوی و سالتا^۴ در شمال غربی هم‌اکنون مشغول تولید نفت هستند. مندوزا^۵ در بخش غربی مرکز آرژانتین مهم‌ترین ایالت نفتی بوده و پس از آن چوبوت^۶، سانتاکروز^۷ و ریونگرو^۸ در جنوب قرار گرفته‌اند. اکثر حوزه‌ها کوچک هستند. در سال ۱۹۷۵ حوزه نفتی جدید و بزرگی در ایالات مندوزا کشف گردید و علاوه بر این در سال جاری چند حوزه جدید نیز در ایالات سالتا، نیوکن^۹، مندوزا، سانتاکروز و چوبوت کشف و گزارش گردیده است.

میزان ذخایر قطعی در چند سال گذشته تقریباً ثابت مانده است، به طوری که می‌تواند به مدت ۱۷ سال تولید ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز سال ۱۹۷۶ را تأمین نماید ولی بسیار کمتر از آن حدی است که دولت را در رسیدن به هدف خودکفایی نفتی تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ رهنمون شود. بازده کنونی می‌تواند ۸۵ تا ۹۰ درصد نیازها را تأمین نماید.

تواناییها و محدودیتها

اقتصاددانان دولتی برآورده کرده‌اند که برنامه توسعه نفتی آرژانتین در ده سال آتی به ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد و چون خود دولت قادر نیست تمام این سرمایه را تأمین نماید علی‌رغم سیاستهای ناسیونالیستی دولت‌های پیشین، مشارکت خصوصی و به‌ویژه خارجی را به صورت جزء لاینفک این برنامه درآورده است. قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی جونتتا^{۱۰} (شورای سیاسی دولتی) با کاهش تشریفات خسته‌کننده اداری و اطمینان به اینکه منافع و سرمایه قابل اعاده می‌باشد،

1- Falkland Plateau.

2- Colorado Basin.

3- Bahia Blanca.

#- Yacimientos Petroliferos Fiscales (YPF).

4- Satla and Jujuy.

5- Mendoza.

6- Chubut.

7- Santa Cruz.

8- Rio Negro.

9- Neuquen.

10- Junta.

سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌داری راغب نموده است. با این وصف اکثر کمپانی‌های خارجی منتظرند ببینند که آیا شرایط سیاسی و اقتصادی توأم با ثبات خواهد ماند یا خیر. علاوه بر سرمایه خارجی، آرژانتین به تکنولوژی خارجی، به ویژه به منظور حفاریهای خارج از خشکی نیاز دارد. دولت امیدوار است بتواند کمپانی‌های داخلی و خارجی را وادار به عقد قراردادهای مخاطره‌آمیز بنماید به این صورت که کمپانیها تکنولوژی و هزینه اکتشافی را فراهم نمایند و در عوض در منافع هر منبع کشف شده سهمی شوند. با وجود اینکه بعضی از کمپانی‌های خارجی قراردادهای اکتشافی را امضاء کرده‌اند، ولی سیاستهای در حال نوسان دولت‌های پیشین، آنها را از سرمایه‌گذاریهای سنگین باز می‌دارد تا مطمئن شوند که دولت کنونی آنقدر بر اریکه قدرت خواهد ماند که بتواند سیاستهای خود را به اجرا درآورد. با وجود اینکه چند منطقه نویدبخش خارج از خشکی در مجاورت بخش اصلی آرژانتین قرار دارد ولی ظاهراً مهمترین مناطق در خارج خشکی و در آبهای طوفانی بین منطقه اصلی و جزایر فالکلند واقع شده است. به خاطر شرایط جوی بسیار سخت این مناطق، عملیات اکتشافی این منطقه نیز مانند دریای جنوب چین به سختی و دشواری انجام می‌گیرد. در صورت پیدایش نفت، توسعه و حمل و نقل نفت نیز مشکل خواهد بود. ظاهراً انگلیس نیز میل ندارد عملیات اکتشافی نفتی در فالکلند صورت گیرد و احتمالاً علت آن نیز این است که اگر نفتی در آنجا کشف شود آرژانتین در ادعای خود نسبت به تصاحب این جزائر پافشاری خواهد کرد.

دورنما

دورنماها خوب هستند به طوری که آرژانتین به احتمال بسیار خواهد توانست منابع نفتی بسیار بزرگی را کشف نماید. چون در بسیاری از مناطق داخل خشکی و خارج خشکی شرایط زمین‌شناسی بسیار مناسب است. خودکفایی نفتی تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ یک هدف معقول است، لیکن در مورد زمان‌بندی آن هیچ تضمینی وجود ندارد. خطیرترین عامل کمک خارجی است، که آن هم به نوبه خود به ثبات سیاسی بستگی دارد. کمپانیهای نفتی خارجی باید متقاعد شوند که سیاست کنونی مناسب با فعالیتهای آنها پایدار خواهند بود و همان‌گونه که اغلب در گذشته رخ داده با یک یادداشت کوتاه دگرگون نخواهد شد.

ونزوئلا

دورنمای دستیابی ونزوئلا به منابع بزرگ و جدید نفتی مبهم است. با ۱۴ میلیارد بشکه ذخایر قطعی و احتمالی، پیش‌بینی می‌شود که تولید نفت در طی سالهای ۱۹۸۰ به رکود کشیده شده کاراکاس^۱ به عنوان پنجمین تولیدکننده بزرگ نفت مقام خود را از دست بدهد. علاوه بر این، به علت فرسایش حوزه‌های کنونی، بازده نفتی این کشور نیز در اواسط سالهای ۱۹۸۰ بشدت کاهش خواهد یافت. با وجود اینکه در خارج از خشکی و در فلات قاره این کشور مناطق بکر دارای توانایی نفتی وجود دارد، ولی کاراکاس در نتیجه سیاستهای ملی‌گرایانه خود رغبت کمپانی‌های نفتی بزرگ را در

1- Caracas.

این زمینه از بین برده است. ذخایر نفت سنگین عظیمی در اورینوکوتاربت^۱ وجود دارد، لیکن با تکنولوژی موجود و با صرف هزینه‌های بسیار تنها می‌توان بخش کوچکی از این ذخایر را بازیابی نمود.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

در سال ۱۹۱۴ یعنی سه سال پس از آغاز اکتشافات، ونزوئلا به اولین کشف تجاری نفتی خود دست یافت. از آن زمان تاکنون، تولید تنها در داخل و اطراف دریاچه ماراکائیبو^۲، خصوصاً در حوزه ساحلی بولیوار^۳، یعنی چهارمین حوزه بزرگ دنیا متمرکز بوده است. این حوزه در سال ۱۹۱۷ کشف گردید و هنوز هم مهمترین منبع تولیدی ونزوئلاست و روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت از آنجا استخراج می‌گردد. دیگر مناطق تولیدی عبارتند از حوضچه ماتورین^۴ در شرق ونزوئلا که از ایالت گواریکاتو^۵ در سواحل اقیانوس آرام شروع شده، و حوزه باریناس^۶ در جنوب و حوزه فالكون^۷ در شمال این کشور ادامه دارد.

در سالهای اخیر عملیات اکتشافی ناچیزی صورت گرفته است و ذخایر قطعی و احتمالی ۱۷/۴ میلیارد بشکه‌ای سال ۱۹۶۰ را تا ۱۹۷۶ به سطح ۱۴ میلیارد بشکه تقلیل داده است. قبل از ملی شدن نفت در سال ۱۹۷۶، سیاستهای ملی‌گرایانه روزافزون سبب گردید که اقدامات اکتشافی شرکتهای نفتی خارجی در مناطق مورد امتیاز یا قراردادی‌شان در جنوب دریاچه ماراکائیبو دچار محدودیت بسیار شود. مؤسسه نفتی ونزوئلا^۸ که یک شرکت نفتی دولتی است، مسئول اکتشاف در مناطق دیگر شد، لیکن به علت فقدان سرمایه و تخصص کافی نتوانست عملیات اکتشافی مهمی را انجام دهد.

از زمان ملی شدن صنعت نفت، اکتشافات نیز کندتر شده است. در سال ۱۹۷۶ پترولئوس دو ونزوئلا^۹ که کمپانی ملی نفتی جدید این کشور است اقدام به حفر ۳۹ حلقه چاه اکتشافی در حوضچه‌های ماراکائیبو و فالكون نمود. در سه حوزه جدید با شرایط نامساعد چاههایی حفر گردید که دو حوزه آن بی‌حاصل و در یکی از حوزه‌ها در حوضچه فالكون که تا اعماق ۱۵۰۰ متری حفاری شده بود، روزانه ۱۱۲۶ بشکه نفت با ۲۲ درجه API تولید شد. دیگر حفاریها نیز به همین ترتیب، و نتیجه آن ۲۱ حلقه چاه نفت مولد و ۱۵ حلقه چاه بی‌حاصل بود. قرار است در سال جاری ۵۷ حلقه چاه اکتشافی حفر گردد. به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری از ۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به سالانه ۱/۶ میلیارد در طول سالهای ۸۰ - ۱۹۷۸ پترولئوس در نظر دارد اقدامات اکتشافی خود را گسترش

1- Orinoco Tar belt.

2- Lake Maracaibo.

3- Bolivar Coastal Field.

4- Maturin Basin.

5- Guarico.

6- Barinas.

7- Falcon.

8- Venezuelan Petroleum.

9- Petroleos de Venezuela.

دهد. طبق برنامه‌های ونزوئلا قرار است تا سال ۱۹۸۰ معادل ۱/۵ میلیارد بشکه به ذخایر کنونی افزوده شود.

به‌خصوص در ماوراء دلتای رودخانه اورینوکو؛ در طول فلات قاره کارائیب^۱ به‌خصوص در خلیج تریسته،^۲ خلیج کورو،^۳ و در صورت حل اختلافات مرزی با کلمبیا در خلیج ونزوئلا، ذخایر طولی‌المدت احتمالی آن در اورینوکوتاریلت واقع شده است. طبق اظهارات دولت، نتایج اولیه برنامه مختصر لرزه‌نگاری و حفاری نشان می‌دهد که نفت موجود در این منطقه دارای ۸ تا ۱۰ درجه API می‌باشد و ذخایر موجود بالغ بر ۳ تریلیون بشکه خواهد بود. که با استفاده از تکنولوژی موجود فقط ۱۰ درصد آن قابل بازیابی می‌باشد. لازمه افزایش میزان بازیابی فائق آمدن بر مشکلات موجود در استخراج نفت سنگین و کاهش مقدار عناصر فلزی و گوگرد آن است.

تواناییها و محدودیتها

مهمترین عوامل محدودکننده افزایش تولید ونزوئلا عبارتند از: محدودیت ذخایر ملی این کشور، روحیه توأم با صرفه‌جویی حاکم بر سیاست نفتی، توانایی محدود صنعت نفت ملی شده در اجرای برنامه‌های اکتشافی بزرگ و عدم تمایل دولت به گسترش نقش شرکتهای خارجی و رای قراردادهای کمک فنی و بازاریابی کنونی. علاوه بر این، اختلافات مرزی موجود بین این کشور و کلمبیا در مورد خطوط مرزی خلیج ونزوئلا نیز از انجام اکتشاف در این منطقه نویدبخش ممانعت به عمل می‌آورد. کشف نفت در فلات قاره مجاور با ترینیداد^۴ یا آنتیل^۵، هلند^۶ و توباگو^۷ که دارای مرز مشخصی نیست می‌تواند منجر به منازعات مرزی و کند شدن توسعه فعالیتها گردد.

محدودیت توانایی فنی کاراکاس نیز در انجام برنامه‌های اکتشافی مهم، توسعه تکنولوژی پیچیده مورد نیاز جهت بهره‌برداری از نفت سنگین اورینوکو تاریلت در حفظ ظرفیت تولیدی موانعی ایجاد کرده است. لازمه آغاز برنامه‌های مهم و جدی افزایش مشارکت شرکتهای نفتی خارجی است. ولی نگرانی‌های موجود در رابطه با حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تشنج‌های سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری سبب خواهد شد که کاراکاس نتواند قبل از سال ۱۹۷۹ نقش بیگانگان را در این امر توسعه دهد.

هزینه‌های عملیات بزرگ اکتشافی و گسترشی که برای رسانیدن ذخایر کاراکاس به سطح تعیین شده ۱۵/۵ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۰ لازم است احتمالاً بیش از هزینه‌های تعیین شده خواهد بود. برنامه‌ریزان ونزوئلا در تعیین برآورد هزینه مربوط به برنامه‌های خود ظاهراً از ارقام و آمار سال ۱۹۷۴ در مورد کشف و گسترش نفت در آمریکای لاتین استفاده کرده‌اند. در طرح سه میلیارد دلاری

1- Caribbean Continental Shelf.

2- Triste.

3- Coro.

4- Trinidad.

5- Antilles.

6- Netherlands.

7- Tobago.

اکتشاف و گسترش ذخایر، مخارج اضافی حفاری در مناطق خارج از خشکی و چاههای عمیق داخل خشکی در نظر گرفته نشده است. حتی با وجود درآمد عظیم نفتی کنونی، ونزوئلا حتماً به سرمایه‌گذارهای خارجی جهت اجرای برنامه‌های عظیم خود احتیاج خواهد داشت.

دورنما

محدودیت‌های سیاسی و نیروی انسانی احتمالاً مانع از آن خواهد شد که ونزوئلا بتواند به یک برنامه اکتشافی عظیم در چند سال آتی مبادرت ورزد و تولید نیز احتمالاً تا پایان سال ۱۹۸۰ در سطح کنونی ۲/۳ میلیون بشکه در روز باقی خواهد ماند. در درازمدت و به دنبال کاهش تولید حوزه‌های تهی شده، کاراکاس ممکن است به افزایش مشارکت بیگانگان تمایل نشان دهد. با یک فعالیت اکتشافی بزرگ و کشف نفت در مناطق نویدبخش خارج از خشکی، کاهش ذخایر نفتی ونزوئلا ممکن است برای مدتی توقف گردد.

پرو

میزان پایین بازیافت به دنبال افزایش اکتشاف در چند سال اخیر سبب شده است که پرو دیگر انتظار نداشته باشد که بتواند از نظر تولید و صدور نفت همپای اوپک عمل نماید. علیرغم کاهش شدید فعالیت‌های اکتشافی سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در حوضچه آمازون^۱، اکتشافات جدید مقدار ناچیزی به میزان صادرات نفتی اضافه کرد. مازاد رو به افزایش تولیدات حوضچه آمازون از طریق یک خط لوله پر خرج جدید به نام ترانس - آندین^۲ به ساحل منتقل خواهد شد (به نقشه صفحه ۸ مراجعه کنید).^۳ بدین وسیله تولید نفت حوزه‌های قدیمتر داخل و خارج خشکی در شمال غربی پرو از ۷۷۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۶ به سطح ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ افزایش خواهد یافت. حتی با دست یافتن به حوزه‌های نفتی خارج از خشکی در مناطق کشف نشده حوضچه آمازون، پرو قادر خواهد بود مقدار ناچیزی بر نفت صادراتی خود در سال‌های ۱۹۸۰ بیفزاید.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

تا اوایل سال ۱۹۶۰، فعالیت نفتی پرو در نزدیکی تالارا^۴ در ساحل شمال غربی متمرکز بود. حوزه‌های نفتی داخل خشکی اطراف تالارا از جمله کهنسال‌ترین حوزه‌های نفتی نیمکره غربی بوده و بهره‌برداری تجاری از آنها به مدت ۱۰۰ سال ادامه داشته است. این حوزه‌ها تحت تصرف و عملیات کمپانی آمریکایی پترولیوم اینترنشنال^۵ بود و در سال ۱۹۶۸ اعاده و به کمپانی نفتی جدیدالتأسیس

1- Amazon Basin.

2- Trans - Andean.

۳- منظور صفحه ۸ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Talara.

5- U. s. International Petroleum Company.

دولتی به نام پترو پرو^۱ اقدامات اکتشافی خود را در محدوده^۲ خارج از خشکی تالارا آغاز نمود و در حال حاضر روزانه بیش از ۳۰۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌نماید. در ماه مه ۱۹۷۷ بلکو اعلام کرد که به یک کشف نوید بخش در شمال منطقه عملیاتی پیشین دست یافته که می‌تواند ۲۰۰۰ بشکه نفت با ۳۶ API روزانه و گوگرد ناچیز تولید نماید. در اواخر سال جاری چاه‌های اکتشافی دیگر درجه^۳ در همین منطقه حفر خواهد گردید.

تلاش‌های اکتشافی سال‌های ۱۹۷۰ در داخل خشکی و در حوضچه وسیع بالای آمازون در شمال شرقی پرو متمرکز بوده است. این منطقه نیز به علت نزدیکی آن با منابع عظیم مکشوفه در اکوادور بسیار نویدبخش به نظر می‌آمد. در ماه نوامبر ۱۹۷۱ پترو پرو با حفر اولین چاه به نفت دست یافت. دوازده حلقه چاه حفر شده بعدی نیز به نفت رسید که میانگین افزونی درجه^۴ API آنها ۲۰ و میزان تولید هر یک ۳۰۰۰ بشکه در روز بود. به دنبال حفاری‌های موفقیت‌آمیز پترو پرو، کمپانی نفتی اکسیدنتال^۵ نیز در اکتبر ۱۹۷۲ تعداد ۱۰ حلقه چاه تجاری در جنگل‌های مجاور اکوادور حفر نمود. نفت کشف شده اکسیدنتال دارای درجه^۶ API ۳۰ و مقدار گوگرد کمتر، و توان تولیدی ۳۴۰۰ بشکه در روز بود. این موفقیت‌های زودرس سبب شد که تا سال ۱۹۷۴ تعداد ۱۸ کمپانی یا گروه به این جنگل هجوم آورده و در منطقه‌ای به وسعت ۲۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع به عملیات اکتشافی مشغول شدند. معذالک نفت مکشوفه توسط یونیون اویل^۷، آموکو^۸، فیلیپس^۹ و هیسپان اویل^{۱۰} سنگین و غیر تجاری بود. عدم موفقیت در دستیابی به ذخایر تجاری بیشتر، سبب خروج تمام پیمانکاران به استثناء اکسیدنتال از جنگل گردید.

تکمیل خط لوله نفتی ترانس - آندین که اخیراً صورت گرفت احتمال کشف و توسعه^{۱۱} مناطقی از جنگل آمازون را که هنوز دست نخورده است بالا می‌برد. این خط لوله ۶۷۰ میلیون دلاری که می‌تواند نفت را از حوضچه آمازون به بندر بیووار^{۱۲} در اقیانوس آرام منتقل کند، در ماه مه سال ۱۹۷۷ عملیات خود را آغاز کرده است. تکمیل خط لوله ۱۳۰ میلیون دلاری اکسیدنتال که از سطح کنونی ۴۰۰۰۰ بشکه در روز به سطح تقریبی ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد. بازده ذخایر قطعی کنونی نیز تا سال ۱۹۸۰ به حد اعلا^{۱۳}ی خود یعنی ۱۳۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید.

تواناییها و محدودیت‌ها

با وجود بالا رفتن مهارت‌های فنی و مدیریتی پترو پرو از سال ۱۹۶۸، تواناییهای این کمپانی فقط به حفاری در مناطق داخلی خشکی محدود می‌باشد. علاوه بر این کمپانی دولتی دچار کمبود سرمایه^{۱۴} جاری و ظرفیت محدود قروض خدماتی شده است. تأمین ۸۰۰ میلیون دلار هزینه لازم جهت احداث

1- Belco Petroleum.

2- Occidental Petroleum Company.

3- Union Oil.

4- Amoco.

5- Phillips.

6- Hispanoil.

7- Bayovar.

سیستم خط لوله ترانس - آندین که در روزهای اولیه رونق هجوم به جنگل انجام شد پترو پرو را در محدوده مدیریتی وامها قرار داده و سرمایه‌ای جهت اکتشافات نفتی باقی نگذاشت. قبل از عدم پذیرش قراردادهای جدید توسط پرو در سال ۱۹۷۳ به منظور تسریع در اکتشاف مناطق وسیع جنگل که از سال ۱۹۷۱ شروع شده پترو پرو با کمپانی‌های نفتی بین‌المللی در مورد ۱۸ قرارداد مشارکت در تولید وارد مذاکره شد به طوری که هر کدام از این قراردادها در مناطقی به وسعت ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع در حوضچه پاستازا - مارانون^۱ به مرحله اجرا گذاشته شود. این قراردادها شرایط عملیاتی بسیار سختی را تعیین کرده و قرار بود که ۵۰ تا ۵۶ درصد نفت مکشوفه از آن پترو پرو باشد. این قراردادها یک امتیاز کشف و بهره‌برداری ۳۵ ساله را اعطا می‌کرد، و علاوه بر تعیین برنامه‌های حفاری بسیار شدید، کمپانی‌ها را ملزم می‌کرد که پس از هفت سال نیمی از مناطق مکشوفه را به پترو پرو واگذار نماید. اکثر پیمانکارانی که در دو سال آخر پرو را ترک گفته بودند، نتوانستند برنامه حفاری خود را به پایان برسانند و ترجیح دادند که یک تا دو میلیون خسارت را پرداخته و هزینه‌های مربوط به چاه‌های بی‌حاصل دیگر را متحمل نشوند.

دورنما

موقعیتهای جذب اکتشافات جدید از طریق شرکتهای خارجی به دلیل تجارت تلخ حاصله از حوضچه آمازون دچار سرانجام نامطلوب گردیدند. با وجود این که لیما^۲ اعلام کرده است که حاضر است قراردادهای جدیدی در رابطه با جنگل و فلات قاره مورد مذاکره قرار دهد، ولی تا به حال هیچ یک از شرکتهای خارجی پیشنهادی ارائه نکرده‌اند. دولت پرو نیز در پاسخ به پیشنهادات دلسرد کننده پیشنهادات خود را با شرایط جالب و انعطاف‌پذیر جرب و نرم تر کرده است. پرو حتی با تجدید مشارکت شرکتهای نفتی خارجی نیز نمی‌تواند در آینده نزدیکی از صورت یک صادر کننده کوچک نفتی خارج شود. تا سال ۱۹۸۰ کل نفت تولیدی به انضمام بازده حاصله از مناطق آمازون و تالارا، نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز بشود که از این مقدار ۳۰۰۰۰ بشکه در روز قابل صدور خواهد بود.

اکوادور

در صورتی که اقدامات اکتشافی کافی صورت گیرد، اکوادور خواهد توانست معادل ۱ تا ۱/۵ میلیارد بشکه به ذخایر قطعی و احتمالی ۱/۷ میلیارد بشکه‌ای خود بیفزاید. با این وصف اگر دولت قادر به جذب مشارکت وسیع خارجی نباشد تحقیق و تجسس به کندی به پیش خواهد رفت.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

تولید نفت اکوادور در شبه جزیره غربی سانتالنا^۳ از سال ۱۹۱۱ آغاز گردید. عملیات اکتشافی در

1- Pastaza - Maranon Basin.

2- Lima.

3- Santa Elena Peninsula.

اورینته^۱ از سال ۱۹۳۷ آغاز گردید، لیکن تنها پس از اکتشاف منبع لاگواگریو^۲ توسط کنسرسیوم تکساگوگلف^۳ چندین حوزه کوچکتر و تجاری در نقاط دیگر ایالت ناپوی کشف شد، ولی روابط ضعیف بین دولت و کمپانی از گسترش آن ممانعت به عمل آورده است. ایالت ناپوی تقریباً تمام ذخایر نفتی شناخته شده اکوادور را در بر گرفته و نفت آن دارای گوگرد کم و API آن بین ۲۹ تا ۳۱ درجه می‌باشد.

اندیشه وجود ذخایر نفتی وسیع در ایالت پاستازای اورینته^۴ که از بین رفته است. حوضچه آمازون، که تکساگوگلف در آن به کشفیاتی دست یافته تا جنوب ایالت پاستازا گسترده بود و تا پرو ادامه می‌یابد. پس از کشفیات اولیه تکساگوگلف، شرکت‌های بین‌المللی هجوم آوردند تا امتیاز کل این ایالت را از آن خود سازند. با این وصف، حفاری‌های اکتشافی سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ منجر به کشف نفت نشد، و مداخله دولت نیز سبب شد که بسیاری از کمپانی‌های امتیازات خود را رها سازند.

توسعه و اکتشاف بیشتر خواهد توانست یک تا ۱/۵ میلیارد بشکه به ذخایر نفتی اکوادور بیفزاید. با وجود اینکه بخش اعظم ذخایر جدید احتمالاً در مجاورت مناطق تولیدی کنونی کشف خواهد شد، در نقاط دور افتاده شرق ایالت ناپو یعنی محل انجام عملیات اکتشافی شرکت نفت دولتی اکوادور نیز احتمال پیدایش منابع تجاری وجود دارد. شرکت نفت دولتی اکوادور^۵ اخیراً در دو حوزه یعنی شیری پونو^۶ و تیواکونو^۷ به نفت دست یافت لیکن هزینه حمل و نقل این نفت سنگین که درجه API آن ۱۹ تا ۲۰ است غیر تجاری است. کمپانی آرژانتین نیز در پاستازای شمال موفقیت‌هایی کسب کرده است. اولین چاه اکتشافی این شرکت یعنی کوراری ۱ - I با میزان ۱۰۰۰ بشکه در روز و API ۲۵ تا ۳۰ درجه آزمایش شد و این کمپانی در نظر دارد در سال جاری دو حلقه چاه اکتشافی دیگر حفر نماید. افزایش سرمایه‌گذاری نیز به اکوادور اجازه خواهد داد که از ۱۱ تریلیارد فوت مکعب ذخایر قطعی و احتمالی گاز طبیعی خود بهره‌برداری نماید. در مورد احداث یک کارخانه بازیابی گاز در ناپو کارهای مقدماتی آغاز شده است. ذخایر خلیج گایاکیل^۹ به علت اختلافات بین دولت و کمپانی نورث وست انرژی^{۱۰} مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

تواناییها و محدودیت‌ها

شرکت نفت دولتی اکوادور یعنی تنها شرکت نفتی داخلی این کشور تخصص فنی و سرمایه لازم

1- Oriente.

2- Lago Agrio.

۳- منظور صفحه ۸ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Oriente's Pastaza Province.

5- Ecuadorean State Petroleum Corporation (CEPE).

6- Shiripuno.

7- Tivacuno.

8- Curarag X - 1.

9- Gulf of Guayaquil.

10- Northwest Energy.

جهت انجام اکتشاف و توسعه را در اختیار ندارد. این شرکت در طول پنج سال موجودیت خود تنها توانسته است پنج حلقه چاه حفر نماید. شرایط ارضی سخت جنگل‌های شرق اکوادور و کمبود تجهیزات نیز بر فقدان تجربه شرکت نفت دولتی اکوادور اضافه شده است. علیرغم ازدیاد قیمت نفت، سوسید قیمت نفت داخلی و رکورد فروش‌های بین‌المللی، سرمایه‌های شرکت نفت دولتی اکوادور محدود کرده است. در رابطه با درآمد عملیاتی، این شرکت به سودهای عاید متکی است، و عوارض و مالیاتهای نفتی حاصله از کمپانی‌های خارجی برای اهداف دیگر به مصرف می‌رسد.

بعضی از سازمانهای دولتی به اهمیت جلب شرکت‌های خارجی پی برده‌اند. سیاست‌های نفتی شدیداً ناسیونالیستی اکوادور سبب خروج شرکت‌های خارجی و عقب نشینی کمپانی گلف^۱ در اواخر سال گذشته گردید. هزینه بالای عملیات اکتشاف از سال ۱۹۷۲ تاکنون بر طرز تفکر مدیر کل بخش هیدروکربن وزارت منابع طبیعی یعنی رقیب شرکت نفت دولتی اکوادور تأثیر گذاشت. با بهره‌برداری از ناراضیاتی همه جانبه ناشی از عدم توانایی و فساد در شرکت نفت دولتی اکوادور، مدیر کل بخش هیدروکربن خواستار ایجاد انگیزه‌های جدید برای بیگانگان شد. به هنگام گفتگوی اخیر در مورد برنامه کاری سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ کمپانی تکساکو از روحیه مثبت کیتو^۲ متعجب گردید.

دورنما

توسعه ذخایر جدید اکوادور احتمالاً کاری بیش از ممانعت از کاهش تولید تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ انجام نخواهد داد. اگرچه در طرز برخورد دولت با کمپانی‌های خارجی باید بهبودی پدید آید، ولی سوابق گذشته کیتو (پایتخت اکوادور - م) و تواناییهای محدود زمین شناسی اکوادور نخواهد توانست هجوم سرمایه‌های عظیم خارجی را ترغیب نماید.

برزیل

تواناییهای نفتی برزیل علیرغم اکتشافات انجام شده از سالهای ۱۹۳۰ تاکنون هنوز هم تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد نویدبخش‌ترین مناطق در خارج از خشکی واقع شده باشند. پتروبراس^۳، شرکت نفت دولتی این کشور، از سال ۱۹۷۳ اقدامات اکتشافی خارج از خشکی خود را افزایش داده و در نتیجه آن در حوزه کامپوس^۴ در خارج از سواحل ریودوژانیرو^۵ و در دهانه آمازون به کشفیات مهم دست یافته است. پتروبراس علیرغم این موفقیت‌ها استعداد فنی و مالی لازم جهت افزایش سریع فعالیتهای اکتشافی و تولیدی را در اختیار ندارد. دولت نیز به کمپانی‌های خارجی جهت تسریع در تجسس نفت چشم دوخته، لیکن تاکنون نسبت به ارائه شرایطی که به نحو مؤثری جذب کننده باشد بی‌میل بوده است.

1- Gulf.

2- Quito.

3- Petrobras.

4- Campos Basin.

5- Rio de Janeiro.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

بخش اعظم نفت برزیل از حوزه‌های ساحلی شمال شرق تولید می‌شود. کاهش دائمی تولید نفت حوزه‌های داخل خشکی تأثیر افزایش آرام بازده نفتی حوزه‌های خارج از خشکی را از بین برده و سبب رکود تولید کلی نفت برزیل از سال ۱۹۶۳ در سطح تقریبی ۱۷۵۰۰۰ بشکه در روز گردیده است. تحقیقات موفقیت‌آمیز لرزه‌نگاری و کشف حوضچه عظیم کامپوس که ۹۰ درصد ذخایر قطعی و احتمالی ۶۶۸ میلیون بشکه‌ای برزیل را در بر می‌گیرد، سبب شده است که پتروبراس عملیات اکتشافی خود را در فلات قاره خود بر وسعت ۸۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع متمرکز سازد. برنامه نفتی جاه‌طلبانه دولت مستلزم صرف ۷۳۰ میلیون دلار در زمینه توسعه و اکتشاف می‌باشد که دو برابر مخارج سال ۱۹۷۶ است. قرار است در طول سه سال آینده سالانه تعداد ۱۶۸ چاه اکتشافی جدید عمدتاً در خارج از خشکی حفر گردد، لیکن در سال ۱۹۷۳ تنها ۳۰ حلقه از این چاه‌ها حفر گردید.

به استثناء منابع عمیق کامپوس، پتروبراس فعالیتهای اکتشافی خارج از خشکی خود را در آبهای کم عمق متمرکز می‌کند. در سال ۱۹۷۶، پتروبراس در دهانه رود آمازون منابع گاز و نفت کشف نمود که به عقیده زمین‌شناسان از جمله نویدبخش‌ترین مناطق برزیل به حساب می‌آید. میزان جریان گاز چهار حلقه چاه آزمایشی بسیار وافر و روزانه معادل ۱۵ تا ۲۵ میلیون فوت مکعب بود. در سرگیبه^۱، آلاگوس^۲ و ریوگرند و نورت^۳ در شمال شرق نیز منابع کوچک نفتی کشف گردید.

در سال گذشته، پتروبراس چند قرارداد ریسک‌آمیز با چهار کمپانی نفتی بین‌المللی یعنی، اکسون^۴، بریتیش پترولیوم^۵، ئی ال اف^۶ و شرکت ملی نفت ایتالیا و کمپانی شل^۷ منعقد ساخت تا در لایه‌های عمیق حوزه‌های خارج از خشکی به اکتشافات سخت‌تری بپردازند. پتروبراس در رابطه ۲۵ بلوک خارج از خشکی (در حالی که در دور اول تنها ۱۰ بلوک را پیشنهاد کرده بود) واقع در دهانه رود آمازون و سانتوز^۸ و حوضچه پلوتاس^۹ در جنوب به مناقصه گذاشت. این بلوک‌ها نیز بر اساس سوابق لرزه‌نگاری که نشان دهنده تواناییهای نفتی بود به مناقصه گذاشته شد ولی تا کنون نفت‌دارای ارزش تجاری از این نقاط بدست نیامده است. مذاکرات مربوط به قراردادها تا پایان سال جاری آغاز خواهد شد.

تواناییها و محدودیت‌ها

با وجود اینکه پتروبراس یکی از با صلاحیت‌ترین کمپانی‌های نفتی دولتی در جهان است، ولی از

1- Sergipe.

2- Alagoas.

3- Rio Grande de Norte.

4- Exxon.

5- British Petroleum.

6- ELF/AGIP.

7- Shell.

8- Santos.

9- Pelotus.

جمله ناسیونالیست‌ترین و بوروکرات‌ترین شرکت‌های دولتی برزیل به شمار می‌رود. مقامات پتروبراس علیرغم کمبودهای فنی و منابع مالی، در برابر مداخله بیگانگان در صنعت نفت مقاومت کرده و می‌کنند. عدم تمایل این کمپانی به درخواست کمک از بیگانگان در مورد حل مشکلات توسعه کامپوس نشانگر جدیت مسئله است. پتروبراس فاقد تخصص لازم جهت استخراج نفت از مخازن آهکی عمیق که بهترین ذخایر کامپوس به شمار می‌آیند، می‌باشد. در نتیجه اکثر چاه‌های کامپوس در مناطق کم عمق و در مناطق دارای کیفیت نامرغوب حفر شده است.

با وجود اینها صورتحساب سرسام‌آور نفت وارداتی و توانایی محدود پتروبراس در انجام اکتشافات خارج از خشکی در سال ۱۹۷۵ دولت را وادار به دعوت از پیشنهاد بیگانگان در مورد مناطقش اجاره‌ای نمود، ولی برزیل در جذب کمپانی‌های خارجی دچار مشکلات شده است.

تنها بلوک‌های کوچک را به مناقصه گذارده و بهترین مناطق را برای خود حفظ کرده بود. بعضی از کمپانی‌های نیز معتقدند که پتروبراس اطلاعات حیاتی حاصل از زمین‌شناس را در مجموعه‌های لرزه‌نگاری که به آنها فروخته قرار نداده است. علاوه بر این، برزیل بر قراردادهایی تاکید دارد که منافع کمپانی‌ها را محدود سازد. به این ترتیب که: (الف) هر گونه گاز مکشوفه از آن برزیل باشد، (ب) منافع کمپانی‌های نفتی محدود به نرخ تعیین شده در مناقصه خودشان باشند، (ج) عملیات اکتشافی باید در مدت کوتاهی به پایان برسد.

محدودیت‌های مالی برزیل را وادار خواهد کرد تا در تلاشهای خود به منظور گسترش صنایع نفت به کمپانی‌های خارجی متکی باشد. گسترش منابع خارج از خشکی خصوصاً پر خرج خواهد بود و طبق برآورد پتروبراس ۴ میلیارد ریال سرمایه لازم دارد تا حوزه کامپوس مورد بهره‌برداری کامل قرار گیرد. به دلیل نیاز به تکنولوژی بسیط زیربنایی و پیچیده، توسعه منابع دهانه رود آمازون و ماوراء آن پرخرج می‌باشد.

ژنرال^۱ رئیس جمهور برزیل پس از شناخت این نقائص به پتروبراس دستور داد که از ایجاد موانع بر سر راه مشارکت خارجی‌ها دست برداشته و مناطق نویدبخش‌تر از نظر زمین‌شناسی را به مناقصه بگذارد. در نتیجه پتروبراس، در آخرین دور قراردادهای مناطقی بیشتری را در معرض اکتشاف گذاشت، و اظهار داشت که در مورد تولید گاز نیز حاضر است به مذاکره بپردازد و علاوه بر این نرخ اطلاعات لرزه‌نگاری رانیز پایین آورده است.

برزیل همچنین محدودیت‌های مربوط به ورود تجهیزات نفتی که مشابه آن در داخل ساخته می‌شود را و اظهار داشت که گسترش سریع منابع نفت داخلی از اهمیت و اولویت برخوردار است. با این وجود تغییرات در رهبریت پتروبراس در سال جاری احتمالاً تأثیر سریعی بر این کمپانی نخواهد داشت.

دورنما

آینده برزیل به عنوان یکی از تولیدکنندگان نفت تا حد زیادی به اکتشافات خارج از خشکی بستگی دارد که هنوز در مراحل اولیه به سر می‌برد. با این وصف، حتی اگر مشخص شود که بعضی از

1- Geisel.

مناطق بسیار مولد هستند احتمال کمی وجود دارد که برزیل بتواند آنها را به موقع توسعه دهد تا بتواند به هدف خودکفایی نفتی خود تا سال ۱۹۸۶ دست یابد. اظهارات علنی پیشین مقامات برزیلی مبتنی بر اینکه تا سال ۱۹۸۰ تولید نفت این کشور به سطح ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید، بسیار خوش بینانه است. بازده حوضچه کامپوس تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ احتمالاً تولید نفت برزیل را بیش از دو برابر کرده و به سطح ۴۰۰۰۰۰ درصد نیاز خواهد رساند ولی این اضافه تولید تنها خواهد توانست ۳۰ درصد نیاز نفتی برزیل را تأمین نماید. دسترسی برزیل به سطوح بالاتر تولیدی تا حدود زیادی بستگی به توانایی این کشور در جلب کمپانی‌های خارجی دارد.

بولیوی

با در نظر گرفتن اکتشافات اخیر و ساختارهای زمین شناسی متعدد قابل اکتشاف این کشور، بولیوی به احتمال قریب به یقین خواهد توانست سطح ذخایر نفتی کنونی خود را از ۲۳۰ میلیون به ۲۷۰ میلیون بشکه برساند. حتی اگر اکتشافات دیگری نیز صورت نگیرد، در چند سال آینده تولید این کشور باید دو برابر و به سطح ۷۰۰۰۰ بشکه در روز برسد زیرا ذخایر مکشوفه گسترش داده شده‌اند.

دورنمای زمین‌شناسی

بولیوی در ابتدا در سالهای ۱۹۲۰ در مناطق جنوبی و جنوب شرقی کشور به نفت دست یافت، ولی تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ به اقدامات توسعه‌ای و اکتشافی وسیع مبادرت نکرد. فعالیتهای اکتشافی سبب شد که سطح ذخایر نفتی کنونی از ۲۳۰ میلیون به ۲۷۰ میلیون بشکه برسد، که اکثر این ذخایر نیز در بخش مرکزی و جنوب شرقی کشور واقع شده است (به نقشه صفحه ۱۶ نگاه کنید).^۱ منابع وسیع گازی نیز در این کشور کشف گردید و اکثر گاز آن به آرژانتین صادر می‌گردد. آخرین یافته‌های تجاری شامل حوزه ۱۵ میلیون بشکه‌ای کامبیتی^۲ در بخش جنوبی و حوزه ۹ میلیون بشکه‌ای اسپه جوس^۳ در بخش مرکزی است که هر دوی آنها توسط کمپانی نفتی دولتی بولیوی^۴ کشف شده است. حوزه تیتا^۵ متعلق به کمپانی اکسیدنتال در حوضچه کاراندیتی^۶ واقع شده است ذخایری معادل ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون بشکه نفت را شامل می‌شود. اکتشافات انجام شده در شمال غربی، جنوب و منطقه آلتیپلانو^۷ موفقیت چندانی به همراه نداشته است.

۱- منظور صفحه ۱۸ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

2- Cambeiti Field.

3 - Espejos.

4- Bolivian state oil Company (YPFB).

5- Tita.

6- Carandaity.

7- Altiplano.

تواناییها و محدودیتها

در سال ۱۹۷۲ پس از آنکه دولت بولیوی دریافت که تکنولوژی، نیروی انسانی و منابع مالی خارجی جزء لاینفک توسعه بیشتر است، انحصار اکتشاف نفت دولتی بولیوی را از میان برداشت. قوانین جدید، امتیازات یک میلیون هکتاری و ۴۰ تا ۵۰ درصدی نفت مکشوفه جدید را در اختیار کمپانی‌های خارجی قرار می‌دهد، مشروط بر اینکه تمام هزینه اکتشاف و تولید توسط کمپانی‌ها تأمین گردد. در اواسط سال ۱۹۷۷ لاپاز^۱ (پایتخت بولیوی - م) خاطر نشان ساخت که در نظر دارد هم به منظور تسریع فعالیتهای اکتشافی و هم برای تشدید توسعه مناطق تولید کننده که بازده آنها کاهش یافته است، انگیزه‌های بهتری را در اختیار کمپانی‌های خارجی قرار می‌دهد.

چند کمپانی بین‌المللی پس از سرمایه‌گذاریهای اصلی اولیه، به فعالیتهای خود در بولیوی خاتمه دادند. از ۱۸ منطقه‌ای که بر اساس قراردادهای مشارکت در تولید با کمپانی نفتی دولتی بولیوی در اختیار کمپانی‌های خارجی قرار داده بود، ۱۲ فقره اعاده و سه فقره دیگر در حال ارزیابی است. تنها کمپانی‌های اکسیدنتال، تسورو^۲ و فیلیپس هنوز به فعالیتهای خود ادامه می‌دهند، و فیلیپس نیز که در منطقه کوچابامبا^۳ به حفاری مشغول است، هنوز به نفت دست نیافته است. علی‌رغم قوانین جالب سرمایه‌گذاری در این کشور، عدم موفقیت اکتشافات در بسیاری از مناطق واگذار شده به شرکتهای خارجی سبب از بین رفتن علاقه آنها به فعالیت در این مناطق شده است.

دورنما

اگرچه هنوز مقدار نفت برای اکتشاف در بولیوی باقی می‌ماند ولی انتظار نمی‌رود میزان ذخایر آن آنقدر بالا رود که این کشور به صورت یک تولید کننده مهم درآید. کاهش علاقه شرکتهای خارجی، علی‌رغم جو سرمایه‌گذاری آزاد منشانه موانعی در راه اقدامات اکتشافی ایجاد کرده است. با این وصف، تولید باید تا اواسط سال ۱۹۸۰ به سطح ۷۰۰۰۰ بشکه در روز برسد، چون حوزه‌های مکشوفه قبلاً توسعه یافته‌اند.

کلمبیا

سرانجام بوگوتا^۴ (پایتخت کلمبیا - م) نیز سیاست‌های را اتخاذ کرده است تا به وسیله آنها روند نزولی ذخایر قطعی نفت خود را معکوس نماید. ولی محدودیت تواناییهای زمین‌شناسی فرصت ایجاد تغییرات مهم را بسیار کم می‌کند. با در نظر گرفتن میزان اکتشافات مورد انتظار ظرف پنج سال آتی، احتمال نمی‌رود که اکتشافات جدید بتواند افزایش قابل توجهی در ذخایر فعلی ۸۲۵ میلیون بشکه‌ای این کشور پدید آورد. در این شرایط بهترین کاری که کلمبیا می‌تواند نسبت به انجام آن امیدوار این است که سطح بازده کنونی روزانه ۱۴۶۰۰۰ بشکه‌ای خود را حفظ نماید.

1- La Paz.

2- Tesoro.

3- Cochabamba.

4- Bogota

چشم‌انداز زمین‌شناسی

بخش اعظم ذخایر قطعی کلمبیا در حوضچه ماگدالنا^۱ میانه^۱ بوده و از سالهای ۱۹۲۰ تا کنون مورد بهره‌برداری شدید قرار گرفته است (به نقشه صفحه ۸ نگاه کنید).^۲ حدود یک چهارم تولید کنونی از حوضه پوتومايو یعنی مهمترین حوزه کلمبیا در حال حاضر که توسط کنسرسيوم تکساكو - گلف در اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشف شد، تأمین می‌گردد. عملیات اکتشافی نیز در حوضچه ماگدالنا، پوتومايو^۳ و مناطق غربی شبه جزیره گواجیرا^۴ که ذخایر عظیم گازی (۳ میلیارد فوت مکعبی) را در بر می‌گیرد متمرکز است. کلمبیا بر سر ذخایر غنی خارج از خشکی خلیج ونزوئلا با این کشور اختلاف دارد و به همین دلیل تا پس از حل و فصل مشاجرات ارضی با ونزوئلا نمی‌توان در این منطقه اقدامات اکتشافی لازم را انجام داد.

گذشته از منطقه خلیج ونزوئلا، تواناییهای زمین‌شناسی کلمبیا چندان نویدبخش نیست. معذالک، اکتشافات انجام شده اخیر در مجاورت شبه جزیره گواجیرا سبب کشف ذخایر عظیم گاز طبیعی گردید به طوری که ذخایر قطعی در این منطقه می‌تواند تولید ۴۰۰ میلیون فوت مکعب در روز (معادل ۷۰۰۰۰ بشکه نفت در روز) را تأمین نماید. ارزیابی بیشتر حوزه‌های گازخیز گواجیرا می‌تواند منجر به دو برابر شدن ذخایر شناخته شده گردد. بوگوتا در نظر دارد منابع گازی جنوب شرقی و ساحل شمال کلمبیا را نیز گسترش دهد. کل ذخایر قطعی گاز این کشور از ۲/۸ تریلیون فوت مکعب در سال ۱۹۷۱ به سطح ۵ تریلیون فوت مکعب رسیده است. با یک مقایسه می‌توان گفت که ذخایر نفتی قطعی از سال ۱۹۷۱ تاکنون معادل ۸۵۰ میلیون بشکه کاهش یافته است.

توانایی‌ها و محدودیتها

اکوپترول^۵، شرکت نفتی دولتی کلمبیا منابع مالی و تخصص فنی لازم جهت اقدامات اکتشافی عمده و گسترش امکانات محدود گاز و نفت کشور را در اختیار ندارد. ولی تا همین اواخر سیاستهای دولت، از طریق کنترل شدید قیمت سوخت داخلی برای شرکتهای خارجی، در زمینه اکتشاف و گسترش مشوقی به حساب نمی‌آمد. در نتیجه تعداد چاههای حفر شده ریسک‌آمیز از سال ۱۹۷۰ تاکنون بیش از ۱۸ حلقه چاه در سال نبود و اکثر آنها تحت نظر اکوپترول حفر گردیده بود.

بوگوتا در سال ۱۹۷۷ تصمیم گرفت سیاست قیمت‌گذاری داخلی خود را اصلاح نماید تا بتواند کاهش ذخایر قطعی شده را کندتر نماید. قیمت سوخت تولیدی از نقاط مکشوفه جدید به سطح بین‌المللی ارتقاء داده شد و استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید نیز مجاز شناخته شد. با این وصف شرایط قراردادهای آزادی‌چندانی برخوردار نیست تا بتواند با در نظر گرفتن هزینه سنگین و مشکلات اکتشافی در سرزمینهای ناهموار کلمبیا، شرکتهای خارجی را به این کار تشویق نماید. بر

1- Middle Magdalena Basin.

۲- منظور صفحه ۱۹ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

3- Putumayo.

4- Guajira Peninsula.

5- Ecopetrol.

اساس قراردادهای حاضر، شرکتهای خارجی ۴۰ درصد تولید حوزه‌های جدید را تصاحب کرده و در صورت دستیابی به نقاط قابل بهره‌برداری تجاری ۵۰ درصد از هزینه‌های حفاری به آنها بازگردانده می‌شود.

دورنما

با وجود اینکه در نتیجه تغییر سیاستهای دولت در میزان عملیات اکتشافی افزایشی پدید آمده، ولی برای جلوگیری از سقوط ذخایر قطعی و تولید کنونی تلاش نسبتاً قابل توجهی باید در این زمینه مبذول گردد. با در نظر گرفتن امکانات محدود زمین‌شناسی نفتی، تلاش اکتشافی احتمالاً شامل حفر سالانه ۲۰ تا ۳۰ حلقه چاه ریسک‌آمیز خواهد بود که از میانگین چاههای حفر شده در سالهای ۷۶-۱۹۷۰ بیشتر است ولی از برنامه مورد نظر دولت در رابطه با حفر سالانه ۸۰ حلقه چاه خیلی کمتر است.

شیلی

احتمال نمی‌رود شیلی در دهه آتی به منابع نفت و گاز قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کند. عملیات اکتشافی تنگه ماژلان^۱ نیز احتمال نمی‌رود کاری بیش از دو برابر کردن ذخایر ۱۸۰ میلیون بشکه‌ای نفت و ۲/۵ تریلیون فوت مکعبی گاز انجام دهد. با در نظر گرفتن عدم تمایل سانتیاگو^۲ به بازگذاشتن دست کمپانی‌های خارجی، اکتشافات گسترده در مناطق بکر نمی‌تواند در آینده نزدیک نوید چندانی به همراه داشته باشد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

اکتشافات هماهنگ بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۴ سبب کشف حوزه‌های کنونی تولیدی شیلی در منطقه مجاور با تنگه ماژلان گردید (به نقشه صفحه ۶ نگاه کنید).^۳ ادامه تلاشها در این منطقه از سال ۱۹۶۴ تاکنون نتوانست منجر به کشف ذخایر چشمگیری گردد، در نتیجه میزان ذخایر به ۱۸۰ میلیون بشکه کاهش یافت و در عین حال تولید نیز تا سطح ۲۶۰۰۰ بشکه در روز پایین آمد. حفاریهای محدود نقاط دیگر نیز توام با موفقیت نبود. اخیراً نیز شش حلقه چاه بی‌حاصل در بخش کم عمق ساحل آبهای والدیویا^۴ حفر گردید.

در خود تنگه نیز احتمالاً حدود ۲۰۰ میلیون بشکه نفت دیگر و ۱/۵ تا ۲ تریلیون فوت مکعب گاز دیگر وجود دارد. هوای طوفانی این منطقه سبب توقف عملیات اکتشافی تا سپتامبر سال ۱۹۷۶ گردید، تا اینکه شرکت نفت دولتی این کشور یک سکوی متناسب برای تمام شرایط جوی را از امریکا اجاره کرد. از ماه سپتامبر تاکنون این شرکت ۱۵ تا ۲۰ حلقه چاه ریسک‌آمیز حفر نموده که نتایج حاصله

1- Straits of Magellan.

2- Santiago.

۳- منظور صفحه ۲۰ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Valdivia.

امیدوارکننده می‌باشد. امکان پیدایش ذخایر دید نفتی در خارج از این منطقه بسیار کم است، لیکن در طول فلات قاره شیلی و به‌خصوص در مناطق جنوبی والپاریاسو^۱ مطالعات لرزه‌نگاری در حال انجام است.

تواناییها و محدودیتها

با وجود صلاحیت شرکت نفت دولتی شیلی^۲، این شرکت از تکنولوژی پیشرفته جهت بهره‌برداری کامل تنگه و سرمایه و نیروی انسانی لازم جهت انجام اکتشافات گسترده در فلات قاره برخوردار نیست. با درک این مطلب، شرکت نفت دولتی شیلی با مؤسسه سانتافه^۳ قراردادی امضاء کرد تا بر اساس آن چند سکوی حفاری خارج از خشکی دیگر در سال ۱۹۷۶ تحویل گیرد. سانتیاگو در یک حرکت دیگر به منظور بالا بردن فعالیت بخش نفتی خود، به اخراج ۵۰ ساله شرکت‌های خارجی در رابطه با اکتشاف و تولید نفتی پایان داد. با این وصف شرایط قراردادهای شیلی آن چنان دشوار است که نمی‌تواند موجب ترغیب شرکت‌های خارجی گردد. به طور مثال، براساس همین قراردادها شرکت‌های بین‌المللی همچنان حق ندارند در مناطق نسبتاً نویدبخش تنگه به کار مشغول شوند. کاهش مستمر تولید نفت خام سبب شد که سانتیاگو در جنبه‌های مالی قراردادهای پیشنهادی، جرح و تعدیلی پدید آورد، لیکن تاکنون فقط کمپانی آرکو^۴ به فعالیت در شیلی رغبت نشان داده است.

دورنما

به نظر ما تقاضای شیلی در زمینه نفت وارداتی حداقل تا ۵ سال آینده کاهش اندکی خواهد داشت. با وجود اینکه ذخایر گازخیز واقعاً دست نخورده باقی مانده‌اند، ولی پیشرفت کارخانه پیشنهادی گاز طبیعی مایع مدتی به تعویق افتاده است و تکمیل آن تا قبل از اوایل سالهای ۱۹۸۰ محتمل نمی‌باشد. تولید از ذخایر جدید نفت خام تنگه ماژلان نیز احتمالاً خواهد توانست بازده کنونی را تا سال ۱۹۹۰ دو برابر و به سطح ۵۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

گوآتالا و بلیز

پس از ۲۵ سال اقدامات اکتشافی فاقد موفقیت، گوآتالا در سال ۱۹۷۳ منابع نفتی تجاری خود را در مجاورت مرز مکزیک کشف نمود. با وجود غیر قطعی بودن میزان منابع، تجزیه و تحلیل مقدماتی حاکی از وجود ذخایری با حداقل ۲۷ میلیون بشکه نفت است که البته در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار کوچک است ولی مهمترین منابع نفتی در آمریکای مرکزی به حساب می‌آیند. به علت دورافتادگی ذخایر و عدم جذابیت سیاستهای نفتی گوآتالا پیشرفت چندانی صورت نگرفته است. علیرغم افزایش فعالیتهای اکتشافی که به دنبال کشفیات و تحقیقات مثبت لرزه‌نگاری گوآتالا صورت

1- Valparaiso.

2- Chile.

3- Santa Fe.

4- Arco.

گرفته، بلیز هنوز نتوانسته است به ذخایر نفتی تجاری دست یابد.

چشم انداز زمین شناسی

کشف اخیر در گواتمالا در حوزه روبل سانتو^۱ در منطقه پتن^۲ واقع شده است. (به نقشه صفحه ۲ نگاه کنید).^۳ این منابع در حوزه کرتانوس - کوبان^۴ قرار گرفته و مجاور و مشابه با ساختار زمین شناسی حوزه رفورما در جنوب شرقی مکزیک می باشد. آزمایشهای مفصل لرزه نگاری و زمین شناسی ۳۷ ساختار را نشان داده که ۱۰ ساختار آن دارای اهمیت بسیاری می باشد. نفت مکشوفه دارای API بین ۲۳ تا ۳۲ درجه و مقدار گوگرد آن زیاد و ۳ تا ۴ درصد می باشد. علیرغم عمق متوسط ۲۳۰۰ متری و ساختار باز تشکیلات زمین شناسی، عملیات حفاری پرخرج و مشکل بوده است و علت اصلی آن نیز وجود مقادیر بسیاری زیادی از سولفید هیدروژن و دی اکسید گوگرد می باشد.

کنسرسیوم متشکل از بیسیک ریسوسز اینترنشنال^۵ و شانندو اوایل^۶ احداث حداقل چهار حلقه چاه مولد نفت را در حوزه روبل سانتو به پایان رسانیده که میزان بازدهی آزمایشی هر یک بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ بشکه در روز متغیر بوده است. با این وجود تولید کل حوزه محدود به ۳۰۰۰ بشکه در روز بوده و علت آن نیز مشکلات موجود در زمینه حمل و نقل است. احداث یک خط لوله ۱۲ اینچی ۱۹۰ کیلومتری از حوزه روبل سانتو به پالایشگاه و بندر پوئرتو باربوس^۷ قرار است در اواسط سال ۱۹۷۸ به پایان برسد. این خط لوله ۳۳ میلیون دلار که توسط یک شرکت فرانسوی به نام آنتریوزاسا^۸ احداث می شود تولید را به سطح ۱۵۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسانید.

گواتمالا همچنین در مناطق خارج از خشکی خلیج هندوراس به عملیات اکتشافی مبادرت می ورزد. سنترام زامورا^۹ تنها کمپانی نفتی دیگری که در گواتمالا فعالیت می کند تا اعماق ۱۸۰۰ متری حفاری نمود لیکن نتایج مثبتی بدست نیاورد. ظاهراً در تلاشی برای دسترسی به تشکیلات زمین شناسی چاه دیگری در اعماق ۳۰۵۰ تا ۳۳۵۰ متری حفر گردید لیکن این امر نیز نتیجه ای بیار نیاورد.

به دنبال کشفیات گواتمالا در سالهای اخیر، بلیز تحقیقات نفتی خود را از بخش شمالی به جنوب کشور تغییر داد. در ماه اوت سال ۱۹۷۶، اکسون بخش اعظم سهم اشتراک در ۹ منطقه اکتشافی عمدتاً در خارج از خشکی شمال بلیز را خریداری کرد و موافقت نمود تا اواسط سال ۱۹۷۷ اقدامات اکتشافی گسترده ای به عمل آورد. اکسون پس از آن یک چاه اکتشافی تا اعماق ۴۰۰۰ متری خلیج

1- Rubelsanto.

2- Peten.

۳- منظور صفحه ۲۱ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Cretaceous Coban.

5- Basic Resources international.

6- Shenandoah oil.

7- Puerto Barrios.

8- Entrepose Sa.

9- Centram - Zamora.

هندوراس حفر نمود لیکن ظاهراً به نفت دست نیافت. در اواسط سال ۱۹۷۷، اکسون به حفر یک چاه اکتشافی دیگر خارج از خشکی تا عمق ۳۶۶۰ متری مبادرت ورزید.

تواناییها و محدودیتها

در اوایل سال ۱۹۷۶ گواتمالا یک قانون نفتی را تصویب کرد که بر اساس آن انعقاد قراردادهای خدماتی با کمپانیهای نفتی خارجی مجاز شناخته شد. این مقررات خواستار تقسیم درآمدهای حاصل از تولید به نسبت ۵۱ به ۴۹ درصد به نفع دولت است و مبلغ یک میلیون دلار پاداش انعقاد برای هر امتیاز در نظر می‌گیرد. دولت ممکن است سهم خود را یا به صورت تولید و یا به صورت نقدی دریافت نماید، لیکن در هر دو صورت سهم دولت شامل اعتبار مالیاتی پیمانکار می‌باشد. کشور به ۲۸ بخش تجسسی ۲۰۰۰۰۰ هکتاری تقسیم شده است که در مورد هر یک از آنها یک برنامه اکتشافی پنج‌ساله و شرایط تولید بیست ساله در نظر گرفته شده است.

قانون جدید گواتمالا مشوق چندانی برای جلب کمپانیهای عظیم نفتی خارجی که سرمایه، تجربه و تکنولوژی لازم جهت موفقیت برنامه نفتی کشور را در اختیار دارند به حساب نمی‌آید. چند کمپانی به دلیل قانون مذکور و پیچیدگی‌های مذاکرات دولتی درخواست خود در رابطه با انجام عملیات اکتشافی را پس گرفته‌اند. این وضع سبب شده است که تنها دو کمپانی در گواتمالا به فعالیت مشغول باشند که فقط یکی از آنها یعنی سنترام زامورا ظاهراً نسبت به انجام اکتشافات گسترده تعهد محدودی دارد.

به علت بهبودی دورنمای دست یافتن به نفت که به دنبال اکتشافات گواتمالا به وجود آمده، بلیز با احتیاط بیشتری حرکت می‌کند. دولت قوانین نفتی را مورد بررسی قرار داده تا سهم بیشتری از اکتشافات جدید را نصیب خود سازد و سعی دارد یک واحد تحقیقاتی برای مشاوره در مورد موضوعات ثبتي به وجود بیاورد. به دلیل اینکه بلیز فاقد منابع تخصصی و مالی لازم است، جهت اجرای برنامه‌های اکتشافی خود بایستی به کمپانی‌های نفتی خارجی متکی باشد. با این وصف با توجه به این حقیقت که منابع بالقوه مهم در منطقه مورد اختلاف بین بلیز و گواتمالا واقع شده است اکثر کمپانیها به فعالیت در این منطقه رغبت چندانی نشان نداده‌اند.

دورنما

گواتمالا اخیراً به صورت اولین کشور تولید کننده نفت امریکای مرکزی درآمد یافته است. اکتشافات در حوزه روبل سانتو^۱ و پایان احداث خط لوله احتمالاً تولید در سال ۱۹۷۸ را تا سطح ۱۵۰۰۰ بشکه در روز بالا خواهد برد. علی‌رغم دورنمای نویدبخش زمین‌شناسی، سرعت گسترش و اکتشاف بیشتر بستگی به توانایی دولت در جلب مشارکت کمپانیهای خارجی دارد. در مورد بلیز، مناقشات ارضی با گواتمالا و فقدان موفقیت همچنان مانع از ادامه اکتشافات بیشتر خواهد شد. اگر اختلافات مرزی را بتوان حل کرد، بلیز با توجه به آگاهی در مورد ساختار زمین‌شناسی آن به احتمال زیاد فرصت دستیابی بیشتری به منابع قابل بهره‌برداری تجاری را خواهد داشت. با این وصف، میزان نفت حاصله احتمالاً کم خواهد بود.

1- Todos Los Santos.

پاراگوئه و اوروگوئه

پاراگوئه علیرغم سالها جستجو به منابع نفت دارای قابلیت تجاری دست نیافته است. فعالیتهای اکتشافی در منطقه چاکو^۱ در بخش غربی رودخانه پاراگوئه^۲ که دارای بافتهای زمین‌شناسی مناسب است متمرکز می‌باشد. از پنج حوضچه رسوبی این منطقه دو حوضچه به نام کاراندیتی^۳ و پیری^۴ به حوضچه‌های مورد بهره‌برداری بولیوی و آرژانتین که قبلاً مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند می‌رسند (به نقشه صفحه ۱۶ نگاه کنید).^۵ عملیات اکتشافی گرانچاکو^۶ که عمدتاً در حوضچه کاراندیتی و در سالهای ۱۹۴۰ آغاز شده، تاکنون بدون موفقیت ادامه داشته است.

پاراگوئه فعالانه کمپانیهای نفتی خارجی را به اکتشاف در این کشور دعوت می‌کند. قوانین نفتی آن نیز مانند برخورد آن با سرمایه‌های خارجی سخاوتمندانه است. گرچه زیربنای (صنعت نفت - م) آن عمدتاً عقب مانده است، ولی با توجه به شرایط ارضی مناسب آن کمبودهای این (صنعت - م) نمی‌تواند مانع توسعه باشد. جو سرمایه‌گذاری آزادانه، فقدان محدودیتهای فیزیکی، و وجود نفت در بولیوی و آرژانتین سبب جلب همکاری کمپانیها در پاراگوئه شده است. سه گروه با نامهای تکساکو پاراگوئه^۷، چاکواکسپلوراسیون^۸ و اسوامین اویل^۹ در نظر دارند در سال جاری پنج یا شش حلقه چاه حفر نمایند.

اوروگوئه

اوروگوئه هیچ تولید نفتی ندارد و دورنمای زمین‌شناسی آن از نظر توسعه پایه ذخایر نفتی ضعیف است. با وجود اینکه مطالعات لرزه‌نگاری احتمال وجود منابع نفتی دارای قابلیت تجاری را در حوضچه سالادو^{۱۰} در دهانه رود پلاته^{۱۱} (بین آرژانتین و اوروگوئه) نشان می‌دهد، لیکن دو حلقه چاه حفر شده توسط کمپانی شوران^{۱۲} در سال گذشته به نفت نرسید. (به نقشه صفحه ۶ نگاه کنید).^{۱۳} اکتشاف نیز بستگی به حفر چاههای قراردادی توسط کمپانیهای خارجی دارد، زیرا شرکت نفت دولتی، تکنولوژی و سرمایه کافی را در اختیار ندارد. عدم علاقه از جانب کمپانیهای بزرگ نفتی، اوروگوئه را در رابطه با برنامه‌های کوچک داخل خشکی به شرکتهای امریکای لاتین متکی ساخته است، زیرا نسبت به حفاری در خارج از خشکی به تکنولوژی پیچیده‌ای نیاز ندارد.

1- Chaco.

2- Paraguay River.

3- Caran daity.

4- Pirity.

۵- منظور صفحه ۲۳ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

6- Gran chaco.

7- Texaco paraguay.

8- Chaco Exploration.

9- Esso - Aminoil.

10- Salado.

11- River plate.

12- Chevron.

۱۳- منظور صفحه ۲۳ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

جنوب شرق آسیا

مناسب‌ترین دورنما در مورد افزایش تولید نفت آسیایی در فلات قاره هند، مناطق داخل و خارج از خشکی برمه، و تشکیلات زمین‌شناسی متعددی که اندونزی، مالزی و بروئی در حال حاضر از آنها نفت خام استخراج می‌نمایند، متمرکز می‌باشد. مطالعات زمین‌شناسی که تا به حال انجام شده حاکی از آن است که بجای نفت، گاز طبیعی مهم‌ترین بخش توسعه انرژی هیدروکربن پاکستان، بنگلادش و تایلند را تشکیل خواهد داد. عملیات اکتشافی در فلات قاره کره جنوبی تا ویتنام تقریباً آغاز شده، و دورنمای وجود گاز و نفت هنوز مشخص نشده است. اکثر دولتهای منطقه نسبت به کمپانیهای خارجی به نحو معقولی دوستانه می‌باشند. هزینه‌های زیاد و اختلافات ارضی متعدد مهم‌ترین موانع در راه عملیات اکتشافی به شمار می‌آیند.

اندونزی

اندونزی که دارای ذخایر قطعی و احتمالی ۱۴ میلیارد بشکه می‌باشد، باید بتواند حداقل تا اواسط سال ۱۹۸۰ تولید نفت خود را بالا ببرد. تولید رو به نزول حوزه‌های قدیمی‌تر سوماترا^۱ در حال تثبیت می‌باشد و مقدار بازده حتی ممکن است به مدت چند سال افزایش داشته باشد. بازده حوزه‌های خارج از خشکی، در نقاطی که چشم‌انداز زمین‌شناسی آن نویدبخش است، بایستی سیر صعودی را در پیش گیرد. علیرغم کاهش اخیر اکتشافات در مناطق خارج از خشکی جدیدتر، حفاریهای گسترشی ادامه یافته و رشد اساسی چندان از بین نرفته است. دولت در سال گذشته بعضی از شرایط سختی را که از طریق قراردادهای بر کمپانی‌های خارجی تحمیل می‌شد تغییر داد و موجبات تجدید حیات اکتشافات را پدید آورد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

اندونزی از سالهای ۱۸۹۰ تاکنون یک کشور تولیدکننده نفت به حساب می‌آمد، لیکن تا سال ۱۹۶۷ کمپانیهای نفتی خارجی اکتشافات گسترده خود را در این کشور آغاز نکرده بودند. پرتامینا^۲، شرکت نفت دولتی، مسئولیت تمام جنبه‌های گسترش، پالایش، و بازاریابی نفتی را به عهده دارد. کمپانیهای خارجی به عنوان طرف قرارداد پرتامینا محدود به انجام عملیات اولیه، از قبیل اکتشاف و تولید نفت خام و یا گاز می‌باشند و سهم معینی از بازده را دریافت می‌کنند تا سرمایه‌گذاری و منافع خود را تأمین نمایند. بیش از ۳۰ کمپانی فعالانه در حدود ۵۰ منطقه داخل و خارج از خشکی به کار مشغول هستند. حوزه‌های نفتی اندونزی در سرتاسر جزائر آن پراکنده است، و مهم‌ترین مناطق تولیدی در سوماترا، جاوه^۳، کالیمانتان شرقی^۴ و ایریان غربی^۵ واقع شده است. گرچه بیش از نیمی از تولید

1- Sumatra.

2- Pertamina.

3- Java.

4- East Kalimantan.

5- West Irian.

کنونی از حوزه‌های داخل خشکی قدیمی‌تر تأمین می‌گردد، ولی افزایش تولید در آینده از طریق حوزه‌های مکشوفه جدید خارج از خشکی بدست خواهد آمد. حوزه‌های نفتی دیوری^۱ و میناس^۲ در سوماترای مرکزی بزرگترین منابع نفتی است که تاکنون کشف شده‌اند. این حوزه‌ها و حوزه‌های مجاور که از اوایل سالهای ۱۹۴۰ تاکنون توسط کمپانی کالتکس^۳ توسعه یافته‌اند، سال گذشته ۵۶ درصد کل تولید نفت خام اندونزی را تأمین کرده‌اند (۱/۵ میلیون بشکه در روز). مناطق تولیدی کالتکس دارای تفاوت ژئوگرمایی بالایی بوده و ذخایر شنی آن بر روی لایه‌ای از سنگ‌های گرانیت قرار گرفته که امکان حفاری عمیق را غیرممکن می‌سازد.

تولید کالتکس علیرغم مشکلات مربوط به فشار ذخایر در دو حوزه اصلی، بزودی دچار کاهش بسیار سریع نخواهد شد. ارزیابی‌های معتبر نشان می‌دهد که ذخایر قطعی و احتمالی این حوزه‌ها بین ۶ تا ۸ میلیارد بشکه می‌باشد. برنامه اکتشافی فعال این کمپانی در مناطق مجاور سوماترا شامل تداوم دستیابی به منابع نفتی نسبتاً کوچک می‌باشد. در حدود ۲۰ کشف جدید در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ صورت گرفته است که اکثر آنها هنوز به مناطق فعلی دارای تجهیزات جمع‌آوری مرتبط نشده‌اند. حفاریهای گسترشی کالتکس تقریباً یک سوم عملیات این گونه‌ای اندونزی را در هر سال شامل می‌گردد. انتظار می‌رود تولید کالتکس در آینده نزدیکی با در نظر گرفتن پیشرفت تلاشهای بازیابی ثانی و ثالث، به طور معتدل افزایش یابد و زمانی در سالهای ۱۹۸۰ سیر نزولی ثابتی را در پیش گیرد. پرتامینا و استانواک^۴، در منطقه سوماترا بر روی منابع کوچک بسیاری که در حال اضمحلال هستند کار می‌کنند. با این وجود توسعه و اکتشافات بیشتر ادامه دارد و علائم اندکی حاکی از آن است که این روند تغییر خواهد کرد. عملیات پرتامینا در جاوه و کالیمانتان شرقی دارای دورنمای توسعه بیشتری است لیکن به علت فقدان مدیریت تهاجمی و جسارت‌آمیز پیشرفت چندانی حاصل نشده است. تسورو^۵ یک کمپانی ثالث بر اساس یک قرارداد ویژه با پرتامینا مشغول توسعه و تولید از دو حوزه قدیمی اندونزی است. تسورو هنوز هم از حوزه‌های سانگا - سانگا و تاراکان در حدود ۱۳۰۰۰۰ بشکه نفت در روز تولید می‌کند، در حالی که هر یک از آنها به ترتیب به مدت ۸۴ و ۷۱ سال مورد بهره‌برداری قرار داشته‌اند.

با آغاز خرید و اعطای مناطق اجاره‌ای در سال ۱۹۶۷، قراردادهای اشتراک در تولید بخش اعظم رشد صنعت نفت اندونزی را پدید آورده‌اند. اکثر این مناطق اجاره‌ای در خارج از خشکی و یا مناطق دور افتاده جنگل واقع شده که پرتامینا تا به حال به علت فقدان تکنولوژی و سرمایه لازم از آنها اجتناب ورزیده است. بازده نفت خام توسط پیمانکاران در سال ۱۹۷۱ که معادل ۱۲۰۰۰ بشکه در روز بود تا سال ۱۹۷۳ با افزایش تولید کالتکس به سطح ۲۱۰۰۰۰ بشکه در روز رسید، و در سال گذشته نیز تا سطح ۵۴۰۰۰۰ بشکه در روز بالا رفت. در واقع تمام افزایش تولیدات نفتی اندونزی در

1- Duri.

2- Minas.

3- Caltex.

4- Stanvac.

5- Tesoro.

آینده از طریق پیمانکاران سهام در تولید تأمین می‌گردد.

تا به حال یافته‌های نویدبخش در خارج از ساحل شمالی جاوه (حوزه آردوژونای آرکو^۱، و حوزه سیتای ناتوماس^۲) در داخل و خارج از سال کالیمانتان شرقی (حوزه آتاکامی یونیون ژاپکس^۳، حوزه‌های هاندیل و بکاپای توتال^۴ اندونزی) و منطقه ایریان جایا^۵ (حوزه‌های والیوو کاسیم پترومر ترند^۶) واقع شده است. مناطق تولیدی این بخش‌ها در بافت‌های میوسن^۷ بوده و عمیق‌تر از حوزه‌های تولیدی قدیم‌تر می‌باشد و بین ۱۵۲۰ تا ۳۰۵۰ متر در نوسان است. حفاریهای خارج از خشکی معمولاً در اعماق ۴۵ تا ۹۰ متری صورت می‌گیرد. علاوه بر نفت، کشفیات گاز طبیعی در نوع خود در آسیای جنوب شرقی بزرگترین می‌باشد.

به دلیل اندازه‌های عمدتاً کوچک منابع اندونزی، سرمایه‌گذارهای سنگین مستمر در زمینه حفاری ضرورت دارد. منابعی که در سالهای اخیر کشف شده بین ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت را در بر می‌گیرند. معادلک میزان اکتشافات بسیار چشمگیر است. در چهار سال گذشته نسبت متوسط میزان اکتشافات به حفاری اکتشافی نفت ۲۲ درصد بوده است. در این رابطه اگر بخواهیم گاز و نفت را با هم در نظر بگیریم این متوسط به ۳۱ درصد نیز می‌رسد. حفاریهای گسترشی برای نفت نسبت موفقیت را به ۸۰ درصد رسانیده است. برنامه کلی حفاری در این چهار سال به طور متوسط سالانه بیش از ۲۰۰ چاه تولیدی جدید را وارد زنجیره تولید نموده است. با در نظر گرفتن این سوابق و این واقعیت که کمتر از بیست درصد بافت نفتی کشور مورد اکتشاف قرار گرفته، اگر سطح مناسب سرمایه‌گذاری حفظ شود افزایش مستمر تولید نفت امری قطعی خواهد بود.

تواناییها و محدودیت‌ها

بدون سرمایه‌گذارهای سنگین خارجی گسترش نفتی اندونزی امکان‌پذیر نخواهد بود. عملیات پرتامینا با وجود اینکه مشتمل بر تمام محدوده فعالیتهای نفتی می‌باشد ضعیف‌ترین بخش آن در رابطه با اکتشاف و گسترش است. «اندونزیایی کردن»^۸ عملیات نفتی خارجی تنها در سطح کارهای عادی از قبیل تأمین کارگرهای رده پایین ماشین‌آلات حفاری و یا نظاره بر تسهیلات ذخیره‌سازی انجام شده است. امید دولت در مورد نقش مسلط پرتامینا در افزایش منابع نفتی مدتها قبل از بین رفته است. در حقیقت، پرتامینا اخیراً چند منطقه نویدبخش خود را در اختیار کمپانیهای خارجی و یا سرمایه‌گذاران مشترک قرار داده است.

تا سال گذشته روابط بین دولت و کمپانیهای خارجی از هماهنگی نسبی برخوردار بود. بحران

1- Arco's Ardjuna.

2- Natomas' cinta.

3- Union - japex,s Attaka,

4- Total indonesia,s Handil and Bekapai.

5- Irian jaya.

6- Petromer Trend,s Walio and kasim Fields.

7- Miocene.

8- Indonesianization.

مالی سال ۱۹۷۵ پرتامینا، به دنبال تعویض کلی پاسدار دیرین و جانشین به اصطلاح «تکنوکرات» به سطوح بالاتر سلسله مراتب دولتی وضع را تغییر داد. دولت تحت رهبریت جدید در اواسط سال ۱۹۷۶ در مورد منافع کمپانی نفتی خارجی و نرخ بازیابی هزینه‌ها تجدیدنظر عمده‌ای را انجام داد. کمپانیها نیز این امر را تخلف از قرارداد دانسته و برنامه‌های اکتشافی خود را به سرعت متوقف ساختند. در میان پیشگویی‌های مربوط به سقوط صنعت نفت اندونزی، در اوایل سال ۱۹۷۷ دولت اعتراف کرد که در تجدیدنظر قراردادها پا را بیش از گلیم خود دراز کرده بود و به منظور تسریع اکتشافات انگیزه‌های بهتری را به کمپانیها پیشنهاد نمود. به دنبال شرایط جدید چند کمپانی کار اکتشافی خود را آغاز کرده، و دیگران نیز احتمالاً به آنها خواهند پیوست.

دورنما

دورنمای افزایش تولید نفت خام اندونزی خوب است. زمین‌شناسی مناسب، میزان موفقیت زیاد در اکتشافات و وسعت مناطقی که مستلزم اقدامات اکتشافی می‌باشند تنها به سرمایه‌گذاری نیازمند است. سیاستهای مصلحت‌آمیز دولتی نیز زمینه این کار را فراهم خواهد آورد. کمبودهای تکنولوژیک و نیز مالی، دولت را وادار به سازگاری با منافع کمپانیهای خارجی خواهد کرد تا حدی که برای حفظ رشد تولید نفت لازم است.

کمپانیها در توسعه، فعالیتهای خود بیش از گذشته احتیاط به خرج خواهند داد، لیکن اگر دورنمای بازگشت سرمایه خوشایند باشد به سرمایه‌گذاریهای جسارت‌آمیز خود تا حد قابل توجهی ادامه می‌دهند. عملیات بازیابی مجدد کالتکس این نوید را می‌دهد که حداقل مانع از کاهش تولیدات حوزه‌های سوماترا بشود. با در نظر گرفتن رابطه و همبستگی میان اکتشاف در سالهای اخیر و افزایش سالانه چاههای مولد، افزایش معتدل در فعالیتهای اکتشافی بایستی افزایش تولید سالانه را به مقدار ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز تضمین نماید. بر همین اساس، تولید نفت خام اندونزی تا سال ۹۸۵ به ۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در حالی که سطح تولید حاضر روزانه ۱/۷ میلیون بشکه است.

هندوستان

هند از نظر توسعه نفتی دارای آتیه خوبی است و در بهره‌برداری از تواناییهای نفتی خود به پیشرفتهای مهمی نایل آمده است. سطح تولید تا سال ۱۹۸۳ دو برابر خواهد شد و فرصتهای خوبی وجود دارد تا تلاشهای اکتشافی فعلی به توسعه ذخایر قطعی و احتمالی تا ۲/۳ میلیارد بشکه منتهی گردد. در پنج سال آینده دهلی^۱ در نظر دارد حدود یک میلیارد دلار در مورد حوزه‌های نفتی بزرگ و جدید خود در بمبئی^۲ علیا و مناطق خارج از خشکی باسین^۳ مصرف نماید. علاوه بر این، دولت از برنامه افزایش اکتشافات نفت و گاز توسط قرارداد با کمپانیهای خارجی حمایت می‌کند. علیرغم این دورنمای نویدبخش، در حالی که مصرف داخلی سالانه ۵ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد، انتظار می‌رود

1- New Delhi.

2- Bombay High.

3- Bassein.

واردات نفتی تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ معادل سطح فعلی ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز باقی بماند.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

تلاش هند برای توسعه تولید نفت در دریای عرب^۱ در غرب بمبئی متمرکز شده است. با وجود اینکه تحقیقات سال ۱۹۶۶ برای اولین بار تواناییهای نفتی این منطقه را مشخص کرد لیکن به مدت ۸ سال اکتشافی در آنجا صورت نگرفت زیرا نفت حاصله بر اساس قیمت‌های قبل از سال ۱۹۷۴ غیر تجاری بود. از سال ۱۹۷۴ یعنی زمان پایان احداث اولین چاه، توسعه در آن مناطق سرعت بیشتری یافته است.

انتظار می‌رود سطح تولید ۳۲۰۰۰ بشکه در روز بمبئی علیا در سال جاری به ۸۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یابد. مرحله بعدی گسترش شامل احداث دو خط لوله موازی گاز و نفت خام به طول ۲۱۵ کیلومتر تا ترمینالهای داخل خشکی نزدیک بمبئی می‌باشد. چهار سکو، ۱۶ حلقه چاه مولد، تسهیلات ترمینالی داخل خشکی و کارخانه پالایش گاز نیز ساخته خواهد شد. قرار است تا اوایل سال ۱۹۸۰ میزان تولید به روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه نفت و ۱۰۵ تا ۱۴۰ میلیون فوت مکعب گاز برسد. در سال ۱۹۷۶، دو حوزه اصلی تر در باسین حدود ۶۰ کیلومتری شرق بمبئی علیا و در مسیر خط مستقیم لوله به بمبئی کشف گردید، احتمال نمی‌رود تا قبل از سال ۱۹۷۹ تولید از حوزه باسین آغاز شود. در خارج از حوزه‌های بمبئی علیا و باسین و بر اساس قراردادهای اشتراک در تولید، سه منطقه خارج از خشکی در دست اکتشاف است. دو شرکت امریکایی (ریدینگ بیتس^۲ و ناتوماس^۳) هر یک دو حلقه چاه بی حاصل در منطقه خود یعنی در حوضچه خلیج کوچ^۴ و بنگال اوریسسا^۵ حفر کرده‌اند. کمپانی نفتی آسامرای^۶ کانادا نیز در حال حاضر در حوضچه کوآوری^۷ مشغول حفاری است.

دهلی‌نو به استثناء نواحی کوآوری، بمبئی علیا و باسین از پیشرفت در دیگر مناطق خارج از خشکی ناراضی به نظر می‌رسد. ریدینگ بیتس و ناتوماس مناطق کوچ و اوریسسا را ترک گرفته‌اند. دهلی‌نو در نظر دارد از طریق عقد قرارداد با کمپانیهای خارجی دیگر حوزه امتیازی آنها را توسعه بخشد، مشروط بر آنکه مناطق و نفت تولیدی از آن هند باشد. با این وجود دولت جانانا این سیاست را که ظاهراً در رژیم گاندی اهمیت تلقی می‌شد، با جدیت دنبال نمی‌کند. هند دارای شش حوزه اصلی تولیدی در داخل خشکی می‌باشد، که دو حوزه مهم‌ترین آن عبارتند از آنکلشوار^۸ در گجرات^۹ و

1- Arabian Sea.

2- Beading S Bates.

3- Natomas.

4- Gulf of Kutoh.

5- Bengal/orissa.

6- Asamera.

7- Cauvery.

8- Ankleshwar.

9- Gujarat.

ناهورکاتیا^۱ در ایالت آسام^۲. حوزه دوم، حوزه عملکرد شرکت ایندییاویل لیمیتد^۳ یعنی شرکت نفتی مشترک دولت هند و شرکت نفت برمه می‌باشد. حوزه‌های گجرات نیز توسط کمیسیون نفت و گاز طبیعی که یک شرکت دولتی بوده و بر اکتشافات نفتی هند نظارت دارد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. دهلی نو تقریباً تمام صنایع پایانی نفت خود را ملی کرده و حدس زده می‌شود که شامل شرکت ایندییا اوایل لیمیتد نیز بشود.

برنامه‌های گسترش هند مستلزم حفاریهای عمیق در مناطقی است که در آنها حفاریهای قبلی توام با موفقیت نبوده و یا نفت حاصله در آن زمان دارای کمیت غیر اقتصادی بوده است. قرار است یک برنامه بازیابی ثانویه وسیع نیز در پیش گرفته شود. اگر دهلی نو بخواهد این برنامه را اجرا نماید احتمالاً به تکنولوژی خارجی نیاز خواهد داشت. با توجه به اینکه در حال حاضر تولید در اکثر این حوزه‌های قدیمی تر رو به کاهش است. این برنامه‌ها بر تولید کل داخل خشکی تأثیر چندانی نخواهد داشت. ذخایر قطعی و احتمالی ۲/۳ میلیارد بشکه‌ای هند که ۱/۴ میلیارد آن در خشکی قرار دارد در نتیجه اکتشافات بیشتر احتمالاً افزایش خواهد یافت.

تواناییها و محدودیت‌ها

با وجود اینکه سیاست نفتی هند از دیر زمان بر اتکاء خود تاکید داشته ولی از زمان افزایش قیمت‌های نفتی در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ در این طرز تفکر تغییری پدید آمده است. دهلی نو آماده است تا با کمپانیهای نفتی خارجی قراردادهای اشتراک در تولید منعقد سازد و از مستشاران خارجی در گسترش حوزه‌های خارج از خشکی استفاده نماید. معذالک دولت هنوز هم به اتکاء خود به کمیسیون نفت و گاز طبیعت ادامه می‌دهد و حتی اگر به قیمت کند شدن ذخایر نفتی تمام شود، تحرک عمده‌ای برای تسریع فعالیت شرکت‌های نفتی خصوصی خارجی و داخلی صورت نخواهد گرفت. تأمین منابع مالی مربوط به گسترش منطقه بمبئی علیاً ظاهراً مسئله مهمی نیست. هزینه این برنامه تا پایان سال ۱۹۸۳ معادل یک میلیارد دلار برآورده شده است. بانک جهانی ۱۵۰ میلیون دلار را تأمین می‌نماید و بانکهای تجارت خارجی ۵۰ میلیون دلار، کمک‌های دو جانبه ۵۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون دلار، و انتظار می‌رود از طریق منابع داخلی یعنی شرکت ایندییا اوایل لیمیتد و کمیسیون نفت و گاز طبیعی نیز ۱۷۰ میلیون دلار به همین منظور اختصاص داده شود. بقیه سرمایه لازم را دولت تأمین خواهد نمود. با تمرکز سرمایه‌گذاری و تخصص‌های فنی در بمبئی علیاً دیگر تلاش‌های گسترشی داخل و خارج از خشکی احتمالاً تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ به تعویق خواهد افتاد.

دورنما

هند در صدد ایجاد افزایش عمده‌ای در تولید نفت است. با در نظر گرفتن برنامه‌های گسترش جاری، در شش سال آینده تولید بایستی دو برابر شده و به سطح ۴۶۰۰۰۰ بشکه در روز که از طرف

1- Nahorkatiya.

2- Assam.

3- India Oil Limited (OIL).

دهلی نو تعیین شده برسد. حتی با چنین افزایش تولید مورد انتظاری ما حدس می‌زنیم که با توجه به رشد مورد انتظار در مصرف داخلی، صادرات نفت که در حال حاضر ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز است در همین سطح باقی بماند. با در نظر گرفتن تلاشهای وسیع اکتشافی که هم‌اکنون در جریان است می‌توان گفت که توانایی افزایش بیشتر ذخایر گاز و نفت بالا به نظر می‌رسند لیکن به علت اشتغال هند در بمبئی علیا و عقب‌افتادگی زمانی بین یافته‌های جدید نفتی و تولید تجاری، این منابع اضافی تا اواخر سالهای ۱۹۸۰ گسترش نخواهد یافت. تعویض فعلی دولت گاندی با روی کار آمدن حزب جاناتا نیز نخواهد توانست در طرز برخورد دولت هند با فعالیتهای کمپانیهای نفتی خارجی تغییرات عمده‌ای پدید آورد.

مالزی

مالزی دارای این توانایی می‌باشد که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز در منطقه به حساب آید. با این وجود رشد تولید تا آن حدی که انتظار می‌رفت سریع نبوده است. برنامه‌های اکتشافی و گسترش کمپانیهای نفتی بزرگ در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ در نتیجه اجرای قوانین مهم دولتی در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ سریعاً متوقف شد. گرچه سیاستها واضح‌تر می‌شوند، ولی ما پیش‌بینی می‌کنیم که کمپانیهای نفتی خارجی قبل از مبادرت به سرمایه‌گذاریهای سنگین در مالزی با احتیاط حرکت نمایند.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

با استثناء حوزه بسیار گسترده داخل خشکی به نام حوزه میری^۱ در ساراواک^۲ که هم‌اکنون خشک شده است، فعالیتهای اکتشافی و یافته‌های مهم محدود به مناطق خارج از خشکی بوده است. فلات قاره گسترده در شبه جزیره مالزی و شمال ساراواک و صباح^۳ در بورنئو^۴ چندین حوزه رسوبی مهم را که حاوی چند ساختار حاوی نفت است در بر می‌گیرد. منطقه خارج از خشکی ساراواک در مجاورت در مجاورت حوزه‌های مهم خارج از بورنئو به نحو گسترده‌ای در اواخر سالهای ۱۹۶۰ توسط کمپانی شل مورد اکتشاف قرار گرفت. تا سال ۱۹۷۲ پنج حوزه جمعاً ۹۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌کردند (از اعماق ۲۱۴۰ تا ۳۳۳۰ متری). این حوزه‌ها تمام نفت تولیدی کشور را تا پایان سال ۱۹۷۵ تأمین می‌کردند.

در طی سالهای ۷۴ - ۱۹۷۲ اکتشافات در سایر مناطق امتیازی، به‌خصوص در خارج از ساحل غربی شبه جزیره و ساحل شمال غربی صباح با سرعت بیشتری انجام می‌گرفت. شل و اکسون در منطقه خود واقع در آبهای خارج از منطقه صباح، کونوکو^۵ و اکسون در آبهای ۱۶۰ کیلومتری غرب

1- Miri.

2- Sarawak.

3- Sabah.

4- Borneo.

5- Conoco.

مالزی به منابع دارای قابلیت بهره‌برداری تجاری دست یافتند و چاههای مورد آزمایش در عمق ۲۷۴۰ متری روزانه بین ۲۵۰۰ تا ۶۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌نمودند. حوزه‌های مکشوفه در خارج از صباح عبارتند از: حوزه سمارنگ^۱ متعلق به کمپانی شل که هم‌اکنون روزانه ۶۵۰۰۰ بشکه تولید می‌نماید، وست ارب^۲ و سوث فیوریوس^۳ که ظرفیت تولیدی هر دو بین ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد. از سال ۱۹۷۵ تاکنون تعدادی از این کمپانی‌ها از مناطق امتیازی خود در تنگه‌های مالاکا چشم‌پوشی کرده‌اند. افتتاح حوزه‌های جدید در صباح تولید مالزی در طول سال ۱۹۷۶ را به ۱۵۵۰۰۰ بشکه در روز رسانید و انتظار می‌رود تولید سال جاری نیز معادل ۱۸۰۰۰۰ بشکه در روز باشد.^۴

توسعه اکتشاف، سطح ذخایر قطعی و احتمالی را به حد تقریبی ۲/۵ میلیارد بشکه رسانیده، که با بهره‌برداری صحیح می‌تواند سطح تولید ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز را تأمین نماید. از سال ۱۹۷۵ حوزه‌های دیگری کشف نشده، لیکن تجدید حیات فعالیتهای اکتشافی همراه با گسترش حوزه‌ها احتمالاً منجر به پیدایش ذخایر بیشتر می‌شود. انتظار می‌رود تکمیل برنامه‌های گسترشی حاضر تولید را تا پایان سال آتی به ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز برساند.

گاز طبیعی نیز به مقدار قابل ملاحظه‌ای کشف شده است. حوزه لوکونیا^۵ متعلق به شل در خارج از سواحل مرکزی ساراواک قرار است سالانه ۶ میلیون تن گاز در اختیار کارخانه گاز مایع واقع در بین تولو^۶ قرار دهد. حوزه‌های گازی دیگری نیز توسط کونوکو و اکسون در غرب مالزی کشف شد، ولی تاکنون طرح بهره‌برداری آنها تهیه نشده است. ذخایر گازی مالزی ظاهراً حدود ۱۵ تریلیون فوت مکعب است و دومین حوزه گازی بزرگ پس از اندونزی در آسیای جنوب شرقی به حساب می‌آید.

تواناییها و محدودیت‌ها

تلاش دولت به منظور کنترل بیشتر منابع نفتی در سال ۱۹۷۴ منجر به پیدایش یک شرکت ملی نفت به نام پتروناس^۷ گردید که هدف آن هماهنگ کردن بهره‌برداری از گاز و نفت و انعقاد قراردادهای جدید مشارکت در تولید با کمپانیهای نفتی خارجی است. پتروناس که هنوز یک شرکت کوچک و دارای تخصص فنی بسیار محدود است تاکنون مذاکرات مربوط به انعقاد قراردادهای جدید دراز مدت با کمپانیهای خارجی را به عهده داشته است. گرچه پتروناس بازاریابی مستقیم سهم خود را از تولید نفت خام به عهده گرفته ولی گمان نمی‌رود که بتواند به انجام عملیات اکتشافی و توسعه‌ای مبادرت ورزد بلکه سعی خواهد کرد بر فعالیتهای کمپانیهای خارجی در زمینه فرآیندهای ابتدایی پالایش

1- Semarang.

2- West Erb.

3- South Furious.

۴ مالزی در سال ۱۹۷۶ به صورت یک صادرکننده صرف درآمد. حدود ۸۰ درصد تولید به خارج صادر می‌گردد و نیازهای داخلی نیز با وارد کردن نفت خام سنگین از خاور میانه تأمین می‌گردد.

5- Luconia.

6- Bin Tulu.

7- Petronas.

نظارت کرده و به تدریج سهام متناسب را در زمینه فرآیندهای پایانی پالایش گاز و نفت خریداری نماید.

در اوایل سال ۱۹۷۵ به دنبال وضع عجلانه قوانین توسط قوه مقننه مالزی که تقریباً کنترل کامل فعالیت‌های نفتی در زمینه فرآیندهای ابتدایی را به دولت محول نمود، شک و تردید سرمایه‌گذاران بشدت افزایش یافت. قانون جدید سبب شد که بسیاری از کمپانیهای نفتی خارجی عملیات اکتشافی را متوقف و اکثر اقدامات توسعه‌ای را به صورت معلق درآورند. علاوه بر این، مذاکرات مربوط به قراردادهای اشتراک در تولید با شل و اکسون که حدود بیش از یکسال ادامه داشت نهایتاً تا پایان سال گذشته به نتیجه نرسیده بود. کونوکو که با پتروناس در حال مذاکره می‌باشد، تا به حال تنها کمپانی خارجی دیگری است که خواستار کسب امتیاز در تولید است.

گرچه جو شک و تردید تا حدودی از میان رفته ولی گویا مالزی به چند دلیل از میزان نسبتاً کند رشد توسعه نفت راضی به نظر می‌رسد:

این کشور نیاز زیادی به گسترش صادرات نفتی به عنوان منبع درآمد ارز خارجی ندارد. برنامه سوم مالزی (۱۹۸۰-۱۹۷۶) با وجود وابستگی بسیار به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در نظر ندارد تولید نفت را بیش از سطح کنونی بالا ببرد. صدور کالاهای اولیه دیگر به مالزی این توانایی را داده است تا در رابطه با پرداختهای بین‌المللی وضع خوبی داشته باشد.

حامیان نظریه صرفه‌جویی در دولت و مردم اظهار می‌دارند که اگر سطح تولید پایین نگه داشته نشود منابع نفتی در دهه آتی به پایان خواهد رسید.

عدم اعتماد زیاد کمپانی‌های خارجی به دولت و قوانین گذشته به همراه سوء نیت‌های پیش آمده در نتیجه مذاکرات طولانی در مورد تجدید قراردادهای مانع از تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری شده است.

کمپانیهای نفتی کوچکتر در رابطه با سوابق قراردادهای اشتراک در تولید اکسون و شل ناراضی هستند.

عقیده بر این است که میزان زیاد خطر و هزینه عظیم پروژه‌های توسعه نفت مالزی برای کمپانیهای نفتی بزرگ منافع بیشتری در بر دارد.

دورنما

انتظار می‌رود گسترش منابع نفتی مالزی در طی چند سال آینده به طور تدریجی ادامه داشته باشد. شرایط زمین‌شناسی معمولاً مناسب و مناطق بکر و وسیع می‌تواند سرمایه و تکنولوژی خارجی لازم را جذب نماید. دولت هنوز هم متعهد است که در تجارت نفت نقش قدرتمندی را برای بخش خصوصی حفظ کند و انتظار نمی‌رود قوانین جدید که محدود کننده عملیات کمپانیهای نفتی خارجی هستند، مانند قوانین سال ۱۹۷۵ در آینده نزدیکی مورد تجدید نظر قرار گیرد. تحت این شرایط ما انتظار داریم که تا سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ سطح تولید نفت مالزی شاید به ۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یابد.

برونئی

سلطان نشین کوچک برونئی که تحت‌الحمایه انگلیس است دارای ذخایر قطعی و احتمالی ۲ میلیارد بشکه نفت و ۱۱ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی می‌باشد. بسیاری از این منابع از اواخر سالهای ۱۹۲۰ تاکنون در معرض توسعه قرار گرفته‌اند. کشف منابع نفتی خارج از خشکی در سالهای ۱۹۶۰ سبب افزایش تولید نفت به سطح ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۲ گردید و از آن زمان این سطح تولید همچنان برقرار بوده است. اخیراً بر توسعه و گسترش حوزه‌های موجود تاکید شده است، گرچه احتمال دستیابی به منابع بیشتری در خارج از خشکی نیز زیاد است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

برونئی در کنار تعدادی حوضچه رسوبی دارای ساختمانهای حامل نفت واقع شده است. حوزه‌های سریا^۱ که اول بار به وسیله رویال داچ شل^۲ در داخل خشکی گسترش یافت از سال ۱۹۲۸ تاکنون به صورت یکنواخت در حال تولید بوده است. برای این حوزه که در خارج از خشکی نیز امتداد می‌یابد یک برنامه بازیابی ثانویه (تزریق آب) در نظر گرفته شده که با سطح تولید کنونی می‌تواند ۳۰ تا ۴۰ سال دیگر عمر کند. علاوه بر این شل در خارج از خشکی اکتشافات دیگری نیز انجام داده است. سرعت اکتشاف در دو سال گذشته کندتر شد. از ۸۲ حلقه چاه حفاری شده توسط شل در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ تنها ۲۱ حلقه اکتشافی بود. در حال حاضر شش دستگاه حفاری خارج از خشکی مشغول حفاری جهت ارزیابی و توسعه سریع است. آخرین کشف کمپانی شل کشف حوزه اوزیری^۳ در سال ۱۹۷۶ بود که ارزش تجاری این حوزه تاکنون مشخص نشده است. سان و آشلند^۴ تنها کمپانیهای خارجی دیگری هستند که در برونئی امتیازاتی دارند. حفاریهای محدود آنها موفقیت‌آمیز نبوده است. براساس عملیات توسعه‌ای انجام شده بر روی حوزه‌ها تا به امروز ذخایر قطعی برونئی حدود ۲ میلیارد بشکه برآورده شده است. در صورت انجام اکتشافات جدید در خارج و داخل خشکی این ذخایر احتمالاً تا حدی افزایش خواهند یافت. لیکن یافته‌ها در مقایسه با استانداردهای جهانی بزرگ نخواهند بود. ذخایر گاز طبیعی معادل ۸ تا ۱۰ تریلیون فوت مکعب برآورده شده است. در حال حاضر گاز حاصل از حوزه آمپا^۵ در جنوب غربی به مقدار روزانه ۷۰۰ میلیون فوت مکعب گاز به کارخانه گاز مایع لوموت^۶ می‌رساند.

تواناییها و محدودیتها

برونئی که دارای شرکت ملی نفت نیست مدتهاست که از رابطه خوب و سودمند خود با بانی اصلی

1- Seria.

2- Royal Dutch Shell.

3- Osprey.

4- Sun & Ashland.

5- Ampa.

6- Lumut.

اقتصاد آن یعنی کمپانی بروئی شل پترولیوم^۱ بهره می‌برد. عوارض نفتی، مالیات بر درآمد کمپانی و درآمد حاصل از سهام دولت، ۹۰ درصد کل عواید دولت بروئی را تشکیل می‌دهد که در سال ۱۹۷۶ معادل ۴۰۰۰ دلار برای هر نفر از افراد کشور بروئی شده بود. در سالهای اخیر دولت سهم خود را در رابطه با کمپانی بروئی شل پترولیوم بالا برده و به سطح ۵۰ درصد رسانیده و علاوه بر این ۱۰ درصد سهم گاز طبیعی حاصله را نیز برای خود حفظ کرده است.

با توجه به اینکه منابع مالی این کشور بیش از آن است که بتواند جذب اقتصاد آن گردد، به نظر نمی‌رسد بروئی در نظر داشته باشد در رابطه فعلی خود با شل تغییرات تندی پدید آورد. به همین ترتیب هیچ محرکی وجود ندارد که دولت را برای افزایش بیشتر سطح تولید فعلی تحت فشار قرار دهد.

در واقع بروئی تنها به خاطر نفت می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد، و احتمال ندارد که اقداماتی منجر به قطع عملیات کمپانیهای خارجی در این کشور صورت پذیرد.

دورنما

وجود منابع نفتی قابل توجه قطعی محرکی برای شل به وجود خواهد آورد که به اکتشافات خود ادامه دهد.

اما تمایل شل بجای افزایش تولید سعی در حفظ آن خواهد بود. همزمان با توسعه کاملتر حوزه‌های فعلی انتظار می‌رود تولید تا سال ۱۹۸۰ یا همین حدود به طور یکنواختی به سطح ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یابد.

برمه

سالهاست که برمه مقادیر کمی نفت تولید می‌کند، و چشم‌انداز زمین‌شناسی نیز نشانگر تغییر در این روند نمی‌باشد.

دورنمای خارج از خشکی نیز معلوم نیست زیرا متصدیان نفتی خارجی فقط در همین اواخر عملیات اکتشافی خود در این مناطق را آغاز کرده‌اند.

دولت برمه احتمالاً از درگیر شدن کمپانیهای نفتی خارجی در توسعه مناطق داخل خشکی جلوگیری خواهد کرد، ولی احتمال می‌رود افزایش تدریجی فعالیت‌های اکتشافی کمپانیهای خارجی را در خارج از خشکی مجاز نماید.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

نفت از سالهای ۱۸۸۰ تاکنون در نیمه جنوبی حوضچه سانترال^۲ به صورت تجاری تولید شده است.

1- Brunei shell Petroleum (BSP).

2- Central Basin.

پنج حوزه تولیدی با نامهای چاوک^۱، مان^۲، ینانگ یانگ^۳، میانونگ^۴ و پروم^۵ کل تولید برمه را که معادل ۲۹۰۰۰ بشکه در روز است و تقریباً تمام ذخایر قطعی ۷۰ میلیون بشکه‌ای این کشور را تشکیل می‌دهند. مطالعات مربوط به مناطق نویدبخش نفتی از قبیل نوار ساحلی آراکان^۶ در ساحل غربی برمه هنوز به پایان نرسیده است. معذالک دولت برمه و بعضی از کمپانیهای نفتی خارجی معتقدند که منابع نفت و گاز نسبتاً بزرگی در خارج از خشکی وجود دارد. در سال ۱۹۷۴ دولت با اسواکسپلوراسیون^۷ (برمه)، مارتابان سیتی سرویس^۸، توتال^۹، یک کنسرسیوم اروپایی مرکب از سی.اف.پی^{۱۰} (فرانسوی)، دومینیکس^{۱۱} (آلمان غربی) و اجی آی پی^{۱۲} (ایتالیا)، و مؤسسه گسترش نفتی آراکان^{۱۳}، یک کنسرسیوم از شرکتهای کنسرسیوم از شرکتهای ژاپنی در رابطه با مناطق خارج از خشکی قراردادهایی را امضاء نمود. تمام این چهار قرارداد در سال جاری به پایان خواهند رسید. براساس این قراردادها اکسون هشت حلقه چاه در خلیج مارتابان^{۱۴} حفر نمود در حالی که دیگر کمپانیها در نوار ساحلی آراکان مستقر شده بودند. در هیچیک از مناطق حفاری شده نفت بدست نیامد، لیکن مقدار گاز دارای قابلیت بهره‌برداری تجاری کشف گردید. اکسون، سیتگو^{۱۵} و توتال به دنبال نتایج ناچیزی که تاکنون داشته‌اند به عملیات خود خاتمه داده و این کشور را ترک نمودند.

تواناییها و محدودیتها

شرکت نفت دولتی میانما^{۱۶} مسئولیت تمام تولید و اکتشافات نفتی برمه را به عهده دارد و به عنوان عامل دولت در رابطه با قراردادهای اکتشافی کمپانیهای نفتی خارجی عمل می‌کند. فعالیت‌های اکتشافی و گسترش داخل خشکی تنها توسط میانما انجام می‌شود، که آن نیز به نوبه خود از آلمان، انگلیس و کنسرسیومی به ریاست بانک چیس مانهاتان^{۱۷} وامهایی جهت خرید تجهیزات حفاری و

-
- 1- Chauk.
 - 2- Mann.
 - 3- yanangyaung.
 - 4- Myanaung.
 - 5- Prome.
 - 6- Arakan Coastal Belt.
 - 7- Esso Exploration.
 - 8- Martaban Cities Service.
 - 9- TOTAL.
 - 10- C F P (France).
 - 11- Deminex.
 - 12- A G I P.
 - 13- Arkan Oil Development Corporation (A O D C).
 - 14- Gulf of Martaban.
 - 15- Citgo.
 - 16- Myanma oil Company (MOC).
 - 17- Chase Manhattan Bank.

ماشین آلات مخصوص ساختن خط لوله دریافت کرده است. میانما توانایی اکتشاف در خارج از خشکی را ندارد و در سال ۱۹۷۴ دولت برمه برخلاف سیاست همیشگی خود یعنی اجتناب از جهان خارج، با چهار کمپانی خارجی در رابطه با عملیات اکتشافی خارج از خشکی قراردادهای اشتراک در تولید مشابه اندونزی را منعقد می‌کند.

دولت نه‌وین^۱ از سال ۱۹۶۲ نسبت به نفوذ تمام بیگانگان در برمه سوءظن داشت، و با شورشهای قبیله‌ای و کمونیستی شرق برمه خود را سرگرم ساخته، و سیاست‌های سوسیالیستی را بکار می‌برد که باعث اختناق رشد اقتصادی گردیده بود، مهمترین تغییر در سیاست انزوای طلبی در رابطه با تجارت نفت صورت گرفته بود که در آن وام‌های خارجی میانما در رابطه با اکتشافات داخل خشکی مجهز می‌کرد و به شرکت‌های نفتی خارجی اجازه داده شد که به فعالیت‌های اکتشافی در خارج از خشکی بپردازد. با این وجود از مشارکت شرکت‌های نفتی خارجی در توسعه حوزه‌های داخل خشکی ممانعت به عمل آمد.

یکی دیگر از عوامل محدود کننده بالقوه در مورد شرکت‌های نفتی خارجی در برمه تبدیل میانما از وزارت معادن به وزارت صنایع دوم است. بر اثر این تغییر از میزان نفوذ تکنسین‌هایی که کارمندان میانما را تشکیل می‌دهند در برابر بوروکرات‌هایی که وزارتخانه را اداره می‌کنند کاسته خواهد شد. تحت این شرایط به نظر می‌رسد که نمایندگان شرکت‌های نفتی خارجی دیگر نخواهند توانست به آسانی به پرسنل میانما دست یابند، و به عقیده برخی از ناظران این وضع مذاکرات مربوط به عقد قراردادهای آینده را کند خواهد نمود.

دورنما

برمه در رابطه با گسترش بیشتر تواناییهای اندک خود در داخل خشکی دورنمای مساعدی دارد. تا زمانی که حفاریهای اکتشافی دیگری صورت نپذیرد نمی‌توان در مورد تواناییهای خارج از خشکی این کشور اظهار نظر نمود. احتمالاً دولت به جستجوی منابع وام‌های خارجی به منظور توسعه صنعت نفت ادامه خواهد داد. در همان حال که برمه در برابر افزایش مشارکت بیگانگان در فعالیت‌های داخل خشکی مقاومت خواهد کرد، ولی ظاهراً به نحو محتاطانه‌ای به شرکت‌های نفتی خارجی برای کار در خارج از خشکی اجازه داده خواهد شد.

پاکستان

بر اساس اکتشافاتی که تا کنون صورت گرفته، تواناییهای نفتی پاکستان چندان امیدوار کننده به نظر نمی‌رسد. ذخایر قطعی نفت فقط معادل ۷۵ میلیون بشکه بوده، و میانگین تولید نیز ۱۰۰۰۰ بشکه در روز است. که بسیار کمتر از نیاز داخلی می‌باشد. منابع گسترده گاز کشف شده و اکتشافات ضربتی بیشتر می‌تواند موجب پیدایش ذخایر گازی و نفتی بیشتر به خصوص در حوضچه بلوچستان^۲ گردد. گرچه مشکلات سیاسی کنونی اجازه اکتشاف و گسترش را نمی‌دهد، ولی ما معتقدیم که جو عملیاتی

1- Ne Win.

2- Baluchistan.

برای شرکت‌های نفتی خارجی عامل مهمی در توانایی پاکستان به عنوان یک صادرکننده نفت نمی‌باشد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

تمام تولید نفت فعلی پاکستان از شش حوزه واقع در بخش شمالی حوضچه ایندوس^۱ تأمین می‌گردد. و در نقاط دیگر آن نیز اکتشافاتی در حال انجام است. (به نقشه صفحه ۳۰ مراجعه کنید).^۲ به طور مثال در سال ۱۹۷۶ دولت پاکستان در مورد منابع نفت واقع در مرکز حوضچه ایندوس تبلیغات زیادی راه انداخت. با وجود اینکه فقط مطالعات مقدماتی انجام گرفته است، شرکت دولتی توسعه گاز و نفت با کمال خوش‌بینی یافته‌ها را شامل ۲۰۰ میلیون بشکه نفت و ۴ تا ۵ تریلیون فوت مکعب گاز تخمین می‌زند. با این وجود منابع خصوصی صنعت نفت معتقدند که این ذخایر حاوی گاز تقطیر شده بوده و دارای نفت توام با گاز نمی‌باشد.

سلسله جبال مکران^۳ در حوضچه بلوچستان که در غرب منطقه فعالیت‌های نفتی حوضچه ایندوس واقع شده به تازگی مورد اکتشاف قرار گرفته است. با وجود اینکه مطالعات زمین‌شناسی در این منطقه پایان نیافته، علائمی حاکی از وجود نفت در بعضی از بافت‌های به‌خصوص مکران بدست آمده است. کمپانی ماراتون یونیون^۴ که تنها کمپانی خارجی در حال کار در منطقه است، در داخل و خارج از خشکی به حفاری مبادرت ورزیده است.

آموکو^۵ با کسب امتیازاتی در منطقه‌ای به وسعت کلی ۷۷۷۰۰ کیلومتر مربع که عمدتاً در ناحیه فلات پوتوار^۶ واقع شده بزرگترین فعالیت‌های اکتشافی را انجام می‌دهد. تگزاس گلف در سند^۷ یعنی بخش جنوبی حوضچه ایندوس دارای دو منطقه امتیازی می‌باشد. مطالعات لرزه‌نگاری انجام شده توسط این کمپانی دو تشکیلات زمین‌شناسی نویدبخش و عمیق نفتی را نشان داده، و حفاری نیز در چند ماه آینده انجام خواهد شد. تگزاس گلف یک چاه اکتشافی دیگر نیز در سومین منطقه مورد امتیاز خود یعنی منطقه کارک^۸ در مرز شمال غربی این ایالت در اواخر سال جاری حفر خواهد کرد. خلاصه اینکه این فعالیتها کم بوده و نشان می‌دهد که نسبت به وجود منابع عظیم نفت در پاکستان اعتماد چندانی نمی‌شود. پاکستان در طول ۱۵ سال گذشته در کشف و توسعه گاز طبیعی بیش از نفت موفقیت داشته است. آمار تولید گاز توسط دولت اعلام نمی‌شود لیکن در سال ۱۹۷۶ حدود ۱۹۰ میلیارد فوت مکعب گاز تولید شده بود. ذخایر گاز معادل ۲۱ تریلیون فوت مکعب برآورد شده که حوزه سوئی^۹ در

1- Indus.

۲- منظور صفحه ۴۱ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

3- Makran Ranges.

4- Marathon - union.

5- Amoco.

6- Potwar Plateau.

7- Sind.

8- Karak.

9- Sui.

شرق بلوچستان (۸ تریلیون فوت مکعب) و حوزه ماری^۱ از آن جمله است. دیگر ذخایر به صورت پراکنده در حوزه پوتوار و سند واقع شده است. بسیاری از حوزه‌های گازی سند، اگرچه به طور کامل آزمایش نشده‌اند، ولی مشخص شده که گاز نامرغوبتری را دارا می‌باشند.

تواناییها و محدودیت‌ها

شرکت دولتی توسعه گاز و نفت^۲ هم به عنوان طرف مذاکره با شرکتهای خارجی پیرامون قراردادهای اکتشافی و هم به صورت یک کمپانی اکتشافی و گسترشی عمل می‌کند. دولت پاکستان برای یافتن نفت و گاز کمپانیهای خارجی را به گرمی فرا می‌خواند و خواستار یک سرمایه‌گذاری مشترک بین یک کمپانی نفتی بین‌المللی، یکی از مؤسسات مالی خارجی و شرکت دولتی توسعه گاز و نفت می‌باشد. عکس‌العمل دولت نیز از تواناییهای محدود شرکت دولتی توسعه گاز و نفت در انجام اکتشافات و گسترش به طور مستقل و اتکاء شدید آن به منابع خارجی در رابطه با تجهیزات، تکنولوژی و آموزش ناشی می‌گردد. گرچه دولت در دو سال گذشته به حمایت مالی خود از شرکت دولتی توسعه گاز و نفت به مقدار زیادی افزوده است، ولی این میزان سرمایه هنوز هم محدود است. شرکت دولتی توسعه گاز و نفت هنوز هم قادر نیست به اهداف حفاری و گسترشی که در برنامه سالانه دولتی تعیین شده دست پیدا کند. ناآرامی سیاسی در پاکستان به همراه برکناری نخست‌وزیر بوتو به عنوان رئیس دولت توسط ارتش نیز از عوامل دیگر محدودکننده اکتشاف و تولید است. با وجود اینکه دولت نظامی جدید اکثر سیاستهای رژیم بوتو را ادامه می‌دهد، شرکتهای نفتی خارجی نسبت به دائمی بودن آن مردد بوده و نمی‌توان انتظار داشت که زمان برقراری ثبات سیاسی ابتکار جدیدی به عمل آید. حتی قبل از سقوط دولت بوتو نیز شرکتهای نفتی خارجی نسبت به آینده عملیات در پاکستان اظهار نگرانی می‌نمودند. دولت در سال ۱۹۷۶ تغییرات جدیدی را در بافت اداری مربوط اکتشاف و گسترش نفت اعلام نمود. قرار بود یک سازمان جدید به نام کمیسیون نفتی پاکستان^۳ به وجود آید و وظایف نفتی وزارت سوخت، نیرو و منابع طبیعی را به عهده گرفته شرکت دولتی توسعه گاز و نفت را نیز جذب نماید. در شرایط کنونی، این وزارتخانه به عنوان عامل اعطای امتیازات و تنظیم‌کننده امور انجام وظیفه می‌نماید. کمپانیهای نفتی احساس می‌کنند که با آنها و شرکت دولتی توسعه گاز و نفت منصفانه رفتار شده است. فرامین جدید به علت تغییر دولت هرگز به مرحله اجرا در نیامد. معذالک کمپانیها فکر می‌کنند که اگر کمیسیون نفتی پاکستان به وجود آید در اعطای حقوق امتیازی و در کاربرد قوانین اکتشافی و گسترشی از رفتار بهتری برخوردار خواهند بود.

دورنما

در حال حاضر، تواناییهای نفتی پاکستان را بینهایت محدود می‌دانیم، گرچه اکتشافات بیشتر به خصوص در حوزه مکران می‌تواند منجر به افزایش قابل توجه ذخایر نفتی گردد. دورنمای افزایش

1- Mari.

2- O G D C.

3- Pakistan Petroleum Commission (PPC).

ذخایر گاز طبیعی که در حال حاضر نیز چشمگیر می‌باشد خیلی بهتر است. اکثر احزابی که در ناآرامیهای کنونی پاکستان رقیب هستند دریافته‌اند که نقش کمپانیهای نفتی خارجی در اکتشاف و گسترش می‌تواند از وابستگی آنها به نفت وارداتی بکاهد. احتمالاً دولت جدیدی که روی کار می‌آید انگیزه‌هایی برای نگهداشتن کمپانیهای خارجی در پاکستان فراهم خواهد کرد.

بنگلادش

با وجود اینکه بنگلادش تا به حال به نفت دست نیافته، ولی دارای ذخایر گاز طبیعی عمده‌ای است که بعضی از آنها از سال ۱۹۶۰ تاکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. حفاری مناطق نویدبخش داخل و خارج از خشکی علیرغم اختلافات مرزی این کشور با هند و برمه که موجب پیچیدگی بعضی از عملیات شده ادامه دارد. شرکت‌های نفتی خارجی از سال ۱۹۷۴ در مناطق خارج از خشکی مشغول بکار بوده و اخیراً به آنها اجازه فعالیت در داخل خشکی نیز داده شده ولی در عین حال مناطقی که دارای بهترین تواناییها می‌باشد برای دولت حفظ شده است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

دورنمای گاز و نفت بنگلادش در حوضچه آسام^۱ در نیمه شمالی کشور در نوار ساحلی آراکان^۲ در جنوب که تا درون خاک برمه امتداد می‌یابد، متمرکز می‌باشد. (به نقشه صفحه ۳۰ نگاه کنید.)^۳ دورنمای گاز در این کشور بسیار امیدوارکننده است. برآوردهای اخیر توانایی ذخایر گازی را بین ۱۸ تا ۲۵ تریلیون فوت مکعب نشان می‌دهد که ظاهراً بخش اعظم آن شامل حدس خوش‌بینانه‌ای در مورد تواناییهای مربوط به حوزه‌های خارج از خشکی می‌باشد.

برداشت گاز از چهار حوزه تولیدی کشور در سال ۱۹۷۶ تقریباً معادل ۳۰ میلیارد فوت مکعب بود. سه حوزه از چهار حوزه مذکور در شمال شرقی بنگلادش واقع شده‌اند. قرار است در حوزه بخرآباد^۴ در شمال شرقی نیز حفاریهایی برای ارزیابی صورت گیرد. ولی اطلاعات اخیر حاکی از آنست که گسل‌های ژئولوژیکی این حوزه را به سه بخش تقسیم کرده و بخش عمده گاز تنها در قسمت مرکزی آن قرار گرفته است. محتوای گاز متان حوزه بخرآباد نیز مانند گاز حاصله از حوزه‌های قدیمی‌تر بیش از ۹۴ درصد است. در حجله مولادی^۵ و بگمگانی^۶ نیز گاز پیدا شده، و با وجود کوچک بودن این حوزه‌ها حفاریهای دیگری نیز صورت خواهد گرفت.

در اواخر سال ۱۹۷۶ کمپانی نفتی یونیون در ۸۰ کیلومتری خارج از خشکی خلیج بنگال به گاز دست یافت. این کمپانی هنوز در مورد بهره‌برداری و یا انجام اکتشافات بیشتر تصمیم نگرفته است. در

1- Assam.

2- Arakan coastal Belt.

۳- منظور صفحه ۴۳ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Bakhrabad.

5- Hijla - Muladi.

6- Begumgani.

خارج از خشکی منبع دیگری که دارای ارزش تجاری باشد، بدست نیامده است.

تواناییها و محدودیتها

شرکت گاز و نفت بنگلادش (پترو بنگالا^۱) که یک آژانس دولتی است، در زمینه اکتشاف و توسعه فعالیت داشته و فعالیت خارجیها را تنظیم می‌کند. کمک عملیاتی این شرکت یعنی کمپانی تایلاساندھینی^۲ با کمک فنی خارجی در مناطق داخل خشکی به اکتشاف می‌پردازد. این شرکت با استفاده از تجهیزات و همچنین کمک فنی شوروی که دولت آن را رضایتبخش نمی‌داند در دو سال گذشته در داخل خشکی شش حلقه چاه حفر نموده است. یک شرکت آمریکایی اخیراً در مورد یکی از چاهها آزمایش تولید را انجام داد. آلمان غربی و احتمالاً نروژ نیز کمک فنی در اختیار این کشور قرار می‌دهند.

تایلا ساندهینی در ماه مه گذشته به مذاکره پیرامون خرید ماشین‌آلات حفاری پرداخت. ظاهراً تجهیزات آمریکایی را به تجهیزات رومانی و روسی ترجیح می‌دهد، لیکن در مورد تأمین هزینه مورد نیاز دچار مشکلاتی شده است. دولت برای اکتشاف در خارج از خشکی با شش کمپانی خارجی قراردادها را اشتراک در تولید منعقد ساخته است و هزینه لازم نیز از طریق ۳۰ درصد بازده اولیه تأمین خواهد شد. در ژوئیه ۱۹۷۶ دولت در رابطه با مناطق داخل خشکی امتیازاتی را ارائه نمود که شامل اکثر نقاط کشور می‌شد و از سرمایه‌گذارهای مشترک دعوت نمود تا در مناطق عملیاتی مربوط به پترو بنگالا بجز در مناطق دارای حوزه‌های شناخته شده و یا مورد اکتشاف بکار مشغول شوند.

قراردادهای مربوط به خارج از خشکی که با دو کمپانی خارجی منعقد شده شامل مناطقی است که مورد ادعای هند و برمه می‌باشند. مسئله اختلافات مرزی حل نشده این کشور با هند سبب شد که یک کمپانی آمریکایی نتواند در زمینه سرمایه‌گذاری برای خود شریکی بیابد و احتمالاً علت تصمیم به ترک منطقه نیز همین بوده است. به علت ادعاهای برمه منطقه مورد امتیاز ژاپن نیز کاهش یافته است. ارزیابی حوزه بحرآباد نیز با تأخیر روبرو شده است زیرا کمپانی مسئول آمریکایی نتوانسته سرمایه لازم را فراهم آورد.

دورنما

تواناییهای مربوط به گاز و نفت بنگلادش در حال حاضر نسبت به آنچه که دو سال گذشته می‌نمود کمتر نویدبخش است، با این وجود مشخص است که این کشور حاوی منابع گازی مهمی می‌باشد. طرحهایی در دست است تا تولید حوزه‌های فعلی گاز افزایش یابد. دورنمای آینده نزدیک بستگی به ارزیابیهای بیشتر حوزه بحرآباد و یافته‌های خارج از خشکی دارد. بنگلادش از نظر فنی و نه از نظر مالی نمی‌تواند بدون نوعی حمایت خارجی کار را به تنهایی آغاز کند، لیکن روابط این کشور با کمپانیهای خارجی و مستشاران بین‌المللی آنقدر خوب بوده که می‌توان گفت اکتشاف و گسترش ادامه خواهد یافت.

1- Petro Bangala.

2- Taila Sandhini.

تایوان

تایوان از نظر منابع انرژی بسیار فقیر است. علاقه بسیار به یافتن و گسترش منابع گاز و نفت داخلی دارد. شرکت دولتی نفت چائینز با کمک شرکت‌های آمریکایی به عملیات اکتشافی نفتی در فلات قاره تایوان دست زده است. گرچه شرکت نفت چائینز^۱ در نظر دارد در آینده نزدیکی اکتشافات خارج و داخل خشکی خود را افزایش دهد لیکن دورنمای دستیابی به منابع مهم نفتی ضعیف می‌باشد مگر آنکه فعالیت در مناطق نویدبخش‌تر از قبیل دریای شرق چین انجام گیرد. شرکت‌های خارجی نیز به علت زدوخوردهای ناشی از اختلافات ارضی آن کشور با چین، ژاپن و کره جنوبی حاضر نیستند به آن مناطق وارد شوند.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

وابستگی به منابع خارجی مهمترین علت افزایش فعالیتهای اکتشافی و گسترش تایوان بوده است. تایوان در حال حاضر دارای ۸۴ حلقه چاه مولد در داخل خشکی است که تقریباً تمام آنها حاوی گاز می‌باشند. تولید گاز داخلی در حال حاضر نیاز تمام جزیره را تأمین می‌کند. ولی تولید نفت داخلی تنها ۲ درصد از نیاز فعلی را که روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه می‌باشد برآورده می‌سازد. تایپه^۲ از مساعدتهای خارجیان در فعالیتهای اکتشافی خود بشدت استقبال کرده است. به عنوان یک کار تشویقی شرکت دولتی نفت چائینز نیمی از سرمایه لازم برای حفاریهای داخل خشکی را فراهم می‌آورد و منافع حاصله از این سرمایه‌گذاری مشترک را نیز به نسبت ۵۰ درصد بین خود و شریک خارجی تقسیم می‌کند. چند کمپانی امریکایی از قبیل گلف، آموکو و کونوکو که در برنامه‌های مشترک اکتشافی شرکت کرده بودند اخیراً به علت ناخوشایند بودن نتایج حاصله امتیازات خود را پس دادند.

برنامه اکتشافی سال گذشته شرکت نفت چائینز مستلزم حفر ۲۰ حلقه چاه بوده است. از ۱۴ حلقه چاهی که قرار بود در داخل خشکی حفر شود، ۹ حلقه حفر گردید که شش حلقه خشک و یک حلقه دیگر در دست حفاری است. توجه شرکت نفت چائینز بتدریج به سمت حفاریهای خارج از خشکی متمایل می‌گردد. در سال ۱۹۷۶ دولت ۵۰۰ میلیون دلار برای برنامه حفاریهای دراز مدت خارج از خشکی اختصاص داد. در سال جاری هفت حلقه چاه در خارج از خشکی حفر خواهد شد و یکی از آنها که تا به حال حفر گردیده جریان گاز رضایت‌بخش داشته است. حفاریهای خارج از خشکی در منطقه پیشین آموکو و در ساحل شمال جزیره متمرکز خواهد بود.

تواناییها و محدودیت‌ها

اختلافات ارضی این کشور با چین و تا حدود کمتری با ژاپن و کره جنوبی سبب شده است که شرکت‌های نفتی خارجی نتوانند اقدامات گسترده‌تر اکتشافی در خارج از خشکی به عمل آورند. آنها عمدتاً از این می‌ترسند که مبادا فعالیتهای حفاری در مناطق مورد اختلاف موجب رویارویی با پکن

1- Chinese Petroleum corporation (CPC).

2- Taipei.

شود. تاپیه اخیراً سعی کرد در ۱۶۰ کیلومتری شمال تایوان یعنی ناحیه بین سرزمین اصلی چین و جزیره به حفاری بپردازد اما شکست خورد. علی‌رغم تضمین ارائه شده توسط تاپیه مبنی بر اینکه ارزش ماشین‌آلات خسارت دیده و یا از بین رفته را به طور کامل خواهد پرداخت. هیچیک از شرکتهای خارجی حاضر بکار در این منطقه نشده‌اند. اختلافات این کشور با ژاپن و کره جنوبی شامل مناطقی دیگر خارج از خشکی نیز می‌باشد.

تایلند

۹ سال اکتشاف در تایلند نتوانسته است منجر به پیدایش منابع نفت تجاری شود، گرچه در مناطقی خارج از خشکی خلیج تایلند (به نقشه صفحه ۳۸ نگاه کنید)^۱ ذخایر مهم گاز طبیعی و فشرده پیدا شده است. مذاکراتی در حال انجام است تا با استفاده از منابع مالی بانک جهانی و تکنولوژی کمپانی نفتی خارجی ذخایر گازی گسترش داده شوند. گرچه اکتشافاتی که تاکنون انجام شده امید کمی برای دستیابی به منابع نفتی به وجود می‌آورد، ولی احتمال پیدایش ذخایر دیگر گاز بسیار زیاد است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

از زمانی که تایلند در سال ۱۹۶۸ قلمرو خود را به روی اکتشافات خارجی گشود، توانست تعدادی از شرکتهای بزرگ نفتی را به خود جلب نماید. حفاریهای داخل خشکی از همان اوان نویدبخش نبود، و مناطقی داخل خشکی اجاره داده شده توسط گلف و یونیون نیز پس از حفر یک چاه در هر کدام، به کشور مزبور بازگردانده شد. در دریای آندامان^۲ در ساحل غربی شبه جزیره تایلند، اکسون و یونیون ۱۰ حلقه چاه در اعماق بین ۱۳۷۰ تا ۳۹۶۰ متری و در داخل آب در اعماق ۴۹۰ تا ۹۰۰ متری حفر نمودند که نتیجه مثبتی بیار نیاورد. این نتایج منفی سبب شده است که این کمپانی‌ها بر آن شوند تا به جستجوی نفتی خود در دریای آندامان پایان دهند. اکتشافات در خلیج تایلند وسیع‌تر و به همان اندازه پرمترتر بوده است. از ۵۰ حلقه چاهی که تاکنون حفر شده، هشت حلقه در اعماق ۱۲۲۰ تا ۳۶۶۰ متری و در آبهای به عمق ۴۵ تا ۷۵ متر به گاز طبیعی و مقطره رسیده‌اند. حدس زده می‌شود که یافته‌های یونیون شامل یک تریلیون فوت مکعب گاز و نیز مقدار زیادی گاز مقطر است. تقریباً در همان شرایط زمین‌شناسی، کمپانی تگزاس پاسیفیک^۳ در سال گذشته دو حلقه چاه بزرگ حفر نمود که هر دو بیش از ۲ تریلیون فوت مکعب گاز در خود دارند. اکتشافات تگزاس پاسیفیک سبب شده است که در رابطه با پیدایش منابع گاز دیگر خوش‌بینی زیادی پیدا شود.

تواناییها و محدودیت‌ها

تایلند به منظور گسترش منابع هیدروکربن خود به تخصص خارجی نیازمند است. روابط این کشور با کمپانیها نیز تاکنون خوب بوده است که علت اصلی آن نیز عدم پیدایش منابع نفت دارای

۱- منظور صفحه ۴۶ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

2- Andaman Sea.

3- Texas - Pasific.

ارزش تجاری می‌باشد. به هنگام مذاکره در مورد اجاره مناطق نفتی در سال ۱۹۶۸ قرار شد تا اینکه ۱۲/۵ درصد عوارض و ۵۰ درصد مالیات بر منافع تمام نفت خام تولیدی را بدست آورد. ولی پس از کاهش هزینه کمپانی، دولت احتمالاً کمتر از ۵۰ درصد از عایدات کلی نفت خام را کسب می‌نماید. با در نظر گرفتن اینکه شرایط قراردادهای در مالزی و اندونزی سخت‌تر شده، احتمال دارد دولت در صورت دستیابی به اکتشافات عظیم نفتی به کمپانی‌ها فشار بیاورد تا سهم بیشتری از منافع را دریافت دارد.

در قراردادهای ابتدایی در مورد کشف گاز پیش‌بینی‌هایی نشده بود. بنابراین دولت از سال ۱۹۷۶ با یونیون وارد مذاکرات گسترده‌ای شده است تا بتواند برای هر چاه گاز قیمتی تعیین کند به نحوی که یونیون نیز مایل به سرمایه‌گذاری در گسترش حوزه‌های گازی بشود. برنامه‌هایی در نظر گرفته تا بر اساس آن یک خط لوله زیر آبی ۶۰۰ کیلومتر از حوزه یونیون تا شمال بانکوک احداث گردد. جهت اتصال اکتشافات تگزاس پاسیفیک به جنوب نیز احداث یک خط لوله ۱۸۰ کیلومتری دیگر مورد لزوم است. هزینه کلی خط لوله بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. قرار است هزینه قسمت اعظم این پروژه‌ها از طرف بانک جهانی تأمین شود و اخذ مقدراری وام تجاری نیز محتمل می‌باشد. این پروژه قرار است تا سال ۱۹۸۱ پایان یابد.

دورنما

با در نظر گرفتن وسعت تلاشهای اکتشافی گذشته و مشخصات زمین‌شناسی ظاهراً تا اینکه تاکنون لازم را برای تبدیل شدن به یک صادرکننده نفت ندارد. لیکن با ادامه اکتشافات دستیابی به گاز و مقطره بیشتری معقول به نظر می‌رسد. تا اینکه تاکنون پروژه خط لوله گازی را هرچه زودتر آغاز کنند تا بتوانند از میزان واردات نفتی خود که سالانه ۸۰۰ میلیون دلار می‌شود، بکاهند. ذخایر گاز و مقطره فعلی برای تأمین حدود ۲۵ درصد نیاز این کشور به واردات نفتی کافی می‌باشد. احتمالاً در آینده نزدیک قراردادهایی با کمپانیهای خارجی منعقد خواهد گردید.

فیلیپین

فیلیپین ظاهراً پس از انجام یک سری حفاری‌های ناموفق توانسته است به منابع نفتی دارای کمیت تجاری دست یابد. در گذشته علی‌رغم شرایط زمین‌شناسی ظاهراً مناسب برنامه‌های حفاری کمپانیهای نفتی خارجی و داخلی با کندی بسیار پیش می‌رفت. یافته‌های اخیر و شرایط آزاد منشانه دولت سبب شد که میزان اکتشافات که هنوز نیز کند است شتاب بیشتری بگیرد. دورنمای به وجود آوردن ذخایری که برای تأمین تولیدات قابل توجهی تا قبل از سالهای ۱۹۸۰ کافی باشد چندان درخشان نیست.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

از دیرباز چنین به نظر می‌رسید که بافتهای زمین‌شناسی فیلیپین دارای ذخایر نفتی است. این مجمع‌الجزایر پهناور و از نظر مشخصات زمین‌شناسی شباهت بسیاری با کشورهای همسایه یعنی

اندونزی و ایالت بورنئوی^۱ در شمال مالزی دارد. تعداد زیاد حوضچه‌های رسوبی مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی در داخل خشکی و نیز در غرب فلات قاره کشور احتمالاً شامل تعداد زیادی ذخایر نفتی نه چندان بزرگ است.

گرچه اکتشاف از اوایل قرن آغاز شده بود، ولی فقط در طی سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود که تحقیقات لرزه‌نگاری به عمل آمد و چند چاه اکتشافی در حوضچه شمالی دره لوزون کاگایان^۲ حفر گردید. در اوایل سالهای ۱۹۷۰ به اکتشاف در مناطق خارج از خشکی علاقه زیادی پیدا شد و تقریباً ۴۰ کمپانی که بسیاری از آنها محلی بودند منطقه‌ای به وسعت ۱۲۹۵۰۰ کیلومتر مربع را بر اساس قراردادهای امتیازی اجاره کردند. معذالک میزان حفاری ناچیز باقی ماند و در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ تعداد ۱۶ حلقه چاه حفر گردید که هیچیک موفقیت‌آمیز نبود.

در سال ۱۹۷۶ سیتی سرویس^۳ به همراه هاسکی^۴ از کانادا و چند کمپانی فیلیپینی به اولین اکتشاف مهم در این کشور (نیدو - I^۵) در ۴۵ کیلومتری ساحل شمال غرب پالوان^۶ دست یافتند. در عمق ۲۸۹۰ متری کابل‌های داخل چاه نشان می‌داد که چاه به ذخایر دارای طبقات آهکی متخلخل رسیده است. ظاهراً یک حفاری آزمایشی نشان داد که چاه می‌تواند روزانه ۷۲۰۰ بشکه نفت تولید نماید. در اواخر همان سال یک چاه دیگر نیز در شمال منطقه حفر شد که نتیجه امیدوارکننده‌ای نداشت و تنها آثار کمی از هیدروکربن در آن مشاهده می‌شد. یک چاه ثالث که در ژوئیه ۱۹۷۷ در جنوب نیدو - I، حفر شد دارای بهترین شدت جریان نفت در آن زمان بود که در تشکیلات کربناته با شکستگی زیاد واقع شده است. گرچه ارزش تجاری این منطقه هنوز تعیین نشده، لیکن تأیید این مطلب که در حاشیه پالوان نفت وجود دارد، می‌تواند موجب تداوم اکتشافات در این منطقه گردد.

اکتشافات سال گذشته نیز در ریدبنک^۷ واقع در لبه شرقی جزایر اسپراتلی^۸ در دریای جنوبی چین متمرکز بود. ویتنام، چین، تایوان و فیلیپین مدتها دعوی حاکمیت بر این منطقه را داشتند. مانیل برای ثبوت ادعای خود به یک گروه سوئدی (سالن^۹) اجازه حفاری داد که بعدها آموکو سهام آنرا خریداری نمود. علیرغم اظهارات وزارت امور خارجه (امریکا - م) مبنی بر اینکه شرکتهای آمریکایی در منطقه مورد اختلاف امنیت نخواهند داشت، یک شرکت آمریکایی در اوایل سال ۱۹۷۴ حفر یک حلقه چاه را در این منطقه به پایان رساند. این چاه (سامپاگیتا - I^{۱۰}) نفت تقطیر شده و گاز طبیعی بدست داد. در سال ۱۹۷۷ آمکو به منظور پایان بردن شرایط مندرج در قرارداد خود دو حلقه چاه دیگر در این منطقه

1- Borneo States.

2- Luzon Gagayan valley.

3- Cities Service.

4- Husky.

5- Nido I.

6- Palawan.

7- Read Bank.

8- Spratly Island.

9- Salen.

10- Sampagueta I.

حفر نمود. هر دو چاه تا اعماق ۳۶۶۰ متری حفر گردید لیکن نتیجه‌ای بیار نیامد.

تواناییها و محدودیت‌ها

دولت فیلیپین در سال ۱۹۷۳ شرکت ملی نفت فیلیپین^۱ را ایجاد کرد تا سرعت گسترش نفت بیشتر شود. از آن زمان این شرکت به سرعت رشد کرد و به صورت گسترده‌ای وارد کارهای پالایشی، توزیع و تاحدودی اکتشاف (محدود به دره کاکایان) گردید. کمپانیهای نفتی خارجی که بر اساس شرایط قراردادهای خدماتی با دفتر توسعه انرژی کار می‌کنند تعهد می‌دهند برنامه کاری خاصی را در زمان خاصی به پایان برسانند. اگر نفتی کشف شود، یک قرارداد اشتراک در تولید به مرحله اجرا در می‌آید. به منظور تسریع اکتشافات، رئیس جمهور مارکوس در سال ۱۹۷۵ اعلام کرد که تمام صاحبان امتیاز نفت به صورت قراردادهای خدماتی درآیند و یا امتیازات خود را به دولت واگذار نمایند. این وضع سبب شد که کمپانیهای محلی بسیاری که بدون سرمایه و دارای تهور کمتری بودند به دنبال سرمایه و تکنولوژی کمپانیهای خارجی برآیند. رژیم مارکوس صریحاً اعلام کرده است که برای توسعه صنایع ابتدایی پالایش نفت به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند است. حتی با ورود اخیر دولت به مراحل پایانی پالایش نفت، فیلیپین باز هم شرایط جالبی برای شرکت‌های نفتی خارجی فراهم خواهد آورد.

دورنما

مشخصات زمین‌شناسی و نزدیکی به مناطق مولد نفت نشانگر توانایی بالای دستیابی به ذخایر نفت دارای قابلیت تجاری در فیلیپین است. سیاستهای کنونی دولت به همراه یافته‌های اخیر در حاشیه پالوان احتمالاً میزان اکتشافات را بیش از سالهای گذشته بالا خواهد برد.

کره جنوبی

تلاشهای کره جنوبی جهت دستیابی به ذخایر نفت داخلی به دنبال نتایج منفی حفاریهای داخل خشکی و اختلافات موجود در رابطه با مناطق بکر خارج از خشکی عقیم مانده است. تصویب اخیر معاهده اکتشافاتی مشترک توسط ژاپن سبب آغاز اکتشافات خواهد شد، لیکن مشکلات موجود این کشور با چین هنوز لاینحل باقیمانده است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

کره جنوبی هرگز مقادیر نفت خام دارای ارزش تجاری را پیدا نکرده است. اگرچه در اواخر ۱۹۷۵ یک منبع کوچک در نزدیکی پوهانگ^۲ در ساحل شمال شرقی کشف شد لیکن اکتشافات بعدی نشان داد که مقدار آن برای بهره‌برداری تجاری کافی نیست. در سال ۱۹۶۸ مطالعات زمین‌شناسی سازمان ملل نشان داد که تواناییهای نفتی قابل ملاحظه‌ای در فلات قاره آسیا وجود دارد که از جنوب

1- P N O C.

2- Pohang.

کره جنوبی تا ساحل چین و خلیج تونکین^۱ گسترش دارد. امتیازاتی به چند کمپانی امریکایی داده شد، لیکن به علت اختلافات ارضی این کشور با ژاپن و چین اکتشافات متوقف ماند. در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ چهار حلقه چاه اکتشافی در دریای زرد حفر گردید و پس از آن آمریکا کمپانیها را متقاعد ساخت که عملیات خود را در این منطقه مورد اختلاف را پایان بخشند. تمام این چاهها بی حاصل بود لیکن آثاری از گاز طبیعی را نشان می داد.

تواناییها و محدودیتها

به دلیل اینکه بخش اعظم تواناییهای نفتی کره جنوبی در مناطق خارج از خشکی واقع شده، مهمترین امانت موجود بر سر راه اکتشاف همان اختلاف بین این کشورها می باشد. در دریای زرد، قلمرو مورد ادعای کره جنوبی بر معیار تساوی مسافت استوار بوده لذا تا حد وسط بین چین و این کشور ادامه می یابد. چین از طرف دیگر، از معیار ۱۰۰ واحد عمق پیمایی دریایی حمایت می کند تا بتواند بخش بزرگتری از فلات قاره را بدست بیاورد. کره ایها پیشنهاد مذاکره در مورد اختلاف را داده اند، لیکن چینیها امتناع ورزیده و ادعای کره ایها را بی اساس می خوانند. در جنوب کره در دریای شرق چین مهمترین مسئله مورد اختلاف این کشور با ژاپن بوده، ولی چین نیز با دعوی هر دو کشور مخالف است. در سال ۱۹۷۴ یک معاهده در مورد ناحیه اکتشاف بین کره و ژاپن امضاء شد. ژاپنیها تأیید این مطلب را تا ماه ژوئن سال جاری به تأخیر انداختند که در نتیجه آن هیچ گونه حفاری صورت نگرفته است. یک کنسرسیوم نفتی امریکایی که صاحب امتیاز در این منطقه است، احتمالاً در سال آتی حفاریهای اکتشافی را شروع می نماید. در نفت مکشوفه این منطقه ژاپن نیز سهم برابر خواهد داشت. کره ایها از لحاظ انجام اکتشافهای داخلی قابلیتایی را بدست آورده اند. یک شرکت خصوصی کره ای که تنها متخصصین کره ای را استخدام می کرد به کارهای اکتشافی اولیه پرداخت که منجر به کشف منبع پوهانگ گردید. ولی شرکت مزبور قبل از کشف این منطقه ورشکست شد و دولت پروژه را در اختیار گرفت. گرچه سیاه کره کنترل عملیات را بدست گرفت، ولی این سازمان نیز پروژه را به حال خود رها کرده است. اکتشافات خارج از خشکی فقط به وسیله کمپانیهای نفتی بین المللی و از طریق امتیازات اعطایی دولت کره انجام گرفته است. لیکن کره ایها اعلام کرده اند که اگر عملیات اکتشافی این منطقه تا پس از تصویب سرمایه گذاری مشترک توسط ژاپن متوقف بماند، آنها تلاش خواهند کرد قابلیتهای خود را در خارج از خشکی نیز توسعه دهند. این کار نیز از طریق عقد قرارداد برای تجهیزات و تخصص خارجی انجام می گیرد. هزینه و میزان خطرات قابل ملاحظه است و سرمایه لازم نیز در بودجه برنامه پنج ساله کنونی (۸۱ - ۱۹۷۶) مشخص نشده است.

دورنما

نتایج ناچیز اکتشافات اخیر دورنمای دستیابی به نفت در داخل و اطراف کره جنوبی را ضعیف کرده است. با این وصف، هنوز مناطق زیادی دست نخورده باقیمانده است. ملاحظات دیپلماتیک عمده ترین

1- Tonkin Gulf.

2- CIA.

موانع انجام این اکتشافات می‌باشد. گرچه تصویب معاهده در مورد فلات قاره بین ژاپن و کره یک گام بزرگ است، ولی مخالفت شدید چین می‌تواند مانع اکتشاف گردد. در صورت کشف، فقدان روابط بین کره جنوبی و چین می‌تواند مشکلات دیپلماتیک بزرگی پدید آورد.

ویتنام

دورنمای نویدبخش تولید نفت در ویتنام، که در ماههای آخر جنگ ظاهر شده بود، هنوز هم به صورت یک دورنما باقی مانده است. هنگامی که ویتنام شمالی در آوریل ۱۹۷۵ قدرت را بدست گرفت، کمپانیهای امریکایی مجبور شدند از اکتشافات نویدبخش خود در ویتنام جنوبی دست بردارند. در چند ماه گذشته دولت ویتنام و شرکت ملی نفت آن یعنی پترو ویتنام^۱ با شرکتهای فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی قراردادهای اکتشاف مقدماتی منعقد ساختند. جزئیات مشخص نشده و اکتشافات بعدی نیز انجام نشده است. ویتنام بدون مشارکت غرب فرصت کمی خواهد داشت تا بتواند تواناییهای نفتی خود را گسترش دهد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

اکتشاف نفت در ویتنام هنوز در مراحل ابتدایی بسر می‌برد. وجود هیدروکربن‌ها در فلات قاره ویتنام جنوبی مسلم است لیکن قبل از انجام اکتشاف نمی‌توان میزان وسعت ذخایر را مشخص کرد. با این وصف بعضی از مقامات نفتی خارجی معتقدند که احتمالاً چند منبع دارای ۱۰۰ میلیون بشکه نفت یا بیشتر در آنجا وجود دارد. این امر می‌تواند سطح تولید را سرانجام به ۲۷۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

از برنامه اکتشاف تنها هشت ماه نگذشته بود که ویتنام شمالی در آوریل ۱۹۷۵ بر جنوب غلبه نمود. دولت پیشین ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۳ هشت امتیاز در رابطه با اکتشاف نفت در فلات قاره خود به چهار کمپانی و یا کنسرسیوم اعطا کرده بود. کنسرسیوم موبیل کایو^۲ در مارس ۱۹۷۵ در اولین چاه ۳۰۰۰ متری خود که در ۱۸۰ کیلومتری سایگون واقع شده به نفت رسید. نتیجه آزمایش نشان داد که چاه مزبور می‌تواند روزانه ۲۴۰۰ بشکه نفت به سنگینی ۳۵ درجه API و مقدار گاز تولید نماید.

خوشبینانه‌ترین مناطق ویتنام در فلات قاره بخش جنوبی کشور واقع گشته است. در داخل خشکی نیز احتمالاً بافتهای زمینی حاوی نفت در دلتای رود مکونگ^۳ وجود دارد لیکن در این منطقه تحقیقات جامعی به عمل نیامده است. در شمال، شوروی، رومانی و آلمان شرقی حداقل از سال ۱۹۶۷ در اکتشافات داخلی خشکی منطقه دلتای رود سرخ^۴ مشغول بوده‌اند. شواهدی در مورد کشف نفت در این منطقه وجود ندارد.

1- Petro Vietnam.

2- Mobil - Kaiyo.

3- Mekong River Delta.

4- Red River Delta.

تواناییها و محدودیتها

ویتنامی‌ها در گسترش بخش نفتی خود را احتیاط بسیار عمل می‌کنند. این عملکرد محافظه‌کارانه آنها نیز ناشی از عدم آگاهی و تجربه در رابطه با تمام جنبه‌های صنعت نفت و نگرانی ایدئولوژیک درباره میزان قابل تحمل فعالیت خارجی غیر کمونیستها در ویتنام است. مقامات ویتنام شمالی نیز هنگام غلبه بر جنوب هیچ اطلاعی درباره این صنعت نداشتند. چند مقام عالی‌رتبه ویتنام جنوبی نیز که با صنعت نفت تا حدودی آشنا بودند هنگام به قدرت رسیدن کمونیستها کشور را ترک کردند. علاوه بر این، کمپانیهای نفتی نیز ظاهراً تمام اطلاعات لرزه‌نگاری و فنی را با خود بردند. این فقدان آگاهی نیز سبب شده است که مذاکره در مورد قراردادهای پیچیده که دارای تغییرات و ترکیبات نامحدودی از قبیل میزان منافع، کم‌نویسی هزینه‌ها، تقسیم تولید، مالیاتها، و جبران خسارت کارمندی می‌شود، مشکل‌تر شود.

خنده‌دار اینست که ویتنامیها باید در تمام جنبه‌های اکتشاف گسترش کمپانیهای نفتی غربی وابسته باشند. خود ویتنام نیز نه تکنولوژی و نه سرمایه لازم جهت انجام اکتشافات را در اختیار ندارد و هم‌پیمانان کمونیست آن نیز به همین ترتیب. فقط چین، شوروی و رومانی دارای تجاربی در خارج از خشکی هستند، لیکن تجهیزات نادر آنها نیز در گسترش نفت داخلی مشغول بکار است. بهرحال ویتنامی‌ها می‌خواهند با استفاده از تکنولوژی پیشرفته غرب نفت را به سرعت و با کارایی استخراج نمایند. در این رابطه آنها شرکتهای آمریکایی را به شرکتهای اروپایی ترجیح می‌دهند. زیرا تکنولوژی سرمایه و تجارب منطقه‌ای آنها برتر می‌باشد.

دورنما

هنوز بسیار زود است که بگوییم آیا ویتنام به صورت یک تولیدکننده نفتی درخواهد آمد یا خیر. زمین‌شناسی فلات قاره نشانگر وجود هیدروکربن بوده و حفاریهای مقدماتی نیز مقداری نوید به همراه داشته است. معذالک چهار حلقه چاه ملی که تاکنون حفاری شده آن شور و حرارتی که کمپانیها را در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ به ویتنام جذب نمود از خود نشان نداد. اکنون از توقف اکتشافات و انعقاد قراردادهای بیش از دو سال می‌گذرد. ویتنامیها بشدت با کمپانیهای نفتی خارجی چک و چانه خواهند زد، ولی اکثر آنها نسبت به پذیرش شرایطی که در مقایسه با شرایط مالزی و اندونزی نامناسب‌تر است بی‌میل می‌باشند. ماهیت اتخاذ توافق عمومی در روند تصمیم‌گیری هانوی و روند کار اندیشمندانه بوروکراسی این کشور سبب می‌شود که گسترش نفت در این منطقه تحقق نیابد. ملاحظه شرایط کنونی امکانات دستیابی به نفت تولید تا سال ۱۹۸۰ قابل اغماض به شمار می‌آید.

خاورمیانه غیر اوپک، آفریقای شمالی و منطقه مدیترانه

امکان دستیابی به ذخایر جدید و مهم در این منطقه بسیار ناچیز است. تنها در مصر و احتمالاً عمان امکان دستیابی به یافته‌های جدید و بزرگ وجود دارد. با وجود اینکه اکتشاف در بعضی از مناطق مصر به سرعت به پیش می‌رود، ولی یکی از نویدبخش‌ترین مناطق یعنی خلیج سوئز در نتیجه روابط موجود با اسرائیل مورد اکتشاف قرار نگرفته است. هزینه سنگین، شرایط سخت، و سیاست نفتی

ناپایدار دولت نیز دست پدست هم داده و سبب کاهش علاقه کمپانیها به عمان شده است. عملیات اکتشافی یک منطقه نسبتاً نویدبخش که تونس و لیبی هر دو بر سر تصاحب آن اختلاف دارند به دلیل مناقشات این دو کشور متوقف شده است. در نقاط دیگر، دورنمای ضعیف زمین شناسی، عدم ثبات سیاسی و در مورد ترکیه و یونان نیز اختلافات ارضی علاقه کمپانیها را محدود کرده اند.

مصر

تواناییهای نفتی مصر پیش از تواناییهای دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته غیر اوپک است. کمپانیهای نفتی بین المللی به تواناییهای زمین شناسی مصر، به خصوص در رابطه با خلیج سوئز، که چهار اکتشاف بزرگ در آن صورت گرفته، امید بسیار دارند. سابقه روابط حسنه قاهره با کمپانیهای نفتی خارجی و سیاستهای معتدل رژیم سادات نیز آنها را به این منطقه جلب کرده است. از سال ۱۹۷۳، کمپانیهای خارجی با عقد بیش از ۳۰ فقره قرارداد عملیاتی متعهد به سرمایه گذاریهایی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار شده اند. در حال حاضر، تشنج میان اعراب و اسرائیل تنها عامل بازدارنده افزایش اکتشافات است.

چشم انداز زمین شناسی

صنعت نفت مصر تا حد زیادی در منطقه خلیج سوئز متمرکز است. از ۷۰ سال قبل یعنی از زمان آغاز اکتشافات نفتی توسط انگلیس، تمام کشفیات مهم در این منطقه واقع شده است. از ۵۰۰۰۰۰ بشکه نفت روزانه ای که مصر در نظر دارد تا پایان سال ۱۹۷۷ تولید نماید، روزانه بیش از ۴۰۰۰۰۰ بشکه آن از حوزه های خارج از خشکی خلیج سوئز بدست خواهد آمد. سه حوزه کوچک مولد دیگر نیز در صحرای غربی اسکندریه^۱ به فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری مدیترانه قرار گرفته است. منطقه اسکندریه حاوی تنها حوزه های گازی مصر می باشد.

بخش اعظم ۴ میلیارد بشکه ذخایر نفت تثبیت شده و احتمالی مصر در منطقه خلیج سوئز واقع شده است. بعضی از زمین شناسان معتقدند که فقط نیمی از نفت موجود در این منطقه کشف شده، و بیش از یک دو جین از لایحه ها برای انجام حفاری باقی مانده است. اکتشافات بعدی احتمالاً نشان خواهد داد که بافت زمینی خلیج در امتداد شمال و تا دلتای رود نیل^۲ و حاشیه مدیترانه ادامه دارد. در صحرای غربی به دنبال اکتشاف نفت و پیدایش حوزه های بزرگ نفتی لیبی در اوایل سالهای ۱۹۶۰، تنها حوزه های بسیار پراکنده، کوچک و غیر تجاری واقع شده است. با قیمتهای کنونی تنها می توان چند حوضچه موجود را مورد بهره برداری قرار داد.

یکی از نقاطی که از توانایی نفتی آن به خوبی و به درستی مشخص نشده، منطقه مجاور مرز لیبی در زیر خط جغرافیایی ۳۰ می باشد. این منطقه زمانی در انحصار شرکت نفت دولتی مصر قرار داشت و با کمک فنی روسیه مورد اکتشاف قرار گرفت. مصریها شوروی را متهم کردند که از تجهیزات و فنون کهنه لرزه نگاری در اکتشافات خود استفاده کرده اند، و به همین دلیل چند سال قبل تکسین های روسی

1- Alexandria.

2- Nile Delta.

را از این منطقه اخراج نموده و قراردادهای امتیازاتی را در مورد این منطقه ارائه دادند. تحقیق پیچیده‌تر ممکن است پرده از طبقات حاوی نفتی بردارد که شورویها آنرا نادیده گرفته‌اند.

تواناییها و محدودیت‌ها

بخش اعظم نفت مصر به طور مشترک و توسط شرکت نفت مصر و کمپانیهای نفتی غربی^۱ استخراج می‌گردد. معمولاً اینگونه اشتراک پس از دستیابی شرکاء خارجی به نفت در مناطقی که از قبل امتیاز آنرا گرفته بود به وجود می‌آید. مهمترین شریک مصر آموکومی باشد که در همه حوزه‌ها بجز حوزه مهم خارج از خشکی در خلیج سوئز به تولید مشترک ادامه می‌دهد. فیلیپس دو حوزه کوچک را که شدیداً کاهش می‌یابد در صحرای غربی مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد، و چند شرکت دیگر از قبیل انی^۲ و موبیل در عملیات حوزه‌های داخل و خارج از خشکی شبه جزیره سینا^۳ مشارکت جسته‌اند. دمنیکس^۴ که یک شرکت آلمان غربی است، و کونوکو^۵ اخیراً به اکتشافات نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در خلیج سوئز نایل آمده‌اند.

شرکت نفت مصر را شاید بتوان با لیاقت‌ترین شرکت دولتی مصر دانست. این شرکت به تنهایی گرداننده شش پالایشگاه است که روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه نفت را پالایش می‌کند، و همین شرکت توانسته بود پالایشگاههای آسیب دیده سوئز در نتیجه جنگ را بازسازی کرده و یک کارخانه جدید را بدون کمک خارجی تأسیس نماید. این شرکت چند حوزه کوچک را نیز بدون کمک خارجی اداره می‌کند و احتمالاً می‌تواند در صورت ضرورت اکثر عملیات حوزه‌های نفتی مصر را بدست گیرد. با این وصف، به دلیل اینکه شرکت نفت مصر دارای استعداد اکتشافی مستقل نیست، به محض خروج و یا اخراج شرکاء غربی با کاهش تولید نفت مواجه خواهد گردید.

شرکت نفت دولتی مصر با برخورداری از مهارت‌های فنی و اداری پرسنل رده‌های بالا، به‌خصوص هلال^۶، وزیر نفت بر خلاف دیگر شرکت‌های دولتی با محدودیتهای سازمانی و مالی دست به گریبان نبوده است. روابط این شرکت با شرکاء خارجی‌اش نیز حسنه است. تنها تغییری که در دهه گذشته در این روابط پدید آمد انتقال به اشتراک در تولید از مشارکت به نسبت ۵۰ است که در سالهای ۱۹۶۰ تعیین شده بود. البته سالها به طور دوستانه بر روی این مسئله مذاکره گردید. گرچه این قراردادها سرانجام منجر به افزایش سهم نفت تولیدی مصر خواهد گردید، ولی کمپانی شریک نیز تا زمانی که سرمایه اولیه‌اش را بازیابی نکرده می‌تواند سهم خود را آزادانه دریافت دارد.

1- EPA.

2- ENI.

3- Sinai Peninsula.

4- Deminex.

5- Conoco.

6- Hilal.

دورنما

علیرغم این مزایای زاید صنعت نفت مصر با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. مهمترین مشکل آسیب‌پذیری منطقه سوئز است. جایی که حوزه‌های نفتی آن عامل مهمی در تضاد بین اعراب و اسرائیل می‌باشد. قرارداد دوم سینا به هیچ‌وجه نتوانسته است این موانع را از میان بردارد. اسرائیلیها هنوز هم مدعی حق بهره‌برداری از نیمه شرقی خلیج سوئز هستند که مهمترین مناطق دارای مشخصات لرزه‌نگاری را دارا می‌باشد. حفاریهای شرکاء امریکایی مصر به وسیله گارد ساحلی اسرائیل متوقف گردیده است. تا زمانی که یک راه حل دائمی به وجود آید، همواره این تهدید وجود دارد که کانال مسدود، خلیج سوئز تحریم و کارخانه‌ها تخریب، یا حوزه‌ها اشغال گردد.

ممانعت اسرائیل از عملیات نفتی در سوئز سبب شده است که شرکتهای امریکایی تولید آتی این منطقه را کم برآورد نمایند. اگر تمام خلیج سوئز مورد بهره‌برداری آزادانه قرار بگیرد بازده نفتی مصر تا سال ۱۹۸۰ به طور قریب به یقین معادل یک میلیون بشکه در روز خواهد شد که حدود ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز آن به خارج صادر می‌گردد اگر این ممانعت‌ها ادامه یابد، تولیدات جدید احتمالاً از تولید رو به کاهش در حوزه‌های کهنسال‌تر کمی بیشتر خواهد شد، و بازده سال ۱۹۸۰ را به ۶۵۰۰۰۰ بشکه در روز محدود خواهد کرد. عوامل سیاسی درون مصر احتمالاً نقش چندان مؤثری را ایفا نخواهند کرد. امکان دارد دولت سادات به دلایل بسیاری شدیداً متزلزل شده و یا حتی سرنگون گردد. معذالک، حتی در صورت وقوع کودتا، تغییر ناگهانی روابط مصر با کمپانیهای نفتی خارجی که از دیر زمان وجود داشته است مورد مخالفت شدید مقامات شرکت نفت مصر قرار خواهد گرفت.

عمان

سلطان نشین عمان یکی از مهمترین تولیدکنندگان نفت خام بعد از اکوادور و گابن در گروه اوپک است. تولید نفت در سال گذشته معادل ۳۷۰۰۰۰ بشکه در روز بود که غالباً از حوزه‌های شمالی کشور استخراج می‌گردد. تولید این حوزه‌ها در سال ۱۹۷۶ به اوج خود رسید و انتظار می‌رود بازده آن در چند سال آینده بشدت پایین آید مگر آنکه نفت بیشتری کشف و گسترش یابد. بهترین دورنما برای کشف نفت در جنوب ظفار^۱ قرار دارد که می‌تواند افزایش عمده‌ای در ذخایر تثبیت شده و احتمالی ۶ میلیارد بشکه‌ای کنونی پدید آورد. دولت عمان نیز معتقد است که در خارج از خشکی در تنگه هرمز نیز نفت بسیاری وجود دارد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

نفت خام تولیدی عمان تقریباً به طور کامل از حوزه‌های بخش شمال مرکزی کشوری تأمین می‌گردد. اولین نفت قابل بهره‌برداری در یبال^۲ در سال ۱۹۶۲ کشف شد، و به دنبال آن در ناتیه^۳ و

1- Dhofar.

2- Yibal.

3- Natib.

فاهود^۱ نیز در سال ۱۹۶۴ نفت بدست آمد. در سال ۱۹۷۰ حوزه نفتی الهویزه^۲ و در سال ۱۹۷۵ سه حوزه جدید دیگر به نامهای قبا^۳ در شمال، قارن اعلم^۴، و سیح نحیداح^۵ به مرحله تولید وارد گردید. تمام این حوزه‌ها به حد کمال رسیده و جریان نفت سیر نزولی در پیش گرفته است. علیرغم ورود پروژه‌های بازیابی ثانویه از قبیل تزریق آب انتظار می‌رود تا سال ۱۹۸۰ بازده این حوزه‌ها به سطح ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد.

مهمترین امید عمان برای کشف نفت در جنوب در منطقه ظفار است. لیکن تولید نفت این منطقه به علت یکنواخت نبودن طبقات نفت خیز بسیار پرخرج است. علاوه بر این، نفت خامی که تاکنون از ظفار استخراج می‌شود نیز مانند نفت خام مناطق شمالی سنگین و حاوی گوگرد بسیار است که موجب اضافه شدن هزینه‌های استخراج می‌گردد. همچنین باید خط لوله پرهزینه در اراضی سنگلاخ احداث گردد تا نفت به نزدیکی دریا رسانده شود که البته در آنجا نیز یک بندر و تسهیلات بارگیری باید ایجاد شود. گرچه هنوز یک حوزه دارای قابلیت تجاری پیدا نشده است، ولی دولت این کشور معتقد است که ذخایر ظفار بسیار وسیع می‌باشد. کمپانیهای نفتی خارجی نیز کمتر خوش بین می‌باشند و قبل از سرمایه‌گذاری در منطقه ظفار به علت ریسک موجود و هزینه بسیار خواستار قید شرایط ویژه‌ای در قراردادها شده‌اند.

علاوه بر فعالیت مزبور، در خارج از خشکی نیز فعالیتهای اکتشافی در حال انجام بوده و دولت نیز این امر را ترغیب و تشویق می‌نماید. در سال ۱۹۷۳ کمپانی الف - اراپ^۶ حق اکتشاف در منطقه ۷۰۰۰ کیلومتر مربعی بین تنگه هرمز و شبه جزیره موساندام^۷ را بدست آوردند و تا به حال یک حفاری موفقیت‌آمیز انجام داده و مدعی هستند که این چاه می‌تواند روزانه ۱۰۰۰۰۰ بشکه به بازده نفتی عمان بیفزاید. هم‌اکنون در بخش ایرانی تنگه هرمز نفت مرغوب دارای کمیت تجاری کشف شده است.

تواناییها و محدودیتها

دولت عمان تجربه کافی جهت هدایت مؤثر سیاستهای نفتی خود را ندارد. وزیر نفت در امور نفتی تجربه چندانی نداشته، و دولت نیز در اخذ تصمیم به مشاورین خارجی اتکاء بسیار دارد. در نتیجه در اعطای امتیازها نوعی آشفتگی به وجود آمده و درون دولت درباره مسائل نفتی هماهنگی اندکی وجود دارد. به استثناء منطقه مورد اکتشاف ظفار، دولت به شریک خود یعنی کمپانی شل اجازه می‌دهد که در مورد سازمان گسترش نفتی عمان، یعنی بزرگترین صاحب امتیاز و تولیدکننده نفتی عمان تصمیم بگیرد. سلطان نشین عمان ۶۰ درصد سهام سازمان گسترش نفتی عمان را در اختیار دارد. در حالی که

1- Fahud.

2- Al - Huwaisah.

3- Ghaba.

4- Qarn Alam.

5- Saih Nihaydah.

6- ELF - Erap.

7- Musandam.

شل، کمپانی نفتی فرانسه^۱ و پارتکس^۲ هر یک به ترتیب ۳۴، ۴ و ۲ درصد سهام را بخود اختصاص داده‌اند.

دولت عمان سعی دارد اکتشافات مستقل را با استفاده از قراردادهای اشتراک در تولید افزایش دهد. با صاحبان امتیاز کمپانیهای الف و کوئنتانا^۳ قراردادهای موفق منعقد گردیده، که بر اساس آنها کمپانیها هزینه‌های خود را بازیابی کردند ۸۰ درصد منافع نفتی نصیب دولت و ۲۰ درصد آن به کمپانیها تعلق خواهد گرفت.

دورنما

ملاحظات مالی مهمترین نقش را در تعیین سرعت مراحل اکتشاف نفتی عمان به عهده دارد. دولت اظهار داشته است که با وجود کمبودهای مالی خود رد حال حاضر، مایل است سرمایه لازم جهت اکتشاف و گسترش حوزه‌های ظفار را فراهم آورد. بدون مشارکت کمپانیها، عمان احتمالاً بر روی کمکهای عربستان سعودی حساب می‌کند تا سرمایه برنامه ظفار را تأمین نماید. عربستان سعودی اخیراً میزان کمکهای تعهدی خود به عمان را تقریباً تا ۳۰۰ میلیون افزایش داد ولی میل ندارد کمک بیشتری به این کشور بدهد تا اکتشاف و گسترش نفت ظفار واقعیت یابد. بهر حال دورنمای کشف منابع نفتی قابل دسترس در داخل خشکی عمان بعید به نظر می‌رسد. اکتشافات جدید نیز مانده یافته‌های چند سال اخیر است یعنی حوزه‌ها کوچک و هزینه تولید بسیار زیاد است. حوزه‌های خارج از خشکی حتی اگر بزرگ نیز باشند گسترش آنها بسیار پرخرج و به زمان طولانی نیاز دارد، و تا قبل از اوایل سالهای ۱۹۸۰ مقدار چندانی به بازده نفتی عمان نخواهد افزود.

تونس

تونس که از اوایل سالهای ۱۹۶۰ یک تولید کننده کوچک نفتی بوده، از نظر توسعه بازده مناطق سنتی تولید نفت دارای دورنمای محدودی است. در عین حال اکتشاف و بهره‌برداری یکی از مناطق نویدبخش خارج از خشکی نیز که حاوی ۵ میلیارد بشکه نفت است در اثر اختلاف ارضی با لیبی متوقف گردیده است.

دولت به دلیل نداشتن تخصص لازم مساعدتهای خارجی را برای توسعه منابع نفتی خود فعالانه تشویق می‌نماید.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

تقریباً تمام تولید ۱۰۰۰۰۰۰ بشکه در روز تونس از دو حوزه داخلی خشکی ال بروما^۴ در جنوب

1- Francaise des petroles (CFP).

2- Partex.

3- Quintana.

4- EL Borma.

غربی تونس که در اوایل سالهای ۱۹۶۰ کشف شده، و حوزه اشتارت^۱ در خلیج گابن^۲ که در سال ۱۹۷۴ کشف گردیده تأمین می‌گردد. دو حوزه کوچکتر داخل خشکی با نامهای سیدی‌الاعتیام^۳ و الدولاب^۴ در حال حاضر مقدار کم اهمیتی نفت تولید می‌نمایند. به طور کلی تمام چاههای موجود در پنج تا ۱۰ سال دیگر احتمالاً قدرت تولید خود را از دست خواهند داد. به طور مثال، در حوزه ال‌بروما در سالهای اخیر کاهش شدیدی داشته و از سال ۱۹۷۳ تاکنون معادل ۵۰ درصد کم شده است.

دورنمای دستیابی به مقدار بیشتری نفت در داخل خشکی چندان روشن نیست. شرکتهای غربی، عمدتاً فرانسوی و ایتالیایی قبلاً مطالعات همه جانبه‌ای را در مورد منابع کنونی به عمل آورده‌اند لیکن نتایج حاصله امیدوارکننده نبوده است. در نتیجه جستجوی نفتی کاملاً متوجه مناطق خارج از خشکی شد. علاوه بر حفر چاههای متعدد در خارج از حوزه اشتارت، عملیات در قسمت شمالی تر خلیج حمامات^۵ شروع شده، که بنا به گزارش رسیده یک کمپانی فرانسوی در آنجا به اکتشافاتی نایل شده است. کمپانیهای آمریکایی که در آبهای مجاور مشغول بکار هستند دریافتن نفتی که از لحاظ تجاری قابل استخراج باشد موفقیتی بدست نیاورده‌اند، لیکن باز هم به جستجوی خود ادامه می‌دهند. مقامات کمپانی معتقدند که در صورت دسترسی به منابع این منطقه خواهند توانست معادل ۲۰۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید نمایند.

فلات قاره هم‌مرز با لیبی بیشترین توانایی را داشته و حاوی ۵ میلیارد بشکه ذخایر قابل بازیابی است. با این وصف تونس با تریپولی بر سر تصاحب منطقه‌ای که در ۱۰۰ کیلومتری شمال شهرک ساحلی لیبی به نام زواره^۶ قرار دارد اختلاف دارد. زمانی که سایپم^۷ یکی از شرکتهای فرعی کمپانی انو^۸ ایتالیا که برای لیبیایی‌ها کار می‌کند حفاری در آبهای مورد اختلاف را آغاز کرد تشنج بین دو کشور شدت یافت. در ژانویه ۱۹۷۶ یک میدان نفتی که تریپولی آنرا یک منبع مهم نفتی اعلام کرد در آن منطقه کشف شد.

تواناییها و محدودیت‌ها

اختلاف ارضی مهمترین عامل بازدارنده شناخت و گسترش قسمتی از تواناییهای نفتی فلات قاره می‌باشد. لیبی معتقد است که خط مرزی آبی این کشور در ساحل یک مسیر شمال غربی را طی کرده و عملیات حفاری سایپم را در آبهای لیبی قرار می‌دهد. تریپولی اظهار داشته که حاضر است اطلاعات مربوط به این منطقه را در اختیار تونس قرار دهد و بنا به گزارش رسیده میل دارد به طور مشترک به اکتشاف و گسترش منطقه بپردازد تا مسئله حل شود. تونس نیز به نوبه خود مدعی است که خط مرزی

1- Ashtart.

2- Gulf of Gabes.

3- Sidi el Iteyam.

4- Ad Dulab.

5- Hammamat.

6- zuwarah.

7- saipem.

8- ENO.

مسیر طبیعی شمال شرقی را در امتداد کمان مرزی تونس و لیبی در ساحل مدیترانه طی می‌کند و بنابراین میدان کشف شده نیز از آن تونس می‌باشد. گذشته از اختلافات ارضی این کشور با لیبی، چند عامل سیاسی نیز عملیات کمپانی نفتی در تونس را محدود می‌کند. دولت از قدیم‌الایام به نحو فعالانه‌ای همکاری با کمپانیهای نفتی خارجی را تشویق می‌کرده است. این دولت بر اساس فوریت قراردادهایی با کمپانیها منعقد می‌سازد و مایل است جهت جلب همکاری کمپانیها هر کاری انجام دهد. مثلاً، سرمایه‌گذاری ضمانت می‌شود، استهلاک سریع هزینه‌های حفاری را مجاز می‌کند، و به کمپانیها اجازه داده می‌شود که سهم نسبتاً عظیمی از نفت مکشوفه را بخود اختصاص دهند.

دورنما

تونس هرگز یک تولیدکننده بزرگ نفتی نخواهد شد. در پنج سال و اندی آینده نفت خارج از خشکی تونس احتمالاً معادل ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز به نفت صادراتی این کشور خواهد افزود. لیکن جهت افزایش تولید بیش از سطح مذکور، اختلافات مرزی این کشور با لیبی بایستی به نحو مطلوبی از بین برود و حفاریهای انجام گیرد تا تواناییهای نفتی منطقه شناخته شود.

سوریه

سوریه نخواهد توانست بدون افزایش قابل توجهی در زیربنای خود سطح بازده نفت خام را در حال حاضر ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز است حفظ نماید. رژیم اسد پس از پی بردن به این واقعیت به تخصص خارجی متوسل شده تا تواناییهای نفتی کشور گسترش یابد. ولی تأخیرات اداری و بی‌ثباتی سیاسی روزافزون همچنان مانع از مشارکت و سرمایه‌گذاریهای غرب شده و عملیات نفتی سوریه را در اختیار شرکتهای روسی و اروپای شرقی قرار داده است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

در حال حاضر ذخایر تثبیت شده و احتمالی معادل ۲ میلیارد بشکه برآورده شده است. اکثر ذخایر در پنج حوزه در شمال شرقی سوریه قرار دارد که چهار حوزه آن (یعنی کاراچوک^۱، سویدیه^۲، رومیلان^۳ و حویسه^۴) فعالانه مورد بهره‌برداری بوده و یک حوزه دیگر (یعنی حمزه^۵) نیز مورد اکتشاف قرار دارد. سویدیه در سال ۱۹۶۸ وارد مرحله تولیدی گردید و هم‌اکنون کمی بیش از نیمی از تولید سوریه را تأمین می‌نماید. گذشته از حمزه که ظاهراً یک حوزه نسبتاً کوچک است، به نظر می‌رسد که ذخایر اکثر حوزه‌های تولیدی قبلاً شناسایی شده‌اند.

1- karatchuk.

2- suweidiyah.

3- Rumeilan.

4- Jubaisseh.

5- Hamza.

دولت اسد ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دارای نفت را در اختیار شرکت دولتی نفت سوریه قرار داده و ۵۰۰۰۰ کیلومتر دیگر را جهت اکتشاف در اختیار شرکتهای خارجی داده است. تیمهای فرانسوی، رومانی، یوگسلاوی، روسی و مجارستانی در حال حاضر به تحقیقات زمین‌شناسی و حفاریهای اکتشافی در چند حوزه داخل خشکی در شمال شرقی سوریه مشغولند. با این وجود تنها اکتشاف نفتی اخیر توسط شرکت نفت سوریه و در مارس ۱۹۷۶ در نزدیکی حباری^۱ در سوریه مرکزی صورت گرفت آن اشتیاق اولیه به سرعت از بین رفت و گمان نمی‌رود که ذخایر قابل بازیابی دیگری به منابع نفتی سوریه اضافه شده باشد.

مهمترین مناطق نویدبخش در مناطق خارج از خشکی مدیترانه واقع شده‌اند. با این وجود تلاشهای بسیار محدود اکتشافی در آن منطقه امیدوارکننده بوده است. تریپوک^۲ که یک شرکت آمریکایی است در سال ۱۹۷۵ در رابطه با یک منطقه ۴۵۰۰ کیلومتر مربعی در ساحل مدیترانه یک قرارداد اکتشافی با سوریه منعقد ساخت، لیکن پس از یکسال جستجو این منطقه را ترک گفت.

تواناییها و محدودیت‌ها

ایدئولوژی خشک بعضی سوریه و بی‌ثباتی مزمن سیاسی مهمترین موانع کشف تواناییهای محدود نفت در این کشور به شمار می‌آیند. شرکتهای غربی در اوایل سالهای ۱۹۶۰ اخراج گردیدند و فعالیتهای پس از آن به عهده شرکتهای روسی و اروپای شرقی واگذار شده که آنها نیز تخصص مورد نیاز برای کار در خارج از خشکی را دارا نمی‌باشند. با وجود اینکه اسد اکنون به کار با کمپانیهای غربی متمایل شده، ولی در جلب نوع سرمایه‌گذاری غربی در صنعت نفت که مورد نیاز سوریه است هنوز موانعی وجود دارد. مثلاً شرکتهای آمریکایی و اروپای غربی مایلند قبل از انجام سرمایه‌گذاریهای اصلی محیط عملیاتی خوبی داشته باشند و از جمله اینکه کنترلهای دولت کمتر گردد. خطر بی‌ثباتی سیاسی سوریه نیز علاقه کمپانیها را به کار در این کشور کاهش داده است. می‌توان انتظار داشت که در طی چند سال آینده پیشرفتهای کمی در صنعت نفت سوریه به وجود آید. به طور مثال، نارضایتی سوریه از تکنولوژی و فنون اکتشافی اروپای شرقی سبب شده است که دمشق اصرار ورزد که حتی این شرکتهای نیز از تجهیزات غربی به‌خصوص آمریکایی استفاده کنند. شرکت نفت سوریه نیز تجهیزات لرزه‌نگاری آمریکایی را خریداری کرده و طی یک برنامه آموزشی گسترده بسیاری از پرسنل خود را به آمریکا می‌فرستد تا آموزش دیده و بتوانند تواناییهای نفتی کشور را با دقت و نظم بیشتر بالا ببرند.

دورنما

آینده تولید نفت در سوریه بدون مشارکت غرب چندان نویدبخش نمی‌باشد، در همین حال دولت اعلام کرده است که سال بعد تولید نفت خود را ده درصد کاهش خواهد داد زیرا میزان فرسایش ذخایر در مقایسه با بازده مناطق تولیدی افزایش شدیدی یافته است. اگر ذخایر جدید بزودی شناسایی و

1- Habari.

2- Tripoc.

اکتشاف نشود کاهش بیشتر در تولید ضروری خواهد بود، و احتمالاً میزان تولید روزانه سوریه را تا سال ۱۹۸۰ به سطح ۱۵۰۰۰۰ بشکه یا کمتر پایین خواهد آورد.
ترکیه

بازده نفت خام ترکیه، که ۱۵ تا ۲۰ درصد نیاز نفتی داخلی را تأمین می‌کند از سال ۱۹۷۳ تاکنون معادل ۲۷ درصد کاهش داشته و اکنون معادل ۵۱۰۰۰ بشکه در روز است. آنکارا امیدوار است که بتواند این میزان کاهش را از بین ببرد ولی احتمالاً قادر به این کار نخواهد بود. قوانین سخت دولتی علاقه کمپانیهای خارجی را به اکتشاف از بین برده و در عین حال محدودیتهای فنی و مالی نیز عملیات شرکت دولتی نفت را محدود کرده است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

بیشتر منابع نفت ترکیه که از نظر تجاری قابل بهره‌برداری باشد در جنوب شرقی در نزدیکی باتمان^۱ و دیار بکر^۲ واقع شده است. تمام تولید نیز از منابع داخل خشکی تأمین می‌گردد. گرچه هنوز هم در نزدیکیهای این مناطق قدیمی مناطق کوچک جدید کشف می‌شوند لیکن میادین آنتالیا^۳ در مدیترانه و دریاچه توز^۴ در بخش مرکزی ترکیه نویدبخش‌ترین مناطق جهت انجام اکتشافات به شمار می‌آیند. اکتشافات داخل خشکی در شمال دریای مرمره^۵ و امتداد ساحل دریای سیاه تنها منجر به کشف منابع غیر تجاری شده است. کمپانیهای خارجی معتقدند که کل ذخایر داخل خشکی این کشور حاوی ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت می‌باشد.

مناطق خارج از خشکی ظاهراً توانایی بیشتری دارد، لیکن بدون انجام عملیات اکتشافی بیشتر نمی‌توان مقدار آنها را تعیین کرد. بعضی از منابع شناخته شده دریای سیاه که با روشهای کنونی قابل بهره‌برداری نیستند ۵ تا ۱۰ سال دیگر با استفاده از فنون جدید قابل بهره‌برداری خواهند شد. گرچه نتیجه حاصل از تحقیقات انجام شده بر بخشهایی از دریای مرمره و اژه^۶ منفی بوده، ولی این تحقیقات هنوز پایان نیافته است. احتمال اکتشاف بخش اعظم دریای اژه نیز باید به بعد از حل اختلافات ارضی بین ترکیه و یونان موکول گردد.

تواناییها و محدودیتها

صنعت ملی نفت ترکیه در تمام جنبه‌های نفتی از اکتشاف گرفته تا بازاریابی شرکت دارد. این صنعت تحت سلطه شرکت دولتی نفت ترکیه که ۴۰ درصد بازده کلی نفت خام را تولید می‌کند، می‌باشد. چنین برمی‌آید که کارایی این شرکت در حمل و نقل و پالایش نفت با نیازهای ترکیه مناسب

1- Batman.

2- Diyarbakir.

3- Antalya.

4- Lake Tuz.

5- Marmara.

6- Aegean Sea.

است، لیکن به پای شرکتهای غربی موجود در ترکیه نمی‌رسد. کمبود بودجه، پرسنل، و تجهیزات کهنه، عملکرد آن را در رابطه با اکتشاف و تولید دچار وقفه نموده است. تقریباً تمام یافته‌های تجاری در این کشور توسط شرکتهای خارجی کشف شده‌اند. شرکت دولتی نفت ترکیه که در رابطه با اجاره مناطق جدید دارای اولویت است، اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد زیرا بیش از حد معقولی که بتواند توسعه دهد اجاره می‌کند و مناطق جدید بسیاری را خارج از خط تولید نگه می‌دارد، این شرکت توانایی انجام حفاریهای خارج از خشکی را ندارد.

بنا به گزارشهای رسیده، شرکت دولتی نفت ترکیه یکسال است که دچار کمبود مالی بوده و در نتیجه مجبور شده است سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه را به تعویق بیندازد. توسعه نفت در نوشته‌ها از اولویت بالایی برخوردار است، ولی این شرکت شاید قربانی منازعات بین‌الوزراء در مورد نحوه مصرف هزینه‌ها شده باشد. به‌رحال، ترکیه هم‌اکنون با کمبود ارز خارجی دست به‌گریبان است، و بدون شک مجبور خواهد شد اقدامات صرفه‌جویانه‌ای را در پیش‌گیرد تا بتواند از صندوق بین‌المللی پول و دیگر وام‌دهندگان کمک دریافت دارد. آنکارا شاید در رابطه با کالاهای سرمایه‌ای وارداتی تصمیم به قطع بودجه شرکت دولتی نفت ترکیه بگیرد. این بودجه در سال گذشته شامل ۷۹ میلیون دلار جهت کالاهای مربوط به اکتشاف و تولید بوده است.

یکی دیگر از موانع موجود بر سر راه افزایش تولید نفت اختلاف این کشور با یونان در مورد فلات قاره دریای اژه است. مناقشه از سال ۱۹۷۳ آغاز شد یعنی زمانی که دولت ترکیه به شرکت دولتی نفت ترکیه اجازه داد در منطقه غربی جزایر یونانی لسوس^۱ و خیوس^۲ به اکتشاف بپردازد. یونان مدعی است که جزایرش (بیش از ۳۰۰۰ جزیره) دارای حق فلات قاره‌ای مختص بخود هستند، در حالی که ترکیه مدعی است که فلات قاره باید توسط یک خط مرز مرکزی، بجز در مورد ۳۵۴ جزیره دارای ساکنین یونانی، تقسیم گردد. با در نظر گرفتن عدم تعجیل آنکارا در اکتشاف منطق فاقد اختلاف می‌تواند گفت که حتی حل نهایی این مسئله تا چندین سال نخواهد توانست سبب افزایش تولید نفت ترکیه گردد.

سیاستهای مالیاتی دولت نیز یک عامل بازدارنده مهم دیگری در برابر فعالیت شرکتهای نفتی خارجی و داخلی در ترکیه به‌شمار می‌آید. آنکارا پس از افزایش قیمت‌های نفت اوپک در سال ۱۹۷۳ برای هر بشکه ۷ دلار مالیات تعیین کرد تا از میزان منافع بادآورده شرکتهای بکاهد. علاوه بر این، این دولت در رابطه با مخارج تمام پروژه‌ها در ترکیه ۲۵ درصد مالیات دریافت می‌کند. مالیات بر منافع باد آورده، که از مالیات‌هایی که از قبل وجود داشت بیشتر است مانع بازایی هزینه‌های اکتشاف و گسترش چاههای جدید شده و در سه سال گذشته فعالیت‌های اکتشافی شرکت‌های خارجی را کاهش داده است. کمپانی‌ها نیز این امر را دلیل اصلی کاهش تولید می‌دانند.

دورنما

تا زمانی که سیاست‌های قیمت‌گذاری و مالیاتی دولت تغییر ننماید تولید نفت ترکیه نیز احتمالاً به

1- Lesvos.

2- Khios.

سیر نزولی خود ادامه خواهد داد. حوزه‌های موجود در شرف خالی شدن هستند و در سه سال گذشته میزان اکتشاف نیز بشدت کاهش یافته است. حتی با وجود محرکهای دولتی، تولید نفت تا چند سال دیگر نیز نخواهد توانست به سطح ۷۰۰۰۰ بشکه در روز سال ۱۹۷۳ برسد. گرچه دولت درباره میزان ذخایر خود ارقام نجومی بکار می‌برد، ولی متخصصین صنعت نفت میزان ذخایر را کم برآورد کرده‌اند. با میزان مصرف کنونی ذخایر داخل خشکی این کشور که ۲۰۰ میلیون بشکه است بیش از یکسال دوام نخواهد یافت. ذخایر خارج از خشکی ممکن است به مقدار قابل توجهی بیشتر باشد، ولی تا مدتهای مدیدی نمی‌توان تواناییهای آنرا ارزیابی نمود.

یونان

یونان در حال حاضر کل نیاز نفتی خود را که ۱۷۰۰۰۰ بشکه در روز است وارد می‌کند، و انتظار دارد که در سال ۱۹۷۹ فقط ۲۵۰۰۰ بشکه در روز نفت خام تولید نماید. گرچه امید دولت در یافتن ذخایر بزرگ تحقق نیافته، ولی آتن در نظر دارد به عملیات اکتشافی خود ادامه دهد. جهت نیل به این هدف، پارلمان این کشور اخیراً قانونی را جهت تسریع صدور جواز امتیاز به تصویب رساند تا شرایط عملیاتی شرکت‌های نفتی خارجی نیز مشخص شود. ظاهراً شرایط قانون جدید با در نظر گرفتن تواناییهای نفتی محدود و اختلافات ارضی این کشور با ترکیه در مورد بعضی از مناطق نوید بخش سخت‌تر از آن است که سبب ماندن شرکت‌های خارجی گردد.

چشم انداز زمین‌شناسی

یونان که برنامه اکتشاف نفتی بسیار وسیع را به اجرا گذاشته، لیکن یافته‌های موجود امیدوار کننده نبوده است. موفقیت‌آمیزترین اقدام کشف حوزه پرینوس^۱ در سال ۱۹۷۵ در نزدیکی جزیره تاسوس^۲ در شمال دریای اژه بوده است. این حوزه دارای منابعی است که ذخایر آن بین ۶۳ تا ۴۰۰ میلیون بشکه تخمین زده می‌شود. قرار است که در سال ۱۹۷۹ این حوزه با حداکثر ظرفیت تولیدی یعنی ۲۵۰۰۰ بشکه در روز کار خود را آغاز نماید. بنا به گزارشها نفت پرینوس سنگین و نامرغوب بوده و به علت وجود مواد خورنده در آن استخراج به سختی صورت می‌گیرد. تنها حوزه دیگری که تاکنون کشف شده و دارای قابلیت تجاری می‌باشد حدوداً حاوی ۲ میلیون بشکه بوده و نزدیکی پرینوس در جنوب حوزه کاوالا^۳ قرار دارد.

عملیات اکتشافی در دیگر نقاط شمال دریای اژه سبب دستیابی به چاههای بی‌حاصل و یا فاقد ارزش تجاری شده است. حفاری داخل خشکی نیز مایوس‌کننده بوده است. آژانس پروم پترول رومانی^۴ در دلتای رود نستوس^۵ در شمال یونان به حفاری ادامه می‌دهد لیکن فقط به ذخایر غیر

1- Prinos.

2- Thasos.

3- Kavala.

4- Romanian Prompetrol Agency.

5- Nestos.

تجاری دست یافته است. در سال ۱۹۷۴ نیز دو چاه اکتشافی سایر مناطق در شمال یونان به حال خود رها گردید.

یونانیها در نظر دارند به اکتشاف در داخل خشکی و دریای اژه ادامه دهند و در حال حاضر مشغول حفاری در حوزه مارونياس^۱ در نزدیکی پرینوس هستند. مطالعات مقدماتی حاکی از آن است که این حوزه ممکن است معادل ۲۰۰ میلیون بشکه نفت داشته باشد. دولت در سال جاری بودجه‌ای نیز جهت انجام مطالعات زمین‌شناسی در دریای ایونی^۲ اختصاص داده، جایی که مقامات یونانی عقیده دارند که دورنمای دراز مدت آن بهتر از دورنمای دریای اژه است.

تواناییها و محدودیتها

یونان در رابطه با اکتشاف و گسترش نفت کاملاً به شرکت‌های خارجی وابسته است. دولت اخیراً در جهت تسریع اکتشاف و حذف اختلافات بالقوه با شرکت‌های نفتی خارجی قانون جدیدی را برای نظارت بر عملیات آنها تصویب کرده است. یکی از بندهای اصلی این قانون به وزارت صنایع و انرژی اجازه می‌دهد که بدون نیاز به تصویب هر کدام از قراردادهای پارلمان با شرکت‌های خارجی صاحب امتیاز قراردادهایی منعقد سازد.

نمایندگان صنعت معتقدند که این بند تراکم فعلی درخواست ۵۵ امتیاز را که ۳۶ مورد آن متعلق به آمریکا می‌باشد از بین خواهد برد. مفاد دیگر این قانون آنقدر مشکل به نظر می‌رسد که نمی‌تواند سبب جلب شرکتهای خارجی گردد. مثلاً در بخش مربوط به مالیاتها، آتن پس از ارزیابی هزینه‌های گسترش، ۶۵ درصد درآمد خالص خود را بخود اختصاص می‌دهد. در صورتی که سطح تولید فراتر از ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز باشد سهم دولت از میزان مازاد به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت.

گذشته از مشکل جلب مشارکت خارجی، یونان به علت اختلاف مرزی با ترکیه برنامه‌های اکتشافی خود در مورد مناطقی از دریای اژه را به تعویق انداخته است. یونان معتقد است که جزائر کشورش موجب امتداد یافتن فلات قاره آن می‌شوند، ولی ترکیه معتقد است که فلات باید در رابطه با خاک ترکیه و یونان محاسبه شود. این مسئله به دادگاه قضایی بین‌المللی ارجاع گردیده و آنها به نوبه خود تصمیم‌گیری را به بعد از روشن شدن نتیجه سومین کنفرانس سازمان ملل درباره قانون دریایا موکول کرده است. یونانیها از سال ۱۹۷۳ در نقاط مورد اختلاف به عملیات اکتشافی مبادرت نورزیده‌اند، و حوزه پرینوس نیز کاملاً در خارج از منطقه قرار گرفته است.

دورنما

گرچه دورنمای تولید نفت برخلاف آن چیزی که مطالعات اولیه نشان می‌داد امیدوار کننده نیست، ولی دولت همچنان به جستجوی نفت اولویت خاصی می‌دهد و امیدوار است به این ترتیب بتواند از میزان واردات نفتی یک میلیارد دلاری خود بکاهد. تولید نفت خام تا سال ۱۹۸۰ در بهترین شرایط نخواهد توانست بیش از ده درصد نیاز نفتی یونان را تأمین نماید. برای اینکه این دورنماها به مقدار

1- Maronias.

2- Ionian Sea.

قابل ملاحظه‌ای بهتر شوند، یونان مجبور است در مورد اکتشاف مناطق خارج از خشکی منافع بیشتری را برای کمپانیهای نفتی بزرگ فراهم آورد. لیکن برای جلب همکاری کمپانیهای واجد شرایط، آتن باید فرآیند تصویب تقاضانامه آنها را تسریع کرده و ممکن است مجبور شود انگیزه‌های مالی بیشتری فراهم نماید.

اردن

اردن هیچ نفت خامی تولید نمی‌کند و علیرغم ازدیاد عملیات اکتشافی در سالهای اخیر نفت دارای ارزش تجاری در این کشور پیدا نشده است. امان بینهایت مایل است کمپانیهای نفتی خارجی را برای جستجوی نفت جذب نماید و عامه اردنیه‌ها معتقدند که در اردن نفت وجود دارد. چند کمپانی آمریکایی به جستجوی نفت در اردن و به خصوص در نوار شرقی این کشور تمایل نشان داده‌اند. ولی تا زمانی که تحقیقات گسترده زمین‌شناسی انجام نشده، تواناییهای نفتی اردن بسیار ناچیز به حساب می‌آید. مهمترین مناطق دلگرم‌کننده در ساحل غربی^۱ واقع شده که هم اکنون تحت کنترل اسرائیل می‌باشد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

در اردن مطالعات منظم و جامع زمین‌شناسی هرگز صورت نگرفته، ولی با استفاده از روشهایی که امروزه کهنه و غیر مرسوم به حساب می‌آید، چند مطالعه جزئی به عمل آمده است. علیرغم فقدان اطلاعات، چند کمپانی نفتی خارجی جهت انجام برنامه‌های اکتشافی کوچک اظهار تمایل کرده‌اند. مثلاً بر اساس مفاد قرارداد سال ۱۹۷۵ مؤسسه فیلون اکسپلوراسیون^۲ موظف است حداقل ۱۵ حلقه چاه در منطقه‌ای به مساحت ۸۴۰۰ کیلومتر مربع که شامل قسمتهایی از دره اردن می‌شود حفر نماید. این کمپانی در نظر دارد اولین چاه خود را در اواخر سال جاری حفر نماید. سی. اف. پی و سانپو^۳ که یک شرکت ژاپنی است، اظهار داشته که حاضر است قسمتی از امتیاز فیلون را خریداری نماید. ناتوماس و سان اویل^۴ نیز به انجام برنامه‌های اکتشافی در اردن علاقه نشان داده‌اند.

تواناییها و محدودیتها

سیستم سرمایه‌گذاری باثبات و آزاد امام مشکلی برای شرکتهای خارجی علاقمند به اکتشاف در اردن پدید نمی‌آورد. ولی تاریخچه طولانی نتایج منفی اکتشافی، آنها را از این کار باز می‌دارد. به طور کلی دولت فعالیتهای نفتی خود را به صدور اجازه نامه و اعطای امتیاز به کمپانیها محدود کرده است. تنها استثناء چند عملیات مشترک توسط شرکت منابع ملی اردن با همکاری مؤسسه مطالعات ژئوفیزیک آمریکا که به تحقیقات ژئوفیزیک در اردن پرداخته می‌باشد. علیرغم این فعالیتهای توانایی شرکت منابع ملی اردن محدود بوده و وابستگی آن به عقد قراردادهای خارجی در اکثر زمینه‌های

1- West Bank.

2- Filon Exploraton.

3- CFP & Sanyo.

4- Natomas & Sun oil.

مورد نیاز هنوز هم ادامه دارد

صحرای جنوب آفریقا^۱

دورنمای دستیابی به حوزه‌های جدید و وسیع نفت در صحرای جنوب آفریقا تقریباً صفر است. ظاهراً بیشترین توانایی در نیجریه و در بخش دست نخورده خارج از دهانه رود نیجر واقع شده است. سیاستهای دولتی و هزینه سنگین حفاری نیز انجام عملیات اکتشافی در این منطقه را مشکل می‌سازد. در ساحل غربی آفریقا بین ساحل عاج و آنگولا نیز مقدار زیادی نفت کشف نشده باقی مانده است. مطالعات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که اکثر منابع موجود در این منطقه کوچک و از نظر تولید بسیار پرخرج می‌باشد. به علت وجود این عوامل، و علیرغم جو کار عموماً مناسب در بیشتر این کشورهای کمپانیهای نفتی علاقه چندانی بکار در این مناطق ندارند. امکان دستیابی به نفت در نقاط دیگر صحرای جنوب آفریقا خیلی کم است. در بخش مرکزی، ظاهراً تنها چاد است که مقادیری نفت دارای ارزش تجاری را در بر می‌گیرد.

نیجریه

نیجریه در مدتی کمتر از یک دهه از کشور متکی به کشاورزی به صورت هفتمین تولید کننده بزرگ نفت در جهان و دومین صادر کننده مهم نفت به ایالات متحده درآمد یافته است. طبق برآورد ذخایر فعلی این کشور حاوی ۱۹ میلیارد بشکه نفت بوده (به استثناء گاز طبیعی مایع) و بعضی از مناطق نویدبخش وارد مرحله اکتشاف نشده است. سیاستهای قیمت‌گذاری و مالیاتی دولت اکتشاف و گسترش بیشتر را که برای افزایش ظرفیت حیاتی است از بین برده لذا تولید کاهش یافته است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

نفتی که تاکنون در نیجریه کشف گردیده دارای مرغوبیت بسیار است، لیکن در حوزه‌های پراکنده کوچک، و با عمق متوسط عموماً در مناطق دارای استحکام کم و گسله‌های شنی نامناسب واقع شده است. میانگین تولید روزانه هر چاه تقریباً ۲۵۰۰ بشکه است. با در نظر گرفتن این خصوصیات، حتی حفظ سطح تولید کنونی نیجریه نیز به سرمایه‌گذاری ثابت در اکتشاف و گسترش نیازمند است. ظرفیت تولیدی هم‌اکنون از ۲/۵ میلیون بشکه در روز به علت فقدان عملیات جاری تعمیر و نگهداری توسط کمپانیها و پایین آمدن معمول ظرفیت ذخایر به سطح ۲/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. با وجود اینکه کشف منابع جدید نفت ادامه دارد و توانایی وسیع دلتای رود نیجر هنوز شناخته نشده، میزان اکتشاف بسیار پایین آمده است. مثلاً در اواسط سال ۱۹۷۷ تنها ۱۶ ماشین‌آلات حفاری در نیجریه بکار گرفته شده بود. در حالی که دو سال قبل تعداد آنها به ۳۰ دستگاه می‌رسید.

با ۱۲۵ حوزه در حال عمل، بازده نفتی نیجریه در ژوئن ۱۹۷۷ معادل ۲/۲ میلیون بشکه در روز بود. مهمترین و قدیمی‌ترین تولیدکننده در نیجریه که بیش از نیمی از نفت این کشور را تأمین می‌نماید کمپانی شل بریتیش پترولیوم می‌باشد، که اتحادیه‌ای از رویال داچ شل و بریتیش پترولیوم است. این

1- Sub - Saharan Africa.

کمپانی اقدامات خود را در سال ۱۹۳۸ آغاز و در سال ۱۹۵۶ به اولین اکتشاف دارای ارزش تجاری دست یافت. تمام نفت تولیدی ۱/۳ میلیون بشکه در روز شل و بریتیش پترولیوم از داخل خشکی تأمین می‌گردد. گلف اوایل اوایل، دومین تولیدکننده بزرگ نفتی نیز روزانه ۲۷۴۰۰۰ بشکه نفت از منابع داخل خشکی عبارتند از شرکت نفت ایتالیا و فیلیپس معادل ۲۵۳۰۰۰، ئی الی اف ۸۳۰۰۰، آشلند اوایل ۹۰۰۰، و پان اوشن^۱ که ۱۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌کنند. تولیدکنندگان حوزه‌های خارج از خشکی عبارتند از تکساکو شوران که ۵۵۰۰۰ بشکه در روز و موپیل که ۲۳۴۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید می‌نمایند.

تواناییها و محدودیت‌ها

گرچه دولت نیجریه در گروه اوپک به عنوان یک عضو میانه‌روتر شناخته شده است، ولی در طی چند سال گذشته روابطش با کمپانیها رو به وخامت نهاده است. لاگوس^۲ سهم خود را در کمپانیهای تولید کننده به ۵۵ درصد افزایش داده، سقف تولید را ۲۰ درصد کاهش داده، و عوارض و مالیاتها را نیز بالا برده است. این اقدامات کم‌شدن منافع خالص کمپانیها از ۱/۵۰ دلار در سال ۱۹۷۴ به ۳۰ سنت در هر بشکه شده است. این کمپانیها به دلیل کم بودن سودهای عاید از میزان عملیات اکتشافی و گسترش خود کاسته‌اند.

نیجریه باید در تولید نفت خود افزایش عمده‌ای پدید آورد تا بتواند درآمد کافی جهت تأمین مخارج عمران اقتصادی و اجتماعی خود را فراهم آورد. به دلیل اینکه لاگوس قادر نیست بدون کمک کمپانیها صنعت نفت خود را گسترش دهد مؤسسه ملی نفت نیجریه که اخیراً تأسیس شده رهبران دولت را متقاعد کرده است تا با ارائه برنامه‌های تحریک‌کننده جدید اکتشافات را حمایت نمایند. ولی این کمپانیها هنوز منتظر تصریح بعضی از مفاد این برنامه هستند. حتی اگر شرایط دلخواه باشند کمپانیها ممکن است وارد عمل شوند چون ترس از آن دارند که لاگوس نهایتاً تمامی صنعت نفت را ملی سازد.

دورنما

گرچه شرایط زمین‌شناسی تولید نفت نیجریه را پرخرج می‌نمایاند، ولی بازده نفتی این کشور به‌خصوص در ارتباط با دلتای رود نیجر که دست نخورده باقیمانده می‌تواند توسعه و افزایش یابد. سرعت گسترش به اعاده روابط حسنه بین دولت و کمپانیها بستگی بسیار دارد، که دولت نیز ممکن است به آن تن ندهد. مثلاً به نظر می‌رسد مؤسسه نفتی نیجریه سعی دارد متخصصین بومی نفت خود را متمرکز ساخته و مشارکت دولت را در تمام جنبه‌های اکتشاف، تولید و توزیع افزایش دهد. با وجود اینکه سطح پایین صلاحیت مؤسسه نفتی نیجریه مانع از کنترل کامل صنعت در آینده نزدیک خواهد شد، ولی ترس از اینکه احتمالاً دولت در این جهت حرکت می‌کند بر تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری توسط کمپانیها تأثیر خواهد گذاشت. دولت می‌تواند با انعقاد قراردادهای خدمات فنی با دیگر شرکت‌ها زمان ملی شدن این صنعت را نزدیک‌تر سازد.

1- Pan Ocean.

2- Lagos.

آنگولا

آنگولا که در نوامبر ۱۹۷۵ به استقلال رسید، به عنوان یک صادرکننده نفت دارای تواناییهای قابل ملاحظه‌ای است. ذخایر قطعی نفت این کشور که بیش از ۱/۳ میلیارد بشکه می‌باشد در صورت مبادرت به انجام یک برنامه اکتشافی وسیع احتمالاً گسترش بیشتری خواهد یافت. ولی وضع امنیتی بی‌ثبات و گرایش مارکسیستی دولت امکان اجرای این برنامه را در آینده نزدیک بعید می‌نمایاند. معذالک دولت با گلف یعنی تنها کمپانی نفتی موجود در آنگولا به توافق رسیده و بدون شک امیدوار است با کمک آن اکتشافات و گسترش بیشتری به وجود آورده و با عواید حاصله به اقتصاد بیمار خود سرو سامانی بدهد.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

حومه کوچک منطقه کابیندا^۱ در آنگولا در خارج از خشکی با تولیدی معادل ۱۳۰۰۰۰ بشکه نفت در روز مسئول تأمین، تمام بازده نفتی کشور می‌باشد. از حوزه‌های کوچک خارج از کابیندا روزانه تنها ۱۵۰۰۰ بشکه نفت بدست می‌آید، که این حوزه‌ها نیز در گوشه شمال غربی آنگولا واقع شده توسط تکساکو مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)^۲ تولید نفت حوزه پترو آنگول^۳ در شمال شرقی لوآندا^۴ (پایتخت آنگولا - م) که بین ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ داخل خشکی را در سال ۱۹۵۴ آغاز نمود، لیکن بعدها به نقاط مناسبتری در خارج از خشکی انتقال یافت جایی که در سال ۱۹۶۸ تولید خود را آغاز کرد. تولید این مناطق پس از اینکه در طول دسامبر ۱۹۷۵ تا آوریل ۱۹۷۶ به دلیل جنگهای داخلی متوقف مانده بود، به سطح تولید دوران ماقبل جنگ بازگشته است. در خارج از خشکی پنج حوزه تولید وجود دارد، ولی به علت شرایط سیاسی در این منطقه اکتشافات دیگری صورت نگرفته است. بازده حوزه‌های تولیدی احتمالاً افزایش چشمگیری نخواهد یافت مگر آنکه شرایط سیاسی به گرداندگان چنان اطمینانی بدهد که جهت فائق آمدن بر مشکلات فنی موجود سرمایه‌گذارهای بیشتری را انجام دهند.

تواناییها و محدودیتها

در حال حاضر فقدان امنیت و عدم اعتماد کمپانیها به دولت مارکسیست آنگولا تنها عامل محدودکننده اکتشافات بیشتر به شمار می‌آید. با وجود اینکه حفظ و یا افزایش بازده نفتی بدون تردید از اولویت بسیاری برخوردار است، ولی کنترل شدید دولت در کشور و وابستگی شدید آن به کوبا و شوروی سبب شده است که کمپانیها نسبت به سرمایه‌گذارهای بیشتری بی‌میل باشند.

1- Cabinda District.

۲- منظور صفحه ۷۷ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

3- Petroango1.

4- Luanda.

سونانگول^۱، کمپانی نفتی دولتی به منظور استحکام کنترل خود بر منابع نفت کشور خواستار سهم شدن در ۵۵ درصد از تولید حوزه کابیندای گلف شده و گلف نیز چاره‌ای بجز قبول آن ندارد. با وجود اینکه لوآندا از مشاورتهای نیجریه و الجزیره بهره می‌برد و نهایتاً ممکن است از شوروی نیز کمک فنی دریافت نماید ولی به کمک مستمر فنی و مدیریتی غرب در تولید و پالایش نفت خام نیازمند خواهد ماند. به طور مثال دولت از تکنسین‌های پرتغالی خواسته است که جهت کمک در اداره پالایشگاه به لوآندا بازگردند.

گابن

گابن یعنی پنجمین تولیدکننده بزرگ آفریقا دارای ذخایر تثبیت شده ۷۰۰ میلیون بشکه‌ای نفت است. با وجود اینکه امید دستیابی به منابع بزرگ نفتی جدید در گابن کم است، ولی افزایش قیمت‌های نفت سبب می‌شود که منابع کوچک نیز از نظر بهره‌برداری دارای ارزش تجاری گردند. دولت که به مشکلات موجود در رابطه با کشف و تولید نفت در کشورش واقف است. با ایجاد انگیزه کافی سعی کرده است منافع کمپانیهای خارجی در حال عمل در کشورش را تأمین نماید.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

حوضچه نفتی گابن در طول ساحل غربی آفریقا به صورت یک نوار به طول ۶۵۰ کیلومتر و عرض ۲۴۰ کیلومتر گسترش یافته است. (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)^۲ تقریباً ۸۰ درصد حوزه‌های گابن در خارج از خشکی واقع و نسبتاً کوچک هستند و بخش اعظم نفت مکشوفه از طبقاتی است که حاوی ۷ تا ۱۴۷ میلیون بشکه نفت می‌باشند. تنها چند حوزه بزرگ کشف شده است که مهمترین آنها گروندین^۳ می‌باشد. نفت خام گابن از نوع نسبتاً سنگین با پارافین متوسط بوده و مقدار گوگرد آن نیز کم است.

اکتشاف نفت در گابن از سال ۱۹۲۸ آغاز گردید، لیکن تولید آن تنها از سال ۱۹۵۶ انجام شد. ای اف گابن که بزرگترین و مهمترین کمپانی در حال کار در گابن است روزانه ۱۹۴۰۰۰ بشکه از کل بازده ۲۲۰۰۰۰ بشکه‌ای این کشور را تولید می‌نماید. کمپانی شل - گابن، گلف و ۱۰ شرکت خارجی دیگر نیز در بقیه تولید سهم هستند. تعدادی از این شرکتها عملیات اکتشافی خود را داخل و خارج از خشکی ادامه می‌دهند.

طبیعت و موقعیت منابع نفتی گابن بازبایی آنها را مشکل و پرخرج می‌نماید. این منطقه مورد مطالعات وسیع قرار گرفته، و در حالی که امکان دستیابی به منابع مهم وجود ندارد، لیکن اکتشافات کوچک می‌تواند تا چند سال دیگر سطح تولید را معادل سطح کنونی آن حفظ نماید.

1- Sonangol.

۲- منظور صفحه ۷۸ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

3- G rondin.

تواناییها و محدودیتها

از سال ۱۹۷۳ که گابن به عضویت اوپک پذیرفته شد مشارکت و هدایت دولت در کمپانیهای نفتی بیشتر شده است. در آن زمان دولت ۲۵ درصد عملیات موجود را در تصرف خود داشت و می توانست ۶۰ درصد تولید را یکجا بفروش برساند. شرایط قانونی مربوط به گنجاندن پرسنل بومی در مناسب مدیریتی کمپانیها نیز ایجاد گردید. گابن خواسته است که ۱۰ درصد منافع کمپانیهای نفتی در بخش صنایع غیر نفتی کشور سرمایه گذاری شود. علیرغم این قوانین جدید، روابط بین دولت و کمپانیها حسنه باقی مانده است.

کنگو

کنگو که یک تولیدکننده و صادر کننده کوچک است دارای ذخایر قطعی معادل ۳۰۰ میلیون بشکه می باشد. تولید کنونی تقریباً به طور کلی شامل نفت نامرغوب از ذخایر دارای فشار کم خارج از خشکی می شود، ولی کمپانیها امید دارند که در این کشور به منابع نفتی بهتر مشابه با کشورهای همجواری چون آنگولا دست یابند. علیرغم مقام این کشور به عنوان اولین «جمهوری خلقی» در آفریقا، روابط کنگو به امید ترتیب فعالیتهای اکتشافی با کمپانیهای نفتی خارجی خوب باقی مانده است.

چشم انداز زمین شناسی

۳۸۰۰ بشکه نفتی که روزانه در کنگو تولید می شود تقریباً به طور کامل از ۵۰ حلقه چاه تولیدی در حوزه امرود مارین^۱ که در سال ۱۹۶۹ کشف گردید، تأمین می گردد (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید)^۲ پوینت ایندین^۳ که منطقه اصلی تولید نفت در کنگو است به صورت عمده ای خالی شده است. بازده حوزه امرود نیز به علت خالی شده ذخایر کاهش یافته و سیر نزولی بیشتری را در پیش خواهد گرفت. لیکن به محض وارد شدن حوزه جدید لوآنگو^۴ به خط تولید، تولید ملی در اواخر سال جاری افزایش خواهد یافت. انتظار می رود لوآنگو که در سال ۱۹۷۲ کشف و در ۴۰ کیلومتری خارج از خشکی واقع شده روزانه ۳۶۰۰۰ بشکه نفت تولید نماید.

گسترش حوزه های امرود و لوآنگو به علت قرار گرفتن در عمق زیاد، فشار کم ذخایر، و غلظت بسیار نفت بسیار پرخرج و دشوار بوده است. شرکت های فرانسوی و ایتالیایی که هم اکنون صاحب امتیاز در کنگو می باشند در حال حاضر در نظر ندارند اکتشافات مشابهی را انجام دهند. ولی این کمپانیها معتقدند که کنگو ممکن است در خارج از خشکی حوزه های نفتی مشابه کابیندا و گابن که بازده و فشار هر چاه برای بهره برداری مناسب است داشته باشد و به همین دلیل در نظر دارند با اکتشافات خود ادامه دهند.

1- Emeraud Marine.

۲- منظور صفحه ۷۹ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

3- Point Indienne.

4- Loango.

تواناییها و محدودیتها

دولت در برازاوایل نقش آن چنان فعالی در مسائل نفتی ندارد و فقط در بیست درصد امتیاز دو کمپانی خارجی مشغول بکار در کشور یعنی ئی الی اف فرانسه و اگیپ ایتالیا سهم است. براساس قراردادهای موجود، اگر سطح تولید به ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد سهم دولت به ۳۰ درصد خواهد رسید. به منظور حفظ علاقه‌مندی کمپانیها دولت کنگو موافقت کرده است که در نحوه وضع مالیات تجدید مذاکره نماید. تحت قراردادهای موجود برازاوایل در ازاء هر بشکه نفت تولیدی ۵ دلار دریافت کرده و در ازاء هر بشکه ۴۰ سنت سود خالص عاید کمپانیها می‌سازد. با وجود توانایی محدود زمین‌شناسی کشور، افزایش قابل توجه سود کمپانیها نیز نمی‌تواند محرکی برای آنها به حساب آید.

زئیر

زئیر در دسامبر سال ۱۹۷۵ یعنی زمانی که دو حوزه کوچک خارج از خشکی آن تولید تجاری خود را آغاز نمود به صف تولیدکنندگان نفتی آفریقایی پیوست. گرچه امکان کشف منابع کوچک نفتی بیشتری در خارج از خشکی وجود دارد، لیکن نمی‌توان احتمال داد که نفت استخراج شده آنقدر باشد که بتواند در سطح بازده کنونی کشور که متوسط آن ۲۵۰۰۰ بشکه در روز است افزایشی پدید آورد. گرچه دولت در رابطه با کمپانیهای نفتی خارجی از سیاست درهای باز استفاده کرده، لیکن فقدان لایه‌های زمین‌شناسی نویدبخش و تا حدود کمتری عدم ثبات سیاسی در زئیر علاقه کمپانیها به کار در آنجا را کاهش داده است.

چشم‌انداز زمین‌شناسی

جستجوی نفت در زئیر در سال ۱۹۵۸ یعنی دو سال قبل از استقلال آن آغاز شده بود. در سال ۱۹۶۳ گروه سوریزا^۱ (فینای^۲ بلژیک با ۵۰ درصد، آموکو و شل هر کدام با ۲۵ درصد) در داخل خشکی و در مجاورت مرز کابیندا به لایه‌هایی از نفت دست یافتند (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید).^۳ به دنبال آن چند میدان نفتی کشف شد لیکن تمام آنها فاقد ارزش تجاری اعلام گردیدند. در تابستان امسال یک برنامه اکتشافی معتدل و استوار بر کارهای مقدماتی و لرزه‌نگاریهای پیشین به وسیله گروه سوریزا به مرحله اجرا درآمد.

یک گروه به سرکردگی مؤسسه نفتی گلف (که کمپانی نفتی تیکوک^۴ ژاپن صاحب ۲۲ درصد منافع و سوسیتته بلژیک^۵ یعنی سوسیتته دولیتورال^۶ زئیر صاحب ۱۷ درصد منافع) در دسامبر سال ۱۹۷۰ به

1- Sorpeza.

2- Fina.

۳- منظور صفحه ۸۰ اسناد انگلیسی است که در CD شماره ۷ موجود است.

4- Teikouk.

5- Belgium, s Societe.

6- Littoral Zairois Soliza.

حفاری در مناطق خارج از خشکی پرداخته و با حفر اولین چاه به نفت رسیدند. دو حوزه یعنی جی سی اوومیبال که تقریباً ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خام دارند بخش اعظم تولید نفت کوچک زئیر را تأمین می‌نمایند. حوزه جی سی او در ۱۶ کیلومتری ساحل و در عمق ۱۸ متری آب قرار داشته، و حوزه میبال نیز در ۵ کیلومتری ساحل و عمق ۵ متری آب قرار دارد.

تواناییها و محدودیت‌ها

دولت اتخاذ تصمیمات فنی و مدیریتی را به عهده کمپانیهای نفتی گذاشته است. وضعیت این کمپانیها در نتیجه برنامه‌های ملی شدن کارخانه‌ها، خرده‌فروشیها و کشاورزی دستخوش تغییر و تحول نشده است. عوارض حاصل از نفت مهمترین عایدات دولت را تشکیل داده، و این دولت اخیراً سعی کرده مالیات تولید نفت خام را افزایش دهد. پس از اعتراض کمپانیها، توافق شد که پرداختهای مربوط به دولت تسریع شده و ۱۲/۵ درصد حق امتیاز به دولت داده شود. این مسئله سبب خواهد شد که کمبود نقدینگی دولت تا حدودی جبران شده و در عین حال محرک کافی جهت ادامه اکتشافات به وجود آید.

کامرون، چاد و ساحل عاج^۱

کامرون

کامرون که مناطق خارج از خشکی آن بین مناطق تولیدی نیجریه و گابن واقع شده، در سال ۱۹۷۸ به صورت ششمین کشور تولیدکننده نفت در صحرای جنوب آفریقا درخواهد آمد. انتظار می‌رود مشارکت ئی‌ال‌اف از فرانسه و کمپانی شل امریکا (۴۹ درصد) تولید نفت را در اوایل سال ۱۹۷۸ به ۱۵۰۰۰ بشکه در روز برساند. این حوزه در معبر ریودل‌یک^۲ با وسعت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع در خارج از خشکی قرار دارد (به نقشه صفحه ۷۴ نگاه کنید). برنامه‌های گسترش برای انجام اکتشافات دیگر در این منطقه و حفاریهای اولیه در معبر لولکل^۳ با وسعت ۷۳۰ کیلومتر مربع در حال انجام است. علاوه بر این کمپانی اوشنیک اکسپلوراسیون نیز حفاریهای خارج از خشکی خود را آغاز خواهد کرد و ممکن است اکتشافات داخل خشکی را نیز در سال ۱۹۷۸ گسترش دهد. چند کمپانی دیگر نیز از کامرون امتیازاتی را دریافت کرده‌اند، لیکن چشم‌انداز زمین‌شناسی در مورد احتمال دسترسی به منابع کوچک چندان روشن نمی‌باشد.

چاد

تنها تلاش اکتشافی ناچیزی در چاد صورت گرفته است. این برنامه نتایجی نیز به همراه داشته که حاصل آن دستیابی به ذخایر ۵۰۰ میلیون بشکه‌ای نفت در این کشور است، که می‌تواند تولید روزانه ۱۰۰۰۰ بشکه را تأمین کند. برای اینکه چاد بتواند در زمره صادرکنندگان نفت درآید باید حداقل

۱- اسناد این سه کشور در متن انگلیسی کتاب موجود نیست.

2- Rio del Ray.

3- Lokele.

۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت تولید نماید تا بتواند یک خط لوله یک میلیارد دلاری به طول ۱۲۹۰ کیلومتر به دوآلی^۱ کامرون بکشد. مقامات کمپانیهای نفتی در مورد این که نفت نهایتاً به صورت تجاری تولید خواهد شد خوش بین هستند لیکن این تولید مبنای محدودی خواهد داشت.

ساحل عاج

کمپانیهای نفتی فعال در ساحل عاج به دو منبع نفتی نویدبخش لیکن فاقد ارزش تجاری دست یافته اند. اولین اکتشافات که توسط اسوا - کسپلوراسیون انجام گرفت فقط ۳۰ تا ۴۰ میلیون بشکه نفت را در بر می گیرد. گرچه کمپانی معتقد است این حوزه کوچکتر از آن است که توسعه یابد، ولی شرکت ملی نفت ساحل یعنی پتروسی^۲ معتقد است که می توان از آن به منظور تأمین نیاز داخلی استفاده نمود. دومین اکتشاف نیز که بسیار کوچک توصیف شده توسط کنسرسیومی متشکل از فیلیپس هیسپان اوپل، گتی و شرکت نفت ایتالیا بدست آمد.

1- Douala.

2- Petroci.

کتاب هفتاد

مستشاری نظامی
آمریکا در ایران (۱)

مقدمه

قشون ایران زیر سلطه آمریکاست، ما این قشون را نفی خواهیم کرد و به او نقش و وظیفه واقعی را که دفاع از کشور است، باز خواهیم داد.

حضرت امام خمینی (س) - ۵۷/۸/۴

الان وضع نظامی ما، وضع ارتش ما، یک وضع ارتش انگلی است. ارتشی که تحت نظام آمریکا و به نفع آمریکا دارد اداره می‌شود. چهل و پنج هزار، پنجاه هزار، بعضی می‌گویند شصت هزار از مستشاران آمریکا، مفتخوران آمریکا ریخته‌اند به جان ما و در مملکت ما هستند. آنهمه پایگاه برای خودشان درست کرده‌اند. اشغال نظامی است مملکت ما، اشغال آمریکایی است مملکت ما.

حضرت امام خمینی (س) - ۵۷/۸/۱۳

حضور مستشاران آمریکایی در ایران به دنبال سیاستهای ضد اسلامی و ضد ملی رژیم ایران است، و علاوه بر هزینه هنگفت آن که بر ملت سنگینی می‌کند، آنان را چنان تسلطی بر ارتش و مقدرات کشور داده است که شرف و حیثیت صاحب منصبان و درجه‌داران ارتش را به دست آنان لکه‌دار و نابود کرده است. ما در این گونه موارد بر اساس یک سیاست مستقل و آزاد، بدون دخالت قدرتها عمل خواهیم کرد.

حضرت امام خمینی (س) - ۵۷/۸/۲۴

یکی از چیزهایی که در یک مملکتی اصلاً باید مستقل باشد، دنباله غیر نباشد، دست غیر در آن نباشد، عبارت از ارتش است. استقلال ارتش این است که ارتش در تحت نظام خود مملکت باشد و اجانب و کسانی که خارج از مملکت هستند در او دخالت نداشته باشند، پیوند به آنها نباشد. مستقل مقابل این است که پیوند به جای دیگر داشته باشد، تحت نفوذ یک قدرت دیگری باشد. (الان) ارتش مستقل است؟ تحت نفوذ نیست؟ یا ارتش ما را الان به قولی چهل و پنج هزار مستشار آمریکایی در ایران دارند اداره می‌کنند.

حضرت امام خمینی (س) - ۵۷/۸/۲۹

حضور مستشاران نظامی خارجی در ارتش ایران به اوائل سلطنت قاجاریه برمی‌گردد. در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار به هنگام بروز جنگ میان ایران و روس، فتحعلیشاه که از سیاستهای بین‌المللی هیچ چیز نمی‌دانست، دست یاری به سوی ناپلئون دراز کرد. ناپلئون که در آن هنگام درگیر

جنگ با تزار روس بود، هیئتی از کارشناسان نظامی خود را به سرپرستی ژنرال «گاردان» به ایران اعزام کرد. این هیئت از بدو ورود اقدام به تشکیل و آموزش ارتش ایران نمود. ولی با امضای قرارداد صلح میان ناپلئون و تزار روس و با اولتیماتوم انگلیس فعالیتهای مستشاران نظامی فرانسه خاتمه پذیرفت. بعد از آن مستشاران انگلیسی امر آموزش لشکریان ایرانی را بر عهده گرفتند و تا مدتی به این کار مشغول بودند ولی در این راه از برداشتن گامهای ابتدائی بیشتر نرفتند.

به هنگام سلطنت ناصرالدین شاه، زمانی که او از طریق خاک روسیه عازم اروپا بود، قزاقان روس رژه باشکوهی در مقابل او انجام دادند. ناصرالدین شاه که از این رژه بسیار خوشش آمده بود، درخواست کرد که گروه مشابهی در ایران توسط کارشناسان روسی ایجاد شود. این اقدام ابلهانه که صرفاً بر اساس یک هوس انجام شد، باعث گردید دسته‌ای از نظامیان در ایران بوجود آید که بعدها در سرنوشت ایران تأثیر بسیار جدی بر جا گذاشت.

قزاقان ایرانی که بوسیله افسران روسی کنترل و اداره می‌شدند در مقاطع حساس تاریخ ایران نقش تعیین کننده‌ای ایفاء کردند. آنها در مقابل انقلاب مشروطیت مقاومت کردند و با گلوله باران نمودن مجلس و سرکوب مجاهدین مشروطه، استبداد صغیر را بوجود آوردند.

بعد از انقلاب اکتبر در شوروی، کنترل قزاقان ایرانی به دست افسران انگلیسی افتاد و آنها با تحریک رضاخان، یکی از افسران قزاق، کودتای سیاه ۱۲۹۹ را به راه انداختند که سرنوشت ملت ایران را برای بیش از نیم قرن به سوی وابستگی و غرب‌زدگی رقم زد.

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز یکی دیگر از افسران قدیمی قزاق و افسران ارتش جدید ایران بنام «فضل‌الله زاهدی» کودتائی را به راه انداخت که برای ۲۵ سال حاکمیت نامشروع و تجاوزکارانه آمریکا را بر ایران در پی داشت.

جنگ جهانی دوم

در شهریور ۱۳۲۰، کشور ایران از شمال و جنوب مورد حمله ارتشهای انگلیس و شوروی قرار گرفت و اشغال گردید. در آن تاریخ آمریکا هنوز وارد جنگ نشده بود ولی پس از این که هیتلر در آذرماه ۱۳۲۰ به آمریکا اعلان جنگ داد، نیروهای آمریکایی رسماً به متفقین پیوستند.

خاک ایران به عنوان پلی برای ارسال تجهیزات و تسلیحات به شوروی انتخاب گردید. کم‌کای متفقین با استفاده از راه‌آهن و جاده‌های ایران به نیروهای شوروی که درگیر جنگ سختی با ارتش هیتلری بودند، ارسال می‌شد. به علت اشغال ایران توسط متفقین، امور کشور از هم پاشیده شده بود و عملاً کنترل راه‌آهن و جاده‌های ایران در قسمت جنوب در اختیار انگلیسیها و در شمال در اختیار ارتش سرخ بود. اما به علت کمبود نیرو، انگلیسیها قادر نبودند که به خوبی راه‌آهن ایران را مورد بهره‌برداری قرار دهند.

ورود نیروهای آمریکایی به ایران

اندکی پس از اشغال ایران توسط نیروهای انگلیسی و ارتش سرخ، دولت استعمارگر انگلیس بدون موافقت ایران، از دولت آمریکا درخواست کرد تا برای ارسال مواد و مهمات جنگی به شوروی از

طریق ایران، بیاری انگلستان بشتابد. در مقابل «روزولت» رئیس جمهور آمریکا به انگلستان پیشنهاد کرد تا مسئولیت حمل مواد و مهمات در ایران به طور کلی به آمریکاییها واگذار شود و آنها عهده‌دار کلیه امور حمل و نقل مواد و مهمات به شوروی، در ایران گردند. «چرچیل» نخست وزیر انگلستان از این پیشنهاد استقبال کرده و آن را پذیرفت.

اولین دسته از نیروهای نظامی آمریکایی تحت عنوان «مسیون نظامی ایران» در دسامبر ۱۹۴۲ (آذر ۱۳۲۱) وارد ایران شدند. نظامیان این گروهها اغلب از دسته مهندسی ارتش آمریکا بودند و تا پایان سال ۱۹۴۲ عملیات حمل مواد و اداره راه‌آهن ایران را در منطقه جنوب بطور کلی از انگلیسیها تحویل گرفتند و این در حالی بود که به هیچ‌وجه دولت ایران و حتی شاه که با موافقت متفقین بر سرکار آمده بود. در جریان امر قرار نگرفتند.

مسیون نظامی ایران بعداً عنوان «فرماندهی خدمات خلیج فارس» به خود گرفت و در اوائل سال ۱۹۴۳ عنوان «فرماندهی خلیج فارس» یافت که وظیفه آن همان اداره عملیات راه‌آهن و حمل مواد و مهمات از خلیج فارس به تهران بود. تعداد سربازان آمریکایی که برای ارسال مواد و مهمات به شوروی، به ایران آمده بودند بسیار زیاد بود و روزبه‌روز هم بر تعداد آنان افزوده می‌شد بطوریکه در ژانویه ۱۹۴۳ (دیماه ۱۳۲۱) تعداد آنها به ۳۰۰۰۰ نفر بالغ گردید و در این زمینه هیچ موافقتنامه یا قراردادی بین دولتین ایران و آمریکا به امضاء نرسیده و اصولاً مذاکره‌ای هم به عمل نیامده بود.

همکاری آمریکا و انگلستان در ایران

پیشنهاد استخدام مستشاران خارجی برای دولت ایران (در زمان جنگ جهانی دوم) اولین بار توسط «سر ریدر بولارد» وزیر مختار انگلستان در تهران عنوان شد. بولارد به ابتکار خود در ژانویه ۱۹۴۲ (دیماه ۱۳۲۰) به نخست وزیر ایران پیشنهاد کرد تا نسبت به استخدام مستشاران خارجی اقدام نماید. در پنجم فوریه ۱۹۴۲ (۱۶ بهمن ۱۳۲۰) بولارد به وزارت خارجه انگلستان اطلاع داد که پیشنهاد او به نخست وزیر ایران برای استخدام مستشاران خارجی پذیرفته شده است.

«والاس موری» عضو عالی‌رتبه وزارت خارجه آمریکا در این باره گفته بود که این قضیه برای آمریکا چه از نظر سیاست کوتاه مدت آن کشور و چه از لحاظ سیاست آینده و بلند مدت آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد.

زمانی که «قوام‌السلطنه» بر کرسی ریاست وزراء جای گرفت (۱۳۲۱) همکاری و نزدیکی با آمریکا را یکی از اصول اساسی سیاست خود قرار داد و او نیز بسیار مایل بود تا مستشاران آمریکایی را برای ایران استخدام نماید. آمریکا از نظر سیاسیون وقت ایران همان «نیروی سومی» بود که می‌توانست در مقابل انگلستان و شوروی، ایران را حمایت کند. آنها چنین می‌پنداشتند که آمریکا از نظر جغرافیایی بسیار دور از ایران است و طبیعتاً نمی‌تواند دارای مطامع ارضی در ایران باشد. مهمتر از همه این که دولتمردان وابسته و فراماسونر ایران درصدد بودند که با درخواست مستشار از آمریکا از منافع برنامه «وام و اجاره» آمریکا نیز برخوردار شوند. از سوی دیگر آمریکاییها تا آن زمان چهره خوبی از خود به جهانیان نشان داده بودند.

تفاهم آمریکا و انگلستان در باب ایران تا حدودی سبب روشنتر شدن سیاست آمریکا نسبت به

ایران گردید. بعد از کنفرانس تهران در ۱۹۴۳ نیز آمریکا بر آن شد تا سیاست جامعی نسبت به ایران در پیش گرفته و به تحکیم موقعیت سیاسی - اقتصادی ایران مبادرت نماید زیرا از نظر دولت آمریکا اهمیت استراتژیک ایران «بی‌اندازه مهم» بود اما اعمال چنین سیاست جامعی مستلزم کنترل کامل بر امور اقتصادی، سیاسی و نظامی بود تا از راه آن بتوان تحولات لازم و دگرگونیهای مورد نظر خود را در اوضاع سیاسی اقتصادی ایران به عمل آورد و از آنجایی که چنین نوعی از کنترل امور یک کشور تنها درباره مستعمرات و یا کشورهای نیمه مستعمره اعمال می‌گردید و سیاست خارجی سنتی آمریکا تا آن زمان، مانع اعمال چنین کنترلها و سیاستی بود لذا در عمل دولت آمریکا را با مشکلاتی روبرو ساخت. دولت آمریکا برای پیشبرد سیاست خود درصدد برآمد تا بطور غیرمستقیم این کنترلها را به دست آورد و این اهداف نامشروع از طریق اعزام مستشاران آمریکایی به منظور کنترل نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین اقتصاد ایران، تأمین شد.

میسوین نظامی آمریکا

دولت آمریکا در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۴۲ (۱۹ اسفند ۱۳۲۰) ایران را واجد شرایط لازم برای دریافت کمکهای برنامه «وام و اجاره» دانسته و اعلام داشت که ایران می‌تواند از کمکهای آمریکا از طریق برنامه وام و اجاره استفاده نماید. زمانی که اعلامیه رسمی دولت آمریکا در این باره منتشر شد، دولتمردان وابسته ایران نیز در پاسخ این اعلامیه، از آمریکا خواستند تا مستشاران نظامی برای تشکیلات ژاندارمری و ارتش ایران در اختیار دولت ایران قرار دهد. وزیر مختار ایران در واشنگتن طی یادداشت مورخ ۲۰ مارس ۱۹۴۲ (۲۹ اسفند ۱۳۲۰) به وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داد که دولت ایران مایل است تا مستشاران نظامی آمریکایی را برای وزارت جنگ ایران استخدام نماید. وزارت خارجه آمریکا درخواست دولت ایران را با اشتیاق کامل مورد بررسی و توجه قرار داد و آن را فرصتی برای توسعه نفوذ خود در ایران قلمداد کرد. درخواست ایران از آمریکا و قبول آن جنبه احساسی و نوع دوستی نداشت بلکه دولت آمریکا درصدد برآمد تا از این راه منافع نامشروع خود را در ایران تأمین نماید.

کمکهای دولت آمریکا به ایران بیش از آنچه که دولت ایران خواسته بود، صورت گرفت. دولت آمریکا دو میسیون نظامی را برای کمک به تجدید سازمان و نوسازی تشکیلات نظامی روانه ایران نمود. اولین هیئت برای ارتش به سرپرستی ژنرال «گریلی» که بعداً جای خود را به ژنرال «رایدلی» داد و هیئت دوم به سرپرستی سرهنگ «شوارتسکف» که برای تشکیلات ژاندارمری ایران، تعیین شده بود. این دو در تاریخی ۱۹۴۲/۱۰/۲ (۱۱ آبان ۱۳۲۱) به تهران اعزام شدند تا سازماندهی مجدد ارتش و ژاندارمری به عهده گرفته و رهبری نمایند.

شوارتسکف، رئیس سابق نیوجرسی و کارمند اف. بی. آی، در مقام رئیس ژاندارمری آغاز به کار کرد. پس از چند ماه فعالیت شوارتسکف در ایران که طی آن موفقیت را سنجیده و توصیه‌هایی غیر رسمی در زمینه‌های فعالیتش نمود، مذاکرات رسمی بین ایران و آمریکا در مورد وضع قانونی هیئت آغاز شد.

قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا که مأمور بازسازی ارتش ایران بود و اختصاراً به

«جنمیش» معروف شد در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ (۱۲ آبان ۱۳۲۱) امضاء گردید. قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران که اختصاراً به «جنمیش» معروف شد در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ (۵ آذر ۱۳۲۱) امضاء شد. در قرارداد اول رئیس هیئت نظامی در ارتش ایران می‌توانست نسبت به انتخاب، اخراج، انتقال و تحقیق در ورد افسران ارتش ایران پیشنهادهای خود را به وزارت جنگ ایران، تسلیم کند. قرارداد دوم حتی گستاخانه‌تر از اولی بود زیرا رئیس هیئت در ژاندارمری قادر بود رأساً در موارد فوق‌الذکر عمل کند.

اعزام دو هیئت نظامی آمریکایی در ایران به حضور آمریکاییها در ایران ابعاد تازه‌ای بخشید. یکی از دلایل موافقت دولت آمریکا با اعزام مستشاران نظامی به ایران و قبول فوری درخواست ایران آن بود که به اعتقاد مقامات وزارت خارجه آمریکا، اعزام مستشاران آمریکایی به ایران، دولت آمریکا را قادر می‌ساخت تا ارتش ایران را تحت کنترل داشته و هر نوع جنبشی را که ممکن بود احتمالاً در ارتش به وجود آید، مانع شود. ثانیاً از ارتش و نیروهای انتظامی برای تأمین نظم و امنیت داخلی به منظور تسهیل در ارسال مهمات به شوروی و همچنین جلوگیری از توسعه نفوذ نازیها و کمونیستها در ایران، بهره‌برداری نماید.

دولت ایران همچنین از آمریکا درخواست مستشارانی برای بازسازی نیروی پلیس (شهربانی) را نمود. دولت آمریکا یک غیر نظامی را بنام «تیمرن» به ایران گسیل داشت. مدت قرارداد تیمرن دو سال از تاریخ ورود به ایران بود. وظیفه این کارشناس پلیس، تجدید تشکیلات اداری و سازمانی پلیس ایران، تأسیس دانشکده پلیس، سازمان دادن اداره زندانهای کشور و تجدید نظر در قوانین و مقررات نیروی پلیس کشور بود. در فاصله بین سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴، تیمرن در ایران مشغول بکار بود. ولی مرگ ناگهانی او در ۲۰ می ۱۹۴۴ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۳) به مأموریت وی خاتمه داد و بعد از وی هم فرد دیگری به جای او برگزیده نشد.

چند سال بعد گروه دیگری از مستشاران نظامی آمریکا به این دو هیئت پیوست. این گروه بنام «گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران» و یا اختصاراً «مگ» نام‌گذاری شد. این گروه از طریق امضای قرارداد «کمک دفاعی متقابل» در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹) بوجود آمد. این گروه در کنار مستشاران آرمیش به فعالیت در ارتش ایران پرداخت. وظیفه مستشاران آرمیش «کمک به آموزش نیروهای مسلح یک دولت خارجی» بود یعنی فعالیت به عنوان مشاور و مربی، اما وظیفه مستشاران در مگ «بوجود آوردن شرایط لازم برای حفظ و استفاده صحیح از تجهیزاتی بود که طبق برنامه کمکهای نظامی به کشورهای مورد نظر و متقاضی تحویل می‌شد». از طرف دیگر مستشاران مگ می‌بایست «کمکهای آموزشی» نیز ارائه می‌دادند. این دو هیئت از نظر اداری همکاری داشته و پرسنل هر سه نیرو - زمینی، دریائی و هوائی - در آن به کار گرفته می‌شدند.

افراد مگ مسئول سفارش، دریافت و تحویل کمکهای نظامی به مقامات ایرانی و نیز هماهنگی و تقسیم خدمات ارائه شده بودند. آنها مراقب بودند تا تجهیزات و تسلیحات مستقیماً و تنها به منظوری که تحویل داده شده بود، مصرف شود. در زمینه‌های مربوط به آموزش ارتش ایران، فعالیت مگ و آرمیش درهم ادغام شد. این فعالیت شامل طرح و ارزیابی برنامه‌های سازماندهی و تجدید سازمان نیروهای مسلح ایران، تجدید نظر در برنامه‌های آموزش دانشکده‌های نظامی ایران، برنامه‌ریزی

آموزشی و تمرینهای مربوط به استفاده و نگهداری واسیل و مواد تحویلی برای سربازان ایرانی بود و همچنین شامیل تهیه گزارش از کارایی و سودمندی کمکهای نظامی که به ایران می‌شد، می‌گردید. مگ هر ساله گزارشهایی بنام «گزارش کشوری» تهیه می‌کرد و اغلب نیز با گزارشهای ویژه‌ای، آن گزارشها را تکمیل می‌کرد. در این گزارشها درباره توانائی ارتش ایران و نیز درباره تأثیرات کمک نظامی اظهار نظر و ارزیابی صورت می‌گرفت.

نقش مستشاران در آموزش

آمریکا مایل بود تا سیستم نظامی ایران را طبق مدل آمریکایی سازماندهی کند. برای این منظور از دو راه عمل شد. اول، تطبیق سیستم آموزش دانشگاه نظام و دانشکده افسری با سیستم آمریکایی و دوم، اعزام افسران و درجه‌داران ایرانی به آمریکا برای طی دوره‌های آموزشی و همچنین خو گرفتن با فرهنگ فاسد آمریکایی. در هر دو مورد مستشاران نقش عمده‌ای داشتند. وظیفه اول بطور کلی بر عهده آنان گذارده شد و در وظیفه دوم نیز نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب افراد برای اعزام به آمریکا داشتند و پس از بازگشت افسران آموزش دیده ایرانی در آمریکا، وظیفه تعیین پست و مقام افسران بر عهده مستشاران آمریکایی بود.

در تاریخ ۱۹۴۸/۵/۱ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷) اولین گروه از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی ایران به قصد کسب آموزشهای ویژه، راهی آمریکا شدند. تا سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) ۱۱۰۰۰ نفر از افسران و پرسنل نظامی ایران در آمریکا آموزش دیدند. این تعداد، غیر از افسرانی بود که از طریق پلیس ایران برای آموزش به آمریکا اعزام شده بودند. علاوه بر این آمریکا در مورد آموزش افسران ایرانی توسط ارتش اسرائیل، قراردادهایی با دولت اسرائیل در این زمینه منعقد کرده بود. پس از مراجعت، آرمیش مگ تماسهای نزدیک با افسران تعلیم‌دیده را حفظ می‌کرد. از جمله موفقیت‌های این استراتژی جریان سقوط مصدق بود که در آن کودتا، افسران ایرانی آموزش دیده در آمریکا، نقش عمده‌ای را ایفاء کردند.

احیای کاپیتولاسیون

هر چه که وابستگی رژیم شاه به آمریکا بیشتر می‌شد، خواسته‌های نامشروع آمریکا نیز فزونی می‌گرفت. در سال ۱۳۴۰ آمریکا درخواست اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی و اعضای خانواده‌هایشان را نمود تا در صورت ارتکاب هرگونه جرمی از طرف آنها، دادگاههای ایران نتوانند آنان را محاکمه کنند. در واقع بار دیگر یک ابر قدرت درخواست برقراری «کاپیتولاسیون» را برای اتباع خویش می‌نمود. رژیم پهلوی که یکی از دستاوردهای بزرگ رضاخان را الغای کاپیتولاسیون می‌دانست، بر سر یک دو راهی قرار گرفته بود. از یک طرف نمی‌توانست به درخواست نامشروع آمریکا جواب منفی دهد و از طرف دیگر می‌دانست که با تجارب تلخی که از کاپیتولاسیون در تاریخ ایران وجود دارد، برقراری مجدد آن نه تنها لکه ننگی بر پیشانی رژیم پهلوی خواهد بود بلکه عواقب خطرناکی نیز در پی خواهد داشت. اما سرانجام مجبور شد که به خواسته ناحق ارباب خویش تن در دهد و در اینجا بود که بار دیگر امام خمینی (س) شجاعانه به صحنه آمد و با ایراد یک سخنرانی

آتشین و افشاگرانه، این خیانت رژیم پهلوی را برملا ساخت. رژیم که خود را در خطر می‌دید، تنها راه چاره را در تبعید امام به ترکیه دید. اما گذشت زمان ثابت کرد که این راه چاره نیز به حال رژیم وابسته پهلوی مفید واقع نشد.

تعداد مستشاران

از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۷۱ تعداد مستشاران نظامی آمریکا در ایران به تدریج افزایش یافت ولی این افزایش رقم چشمگیری را نشان نمی‌داد. در سال ۱۹۶۹ نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا، دکترین خود را مبنی بر مسلح کردن کشورهای تحت‌الحمایه آمریکا برای توانائی دفاع از خود، اعلام کرد. این دکترین مستلزم فروش هر چه بیشتر سلاح به این دسته از کشورهای ایران بود. از طرف دیگر دولت انگلستان نیز اعلام کرد که نیروهای خود را از شرق کانال سوئز و خلیج فارس خارج خواهد کرد. با خروج انگلستان از منطقه، شاه می‌خواست که نقش ژاندارمی منطقه را به عهده گیرد. با افزایش قیمت نفت، شاه توانست خریدهای نظامی بسیار هنگفتی از آمریکا انجام دهد. با ورود سلاحهای جدید در مقیاسی وسیع، سیل مستشاران نظامی آمریکا برای آموزش نحوه استفاده از این تسلیحات، به سوی ایران سرازیر شد و به یکباره تعداد آنها افزایش بسیار چشمگیری پیدا کرد.

برای سیستمهای پیچیده تسلیحاتی که به ایران تحویل داده می‌شد، صرفاً نحوه استفاده از آنها توسط مستشاران نظامی تعلیم داده می‌شد و صد البته معلومات فنی در اختیار ایرانیان قرار نمی‌گرفت. بعضی از سیستمها هم، مثلاً سیستمهای کنترل الکترونیکی، به هیچ وجه در اختیار ایرانیان گذاشته نمی‌شد بلکه مستقیماً توسط مستشاران بکار گرفته می‌شد. در نتیجه افراد ارتش ایران آگاهی لازم را کسب نکرده و در این زمینه رشد نمی‌یافتند. از سوی دیگر، مستشاران از این طریق تسلط خود را بر ارتش ایران حفظ می‌کردند و از نظر اقتصادی، تعداد کثیری از اتباع آمریکایی در ایران اشتغال یافته و از طریق دولت ایران تأمین می‌شدند.

طبق تحقیقات سنای آمریکا، تعداد مستشاران آمریکا در ایران از ۱۶ هزار نفر در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) به ۲۴ هزار نفر در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) افزایش یافته بود. در گزارش سنا آمده بود که تعداد آمریکاییها در ایران می‌بایست بواسطه خریدهای کلان اسلحه از آمریکا، تا سال ۱۹۸۰ به ۶۰ هزار نفر بالغ گردد که این به معنای رشدی معادل ۱۰ هزار نفر در سال بود.

هزینه پرسنل نظامی ارتش ایران در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۱۴۰ میلیارد ریال (نزدیک به ۲ میلیارد دلار) بود، در حالی که هزینه مستشاران آمریکایی مقیم ایران در همان سال بالغ بر ۱۷۰ میلیارد ریال برآورد شده است. طبق قراردادهای نظامی میان دو کشور، تمام مخارج به عهده ایران بود.

دخالت مستشاران در تحولات سیاسی ایران

این مستشاران علیرغم این که نقش مشورتی در ارتش ایران داشتند ولی در مقاطع حساس تاریخ ایران با دخالت غیر قانونی در تحولات سیاسی، مسیر حوادث را تغییر داده و یا ارتش را به مقاومت در مقابل خواسته‌های ملت مسلمان ایران تحریک کرده‌اند. نمونه‌های بارز دخالت این مستشاران در سیاست داخلی ایران را می‌توان در کودتای ۲۸ مرداد، احیای کاپیتولاسیون و سرانجام مقاومت در

مقابل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دید.

بهنگام اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به اعتراف ژنرال «هایزر» در کتابش بنام «مأموریت در تهران»، مستشاران نظامی آمریکا نقش فعالی در تحریک ارتش برای مقابله با حرکت مردم داشتند. آنها مستقیماً در جنگ روانی علیه انقلاب اسلامی مشارکت داشتند و حتی آخرین برنامه آنها، هدایت کودتا در بهمن ماه ۱۳۵۷ بود که بر عهده رئیس مستشاران، ژنرال «گاست» بود ولی با عنایت خداوند متعال و رهبری پیامبرگونه امام خمینی (س) همه این توطئه‌ها شکست خورد و در یوم‌الله ۲۲ بهمن انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت سعی کرد که بار دیگر مستشاران نظامی آمریکا را در ایران بپذیرد و آنها را در امور نظامی ایران فعال سازد ولی با برخورد قاطع امام امت، پرونده سیاه و پر از خیانت و جنایت مستشاران نظامی آمریکا در ایران بسته شد.*

در میان اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه‌ای از اسناد پیرامون «مستشاری نظامی آمریکا در ایران» یافت شد. این مجموعه که حاوی اسناد زیادی در این مورد می‌باشد. تاریخچه حضور مستشاری نظامی آمریکا در ایران را از ابتداء تا روز تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در بر می‌گیرد. (البته این اسناد، تمامی اسناد مربوط به مستشاری نظامی آمریکا در ایران را از ابتدا، تا روز تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در بر می‌گیرد. (البته این اسناد، تمامی اسناد مربوط به مستشاری نیست و مقداری از آنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط آمریکاییها از ایران خارج شده است). این مجموعه، چندین جلد کتاب را در بر خواهد گرفت. جلد اول این کتاب که هم اکنون در اختیار علاقمندان می‌باشد، حاوی اسناد مستشاری از ابتدای ورود تا سال ۱۳۴۳ می‌باشد. جلد اول شامل سه فصل است. هر فصل برهه خاصی از این مقطع را در بر می‌گیرد که در ابتدای هر فصل توضیح داده خواهد شد.

امید است که این مجموعه بتواند گوشه‌هایی از دخالت‌های غیر قانونی آمریکا در ارتش و سیاست‌های داخلی ایران را برای خوانندگان آشکار سازد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پائیز ۶۹

*- برای تهیه بخشهایی از مقدمه، از کتابهای زیر استفاده شد:

۱- ایران و قدرتهای بزرگ نوشته دکتر ایرج ذوقی.

۲- نفوذ آمریکا در ایران نوشته دکتر ابراهیم سنجر.

فصل اول

(در گذشته) اعتقادمان بود که اصلاً از ما کاری ساخته نیست (مثلاً) ارتش ما اگر بخواهد ارتش بشود، مستشار لازم دارد، از آمریکا یا از اروپا باید مستشارانی بیایند تا ارتش ما را بتوانند سروسامان بدهند.

امام خمینی (س) - ۵۹/۱۰/۳۰

فصل اول شامل ۲۷ سند است که مقطع تاریخی آبان ماه ۱۳۲۲ تا خرداد ماه ۱۳۲۹ را در بر می‌گیرد. ۲۰ سند مربوط به پیش‌نویس و متن قراردادهای منعقد شده میان دولت ایران و آمریکا برای استخدام مستشاران نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران و همچنین مربوط به اصلاحات انجام شده در این قراردادها می‌باشد. نکته تأسف بار در عقد قراردادها و اصلاحات انجام شده این است که دولت ایران تقریباً نقش «مهر امضاء» را داشته و دولت آمریکا هرگونه که خود می‌خواسته قراردادها را تنظیم می‌کرده و هرگاه که منافعش اقتضاء می‌کرده، آنها را تغییر می‌داده است.

۲ سند در مورد موضع دولت شوروی در مقابل حضور و فعالیت مستشاران آمریکایی در ارتش ایران می‌باشد. ۵ سند نیز در رابطه با مذاکرات و مفاد قرارداد «کمک دفاعی متقابل» میان دولتین ایران و آمریکا می‌باشد. این قرارداد باعث اضافه شدن یک گروه دیگر به هیئتهای موجود مستشاران نظامی آمریکا در ایران گردید.

سند شماره (۱)^۱

ستاد بزرگ ارتشتاران

قانون اجازه استخدام هیئتی از افسران و درجه‌داران ارتش کشورهای متحده آمریکا برای وزارت جنگ، مصوب اول آبانماه ۱۳۲۲ (۲۳ اکتبر ۱۹۴۳)

ماده واحده - مجلس شورای ملی به دولت اجازه می‌دهد با انعقاد قراردادی بین دولتین ایران و کشورهای متحده آمریکا هیئتی از افسران و درجه‌داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا را که تعداد افسران آن از سی نفر تجاوز نخواهد نمود. به منظور اصلاح امور اداری ارتش و با شرایط

۱- این سند نسخه‌ای از مصوبات مجلس شورای ملی وقت می‌باشد که در بین اسناد مستشاری نظامی به دست آمده است. م

زیر استخدام نماید.

۱ - نخست دسته افسران این هیئت به قرار زیر می‌باشد.

سرلشگر سی. ریدلی - سرهنگ ف. ک. دومان - سرهنگ توماس ائی ماهونی - سرهنگ ۲ سوگارد - سرگرد ر. س کنلی - سروان و. ا. کیدویتس - سروان ر. ی ساندوس - ارشد افسران مأمور هیئت سمت ریاست هیئت را داشته و به عنوان مستشار نظامی وزارت جنگ طرف شور و معاضدت وزیر جنگ خواهد بود - بقیه اعضاء این هیئت به تدریج که مورد احتیاج وزارت جنگ واقع شوند و دولتمن در انتخاب آنان موافقت نمایند. طبق مندرجات این قانون استخدام خواهند گردید.

ب - استخدام هیئت نامبرده اصولاً برای مدت جنگ یا اعلام خاتمه وضعیت فوق‌العاده ملی در کشورهای متحده آمریکا خواهد بود، ولی دولت حق خواهد داشت قبل از انقضاء مدت در صورتی که صلاح بداند قرارداد استخدام آنها را فسخ و یا با حصول موافقت دولت کشورهای متحده آمریکا برای بعد از جنگ نیز تمدید نماید.

ج - اعضاء هیئت حقوق سالیانه خود را به پول رایج کشورهای متحده آمریکا به میزان زیر از دولت ایران دریافت خواهند داشت. رئیس هیئت ۴۲۰۷ دلار - معاون هیئت ۳۹۰۷ دلار - افسران دیگر هیئت هر کدام ۳۷۵۷ دلار - درجه‌داران جزء و افراد متخصص ۲۷۰۵ دلار. این حقوق باید در دوازده قسط مساوی ماهیانه پرداخت گردد و هر مبلغ از حقوق ماهیانه هر یک از اعضاء هیئت بنا به تقاضای او به دلار در آمریکا و بقیه به ریال (به نرخ رسمی) در ایران قابل پرداخت خواهد بود. حقوق اعضاء هیئت از هرگونه عوارض و مالیاتهایی که قبلاً یا در آتی به چه از طرف دولت و چه از طرف تقسیمات اداری یا سیاسی تابعه دولت وضع گردد معاف و اگر در این موقع یا در طی مدت قرارداد مالیات جدیدی هم وضع شود که شامل حقوق این اعضاء گردد بایستی از طرف وزارت جنگ پرداخت گردد، به قسمی که میزان حقوق معینه برای هر عضوی بدون کم و کسر عاید او شود. هزینه سفر اعضاء هیئت از آمریکا به ایران و بالعکس در مدت جنگ به عهده دولت آمریکا و بعد از جنگ در صورت تمدید قرارداد به عهده دولت ایران خواهد بود. در هر حال هرگاه اعضای هیئت بخواهند خانواده خود را به ایران بیاورند هزینه سفر زن و فرزند تحت تکفل به عهده دولت ایران خواهد بود.

د - به دولت اختیار داده می‌شود پس از شور با وزارت جنگ حدود اختیارات و وظایف و سایر شرایط استخدام اعضاء هیئت نظامی را با موافقت دولت کشورهای متحده آمریکا تعیین و به موقع اجرا گذارد.

ه - سایر شرایط استخدام اعضاء هیئت نظامی بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه اول آبان‌ماه ۱۳۲۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

* یادداشت مترجم سفارت:

قانون مصوب ۲۳ عفر ۱۳۰۱ (عقر هشتمین ماه تقویم ایرانی است که هم‌اکنون آبان نامیده می‌شود) مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲ یک قانون پایه‌ای به شمار می‌آید که استخدام مستشاران خارجی را صرفاً با تصویب مجلس مجاز اعلام می‌دارد.

سند شماره (۲)^۱

وزارت جنگ

موافقت‌نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا

برحسب تقاضای دولت شاهنشاهی ایران از دولت ایالات متحده آمریکا رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا اجازه داده است که یک عده از افسران و درجه‌داران ارتش ایالات متحده و نیروی هوایی و دریایی ایالات متحده به منظور تشکیل یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مندرج زیر گماشته شوند.

ماده ۱ - هدف این هیئت همکاری با وزارت جنگ و ارتش شاهنشاهی ایران به منظور بالا بردن قدرت عمل ارتش شاهنشاهی ایران است.

ماده ۲ - این قرارداد از تاریخ انقضاء قرارداد اولیه به موقع اجرا گذارده خواهد شد، و تا تاریخ انقضاء آن به طوری که در ماده ۳ مقرر گردیده به قوت خود باقی است.

ماده ۳ - این قرارداد ممکن است به یکی از طرق ذیل پایان یابد:

الف: به وسیله هر یک از دولتین با اعلام کتبی سه ماهه قبلی به دولت دیگر.

ب: به وسیله هر یک از دولتین در صورتی که آن دولت دچار مخاصمات داخلی و یا خارجی گردد و بدون احتیاج رعایت مقررات بند «الف» این ماده.

ج: به وسیله ابلاغ رسمی از طرف هر یک از دولتین به دولت دیگر در صورتی که مصالح عمومی آن دولت چنین امری را ایجاب نماید بدون - رعایت تشریفات بند «الف» این ماده.

ماده ۴ - هیئت مرکب خواهد بود از تعدادی افسر و درجه‌دار متخصص از ارتش ایالات متحده آمریکا اعم از نیروی زمینی - هوایی و دریایی که از حیث عده و انتخاب آنها مورد موافقت وزارت جنگ ایران و وزارت دفاع - ایالات متحده آمریکا قرار گیرد و به هر تقدیر تعداد افسران زائد بر سی (۳۰) نفر نخواهد بود.

ماده ۵ - اعضای هیئت در اداره مستشاری که یکی از ادارات تابعه وزارت جنگ است، مشغول خدمت خواهند شد.

سازمان اداره مستشاری با موافقت رئیس هیئت و تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران تعیین خواهد شد. انتصاب اعضاء هیئت در محلهای سازمانی مربوطه در فرمان عمومی ارتشی درج خواهد شد.

ماده ۶ - افسر ارشد هیئت به ریاست هیئت منصوب خواهد گردید، سایر اعضاء هیئت به وسیله رئیس هیئت به وظایفی گمارده خواهند شد که در جدول سازمانی ذکر گردیده و به تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران رسیده باشد، یا وظایف دیگری که ممکن است درباره آن بین وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران و رئیس هیئت توافق گردد.

ماده ۷ - وظایف هیئت عبارت خواهد بود از اظهارنظر درباره طرحها و مسائل مربوط به سازمان

۱- این سند متن پیش نویس قرارداد بوده، که به وسیله وزارت جنگ ایران تهیه شده است. ولی بعد از مذاکرات، با تغییراتی به امضاء دو دولت ایران و آمریکا می‌رسد و متن اصلی قرارداد در سند شماره ۳ آمده است. م

و اصول اداری و روشهای آموزشی در مواردی که وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران مشورت در این قبیل امور را ضروری تشخیص دهند و تقدیم پیشنهادات مربوط به امور فوق الذکر. این وظایف متضمن اصول کار ستاد بزرگ ارتشتاران و ادارات وزارت جنگ در تهران و تشکیلات خارج از مرکز آن خواهد بود به استثنای طرح‌های تاکتیکی و سوق‌الجیشی یا عملیات نظامی علیه یک دشمن خارجی که به وظایف هیئت ارتباطی ندارد.

ماده ۸ - اعضای هیئت، فرماندهی یا تصدی امور ستادی در ارتش شاهنشاهی ایران نخواهند داشت لیکن می‌توانند تحقیقات و بازرسیهای رسمی را به دستور رئیس هیئت با تصویب وزیر جنگ دولت شاهنشاهی ایران انجام دهند.

ماده ۹ - هر یک از اعضای هیئت با درجه‌ای که در نیروهای متحده آمریکا دارا می‌باشد در ایران خدمت خواهد کرد و در صورت تساوی درجه و مقام حق تقدم با افسران آمریکایی است و از کلیه امتیازاتی که ارتش ایران برای افسرانی که در همان درجه و مقام هستند، که در همان درجه و مقام هستند، مقرر داشته برخوردار خواهند بود و اعضای هیئت با لباس نظامی ارتش ایالات متحده یا نیروی هوایی و دریایی آن ملبس خواهند بود و علامت مشخصه را که نشانی خدمت در ارتش شاهنشاهی ایران باشد بر بازو نصب خواهند نمود.

ماده ۱۰ - اعضاء هیئت در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت شاهنشاهی ایران ممکن است از خدمت ارتش شاهنشاهی ایران منفصل شوند - پرداخت هزینه بازگشت عضو مزبور به ایالات متحده آمریکا به عهده دولت شاهنشاهی ایران است.

ماده ۱۱ - در موردی که برای انجام وظایف مذکور در ماده ۷ از طرف اعضاء هیئت بازدید و بازرسی قسمتی از تشکیلات نظامی ایران ضرورت پیدا کند افسران و متصدیان مربوطه در ارتش شاهنشاهی ایران بایستی این قبیل بازرسیها را تسهیل نموده و طرحها و پروندهها و گزارشها و مکاتبات را در صورت لزوم در دسترس آنها بگذارند، اعضاء هیئت در امور سری دخالت نخواهند کرد مگر در مواردی که برای اجرای وظایف آنها ضروری باشد و آن هم با تصویب وزارت جنگ باید انجام گیرد.

هر یک از اعضاء هیئت ملزم می‌باشد، هیچ گونه امر سری یا محرمانه را که ممکن است در سمت خود به عنوان یک عضو هیئت از آن آگاهی یابد به یک دولت خارجی یا اشخاص دیگر ابراز یا فاش نسازد. این تعهد پس از پایان خدمت عضو و پس از انقضاء یا لغو این موافقت نامه همچنان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۲ - برای مسافرتها که به موجب این موافقت نامه برای هر یک از اعضاء هیئت و خانواده وی از بندر مبدأ در ایالات متحده آمریکا تا محل خدمت در ایران و بالعکس لازم باشد هزینه سفر از کوتاهترین راهی که معمولاً طی می‌شود به وسیله دولت شاهنشاهی ایران پرداخته می‌شود. هزینه مزبور برای افسران درجه یک و برای درجه داران درجه دو خواهد بود.

ماده ۱۳ - حقوق اعضاء هیئت از هرگونه عوارض و مالیاتهایی که فعلاً یا در آتی به چه از طرف دولت و چه از طرف تقسیمات اداری یا سیاسی تابعه دولت وضع گردد معاف و اگر در این موقع یا در طی مدت قرارداد مالیات جدیدی هم وضع شود که شامل حقوق این اعضاء گردد، بایستی از طرف

وزارت جنگ پرداخت گردد، به قسمی که میزان حقوق معینه برای هر عضوی بدون کم و کسر عاید او شود.

ماده ۱۴ - منظور از کلمه خانواده که در این قرارداد ذکر شده همسر و اولاد تحت تکفل می باشد.
ماده ۱۵ - دولت شاهنشاهی ایران هزینه حمل و نقل و هزینه سفر اعضاء هیئت را در امور رسمی مربوط به دولت شاهنشاهی ایران تأمین و پرداخت خواهد نمود.

ماده ۱۶ - علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه ای که از طرف دولت ایالات متحده آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت شاهنشاهی ایران در موقع لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری تأمین خواهد نمود و دولت شاهنشاهی ایران یک سوم مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت ایالات متحده آمریکا را که در اختیار هیئت خواهد بود، طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد - تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت ایالات متحده آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت جنگ آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر گشت که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و تصویب وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران با پیروی از مقررات و قوانین جاریه وسایل نقلیه هوایی آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران داشته باشد مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات دولت شاهنشاهی ایران به اولیای مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد - کلیه وسایل نقلیه دولت ایالات متحده آمریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

ماده ۱۷ - دولت شاهنشاهی ایران محل کار و وسایل مناسب و ماشین نویس و نویسنده و مترجمین غیر نظامی و گماشته به نحوی که در جدول سازمانی اداره مستشاری نشان داده شده، جهت استفاده اعضاء هیئت تهیه خواهد نمود و کمک لازم را برای تسهیل و بهبود کار هیئت به عمل خواهد آورد.

ماده ۱۸ - چنانچه یکی از اعضاء هیئت و یا عضو خانواده یکی از اعضاء در ایران وفات یابد دولت شاهنشاهی ایران جسد او را به هر نقطه ای از خاک ممالک متحده آمریکا که سایر اعضاء خانواده متوفی بخواهند انتقال خواهد داد، ولی هزینه ای که از این بابت به دولت شاهنشاهی ایران تعلق می گیرد از میزان مخارج انتقال جنازه از محل فوت تا شهر تجاوز نماید. پرداخت هزینه بازگشت خانواده عضو متوفی به آمریکا به انضمام هزینه انتقال اثاثیه و لوازم خانه و اتومبیل او بر عهده دولت شاهنشاهی ایران خواهد بود.

ماده ۱۹ - دولت شاهنشاهی ایران هزینه بستری شدن در بیمارستان و معالجه پزشکی مورد احتیاج اعضاء هیئت و خانواده های آنان را که ممکن است در ایران بیمار شوند، تأمین و پرداخت خواهد نمود. دولت شاهنشاهی ایران مسئول مخارج معالجه پزشکی که در خارج از قلمرو ایران صورت گیرد نخواهد بود.

ماده ۲۰ - هر یک از اعضاء هیئت حق استفاده از یک ماه مرخصی سالیانه یا به همان نسبت برای هر مدتی از سال را خواهد داشت. ایام مرخصی مزبور که از آن استفاده نشده باشد سال به سال برای حداکثر مدت ۶۰ روز در عرض مدتی که عضو هیئت مشغول خدمت می باشد قابل تراکم خواهد بود.

از این مرخصی ممکن است در ایران یا در ایالات متحده آمریکا یا در کشورهای دیگر استفاده شود لیکن هزینه سفر و حمل و نقلی که به نحو دیگری در این موافقت نامه پیش‌بینی نشده باشد به عهده عضو هیئت که از چنین مرخصی استفاده می‌کند، خواهد بود. کلیه مدت سفر در مرخصی جزء مرخصی محسوب خواهد شد. دولت شاهنشاهی ایران موافقت می‌نماید که مرخصی مشروح در این ماده را طبق تقاضای کتبی که از طرف رئیس هیئت تصویب شده باشد، با توجه لازم به مقتضیات دولت شاهنشاهی ایران اعطاء نماید.

ماده ۲۱ - تا مدتی که این موافقت نامه معتبر می‌باشد هرگاه دولت شاهنشاهی ایران اقدام به استخدام مأمورین خارجی برای هرگونه خدمت در ارتش شاهنشاهی به نماید از لحاظ همکاری قبل از استخدام مراتب را به استحضار مقامات مربوطه دولت کشورهای متحده آمریکا خواهد رسانید.

ماده ۲۲ - دولت شاهنشاهی ایران اشیاء و لوازمی که اعضای هیئت برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود به ایران وارد می‌نمایند از حقوق گمرکی یا عوارض دیگر معاف خواهد نمود مشروط بر این که درخواست ورود معافی با تصویب سفیر کبیر آمریکا و یا کاردار موقت آمریکا باشد و نیز اشیاء و لوازمی را که در ایران برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود خریداری و خارج می‌نمایند از کلیه حقوق گمرکی معاف خواهد شناخت.

در صورتی که دولت کشورهای متحده آمریکا وسیله نقلیه جهت ارسال مراسلات و بسته‌های پستی که از طرف اعضاء هیئت به آمریکا و یا به عنوان آنها وارد می‌شود تأمین نماید دولت شاهنشاهی ایران آن را از عوارض پستی معاف خواهد نمود و بلا معارض اجازه عبور خواهد داد. رئیس هیئت مسئول خواهد بود که از طرف اعضاء هیئت و یا خانواده آنها هیچ‌گونه کالاهای قاچاق به خارج فرستاده نشده و از خارج دریافت نگردد.

ماده ۲۳ - پرداختهایی که بابت حقوق - فوق‌العاده - هزینه سفر و هرگونه مزایای دیگری از هر قبیل در این موافقت نامه برای افسران و افراد هیئت مستشاری پیش‌بینی شده است، ممکن است مستقیماً بخود آنان یا با موافقت و اجازه آنان به هر شخص یا مقامی که معرفی کنند، به عمل آید. این سند نیز پیوست سند قبل بوده است.

سند شماره (۳)

طبقه‌بندی خیلی محرمانه

قرارداد اصلی مربوط به خدمت هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران* طبق درخواست دولت ایران و توافق دولت ایالات متحده آمریکا، یک هیئت نظامی مرکب از افسران صلاحیتدار ارتش ایالات متحده با شرایط ذیل در وزارت جنگ ایران خدمت خواهند نمود:

فصل یکم

ترکیب و مدت خدمت

ماده ۱ - این هیئت نظامی از آن دسته از پرسنل نظامی آمریکایی تشکیل خواهد شد که موافق میل

*- متن از روی نسخه موجود در بایگانی مستشاری که در سال ۱۹۴۴ برای سرلشکر ریذلی ارسال شده، تهیه شده است.

وزارت جنگ ایران و وزارت جنگ ایالات متحده آمریکا باشد. در ابتدا امر این هیئت مرکب از سرلشگر سی. اس. ریدلی، سرهنگ اف. ک. دومان، سرهنگ توماس ئی. ماهونی، سرهنگ ۲ تئودووال سوگارد، سرهنگ ۲ کلارک ا. بارکل، سرگرد آواس کنلی، سروان وی. ئی. کیدویتس و سروان آر. وای ساندس خواهد بود، که در حال حاضر در وزارت جنگ ایران مشغول انجام وظیفه می‌باشند. ارشدترین افسر هیئت، فرماندهی آن را عهده‌دار خواهد شد و دیگر اعضاء به ترتیب، سلسله مراتب فرماندهی را تشکیل خواهند داد.

ماده ۲ - هدف از این مأموریت مشورت و کمک به وزارت جنگ در اداره ارتش بر طبق وظایف مندرج در ماده ۷ می‌باشد.

ماده ۳ - کار این هیئت از تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۴۳ آغاز و در تمام مدت جنگ یا زمان وضعیت فوق‌العاده ملی اعلام شده توسط دولت ایالات متحده آمریکا ادامه خواهد یافت، مگر آنکه زودتر و بنا به شرایط مندرج ذیل اختتام آن اعلام گردد. بعد از اختتام مدت قرارداد و در صورت توافق دو جانبه دو دولت این قرارداد قابل تمدید است.

ماده ۴ - این قرارداد می‌تواند به روشهای ذیل قبل از تاریخ مورد نظر خاتمه یابد:
(الف) هر یک از دولتین می‌تواند آن را متوقف سازد، البته با ارائه اعلام کتبی آن هم یک ماه قبل از متوقف ساختن کار گروه.

(ب) در هر زمانی بنا بر ابتکار دولت آمریکا یا دولت ایران البته پس از ارسال یک یادداشت مبنی بر این که یکی از دولتین معتقد است که برای حراست از منافع عمومی و یا به خاطر درگیری یکی از دولتین در خصومت‌های داخلی، خارجی، اختتام آن را ضروری می‌داند، مشروط بر این که تمام شرایط مربوط به لغو قرارداد برآورده شود.

ماده ۵ - دولت آمریکا می‌تواند هر یک از اعضاء هیئت را به کشور فراخواند، ولی مشروط بر آنکه بر طبق ماده ۱، جانشین مناسب و صلاحیت‌دار برای وی تعیین کند. کار اعضاء هیئت زمانی خاتمه می‌یابد که یا جانشین آنها برسد و یا قبلاً در مورد نحوه این کار توسط دولتین موافقتی به عمل آمده باشد.

فصل دوم

وظایف، رتبه، و ارجحیت

ماده ۶ - وزیر جنگ ایران سرپرست هیئت را به عنوان مستشار نظامی برای سازمان قرار داده و از طریق اعطای یک فرمان سلطنتی منصوب خواهد کرد.

ماده ۷ - وظیفه اصلی مستشار نظامی و دیگر اعضاء هیئت، تحقیق و پیشنهاد طرح برای بهبود و کمک به اداره ارتش و ادارات تابعه وزارت جنگ در امور مالی، سررشته داری، مهندسی، بهداشتی، دامپزشکی، استخدامی، نظامی، قضائی و ادارات ترابری و نظارت بر اجرایی این طرحها است. وظایف مورد توافق بین وزارت جنگ ایران و مستشار نظامی به اعضاء هیئت محول خواهد شد.

ماده ۸ - پس از این که طرحهای مندرج در ماده ۷ به تصویب رسید، برای اجرای آن توسط وزارت جنگ، افسران صلاحیت‌دار ایرانی در موقعیتهای کلیدی گماشته می‌شوند. تا طرح به مرحله

اجراء درآید. در صورتی که بنا به تشخیص مستشار نظامی، ضرورت موفقیت اجرای طرح مصوبه وزارت جنگ ایران ایجاب کند، مستشار نظامی می‌تواند شخصاً یا از طریق یکی از اعضاء هیئت، مسئول اجرای طرح و یا مسئول بخشی از اداره‌ای که دخیل در اجرای آن است شود و در آن صورت تمام پرسنل اداره مربوطه باید از فرامین مستشار نظامی و یا عضو هیئت نظامی مسئول اطاعت نمایند. ماده ۹ - برای اجرای وظایف مذکور از ماده ۷، مستشار نظامی باید به تمام سوابق مورد نیاز، مکاتبات و طرحهای مربوط به اداره ارتش دسترسی داشته باشد، و نیز باید از قدرت تحقیق در اموری که او را در اجرای آن وظایف یاری می‌دهند برخوردار بوده و به همین دلیل باید از طریق وزارت جنگ اختیاراتی به وی تفویض شود، تا بتواند اعضاء ارتش را احضار کرده و در رابطه با تحقیقات مورد نظر دستوراتی به آنها بدهد.

ماده ۱۰ - مستشار نظامی و دیگر اعضاء هیئت بنا به دستور دریافتی، مجاز به بررسی و یا بازرسی هر بخش از نهاد نظامی از نظر مالی و اداری می‌باشند و تمام افسران فرمانده باید راه را برای انجام این گونه بازرسیها هموار نمایند.

ماده ۱۱ - مستشار نظامی باید در مسائل مربوط به وظایف مندرج در ماده ۷ اختیاراتی داشته باشد، تا بتواند با در نظر گرفتن قوانین مصوب در ارتش، پیشنهادات خود را در زمینه ترفیع درجه، تنزل درجه، انتقال و نیز اخراج یک افسر به وزارت جنگ شاهنشاهی ایران تقدیم نماید.

ماده ۱۲ - عضو هیئت نظامی بر طبق درجه نظامی آمریکایی خود در هیئت انجام وظیفه می‌کند، ولی ارشد بر تمام افسران ایرانی هم درجه‌اش محسوب می‌گردد، اعضاء هیئت باید یونیفورم نظامی ارتش آمریکا را بتن کنند ولی لباس آنها، باید مزین به نشانی باشد که نمایانگر خدمت آنها در ارتش ایران می‌باشد.

ماده ۱۳ - دولت ایران موافقت کرده است که در زمان اجراء این قرارداد افسران یا پرسنل نظامی دیگر کشورها را برای کار در وزارت جنگ و ارتش ایران استخدام نماید.

ماده ۱۴ - هر یک از اعضاء هیئت باید از افشاء مسائل سری و محرمانه مربوط به عملکرد خود به عنوان عضو هیئت به دول خارجی ممانعت به عمل آورد. این امر باید حتی پس از خاتمه خدمت فرد در هیئت و نیز حتی پس از اختتام و یا لغو قرارداد رعایت شود.

فصل سوم

پرداخت حقوق و مزایا

ماده ۱۵ - هر یک از اعضاء هیئت طبق توافق دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران مخارج مورد نیاز سالانه خود را به ارز آمریکایی از دولت ایران دریافت خواهند کرد.

این مخارج باید به نسبت دوازده قسط مساوی ماهانه قابل پرداخت در آخرین روز ماه تقسیم و پرداخت گردد. در صورت تمایل عضو هیئت بخشی از این هزینه به صورت دلار و در یکی از بانکهای معروف آمریکایی در حساب وی سپرده شده و بقیه به صورت ریال در ایران به وی نقداً پرداخت می‌گردد. این پرداختها نباید شامل مالیاتهای وضع شده توسط دولت ایران و یا ادارات سیاسی و یا اداری تابعه آن گردد. و در صورت تعلق گرفتن مالیات، وزارت جنگ ایران باید آن را جبران کند تا به

شرایط قرارداد مورد توافق عمل شده باشد.

ماده ۱۶ - آغاز پرداخت هزینه نقدی مندرج در ماده قبل از تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۴۳ برای هر یک از اعضاء هیئت خواهد بود، مگر آنکه مفاد قرارداد با آن مغایرت داشته باشد. و پس از اختتام وظایف هیئت یا اختتام قرارداد کل هیئت طبق ماده ۴ این قرارداد دربرگیرنده هزینه سفر به آمریکا و نیز هزینه گذراندن مدت تعطیلات و مرخصی نیز می‌باشد.

ماده ۱۷ - هزینه سفر یا مرخصی‌های استفاده شده باید قبل از خروج از ایران به اعضاء هیئت پرداخت گردد و احتساب هزینه سفر باید با در نظر گرفتن کوتاهترین راه ممکن برای رسیدن به آمریکا انجام شود و راه یا روش سفر عضو هیئت، حائز اهمیت نمی‌باشد.

ماده ۱۸ - در طول جنگی که آمریکا نیز در آن درگیر است، هزینه سفر هر یک از اعضاء از آمریکا به ایران توسط دولت آمریکا پرداخت خواهد شد. اگر مدت قرارداد پس از پایان جنگی که آمریکا در آن درگیر است تمدید شود، در صورتی که جانشین هر یک از اعضاء بر طبق ماده ۵ این قرارداد اعزام شود، پرداخت هزینه این سفر به عهده دولت ایران است و هزینه سفر کوتاهترین و سریعترین وسیله و راه سفر بین محل خروج از آمریکا و محل اقامت در ایران و بالعکس را شامل می‌گردد.

ماده ۱۹ - در طول مدت اجراء این قرارداد طبق خواسته هر یک از اعضاء هیئت، خانواده آنها باید با هزینه و توسط دولت ایران از آمریکا به بهترین وجه به ایران و محل اقامت عضو آورده شوند و هزینه سفر آنها به ایران و بالعکس به عهده دولت ایران است. پرداخت هزینه سفر خانواده‌ها در صورتی که فردی به طور موقت برای انجام وظیفه به هیئت بپیوندد، آن هم بنا به درخواست وزارت جنگ ایران، شامل این قرارداد نمی‌شود، ولی مذاکرات بین وزارت جنگ آمریکا و نماینده معتبر وزارت جنگ ایران در واشنگتن جزئیات مربوط به این انجام وظیفه موقتی را مشخص می‌نماید. در تمام این قرارداد منظور از خانواده: «همسر و فرزندان تحت تکفل پدر و مادر» است.

ماده ۲۰ - پرداخت هزینه سفر و حمل و نقلهایی که برای انجام امور رسمی در ایران صورت می‌گیرد، مطابق مقررات مسافرتی ارتش ایران به عهده دولت ایران است.

ماده ۲۱ - دولت ایران باید یک اتومبیل مناسب و راننده در اختیار رئیس هیئت قرار دهد، تا بتواند به کارهای اداری رسیدگی کند. برای دیگر اعضاء هیئت نیز دولت باید اتومبیل و راننده‌هایی تهیه کند تا بتوانند امور اداری را انجام دهند.

ماده ۲۲ - دولت ایران باید دفتر کار و تجهیزات مورد نیاز که محدود نبوده و شامل تجهیزات دفتری، منشی و مترجم باشد در اختیار اعضاء هیئت قرار دهد و آنها نیز باید بتوانند برای انجام امور اداری آزادانه از خدمات پستی ایران استفاده کنند.

ماده ۲۳ - در صورت فوت هر یک از اعضاء هیئت در ایران، ۱۵ روز پس از درگذشت وی خدماتش مختومه انگاشته خواهد شد. اگر یکی از اعضاء هیئت و یا یکی از اعضاء خانواده‌شان در ایران پس از تمدید این قرارداد بر طبق ماده ۳، فوت کند، دولت ایران باید متوفی را بنا به درخواست اعضاء خانواده‌اش به نقطه مورد نظر آنها در آمریکا منتقل سازد، لیکن فقط هزینه حمل و نقل جسد از محل فوت تا شهر نیویورک به عهده دولت ایران خواهد بود. هزینه سفر اعضاء خانواده متوفی در مراجعت به آمریکا طبق مفاد ماده ۲۱ تأمین خواهد شد. تمام حقوق و مزایای مربوط به فرد متوفی از

جمله حقوق مربوط به ۱۵ روز پس از مرگش باید به بیوه وی و یا فرد مورد توصیه کتبی متوفی تحویل داده شود؛ لیکن مزایای مربوط به مرخصی‌های استفاده نشده متوفی به آنان پرداخت نخواهد شد. تمام حقوق و مزایای مربوط به بیوه و یا وکیل متوفی باید ظرف ۱۵ روز پس از درگذشت فرد مورد نظر پرداخت گردد.

ماده ۲۴ - هر یک از اعضاء هیئت حق استفاده از یک ماه مرخصی سالانه با حقوق و یا استفاده از آن به صورت تعطیلات در سال را دارد. مدت مربوط به مرخصی‌های استفاده نشده در مدتی که هر کارمند عضو هیئت است، جمع خواهد شد. محل گذراندن مرخصی می‌تواند ایران، آمریکا و یا کشورهای دیگر باشد، ولی هزینه آن باید توسط عضو هیئت پرداخت گردد. تمام زمان مسافرت‌هایی که به منظور گذراندن تعطیلات صرف می‌شود جزو مرخصی محسوب می‌گردد. به محض دریافت تقاضانامه کتبی مورد تأیید رئیس هیئت نظامی توسط دولت ایران این دولت موظف به دادن مرخصی به عضو متقاضی می‌باشد.

ماده ۲۵ - اگر یکی از اعضاء هیئت بیمار یا مجروح گردید، در بیمارستان مورد نظر رئیس هیئت بستری خواهد شد، و تمام هزینه‌های بیماری یا جراحی تا زمانی که فرد مورد نظر عضو هیئت نظامی و در ایران باشد باید توسط دولت ایران پرداخت گردد. در صورتی که فرد بستری شده یک افسر مأمور به خدمت باشد باید خود، هزینه ارزاق خود را تأمین نماید. خانواده‌ها نیز از امتیازات این ماده در رابطه با اعضاء هیئت برخوردار می‌گردند، ولی هزینه مربوط به تأمین ضروریات زندگی آنها در حین بستری شدن باید توسط عضو هیئت پرداخت گردد.*

سند شماره (۴)

تاریخ: ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ - ۵ آذر ۱۳۲۲

قرارداد میان دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا

بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحده آمریکا و با استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری مصوب ۱۳۲۲/۷/۲۸ رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا اجازه داده است که هیئتی از افسران و درجه‌داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا که تعداد افسران آن از هشت نفر تجاوز نخواهد نمود، به منظور اصلاح امور ژاندارمری بر طبق مواد ذیل منصوب شوند.

فصل اول

مقصود و مدت

ماده اول - مقصود از این هیئت رایزنی و کمک به وزارت کشور ایران است برای تجدید سازمان ژاندارمری شاهنشاهی ایران.

ماده دوم - شروع خدمت این هیئت از تاریخ دوم اکتبر ۱۹۴۲ و حداقل مدت مأموریت این هیئت

*- تاریخ انعقاد این قرارداد ۳ نوامبر ۱۹۴۳ (۱۲ آبان ۱۳۲۲) می‌باشد و هیچ‌گاه به صورت علنی، در اختیار عموم قرار نگرفت. ولی سرانجام در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهرماه ۱۳۲۶) مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت - م.

دو سال است و پس از آن برای هر مدتی که بتراضی طرفین ذی‌نفع توافق حاصل شود قابل تمدید می‌باشد، مگر آنکه چنانچه در مواد پایین مقرر است قبلاً خاتمه پذیرد و همچنین مشروط بر این که اجازه‌ای که به رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا برای مأموریت این افسران داده شده است در آن مدت به اعتبار خود باقی باشد هر یک از کارمندان هیئت در هر زمان که دولت کشورهای متحد آمریکا تقاضا نماید، ممکن است احضار شوند به شرط این که دیگری که واجد شرایط متساوی باشد قبلاً به جای او انتخاب گردد.

ماده سوم - این قرارداد پیش از پایان یافتن مدت معین در ماده دوم به ترتیب ذیل قابل فسخ است.
الف - به وسیله هر یک از دولتین به شرط این که سه ماه پیش کتباً به دولت دیگر اخطار شود.
ب - به وسیله فراخواندن همه کارکنان هیئت از طرف دولت کشورهای متحده آمریکا به اقتضای مصالح عمومی کشورهای متحد آمریکا.
ماده چهارم - هر زمان هر یک از دولتین دچار مخاصمات خارجی شود این قرارداد به میل هر یک از دولتین ایران و آمریکا قابل فسخ است، در صورت فسخ کلیه مقرراتی که در مواد بعد راجع به فسخ پیش‌بینی شده است، اجراء خواهد گردید.

فصل دوم

تشکیل هیئت و کارکنان آن

ماده پنجم - این هیئت در همه اوقات مرکب خواهد بود از کارکنان ارتش کشورهای متحد آمریکا با موافقت نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن و وزارت جنگ کشورهای متحد آمریکا.

فصل سوم

وظایف و درجات و تقدم و تأخر

ماده ششم - کارکنان هیئت وظایفی را انجام خواهند داد، که از طرف رئیس هیئت پیشنهاد و به تصویب وزیر کشور ایران برسد.

ماده هفتم - کارمندان مزبور به وسیله رئیس هیئت منحصرأ مسئول وزیر کشور ایران خواهند بود.
ماده هشتم - هر یک از کارمندان هیئت با درجه‌ای که در ارتش کشورهای متحد آمریکا حائز است یا کفالت هر درجه بالاتری که دولت ایران اعطاء نماید در هیئت مزبور خدمت خواهد نمود.
کارمندان هیئت لباس ارتش آمریکا یا لباس ژاندارمری شاهنشاهی ایران را که حق پوشیدن آن را خواهند داشت به تشخیص و اختیار رئیس هیئت در بر خواهند کرد، لیکن بر همه افسران ایرانی ژاندارمری از همان درجه مقدم خواهند بود.

ماده نهم - هر یک از کارمندان هیئت از کلیه منافع و مزایایی که مقررات ارتش ایران و ژاندارمری ایران برای افسران هم درجه ژاندارمری شاهنشاهی ایران منظور می‌دارد، بهره‌مند خواهد شد.

ماده دهم - کارکنان هیئت مشمول مقررات انتظامی ژاندارمری ایران خواهند بود به استثنای مواردی که مقررات مزبور مخالف مقررات ارتش کشورهای متحد آمریکا باشد.

فصل چهارم

حقوق و عوائد

ماده یازدهم - کارمندان هیئت حقوق خالص سالانه‌ای به پول رایج کشورهای متحد آمریکا و به میزانی که میان دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا برای هر کارمند توافق حاصل شود دریافت خواهند نمود. این حقوق در دوازده قسط متساوی ماهانه پرداخت خواهد شد. موعد هر قسط در روز آخر ماه و در آن روز پرداخته خواهد شد. این حقوق پس از کسر هرگونه مالیات که در حال حاضر یا از این تاریخ به بعد از طرف دولت ایران یا هر یک از دوایر اداری و بلدی آن وضع شود، خالص خواهد بود. لیکن هرگاه در حال حاضر یا در مدت اجرای این قرارداد مالیاتهایی به وجود آید که تأثیری در این حقوق داشته باشد، این گونه مالیاتها را وزارت کشور ایران خواهد پرداخت تا طبق مقررات این ماده حقوقی که نسبت به آن موافقت شده است، خالص باشد.

ماده دوازدهم - حقوقی که طبق ماده پیش نسبت به آن موافقت شده است شروع پرداخت آن از تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۲۱ (دوم اکتبر ۱۹۴۲) یا از تاریخ عزیمت هر کارمند هیئت خواهد بود در صورتی که تاریخ عزیمت بعد از دوم اکتبر ۱۹۴۲ باشد و به استثنای مواردی که مصرحاً در این قرارداد پیش‌بینی شده پس از خاتمه خدمت هر کارمند در هیئت پیش از حرکت به کشورهای متحد آمریکا برای هر مدت مرخصی متراکم که حق داشته باشد، پرداخته خواهد شد.

ماده سیزدهم - حقوقی که برای مدت مرخصی متراکم به هر کارمندی که خدمتش خاتمه می‌یابد پیش از حرکت از ایران به او تأدیه می‌شود.

ماده چهاردهم - برای هر کارمند هیئت و خانواده‌اش به استثنای مواردی که کارمندی به موجب مقررات ماده دوم این قرارداد تبدیل می‌شود، وسایل مسافرت درجه اول از اقصر طرق معمولی برای مسافرتهایی که طبق این قرارداد لازم است و انجام می‌شود، بین بندر حرکت در آمریکا و اقامتگاه رسمی او در ایران ایاب و ذهاب از طرف دولت ایران تهیه خواهد شد. و نیز دولت ایران همه هزینه حمل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل از اقامتگاه رسمی آنها در ایران تا بندر ورود آمریکا خواهد پرداخت. حمل و نقل اثاثیه خانه و اسباب سفر و اتومبیل یکجا صورت خواهد گرفت و هر مقداری که بعداً حمل شود به هزینه کارمندان مربوط هیئت خواهد بود، مگر آنکه طور دیگر در این قرارداد پیش‌بینی شده باشد و یا این که این محمولات جداگانه در نتیجه اوضاع و احوالی که از اختیار آنها خارج است ایجاب شود. پرداخت هزینه حمل و نقل خانواده‌ها و اثاثیه خانه و اتومبیل کارکنانی که برای خدمات موقت به تقاضای وزیر کشور ایران به هیئت مزبور ملحق شوند، طبق این قرارداد لازم نخواهد بود. لیکن هزینه مذکور به وسیله مذاکرات بین وزارت جنگ کشورهای متحد آمریکا و نماینده مجاز دولت ایران در واشنگتن هنگامی که درباره اعزام کارکنان موقت موافقت حاصل شود، تعیین خواهد شد.

ماده پانزدهم - دولت ایران به درخواست رئیس هیئت در مورد اشیایی که کارمندان هیئت برای مصرف شخصی خود و برای مصرف اعضاء خانواده خود وارد می‌نمایند معافیت از حقوق گمرکی و سایر عوارض و مالیاتها اعطاء خواهد نمود.

ماده شانزدهم - مصارف حمل و نقل و هزینه سفر در ایران برای کارهای رسمی دولت ایران طبق

مقررات ماده نهم از طرف دولت ایران تأمین خواهد شد.

ماده هفدهم - دولت ایران به رئیس هیئت اتومبیل مناسبی با شوفر برای کارهای رسمی خواهد داد. وسیله حمل و نقل موتوری مناسب با شوفر حاضر خدمت برای استفاده اعضاء هیئت در اجراء کارهای رسمی هیئت از طرف دولت ایران در اختیار هیئت گذاشته خواهد شد.

ماده هیجدهم - دولت ایران محل مناسبی برای اداره و تسهیلات برای استفاده کارمندان هیئت تدارک خواهد نمود.

ماده نوزدهم - به استناد پاراگراف آخر جزء ج از قانون ۲۸ مهرماه ۱۳۲۲ هرگاه یکی از کارمندان هیئت یا هر عضوی از اعضاء خانواده‌اش در ایران فوت نماید، دولت ایران ترتیبی خواهد داد، که جنازه او به هر نقطه‌ای در آمریکا که بازماندگان متوفی تعیین نمایند انتقال داده شود. لیکن هزینه این کار برای دولت ایران از مخارج حمل جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک تجاوز نخواهد نمود. هرگاه متوفی یکی از کارمندان هیئت باشد خدمت او در هیئت مزبور این طور منظور خواهد شد که پانزده روز بعد از فوت او خاتمه یافته است. هزینه حمل و نقل برای بازگشت خانواده کارمند متوفی و حمل و نقل اسباب سفر و اثاثیه خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۴ داده خواهد شد. کلیه وجوهی که دولت مدیون کارمند متوفی می‌باشد از جمله حقوق ۱۵ روز بعد از فوت او و پرداخت مخارج حمل و نقل که عضو متوفی برای مسافرت‌های رسمی در ایران طلب دارد به عیال کارمند متوفی یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی هنگامی که به موجب این قرارداد انجام خدمت می‌نموده کتباً معین شده باشد، پرداخته خواهد شد. لیکن حقوق و مرخصی متراکم که حق متوفی بوده و مورد استفاده او واقع نشده باشد، به عیال وی یا دیگری پرداخته نخواهد شد. کلیه وجوهی که به عیال متوفی تعلق خواهد گرفت یا هر شخص دیگری که از طرف متوفی معین شده باشد طبق مقررات این ماده در ظرف پانزده روز از درگذشت کارمند مزبور پرداخته خواهد شد.

فصل پنجم

لوازم و شرایط

ماده بیستم - وزیر کشور ایران رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور عهده‌دار امور ژاندارمری به ریاست کل تشکیلات ژاندارمری دولت شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود و رئیس هیئت بر همه افسران ژاندارمری شاهنشاهی ایران تقدم خواهد داشت، مشارالیه مستقیماً عهده‌دار کلیه اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت طبق مقررات انتصاب یا ترفیع یا تنزل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به وزیر کشور پیشنهاد و با تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت. و نیز حق خواهد داشت هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین نماید.

ماده بیست و یکم - دولت ایران موافقت می‌نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتشهای خارجی دیگر یا کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری شاهنشاهی ایران یا شعب آن که کارمندان هیئت نظامی کشورهای متحد آمریکا در آن خدمت می‌نمایند، استخدام ننماید.

ماده بیست و دوم - هر یک از کارمندان هیئت تعهد خواهد نمود هیچ یک از اسرار و مسائل محرمانه‌ای که به سمت عضویت هیئت از آنها ممکن است مطلع گردد به هیچ دولت بیگانه یا هیچ کس مطلقاً افشاء و ابراز ننماید این شرط بعد از خاتمه خدمت هریک از کارمندان در هیئت مزبور پس از پایان یافتن یا فسخ این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

ماده بیست و سوم - لفظ خانواده در همه جای این قرارداد اطلاق می‌شود به زن و فرزندان که تحت کفالت هر کارمند می‌باشند.

ماده بیست و چهارم - هر کارمند هیئت مستحق یک ماه مرخصی با حقوق در سال یا جزئی از آن با حقوق متناسب با آن قسمت جزء سال می‌باشد. قسمتهایی که از مرخصی مزبور که مورد استفاده واقع نشود سال به سال در مدتی که هر کارمند به عضویت هیئت خدمت می‌نماید، متراکم خواهد شد.

ماده بیست و پنجم - مرخصی که در ماده پیش تصریح شده است ممکن است در ایران یا در کشورهای متحد آمریکا یا در کشورهای دیگر گذرانید، لیکن هزینه مسافرت و حمل و نقل که در جای دیگر این قرارداد پیش‌بینی نشده باشد بر عهده کارمند هیئت که به مرخصی می‌رود خواهد بود، همه اوقاتی که در مسافرت به سر می‌برد مرخصی حساب می‌شود و اضافه بر مدتی که به عنوان مرخصی اجازه داده شده است، نخواهد بود.

ماده بیست و ششم - دولت ایران موافقت می‌نماید مرخصی مصرح در ماده بیست و چهارم را به وصول درخواست کتبی که به تصویب رئیس هیئت رسیده باشد، با توجه لازم به مصالح دولت ایران اعطا نماید.

ماده بیست و هفتم - کارمندان هیئت که تغییر و تبدیل می‌یابند به خدمت خود در هیئت فقط موقعی خاتمه خواهند داد که جانشین آنها وارد شود، مگر آنکه به نحو دیگری قبلاً بین دولتین توافق حاصل شود.

ماده بیست و هشتم - دولت ایران ترتیب مناسب طبی برای کارمندان هیئت و خانواده‌هایشان خواهد داد. هرگاه یکی از کارمندان هیئت مریض شود یا صدمه بیند کارمند مزبور به تشخیص رئیس هیئت با موافقت وزیر کشور ایران به بیمارستانی که رئیس هیئت مناسب بداند فرستاده خواهد شد، و کلیه مخارجی که در نتیجه ناخوشی یا صدمه پیش آید تا زمانی که بیمار کارمند هیئت است و در ایران می‌ماند از طرف دولت ایران پرداخته خواهد شد. هرگاه کارمندی که به بیمارستان فرستاده می‌شود افسری باشد که دارای فرمان است، هزینه اعاشه (غذا) را خود افسر خواهد پرداخت. خانواده‌ها از همین مزایایی که در این ماده برای کارمندان هیئت مورد موافقت است بهره‌مند خواهند شد؛ الا این که کارمند هیئت در کلیه موارد هزینه غذای عضو خانواده‌اش را که در بیمارستان خوابیده است خواهد پرداخت، مگر آنکه طبق ماده نهم این مسئله منظور شده باشد.

ماده بیست و نهم - هر کارمند هیئت که به علت طولانی شدن مدت ناتوانی جسمی قادر به انجام وظایف خود در هیئت نباشد، تبدیل خواهد شد.

ماده سی‌ام - نسبت به هر یک از کارمندان این هیئت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است هیئت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد، لغو نماید.

امضاءکنندگان زیر محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران.
لوی گ. دریفوس وزیر مختار دولت کشورهای متحده آمریکا در تهران - ایران که اختیارات لازم داشتند این قرارداد را در دو نسخه به زبان فارسی و انگلیسی در تهران در روز بیست و هفتم نوامبر یکهزار و نهصد و چهل و سه مطابق با پنجم آذرماه یکهزار و سیصد و بیست و دو امضاء نمودند.

سند شماره (۵)

تاریخ: ۱۶ اکتبر ۱۹۴۷ - ۱۳ مهرماه ۱۳۲۶

قرارداد بین دولت کشورهای متحد آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران.
به موجب تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحد آمریکا رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا اجازه داده است که یک عده افسر و سرباز آمریکایی به منظور تشکیل یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مصرحه زیر گماشته شوند:

عنوان اول - هدف و مدت قرارداد

ماده ۱ - هدف این هیئت این است که به منظور ترقی و بهبود وضع ارتش ایران با وزارت جنگ و افسران و مأمورین ارتش ایران همکاری کنند.

ماده ۲ - این قرارداد پس از امضای نمایندگان معتبر دولت کشورهای متحد آمریکا و دولت ایران رسمیت یافته و تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) به قوه خود باقی خواهد ماند، مگر این که طبق مواد بعدی این قرارداد زودتر به آن خاتمه داده شده و یا تمدید گردد.

ماده ۳ - چنانچه دولت ایران مایل باشد مدت خدمت هیئت را بیش از موعد قید شده تمدید کند، پیشنهاد خود را کتباً قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) تسلیم خواهد نمود. دولت آمریکا موافقت می کند که درباره چنین پیشنهادی تا قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام نماید.

ماده ۴ - این قرارداد ممکن است به طریق زیر قبل از ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) ملغی شود:

الف - با اخطار قبلی سه ماهه هر یک از دولتین کتباً به دولت دیگر.

ب - با اخطار کتبی هر یک از دولتین به دولت دیگر.

در هر موقع در صورتی که آن دولت این امر را به سبب بروز اغتشاشات داخلی یا مخاصمات خارجی لازم شمارد.

ج - دولت کشورهای متحد آمریکا حق دارد در صورتی که مدت قانون فعلی که به موجب آن این قرارداد منعقد شده است منقضی شود و کنگره آمریکا به موجب قانون دیگری اجازه ادامه خدمت هیئت را ندهد، با دادن اطلاع کتبی در هر موقع این قرارداد را لغو نماید.

د - دولت آمریکا حق دارد هر موقعی که منافع ملی آمریکا اقتضا کند کلیه کارمندان هیئت را احضار نماید، بدون این که لازم باشد قسمت الف این ماده را مراعات کند.

ه - در صورت انقضاء یا الغای این قرارداد در مورد تعهداتی که دولت شاهنشاهی ایران بر طبق

مصرحات عنوان چهارم قرارداد حاضر در قبال اعضای هیئت و خانواده آنها نموده است، تأثیری نداشته و در آن تغییر و تعدیلی نخواهد داد.

عنوان دوم - ترکیب و اعضاء هیئت

ماده ۵ - از ابتدا هیئت مرکب خواهد بود از عده‌ای از افسران و نقرات ارتش آمریکا که با موافقت وزیر جنگ ایران توسط نماینده مجاز ایشان در واشنگتن و وزارت جنگ آمریکا تعیین شده باشند. اشخاصی به این کار گماشته خواهند شد که وزیر جنگ دولت شاهنشاهی و یا نماینده مجاز ایشان و وزارت جنگ آمریکا یا نماینده مجاز آن با انتصاب آنها موافقت داشته باشند.

عنوان سوم - وظایف درجات و ارشدیت

ماده ۶ - اعضای این هیئت در یکی از ادارات وزارت جنگ دولت شاهنشاهی به اسم اداره مستشاری منصوب خواهند شد. اداره مستشاری تحت یک جدول سازمانی که با موافقت رئیس هیئت و تصویب وزیر جنگ ایران تهیه شده تشکیل خواهد شد. اعضاء هیئت به مشاغلی که توسط این جدول سازمانی تعیین می‌شود گماشته خواهند شد و انتصاب آنها در فرمانهای عمومی ارتشی درج خواهد گردید.

ماده ۷ - افسر ارشد هیئت به سمت ریاست هیئت منصوب خواهد گشت. سایر اعضای هیئت توسط رئیس هیئت به مشاغلی که در جدول سازمانی تعیین و وزیر جنگ ایران تصویب خواهد کرد و یا به وظایفی که وزیر جنگ ایران و رئیس هیئت درباره آن موافقت کنند، گماشته خواهند شد.

ماده ۸ - وظائف هیئت عبارت خواهد بود از راهنمایی و مساعدت به وزارت جنگ و ادارات مختلف و ارکان تابع ستاد ارتش در مورد نقشه‌ها و مسائل مربوطه به سازمان و اصول اداری و اسلوب تعلیمات، این وظایف شامل اصول کار ستاد ارتش و کلیه ادارات وزارت جنگ و شعب خارج از مرکز آنها خواهد بود، به استثناء نقشه‌های تاکتیکی و استراتژیکی یا عملیات بر علیه دشمن خارجی که با وظایف هیئت ارتباطی ندارد.

ماده ۹ - اعضای این هیئت در ارتش ایران هیچ گونه سمت فرماندهی یا ستادی نخواهند داشت معهداً آنها می‌توانند چنانچه ضرورت ایجاب نماید با تصویب مقام وزارت و دستور رئیس هیئت اقدام به پاره‌ای بازرسیها و تحقیقات رسمی بنمایند.

ماده ۱۰ - هر یک از اعضای هیئت با همان درجه‌ای که در ارتش آمریکا دارد خدمت خواهد کرد، ولی بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهد داشت. هر یک از اعضای هیئت از تمام امتیازات و مزایایی که بنا بر مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران هم درجه او تعیین شده است برخوردار می‌گردد. اعضای هیئت لباس متحدالشکل ارتش آمریکا را بر تن خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در منتهالیه آستین نزدیک شانه نصب خواهند نمود.

ماده ۱۱ - اعضای هیئت در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت ارتش ایران معاف گردند. در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت به آمریکا را خواهند داشت.

ماده ۱۲ - به طوری که در مواد ۸ و ۹ توضیح داده شده رئیس هیئت و سایر اعضا (به دستور رئیس هیئت) مجازند در اجرای وظایف عادی خود هر قسمت ارتش ایران را بازرسی کنند و افسران متصدی این قسمتها بایستی در مورد بازرسیهای مذکور تسهیلات لازم را فراهم آورند و طرحها و پروندهها و گزارشها و مکاتبات مورد نیاز را در دسترس آنها بگذارند. اعضای هیئت هیچ گونه دخالتی در امور سری نخواهند داشت، مگر این که امور مذکور با وظایف آنها بستگی ضروری داشته باشد و در این صورت منحصراً طبق دستور وزارت جنگ ایران خواهد بود. هر عضو هیئت متعهد است هیچ گونه مطالب سری یا محرمانه را که از لحاظ سمت خود در عضویت هیئت از آن آگاه می شود به هیچ دولت خارجی و یا هرکس که باشد از هیچ طریق اظهار و افشاء ننماید. این تعهد پس از خاتمه خدمت عضو یا هیئت و پس از انقضاء یا الغاء این قرارداد نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

عنوان چهارم - پاداش و مزایا

ماده ۱۳ - هر یک از اعضا هیئت سالیانه مبلغی مقطوع به عنوان پاداش با موافقت بین دولتین ایران و آمریکا به پول رایج آمریکا یا حواله دلار و یا چک دریافت خواهد نمود. این پاداش در ۱۲ قسط ماهانه متساوی هر قسط در آخرین روز هر ماه پرداخت خواهد شد. مالیاتهای جاری که از طرف دولت ایران یا تشکیلات اداری و سیاسی آن اکنون وضع شده و یا این که بعداً وضع خواهد شد شامل پاداش اعضا هیئت مزبور نخواهد گردید. معهداً چنانچه فعلاً یا تا موقعی که این پیمان معتبر باشد، مالیاتی وضع گردد که شامل این پاداش نیز بشود این قبیل مالیاتها برای این که با مفاد این ماده قابل مطابقت باشد از طرف وزارت جنگ پرداخت خواهد شد تا به این ترتیب پاداشهای مورد موافقت به طور خالص پرداخت شود.

ماده ۱۴ - پاداشهای مذکور در ماده قبل در مورد هر یک از اعضای هیئت از بدو ورود به ایران شروع خواهد شد و بجز در مواردی که صریحاً در قرارداد حاضر به نحو دیگر ذکر شده باشد تا خاتمه انتصاب او به هیئت و یا خاتمه خدمت هیئت به موجب ماده ۴ این قرارداد برای مدت مراجعت به آمریکا و بعد از آن و در مورد مرخصی متراکم به هر یک از اعضا هیئت قابل پرداخت خواهد بود.

ماده ۱۵ - پاداشهای اضافی مربوط به مدت بازگشت به آمریکا و مرخصی متراکم می بایستی قبل از حرکت هر یک از اعضا هیئت در ایران پرداخته شود و مأخذ احتساب این پاداشها قطع نظر از راه و وسیله مسافرتی که عضو هیئت به کار برد، کوتاهترین راهی خواهد بود که به بندر ورودی آمریکا منتهی و معمولاً مسافرت از آن راه انجام می گیرد.

ماده ۱۶ - در طی دوره بحران ملی که فعلاً در کشورهای متحد آمریکا حکمفرماست هزینه سفر هر یک از اعضا و هزینه حمل اثاثیه و بنه و اتومبیل او از کشورهای متحد به ایران و از ایران به کشورهای متحد توسط دولت کشورهای متحد آمریکا پرداخته خواهد شد. چنان که مدت این قرارداد از تاریخی تجاوز نماید که بحران ملی کنونی در کشورهای متحده خاتمه یابد پس از اعلام خاتمه این بحران ملی کتباً از طرف دولت کشورهای متحد به دولت ایران (به استثنای مورد عضوی که کمتر از دو سال سابقه خدمت در هیئت را دارد و بنا به مصالح دولت آمریکا با عضو دیگری مبادله می شود.) هزینه حمل و نقل هر عضو هیئت و اثاثیه منزل و بنه و اتومبیل او از طرف دولت ایران پرداخت خواهد

شد. وسایل درجه اول مسافرت برای کوتاه‌ترین راهی که معمولاً مسافرت ما بین بندر خروجی کشورهای متحد آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت می‌گیرد. هم برای مسافرت به ایران و هم در مراجعت به آمریکا تأمین خواهد شد.

ماده ۱۷ - در هر موقع در طی مدت این قرارداد هر یک از اعضاء هیئت بر حسب تمایل شخصی می‌تواند خانواده خود را با وسایل درجه اولی که دولت شاهنشاهی ایران در دسترس آنها خواهد گذاشت از طریق کوتاه‌ترین راهی که معمولاً مسافرت بین بندر خروجی کشورهای متحد آمریکا و محل اقامت رسمی عضو در ایران صورت می‌گیرد از آمریکا خواسته و یا به آمریکا مراجعت دهد.

در سراسر این قرارداد منظور از کلمه (خانواده) زوجه و اولاد تحت الکفاله می‌باشد.
ماده ۱۸ - فوق‌العاده هزینه سفر مربوط به مأموریت‌های رسمی دولت ایران به وسیله دولت ایران طبق آئین‌نامه‌های مسافرتی ارتش ایران تأمین خواهد شد.

ماده ۱۹ - علاوه بر وسایط و وسایل نقلیه‌ای که از طرف دولت آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت ایران نیز در مورد لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری در اختیار هیئت قرار خواهد داد و دولت ایران یک سوم (ثلث) مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت آمریکا را که در اختیار هیئت است، طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد. تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت جنگ آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر می‌گردد که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و با پیروی از قوانین و مقررات جاریه یک هواپیمای ارتشی آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران را داشته باشد، مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات ایران به اولیای امور مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد. کلیه وسایل نقلیه دولت آمریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

ماده ۲۰ - دولت ایران محل اداره و سایر تسهیلات کار از قبیل دفتر و اثاثیه و لوازم آن و تندنویس و منشی و مترجمین غیر نظامی و گماشته بر طبق جدول سازمان اداره مستشاری برای اعضاء هیئت تهیه خواهد کرد و کمکهای دیگر به منظور حسن اداره و سرعت جریان امور درباره ایشان مبذول خواهد داشت.

ماده ۲۱ - چنانچه یکی از اعضاء هیئت دولت و یا عضو خانواده یکی از اعضاء در ایران وفات یابد دولت ایران جسد او را به هر نقطه‌ای از خاک ممالک متحد آمریکا که سایر اعضاء خانواده متوفی بخواهند انتقال خواهد داد، ولی هزینه‌ای که از این بابت به دولت ایران تعلق می‌گیرد از میزان مخارج انتقال جنازه از محل فوت تا شهر نیویورک نباید تجاوز نماید. در صورتی که متوفی یکی از اعضاء میسیون باشد تاریخ انقضای خدمت نامبرده در میسیون ۱۵ روز بعد از فوت محسوب خواهد شد. هزینه بازگشت خانواده عضو متوفی به آمریکا به انضمام هزینه انتقال اثاثیه و لوازم خانه و اتومبیل طبق ماده ۱۷ مقرر خواهد گردید. مزایا و پاداشی که به عضو متوفی تعلق می‌گیرد به علاوه حقوق مدت ۱۵ روز پس از مرگ و مطالباتی راجع به هزینه سفر و خرج مسافرت آن عضو مربوط به خدمات اداری هنگام خدمت به دولت ایران به زوجه عضو متوفی و یا شخص دیگری که متوفی کتباً در موقعی که طبق مفاد این پیمان در هیئت کار می‌کرده تعیین نموده باشد، پرداخت خواهد شد. ولی

بابت مدت مرخصی متراکم که متوفی از آن استفاده ننموده باشد، وجهی به زوجه متوفی و یا شخص دیگر پرداخت نخواهد شد. کلیه وجوه مورد مطالبه زوجه یا سایر اشخاص که متوفی تعیین نموده باشد بر حسب مقررات این ماده در ظرف مدت پانزده روز پس از مرگ عضو پرداخت خواهد شد.

ماده ۲۲ - چنانچه عضوی از اعضای هیئت مریض شود و یا آسیبی بیند نامبرده به صوابدید رئیس هیئت پس از مشاوره با وزارت جنگ ایران در بیمارستانی که رئیس هیئت مناسب بداند بستری خواهد گردید و کلیه هزینه‌هایی که در اثر این کسالت یا آسیب ایجاد گردیده تا مدتی که بیمار عضو هیئت و در ایران می‌باشد، به وسیله دولت ایران پرداخته خواهد شد. چنانچه عضو بستری افسر باشد هزینه خوراک او به وسیله خودش پرداخته خواهد شد.

خانواده‌های اعضای هیئت نیز از مزایای مذکور در این ماده که برای اعضاء هیئت مورد موافقت واقع شده استفاده خواهند نمود، بجز این که عضو هیئت در هر مورد هزینه خوراک ایام بستری بودن خانواده خود را خواهد پرداخت.

هر عضو هیئت که بر اثر ناتوانی ممتد جسمانی قادر نباشد وظایف محوله را انجام دهد، تعویض خواهد شد.

عنوان پنجم - مقررات و شرایط

ماده ۲۳ - هر عضو هیئت سالیانه استحقاق استفاده از یک ماه مرخصی با حقوق و یا جزئی از آن را در سال به تناسب ایامی که خدمت نموده با دریافت حقوق خواهد داشت. هر قسمت از مرخصی مذکور که استفاده نشده باشد تا مدتی که عضو در هیئت مشغول خدمت است سال به سال قابل جمع می‌باشد. این مرخصی ممکن است در ایران یا در آمریکا یا کشورهای دیگر گذرانده شود ولی هزینه سفر و حمل و نقل که به وجه دیگری در این قرارداد مذکور نشده باشد به عهده عضوی که از مرخصی استفاده می‌کند می‌باشد. کلیه مدت مسافرت در استفاده از مرخصی جزو مدت مرخصی محسوب خواهد شد. دولت ایران موافقت دارد مرخصی مصرحه در این قرارداد را طبق تقاضای کتبی که به تصویب رئیس هیئت رسیده باشد با در نظر گرفتن مقتضیات دولت ایران عطا نماید.

ماده ۲۴ - تا مدتی که این قرارداد یا تمدید آن معتبر است دولت ایران هیچ گونه مأمورین هیچ دولت خارجی دیگر را برای انجام هیچ گونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود، مگر با توافق نظر مشترک ما بین دولتین کشورهای متحد آمریکا و ایران.

ماده ۲۵ - دولت ایران اشیاء و لوازمی را که اعضای هیئت برای مصرف خانواده خود به ایران وارد می‌نماید از حقوق گمرکی و یا عوارض دیگر معاف خواهد نمود، مشروط بر این که درخواست ورود معافی با تصویب سفیر کبیر آمریکا و یا کاردار موقت آمریکا باشد و نیز اشیاء و لوازمی را که در ایران برای مصرف شخصی یا مصرف خانواده خود خریداری و خارج می‌نمایند از کلیه حقوق گمرکی معاف خواهد ساخت.

در صورتی که دولت کشورهای متحد آمریکا وسیله نقلیه جهت ارسال مراسلات و بسته‌های پستی که از طرف اعضای هیئت به آمریکا و یا به عنوان آنها وارد می‌شود تأمین نماید دولت ایران آن را از عوارض پستی معاف خواهد نمود و بلامعارض اجازه عبور خواهد داد. رئیس هیئت مسئول

خواهد بود که از طرف اعضای هیئت و یا خانواده آنها هیچ گونه کالاهای قاچاق به خارج فرستاده نشده و از خارج دریافت نگردد.

برای گواهی مراتب فوق امضاء کنندگان زیر:

محمود جم وزیر جنگ دولت شاهنشاهی ایران و جرج و. الن سفیر کبیر کشورهای متحد آمریکا این قرارداد را در دو نسخه به زبانهای انگلیسی و فارسی در تهران به تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۲۶ امضاء می‌نماییم.

امضاء:

وزیر جنگ محمود جم

سفیر کبیر جرج و. الن

سند شماره (۶)

تلگرافهای دریافتی

از: مسکو (از طریق اداره وزارت)

رمز: انتشار محدود

رله از مسکو

۲۱۳ فوریه ۵، ۳ بعد از ظهر

با اشاره به تلگرام شماره ۱۴۶ در ۴ فوریه، خلاصه متن یادداشت سادچیکف به دولت ایران بر اساس مقاله منتشره در ۲ فوریه در پروادا ارسال می‌گردد:

«در ۳۱ ژانویه سادچیکف یادداشتی به دولت ایران تسلیم کرد که در آن موارد فراوانی از فریبکاری مستشاران نظامی آمریکا در نیروهای مسلح ایران، مورد اشاره قرار گرفته بود و بر این امر دلالت می‌کرد که آمریکاییان تلاش می‌کنند قلمرو خاک ایران را به یک پایگاه نظامی استراتژیک آمریکایی تبدیل کنند.

(۱) ارتش ایران تحت فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا با همان تسلیحات آمریکایی مجدداً تجهیز می‌شود که آمریکا ارتش ترکیه را نیز بدان وسیله مجهز ساخته است. تسلیحات مربوط به ایران از آمریکا روی حساب اعتباری تحویل ایران می‌شود.

(۲) در آغاز سال ۱۹۴۷ ژنرال گراو (Grow) مستشار نظامی آمریکا، طرحی برای بازسازی ارتش ایران تهیه نمود. این طرح توسط شاه مورد تأیید واقع شد و اصل و مبنای سازمان ارتش ایران قرار گرفت.

(۳) یک کمیته ویژه که مستشاران نظامی آمریکایی نیز در آن حضور دارند، تحت نظارت ستاد کل، مشغول تبدیل کلیه رمزهای اصلی ارتش ایران و انطباق آنها با مدلهای آمریکایی می‌باشد.

(۴) مستشاران آمریکایی طرحی تهیه کرده‌اند که با تجدید سازمان صنایع جنگی ایران بر اساس تکنولوژی آمریکایی، پایگاه‌های جنگی ایران را تجهیز نمایند، بدین صورت پایگاه‌های جنگی می‌توانند سلاحهای نوع آمریکایی را تهیه و تعمیر کنند.

(۵) به تقاضا و تحت فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا یک پایگاه هوایی بزرگ در نزدیکی شهر

قم مجهز به دستگاه‌های آمریکایی ساخته شد. نظر به اندازه این فرودگاه و علاقه مستشاران نظامی آمریکا در ساخت آن، مطمئناً برای استفاده نیروی هوایی ایران در نظر گرفته نشده است. در این رابطه انسان نمی‌تواند به تأسیسات عظیم ذخیره بنزینی که آمریکاییان در جنوب ایران ساخته‌اند، توجه نکند. (۶) در ماه‌های اخیر، ایران در معرض سیلی از مستشاران و دیگر نمایندگان آمریکایی بوده است؛ نمایندگان آمریکایی نه تنها در ارتش بلکه در دیگر سازمانها نیز سکنی گزیده‌اند، در مؤسسات حمل و نقل هوایی غیر نظامی مثل شرکت هوایی «ایران تور» و غیره، تقریباً تمام پستهای کلیدی توسط افسران آمریکایی اشغال شده است.

(۷) انسان همچنین نمی‌تواند این نکته را از نظر دور بدارد که، اقامت پیشین نظامیان آمریکایی در ایران و چهار سربازخانه در تهران، و انتقال آنها به هیئت نظامی آمریکا منجر به ورود تعداد زیادی افسر و سرباز آمریکایی به ایران خواهد شد.

دقت در فعالیتهای هیئت نظامی آمریکا در ایران این نتیجه را حاصل می‌کند که این فعالیتهای ممکن است، خطراتی در مرزهای شوروی به وجود آورند. از این قبیل، برای مثال می‌تواند به ساختن دژهایی در طول مرز شوروی با ایران به دستور آمریکاییها اشاره نمود؛ هیئتی مخصوص از سوی ستاد کل ارتش و با همکاری مستشاران آمریکایی، طرحهایی برای ساخت فرودگاه‌های جدید و بهبود فرودگاه‌های موجود تهیه نموده است. بیشترین توجه مصروف ساختن فرودگاه‌هایی در طول مرزهای شوروی می‌شود. سفرها و پروازهای اخیر مستشاران آمریکایی به مناطق مرزی شوروی متداول‌تر شده و منظور از آنها ظاهراً بازرسی واحدهای ارتش و پلیس ایران است، ولی در حقیقت این سفرها و پروازها از سوی مستشاران آمریکایی جهت شناسایی و عکاسی هوایی و رسیدگی نظامی به مرزهای ایران و غیره است.

ملاحظه در وقایع فوق‌الذکر حاکی است که تمامی آنها بر خلاف پیمان روابط حسن همجواری ایران - شوروی مصوب ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ است، و دولت شوروی از دولت ایران انتظار دارد که قدمهای سریعی در رفع وضعیت غیرعادی کنونی بردارد.»
سفیر ایران می‌گوید که دولت متبوع او تأیید می‌کند که موارد فوق‌الذکر با متن یادداشت شوروی تطابق اساسی دارد.

«اسمیت»

مارشال

سند شماره (۷)

بدون طبقه‌بندی
تهران - ۷ فوریه ۱۹۴۸ - ۱۸ بهمن ۱۳۲۶
عالیجناب آقای ابراهیم حکیمی، رئیس هیئت وزراء
احتراماً، نظرتان را به مذاکراتمان در دو هفته قبل در مورد مسئله همکاری بین مقامات ایرانی و هیئت آمریکایی در ژاندارمری ایران معطوف می‌دارم. اینجانب هم اکنون دستوراتی از دولت متبوع خود در این مورد دریافت کرده‌ام و خوشحالم از این که می‌توانم نقطه‌نظرات دولتتم را به شرح زیر به اطلاع شما برسانم:

در زمان تهیه پیش‌نویس، توافق موجود جهت ایجاد یک هیئت از مأمورین آمریکایی در ژاندارمری ایران در سال ۱۳۲۱، مقامات ایرانی خواستار گنج‌نابیدن (ماده ۲۰) دال بر این امر شدند که رئیس هیئت اعزامی ایالات متحده زیر نظر وزارت کشور در رأس ژاندارمری به کار گمارده شود. از طرف کابینه آن زمان آقایان علی‌اصغر حکمت و وزیر دادگستری و سیدمحمد تدین وزیر کشور برای تهیه پیش‌نویس قرارداد، مسئولیت داشتند.

دولت متبوعه اینجانب به این دلیل درخواست ایران را در این مورد پذیرفت، زیرا که خواهان انجام و برآوردن احتیاجات و خواسته‌های دولت ایران می‌باشد.

دولت من متوجه گردیده است که فرمانده جدید ژاندارمری ایران تیمسار کویال، دستوراتی دریافت کرده است مبنی بر این که به عنوان تنها فرمانده منحصر به فرد ژاندارمری عمل نماید. این مسئله، بی‌اعتنایی به مفاد مندرج در ماده ۲۰ محسوب می‌گردد. هر چند این ماده، همان طوری که در بالا گفته شد، در اصل موافقت نامه به تقاضای مستقیم آن دولت گنج‌نابیده شده و بنده به ثبات قدم مقامات ایرانی اعتقاد راسخ دارم.

حال، دولت اینجانب مایل است بداند که آیا دولت ایران قصد دارد قرارداد مورخ ۶ آذرماه ۱۳۲۲ را لغو کند. اگر چنین است، اینجانب شخصاً به آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا مأمور در وزارت کشور دستور خواهم داد که بی‌درنگ به خدمت خود خاتمه دهند.

چنانچه دولت ایران مایل باشد که دولت ایالات متحده نقش پرسنل نظامی آمریکا در دولت ایران را بر مبنای مستشاری محض قرار دهد، دولت متبوع من آمادگی برای پذیرش چنین تقاضایی را دارد. اما موافقت دولت من در این مورد، به توضیح قانع‌کننده در مورد عملکرد یک جانبه دولت ایران در لغو شرایط مندرج در ماده ۲۰ و همچنین روشن ساختن وظایف و مسئولیتهای محوله به مأمورین آمریکایی که در آینده به خدمت ژاندارمری گمارده خواهند شد، بستگی دارد.

در صورتی که دولت ایران مایل به حذف ماده ۲۰ در قرارداد موجود می‌باشد، با مبادله یادداشتهایی می‌توان آن را به انجام رساند.

مسلم است که تصمیم ایران مبنی بر تقاضای ادامه کار هیئت مزبور در چهارچوب منافع ملی ایران گرفته خواهد شد، نه این که تحت تأثیر ملاحظات بی‌ربط خارجی باشد.

دولت متبوع من از پاسخ عاجل دولت ایران که حاوی تمایلاتش در ملاحظات فوق‌الذکر باشد استقبال خواهد نمود.

با احترامات فائقه به آن مقام معظم.

(امضاء)

جرج. و. آلن

سند شماره (۸)

یادداشت سری

۲۶ آوریل ۱۹۴۸ - ۶ اردیبهشت ۱۳۲۷

موضوع: قرارداد هیئت «گراو»

در ۶ اکتبر ۱۹۴۷، سفیر کبیر «آلن» و آقای «محمود جم» وزیر جنگ وقت ایران، قرارداد تجدید

نظر شده‌ای را که در برگیرنده هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران بود، امضاء کردند. مدت قرارداد قبلی که در ۱۹۴۳ به امضاء رسیده بود منقضی نگشته بود، لکن به علت دستورات آخر «اوت» وزارت امور خارجه آمریکا، مورد مذاکره مجدد قرار گرفت. این دستورات، به تصمیمی از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۴۶ برمی‌گردد که با تحریک اتحاد جماهیر شوروی اتخاذ شده بود و به موجب آن تمام کشورهای عضو موظف می‌شوند مواردی را که در قلمرو مرزهای جغرافیایی دیگر اعضاء نیرو نگهداری می‌کنند، به سازمان ملل گزارش دهند و توافقنامه‌هایی را که شامل استقرار چنین نظامیانی می‌شود، با اصول سازمان ملل متحد هماهنگ نمایند. تلگرام وزارت امور خارجه اظهار می‌داشت که (برخلاف قرارداد ۱۹۴۳ که در برگیرنده هیئت مستشاری ژاندارمری بود) قرارداد مستشاری هرگز به صورت آشکاری منعقد نشده بود، زیرا با در نظر گرفتن اختیارات وسیعی که به هیئت اعطا شده، ممکن است مشکلاتی به بار آورد. بنابراین سفارت دستور یافته بود که قرارداد جدیدی را در اسرع وقت، جهت ارائه به جلسه سپتامبر مجمع عمومی تهیه نماید.

از آنجایی که در وزارت جنگ ما، این احساس وجود داشت که راههای زیادی برای اصلاح قرارداد حاضر وجود دارد، ژنرال «گراو» شرایط ممکن برای قرارداد جدید را با وزیر جنگ مورد مذاکره قرار داده بود. به همین خاطر مذاکره در مورد طرح جدید با مشکلات اساسی مواجه نشد. مطابق اظهارات فوق، قرارداد اصلاح شده در ششم اکتبر، ۹ توسط آقای آلن و آقای جم که از طرف نخست‌وزیر «قوام» برای این منظور تعیین شده بود، به امضاء رسید. علاوه بر این «قوام» به آقای آلن اطلاع داد که مطابق مصوبه پایه‌ای ۱۹۴۳، دولت اجازه و اختیار دارد تا قرارداد را بدون ارائه به مجلس مورد مذاکره مجدد قرار دهد.

در وقت مقرر، دلایل علاقه ما برای مذاکره و تجدید نظر در قرارداد بطور کامل برای دولت ایران توضیح داده شد. آن دولت به انتشار قرارداد جدید، رضایت داد. زیرا مشخص بود که به هنگام تسلیم قرارداد توسط وزارت امور خارجه آمریکا به دبیر کل سازمان ملل، خود به خود علنی می‌گشت. تا اواخر دسامبر هیچ خبری در مورد قرارداد پخش نشد، ولی در آن موقع خبری توسط «لیک ساکس» پخش شد که امضاء قرارداد در ۱۶ اکتبر را اعلام می‌کرد. از قرار معلوم، وزارت امور خارجه به مطبوعات اطلاعی نداده بود، بلکه آنها از طریق روند اداری کار دبیر کل سازمان ملل از آن آگاه شده بودند. خبر فوق در اینجا، به هیجانات زیادی دامن زد و در مطبوعات و مجلس سروصداهای زیادی برانگیخت که گویا دولت با قدرتهای خارجی قراردادهای پنهانی منعقد ساخته و به خاطر این که قرارداد هیئت نظامی را جهت تصویب به مجلس تسلیم نکرده از قدرت و اختیارات قانونی خود تخطی نموده است. خشم و انزجار موقعی افزایش یافت که سفارت شوروی متن کامل قرارداد را از «لیک ساکس» که از طریق مسکو دریافت کرده بود، در بولتن اخبار روزانه خود که به زبانهای روسی و فارسی منتشر می‌شود، چاپ کرد.

سفارت هر آنچه را که می‌توانست انجام داد تا دلایل مذاکره مجدد درباره قرارداد را توضیح دهد و تأکید نمود که هیچ یک از طرفین مایل به مخفی نگه داشتن موضوع نبوده‌اند. به هر صورت، در حال حاضر خساراتی پیش آمده است و به خاطر مقابله با این زمینه است که دولت شوروی پاداشتهای ۳۱ ژانویه و بعد از آن را در مورد فعالیتهای هیئت مستشاری برای دولت ایران می‌فرستد.

در اول ماه مارس ۱۹۴۸، وزارت امور خارجه به ما تلگراف زد که سفارت ایران در واشنگتن به طور غیر منتظره‌ای پیشنهاد نموده بود که برخی از عبارات قرارداد ششم اکتبر، دوباره مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. این تغییرات اساساً همان پیشنهادهای اخیر وزارت امور خارجه ایران به ما می‌باشد و شما با دستوراتی که ما در این زمینه از وزارت امور خارجه دریافت کرده‌ایم، آشنا هستید.

سند شماره (۹)

۹، ژوئن ۱۹۴۸ - ۱۹ خرداد ماه ۱۳۲۷
سفارت آمریکا - تهران - ایران
عالیجناب: موسی نوری اسفندیاری، وزیر امور خارجه ایران - تهران
احتراماً با اشاره به گفتگوهای اخیر در رابطه با هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران، به اطلاع می‌رساند که دولت متبوع اینجانب، سر تیپ «اچ. نورمان، شوارتزکف» را به وظایف مهمتری منتقل می‌سازد. طبق پیش‌بینی‌های لازم، وی در حدود ۲۰ ژوئن ایران را ترک خواهد نمود.
در رابطه با سطح تشکیلات ژاندارمری در زمان تصدی امور هیئت توسط شوارتزکف، دولت آمریکا پیشنهاد می‌کند که در صورت موافقت دولت ایران بند ۲۰ قرارداد مربوط به گروه ژاندارمری پس از عزیمت ژنرال شوارتزکف اصلاح گردد تا وظیفه فرماندهی که تاکنون توسط رئیس هیئت انجام می‌شد، حذف گردد. در نتیجه این گروه تنها به انجام وظیفه در زمینه مستشاری می‌پردازد.
امیدوارم که هر چه زودتر از نقطه نظرات دولت ایران در این مورد، مطلع گردم.
عالیجناب بهترین احترامات مرا بپذیرید.

(امضاء)

جان. سی. ویلی

بدون طبقه‌بندی

همراه با گزارش شماره ۲۶۵ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ به وزارت امور خارجه (آمریکا - م)
ارسال گردید.

سند شماره (۱۰)

«تلگرامهای سری»
سری
تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۴۸ - ۴ شهریور ماه ۱۳۲۷
شماره: ۱۰۰۳
به: وزارت
۱۰۰۳ - ۲۶ اوت، ساعت ۷ بعد از ظهر
رمز: سری
دریافت: واشنگتن دی. سی.
اینجانب و وابسته نظامی، نهار را امروز به طور خصوصی با افسر عالیرتبه ستاد صرف کردیم. او می‌گوید، «رازین» وابسته نظامی شوروی، قبل از مراجعت به روسیه توضیحاتی به او داده که با آنهایی که توسط سفیر شوروی به نخست‌وزیر گفته شده، یکسان بوده‌اند. (تلگرام سفارت به شماره ۵/۹۲۴ اوت).

مفاد سخنان رازین این است: «ما تمام صنعت خود را در سراسر شوروی به خاطر امکان عملیات

جنگی پراکنده ساخته‌ایم. این تمهیدات غیر از یک مورد در تمام ابعاد کفایت دارند. باکو را نمی‌توانیم تقسیم کنیم. تأسیسات نفتی باکو برای تمام قسمتهای شوروی ضروری است. ما چندان از ارتش ایران نمی‌ترسیم، ولی نگران حمله آمریکا به باکو از طریق ایران هستیم. بنابراین نمی‌توانیم اجازه دهیم که ارتش ایران با ارتش آمریکا در هم آمیخته شوند. لذا برنامه اعتباری تسلیحات باید ملغی شده و مستشاران نظامی آمریکا بروند. اگر در این باره اقدامی از سوی ایران با توجه به توضیحات ما صورت نگیرد، مجبور به استفاده از روشهای دیگر خواهیم بود.» من به HSO خاطر نشان ساختم که نتایج سخنان رازین شبیه به یک تهدید بود. آیا سادچیکف هم نخست‌وزیر را به همین شکل تهدید کرده است؟ HSO اظهار داشت که تهدیدات مشابهی نیز برای نخست‌وزیر مطرح شده است. HSO هیچ نشانه‌ای از اضطراب در این باره آشکار نداشت، ولی مطمئناً تلاش می‌کند تا از این مسئله برای اعمال فشار بر ما جهت دریافت مهمات تانک بیشتری در برنامه تسلیحات سود جوید. HSO تلگراف غم‌انگیزی درباره این موضوع از شاه دریافت داشته، و اظهار می‌دارد که شاه مایل است هرچه سریعتر مرا پس از مراجعتش جهت حل این موضوع ببیند. در نتیجه، HSO تبلیغات شوروی را بسیار فعال توصیف نموده است. هرچا که کمبود نان وجود دارد، شوروی‌ها با ادعای این که گندم و آرد، در مقابل هزینه برنامه تسلیحاتی به آمریکا ارسال می‌شود باعث آشوب در روستاها می‌شوند. ویلی

سند شماره (۱۱)

۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸ - ۲۰ شهریور ماه ۱۳۲۷
شماره ۳۵۲۶ یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبری کشورهای متحده آمریکا راجع به تجدید نظر در ماده ۲۰ قرارداد استخدام هیئت مستشاری آمریکایی در ژاندارمری شاهنشاهی ایران احتراماً اظهار می‌دارد، مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با اصلاح ماده به شرح زیر موافقت دارند:

«وزیر کشور رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور در امور مربوطه به ژاندارمری شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد منصوب خواهد نمود و خدمت او صرفاً جنبه مشورتی خواهد داشت، برای این که نامبرده بتواند پیشنهادهای شایسته و جامعی بنماید، فرمانده کل ژاندارمری تمام اطلاعات مربوطه به امور سازمانی و تعلیماتی ژاندارمری را در دسترس هیئت خواهد گذاشت. هیئت نامبرده ممکن است بازرسیها و تحقیقاتی را که برای دادن پیشنهادات در امور سازمان و تعلیماتی لازم باشد، به عمل آورند. هیئت پیشنهادات مزبور را به وسیله رئیس کل ژاندارمری به وزارت کشور ارسال خواهد داشت.»

وزارت امور خارجه شاهنشاهی از آن سفارت کبری خواهشمند است، موافقت مقامات مربوطه کشورهای متحده آمریکا را نسبت به ماده اصلاحی بالا به وزارت امور خارجه اعلام فرمایند.
سفارت کبری کشورهای متحده آمریکا - تهران

سند شماره (۱۲)

۱۳ سپتامبر ۱۹۴۸ - ۲۲ شهریور ۱۳۲۷
تهران - ایران
شماره ۳۴۷

وزارت امور خارجه کشور شاهنشاهی، تهران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معروض می‌دارد: بازگشت به نامه شماره ۳۵۲۶ مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸ آن وزارتخانه در مورد تجدیدنظر در ماده ۲۰ موافقتنامه بین هیئت نظامی ایالات متحده و ژاندارمری کشور شاهنشاهی ایران، به اطلاع آن وزارتخانه می‌رساند که دولت ایالات متحده با اصلاح این ماده بر طبق نامه آن وزارتخانه موافقت می‌کند به این ترتیب که:

«وزیر کشور رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور در امور مربوط به ژاندارمری شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد منصوب خواهد نمود و خدمت او صرفاً جنبه مشورتی خواهد داشت. برای این که نامبرده بتواند پیشنهادهای شایسته و جامعی به نمایند، فرمانده کل ژاندارمری تمام اطلاعات مربوط به امور سازمانی و آموزشی ژاندارمری را در دسترس هیئت خواهد گذاشت. هیئت نامبرده ممکن است بازرسیها و تحقیقاتی را که برای دادن پیشنهادهای در امور سازمانی و آموزشی لازم باشد، به عمل آورند. هیئت پیشنهادهای مزبور را به وسیله رئیس کل ژاندارمری به وزارت کشور ارسال خواهد داشت.»

براساس موافقت قبلی، ماده ۲۰ اصلاح شده از تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۴۸ (۳۰ خرداد ۱۳۲۷ - م) قابل اجراء خواهد بود.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت خارجه شاهنشاهی تجدید می‌دارد.

با شماره ۲۶۵ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ به وزارت امور خارجه (آمریکا - م) ارسال شد.

سند شماره (۱۳)

ترجمه

یادداشت شماره ۳۴۷۱
تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ - ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۷
سفارت ایالات متحده آمریکا - تهران

وزارت امور خارجه کشور شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا، مفتخر است که اعلام دارد از آنجایی که موافقتنامه استخدام هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ کشور شاهنشاهی در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) منقضی می‌گردد، براساس بند ۳ موافقتنامه مذکور، در چنین حالتی در صورتی که دولت شاهنشاهی مایل به تمدید دوره خدمت هیئت باشد، می‌بایست تمایل خود را به صورت کتبی تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) اظهار نماید. لذا اکنون همان طوری که قبلاً به آن سفارتخانه به طور شفاهی اطلاع داده شده

است، مسئولین دولت شاهنشاهی، اصولاً مایل به تمدید موافقتنامه مذکور برای مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۷) می‌باشند. البته این برخورد، یک مورد اصولی و طبیعی است و اصلاحات موردنظر در موافقتنامه، با مذاکراتی که در جریان است، با رضایت طرفین به عمل خواهد آمد.

مهر وزارت امور خارجه (ایران - م)

به صورت ضمیمه نامه شماره ۴ مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹ به وزارت امور خارجه (آمریکا - م) ارسال شد. رونوشتها، ضمیمه نامه شماره ۶۹ مورخ ۷ مارس ۱۹۴۹ به وزارت امور خارجه (آمریکا - م) ارسال شد.

سند شماره (۱۴)

تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۸ - ۳ مهر ۱۳۲۷
گزیده‌ای از مطالب یادداشت

طبقه‌بندی: سری
به: سفیر آمریکا در تهران

موضوع: قرارداد هیئت نظامی

«۱ - در تاریخ ۲۳ سپتامبر سرتیپ رزم‌آرا به من اطلاع داد که در رابطه با قرارداد، با شاه وارد گفتگویی طولانی شده است. شاه گفته بود که از طریق وزارت خارجه از دولت آمریکا خواستار ایجاد دو تغییر در قرارداد و تمدید آن خواهد شد، علت این تغییرات این است که مجلس نیز بایستی آن را تأیید کند. قرارداد کنونی همزمان با برگزاری اجلاس مجلس امضاء شد، ولی به مجلس تقدیم نگردید. ظاهراً دولت معتقد است که تمدید قرارداد باید به مجلس تقدیم گردد...»

«۲ - تنها تغییر مهم دیگر در ماده ۲۴ است، رزم‌آرا گفت او و شاه می‌دانند که ماده فعلی به نفع دولت ایران است، ولی معتقدند که مجلس با انضمام آن موافقت نخواهد کرد. آنها پیشنهاد کرده‌اند که بهترین راه، حذف ماده مذکور و آغاز مبادله یادداشت بین دولتین است تا طی آنها دولت ایران تضمین نماید که مستشاران خارجی دیگری را بدون اعلام موافقت (آمریکا - م) استخدام ننمایند...»

(امضاء)

سرلشگر آر. وی. گراو

سپهبد ارتش آمریکا

سند شماره (۱۵)

یادداشت شماره: ۵۵۵
تاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ - ۲۹ آذر ۱۳۲۷
ضمیمه شماره ۲ گزارش شماره ۴ سفارت آمریکا، تهران، ایران،
مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹

سفارت آمریکا در تهران

سفارت آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت خارجه ایران افتخار دارد که به یادداشت شماره ۳۴۷۱ مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸، در رابطه با تجدید قرارداد هیئت نظامی آمریکا در

ارتش ایران و گفتگوهای انجام شده بین نمایندگان دولت ایران و این سفارت اشاره نماید. وزارت خارجه در یادداشت مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ خود اعلام می‌دارد که دولت ایران مایل است قرارداد را از تاریخ خاتمه آن یعنی ۲۰ مارس ۱۹۴۹ به مدت یک سال دیگر تمدید نماید، اما باید در مورد بعضی از جرح و تعدیلهای ضروری گفتگوهایی به عمل آید. این گفتگوها اکنون انجام شده و طبق تضمینهای شفاهی نمایندگان دولت ایران، مشخص شده که دولت ایران تصمیم به تمدید بدون تغییر قرارداد گرفته است. همچنین گفته شده است که سفارت در همین رابطه یک یادداشت کتبی دریافت خواهد نمود.

همان طور که وزارتخانه اطلاع دارد، بند ۳ قرارداد تصریح می‌نماید که اگر دولت ایران مایل به تمدید خدمات هیئت پس از تاریخ قید شده، باشد (پس از ۲۰ مارس ۱۹۴۹)، باید قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ تمایل خود را کتباً اعلام کند، و دولت آمریکا نیز تا قبل از ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ در مورد آن اقدامات لازم را به عمل آورد. سفارت آمریکا بدین وسیله اعلام می‌دارد که دولت آمریکا با تقاضای تمدید قرارداد از طرف دولت ایران موافق است، مشروط بر آنکه در متن قرارداد تغییری پدید نیاید. سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت خارجه شاهنشاهی تجدید می‌دارد.

وزارت خارجه شاهنشاهی ایران، تهران

سند شماره (۱۶)

۲۳ دسامبر ساعت ۲ بعد از ظهر
وزارت امور خارجه (آمریکا - م)
فوری
خیلی محرمانه
شماره ۱۱۸۴
۲۴ دسامبر ۱۹۴۸ - ۳ دی ماه ۱۳۲۷

۱۱۸۴، ۲۳ دسامبر، ساعت ۲ بعد از ظهر

وزارت امور خارجه (آمریکا - م) با «ویلی» طی (تلگرام فوری شماره ۱۱۴۶ مورخ ۱۷ دسامبر) در مورد پیشنهاد پاراگراف دوم تلگرام وزارت امور خارجه (آمریکا - م) به شماره ۱۱۷۰ مورخ ۱۶ دسامبر، مذاکره کرده است. این پیشنهاد را که علت آن داستانهای ناخوشایند مطبوعاتی بود و باعث تأخیر در ثبت توافقنامه هیئت مستشاری، در سازمان ملل در دسامبر گذشته گردید، با او به بحث گذارده است.

ما با حذف اعلان مطبوعاتی موافقیم، ولی مطلع ساختن سازمان ملل به علل زیر الزامی است:
(۱) ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل، (۲) قطعنامه مجمع عمومی این سازمان مورخ دسامبر ۱۹۴۶ که خواهان اعلام علنی رضایت دولت دریافت‌کننده کارمندان نظامی بیگانه است. به علاوه توافقنامه‌های بین‌المللی ایالات متحده باید در مجموعه قوانین به صورت وسیعی انتشار یابند.
ما با مبادله ساده تقاضاهای ایران روبرو هستیم و سفارت با تمدید قرارداد هیئت مستشاری، که مطلع ساختن اداری و بدون فوت وقت سازمان ملل را در پی دارد، موافق است.

لاوت

سند شماره ۱۷

تاریخ یادداشت: ۲۹ دسامبر ۱۹۴۸ - ۸ دی ماه ۱۳۲۷*
شماره ۵۴۱۷

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا پیرو یادداشت شماره ۳۴۷۱ مورخه ۲۷/۶/۲۹ راجع به تمدید قرارداد استخدام هیئت مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ محترماً اشعار می‌دارد.

به طوری که شفاهاً هم تذکر داده شده است مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با تمدید قرارداد فعلی به مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۷ موافقت دارند. ضمناً جمله (یک عده افسر و سرباز آمریکایی) که در قرارداد فعلی مندرج است به جمله (یک عده افسر و درجه‌دار آمریکایی) تبدیل می‌شود. خواهشمند است موافقت مقامات مربوطه کشورهای متحده آمریکا را نسبت به مراتب مزبور به وزارت امور خارجه اعلام فرمایند.

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۵ ژانویه ۱۹۴۹ - ۱۵ دی ماه ۱۳۲۷

شماره: ۵۷۵
ضمیمه شماره ۴ گزارش شماره ۴ سفارت آمریکا، تهران، ایران، مورخ ۶ ژانویه ۱۹۴۹
وزارت امور خارجه شاهنشاهی، تهران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، افتخار دارد به اطلاع برساند که یادداشت آن وزارتخانه به شماره ۵۴۱۷ مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۴۸ مربوط به تمدید موافقتنامه همکاری هیئت نظامی ایالات متحده و ارتش ایران را دریافت کرده است. با توجه به یادداشت تحت مطالعه وزارت شاهنشاهی، به اطلاع می‌رساند که سفارت، مختار گردیده است تا دولت ایران را از تمایلات دولت ایالات متحده در مورد تمدید موافقتنامه برای یک سال دیگر که از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۴۹ شروع می‌شود، مطلع نماید. همچنین به درخواست دولت ایران، دولت ایالات متحده نیز موافق با جایگزینی عبارت درجه داران به جای عبارت سربازان، در مقدمه موافقتنامه است. سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارتخانه شاهنشاهی تجدید می‌دارد.

سند شماره (۱۹)

محرمانه

گزیده‌ای از تلگرام

متن زیر گزیده‌ای است از تلگرام محرمانه و بدون شماره (ثبت نشده - م) وزارت امور خارجه (آمریکا - م) به تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ (۲۶ خرداد ۱۳۲۸ - م)
«توجه شود به مکاتبات انجام شده در خصوص هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران که به

* در متن ترجمه شده این سند، تاریخ سند به اشتباه ۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ ذکر شده است. م

زودی به سازمان ملل ارسال می‌گردد. این اولین باری است که قرارداد ژاندارمری برای ثبت ارائه می‌شود، زیرا هنگامی که منشور سازمان ملل قابل اجرا گردید، این توافقنامه در مرحلهٔ اجراء بود و ماده ۱۰۲ بدین ترتیب تفسیر شده است که توافقنامه بعد از تشکیل سازمان ملل به اجراء درآید (هرچند این توافقنامه به عنوان یک سند آشکار از طرف اداره چاپ دولتی برای فروش در دسترس عموم بود). توافقنامه اصلاحی (دایر بر حذف وظیفه فرماندهی) به عنوان یک قرارداد جدید تلقی شده، بنابراین تحت عنوان ثبت سازمان ملل و از سری قراردادهای مربوط به تجدید چاپ قرار می‌گیرد.»

سند شماره (۲۰)

محرمانه

گزیده‌ای از تلگرام

متن زیر گزیده‌ای از تلگرام محرمانه و بدون شماره (ثبت نشده - م) وزارت امور خارجه (آمریکا - م) به تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ (۲۶ خرداد ۱۳۲۸ - م) می‌باشد.

«... این وزارتخانه در تاریخ ۲۳ می یادداشتهای تبادل نظر که حاوی مطالب مربوط به هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران بود، را برای نماینده آمریکا در سازمان ملل فرستاد تا روند اداری برای ثبت آنها در دبیرخانه سازمان ملل را انجام دهد. مشکل می‌توان حدس زد که چه زمانی سازمان ملل آنها را منتشر خواهد ساخت.»

سند شماره (۲۱)

«کی» - شماره ۱۴۰۵ مورخ ۷ مردادماه ۱۳۲۸ (۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹)

«نامه سفیر ایران در آمریکا به وزیر امور خارجه آمریکا»

سفیر ایران احترامات فائقه خود را به عالیجناب وزیر خارجه تقدیم نموده و مفتخر است با اشاره به مذاکرات فراوان خود به آقای لوئی هندرسن (Loy Henderson) مدیر اسبق دفتر امور خاور نزدیک و آفریقا، و یادداشت خود به تاریخ ۴ اوت ۱۹۴۸، و همچنین مذاکرات مکررش با آقای ساترث ویت (Satterthwaite)، جانشین آقای هندرسن؛ به تشویق ایشان مطالب زیر را به اطلاع برساند:

۱) کمک نظامی جهت تجهیز ارتش ایران، برای کمک به تحرک بیشتر آن جهت مقاومت در مقابل تجاوز خارجی و حفظ نظم داخلی.

۲) کمکهای مالی و فنی برای به جریان انداختن پروژه‌های اجتماعی، کشاورزی و صنعتی جهت ارتقاء سطح زندگی مردم.

بدین وسیله دولت قادر خواهد بود با تبلیغات موزیانه کمونیستی مقابله نموده و به مبارزه‌اش علیه تجاوز، که همیشه در صف نخستین آن بوده است، ادامه دهد.

در این مذاکرات، سفیر اشاره نمود، با این که دولت متبوعش طی دو سال گذشته مقاومت از خود نشان داده است، ولی بدون کمکهای مادی احتمالاً قادر به تحمل فشاری اینچنین شدید برای مدتی طولانی‌تر نخواهد بود، مگر این که کمکهایی از قبیل آنچه به دیگر ملل دوستدار آزادی که در شرایط

مشابهی قرار داشته‌اند مبذول شده، به ایران نیز اعطا شود.

در نتیجه این اظهارات، نیاز بدین کمک مشخص شده، و ریاست جمهور آمریکا و همچنین وزیر خارجه، در چندین مناسبت گوناگون طی بیانیه‌هایی علنی، ایران را از جمله کشورهای تحت فشار، و مستحق کمک و پشتیبانی آمریکا همچون یونان و ترکیه معرفی نموده‌اند. باعث بسی خرسندی و امتنان است، که رئیس جمهوری در پیام اخیر خود به کنگره در رابطه با برنامه کمکهای نظامی، از ایران در کنار دیگر ملل مستحق دریافت کمکهای نظامی، نام برد.

سفیر همچنین توجه را به مذاکرات اخیر خود با آقایان ساترث ویت و مک‌گی (McGhee) جلب می‌کند که طی آن، به اطلاع رساند که دولت متبوعش مصمم است با عزمی راسخ در مقابل تهاجمات، ایستاده و از دولت آمریکا رسماً تقاضا می‌کند که - به عنوان رهبر ملل دوستدار آزادی - کمکهای نظامی، مالی و فنی خود را، تحت برنامه‌های موجود، مشابه با آنچه در اختیار سایر ملل دوستدار آزادی نهاده است، دریغ ننماید.

(پاراگراف حذف شده)

از جمله این مواد، بندی است که می‌تواند نوعی کمک نظامی تلقی شود و موادی را مشخص می‌سازد که مورد نیاز راه‌آهن دولتی ایران است. که در طول سالهای متمادی استفاده نظامی توسط متفقین آسیبهای فراوانی در ریلها، بستر جاده‌ها و ابزار و وسایط متحرکه دیده است؛ این وسایل و کمکها برای بازسازی راه‌آهن به مثابه مهمترین وسیله حمل و نقل و دفاع کشور، ضروری است. در رابطه با کمکهایی که از سوی این راه‌آهن، در جهت اهداف متفقین به عمل آمد و اهمیت آن در آینده، امید می‌رود که دولت ایالات متحده آمریکا امکان تأمین مواد لازم جهت بازسازی آن را خواه تحت برنامه کمکهای نظامی، و یا به عنوان کمکهای مالی، بیابد.

سفیر ایران مطمئن است که تقاضای دولت متبوعش جهت کمک، مورد ملاحظات هواداران و موافق قرار خواهد گرفت، و با ابلاغ آن مایل است تشکرات خود را به خاطر دیگر کمکهایی که در حال حاضر اعطا شده‌اند، همچون کمک نظامی تحت برنامه همکاریهای نظامی کمکهای مالی و اقتصادی به برنامه ۷ ساله، در شکل وامها و اعتبارات اعطایی از طریق وساطت بانک صادرات و واردات، و بانک بین‌المللی توسعه و بازسازی، و همچنین کمکهای فنی و غیره تحت شرایط و موازین موجود، از قبیل لایحه اسمیت. موندت (Smith - Mundt) و موازین شناور همچون طرح اجرای اصل چهار در نطق افتتاحیه ریاست جمهوری، تجدید نماید.

۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹ واشنگتن، دی. سی.

عالیجناب دن. سی. آپسن

وزیر امور خارجه

وزارت خارجه

واشنگتن دی. سی

سند شماره (۲۲)

مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹ - ۳۱ شهریور ۱۳۲۸

نامه وزیر امور خارجه آمریکا - به سفیر ایران در آمریکا

وزیر امور خارجه ضمن اظهار تعارفات خود به عالیجناب سفیر ایران، احتراماً به یادداشت آن سفارت به شماره ۱۴۰۵ مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۹ درباره مذاکرات سفیر و مقامات وزارت و تمایل ایران برای دستیابی به کمکهای اقتصادی و نظامی، اشاره می‌نماید.

همان طور که سفیر واقفند، رئیس جمهور در پیام اخیر خود به کنگره، ایران را از جمله کشورهایی که واجد شرایط کمک نظامی هستند، قلمداد نمود. لذا توان این دولت در تأمین کمکهای نظامی، منوط به اقدامات کنگره در مورد پیشنهاد رئیس جمهور خواهد بود. وزارت خارجه همدوش وزارت دفاع، به طور مداوم در جهت تصویب این لایحه توسط کنگره و فراهم نمودن منابع مالی لازم تلاش می‌کند. اگر کنگره پیشنهاد مذکور را به قانون بدل سازد، در آن هنگام این دولت در موقعیتی خواهد بود که بعضی از نیازهای خاص نیروهای مسلح ایران را تأمین کند باید تذکر داد که ایران تنها کشوری است که با دارا بودن موقعیت رضایت‌بخشی از لحاظ ارز خارجی، کمک نظامی به آن کشور به صورت بلاعوض اعطا شده است.

(پاراگراف حذف شده)

... به نظر این دولت، به اجرا در آوردن هر چه زودتر برنامه هفت ساله دولت ایران با استفاده از منابع موجود بهترین روش ممکن جهت بالا بردن سطح استاندارد زندگی مردم ایران است و در نتیجه بهترین کمک برای مقاومت ایران در مقابل تهاجماتی که در یادداشت فوق‌الذکر سفیر آمده، خواهد بود. وضعیت رضایت‌بخش ارز خارجی ایران، همچنین این احتمال که ایران می‌تواند با کسب اعتبار از بانک جهانی، منابع خویش را تکمیل کند، به نظر می‌رسد ایران را در مقرون به صرفه‌ترین موقعیت برای اجرای برنامه «توسعه» خود قرار می‌دهد.

دولت ایالات متحده آمریکا، همچنان که قبلاً به سفیر یادآور شده، مایل است از درخواست ایران از بانک جهانی که به قدر کافی مستند باشد، حمایت نماید.

این دولت مطلع است که راه‌آهن دولتی ایران دچار آسیبهایی قابل ملاحظه‌ای شده، زیرا پس از استفاده متفقین از آن در زمان جنگ، مسئولیت بهره‌برداری از آن به اداره راه‌آهن دولتی ایران سپرده شد. و به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین اهدافی که برنامه هفت ساله باید در پیش داشته باشد، بازسازی راه‌آهن است.

با توجه به این احتمال که این بازسازی ممکن است با برنامه کمک نظامی ارتباط داده شود، کنگره به هنگام تخصیص اعتبار مالی قبلی برای برنامه‌های نظامی، عدم تمایلی خود را در مورد استفاده از این اعتبارات برای مقاصد غیر نظامی مانند ساخت راه‌آهن به طور آشکار بیان داشته است. بنابراین هر وقت کنگره تخصیص اعتبار نماید، سیاست این دولت این است که از اعتبارات برنامه کمک نظامی، برای طرحهایی از نوعی که پیشنهاد شده، استفاده ننماید.

خاطر سفیر آسوده باشد که این دولت همیشه ملاحظات جانبدارانه خود را در مورد درخواستهای دولت ایران برای دریافت مساعدت، را ادامه خواهد داد و سعی خواهد نمود تا چنین کمکهایی را هر

زمانی که احتیاج به آن کاملاً تأیید شده باشد و نتوان آن را از سایر منابع موجود برای ایران تأمین نمود، فراهم نماید.

وزارت امور خارجه، واشنگتن

۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹

سند شماره (۲۳)

محرمانه

گزیده‌ای از تلگرام

سومین پاراگراف از تلگرام محرمانه وزارت امور خارجه به شماره ۱۰۰۲ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۴۹ اظهار می‌دارد: «جهت اطلاع شما با وجود عملیات برنامه کمکهای تسلیحاتی، ما به توسعه قرارداد هیئت (نظامی - م) به هر صورت رسمی علاقه‌مند نیستیم. منظور این نیست که مانع افزایش تعداد اعضای هیئت (نظامی - م) جهت آموزش ایرانیان در استفاده مجدد از تجهیزات دریافت شده، باشیم. اما از این که ایرانیان به این نتیجه برسند که پایان بخشیدن به برنامه کمکهای نظامی (حتی بعد از ۲ یا ۳ سال با پذیرفتن توسعه برنامه‌ها) مفید و یا زمان مناسبی برای حذف هیئت (نظامی - م) خواهد بود، خودداری نماییم.»

سند شماره (۲۴)

طبقه‌بندی: ندارد -

تاریخ: ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ - ۷ آذر ۱۳۲۸

یادداشت شماره ۱۳۹۶*

سفارت آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت شاهنشاهی ایران اقتضای دارد که به یادداشت شماره ۴۷۳۳ مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۲۸ (۲۰ سپتامبر ۱۹۴۹) مبنی بر تمایل دولت ایران نسبت به تمدید قرارداد خدمت هیئت مستشاری آمریکایی در وزارت جنگ ایران اشاره نماید. به سفارت اطلاع داده شد تا موافقت دولت آمریکا را با تمدید قرارداد بدون ایجاد تغییر در شرایط آن اعلام نماید. ولی تأسیس وزارت دفاع آمریکا (که در برگیرنده بخشی از اختیارات وزارت جنگ این کشور نیز می‌باشد) و تأسیس وزارت نیروی هوایی ایجاد بعضی تغییرات جزئی را در لحن قرارداد ضروری می‌سازد تا رعایت حال ساختار کنونی دولت آمریکا از نظر حقوقی شده باشد. بدین منظور، مقتضی است در صورت تمدید قرارداد موجود، متن در موارد زیر مورد تجدید نظر قرار گیرد: ۱ - در مقدمه پس از کلمه «ارتش» کلمات و «نیروی هوایی آمریکا» گنجانده شود. که عبارت مربوطه در مقدمه به ترتیب ذیل خوانده خواهد شد.

«به موجب تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحد آمریکا رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا اجازه داده است که یک عده افسر و سربازانش** و نیروی هوایی آمریکا به منظور تشکیل

* - با گزارش شماره ۱۵ مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۰ به وزارت خارجه (آمریکا - م) ارسال گردید.

** - این عبارت صحیح نیست و باید «درجه‌دار» خوانده شود. مطابق با اصلاحیه‌ای که شامل تبادلات چند یادداشت بود و در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۴۹ کامل شد.

یک هیئت نظامی در ایران طبق شرایط مصرحه زیر گماشته شوند:

۲- در ماده ۵ کلمه «از ابتدا» را حذف کرده و پس از کلمه «ارتش» کلمات «و نیروی هوایی آمریکا» را درج نمایید. در همین ماده کلمات «وزارت جنگ» را حذف کرده و به جای آن وزارت دفاع» را قرار دهید که ماده ۵ به ترتیب ذیل خوانده خواهد شد.

«هیئت مرکب خواهد بود از عده‌ای از افسران و نفرات ارتش و نیروی هوایی آمریکا که با موافقت وزیر جنگ ایران توسط نماینده مجاز ایشان در واشنگتن و وزارت دفاع آمریکا تعیین شده باشند. اشخاصی به این کار گماشته خواهند شد که وزیر جنگ دولت شاهنشاهی و یا نماینده مجاز ایشان و وزارت دفاع آمریکا یا نماینده مجاز آن با انتصاب آنها موافقت داشته باشند.

۳- در ماده ۱۰ پس از عبارت «ارتش آمریکا» در هر دو مورد عبارت «یا نیروی هوایی آمریکا» را درج نمایید که ماده ۱۰ در آن صورت به شرح ذیل خوانده خواهد شد:

هر یک از اعضاء هیئت با همان درجه‌ای که در ارتش آمریکا یا نیروی هوایی آمریکا دارد خدمت خواهد کرد، ولی بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهد داشت. هر یک از اعضاء هیئت از تمام امتیازات و مزایایی که بنابر مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران هم درجه او تعیین شده است، برخوردار می‌گردد. اعضاء هیئت لباس متحدالشکل ارتش آمریکا یا نیروی هوایی آمریکا را بر تن خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در منتهی‌الیه آستین نزدیک شانه نصب خواهند نمود.

۴- در ماده ۱۹ عبارت «وزارت جنگ» را حذف و به جای آن عبارت «وزارت دفاع» را قرار دهید. علاوه بر این در همین ماده عبارت «یک هواپیمای آمریکایی» را تغییر و به جای آن «یک فروند هواپیمای ارتش آمریکا» را درج نمایید، پس از آن ماده ۱۹ به شرح زیر خوانده خواهد شد:

علاوه بر وسایل و وسایل نقلیه‌ای که از طرف دولت آمریکا در اختیار هیئت گذاشته شده دولت ایران نیز در مورد لزوم وسایل نقلیه دیگری (اتومبیل و هواپیما) برای انجام کارهای اداری در اختیار هیئت قرار خواهد داد و دولت ایران یک سوم «ثلث» مجموع مصرف بنزین و روغن وسایل نقلیه متعلق به دولت آمریکا را که در اختیار هیئت است طبق تشخیص رئیس هیئت تأمین خواهد کرد. تعداد و نوع وسایل نقلیه دولت آمریکا که در اختیار هیئت خواهد بود از طرف وزارت دفاع آمریکا تعیین خواهد گشت و نیز مقرر می‌گردد که در موارد لزوم طبق تشخیص رئیس هیئت و با پیروی از قوانین و مقررات جاریه یک فروند هواپیمای ارتش آمریکا با کارکنان آن برای انجام امور اداری اجازه ورود به ایران و خروج از ایران داشته باشد مشروط بر این که رئیس هیئت قبلاً طبق قواعد و مقررات ایران به اولیای امور مربوطه ایران مراتب را اطلاع دهد. کلیه وسایل نقلیه دولت آمریکا که در داخله ایران برای عملیات در اختیار هیئت است از قوانین و مقررات ایران متابعت خواهد کرد.

امید است که این تغییرات مورد تأیید دولت ایران قرار گرفته و قرارداد جدید با جرح و تعدیلهای فوق تمديد گردد.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران تجدید می‌دارد.

سند شماره (۲۵)

طبقه‌بندی ندارد - شماره ۷۴۰۷ - تاریخ ۱۳۲۸/۱۰/۲۰
وزارت امور خارجه - یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا و عطف به یادداشت شماره (۱۳۹۶) مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ (هفتم آذرماه ۱۳۲۸) آن سفارت کبرای راجع به تمدید قرارداد استخدام هیئت مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ شاهنشاهی محترماً اظهار می‌دارد.

به طوری که شفاهاً به استحضار آن سفارت کبرای رسیده است مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی با تمدید قرارداد نامبرده برای مدت یک سال دیگر از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۸ تا ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۰ تا ۲۰ مارس ۱۹۵۱) و درج عناوین جدید مؤسسات مربوطه کشورهای متحده آمریکا به جای عناوین سابق به قسمی که در یادداشت فوق‌الذکر آن سفارت کبرای ذکر گردیده است موافقت خودشان را اعلام می‌دارند، وزارت امور خارجه شاهنشاهی از آن سفارت کبرای خواهشمند است مراتب را به استحضار مقامات مربوطه کشورهای متحده برسانند.

سند شماره (۲۶)

سری - تاریخ ۱۸ می ۱۹۵۰ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۹ - واشنگتن دی. سی
متن مذاکرات

طی گفتگو در مورد مبادله یادداشتهای مربوط به قرارداد کمک دفاعی متقابل آمریکا سال ۱۹۴۹، نمایندگان دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردند که شرایط زیر در مفاد قرارداد گنجانده شود: «دو دولت اذعان دارند که کنترل مؤثر صدور مواد حاوی پتانسیل جنگی، تجهیزات و در صورت عملی بودن، اطلاعات فنی، در زمینه امنیت دو جانبه و تحقق اهداف طرفین، علائق هر دو کشور را تأمین می‌نماید. به همین علت هر دوی آنها بر این شده‌اند که در راه رسیدن به این اهداف، با یکدیگر مشورت نمایند.»

نمایندگان دولت خاطر نشان ساخته‌اند که دولت متبوعشان با مفاد این شرایط کاملاً موافق است و از طرف دولت خویش اطمینان داده‌اند که دولت ایران در رابطه با گسترش رضایت‌بخش کنترل در مورد این گونه صادرات جنگی، حاضر به همکاری می‌باشد.

به خاطر تضمینهای ارائه شده توسط نمایندگان دولت ایران در مورد آمادگی دولت این کشور برای همکاری در این مورد و ایجاد زمینه‌های مساعد برای مشورت، نمایندگان دو دولت معتقدند که گنجاندن این شرط در متن یادداشتهای مربوط به قرارداد کمک دفاعی متقابل آمریکا فاقد ضرورت است.

(امضاء)

آ. آ. آرام

نماینده دولت ایران

(امضاء)

جوزف. جی. (ناخوانا)

نماینده دولت ایالات متحده آمریکا

سند شماره (۲۷)

وزارت امور خارجه - واشنگتن
از: کفیل وزارت امور خارجه: (آمریکا - م)
به: کاردار موقت ایران
آقای محترم:

به مذاکراتی که اخیراً میان نمایندگان دولتی ما در رابطه با ارسال کمک نظامی دولت ایالات متحده آمریکا به دولت ایران، مطابق قانون عمومی ۳۲۹ مصوبه هشتاد و یکمین کنگره ایالات متحده آمریکا، اشاره می‌نمایم و توافقی حاصله از آن مذاکرات را که در ذیل می‌آید، تأیید می‌نمایم:

۱ - دولت ایالات متحده آمریکا با درک این اصل که بهبود اقتصادی برای صلح و امنیت جهانی ضروری می‌باشد و می‌بایست در اولویت قرار گیرد و تعهد می‌کند که وسایل، مواد و خدماتی را که دولت ایالات متحده آمریکا اعطای آن و یا ادامه اعطای آن را به دولت ایران ممکن بداند، براساس یک امتیاز رسمی صورت خواهد گرفت و ارائه هر نوع کمک مجاز پیرو این نامه، باید با منشور ملل متحد سازگار بوده و نیز منوط به کلیه شرایط و قیودات قابل اجراء و مفاد دایر بر انقضای یا فسخ قرارداد کمک دفاعی متقابل مصوب ۱۹۴۹ و دیگر قوانین قابل اجراء ایالات متحده آمریکا در خصوص کمکهای نظامی باشد. دو دولت، هر از گاهی، مذاکرات تفصیلی لازم را در به اجراء گذاردن مواد این بند به عمل خواهند آورد.

۲ - دولت ایران ملزم می‌گردد کمکهای دریافتی را مطابق با پاراگراف ۱ در راستای اهداف مورد نظر، به طور مؤثری به کار گیرد و چنین کمکهایی را به مقاصد دیگری غیر از آنچه در «تفاهم نامه» قید شده، اختصاص ندهد.

۳ - بر اساس علائق مشترک امنیتی دو دولت، دولت ایران متعهد می‌شود که به هیچ فرد، مقام یا کارگزار دولتی خویش و یا هر کشور دیگری، حق مالکیت یا تصرف هر یک از تجهیزات، مواد یا خدمات دریافت شده را که بر اساس واگذاری رسمی مطابق با پاراگراف ۱ صورت گرفته، را بدون موافقت قبلی دولت ایالات متحده آمریکا واگذار ننماید.

۴ - دولت ایران، پس از بررسیهای لازم و مقتضی پیرامون نیازمندیهای معتدل و مصرف داخلی و صادرات بازرگانی ایران که قرار است توسط همان دولت تعیین گردد، جهت تسهیل تولید، حمل و نقل، صدور و ارسال به دولت ایالات متحده آمریکا برای چنین دوره زمانی و با چنین کمیتی و مطابق یک چنین شرایط و مقرراتی در خصوص قیمت، نحوه پرداخت و نظایر آن به آن صورت که مورد توافق قرار گیرد، مواد خام و نیمه ساخته مورد تقاضای ایالات متحده که به علت کمبودها و یا کمبودهای بالقوه منابع خود می‌باشد و ممکن است در ایران وجود داشته باشد، موافقت نماید.

۵ - (الف) دولت ایران اقداماتی مقتضی که در تضاد با مسائل امنیتی و منافع کشور نباشد به عمل خواهد آورد تا مردم را از عملیاتی که متعاقب این توافقها انجام می‌گیرد، مطلع سازد.

(ب) هر دولت، آن نوع اقدامات امنیتی را که ممکن است در هر حالتی بین دو دولت مورد موافقت قرار گیرد به منظور جلوگیری از افشاء یا به مخاطره افتادن مواد، خدمات و یا اطلاعاتی که دولت دیگر مطابق این توافقها تأمین می‌نماید، به عمل خواهد آورد.

۶ - دولت ایران، بجز مواردی که ممکن است بین دو دولت موافقت صورت گیرد، معافیت از عوارض گمرک و مالیات داخلی در مورد صدور و یا ورود تولیدات، اموال، مواد و یا تجهیزات وارد شده به قلمرو خود که در ارتباط با این توافقنامه می‌باشد، اعطاء خواهد کرد.

۷ - دولت ایران کارکنان فنی دولت ایالات متحده آمریکا، کسانی که مسئولیتهای دولت آمریکا را در تکمیل مواد این قرار داد در سرزمین ایران به عهده خواهند داشت، را به کشورش می‌پذیرد و تسهیلات لازم را برای پیشرفت آن کمکها در اختیار آنان قرار خواهد داد.

۸ - بنا به درخواست هر یک از دو دولت، مقدمات مناسبی را بین خودشان در رابطه با مسئولیت ثبت یا دعاوی مشابه که بر پایه کاربرد، اختراعات، فرآیندها، اطلاعات فنی یا اشکال دیگر از اموال در رابطه با تجهیزات، مواد و خدمات مطابق با پاراگراف ۱ این توافقنامه، قانون از آنها حمایت به عمل می‌آورد، به مذاکره خواهند گذاشت، در این چنین مذاکراتی این مورد می‌باید در نظر گرفته شود: که هر دولت مسئولیت همه دعاوی اتباع خویش و دعاوی برخاسته از اتباع هر کشور ثالثی در محدوده خاک خود را قبول خواهد کرد.

۹ - به درخواست هر یک از طرفین، دو دولت با در نظر گرفتن هر موضوعی که در رابطه با اجرای این توافقها یا برای عملیات یا مقدماتی که متعاقب این توافقها پیش آید، مشورت خواهند کرد.

۱۰ - هیچ اقدامی در تفسیر، اصلاح یا ترمیم موافقتهایی که میان دولت ایالات متحده آمریکا و ایران در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ اکتبر ۱۹۴۷ در تهران امضاء شده، آن چنان که اصلاح و تمدید گردیده، صورت نخواهد گرفت.

من پیشنهاد می‌کنم که اگر این توافقها از تصویب دولت ایران برخوردار می‌شود، این یادداشت و یادداشت شما که همزمان این توافقها را مورد تأیید قرار می‌دهند، از تاریخ یادداشت شما اعتبار قانونی خواهد داشت. در آینده، هرگاه یکی از دو دولت از طریق ابلاغ کتبی قصد خود را مبنی بر فسخ توافقها اعلام دارد، یک سال بعد از تاریخ دریافت پیام، این توافقها از اعتبار قانونی خواهد افتاد.
آقای محترم، احترامات فائقه اینجانب را بپذیرید.

جیمز. ای. وب

آقای غلامعباس آرام

کفیل وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

کاردار موقت ایران

با توجه به بند پاراگراف (بند) ۷ این توافقنامه، گروه دیگری از مستشاران نظامی آمریکا به ایران آمدند. وظیفه این گروه، نحوه اجرای این توافقنامه در رابطه با استفاده از کمک نظامی آمریکا در ایران بود. نام این گروه عبارت است از گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران The U.S Military Assistance Advisory Group to Iran که به صورت مخفف به آن مگ (MAAG) گفته می‌شد. م

تاریخ: ۲۳ می ۱۹۵۰ - ۲ خرداد ۱۳۲۹

از: کاردار موقت ایران
به: کفیل وزارت امور خارجه آمریکا
سفارت ایران در واشنگتن، دی. سی.
عالیجناب:

احتراماً، به عرض می‌رساند که یادداشت شما به تاریخ ۲۳ ماه می، واصل گردید. بر اساس دستورات دولت متبوع خود، نظر شما را به مذاکرات اخیری که میان نمایندگان دولتهایمان راجع به اعطای کمک نظامی ایالات متحده آمریکا به دولت ایران، مطابق قانون عمومی ۳۲۹ مصوب هشتاد و یکمین کنگره ایالات متحده صورت گرفته جلب می‌نمایم و توافقی حاصله از آن را به طوری که در ذیل می‌آید، مورد تأیید قرار می‌دهم:^۱

احتراماً، در موافقت با پیشنهادهای مندرج در یادداشت شما، به اطلاع می‌رسانم که تفاهمات بیان شده در آن، به تصویب دولت ایران رسیده است. بنابراین، آن یادداشت و یادداشت حاضر که جهت اطلاع از توافقات در نظر گرفته شده، در این تاریخ و پس از آن قابل اجراء بوده و تا یک سال پس از دریافت ابلاغ کتبی هر دولت که قصد فسخ این توافقیها را داشته باشد، اعتبار قانونی خواهد داشت.

غ - ع - آرام
کاردار موقت سفارت ایران

عالیجناب: جیمز، ای. وب. کفیل وزارت امور
خارجه ایالات متحده آمریکا واشنگتن، دی - سی.

۱- این نامه، همچون نامه قبلی حاوی بندها (پاراگرافهای) دهگانه می‌باشد لذا جهت جلوگیری از تکرار مطلب از درج آن خودداری شد. م

فصل دوم

ما آزادی و استقلال می‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم که وقتی سراغ لشکرمان می‌رویم، آمریکاییها بیایند آن را اداره کنند و یا تحت نظارت مستشاران آمریکایی باشد. یک ارتش انگل درست کنند، یک ارتشی که مال ایران را در راه او صرف کنند، و او تحت نظارت و تربیت مستشاران آمریکایی و برای آمریکاییها بخواهند کار کند.

امام خمینی (س) - ۵۷/۷/۲۸

فصل دوم شامل ۲۰ سند می‌گردد که مقطع بهمن ماه ۱۳۳۰ تا فروردین ماه ۱۳۳۳ را در بر می‌گیرد. این فصل عمدتاً مربوط به موضع دولت دکتر مصدق در مورد مستشاری نظامی آمریکا در ایران است. در سال ۱۳۳۰ که مصدق به نخست‌وزیری رسید، در موعد مقرر با تمدید قراردادهای مربوط به مستشاری نظامی آمریکا در ایران، موافقت نمود.

در سال ۱۹۵۱ دولت آمریکا «برنامه امنیت مشترک» (MSP) را اعلام کرد. این برنامه برای حمایت از هم‌پیمانان غرب در سراسر جهان، در مقابل تهدیدات شرق بود. برنامه فوق حاوی اعطاء کمکهای نظامی به صورت بلاعوض بود. در مقابل، کشورهایی که خواستار این کمکهای نظامی بودند باید تا تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۵۲ موافقت خود را با بخش (۵۱۱ - الف) از این برنامه اعلام می‌نمودند.

مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران، طی نامه‌ای به تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۵۲ این برنامه را نپذیرفت و عدم تمایل خود به «نقض بی‌طرفی» ایران را اعلام نمود. در پی آن آمریکا در اوائل سال ۱۹۵۲ تحویل تسلیحات به ایران را متوقف نموده و آموزش نظامی افسران ایرانی را قطع کرد. در نتیجه مسئله خروج هیئتهای مستشاری آمریکا به طور جدی مطرح شد. در ماه مارس ۱۹۵۲ بین دکتر مصدق و نمایندگان دولت آمریکا مذاکراتی انجام شد که در رابطه با تمدید قرارداد به نتیجه‌ای نرسید. اما دولت مصدق پذیرفت که هیئتهای نظامی آمریکا موقتاً بدون تجدید رسمی قراردادها، در ایران باقی بمانند و به کار خود ادامه دهند و نیز از همان حقوق و مزایای سابق برخوردار باشند. یک ماه بعد یعنی در آوریل ۱۹۵۲، دولت مصدق با نوشتن نامه‌ای به سفیر آمریکا در تهران، تعهداتی را می‌پذیرد. متعاقب این نامه اعطای کمک نظامی آمریکا از سرگرفته شد وزارت خارجه آمریکا نامه مصدق را به عنوان قبول بخشی از شرایط «برنامه امنیت مشترک» تلقی نمود.

با سقوط دولت دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت سپهبد زاهدی بار دیگر قراردادهای مربوط به مستشاران را رسماً تمدید کرد.

سند شماره (۲۸)

بدون طبقه‌بندی - دفتر نخست‌وزیری - تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۳۰ (۱۴ فوریه ۱۹۵۲)
شماره: ۱۳۲۸۵۰

به: وزارت دارایی

پرداخت حقوق مستشاران آمریکایی شاغل در وزارت جنگ و ژاندارمری در جلسه مورخ ۳۰/۱۱/۱۶ (فوریه) هیئت وزیران مورد بحث قرار گرفت. به تصویب رسید که پرداخت حقوق مستشاران مذکور از آنجایی که در حال حاضر در ایران خدمت می‌کنند، مطابق قرارداد و قانون مصوب، پرداخت شود.

نخست وزیر - (محمد مصدق - م)

رونوشت برای اطلاع وزارت جنگ و نخست‌وزیر ارسال شد.
شماره ۱۲۵۲۷/۳۵۸۳۷ به تاریخ ۳۰/۱۱/۲۶ (۱۶ فوریه)

رونوشت برای اطلاع اداره مستشاری و وزیر جنگ سرلشکر علوی مقدم ارسال شد.

سند شماره (۲۹)

استفاده محدود - تلگرام ارسالی
به: وزارت امور خارجه
رمز: استفاده محدود با حق تقدم
تاریخ: ۲۱ فوریه ۱۹۵۲ - ۳ اسفند ۱۳۳۰
شماره: ۳۲۱۰

محاكمه همسر سرهنگ گلاس، مستشار نظامی به اتهام قتل غیرعمد که در اثر حادثه رانندگی در ده ماه قبل اتفاق افتاد و متعاقباً منجر به فوت یک نفر ایرانی گردید، در ۲۳ فوریه آغاز می‌شود. خانم گلاس اظهار می‌دارد که برخلاف آنچه که متهم گشته، رانندگی اتومبیل را به عهده نداشته است. از اینرو وکلای مدافع مطمئن هستند که می‌توانند اثبات کنند که وی رانندگی را به عهده نداشته، لذا وی تبرئه خواهد شد. بعد از چنین تیرئه‌ای، امکان آن خواهد بود که علیه سرهنگ گلاس اقامه دعوی شود. سفارت در این قضیه جهت دستیابی به حداکثر عدالت تمام امکانات اداری خود را به کار گرفته است. قوانین نظامی ایالات متحده آمریکا چاپ ۱۹۵۱ در قسمت ۱۲ چنین می‌گوید: «طبق قوانین بین‌المللی اگر اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده یا هر کشور مستقل دیگر، که با رضایت در قلمرو یک کشور دوست مستقر شده یا در حال عبور باشند، مرتکب جرمی شوند قضاوت به عهده کشور میزبان خواهد بود. سفارت در قوانین بین‌المللی نمی‌تواند پشتیبانی برای این اظهاریه بیابد و بر این باور نیست که کارکنان مستشاری نظامی و وابستگان آنها، یعنی کسانی که تحت شمول قرارداد مستشاری نظامی هستند، از هیچ مصونیتی در مقابل دادگاههای حقوقی محلی برخوردار نیستند.

علیرغم حضور گسترده شهروندان عادی آمریکایی در ایران، آنها می‌توانند انتظار حمایت از دولت آمریکا را داشته باشند. از تفاسیر به موقع وزارت (امور خارجه آمریکا - م) در مورد محاکمه ۲۳ فوریه قدردانی می‌نماییم.

سند شماره (۳۰)

استفاده محدود - تلگرام وارده
از: وزارت
رمز: استفاده محدود با حق تقدم
ورود: ۲۳ فوریه ۱۹۵۲ - ساعت ۱۰ صبح
تاریخ: ۲۲ فوریه ۱۹۵۲ - ساعت ۲ بعد از ظهر
شماره: ۱۷۶۰
وزارت امور خارجه (آمریکا - م) با این نظر شما (تلگرام سفارت ۳۲۱۰، ۲۱ فوریه) موافق است که آن متن ذکر شده از کتاب قوانین حقوق قضائی نظامی در ارتباط با خانم گلاس و یا سرهنگ گلاس قابل اجراء و عملی نیست. و صحبت شما را تأیید می‌کند که در شرایط فقدان موافقتنامه ویژه‌ای با دولت ایران که به کارمندان نظامی و وابستگان آنها مصونیت از قلمرو حقوقی - قضائی محلی در مواردی از این قبیل را بدهد، قوانین بین‌المللی چنین مصونیتی به آنها نمی‌دهد.

سند شماره (۳۱)

طبقه‌بندی: سری - گزیده از مطلب تلگرام
آنچه که در ذیل می‌آید گزیده از مطالب تلگرام سری سفارت به شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ (۱۵ اسفند ۱۳۳۰ - م) است که به امضاء هندرسن رسیده و در مورد گفتگو با مصدق در تاریخ ۶ مارس ۱۹۵۲ می‌باشد.
به او (نخست وزیر مصدق) گفتم که میل دارم در مورد بیانات وی تأییدیه‌ای به دست آورم. وی گفته بود که اگر هیئت نظامی آمریکا می‌خواهند تا حل مناقشات نفتی در ایران باقی به مانند تا مجلس جدید مسئله مستشاران نظامی را بررسی نماید، باید براساس شرایطی که دوازده ماه قبل از اختتام قرارداد وجود داشت، به کار خود ادامه دهند. مصدق گفت وی می‌تواند این مطلب را تأیید نماید. سؤال کردم که آیا وزارت دارایی پرداختهای لازم را به عهده خواهد گرفت و آیا مصونیت و معافیت از پرداخت حقوق گمرکی بر اساس قرارداد موجود شامل حال اعضاء هیئت نظامی آمریکا خواهد شد. وی در مقام تأیید گفت همین طور است و او به وزارت دارایی در همین رابطه دستوراتی داده است. او به من اطمینان داد که مفاد این قرارداد رعایت خواهد شد.

سند شماره (۳۲)

بدون طبقه‌بندی - وزارت جنگ - دفتر نخست وزیر
تاریخ: ۳۰/۱۲/۱۷ - (۸ مارس ۱۹۵۲)
شماره: ۱۳۵۷۹۰

یادداشت به: وزارت دارایی

به موجب تصمیم متخذه از جانب هیئت وزیران، جهت پرداخت حقوق و دیگر پاداش کارکنان

هیئت ایالات متحده، لطفاً تا زمان تعیین وضعیت آنان بر طبق قانون اول آبان ۱۳۲۲ (۲۴ اکتبر ۱۹۴۳) اقدام نمایید.

نخست وزیر (محمد مصدق - م)

نخست وزیر

رونوشت جهت اطلاع وزارت جنگ ارسال شد.

شماره: ۱۳۵۹۸/۳۸۴۲۵

تاریخ: ۳۰/۱۲/۱۹ (۱۰ مارس ۱۹۵۲)

رونوشت جهت اطلاع اداره مستشاری ارسال شد.

از طرف وزیر جنگ - سرلشگر مظهري

سند شماره (۳۳)

سری - تلگرام وارده - تاریخ: ۱۱ مارس ۱۹۵۲ (۲۰ اسفند ۱۳۳۰) - ساعت ۶ بعد از ظهر

از: وزارت امور خارجه (آمریکا - م)

رمز: سری - با حق تقدم شماره: ۱۹۱۳

تاریخ ورود: ۱۲ مارس ۱۹۵۲، ساعت ۷ بعد از ظهر

وزارت امور خارجه (آمریکا - م) نسبت به پیشنهادهای شما درباره هیئت مستشاری نظامی دقیقترین توجهات را مبذول داشته است. اصول اساسی که مورد نظر بود عبارتند از: (الف) اقدام احتیاطی که هم‌اکنون انجام شده، الزاماً لطمه‌ای به امکان کسب یک توافق کتبی نهایی برای ادامه کار هیئت وارد نخواهد ساخت. (ب) لزوم اجتناب از هرگونه روش که بدون هیچ‌گونه نیازی ممکن است از فشارهایی که به مصدق وارد می‌شود، بکاهد. (ج) لزوم اجتناب از این گمان که آمریکا تا هر جایی برای باقی ماندن هیئت در ایران، حتی در صورت عدم تمایل دولت ایران، پیش خواهد رفت. (د) لزوم اجتناب از هر نوع توافق موقتی که هیئت را برای عملیات مؤثر با مشکل روبرو می‌سازد (ه) لزوم اجتناب از موقعیتی که به موجب آن خروج آتی هیئت به درخواست دولت ایران و یا در نتیجه شکست دولت ایران در تجدید موافقتنامه باشد، در غیر این صورت این مسئله گواهی بر مشکلات ما در ایران و یا هر جای دیگری خواهد بود. در رابطه با مورد آخر، مسلماً ما میل نیستیم که به روسها فرصتی داده شود تا از حضور مستمر هیئت به عنوان یک حربه تبلیغاتی استفاده کرده و یا مذاکرات رسمی با دولت ایران علیه هیئت انجام دهند. از آنجایی که یک بار روسها یک موضعگیری رسمی علیه دولت ایران در رابطه با حضور هیئت حتی با وجود قرارداد، انجام دادند بعید به نظر می‌رسد که آنها در صورتی که چنین گمان کنند که ایالات متحده هیئت را به ایرانیها تحمیل کرده، ساکت بمانند.

.... در نتیجه مشورت با وزارت دفاع، وزارت امور خارجه به شما اجازه می‌دهد تا به این درخواست ایرانیان رضایت دهید که هیئت فعلاً بدون یک توافقنامه کتبی تا هنگام مذاکرات آتی در مورد وضعیت آن، در ایران باقی بماند. به هر حال، در موافقت با چنین درخواستی، شما باید برای ایرانیها این مطلب را روشن سازید که این صرفاً صلاحیدی موقت است و ایالات متحده نمی‌تواند هیئت را به طور نامحدود بدون یک موافقتنامه رسمی در ایران باقی بگذارد. همچنین موافقت ایالات متحده با باقی ماندن هیئت، مشروط به توافق نظری، روشن و شفاهی در این باره است که وضعیت

هیئت در مدت زمان موقتی تغییر نخواهد کرد و هیئت از تمام حقوق و مزایایی که سابقاً وجود داشته، بهره‌مند خواهد شد. وزارتخانه ترجیح می‌دهد در متن بیانیه پیشنهادی دولت ایران بعد از «دولت آمریکا» عبارت به «درخواست مقامات ایرانی» درج شود تا این نکته را کاملاً برای عموم روشن سازد. از آنجایی که به این مطلب در بیانیه‌ای که هم اکنون پیش نویس شده به طور ضمنی اشاره گردیده است و اگر شما تشخیص دهید که بیانیه این حقیقت را با وضوح کافی مطرح می‌کند، وزارتخانه هیچ اصراری بر اضافه کردن آن کلمات ندارد.

وزارت دفاع موافق است

آچسن

سند شماره (۳۴)

طبقه‌بندی: سری - گزیده از مطالب تلگرام

آنچه در ذیل می‌آید گزیده‌ای از مطالب تلگرام سری سفارت به شماره ۵۳۰۳ مورخ ۱۳ مارس ۱۹۵۲ (۲۲ اسفند ۱۳۳۰ - م) است که به امضاء هندرسن رسیده و مربوط به گفتگویی با نخست وزیر مصدق می‌باشد.

«امروز صبح با مصدق ملاقات کردم تا وی را از تصمیم اتخاذ شده از طریق تلگرام وزارت خارجه آمریکا به شماره ۱۹۱۳ مورخ ۱۱ مارس مطلع سازم. برای این که جای هیچ گونه شک و تردید باقی نماند. آن بخش از تلگرام را که با عبارت پس از مشورت با وزارت دفاع آغاز و با عبارت امتیازات مندرج در قرارداد خاتمه می‌یابد برای وی با صدای بلند قرائت کردم. علاوه بر این متن انگلیسی و ترجمه فارسی اعلامیه وزارت خارجه آمریکا را به وی تسلیم نمودم. متن به شرح زیر است:»
«دولت آمریکا به هیئت نظامی آمریکا اجازه ماندن موقت در ایران را براساس شرایط موجود قرارداد می‌دهد تا دو دولت با داشتن وقت و فرصت کافی بتوانند در مورد آینده هیئت نظامی با یکدیگر مشورت نمایند.»

سند شماره (۳۵)

بدون طبقه‌بندی

ترجمه بریده‌ای از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ (۲۸ اسفندماه ۱۳۳۰)
(گزارشی مشابه در روزنامه‌های دیگری در همان تاریخ وجود دارد)*

مستشاران نظامی آمریکایی

تا اتخاذ تصمیمی درباره وضعیت آینده آنان، تحت شرایط کنونی در ایران باقی می‌مانند. در کنفرانس مطبوعاتی فوق‌العاده‌ای که امروز در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر در دفتر نخست‌وزیر برگزار شد، آقای بوشهری وزیر راه و سخنگوی دولت مطالب زیر را ایراد کرد:
۱ - دولت ایالات متحده موافقت کرده است تا به گروه افسران آمریکایی اجازه داده شود موقتاً تحت شرایط کنونی در ایران باقی بمانند تا دو دولت فرصت کافی جهت مشورت با یکدیگر را در مورد آینده آنها داشته باشند بر طبق تصمیم هیئت وزیران تا تصمیم‌گیری نهایی، حقوق و مزایای آنان

* - به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

به موجب مقررات قانون ۱ آبان ۱۳۲۲ (۲۴ اکتبر ۱۹۴۳) پرداخت خواهد شد.

سند شماره (۳۶)

بدون طبقه‌بندی

بیانیه مطبوعاتی*

در مذاکرات بین سفیر هندرسن و نخست‌وزیر مصدق در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ (۱۳۳۱/۲/۴)، توافق شد که وزارت خارجه باید بیانیه زیر را جهت مطبوعات صادر نماید: «به دنبال تبادل یادداشت‌هایی در ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ بین نخست‌وزیر ایران و سفیر ایالات متحده در ایران، تصمیم بر این شد که کمک‌های نظامی آمریکا به ایران ادامه یابد. ارسال محموله‌های وسایل نظامی در اسرع وقت توسط دولت ایالات متحده از سرگرفته خواهد شد.»

سند شماره (۳۷)

ترجمه

۱۸۱۴ - ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ (۲۴ آوریل ۱۹۵۲)

عالیجناب لوئی هندرسن سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا، تهران

پیرو مذاکرات شفاهی، لازم می‌دانم به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت اینجانب، با توجه به وضعیت مالی و اقتصادی کشور، از کمک‌هایی که دولت متبوع شما برای اعطاء به ما آماده کرده است، استقبال می‌نماید. ما، تا آنجا که منابع مالی و وضعیت عمومی ایران اجازه دهد، از منشور سازمان ملل متحد دفاع و پشتیبانی می‌کنیم. همچنین هر آنچه که برایمان مقدور باشد برای تقویت ظرفیت دفاعیمان انجام خواهیم داد و از آزادی و استقلال خود با تمام قدرت در مقابل هرگونه تجاوزی که از هر سویی بر ما وارد شود، دفاع خواهیم کرد.

فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به جنابعالی مغتنم می‌شمارم.

دکتر محمد مصدق

نخست‌وزیر

از سفیر ایالات متحده به نخست‌وزیر

تهران، ایران، ۲۴ آوریل ۱۹۵۲

عالیجناب دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ایران، تهران

اینجانب، نامه جنابعالی مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ را دریافت داشته‌ام و خوشحالم که خشنودی دولت ایالات متحده را به اطلاع حضرتعالی برسانم.

عالیجناب، تجدید احترامات فائقه من را بپذیرید.

لوئی هندرسن

سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا

سند شماره (۳۸)

«تلگرافهای ارسالی» تاریخ: ۳ ژوئیه ۱۹۵۲ (۱۲ تیر ۱۳۳۱) - شماره ۰۰۰۵۱

به: وزارت خارجه

رمز: انتشار کلمه به کلمه محدود - غیر محرمانه - اقدام فوری

اداره ارسال ۰۰۰۵۱ تکرار جهت اطلاع لندن ۱۱ مسکو ۳ مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۵۲ امروز حوالی ظهر، به هنگام کسب خبر از وزارت امور خارجه ایران، وی متن فارسی یادداشت دولت ایران به دولت شوروی درباره کمکهای نظامی آمریکا را به من داد. وی گفت که این متن امشب انتشار خواهد یافت. متن بدین شرح است:

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی ضمن اظهار تعارفات خود به سفیر شوروی، مفتخر است که در پاسخ یادداشت مورخ ۲۱ می ۱۹۵۲ دولت شوروی که جناب آقای آندره‌ای ویشنسکی وزیر خارجه آن کشور، شخصاً به آقای آراسته سفیر دولت شاهنشاهی در مسکو تقدیم داشته‌اند، ذیلاً متن نامه‌ای که دکتر مصدق نخست‌وزیر ایران، به آقای هندرسن، سفیر آمریکا در ایران، به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۲ نوشته‌اند را به نظر می‌رساند:

آقای سفیر

پیرو مذاکرات شفاهی، لازم می‌دانم به اطلاع جنابعالی برسانم که: دولت اینجانب با توجه به وضعیت مالی و اقتصادی، از کمکهایی که دولت جنابعالی برای اختصاص به این کشور آماده نموده استقبال می‌کند. ایران، تا آنجا که منابع و شرایط کلی‌اش اجازه دهد، از اصول منشور ملل متحد پشتیبانی و دفاع می‌کند؛ و ضمناً مشغول به انجام آنچه میسر است برای تقویت امکانات دفاعی می‌باشد؛ و اگر قرار باشد که از هر سویی مورد هجوم قرار گیرد، از آزادی و استقلال خود با تمام قدرت دفاع خواهد نمود.

فرصت را برای تجدید احترامات فائده‌مغتنم می‌شمارم.

(امضاء) دکتر محمد مصدق

نخست‌وزیر

«دقت کامل در نامه نشان خواهد داد که دولت ایران هیچ‌گونه تعهدی غیر از آنچه تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد، منجمله دولت شوروی، پذیرفته و متعهد به رعایت آن شده‌اند، را متقبل نشده است. بنابراین، هیچ توجهی برای فرضیه‌های دولت شوروی در این رابطه وجود ندارد. «بیانیه صادره از سوی آقای بوشهری، وزیر راه، و سخنگوی سابق دولت نیز ذیلاً نقل قول می‌شود. وی در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ گفت:

«دولت آمریکا توافق نموده است به هیئت افسران آمریکایی اجازه دهد تا هنگامی که دولتیین وقت کافی جهت مشاوره با یکدیگر در رابطه با آینده هیئت مذکور به دست آورند، در ایران بمانند و بنا به تصویب هیئت وزیران مقرر گردید که حقوق و سایر مزایای هیئت مذکور بایستی مطابق قانون ۱ آبان ۱۳۲۲، تا هنگام تعیین تکلیف قطعی آن، پرداخت گردد.» و در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ مطابق با ۲۷ آوریل ۱۹۵۲ وی گفت:

«همان طور که قبلاً هم گفته‌ام، متخصصین نظامی تا وقتی که دولت تصمیم بگیرد، به خدمات خود ادامه خواهند داد.»

«از بیانات فوق کاملاً واضح است که فرضیه‌ها و اتهامات مندرج در یادداشت فوق‌الذکر درباره ارتش ایران و دیگر موضوعات فاقد هرگونه پایه و اساسی بوده و دولت شاهنشاهی هیچ‌گاه دست به اقداماتی که ناقض پیمان دوستی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ باشد، نیازیده و دولت دکتر مصدق هیچ‌گاه از سیاستی غیر از بی‌طرفی متابعت ننموده و امیدوار است که روابط دوستانه همسایگی که خوشبختانه بین دولتین ایران و شوروی جاری است، هر روزه مستحکم‌تر و قوی‌تر گردد.»

«وزارت شاهنشاهی فرصت را جهت ابلاغ احترامات فائقه خود مغتنم می‌شمارد.»

هندرسن

۳ ژوئیه ۱۹۵۲

سند شماره (۳۹)

غیر محرمانه - انتشار محدود - خیلی محرمانه

گزیده‌ای از تلگرام

آنچه که در ذیل می‌آید، گزیده‌ای از مطالب تلگرام خیلی محرمانه سفارت به شماره ۱۰۳۰ مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ (۱۵ شهریور ماه ۱۳۳۱ - م) است که به امضای هندرسن رسیده و مربوط است به مذاکره‌ای که در تاریخ ۶ سپتامبر با مصدق انجام شد:

«نخست‌وزیر گفت هنوز در موقعیتی نیست، که بتواند در مورد تجدید قرارداد رسمی هیئت مستشاری نظامی در ژاندارمری (Genmish) وارد مذاکره شود. به همین دلیل، پیشنهاد او این بود که این هیئت نیز بر اساس همان شرایطی که هیئت مستشاری نظامی در ارتش شاهنشاهی ایران (Armish) مشغول به کار است، به فعالیت خود در ایران ادامه دهد. به این معنی که تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی، این هیئت بر اساس شرایط قرارداد قبلی عمل کند.»

«... نخست‌وزیر گفت در صورت مشخص شدن عدم ضرورت خدمات این هیئت، قبلاً موضوع به اطلاع خواهد رسید تا هیئت برای مرتب کردن امور مربوط به خود، قبل از خروج از ایران فرصت کافی داشته باشد.»

«به نظر من مذاکره اینجانب با نخست‌وزیر، نوعی قرارداد شفاهی و غیر رسمی را به وجود می‌آورد که بر اساس آن هیئت نظامی ایالات متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران می‌تواند بر طبق شرایط و مفاد قرارداد قبلی از تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهرماه ۱۳۳۱ - م) به کار خود ادامه دهد، تا وقتی که قرارداد رسمی دیگری امضاء شود و یا دولت آمریکا، یادداشتی از دولت ایران دریافت نماید مبنی بر این که به خدمت این هیئت دیگر نیازی نیست.»

سند شماره (۴۰)

۸ سپتامبر ۱۹۵۲* (۱۷ شهریور ماه ۱۳۳۱) بدون طبقه‌بندی - ستاد هیئت نظامی ایالات متحده
ژاندارمری شاهنشاهی ایران
بازگشت به ژاندارمری، شماره ۱۱۷۰ / ت - بازگشت به شماره ۲۳۵۳۱/۶/۱۷
به: فرماندهی کل ژاندارمری شاهنشاهی ایران - تهران، ایران.

موضوع: پرداخت حقوق هیئت نظامی آمریکا

۱ - قرارداد جاری میان دولت ایالات متحده و دولت ایران که اجازه استخدام هیئت نظامی ایالات متحده را در ژاندارمری شاهنشاهی ایران می‌دهد، در ۲ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهر ۱۳۳۱) پایان می‌پذیرد. از قرار معلوم نخست‌وزیر به طور غیررسمی موافقت کرده است که هیئت طبق شرایطی شبیه به آنچه که اکنون هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران عمل می‌کند، کار خود را بعد از تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۵۲ ادامه دهد.

بر همین اساس نخست‌وزیر مایل است تا زمان امضای یک قرارداد رسمی جدید، یا تا زمانی که دولت ایالات متحده یا دولت ایران تصمیم به خارج کردن هیئت نظامی آمریکا (در ژاندارمری) از ایران بگیرند، ترتیباتی که توسط قرارداد جاری مجاز شمرده شده است همچنان بدون تغییر ادامه پیدا کند.

۲ - من نسخه‌ای از نامه مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۵۲ (۳۰/۱۱/۲۴) که توسط نخست‌وزیر دکتر مصدق، به وزارت دارایی ارسال شده است، را ضمیمه کرده‌ام. در این نامه اجازه داده می‌شود تا به مستشاران آمریکایی در وزارت جنگ و ژاندارمری مادامی که در ایران بر طبق شرایط مندرج در قراردادهایی که ما بین دو دولت برای استخدام آنها منعقد شده خدمت می‌کنند، حقوق پرداخت شود. برداشت من این است که این نامه اجازه لازم را به وزارت دارایی می‌دهد تا به پرداخت کلیه حقوق و مزایایی که تاکنون پرداخته شده و یا مجوز پرداخت آن وجود دارد، بعد از انقضای مدت قرارداد رسمی در ۲ اکتبر ۱۹۵۲ ادامه دهد.

۳ - از شما درخواست می‌شود تا ادامه پرداخت حقوق و فوق‌العاده اعضا این هیئت را طبق شرایط قرارداد حاضر تا انقضاء مدت آن و تا زمانی که هیئت در ایران خدمت می‌کند، تأیید کنید.
(امضاء) شاس. بی. مک‌کلاند
سرهنگ، سرپرست هیئت

* به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

سند شماره (۴۱)

(در سیستم طبقه‌بندی ایرانی)
به : فرماندهی کل ژاندارمری
وزارت کشور اداره امنیت و نظم

خیلی محرمانه

تاریخ : ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲* (۲۶ شهریور ۱۳۳۱)

شماره : ۸۰۴۳ / ن ۷۲ / ۱۷۸۰ م

موضوع : حقوق مستشاران آمریکایی در ژاندارمری شاهنشاهی ایران
عطف به نامه شماره ۱۱۲۹۷ مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۲ درباره حقوق مستشاران آمریکایی در
ژاندارمری شاهنشاهی ایران که قراردادشان خاتمه می‌یابد، دستور دهید تا اقداماتی جهت پرداخت
حقوق مستشاران آمریکایی در ارتش و ژاندارمری طبق دستورالعمل شماره ۳۲۸۵۰ مورخ ۱۴ فوریه
۱۹۵۲ (۲۴ بهمن ماه ۱۳۳۰ - م) دفتر نخست‌وزیر به وزارت دارایی، انجام پذیرد.
از طرف نخست‌وزیر

(متن ترجمه شده ارسالی به هیئت، امضایی ندارد)

سند شماره (۴۲)

طبقه‌بندی : سری
تاریخ : ۱۳ می ۱۹۵۳ - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۲
سفارت آمریکا در تهران، ایران - گزیده از مطالب گزارش شماره ۹۳۸
موضوع : وضعیت کنونی هیئتهای نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران
در رابطه با وضعیت هیئتهای نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران، نخست‌وزیر و نمایندگان
بیاناتی را ایراد فرموده‌اند که رسمی‌تر از بیانیتهای نخست‌وزیر مندرج در تلگرام سفارت به شماره ۳۳۹۸
مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ و نیز مندرج در نامه هوایی مرجع وزارت خارجه آمریکا می‌باشد.

هیئت نظامی در ارتش

در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۵۲ (۲۴ بهمن ماه ۱۳۳۰ - م) قبل از قرارداد شفاهی با سفیر که بر طبق آن
هیئت موجود در ارتش به کار خود ادامه می‌داد. (به گزارش شماره ۳۵۰۳ سفارت مورخ ۱۳ مارس
۱۹۵۲ رجوع شود) و قبل از آنکه مسئله ادامه کار هیئت نظامی در ژاندارمری مطرح گردد،
نخست‌وزیر امریه‌ای (ضمیمه ۱) به وزارت دارایی صادر کرد تا بر طبق آن حقوق و مزایای
«مستشاران تا زمان خدمت آنها در ایران» پرداخت گردد و این موضوع شامل هر دو هیئت نظامی
موجود در ارتش و ژاندارمری (برطبق قرارداد و قانون مصوبه) می‌شود.

در رابطه با هیئت موجود در ارتش، منظور همان قرارداد ۱۹۴۷ است (معاهده‌ها و دیگر لوایح
بین‌المللی از سری ۱۶۶۶) که تمدید شده‌اند و یا قراردادهای ۳ نوامبر ۱۹۴۳ (گزارش شماره ۶۵۹
مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۴۳ سفارت) و منظور از قانون مصوبه نیز احتمالاً قانون یکم آبان ۱۳۲۲ (۲۴
اکتبر ۱۹۴۳) است که بر طبق آن «قانون استخدام افسران کادر و وظیفه آمریکایی را جهت خدمت در
ارتش ایران توسط وزارت جنگ این کشور مجاز می‌شمارد، که یک نسخه ترجمه شده از آن نیز

* - به ضمیمه نامه شماره ۹۳۸ مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳ به وزارتخانه ارسال شد.

ضمیمه گزارش ۵۰۴ توسط سفارت در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۴۷ به وزارت خارجه آمریکا ارسال گردیده است.

در امریه صادره توسط نخست‌وزیر و امریه‌های دیگر کلمه «حقوق» در زبان ایرانی شامل مزایا نیز می‌گردد. در تاریخ ۸ مارس ۱۹۵۲ (۱۷ اسفند ماه ۱۳۳۰ - م) نخست‌وزیر امریه دیگری به وزارت دارایی داد (ضمیمه ۲) تا «به افسران هیئت نظامی آمریکا» بر طبق قانون یکم آبان ۱۳۲۲ حقوق پرداخت نماید تا قرارداد آنها پایان یابد. (به تلگرام سفارت به شماره ۳۴۴۴ مورخ ۱۰ مارس ۱۹۵۲ رجوع گردد).

سری گزارش شماره ۹۳۸، ۱۳ می ۱۹۵۳

در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۵۲ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۳۰ - م) بوشهری سخنگوی دولت در برابر مطبوعات اعلام نمود (ضمیمه ۵) که «دولت آمریکا با ادامه حضور موقت هیئت نظامی خود در ایران موافقت کرده ...» و «طبق تصمیم هیئت وزراء تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی، حقوق و امتیازات آنها بر اساس شرایط مندرج در قانون یکم آبان ۱۳۲۲ پرداخت خواهد گردید.» (تلگرام سفارت به شماره ۳۶۱۰ مورخ ۲۰ مارس ۱۹۵۲)

ضمائم ۱ و ۲ و ۴ به صورت ترجمه دریافت شده و سفارت میل ندارد به وزارتخانه‌های ذیربط جهت دریافت اصل مطلب که به زبان فارسی است مراجعه کند.

در رابطه با وضعیت هیئتهای نظامی آمریکایی در ارتش و ژاندارمری ایران سفارت تلگرام‌های زیر را برای وزارت خارجه آمریکا ارسال داشته است.

در صورتی که وزارت خارجه در رابطه با تجدیدنظر ذکر شده در تلگرام مرجع به این تلگرام‌ها رجوع نکرده فهرست ذیل سهولت بیشتری را در این کار ایجاد خواهد کرد.

هیئت نظامی در ارتش

شماره	۳۳۰۲	مورخ	۲۸ فوریه	۱۹۵۲
شماره	۳۳۴۴	مورخ	۳ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۳۶۲	مورخ	۴ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۳۹۸	مورخ	۶ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۴۱۰	مورخ	۷ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۴۳۴	مورخ	۸ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۴۳۹	مورخ	۹ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۴۴۴	مورخ	۱۰ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۴۹۱	مورخ	۱۲ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۵۰۳	مورخ	۱۳ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۵۵۷	مورخ	۱۷ مارس	۱۹۵۲
شماره	۳۶۱۰	مورخ	۲۰ مارس	۱۹۵۲

هیئت نظامی در ژاندارمری

شماره: ۱۰۳۰ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۲

در رابطه با وضعیت هیئتها که توسط سفارت گزارش شده نیز می‌توان به تلگرامهای فهرست‌بندی شده فوق مراجعه کرد:

نخست‌وزیر در نتیجه اعمال فشارها (۳۳۶۲، پاراگراف ۱، ۳۳۹۸ پاراگرافهای ۱ و ۱۱) یا بنا به تشخیص خود (۳۳۴۴ پاراگراف ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱) بدون رجوع به مصوبات مجلس درصدد نگهداری هیئت آمریکایی در ایران برآمد (۳۳۰۲ پاراگرافهای ۱ و ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱)، مشروط بر آن که نیازی به انعقاد یک قرارداد کتبی جدید نباشد و نیز چنین نشان ندهد که درصدد تمدید قرارداد موجود برآمده است. (۳۳۰۴ پاراگرافهای ۱ و ۲؛ ۳۳۶۲ پاراگراف ۱؛ ۳۳۹۸ پاراگراف ۶؛ ۳۴۳۴ پاراگراف ۱؛ ۳۵۰۳ پاراگراف ۲). احتمالاً منظور وی این بوده است که قراردادهای قبلی (یا تمدید شده آنها)، با وجود این که گویا بر اساس قانون یکم آبان ۱۳۲۲ (۳۳۰۲ پاراگراف ۶؛ ۳۴۴۴ پاراگراف ۳) منعقد شده است فاقد اعتبار می‌باشند چون دولت (دولت وقت - م) از مشروعیت کافی برخوردار نبوده است. خود او نیز که ظاهراً از قدرت چندانی برخوردار نیست. شفاهاً قراردادها را منعقد ساخته که بر اساس آن خدمت هیئت در ایران ادامه می‌یابد. و به طور ضمنی در تأیید محتوا و فحواي قراردادهای قبلی برآمده است. امریه اجرائی مورخه ۱۴ فوریه (ضمیمه ۱) در زمینه جزئیات به قراردادهای قبلی و قانون یکم آبان ۱۳۲۲ مراجعه کرده است؛ و در امریه ۸ مارس (ضمیمه ۲) بار دیگر از همان قانون سخن به میان آورده است؛ ولی شواهد موجود نشان نمی‌دهد که او با توسل به قانون یکم آبان ۱۳۲۲ که استفاده از آن را توسط اسلاف خود نادرست می‌دانسته در تلاش برای کسب اختیارات بوده است. تا جایی که به دیگر مقامات ذی ربط ایرانی مربوط است اگر قراردادهای قبلی فاقد اعتبار باشند، قرارداد شفاهی نخست‌وزیر نیز جای بحث دارد (۳۳۹۸ پاراگراف ۴؛ ۳۴۱۰ پاراگرافهای ۳ و ۴) ظاهراً وی توانسته بود آنها را متقاعد کند (۳۴۳۴ پاراگراف ۲؛ ۳۴۳۹ پاراگراف ۲)، لیکن سفارت از منطق وی خبری ندارد. از نقطه نظر آمریکا قرارداد شفاهی فعلی معتبر است (۳۳۴۴ پاراگراف ۲ و ۳۵۰۲ پاراگراف ۱). سفارت حدس می‌زند که نخست‌وزیر علیرغم توصیه‌اش قانون یکم آبان ۱۳۲۲ را اساسی نیرومند برای انعقاد یک قرارداد شفاهی می‌داند که می‌تواند به صورت تمدید قراردادهای دیگر پیگیری شود و او با استفاده از همان اختیارات این قرارداد شفاهی را مطرح نمود. وی همچنین امریه‌هایی صادر کرده است که در آنها اختیارات خود را مشتق از قانون یکم آبان ۱۳۲۲ می‌داند. سفارت معتقد است که بیانات تأیید شده هر یک از طرفین در اعلام یک قرارداد برای مردم جنبه انعقاد غیررسمی یک قرارداد را دارد.

چنین به نظر می‌رسد که قرارداد شفاهی مربوط به هیئت نظامی آمریکایی در ژاندارمری ایران بر قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۴۳ (۲۹ مهرماه ۱۳۲۲ - م) و قرارداد تمدید شده ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ (۶ آذر ماه ۱۳۲۲ - م) استوار است و از اعتبار کافی برخوردار می‌باشد.

لویی. و. هندرسن / سفیر کبیر آمریکا

سند شماره (۴۳)

طبقه‌بندی سری سفارت آمریکا در تهران، ایران

گزیده‌ای از مطالب گزارش شماره ۹۳۸، مورخ ۱۳ می ۱۹۵۳

موضوع: وضعیت هیئت‌های نظامی موجود در ارتش و ژاندارمری ایران.

در رابطه با وضعیت هیئت‌های نظامی آمریکایی موجود در ارتش و ژاندارمری ایران نخست‌وزیر و نمایندگانش بیاناتی ایراد کرده‌اند که رسمی‌تر از بیانات نخست‌وزیر مندرج در تلگرام شماره ۳۳۹۸ مورخ ۶ مارس ۱۹۵۲ و نیز مندرج در نامه هوایی مرجع وزارت خارجه آمریکا است.

هیئت نظامی در ژاندارمری

در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ (۱۵ شهریور ماه ۱۳۳۱ - م) سفیر و نخست‌وزیر شفاهاً موافقت کردند که هیئت موجود در ژاندارمری پس از ۲ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۰ مهرماه ۱۳۳۱ - م) موقتاً کار خود را ادامه دهد. (تاریخ اختتام قرارداد تمدید شده مربوط به هیئت نظامی موجود در ژاندارمری) و شرایط قرارداد قبلی نیز اساس عملکرد کنونی آن باشد (تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۰ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۲، کلمه «امروز» در متن تلگرام‌ها به معنی تاریخ نگارش می‌باشد).

در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۵۲ رئیس هیئت موجود در ژاندارمری فرماندهی کل ژاندارمری را از وجود قرارداد شفاهی، کتباً مطلع ساخت. این نامه متن اصلی نامه نخست‌وزیر را نیز به همراه داشت و اظهار می‌داشت که طبق نامه نخست‌وزیر حقوق و مزایای هیئت موجود در ژاندارمری پس از ۲ اکتبر باید پرداخت گردد. همچنین طی همین نامه تقاضا شده است که مسئله پرداخت حقوق مورد تأیید واقع گردد.

ژاندارمری نیز ظاهراً موضوع را به وزارت کشور که اختیارات حقوق ژاندارمری را بر عهده دارد، طی نامه‌ای ارجاع کرده که نسخه‌ای از آن در اختیار ما نیست، ولی تاریخ ارسال ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۲ بوده و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲ (ضمیمه ۴، پیوست ۱) پاسخی دریافت نموده که مؤید پرداخت حقوق هیئت بر اساس نامه نخست‌وزیر در ضمیمه ۱ می‌باشد.

نسخه‌ای از نامه وزارت کشور همراه با نامه مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۲ که از طرف ژاندارمری برای رئیس هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ارسال شده به پیوست فرستاده می‌شود (ضمیمه ۴)

تا جایی که به هیئت موجود در ژاندارمری مربوط است، قرارداد مذکور در ضمیمه ۱ همان قرارداد تمدید شده ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ است (قراردادهای اجرائی ۳۶۱). و «قانون مصوبه» نیز قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۴۲ است که در مقدمه قرارداد به آن اشاره شده است. سفارت رونوشتی از این قانون را در اختیار ندارد و تلاش برای دریافت این رو نوشت از دولت ایران نتایج ناپسندی را در بر خواهد داشت.

در رابطه با قرارداد شفاهی مربوط به ادامه کار هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری هیچ گونه بیانه مطبوعاتی منتشر نگردیده است.^۱

۱- قسمتهای بعدی این سند عیناً در سند شماره ۴۲، در صفحات ۱۰۶، ۱۰۷ و ۱۰۸ آمده است لذا برای جلوگیری از تکرار مطالب، از چاپ این صفحات خودداری به عمل آمد. م

سند شماره (۴۴)

وزارت دفاع ملی - دفتر نخست‌وزیر
تاریخ: ۱۸ مارس ۱۹۵۴ - ۲۷ اسفند ۱۳۳۲
به: وزارت دفاع ملی

شماره: ۴۴۷۶۶۰

هیئت وزیران، بر اساس طرح پیشنهادی وزارت دفاع ملی به شماره ۴۳۵۶۹/۱۶۲۱۸ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۵۴، ادامه خدمات و پرداخت حقوق مستشاران آمریکایی در وزارت دفاع ملی را از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۵۴ (اول فروردین ۱۳۳۳ - م) برای مدت یک سال، همان گونه که در ماده ۳ قرارداد مورخ ۱۳ مهر ۱۳۲۶ آورده شده، مورد تصویب قرار داده است.
تصویب نامه فوق در دفتر نخست‌وزیر موجود می‌باشد.

از طرف نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۸۸۷/۴۵۸۶۰ - تاریخ: ۲۰ مارس ۱۹۵۴ - ۲۹ اسفند ۱۳۳۲ - رونوشت به اداره
مستشاری جهت اطلاع و اقدام.

سند شماره (۴۵)

بدون طبقه‌بندی - نامه غیر رسمی
تاریخ: ۲۳ مارس ۱۹۵۴ (۳ فروردین ماه ۱۳۳۳)
از: آر. اچ. بوشنر
به: بایگانی

موضوع: عنوان رسمی برای «آرمیش»

هیچ نوع عنوان رسمی برای «آرمیش» وجود ندارد، اگر چه عنوانی که معمولاً بیشتر به کار برده شده (همچنان که در زیر نشان داده شده) عبارت است از «هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران» موافقتنامه مربوطه، خودش از «آرمیش» به عنوان «هیئت نظامی در ایران» یاد می‌کند، و هدف آن را «همکاری با وزارت جنگ ایران و پرسنل ارتش ایران» ذکر می‌کند. عناوین مختلفی که تا کنون به کار برده شده، به شرح زیر است:

۲۶ آوریل ۱۹۴۸ (۶ اردیبهشت ۱۳۲۷)، نامه غیر رسمی: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۶ ژانویه ۱۹۴۹ (۱۶ دی ۱۳۲۷)، نامه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.
۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت نظامی در ارتش ایران.

۱۴ مارس ۱۹۴۹ (۲۳ اسفند ۱۳۲۷)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۲۱ آوریل ۱۹۴۹ (۱ اردیبهشت ۱۳۲۸)، نامه: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.
۱۶ ژانویه ۱۹۵۰ (۲۶ دی ۱۳۲۸)، نامه: هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ ایران.
۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ (۷ آذر ۱۳۲۸)، یادداشت به وزارت امور خارجه: هیئت مستشاری آمریکا در وزارت جنگ شاهنشاهی.

۱۸ نوامبر ۱۹۵۰ (۲۷ آبان ۱۳۲۹)، یادداشت: هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران.

۲ دسامبر ۱۹۵۰ (۱۱ آذر ۱۳۲۹)، نامه: هیئت ارتش ایالات متحده در ارتش ایران.

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ - ۱۸ آوریل ۱۹۵۴

یادداشت شماره ۴۸۱ - وزارت امور خارجه

جناب آقای سفیر کبیر

عطف به موافقتنامه مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا راجع به هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران محترماً پیشنهاد می‌نماید که موافقتنامه مزبور تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود. دولت شاهنشاهی ایران مفاد این نامه و پاسخ جنابعالی را به عنوان تجدید موافقتنامه فوق‌الذکر تلقی خواهد نمود.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارم.

(امضاء)

عبدالله انتظام

وزیر امور خارجه تهران

جناب آقای لوئی. و هندرسن

سفیر کبیر کشورهای متحده آمریکا

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ - ۱۸ آوریل ۱۹۵۴

یادداشت شماره: ۴۸۲ - وزارت امور خارجه

جناب آقای سفیر کبیر

توقیراً به قرارداد اصلاحی مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا راجع به هیئت نظامی کشورهای متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران عطف نموده، تقاضا دارد قرارداد مزبور تا ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود.

دولت شاهنشاهی ایران این یادداشت را به ضمیمه پاسخ جنابعالی در حکم تجدید قرارداد تلقی خواهد نمود.

(امضاء)

با تقدیم احترامات فائقه

عبدالله انتظام

وزیر امور خارجه تهران

جناب آقای لوئی. و هندرسن

سفیر کبیر آمریکا

سند شماره (۴۸)

۱۸ آوریل ۱۹۵۴ - ۲۹ فروردین ۱۳۳۳

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

سفارت کبیرای آمریکا - تهران - ایران - مهر

عالیجناب:

احتراماً، وصول نامه ذیل به تاریخ امروز از طرف جنابعالی را اعلام می‌دارد:

«احتراماً، عطف به موافقتنامه مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات

متحدہ آمریکا راجع بہ ہیئت نظامی ایالات متحدہ در ارتش ایران، پیشنهاد می نماید کہ موافقتنامہ مزبور تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۳ (۲۰ مارس ۱۹۵۵) تمدید شود. «دولت شاهنشاهی ایران مفاد این نامہ و پاسخ جنابعالی را بہ عنوان تجدید موافقتنامہ تلقی خواهد نمود.»

اینجانب اجازہ دارم کہ بہ استحضار جنابعالی برسانم کہ دولت ایالات متحدہ آمریکا با پیشنهاد مندرجہ در نامہ آن جناب موافق است و نامہ مزبور را بہ ہمراہ این جوابیہ، بہ منزله تجدید قرارداد مذکور تلقی می کند.

عالیجناب تجدید احترامات فائقہ من را بپذیرید.

لوئی و. ہندرسن

عالیجناب، عبد اللہ انتظام وزیر امور خارجه، تهران

فصل سوم

ملت ما می‌گوید ارتش ما باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد، ما برای خاطر شما این حرفها را می‌زنیم، شما هم بیایید برای خاطر خودتان این حرفها را بزنید و بگویید ما می‌خواهیم مستقل باشیم، ما نمی‌خواهیم این مستشارها باشند. ما می‌گوییم ارتش باید مستقل باشد.

امام خمینی(س) - ۵۷/۱۱/۱۲

فصل سوم شامل ۲۳ سند است که مقطع ۲۳ تیرماه ۱۳۳۳ تا ۱۶ خرداد ۱۳۴۳ را دربر می‌گیرد. ۶ سند مربوط به تاریخچه شکل‌گیری هیئتهای مختلف مستشاری نظامی آمریکا در ارتش و ژاندارمری ایران می‌باشد.

در سال ۱۹۵۴، دو گروه متفاوت از مستشاران نظامی آمریکا که به طور همزمان و موازی در ارتش ایران فعالیت می‌کردند، ادغام شدند. در سال ۱۹۵۶ قرارداد برای اجرای پروژه‌های «ساختمان‌سازی نظامی» میان ایران و آمریکا امضاء گردید و باعث شد که نه تنها تعداد نظامیان آمریکا در ایران افزایش بیشتری پیدا کند، بلکه تعداد زیادی از اتباع کشورهای ثالث را تحت پوشش مقاطعه کاران ساختمانی وارد ایران نمود. ورود این نظامیان و اتباع کشورهای ثالث، مشکل عمده‌ای را در مورد ثبت گذرنامه‌های آنها میان دو کشور ایجاد کرد. زیرا دولت آمریکا خواهان آن بود که گذرنامه‌های این افراد به جای این که در شهربانی ثبت شود در وزارت خارجه ایران ثبت گردد تا از پرداخت هر گونه مالیات، عوارض ورود و کسب جواز کار در ایران معاف شوند. ۱۷ سند در مورد این دو مسئله است.

سند شماره (۴۹)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

از ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۴۱ یک هیئت نظامی در ایران وجود داشته است. کار اصلی آن ارائه کمک به کشورهای خاورمیانه‌ای بود که ایران تا ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳ آن را به عنوان کمکی به خود نپذیرفته بود. در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ یک قرارداد رسمی در رابطه با استقرار هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران

منعقد گردید. با وجود این که قرارداد مزبور در زمان اختتام یعنی سال ۱۹۵۱ تمدید نشد ولی بر اساس یک قرارداد شفاهی با نخست‌وزیر مصدق این هیئت بکار خود ادامه داد.

هدف کلی این هیئت آموزش و ارائه مشاوره‌های اداری و فنی و کمک در تمام زمینه‌های نظامی است تا علاوه بر تسریع روند مدرن‌سازی، کارآیی نیروی زمینی، هوایی و دریایی ایران را نیز بالا ببرد. این هیئت از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه تشکیل شده است. سر تیپ «رابرت ا. مک‌کلور» از ایندیانا فرمانده هیئت؛ و سرهنگ «ورنوم سی. استیونس» از پنسیلوانیا رئیس ستاد است.

از زمان جنگ جهانی دوم هیئت نظامی آمریکا برای ارتقا کارآیی ارتش شاهنشاهی ایران که شامل نیروی هوایی و دریایی نیز می‌باشد، تلاش نموده است. ارتش این کشور در دوران قبل از جنگ جهانی دوم وضع اسف‌باری داشت، چون از لشکرهای غیر استاندارد و غیر مجهز و پراکنده در سراسر کشور تشکیل شده بود. این ارتش فاقد پشتیبانی بود و بسیاری از تجهیزات قدیمی آن فرسوده و نیاز به تعویض داشت. معدود مدارس نظامی موجود نیز در سالهای جنگ از بین رفته بود و کشور با فقدان افسران آموزش دیده روبرو بود. هیئت نظامی آمریکا برای سازماندهی مجدد و نوسازی ارتش، طرحهایی را تهیه نمود. یک نظام تدارکاتی عملی برای آن به وجود آمد. یک روش مترقی تدریس امور نظامی طراحی شد تا افسران واجد شرایط و متخصص بتوانند یک برنامه آموزشی واقع‌گرایانه را طی کنند.

پیدایش برنامه کمک دفاعی نظامی برای ایران تا حدودی راه را برای رسیدن به این اهداف هموار نمود. ولی گهگاه به خاطر تغییر اوضاع سیاسی و فقدان همکاری ستاد فرماندهی ایران با مستشاران آمریکایی، پیشرفت با موانعی روبرو می‌شد. اصولاً طرز برخورد و فکر ستاد فرماندهی، انعکاسی از جو سیاسی دولت موجود و رابطه‌اش با غرب بود. علیرغم تشنجات گذشته و وضع مالی بحرانی ایران، در طول دو سال گذشته کارهای بسیاری انجام گرفته است.

در حال حاضر، با وجود شاه به عنوان رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ستاد فرماندهی ارتش ایران پندها و مشاوره‌های هیئت نظامی را با میل و رغبت بیشتر پذیرفته و در تلاش برای بالا بردن وضع نهاد نظامی همکاری می‌نماید.

طرح توأم با تأخیر سازماندهی مجدد ارتش، که بنا به توصیه هیئت نظامی بوده، در مرحله نهایی اجرا به سر می‌برد. نیروی زمینی از ۱۲ لشکر پیاده (سبک) و سه لشکر زرهی (سبک) که به صورت پنج سپاه رزمی سازماندهی شده‌اند تشکیل گردیده است. هر لشکر دارای واحدهای لجستیکی ویژه خود می‌باشد، تا تعمیر و تدارک واحدهای رزمی دچار وقفه نشود. نظام پیشنهادی ارتش آمریکا به کار گرفته شده و در مرحله اجرا می‌باشد. بخش اعظم تجهیزات مربوط به این نیروها بر اساس برنامه کمک دفاعی نظامی دریافت شده است.

در نتیجه برنامه مرحله‌ای در توپخانه، آموزش واحدها نیز با سرعت بیشتری انجام می‌شود. یکی دیگر از موفقیت‌های قابل ذکر، سازماندهی دانشکده نظامی است. که اساتید آن را افسران ایرانی تشکیل می‌دهند که بر اساس برنامه کمک دفاعی نظامی و در آمریکا آموزش دیده‌اند. این نهاد مرکب از مدارس خدمات و تسلیحات رزمی است که تحت نظر یک سرپرست اداری سازماندهی شده‌اند تا در مورد اعمال هماهنگی و نظارت غفلت نشود. این تأسیسات افسران آموزش دیده‌ای را

تحويل جامعه داد که توانسته‌اند به جذب و بهره‌برداری صحیح از تجهیزات ارائه شده توسط برنامه کمک دفاعی نظامی کمک کنند. این دانشکده نظامی همراه با دو مدرسه مهم دیگر یعنی آکادمی نظامی و دانشکده افسری به افسران اجازه می‌دهد که از تحصیلات پیشرفته نظامی برخوردار شوند. نیاز مادی چیزی است که احتمالاً برای ارتش ایران دارای ارزش عملی و حساس از نظر روانی است. شاه مایل به سازماندهی، تجهیز و آموزش ارتشی است که قادر به دفاع از کشور در برابر هر گونه تهاجم خارجی و نیز حفظ امنیت داخلی باشد. این تجهیز اضافی که در حال حاضر در مورد آن برنامه‌ریزی‌هایی صورت نگرفته، ترکیبی از توپخانه‌های میان‌برد، تسلیحات پدافند هوایی، تانکهای میان‌برد، تجهیزات پل‌سازی، بهبود وضع فرودگاه‌ها و آشناسازی اولیه با هواپیماهای جت می‌باشد. این بخشی از برنامه پیشنهادی دوساله شاه است تا از طریق آن بتوان بنیه، حس اعتماد و اراده ارتش را در مقاومت بر علیه تهاجم بالا برد.

سند شماره (۵۰)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ یک هیئت نظامی آمریکایی در ایران شروع به کار کرد. در ابتداء امر کار آن ارائه کمک به خاورمیانه بود ولی در ۲۳ اکتبر ۱۹۴۳ به صورت کمک رسمی برای ایران به کار پرداخت. طی یک قرارداد رسمی در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ این هیئت مستقیماً به کار در ارتش ایران مشغول شد. پس از اختتام قرارداد در سال ۱۹۵۱ اقدامی در جهت تمدید آن به عمل نیامد و این هیئت بر اساس یک قرارداد شفاهی منعقد شده با نخست‌وزیر پیشین یعنی مصدق مشغول به کار شده است. هدف و وظیفه کلی این هیئت ارائه آموزش و مشاوره اداری و فنی و کمک در تمام زمینه‌های نظامی می‌باشد به نحوی که بتواند نوسازی و کارآیی نیروی زمینی، هوایی و دریایی شاهنشاهی را افزایش دهد.

این هیئت از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه تشکیل شده است. سرتیپ رابرت. ا. مک‌کلور از ایندیانا فرمانده این هیئت و سرهنگ ورنوم سی. استینوس از پنسیلوانیا رئیس ستاد هیئت است. در حال حاضر با وجود ناقص بودن برنامه‌های آموزش و تجهیز، نیروهای مسلح ایران پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند که این پیشرفت به خصوص در زمینه ترابری، زرهی، مخابرات، پشتیبانی، تعمیر و نگهداری و آموزش محسوس است به طور مثال:

بسیاری از انواع وسایط نقلیه، ارائه شده و پرسنل لازم آموزش دیده، قادر به اداره آنها می‌باشند. ارتش شاهنشاهی ایران از قدرت تحرک محدودی برخوردار شده است. در مقایسه با واحدهای آمریکایی، می‌توان واحدهای ایران را نیمه متحرک خواند. محدودیتهای سیستم پشتیبانی و سوخت رسانی، قابلیت تحرک آنها را محدود می‌سازد راهها و مناطق کوهستانی، آنان را از نظر ترابری شدیداً به چهار پایان متکی ساخته است.

در حال حاضر هر لشکر پیاده و زرهی مجهز به یک گروهان تانک سبک است. علاوه بر این دو لشکر زرهی موجود مجهز به یک گردان تانک متوسط ۷۶ میلیمتری می‌باشند. محموله‌های جدید ایران را تانکهای ۹۰ میلیمتری تشکیل می‌دهند. یک کادر مخصوص تشکیل شده تا آموزش لازم را

در زمینه سومین گردان تانک ارائه کنند. علاوه بر این، وسایل نقلیه زرهی M ۲۰ و M ۸ نیز به این ارتش داده شده و عناصر جدید امنیتی، و شناسایی، مخصوص اطراف تجهیزات سبک زرهی در لشکرهای پیاده و زرهی تشکیل خواهند شد.

سیستمهای مخابراتی باسیم و بی سیم ایجاد شده و کنترل تاکتیکی بهتری را ارائه می کند. آموزش در زمینه کاربرد بهتر از سلاحهای پشتیبانی مانند توپخانه، خمپاره انداز، موشک انداز و تفنگهای بدون خان، افزایش قدرت آتش این ارتش را تحقق بخشیده است. افزایش کنترل آموزشی آمریکا در بالا بردن کارایی ارتش ایران ضروری تشخیص داده شده است. پیشنهادهای مربوط به اجراء آن به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران ارجاع گردیده ولی هنوز مورد قبول واقع نشده است.

واقعیت این است که هنوز باید در زمینه پشتیبانی و تعمیر و نگهداری بخصوص در پشتیبانی از «واحدهای رزمی»، فعالیتهای بسیاری انجام پذیرد. ولی در صورتی که پرسنل آموزش دیده و لوازم یدکی به اندازه مورد نیاز در دسترس باشد و در صورتی که سیستم انبارداری رضایت بخشی به وجود آید، بهبود زیادی در وضع موجود پدید خواهد آمد.

ستون فقرات هر گونه پیشرفت فنی و تاکتیکی در هر تشکیلات نظامی، سیستم آموزش مخصوص پرسنل آموزش دیده است. در طی دو سال گذشته سیستم آموزش نظامی، بازسازی شده تا در تمام زمینه ها، آموزشهای لازم را ارائه کند. آموزش پیشرفته هماهنگ با خط مشی های فنی و تاکتیکی صحیح باید توسط افسران انجام شود تا بتوانند به درجات بالاتر ارتقاء پیدا کنند. به عنوان یک پروژه درازمدت، باید گفته شود که سیستم آموزشی بدون شک نقش مهمی را در آینده نهاد نظامی ایران ایفا خواهد کرد.

سند شماره (۵۱)

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ژاندارمری شاهنشاهی ایران (جنمیش)

۱- ژاندارمری ایران یکی از دو ارگان موجود در اختیار وزارت کشور (دیگری شهربانی ایران است) جهت حفظ امنیت و نظم در داخل ایران می باشد. نیروی ژاندارمری مرکب از ۲۱۰۰۰ نفر و در زمان صلح دارای مأموریتی دوگانه است.

الف - برقراری نظم و قانون در ایران بجز در مناطقی که شهربانی در آنها مستقر شده و دیگر نقاط قبیله نشین و مرزی که تحت کنترل ارتش است.

ب - اجراء بخشنامه های وزارتخانه ها و دوایر دولتی در مناطقی که تحت کنترل شهربانی نمی باشد. این امر شامل احضاریه ها و ارائه اخطاریه های حقوقی است.

نقش زمان جنگ ژاندارمری شامل چند وظیفه دیگر از جمله نقش پلیس نظامی در حمایت مستقیم از ارتش است. در حال حاضر دولت در نظر دارد قدرت ژاندارمری را به طرز قابل توجهی افزایش دهد.

۲- هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران در ماه اوت ۱۹۴۲ به وجود آمد قراردادی در مورد رابطه بین هیئت و دولت ایران در ۱۹۴۳ مورد مذاکره و انعقاد قرار گرفت و تا زمان اختتام آن یعنی

اکتبر ۱۹۵۲ مرتباً تمدید گردید. در آن زمان نخست‌وزیر به سفیر آمریکا اطمینان داد که در عین حال که تمدید آن ضرورت دارد ولی این هیئت می‌تواند، بر اساس قرارداد مختومه عمل کند تا این که قرارداد جدیدی منعقد گردد و یا دولتین دو کشور تشخیص دهند که دیگر خواهان ادامه فعالیت هیئت نیستند. این هیئت از هفت افسر کادر و هشت افسر وظیفه تشکیل شده است. رئیس هیئت سرهنگ «چارلز. بی. مک‌کلیلاند» دارای شماره سریال خدمتی ۱۷۵۵۸، از «کاوینگتون، تنسی» آمریکا است. هدف هیئت مشاوره و کمک به وزیر کشور از طریق فرماندهی کل ژاندارمری در بهبود وضع سازمانی، آموزشی، تجهیزاتی و توان عملیاتی ژاندارمری می‌باشد. مهمترین اهداف آن عبارت است از:

الف - بهبود عملکرد ژاندارمری در حوزه مأموریت خود.
ب - بهبود توان رزمی آن برای اجراء مأموریت خود و نیز پشتیبانی از ارتش ایران در صورت حمله یک قدرت خارجی به ایران.

ج - بهبود وجهه آن در انظار عموم.

این هیئت در نقش مستشاری خود فاقد هر گونه قدرت اجرایی است. اهداف از این طرق برآورده خواهند شد: تدریس در مدرسه ژاندارمری، مساعدهای امنیتی در زمینه‌های مناسب از برنامه‌های کمک دفاعی متقابل (MDAP) گرفته تا همکاری فنی برای برنامه ایران (ICI) و از طریق تسلیم پیشنهادهایی که به منظور تنفیذ و شکل دادن سیاستها و برنامه‌ها در تمام زمینه‌های فعالیتهای ژاندارمری تهیه شده است. توصیه‌ها، نتایج مطالعات مداوم و تحقیقات انجام شده و سفرهای منطقه‌ای اعضاء هیئت می‌باشد.

۳ - پیشرفت برنامه هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران، این هیئت در عملیات خود فاقد قدرت اجرایی است و از طریق حس اعتماد و همکاری در ژاندارمری و دیگر ادارات دولتی ایران به موفقیت خواهد رسید. این هیئت در این زمینه بسیار موفق بوده و از اعتماد و احترام کامل ژاندارمری و وزارت کشور برخوردار شده است. علیرغم این موفقیت کامل، در مسیر اهداف هیئت موانعی وجود داشته است.

در حال حاضر محدودیتهای بودجه‌ای، مانع بزرگی در راه از بین بردن کمبودهای موجود در این نیرو است.

علیرغم این کمبودها، هیئت، پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های تشکیلاتی، ستادی، مخابرات، ترابری، مسکن، بهداشت اولیه و آموزش داشته است. در صورت ادامه حمایت از برنامه کمک دفاعی متقابل و قرارداد همکاریهای فنی دوجانبه و کمکهای مالی دولت در مدرن‌سازی تجهیزات ژاندارمری، این هیئت خواهد توانست اهداف مورد نظر خود را تحقق بخشد.

سند شماره (۵۲)

طبقه‌بندی: ندارد - تاریخ: ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۴ - ۲۳ تیر ۱۳۳۳ تهران، ایران

هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش ایران

قرارداد بین دولت آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران، هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران را پدید آورد که قرارداد مزبور رسماً در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ منعقد گردید. هدف و وظیفه کلی این هیئت ارائه

کمک و مشاوره آموزشی، اداری و فنی در تمام جنبه‌های نظامی است تا نوسازی و کارایی نیروی زمینی، نیروی هوایی و دریایی ایران بهبود پیدا کند. هم اکنون این هیئت مرکب از ۹۲ پرسنل نظامی آمریکا یعنی ۳۱ افسر کادر و ۶۱ افسر وظیفه می‌باشد. رئیس هیئت سر تیپ رابرت. ا. مک‌کلور است و معاون و رئیس ستاد، سرهنگ ادوین ا. ماچن. جی آر. می‌باشد.

در حال حاضر، گرچه برنامه‌های آموزشی و تجهیزاتی کامل نیست، ولی ارتش ایران، پیشرفت بسیاری داشته که این امر در زمینه‌هایی چون ترابری، زرهی، مخابرات، پشتیبانی، تعمیر و نگهداری و آموزش بسیار محسوس است. به طور مثال، چندین نوع وسیله نقلیه در اختیار ارتش قرار داده شده و پرسنل مخصوص آنها آموزش دیده‌اند. این امر، همراه با ارائه سیستم تدارکاتی مدرن، توان رزمی نیروی ایرانی را در رابطه با انتقال سریع نیروهای خود از یک نقطه به نقطه دیگر نسبت به سابق افزایش داده است.

دریافت تانکها سبب آموزش پرسنل و سازماندهی گردانهای تانک و گروهانهای مستقل تانک شده است.

سیستم‌های مخابراتی رادیویی و باسیم نیز توسعه پیدا کرده و در نتیجه کنترل فنی را افزایش داده است.

آموزش در زمینه سلاحهای پشتیبانی، مانند توپخانه، خمپاره انداز، موشک انداز و تفنگهای بدون خان نیز میزان آتش نیروها را افزایش بخشیده است.

ایجاد یک سیستم آموزش نظامی مشابه آنچه که در ارتش آمریکا است از اهمیت زیادی برخوردار بوده و آموزش در تمام زمینه‌های تخصصی را ارائه می‌کند. تمام افسران باید در این کلاسها حضور یابند تا بتوانند به درجات فرماندهی بالاتر ارتقاء یابند. در درازمدت، نظام آموزشی بدون شک تأثیر مهمی بر گسترش نهاد نظامی ایران باقی خواهد گذاشت.

سند شماره (۵۳)

ستادها شماره: ۱ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ - (۲۴ شهریور ۱۳۳۳)
قسمت ۱ - ادغام و سازماندهی مجدد «آرمیش - مگ»

هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و

گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده دستورات کلی

از این تاریخ، ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران (آرمیش) و گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده به ایران (مگ)، تجدید سازمان و ادغام گردیده‌اند، همان گونه که در یادداشت ستادی شماره ۳، مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴، ذکر گردیده است.

ستادهای ادغام شده به طور رسمی به عنوان ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و گروه مشاورین کمکهای نظامی ایالات متحده به ایران، نامیده می‌شوند. به طور غیر رسمی به عنوان ستادهای آرمیش - مگ (ARMISH - MAAG) نامیده می‌شود.

قسمت ۲- بیانیه‌های ستاد

مسئولیت‌های اصلی ستاد به شرح زیر واگذار می‌گردد:

- ریاست ستاد..... سرهنگ ادوین. ا. ماچن جونیور، GS ۰۲۱۲۸۴
- معاون رئیس ستاد (رکن ۱)..... سرهنگ دوم مات. سی. سی. بریستول، جونیور، GS ۰۲۲۰۲۷
- معاون رئیس ستاد (رکن ۲)..... سرهنگ جاک، ام. لوم. Inf ۰۲۶۷۱۴۸
- معاون رئیس ستاد (رکن ۳)..... سرهنگ هارولد. هانس فلت. GS ۰۲۲۱۹۵
- معاون رئیس ستاد (رکن ۴)..... سرهنگ جیمز، ای. باربر، GS ۰۳۷۳۱۰۷
- ریاست قسمت هوایی..... سرهنگ جرج. جی. نورثروپ، A ۴۸۰، نیروی هوایی ایالات متحده.
- ریاست قسمت دریایی..... ناخدا هوراس. سی. لایرد جونیور، ۷۵۰۰۰، نیروی دریایی ایالات متحده.
- بنا به دستور سرهنگ ماچن:

آیوی

سرگرد، AGC

آجودان کل

گیرندگان:

۴	وابسته نظامی، تهران	۳	TAG و Attn: AGAO - I
۲	بیمارستان	۱	ستاد نیروهای آمریکا در اروپا
۲	پارک موتوری	۱	پایگاه هوایی تهران CG
۲	امور مالی، قاهره	۲	CINCNELM
۲	بایگانی	۲	سفارت ایالات متحده - تهران

سند شماره (۵۴)

شماره ۲۶۱ - ۱۶ سپتامبر ۱۹۵۴ - ۱۳۳۳/۶/۲۵

یادداشت برای: رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی ایران

وزارت جنگ اداری مستشاری تهران، ایران

موضوع: تجدید سازمان آرمیش - مگ

۱ - در نتیجه مطالعه اخیر جهت بهبود کارایی عملیاتی ARMISH - MAAG، که به نامه مورخ ۲۹ اوت ۱۹۵۴ من باز می‌گردد، ادغام این دو سازمان به اجراء درآمده است. این امر به هیچ وجه قرارداد هیئت را با دولت ایران، تحت تأثیر قرار نخواهد داد و در آینده موجب حمایت مؤثر و بیشتری برای ارتش شاهنشاهی ایران خواهد بود. برخی از تغییرات جهت انجام حمایت‌های مؤثرتر از ارتش ایران، مختصراً در اینجا آمده است.

۲ - جهت تسهیل در پیشرفت مداوم ارتش ایران، تغییر مؤثری در وظایف مستشاران فنی و رزمی به وجود آمده است. همان طور که اطلاع دارید، مسئولیت مستشاران برای کمک به ارتش شاهنشاهی ایران به سه مورد تقسیم می‌شود: مشاوره و کمک به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و ادارات تابعه آن، کمکهای آموزشی به تمام واحدهای ارتش شاهنشاهی ایران، مشاوره و کمک به بهره‌برداری از سیستم دانشکده.

در گذشته تأکید بر وظیفه اخیرالذکر، در دانشگاه نظامی، قرار داده شده بود به حدی که رؤسای دانشکده بیشتر بر مستشاران فنی و رزمی تکیه می‌نمودند و انتظار داشتند که آنها تمام وقت خود را در دانشکده‌های مربوطه بگذرانند. زمانی که دانشگاه نظامی برای شکل‌گیری در حال مبارزه بود، این امر ضروری و مناسب می‌نمود، اما به دلیل این که این دانشکده به نحو خوبی تأسیس شده و بطور مؤثری اداره می‌شود، به نظر می‌رسد که اکنون می‌بایستی تأکید بر مشاوره و کمک به ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و ادارات تابعه آن و واحدهای عملیاتی قرار گیرد. این مسئله در تجدید سازمان آرمیش - مگ مورد ملاحظه قرار گرفته است.

۳ - امتیاز ویژه، تأسیس رکن سوم (G - 3) که دارای یک شاخه آموزشی و یک شاخه طرح و عملیات و سازماندهی است، می‌باشد. این امر اجازه خواهد داد تا همکاری و همبستگی نزدیکی با بخشهای مشابه در ستاد شما صورت گیرد. این امر تسهیلاتی در زمینه‌های ذیل فراهم خواهد نمود؛ هدایت و کمک در طراحی، سازماندهی و امور آموزشی به منظور در بر گرفتن برنامه‌ها و یادداشتهای آموزشی، تمرین پاسگاه فرماندهی (CPX)، مانورها، آموزش بازرسی، طرحهای دفاعی، سازماندهی واحدها و ستادهای جدید، بازدیدهای صحرایی و تأسیس و نگهداری بایگانیهای آموزشی.

۴ - لازم به ذکر است، در سازماندهی جدید، پستهای اختصاص یافته برای مستشاران در دانشگاه نظامی، دانشکده نظامی و دانشکده ستاد تغییری نکرده است. تنها تغییر در این زمینه، انتقال افسران خاصی می‌باشد. به دلیل این که سرهنگ بنسون قرار است به زودی به ایالات متحده برگردد، سرهنگ وایت این وظایف را انجام خواهد داد، لذا فرصت مناسبی برای سرهنگ وایت به منظور توجیه نسبت به وظایف سرهنگ بنسون وجود دارد. هنگامی که سرهنگ دوم میل (MALE) از آمریکا بیاید، به دانشکده نظامی منتقل خواهد شد.

۵ - درخواست شده است که رؤسای دانشکده به نحو مقتضی با اطلاعات مندرج در این نامه، توجیه شوند.

ادوین ا. ماچن

سرهنگ GS

کفیل ریاست هیئت

سند شماره (۵۵)

وزارت جنگ تهران، ایران
شماره: ۱۲۹۷۳/۳۶۵۲
۶ ژانویه ۱۹۵۵ - ۱۳۳۳/۱۰/۱۶

یادداشت برای: رئیس اداره مستشاری، وزارت جنگ

(رئیس هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران،

رئیس گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران)

موضوع: ادغام آرمیش - مگ

وزیر جنگ هیچ گونه اعتراضی نسبت به ادغام هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران و گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ (۲۴ شهریور ماه ۱۳۳۳ - م) نداشته و با این امر موافق است.

به نظر من، این ادغام به هیچ وجه قراردادهای موجود میان دو دولت ما را، که به هیئت مستشاران و گروه مشاورین مجوز لازم را می‌دهد، تحت تأثیر قرار نخواهد داد. به علاوه معتقدم که این ادغام برای حداکثر استفاده از پرسنل موجود ایالات متحده، که به هیئت مستشاری و یا به گروه مشاورین منتقل شده‌اند، صلاح دانسته شده است.

(امضاء): وزیر جنگ، سپهبد، الف. هدایت

کپی مطابق با اصل

دی. دبلیو. ایوی سرگرد

سند شماره (۵۶)

به: رئیس ستاد ارتش ایالات متحده واشنگتن، دی - سی. ۱۷ ژانویه ۱۹۵۵ - ۱۳۳۳/۱۰/۲۷
ستادهای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و
گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران و نیویورک
موضوع: ادغام و تجدید سازمان آرمیش - مگ

۱ - در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴، با اقدام ستاد فرماندهی محلی، همان گونه که در دستور عمومی شماره ۱ این ستاد (کپی الصاقی به عنوان ضمیمه ۱) بیان شده است، هیئت نظامی ایالات متحده در ارتش ایران و همچنین گروه مشاورین کمک نظامی ایالات متحده به ایران به منظور حداکثر استفاده از پرسنل موجود، تجدید سازمان و در هم ادغام شدند.

۲ - مهمترین تغییرات لازم برای تجدید سازمان فوق‌الذکر در یادداشت شماره ۳ ستاد این مرکز فرماندهی مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴ ذکر شده است. (کپی الصاقی به عنوان ضمیمه ۲). مشکلترین مسئله در زمینه تجدید سازمان، مستلزم این بود که رئیس بخش ارتش در مگ، نیز به عنوان جمعی رکن چهار (4 - G) معرفی شود، مشکلی که به واسطه درخواست تعویض، به راحتی قابل حل خواهد بود.

۳ - به طور غیررسمی از سوی یک نماینده رکن سوم (3 - G) وزارت ارتش (آمریکا - م) به نام (سرگرد رکس هیتون، کد آژانس عملیاتی DA, G3, s) مطلع شدم که نظر وزارت ارتش درباره ادغام آرمیش - مگ این بوده که دستور عمومی ۱ (ضمیمه ۱) می‌بایستی پس گرفته شود تا این که در ابتدا

رضایت وزیر جنگ ایران جلب شود. ضمیمه الصاقی ۳، یک کپی مطابق با اصل از نامه وزیر جنگ ایران است که شامل رضایت رسمی وی نسبت به ادغام و تجدید سازمان می‌باشد.

۴ - منظور از تجدید سازمان و ادغام این نیست که قراردادهای بین دو دولت را در زمینه هیئت و مگ تحت تأثیر قرار دهد و یا این که جداول سهمیه مجاز و جداول توزیع دو سازمان ترکیب شود. بر عکس، مؤکداً سفارش شده است که قراردادهای جداگانه، مضاف بر جداول جداگانه توزیع و سهمیه مجاز برای هیئت و مگ، ادامه پیدا کنند تا خروج احتمالی مگ را در هر زمانی در آینده، ممکن سازد.

۵ - بخش نیروی هوایی آرمیش، و نیز بخش نیروی هوایی مگ، به نحو یکسانی ترکیب شده‌اند اگرچه تأثیر این ترکیب این است که این دو بخش مجزا را تحت لوای یک بخش هوایی آرمیش - مگ به ریاست افسر ارشد نیروی هوایی موجود، در خواهد آمد.

۶ - بخش نیروی دریایی آرمیش - مگ، که شامل دو افسر کادر و دو افسر وظیفه مأمور شده به مگ، است نسبتاً از ادغام مورد نظر تأثیر پذیرفته است. به هر حال، رئیس بخش دریایی به طور داوطلبانه همانند گذشته به عنوان مشاور در نیروی دریایی شاهنشاهی به کار خود ادامه می‌دهد.

۷ - قبل از تجدید سازمان و ادغام رسمی در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴، بسیاری از فعالیتهای آرمیش و مگ ضرورتاً بر پایه‌ای از ادغام صورت می‌گرفت. برای مثال بخش آجودانی کل آرمیش، بخش تدارکات آرمیش و بخش پارک موتوری آرمیش به هر دوی هیئت و مگ سرویس می‌دادند، همان گونه که اداره پست ارتش متعلق به مگ و بیمارستان ارتش ایالات متحده متعلق به مگ به هر دو سرویس می‌دادند. در بیشتر موارد پرسنلی که به فعالیتهای فوق‌الذکر مأمور شده بودند از هر دوی هیئت و مگ بودند. در واقع پایه غیر رسمی ادغام که در عمل به وجود آمد تا حدی امر تجدید سازمان و ادغام را منظم ساخت.

۸ - سازماندهی مجدد و ادغام فوق‌الذکر، نزدیک به ۵ ماه مشغول به فعالیت بوده است. و نشان داده که کاملاً مؤثر و تضمین شده است به خصوص در مورد استفاده فزاینده از آرمیش - مگ توسط نیروهای مسلح ایران و عملیات فوق‌العاده و مسئولیتهای اداری که به هنگام ورود تیمهای آموزشی ایالات متحده، بر دوش این مرکز فرماندهی قرار گرفت. تأیید ادغام و تجدید سازمان این ستادها، که به طور غیر رسمی به آرمیش - مگ معروف شده است، از طرف وزارت ارتش مورد تقاضا می‌باشد.

رابت ا. مک‌کلور

سرتیپ، فرماندهی آمریکا

۳ ضمیمه:

۱ - کپی دستور عمومی شماره ۱ ستاد آرمیش - مگ مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴.

۲ - کپی یادداشت شماره ۳ ستاد آرمیش - مگ مورخ ۲۶ اوت ۱۹۵۴.

۳ - نامه وزیر جنگ ایران مورخ ۶ ژانویه ۱۹۵۵

کپی مطابق اصل

دی. دلیو. آیوی سرگرد، AGC

سند شماره (۵۷)

تاریخ: ۵ می ۱۹۵۶ - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۵

فعالیت هیئت‌های نظامی در ایران

۱ - علاوه بر وابسته‌های نیروی زمینی، دریایی و هوایی سفارت آمریکا، سه هیئت نظامی آمریکایی نیز در ایران بر اساس قراردادهای منعقد شده بین دولت‌های ایران و آمریکا مشغول به کار هستند، این هیئت‌ها عبارتند از:

الف: هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران (آرمیش)

ب: گروه مشاورین کمک نظامی به ایران (مگ)

ج: هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ژاندارمری شاهنشاهی ایران (جنمیش)

۲ - هیئت نظامی آمریکا در ارتش شاهنشاهی ایران

الف. مأموریت: وظیفه این هیئت کمک و مشاوره با وزیر جنگ ایران، ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و واحدهای تابعه ارتش ایران (از جمله نیروی هوایی و دریایی) در مورد مسائل مربوط به طرحها، سازمان، مدیریت و آموزش است. اعضاء هیئت هیچ گونه مسئولیت عملیاتی یا فرماندهی در ارتش ایران ندارند، لیکن می‌توانند رسماً به بازرسی و تحقیق جهت پیشبرد وظایف خود بپردازند.

ب. سازمان: این هیئت مرکب از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه و یک گروه هوایی مرکب از ۱۶ افسر و ۱۲ خدمه هواپیمایی می‌باشد. این هیئت فاقد گروه دریایی است، ولی قسمت دریایی در مگ در زمینه وظایف مشورتی به آن کمک می‌نماید. فرمانده هیئت، فرمانده گروه مشاورین کمک نظامی است و رئیس ستاد هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران معاون وی می‌باشد. هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران در حال حاضر یک سازمان هماهنگ خدماتی تحت سرپرستی یک اداره اجرائی یعنی وزارت ارتش (آمریکا - م) است.

ج. سابقه: یک هیئت نظامی از ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ در ایران بوده ولی ابتداء کار آن ارائه کمکهای برنامه «وام و اجاره» به خاورمیانه بوده است. اولین افسرانی که نمایندگی این هیئت را داشتند در اکتبر ۱۹۴۲ وارد ایران گردیدند. یک قرارداد رسمی تصریح کننده مأموریت و سازمان، بین دولتین آمریکا و ایران در نوامبر ۱۹۴۳ امضاء گردید. متن تجدید نظر شده قرارداد نیز در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ تهیه و امضاء شد؛ این قرارداد دائماً تمدید گردیده و مدت آخرین تمدید آن دو سال، از ۲۱ مارس ۱۹۵۶ بوده است.

۳ - گروه مشاورین کمک نظامی

الف. مأموریت: به طور خلاصه مأموریت گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا در ایران اجراء اهداف و تضمین اجراء مؤثر برنامه کمک دفاعی متقابل در ایران است.

ب. سازمان: گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران از یک بخش ارتشی (به استثناء تیمهای آموزش صحرائی) مرکب از ۲۵ افسر کادر و ۲۰ افسر وظیفه، یک بخش هوایی مرکب از ۵ افسر کادر

و ۷ افسر وظیفه و یک بخش دریایی مرکب از دو افسر کادر و دو افسر وظیفه تشکیل شده است. فرمانده گروه مشاورین کمک نظامی، فرمانده هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران است. گروه مشاورین کمک نظامی در ایران در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۵۵ تحت سرپرستی فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا قرار گرفت.

ج. سابقه: قرارداد کمک دفاعی متقابل که گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا در ایران را تأسیس نمود در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۵۰ منعقد گردید. با این وصف تجهیزات مربوط به این قرارداد تا سال مالی ۱۹۵۲ وارد ایران نشد.

۴ - هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران

الف. مأموریت: وظیفه این هیئت کمک و مشاوره با وزیر کشور به منظور بهبود سازمان و عملیات ژاندارمری ایران است. مهمترین اهداف این هیئت عبارتند از پدید آوردن معیارهای عالی کارایی، بالا بردن وجهه و اعتبار و جلب حمایت مردمی به منظور بالا بردن پتانسیل نظامی در تقویت ارتش ایران در مواقع بروز یک بحران ملی.

ب. سازمان: هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران از ۸ افسر کادر یک افسر مأمور، و ۹ افسر وظیفه تشکیل شده که همگی پرسنل نظامی هستند. این هیئت یک سازمان خدماتی یکنواخت و یک دست است که فعالیتهای خود را مستقیماً به اداره اجرائی وزارت ارتش گزارش کرده و تحت فرماندهی فرماندهی فرمانده هیئت نظامی آمریکا در ارتش و گروه مشاورین کمک نظامی نیست. در زمینه برنامه‌های کمک دفاعی متقابل این هیئت تحت سرپرستی فرمانده گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران قرار می‌گیرد.

ج. سابقه: هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران بنا به درخواست مورخ ۱۹۴۲ دولت ایران تشکیل شد. یک قرارداد رسمی در نوامبر ۱۹۴۳ امضاء گردید که مرتباً مورد تجدید نظر و تمدید قرار می‌گرفت و آخرین تمدید آن برای مدت دو سال از ۲۱ مارس ۱۹۵۶ آغاز گردید.

۵ - ادغام هیئت نظامی آمریکا در ارتش و گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا (آرمیش - مگ)

این دو گروه قبلاً به طور مجزا ولی تحت سرپرستی یک فرمانده تا سپتامبر ۱۹۵۴ کار می‌کردند، ولی در این تاریخ ادغام شدند تا علاوه بر صرفه‌جویی در پرسنل، کارایی عملیاتی آنها نیز افزایش یابد. این ادغام بعداً توسط وزارت ارتش و وزارت دفاع مورد تصویب قرار گرفت.

آرمیش - مگ بر اساس یک نظام عادی ستادی، سازمان یافته و دارای بخشهای دریایی و هوایی جداگانه مرکب از اعضای هر دو گروه می‌باشند. بخشهای ستادی عمومی امور اداری فرماندهی، مشاورت نظامی و وظایف مربوط به برنامه‌های کمک دفاعی متقابل را انجام داده و بخشهای خدمات فنی و تسلیحات رزمی را در اجراء فعالیتهای مشابه تحت کنترل دارند. آرمیش - مگ از یک پارک موتوری، انبار تدارکاتی و خدمات بیمارستانی مربوط به دو هزار شهروند آمریکایی مقیم ایران و نیز از تفریحگاه، به طور مشترک استفاده می‌کنند. جداول توزیع سازمانی و مالی برای اعضاء دو گروه تفکیک شده‌اند، زیرا در مورد هر یک از دو گروه قرارداد خاص با دولت ایران امضاء شده و علاوه بر

این سرمایه‌گذاری لازم برای برنامه کمک دفاعی متقابل چنین ایجاب می‌کند.

۶- تیم‌های آموزش صحرائی

الف. عمومی: در اکتبر ۱۹۵۴، وزارت ارتش پنج تیم آموزشی صحرائی هر یک مرکب از سیزده افسر کادر و سیزده افسر وظیفه را تشکیل داد تا در زمینه آموزش صحرائی به ارتش ایران کمک نمایند. تیم‌های آموزشی قرار بود در طی یک مدت شش ماهه از ابتدای ژانویه ۱۹۵۵ (دی ماه ۱۳۳۳ - م) وارد ایران شوند، این پنج تیم در حال حاضر مشغول انجام وظیفه در شش لشکر ایران می‌باشند (یعنی یک تیم دو لشکر را به عهده گرفته است). نتایج اولیه حاصل از کار تیم‌ها بسیار خوب بوده است. جزئیات بیشتر مربوط به کار تیم‌ها در پاراگراف آموزشی ضمیمه یکم، بخش ارتش، این گزارش آمده است.

ب. مدیریت: این پنج تیم در یک ایستگاه وظیفه دائم در یکی از شهرهای بزرگ ایران مستقر شده‌اند. میانگین فاصله آنها از ستاد مرکزی آرمیش - مگ در تهران حدود ۵۰۰ مایل است. به هر تیم یک جدول محدود توزیع تجهیزات از جمله وسایط نقلیه داده شده است. با این حال هیچ گونه محلی تحت اجاره دولت، در اختیار آنها قرار داده نشده و اعضاء هر تیم فقط از مزایای قرارگاه استفاده می‌نمایند. توافقاتی نسبتاً غیررسمی سبب شده که هر تیم بتواند محل زندگی مناسبی برای خود اجاره کند. از آنجا که هیچ شعبه‌ای از اداره خواربار ارتش آمریکا در ایران وجود ندارد، این تیم‌ها از طریق استفاده از یک فروشگاه تعاونی در سفارت و استفاده از بازار محلی، تدارک می‌شوند.

سند شماره (۵۸)

خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
تلگرام سفارت به شماره ۴۴۵

موضوع: ترتیبات ساختمان سازی نظامی

Military Construction Arrangements

امروز، سفیر و وزیر امور خارجه ایران، یادداشتهای مورد توافق و معتبر مربوط به «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» میان دو دولت را مطابق با شرایط موافقتنامه کمک دفاعی متقابل مورخ ۲۳ می ۱۹۵۰ مبادله کردند. این ترتیبات یک موافقتنامه را تشکیل نمی‌دهد و نمی‌بایست به عنوان قسمتی از مجموعه رسمی موافقتنامه‌ها و معاهدات ایالات متحده گنجانده شود. این ترتیبات محرمانه نمی‌باشند، اما برای آسودگی خاطر دولت ایران، در حال حاضر در ایران چاپ و یا منتشر نخواهند شد.

توافقنامه پس از ماه‌ها بررسی پیشنهادهای دو دولت حاصل گردید. سرانجام، پس از مشکلاتی چند و تلاش برای سازشهای ممکن بر نکات بغرنج، طرف آمریکایی توانست توافقنامه را مطابق با متن پیش‌نویس اصلی که از سوی وزارتخانه‌ها و ادارات ذی نفع واشنگتن تصویب شده بود، به دست

آورد و از سوی سفیر به وزیر امور خارجه، با اندکی اصلاحات در عبارت و بدون تضعیف معنی، تقدیم گردید.

تبادل یادداشتها، بدون هیچ گونه تأخیری، به محض این که هیئت وزرای ایران متن کامل را تصویب نمود، به اجراء درآمد.

هر دو یادداشت مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ است. متن یادداشت ایالات متحده به عنوان ضمیمه شماره ۱ و ترجمه انگلیسی یادداشت موافقت ایران در ضمیمه شماره ۲ الصاق شده است. رونوشت یادداشت ایران و نسخه تأیید شده ایالات متحده، به زودی ارسال خواهد شد.

گروه مذاکره کننده ایالات متحده به ریاست «کلیفورد سی. متلوک» معاون ویژه سفیر، سرپرستی می شد. وی نیز از سوی سرهنگ «فیربنک» مهندس بخش خلیج، سرهنگ «لهمن» جمعی رکن چهار آرمیش مگ و رئیس بخش آرمیش - مگ و «زیرینسکی» رئیس شاخه حقوقی بخش خلیج همراهی می گردید. گروه مذاکره کننده ایرانی توسط علی منصور رئیس اداره چهارم سیاسی (میز آمریکا) در وزارت امور خارجه که از سوی نمایندگان وزارت جنگ همراهی می شد، سرپرستی می گردید.

از طرف سفیر:

کلیفورد سی. متلوک

معاون ویژه سفیر

مورخ: ۲۸ شهریور ماه ۱۳۳۵ (۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶)

وزارت امور خارجه این سند ترجمه دو سند لاتین در هم ادغام شده است

شماره ۵۱۴۲

یادداشت

وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران با ابراز تعارفات خود به جناب سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا، به یادداشت سفارت ایالات متحده به شماره ۳۹۶ مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ که در رابطه «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» می باشد، اشاره می نماید.

«تمامی یادداشت مزبور کلمه به کلمه نقل گردیده است.»

در این رابطه، امضاءکننده زیر افتخار دارد به اطلاع برساند که دولت شاهنشاهی ایران با تمامی طرح سند فعلی، موافقت کامل دارد. همچنین مفاد «ترتیبات» فوق از این تاریخ قابل اجراء می باشد و وزارت جنگ مسئول انجام آن است.

فرصت را برای تجدید احترامات خود، مغتنم می شمرم.

امضاء

مهر: وزارت امور خارجه

دولت شاهنشاهی ایران

سند شماره (۵۹)

شماره: ۵۹۶ مورخ: ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ - ۲۱ فروردین ۱۳۴۰

وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران، مفتخر است که به یادداشت غیررسمی آن وزارتخانه به شماره ۳۰۹۳ مورخ ۲۵ می ۱۹۵۹ (۴ خرداد ماه ۱۳۳۸ - م) و به یادداشت این سفارتخانه به شماره ۴۰۷ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۹ (۲۲ تیرماه ۱۳۳۸ - م) اشاره نماید.

سفارت ایالات متحده آمریکا مفتخر است که تجدید موافقتنامه هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ اکتبر ۱۹۴۷ را مطرح سازد. و اصلاحات معینی را در مراحل پرداخت حقوق و مزایا، که در حال حاضر در مواد مختلف قرارداد مزبور گنجانیده شده، را پیشنهاد نماید.

تحت شرایط موافقتنامه‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ دولت ایران، پرداخت حقوق اعضاء هیئت مستشاری ایالات متحده را تقبل می‌نماید. پیرو مصوبه اخیر کنگره ایالات متحده آمریکا، افسران و کارمندان دولت آمریکا که به کشورهای خارجی مأموریت می‌یابند از این پس اجازه ندارند از سوی دولتهای محل مأموریت، حقوق و یا پاداشی دریافت کنند. بنابراین اعضاء هیئت مستشاری ایالات متحده در ایران تمامی حقوق، پاداش و مزایایی را که طبق قانون ایران به علت انجام وظایفشان به عنوان اعضاء هیئت به آنها تعلق می‌گیرد، به دولت ایالات متحده واگذار می‌نمایند.

به منظور اعطای این فرصت به دولت ایران جهت ادامه ایفاء تعهدات خود به دولت ایالات متحده مطابق با قراردادهای هیئت نظامی، پیشنهاد می‌شود که دولت ایالات متحده به عنوان وکیل اعضاء هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران، تمامی پولهایی را که تاکنون دولت شاهنشاهی ایران به این اعضاء پرداخت می‌کرده است را به همان وسعت و مقدار دریافت نماید. دولت ایالات متحده آمریکا، به عنوان وکیل، خرسند خواهد شد که از میزان مبلغ پرداختی از سوی دولت شاهنشاهی ایران در این رابطه، به عنوان وسیله‌ای برای شرکت در هزینه هیئت نظامی ایالات متحده در ایران، مطلع شود. همان طوری که در موافقتنامه‌های قابل اجراء منظور شده است.

سفارت مایل است تأیید نماید که دولت ایالات متحده آمریکا نسبت به جایگزینی عبارت ماده ۲۴ موافقتنامه سال ۱۹۴۷ به شرح زیر موافق است:

«مادامی که این موافقتنامه یا هر قسمت الحاقی آن به اعتبار خود باقی است در صورتی که دولت شاهنشاهی ایران بخواهد پرسنل خارجی دیگری را برای انجام هرگونه خدمتی که به نیروهای مسلح ایران ارتباط داشته باشد، استخدام نماید مراتب قبل از آنکه ترتیب چنین خدماتی داده شود، به خاطر همکاری متقابل به اطلاع مقامات مربوطه دولت ایالات متحده آمریکا رسانیده خواهد شد.»

علاوه بر این، سفارت افتخار دارد که تأسیس یک بخش نیروی دریایی در هیئت نظامی ایالات متحده را پیشنهاد کند. این بخش شامل یک افسر نیروی دریایی ایالات متحده است که می‌بایست با شرایط و مقررات و تغییرات لازم دیده شده موافقتنامه ۱۹۴۷، اداره شود.

دولت ایالات متحده آمریکا این یادداشت و پاسخ مساعد دولت شاهنشاهی ایران را توأمان به عنوان تجدید موافقتنامه‌های هیئت نظامی ایالات متحده، همان طوری که در اینجا اصلاح گردید، تلقی خواهد کرد.

سفارت موقع را برای تجدید احترامات فائقه به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مغتنم می‌شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا - تهران

۱۰ آوریل ۱۹۶۱

سند شماره (۶۰)

محرمانه - تاریخ ۴۰/۳/۲۴

اداره چهارم سیاسی

شماره ۱۳۴۴ - وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و عطف به یادداشت شماره ۵۹۶ مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ راجع به پیشنهاد آن سفارت کبرای درباره طرز پرداخت حقوق افسران و درجه‌داران ارتش کشورهای متحده آمریکا و همچنین موضوع استخدام مأمورین خارجی برای خدمت در ارتش شاهنشاهی موضوع ماده ۲۴ موافقتنامه سال ۱۹۴۷ و پیشنهاد تأسیس قسمت دریایی هیئت نظامی ایالات متحده آمریکا در ایران نظر مقامات مربوطه شاهنشاهی را احتراماً بشرح زیر اظهار می‌دارد.

۱ - در خصوص پرداخت حقوق افسران و درجه‌داران ارتش کشورهای متحده آمریکا قبلاً موافقت شده در صورتی که مستخدمین مزبور وکالت برای دریافت حقوق خود به رئیس هیئت مستشاری تسلیم دارند حقوق آنان به رئیس هیئت مستشاری پرداخته شود، البته اختیار تعیین وکیل دیگر برای دریافت حقوق با افسران و درجه‌داران مزبور است.

۲ - در مورد ماده ۲۴ نیز اصلاحی قبلاً بشرح زیر مورد موافقت مقامات مربوطه شاهنشاهی قرار گرفته است. «مادامی که این موافقت نامه یا هر قسمت الحاقی آن به اعتبار خود باقی است در صورتی که دولت شاهنشاهی ایران بخواهد کارکنان خارجی دیگری را برای انجام هر گونه خدمتی که به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران ارتباط داشته باشد استخدام نماید مراتب قبل از آنکه ترتیب چنین خدماتی داده شود به خاطر همکاری متقابل به اطلاع مقامات مربوطه دولت ایالات متحده آمریکا رسانیده خواهد شد.»

۳ - در خصوص تأسیس قسمت دریایی هیئت نظامی ایالات متحده فعلاً برطبق قانون استخدام مستشاران نظامی یک افسر نیروی دریائی در حدود قانون استخدام مستشاران نظامی و به استناد آن، تعداد افسران نیروی دریایی ایالات متحده در ایران مشغول خدمت است و در صورت ضرورت می‌توان را اضافه نمود محتاج به موافقت نامه دیگری نیست.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا - تهران

سند شماره (۶۱)

بدون طبقه‌بندی تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۱ - ۲۷ شهریور ماه ۱۳۴۰

فقط برای مسئولین - سفارت آمریکا، تهران

شماره: ۱۳۶

موضوع: افزایش احتمالی پرسنل نظامی آمریکا در ایران

پرسنل واحدهای نقشه‌برداری مهندسی ارتش آمریکا، متشکل از تقریباً ۳۰ افسر کادر و افسر وظیفه از سال ۱۹۵۶ تحت مدیریت و جمعی بخشی مهندسی پادگان خلیج بوده‌اند. گروه مذکور ستاد عملیاتی از گردان ۳۰ مهندسی (پایگاه نقشه‌برداری) را شکل می‌داد: این گروه بعداً توسط دسته ۳۲۹ مهندسی (بررسی زمین‌شناسی) که آن نیز دارای استعداد ۳۰ افسر کادر و افسر وظیفه بود، جایگزین شد. این واحد و واحدهای قبلی، تحت مفاد توافقنامه‌ای بین ارتش آمریکا و ارتش شاهنشاهی ایران که در ۱۰ فوریه ۱۹۵۵ (۲۱ بهمن ۱۳۴۴ - م) امضاء شده، وارد ایران شده بودند. مقصود از توافق مذکور اجرای یک طرح مشترک نقشه‌برداری در ایران بود، این طرح در پنج سال گذشته در دست اجراء بوده است. سرهنگ تی. دبلیو. ویت چرچ افسر فرمانده گردان ۶۴ مهندسی (پایگاه نقشه‌برداری) به سفارت اطلاع داده است که نظر به عدم رضایت از پیشرفت برنامه نقشه‌برداری به خاطر کمبود تعداد پرسنل مهندسی شاغل در طرح، تصمیم گرفته‌اند که دسته ۳۲۹ مهندسی را ترخیص و آن را با گردان ۶۴ مهندسی با استعداد ۳۰۰ افسر کادر و وظیفه جایگزین سازند. آن دسته ترخیص شده است و پیشقراولان گردان ۶۴ مهندسی، متشکل از تقریباً ۵۰ افسر کادر و وظیفه وارد ایران شده و بخشهایی را در تهران و استانها مستقر ساخته‌اند.

کپی مدارک زیر توسط فرمانده دسته‌ای از گردان ۶۴ مهندسی به سفارت داده شده است: الف) ترتیبات همکاری بین ارتش شاهنشاهی ایران و ارتش آمریکا برای انجام عکاسی هوایی، کنترل زمین‌شناسی و نقشه‌برداری از ایران «مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۵۵، امضاء شده توسط سرتیپ هدایت، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران و سرلشگر جان. ام. ویلیامز معاون وقت ستاد G-2 ارتش آمریکا؛ ب) یک یادداشت تفاهم بدون تاریخ برای کار کنترل زمین‌شناسی در ایران بین «خدمات نقشه‌ای ارتش آمریکا» و «سازمان جغرافیایی ارتش شاهنشاهی ایران»، امضاء شده توسط سپهبد نوتاش از ارتش شاهنشاهی ایران و سرهنگ جی. دی. ابل از خدمات نقشه‌ای ارتش آمریکا؛ ج) یادداشتی از خلاصه مذاکراتی که منجر به طرح مشترک ارتشهای ایران و آمریکا شده است و همچنین جزئیات کامل روشهای فعال‌سازی این پروژه، کپی این سه یادداشت به ضمیمه ارسال شده است.

قابل توجه این است که «ترتیبات همکاری» تعداد پرسنل نظامی آمریکایی شاغل در این طرح را قید نکرده است، در حالی که پاراگراف b ۴ (۲) و (۳) از «یادداشت تفاهم» بیان می‌کند که «ارتش آمریکا مسئول تأمین مهندسین پروژه که دارای اختیارات کاملی در اجرای طرح هستند، می‌باشد.» و «تأمین ۱۵ تا ۲۰ تکنسین آمریکایی دیگر در صورت نیاز» این سند حاوی مذاکرات مقدماتی است که آن نیز حاوی پاراگراف ۵ (U) می‌باشد که قید نموده: «در توافقی که در ۱۸ ژانویه ۱۹۵۶ در ایران به عمل آمد، مجوز ورود ۳۰ نفر پرسنل به ایران صادر شد.» در هیچ جای دیگر این اسناد از تعداد پرسنل آمریکایی مجاز برای اجرای طرح نقشه‌برداری مشترک در ایران، ذکری به میان نیامده است.

سرهنگ دوم ویت چرچ می‌گوید به او دستور داده شده که گردان ۶۴ مهندسی را (که در حال حاضر مشغول تکمیل پروژه‌ای در لیبی است) با نیروهای اضافی به اینجا بیاورد و تا ماه می یا ژوئن ۱۹۶۲ (خرداد ۱۳۴۱ - م) تمامی گردان در ایران خواهند بود. وی هیچ اطلاعی از ترتیبات رسمی بین ایران و آمریکا برای پذیرش واحد خود ندارد، گرچه می‌داند که سرلشکر بهروز، رئیس سازمان جغرافیایی ارتش شاهنشاهی ایران از این طرح باخبر بوده و از آن استقبال می‌کند.

اخیراً سرهنگ دوم ویت چرچ با سفیر ملاقات نمود و مفاد اطلاعاتی که در بالا بیان شد را در اختیار او گذارد. وی توضیح داد که تمامی نیروهای واحد او در ظاهر تحت عنوان مستشار عمل کرده و از پوشیدن علائمی که آنان را جزء واحد نیروهای آمریکایی نشان دهد، خودداری خواهند وزید. وی افزود به غیر از ۱۲ خانواده از اعضای این واحد که در تهران مستقر می‌شوند، هیچ همراه دیگری با واحد وی نخواهد بود. سفیر خاطر نشان ساخت که سرازیر شدن ۳۰۰ نفر از پرسنل نظامی آمریکایی دیگر به ایران می‌تواند به مشکلات جدی در روابط عمومی منجر شود و اظهار امیدواری کرد که پرسنل گردان ۶۴ مهندسی، قبل از ورودشان به ایران، به طور دقیق غربال و راهنمایی شوند.

روز ۱۶ سپتامبر، سرهنگ دوم هیوبارد از دفتر بازرسی کل نیروی مهندسی ارتش آمریکا با یکی از مقامات سفارت تماس گرفت و این مقام به او گفت که اعزام گردان ۶۴ مهندسی به ایران باعث غافلگیری و تعجب سفارت شده است. سرهنگ دوم هیوبارد قول داد که در بازگشت به واشنگتن در مورد هماهنگی در این موضوع تحقیق خواهد کرد.

از طرف سفیر:

اریک ای. اولاشین

معاون ویژه سفیر MSP

رونوشت:

به سفیر، وزیر مختار، SA، مشاور سیاسی ژنرال هایدن در آرمیش سرگرد شرم در بخش خلیج

سند شماره (۶۲)

تاریخ: ۴۰/۸/۲۱

شماره ۴۲۰۲ - وزارت امور خارجه

اداره چهارم سیاسی

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا پیرو یادداشت شماره ۱۳۴۴ مورخ ۱۳۴۰/۳/۲۴ و عطف به مذاکراتی که با حضور نماینده وزارت جنگ و آقای اولاشین دبیر یکم آن سفارت کبرای به عمل آمد احتراماً اشعار می‌دارد که طبق موافقت وزارت جنگ.

۱ - در صورتی که مستشاران نظامی لیست حقوق را شخصاً امضاء نمایند، پرداخت حقوق از طرف دولت ایران به آنها مانع قانونی نخواهند داشت ولو آنکه بخواهند تمام حقوق خود را پس از دریافت به رئیس هیئت مستشاری و یا سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا تفویض نمایند. و یا آنکه لیست مربوطه را امضاء نموده و تقاضا کننده این پرداخت به وسیله مقامات ایرانی انجام شود.

۲- در خصوص ماده ۲۴ و موضوع مستشار در یابی توافق و ترتیب قبلی به قوت خود باقی بماند. بنا به مراتب فوق خواهشمند است چنانچه با نظرات فوق موافقت حاصل است اعلام فرمایند تا از تاریخ اعلام موافقت در پرداخت حقوق افسران و درجه داران مورد نظر اقدام لازم به عمل آید. وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا مغتنم می‌شمارد.

سند شماره (۶۳)

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۰

اداره گذرنامه و روادید

شماره ۱۲/۱۸۲۸۴

وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود احتراماً اظهار می‌دارد: به طوری که مشاهده می‌شود عده‌ای از دارندگان گذرنامه خدمت که مأموریتی نزد دولت شاهنشاهی ندارند. برای ثبت گذرنامه و دریافت ورقه هویت و روادید به وزارت امور خارجه مراجعت می‌نمایند، حال آن که طبق مقررات از طرف وزارت امور خارجه فقط جهت دارندگان گذرنامه خدمت که از طرف دولت متبوع خود نزد دولت شاهنشاهی مأموریت رسمی داشته باشند ورقه هویت و روادید خروج و مراجعت صادر می‌گردد و سایر دارندگان گذرنامه‌های خدمت و رسمی و مخصوص باید برای دریافت پروانه اقامت و روادید خروج به شهربانی کل کشور مراجعه نمایند. خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به استحضار دارندگان گذرنامه خدمت رسانده شود، موقع را برای تجدید احترام مغتنم می‌شمارد. سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا

سند شماره (۶۴)

شماره ۱۲/۸۸۰۲ - تاریخ ۴۰/۶/۲۶

اداره گذرنامه و روادید

پیوست ندارد - وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای آمریکا در تهران احتراماً اشعار می‌دارد. مدت ثبت اقامت گذرنامه‌های خدمت آمریکایی همان طور که از طرف آن سفارت کبری تقاضا شده بود از یک سال به دو سال تبدیل گردند و از این پس کلیه گذرنامه‌های خدمت که برای ثبت و تمدید ثبت اقامت به وزارت امور خارجه ارسال می‌شود اجازه اقامت دو ساله خواهند داشت.

خواهشمند است در صورت پایان مأموریت و یا خاتمه خدمت کسانی که گذرنامه‌های آنان از نظر اقامت دارای اعتبار است هنگام تقاضای روادید خروج دستور فرمایند تقاضای لغو اجازه اقامت آنان نیز به عمل آید ضمناً در تعقیب یادداشت شمار ۱۲/۱۸۲۸۴ مورخ ۳۹/۱۰/۱۰ خواهشمند است دستور فرمایید فقط گذرنامه‌های خدمت را برای ثبت و تمدید ثبت به اداره گذرنامه و روادید وزارت

امور خارجه ارسال دارند چون طبق قانون هر اقدامی که بر روی گذرنامه‌های عادی صورت گیرد در صلاحیت اداره گذرنامه شهربانی کل کشور است.
موقع را برای تجدید احترام مغتنم می‌شمارد.
سفارت کبرای آمریکا - تهران

سند شماره (۶۵)

تاریخ: ۲۱ اکتبر ۱۹۶۳ - ۲۸ مهرماه ۱۳۴۲

موضوع: یادداشت حقوقی

سؤال: آیا موافقتنامه میان ایالات متحده آمریکا و ایران در رابطه با هیئت نظامی در ایران، اجراء می‌شود؟

بحث: ماده ۳ قرارداد اصلی (قرارداد مورخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ - م) پیش‌بینی می‌کند که چنانچه دولت ایران مایل باشد مدت خدمت هیئت را بیش از موعد قید شده تمدید کند، پیشنهاد خود را کتباً قبل از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ تسلیم خواهد نمود. دولت آمریکا موافقت می‌کند که درباره چنین پیشنهادی تا قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ اقدام نماید. (تأکید از ما می‌باشد). اگرچه هیچ گونه سندی در این اداره وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که چنین پیشنهادها در گذشته صورت گرفته است و متعاقب آنها ایالات متحده اقدام نموده است.

معنای عبارت «اقدام نماید» مبهم است اما به احتمال زیاد در این مورد، یا به معنای تصویب و یا رسمیت دادن موافقتنامه است و یا به معنای اقدام عملی برای برهم زدن موافقتنامه می‌باشد.
من معتقدم که قرارداد به قوت خود باقی است و از همان ابتدای انعقاد، بدون توجه به فقدان تشریفات مربوطه بعدی، به اجراء درآمده است.

این عقیده بر اساس منطق ذیل است:

قراردادها مقدمتاً بر اساس رضایت طرفین قرار دارند یعنی این که قراردادها در حال اجرا هستند به این علت که دو طرف ذی ربط در انعقاد قراردادها، مایل هستند بدون توجه به تشریفات، آنها را اجراء کنند. برای مثال: این قرارداد برای «الغاء» راههای متعددی را پیش‌بینی می‌کند از جمله بازگرداندن هیئت نظامی به وسیله ایالات متحده.

قابل توجه است که ایالات متحده هیچ گام عملی در جهت برهم زدن موقعیت خود در این کشور، برنداشته است. به علاوه، دولت ایران با صدور بیانیه‌ای، مدت موافقتنامه را تا مارس ۱۹۶۴ (فروردین ۱۳۴۳ - م) تمدید کرده است. گرچه موافقت رسمی و مکتوبی با ادامه قرارداد توسط ایالات متحده صورت نگرفته اما حضور مستمر ما در اینجا، یک تأیید ضمنی در این مورد است که قرارداد از زمان نگارش تا حال به قوت خود باقی است. علاوه بر این حتی اگر به خاطر بحث، فرض کنیم که قرارداد به خودی خود خاتمه می‌یافت، ممکن است گفته شود که با رضایت طرفین مجدداً برقرار می‌شود. این روند در حقوق بین‌الملل به عنوان «برقراری مجدد» شناخته شده است. روند مذکور معمولاً در جایی که قراردادها با شروع جنگ فسخ می‌شوند و جایی که طرفین تمایل دارند مواد مورد قبول قراردادهای قبلی را مجدداً برقرار کنند. درخواست می‌شود در حالی که این قضیه یک مورد فوری نیست، من معتقدم که قاعده کلی از طریق قیاس، قابل اجرا می‌باشد. شما ملاحظه خواهید نمود که عامل مقدماتی

رضایت دو جانبه طرفین قرارداد می‌باشد. نه کیفیت رسمیت دادن به خود قرارداد. (مراجعه کنید به کتاب حقوق بین‌الملل اثر اینهایم، چاپ ۱۹۵۵، صفحه ۹۵۰).

سند شماره (۶۶)

از : سفارت آمریکا - تهران
به : وزارت امور خارجه ایران
مورخ : ۹ آوریل ۱۹۶۴ - ۲۰ فروردین ماه ۱۳۴۳
شماره : ۴۷۶ -
سفارت ایالات متحده آمریکا با ابراز تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، احتراماً از آن وزارتخانه در خصوص هرگونه تغییری در روند فعلی ثبت اتباع ایالات متحده، به خصوص افرادی که با ادارات دولت ایالات متحده قرارداد بسته‌اند و دارای پاسپورت معمولی (غیر خدمت) می‌باشند، استفسار می‌نماید. همچنین سفارت از اطلاع در مورد دستورالعمل وزارتخانه در خصوص تغییرات احتمالی در روند ثبت برای موارد ذیل، تقدیر خواهد نمود:
۱) اتباع کشور ثالثی که از سوی ادارات دولت ایالات متحده استخدام شده‌اند.
۲) وابستگان اتباع ایالات متحده
سفارت واقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را نسبت به آن وزارت شاهنشاهی تجدید می‌نماید.
سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا تهران

سند شماره (۶۷)

اداره گذرنامه و روادید
یادداشت
تاریخ : ۹/۲/۱۳۴۲
شماره : ۲۸۶۳/۱۲/۲۰۸۲
وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران تعارفات خود را به سفارت کبرای آمریکا در طهران اظهار و عطف به یادداشت شماره ۴۷۶ مورخ ۹ آوریل ۶۴ راجع به ثبت گذرنامه‌های اتباع آمریکا و پیمانکاران خارجی وابسته به هیئت نظامی آمریکا در ایران احتراماً اشعار می‌دارد، که هیچ‌گونه تغییری در ماهیت ثبت گذرنامه‌های مزبور به عمل نیامده است و طبق مقررات دولت شاهنشاهی گذرنامه‌های سیاسی و خدمت در وزارت امور خارجه ثبت و مورد اقدام قرار گرفته و کارهای مربوط به گذرنامه‌های عادی به شهربانی کل کشور ارجاع می‌گردد. بدیهی است در هر مورد پس از وصول یادداشت آن سفارت کبری تسهیلات لازم معمول خواهد گردید.
موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.
سفارت کبری آمریکا - تهران

سند شماره (۶۸)

یادداشت مذاکره
مکان : وزارت امور خارجه، دفتر رئیس اداره گذرنامه
تاریخ : ۱۴ می ۱۹۶۴ - ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳
افراد مذاکره کننده: عبدالحسین آشتیانی رئیس و صادقی معاونش، بولستر کنسول سفارت آشتیانی پیشدستی کرد و پرسید که چه کاری دارم. توضیح دادم که به منظور درخواست اقدام برای ثبت گذرنامه‌های اتباع آمریکایی و اتباع کشورهای ثالثی که گذرنامه‌هایشان برای چندین ماه در

وزارت امور خارجه مانده بود، آمده‌ام. اکثر این افراد مستقیماً و یا به عنوان مقاطعه کار فرعی برای پادگان مهندسین خلیج کار می‌کنند. لذا من، آشتیانی و صادقی را به «ترتیبات ساختمان‌سازی نظامی» که در یادداشت شماره ۳۹۶ مورخه ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ سفارت درج شده است، ارجاع دادم. در این یادداشت خواسته شده است که گذرنامه‌ها به وسیله وزارت امور خارجه ثبت شود، همچنانکه پیش از این عمل می‌شده است. آنها توضیح دادند که پاسپورت‌های خدمت متعلق به اتباع آمریکایی یا اتباع کشورهای ثالث باید به وسیله شهربانی ثبت شود. من توجه آنها را به نامه وزارت امور خارجه به شماره ۴۷۶ مورخ ۹ آوریل ۱۹۶۴ جلب کردم که اظهار می‌داشت «هیچ گونه تغییری» در روند ثبت گذرنامه‌ها به عمل نیامده است، اما من گفتم ظاهراً تغییری صورت گرفته است. آشتیانی قبول داشت که نامه ۹ آوریل ضد و نقیض است و پیشنهاد کرد که گذرنامه‌های موجود، که در همان حال صادقی آنها را جلوی ما می‌گذاشت، عجلتاً می‌توانند ثبت شوند تا موضوع رسیدگی و حل شود. من فوراً موافقت کردم. صادقی با این کار موافق نبود و پیشنهاد کرد که گذرنامه‌ها برای ثبت به شهربانی فرستاده شوند. او گفت که با شهربانی نیز تماس گرفته است. اما مشکل ثبت «گذرنامه‌ها - م» همچنان باقی است زیرا شهربانی حاضر نشده بدون ارائه اسناد دیگری، گذرنامه‌ها را به ثبت برساند. هیچ یک از مقامات رسمی قادر نبودند سندی را ارائه دهند که بنابر آن دولت ایران «ترتیبات ساختمان‌سازی نظامی» را پذیرفته (یا رد کرده) است. و از من خواستند تا نامه‌ای که گواه بر پذیرش آن توسط ایران باشد، نشان دهم. من جواب دادم که خوشحال خواهم شد که چنین کاری انجام دهم اما اگر روش موقتی برای ثبت گذرنامه‌ها اتخاذ شود تا بتوان آنها را به صاحبانش بازگرداند، مایه قدردانی است. صادقی گفت که چنین امکانی را توسط شهربانی پیگیری خواهد کرد. (وقتی آنجا را ترک کردم، این احساس را داشتم که تا یادداشت درخواست شده را ننویسم، هیچ کاری انجام نخواهد شد).

سند شماره (۶۹)

یادداشت شماره ۵۳۰
از : سفارت آمریکا - تهران
به : وزارت امور خارجه ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ابراز می‌دارد و مفتخر است به یادداشت ۲۸۶۳/۱۲/۲۰۸۲ مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۶۴ در مورد ثبت گذرنامه‌های عادی مقاطعه کاران، مقاطعه کاران فرعی، کارمندان غیر نظامی و وابستگان آنها که تبعه ایالات متحده و یا کشور ثالثی بوده و با گروه مهندسین پادگان خلیج در ارتباط هستند، پاسخ دهد. همان طوری که آن وزارت استحضار دارد، ثبت چنین گذرنامه‌هایی از سال ۱۹۵۶ با رعایت شرایط «ترتیبات ساختمان‌سازی نظامی» که طبق یادداشت شماره ۵۱۴۲ مورخه ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۶ آن وزارتخانه مورد تصویب و قبول وزارت امور خارجه شاهنشاهی قرار گرفته، توسط آن وزارتخانه انجام می‌شده است.

بخش ۴ از توافقنامه فوق‌الذکر چنین می‌گوید:

«مهندس بخش حق خواهد داشت، اشخاص حقوقی، شرکتها، شرکاء و یا افرادی (که از این پس

«مقاطعہ کار» خوانده می‌شوند) را که برای انجام وظایف آن گونه که در این ترتیبات آمده است مناسب می‌داند، انتخاب و استخدام نماید. از آنجا که چنین مقاطعه کارانی (و نیز مقاطعه کاران فرعی آنها) ایرانی نبوده و توسط مهندس بخش برای کار طبق این ترتیبات به ایران وارد می‌شوند، از آنان درخواست پرداخت حق ثبت و اجازه کار و یا حفظ نمایندگی دائمی در ایران پس از تکمیل قرارداد، نخواهد شد. دولت ایران بدون توجه به ملیت، به افراد غیرایرانی که برای انجام کار طبق این ترتیبات توسط مهندس بخش و یا با رضایت او توسط مقاطعه کاران و مقاطعه کاران فرعی آنها به ایران وارد می‌شوند. اجازه ورود خواهد داد دولت ایران پرداخت هر گونه حق یا هزینه برای ورود یا خروج این افراد، قرنطینه اجازه کار و یا اجازه اقامت را متحمل می‌شود. وزارت جنگ پس از دریافت لیست اسامی این افراد از مهندس بخش، آن را به وزارت خارجه ارسال می‌نماید و ویزای آنها خود به خود توسط وزارت خارجه صادر می‌شود.

بخش ۶ از «ترتیبات ساختمان سازی نظامی» مذکور می‌گوید:

«مهندس بخش و کارکنانش و نیز وابستگان آنها از همان امتیازاتی برخوردار خواهند شد که طبق پاراگراف ۷ موافقتنامه کمک دفاعی متقابل مورخه ۲۳ می ۱۹۵۰، به دیگر پرسنل فنی دولت ایالات متحده که دولت ایران اجازه ورود به آنها می‌دهد، تعلق می‌گیرد».

آن وزارتخانه در یادداشت مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۶۴ خود گفته است که هیچ تغییری در روند ثبت گذرنامه در نظر گرفته نشده است ولی در عین حال از این پس گذرنامه‌های مورد بحث، برای ثبت به شهربانی کل باید ارجاع شود.

با توجه به مواد مورد اشاره از موافقتنامه ساختمان سازی نظامی مورخه ۱۹۵۶، سفارت احتراماً پیشنهاد می‌نماید که مناسب است همچون گذشته گذرنامه‌های اتباع ایالات متحده و کشورهای ثالث اعم از مقاطعه کاران، مقاطعه کاران فرعی، کارکنان غیرنظامی و وابستگان آنها، توسط وزارت امورخارجه شاهنشاهی ثبت گردد.

سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائده خود نسبت به آن وزارتخانه شاهنشاهی، مغتنم می‌شمرد.

سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا - تهران

سند شماره (۷۰)

تاریخ: ۱۸ می ۱۹۶۴ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۳

یادداشت رسمی

از: دونالد ا. لوئیس

به: آقای اس. راک ول

موضوع: ثبت کارکنان آمریکایی و کشورهای ثالث که برای پادگان خلیج کار می‌کنند.

وزارت امور خارجه، هر چند وقت یک بار پیشنهاد کرده است که مایل است، ما گذرنامه افراد فوق‌الذکر را به جای وزارت خارجه که در حال حاضر عمل می‌شود از طریق شهربانی ثبت کنیم. چنین تغییری ظاهراً به این معنی است که این کارمندان مربوط به قرارداد و وابستگان نشان مجبور خواهند بود اجازه اقامت و مجوز کار بگیرند. همچنین مشمول قوانین مالیات بردرآمد و شاید سایر مقررات شوند.

من در این مورد یک توضیح رسمی از وزارت امور خارجه تقاضا کردم و در جواب یک بیانیه مبهم دریافت کردم که بیان می‌داشت (۱) هیچ تغییری در روند کنونی به وجود نمی‌آید و (۲) گذرنامه‌های فوق‌الذکر، از این پس برای ثبت به مقامات شهربانی تسلیم خواهد شد. این بیانیه احتیاج به توضیح دارد. متن ضمیمه پیشنهاد می‌شود. بدون طبقه‌بندی

سند شماره (۷۱)

تاریخ: ۱۳ ژوئن ۱۹۶۴ - ۱۳۴۳/۴/۱

یادداشت رسمی
از: آقای لوئیس
به: آقای راک ول

موضوع: خدمات گذرنامه‌ای وزارت امور خارجه

ما، تأخیرات بی‌نتیجه‌ای در راه کسب کارتهای جدید ثبت وزارت خارجه برای صاحبان گذرنامه‌های خدمت ایالات متحده را متحمل شده‌ایم. وزارت خارجه همچنان به مقاومت خود در مورد ثبت (گذرنامه‌های - م) اتباع کشورهای ثالثی که به صورت قراردادی برای سازمان کمک ایالات متحده و پادگان مهندسی خلیج کار می‌کنند، ادامه می‌دهد. تأخیر طولانی در پس گرفتن گذرنامه‌ها موجب بروز مشکلات مکرری برای افرادی که می‌خواهند به مسافرت بروند، به خصوص در موارد اضطراری، شده است. استدلال غلط به اسناد در وزارت خارجه، باعث ایجاد کارهای بسیار زیاد، زائد و ناراحت کننده می‌شود. دو یادداشت (مورخ ۱۸ و ۲۰ می) در رابطه با مسئله، ارسال شد که بدون جواب ماند. نسخه‌ای از آن دو یادداشت، ضمیمه شده است.

به نظر شما اگر این موضوع با سطوح بالاتری مطرح شود، مؤثر خواهد بود؟

(دستنویس - م)

آقای راک ول در ۲۴ ژوئن تلفن زد و گفت که میرفندرسکی از وزارتخانه، دستور داده است که گذرنامه‌هایی که هم‌اکنون در وزارت خارجه موجود است، در آن وزارت ثبت شود و از طریق پیک سیاسی برای سفارت ارسال شود. بدون طبقه‌بندی

سند شماره (۷۲)

تاریخ: ۱۳۴۳/۴/۱۶

اداره گذرنامه و روادید

شماره ۹۸۵۵/۱۲/۶۷۵۸

وزارت امور خارجه یادداشت

وزارت امور خارجه شاهشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا احتراماً عطف به یادداشت شماره ۵۳۰ مورخ ۱۸ مه ۶۴ راجع به ثبت گذرنامه‌های آمریکایی اظهار می‌دارد همان طور که طی یادداشت ۲۸۶۳/۱۲/۲۰۸۲ مورخ ۴۳/۲/۹ به استحضار آن سفارت کبری رسید در ماهیت امر تغییری حاصل نگردیده و کمافی‌السابق در هر مورد به محض وصول

مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۱) ۵۸۳

یادداشت آن سفارت کبری اقدام مقتضی معمول خواهد گردید.
موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

سفارت کبری ایالات متحده آمریکا - تهران

کتاب هفتاد و یکم

مستشاری نظامی
آمریکا در ایران (۲)

معرفی کتاب

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین (کاپیتولاسیون) مجلسین، مخالف اسلام و قرآن است... دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از آمریکاست... آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجراء کنند. آمریکاست که با ملت اسلام، معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.»

حضرت امام خمینی (ره) - ۱۳۴۳/۸/۴

در تاریخ معاصر ایران، حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) از جمله موارد مهم ناقض استقلال و حاکمیت ملی بوده است. این قالب به ظاهر قانونی استعمار نه تنها تأمین کننده نفوذ بیگانگان بوده، بلکه از همین طریق نفوذ کارگزاران بیگانه در ساختار حاکمیت کشور هموار و زمینه‌ساز جرایم بی‌شمار آنان علیه ملت مظلوم و مسلمان گردیده است. قوانین جزائی که می‌بایست مظهر حاکمیت دولت باشد به صورت بازیچه‌ای در دست عناصر خودفروخته درآمده و به سهولت نادیده گرفته می‌شد و هر تبهکاری برای ادامه خیانت، خود را تحت حمایت قدرتهای خارجی قرار می‌داد. با توجه به اهمیت این مسئله در مجموعه عواملی که رژیم منحط پهلوی را به طور کامل به امپریالیسم آمریکا وابسته نمود و با توجه به آثار دهشتناک سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این خیانت بزرگ رژیم در تصویب کاپیتولاسیون، جلد دوم از مجموعه اسناد «مستشاری نظامی آمریکا در ایران» به این مهم اختصاص یافت. در میان اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی آمریکا، بخش قابل توجهی مربوط به اعطای مصونیت‌های سیاسی به مستشاران نظامی آمریکا و یا به عبارت صحیح‌تر «احیای کاپیتولاسیون» می‌شود. در این مجلد، مجموعه اسنادی که رویدادهای مقطع تاریخ اسفند ۱۳۴۰ تا آبان ۱۳۴۳ را در بر می‌گیرد، در سه فصل جهت آگاهی امت شهیدپرور ایران تدوین و ارائه گردیده و بقیه اسناد مربوط به احیای کاپیتولاسیون با یاری خدا در جلد سوم منتشر خواهد شد. به منظور استفاده هر چه بیشتر خوانندگان محترم در مقدمه کتاب به ذکر بعضی تعاریف و واژه‌ها و همچنین سابقه تاریخی مسئله کاپیتولاسیون پرداخته‌ایم.

تعریف کاپیتولاسیون

واژه کاپیتولاسیون از کلمه لاتین Capitulare یا کلمه ایتالیایی Capitulazione مشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد و یا خود عهدنامه آمده است. بعضی از محققین معتقدند که در زمان اولین معاهده بین اعراب و مسیحیان مقیم شامات (سوریه فعلی)، زبان نیمی از مردم این منطقه ایتالیایی بوده و این کلمه به معنی معاهده بین مسیحیان و غیر مسیحیان به جا مانده است. برخی حتی آن را ترجمه کلمه عربی «صلح موقت» دانسته‌اند.

کاپیتولاسیون بدون توجه به مأخذ لغوی آن در اصطلاح تاریخ حقوق اروپایی به اسناد یک‌جانبه یا عهدی گفته می‌شود که به موجب آن (باب عالی) و حکومت‌های شامات (سوریه و لبنان) و آفریقای شمالی، وضع حقوقی بیگانگان مقیم امپراتوری عثمانی را تعیین می‌نمودند و امتیازات و معافیت‌هایی به دول اروپایی در مورد اتباع آنها اعطاء می‌نمودند.

مفهوم عام حقوقی کاپیتولاسیون عبارت است از نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمینات و امتیازات و مصونیت‌های قضائی که به موجب تصمیمات یک‌جانبه یا عهدی یا اسناد قضائی دیگر به اتباع دول مسیحی در سرزمین‌های غیر مسیحی داده می‌شد. در کشورها و سرزمین‌های مزبور به طور کلی اتباع بیگانه حتی گاهی بدون رعایت اصل عمل متقابل از حدود صلاحیت مقامات قضائی محلی خارج بوده و تابع صلاحیت مقامات و به ویژه مأمورین کنسولی و سیاسی دولت متبوع خود محسوب می‌شدند و دعاوی و شکایات و محاکمات مربوط به امور جزائی آنان به وسیله کنسول یا نماینده دولت متبوع آنان حل و فصل می‌شد. به این ترتیب، کاپیتولاسیون روشی بود که با اتکاء به آن، یک کشور اقتدار و حق قضاوت برون مرزی در قلمرو حاکمیت ملی کشور دیگری را (و صد البته به ضرر کشور دوم) به دست می‌آورد. این اقتدار و حق قضاوت برون مرزی براساس قراردادهای دوجانبه و یا استفاده از شرط دولت کامله‌الوداد به وجود می‌آمد و گسترش می‌یافت.

تاریخچه کاپیتولاسیون

همواره این بحث در میان کشورها وجود داشته که بیگانگان باید از چه حقوق و حمایت‌های قانونی برخوردار و یا محروم گردند، لیکن هیچ‌گاه مقررات مشترکی در این زمینه وجود نداشته است. برقراری روابط تجاری و فرهنگی با بیگانگان، کشورهایی را که با نفی هرگونه حقوقی برای اتباع خارجی، عملاً حضور آنان را در کشورشان غیر ممکن می‌ساختند، تا جایی پیش برده که در حال حاضر عده‌ای معتقدند، بین اتباع داخلی و خارجی نباید از لحاظ مقررات و قوانین، تفاوتی وجود داشته باشد.

در قرون اخیر، در کشورهای چین، ژاپن، ترکیه عثمانی، ایران، مصر و کشورهای مشابه در آسیا و آفریقا، قضاوت کنسولی به نفع کشورهای سلطه‌جو برقرار گردید. دولت عثمانی در سال ۱۵۳۵ میلادی در زمان سلطنت سلیمان قانونی با فرانسوی اول پادشاه فرانسه، عهدنامه‌ی بازرگانی منعقد ساخت و به موجب آن برای اولین بار مقرر گردید که اتباع فرانسه در خاک عثمانی تابع احکام کنسول فرانسه باشند. با توجه به اینکه در آن زمان دولت عثمانی در اوج قدرت بود، برخی مورخین اعطای چنین امتیازی را ناشی از روحیه مدارای اسلامی با بیگانگان دانسته‌اند و چون امتیازی به این شکل

سابقه نداشت، آن را «امتیاز اول» نام نهاده‌اند. البته بعدها که دولت عثمانی در آستانه ضعف و زوال قرار گرفت، همین امتیاز باعث مداخلات روز افزون و تسریع در تجزیه آن امپراتوری گردید. در ایران عهد صفوی، روابط با بیگانگان توسعه یافت و بدون اعطای امتیازات کنسولی، با بیگانگان به خوبی رفتار می‌شد. اما در مواد ۱۶ و ۱۷ قرارداد شاه سلطان حسین با نماینده لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه (۱۷۰۸ میلادی)، امتیازی پیش‌بینی شد که طبق آن اولاً رسیدگی به اختلاف میان دو فرانسوی در ایران به عهده کنسول فرانسه قرار گرفت؛ ثانیاً در صورت اختلاف میان فرانسویان با خارجی‌ان دیگر، قضات ایرانی از حق دخالت محروم بودند؛ ثالثاً در مورد اختلاف میان فرانسویان و ایرانیان، قضات ایرانی حق رسیدگی و صدور حکم را با حضور کنسول فرانسه داشتند. خوشبختانه از آنجا که این امتیاز در اواخر عمر سلسله صفویه به فرانسه داده شد، در عمل موجب تسلط و نفوذ خارجی نگردید و لذا از آن به عنوان پایه سلطه بیگانه در شکل «کاپیتولاسیون» کمتر نام برده می‌شود.

به دنبال انعقاد عهدنامه «گلستان» پس از اولین جنگ ایران و روس و جدایی بخشی از خاک ایران، دومین جنگ ایران و روس منجر به امضای معاهده «ترکمن چای» در سال ۱۲۴۳ هجری قمری (۱۸۲۸ میلادی) گردید که خسارات فراوانی برای ایران در پی داشت. در فصل ۸ این معاهده چنین آمده است:

«هر گاه شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم به جرمی گردد، مورد هیچ تعرض و مزاحمت واقع نخواهد گردید، مگر در صورتی که شرکت او در جرم مدلل و ثابت شود. در این صورت و نیز در صورتی که تبعه روس به شخصه به جرم متهم شود، محاکم مملکتی نباید بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا کنسولگری به جرم مزبور رسیدگی و حکم دهند و هر گاه در محل وقوع جرم، سفارت یا کنسولگری وجود ندارد، کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داشت که در آنجا کنسولی و یا مأموری از طرف دولت روسیه برقرار شده باشد حاکم و یا قاضی محل، استشهادی را که بر علیه و له شخص مظنون است، تحصیل کرده و امضاء می‌نماید. این دو استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می‌شود، نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد، مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از اینکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد، مشارالیه به وزیر مختار یا کاردار یا کنسول روسیه تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شود و در آنجا موافق قوانین سیاست شود.»

کاپیتولاسیون در ایران به تدریج از انحصار دولت روسیه خارج گردید و بسیاری از دولتهای دیگر با سوء استفاده از اصل کامله‌الوداد صاحب این امتیاز شدند و حاکمیت نامشروع خود را بر دستگاه قضائی و سیاسی ایران تحمیل نمودند. انگلیس، فرانسه، آمریکا، آلمان، امپراتوری اطریش - مجار، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، یونان و حتی دولت عثمانی در این خصوص به روسیه اضافه شدند.

پیامدهای کاپیتولاسیون

با برقراری کاپیتولاسیون، قدرت کنسولهای خارجی افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و آنها به تدریج حمایت خود را از اتباع دولت خود به اتباع داخلی نیز سرایت دادند. در ابتدا مترجم کنسول و

کارمندان و خدمه‌ای که تبعه داخلی بودند، به موجب نامه‌ای که کنسول می‌داد از حمایت او بهره‌مند شدند. سپس بعضی از اتباع دیگر داخلی نیز به علت هم مذهب بودن یا طرف معامله بودن و یا انجام امور دیگر کنسول، با دریافت این نامه‌ها در حوزه حمایت کنسول و در مقابل مقامات انتظامی و محلی قرار گرفتند. در نهایت کنسولها طبق تمایل خود به هر فردی از اتباع داخلی (البته با توجه به ملاحظات سیاسی و یا حتی در مقابل گرفتن پول) از این نوع نامه‌ها می‌دادند بدون آنکه رضایت و موافقت دولت محل مأمورت خود را کسب کنند. این امر تا بدانجا گسترش یافت که صاحب منصبان نیز طوق نوکری بیگانه را بر گردن آویخته و با ترک تابعیت از کشور خویش برای بهره‌وری بیشتر از مزایای حقوقی کاپیتولاسیون، تابعیت بیگانگان را می‌پذیرفتند.

علاوه بر پیامدهای ناگوار سیاسی، به لحاظ اجتماعی میزان جرایم با سوء استفاده از کاپیتولاسیون افزایش پیدا می‌کرد. از نظر اقتصادی هم سوء استفاده از کاپیتولاسیون موجب می‌شد بدون هیچ کنترل و ممانعتی افراد خارجی هر چه می‌خواستند به کشور وارد و یا از آن خارج نمایند. اما از همه اینها مهمتر نقض حاکمیت قضائی کشور بود که با وجود کاپیتولاسیون کاملاً متزلزل می‌گردید. کاپیتولاسیون، اتباع داخلی را از حمایت کامل قضائی محروم می‌ساخت و اتباع خارجی را بر آنها مقدم می‌داشت. در مجموع می‌توان گفت با مداخلات روز افزون نمایندگان سیاسی و کنسولی کشورهای صاحب این امتیاز، در حقیقت حکومت واقعی در اختیار بیگانگان قرار گرفته بود و حتی وابستگان دون‌رتبه سفارتخانه‌ها، در کلیه مناسبات عادی و امور روزانه مردم قدرت اعمال نفوذ داشتند. در این رابطه، مشاغل زیادی در ارتباط با سفارتخانه‌ها ایجاد شده بود و اقلیتهای دینی و قومی پیرامون کنسولگریهای کشورهای خارجی، تجمع کرده بودند. از جمله موارد جالب و در عین حال اسفبار، برخورد و درگیری مقامات کنسولگریها و هواخواهان آنها با یکدیگر بود. گاهی نایب کنسول روس با جمعی به کنسولگری عثمانی حمله می‌کرد و زمانی کنسول عثمانی و حامیانش به کنسولگری روس دستبرد می‌زدند.

در تمام مدت برقراری کاپیتولاسیون در ایران، مقاومتهایی از جانب صاحبان بصیرت و دلسوزان کشور در ابعاد گسترده و یا محدود صورت می‌گرفت. به هنگام انقلاب مشروطیت، حکومت مستبد وقت به خیال خود برای فریب مردم و جلب رضایت آنها و فرونشاندن خشم عمومی، نظامنامه‌ای به نام «قانون عدلیه» منتشر ساخت که در فصل اول این قانون آمده بود: «مطلق دعاوی و تظلماتی که در ممالک محروسه ایران طرح می‌شود، اعم از اینکه متداعیین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف تجار باشند، رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع به وزارت عدلیه عظمی است.» هر چند این قانون عملاً نقشی در لغو کاپیتولاسیون نداشت، ولی عبارات فصل اول آن گویای میزان خشم عمومی از کاپیتولاسیون بود.

الغای کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ به صورت مختلف از بین رفت. اولین کشوری که موفق شد کاپیتولاسیون را برچیند، کشور ژاپن بود که در سال ۱۸۹۴ به این کار اقدام کرد. امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۴ از دول اروپایی خواست که استفاده از کاپیتولاسیون را متوقف سازند و خود

به طور یک‌جانبه آن را لغو کرد، ولی دولت آمریکا لغو یک‌طرفه آن را از لحاظ قانونی بی ارزش اعلام داشت. دول اروپایی در سال ۱۹۱۹ از کاپیتولاسیون در ترکیه صرف نظر کردند و سرانجام ترکیه با قرارداد لوزان (۱۹۲۳) به پایان خط کاپیتولاسیون رسید. یونان در ۱۹۱۴، مراکش در ۱۹۲۰، تایلند در ۱۹۲۷، عراق در ۱۹۳۱، اتیوپی در ۱۹۳۶، مصر در ۱۹۳۷ و چین در ۱۹۲۶ به طور مشروط و در ۱۹۴۹ به طور قاطع به آن پایان دادند. بعد از این تاریخ، خارجیان فقط در بحرین و مسقط از این مزایا برخوردار بودند.

در ایران در سال ۱۲۹۷ شمسی (دو سال قبل از کودتای سیاه رضاخان)، موضوعات ذیل در زمان دولت «صمصام السلطنه» به تصویب رسید.

الف - «معاهدات، مقاولات و امتیازاتی که از یک‌صد سال به این طرف، دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند، تماماً تحت فشار و جبر و زور یا به وسیله عوامل غیر مشروع از قبیل تهدید و تطمیع، برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران تحصیل شده است، لذا با استناد به قانون اساسی و حق حاکمیت ایران، الغاء می‌گردد.»

ب - «محاکمات وزارت خارجه باید متوقف و رسیدگی به دعاوی واقعه بین اتباع خارجه و اتباع ایران در محاکمات عدلیه موافق قوانین مملکتی به عمل آید.»

متأسفانه علیرغم تصویب این دو موضوع، دولتهای غربی همچنان از حق قضاوت کنسولی استفاده می‌کردند و حتی با این استدلال که صاحب تمدن مسیحی هستند و نمی‌توانند تسلیم دستگاه قضائی غیرمتمدن باشند، برای خود نیروی مسلح نیز تدارک دیدند.

سرانجام به دلیل جو حاکم بر روابط بین‌الملل که بعد از پایان جنگ جهانی اول به وجود آمده بود و همچنین مخالفت‌های روزافزون ملت ایران با کاپیتولاسیون، مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۶ «الغای کاپیتولاسیون» را اعلام و به کلیه دولتهایی که از کاپیتولاسیون بهره‌مند بودند، یک سال مهلت داد تا قراردادهای جدیدی را با ایران منعقد سازند. فرانسه در قبول این امر پیشقدم شد و دولتهای دیگر نیز به تدریج آن را پذیرفتند و به جای آن، عهدنامه‌های دوستی، اقامت، بازرگانی، گمرکی و دریانوردی با ایران امضاء نمودند. در کلیه این عهدنامه‌ها، تساوی حقوق و رفتار متقابل و رعایت اصول حقوق بین‌الملل به عنوان رویه مورد قبول طرفین پذیرفته شد.

اما در سال ۱۳۴۰، بار دیگر دولت آمریکا خواهان مصونیت مستشاران نظامی آمریکایی از حاکمیت قضائی ایران شد و در واقع بار دیگر کاپیتولاسیون احیاء شد و این بار وابستگی رژیم به آمریکا بدان حد بود که پا را از گذشته نیز فراتر گذاشتند. چرا که در کاپیتولاسیون قدیم، انجام یک محاکمه صوری پیش‌بینی شده بود، ولی در کاپیتولاسیون جدید نه تنها مستشاران آمریکایی برای تخلفات و جرائمشان محاکمه نمی‌شدند، بلکه مقامات ایرانی برای رسیدگی اولیه به پرونده نیز نمی‌توانستند آنان را برای لحظه‌ای بازداشت کنند و از آنجایی که اکثریت آمریکاییان مقیم ایران در زمان حکومت رژیم پهلوی را همین مستشاران نظامی و دیپلمات‌های آمریکایی تشکیل می‌دادند، در عمل کاپیتولاسیون جدید شامل حال همه آمریکاییان حاضر در ایران می‌شد.

احیای کاپیتولاسیون

در ژانویه سال ۱۹۶۱، «جان اف. کندی» به عنوان رئیس جمهور وارد کاخ سفید شد. در آن زمان مبارزات ضد استعماری ملتها در جهان سوم از یک سو و رشد جریانات کمونیستی از سوی دیگر اوج بسیار گرفته بود. به همین خاطر، کندی استراتژی جدیدی را برای مقابله با کمونیسم و همچنین استقلال طلبی ملل جهان سوم در پیش گرفت و دولتهای دست‌نشانده آمریکا در جهان سوم را مجبور به انجام یک سری اصلاحات صوری نمود. در همین رابطه، «علی امینی» در اردیبهشت ۱۳۴۰ به نخست وزیری رسید و به سرعت شروع به انجام اصلاحات مورد نظر کندی نمود.

۱۰ ماه بعد، در ۲۸ اسفند ۱۳۴۰، دولت کندی با ارسال یک یادداشت دیپلماتیک از دولت امینی خواست تا مستشاران نظامی آمریکا و بستگانشان در ایران را تحت پوشش مصونتهای کنوانسیون وین قرار دهد. دولت آمریکا می‌خواست با تبادل یادداشت میان دو دولت، این امتیازات را به راحتی به دست آورد، ولی علی امینی که قبلاً «ننگ» «عاقده کنرسیوم» را بر پیشانی داشت، نمی‌خواست که داغ جدید «احیاء کننده کاپیتولاسیون» را به آن اضافه کند و در ضمن به خوبی می‌دانست که کاپیتولاسیون آن چنان خاطرات تلخی در تاریخ ایران بر جای گذاشته است که هرکسی که بخواهد دوباره این خیانت را تکرار کند، سرنوشت خطرناکی در پیش روی خواهد داشت. لذا امینی که تا تیرماه ۱۳۴۱ (یعنی ۵ ماه بعد از درخواست آمریکا) در پست نخست وزیری باقی ماند، از جواب دادن به این درخواست طفره رفت.

دولت اسدالله علم

در فروردین ۱۳۴۱ شاه به آمریکا سفر کرد و به اربابان خود قبولاند که شخصاً می‌تواند «اصلاحات صوری» را به انجام رساند و احتیاجی به فردی مانند «علی امینی» نیست. لذا در بازگشت امینی را برکنار کرد و «اسدالله علم» را به نخست وزیری منصوب نمود.

در دی ماه ۱۳۴۱، شاه قصد خود را برای انجام یک فراندم جهت تصویب به اصطلاح «انقلاب سفید» اعلام کرد. با توجه به محتوای مواد ششگانه انقلاب سفید، حضرت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع تقلید شرکت در این فراندم را تحریم کردند. در ۶ بهمن ۱۳۴۱، طی یک فراندم قلابی، دولت علم اعلام کرد که «لوايح ششگانه» به تصویب مردم رسیده است. کندی نیز به سرعت برای شاه تلگرام تبریک فرستاد.

یک ماه و نیم بعد از اتمام نمایش انقلاب سفید، دولت علم درخواست آمریکا برای «اعطای مصونیت به مستشاران آمریکایی» را مورد بررسی قرار داد. وزارت امور خارجه ایران با ارسال یادداشتی به سفارت آمریکا «توافق خود را با بخش آخر یادداشت آمریکا» اعلام کرد که «براساس آن اعضای عالی‌رتبه گروه مستشاری که دارای گذرنامه‌های دیپلماتیک هستند، از مصونتهای دیپلماتیک برخوردار می‌شوند» و در مورد بقیه کارمندان گروه مستشاری نظامی نیز اعلام داشت: «مطالعاتی در حال انجام است تا آنان نیز از امتیازات و مصونتهای بیشتری متمتع شوند». ولی دولت ایران هیچ اشاره‌ای به درخواست آمریکا برای تسری مصونیت به خانواده‌های مستشاری نظامی آمریکا در ایران ننمود.

در این میان، شاه کینه روحانیت بیدار و رهبری نهضت حضرت امام خمینی (ره) را به علت تحریم رفراندوم به دل گرفت و در ۲ فروردین ۱۳۴۲، دستور حمله کماندوهایش را به «مدرسه فیضیه» صادر کرد و آن را به خاک و خون کشید. بدین وسیله مبارزات روحانیت وارد مرحله جدیدی گردید و با فرا رسیدن ماه محرم، مبارزه به اوج خود رسید و مردم حتی در مقابل مقر دژخیم، یعنی کاخ مرمر به تظاهرات پرداختند و شعار مرگ بر «دیکتاتور» سردادند. شاه دستور دستگیری حضرت امام (قدس سره) را صادر می‌کند. ایشان در شب ۱۵ خرداد، دستگیر و سریعاً به تهران منتقل گردیدند. مردم پس از آگاهی از دستگیری مرجع و مقتدای عالی قدر خود به پا خاستند و مقاومت انقلابی آنان با سرکوبی وحشیانه رژیم مواجه و عده زیادی به شهادت رسیدند؛ با این جنایت، جو سیاسی به ظاهر آرام شد. مجلسین ایران به هنگام نخست وزیری امینی در سال ۱۳۴۰ منحل شدند و این دوره «فترت» مجلسین بیش از ۲ سال ادامه پیدا کرد. در شهریور ماه ۱۳۴۲، دولت علم انتخاباتی فرمایشی برای تشکیل مجلس شورای ملی (دوره ۲۱) و مجلس سنا (دوره چهارم) برگزار نمود و نمایندگان را از میان شرکت‌کنندگان در کنگره به اصطلاح «آزادمدان و آزادزان» دست‌چین کرد. مجلس جدید در ۱۳۴۲/۷/۱۴ شروع به کار نمود. دولت علم قبل از تحویل کابینه به حسنعلی منصور، تمامی مصوبات هیئت دولت در زمان فترت را برای تصویب به مجلس تقدیم کرد، ولی «لایحه کاپیتولاسیون» را در اواخر دولت خود، به مجلسین ارائه نمود تا فرصت بررسی این لایحه در زمان دولت علم به دست نیاید و در نتیجه وظیفه دفاع از این لایحه ننگین به عهده دولت بعدی قرار گیرد.

دولت حسنعلی منصور

در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲، یعنی ۲۶ روز پس از تقدیم لایحه کاپیتولاسیون به مجلس سنا، علم از پست نخست‌وزیری کناره رفت و حسنعلی منصور، نخست وزیر شد. حزب ایران نوین که ریاست آن با منصور بود، از دل «کانون مترقی» که محل تجمع تحصیلکردگان ایرانی در آمریکا بود، بیرون آمده بود و اعضای آن در واقع همان دست پروردگان «اصل ۴ ترومن» بودند که برای تأمین منافع آمریکا تربیت شده بودند.

۵ ماه بعد لایحه کاپیتولاسیون در جلسه علنی مجلس سنا طرح گردید. نحوه تصویب این لایحه بسیار مفتضحانه بود. در یک جلسه طولانی که لوايح مختلفی در دستور جلسه بود، جلسه تا نیمه شب ادامه پیدا کرد. لایحه کاپیتولاسیون آخرین لایحه‌ای بود که در این جلسه و مقارن نیمه شب سوم مرداد ماه ۱۳۴۳ در مجلس سنا مطرح گردید و با توضیحاتی بسیار مختصر و بدون هیچگونه مخالفتی از طرف سناتورها به تصویب رسید، و برای رأی نهائی به مجلس شورای ملی فرستاده شد.

جالب اینجاست که رژیم پهلوی همواره یکی از بزرگترین دستاوردهای حکومت رضاخان را الغای کاپیتولاسیون در ایران می‌دانست. لذا برقراری مجدد کاپیتولاسیون یکی از عمیقترین ضربه‌هایی بود که رژیم پهلوی می‌توانست به خود وارد کند، ولی مقامات رژیم به علت وابستگی و سرسپردگی به آمریکا، قدرت و توانایی مخالفت با درخواست آمریکا را نداشتند و حتی مقامات وزارت امور خارجه ایران به جای اینکه حافظ منافع کشور باشند، در جهت تأمین منافع نامشروع آمریکا از آمریکاها استمداد می‌نمودند و «میرفندرسکی» معاون وقت وزیر امور خارجه از مقامات سفارت

آمریکا در تهران خواستار هرگونه اطلاعاتی که برای دفاع از لایحه در مجلس می‌توانست مفید واقع گردید.

مذاکرات مجلس شورای ملی

سرانجام در ۱۳۴۳/۷/۲۱، لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی طرح شد. جلسه از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر، بدون هیچ گونه توقفی حتی برای صرف ناهار، ادامه پیدا کرد. درخواست نمایندگان برای ادامه بحث در جلسه بعد مورد موافقت قرار نگرفت. دولت منصور می‌خواست به هر صورت در همان جلسه مسئله را خاتمه دهد. این جلسه طولانی بسیار پرتنش بود و مخالفت‌های شدیدی از طرف چند تن از نمایندگان علیه لایحه ابراز شد. پس از ساعتها بحث، سرانجام رأی‌گیری به عمل آمد و این لایحه با ۷۴ رأی موافق در مقابل ۶۱ رأی مخالف به تصویب رسید. از ۱۸۸ نماینده مجلس، بیش از ۵۰ نفر غائب بودند که اکثر غایبین، عمداً در جلسه حضور پیدا نکرده بودند. به این ترتیب این لایحه با اکثریت بسیار ضعیفی به تصویب رسید. شکل مفتضحانه تصویب این لایحه موجب نگرانی شدید آمریکاییها شد و آنها را واداشت تا به ریشه‌یابی این مخالفتها بپردازند.

موضع شاه و پاداش خیانت

شاه که از نحوه تصویب این لایحه بشدت خشمگین شده بود، تلویحاً نمایندگان را مورد عتاب قرار داد و از اینکه مخالفت‌های بعضی از نمایندگان بیش از اندازه و غیر قابل تحمل بوده است، سخن گفت و آنها را به دسیسه‌چینی و جاسوسی متهم کرد. در نهایت به آنها دستور داد که در جلسات بعدی با بهانه تراشی‌هایی از قبیل «درست نفهمیدن لایحه» و یا «توضیحات ناکافی مقامات»، اظهارات خود را پس گرفته و اظهار پشیمانی کنند.

به دنبال تصویب لایحه کاپیتولاسیون، دولت آمریکا موافقت نمود که یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری برای خرید تجهیزات نظامی آمریکا در اختیار دولت ایران قرار گیرد. به این ترتیب رژیم شاه، بابت خیانت بزرگش مزد ناچیزی را از ارباب خود دریافت نمود.

موضع رهبری نهضت، حضرت امام خمینی (ره)

چند روز پس از تصویب این لایحه، حضرت امام خمینی (ره) از مضمون لایحه و محتوای مذاکرات مجلس و نحوه تصویب آن اطلاع پیدا کردند و به سرعت نسبت به آن واکنش نشان دادند. در روز ۴ آبان ۱۳۴۳، یعنی دو هفته پس از تصویب کاپیتولاسیون، حضرت امام طی سخنرانی شدیدالحنی در شهر قم، اظهار فرمودند:

«استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند... دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب‌نامه را در چند روز پیش، برد به مجلس و در چند وقت پیش از این، به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد... دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگهای آمریکا پست‌تر کردند... چرا؟ برای اینکه

می‌خواستند و ام بگیرند از آمریکا... آقا من اعلام خطر می‌کنم.... امروز سرو کار ما با این خبیث‌هاست، با آمریکا است... آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این و کلا هم از آمریکا هستند....»

این سخنرانی افشاگرانه و پیام‌کوینده رهبری نهضت به سرعت به گوش همگان رسید و اسباب رسوایی رژیم را تا بدان حد فراهم ساخت که منصور، نخست‌وزیر وقت، خود را مجبور به پاسخگویی دید و طی یک سخنرانی در مجلس سنا اقدام به توجیه این خیانت نمود و سعی کرد با اظهار مطالبی سراسر کذب و بی‌اساس از موج مخالفتها بکاهد، اما این تلاش مذبحانه نیز کمکی به رژیم منفور شاه ننمود.*

تبعید حضرت امام خمینی (ره)

با اوج‌گیری مبارزه علیه رژیم و مجاهدتهای خستگی‌ناپذیر حضرت امام خمینی (ره) در تبلیغ و آگاه نمودن مردم، خاصه در پی سخنرانی تاریخی حضرت امام (ره) به مناسبت احیای کاپیتولاسیون، شاه بشدت به وحشت افتاد و تنها راه نجات خویش را در قطع رابطه میان رهبری نهضت و مردم دانست. به همین خاطر مأموران رژیم در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، حضرت امام را بازداشت و روز بعد ایشان را به شهر «بوسا» در ترکیه تبعید نمودند.

امید است که مجموعه اسناد حاضر بتواند گوشه‌هایی از مداخلات نامشروع آمریکا در امور کشور ما و خیانت‌های بی‌شمار وابستگان او را بنمایاند و با شناخت بیشتر راه سلطه‌مجدد برای همیشه بر روی شیطان بزرگ بسته گردد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۱۳۶۹

*- در ذکر برخی تعاریف و فرازهای تاریخی در مقدمه این کتاب از کتابهای زیر استفاده شده است:

۱- «صحیفه نور»، جلد اول

۲- «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، دکتر سید جلال‌الدین مدنی، جلد ۱ و ۲

۳- «فرهنگ علوم سیاسی»، غلامرضا علی‌بابایی، جلد سوم.

فصل اول مقدمات احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۱)

تاریخ: ۱۹ مارس ۱۹۶۲ - ۲۸ اسفند ۱۳۴۰

یادداشت شماره ۴۲۳

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن ابراز تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مفتخر است که اعلام کند که یادداشت شماره ۶۲۶۶ مورخ ۷ فوریه ۱۹۶۲ (۱۸/۱۱/۱۳۴۰ - م) وزارت خارجه ایران را که در آن دولت شاهنشاهی ایران تمایل خود را برای تمدید خدمات هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده به مدت یک سال دیگر (تا ۲۱ مارس ۱۹۶۳) همان طور که ابتدائاً در قراردادهای مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و ۱۶ اکتبر ۱۹۴۷ پیش‌بینی شده، ابراز کرده را دریافت نموده است.

این سفارت خوشوقت است که اعلام کند، دولت ایالات متحده با تمدید خدمات هیئت مستشاری مزبور مطابق با شرایط قراردادهای فوق‌الذکر، اصلاح شده در تهران با تبادل یادداشتهای مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸، ۵ ژانویه ۱۹۴۹، ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ و ۱۰ ژانویه ۱۹۵۰ در رابطه با هیئتهای نظامی و تبادل یادداشتهای مورخ ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۸ در رابطه با هیئتهای نظامی ایالات متحده در ژاندارمری شاهنشاهی ایران؛ و نیز یادداشت دولت ایالات متحده به شماره ۵۹۶ مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۶۱ و یادداشتهای دولت شاهنشاهی ایران به شماره‌های ۱۳۴۴ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۶۱ و ۴۲۰۲ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۱، موافق است.

در عین حال، این سفارت مایل است مذاکرات بسیاری را که اخیراً بین نمایندگان دو دولت در رابطه با مشکلاتی با اهمیت روزافزون، انجام شده است را متذکر شود. این مشکلات از این حقیقت ناشی می‌شوند که موافقتنامه‌های موجود به قدر کافی مسئله وضعیت اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران را در بر نمی‌گیرد.

در همین رابطه، دولت ایالات متحده معتقد است، نیل به یک تفاهم کلی در این زمینه برای زدودن هر نوع شکی و در نتیجه سهولت در عملکرد مؤثر اعضای مستشاری، به نفع هر دو دولت خواهد بود.

برای نیل به این هدف، سفارت مفتخر است که فقط پیشنهاد نماید که این پرسنل از امتیازات و مصونیت‌های مخصوص «کارمندان اداری و فنی»، مشروطه در قرارداد منضم به قرار نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد روابط و مصونیت‌های دیپلماتیک که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در وین امضاء شده، برخوردار گردند. البته معلوم است که پرسنل برجسته مشخص مورد توافق دو دولت، صامکان بهره‌مندی از امتیازات و مصونیت‌های «مأمورین سیاسی» را خواهند داشت.

سفارت، همچنین پیشنهاد می‌نماید به منظور هماهنگی و تسهیل در امور اداری، اصل سابق‌الذکر در مورد هر فردی از پرسنل نظامی و یا کارمندان غیرنظامی وزارت دفاع ایالات متحده و بستگان‌شان که اهل خانه آنها می‌باشند و حضور آنها در ایران به وسیله دولت شاهنشاهی ایران مجاز شناخته شده، به کار گرفته شود.

سفارت پیشنهاد می‌نماید که در صورت توافق دولت شاهنشاهی ایران، این تفاهم از تاریخ دریافت پاسخ آن وزارتخانه قابل اجراء و نافذ خواهد شد.

سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به وزارتخانه شاهنشاهی مغتنم می‌شمرد.

سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا

تهران ۱۹ مارس ۱۹۶۲

سند شماره (۲)

تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۰

اداره چهارم سیاسی

وزارت امور خارجه

شماره ۸۸۰۰

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا اظهار و عطف به یادداشت شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ راجع به پیشنهاد آن سفارت کبری در خصوص وضع اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران و استفاده از مواد قرارداد وین، مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ درباره مستشاران مزبور احتراماً اشعار می‌دارد: نسبت به قسمت اخیر یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ آن سفارت کبری در خصوص اعضای عالی‌رتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه سیاسی می‌باشند، موافقت می‌گردد که به نامبردگان وضع سیاسی داده شود تا بتوانند از مصونیتها و امتیازات مربوطه برخوردار شوند و در خصوص بقیه کارمندان هیئت‌های مستشاری آمریکا نیز مطالعاتی در جریان است، تا برای آنها نیز امتیازات و تسهیلات بیشتری فراهم گردد که نتیجه آن بعداً به استحضار آن سفارت کبری خواهد رسید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

سند شماره (۳)

اداره عهد و امور حقوقی تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۴۲ - ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ وزارت امور خارجه شماره ۸۲۹۶ یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبری دولت ایالات متحده آمریکا اظهار و در مورد معافیت و مصونیت هیئتهای مستشاران نظامی دولت ایالات متحده آمریکا در ایران، احتراماً به استحضار می‌رساند که با توجه به درخواستی که در یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ به عمل آورده و مرقوم داشته بودند که کارمندان هیئتهای مستشاری از امتیازات و مصونیت‌های مربوط به کارمندان اداری و اعضای فنی، «مشروحه در قرارداد منضم به قرار نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین، در خصوص روابط و مصونیت‌های سیاسی مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ برخوردار باشند و به بعضی از اعضای عالی‌رتبه این هیئتها به موجب قراردادی بین دو دولت وضع مأمور سیاسی داده شود، تا از مصونیتها و امتیازاتی که قرارداد مزبور برای این طبقه در نظر گرفته، متمتع گردند و به خاطر حفظ مصالح اداری و حفظ اتحاد شکل در مورد هر یک از مستخدمین نظامی و یا کشوری وزارت دفاع ایالات متحده و اعضای خانواده همراه او، به شرطی که حضور آنان در ایران با موافقت دولت شاهنشاهی باشد، اصل فوق‌الذکر قابل اجرا باشد.

مطالعات لازم به عمل آمد و نتیجه این مطالعات به استحضار آن سفارت کبری رسید که قرارداد بین‌المللی وین پس از تصویب از طرف قوه مقننه ایران شامل اعضای هیئتهای مستشاری نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران می‌باشد، نخواهد گشت و برای این کار مجوز جداگانه لازم است و علیهذا قرار شده هنگام تقدیم موافقتنامه بین‌المللی وین به مجلسین، شرح لازم نیز ضمیمه شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مزایا و مصونیتها و معافیت‌هایی که برای «کارمندان اداری و فنی» موضوع بند ماده اول موافقتنامه مورد بحث پیش‌بینی شده، برخوردار باشند و البته شمول این مزایا و معافیتها بسته به تصویب مجلسین خواهد بود.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی خوشوقت است، اکنون به استحضار آن سفارت کبری برساند که هیئت محترم وزیران به موجب تصویب‌نامه مورخ ۱۳/۷/۱۳۴۲ با این پیشنهاد موافقت فرموده‌اند و قرار است که هنگام تقدیم موافقتنامه وین منعقد در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به مجلسین این یادداشت و یادداشتی که آن سفارت کبری در پاسخ مرقوم خواهند داشت نیز برای تصویب ضمیمه شود. وزارت امور خارجه شاهنشاهی موقع را برای تجدید احترامات معتنم می‌شمارد.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ - ۲۷ آذر ۱۳۴۲

یادداشت شماره ۲۹۹

سفارت ایالات متحده آمریکا پس از اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی و عطف به یادداشت شماره ۸۲۹۶ مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ (۲۶ آبان ۱۳۴۲ - م) آن وزارتخانه خاطر نشان می‌سازد که هیئت وزیران در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۶۳ (۱۳ مهر ۱۳۴۲ - م) موافقت کرده است که به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید، که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

از همان امتیازات و معافیتهایی برخوردار شوند که در کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک برای کارمندان اداری و فنی سفارت مندرج در بند ... از پاراگراف اول کنوانسیون وین قید شده است. در یادداشت وزارتخانه قید شده که آن یادداشت و یادداشت سفارت آمریکا به ضمیمه کنوانسیون وین به مجلس شورای ملی و سنا تقدیم خواهد شد.

طبق برداشت سفارت عبارت «اعضای هیئت مستشاری آمریکا در ایران» در برگیرنده پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکا عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می‌باشند و در ایران بر طبق قراردادها و توافقی بین دو طرف مستقر هستند، می‌باشد. به این ترتیب، سفارت نیز اعلام می‌دارد که پس از تصویب یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت خارجه توسط مجلسین شورای ملی و سنا، این یادداشت همان پاسخ مثبت مورد نظر در رابطه با یادداشت سفارت آمریکا به شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ (۲۸ اسفند ۱۳۴۱ - م) باشد.

سفارت موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را جهت وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران تجدید می‌دارد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳

سند شماره (۵)*

جلسه ۶۷ - مجلس سنا - سوم مرداد ۱۳۴۳ - ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۴
 لایحه شماره ۲۲۹۱/۱۸ - ۲۱۵۷ مورخه ۱۳۴۳/۱۱/۲۵ دولت، مربوط به استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین در این کمیسیون با حضور آقای دکتر انصاری معاون وزارت امور خارجه مورد شور و رسیدگی واقع و پس از بحث کافی، ماده واحده با اصلاحات عبارتی به تصویب رسید و برای اظهار نظر به کمیسیون جنگ ارسال شد. کمیسیون مزبور لایحه را با حضور تیمسار سپهبد صنیعی وزیر جنگ و آقای میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه مورد شور قرار داده و ضمن تأیید نظر کمیسیون خارجه آن را تصویب نموده که اینک گزارش آن به شرح زیر برای شور اول تقدیم مجلس محترم سنا می‌شود. مخبر موقت کمیسیون خارجه - عباس مسعودی.

* برای اولین بار، در تاریخ ۳ مرداد ۱۳۴۳ لایحه کاپیتولاسیون برای رسیدگی در مجلس سنا طرح شد. نحوه تصویب این لایحه بسیار متضاحانه بود. در یک جلسه طولانی که لوائح مختلف مطرح شد، جلسه تا نیمه شب ادامه پیدا کرد. آخرین لایحه‌ای که مقارن نیمه شب در مجلس سنا طرح گردید، لایحه کاپیتولاسیون بود. جالب اینجاست که «شریف امامی» رئیس مجلس سنا در توجیه رسیدگی به این لایحه در نیمه شب می‌گوید: «البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است اجازه بفرمایید الآن تمامش کنیم.»

آمریکاییان که با دقت فراوان مسئله را دنبال می‌کردند، متن مذاکرات مجلس سنا در این مورد را به انگلیسی ترجمه کرده و بررسی نمودند. برای چاپ این سند از متن اصلی مذاکرات مجلس سنا استفاده شد. م

لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین

ماده واحده

با توجه به لایحه شماره ۱۸ - ۲۲۹۱ - ۲۱۵۷ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن، که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشد، از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می‌باشد، برخوردار نماید.

رئیس - آقای نخست وزیر بفرماید.

نخست وزیر - بنده نسبت به فرمایش جنابعالی از لحاظ سازمان مرکزی آمار موافقت می‌کنم که به بعد از تعطیلات مجلس موکول بشود، با وجود اینکه این در برنامه دولت ذکر شد و ضمناً لایحه‌اش هم تقدیم شد، توجه می‌فرمایید که یک دستگاہی که خودش را در آینده نزدیک منحل می‌داند، بلا تکلیف می‌ماند و این تقاضای تسریع در این امر به این علت بود که ضرورت داشت، ولی چون مصادف با تعطیل مجلس است بنده روی احترام به فرمایش جناب آقای رئیس موکول می‌کنم که بعد از تعطیل مجلس سنا که در اولین فرصت این لایحه هر چه زودتر بگذرد. نسبت به لایحه دیگر استدعای فوریت می‌کنم، برای اینکه بشود امشب چون یک مطلب کاملاً ساده و عادی است، تصویب بشود.

عرض کنم تجربیاتی را که در اینجا برای دولت فعلی از طرف نمایندگان محترم سنا عنوان می‌شود، بسیار ذیقیمت و باارزش است. بنده بسیار سپاسگزارم، از اینکه ایام فراغت تابستان و تعطیل تابستانی را با این علاقه خاص در جلسات متعدد برای رسیدگی به امر بودجه و لایحه اصلاحات ارضی معمول فرموده‌اند، از طرف دولت سپاسگزارم ولی چون می‌دانم این از صمیم قلب و وجدان و وظیفه‌شناسی واقعی آقایان در کارهاست، شاید حتی این اظهار تشکر بنده ضرورت هم نداشت، فقط یک توضیح واضح و انجمن ادب و نزاکتی است که می‌باید از طرف بنده در پایان جلسه به عرض نمایندگان برسد. تشکر می‌کنم (احسنت)

۳ - تصویب لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتهای قرارداد وین با فوریت.

رئیس - نامه‌ای است که از طرف دولت به مجلس سنا رسیده است که قرائت می‌شود. (به شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس سنا

پیرو درخواست قبلی دولت مبنی بر تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا به منظور رسیدگی به لایحه تسهیل وصول مالیاتها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است، مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار

ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا در تهران نیز جلسه فوق العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد، مزید تشکر است.

رئیس - با بررسی که خود بنده کردم لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار هنوز آماده برای طرح نیست کل کشور اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است، مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا در تهران نیز جلسه فوق العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد، مزید تشکر است.

رئیس - با بررسی که خود بنده کردم لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار هنوز آماده برای طرح نیست و به علاوه تصور نمی‌کنم که الآن دولت آن طور که ضرورت داشته باشد که لایحه را در اختیار داشته باشد. الآن می‌توانند شروع به تهیه مقدمات آن بکنند و در موقع تعطیل مجلس این مقدمات را فراهم بیاورند. در اولین فرصتی که مجلس شروع به کار می‌کند، آن را مطرح می‌کنیم، ولی به هر حال این باز، بستگی دارد به نظر دولت. مضایقه‌ای نیست ولی تصور نمی‌کنم که کاری لنگ بماند. اما آن دیگری گزارشش حاضر است و قرائت خواهد شد. البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق العاده تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است، اجازه بفرمایید الآن تمامش بکنیم. (به شرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون شماره یک خارجه به مجلس سنا

رئیس - رأی می‌گیریم به فوریت لایحه‌ای که الان قرائت شد. سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد. کلیات لایحه مطرح است. نظری هست می‌فرمایند.
دکتر صدیق - خوب است آقای معاون وزارت امور خارجه راجع به این مطالبی که در اینجا قید شده است، توضیحاتی بدهند. راجع به این معافیهایی که در بند (و) ماده اول قرارداد وین چون متبادر به ذهن نیست، اگر ممکن است توضیحاتی لطف کنند.
رئیس - آقای معاون وزارت خارجه بفرمایند.

معاون وزارت خارجه (آقای میرفندرسکی): به طوری که سناتورهای عظام اطلاع دارند قرارداد وین که از مجلس سنا گذشت، ضمیمه‌اش یک یادداشتی بود که بین وزارت امور خارجه و سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران مبادله شده بود. یادداشت ضمیمه عبارت از این بود که مستشاران نظامی آمریکایی که در خدمت دولت شاهنشاهی هستند، از مزایا و مصونیهایی که طبق قرارداد وین به کارکنان فنی سفارتخانه‌ها تعلق می‌گیرد، برخوردار شوند. این کارمندان به طوری که تعریف شده‌اند در بند (و) از ماده اول اصطلاح مأمور اداری و فنی، یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند. این یادداشتها بین وزارت امور خارجه و سفارت دولت ایالات متحده رد و بدل شد، ولی البته قوه قانونی وقتی پیدا می‌کند که به تصویب مجلسین برسد (دکتر کاظمی - آن مصونیتها و معافیتها را بفرمایید) مصونیت و معافیتها در یادداشتهایی است که مبادله شده است.

همان طور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند خیلی از تصورات و اندیشه‌ها هست که آقایان سناتورهای عظام می‌دانند که باید در آن جرح و تعدیل کرد. شاید در نظر اول خیلی گران بیاید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیتها و این معافیتها را ما به خاطر آن خارجیها تقاضا می‌کنیم، ما برای خاطر خدمتی تقاضا می‌کنیم که آنها برای ما انجام می‌دهند. پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاههای مختلف مملکت، به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیتها و این مزایا ضرری^۱ برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند، مهم نیست. به علاوه این نظر لطف کنند. چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم. دولت‌های دیگر هم کرده‌اند. دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده، این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم، این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی دوجانبه داریم و نه دولت دیگری را در دفاع از مملکت خودمان، در مساعی که برای دفاع از مملکت خودمان داریم، این طور شریک کرده‌اید. حالا اگر اجازه بفرمایید، بنده متن یادداشت‌های متبادله مواد را خدمت آقایان تقدیم کنم.

رئیس - راجع به کلیات دیگر نظری هست - اظهاری نشد - رأی می‌گیریم به ورود در شور ماده واحده، سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد، ماده واحد مطرح است. آقای مسعودی بفرمایید.

مخبر - بنده می‌خواستم برای استحضار خاطر آقایانی که یک قدری در این کار تردید دارند، عرض بکنم که این موضوع مکرر در کمیسیون خارجه با حضور تمام اعضا مورد بحث قرار گرفت. متأسفانه الان به غیر از بنده و آقای دکتر امیر حکمت، سایر آقایان اعضای کمیسیون خارجه در جلسه حاضر نیستند که توضیح بدهند. در چند ماه پیش این موضوع با حضور آقای دکتر انصاری معاون سابق وزارت امور خارجه مطرح شد و مورد توجه و دقت قرار گرفت و به خاطر اینکه قرارداد وین باید اول به تصویب می‌رسید، این را ما متوقف گذاشتیم، ولی مطالعات به طور کامل انجام شد و توضیحات لازم را از وزارت امور خارجه گرفتیم. در مرحله دوم با حضور آقای میرفندرسکی بار دیگر مطرح شد و در همان موقع بود که قرارداد وین به مجلسین پیشنهاد شد و به تصویب رسید. بعد این گزارش رفت به کمیسیون جنگ، در آنجا مطالعه شد. در آنجا هم مورد تصویب قرار گرفت و برگشت به کمیسیون خارجه، بار دیگر در کمیسیون خارجه مورد تأیید قرار گرفت و پیشنهاد شد به مجلسین و این یادداشت‌هایی که بین وزارت امور خارجه و سفارت کبرای ایالات متحده مبادله شده است، اگر اجازه بفرمایید بنده می‌خوانم، ملاحظه خواهند فرمود که این یادداشتها قانع کننده است و تصور می‌کنم که نظر آقایان تأمین باشد و رفع اشتباه از کسانی که به این موضوع توجه دارند، بشود. رئیس - نسبت به ماده واحده دیگر نظری نیست (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ماده واحد، سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد. کلیات آخر مطرح است. نظری

۱- در ترجمه انگلیسی این متن در سفارت، مترجم سفارت این کلمه را اشتبهاً «ضرورتی» ترجمه کرده است در حالی که در اصل مذاکرات مجلس سنا، این کلمه «ضروری» بوده است. م

هست می‌فرمایند (اظهاری نشد). رأی می‌گیریم به کلیه لایحه. سناتورهایی که موافقت، قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد. برای رأی نهائی به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود. جلسه را ختم می‌کنیم. ساعت ۱۲ شب مجلس ختم شد.

سند شماره (۶)

از: سفارت آمریکا - تهران
 به: وزارت خارجه (آمریکا - م)
 تلگرام صادره شماره ۵۳ - A
 عطف به: تلگرام شماره ۵۷۴ سفارت به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۵ آذر ۱۳۴۲ - م)
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: پیشرفت کنوانسیون وین در مجلس ایران

به دنبال تحریکات مداوم این سفارت، تصویب کنوانسیون وین و یادداشتهای مبادله شده ضمیمه آن، که وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران را تشریح می‌نماید، در مجلس ایران پیشرفت چشمگیری کرده است. ولی اقدام در این مورد تا هنگام شروع تعطیلات تابستانی مجلس در ۲۶ ژوئیه کامل نشده بود، اگر چه مجموعه این لایحه به مراحل پایانی تصویب بسیار نزدیک شد. مراحل قانونگذاری در سنا شروع شد. کمیسیون روابط خارجی سنا بدون هیچ مشکلی کنوانسیون وین و یادداشتهای مبادله شده را تصویب نمود. ولی کمیسیون نیروهای مسلح تصمیم گرفت که اول باید خود کنوانسیون به رأی گذاشته شود و یادداشتهای مبادله شده، موقعی تصویب شود که اقدام در مورد کنوانسیون به پایان رسیده باشد. این تصمیم اوضاع را کمی پیچیده کرد. در صورت آمادگی دولت این مشکل، که اهمیت زیادی نداشته و تنها برخی تأخیرهای بی‌مورد را موجب می‌شود، بروز نمی‌کرد. ولی علیرغم تماسهای مداوم ما با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و برخی رابطین در مجلسین، امکان اقدام با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و برخی رابطین در مجلسین، امکان اقدام مطلق در مورد این لایحه در کمیسیون نیروهای مسلح (بدون تصویب در مجلس - م)، نادیده گرفته شد.

نهایتاً دولت (به تحریک سفارت) بر اولویت لایحه تبادل یادداشتهای رأی داد و این امکان فراهم شد که لایحه مزبور در اجلاس ویژه مجلس که جهت تصویب متمم قانون بودجه تشکیل شده بود، مورد بررسی قرار بگیرد و بدین طریق روند جریانها در مسیر صحیح افتاد. (در این اثنا مگ - گروه مشاورین کمک نظامی - در تلاش بود تا از تصویب سریع این لایحه در کمیسیون نیروهای مسلح سنا، اطمینان حاصل نماید). در این حین کمیسیون روابط خارجی مجلس، کنوانسیون وین را به تنهایی مورد بحث قرار داد - منهای لایحه مبادله یادداشتهای که هنوز در سنا مورد تصویب قرار نگرفته بود - و شور اول آن در مجلس انجام شد.

سناتور احمد متین دفتری، عضو کمیسیون روابط خارجی سنا به ما گفت یک دلیل تأخیر ممتد سنا در بررسی این دو لایحه آن است که ترجمه ارائه شده از کنوانسیون وین توسط دولت ناقص بوده است. متین دفتری که کنوانسیون وین را به نمایندگی از دولت ایران امضاء کرده و بدین خاطر به خود

می‌بالد، تأکید می‌نمود که شخصاً آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است. هفته گذشته به محض تصویب فوریت لایحه مبادله یادداشت توسط سنا، این لایحه به جلسه عمومی آورده شد و با حضور تمام اعضاء به رأی‌گیری گذاشته شد. این لایحه تصویب شد، ولی در راهروها، از ابراز نارضایتی بعدی تعدادی از سناتورها که در زمینه‌های مشابه نسبت به اعطای امتیازات غیرعادی به خارجی‌ان مخالفت کرده بودند، مصون نماند. ظاهراً به «کاپیتولاسیون» نیز اشاره شده بود. این لایحه فوراً به مجلس (شورای ملی - م) تحویل شد و دولت دوباره خواستار فوریت در بررسی آن شد.

از هنگام تعطیل موقت مجلس شرایط بدین شرح می‌باشد: تصویب کنوانسیون وین در سنا انجام شده و شور اول آن در مجلس شورای ملی صورت گرفته است. مبادله یادداشتها نیز مورد تصویب قاطع سنا قرار گرفته است و در مجلس شورای ملی نیز پس از بررسی آن توسط کمیسیونهای روابط خارجی و نیروهای مسلح مجلس، تنها یک بار در مورد آن شور خواهد شد.

قبل از ارائه این لایحه به مجلسین، ما با نمایندگان کلیدی مجلس شورای ملی در تماس بوده‌ایم تا از تصویب بی‌دردسر آن اطمینان حاصل کنیم. این امر کاملاً محتمل است که مجلس با شروع کار خود در اواخر سپتامبر سریعاً نسبت به تصویب این لوایح، اقدام نماید. ولی هنوز هم این احتمال می‌رود که اخبار نارضایتی برخی سناتورها در مورد لایحه تبادل یادداشتها، به مجلس درز کند و موجب بروز برخی مشکلات در آنجا گردد.

دولت که کنترل مؤثری بر سه چهارم نمایندگان مجلس دارد به خوبی از اهمیتی که ما در مورد این موضوع قائلیم، آگاه می‌باشد و آماده است به محض از سرگیری کار مجلس شورای ملی، اعمال فشار نماید؛ ولی وجود سابقه شکست و عدم کارایی در برخورد با این گونه مصوبات موجب می‌شود که نتوان تضمینی مبنی بر عدم بروز مشکلات بیشتر داد. به طور کلی، هم اکنون ما اطمینان منطقی داریم که به هر حال، تصویب لوایح فوق پس از تعطیلات تابستانی صورت خواهد پذیرفت.

آرام، وزیر خارجه، به من گفته است که سنا مشکلترین مانع بوده است و معتقد است در مجلس شورای ملی مشکلی بروز نخواهد کرد. استوارت دبلیو. راکول کاردار موقت خیلی محرمانه - گروه ۴ با فواصل ۳ ساله طبقه‌بندی کاهش داده شود. پس از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج شود.

سند شماره (۷)

از: سفارت آمریکا - تهران، ایران
تاریخ: ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۲۱ شهریور ۱۳۴۳
به: آقای ام‌گوردن تایگر (مسئول امور ایران در وزارت خارجه - واشنگتن، دی. سی.)
نامه اداری - غیر رسمی
گوردن عزیز:

همان طور که اطلاع دارید، مجلس سنا کنوانسیون وین و شمول آن بر پرسنل نظامی آمریکا در ایران را به تصویب رسانیده است و این امر در مجلس (شورای ملی - م) نیز که احتمالاً در اوائل اکتبر (مهر - م) تشکیل جلسه خواهد داد، مطرح می‌گردد. ما هم اکنون زمزمه‌هایی در ارتباط با سؤالات و

یا اعتراضات احتمالی در مجلس می‌شنویم و میرفندرسی که وظیفه انجام این امر از طرف وزارت خارجه به او واگذار شده، همه اطلاعاتی را که ممکن است مفید واقع شود، از ما درخواست کرده است. ما همه قراردادهای و اطلاعاتی را که در اینجا داریم، جمع‌آوری کرده‌ایم، ولی از هر چیز دیگری هم که شما به ما بدهید، می‌توانیم استفاده کنیم. برای مثال، دانستن چیزهایی در مورد وضعیت فعلی یا دورنمای تصویب این کنوانسیون در ایالات متحده، جدیدترین گزارش در مورد تعداد کشورهای که این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند و یا احتمالاً در آینده تصویب خواهند کرد، اطلاعات در رابطه با کشورهای که مفاد این کنوانسیون را در عمل به کار بسته‌اند و تاریخی احتمالی در این مورد که چه موقع تعداد کافی از کشورها آن را تصویب خواهند نمود، تا کنوانسیون لازم‌الاجراء شود. ما متن قسمتهای مربوط به قرارداد وضعیت نیروها در پاکستان را به وزارت خارجه (ایران - م) داده‌ایم. همچنین به موافقتنامه‌ای که مربوط به مشاوران نظامی ما در هند می‌باشد، ابراز علاقه‌هایی صورت گرفته است. اگر این موافقتنامه در دسترس باشد و بتواند بدون ایجاد گرفتاری مورد استفاده قرار گیرد، مفید خواهد بود. خلاصه هر نوع اطلاعات اضافی که به موقعیت ما کمک کند، موجب قدردانی خواهد شد. از آنجایی که این موضوع به زودی در مجلس (شورای ملی - م) مطرح خواهد شد، اگر بخواهیم این اطلاعات مفید واقع شود، باید هر چه زودتر آنها را در اختیار داشته باشیم.

موضوع جدید: ما گزارشهای واصله از کابل در مورد کسب موشکهای سام توسط افغانستان را ملاحظه کرده‌ایم. به نظر می‌آید که احتمالاً مفید خواهد بود، گزارشهای مستندی از تجربه ناخوشایند عراق از موشکهای سام شوروی را در اختیار افغانها قرار دهیم. معلوم است که اینجا (ایران - م) محل مناسبی برای انجام این کار نیست، ولی شما می‌توانید با میز ترکیه این مسئله را بررسی کنید که آیا ترکها حاضر خواهند بود، افغانها را در جریان امر قرار دهند. البته نگرانی ما از این احتمال است که توسعه این گونه تواناییها در افغانستان ممکن است تقاضاهای اضافی ایران را برای استقرار موشکهای هاوک در اطراف زاهدان یا مشهد برانگیزد.

شما سؤال طرح شده از طرف دفتر سناتور «اروین» در مورد مشکلات «جی.ا. جونز» با روند قضائی اینجا در رابطه با دعاوی و دعاوی متقابل بین جی.ا. جونز و شرکت «ملایر» که یکی از مقاطعه‌کاران جزء ایرانی او می‌باشد، را به خاطر دارید. ما این مسئله را در ژوئن گذشته با وزارت خارجه مطرح کردیم و مواجهه با ابراز نگرانی و علاقه دوستانه آنها شدیم و پیشنهادی مبنی بر تمایل اداره حقوقی وزارت خارجه (ایران - م) برای مذاکره با نمایندگان آقای جونز در جهت یافتن راه‌های مناسب، دریافت نمودیم. در آن هنگام و پس از آن، این موضوع وزارت خارجه را به شرکت جی.ا. جونز در اینجا، اطلاع دادیم و پیشنهاد کردیم که نماینده خود را به وزارت خارجه معرفی نمایند. جی.ا. جونز هنوز از ما درخواست نکرده است که همراه آنها به وزارت خارجه برویم. فکر می‌کنیم تا هنگامی که آنان چنین پیشنهادی نمایند، این حداکثر کاری بوده که ما می‌توانستیم انجام دهیم. من پیشنهاد نمی‌کنم که شما داوطلبانه هیچ یک از این مطالب را به دفتر سناتور «اروین» بدهید، ولی لازم است در صورت پرسش مجدد آنها، این اطلاعات را داشته باشید.

ارادتمند جان ا. آرمیتاژ دستیار ویژه سفیر در رابطه با MSP

گروه ۴ - با فواصل ۳ ساله طبقه‌بندی کاهش داده شود. پس از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج شود.

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۲۶ شهریور ۱۳۴۳

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
یادداشت برای ضبط در پرونده
شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلسین تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر اکهارت

ج.ا.آرمیتاژ

سند شماره (۹)

تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۳۰ شهریور ۱۳۴۳

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: جان ا. آرمیتاژ

به: کاردار یادداشت

موضوع: کنوانسیون وین در مجلس

کاظمی، رئیس اداره حقوقی وزارت خارجه، به میرفندرسکی در آمادگی برای تقدیم کنوانسیون وین به مجلس، کمک می‌کند. روز شنبه وی تماس گرفت تا بعضی از نکاتی را که احتمالاً جدال برانگیز خواهد بود، مطرح کند.

مهمترین نکته، مربوط به این مسئله است که اعضای نظامی آرمیش (هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران - م) همان طور که از اعضای مگ (گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران - م) جدا هستند، آیا توسط دولت ایران «استخدام» شده‌اند، و اگر چنین است، آیا آنها مشمول مصونیت‌های درخواستی شده، می‌شوند؟

به کاظمی گفتم پس از تصویب اصلاحیه «مانسفیلد»، ما به طور مفصل با وزارت خارجه بحث و تبادل نظر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که حقوق این گونه اعضای نظامی به دولت آمریکا پرداخت شود نه اینکه به مستشاران به صورت انفرادی تحویل گردد. من گفتم که فکر می‌کنم، همگی موافقیم که این رویه، فرضیه کار فرما - مستخدم را در رابطه با دولت ایران مرتفع خواهد ساخت. علاوه بر این تکرار کردم که البته این پرسنل نظامی، آشکارا مأمورین دولت آمریکا بوده و در وهله اول تابع قوانین و دستورات دولت آمریکا می‌باشند.

مشکلی که در این رابطه وجود دارد، این است که ماده مصوبه مجلس سنا به پرسنل نظامی به عنوان «افرادی که در استخدام دولت ایران هستند»، اشاره می‌کند. این روی دیگر سکه است، یعنی تعبیر دقیق از ماده مصوبه این خواهد بود که کنوانسیون وین (۱) شامل هیچ یک از پرسنل نظامی ایالات متحده نمی‌شود (اگر موضع ما در رابطه با استخدام مد نظر قرار گیرد) یا (۲) تنها شامل پرسنل آرمیش خواهد شد، اگر تعبیر دولت ایران مد نظر قرار گیرد. ماده مصوبه، همچنین به «موافقتنامه‌های مربوطه» اشاره می‌کند و کاظمی گفت که آماده است تا این نظریه حقوقی را تعمیم دهد که این لایحه

قانونی همان طوری که در سنا مورد بحث قرار گفت، تمامی افرادی را که در یادداشتهای مبادله شده به آنها اشاره گردیده، در بر می‌گیرد.

با این حال، من متوجه شدم که میرفندرسکی در سنا از «مستشاران آمریکایی به عنوان افرادی که در استخدام دولت شاهنشاهی ایران هستند» یاد کرده است.

معتقدم که در مذاکرات بعدی خود با میرفندرسکی، مفید خواهد بود اگر بتوانید (۱) خاطر نشان سازید که استفاده از عبارت «در استخدام دولت ایران» به هنگام حضورش در مجلس، خلاف مصلحت خواهد بود؛ برای اشاره به مستشاران باید متذکر شود که آنها به درخواست صریح دولت ایران، در این کشور حضور دارند؛ (۲) از وی تضمین بگیرید که این لایحه همان طور که در ماده مصوبه سنا بیان شده، قابل اجراء برای پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا در ایران خواهد بود؛ همان گونه که در یادداشتهای مبادله شده، توضیح داده شده است. جان ا. آرمیتاژ

سند شماره (۱۰)

از: دفتر امور حقوقی - ستاد فرماندهی آرمیش - مگ تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۳۰ شهریور ۱۳۴۳

یادداشت برای ضبط در پرونده طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: لایحه بلا تکلیف مصونیتها

۱ - (خیلی محرمانه) در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۴ بنا به درخواست آقای جان آرمیتاژ از اعضای سفارت آمریکا در تهران، با دکتر کاظمی از اداره حقوقی وزارت امور خارجه ایران ملاقات کردم. موضوع صحبت بلا تکلیفی در تصویب کنوانسیون وین و یادداشت منضم به آن در مورد شمول کنوانسیون به پرسنل نظامی آمریکا در ایران، توسط مجلس بود. دکتر کاظمی گفت باید اطلاعات کافی در اختیار داشت تا در صورت اعتراض نمایندگان مجلس، بتوان از آنها استفاده کرد. اولین نکته، روشن شدن رابطه بین آرمیش - مگ با دولت ایران بود. به نظر او اگر اعضای هر دو گروه در استخدام دولت ایران محسوب شوند، می‌توان گفت که مفاد کنوانسیون وین شامل آنها نمی‌باشد.

خاطر نشان شد که مذاکرات سابق در این رابطه به این نتیجه رسیده است که پرسنل مستشاری آرمیش - مگ در واقع مستخدمین دولت ایران نیستند، بلکه فقط می‌توانند در استخدام دولت آمریکا باشند. رابطه کارمند و کارفرما در اینجا نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا از نظر قانون آمریکا و بخصوص اصلاحیه ۱۹۵۹ مانسفیلد، کارمندان دولت نمی‌توانند از یک دولت خارجی حقوقی دریافت نمایند. اینجانب تأکید کردم که بین پرسنل آمریکا و دولت ایران رابطه کارمند و کارفرما وجود ندارد، بلکه در اینجا دولت آمریکا حکم یک پیمانکار اصلی را دارد که با طرف دیگر قراردادی منعقد ساخته و پرسنل آمریکایی، کارمندان پیمانکار هستند نه طرف دیگر قرارداد. دکتر کاظمی گفت از این تشبیه خوشش آمده و ترجیح می‌دهد که از آن استفاده کند، ولی شاید بتواند با طرح موضوع پرداخت حقوق، استدلال مزبور را قویتر کند. خلاصه‌ای از قانون مزبور روز بعد به دکتر کاظمی داده شد و در آن تأکید شده بود که این لایحه مقرر می‌دارد که دولت آمریکا می‌تواند در ازای خدمات ارائه شده، کیفیت دریافت حقوق را مشخص کند. دکتر کاظمی توافق نمود که موضوع دریافت حقوق و

مزایای خدماتی سابق این دو گروه را در مذاکرات با اعضای مجلس مطرح نسازد. با این حال، وی فکر می‌کند که یک عنصر لازم در رابطه با استخدام، یعنی پرداخت حقوق و مزایا در ازای خدمات، فراموش شده است.

۲- (خیلی محرمانه) علاوه بر این آشکار شد که متن لایحه مصوبه سنا، مفاد کنوانسیون وین را در مورد آن دسته از پرسنل نظامی خارجی که در استخدام دولت ایران می‌باشند، تسری می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان از این نتیجه‌گیری اجتناب ورزید که به جای استدلال برای اینکه «ما کارمند نیستیم» شاید بهتر باشد که حوزه رابطه کارمند و کارفرما توسعه داده شود. زیرا قابل درک است که این قانون فقط شامل پرسنلی شود که دارای اعتبارنامه باشند (که ۸۳ نفر هستند). دکتر کاظمی به من اطمینان داد، در صورتی که این لایحه به همین صورت تصویب شود، تفسیری که او برای وزیر امور خارجه خواهد کرد این می‌باشد که تمام اعضای هیئت، مشمول لایحه خواهند شد نه فقط آنهایی که دارای اعتبارنامه هستند.

۳- (خیلی محرمانه) در رابطه با این مسئله که آیا پرسنل آرمیش - مگ نیز باید در حوزه رابطه کارمند - کارفرما قرار گیرند، معتقدم که باید خود را آماده سازیم تا در صورتی که هر تعریفی از مفاد (کنوانسیون - م) بر سر راه تصویب لایحه مانع ایجاد کند، در مسیر دیگری حرکت کنیم. این را می‌توان به دو طریق انجام داد: (۱) یک راه، حذف موارد اشاره شده به کلمه «آرمیش» می‌باشد. این از جنبه عملی واقع‌گرایانه‌تر است، زیرا بین مسئولیتها و وظایف اعضای دو گروه آرمیش و مگ تفاوت و تمایز واقعی ایجاد نشده است. ۸۳ نفر پرسنل مزبور تنها افرادی نیستند که در رابطه با ارتش ایران نقش مشاور را ایفا می‌کنند. وظایف، یکسان می‌باشد و از یکدیگر متمایز نشده است. (۲) کلمه «آرمیش» را می‌توان به همین صورت برای اهداف خاص حقوقی نگهداشت و تمامی ۸۳ نفر مزبور را به گروه مگ منتقل نمود. تأثیر این کار بر پرداخت حقوق و مزایای انتقال، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد و مقامات بالا در مورد مطلوب بودن این کار، تصمیم‌گیری نمایند.

۴- (خیلی محرمانه) حیطة لایحه در صورت تصویب به شکل کنونی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر کاظمی در ابتدا معتقد بود که این لایحه، افراد رده پایین‌تر از قبیل افسران وظیفه موجود در تیمهای صحرائی را در بر نخواهد گرفت. به کاظمی یادآوری شد که آرمیش - مگ یک سازمان نظامی نیست و صرفاً برای اجرای اهداف هیئت دیپلماتیک، عمل می‌کند. سفیر، مسئول اصلی در قبال فعالیتهای این هیئت می‌باشد. بنابراین شکی باقی نمی‌ماند که گروهبانی که در کرمانشاه سمت مستشار را در ارتش شاهنشاهی ایران ایفا می‌کند، تنها دستورات سفیر آمریکا در ایران را اجراء کرده است. علاوه بر این هر شخصی که به آرمیش - مگ مأمور گردد، به خاطر مهارت فنی اش منصوب شده تا در اجراء و تحقق اهداف سفارت مؤثر باشد. آرمیش - مگ پرسنلی ندارد که به عنوان یک واحد نظامی مأمور شده باشد، و فعالیتهایش مستقیماً در فعالیتهایی که می‌توان آنها را فنی یا اداری تعریف نمود، مشارکتی نداشته باشد. دکتر کاظمی از این توضیح بسیار راضی به نظر می‌رسید و احساس می‌کرد که در پذیرفتن این موضوع که لایحه باید در برگزیده تمامی پرسنل موجود در دو گروه آرمیش - مگ باشد، مشکلی وجود نخواهد داشت.

۵- (خیلی محرمانه) سرانجام دکتر کاظمی و من به بحث پیرامون این مسئله پرداختیم که در صورت تصویب لایحه مصونیتها چگونه باید جرایم جنایی که پرسنل آرمیش - مگ مرتکب می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرد. به تفصیل توضیح دادم که اگر یکی از این پرسنل مرتکب جرمی شود، از نقطه نظر دیسیپلین او را در دادگاههای نظامی محاکمه خواهیم کرد. علاوه بر این خاطر نشان ساختم که ما با نظر دولت ایران در مورد محل محاکمه موافقت خواهیم کرد. دکتر کاظمی گفت وی مطمئن است که رؤسای او خواهان انجام این گونه محاکمات در خارج از ایران می‌باشند. او در این رابطه به تجارب گذشته ایران در رابطه با محاکمات کنسولی اشاره کرد. در تشریح مطلب گفتم که در حال حاضر تنها مقامی که می‌تواند یکی از اعضای آرمیش - مگ را در دادگاه نظامی محاکمه کند، فرمانده ارتش آمریکا در اروپاست. در صورت ضرورت محاکمه سربازی که مرتکب خطای جدی شده باشد، او را به یکی از دادگاههای ارتش آمریکا منتقل خواهیم کرد و درخواست خواهد شد تا شاهدان محلی اجازه داشته باشند، که با هزینه ایالات متحده در محاکمه مزبور در اروپا حضور پیدا کنند. اگر شاهدان مزبور مایل به سفر به خارج از ایران نباشند، از وزارت دادگستری ایران خواهیم خواست که در تهیه ورقه استشهاد از شاهدان ما را یاری دهد. ما نیز مقامات ذی ربط ایرانی را از نتایج محاکمه مطلع خواهیم ساخت. بار دیگر تأکید کردم که هدف اصلی ما این است که در صورت لزوم افراد خاطی را در دادگاههای نظامی محاکمه کنیم. دکتر کاظمی گفت اعضای مجلس حتماً با شنیدن این نکته خوشحال خواهند شد، زیرا وی مطمئن است که بعضی از نمایندگان نگران خواهند بود، که مبادا بعضی از جرایم، بدون مجازات بماند.

۶- (خیلی محرمانه) دکتر کاظمی می‌خواست بداند که آیا دولت آمریکا در موارد ویژه‌ای به منظور حفظ منافع دولت ایران، فردی را از مصونیت مبرا خواهد ساخت. به وی اطمینان دادم که تصمیم‌گیری در مورد این مسئله در حد افرادی در سطح من نیست و مقامات بالاتر ذیربط در واشنگتن هستند که باید در این مورد تصمیم بگیرند. با این حال به وی گفتم که نباید چنین تصور کند که هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی دولت آمریکا از لغو مصونیت خودداری خواهد کرد. خلاصه اینکه، من در موقعیتی نبودم که بگویم موضع آمریکا قبل از بروز چنین موردی چه خواهد بود.

۷- (خیلی محرمانه) وقت بسیاری را صرف کردم تا در این بحث به وی بفهمانم که از نظر مقامات نظامی مبرم‌ترین دلایل در رابطه با تصویب این لایحه چیست. گفتم که بسیاری از افراد، دوره مأموریت خود را در ایران تمدید نمی‌کنند، زیرا همیشه از این می‌ترسند که خود و یا بستگان بلافصل آنها، زندانی شوند. توضیح دادم که بدون اینکه بی‌جهت از قوانین ایران ایراد گرفته باشم، باید این را بگویم که روند حقوقی در ایران با استانداردهای مورد توقع اتباع آمریکا مطابقت ندارد. بار دیگر تکرار کردم که این ترس، چه حقیقی باشد و چه خیالی، یک عامل روحی مؤثر می‌باشد و عملاً به عنوان یک مانع جدی در تمدید داوطلبانه مدت مأموریت پرسنل آرمیش - مگ محسوب می‌گردد. دکتر کاظمی گفت که طرح این روحیه فردی، بسیار مفید است و به او در خنثی ساختن اعتراضات اعضای مجلس کمک می‌کند تا نگویند که این لایحه طوری تنظیم شده که تنها به اعطای امتیاز به پرسنل این دو گروه بینجامد، به جای آنکه هدف اصلی را که عبارت است از مساعدت به آنها در انجام بهتر مأموریتشان، تأمین کند. رابرت ئی. هارت سرگرد JAGC وکیل مدافع ستاد

سند شماره (۱۱)

یادداشت: برای ضبط در پرونده
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۴ مهر ۱۳۴۳

موضوع: شمول کنوانسیون وین به وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران
لایحه مربوط به وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران، که توسط مجلس سنا به تصویب رسید و در حال حاضر نیز تحت بررسی مجلس (شورای ملی. م) قرار دارد، دولت ایران را مجاز می‌دارد که حوزه مصونیتها و معافیت‌های مربوط به پرسنل اداری و فنی، که در پاراگراف (و) از ماده یک کنوانسیون وین شرح داده شده است، را به رئیس و اعضای هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران، که براساس مفاد موافقتنامه‌های مربوط «در استخدام» دولت شاهنشاهی هستند، تعمیم دهد.
در کمیسیون امور خارجی مجلس این موضوع مطرح شده که آیا عبارت «در استخدام» (که در مجلس سنا عنوان شده) به شکل صحیحی وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران را تشریح می‌کند. به توصیه سفارت و آرمیش - مگ، وزارت خارجه به کمیسیون امور خارجه مجلس اطلاع داده که در واقع پرسنل نظامی آمریکا به دعوت دولت ایران اینجا هستند و در نتیجه در استخدام دولت آمریکا می‌باشند و نه در استخدام دولت ایران. به این ترتیب اگر این مجلس نیز لایحه مزبور را همان طور که در سنا به تصویب رسیده، مورد تصویب قرار دهد، انتظار می‌رود سابقه قانونی این مسئله را پیش بکشد که توصیف موجود از پرسنل نظامی آمریکا در این لایحه دقیق نمی‌باشد. این موضوع برای ایرانیان مطلوب می‌باشد زیرا بدین ترتیب از این برداشت که مستخدمین دولت ایران مشمول امتیازات دیپلماتیک می‌شوند، اجتناب خواهد شد.

سرگرد «هارت» از هیئت مستشاران نظامی و آقای «هرتز» از سفارت، امروز صبح روی این مسئله بحث می‌کردند که آیا مطلوبتر خواهد بود که روند کنونی برای تصویب لایحه در مجلس را بپذیریم یا اینکه باید پیشنهاد کنیم که لایحه مجلس بازبینی گردد تا وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران به طرز صحیحی تشریح شود. متذکر می‌شود که در حالت دوم لایحه باید مجدداً به سنا یعنی به جایی که توصیف ناقصی از شمول مورد نظر ما در لایحه گنجانده شده بود، برگردد و این می‌تواند به مناقشه بین دو مجلس، تأخیر بیشتر در کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل ما و ایجاد مشکلاتی برای دو دولت ایران و آمریکا منجر شود. از قبل هم زمزمه‌های نارضایتی در سنا و مجلس در مورد «کاپیتولاسیون» وجود داشته و ما مجبور شده‌ایم که به دولت فشار آوریم، تا اقدامات مربوط به روند تصویب لایحه را در اسرع وقت تکمیل کند. در صورتی که این لایحه بار دیگر به سنا برگردد، ممکن است دولت ایران کنترل اوضاع را از دست بدهد.

در بررسی یادداشتهای مبادله شده اولیه‌ای که از مجلسین خواسته شده تا آنها را مورد تصویب قرار دهند، متوجه شدیم که سابقه این مبادلات حقیقتاً وضعیت پرسنل ما را آن طور که فاقد هر گونه شک حقوقی باشد، توصیف نمی‌کند. با این حال، ما احساس می‌کنیم که هرگونه تردید احتمالی موجود، می‌تواند به شکل ساده‌ای که در ذیل پیشنهاد می‌گردد، برطرف شود:

۱ - یادداشت سفارت به شماره ۴۲۳ و به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ پیشنهاد می‌کند که کنوانسیون وین شامل حال پرسنل نظامی ما در ایران شود.

۲- یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت خارجه اظهار می‌دارد که «مطالعات لازم به عمل آمده و نتیجه این مطالعات به استحضار آن سفارت کبری رسیده است. یعنی اینکه موافقتنامه بین‌المللی وین، بعد از تصویب آن توسط قوه مقننه ایران، شامل حال اعضای هیئتهای مستشاری نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران هستند، نخواهد شد. و یک مجوز حقوقی جداگانه لازم است. علیهذا قرار شد، هنگام تقدیم موافقتنامه بین‌المللی وین به مجلسین، شرح لازم نیز ضمیمه آن گردد تا بدین ترتیب رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی در ایران از امتیازات، مصونیتها و معافیهایی که (تحت کنوانسیون وین) فراهم می‌گردند، برخوردار شوند.»

به اعتقاد ما، یادداشت ۸۲۹۶ تلویحاً اشاره می‌کرد که هیچ مشکلی بر سر راه توسعه حوزه امتیازات کنوانسیون وین به پرسنل نظامی آمریکا، بجز در مواردی که ممکن است چنین پرسنلی توسط دولت ایران به استخدام درآیند، وجود ندارد.

۳- یادداشت مورخ ۱۱ مارس ۱۹۶۳ وزارت خارجه به شماره ۸۸۰۰ می‌گوید با قسمت اخیر یادداشت شماره ۴۲۳... در خصوص اینکه اعضای عالی‌رتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه‌های سیاسی هستند، موافقت می‌گردد که به نامبردگان وضع سیاسی داده شود تا بتوانند از مصونیتها و امتیازات مربوطه (در کنوانسیون وین) برخوردار شوند و در خصوص بقیه کارمندان هیئتهای مستشاری آمریکا نیز مطالعاتی در جریان است، تا برای آنها نیز امتیازات و تسهیلات بیشتری فراهم گردد که نتیجه آن بعداً به استحضار آن سفارت کبری خواهد رسید.»

۴- یادداشت مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۶۳ سفارت به شماره ۲۹۹ در پاسخ متذکر می‌گردد، که دولت ایران به پارلمان پیشنهاد خواهد کرد که «رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران از امتیازات، مصونیتها و معافیهایی (کنوانسیون وین) برخوردار شوند» و چنین ادامه می‌دهد: «طبق برداشت سفارت، عبارت (اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران) در برگیرنده همه پرسنل نظامی یا کارکنان غیر نظامی عضو وزارت دفاع و بستگانشان که اهل خانه آنها می‌باشند و حضورشان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شناخته شده است، می‌باشد....»

به همین ترتیب موافقت می‌کند که یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت به همراه یادداشت شماره ۸۸۰۰، به بعد از اینکه توسط مجلس شورای ملی و سنا تصویب شدند، پاسخ قابل قبول و مطلوبی را برای یادداشت شماره ۴۲۳ سفارت تشکیل خواهند داد... این یادداشت قسمتی از سابقه لایحه قانونی در سنا می‌باشد و احتمالاً قسمتی از سابقه مربوط به این لایحه توسط مجلس نیز خواهد شد.

با این حال، ما احساس می‌کنیم که کل لایحه قانونی جاری دولت ایران ممکن است، چنین تعبیر شود که تنها قابل تعمیم به آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا که در استخدام دولت ایران هستند، می‌باشد. اگر چه برداشت آمریکا از این لایحه (همان طور که یادداشت شماره ۲۹۹ ما آمده) این است که کنوانسیون وین شامل همه پرسنل نظامی می‌گردد. از نظر دادگستری ایران، که تنها به متن خود قانون و نه به سابقه آن (مفهومی که به طور ناقص در ایران درک می‌شود) توجه دارد، ممکن است این برداشت آمریکا هنوز قابل بحث باشد. از طرف دیگر، آن طور که ما یادداشت‌های مبادله شده را مطالعه کردیم، احتمالاً این گونه برداشت می‌شود که یادداشت شماره ۸۲۹۶ بر این دلالت دارد که دولت ایران در ارتباط با آن دسته از پرسنل نظامی آمریکا در اینجا که ممکن است در استخدام دولت ایران باشند،

دچار یک اشکال قانونی است. به عبارت دیگر دولت ایران در تمامی این مدت قدرت قانونی برای اعطای این مصونیتها و امتیازات به پرسنل نظامی ما که مستخدمین دولت ایران نمی‌باشند را دارا بوده است، و تنها نیازمند تصویب خود کنوانسیون وین بوده تا آن را شامل حال چنین پرسنلی نماید.

نتیجه

ما احساس می‌کنیم که به دلایل فوق‌الذکر، مطلوب نخواهد بود که پیشنهاد کنیم مجلس به منظور حذف عبارت «در استخدام»، لایحه جاری را مورد اصلاح قرار دهد. ولی این پیشنهاد باید مورد قبول باشد تا به وسیله آن دولت ایران به سادگی توضیحات معتبری را اضافه کند که پرسنل نظامی آمریکا که در حال حاضر در ایران به سر می‌برند، مشمول کنوانسیون وین می‌گردند، ولی آنها در استخدام دولت ایران نمی‌باشند.

به هر حال، به نظر ما ضروری است که به منظور اجتناب از هر گونه تردید احتمالی آتی نسبت به وضعیت پرسنل نظامی ما در اینجا، بلافاصله بعد از تصویب این لایحه، دو اقدام دیگر نیز انجام شود: الف - یادداشتی باید به وزارت امور خارجه ایران فرستاده شود و توسط آنها تأیید گردد مبنی بر اینکه بعد از آنکه مجلس مشکل مطروحه در یادداشت شماره ۸۲۹۶ را پشت سر گذاشت، برداشت ما (تکرار آنچه که ما در یادداشت ۲۹۹ گفته‌ایم) این است که «همه پرسنل نظامی ما و بستگان آنها که حضورشان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شمرده می‌شود»، از مزایای کنوانسیون وین، اعم از اینکه این پرسنل مستخدمین دولت ایران باشند یا نباشند، بهره‌مند خواهند شد.

ب - اقداماتی برای دریافت کارتهای شناسایی برای همه پرسنل نظامی آمریکا در ایران، به شکلی که قابل قبول برای همه مسئولین قضائی و پلیسی به عنوان مدرکی که دال بر مصونیتهای آنها از تعقیب جنایی دولت ایران باشد، به عمل آید. ما این توصیه‌ها را می‌کنیم، زیرا قابل تصور است که بعد از تصویب این لایحه، یک دادگاه حقوقی ایران ممکن است اظهار دارد که پرسنل نظامی که در استخدام دولت ایران نیستند، مشمول قانونی که فعلاً تحت بررسی پارلمان قرار دارد، نمی‌گردند. با توجه به پذیرش یادداشت ما از سوی دولت ایران که با شماره ۴ در بالا مشخص شده بود و این واقعیت که یادداشت‌های مبادله شده تقدیم مجلسین گشته و در رابطه با تصویب این لایحه مورد ملاحظه قرار گرفته است، قابل تصور نیست که بعد از اتمام مراحل پارلمانی، دولت ایران تأییدیه خواسته شده در پاراگراف «الف» را به ما ندهد.

رونوشت به:

- ۱ - آقای راکول
- ۲ - سرگرد هارت
- ۳ - JAA
- ۴ - MFH chron
- ۵ - MFH in.box

گروه ۳- در فاصله ۱۲ سال طبقه‌بندی کاهش داده شود. ولی به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

سند شماره (۱۲)

از: سفارت آمریکا - تهران، ایران
به: معاونت امور سیاسی و پارلمانی وزارت خارجه ایران
آقای میر فندرسکی عزیز:

ما از شنیدن این خبر خوشحالیم که لایحه مربوط به شمول کنوانسیون وین به پرسنل نظامی آمریکا در ایران، به زودی برای تصویب نهائی در مجلس شورای ملی مطرح خواهد شد. در این رابطه، اگر من سخنان امروز شما را درست فهمیده باشم، شما گفتید که پیش‌بینی نمی‌شود از دولت خواسته شود تا در آن جلسه عمومی، اظهار نظری نماید.

همان طوری که به خاطر دارید، ما اخیراً در این باب بحث کردیم که جمله‌بندی این لایحه (بخصوص کلمات «در استخدام دولت شاهنشاهی») ممکن است بازنویسی مجدد آن را ضروری کند. زیرا در یک تفسیر خشک، پیش‌نویس حاضر، توصیف صحیحی از آنچه که دولتهای ما در تبادل یادداشتهای اولیه بر روی آن موافقت کردند و هم اکنون از سوی دولت شما جهت تصویب به مجلس تقدیم شده، ارائه نمی‌دهد. ما دلایل اینکه چرا اقدام به چنین رویه پر زحمتی، عملی یا مطلوب یافت نشده است را کاملاً درک می‌کنیم. اما به هر حال، همان طور که من در فرصتی آن را برای شما توضیح داده‌ام و همان طور که در نامه اخیری که به شما دادم (و کپی آن ضمیمه شده است)، مطالب را با جزئیات بیشتری برایتان بیان کردم. با توجه به شرایط فعلی، بسیار مهم است که یک «سابقه قانونی» که مفهوم این لایحه را روشن می‌سازد، فراهم گردد تا از مشکلات آینده، برای مثال در یک دادگاه حقوقی که ممکن است براساس قانونی که در دست تصویب پارلمان شماست، تفسیر محدودکننده‌ای به عمل آورد، اجتناب شود.

من از این بابت نگران هستم که اگر دولت موفق به انجام یک سخنرانی توضیحی در مجلس نشود، فرصت برای ایجاد چنین سابقه قانونی از دست برود.

نسخه ضمیمه شده، کپی نامه‌ای است که اخیراً به شما داده‌ام. این نامه حوزه واقعی کاربرد لایحه‌ای را که در حال حاضر در مجلس مطرح است، آن طور که دولتهای ما بر اساس تبادل یادداشتهای اولیه درک می‌کنند، مشخص می‌کند. همان طور که می‌دانید، عدم صراحت فعلی ناشی از این واقعیت است که پس از جمله‌بندی مجدد این لایحه در سنا، دیگر تأیید صریحی از تبادل یادداشتهای اولیه ما، در آن به چشم نمی‌خورد.

بسیار مطلوب خواهد بود اگر در هنگام طرح این لایحه جهت تصویب در مجلس، سخنگویی از جانب دولت بتواند این مطلب را روشن سازد، که مقصود این نیست که کنوانسیون وین فقط شامل آن دسته از اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در استخدام دولت شاهنشاهی هستند، می‌باشد. بلکه منظور این است که این لایحه «همه پرسنل نظامی یا کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع آمریکا که حضور آنان در ایران توسط دولت شاهنشاهی ایران مجاز شمرده شده، را شامل می‌گردد».

ارادتمند شما

استوارت دلبیو. راکول

کاردار سفارت آمریکا در ایران

سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه واشنگتن
تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۰ مهر ۱۳۴۳
تلگرام ارسالی شماره ۳۹۸
مرجع: نامه شماره ۵۳ - A سفارت و تلفنگرام ۳۷۱ سفارت
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

کنوانسیون وین و لایحه قانونی در خصوص کاربرد آن در مورد پرسنل نظامی ایالات متحده در ایران، برای بررسی سریع در دستور کار جلسه علنی مجلس قرار گرفته است و احتمالاً اوائل هفته آینده بعد از انتخاب هیئت رئیسه و اعضای کمیسیونها، مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت. شاه به زیر دستانش پیغام داده است که او هیچگونه درگیری را نمی‌خواهد. ما انتظار داریم که تصویب هر دو لایحه بدون هیچ‌گونه مشکل آشکاری، انجام شود. به هر حال، نشانه‌هایی از افزایش مشکلات پنهانی در رابطه با لایحه کاربرد مصونیت‌های کنوانسیون در مورد پرسنل نظامی ایالات متحده، وجود دارد (از این پس این لایحه، «لایحه وضعیت» نامیده می‌شود) و در بعضی از موارد، این چنین مشکلاتی آشکار هم شده‌اند.

به این دلیل که تاکنون دولت سانسور شدیدی را در مورد تمامی اطلاعات و مذاکرات لایحه وضعیت اعمال کرده است و از آنجایی که لایحه از طریق مجلس سنا، با قید فوریت و بدون هیچ‌گونه مذاکره‌ای به مجلس فرستاده شده است (رجوع شود به تلگرام هوایی)، شایعات بسیاری در حال حاضر، جریان دارد و صحبت‌هایی می‌شود که لایحه متضمن «کاپیتولاسیون» است. بخشی از این تصورات غلط، غیر قابل اجتناب و بی‌ضرر است و به محض اینکه دولت توضیحات لازم را برای عموم ارائه دهد، برطرف خواهند شد. هر چند بعضی از آنها به طور روشنی کینه‌جویانه می‌باشد و با مخالفت پنهانی علیه دولت و هیجان ملی‌گرایی به همراه فریادهای ضد آمریکایی، در آمیخته است. ما در تماس نزدیک با عناصر اکثریت و اقلیت مجلس هستیم و با حالت تدافعی موجود در اعضای کمیسیون امور خارجی که اخیراً لایحه وضعیت را در کمیسیون تصویب کرده‌اند، روبرو شده‌ایم. آنها به ما گفتند که اخیراً مورد حملات شدیدی از طرف همقطاران خود در مجلس و دیگر رابطین قرار گرفته‌اند، که در بیشتر موارد دارای تصورات غلط افراطی درباره لایحه‌ای که مجلس در شرف تصویب آن است، می‌باشند. آشکار است که علیرغم تلاشهای دوستانه و کاملاً آگاهانه نمایندگان، همچنین علیرغم تلاشهای توضیحی خودمان، این تلاشها آنقدر نبوده است که بتواند همه سوء تفاهمها را برطرف کند. وزارت امور خارجه ایران این مسئله را درک می‌کند و به ما اطمینان داده است که دولت تلاش واقعی خود را، در مورد بیان حقایق درباره لایحه، قبل از طرح آن در مجلس و قبل از اعلان عمومی آن، خواهد نمود.

در این میان، وضعیت به واسطه درج چند مقاله گمراه کننده و کنایه‌آمیز در روزنامه‌های کم تیراژ «آژنگ» و «پیغام امروز» در هفته گذشته، تا اندازه‌ای تیره شده است. آژنگ بعد از چاپ مقاله‌ای، ظاهراً به قلم «احمد آرامش»، فردی اخلاک‌گر و ضد آمریکایی، به وسیله سانسور توقیف شد. دلیل اینکه چرا مقاله پیغام امروز چاپ شده است، زیاد معلوم نیست زیرا این روزنامه در تماس نزدیک با ادارات دولتی می‌باشد. در هر حال، شواهدی دال بر عصبانیت در مجلس و دولت وجود دارد، تا بدون کاهش در لایحه قانونی، در کار تعجیل شود و هر چه زودتر لایحه در کتابهای قانون ثبت گردد؛

خصوصاً اینکه شاه به طور واضح تمایل خود را آشکار کرده و می‌خواهد که لایحه تصویب شود. دیروز «محمد ضیایی» رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس به دیدن «آرام» وزیر امور خارجه رفت تا در خصوص اینکه چه اقداماتی می‌توان انجام داد تا مردم متقاعد شوند که مسئولیت مدنی آنها با اجرای مقررات کنوانسیون وین در مورد نظامیان ایالات متحده تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، مذاکره نمایند و اینکه اعمال کنوانسیون وین برای هیئتهای نظامی آمریکا نامعقول نمی‌باشد و آنکه هیچ‌گونه خللی به حق حاکمیت ایرانیان وارد نمی‌آید. تصمیم گرفته شد که دولت بیانیه‌ای جامع در خصوص اینکه لایحه شامل چه چیزهایی می‌شود و شامل چه چیزهایی نمی‌شود، به مجلس بفرستد و اینکه دولت مراقبت خواهد کرد که بیانیه توسط روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع عموم رسانده شود. صبح امروز، حزب ایران نوین در یک مذاکره خصوصی به جمع‌آوری نظرات در خصوص لایحه وضعیت پرداخت تا به این وسیله از بحثهای زیاد به هنگام قرار گرفتن لایحه در دستور کار مجلس در هفته آینده، جلوگیری شود. نخست وزیر خودش در مجلس حضور پیدا خواهد کرد تا توضیحات را ارائه دهد. ما فکر می‌کنیم که این جلسه به آرام شدن جو کمک خواهد کرد، اما همچنین فکر می‌کنیم که بعد از تصویب لایحه، باید آماده باشیم تا ژستهایی به وسیله بخشهایی از رژیم مشاهده شود، دال بر اینکه «رژیم خودش را به ایالات متحده فروخته است.» در حالی که نمی‌دانیم این ژست چه شکلی ممکن است به خود بگیرد، خوب است برای آن آماده شویم؛ چرا که این قضیه می‌تواند از دیدی صحیح به عنوان برخورد با یک مشکل داخلی که دولت اجازه بروز آن را داده است، در نظر گرفته شود. این مسئله به این خاطر است که دولت مخالف اجازه دادن به بحثهای علنی در مورد مسائل سیاسی است.

سند شماره (۱۴)

از: مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا تاریخ: ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۱ مهر ۱۳۴۳
 به: معاون مخصوص سفیر در امور MSP
 نامه اداری - غیر رسمی

جک عزیز:

از اینکه در ارسال اطلاعات مورد نیاز درباره کنوانسیون وین که مدتها پیش خواسته بودید تأخیر روی داده است، متأسفم و فقط امیدوارم که در ارائه کمک ممکن براساس آنچه در تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸ شرح داده بودید، خیلی دیر نشده باشد. کنوانسیون وین در ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ - م) وقتی که حداقل ۲۲ کشور مورد نیاز، آن را تصویب کردند به مورد اجراء گذاشته شد و تاکنون از تصویب ۳۳ کشور گذشته است، به اضافه نوزده که در شرف امضای آن می‌باشد. عملکرد ما در این باب خیلی خوب نبوده است: لایحه در ۱۴ می ۱۹۶۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲ - م) به سنا ارائه شده و در مورد تاریخ اجرای آن هیچ‌گونه حدسی نمی‌توان زد. هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم در تمام ۳۳ کشوری که آن را تصویب کرده‌اند، دست کم با حداقل استاندارد، اجراء نشده است. برای تیرئه وضعیت خودمان می‌توان خاطر نشان کرد که رویه ما مترقی‌تر از حداقل استانداردهای وضع شده در کنوانسیون می‌باشد.

بنابراین اقدامات همراه با فراغت خاطر قوهٔ مقننهٔ ما، بازتاب هیچ گونه سستی و اکراه در تحقق استانداردهای معقول برای رفتار دیپلماتها نمی‌باشد.

موافقتنامه‌ای که مشاورین نظامی ما در هند را تحت پوشش قرار می‌دهد، هنوز امضاء نشده است. هنگامی که امضاء گردید، نسخه‌ای از آن را برای شما ارسال خواهم کرد، حتی اگر بعد از تصویب مجلس ایران به دست ما برسد، تا ایرانیان بتوانند یادداشتها را مقایسه کنند.

از بابت ارسال اطلاعات مربوط به مشکل «جی.ای. جونز» تشکر کرده و آنها را نگهداری خواهیم کرد تا زمانی که درخواست دیگری از سناتور «اروین» در این مورد مطرح شود.

من پیشنهاد شما را در مورد موشکهای سام افغانها می‌پذیرم و امیدوارم که بتوانیم این مسئله را به نحوی تا آخر دنبال کنیم.

ضمناً، ما در انتظار «ژست» پیش‌بینی شده در تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸ می‌باشیم و مطمئن هستیم که نظر مشورتی شما، ما را در شناخت آن «ژست» کمک خواهد کرد.

با بهترین احترامات، ارادتمند

ام. گوردن تایگر

مسئول امور ایران

گروه ۳ - در فاصله ۱۲ سال طبقه‌بندی کاهش داده شود. ولی به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

فصل دوم

تصویب لایحه احیای کاپیتولاسیون

سرانجام در روز سه شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳، مجلس شورای ملی بررسی «کنوانسیون وین و لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین» را آغاز نمود. دفاع از این دو لایحه را «حسنعلی منصور» نخست وزیر وقت و «میرفندرسکی» معاون وقت وزیر امور خارجه متقبل شده بودند.

دوره ۲۱ مجلس که پس از تصویب به اصطلاح «انقلاب سفید» شروع به کار کرده بود، متشکل بود از نمایندگان حزب ایران نوین، حزب مردم و تعدادی از نمایندگان منفرد و مستقل. حزب ایران نوین نقش اکثریت و حزب مردم نقش اقلیت را ایفاء می نمودند تا بدین وسیله تصویری از دموکراسی مورد ادعای آمریکا و شاه را در اذهان عمومی ایجاد کنند.

آمریکاییان که بی صبرانه در انتظار تصویب لایحه بودند، مذاکرات مجلس شورای ملی را با دقت دنبال می کردند. در این رابطه ترجمه انگلیسی متن مذاکرات مجلس شورای ملی در لانه جاسوسی آمریکا به دست آمد. اما برای دقت و امانت بیشتر، صلاح دیده شد که از متن اصلی مذاکرات مجلس شورای ملی به زبان فارسی (موجود در آرشیو کتابخانه مجلس) استفاده شود.

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۴۳ - ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

مذاکرات مجلس شورای ملی - جلسه ۱۰۴

۸ - طرح و تصویب گزارش کمیسیون خارجه راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین

نایب رئیس - گزارش کمیسیون خارجه راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین مطرح است قرائت می شود. (به شرح ذیل خوانده شد)

گزارش شور اول از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۲ مهر ماه ۱۳۴۳ با حضور آقای میرفندرسکی، معاون وزارت

امور خارجه و تیمسار سپهد شکیبی معاون وزارت جنگ، لایحه شماره ۳۴۲۲ - ۴۳/۵/۴ ارسالی از مجلس سنا راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهاى قرارداد وین را مورد رسیدگی قرارداد و عیناً تصویب نمود. این گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

ماده واحد - با توجه به لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائ آن، که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرار داد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، می‌باشد، برخوردار نماید.

مخبر کمیسیون امور خارجه - فتح الله مافی

نایب رئیس - این لایحه یک فوریتش در جلسه چهارم مرداد تصویب شده است، بنابراین فعلاً شور نهایی است (سرتیپ پور - بنده اخطار دارم) (صادق احمدی - بنده هم اخطار دارم) آقای سرتیپ پور بفرمایید.

سرتیپ پور - طبق ماده ۱۳۷، اخطار بنده راجع به منافی بودن لوایح و طرحها با قوانین کشور است. اخطار راجع به نظامنامه داخلی مجلس مقدم بر اظهارات دیگر است و مذاکرات را در موضوع اصلی متوقف می‌سازد، ما نمایندگان ایران هستیم، در مجلس ایران مجاز هستیم قانون بگذرانیم، ولی مجاز نیستیم که از کادر قانون اساسی خارج شویم. (صحیح است - احسنت) جناب نخست وزیر در نطقی که امروز فرمودند تأکید فرمودند که باید ما کارهایمان اصولی باشد و اساسی. قانون اساسی در مملکت مامبنای عزت ما است (احسنت) و اگر خدای ناکرده یکی از ارکانش صدمه ببیند، ای بسا سایر رکنها دچار صدمه بشود. در قانون اساسی حقی برای ملت ایران قائل شده‌اند که بنده آن حق را در اینجا عرض می‌کنم. اصل ۷۱ - مرجع تظلمات اهالی مملکت در دیوان عدالت عظمی است (احسنت - صحیح است) در جای دیگر قید می‌کند، اصل ۱۱ متمم قانون اساسی، هیچ کس را نمی‌توان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم بکند، منصرف کرد. (احسنت) اصل دیگر اصل ۵۰ - فرمانروایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است. (احسنت) لایحه‌ای که عرضه شده به مجلس، مزاحم این سه اصل قانون اساسی است. (صحیح است) دلیلش این است که اگر بنا باشد یکی از مستشاران احیاناً به یکی از ایرانیان تصادم کند، مرجع تظلم آن دیوان عدالت است و اگر ما این لایحه را تصویب کنیم به آن ایرانی فهمانده‌ایم که مرجع تظلم دیوان عدالت عظمی نیست، کجا است؟ هر جایی باشد، نمی‌تواند بر وفق قانون اساسی باشد. هر چیزی که قانون اساسی را نفی کند مطرود است. (صحیح است) قسمت دیگر اینکه قدرت فرمانروایی بری و بحری ایران تفکیک پذیر نیست. (احسنت) نمی‌توان عده‌ای را تحت تعلیمات و احکام و فرمانروایی ایران قرار داد و عده‌ای را، مجلس متترع بکند. حق ندارد. (صحیح است - احسنت) اگر بنا باشد ما تا این حد سهل انگاری بنماییم، ای بسا بسیاری از موارد و اصول اساسی قانون که با عزت ایران، پرچم ایران، حاکمیت ایران مرتبط است، متزلزل می‌شود. قلمرو قضائی ایران محدوده‌ای است در بین مرزهای ما، آن چنان که قلمرو قضائی ملت‌های

دیگر محدوده‌ای است در مرز خودشان و مستعمراتشان. ایرانی اگر قتل بکند در جای دیگر غیر از مرزهای خودش در ایران محاکمه نمی‌شود. اگر در آنجا نظام حقوقی را به هم زده، محاکمه نشود، جواز قتل گرفته است. ایران روی هر مصلحتی که بوده باشد، از همه دوستان خودش که در قرارداد وین امضای تساوی مطلق گذشته‌اند، تقاضا دارد که تجدید نظر بکند در خواش خودشان. اگر هر کسی جزئی از اقتدارات ما که بر وفق قانون اساسی به ملت ایران داده شده است قصد نفی داشته باشد، برای ما این فکر را به وجود بیاورد که اگر فردا ناخن بند کرد، از کجا که سایر اقتدارات ما را نگیرد و ما ناچار با هر دولتی که این طور فکر بکنند باید در حالت دفاعی باشیم. من خیال می‌کنم که همه ما مقدساتی داریم در آسمان، مقدساتی داریم در زمین (صحیح است) که عمری با این مقدسات خو گرفته‌ایم، انس گرفته‌ایم. در شداید از این مقدسات همت خواسته‌ایم و بر اثر همان همت بر شداید ملی و مملکتی غلبه کرده‌ایم و به نام آن مقدسات و به یاد آنها و به حفظ احترام آنها قسم یاد کرده‌ایم، با خدای خود عهد بسته‌ایم که آن مقدسات را محترم بشماریم، که از جمله آن مقدسات قانون اساسی و سلطنت مشروطه است و صیانت و حقوق و منافع ملی ایران است. کدام دولت حاضر است که ما پیمانی که با خداوند بسته‌ایم، بر آن استوار نباشیم. آیا کسی که بر پیمان خود با خداوند استوار نباشد با مخلوق خداوند استوار می‌ماند؟ این مقدمه فساد است. هیچ دولتی فساد دولت را دوست را نباید بخواهد والا دوست شناخته نمی‌شود. ما میل داریم که جناب آقای منصور که واقعاً میل دارند مرد اصولی باشند و به قانون اساسی احترام بگذارند (عده‌ای از نمایندگان - می‌گذارند) عرض کردم میل دارند، ایشان فرصت این را دارند که مذاکره بکنند. از دوستان ما بخواهند ما را در حال صلاح نگاه دارند. یکی از شرایط دوستی این است که دوست، پیمان ما را نسبت به مقدساتی که داریم محترم بشمارد.

نایب رئیس - پنج دقیقه وقت داشتید در اخطار نظامنامه‌ای صحبت بفرمائید. ممکن است در کلیات صحبت بفرمایید. مانعی ندارد.

سرتیپ پور - ولی این لایحه را در حال، قابل طرح در مجلس نمی‌دانم (احسنت) چرا؟ برای اینکه خلاف قانون اساسی است. مگر اینکه ثابت کنند خلاف قانون اساسی نیست.

نایب رئیس - جناب آقای صادق احمدی اخطار نظامنامه‌ای دارید، بفرمایید.

صادق احمدی - عرض کنم فرمایشات محکم و مستدل و متین جناب آقای سرتیپ پور، بنده را مستغنی کرد که مزاحم خانمها و آقایان محترم شوم. آنچه که به عنوان اخطار نظامنامه‌ای خواستم عرض کنم و الآن به عرض نمایندگان محترم می‌رسانم، این است که این لایحه در دستور کار روز پنجشنبه گذشته بود بنده که مطالعه کردم چند اشکال درش دیدم و دیدم یک عده از نمایندگان مثل بنده فکر می‌کردند، آنها را تشخیص داده‌اند. رفتم خدمت جناب آقای مهندس ریاضی، رئیس مجلس، و گفتم که این یک اشکالاتی دارد. اولاً به قرارداد وین اشاره شده که آن قرارداد تصویب نشده و شما این را مقدم بر قرارداد وین گذاشته‌اید، ثانیاً در مقدمه ماده واحده بر خلاف معمول مقدماتی نوشته شده است که «با توجه به لایحه شماره فلان که تقدیم به مجلس سنا شده»، از همه اینها گذشته این لایحه‌ای است که حتماً باید به کمیسیون دادگستری و کمیسیون نظام می‌رفت و وظایف کمیسیون نظام و کمیسیون دادگستری کاملاً مشخص است. بنده این طور تشخیص دادم، شاید غلط تشخیص دادم.

ایشان ظاهراً قانع شدند و گفتند این کار را می‌کنم. خدمت جناب آقای خواجه‌نوری، دوست عزیزم رسیدم، گفتم عین جمله‌ای که آنجا گفتم اینجا تکرار می‌کنم. مخصوصاً از لحاظ توجه جناب آقای نخست وزیر، گفتم برای بنده مسلم است که اکثریت محترم مجلس یعنی فراکسیون ایران نوین خوشبختانه همه افراد وطن پرست و علاقه‌مند هستند (صحیح است) اگر غیر از این بود اطمینان داشته باشید جناب آقای خواجه‌نوری، بنده در این مجلس نمی‌آمدم، اما اگر آمدم و افتخار همکاری خانمها و آقایان را دارم برای این است که می‌دانم همه خانمها و آقایان علاقه به کشورشان دارند، علاقه‌مند به استقلال کشورشان هستند، وطن پرست و شاه‌دوست هستند. خدمت جنابعالی عرض کردم که این یک اشکالاتی دارد، البته رأی اکثریت محترم است ولی شما که می‌خواهید رأی بدهید، توجه بفرمایید. نشستیم، مذاکراتی کردیم. به اینجا منتهی شد که این لایحه از دستور خارج بشود و به کمیسیونهای دارایی و نظام برود. بنده هم به سهم خودم که یک عضو کوچکی از این مجلس هستم رفتم، مطالعه کنم ببینم نسبت به این لایحه می‌توانم موافق باشم؟ اگر موافق می‌توانم باشم، مطالعاتی بکنم که وجدانم ارضا بشود. حتی بنده قصد داشتم که توی همین هفته خدمت جناب میرفندرسکی برسم در وزارت امور خارجه، بعضی از عهدنامه‌ها را بخوانم و مطالعات بیشتری بکنم. هنوز بنده نمی‌توانم بگویم مخالفم یا موافق چون مطالعاتم ناقص است. یک دفعه امروز آمدم دیدم این لایحه در دستور امروز قرار گرفته. حال نمی‌دانم این کاری که مصونیت ایجاد می‌کند، برای عده‌ای و از تعقیب جزائی مصون می‌شوند نباید به کمیسیون دادگستری برود؟ این لایحه که مربوط به مستشارانی است که در خدمت وزارت جنگ هستند، نباید به کمیسیون نظام برود؟ علی‌ای حال بنده در حال حاضر نمی‌توانم نسبت به این لایحه نفیاً یا اثباتاً نظری بدهم، چون مطالعاتم ناقص است، نمی‌دانستم در دستور کار امروز مجلس قرار می‌گیرد عرض دیگری ندارم. (احسنت)

نایب رئیس - آقای فخر طباطبائی هم اخطار نظامنامه‌ای دارند، بفرمایید.

فخر طباطبائی - عرض کنم که قسمتی از عرایض بنده را جناب آقای صادق احمدی فرمودند. بنده این لایحه را که مطالعه کردم، دیدم اصولاً جنبه بین‌المللی این لایحه ندارد. (صحیح است) جنبه اصلیش، جنبه داخلی است. مستشاران محترمی که به آنها جهات فنی دادند و برای کشور ما وجودشان لازم است از این مستشاران می‌خواهیم، استفاده کنیم و این مستشاران محترم را استخدام کنیم، مستخدم ما هستند. خواستم ببینم آیا به صلاح است یک چنین معافیتی به آنها بدهیم. این مطلقاً جنبه بین‌المللی ندارد. یک امر داخلی است. وقتی ما قائل شدیم که مستخدم باشند، این مستقلاً هیچ جنبه بین‌المللی ندارد، یک امر داخلی است. وقتی ما قائل شدیم که این موضوع، موضوعی است که مربوط به حق حاکمیت خودمان است و به وجودشان احتیاج داریم که می‌خواهیم آنها را استخدام کنیم. این لایحه می‌بایست در کمیسیون اصلی مورد مطالعه قرار می‌گرفت. کمیسیونهایی که برای این لایحه ایجاد حق رسیدگی می‌کنند - صراحت آیین نامه است - کمیسیون دادگستری است در درجه اول و از لحاظ دیگر اینها چون در استخدام نظام هستند، کمیسیون نظام هم صلاحیت رسیدگی دارد. مع‌التأسف این لایحه به جای اینکه به کمیسیون مربوطه برود، به کمیسیون خارجه رفته به اعتبار این که نوشته‌اند از معافیت موضوع در بند (و) قرارداد وین استفاده می‌کنند، در صورتی که آن کمیسیون، کمیسیون اصیل نیست و این دو کمیسیون که عرض کردم اصالت دارد. این است که بنده صرف نظر از

جهات امر، ماهیت امر، جناب آقای نخست وزیر خدا شاهد است، اینکه بنده عرض می‌کنم بنده در این مجلس افتخار می‌کنم با قیافه‌هایی روبرو شدم که اسباب افتخار من است. همه روشنفکر، روشندل و بنده خودم را فرد کوچکی از آقایان حساب می‌کنم و دولت جناب آقای منصور غیر از خیر مملکت به چیزی نمی‌اندیشد و هر خدمتی، هر قدم مثبتی که این دولت بردارد بنده از دل و جان تأیید می‌کنم و یک چیزهایی که راجع به حقوق داخلی و آیین نامه باشد در کمال دلسوزی و صداقت عرض می‌کنم، این هیچ ارتباطی به هیچ جای دیگر ندارد. ماده ۴۳ آیین نامه صراحت دارد جناب آقای رئیس محترم مجلس باید اجازه بفرمایند که این لایحه برود و در این دو کمیسیون اصیل مطالعه بشود. اگر عرایض بنده نارسا است و استدلالی نیست آن هم جناب آقای نایب رئیس محترم مجلس استدلال بکند، به این دلیل نباید برود، بنده عرضی ندارم. (احسنت)

نایب رئیس - آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده خوشوقتم که این مذاکرات از طرف جناب آقای سرتیپ پور و جناب آقای صادق احمدی و جناب آقای فخر طباطبائی ایراد شد که بنده در اینجا توضیحی عرض بکنم، اگر قانع کننده بود البته لایحه‌ای است که تقدیم مجلس شده و به تصویب خواهد رسید، اگر قانع کننده نبود و دولت مجری تصمیم مجلس است. نکته‌ای که اشاره فرمودند برای طرح این لایحه البته وظیفه بنده نیست، چون دولت لایحه را در دستور مجلس نمی‌گذارد؛ این مجلس است و قطعاً جناب آقای رئیس مجلس توجه به این امر فرمودند و نکات لازم را مورد توجه قرار دادند. ولی آنچه که به خاطر بنده می‌رسد قبل از تشریف بردن آقای رئیس مجلس به مسافرت روی اینکه مستشاران نظامی مدت خدمتشان در آن تاریخی که باید بهشان ابلاغ شود که آیا خدمتشان ادامه خواهد داشت یا خیر، دولت از مجلس تقاضا کرد این را تصویب بکند و آقای رئیس مجلس به بنده فرمودند، متأسفانه ایشان روز پنجشنبه حرکت کردند و بنده آماده بودم سه‌شنبه گذشته خدمت آقایان برسم، ولی چون سه‌شنبه مصادف با تشریفاتی بود، مقدور نبود و بنده گفتم مانعی ندارد بعد از تشریف بردن دستورات لازم را خواهید فرمود و بنده استنباطی نکردم که ایشان برای اعطای امتیاز حقوق سیاسی به یک عده‌ای که در خدمت دولت ایران هستند، ضرورت تصویب کمیسیونهای دیگری را تجویز کرده باشند. این را بنده از فرمایشات ایشان استنباط نکردم، باز هم مثل جناب آقای صادق احمدی شاید این اشتباه را بنده کردم ولی مطلبی را که جناب آقای سرتیپ پور فرمودند تصور نمی‌کنم که در این مملکت از کسانی که حافظ قانون اساسی هستند و این مربوط است به تمام ارکان مملکت و ملت ایران و هیچ کس به خود اجازه نمی‌دهد که برخلاف قانون اساسی حتی لحظه‌ای فکر بکند، چه رسید به اینکه یک اصل برخلاف قانون اساسی تقدیم بکند (احسنت) در حقیقت قانون اساسی، اساس و بنیان مملکت ما را حفظ کرده و حفظ خواهد کرد و این مجلس، مجلسی است که قانون اساسی را حافظ است و اگر در دوره فترت به آن توجه نشد، این مجلس جبران مافات را کرده و خواهد کرد به حد کمال و در حقیقت فلسفه و روح قانون اساسی سعادت ملت است که راه و روش صحیح انقلاب شاه و مردم بهترین وسیله مجری چنین وسیله و انقلابی است که در مملکت به وجود آمده، یعنی در حقیقت بزرگترین احترامی است که به قانون اساسی گذاشته شده و خواهد شد. در مورد این لایحه که امروز مطرح است، اصولاً این فقط اعطای امتیاز مصونیت سیاسی است نسبت به قسمتی از مقررات قرارداد وین که همین الآن

تصویب شد و لازم‌الاجراء است، به عده معدود و محدودی از کسانی که برای امور فنی در خدمت دولت به آن عده نیازمند هستیم و اجباری ندارند اگر این امتیازات به آن داده نشود، قبول کنند و خدمت دولت را بپذیرند، این امتیاز به آنها داده می‌شود. این امتیاز نظایر بی‌شماری دارد که به تصویب مجلس شورای ملی ایران هم رسیده است (صفی‌پور - نظایرش را بفرمایید) نظایرش کلیه مؤسسات بین‌المللی وابستگان سازمان ملل، کارشناسان W.H.O, F.A.O کارشناسان عملیات آمریکا در ایران از این امتیازات استفاده کرده‌اند و قانونش هم از مجلس گذشته و هیچ مبادیعی با قانون اساسی ایران و با قوانین اساسی آنها ندارد. این امتیازی است که دولت و مجلس این عده را که ضروری تشخیص می‌دهد، در جزء کادر سیاسی کشورهای متبوعه آنها محسوب می‌کند و این در اختیار دولت است و در اختیار تصمیم مجلس. نخواستند می‌گویند ما به این عده احتیاج نداریم، ولی نسبت به مستشاران نظامی آمریکا در خدمت ارتش ایران بنده تصور می‌کنم ارتش ایران دارای چنان افتخاراتی است که حفظ حقوق و حرمت مرزهای ایران را بعد از جنگ بین‌المللی دوم به رهبری بزرگ ارتشتاران ما، رهبر عالیقدر ما به بهترین طرز حفظ کرده است (صحیح است) و به هیچ وجه کمکهای نظامی که در دنیا بعد از جنگ بین‌الملل دوم متداول بوده است و در کشور ما هم به حداقل انجام شده است و کمکهای دولت دوست ما آمریکا باید گفت که بعد از جنگ بین‌الملل دوم مورد احترام ایران است و هیچگونه توهمی را ایجاد نمی‌کند و جنبه متخصص فنی در خدمت ارتش ایران چنین توهمی را به وجود نمی‌آورد، خاصه به اینکه نحوه کمکهای خارجی تغییر پیدا کرده، موافقتنامه‌های کمکهای خارجی که در سال ۱۳۲۲ تنظیم شده است، تغییر پیدا کرده. امروز ما باید نیازمندیهای خودمان را تأمین بکنیم، چون وسایل مدرن و مکانیزه دنیای امروز و کمکهایی که در این فاصله به ما شده و اساس و وسیله‌ای که امروز ما داریم باید با تخصص و تکنیک کشورهایمان باشد که سازنده آن هستند، ما نیازمند به تعداد معدودی کارشناس هستیم که وجود آنها برای تعلیمات فنی نیروی انتظامی مملکت ضروری است و این عده را طبق بند مورد موافقت کنوانسیون بین‌المللی وین و نظایر و مشابه نسبت به هیئتهای فنی سازمان ملل متحد و موافقتهای دیگر و نظایر دیگر مثل موافقتنامه مخصوص اصل چهار که سابقاً می‌گفتند، اینها به هیچ وجه من الوجوه با قانون اساسی مغایر نیست، بلکه یک امتیاز مصونیت سیاسی است که به عده معدودی از کارشناسان فنی که در استخدام دولت ایران هستند، داده می‌شود. خاصه به اینکه بنده خواستم توجه بفرمایند جناب آقای مهندس بهبودی که این افراد در خدمت دولت ایران هستند، مأمور دولت ایران هستند. قرارداد یکساله است و در پایان هر سال قابل تجدید یا قابل ابطال است. به این جهت تا روزی که ضرورت ایجاد بکند که افراد فنی در خدمت ارتش ایران باشند، شامل امتیازاتی هستند که مورد تقاضای آنها بوده است و مورد موافقت دولت وقت و همچنین مورد تأیید دولت فعلی هم می‌باشد (یک نفر از نمایندگان - چون در خدمت دولت ایران هستند حتماً باید مسئول دولت ایران هم باشند) مسئول دولت ایران هستند، منتهی وقتی انسان احتیاج به کمک خارجی دارد، روابط بین‌المللی ناظر منافع دو دولت است و این هم قراردادی است که الآن تصویب کردید (یک نفر از نمایندگان - چه منافعی از این مستشاران شامل ملت ایران می‌شود) آن را عرض می‌کنم، کمکهای مؤثری که بعد از جنگ بین‌الملل دوم در ایران و سایر کشورهای دنیا، نجات دادن دنیا از خطرات یک سقوط کامل شده است این را بنده و شما جایز نیست، چشم‌پوشی کنیم. جناب آقای رامید و جناب

آقای بهبودی، توجه بفرمایید موقعی که نحوه کمک نظامی تغییر کرده، این تقاضا از دولت وقت یعنی دولت گذشته شد. در آن موقع هنوز مجلس تشکیل نشده بود. دولت وقت که همیشه بنده نسبت به آن دولت و ریاست محترمش نهایت احترام را دارم و ریاست دولت گذشته به وجود آورنده حزب مردم بودند و این حزب هم مورد احترام ما است این را قبول کردند، که این امتیازات به این مستشاران داده شود و یادداشتی به دستور ایشان صادر شد، که بعد از افتتاح مجلسین و تصویب کنوانسیون وین این موافقت‌نامه هم به تصویب مجلس خواهد رسید، مثل سایر تصویب‌نامه‌هایی که در دوره فترت صادر شده. پس این دولت روی احترام به تصمیم دولت گذشته و روی وقوف کامل به لزوم انجام این کار، امروز مدافع آن است با نظر کاملاً وسیع. پس خواستم توجه بفرمایید یک موافقت‌نامه‌ای است، عملی شده است و هیچ‌گونه مغایرتی هم با قانون اساسی ندارد و از طرف دولت وقت که ریاست آن به وجود آورنده حزب محترم بوده است، یادداشت مبادله شده و این یادداشت مورد احترام و تأیید این دولتی است که مبعوث و متکی به حزب ایران نوین است و به هیچ وجه من‌الوجه مغایرتی هم با قانون اساسی ندارد و این افراد هم در خدمت دولت ایران هستند و این امتیازات اساسی هم مشابهش به دستگاه‌های دیگر و کارمندان فنی دیگر اداره شده است. روی این اصل می‌خواستم، خواهش بکنم که آقای میرفندرسکی معاون محترم وزارت امور خارجه یادداشت‌هایی که تهیه شده است و نظایر این موافقت‌نامه که در سایر کشورها که با همکاری مشترک دولت آمریکا عمل می‌کنند و این امتیازات را با توجه به کنوانسیون بین‌المللی وین مورد توجه قرار داده‌اند به عرض نمایندگان محترم برسانند و تصور می‌کنم توضیحات بنده و توضیحات مکمل ایشان کافی باشد، برای تصویب قاطع و وجدان راحت کلیه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی (احسن‌ت).

نایب رئیس - توجه بفرمایید که آقای فخر طباطبائی ضمن اظهار نظامنامه که فرمودند از بنده توضیح خواستند، آیا کافی می‌دانم این لایحه فقط در کمیسیون امور خارجه مطرح شده یا به کمیسیون دادگستری و نظام هم باید برود؟ باید عرض کنم که طبق تشخیص جناب آقای رئیس مجلس در ابتدای امر این لایحه فقط به کمیسیون خارجه رفته بود. البته ایشان این طور استنباط فرمودند که باید به آن کمیسیون برود و رفت. حالا اگر قرار باشد به کمیسیون‌های دیگری هم برود این بسته به نظر مجلس است و عده‌ای از آقایان پیشنهاد کرده‌اند که به کمیسیون دادگستری و کمیسیون نظام هم برود پیشنهاد قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

احتراماً طبق ماده ۱۱۶ آیین‌نامه داخلی تقاضا دارد لایحه مورد بحث به کمیسیون‌های دادگستری و نظام ارجاع گردد. دکتر ناصر بهبودی - رضانی - موسوی - ملک‌شاه ظفر - آموزگار - فخر طباطبائی - نصیری - زهتاب فردنیری - مصطفوی - رامبد - دکتر بقائی یزدی - موقر - بالاخانلو.

نایب رئیس - پیشنهاد رسیده، البته مقدم است آقایان توضیحی دارند؟

دکتر مهندس بهبودی - اگر کسی مخالف است بعد توضیح می‌دهم.

دکتر عدل طباطبائی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - آقای دکتر عدل طباطبائی بفرمایید.

دکتر عدل طباطبائی - عرض کنم در آیین نامه مجلس مطرح است که لوایح مربوط به روابط سیاسی با دول ارجاع می شود به کمیسیون خارجه (مهندس بهبودی - تبصره اش را هم قرائت بفرمایید) این استنباط بنده است. ما گفتیم، توضیح بدهید آقایان ندادید، پس من عرایضم را می کنم. در هر حال مسائل مربوط به روابط خارجه ارجاع می شود به کمیسیون خارجه اگر آقایان پیشنهاداتی دارند از حقشان استفاده فرموده و دادند، البته رأی مجلس قاطع خواهد بود، ولیکن نظر جناب آقای رئیس مجلس در ارجاع به کمیسیون امور خارجه کاملاً صائب و درست بوده و طبق آیین نامه مجلس عمل کرده اند. حالا پیشنهاد آقایان مطرح است، اگر توضیحی دارند بفرمایند تا بنده روشن بشوم (عده ای از نمایندگان رأی، رأی).

نایب رئیس - آقای مهندس بهبودی بفرمایید.

دکتر مهندس ناصر بهبودی - در موردی که جنابان آقایان صادق احمدی و فخر طباطبائی اخطار نظامنامه فرمودند، دلایلی که باید این لایحه به کمیسیون دادگستری رفته باشد فرمودند و بنده از تکرار مکررات برای جلوگیری از اتلاف وقت مجلس خودداری می کنند، ولی همکار ارجمند من جناب آقای دکتر عدل طباطبائی توجه بفرمایند این یک مسئله خارجی نیست یک مسئله صد درصد داخلی است (صحیح است) که ما می خواهیم نسبت به مستخدمین خودمان اخذ تصمیم کنیم (صحیح است) با فرمایشاتی که جناب آقای سرتیپ پور در موقع طرح این لایحه فرمودند، من مصلحت چنین دیدم که این لایحه برگردد به کمیسیون چون اگر با تقاضای امضا کنندگان موافقت شود، فقط ۵ روز به موجب آیین نامه در تصویب لایحه تأخیر می شود. با آن فرمایشاتی که فرمودند عده ای از همکاران که اسامی شان را ملاحظه می فرمایید از همه طبقات مجلس هستند، با این نظر که این فکر جناب آقای سرتیپ پور بیشتر پخته شود، موافقت کردند. جناب آقای نخست وزیر هم ملاحظه کردند که در ضمن فرمایشات ایشان مشغول تهیه این طرح بودم، چون مصلحت مجلس مصلحت دولت را من کوچک این طور تشخیص دادم که برگردد به کمیسیون و حتی این تشخیص من باعث عتاب آقای نخست وزیر به من شد.

دو مرتبه تذکر دادند که من توجه کنم یعنی امر فرمودند و همیشه این امر برای ایشان ملحوظ است. در هر حال تقاضا این است که جمعی از همکاران شما از تمام طبقات اعم از فراکسیون مردم، مستقل و منفرد و حتی خیال می کنم، چند نفر از فراکسیون ایران نوین هم امضاء کرده اند که موافقت بفرمایند. حلایحی این لایحه در محیط ساکت و ساده کمیسیون بشود، نگذارید پرده ها بیشتر از این در مجلس بالا برود (همه نمایندگان) (عده ای از نمایندگان - رأی، رأی).

نایب رئیس - یک موافق و یک مخالف صحبت کردند، مجدداً قرائت می شود تا رأی بگیریم.

(به شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - خانمها و آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) رد شد. کلیات لایحه مطرح است. آقای زهتاب فرد بفرمایید.

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس قبلاً به عرض آقایان می رسانم که من با مدیران جراید و بخصوص با روزنامه اطلاعات و کیهان در این مورد هماهنگم که نمی شود و نمی توان و نباید منتظر بود که بیانات نمایندگان را بطور کامل در روزنامه منعکس بکنند، برای اینکه اگر بنا بر این

اصل باشد باید هر شماره ۸ - ۱۰ - ۱۲ صفحه بر اوراق خود اضافه کنند و این در وضع موجود مقدور نیست، اما آنچه می‌دانم آن این است که اگر به صورت آگهی مطلبی به روزنامه‌ها داده شود، حق رد آن را ندارند و من از پشت این تریبون مجلس از حسابداری مجلس تقاضا می‌کنم، متن کامل عرایض مخلص را که روزنامه اطلاعات و کیهان چاپ فرمودند هزینه درج آن را بپردازند و البته برای اینکه به بودجه ضعیف بنده تحمیلی نشود، ۲۰ سطر در صفحه اول بگذارند و بقیه را در صفحات ارزاتر. مطلبی که عنوان می‌شود، اعتقاد امروز من نیست موضوعی که امروز می‌خواهم در اطراف آن صحبت کنم، موضوعی نیست که من امروز این اعتقاد را پیدا کرده باشم و یا امروز به خاطر اینکه جناب آقای منصور مقام نخست‌وزیری را احراز فرموده‌اند، خدای نکرده با ایشان نظر شخصی داشته باشم، گو اینکه خودشان می‌دانند و می‌دانم که می‌دانند که به شخص ایشان ارادت دارم، البته همان طور که در مقدمه جناب سرتیپ‌پور و جناب احمدی و جناب دکتر مهندس بهبودی گفتند که ما آمادگی برای مخالفت با این موضوع نداریم. به خاطر اینکه قبلاً قرار بود این در کمیسیون دادگستری و در کمیسیون نظام و حتی در جلسه خصوصی مورد مطالعه قرار بگیرد، ولی امروز ساعت ۸ احضار شدیم فرمودند که این لایحه در دستور است و بنده روی اعتقاد قلبی و سابقه ذهنی بر اینکه افکار عامه نسبت به این موضوع بخصوص چگونه قضاوت می‌کند، لازم دانستم به نام یک نماینده مجلس، به نام یک مدیر روزنامه از همه بالاتر به نام یک مرد کوچک، نظریات ناقص خود را عرض کنم. مطلب گفته شود، بازگو می‌شود تا اگر خدای نکرده اینجا مسئله‌ای را عنوان می‌کنم، این به آن معنی نخواهد بود که ارزش مساعی دولت ایالات متحده آمریکا را فراموش یا نادیده می‌گیریم. ما به ارزش همکاری نظامی و سیاسی آمریکا در ۱۵ - ۱۶ سال اخیر کاملاً اطمینان و آگاهی داریم. حتی از ۵۰ سال به این طرف کاملاً واردیم، اینکه جناب آقای نخست‌وزیر فرمودند شاید روزی بیایند و از پشت این تریبون درباره مساعی جمیله آمریکا مطالبی عنوان بفرمایند، امیدوارم آن روزی باشد که در مجلس آمریکا هم راجع به تأثیر پل پیروزی مطالب و حقایقی گفته بشود (احسن است). واقع امر این است که آن لایحه جناب آقای نخست‌وزیر با مقدمه غلطی عنوان شده و متأسفانه در افکار عامه این مقدمه غلط یک سوء تفاهمی به وجود آورده. ما که وکیل مجلس هستیم در مقابل ملت نیز یک مسئولیتهای را حس می‌کنیم. از چندی به این طرف از گوشه و کنار دانسته و ندانسته حرفهایی به گوش ما می‌خورد، تلفن می‌زنند، در برخوردها گوشه و کنایه می‌زنند. البته من به آن عده از مغرضینی که در گذشته انحراف سیاسی داشتند به مطالب آنها و تحریکات آنها ذره‌ای وقع نگذاشته‌ام و نمی‌گذارم.

آتش به جان توده فتد کاین بنا نهاد اول بنا نبود که سوزند ملک خویش

توده‌ای احتمالی اگر در بیرون مطالبی عنوان بکند و یا سنگ وطن‌پروری به سینه خود بزند و یا به آن ورشکسته سیاسی که امروز از موقعیت می‌خواهد، سوء استفاده بکند و در بازار و دانشگاه و یا بیرون عنوان می‌کند که دولت دولتی است که دست اجنبی را در امور ایران باز گذاشته، اعتنایی نخواهد کرد به دلیل اینکه، آن که توده‌ای است، آن که وابسته به حزب منحل توده است، تکلیفش روشن است، برای اینکه متأسفانه دیدم و دیدید که در ۱۵ و ۱۶ سال پیش دو دستی قسمتی از مملکت را در طبق اخلاص نهادند. آنها امروز حق ندارند، نسبت به دولت اعتراض بکنند و حتی آن منحرفین سیاسی و آن وجیه‌المله‌ها که هم اکنون نیز متأسفانه برای خودشان دکان داغی باز کرده‌اند و می‌خواهند دولت را

تضعیف بکنند. ما اجازه دهن کجی به آنها نمی‌دهیم، اگر امروز من در اینجا مطلبی را عنوان می‌کنم به لحاظ الهام از آن تیپ منور، دلسوز علاقه مند به رژیم مشروطه و به خاطر عزت و بزرگداشت ارتش شاهنشاهی می‌باشد و بس. من در ۱۲ سال پیش آنهایی که امروز دم از وجاهت ملی می‌زنند و در ۱۲ سال پیش در روزنامه اراده آذربایجان که در شماره ۴۹ مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۳۰ تحت عنوان بهای یاری آمریکا، گرانی اصل ۴ ترومن مطلبی نوشتم.

به این لحاظ جناب آقای حاذقی، به یادم آمد که بیاورم اینجا بخوانم که آن جمله جنابعالی اگر برای بعضیها سوء تفاهمی ایجاد بکنند یا لاقلاً مخلص روی ندانستگی تحت تأثیر تلقینات اجنبی پرستان و مزدورها قرار گرفته باشم، بدانید که در این مجلس، مجلسی که منبعث از کنگره انقلاب سفید است، هرگز چنین افراد خام و ناپخته که تحت تأثیر عمر و زید قرار بگیرند، قرار نگرفته‌اند و نمی‌گیرند (احسنت - صحیح است) این را می‌خوانم و متأسفانه یا خوشبختانه مقدار زیادش هنوز صادق بر وضع روز و بازیهای روز است. پس از چند سال مذاکره، تبلیغات و وعده‌ها بالاخره هیئتی تحت ریاست آقای وارن به تهران وارد و برای مصرف ۲۳ میلیون دلار که به موجب اصل چهار ترومن که مورد تقاضای دولت ایران و موافقت آمریکا واقع شده به ایران وارد و مراسلاتی با آقای نخست وزیر مبادله کردند. از کیفیت برنامه‌ای که به موقع اجرا گذارده خواهد شد در موقع خود البته بحث خواهیم کرد (جداگانه در آن مورد به خصوص هم البته بحث خواهیم کرد) به یک نکته بسیار دقیقی که جلب توجه ما را کرد، لازم می‌دانم که اشاره بنمایم. آقای وارن رئیس برنامه اصل چهار، از دولت ایران تقاضا کرده‌اند که این هیئت مخصوص و کارمندان را جزء هیئت سیاسی کشورهای متحده آمریکا در ایران خواهند شناخت، تا از مزایا و مصونیت‌هایی که به هیئتهای سیاسی داده می‌شود، با تطبیق درجات آنان برخوردار گردند. این تقاضا را جناب آقای دکتر مصدق در هیئت وزیران مطرح و مورد موافقت واقع می‌گردد و در مراسله مخصوص به آقای وارن ابلاغ می‌شود. این را برای آن می‌خوانم که تازه به دوران رسیده‌های سیاسی و آنهایی که به حرفهای پوچ محتضه‌های سیاسی و ورشکستگان سیاسی فریب می‌خورند بدانند که تاریخچه این لغزشهای سیاسی از چه تاریخ است از پنجاه سال قبل بسیاری از ممالک و ملل خارجی و مستشاران و متخصصین و مشاورین به ایران آمدند و مشاغل بزرگ و کوچکی را اشغال کردند، ولی هیچ کدام تقاضایی نظیر این تقاضا را از دولت ایران نکرده بودند و این اولین مرتبه‌ای است که جناب آقای دکتر مصدق و یا هر کسی که به جای دکتر مصدق می‌خواهید، بگذارید. یک چنین امتیازات فوق‌العاده‌ای را نسبت به اتباع یک دولت خارجی قبول و اعطاء می‌نماید.

اگر آمریکاییها از قوانین ایران از ماده ۷۱ قانون اساسی که می‌گوید تمام محاکم ملت ایران باید در تحت قانون اساسی ایران قرار بگیرند، اطلاع نداشته باشد، مورد ملامت نیستند، ولی جناب آقای دکتر مصدق که خود را قانون شناس می‌دانستند، می‌بایست در خاطر داشته باشند که در قانون اساسی اصل مخصوصی برای اتباع خارجه منظور گردیده. اصل ششم می‌گوید، جان و مال اتباع خارجه مقیم خاک ایران مأمون و محفوظ است، مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می‌کند. از شصت سال قبل هیئتهای مذهبی فرهنگی آمریکا در ایران مشغول فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی بودند و در این مدت از طرف ملت ایران جناب آقای منصور نسبت به آنها آسیبی فراهم نیامده است. از چهل سال به این

طرف، از زمان شوستر، مشاورین آمریکایی، مشاورین مختلف به عناوین مختلفه در ادارات مختلف مالی، نظامی و فرهنگی ایران دارای مقامات و مشاغل مهمی بوده و هیچ واقعه ناگواری برای آنان پیش نیامده که ضرورت معافیتهای هیئتهای سیاسی را برای آنان یا برای اینان ایجاد نماید. بنابراین خواهی نخواهی جناب منصور هر کس حق دارد از آقای دکتر مصدق آن روز و از جناب منصور امروز سؤال کند که سبب اعطای چنین امتیازاتی به مشاورین فنی آمریکا برای چه بوده است. بیش از سه هزار کارشناس انگلیسی و غیر انگلیسی شرکت سابق نفت سالیان دراز در ایران زندگی کردند و روزی که دولت ایران اخراج آنها را تقاضا نمود با سلامتی و بدون هیچ حادثه‌ای مملکت ما را ترک کردند و رفتند، و هیچ سابقه ناگواری در این مدت پنجاه ساله نسبت به هیچ یک از کارشناسان خارجی پیش نیامد که دلیل وحشیگری ملت ایران یا سوء رفتار سکنه این مملکت با خارجیان باشد، که جناب آقای منصور امروز اجازه بدهند، آمریکاییها چنین تقاضایی را از ما بنمایند که در عین اینکه موجب سرافکندگی ملت و مملکت ایران می‌باشد، این یک سابقه بسیار غلط و ناگواری خواهد بود که مملکت ایران را در دوره زمامداری جنابعالی در عداد مستعمرات و ممالک تحت‌الحمايه قرار دهد (احسنت) (همه‌نمایندگان) (خواجه نوری - این طور نیست).

نخست‌وزیر - ایران تحت‌الحمايه نیست.

یک نفر از نمایندگان - پشت تریبون مجلس این حرفها را نفرمایید.

زهتاب فرد - از جنابعالی نهایت تشکر را دارم این نوشته سیزده سال پیش من بود، این نوشته مربوط به ۱۳ سال پیش من بود (قراچورلو ۱۳ سال پیش هم درست نبود) اتفاقاً هیچ فراموش نمی‌کنم بیايند آن بازیهای ۱۳ سال پیش را که منجر به آن حوادث شوم شد تو دهنی بزیم به هر اجنبی پرست آن روز را فراموش نکنید (قراچورلو - این حرفها از جنابعالی بعید است) تشکر می‌کنم از جنابعالی، عرض کردم این حرف یک مرد کوچه است، اما در افکار عامه امروز متأسفانه به غلط یک همچو افکاری پیدا شده، بنده از جنابعالی استمداد خواهم خواست راجع به راه ارشاد آن افکار مسموم و آن افکار منحرف، آن افکاری که متأسفانه ندانسته تحت تأثیر بعضی از حرفها قرار گرفته است. جنابعالی و من در پشت این تریبون مجلس انتظاراتی داریم. من به آن اشکهای جنابعالی تعظیم می‌کنم. من می‌فهمم در چه مجلسی حرف می‌زنم و با کی‌ها حرف می‌زنم. من همه سوابق یک یک همکاران پارلمانی را می‌دانم. من می‌دانم اینجا آن چنان مجلسی است که هیچ گونه سوءظنی نسبت به آن نیست. من برای شما با آن که از موضوع کنار می‌روم یک قصه‌ای را می‌گویم (یک نفر از نمایندگان - چیزی که به صلاح مردم است بفرمایید، نه آن چیزی که مردم می‌گویند) اجازه بفرمایید اول حرفهای مردم را بزیم بعد راجع به صلاحشان حرف می‌زنم، مردم یک حرفهایی می‌زنند چون متأسفانه باید دولت قبل از اینکه این لایحه را به اینجا بیاورد لازم بود این ماده واحده را در روزنامه منتشر می‌کرد والا باید به افکار عامه حق بدهد که متأسفانه سوءظنی پیدا کنند. جناب قراچورلوی عزیز من جداً تعظیم می‌کنم در مقابل احساسات پاک شما. من و شما هم سنگریم. خود نخست‌وزیر مملکت می‌داند هیچ مرد سیاسی بنده را تحریک نمی‌کند و هیچ اجنبی با بنده نمی‌تواند تماس پیدا کند، برای اینکه خوشبختانه تمام چهار دیواری را خراب و واژگون کرده‌ام. من فقط سرباز فداکار شخص اول مملکت محمدرضا شاه پهلوی هستم اگر حرف می‌زنم اینجا این حرف ممکن است خدای نکرده ناپخته باشد،

خدای نکرده گفته بشود که گفتن این حرفها علیه مصالح مملکتی است، ولی شأن دمکراسی ایجاب می‌کند یک ناپخته، یک مرد کوچه و بازار بیاید اینجا حرفش را بزند تا شما با تجاربتان، با منطقتان با اشاراتتان، من را و آنها را و دیگران را که قصد دارند مجلس را تضعیف بکنند سر جای خودش بنشانید. این موردی بود که باید پرده‌ها را بالا بزنیم. ما آن پرده‌ها را بالا می‌زنیم که در تضعیف این مجلس قدم برنذاریم، چرا اقبال ضعفا در حمایت اقویا است. این چه بهانه‌ای است که ما به آنها می‌دهیم، اما اینکه مجلس تضعیف پیدا می‌کند گفته شد خدای نکرده این توهم پیش بیاید که خدای نکرده صد خدای نکرده خاکم به دهن اگر من نسبت اجنبی پرستی نه لاس‌زدن با اجنبی را به یک شخص به یک فرد مجلس بدهم، گناه نابخشودنی است. من هرگز اینقدر در زندگیم جسور و بی‌ترتیب بار نیامده‌ام، بعد از وقایع پیشه‌وری بد نیست که بشنوید، بدانید که من حساب شده حرف می‌زنم که اگر از حرفم کسی رنجید آن را حساب مقدمه‌چینی بر پایه سوءنیت نگذارید. جناب قراچورلو بد نیست بدانید برادر چهل و نه ساله من را در وقایع پیشه‌وری به خاطر مبارزاتی که من می‌کردم و در همین مجلس در دوره ۱۴ در سالن پایین، پنج و شش بار سخنرانی داشتم. به عوض اینکه مرا گوشمالی بدهند برادر من را در تبریز دزدیدند. آن روز به بنده گفتند برادرتان را فلان کس کشته، اسم آوردند، محلش را هم گفتند. حالا امامزاده نمی‌سازم نه نشان ۲۱ آذر دارم نه اسمم جزء لیستی است که از وقایع پیشه‌وری ضرر دیده‌ام و باج می‌خواهم. در آن حادثه برادر من را دزدیدند و گفتند کسی کشته. بعد از حادثه که شش ماه در جبهه بودم، در پشت سنگر جنگیدم و تفنگ گرفتم. من دبیر جمعیت آزادی آذربایجان بودم. خوشبختانه جزء آنهایی بودم که پدر جناب آقای منصور بیوگرافی بنده را خوب می‌داند. بنده جزو آن عده‌ای بودم که به آذربایجان رفتم. من هجده ساله آن روز، متکفل ۹ سر عائله سنگین، با دست خالی، برادر از دست داده، لااقل می‌بایستی سراغ آن قاتل می‌رفتم. در خیابان نشانم می‌دادند، می‌گفتند فلانی قاتل است، آنقدر سکوت کردم، آنقدر خود را به تجاهل زدم که خدای نکرده بعضی از دوستان حمل بر بی‌غیرتی شد. چرا؟ به دلیل اینکه آنجا نبودم. من نمی‌توانستم کسی را در مظان اتهام قرار بدهم. آن روز مثل امروز نبود، آن روز حربه من بڑا بود، خدای نکرده با یک حرف من یک کسی بالای دار می‌رفت. از آن موضوع ده سال گذشت. بعد از فوت استالین تلگرافی از شوروی آمد. معلوم شد برادر من اسیر آنها است. این تلگراف را که دریافت کردم خدا را شکر کردم که من قضاوت نابجا نکرده‌ام، ده سال محرومیت کشیدم و کسی را قاتل معرفی نکردم و گناه می‌دانم نسبت به این دولت و اعضای دولت خدای نکرده از ذهنم خطور کند که اینها لغزش سیاسی دارند، من هم با احساسات آقا شریکم. خطاب من با اجازه‌تان به آقای دکتر اول حقوق ایران است که آقایان یک قدری از عصبانیتشان کاسته بشود. اگر در آتیه برای هر اداره یا هر رشته از هر مملکت خارجی متخصصین و مشاورین بیاوریم، همکاران عزیز دلیل ندارد که آنها چنین امتیازاتی را برای خود نخواهند. آن روز هم در نظر باشد و ما هم حق نداریم که استثنائی را قائل شده و امتیازاتی که به عده‌ای می‌دهیم، نسبت به سایرین خودداری نماییم. ۲۳ میلیون دلار سهل است، یکصد میلیون دلار و صدها میلیون دلار ارزش این را نداشت که ما ملت و مملکت خود را به این درجه تنزل بدهیم، که برای دریافت یک کمکی که عنوان صدقه را دارد، زیر بار یک چنین شرط بی‌سابقه و ننگ‌آوری برویم. این قسمت را نمی‌خوانم و می‌زنم، چون باز هم مجلس تکان می‌خورد. حقایق گفتنی بسیار است، ولی هر حقیقتی

را در یک موقعی باید گفت که ادراک مردم قوه شنیدن آن را داشته باشد. هر اقدام و هر تبلیغی برای نجات ایران از نفوذ بیگانگان بنمایید، در مقابل این تسلیم، این خشوع، این فروتنی و این خضوعی که در مقابل مشاورین آمریکایی شده است ناچیز و خطرناکترین سابقه‌ای است که دولت آقای دکتر مصدق در روابط ایران با ممالک خارجی ایجاد کرده است، ای کاش اقبالاً این اقدام به اسم آقای مصدق السلطنه وزیر دفتری تمام می‌شد نه به اسم دکتر مصدق مدعی حقوق دانی و حقوق‌شناسی و نخست وزیر وقت ایران متأسفانه این وقایع و این جریانها شایعه اینکه آقای دکتر مصدق و همراهان ایشان آنچه می‌کنند برای تأمین نظریات امپریالیستهای بیگانه است، تقویت می‌نماید و جای نهایت تأسف است که این جریانات و این شایعات و سوءظنهایی را نسبت به نیات مدعیان آبرومند ایران تأیید می‌کنم. در این مدت کم ما مقدار زیادی لایحه تصویب کردیم، من از آقایان کتمان نمی‌کنم نسبت به هیچ یک از آنها سوءظنی نداشتیم به دلیل مذاکرات مجلس راجع به هیچ یک از آنها هم صحبتی نکردم، برای اینکه اهل فن آمدند، توضیح دادند. خودم هم فرصتی داشتیم که مطالعه کردم اما این لایحه، من چگونگی را به عرضتان می‌رسانم، چگونگی ممکن است از نظر صحنه‌سازی تلخ جلوه کند. در تبریز بودم با استفاده از تعطیلات مجلس یک ماه و نیم برای رسیدگی به تقاضاها و گرفتاریهای حوزه انتخابیه در معیت جناب آقای دکتر شفیق امین و سایر همکاران پارلمانی ده به ده گشتیم. همه جا رفتیم مقدار زیادی حرف شنیدیم، من انتظار داشتم که در اولین جلسه مجلس در اولین روز سالگرد مجلس راجع به مستدعیات آذربایجان صحبت بکنم و باز تصمیم داشتم از توجه شخص آن جناب نسبت به آذربایجان به خصوص از انتصاب تیمسار صفاری و امیدهایی که برای مردم پیدا شده است حرفهایی بزنم. ما با دولت بغض و کینه نداریم، شاید این را قبلاً هم گفته باشم، دوره‌ای که با جنجال با عوام فریبی و با هوو تحریک می‌شد، نخست وزیری برد و نخست وزیر آورد، گذشته است و امروز کسی از ما زیر آستین، نخست وزیری ندارد و شبها هم دور و بر منقل فلان رجل بازنشسته و ورشکسته نمی‌نشینیم. ما راهمان شاهراه است، همان راه روشنی است که اعلیحضرت شهبازی برای ما تعیین فرمودند. اعلیحضرت همایونی در آخرین جلسه مصاحبه مطبوعاتی فرمودند در ایران آزادی منهای خیانت هست. اگر ما در رویه خودمان گاهی تندی نشان می‌دهیم این از استنباطات و از سلیقه سیاسی و غرور ملی و احساسات شخصیمان است، والا هیچ توهمی پیش نیاید. در سفر آذربایجان در چند جا گفته شد آقا، مجلس سنا یک قراردادی تصویب کرده است. من اسمی را که آنها می‌گفتند، اینجا تکرار نمی‌کنم و معترفم آن اسمی که در افکار هست، نیست. بنده از آقایان کتمان نمی‌کنم مثل اینکه غفلت کرده بودم مثل اکثر آقایان آن تصویب‌نامه را من نخوانده بودم. آمدم، خواندم. در صورت مشروح مذاکرات مجلس سنا هست، اینکه می‌گویم. از مقدمه غلط نتیجه صحیح عاید نمی‌شود. اینجا بنده دیدم یک موافقتی است، بنده دیدم این لایحه با یک مقدمه‌ای که لااقل برای من نارسا بود در افکار عامه تولید سوءظن کرده بود. لایحه آمد به مجلس سنا اولاً جناب رئیس مجلس سنا می‌فرمایند «البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است اجازه بفرمایید الآن تمامش بکنیم.»

این اولین موردی بود که بنده را مقداری تکان داد. در هر حال از نظر بنده این که گفته می‌شود چیز مختصری بود، اگر مختصر بود لزومی به این امر نداشت که جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهند. این یک

نکته‌ای بود که برای من ایجاد تاریکی کرد. بعد لایحه را خواندم دیدم به رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا به موجب این موافقت‌نامه و با استفاده از بند (و) ماده اولش یک امتیازاتی قائل شدند. بند (و) را خواندم، دیدم نوشته به اصطلاح مأمور اداری و فنی آن دسته از کارمندان و مأمورین است که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند. بعد دیدم که نوشته کارمندان مأموریت یعنی کارمندان سیاسی یعنی کارمندان اداری، یعنی خدمه مأموریت. بعد آمدم در پایین خدمه مأموریت را دیدم، گفته اصطلاح خدمه یعنی آن دسته که از مأمور خانگی اشتغال دارند (نخست‌وزیر-ارتباط به این پیدا نمی‌کند) بند (و) را خواندم. اصطلاح مأمور فنی و اداری را هم بالایش نوشته اصطلاح هیئت مستشاران نظامی یعنی رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت بعد این کارمندان مأموریت را توضیح داده، این اصطلاح مأمورین یعنی اعضای مأموریت اینها یک اصطلاح اعضای مأموریتی است (دکتر یگانه - خدمه نیست) در پایین جزو آن در آورده انشاءالله توضیح خواهید داد، چون در بالا خوانده بودم دیدم به مستخدم، به خانمی که به هر ملاحظه از ملاحظات مستخدم است به نام مستخدم می‌آورند. اینجا به آنها هم عنوان سیاسی می‌دهند. بعد آمدم ببینم دولت، دفاعی که در مجلس سنا کرده چه بوده راجع به این موضوعی که به هر ملاحظه‌ای از ملاحظات در چنین مجلسی چنین شوری را ایجاد کرده و ۱۵ نفر گفتند که این لایحه برود به کمیسیون دادگستری چه عکس‌العملی در مجلس سنا نشان داده‌اند. من آنجا چیزی به نظرم نرسید جز اینکه آقای مهندس شریف امامی گفته‌اند «البته مقدور بوده که فردا جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهیم، ولی چون کار مختصری است اجازه بفرمایید الآن تمام کنیم.» بعد هم نطق آقای میرفندرسکی که امروز زیارتشان می‌کنم. متن نطق ایشان را در توضیح این لایحه برای آقایان می‌خوانم، من آنقدر آدم بی ادبی نیستم، ولی باور کنید بدون شکسته نفسی اعتراف می‌کنم که تسلط بر لغات و معلومات من کم است برای اینکه نگفته باشم که بیسوادم، این است که این کلمه تناقض‌گویی را به کار می‌برم، بنده در دفاع ایشان تناقض‌گویی فاحشی دیدیم. یک جا می‌گویند که «این مصونیت سیاسی نیست، اشتباه نشود» همان‌طور که جناب آقای نخست‌وزیر فرمودند خیلی از تصورات و اندیشه‌ها هست که آقایان سناتورهای عظام می‌دانند که نباید در آن جرح و تعدیل کرد. شاید در نظر اول خیلی گران باید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیتها و معافیتها را به خاطر آن خارجها تقاضا نمی‌کنیم، ما برای خدمتی تقاضا می‌کنیم که آنها برای ما انجام می‌دهند. پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاههای مختلف مملکت به این نتیجه رسیدیم که این مصونیتها و این مزایا ضرری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است (عین عبارت است، بنده تحریف نمی‌کنم) که از حقوق آنها مالیات گرفته نشود و یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند و به علاوه این نظر چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم دولتهای دیگر هم کرده‌اند، دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده. این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری قرارداد دفاعی دوجانبه نداریم. پس با این توضیح ما بیخود حرف زدیم. این موضوع را اگر می‌فرمودند در چنین قانونی مطلب ساده و حل شده بود، تشکر می‌کنم، ولی نکته جالبی بعد می‌فرمایند که برای بنده جالب است. می‌فرمایند توجه آقایان را جلب می‌کنم، چرا ما بهانه به دست دیگری بدهیم، می‌فرمایند اگر فرض

بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم این صحیح نیست، خیلی کار مهمی نبود که ما توجه همه دولت‌ها را به این موضوع جلب کنیم ولی معلوم می‌شود مسئله در سطح پایین بود، این دیگر لزومی نداشت که ما خوش خدمتی کنیم. البته ما ارزش کمک‌های آمریکا را خوب می‌دانیم پس باید کارشناسان او را از مالیات مسکن معاف بکنیم، این هم عین عبارت بود که عرض می‌کنیم، دوباره تکرار می‌کنم در آنجا فرموده‌اید اگر فرض بفرمایید که آن را به دولت دیگری بدهیم، این صحیح نیست برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی داریم اینجاست که دارد یواش، یواش موضوع اهمیت پیدا می‌کند. معافیت مالیات نیست چون مثل اینکه خدای نکرده کلمه رشوه توی آن مستتر است برای اینکه با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی دو جانبه بستیم نه دولت دیگری را برای دفاع از مملکت خودمان اینطور شریک کرده‌ایم، می‌شود. بعد می‌گویند اگر اجازه بفرمایید متن یادداشت‌های متبادله را خدمت آقایان تقدیم می‌کنم.

بعد مواد تقدیم می‌شود و با آن صورتی می‌آید که شنیدید چه بسا جزئیاتش را هم آقایان می‌دانید. اما تیمسار صنیعی چرا من با این لایحه مخالفم؟ یک قصه دیگری را ناچارم عرض کنم روزی بنده در خیابان

استانبول قدم می‌زدم دیدم غلام یحیی ویشه‌وری و چند مأمور اجنبی با لباس فورم اجنبی و با اسلحه توی خیابان اسلامبول گردش می‌کنند. بنده خیلی ناراحت شدم. برادر از دست داد، از تبریز تبعید شده، شاهد فجایع و جنایات آنها بودن، جداً تصمیم گرفتم یکی از اینها را بکشم. خوشبختانه طپانچه هم همراهم بود اما برای یک لحظه و یک آن، آن روز گریه داشت (چند نفر از نمایندگان خندیدند) خنده داشت؟ برای بنده هم خنده نگذاشت گریه کنم و گریه نگذاشت خنده کنم، ناراحت شدم فکر کردم بزخم بکشم بعد فکر کردم یک حرکت بی نتیجه است. فرض کن، یک اجنبی را کشتم، چه می‌شود؟ اما نتوانستم تحمل کنم بعد از آن بلافاصله رفتم خدمت شادروان قوام السلطنه، البته پذیرائی بنده با این سن و سال یک هفته وقت می‌خواست ولی بنده زود خدمتشان رسیدم و به عرضشان رساندم که جناب آقای نخست وزیر یا به اصطلاح آن روز حضرت اشرف (یک نفر از نمایندگان - جناب اشرف) بله حافظه ایشان از من قوی‌تر است، عرض کردم بنده زهتاب فرد، دارای چنین روحیه، چنین سابقی دیروز می‌رفتم اجنبی پرستان را در خیابان دیدم آدم خدمت جنابعالی ببینم تکلیف ما چیست، ایشان فرمودند که خدا روحشان را شاد کند به بنده فرمودند دست و بال ما را نبندید، بگذارید کار کنم. کمال صداقت، کمال وطن پروری، کمال بزرگواری و کمال شاه پرستی و درایت در گفته ایشان محفوظ بود. بنده به ایشان عرض کردم که جناب اشرف اشتباه نشود ما مقداری از خاک آذربایجان را نمی‌خواهیم که آقا با سیاست مقداری از خاک را تحویل ما بدهید و وقتی که غرور ملی جریحه دار شد آن خاک دیگر به درد ما نمی‌خورد و بنده به نوبه خود این منطق جناب اشرف را قبول ندارم و بروم به نوبه خود وظیفه خود را انجام می‌دهم برگشتم پتوپریموس، ملاقه خودم را به ۱۹ تومان فروختم و از اینجا تا اراک هم شاگرد شوهر شدم برای اینکه ۱۹ تومان ظرفیت بیشتر از آن را نداشت. از آنجا رفتم همدان و تفنگ گرفتم با همشهریه‌های غیور آذربایجانی که امروز همه‌شان در بدرند رفتم جبهه، سنگری قرار دادیم و مدافع حقوق و حیثیت مملکت شدیم. تیمسار اگر با این لایحه مخالفین به دلیل این است که البته تا ما را قانع نکنند این را عرض می‌کنم که با این لایحه روحیه سرباز ایرانی خدشه دار می‌شود،

غرور ملی خدشه‌دار می‌شود استقلال ارتش ما خدشه‌دار می‌شود، این استنباط بنده است، هیچ اعتراضی به بنده نکنید انشاءالله منطبق قوی و بیان رسای نخست‌وزیر همین مسئله را برای من کوچک روشن خواهد کرد. در گذشته خواستند در ارتش نفوذ کنند نخست وزیرانی را سراغ داریم که وزارت جنگ می‌خواستند، چرا؟ آقایان بهتر از من می‌دانید و می‌دانستند که اگر در آنجا جای پا پیدا کنند هر لحظه هر منظوری برای آنها تأمین است. از آن موضوع نتیجه نتوانستند بگیرند. بیداری ملت ایران مشت محکمی به دهن آنها زد. خواهید بخشید من سیاسی نیستم اگر یک خرده باز و بی پرده حرف می‌زنم چون در مسائل مملکتی من هرگز حسابگر و معامله‌گر نبودم. امیدوارم انشاءالله جناب آقای نخست وزیر از همه رفع این نگرانی خواهند فرمود، این است که نمی‌توانیم در ارتش شاهنشاهی که پناهگاه محکم استقلال مملکت ما است، حیثیت ملی ما است به دست خودمان برای یک عده مصونتهائی بدهیم. مطلب دیگر اینکه تا به امروز معمول این بود که تمام محاکم دادگستری تحت عنوان و تحت لوحه افتخارآمیز به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آغاز می‌شود و تمام دادگاهها در زیر چنین ورقه افتخارآمیزی که برای همه ما حجت بوده و قاطع بود، رأی صادر می‌کند. این افتخار رژیم ما است این افتخار مملکت ما است که خاندان سلطنتی دعاوی حقوقی و جزائی و گرفتاریهای شخصی خودشان را از راه دادگستری ما تعقیب می‌کنند (احسن) ارتشبد حجازی می‌داند که اگر خدای نکرده صد خدای نکرده لغزشی کرد، در همین دادگاه تحت محاکمه قرار می‌گیرد بطوری که دیدیم تحت محاکمه قرار گرفتند. بنده با استفاده از این سرمشق مبارک اعلیحضرت همایونی که در آخرین جلسه مصاحبه مطبوعاتی فرمودند آزادی منهای خیانت، حرف بزمنم. رئیس محترم دولت می‌داند که نمی‌تواند بگوید زهتاب تو این بیانات را تحت تأثیر تلقین فلان شخص یا فلان بازیگر سیاسی یا صد خدای نکرده تحت تأثیر فلان سیاست قرار گرفته و قصد این را دارد که به روابط ایران و آمریکا لطمه وارد کنی و آنها که با ما همکاری دارند آنها را دلسردسازی مگر من و همه همکاران ما و ملت ایران و بخصوص مردم آذربایجان می‌توانند همکاری صادقانه و شرافتمندانه ملت و دولت آمریکا در واقع آذربایجان نادیده بگیرند؟ (صحیح است) اما باری ما بیش از هر چیز غرور ملی لازم است. ملتی که غرور ملی نداشته باشد، هیچ چیز ندارد. ما به دست خودمان در خانه خودمان نمی‌توانیم و نمی‌بایستی به یک عده‌ای آن چنان آزادی بدهیم که خدای نکرده صد خدای نکرده اگر یکی از اینها منحرف سیاسی بود (این نکته باری مردم کوچه و بازار که فقط به غرور ملی و به رهبری شخص شاهنشاه متکی اند، نکته قابل اهمیتی است) که اگر یک از همانهایی که مصونیت سیاسی دارند خدای نکرده منحرف شد، اسرار اینجا را در کیف مبارکشان قرار داد یا اینکه خدای نکرده با جائی بند و بست پیدا کرد یا خدای نکرده، خود در آنجا یک رویه سیاسی خاصی را خواست طور دیگر عمل بکند، نتیجه‌اش چه می‌شود و ما هیچگونه نتوانیم آنرا محفوظ از هر گونه خطر و محافظت و کنترل قرار بدهیم لاقلاً من آن را به صلاح مملکت نمی‌دانم. چشم باز و گوش باز و این اعمی، حیرتم از چشم بندی خدا. همینطور لایحه‌ای می‌آید و آقایان هم قیام و قعود می‌فرمایند و با سرنوشت ملت، احساسات ملت، غرور ملت، گذشته ملت آن چنان ملتی که در آستانه تشکیل تاریخ افتخارآمیز ۲۵۰۰ ساله آن هستیم حالا بیائیم یک چنین سندی را امضاء کنیم بگوئیم دادگستریمان صالح برای تعقیب جزائی شما نیست، من شنیدم شاید اشتباه‌آمیز نباشد. گفتند در فراکسیون حزب ایران نوین یکی

از همکاران پاک دل یکی از همکاران دل سوخته، ما سؤال کرده اگر یک آمریکائی نیمه شبی آمد منزل بنده گلیم منزل را برداشت، اگر کرایه منزل بنده را نداد من یکی شکایتی کنم اینها که اینجا هستند می‌گویند ما اینجا مصونیم. ارزش ما به این مستمری ۲۵۰۰ تومان که نیست، ارزش ما باین نیست که به ما بگویند وکیل هستید، ارزش ما این است که ما بیائیم اینجا به تمنیات مردم رسیدگی کنیم. بیائیم استنباطات خودمان را عنوان بکنیم تا اگر چنین مصونیتی را به یک عده آدمی داده‌اند آن عده حساب شده می‌آیند و حساب شده قدم بر می‌دارند. یک موضوع دیگری را هم عرض کنم، من آدم سیاسی و سیاستمدار نیستم و بی‌پرده حرف می‌زنم ولی می‌دانید آن حرفی را جناب آقای نخست‌وزیر که منحرفین سیاسی شایع می‌کنند بنده بازیگر سیاسی به آن معنی نیستم، ترسی هم از عمر و زید ندارم. بنده حساب شده حرف می‌زنم، وحشتی هم از عمر و زید ندارم برای اینکه فقط به خداوند و شخص شاهنشاه و به ملت و به قانون اساسی متکی هستم (صحیح است) گفتند یک وقت اینجا یک آقای یاتسویک نامی بود گفتند این آقا در همه موضوعات دخالت می‌کرد (خواجه نوری - یادسویچ کیست، ما که نمی‌شناسیم) این آقای یاتسویک مستأجر جناب آقای منصور بود، در کادر مأموریت خودش انجام وظیفه می‌کرد. بنده اینجا قسم خورده‌ام و همیشه افتخار می‌کنم به آن قسم پایدار هستم. چند روز پیش به یکی از دوستانم گفتم خوبست ما اینجا یک دستگاه الکتریکی بگذاریم که وقتی پایمان را آنجا می‌گذاریم، جلو پایمان آرمی روشن بشود که قسمت را فراموش نکن (بانو دکتر پارسای - هیچوقت فراموش نمی‌شود) هیچ وقت فراموش نمی‌شود مسلم است فراموش نمی‌شود. شما در این مملکت حقی به گردن خیلی‌ها دارید افراد زیادی را تربیت فرمودید و تربیت می‌فرمائید هم سرکار علیه، هم سایر خانمها عرض کنم حضور مبارکتان جناب آقای نخست‌وزیر اشاره‌ای به افکار منحط و منحرف خودند شما را به خدا مرا جزو آن نیاورید برای اینکه متأسفانه از مدتی به این طرف دارندگان افکار منحط و منحرف فقط به یک سیاست خاصی متهم می‌شوند و بنده با آن سابقه‌ای که دارم مثل اشهد ان لا اله الا الله همه جا این را یادآور بشوم این را همیشه می‌گویم اشاره به بیوگرافی می‌کنم که من منحرف و منحط و از این قبیل دارنده افکار نیستم اما تجربه‌ام کم است غرور ملی و ایمانم محکم است و بنده همیشه به ارتش شاهنشاهی افتخار می‌کنم. شبی که آرام می‌خواهم به خاطر آن است. هنوز سربازانی که در سوم شهریور که این بیوگرافی را جناب آقای علی منصور بهتر دارند این فداکارها را ارتش شاهنشاهی در نقاط مختلف ایران کردند اینها جزو افتخارات ما است، اینجا جزو غرور ملی ما است. ما هرگز اجازه نخواهیم داد که خدای نکرده احساسات ملی ارتش ایران خدشه‌دار بشود و با توجه جناب آقای نخست‌وزیر خدشه‌دار هم نخواهد شد. من همیشه به موکلین خودم در خارج می‌گویم در مواردی که به بنده اعتراض دارید، به بنده دیکته کنید چون یک وکیل مجلس نمی‌تواند در تمام موارد صاحب نظر باشد. آنها در تمام مسائل و مقررات نسبت به قوانین نسبت به وزارتخانه‌ها نظر اصولی دارند می‌گویم تشریف بیاورید شخص بنده را معتقد بسازید و از دیکته کردن آنها هم ابائی نداریم. آنها یادداشتهائی را به من داده‌اند که هم اکنون از رو می‌خوانم: «اصولاً» مصونیت به منظور آنست که چنانچه دولت وقت در کشور با دستاویز قانونی خواست مأمورینی مانند سفیر دولت خارجی یا وکیل همان کشور را از انجام وظیفه که ما طبق میل آن دولت نیست بازدارد آن مأمور یا آن وکیل از دستاویز ساختگی دولت مصون بماند و بتواند وظیفه خود را انجام بدهد. در وضع حاضر به

هیچ وجه موجبی نیست دولت ایران بخواهد مستشاران نظامی آمریکائی را که خود استخدام کرده از انجام وظیفه شان جلوگیری کند و توضیح دیگری در این باره به نظر زائد می‌رسد برای اینکه یک واقعیتی است و برای اینک یک مستشار خارجی حیثیتش حفظ شود و آزادی عمل داشته باشد باید از یک امتیازاتی بهره‌مند باشد ولی آن مستشاری که آمد اینجا و تا به حال هم کار کرده و هیچگونه عکس‌العملی رخ نداده و همه می‌دانند همکاری شده، حتی گاهی افسران جزء که در برابر افسران کل مقداری هم بی‌اعتنائی نشان داده‌اند بعضی از افسران ارشد، حتی آن را به لحاظ مصالح عالییه مملکتی ندیده گرفته‌اند با این تفاهم کامل و با این حس همکاری و صداقت دیگری مورد ندارد برای ما گفته شود که اما برای این مأمور فنی یک درجه دیگر و یک مصونیت دیگری داده شود. مأمورین سیاسی و یا اداری و یا فنی هر سفارتخانه که از مصونیت استفاده می‌کنند دارای اختیار و مسئولیتی در دستگاههای دولت ایران نیستند. آقایان توجه به این ملاحظات در سرنوشت رأی شما تأثیر خواهد داشت این آن چنان رأیی نیست که ما اگر بدانیم خدای نکرده تقصیرش توجه عمر و زید است کوتاه بیایم یا یک وقتی اختلافی به جناب آقای منصور به ملاحظه‌ای از ملاحظات داشته باشیم کوتاه بیایم یا بگوئیم امور حزبی حاکم بر جریانات است، این یک مسئله ایست که در سرنوشت ما در افتخارات ما در تاریخ در روابط ایران با خارجی‌ها تأثیر دارد من توجه آقایان را به این نکته جلب می‌کنم. مأمورین سیاسی و یا اداری و یا فنی هر سفارتخانه که از مصونیت استفاده می‌کنند دارای اختیار و مسئولیتی در دستگاههای دولت ایران نیستند تا متقابلاً موردی برای بازخواست از آنها پیش آید. چون کاری نباید بکنند حق مداخله ندارند و نمی‌توانند به آقای وزیر بگویند که این پرونده این طوری نشد آن طوری شد و یا فلان مأمور کاری ندارد بکند آیا اینهایی که ما به آنها مصونیت می‌دهیم وارد معقولات می‌شوند در حالی که مستشاران نظامی آمریکا در استخدام دولت ایران هستند و در امور مربوطه دخالت و مسئولیتی دارند و در چنین مصونیتی اگر پیش آید که به نفع خود یا کشور خارجی علیه ایران از اطلاعات یا موقعیت خود سوء استفاده‌ای بکنند قابل تعقیب نخواهد بود. خلاصه در محیط ارتش که مراعات انضباط بسیار لازم است چنانچه اتفاقاً بی‌انضباطی یا بی‌احترامی حتی هر گونه اهانتی از طرف این مأمورین و مستشاران نسبت به فرماندهان ارتش بود چون مصون از تعقیب و بازخواست هستند، جناب آقای حاذقی قطعاً سوء اثر زیادی از لحاظ تعصب ارتشیان که آقا نیز مقید هستید و غرور ملی ایشان که آقا مظهرش هستید پیش بیاید و این گرفتاری برای مملکت یک گرفتاری همیشگی خواهد بود. البته توضیحات در این زمینه بیشتر است و بنده فکر می‌کنم بیش از این وقت آقایان را نگیریم چون احتمال می‌رود که سایرین هم مطالبی داشته باشند که هستند و محکم و اصولی‌تر از بیانات بنده باشد چون ممکن است توأم با احساسات بنده مطالبی عرض کرده باشم گو اینکه سعی می‌کنم که عرایض بنده در پشت تریبون توأم با احساسات نباشد بلکه همیشه معتقدات من بر بیان من و عرایض من حکومت کند. جناب نخست وزیر فرمودند افتخار دارم و همیشه هم در لویحی که تقدیم مجلس می‌کنند می‌فرمایند دولت افتخار دارد گاهی بنده مخالفت می‌کنم آیا باید احساس خفت کنم و این برای بنده یک مسئله ایست. این لایحه هم که تقدیم مجلس شد باز رئیس دولت افتخار کردند از تقدیم این لایحه و بنده که مخالفت می‌کنم باز باید سرخورد را پائین بیندازم و احساس شرم بکنم در حالی که هر نماینده مخالفت احتمالی و استنباطات و تجربیات سیاسی‌اش را

یادآور می‌شود. اشاره فرمودند که گاهی بعضی از کارها مثل عملیات جراحی است واقعاً هم همینطور است برای عده‌ای این صحت پیدا می‌کند. قرار داد ۱۹۱۹ یک قراردادی بود و عاقدش یک عمل سیاسی کرد به لحاظ موقعیت خاص آن روز در سیاست گاهی این کار پیش می‌آید که رئیس دولت یا حتی پارلمان یک عمل جراحی انجام می‌دهد اما آن جراحی که دست بنده را می‌برد لااقل به خانواده من آن اطمینان را می‌دهد که دست این فرد را برای این می‌بریم که جانش در نرود و ما هم در این مورد باید به افکار عامه که خانواده ما هستند این اطمینان خاطر را بدهیم اگر چنانچه خدای نکرده در تصویب این لایحه اقدام می‌کند به سود ملت بزرگ ایران هم عمل می‌کند. (احسنت). من نمی‌دانم چطور شده ولی یکی از دوستان برای بنده شعری فرستاده این را می‌خوانم و با اجازه شما رفع زحمت می‌کنم. انتظار دارم این شعر بنده ایجاد سوء تفاهم نکند به نظر من از کتاب خود بنده است که دوست من همینطور که ورق می‌زد به نظرش خورد و گفت اگر مناسبتی دیدی عنوان کن، بنده کتمان نمی‌کنم مناسبتی ندیدم اما از لحاظ ادب و نزاکت حالا که وقت آقایان را زیاد گرفتم این دو بیت را می‌خوانم:

کس نیست تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم، بد گرید
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید

(احسنت، احسنت)

نایب رئیس - آقای نخست وزیر

نخست وزیر - بنده تصور نمی‌کردم بعد از توضیحاتی که تا حدودی کامل بود در این مورد داده شد، احتیاجی به ذکر مسائل دیگر داشته باشم ولی چون در مقابل هر مطلبی که گفته می‌شود اگر به موقع پاسخگوئی نشود احتمالاً یک نظریاتی را که صرفاً روی وطن پرستی اظهار می‌شود ولی عملاً به جزئیات امر وقوف کامل نیست نوع دیگری ممکن است تعبیر شود از طرف دولت ضروری است جواب داده شود. بنده بطور کلی جریان این لایحه را عرض کردم که قبل از تشکیل مجلس چون قرار داد منعقد بین دولت ایران و دولت آمریکا می‌بایست هر سال یک بار تجدید شود و نحوه کمک‌های خارجی تغییر کرده است و در این موقع هم نمی‌شد دستگاه مملکت و دستگاه ارتش و احتیاجات فنی آن را موقوف و متوقف کرد. دولت وقت طبق یادداشتی به سفارت آمریکا مراتب موافقت خودش را اعلام کرد و سفارت آمریکا هم از طرف دولت آمریکا وصول این یادداشت و موافقت خود را اعلام کردند البته به بنده نوشته‌اند که این یادداشت کی مبادله شده است؟ در حدود ماه مهر سال گذشته، یعنی در حقیقت شش ماه قبل از تشکیل این دولت و کابینه کاملاً ضرورت داشته است و بسیار هم به موقع انجام شده است و با تشخیص صحیحی هم بوده است و روی همان موضوعاتی که عرض شد اصلاً این مسائل را با احساسات مخلوط کردن به هیچ وجه من‌الوجه معقول و منطقی نیست (صحیح است) برای اینکه همینطوری که جناب آقای زهتاب فرد فرمودند در کوچه و بازار یا تحت تحریکات داخلی یا خارجی به عناوین مختلف از ناحیه سیاست بافان ممکن است مطالبی گفته بشود و به گوش بخورد ولی این مطالب در بین ارکان مملکتی و قوه عاقله مملکت باید نوع دیگری تعبیر و تفسیر بشود و مصالح مملکت نوع دیگری تشخیص داده شود و قدرت و شهامت اجرای کار هم نوع دیگری باشد والا هیچ کار مثبتی در مملکت قابل اجراء و انجام پذیر نیست و باید در فکر ارضاء خاطر افکار مختلفی بود که از مجاری خاص ناشی می‌شود و متأسفانه در بین کسانی که وارد جزئیات و کلیات و

مسائل بین‌المللی و فنی نیستند امکان دارد تأثیر خودش را هم بکند بنده وقتی لوایحی را تقدیم کردم عنوان افتخار گذاشتم چون هر کاری که در این مجلس فکر می‌کنم که از طرف دولت عرضه می‌شود باید با اداء جملات احترام‌آمیز به مقام مجلس بشود (احسنت) و این لایحه را هم امروز به عنوان دولت و معتقد به اینکه ارتش شاهنشاهی ایران و نیازمندیهای فنی ما ضرورت دارد که این وسایل ابتدائی محدود و معقولی را که در تمام کشورهای که مشابه ما عمل می‌کنند نظایر بی‌شماری دارد و دفاع بکند ولو اینکه افتخار تقدیم این لایحه را هم نداشته است. مغالطه کردن در این مسائل و نکاتی را که اتکاء به صحتش نباشد بهتر است در یک مکانی مثل مجلس شورای ملی ذکر نشود، چنانکه اشاره کردند که بنده مستأجری دارم. بنده غیر از خانه مسکونی خانه‌ای ندارم و در آن خودم ساکن هستم و مستأجری هم ندارم اگر به نام کس دیگری یا فردی که فرابتی با بنده داشته باشد مسئله‌ای نیست، خاصه به اینکه ایشان در چنین مملکتی و پشت چنین تریبونی اجازه بدهند که بگویند یک خارجی ممکن است در سرنوشت مملکت ایران دخالت داشته باشد اینها مسائلی نیست که قابل عفو و اغماض باشد.

بنده بیش از این دیگر جواب عرض نمی‌کنم ولی همین دو کلمه‌ای را که گفتم جوابگوی تمام فرمایشات جنابعالی است و باید با حقیقت و صداقت صحبت کرد. این لایحه به هیچ وجه من‌الوجه جا ندارد که این مسأله در آن گفته شود. اگر کسی در خارج حرفی زده است اطمینان داشته باشید افکار عمومی نیست (صحیح است) افکار عمومی افکاری است که با کارهای مثبت این دولت و رهبری شاهنشاه و خدمات صادقانه این مجلس باید تقویت و تحکیم شود، همین حرفها است که افکار مردم را منحرف می‌کند و از جاده حقیقت خارج می‌کند و کسانی که مغرض و کسانی که خائن به این مملکت هستند از داخل و خارج از لابلای این حرفها استفاده می‌کنند (جاوید - این جور نیست) ما باید گوش بکنیم که کاملاً با اتحاد و اتفاق و هم‌آهنگی و هم‌فکری، نگذاریم کسانی اصولاً فکر این مسائل را به کله‌شان خطور بدهند (صحیح است) که در چنین دوره‌ای و چنین دولتی احتمال داده شود که به حیثیت مملکت یا به استقلال مملکت خدشه‌ای وارد شود (صحیح است) نه این دولت خودمختار است و نه این مملکت بی‌صاحب است که این مسائل را کسانی دیگر درک بکنند ولی صاحبان واقعی مملکت واقف نباشند و اطلاعی نداشته باشند این اصلاً امکان ندارد، شاهنشاه ایران هستند، خانه ملت ایران هست، دولت خدمتگزار و صدیق این ملت است (صحیح است) و این مسائل را اگر ما بخواهیم در افکار کاملاً احساساتی و توجه به این که فلان کس در فلان مجلسی چه گفته است افکار عمومی چنین قضاوت می‌کند، آن بریدگی و آن جراحی را هم که من در اینجا اشاره کردم آن جراحی کارهای مثبت و عملی دولت است که باید یک ملتی را به شاهراه ترقی و سعادت سوق بدهد و آن کار سازندگی این مملکت است که با عوام فریبی و منفی باقی تطبیق نمی‌کند. بنده وارد جزئیات این مسائل نمی‌شوم ولی چند کلام بنده جوابگوی ساعتها صحبتی است که روی افکار واهی سیر می‌کند.

رامید - آقا رئیس اجازه ندهید که اینطور صحبت کنند (همهمه نمایندگان).

جاوید - با ادب صحبت کنید (زنگ نایب رئیس).

نخست وزیر - بنده با ادب صحبت می‌کنم (جاوید - مؤدب صحبت کنید) منظور بنده افکار واهی

است که در خارج از مجلس کسانی هستند که این افکار را می‌گویند، جناب آقای رامبد، بنده اگر هیچ خصلتی نداشته باشم، خصلت ادب و فروتنی را دارم. (احسنت) و می‌دانم کلمات را در چه قالبی اداء بکنم و بدانید که بی‌گدار به آب نردم و و بی‌مصلحت هم در این جا ریاست دولت را احراز نکردم (صحیح است، احسنت) بنده از حضور نمایندگان محترم استدعا می‌کنم که این مسائل را از دریچه چشم حقیقت بین نگاه کنید و با توضیحات کافی که دولتی را که خود شما به وجود آورده‌اید و مبعوث شاهنشاه و مورد حمایت کامل شماست و ما هم در یک راه و یک صف خدمت می‌کنیم و بنده بارها گفتم که این زمان دولت و مجلس به هیچ وجه از هم جدا نیستند (صحیح است) و هیچ کاری نیست که ما بکنیم مگر اینکه صد درصد افراد مؤمن و معتقد و با ایمان از آن حمایت و پشتیبانی نکرده باشند. افتخار این دولت و این مجلس در همین یگانگی و هم‌رنگی است و می‌خواهد که همه یکسان و یک شکل درباره مسائل قضاوت بکنند و فکر نمی‌کنم که وطن خواهی و وطن پرستی ... (جاوید - در انحصار شما باشد) انحصاری باشد، متعلق به کسان خاصی باشد ما هیچ فردی را از فرد دیگر وطن پرست تر نمی‌دانیم. با این توضیحاتی که بنده عرض کردم استدعا می‌کنم چند دقیقه آقای میرفندرسکی نسبت به موارد مشابه این یادداشت مبادله بین دولت ایران و دولت آمریکا که در سال گذشته انجام پذیرفته و چون مجلس نبوده است موکول به تصویب مجلس شده است قرائت بکنند و تصور می‌کنم که پاسخ کافی نسبت به فرمایشات آقایان در این جا باشد. بنده بقیه وقت خودم را به آقای میرفندرسکی می‌دهم که آن یادداشت را جهت استحضار بیشتر نمایندگان محترم قرائت بکنند (احسنت، احسنت).

نائب رئیس - آقای میرفندرسکی.

میرفندرسکی (معاون وزارت امور خارجه) - سفارت کبرای آمریکا طی یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۲۲ (اسفند ماه ۱۳۴۰) ضمن موافقت با تمدید خدمت هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ایران برای یک سال دیگر تقاضا نمود برای روشن شد وضع کارمندان این هیئت‌ها و تسهیل انجام مأموریت آنان، کارمندان مزبور از امتیازات و مصونیت‌های مربوط به کارمندان اداری و فنی پیش بنی شده در قرار داد بین‌المللی وین مربوط به روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ برخوردار باشند. در این باره مذاکرات و مکاتبات مفصلی بین مقامات شاهنشاهی و سفارت کبرای آمریکا به عمل آمد و در نتیجه هیئت وزیران در جلسه ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ تصویب نمود که پس از تصویب قرارداد بین‌المللی وین از طرف مجلسین، رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ایران از مزایای کارمندان اداری و فنی موصوف در قرارداد مزبور بهره‌مند گردند.

لایحه مربوطه در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم گردید و در تاریخ سوم مرداد ۱۳۴۳ به تصویب آن مجلس رسید و به مجلس شورای ملی فرستاده شده است تا پس از خاتمه تعطیلات تابستانی از طرف مجلس شورای ملی مورد مطالعه و تصویب قرار گیرد.

طبق ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس سنا رسیده است و اکنون برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم می‌گردد، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده آمریکا را در ایران که به موجب موافقت نامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی مصوب در بند «و» ماده اول

قرارداد وین مصوب... می باشد برخوردار نماید.

انواع مصونیت‌ها - مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که به کارمندان اداری و فنی تعلق می‌گیرد در مواد ۲۹ تا ۳۵ قرارداد وین قید گردیده است. (متن مواد مذکور در فوق ضمیمه است). نکته قابل توجه این است که طبق بند ۲ ماده ۲۷ قرارداد وین مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری شامل اعمال خارج از وظایف کارمندان فنی و اداری نمی‌گردد. از این جهت به این عده برخلاف مأمورین سیاسی که مصونیت کامل دارند مصونیت محدود تعلق می‌گیرد. با توجه به این نکته اساسی مسلم است در صورتی که مضمولین این ماده در خارج از وظایف اداری خود در نتیجه تجاوز به حقوق افراد مسئولیت مدنی و یا اداری پیدا کنند، رسیدگی به امر در صلاحیت محاکم صالحه کشور پذیرنده خواهد بود.

۱ - هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ایران و کارمندان آن به درخواست صریح و به منظور انجام خدمات مورد تقاضای دولت شاهنشاهی از سال ۱۳۲۲ به ایران اعزام می‌گردند (پاینده - چرا عجله می‌کنید آهسته بخوانید) ملاحظه شما را می‌کنیم (پاینده - ملاحظه پیرها را هم بکنید) شما به سن پیر ولی به روح جوان هستید.

۲ - هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ۳۸ کشور به تقاضای آنها انجام وظیفه می‌کنند و در همه این کشورها به شهادت قراردادهای موجود از مصونتیهای شبیه به آنچه به کارمندان مأموریت‌های سیاسی تعلق می‌گیرد برخوردار می‌باشند. قراردادهای مذکور گاهی دو جانبه است مثل قرار داد آمریکا و یونان مورخ ۱۹۴۶ و قرارداد آمریکا و پاکستان مورخ ۱۹۵۹ و زمانی چند جانبه است مثل قراردادهای پیمان آتلانتیک شمالی و پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا S.E.A.T.O

ملاحظه می‌فرمایید در کلیه کشورهایی که کارمندان نظامی آمریکا چه کارمندان هیئت‌های مستشاری، چه افراد جنگی در آن اقامت دارند وضع عمومی آنان به وسیله قراردادهای دو جانبه معروف به (Status of Force) Agreement و با پیمانهای تدافعی چند جانبه (پیمان آتلانتیک شمالی و پیمان تدافعی جنوب شرقی آسیا) روشن و تصریح گردیده است.

کشورهائی که پرسنل نظامی آمریکا اعم از مستشاران و یا افراد جنگی را می‌پذیرند بنا به مصونیتی که طبق موافقتنامه‌ها به آنان می‌دهند از صلاحیت جزائی خود در مورد آنان صرف نظر می‌نمایند. ولی همان طور که فوقاً ذکر شد در ماده ۳۷ قرار داد وین نیز مصرح است این سلب صلاحیت در امور جزائی، به هیچ وجه خدشه‌ای به صلاحیت مقامات کشور پذیرنده در رسیدگی به مسئولیت مدنی و پرداخت غرامات و جبران خسارات در مورد اعمال خارج از وظایف آنان وارد نمی‌آورد. این نکته اساسی در مذاکرات میان سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا و وزارت امور خارجه مورد توجه و تصریح کامل قرار گرفته است. مقامات آمریکائی رسماً و صریحاً اعلام داشته‌اند که در صورت شمول قرارداد وین به پرسنل نظامی آمریکا افراد نظامی آمریکا از لحاظ مدنی در صورت حقی که از یکی از افراد ایران تضییع گردد کماکان در محاکم ایران قابل تعقیب خواهد بود.

مطلبی که تذکر آن را لازم می‌داند، اینست که در قراردادهای دو جانبه‌ای که بین آمریکا و سایر دول منعقد گردیده قید شده است که تشخیص اینکه اعمالی که موجب تضییع حقوق افراد شده و قابل تعقیب است، مربوط به انجام وظیفه بوده یا خارج از آن در درجه اول در صلاحیت مقامات نظامی

آمریکا است. و در صورتی که با اعطای مصونیت‌های کادر اداری و فنی مندرج در قرارداد وین این تشخیص در صلاحیت دولت شاهنشاهی می‌باشد.

نایب رئیس - آقای طباطبائی.

طباطبائی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - آقای قراچورلو موافقت، بفرمایید.

قراچورلو - بنده در مقام دفاع از این لایحه نیستم، چون جناب آقای نخست وزیر و سایر همکاران محترم به اندازه کافی از لایحه دفاع فرمودند و آنچه که باعث تأسف بنده است و حقیقتاً باعث تأسف همه نمایندگان و هر ایران وطن پرستی است، این است که در پشت تریبون مجلس صحبت هائی می‌شود که واقعاً هیچ شایستگی ندارد. دولتی است مبعوث شاهنشاه و مبعوث مجلس شورای ملی مورد حمایت اکثریت نمایندگان محترم. لایحه‌ای از طرف این دولت تنظیم و به مجلس تقدیم شده است (مهندس ریاحی - دولت سابق تنظیم کرده) دولت سابق تنظیم کرد، از طرف دولت حاضر لایحه‌اش به مجلس تقدیم شد. اصولاً توهم این که دولت حاضر لایحه‌ای به مجلس بیاورد که خدای نخواست به حریم قانون اساسی تجاوز بکند هیچ مورد ندارد (صحیح است) (مهندس معین زند - نخواهد کرد) این لایحه بیشتر مربوط به ارتش شاهنشاهی ایران است. ما همه تصدیق داریم که ارتش شاهنشاهی ایران در گذشته به رهبری شاهنشاه بزرگ ارتشتاران خدمات ذیقیمتی به مملکت ما انجام داده (صحیح است) ذیل این لایحه را وزیر جنگ امضاء کرده، وزیر جنگ یعنی مأموری که تحت ریاست مستقیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انجام وظیفه می‌کند (صحیح است) پس این توهم که چنین لایحه‌ای خدای نخواست به حریم قانون اساسی

تجاوز بکند، صحیح نیست چون بزرگتر از همه و بالاتر از همه واقعاً شاهنشاه مملکت ما مراقب اوضاع و اجرای قوانین مملکتی هستند (صحیح است) اگر خدای نخواست روزی دولت حاضر که مورد حمایت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی و حزب ایران نوین هستند، لایحه‌ای بیاورند به مجلس که خدای نخواست به حریم قانون اساسی تجاوز شده باشد، اطمینان داشته باشید که اولین مخالفت را با دولت خود ما خواهیم کرد (روحانی - نمی‌آورد) این جا عنوان شد، پرده‌ها را بالا می‌زنیم، اصلاً در مملکت ما پرده‌ای وجود ندارد که بالا بزنند (صحیح است) انقلاب ششم بهمن به رهبری شاهنشاه عالی قدر ما سدها را شکست، پرده‌ها را پاره کرده و پرده‌ای در این مملکت وجود ندارد و اگر ادعا می‌کنید پرده‌ها را بالا می‌زنید بهتر است که واقعاً بالا بزنید که ما هم بدانیم چیست. مملکت ما همیشه پرچمدار تمدن بوده و هست. ما دو هزار و پانصد سال تاریخ مدون داریم اگر در قرون و اعصار گذشته خون ریزان به تاریخ به مملکت ما هجوم کردند، پس از مدت به سایر قلیلی تحت تأثیر افکار وطن پرستانه ملت ما قرار گرفته و مضمحل و نابود شدند. پس هیچوقت ما مستعمره نبودم و نخواهیم بود (صحیح است) (دکتر زعفرانلو - فکرش را هم نمی‌کنیم) سیاست مملکت ما با دول خارج براساس احترامات متقابل بوده و هست و بقدری روشن است که هیچگونه جای توهمی برای هیچ فردی در مملکت باقی نخواهد گذاشت. اعلیحضرت همایون شاهنشاه در نطق افتتاحیه مجلس سنا فرمودند، مقدرات مملکت ما در داخل مملکت و به اراده خودمان تعیین می‌شود (صحیح است) این فرمایش شاه است وقتی شاه مملکت می‌گوید مقدرات خودمان را خودمان تعیین می‌کنیم، توهم این که لایحه‌ای به

مجلس باید و این لایحه اختیار ما را به دست خارجی بسپارد. این خبط و خطا است اصولاً حتی توهمی نباید بکنیم و نباید داشته باشیم با توجه به توضیحاتی که عرض کردم، لایحه ایست که دولت تقدیم کرده به مجلس، همان طور که مأمورین سیاسی از یک مصونیتی استفاده می کردند، در این لایحه پیشنهاد شده که مأمورین نظامی هم که در خدمت دولت هستند و بنا به اراده دولت از آنها دعوت می شود و یا به خدمتشان خاتمه داده می شود، از این مصونیت استفاده کنند (یک نفر از نمایندگان - محدود است) (صادق احمدی - محدود به چیست؟) جناب آقای معاون وزارت خارجه کاملاً متن و مکاتباتی را هم که مبادله شده بود، قرائت فرمودند. آن دسته از همکاران محترم خودم که در جلسات متعدد در حزب ایران نوین با حضورشان این لایحه مطرح شده و موافق و مخالف آن صحبت کردند، البته مخالف که نداشتیم ولی عده ای از همکاران بودند که توضیحی داشتند و توضیح کافی در حزب داده شد. اطمینان داریم که به این لایحه رأی مثبت خواهید داد و با رأی مثبتی که اکثریت به این لایحه خواهیم داد، دولت را در خدمات ملی و اجتماعی خودش تأیید خواهیم کرد و اطمینان داریم که این دولت خدمتگزار به هیچ وجه راه نا صواب نخواهد رفت. (احسنت)

نایب رئیس - پیشنهادی از عده ای از آقایان نمایندگان رسیده است، قرائت می شود
(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید، به علت طول بحث، جلسه تعطیل و باقی مذاکرات به روز پنجشنبه موکول شود - مصطفوی - نیری - طباطبائی - جاوید - دکتر بقائی یزدی - حبیبی - رامبد - پاینده - رجائی و چند امضای دیگر.

خواجه نوری - بنده مخالف این پیشنهاد هستم.

مهندس صائبی - مخالفیم.

پاینده - بنده موافق پیشنهاد هستم.

نایب رئیس - آقای خواجه نوری مخالفید؟ بفرمایید.

خواجه نوری - بنده گمان می کنم با توضیحاتی که جناب آقای معاون وزارت خارجه دادند و تاریخچه این مطلب را بیان کردند و مجلس شورای ملی را روشن کردند، اهم مذاکرات انجام پذیرفته، ما هم آماده هستیم اگر آقایان و دوستان ما ایرادی داشته باشند و توضیحاتی بازدارند، بفرمایند. با حوصله و شکیبائی گوش خواهیم کرد، باز هم سؤالی داشته باشند جواب آنرا تقدیمشان خواهیم کرد لیکن روز پنجشنبه مطابق آئین نامه تشکیل جلسه امکان پذیر نیست، چون انتخاب هیئت رئیسه است (صفی پور - امروز عصر جلسه تشکیل بشود) امروز عصر جشن مهرگان است، ما حالا هم فرصت داریم مشورت می کنیم و بحثمان را ادامه می دهیم، هر وقت خود مجلس تشخیص داد کفایت مذاکرات رأی می گیریم. استدعا دارم که (صفی پور - مشورت با شکنجه است. اجازه بدهید ناهار بخوریم، برگردیم) رشته کلام بریده می شود بعد اگر فرمایشی دارید بفرمایید ما گوش می کنیم جواب می دهیم و با فرصت کافی در اختیارتان هستیم و مجلس را تعطیل نفرمائید استدعا می کنم.

نایب رئیس - متأسفانه این موجود سیاری که اسمش زمان است در دست ما نیست. گاهی دو بعد از ظهر در حالی که همه قیافه ها از گرسنگی ناراحت است و رنج می برند، اینجا نشسته اند (نمایندگان - چنین چیزی نیست) بنده حق دارم مطابق آئین نامه پنج دقیقه اینجا مزاحم بشوند استدعا می کنم از

مقام محترم ریاست اگر یک یا دو دقیقه بنده دچار پرگوئی شدم لطفاً عنایت بفرمایند.
نایب رئیس - چون خود جنابعالی به نظامنامه خیلی عقیده دارید و غالباً تخلف از نظامنامه را تذکر می‌دهید از آن نظر عرض کردم.

پاینده - متشکرم. گفتم یک عرب، عرب با عین رفت در خانه خلل ابن احمد و شترش را بست دم در، رفت توی خانه. من ناچارم این جمله را با عربی بخوانم گفت: علمین النحو و الفقه و الحساب و ناقتی علی الباب. خلیل ابن احمد یکی از علماء زمان خودش بود. آقایان این عرب بیابان گرد آمد آنجا گفت من می‌خواهم نحو و فقه و حساب یاد بگیرم، شترم هم دم در است عرض کنم به حضورتان یک قوانینی گفته شده است اما همه این مذاکرات در شأن مجلس است. ما درباره خلوص نیست و این انقلاب اصیل هیچکدام تردیدی نداریم این مباحث هم نیابستی کسانی را آزرده خاطر کند یادم هست جفرسن گفته است من به آنچه که می‌گویند مخالفم ولی اینقدر انصاف دارم که هر چه می‌خواهند بگویند حرفشان را بزنند. به نظر بنده این مبداء یک بحث پارلمانی باید باشد والا خشم و ناراحتی که احیاناً خود بنده هم مصون نیستم یا مصون هستم، نباید باشد. یک جریانی هست یک تصویب نامه ایست و یک معافیت‌هائی است که بنده باید عرض کنم که آن مصونیت‌های محدود، محدود به امور مالی است و در امور جزائی نامحدود است بعلاوه راجع به آن مطالب در ماده ۲ هست، اینها را در بحث مواد عرض می‌کنم بنده تعصبی ندارم آقای معاون وزارت امور خارجه بنده شاگرد شما هستم (معاون وزارت امور خارجه - استاد من هستید) این مصونیت‌های الان جاری است الان هست الان عمل می‌شود یک عده از دوستان آمدند گفته‌اند که این بحث را برای فردا بگذاریم یا پس فردا و حق این است. واقعاً نمی‌دانم این را در کلمه چه جور تعبیر بکنیم. در تنگنا گذاشتن چه اثری دارد. بنده نمی‌دانم که آقا الان بنشینند و نروید، بنده هم بدون اجازه آقایان نمی‌روم و خوشبختانه یک غیبت هم در دفتر مجلس به نام بنده ثبت نشده است اما درباره لایحه که نمی‌دانم چه جور رأی خواهم داد ولی قدر مسلم این است که این مقداری رأی گرفته می‌شود. آقای رئیس‌الوزراء هم اینجا تشریف آورده‌اند و بعد از مدتی زیارتشان کردیم و به هر حال مخالف و موافق بحث گرم و شیرینی را شروع کردند که همه از حرارت و از گرمی و علاقه و وطن‌پرستی است منتهی هر کسی از یک طرف گفتند در سر گذرگاه یک سپری گذاشته بودند، یک روی آن را سرخ کرده بودند، روی دیگر را سفید. یکی از این طرف می‌رفت سرخ می‌دید و یکی از آن طرف می‌رفت سفید می‌دید. اینها با هم بحث کرده بودند یکی از چشم بالا می‌بیند، مصلحت و یکی از چشم دیگر می‌بیند، نامصلحت و این مصلحت و نامصلحت را نمی‌دانم چگونه، عرض کنم، بنده نظریم نه ضرورتی دارد که ما بگوئیم بماند برای جلسه بعد و دوستان اکثریت بنده که به فرد فردشان احترام می‌گذارم بگویند در همین جلسه باید تمام شود این افتخار بنده است که افتخار زندگی بنده است در مدتی که اینجا بودم به قدری مردان نخبه در این مجلس شناخته‌ام که اگر دنبال مردمان نخبه در سراسر دنیا می‌گشتم این اندازه نخبه را پیدا نمی‌کردم. از بخت خودم ممنونم که در ظرف بیست و دو سال که پشت در این مجلس ماندم و آقای خسروانی که آن وقت بچه دبستانی بودند و حالای مردی شده‌اند و مقام وزارت را دارند نمی‌دانم راجع به مسئله فوریت آیا به نظر شما نظر محترم هیئت دولت نظر هیئت محترم اکثریت است که الان شتر در خانه است و فوری یک رأی تصویب شده بدهید. بنده به هر حال یک رأی دارم آن هم در موقع رأی دادن به صورتی

خواهم داد، استدعا می‌کنیم حسن نیتی را که همه داریم از این حس نیت استفاده کنیم و واقعاً به ندای قلبتان جواب بدهید. آیا سزاوار است درباره موضعی که به هر حال یکی از لوایح عادی نیست که بگوئیم دویست و هفتاد و سه ریال مابه‌التفاوت قیمت پول تراکتور فلان آقا در شرکت روستائی فلان را ببخشیم. با این عجله چرا باید بگذرد خوب یک جلسه دیگری می‌نشینیم بنده هم رأی می‌دهم همه هم قطعاً به این مطلب رأی می‌دهند به خصوص توجه جناب آقای نخست وزیر را جلب می‌کنم طبیعت انسان جوری است که وقتی مطلبی را فهمید و درک کرد، می‌ایستد و گوش می‌دهد و با تمام شجاعت پشت سرش است. قربانم. ما متأسفانه پیاده هستیم و متأسفانه با مرهمت بعضی‌ها در کوچه راه می‌رویم، عرض کردم، بحثی که شده است نمی‌خواهم از سر بگیرم ممکن است با بسیاری از آنچه دوست بسیار عزیزم آقای زهتاب فرد فرمودند، موافق نباشم ولی نمی‌توانم ایشان را تمجید نکنم به هر حال باید گفت اینجا جای بحث است همان‌طور که هیئت محترم دولت با سرافرازی و شجاعت کامل تمام مطالب خودشان را می‌آورند، مطرح می‌کنند شطرنج یک طرفه در دنیا وجود ندارد و یا لااقل آدم را دیوانه خواهد کرد که آدم بنشیند و هی مهره بریزد بنابراین بنده استدعا می‌کنم موافقت بفرمایند بنده که استطاعت خوردن گرسنگی بیشتر از این ندارم چون در او عمر به حد کافی گرسنگی خورده‌ام ماندن یکی دو ساعت در سرنوشت این لایحه در مجلسی که همه نسبت به دولت انقلاب لبریز و مالا مال از خلوص هستند هیچ تأثیری نخواهد داشت. این عرایض بنده است به نظر می‌رسد که اینطور بهتر است.

نایب رئیس - توجه بفرمایید این پیشنهاد را به رأی مجلس می‌گذاریم خانم‌ها و آقایانی که موافقت (خواجeh نوری - روز پنجشنبه نمی‌شود انتخابات هیئت رئیسه است) پیشنهاد مجدداً قرائت می‌شود.

پیشنهاد می‌نماید به علت طول بحث جلسه تعطیل و باقی مذاکرات به روز پنجشنبه موکول شود - مصطفوی - نیری - طباطبائی - جاوید - دکتر بقائی یزدی - حسینی - رامبد - پاینده - رجائی و چند امضاء دیگر.

نایب رئیس - به این پیشنهاد رأی می‌گیریم خانم‌ها و آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

پیشنهاد دیگری رسیده است خوانده می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

«ریاست محترم مجلس شورای ملی چون بحث کافی در موضوع لایحه شده است اینجانب پیشنهاد کفایت مذاکرات می‌دهد - محسن خواجeh نوری»

نایب رئیس - آقای سرتیپ‌پور مخالف این پیشنهاد هستید؟ بفرمایید.

سرتیپ‌پور - بنده به اندازه یک نفر و یک رأی باید در این کار مداخله داشته باشم و این یک رأی را هم موقعی می‌توانم بدهم که بفهمم چه شده، بنده ایراد کردم که این لایحه مخالف با قانون اساسی است. آمدند، گفتند نیست من دلیل گفتم و گفتم به چه دلیل مخالف قانون اساسی است ولی ایشان که فرمودند نیست، دلیل نیاوردند. قسمت دوم صحبت این بود که این لایحه را بدهیم به کمیسیون جنگ و کمیسیون دادگستری از نظر اینکه یک لایحه صددرصد داخلی است، مخالفت شد

پس معلوم شد صد در صد خارجی است اگر خارجی است یک فوریتی نمی تواند باشد چون این اصل است. رأی دادن ما هم در اصل تغییری نمی دهد اما یک کاری بکنید که ما فردا در فشار قرار نگیریم. آقایان قضاوت نسبت به دولت است، قضاوت با ملت است، قضاوت با نمایندگان است، حساب بکنید ابراز قدرت نمائید قدرت نمایانند کار بزرگی نیست اکثریت می تواند ستمگر باشد ولی اگر تثبیت کرد ستم خودش را دچار ستم می شود. اصول برای این ملت لازم است یا نه؟ ستم را خودش دچار ستم می شود. اصول برای این ملت لازم است یا نه؟ اگر هست احترام بگذارید اگر نیست خیلی خوب آنچه که بشود به تصویب شما خواهد شد خدا بداند (- ملت ایران بداند که ما گناهی نداریم (احسن) نایب رئیس - آقای خواجه نوری.

خواجه نوری - جناب آقای سرتیپ پور، مطالبی فرمودید که با علم به احساسات پاک جنابعالی و شخصیت جنابعالی مرا ناراحت کرد از این جهت که انتظار نداشتم چنین شکایتی را جنابعالی بفرمایید (سرتیپ پور - چرا؟) چرایش را توضیح می دهم - چرایش برای این است که آن چه که سؤال شد آنچه را که توضیح خواسته شد به عرض مجلس شورای ملی رسید و آنچه ما مجدداً بگوئیم و بشنویم و تکرار کنیم، تکرار مکررات خواهد بود. بنده نسبت به حسن نیت جنابعالی و سایر آقایان که مطالبی را بیان فرمودند هیچ نوع تردیدی ندارم ارادات واقعی دارم تعارف هم نمی کنم ولیکن چون فرمودید اگر ما تصمیمی بگیریم، شریک گناه شده ایم برای اینکه عرض بکنم ناراحتی وجدان ندارم به جنابعالی عرض می کنم این مملکت با قراردادهائی که دارد با وضعی که الان از لحاظ بین المللی و به خصوص در خاورمیانه پیدا کرده یک مملکتی است که از هر جهت از لحاظ سیاسی مستقل و حاکم بر مقدرات خودش است و اگر قرار باشد برای اینکه ما به طرز استفاده از چند اسلحه احتیاج داشته باشیم چند نفر معلم در ارتش خود به کار بگماریم و شرط به کار گماردن آنها این باشد که اینها از مصونیتها استفاده نکنند این مطلب نمی تواند موجب باشد که خللی به استقلال و تمامیت مملکت وارد سازد (صحیح است) بنده مجبورم که به فرمایشات ایشان جواب بدهم متأسفانه ایشان خارج از مطلب مطالبی فرمودند بنده هم ناچارم برای التیام درد خودم مطالبی را خدمت ایشان عرض بکنم. اجازه بفرمایید جناب آقای سرتیپ پور، امروز افرادی هستند به عنوان معلم و مستشار، اینها اختیاری در ارتش ما ندارند و پاره ای می ترسند که مبدا اینها از اختیارات خودشان استفاده بکنند گروهبانی است می آید طرز استفاده از بازو کا را یاد می دهد. خلبانی است می آید طرز استفاده از طیاره جت را یاد می دهد افسری که از لحاظ تاکتیکی استفاده از سلاحهای نو را یاد می دهد و اثرات استفاده از این سلاحهای نو را از لحاظ تاکتیکی در ستاد ما بیان می کنند، اینها همه معلم و مستشار هستند اینها قدرت فرماندهی ندارند جناب آقای سرهنگ حسینی که افسر هستند متوجه هستند که بنده چه می گویم افسری قدرت فرماندهی دارد که در ستاد سمت داشته باشد یا در رأس واحدها و اما اگر اشخاصی بیاید برای این افسرها و برای این فرماندهان واحد معلم باشند، اطلاعات فرماندهی به آنها بدهند آنها اختیارات فرماندهی ندارند که این ناراحتی خیال برای آقایان فراهم شده است و این لایحه مفصلاً مطالعه شده است الان هم در حضور آقایان بحث شد و بنده هم چون دیدم آقایان خسته هستند و دلیل ندارد کار به اطاله بکشد، این راه را پیشنهاد کردم باز هم مجلس شورای ملی مختار است (عده ای از نمایندگان - رأی، رأی).

پاینده - بنده مخالفم.

نایب رئیس - در پیشنهاد کفایت مذاکرات یک مخالف و یک موافق صحبت کردند رأی می‌گیریم به پیشنهاد کفایت مذاکرات خانمها و آقایانی که موافقید خواهش می‌کنم قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد حالا رأی می‌گیریم به ورود در شور ماده واحده، خانمها و آقایانی که موافقت خواهش می‌کنم قیام فرمایند (اکثراً برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقای طباطبائی فرمایشی داشتید.

طباطبائی - بنده عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای پاینده.

پاینده - بنده عملاً رأی خودم را که یک رأی از ۱۸۸ رأی است در موقع خودش خواهم داد در این جا یک مقداری کلمات محدود و نامحدود و صلاحیت گفته شد که بنده خواستم توضیحی عرض بکنم و می‌خواهم جناب آقای معاون وزارت امور خارجه توضیحی بدهند چون اینجانب مطلب برخلاف آن چیزی که دوست عزیز بنده فرمودند هنوز خیلی مبهم است البته بنده شاید یک قدری کند فهمم، با شم انشاءالله کسانی که فهمشان تیزتر است مطلب را فهمیده‌اند با این تذکرات انشاءالله کمک می‌فرمایند که بنده هم با این فهم بکنم، مطلب را بفهمم. جناب آقای معاون وزارت امور خارجه درباره مصونیت‌ها فرمودند، مصونیت محدود است. مصونیت در امور مدتی محدود است و در امور جزائی نامحدود است این مطلب خاتمه نمی‌یابد اما یک مطلب است که استدعا می‌کنم توجه بفرمایند چون قدر مسلم این است که من مدتی طلبه بودم و به آنچه می‌گویم تعصبی ندارم. وقتی در محضر استادمان در موضوعی مباحثه می‌کردم از این مباحثه حظ می‌بردم و گاهی خشونت هم می‌کرد بعد پا می‌شدیم او استاد بود و من شاگرد. گفتند یک قاچاقچی باروت را در زمان قدیم پیدا کردند البته در زمان قدیم، چون حالا کسی باروت را قاچاق نمی‌کند. گفتند اینها چیست گفت قربانت گردم سیاه دانه است گفتند سیاه دانه با باروت تفاوت دارد. این آقا یک ریش خیلی بلندی است هنوز تیغ ناست نیامده بود. سنگی زیر ریش او گذاشتند و مقداری از این سیاه دانه‌ها را گذاشتند رویش او کوبیدند. پف کرده و تمام ریش صورت او را سوزانید، اگر با این قلوبی که اینجاست کار دارید یک قدری رعایت بفرمایید، با ۱۸۸ دلی که می‌طپد آیا دیگر کاری ندارید دیگر لایحه‌ای مطرح نمی‌شود. خود آقای نخست وزیر که مظهر تواضع و ادب هستند این مطلب را در نظر بگیرند ما اگر گرسنگی می‌کشیم تا ساعت ۵ اشکالی ندارد ولی به هر حال نکات مبهمی نماند. در بند (و) تعریف مأمور اداری را کرده است به صورت جالبی از کسی پرسیدند یخ چیست گفت یخ چیزی است که یخ می‌کند و این آقای دکتر متین دفتری سناتور معظم و متخصص علی‌الاطلاق مسافرت‌های بین‌المللی آن را امضاء کرده‌اند (مهندس صائبی - اسم اشخاص را نبرید) معذرت می‌خواهم ننویسید، بنویسید یک آقای محترم. بنده را با گرسنگی پشت میکروفون نگه می‌دارید که ما تصمیم بگیریم (یک نفر از نمایندگان - پس ماه رمضان چه می‌کنید؟) با شما روزه می‌گیریم یا مصونیت می‌گیریم. به ماده ۳۱ توجه بفرمایید. این قرارداد وین است که به سلامتی و مبارکی تصویب شد و با سرعتی که کارهای اداری دارد به دولت هم ابلاغ شد و در گذرگاه است انشاءالله این مصونیت هم به مستشاران نظامی مستخدم ملت ایران داده می‌شود تا اینجا ممکن است حرفی نداشته باشیم و رأی هم ممکن است بدهیم عرض کنم حضور

مبارکتان بنده متن همان ماده ۳۷ را که قرائت فرمودند، می‌خوانم. البته این بلاشبهه مصونیت نامحدود است و هر فرمی را که رأی دادیم همان است چون بنده وقتی به لایحه‌ای رأی می‌دهیم با شجاعت پشت آن می‌ایستم و خوشبختانه بقدر کافی هم شهامت اخلاقی هم دارم که تحمل کنم و بگویم که من این رأی را دادم وقتی من در مجلس که خیلی از حالات سخاوتمندتر هم بود متحصن بودم از دولتی که کوچه و بازار هم در دستش بود و پشت این پنجره‌ها فریاد فروش پوست و روده و کله متحصنین بلند بود. به هر حال از رو نرفتیم و ایستادیم و به حمدالله حالا روزی را می‌بینم که می‌توانیم بیائیم در خدمت شما حرفهایمان را بزنیم و شما هم نشنوید و بیائید و بگوئید نخیر آقا اینطور نیست، استدعا می‌کنم آقای نایب رئیس این چند دقیقه را جزو صحبت من حساب نکنند چون آقای وزیر مشاور با آقای نخست وزیر صحبت می‌کنند و ایشان توجه ندارند (نخست وزیر - من توجه دارم بفرمایید) کارمندان اداری یعنی همانهایی که کار اداری می‌کنند این به معلومات من اضافه شد. استدعا می‌کنم آقایان توجه بفرمایند چون بنده اطمینان دارم و بسیار مطالبی است که باید گفته شود و بسیاری از مسائل باید برای فهم مردم گفته شود چون آنها اهل این آب و خاکند و من هم وکیل این آب و خاک هستم اگر ۱۸۸ وکیل هست یک نخست‌وزیر بیشتر نیست این آقای کارمند اداری و فنی را استدعا می‌کنم توجه بفرمایید و بنده را هم ببخشید، این بسیار خوب تا اینجا عرضی ندارم من خودم عرض کنم باید بگویم من صراحت مگر نباید خودم رأی بدهم. کسانی می‌گویند مصلحت نیست، کسانی می‌گویند مصلحت است به فرض اینکه خودم نتوانم تشخیص بدهم تسلیم نظر آنها می‌توان باشم. جناب آقای خواجه نوری من شما را مرد شریفی می‌دانم یعنی همه مرد شریفند شما را بالاخص. اما شما وقتی اعتراض را شروع می‌کنید بنده که تنم می‌لرزد (دکتر عدل طباطبائی - آقای پاینده شما همه‌اش مشغول خطاب به اشخاص هستید) کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از این مزایایی که در این مواد استفاده می‌کنند اینجا مطابق این ماده ضمیمه کارمند فنی را که مطابق مصلحت ممکن است بنده هم رأی بدهم ولی اجازه بدهید من پیشنهاد بکنم دیگر اهل خانه‌اش چیست استدعا می‌کنم پیشنهاد را بپذیرند که این مصونیت و معافیت که خاص این آقا است شامل اهل خانه‌اش نباشد، این لحظه را هم جزو وقت بنده حساب نکنید. (در این هنگام آقای نخست وزیر با آقای وزیر مشاور صحبت می‌کردند.)

نایب رئیس - لحظات زیادی را حساب نکردیم آقای پاینده.

پاینده - معذرت می‌خواهم. ببخشید بنده به شما ارادت دارم بنده منتظرم آقای وزیر مشاور صحبتشان تمام شود و توجه بفرمایند. این مصونیت را شما یک تعبیری ازش فرمودید، این کلمه صحیح است؟ این کلمات درست است؟ گنه گنه را من خودم در بچگی خورده‌ام، خیلی تلخ است آن وقت هنوز قرص نبود که رویش را شیرین کرده باشند. اگر بعضی مطالب تلخ است گاهی اوقات آدم روی مصالح و مصلحت می‌رود. این آقای وزیر جنگ که مورد احترام همه ما هستند در دستگاهی خدمت می‌کنند یک روز یک عده جوان را می‌آورند به سربازی و روز دیگر آنها را می‌خواهند به خط آتش می‌گوییم بروند (قراچورلو - نمی‌گویند، خودشان می‌روند) به هر حال ما نمی‌گوییم آقای وزیر جنگ چرا آنها را یک روزی می‌آورید و یک روز معینی هم فرمان می‌دهید بروند جنگ هر که هم

نرفت می‌گذراندش کنار دیوار و خیلی چیزهای دیگر. به هر حال این نوع زندگی مدنی و سیاسی از این گرفتاری فراوان دارد ولی این ضرورت هم هست حالا در این قسمت هم که نوشته شده تمام اهل خانه ممکن است خیلی زیاد بسط پیدا کند به موجب صراحت این ماده آقای دکتر یگانه مسلم دچار اشکال می‌شود اگر بعضی خیالی می‌کنند که از این مذاکرات بوی غرض احساس می‌شود، اگر بوی غرضی احساس می‌شود همه سکوت کنیم، این عبارت را بنده تقدیم مقام ریاست می‌کنم بپذیرند که این مصونیتها و معافیت مخصوص اشخاص خارجی است خانواده آنها حق ندارند بیابند. شاید این آقای مستشار آمد اینجا و خواست به رسم اینجا چهار زن بگیرد من شرمم می‌آید بگویم صیغه هم چهل تا می‌تواند بگیرد (خواجه نوری - اگر تبعه آمریکا باشد نمی‌تواند) اجازه بدهید قربان شاید بیست تا صیغه از آنجا بیاورد (نخست وزیر - بنده توضیح عرض می‌کنم) اجازه بدهیم قربانت بروم چون تصریح می‌فرمایید تصریح شما در اینجا به عنوان رئیس دولت، قانون و استناد قانونی به وجود می‌آورد خیلی معذرت می‌خواهم از آقایان چون این بند (و) می‌گوید این آقایان مأمورین اداری و نظامیان و اهل خانه‌شان، اهل خانه هم حدی ندارد (مهندس صائبی - بستگان مشمول نیست) بستگان هم حدی ندارد. از این مصونیت استفاده می‌کنند. اگر بنده اشتباه می‌کنم از بنده رفع اشتباه بفرمایید خیلی خیلی معذرت می‌خواهم دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده از آقای رامید قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت می‌شود)

«پیشنهاد می‌نماید، لایحه معافیت مستشاران به شرح زیر اصلاح شود.

به دولت اجازه داده می‌شود طبق تصویب نامه هیئت دولت هر یک از مستشاران نظامی دولت آمریکا را که در استخدام و خدمت ارتش ایران هستند برای مدت یکسال از هر یک از مواد ۲۹ الی ۳۵ قرارداد وین بهره‌مند سازد.

رامید

نایب رئیس - آقای رامید بفرمایید.

رامید - در فرمایش بعضی از سروران محترم حداقل این سوء تفاهم برای من پیش آمد که ضمن اسم بردن از پادشاه بزرگ ما هر مطلبی را که می‌خواهند عنوان بکنند به یک ترتیب می‌زنند به صحرای کربلا. بنده خودم نصف کتاب شاهنشاه را کلمه به کلمه در ظرف هفت ساعت خواندم عیناً جمله به جمله خواندم ولی به هیچ ایرانی فکر نمی‌کنم این حق داده شده باشد که مسئولیت وظیفه و خدمتی را که قبول کرده به هیچ عنوانی در تحت عنوان اسم بردن شاهنشاه بزرگ بخواند خود را از مسئولیت میرا کند این مجلس و دولت ما همه برای خدمت در اینجا جمع آمده‌ایم صحبت می‌کنیم نسبت به شاهنشاه خادمیم اگر خیانت کردیم این ما هستیم که خیانت کردیم و هیچ ربطی به شخص شاهنشاه ندارد شاهنشاه جز صلاح ملت و ایران هیچ چیزی نمی‌خواهد (صحیح است) ما می‌رویم، دولت می‌رود و اشخاص و مجریان و خدمتگزاران می‌روند ولی شاهنشاه ثابت هستند (صحیح است - احسنت) برگردم سر مطلب در این دو سه ساعت که درباره این لایحه صحبت می‌کردند یک عده معتقدین و محترمین نسبت به دولت و عمل دولت و لایحه دولت و یک عده مخالفین یا حداقل منتقدیم و ایراد گیرندگانی به این لایحه اگر توجه به این لایحه درست می‌شد می‌پذیرفتیم که شاید از جهاتی

واقعاً دولت احتیاج به این لایحه دارد. مثلاً یکی از دوستان من به من می‌گفت فلان ژنرال آمریکائی که میهن پرستیش را در دنیا به ثبوت رسانده شما می‌خواهید از یک امتیازی که به آشپز سفارتخانه می‌دهید به او ندهید دیدم این حرف قابل رد نیست دیگری به من گفت فلان شاگرد راننده‌ای که به اسم عضو فنی آورده‌اند شما می‌خواهید تمام مصونیت‌هایی که لازم نیست به او بدهید خدای نکرده فلان پرونده را که مقامات در اختیار مأموری گذاشته‌اند برای مطالعه با این مصونیتی که دولت ایران می‌دهد اصطلاحش را شاید آقای خواجه نوری به فرنگی بگویند کوریه دیپلماتیک به او مصونیت می‌دهید هیچ به مکاتباتش هم همینطور، آمدیم پرونده را، اسناد سیاسی را گذاشت توی یک پاکت و به یک مقصدی فرستاد. دولت ایران حق بازجویی نداشته باشد؟ دیدم این صحیح است، و دیدم از این طرف این منقد هم درست می‌گوید بنده یک پیشنهادی کردم که هم نظر اکثریت محترم که دولت عزیز را تأیید فرمودند یکبار دیگر اعتماد و اعتقادشان را به دولت تکمیل کنند، این حق را به دولت بدهد منتقدین اینجا ایراد دارند و خدای نکرده فکر نمی‌کنند کار خطی دارید انجام می‌دهید دیگر اینقدر وقت سایرین را چرا می‌گیرید بگذارید اقلیت در اشتباه خودشان باقی بمانند از آن گذشته تصدیق می‌فرمایید هر حقی را که به یکی دادید اگر بخواهید سلب بکنید یکی احساس سردی به وجود می‌آید به همین جهت مدت (یک سالی) را اینجا گذاشتیم معلوم نیست سال آینده به همین موقعیت و کیفیت مورد احتیاج دولت باشد اجازه بفرمایید همین یک سال باشد اگر لازم داشت تمدید می‌کند و اگر لازم دانست تجدید کند و یا اگر لازم ندانست دیگر تعبیر اینکه تا دیروز این حق را داشتند سلب می‌کند. برای دولت مشکلی به وجود نمی‌آورد از آن گذشته این معافیت‌ها و مصونیت‌ها نمی‌دانم ناطق محترم چطور شد که نخوانند که این قسم از ماده ۲۹ تا ۳۵ انواع و اقسام معافیت دارد و ممکن است خود دولت در این مورد میل نداشته باشند که همان امتیازی را که به فلان متخصص اتمی و فلان ژنرال داده می‌شود به شاگرد راننده هم داده شود پس همه اینها موکول به این می‌شود که دولت چه تشخیص می‌دهد به چه کسی می‌دهد و به چه میزانی که لازم دارد، می‌دهد و به این ترتیب دیگر اگر به این پیشنهاد رأی دادند یکبار دیگر نسبت به دولت اظهار اعتماد کرده‌اند اگر خدای نکرده رأی ندادند دلیل این است که به این دولتماند اعتماد نداریم (عده‌ای از نمایندگان - رأی می‌دهیم) (قراچورلو - هیچ همچو چیزی نیست رأی نمی‌دهیم).

نایب رئیس - نسبت به این پیشنهاد نظری نیست؟ آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده لازم بود توضیحی عرض کرده باشم. نامه‌ای را که وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا در تاریخ مهر ماه یک سال گذشته نوشته است و آن مأخذ کار ما در آینده خواهد بود (یکی از نمایندگان - زمان دولت جنابعالی بود؟) بنده که شش ماه است هستم، در مهر ماه بنده نبودم. این نامه اینطور حکایت می‌کند که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مصونیتها و مزایائی که برای کارمندان اداری و حتی موضوع بند فلان الی آخر استفاده می‌کند به این جهت این عملی است که خیلی ارتباط پیدا می‌کند شما وقتی در نامه‌تان اشاره به کنوانسیون وین می‌کنید پس توافق شده است. پس این موضوع وارده خدمه و سکنه و غیره و فلان به هیچ وجه من‌الوجه نمی‌شود که در آن ماده قرار داد وین نوشته شده است ممکن است آن را تسری داد ولی نامه‌یی را که وزارت خارجه به سفارت آمریکا نوشته است فقط نسبت به رئیس و اعضاء هیئتهای نمایندگی است مطلبی را

که جناب آقای پاینده فرمودند مقامات آمریکائی رسماً و صریحاً اعلام داشته‌اند که در صورت شمول قرار داد وین به مستشاران آمریکائی از لحاظ حقوق مدنی در صورتی که حقی از یکی از افراد ایرانی تضییع گردد کماکان در محاکم ایرانی قابل تعقیب خواهد بود. در زندگی روزمره به هیچ وجه من‌الوجه این مصونیت موجود نیست. یک کسی از کسی طلب دارد حق کسی را تضییع می‌کند اگر در حال خدمت و وظایف اداری و نظامی قابل تعقیب است در مسائل جزائی هم آنها به مجازات می‌رسند منتهی چون در یک عملی شرکت می‌کند که احتمالاً ممکن است وقوع حادثی را پیش آورد و طبق قوانین و محاکم و معاهده (صادق احمدی - توضیح بفرمایید که با گروه‌بان آمریکائی که پریروز سه نفر را کشت چه می‌شود، این تضادفات اتومبیل چطور می‌شود؟) قرارداد و موافقتنامه دو جنبه دارد دو طرف دارد تا حدی مورد موافقت قرار می‌گیرد که این پاره نشود اگر نیازی نباشد که این موافقت نامه به وجود نمی‌آید همان‌طور که اشاره شد ما امروز وسائل داریم که دستگاههای رادار در سراسر مملکت موجود است. جهت‌های خارج از سرعت صورت داریم عرض کنم احتیاجات و نیازمندیهای بسیار زیادی داریم و اینها در تمام کشورها آزادی باید گفته بشود که در حقیقت این ترقیات شگفت‌انگیز صنعت نظامی متعلق به ملت آمریکا است و تعهداتی را که با این دولت و دولتهای دیگر با موافقتنامه‌هایی به وجود آمده و اگر فرض بفرمایید کشور فرانسه این وسائل نظامی را به ایران داده بود، این قرارداد و این موافقتنامه با دولت فرانسه بسته می‌شد حدود این هم در مذاکرات و مباحثات کار باید منطقی باشد با توافق دو طرف وقتی به یک جایی برسد که قرار باشد پاره بشود این دیگر قرارداد نیست (صادق احمدی - اگر یک گروه‌بان مرتکب جرمی شد چه می‌شود؟) چون این را اشاره فرمودید عرض می‌کنم افسران نظامی آمریکا که در ارتش خدمت می‌کنند به عنوان هیئت نظامی تلقی می‌شود امکان دارد که یک متخصص الکترونیک یا رادار ممکن است سیویل باشد این دیگر نظامی نیست در این خدمت. موضوع افسر و نظامی و غیر نظامی نیست آن عده که مورد استفاده ارتش است و دولت موافقت می‌کند در انجام خدمت شامل این مقررات می‌شود حالا این ممکن است کلنل ارتش آمریکا باشد، ممکن است یک متخصص طیاره جت و رادار باشد که این متخصص نظیرش هم در دستگاههای نظامی آمریکا افراد سیویل خیلی زیاد هستند در ارتش ما خدمت می‌کنند. منظور غرض کارمندان فنی هستند یعنی تکنیسین یعنی کارشناس این موارد را اگر توجه بفرمایید یک قدری روشنتر خواهد شد.

نایب رئیس - نسبت به پیشنهاد آقای رامبد مخالفی نیست؟ آقای خواجه نوری.

خواجه نوری - بنده خواستم توضیح بدهم علت اینکه جناب آقای رامبد این پیشنهاد را فرمودند باز روی حسن نیت و روی مطالبی است که دوستان عزیز فرمودند بنده فقط یک نکته را می‌خواهم خدمتتان عرض کنم که این افراد در خدمت دولت ایران هستند و هر وقت دولت ایران از اینها تخطی مشاهده بکند می‌تواند آنها را از خدمت خارج بکند و حتی از مرز هم خارج بکند. بنابراین هیچ موردی ندارد که یک شرطی برای مدت یک دو دو سال معین باشد. این تا آن مدتی است که مورد استفاده دولت ایران هستند و در خدمت ما هستند، از این مصونیت استفاده می‌کنند آن آنی که وزیر جنگ حدس زد که آن آدم مقررات را رعایت نکرد آنرا به خدمت او خاتمه می‌دهد و از مرز هم او را خارج می‌کند (رامبد - یک سالش را حذف بفرمایید موافقت می‌کنم) منظور حاصل است، تحصیل حاصل است قربان.

نایب رئیس - آقای فخر طباطبائی موافقت، بفرمایید.

فخر طباطبائی - با پیشنهاد آقای رامبد موافقم. عرض کنم حسن مذاکره و مشاوره این است که وقتی درباره یک مسأله‌ای صحبت بشود و اطراف و جوانب قضایا بیشتر روشن می‌شود. بنده از مجموع مذاکراتی که شد و توضیحاتی که جناب آقای نخست وزیر حالا دادند، روشن شدم به اینکه منظور دولت از تقدیم این لایحه این نیست که تمام اشخاص غیر ذی صلاحی که مربوط به کادر مستشاری باشند از این معافیت استفاده کنند و بنده این را احراز کردم که منظور این است که اشخاصی که ذی صلاح هستند، متخصص فنی هستند، مشاور نظامی صاحب منصب هستند، استفاده کنند و این لایحه به این کیفیت جناب آقای نخست وزیر پس از اینکه به صورت قانون درآمد، وافی به مطلب نیست و محتاج به این می‌شود که باز بیائیم روی تذکراتی که در مجلس داده و روی توضیحاتی که آقای نخست وزیر روی گزارشی که دولت مبادله کرده صحبت بکنند و استنتاج بکنند. بنابراین با این پیشنهاد اگر موافقت بکنند مطلب این لایحه را خلاصه کرده هم نظر دولت تأمین است، هم نظر مجلس تأمین است. عرض کنم حضورتان ما هیچوقت برخلاف واقعیات فکر نمی‌کنیم و مصلحت امور را همیشه در نظر می‌گیریم النهایه تا حدی که این مصلحت امور، تالی فاسدی پیدا نکند. این است که بنده آن عرضی را که کردم که اگر در کمیسیون دادگستری هم مطالعه می‌شد خدا شاهد است که این بحث‌ها و مذاکرات در مجلس نمی‌شد برای اینکه در آنجا فرمه می‌شد و اصلاحاتی به عمل می‌آمد و یک ماده کاملی می‌شد که تمام جهات کار و هم نظر دولت تأمین شده باشد البته به همان دلیل که یک سیاستمدار خارجی حق دارد از مصونیت استفاده می‌کند، یک مستشار عالی رتبه‌ای هم که مورد استفاده ما است ما این مصونیت و معافیت را بهش اعطاء می‌کردیم ولی این لایحه به این صورت که درآمد گاهی اوقات در امور عجله‌ای که می‌شود باعث زحمت می‌شود این است که بنده این پیشنهاد جناب آقای رامبد را یک پیشنهاد بینابین می‌دانم و خالی از تعصب هم عرض می‌کنم و فکر می‌کنم اگر آقایان موافقت بکنند اظهار رأی بکنند من فکر می‌کنم این مسئله حل شده هم نظر دولت تأمین است هم نظر آقایان تأمین می‌شود.

نایب رئیس - آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده خواستم تمنا کنم از جناب آقای رامبد که پیشنهادشان را پس بگیرند چون تحصیل حاصل است تمام قراردادهای آنها قید یک ساله است (رامبد - ما اعتماد کامل داریم به وزارت جنگ و حضرتعالی) استدعا می‌کنم که در این ماده تغییر داده نشود این هم مسلماً همان نظر جنابعالی را تأمین می‌کند (رامبد - من استدعایم این بود وقتی مجلس را به شما رأی می‌دهد جنابعالی هم قبول بفرمایید).

نایب رئیس - آقای رامبد پیشنهادتان را پس گرفتید.

رامبد - بنده پس می‌گیرم ولی این یک راهنمایی بود ایشان قبول کردند که قراردادها یک ساله است.

نایب رئیس - پس گرفتید؟

رامبد - وقتی دولت خودش نمی‌خواهد مجبورش که نمی‌توانیم بکنیم.

نایب رئیس - در این صورت اینطور تلقی می‌شود که پس گرفتید پیشنهاد دیگری است از آقای

دکتر مبین قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی - پیشنهاد می‌نمایم عبارت (به موجب موافقت نامه‌های مربوط) به عبارت (برطبق قانون) تبدیل شود. دکتر مبین .

نخست وزیر - هیچ صحیح نیست برای اینکه صحبت قانون نیست، صحبت مقاوله نامه است.

نایب رئیس - آقای دکتر مبین

دکتر مبین - دولت تأکید کرد و تأیید نمود که این آقایان مستشاران مستخدم دولت ایران هستند و ما اتباع خارجی را به خصوص نظامیان خارجی را چطور بدون قانون می‌خواهیم مستخدم خودمان کنیم و شما هیچوقت مجاز نخواهید بود که به موجب موافقتنامه یک مستشاری را به استخدام خودتان درآورید و این است که بنده پیشنهاد کردم اینها که در استخدام شما هستند به موجب قانون مربوطه باشد. بنابراین شما می‌بایست استناد بفرمایید به قانونی که دارید در این زمینه هیچوقت راه باز نکنید که به موجب موافقتنامه مستشار خارجی استخدام کنید برای اینکه تالی فاسد دارد اگر شما قانونی را بردارید و بجایش موافقتنامه بگذارید این تالی فاسد دارد و ماده ۴۷ قرارداد وین شما الان تصویب کردید که کشور پذیرنده در اجرای مقررات این قرارداد تبعیض بین کشورهای قائل نخواهد شد وقتی شما نتوانستید تبعیض قائل شوید از نظر استفاده از ماده ۲۹ تا ۳۵ از نظر مصونیت‌های مندرج در ۲۹ تا ۳۵ شما حق ندارید تبعیض قائل شوید اگر دست دولت باز شود که به موجب قرارداد و موافقتنامه این را تخصیص بدهد این به نظر بنده به ضرر دولت است به نظر بنده به نفع دولت است که دست خودش را در این راه باز نکند و دولت نتواند مستشار نظامی با قرارداد استخدام کند علاوه بر این می‌خواستم مطلب دیگری عرض کنم این را کاملاً توجه بفرمایید آقایان، مستشارانی که مشمول معافیت کارمندان اداری و فنی می‌شوند، طبق قرارداد وین از مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ باید استفاده کند در این قراردادهایی که تصویب کردیم، ماده ۳۲ وجود ندارد بنابراین شما چطور نسبت به ماده‌ای که وجود ندارد، می‌خواهید تصمیم بگیرید.

نایب رئیس - آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده فکر می‌کنم برای آقای دکتر مبین اشتباهی رخ داده، استخدام اصلاً وجود ندارد موضوع استخدام اصلاً وجود ندارد موضوع استخدام نیست قرارداد نظامی است که در سال ۱۳۲۲ از مجلس گذشته، این فقط موضوع این است که کسانی هستند که می‌آیند در خدمت ارتش طبق موافقتنامه که با موافقت آن قانون است که در سال ۱۳۲۲ گذشته است و به نظر بنده این استخدام نیست. بدین جهت این مطلبی که جنابعالی می‌فرمایید، اصلاً وارد نیست.

دکتر مبین - پس اگر اینطور است ماده واحده را چرا اصلاح نمی‌کنید. این صریح گفته در استخدام دولت شاهنشاهی باشد.

نخست وزیر - اجازه می‌دهد، فقط مصونیت است که این قانون اجازه می‌دهد. اگر آن قانون اجازه ندهد، در استخدام نخواهد بود و این ماده فقط برای مصونیت است.

دکتر مبین - پس جنابعالی با اصل موافقت می‌کنید. اما به موجب موافقتنامه مربوطه ما چنین موافقتنامه نداریم، ما قانونی داریم راجع به استخدام سازمان مستشاران نظامی. بنابراین طریق همان

قانون باید استخدام بشوند. بنده پیشنهاد کردم، پیشنهاد هم خیلی صحیح است، پس هم نمی‌گیریم. ما نمی‌توانیم به دولت اجازه دهیم که طبق موافقتنامه مستشار استخدام کند.

نایب رئیس - رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای دکتر مبین.

روحانی - به نظر منافی ندارد برای اینکه جناب آقای نخست وزیر فرمودند این موافقتنامه به استناد قانونی است که داریم این توضیح در صورت جلسه هم ذکر می‌شود (دکتر مبین - چه اصراری است که اصلاح نشود)

نایب رئیس - جناب عالی قانع شدید یا رأی بگیریم؟

(دکتر مبین - رأی بگیرید). بنابراین پیشنهاد یکبار دیگر خوانده می‌شود.

(به شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - به پیشنهاد آقای دکتر مبین رأی می‌گیریم. خانمها و آقایانی که موافقت، خواهش می‌کنم قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) تصویب نشد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای پاینده قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم که ذیل ماده واحده اضافه شود که این تصویب نامه و معافیتها خاص شخص آنها خواهد بود.

نایب رئیس - توضیح بفرمایید.

ابوالقاسم پاینده - این کلمه‌ای که آقای دکتر مبین راجع به ماده ۳۲ فرمودند می‌خواهم توجهتان را جلب کنم، از نظر عمل اشکال به وجود می‌آورد. این قرارداد ماده ۳۲ ندارد (یکی از نمایندگان - اشتباه چاپخانه است) تشریح مقام مسئول در صورت مجلس برای توضیح کافی است اما در اینجا کافی نیست. ملاحظه بفرمایید در بند دو ماده ۳۱ می‌گوید مأمور اداری و بستگانش، توجه بفرمایید در اینجا می‌گوید مستشاران نظامی از مصونیت‌های بند (و) استفاده می‌کنند یعنی اگر فردا یک محکمه دیوان کشور در موردی اختلاف نظر بدهد، هیچکس نمی‌تواند بگوید خلاف گفته، این کلمات بند ۲ ماده ۳۱ تسری پیدا می‌کند و این تصریح به نظر کافی نباشد، مطلب مهم نیست، یعنی ابهام لغوی ندارد ولی این تفسیر به نظر من ممکن است کافی نباشد. برای جلوگیری از این مشکل استدعا می‌کنم مطابق پیشنهادی که شده تصریح شود (خواجه نوری - مطمئن باشد تحصیل حاصل است)

نایب رئیس - به پیشنهاد خودتان باقی هستید؟

پاینده - اجازه بفرمایید بروم بنشینم، با استناد به فرمایش آقای نخست وزیر که این معافیتها و مصونیتها، خاص خود این مستشاران نظامی است نه بستگان آنها، بنده پیشنهاد را پس گرفتم.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای بالاخانلو قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

به منظور رفع هر گونه سوء تفاهم و روشن شدن اذهان عمومی از حسن نیت نمایندگان مجلسین در حسن روابط فیما بین کشور شاهنشاهی ایران دولت آمریکا و توجه به اینکه عده‌ای از اطباء حاذق و مهندسین عالی مقام ایرانی در خدمت کشور آمریکا می‌باشند و خدمات آنها به مردم آمریکا کمتر از

اطلاعات فنی مستشاران نظامی آمریکا در ارتش شاهنشاهی نیست، پیشنهاد می‌نماید متقابلاً اتباع ایرانی که در خدمت کشور آمریکا می‌باشند، از مقررات این قانون در کشور آمریکا استفاده نمایند.
بالاخانو

نایب رئیس - آقای بالاخانلو

بالاخانو - پیشنهاد بنده از این جهت است که چون صحبت شد از افکار عمومی و اینجا گفته شد همان صحیح است زیرا افکار عمومی ما را به مجلس آورد و نمی‌شود گفت همان صحیح است زیرا افکار عمومی ما را به مجلس آورد و نمی‌شود گفت افکار عمومی نمی‌فهمد یا توجه ندارد. افکار عمومی بسیار خوب می‌فهمد و خوب هم توجه دارد و به همین دلیل یک مجلس انقلابی به اسم دوره ۲۱ به وجود آورد که از مردم و طبقات مختلف کارگر، پیشه‌ور، مهندس، دکتر از تمام طبقات در این مجلس گرد آمده که به کار و خیر مملکت بپردازند. حالا ما بیائیم بگوئیم این مصونیت را می‌دهیم که فلان دولت به ما کمک کرده یا نگفتیم نکرده، همه ممنونیم جناب آقای نخست وزیر در جواب عرض بنده فرمودند، کمک کردند ما نگفتیم نکرده (نخست وزیر - خیلی مطالب دیگر هست) اگر تمام مغلطه‌بازی است بفرمایید صحبت بکنید. (همه‌ها نمایندگان)

نایب رئیس - اجازه بفرمایید ناطق صحبت بکند.

بالاخانو - ما به دولت آمریکا یک همچو امتیازی می‌دهیم که مستشاران نظامی یک همچو مصونیتی داشته باشند برای اینکه رفع هرگونه سوء تفاهم بشود، پیشنهاد کردم یک چند نفر ایرانی که در آنجا خدمت می‌کنند، رئیس بیمارستان هستند، مهندس هستند که در کارخانجات مهم آمریکا مسئولیت دارند (یکی از نمایندگان - اینها در دستگاه‌های ملی هستند) به آنها هم این امتیاز داده شود، این نظر بنده است (خواجه نوری - مستخدم دولت نیستند) اطلاعات بنده شاید کافی باشد عرض بنده از این جهت بود. چون هیچ کدام نظر خاصی نه دولت آمریکا دارد و نه بنده دارم می‌خواهم عرض کنم که اگر یک همچو امتیازی به مستشاران آنها دادیم آنها هم متقابلاً به ما بدهند که در افکار عمومی سوء تفاهمی ایجاد نشود. (مهندس صائبی - به این پیشنهاد معتقدید) البته معتقدم. بنده دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای دکتر یگانگی مخالفید یا موافق (بنده مخالفم) بفرمایید.

دکتر یگانگی - بنده برای اینکه مختصر عرض کرده باشم به استحضار می‌رسانم که این افرادی که در آمریکا از ایرانیان خدمت می‌کنند از سه دسته خارج نیستند. یک دسته‌ای هستند که اینها تبعه هستند، تبعه دولت آمریکا هستند و مشمول مقررات و قوانین خود اتباع آمریکا می‌باشند. یک عده هم هستند که کارآموزند، آنهایی که در آنجا کار می‌کنند به عنوان متخصص در آنجا کار نمی‌کنند و یک طبقه سومی هم هست که ممکن است به صورت قاچاق یا به طور غیر قانونی آنجا باشند. بنابراین هیچ کدام مشمول این عمل متقابل نمی‌شوند.

نایب رئیس - نظر دیگری نیست (اظهاری نشد) آقای بالاخانلو پس می‌گیرید؟

بالاخانو - پس گرفتم.

رامید - بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم.

نایب رئیس - بفرمایید.

رامید - طبق آیین‌نامه موجود باید کلیه لوایح برای اطلاع نمایندگان طبع و توزیع شود. من

خواهش می‌کنم همه آقایان و خانم‌ها لوایحی که توزیع شده و از روی آن داریم مذاکره می‌کنیم باز کنند و این مواد ۲۹ تا ۳۵ را که دارید تصویب می‌کنید، ببینید یک نفر ماده ۳۲ را بخواند. ماده ۳۲ اصلاً وجود ندارد. این واقعاً قانونگذاری است، بنده که نمی‌دانم.

نایب رئیس - قطعاً در موقع چاپ لایحه اشتباه شده و ماده ۳۲ اشتبهاً چاپ نشده.

رامبد - بنده با اجازه آقایان لایحه دولت را قرائت می‌کنم «با توجه به لایحه شماره ۱۸ / ۲۲۹۱ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری و نظامی ایالات متحده آمریکا را در ایران که به موجب موافقت نامه مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیتها و معافیتهاى کارمندان فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد ذیل برخوردار نماید». بند (و) هم کارمندان اداری و فنی هستند که در ماده ۳۷ می‌گوید از مزایا و مصونیتهاى مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود، مواد ۲۹ تا ۳۵ یعنی ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ و ۳۲ الی آخر بهره‌مند خواهند بود. آقایان دارید رأی می‌دهید، توجه بفرمایید به چه دارید رأی می‌دهید.

نایب رئیس - آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده در این لایحه که الآن مطرح است مطلب جنابعالی را نمی‌بینم برای اینکه به هیچ وجه من الوجوه اشاره به موادی... (رامبد - این را نفرمایید برای اینکه خدای نکرده الآن لایحه‌ای که قبلاً تصویب شده، ملغی می‌شود).

در چاپ اگر گاهی اوقات اشتباهی می‌شود یا اگر کلمه‌ای افتاده این به هیچ وجه به این ماده واحده ارتباطی ندارد ماده واحده را عرض می‌کنم می‌گوید ما توجه به لایحه فلان و ضمائم که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۵ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی را از مقررات قرارداد وین که در تاریخ ۱۸ آوریل به تصویب رسیده برخوردار نماید. این به هیچ وجه من الوجوه آن مطلبی که آقا می‌فرمایید درش نیست، آن یک مطلبی است جداگانه یا اگر یک اشتباهی در چاپ یا در توزیع شده باشد، این را مجلس می‌داند و اصلاح می‌کند. (رامبد - اگر حضرت‌تعالی نماینده بودید به این رأی می‌دادید قبول می‌کردید؟) بنده نه علاقه کمتری به مجلس دارم نه خودم را از مجلس دور می‌دانم.

نایب رئیس - آقای رامبد توجه بفرمایید این به همین صورت از مجلس سنا آمده است.

رامبد - پس ماده سی و دو کجاست؟

نایب رئیس - در موقع چاپ لایحه اشتبهاً چاپ نشده، آقای پاینده بفرمایید.

ابوالقاسم پاینده - اولاً معذرت می‌خواهم و تشکر می‌کنم که امروز مجلس حوصله به خرج داد و من به اندازه یک ماه صحبت کردم، انشاءالله یک ماه صحبت نمی‌کنم. جناب آقای نخست وزیر استدعا می‌کنم توجه بفرمایید یک خط زنجیری پیوسته است می‌بینم در قرارداد وین در ماده ۳۷ می‌خوانیم بستگان مأمورین سیاسی که اهل خانه‌اش هستند به شرط آنکه تابع کشور پذیرنده نباشد از مصونیتهاى مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود کارمندان اداری و فنی از همین مصونیتها یعنی مصونیتهاى ماده ۲۹ تا ۳۵ برخوردار خواهند بود آقای نخست وزیر توجه بفرمایید (دکتر عدل طباطبائی - شما برای مجلس صحبت می‌کنید) در اینجا ملاحظه بفرمایید یک خطر زنجیری پیوسته

است، مصونیتها از ماده ۲۹ تا ۳۵، مصونیتهای بند ۲ ماده ۳۷، همان مصونیتهای ماده ۲۹ تا ۳۵ می‌گویند مصونیت به آنها می‌دهیم، کدام مصونیت بنده قسم به خدا اگر در این مطلبی که عرض می‌کنم جز حرمت مجلس نظری ندارم. این طریق صحیح نیست و هیچ‌گونه کلمه‌پردازی با این حقیقت تطبیق نمی‌کند.

نایب رئیس - آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده به جناب آقای رامبد عرض کردم، تشریف‌فرما شده بودند البته یک مطلبی از مجلس سنا آمده راجع به کنوانسیون بین‌المللی وین، این یک مطلبی است چاپ شده، منتشر شده و دنیا قبول کرده و ممالک زیادی وابستگی خودشان را اعلام کردند، فرض کنید که در چاپ این یک کلمه افتاده باشد، مصوبات ما روی کلیات کنوانسیون وین است و تغییری در آن اصل نمی‌دهد، یا ما تأیید می‌کنیم یا نمی‌کنیم. اگر ما یک کلمه‌اش را تغییر بدهیم دیگر آن وابستگی را نداریم و چون مجلس رأی داده به این وابستگی، خودش به کنوانسیون در حقیقت ماده ۳۲ را هم جزو آن تلقی کرده، چنانچه اگر شما یک اصل را تغییر بدهید شما جزو آن کنوانسیون نیستید. این مطلبی است که تصور می‌کنم که اگر بخواهیم متنه به خشخاش بگذاریم موردی ندارد. تردیدی ندارد که این اصل کلی را که توضیح دادم مورد قبول آقایان قرار می‌گیرد و در آن لایحه‌ای هم که الآن مورد بحث است این لفظ اشاره به کنوانسیون بین‌المللی وین می‌کند که آن کنوانسیون را مورد تأیید قرار داده و حق تغییر ندارد و این هم چون نسبت به مواد در اینجا تذکری نداده، به نظر بنده عرایض بنده را قبول بفرمایید (صحیح است)

نایب رئیس - آقای سرتیپ پور.

سرتیپ پور - تصویب هر چیز مجهول، بلااثر است (نمایندگان - تکرار بفرمایید) تصویب هر چیز مجهول بلااثر است یا باید رئیس کمیسیون خارجه تشریف بیاورند بگویند این ماده ۳۲ چه بود ما بفهمیم یا مخبر کمیسیون تشریف بیاورند بگویند این ماده ۳۲ که تصویب شده چی است (یکی از نمایندگان - خودشان نمی‌دانند) عمل ما وقتی که بدون توجه به مواد تصویب شده باشد، نمی‌تواند مؤثر باشد و حتی المقدور آقایان سعی بفرمایید کاری را که می‌خواهید بکنید، کاری صحیح باشد در مسئله کنوانسیون مسئله قرارداد بین دول یک ماده را نمی‌شود کم و بیش کرد باید قبول کرد. موضوع تسری دادن یک ماده است به مأمورین داخلی من باید بدانم که حق داده‌ام اتباع خارج بزنند در شکم افراد داخله یا حق ندارند، من باید بفهمم قربانت برو، چه اصراری است که مبهم باشد؟ (صحیح است - احسنت)

نایب رئیس - توضیحاتی که جناب آقای نخست وزیر دادند درباره اینکه این یک قرارداد بین‌المللی است و هیچ‌گونه تغییری در آن نمی‌شود، داد (یک نفر از نمایندگان - ما دادیم) در هر صورت آقای نخست وزیر توضیح می‌فرمایند.

نخست وزیر - در اینجا توجه بفرمایید ماده واحده‌ای را که مجلس رأی داد این است:

ماده واحده - قرارداد وین درباره روابط سیاسی که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت شاهنشاهی رسیده و مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل می‌باشد تصویب و به دولت اجازه داده می‌شود که اسناد تصویب آن را مبادله نماید.

در حقیقت اینجا به مجموع این لایحه که در پایان آن هم گفته می‌شود که متنهای انگلیسی - چینی - اسپانیولی - فرانسوی و روسی، بین ۵ زبان رسمی سازمان ملل متحد، معتبر است و آن مورد توافق قرار می‌گیرد. اگر به فرض در ترجمه این قرارداد یک اشتباهی رخ داده بود و ما تصویب کرده بودیم این معتبر نیست. وابستگی ما به این کنوانسیون بین‌المللی وین مطرح است نه ترجمه آن. چه برسد به اینکه قسمتی در چاپ افتاده باشد حالا اتفاقاً ماده ۳۲ در این اسنادی که وزارت خارجه اینجا داشتند پیدا شده عین آن را قرائت می‌کنم.

«ماده ۳۲ - دولت فرستنده می‌تواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار می‌شود اعلام نماید.

۲ - انصراف باید همیشه صریح باشد.

۳ - در صورت طرح دعوی از طرف یک نماینده سیاسی یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره‌مند است توسل او به مصونیت قضائی نسبت به هرگونه دعوی متقابل که مستقیماً مربوط به دعوی اصلی باشد پذیرفته نخواهد شد.»

اینجا همه جنبه‌های منفی دارد که خوشبختانه در تأیید نظریات آقایان است.

۴ - انصراف از مصونیت قضائی در برابر یک دعوی مدنی یا اداری متضمن انصراف از مصونیت نسبت به اقدامات اجرائی مربوط به حکم محکمه نخواهد بود برای این امر یک انصراف جداگانه لازم است.»

این ماده‌ای است که در اینجا افتاده، بنده عرض می‌کنم که قسمتی از این ترجمه را فرض بفرمایید مترجمی اشتباه ترجمه کرده باشد، دولت و مجلس آنچه که وابستگی خودشان را به آن اعلام کرده‌اند، اصل قرارداد موافقت بین‌المللی وین است. با وجود این من با اجازه جناب رئیس مجلس این را بدهم که ملاحظه بفرمایند و تکمیل بفرمایند.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای صادق احمدی قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می‌نماید درجه‌داران هیئت مستشاری از شمول این ماده مستثنی بشوند.

صادق احمدی

نایب رئیس - آقای صادق احمدی بفرمایید.

صادق احمدی - عرض کنم بنده نمی‌خواستم در چنین وقتی در ساعت سه و نیم بعد از ظهر که نمی‌دانم جناب آقای دکتر خطیبی چطور تا این وقت جلسه را ادامه داده‌اند، صحبت کنم. در موقع طرح بودجه اقبالاً یک ساندویچی داده شد و بنده حالا که آمده‌ام، اینجا با یک دل درد و سردرد عجیبی آمده‌ام اینجا صحبت می‌کنم. آیا همین عمل یک عکس‌العمل بدی ندارد که این لایحه چه لایحه‌ای بود که یک کارهای بی‌ترتیبی در موقع طرح آن می‌شود و بنده متأسف و متأثرم خیلی متأسفم (صحیح است) آنچه که می‌خواهم عرض کنم این است که نمی‌دانم چه اصراری است که جناب آقای نخست‌وزیر دارند که این لایحه عیناً باید تصویب بشود (یک نفر از نمایندگان - احترام به اقلیت مجلس نیست) محقق بدانید مردم مملکت به مجلس شورای ملی احترام بیشتری می‌گذارند تا به مجلس سنا برای اینکه در آنجا این بحثها نشد و همه متأثر شدند که یک لایحه به این مهمی را سر بسته تصویب،

کردند اما مجلس شورای ملی خوشبختانه تا ساعت سه و نیم نشسته و این نشانه این است که مجلس شورای ملی، نمایندگان، نمایندگان حقیقی مردم هستند، علاقه‌مندی بیشتری دارند و این حقیقتی است که باید اینجا عرض کنم مردم حقیقتاً گله‌مندند از سناتورها. آنچه که بنده می‌خواهم عرض کنم در خارج از جلسه که رفته بودم برای کشیدن سیگار با یکی دو نفر از آقایان اعضای محترم حزب ایران نوین که بنده نسبت به همه‌شان احترام دارم و ارادت دارم، بحث می‌کردیم دیدم این عضو محترم حزب ایران نوین با اینکه مرد فوق‌العاده مطلعی است اطلاع ندارد که این لایحه شامل چند نفر می‌شود، می‌گفت شامل ۴۰ نفر است بنده گفتم در متن مطالعه کردید گفتند نه مطالعه نکردم. این لایحه شامل تمام افراد هیئت مستشاری می‌شود من نمی‌گویم خانواده‌شان چون آقای نخست وزیر فرمودند شامل خانواده نمی‌شود ولی با توجه به متن ماده واحده و آن تعریفی که از مأمورین فنی کردند، خانواده‌شان هم مشمول می‌شود حالا بنده اتخاذ سند می‌کنم از فرمایشات جناب آقای نخست وزیر می‌گویم مشمول افراد خانواده نمی‌شود، اما اعضای هیئت مستشاری تعدادشان زیاد است اکثرشان هم درجه‌دار هستند و تمام ناراحتی مردم از این درجه‌دارها است و الا قبول می‌کنم فرمایش جناب آقای نخست وزیر را که گفته یک عده افرادی هستند که متخصص‌اند آمده‌اند به عنوان معلم و ممکن است، سیویل باشد. اما از درجه‌دارها است که مردم ناراحتند و می‌گویند اگر ما فرداً مثلاً با زمان بیرون رفتیم و یک گروه‌بانی آمریکایی نیشگون از زن ما گرفت نمی‌توانیم به هیچ‌جا مراجعه کنیم. اینجا است که مردم را عصبانی می‌کنند. دیروز در روزنامه خواندید که یک گروه‌بانی آمریکایی سه نفر را زیر کرده است و خود بنده در موقع دادستانی، پرونده‌هایی از گروه‌بانی‌های نظامی آمریکا داشتم که افرادی را زیر کرده بودند که شما می‌خواهید رأی بدهید، وجدانتان را چطور قانع می‌کنید. (صحیح است) من متأثرم، می‌بینم دوست عزیز بنده جناب آقای قراچورلو که بنده به ایشان ارادت دارم، می‌آیند و می‌گویند زود باشید. چرا زود باشیم آقای قراچورلوی عزیز من. جناب آقای نخست‌وزیر فرمایش کردند بنده هم خوشوقتم. گفتند ممکن است مقتضیات ایجاب بکند. بنده هم اینقدر انجماد فکری ندارم که بگویم مقتضیات ایجاب نمی‌کند، ولی این را محدود بکنید بگویند افسران مستشاران آمریکایی چون آنها ممکن است افرادی باشند که کمتر تخطی بکنند، واقعاً هم این طوری است کمتر پشت اتومبیل می‌نشینند کمتر مست می‌کنند کمتر تخطی می‌کنند. ما کمال احترام را برایشان قائلیم و قبول می‌کنیم اینها را در ردیف خدمه سفارت محسوب بکنیم این عیبی ندارد. اما مشمول درجه‌داران نکنید. این خطرناک است و خدای نخواستہ واقعه سقاخانه را تکرار خواهید کرد. وقتی که من دیدم بچه‌ام زیر اتومبیل یک نفر آمریکایی رفت و هیچ مرجعی ندارم که شکایت بکنم چه کار می‌کنم؟ می‌روم آمریکایی را می‌کشم این به ضرر خود آنهاست، نکنید این کار را.

نایب رئیس - قبل از اینکه آقای نخست‌وزیر توضیحی بفرماید باید عرض کنم که جناب آقای صادق احمدی ایراد فرمودند چرا بنده جلسه را ادامه دادم و تنفس ندادم به علت رأی مجلس برای اینکه تقاضا شد جلسه روز پنجشنبه باشد، مجلس رأی نداد و من موظف به تبعیت از رأی مجلس هستم (صحیح است) آقای نخست‌وزیر بفرمایید.

نخست‌وزیر - راجع به موضوع درجه‌دار فرمودید بنده فکر می‌کنم که توضیحات قبلی جوابگوی فرمایش فعلی جنابعالی است، البته این احساسات، احساسات بسیار خوبی است و اگر بنده شدیدتر

این احساسات را نداشته باشم، کمتر ندارم، ولی هیچ وقت نباید یک مطلب اساسی و کلی مملکت را با یک مطالب استثنائی مخلوط کرد. موضوع درجه دار مطرح نیست. موضوع رئیس و اعضای هیئت نمایندگی مستشاری آمریکا در خدمت ارتش ایران است. درجه دار در لفظ ما و در قاموس ما به معنای کسانی می آید مثل گروه بان و غیره و اصلاً این مطرح نیست، این موضوع ممکن است یک آدم سیویل و متخصص باشد، اکسپر باشد، یک تکنیسین باشد یا یک درجه دار متخصص الکترونیک که از وزارت دفاع آمریکا آمده باشد، اینها را نمی شود تفکیک کرد، تشخیص داد.

تعداد آنها صد نفر هستند، دویست نفر هستند، هزار نفر هستند و اعضای محترم حزب ایران نوین هم نباید مستحضر به تعداد اعضای مستشاران در خدمت ارتش ما باشند. این موضوع در حزب مطرح نمی شود. نسبت به اصول کلی بحث می شود. یک زمانی ممکن است چهل نفر، یک زمانی ممکن است چهار نفر احتیاج باشد و یک زمانی اصلاً احتیاج نباشد. این یک مصونیت معقول متداول دنیای متمدن امروز است. در روابط بین المللی نسبت به حوائج فنی یک دستگاهی که متخصص داده است به دستگاهی که تکنیکش از این امور فنی فعلاً بی بهره است، باید تکمیل بکند. حالا ممکن است این فرد فنی، یک کلنل باشد یا یک گروه بان یا یک سیویل. آن گروه بان را که شما تصور می فرمایید فلان سیاه آمریکایی در زمان جنگ، فلان کار را می کرده است، نیست. در شأن ارتش ایران نیست (یکی از نمایندگان - مرقوم داشتید اعضای هیئت) اعضای هیئت را بنده تشریح کردم که ممکن است یک افسر باشد، یک گروه بان متخصص باشد (صادق احمدی - راننده جزء اعضای هیئت است) نه قربان آن جزء این نیست. آن جزء این هیئت در نمی آید. یک دولت، یک ارتش، یک دستگاهی این تشخیص را نمی دهد که راننده اتومبیل جزء این قسمت باشد. این جزء هیئت نیست. این جزء متخصصین آمریکایی در نمی آید (صادق احمدی - بنده اتخاذ سند می کنم).

نایب رئیس - آقای صادق احمدی پیشنهادتان را پس می گیرید؟

صادق احمدی - چون با کمال صراحت آقای نخست وزیر فرمودند راننده جزء هیئت نیست، اتخاذ سند می کنم ولی پیشنهادم را پس نمی گیرم.

نایب رئیس - آقای خواجه نوری مخالف هستند.

خواجه نوری - رأی بگیریید.

نایب رئیس - آقای فولادوند بفرمایید.

فولادوند - جناب آقای نخست وزیر به عنوان مخالف صحبت فرمودند. اجازه بدهید، بنده به عنوان موافق صحبت کنم. معمولاً نیاستی آخر جلسه صحبت کرد.

زهتاب فرد - فرمودند آمریکایی سیاه. یک توضیحی بفرمایید، چون در قانون اسلام و قانون مملکت ما، سیاه و سفید فرقی ندارد.

نخست وزیر - متشکرم، بنده خواهش می کنم در صورت جلسه اصلاح بشود.

فولادوند - عرض شود حضور مبارکتان برخلاف میل آن آقای روزنامه نگاری که گفته است

فولادوند زیاد شعر می گوید، بنده باز می گویم.

آن دل که پریشان شود از ناله بلبل در دامنش آویز که در وی اثری هست

چطور می شود انسان بیانات آقای زهتاب فرد و آقای صادق احمدی را بشنود و چیزی نگویید و

بگویند به من چه، بنده به شخصه متأثر شدم و تقدیر می‌کنم و تحسین می‌کنم و پیرو هستم. اینجا هم حکومت اکثریت است و حکومت عدد است. ما تبریک می‌گوییم به جناب آقای منصور که رئیس دولت اکثریت هستند. وظیفه ما گفتن است (یک نفر از نمایندگان - اگر صحیح باشد قبول می‌کنم) خداوند به شما این توفیق را همواره عنایت فرماید. عرض می‌شود به عقیده بنده یک قانونی که می‌بینم دلیل ماهیتش و کیفیتش اینقدر در مجلس شورای ملی ایران مورد بحث قرار گرفته که وکلا، نه تنها نگران هستند که ساعت چهار است بلکه مفتخر می‌شوند برای خدمت به وطن و به دوستان خودمان که تا ۴ بعد از نصف شب بنشینیم. جناب آقای صادق احمدی فرمودند آقای دکتر خطیبی تا حالا نشسته‌اند. اگر آقای مهندس ریاضی بود که یک دور ساعت دیگر هم می‌گشت و نشسته بودند (صادق احمدی - اقلان ایشان دستور می‌دادند یک نهار هم به ما بدهند) خوب فرمودند که قانون شما را از نهار منع کرده، خیلی ممنون باشید. بالاخره برگردیم به مطلب و آن این است که موضوعی که اینجا از لحاظ منطق مطرح است، بایستی مورد عنایت مجلس شورای ملی قرار بگیرد و بنده فکر می‌کنم بیشتر ایرادات نمایندگان محترم روی این اصل است که برای یک دولت دوست، یک دولتی که هم ظاهراً و هم قهراً باید با هم دوست باشیم، آیا احتیاج به مصونیت سیاسی هم دارد. سفت کردن یک پیچ الکترونیک و آیا اگر این مصونیت سیاسی نبود، این دستگاه را در عالم دوستی و هم‌عهدی و هم‌پیمانی نباید سفت کرد. این به عقیده بنده صمیمیت دوستان محترم که به اصطلاح ایراد کننده آن فرمایشات هستند و آن بیست سالی که از جنگ گذشته تا حالا دوستان آمریکایی ما در ایران بودند چه به سرشان آمده، غیر از احترام و دوستی و مودت زیادی که یک شوخی آن روز در خدمت جناب آقای مهندس ریاضی عرض کردم و دوستان هم بودند و خندیدند.

نایب رئیس - آقای فولادوند خیلی معذرت می‌خواهم که نطق جنابعالی را قطع می‌کنم، ولی پنج دقیقه بیشتر صحبت ندارید.

فولادوند - اولاً پنج دقیقه نشده، ثانیاً می‌فرمایید که بنده در این مورد مهم صحبت نکنم؟ بسیار خوب مرخص می‌شوم حالا که اجازه نمی‌فرمایید می‌روم و سکوت می‌کنم.

نایب رئیس - بفرمایید صحبت کنید.

فولادوند - اجازه نمی‌دهید.

نایب رئیس - عرض کردم پنج دقیقه بیشتر وقت نداشتید و تمام شد. با این همه تقاضا کردم به اختصار به فرمایشات خود ادامه دهید.

فولادوند - در موارد تخلفات گروهبانه‌های آمریکایی به عقیده بنده دولت ما، دستگاه ما خیلی با رأفت و عطوفت و با در نظر گرفتن روابط بین‌المللی رفتار کرد. زیدی شوخی می‌کرد می‌گفت حالا دولت آمریکا با مقامات آمریکایی این مسئولیت را می‌خواهند سلب کنند و شاید گاهی گروهبانه‌هایشان را تنبیه کنند، برای این حرکتی که در می‌آورند، برای اینکه شما که تنبیه نکردید، از این مطایبه که بگذریم جناب آقای دکتر ضیائی، این مطلب پیش می‌آید که مصونیت سیاسی برای این به عقیده بنده انجام شده است که عده‌ای بتوانند وظایف عالی خطیر و محرمانه سنگین و خطرناک برای دولتشان در کشور دوست یا دشمن انجام بدهند و معمولاً این مزیت را به کسی می‌دهند که تربیتهای متنوعه سیاسی او اکثراً به او اجازه می‌دهد که سوء استفاده از این موهبت و مزیت نکند و

نمی‌کند و بیشتر معنایش این بوده است که بیشتر این مصونیت را به اشخاص سیاسی با تربیتهای عالی می‌دهند که اگر کاری به خلاف مملکتی که در آنجا هستند و کار می‌کنند انجام بدهند و به نفع کشورشان هست، بشود فوراً جلبشان کرد. یک تشریفاتی داشته باشد تا این کار را شروع کنند و همچنین متقابلاً عرض می‌شود که درست است که کشور آمریکا قریب دویست میلیون جمعیت دارد و درست است که ما در حقیقت یک‌دهم آنها بیشتر نیستیم، درست است که ما نمی‌توانیم ۱۵۰۰ نفر یا ۵۰۰۰ نفر اعضای سفارت به عناوین مختلف به آنجا بفرستیم، ولی این دلیل نمی‌شود که تقابل نباشد. ملاحظه می‌فرمایید مثلاً ما نمی‌توانیم البته مطابق پیشنهادی که شد تکلیف برای دولت آمریکا معین کنیم. ما می‌توانیم دولت خودمان را موظف کنیم به موجب یک طرحی که تو هم برو این کار را بکن، ولی واقعاً بسیار شایسته است از دولت جناب آقای منصور استدعا می‌کنم شما هم اقدام بفرمایید که برای ما هم کنگره و سنای آمریکا یک چنین وضعی قائل بشوند و یا رأی بدهند من که خیلی خوشحال می‌شوم (یک نفر از نمایندگان - ما آنجا کسی را نداریم) بنده وقتی که صحبت می‌فرمایید ناچارم گوشزد کنم که نمی‌توانند. ما زیر سایه شاهمان باید صحبتمان را در مجلس آزاد بکنیم. اینکه فرمودند، برخلاف تصور صحیح فرمودند. این مرد شجاع، وطن پرست آزاد، کرد اصیل، گروهبان، ستوان یا افسر به دلیل اینکه خود دولتش او را افسر کرده، او را گروهبان کرده یک تفاوتی دارد. کار گروهبان که به او می‌گویند افسر غیررسمی چه این سنگین تر است و ما دیده‌ایم. در عمل بایستی جزئیات را در مجلسها بگویند.

نایب رئیس - آقای فولادوند تقاضا می‌کنم اگر مطالب بیشتری دارید در کلیات، آخر صحبت بفرمایید که برخلاف نظامنامه رفتاری نشده باشد.

فولادوند - برخلاف نظامنامه مثل اینکه رفتار شد. تقاضا نفرمایید، بنده می‌روم.

نایب رئیس - پس به رأی مجلس می‌گذاریم.

فولادوند - بگذارید.

نایب رئیس - خانمها و آقایانی که موافقند آقای فولادوند تا ده دقیقه دیگر صحبتشان را ادامه بدهند، قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) متأسفانه تصویب نشد.

مهندس بهبودی - احترام به اقلیت همین است؟

نایب رئیس - پیشنهاد آقای صادق احمدی مطرح است. پیشنهاد مشابهی هم آقای عبدالحسین طباطبائی داده‌اند که نظیر پیشنهاد آقای احمدی است، قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

بنا به قول جناب آقای نخست وزیر، پیشنهاد می‌شود تصریح گردد مستشاران نظامی که از مصونیت موضوع قرارداد وین استفاده می‌نمایند، منحصر به رئیس و افسران مستشاری نظامی آمریکا باشد. عبدالحسین طباطبائی

نایب رئیس - همین را به یک صورت دیگری آقای صادق احمدی پیشنهاد کرده‌اند این است که به یک پیشنهاد رأی می‌گیریم.

صادق احمدی - پیشنهاد ایشان گفته است افسر، جناب آقای نخست وزیر فرمودند غیر از افسر، درجه‌داران متخصص هم هست. بنده عرض کردم درجه‌داران از شمول تبصره خارج بشوند.

عبدالحسین طباطبائی - پیشنهاد بنده لازم است اگر پیشنهاد جنابعالی رد بشود.
نایب رئیس - به پیشنهاد جناب آقای صادق احمدی که یک بار دیگر قرائت می شود، رأی می گیریم.

(پیشنهاد به شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نماید درجه داران هیئت مستشاری از شمول این ماده مستثنی بشوند - احمدی.
نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای احمدی خانها و آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد دیگری قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود.
«مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول پیش نیاورد» رامبد.
نایب رئیس - آقای رامبد.

رامبد - هر وقت جناب آقای نخست وزیر صحبت می فرمایند، من معتقد می شوم که باید دولت را کمک کرد تا کارهای مملکتی را پیش ببرد و هر وقت بنده به سهم خودم می خواهم دستشان را باز کنم که وظایف مملکتی را انجام بدهند، می ترسم خدای نکرده سوء تفاهمی پیش بیاید. این پیشنهادی که بنده کردم. اجازه می خواهم یک بار دیگر بخوانم. شما وقتی منزل تشریف بردید یک بار دیگر ماده ۲۹ و ۳۵ و عواقب آن را بخوانید (یک نفر از نمایندگان - به استثنای ماده ۳۲) در این مواد هیچ گونه پیش بینی نشده اگر بر اثر اعطاء این مصونیتها پیش آمدی کرد، جرمی واقع شد که از نقطه نظر دولت خارجی ثالثی، دولت ایران در بن بست قرار گرفت، چه خواهد کرد. خواهد گفت من از خودم سلب مسئولیت می کنم به این جهت (یک نفر از نمایندگان - چنین وضعی پیش نمی آید) اگر پیش نمی آید که شکر خداوند که هیچ وقت این مورد استفاده قرار نمی گیرد. اگر پیش آمد لاقول دولت ایران و جناب آقای منصور نخست وزیر دستهایش باز است و به دوستان عزیز ما می گوید که دیگر برای خاطر شما تا قعر چاه حاضر نیستم بروم. چه خوب گفت: مکن کاری که بر پا سنگت آید، جهان با این فراخی تنگت آید - چو فردا نامه خوانان نامه خوانند، تو نام خود ببینی ننگت آید.

نایب رئیس - نسبت به پیشنهاد آقای رامبد نظری نیست؟

خواجه نوری - پیشنهاد را نفهمیدیم.

نایب رئیس - یک بار دیگر قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نماید جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود. «مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول متحابه پیش نیاورد.» - رامبد.

نایب رئیس - آقای نخست وزیر توضیحی دارید؟ بفرمایید.

نخست وزیر - برای مناظره پارلمانی، مشاوره، بحث، نطق بیان و خاصه عرضه معلومات، اطلاعات، وطن پرستی و درجه احساسات، امروز یکی از روزهای بسیار برجسته بود، ولی وقتی نسبت به مسائل اساسی مملکت و مسائل کلی مملکت قضاوت می کنیم، در ضمن توجه به فرمایشات آقایان کار مملکت هم باید بگذرد، کار مملکت هم باید اجرا بشود. بنده این مطلبی را که جناب آقای

رامبد فرمودند و پیشنهادی که کردند، بنده اصلاً نمی‌دانم چه ارتباطی به این مسئله دارد برای اینکه ما به هیچ وجه من‌الوجه کاری که احتمالاً خدشه‌ای به روابط، یا سایر دول یزند نه در این مورد نه در سایر موارد نباید بکنیم و نمی‌کنیم و این گفتنش در قانون همان توهمی را به وجود می‌آورد، که جنابعالی از آن نگران هستید. به نظر بنده کاری که شما می‌کنید و ما می‌کنیم نه ننگ است و نه عار بلکه عین حقیقت است و خدمت به مملکت است. مسائل مملکتی را باید از دریچه چشم حقیقت‌بینی نگاه کرد.

نایب رئیس - آقای سرتیپ‌پور.

سرتیپ‌پور - هر قدر افق دید دورتر باشد ما می‌توانیم آرامتر با وجدان راحتتر به مسائل نگاه کنیم. جناب آقای منصور باید بدانند که هیچ عقیده شخص بنده راجع به فرد فرد وزرای کابینه نسبت به مطالبی که در گذشته گفته‌ام، عوض نشده است. بنده به آقایان احترام دارم. احترام شما جزئی از احترام من است و احترام من جزئی از احترام شما است، ولی از همه بیشتر وطن را دوست می‌دارم، جامعه‌ام را دوست می‌دارم، بیرقم را دوست می‌دارم و دوست می‌دارم که هیچ قدرتی نتواند بهانه‌ای پیدا بکند که احیاناً به گوشه‌ای از احترام و حرمت ملت من نگاه چپ بکند (احسنت) این را باید بدانیم، مشکلترین کار برای استیلا بر یک مملکت، اول پیدا کردن بهانه است. بعد از اینکه توانست یک جهان‌گشا بهانه به وجود بیاورد، بقیه را به حکم «حکم با غالب است» حل می‌کند. حساب بفرمایید من حالا کاری ندارم که با تصویب این لایحه به قدرت قضائی مملکت من دهن کجی می‌شود، وای بسا که من وقتی که اعتراف بکنم که قدرت قضائی من شایستگی ندارد، از این اقدام دیگران هم بخواهند، استفاده بکنند. من به این کاری ندارم ولی فکر می‌کنم اگر واقعاً مستشار نظامی خواه درجه بالا، خواه درجه پایین می‌تواند مجرم باشد، یعنی از او ساخته است یا مجاز هست یا پیش می‌آید بر حسب اتفاق جرمی بکند. این جرم را ممکن است نسبت به آحاد افراد مملکت بکنند که خواه تبعه داخله باشند یا تبعه خارجه، خواهش می‌کنم دقت بفرمایید باور بفرمایید اینجا موضوع مناظره در بین نیست. دید یک کمی دورتر است (احسنت) خوب این جیب سوار امروز ممکن است یک هموطن مرا زیر بگیرد، می‌گویم آقا باید طبق لایحه برود جای دیگر رسیدگی بشود و آن را بنده نمی‌دانم که آنها تعهد رسیدگی به جرم کرده‌اند یا نکرده‌اند (یک نفر از نمایندگان - اجباری نیست) آمدیم یک وقت یکی از اتباع خارجه یکی از مسئولین خارجه مقیم ایران را زیر گرفت، آنها در پناه کی هستند، در این مملکت در پناه قانون من هستند، از چه کسی مطالبه می‌کند مجرم را؟ از من مطالبه می‌کند. من چه می‌توانم بگویم به آن سفیری که یکی از اتباعش، یکی از مسئولینش در مملکت من در قلمرو قضائی من توهین دیده یا جرحی دیده یا قتلی پیش آمده است، روی چیزی که مسئولیتش به عهده من نیست؟ خوب اگر آمدیم و گفتیم به اعتبار فلان تصویب نامه یا لایحه قانونی به عهده من نیست آیا من به او مجال نداده‌ام مشکلترین کار را که همان پیدا کردن بهانه است به رخ من بکشد و ملت مرا در فشار بگذارد و مصائبی به وجود بیاورد و مشکلاتی را به وجود بیاورد که آن وقت من و سایر خانمها و آقایان و دولت و سایر صاحب نظران دلتنگ شویم، البته دلتنگ می‌شویم. تمام این مسائل به نظر بنده و جناب آقای دکتر ناصر یگانه اگر حل بشود اگر برای همین مشکلی که دولت و پارلمان گیر کرده است راه حل شرافتمندانه و آبرومندانه‌ای پیدا بشود به صورتی که همه نگرانیهای محتمل موقوف بشود، ای بسا که

ما بتوانیم با وجدان آرام نسبت به آینده و حال خودمان قضاوت کنیم اگر نه این مشکلات را در نظر بگیریم چون اینجا تنها وطن ما نیست، ملت هم تنها ملت من نیست. وطن همه آقایان است و زمانه هم دامنش میخکوب نشده است. نه دشمنیها پایدار است نه دوستیها پایدار است. ای بسا حيله‌ای باعث بشود در برهه‌ای از زمان در دامن ما آتش اندازند، خودتان می‌دانید (احسنت).

نایب رئیس - پیشنهاد آقای رامبد یک بار دیگر قرائت می‌شود و بعد رأی می‌گیریم.

(به شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می‌نمایند جمله زیر به انتهای ماده واحده اضافه شود «مادام که اجرای این قانون تأثیر سوئی در روابط ایران و سایر دول متحابه پیش نیاورد.» - رامبد
نایب رئیس - رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای رامبد خانمها و آقایانی که موافقت خواهش می‌کنم قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رد شد. پیشنهاد آقای دکتر مبین قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد می‌شود عبارت (به استثنای مصونیت‌های مندرجه در ماده ۳۲ قرارداد وین) بعد از کلمه معافیت‌هایی اضافه شود. دکتر مبین
نایب رئیس - آقای دکتر مبین.

دکتر مبین - اینجا گفته شد که این لایحه وقتی که از مجلس سنا آمده ماده ۳۲ افتاده است.

نایب رئیس - مربوط به این لایحه که مطرح است، نیست.

دکتر مبین - مقام ریاست اعلام فرمودند که تصمیمی که مجلس گرفت، به اضافه ماده ۳۲ است. بنابراین در لایحه تغییری نمی‌دهد پس آن را نمی‌توانند به دولت ابلاغ بکنند. باید برگردد به سنا که راجع به ماده ۳۲ تصمیم بگیرند. اما راجع به این مطلبی که بنده عرض کردم چون ماده ۳۲ در قرارداد اصلی نبوده، ما نمی‌توانیم اشخاصی را که شامل مصونیت‌های (دکتر پارسای - رأی مجلس در ماده واحده است) (خواجه نوری - ماده ۳۲ را ملاحظه بفرمایید از مستثنیات است) ماده ۳۲ هر چه هست، من نمی‌گویم چیزی نیست فرض کنیم چیزی نیست ما طبق آئین نامه ۲۴ ساعت قبل از هر چیز که می‌بایست در مجلس مطرح بشود باید اطلاع پیدا کنیم که از ماده ۳۲ کوچکترین اطلاعی نداشتیم و نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم (خواجه نوری - به این طرح ارتباط ندارد).

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مبین مطرح است نظری نیست؟ (عده‌ای از نمایندگان - رأی بگیرید، رأی بگیرید).

نایب رئیس - برای رأی، اکثریت نیست (با ورود چند نفر اکثریت حاصل شد) رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای دکتر مبین، خانمها و آقایانی که موافقت خواهش می‌کنم قیام فرمایند (معدودی برخاستند) رد شد. پیشنهاد دیگر قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد)

بنا به قول جناب آقای نخست وزیر پیشنهاد می‌شود:

تصریح گردد مستشاران نظامی که از مصونیت موضوع قرارداد وین استفاده می‌نمایند منحصر به رئیس و افسران مستشاری نظامی آمریکا باشد. عبدالحسین طباطبائی.

نایب رئیس - این پیشنهاد جنابعالی نظیرش را جناب آقای صادق احمدی پیشنهاد کرده بودند و تصویب نشد اگر حالا توضیحی دارید بفرمایید.

عبدالحسین طباطبائی - پیشنهاد آقای صادق احمدی این بود که گروهبان، آن عده از نظامیهای آمریکایی که در درجات پایین قرار دارند از این مصونیت خارج باشند. آقای نخست وزیر مثل اینکه این را قبول کردند و فرمودند که مقصود آن کادر بالا است. در وضع این لایحه تغییری نمی دهد، اگر قبول دارید بنده اینجا عین فرمایش جنابعالی را در این پیشنهاد آورده ام.

نخست وزیر - بنده عرض کردم که این را نمی شود از هم تفکیک کرد. افسر و سیویل و درجه دار، اینها به عنوان تکنیسین است نه به عنوان یک گروهبان. اگر راننده باشد و در خدمت ارتش هم وارد نخواهد شد و این تکنیسین اگر درجه دار باشد، ما نمی توانیم استثناء کنیم. بنده این را عرض کردم.

عبدالحسین طباطبائی - درجه دار نوعاً در زبان ما به گروهبان و سرجوخه و استوارها گفته می شود. اگر اینها را بخواهیم مستثنی بدانیم بنا به گفته خودتان، در کلمات این لایحه باید تغییراتی داده شود تا این نقض حقوقی به وجود نیاید.

نخست وزیر - یک تکنیسین ممکن است گروهبان باشد، ممکن است برای یک کاری احتیاج به یک گروهبان باشد، یعنی او تخصص دارد، ولی گروهبان هم هست پس این را نمی توانیم، مستثنی بکنیم.

طباطبائی - این مغایر است. به هر حال اگر قبول فرمودید این مستثنی است، یک تغییری در لایحه بدهید که وضعیت حقوقی آن تأمین بشود، این عرض بنده بود (نمایندگان - رأی، رأی، رأی) می گیرند، باز هم رد می شود.

نایب رئیس - به پیشنهاد خودتان باقی هستید؟

عبدالحسین طباطبائی - بله

نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای طباطبائی خانها و آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمتری برخاستند) رد شد. چون پیشنهاد دیگری نیست کلیات آخر لایحه مطرح است، نظری هست؟ (اظهاری نشد) در این صورت پیشنهادی شده است از طرف پنج نفر آقایان که قرائت می شود. (به شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم مجلس شورای ملی

در مورد لایحه مورد بحث پیشنهاد می نماید با ورقه رأی گرفته شود.

سرتیپ پور - رامبد - صفی پور - پاینده - احمدی - باقر بوشهری.

نایب رئیس - عده ای تقاضا کرده اند که نسبت به این لایحه رأی مخفی با مهره گرفته شود و این پیشنهاد مقدم است پیشنهاد قرائت می شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

طبق ماده ۱۴۸ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی تقاضا دارد در لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیت های قرارداد وین، اخذ رأی مخفی با مهره انجام گیرد. عبدالحسین طباطبائی - ملکشاہ ظفر - سرهنگ حسینی - ایلخان - بالاخانلو - جاوید -

دکتر اسدی - دکتر رضانی - موقر - امام مردوخ - سرتیپ پور - نیری - مهندس بهبودی - پاینده - معتمدی - زهتاب فرد - رامبد.

نایب رئیس - به این ترتیب سه نفر انتخاب می‌شوند برای نظارت.

دکتر مهندس بهبودی - استدعا می‌کنم مقرر بفرمایید یکی از آقایان منشی‌ها ماده مخصوص مربوط به رأی مخفی ترتیب اخذ رأی با مهره را قرائت بفرمایند.
نایب رئیس - ماده ۱۴۹ آئین نامه قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت گردید)

ماده ۱۴۹ - اخذ رأی مخفی به ترتیبی است که در باب اخذ رأی علنی با ورقه ذکر شده، منتهی در این مورد بدو سه نفر برای نظارت در اخذ و استخراج آراء به قرعه معین می‌شوند که با دو نفر از منشیان (به تشخیص رئیس) انجام وظیفه نمایند در صورتی که رأی مخفی با ورقه باشد اوراق رأی را در ظرف مخصوص و مهره تفتیشیه را در ظرف دیگر می‌اندازند و در صورتی که با مهره باشد، مهره‌های سفید و سیاه، داد می‌شود که مهره سفید علامت قبول و مهره سیاه علامت رد است.

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمایید ابتدا سه نفر به قید قرعه انتخاب می‌شوند برای نظارت. (اقتراع به عمل آمد در نتیجه آقایان دکتر صالحی و مهندس اسدی سمیع و مهندس صائبی تعیین شدند).

نایب رئیس - آقایان: دکتر صالحی و مهندس عباس اسدی سمیع و مهندس حسن صائبی به قید قرعه برای نظارت در اخذ و استخراج آراء انتخاب شدند و آقایان دکتر مهذب، مهندس معینی از طرف هیئت رئیسه شرکت دارند. آقایان توجه فرمودند که ترتیب اخذ رأی این طور است که به هر یک از آقایان یک مهره سفید و یک مهره سیاه داده شده است. مهره سفید علامت موافق است و آن مهره سیاه علامت مخالف. در آن کیسه‌ای که در آنجا نزدیک تریبون است رأی‌تان را بیاندازید. یعنی اگر موافقید مهره سفیدتان را در آن کیسه می‌اندازید و اگر مخالفید مهره سیاه را و بعد یک مهره تفتیشیه بگیرید و آن را در محل هیئت رئیسه در گلدان می‌اندازید و مهره دیگر را در کیسه چرمی که روی میز منشی است بیاندازید.

رامبد - بنده نمی‌دانم درست فرمایشاتتان را درک کرده‌ام یا خیر؟ فرمودید به هر یک از آقایان دو مهره سفید و سیاه داده می‌شود. مهره سفید علامت موافق و مهره سیاه علامت مخالف. مهره رأی را در کیسه‌ای که روی تریبون است می‌اندازند و مهره دیگر را در کیسه‌ای که روی میز منشی است؟ آیا ترتیب رأی همین طور است که من فهمیدم؟

نایب رئیس - همین طور است و به همین ترتیب عمل می‌شود. آقای دکتر رشتی.

دکتر رشتی - اگر بعد از شمردن مهره‌هایی که در این کیسه است با آن مهره‌هایی که در کیسه‌های دیگر است مطابق نبود، چه می‌شود؟

نایب رئیس - اصل مهره‌هایی است که در کیسه اصلی که روی تریبون است ریخته شود و برای کنترل عده، مهره تفتیشیه کافی است. آقای مهندس بهبودی.

دکتر مهندس بهبودی - اگر در بین راه یا موقع انداختن رأی مهره کسی را ببینند بفرمایند آن رأی مخدوش است.

نایب رئیس - رأی باید کاملاً مخفی باشد اگر کسی مهره‌های خود را نشان بدهد، آن رأی مخدوش

است.

(اسامی نمایندگان به ترتیب آتی به وسیله منشی اعلام و در محل نطق اخذ رأی به عمل آمد).

دکتر کلالی - مهندس جلالی نوری - مجد - خواجه نوری - دکتر شفیع امین - دکتر مصباح زاده - موقر بوشهری - معتمدی - مرتضوی - دکتر خطیبی - موسوی ماکوئی - دکتر جعفری - روستا - اوزار - مصطفوی نائینی - دکتر مهندس بهبودی - دکتر امامی خوئی - دکتر مبین - دکتر ضیائی - رضوی - بانو ابتهاج سمیعی - بانو دکتر دولتشاهی - بانو دکتر پارسای - بانو جهانبانی - بانو تربیت - قراچورلو - امیر احمدی - صائبی - باغمیشه - حق شناس - صائب - سیفی - دکتر پورهاشمی - دکتر اسفندیاری - بانو نفیسی - دکتر بقائی یزدی - پاینده - دکتر قراگزلو - بختیار بختیارپها - ظفر - دکتر اعتمادی - آقاپان: فیصلی - مهندس عطائی - موسوی - دکتر سعید - دکتر رهنوردی - مهندس معینی - کنگرلو - دکتر وحیدنیا - نیری - ریگی - دکتر کیان - مهندس ارفع - پروین - شاخوئی - البرزی - محدث زاده - لقوطی - محسنی مهر - پاک ذات - غلام نیاکان - هیراد - دکتر صاحب قلم - ویلیام ابراهیمی - ذبیحی - سلطان احمدی - حاجی باغلو - آقامیر ارسنجانی - رامبد - کورس - کشفی - دکتر غنی - فولادوند - نصیری - آموزگار - پورادبی - نوربخش - بهادری - قاسم مرادی - جهانگیری - تبریزی - فهیمی - یعقوب تهرانی - اهری - زهتاب فرد - دکتر حکیم شوشتری - کیوان - دکتر رضانی - مهدی ریاحی - کسرائی - مهندس کمانگر - سعید وزیری - مهندس کمانگر - سعید وزیری - احتشامی - مهندس جلالی - دکتر عدل - مهندس اسدی سمیع - مهندس زرآور - مهندس زنجانچی - دکتر نجیمی - پزند - ضابطی طرقی - شفیع پور کرمانی - مبارکی - ساگینیان - طهماسبی - امام مردوخ - مافی - مهندس برومند - مهندس صائبی - دکتر یزدان پناه - روحانی - دکتر حاتم - توسلی - دکتر فربود - پزشکی - دکتر عدل طباطبائی - دکتر رضوانی - دکتر معتمد وزیری - دکتر رشتی - شیخ الاسلامی - میرهادی - اقبالی - سرتیپ پور - امینی خراجی - حسینی - حاذقی - پرویزی - ملک زاده آملی - میرافضل - بالاخانلو - بدر صالحیان - جهانشاهی - حبیبی - قلعه جوقی - علی مرادی - حکمت یزدی - اولیاء - مهندس کیا - رهبر - کلانتر هرمزی - طالب زاده رودسری - مهندس انصاری - دکتر زعفرانلو - دکتر مدنی - مهندس بهبودی - دکتر مهدی زاده - مهندس عدلی - مهندس مجتهدی - مهندس آصفی - مهندس آراسته - مهندس صدقیانی - مهندس مالک - مهندس معینی زند - دکتر یگانگی - سرتیپ حکیمیان - فخر طباطبائی - دیهیم - سرلشکر نکوزاد - سرلشکر همایونی - دکتر حکمت - ثامنی - مهندس اخوان - زند - مهندس پروشانی - ادیب سمیعی - دکتر سامیراد - کیهان یغمائی - دکتر اسدی - سلیمانی کاشانی - ناروئی - مهرزاد - طباطبائی - رجائی - ایلخان - کمالوند - صفی پور - دکتر صالحی - کبیری - شکبیا - جاوید - دکتر مهذب - صادق احمدی.

(آراء مأخوذه شماره شد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

مهره تفتیشیه ۱۳۶

مهره سفید به علامت موافق ۷۴

مهره سیاه به علامت مخالف ۶۱

نایب رئیس - به این ترتیب از ۱۳۶ رأی لایحه با ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف تصویب شد. به دولت ابلاغ می شود.

۹ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه.
نایب رئیس - جلسه را ختم می‌کنیم، جلسه آینده روز پنجشنبه ۲۳ مهر ماه ساعت نه صبح و دستور جلسه انتخاب هیئت رئیسه مجلس خواهد بود.
(ساعت ۵ بعد از ظهر جلسه ختم شد).
نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر حسین خطیبی.

فصل سوم پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

سند شماره (۱۶) طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
تاریخ: ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۲ مهر ماه ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن تلگرام ارسالی به شماره ۴۰۴
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۳۹۸

مجلس، دیروز کنوانسیون وین و لایحه وضعیت در رابطه با پرسنل نظامی ایالات متحده را با ۷۴ رأی موافق در مقابل ۶۱ رأی مخالف، تصویب کرد. این تفاوت آراء که به طور تأسف باری ناچیز است، به خاطر عواملی به وجود آمد که ذیلاً تحلیل می‌گردد. اما نکته قابل توجه این است که رهبری حزب ایران نوین، کنترل خویش را بر روی تعداد قابل ملاحظه‌ای از هوادارانش، از دست داد. در حال حاضر مجلس ۱۸۸ نماینده دارد که ۱۳۸ تن از آنها اعضای حزب ایران نوین می‌باشند. به نظر می‌رسد، نزدیک به ۵۰ نفر از وکلای حزب ایران نوین غایب بوده‌اند و حدس می‌زنیم که از میان حاضران، دوازده نفر علیه دولت رأی داده باشند. زمانی مخالفت آسانتر شد که مخالفان موفق شدند رأی‌گیری مخفی را اعمال نمایند، امری که بسیار غیر عادی است ولی طبق آیین‌نامه داخلی مجلس چنانچه ۱۵ نفر از وکلا خواستار آن باشند، به اجراء در می‌آید. رشته وقایع و عواملی که در امر رأی‌گیری مؤثر بودند، به قرار زیر می‌باشد:

۱ - نشست روز دوشنبه حزب ایران نوین (رجوع شود به تلگرام هوایی) از قرار معلوم خوب پیش رفت. به طوری که منصور، یگانه و ضیائی تصمیم گرفتند به برنامه سرعت بخشیده و هر دو لایحه را روز سه شنبه برای رأی‌گیری به مجلس ببرند. اطمینان بیش از حد رهبری حزب، از این واقعیت نمودار می‌شود که رهبری حزب اکثریت، تلاش ویژه‌ای برای گردآوری هوادارانش به خرج نداد تا حضور حداکثر آنها را فراهم نماید (مشکل بتوان دریافت که چند نفر از آنها عمداً حضور نیافتند. اما مطمئناً همه وکلای غایب حزب ایران نوین در جای دیگری کار نداشتند). ولی وکلای حزب مردم و وکلای منفرد که اپوزسیون را تشکیل می‌دهند، همگی مخصوصاً حضور داشتند.

۲ - از آغاز بحث، نخست وزیر موضع دفاعی داشت. رابطین مجلس می‌گویند که متانت وی به هنگام قرار گرفتن در معرض حمله مخالفان، تحسین برانگیز بود. منصور ظاهراً فکر می‌کرد که تنها

با «مخالفتی» معمولی که با وجود اکثریت وکلای حزب ایران نوین قابل کنترل است، روبرو خواهد شد. واقعیت این است که تعدادی از هواداران دولت یا با رأی منفی و یا با غیبت عمدی از پشتیبانی آن خودداری کردند. بعد از اعلام نتایج رأی‌گیری، دولت با شوک ناخوشایندی روبرو شد. قبل از رأی‌گیری، ضیائی به ما گفته بود که حزب ایران نوین تنها دو یا سه رأی منفی را انتظار دارد.

۳- دولت اظهارات جامع و مطلوبی درباره مفاد لایحه ایراد نمود و منصور در جریان بحث، تفاسیر مکرری را بیان نمود. نظر به اینکه ممکن است این مباحثات سابقه قانونی مهمی را پی‌ریزی کند، ما به محض دریافت گزارش کامل مباحثات، تحلیل جداگانه‌ای را تسلیم خواهیم کرد. ظاهراً دولت در بیان شمول و وضعیت لایحه، صریح و رک بود و در توضیحاتش از جواب دادن طفره نرفت.

۴- مخالفان یا پیام را دریافت نکرده بودند که شاه خواستار تصویب این لایحه است و یا اینکه به آنها اجازه داده شده بود که به دولت حمله کنند. در هر صورت، نمایندگان حزب مردم و وکلای منفرد از مواضع خود عقب نشستند، به خصوص پس از اینکه مانورهای آیین‌نامه‌ای آنها برای به تعویق انداختن رأی‌گیری، پی‌درپی با اکثریت آراء رد شد. ظاهراً دولت به غلط احساس کرد از آنجایی که مخالفان نمی‌خواهند لایحه به رأی گذاشته شود، مخالفتشان نباید قوی باشد.

۵- عاملی که در این رابطه تأثیر منفی داشت این بود که روزنامه‌های دیروز تصادف اتومبیلی را گزارش کردند که در آن یک کارمند آمریکایی، راننده یک تاکسی را بشدت مجروح کرده بود. بعضی از ناطقین ادعا کردند که لایحه وضعیت، صلاحیت قضائی داخلی در چنین مواردی را از میان می‌برد. در میان فحاشیها شنیده شد که اگر قانون وضعیت تصویب شود، یک درجه‌دار آمریکایی می‌تواند با استفاده از مصونیت، به صورت تیمسار ایرانی سیلی بزند. زهتاب‌فرد و سرتیپ‌پور که هر دو از نمایندگان منفرد هستند، تندترین ناطقین علیه لایحه وضعیت بودند. اما افراد دیگری هم علیه آن صحبت کردند که رامبد، رهبر حزب مردم، هم جزء آنها بود. ۶- به علت سفر «ریاضی»، رئیس مجلس به آمریکا، ریاست جلسه با شفیع امین^۱ بود. او در تاکتیکهای پارلمانی ناشی و در مهار کردن بحثها ناتوان بود. (شریف امامی ۷ رئیس مجلس سنا و استراتژیست دائمی پارلمان، شب گذشته به ما گفت که در وضعیت مشابه، جلسه غیر علنی تشکیل می‌داد و قبل از اینکه بحثها ادامه یافته و ضبط شود، سرو صداها را می‌خوابانید.) ۷- بعضی از ناطقین مخالف، آشکارا مطالب ضد آمریکایی بیان کردند. مقداری از آن مطالب کاملاً مضحک بود (مانند اشاره به اینکه نخست وزیر باید دست‌نشانده آمریکا باشد، زیرا یک وقتی به یکی از کارمندان سفارت آمریکا که گویا «گرداننده دولت» است، منزلی اجاره داده بود). به نظر می‌رسد دولت چنین سخنی را با سکوت کردن، تحمل کرده است. لایحه وضعیت، حامیان باحرارتی نداشت، احساسات، همه در طرف مخالف بود.

در پایان، به نظر ما در حالی که روشن شدن وضعیت پرسنل نظامی ایالات متحده، در پارلمان ایران دلگرم کننده است، ولی نه تنها منصور بلکه تا حدی رژیم شاه هم برای عملی ساختن آن بهای سنگینی پرداخته‌اند.

این بهای سنگین تا حد زیادی به بی‌کفایتی دولت در اداره هر دو مجلس شورا و سنا مربوط می‌شود. اما به حداقل رساندن عکس‌العمل ملی‌گرایان، که تصویب لایحه آنها را به فعالیت انداخته،

۱- لازم به ذکر است که ریاست جلسه با دکتر حسین خطیبی بود نه با شفیع امین م.

بیهوده خواهد بود. چند روزی طول خواهد کشید تا مشخص شود که آیا این عارضه‌ای موقتی است و از بین خواهد رفت - همان‌طور که اینک به نظر می‌رسد - یا اینکه بر روابط ما با ایران تأثیرات دراز مدتی خواهد گذاشت.

سند شماره (۱۷)

از: سفارت آمریکا - تهران، ایران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
تلگرام ارسالی به شماره ۴۰۵
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴

اگر چه پارلمان کار بر روی لایحه وضعیت (کاپیتولاسیون - م) را هم اکنون تکمیل کرده است، اما پس از امضای شاه و ده روز بعد از انتشار رسمی، قابل اجرا خواهد بود. وقتی که این مراحل طی شد، توضیحات مشخص قانونی (که در حال حاضر قول آن داده شده است) از وزارت امور خارجه (ایران - م) گرفته خواهد شد و ترتیبات اداری برای اجتناب از هرگونه ابهامی در مورد وسعت شمول آن، به عمل خواهد آمد. بر این اساس، ما مطمئن هستیم که پرسنل نظامی ایالات متحده که به زودی به ایران می‌آیند، بلافاصله از مزایای کنوانسیون وین بهره‌مند نخواهند شد. مثلاً تخلف همسران مستشارانی که رانندگی اتومبیل‌های شخصی را به عهده دارند، مشمول مصونیت تلقی نخواهد شد.

راکول‌مارتین اف. هرتز - مشاور سیاسی

سند شماره (۱۸)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴
تاریخ: ۱۵ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۳ مهر ۱۳۴۳
تلگرام ارسالی به شماره ۴۱۳
هویدا، وزیر دارایی، به ما خبر داد که نزدیک به ده نفر از نمایندگان حزب ایران نوین، به خاطر رأیشان در روز سه شنبه، از حزب اخراج خواهند شد.
مارتین اف. هرتز - مشاور سیاسی

سند شماره (۱۹)

مکان: وزارت امور خارجه ایران
یادداشت مذاکره شرکت کنندگان: احمد میرفندرسکی - معاون وزارت امور خارجه استوارت دبلیو.
راکول، کاردار سفارت آمریکا

موضوع: کنوانسیون وین

امروز صبح، گفتگوی مفصلی با معاونت وزارت امور خارجه، میرفندرسکی، در رابطه با کنوانسیون وین و تصویب آن در مجلس داشتیم. من صریحاً از او پرسیدم که آیا دولت تصمیم دارد بیانیه‌های

توضیحی صادر کند و یا حتی شواهد و دلایل خودش در مجلس را منتشر سازد تا باعث آرام شدن افکار عمومی گردد و آنهایی که قلباً نگران آثار این اقدام هستند زیرا حقایق مربوطه به آنها گفته نشده، تسکین یابند.

میرفندرسی گفت که تصمیم گرفته شده که بیانیه‌ای منتشر نگردد. او معتقد بود که این کار مسئله‌ای را که دارد آرام می‌گیرد، دوباره مطرح خواهد ساخت و مطالب جدیدی در اختیار مخالفان لایحه و دولت قرار خواهد داد. مخالفت سیاستمداران و نمایندگان با لایحه، نه به خاطر مواد آن بلکه به خاطر فرصتی است که این لایحه برای حمله به آمریکاها و دولت به وجود آورده است، لذا آنها با هیچ بیانیه‌ی توضیحی متقاعد نخواهند شد. اکثر مردم در مورد چنین قضایایی مانند مصونیت خارجیان، با قلبشان می‌اندیشند نه با مغزشان و با هیچ بیانیه‌ی رسمی هم متقاعد نخواهند شد. به علاوه با گذشت زمان، بسیاری از مردم موضوع را فراموش خواهند کرد.

میرفندرسی اضافه کرد که این قضیه، تجربه‌ی تلخی بود. اگر او در مراحل اولیه می‌توانست به این مسئله رسیدگی کند، با تقدیم آن به مجلس بشدت مخالفت می‌کرد. ولی متأسفانه این کار انجام شده بود. او به سردی گفت که شاید اوضاع آن چنان هم که به نظر می‌رسد، تیره نباشد. لایحه تصویب شده است؛ آنهایی که نمی‌خواهند مجلس فقط یک به مهره پلاستیکی باشد، راضی شده‌اند؛ آنهایی که به حکومت اکثریت معتقدند، آن را ثابت کرده‌اند و آنهایی که در آرزوی حمله به دولت هستند، قادر به انجام این کار شدند.

وقتی گفتیم که ما علاقه‌مندیم هر چه زودتر برای روشن ساختن جزئیات مربوط به لایحه وضعیت، مذاکره را آغاز کنیم، میرفندرسی قویاً اظهار داشت که ما به هیچ وجه حرکت دیگری نخواهیم کرد تا وقتی که آتش خاموش شود. او گفت افرادی وجود دارند که ضد آمریکایی می‌باشند و مایلند تا به ما آسیب برسانند و در همه جا، جاسوسانی دارند (من فکر می‌کنم مفهوم آن این است که در خود وزارت خارجه). اگر هم اکنون مذاکرات رسمی را از سر بگیریم، دشمنان ما از فرصت استفاده کرده و دوباره آتش را شعله‌ور می‌کنند.

وقتی که مبادله یادداشتهای متذکر شدم، میرفندرسی گفت که با توجه به دستکاری سنا در لایحه وزارت خارجه، یادداشتهای مبادله شده از کنوانسیون وین تفکیک گردیده، و موضوعی که آنها با آن سر و کار دارند، خودش به یک قانون مبدل شده است. این قانون اکنون یک سند حکومتی است، نه یادداشتهای مبادله شده. این قانون روشن می‌کند که امتیازات کنوانسیون وین، رئیس هیئت مستشاری نظامی و افراد زیردست او را در بر می‌گیرد. در این قانون هیچ اشاره خاصی به بستگان، وجود ندارد و میرفندرسی در مجلس نگفته است که وزارت خارجه مصونیت را شامل بستگان هم می‌داند. تبصره‌ی خاصی که بستگان را از مصونیت محروم می‌کرد، رد شد و او صلاح دیده بود که مسئله را در همان جا رها کند. با وجود این او مطمئن ساخت که یک «موافقت بی سر و صدا» میان ما وجود دارد که مصونیت، بستگان را نیز در بر می‌گیرد و اگر فردی از بستگان دچار وضعیتی شود که به اتهام جنایی ختم گردد، وزارت خارجه وارد عمل خواهد شد تا آن شخص به خاطر آن اتهام تحت تعقیب قرار نگیرد.

اس. دبلیو. راکول
گروه ۳ - در فاصله ۱۲ سال طبقه‌بندی کاهش داده شود - به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

رژیم شاه که به خوبی می‌دانست بازتاب عمومی این لایحه ننگین تا چه حد خطرناک خواهد بود، سانسور شدیدی بر رسانه‌های گروهی حاکم کرد تا هیچ‌گونه خبری در مورد لایحه کاپیتولاسیون به بیرون درز نکند.

جولی چند روزی از تصویب این لایحه خیانت‌بار نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورای ملی که متن کامل سخنرانیها و مذاکرات نمایندگان و نخست وزیر وقت را در برداشت، به دست امام خمینی (ره) رسید. ایشان با مطالعه دقیق آن دریافت که رژیم شاه بار دیگر خیانت بزرگی را مرتکب شده است. این مسئله بشدت ایشان را آشفته و منقلب کرد به صورتی که کمتر می‌توانستند خواب یا استراحت داشته باشند و مدام خشم و ناراحتی شدید وجود ایشان را در برگرفته بود. دگرگونی و حالت غیر عادی در ایشان به تدریج بر سر زبانها افتاد و همگان جویای علت این خشم و ناراحتی بودند.

امام خمینی (ره) به منظور افشای این خیانت تصمیم گرفتند که طی ایراد نطقی حاد، این رسوایی رژیم شاه را به اطلاع عموم برسانند. قبل از هر چیز ایشان برای آگاه ساختن علماء و روحانیون مرکز و شهرستانها، پیکه‌هایی همراه با نامه به اطراف و اکناف کشور روانه نمودند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشستند. به تدریج تعداد کثیری از مردم ایران وارد قم شدند، تا خود شاهد این سخنرانی باشند.

رژیم شاه که از برنامه سخنرانی حضرت امام (ره) اطلاع پیدا کرده بود، برای جلوگیری از این سخنرانی، نماینده‌ای به قم اعزام داشت. این فرد هر چه کرد نتوانست به دیدار امام نائل گردد، ولی در دیدار با فرزند امام، حاج آقا مصطفی خمینی این پیام را برای امام فرستاد:

«... آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت می‌کند و پول می‌ریزد و از نظر قدرت در موقعیتی است که هرگونه حمله به آن به مراتب خطرناکتر از حمله به شخص اول مملکت است! آیت‌الله خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی ایراد کنند باید خیلی مواظب باشند که با دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس‌العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد. دیگر هر چه بگویند - حتی حمله به شاه - چندان مهم نیست».

این تهدیدات کوچکترین اثری در عزم راسخ امام (ره) نداشت و ایشان در روز ۴ آبان ۱۳۴۳ که مصادف با روز ولادت شاه خائن بود، در منزل خود سخنرانی بسیار آتشین، کوبنده و افشاگرانه‌ای به عمل آورد و مردم ایران را از جزئیات این خیانت رژیم شاه مطلع ساخت.*

بیانات امام خمینی (ره) در مورد لایحه اسارت‌بار احیای کاپیتولاسیون

تاریخ: ۱۳۴۳/۸/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

پایمالی استقلال و عظمت ایران با احیای کاپیتولاسیون

انا لله و انا الیه راجعون من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است، این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده، (گریه حصار) ناراحت هستم، قلبم در فشار

*- برای اطلاع از جزئیات وقایع قبل و بعد از سخنرانی حضرت امام (ره) رجوع شود به کتاب (بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی)، نوشته سید حمید روحانی زبارتی - جلد اول - صفحات ۷۰۶ تا ۷۴۸

است، با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید، (گریه شدید حضار) ایران دیگر عید ندارد، (گریه حضار) عید ایران را عزا کرده‌اند، (گریه حضار) عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم، می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سر خانه‌ها بزنند، چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

قانونی در مجلس بردند در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان با کارمندهای فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هرکس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند؛ اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید بروید آمریکا! آنجا در آمریکا، اربابها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب نامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چه وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان درنیامد. در این چند روز این تصویب‌نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد.

ملت ایران را از سگهای آمریکا پست‌تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند، اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود (لابد این جور است) بعد از سه چهار روز وام دویست میلیون، دویست میلیون دلاری تقاضا کردند، دولت تصویب کرد که در ظرف پنج سال مبلغ مزبور را به دولت ایران بدهند و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون بگیرند، می‌فهمید یعنی چه؟ دویست میلیون دلار، هر دلاری ۸ تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون، آن طور که حساب کردند ۳۰۰ میلیون دلار از ایران بگیرند، یعنی ۱۰۰ میلیون دلار یعنی ۸۰۰ میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند. معذالک ایران خودش را فروخت برای این دلارها، ایران، استقلال ما را فروخت، ما را جزء دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست‌تر از وحشها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام ۲۰۰ میلیون که ۳۰۰ میلیون دلار پس بدهند. ما با این مصیبت چه بکنیم؟ روحانیون با این مطالب چه بکنند؟ به کجا پناه ببرند؟ عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند؟

کاپیتولاسیون مخالف رأی ملت است

سایر ممالک خیال می‌کنند که ملت ایران است، این ملت ایران است که این قدر خودش را پست کرده است، نمی‌دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی

به ملت ندارد، این مجلس سرنیزه است، این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد، ملت ایران به اینها رأی ندادند، علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را، ملت تبعیت کرد از اینها، رأی نداد، لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

نفوذ روحانی مضر به حال دشمنان ملت است نه خود ملت

در یکی از کتابهای تاریخی که امسال به طبع رسیده است و به بچه‌های ما تعلیم می‌شود، این است که بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین طور است، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد، اسیر آمریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد، نمی‌گذارد که اسرائیل قیضه کند اقتصاد ایران را، نمی‌گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اینها سر خود یک هم چنین قرضه بزرگی را به گردن ملت بگذارند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این هرج و مرجی که در بیت‌المال هست، بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که هر دولتی هر کاری می‌خواهد انجام بدهد ولو صد در صد بر ضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که مجلس به این صورت مبتذل درآید. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فضاحت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتی بگیرند، چنان که در شیراز شده است. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوان‌ها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که زنها را در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زنها ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می‌زند، توی دهن این مجلس می‌زند و وکلا را از مجلس بیرون می‌کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی‌تواند بشود یک عده از وکلا بر سرنوشت یک مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارند یک دست نشانده آمریکایی این غلطها را بکند، بیرونش می‌کنند از ایران، نفوذ ایرانی، نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؟ نخیر مضر به حال شماست، مضر به حال شما خائنهاست نه مضر به حال ملت. شما دیدید با نفوذ روحانی نمی‌توانید هر کاری را انجام دهید، هر غلطی را بکنید، می‌خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما گمان کردید که با صحنه‌سازی‌ها می‌توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؟ نمی‌توانید، این خواب باید در مرگ برای شما حاصل شود، نمی‌توانید همچو کاری انجام دهید، روحانیون با هم هستند. من به تمام روحانیون تعظیم می‌کنم، دست تمام روحانیون را می‌بوسم، آن روز اگر دست مراجع را می‌بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم (گریه حضار) من امروز دست بقال را هم می‌بوسم، (گریه شدید حضار).

اعلام خطر به کلیه اقشار ملت

آقا من اعلام خطر می‌کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می‌کنم، ای سیاسیون ایران! من اعلام خطر می‌کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می‌کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر

می‌کنم، ای فضا! ای طلاب! ای مراجع، ای آقایان! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می‌کنم، خطر دار است. معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم، در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود، معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند. از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر ده سال ۱۰۰ میلیون دلار، ۸۰۰ میلیون تومان نفع پول به آمریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید، برای یک همچو کاری؟! نظامیان آمریکایی، مستشاران نظامی آمریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا اگر این مملکت اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عربده می‌کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می‌زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟ اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکاییست پس بگوئید، پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت. چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این مجلس غیر قانونی، این مجلس مجرم، این مجلسی که به فتوای و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است. این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که به ادعا می‌گوید ما، ما، هی ما از انقلاب سفید آمده‌ایم. آقا کو این انقلاب سفید؟! پدر مردم را درآوردند. آقا من معلم، خدا می‌داند که من رنج می‌برم، من معلم از این دهات، من معلم از این شهرستان‌های دور افتاده، از این قم بدبخت، من معلم از گرسنگی خوردن مردم، از وضع زراعت مردم.

سکوت در مقابل ابرقدرت از معاصی کبیره است

آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی قرض بیاورید؟! هی نوکر بشوید!! البته دلار نوکری هم هست، دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید، نوکریش را ما بکنیم. اگر ما زیر اتومبیل رفتیم کسی حق ندارد به آمریکایی‌ها بگوید بالای چشمت ابروست، لکن شماها استفاده‌اش را بکنید، مطلب این طور است، نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشدند و خفه بشویم؟ قران ما را بفروشدند و خفه بشویم؟ والله گناهکار است کسی که داد نزنند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند (گریه شدید حضار).

به داد اسلام برسید

ای سران اسلام! به داد اسلام برسید، ای علمای نجف! به داد اسلام برسید، ای علمای قم! به داد اسلام برسید، رفت اسلام. (گریه شدید حاضرین در مجلس) ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهوری ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! ای شاه! به داد خودت برس، به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟ چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر.

امروز دولت آمریکا منفورترین دولت‌ها در نظر ماست

اما امروز سر و کار ما با این خبیث‌هاست، با آمریکاست. رئیس‌جمهور آمریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما، یک همچین ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بداند این مطلب را، ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

ما را به آمریکا فروختند

برای مستشارها مصونیت می‌گیرید؟ بیچاره وکلا داد زدند آقا از این دوستهای ما بخواهید به ما اینقدر تحمیل نکنند، ما را نفروشید، ما را به صورت مستعمره در نیاورید، کی گوش داد به اینها. از پیمان وین یک ماده را اصلاً ذکر نکرده‌اند، ماده ۳۲ ذکر نشده است، من نمی‌دانم آن ماده چه است، من که نمی‌دانم رئیس مجلس هم نمی‌داند، وکلا هم نمی‌دانند، نمی‌دانند که قبول کردند طرح را، طرح را قبول کردند، طرح را امضاء کردند، تصویب کردند، اما عده‌ای اقرار کردند که ما اصلاً نمی‌دانیم چیست (آنها هم لابد امضاء نکرده باشند) آن عده دیگر بدتر از آنها بودند، یک عده جهالند اینها.

رجال سیاسی ما، صاحب‌منصبهای بزرگ ما، رجال سیاسی ما، یکی بعد از دیگری را کنار می‌گذارند؛ الآن در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطن خواه باشند چیزی نیست، در دست آنها چیزی نیست؛ ارتش هم بداند، یکی‌تان را بعد از دیگری کنار می‌گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشید ما مقدم است؟ یک آشپز آمریکایی بر یک ارتشید ما مقدم شد در ایران؟ دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من بودم استعفا می‌کردم، اگر من نظامی بودم استعفا می‌کردم، من این ننگ را قبول نمی‌کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می‌کردم.

قطع نفوذ روحانی قطع ید رسول‌الله است

باید نفوذ ایرانیها قطع بشود! باید مصونیت برای آشپزهای آمریکایی، برای مکانیکهای آمریکایی، برای اداری آمریکایی، اداری و فنی، مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی، برای خانواده‌هایشان مصونیت باشد، لکن آقای قاضی در حبس باشند؟ آقای اسلامی را با دستبند ببرند این ور و آن ور! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باشند، طرفداران اسلام باید در بندرعباس حبس باشند، برای اینکه طرفدار روحانیت هستند، خودشان یا روحانی‌اند یا طرفدار روحانی. این را در تاریخ ایران دست مردم دادند اینها، سند دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانین بشود! یعنی چه؟ رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول‌الله از این ملت بشود؟! روحانیون خودشان چیزی نیستند که، روحانیون هر چه دارند از رسول‌الله است، باید قطع ید رسول‌الله از این ملت بشود! اینها این را می‌خواهند، این را می‌خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری اینجا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می‌خواهد بکند.

تمام گرفتاریهای ما از آمریکا است

آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزراء هم از آمریکا هستند، همه تعیین آنهاست، اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابل، داد بزنند؟

روحانیت سدی در مقابل مظالم استعمارگران

من الآن حافظه‌ام درست نیست، نمی‌توانم بفهمم مطلب را خوب، الآن در حال انقلاب هستیم، در یک مجلس از مجالس سابق که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهراً بوده است می‌آیم به تهران و تهران را می‌گیریم و دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کند. یکی از مورخین، مورخین آمریکایی می‌نویسد که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت آقایان اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم؟ رد کرد، مجلس به واسطه مخالفت او جرأت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند، روحانی این است که یک روحانی توی مجلس بود، نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابق را، پیشنهاد اولتیماتومش را یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد. امروز هم باید روحانی نباشد، برای همین قطع ید روحانی باید بکنند تا به آمل و آرزوی خودشان برسند، من چه بگویم؟

بر ملت است که فریاد بزنند چرا ما را فروختید

اینقدر انباشته است مطالب، اینقدر مفاسد در این مملکت زیاد است که من با این حال، با این سینه‌ام، با این وضع نمی‌توانم عرضه بکنم. نمی‌توانم مطالب را به آن مقداری که می‌دانم به عرض شما برسانم لکن شما موظفید به رفقای‌تان بگویید، آقایان موظفند ملت را آگاه کنند، علماء موظفند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش به عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم؟

دولت و مجلس، غیر قانونی و خائن به اسلام و ملتند

شما که وکیل ما نیستید، وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت، خود به خود از وکالت بیرون می‌روید، این خیانت به مملکت است. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما، خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد، به قرآن خیانت کرد، وکلای مجلسین خیانت کردند، آنهایی که موافقت کردند با این امر، وکلای مجلس سنا خیانت کردند، این پیرمردها، وکلای مجلس شورا آنهایی که رأی دادند خیانت کردند به این مملکت، آنها وکیل نیستند، دنیا بدانند اینها وکیل ایران نیستند اگر هم بودند من عزلشان کردم، از وکالت معزولند؛ تمام تصویب‌نامه‌هایی که تا حالا نوشته‌اند، تمامش غلط است، از اول مشروطه تا حالا بر حسب نص قانون، قانون اگر قبول دارند به حسب نص

قانون، بر حسب اصل دوم متمم قانون اساسی تا مجتهدین نظارت نکنند در مجلس، قانون هیچی نیست، کدام مجتهد نظارت می‌کند الان؟ اگر پنج تا ملا تو این مجلس بود، اگر یک ملا تو این مجلس بود، تو دهن اینها می‌زد، نمی‌گذاشت این کار بشود. من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند، این حرف را دارم به آنها، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید؟ چرا پا نشدید یقه آن مردک را بگیرید؟ همین من مخالفم و سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگویید؟! مخالفت این است؟ باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس، به هم باید بپزید که نگذرد این مطلب، به صرف اینکه من مخالفم درست می‌شود؟! دیدید که می‌گذرد، پس نگذارید یک همچو مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانون را که در مجلس واقع شد، قانون نمی‌دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم. ما این دولت را دولت نمی‌دانیم، اینها خائنند به مملکت ایران، خائنند. خداوند امور مسلمین را اصلاح کن. خداوند دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا اشخاصی که خیانت می‌کنند به این آب و ملک، خیانت می‌کنند به اسلام، خیانت می‌کنند به قرآن، آنها را نابود کن.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حضرت امام (ره) به ایراد سخنرانی اکتفا نکردند و اعلامیه‌ای روشن و غنی نیز علیه احیای کاپیتولاسیون صادر کردند. این اعلامیه تاریخی به دو گونه مختلف در تهران و اصفهان به چاپ رسید و با شیوه‌ای خاص و بی‌سابقه در سراسر کشور توزیع شد. شیوه پخش و توزیع آن این بود که هر شهر و شهرستانی به چند بخش تقسیم می‌شد و توزیع اعلامیه در هر بخش آن به عهده‌عده‌ای قرار می‌گرفت. پخش‌کنندگان که به طور مساوی اعلامیه‌ای در دست داشتند، در سر ساعت معینی که از پیش مقرر شده بود، هر یک در محیطی که مأموریت پخش در آن را به عهده گرفته بودند دست به توزیع می‌زدند و در زمان بسیار کوتاهی اعلامیه‌ها را پخش کرده و پیش از آنکه شناخته و یا دستگیر شوند، می‌گریختند. بیش از ۴۰ هزار عدد از این اعلامیه فقط در تهران در زمانی کمتر از ده دقیقه پخش شد. توزیع‌کنندگان که ۵۰۰ نفر بودند، هر یک با ۸۰ عدد اعلامیه در رأس ساعت معینی از شب دست به توزیع زدند و حوزه پخش که از نارمک و تهران‌نو تا شهر ری گسترش داشت، یکساره در ظرف چند دقیقه از اعلامیه امام (ره) پوشانده شد، بدون آنکه حتی یک نفر دستگیر شود و علیرغم پیشگیری و تدارک امنیتی از طرف «ساواک» ملت مسلمان ایران اعلامیه حضرت امام (ره) را به دست آوردند.

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت تصویب لایحه ذلت‌بار کاپیتولاسیون

تاریخ: ۱۳۴۳/۸/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

«لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»

کاپیتولاسیون، امضای سند بردگی ملت ایران است

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایراد نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر

جمعیت مفاخر اسلامی و ملی ما، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم، ایران را از عقب افتاده‌ترین ممالک دنیا پست‌تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب‌منصبان و درجه‌داران نمود؟ حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین‌ترین تصویب‌نامه دولت سابق با پیشنهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبت‌های سری، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت آمریکایی‌ها قرارداد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیر نظامی آمریکا با جمع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند، پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند، چرا؟ برای آنکه آمریکا مملکت دلار است و دولت ایران محتاج به دلار.

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه ایران هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد، محاکم ایران حق رسیدگی ندارند ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند، دادگاه باید رسیدگی نماید.

امروز که دولتهای مستعمره یکی پس از دیگری با شهامت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن دو هزار و پانصد ساله، با لاف هم‌ردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولتهای بی‌حیثیت رأی می‌دهد و ملت شریف ایران را پست‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند و با سرافرازی هر چه تمامتر، دولت از تصویب‌نامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رأی می‌دهد.

از بعضی منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی پیشنهاد کرده‌اند و هیچ‌کدام زیر بار این اسارت نرفته‌اند، تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند و آن را به باد فنا می‌دهد.

خاموش نشستن وکلا، به علت اتکاء نداشتن به ملت است

علما و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت نکنند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها نمایند.

چرا وکلای پارلمان با آنکه به حسب قاعده انسانی و ملیت با همچو سند اسارتی صد درصد مخالف هستند، نفس نمی‌کشند و جز دو سه نفر آنها که معلوم است با اضطراب صحبت کرده‌اند، خاموش نشسته‌اند؟ برای آنکه اتکاء به ملت ندارند، دست‌نشانده هستند و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون می‌ریزند، به زندان می‌اندازند.

پافشاری رژیم شاه برای محو اسم قرآن

آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید «سوگند به کتاب آسمانی که

به آن اعتقاد دارم»، یاد کردند؟ این همان خطری است که کراً تذکر داده‌ام، خطر برای قرآن مجید، برای اسلام عزیز، خطر برای مملکت اسلام، خطر برای استقلال کشور. من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که اینقدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد، اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود. جدا بودن ملت از هیئت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبتها را پیش می‌آورد.

کاپیتولاسیون مخالف اسلام و قرآن است

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین، مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد، مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند، وکلای سرنیزه هستند، رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد و اگر اجنبی‌ها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد.

بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب است

دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است، از آمریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی، از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست، اجانبند که مخازن پر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را به بهای ناچیز برده و می‌برد، اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآوردند.

دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند، امروز به چنگال آمریکا و عمال آن آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند، آمریکاست که وکلا را یا بی واسطه یا با واسطه بر ملت ایران تحمیل می‌کند، آمریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آنها را از جلو خود بردارد. آمریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند تصویب و اجرا کنند، آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.

بر تمام اقشار است که با طرح ننگین احیای کاپیتولاسیون مخالفت کنند

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها به هر وسیله هست بخواهند این سند استعمار را پاره کنند، این دولت را ساقط کنند، وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند، بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت نشینند، بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند، بر فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علمای اعلام

بخواهند که سکوت را بشکنند، بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند، بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند، آگاه کنند. بر خطباء و وعاظ است که با بیان محکم، بی‌هراس بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند، بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند، بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند، با آرامش و با شعارهای حساس مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند، بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته ساکت ننشینند، بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوسزد کنند، بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض، این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود بزدايند و بر جميع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند، بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده، آگاه نمایند، بر احزاب سیاسی است که در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند.

وحدت کلمه علمای اعلام در پشتیبانی از قرآن و طرفداری از مسلمین

هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند یکی است و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است. اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست، اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امر جزئی و ناچیز باشد مثل سایر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده‌اند که با سمپاشی‌ها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جهال متعصب به قصد شوم خود برسند، خطا کرده‌اند. اینجانب که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضر برای کوچکترین افراد، تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام کثرالله امثالهم. لازم است جوانهای متعصب و طلاب تازه کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشمت و تفرقه است، خودداری نمایند. علمای اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی‌نظمیها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولتها مجال فکر به ما بدهند، اگر گرفتاریهایی که از ناحیه هیئت حاکمه پیش می‌آید و ناراحتیهای روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد. این نحو گرفتاریهاست که ما را از مسیر خود که مسیر تصفیه حوزه‌ها و اصلاح همه‌جانبه است، باز می‌دارد. با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم، برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده، اهمیت این موضوعات بقدری است که مشاغل خاص ما را تحت‌الشعاع قرار داده است.

کارهای مخرب رژیم شاه

آیا ملت مسلمان می‌داند که در حال حاضر عده‌ای از علما و مبلغین و طلاب و بسیاری از مسلمین بیگناه در زندانها به سر می‌برند و برخلاف قوانین، آنها را بدون رسیدگی، مدت‌های مدیدی زندانی

کرده‌اند و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی قرون وسطایی خاتمه دهد؟ اینها دنبال قتل عام پانزده خرداد، دوازده محرم است که جراحی آن از قلب ملت پاک نخواهد شد، هیئت حاکمه به جای اینکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگیهای بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی‌خانمانها، برای پیدا کردن کار برای جوانان فارغ‌التحصیل و سایر طبقات بیچاره فکری بکند، به کارهای مخرب مثل آنچه گفته شد و نظایر آن دست می‌زند، از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای پسرانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه که فساد آن بر همه روشن و اصرار به آنکه زنها در دستگاههای دولتی وارد شوند که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است. امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان، بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد.

ملت باید به فکر فقرا باشد

من از فکر زمستان امسال رنج می‌برم، من شدت گرسنگی و خدای نخواستہ هلاکت بسیاری از فقرا و مستمندان را پیش‌بینی می‌کنم، لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند، لازم است از حالا برای زمستان آنها تهیه‌ای شود که فجایع سال سابق تکرار نشود، لازم است علمای اعلام بلاد، مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند.

از خدای متعال عظمت اسلام و مسلمین و رهایی دول اسلامی را از شر اجانب خذلهم الله تعالی خواستار است.

والسلام علی من اتبع الهدی

روح الله الموسوی الخمینی

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۲۷ اکتبر ۱۹۶۴ - ۵ آبان ۱۳۴۳

یادداشت مذاکرات

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: توضیح شمول لایحه وضعیت

ما با نظر همکاری به گفته‌های میرفندرسکی در تاریخ ۲۱ اکتبر، گوش دادیم و به همین دلیل لازم نیست رسماً اقدامی به عمل آوریم تا زمانی که توضیح در مورد شمول لایحه وضعیتی را به دست آوریم. اما با بعضی از نکات مطروحه توسط وی موافق نبوده و امیدواریم که وزارت خارجه جای پاسخی برای این سؤالات باقی بگذارد، تا بتوان در یک جو آرام به آنها پرداخت.

مهمترین نکته مورد اختلاف این است که به نظر ما اصل لایحه نمی‌تواند جانشین یادداشتهای اصلی مبادله شده گردد. نمی‌دانیم چگونه می‌توان این کار را انجام داد زیرا دولت، خودش در توضیحی که به پارلمان داده، تصریح کرده است که لایحه، محتوای یادداشتهای مبادله شده را اعتبار قانونی خواهد بخشید. بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، می‌بینیم که در متن مباحثات انجام شده در مجلسین سنا و شورا چیزی جز به رسمیت شناختن تبادل یادداشتهای وجود ندارد. نخست‌وزیر در جلسه عمومی مجلس به یادداشتهای اشاره کرد و خبر داریم که وزارت خارجه نیز یادداشتهای را به هنگام طرح لایحه در کمیسیون امور خارجی مجلس، تقدیم کرده بود.

البته از نقطه نظر ما، میان ما و دولت ایران قراردادی منعقد شده است و نمی‌توانیم این عقیده را بپذیریم که مصوبه پارلمان در این قرارداد، تغییری ایجاد کند. آنچه بین دولت و پارلمان ایران می‌گذرد یک مسئله داخلی است اما قرارداد منعقد شده بین دولت ایران و دولت آمریکا نمی‌تواند به صورت یکجانبه از طرف دولت ایران تغییر کند یا مجدداً تفسیر شود. بسیار مایه تأسف خواهد شد اگر در این مورد اختلافی به وجود آید، اما مطمئن هستیم که با رضایت و حسن نیت طرفین، این‌گونه مسائل را می‌توان حل کرد.

در تاریخ ۲۱ اکتبر، میرفندرسکی مسائل خاصی را مطرح کرد که ما را بسیار متعجب ساخت و ما مطمئن هستیم که پس از بررسی مجدد، او به این اشتباهات پی خواهد برد. در این مورد نمی‌تواند جای هیچ سؤالی باقی باشد که نه تنها یادداشتهای مبادله شده، بلکه لایحه وضعیت نیز بستگان را تحت پوشش مصونیت درآورده‌اند، زیرا گفته شده که «کارمندان فنی و اداری» از مصونیتها و امتیازات خاص مندرج در ماده ۳۷ بند ۲ کنوانسیون وین، برخوردار می‌شوند که صریحاً شامل بستگان کارمندان نیز می‌گردد. ما این موضوع را به عنوان یک نمونه مطرح کرده‌ایم تا مسئله «لزوم توضیح»، روشن شود. ما از گفته میرفندرسکی قدردانی می‌کنیم که می‌توان به صورت غیر رسمی مسائل را حل کرد ولی باید به فکر زمانی باشیم که او ممکن است در اینجا نباشد و افرادی مشغول کار باشند که از تاریخچه لایحه، کمتر آگاه باشند. هدف تمامی این تلاشها این بوده که وضعیت پرسنل نظامی ما در ایران روشن شود. اگر قرار باشد که نتایج حاصل از اقدامات هفته‌های گذشته، وضوح لازم را ایجاد نکند، نمی‌توان گفت که مشکلات، ناراحتیها و ناخشنودیهای سیاسی، نتیجه خوبی داشته است. در واشنگتن پرونده مکاتبات مربوطه و مباحثات پارلمانی، موجود است و هیچ تمایلی برای واگذار

نمودن مسائل به تعبیرات شخصی مقامات، وجود ندارد. ضمناً، از آنجا که سوابق در واشنگتن وجود دارد، لزومی ندارد که مثلاً به آنها بگوییم که میرفندرسکی در ۲۱ اکتبر چه گفت و یا اینکه گفته شود که در مورد محدود شدن شمول مصونیت در مورد پرسنل نظامی و مستثنی نمودن بستگان آنها، رأی‌گیری به عمل آمده بود. بررسی دقیق ما در پرونده‌ها، افشاگر این است که چنین کاری صورت نگرفته است. (این نکته مهم است زیرا به میرفندرسکی ثابت می‌کند که ما پرونده را با دقت مطالعه کرده‌ایم. این نکته به خودی خود مهم نیست، ولی او باید بفهمد که ما از جزئیات جلسه عمومی مجلس، کاملاً مطلع هستیم.)

همچنین، ما می‌دانیم که نخست‌وزیر خواستار این شد که عین عبارات یادداشتهای مبادله شده، به نظر جلسه عمومی مجلس برسد. او گفته بود که میرفندرسکی این یادداشتهای را قرائت خواهد کرد. برای ما مایه تأسف است که بعد از آن همه مذاکراتی که در مورد این مسئله داشتیم، عملاً این کار صورت نگرفت. ما با یکی از متخصصین در زمینه قانون اساسی ایران (دکتر علی پاشا صالح) مشورت کردیم. وی نیز احساس می‌کند که هیچ شکی وجود ندارد که سابقه قانونی محرز می‌سازد که هدف دولت این بود که لایحه وضعیت، به یادداشتهای اصلی مبادله شده ما، اعتبار قانونی بخشند.

در صورت امکان باید از مبادلات رسمی دیپلماتیک در این مورد، خودداری نمود. به نظر ما باید با حقوقدانان وزارت خارجه، به طور غیر رسمی مذاکره کرد و امیدواریم که در این مباحثات تا آنجایی که ممکن است، مفید باشیم. به طور مثال، می‌توانیم به سهولت بفهمیم که اگر قرار باشد عبارت «هیئت مستشاری» تعبیر تحت‌اللفظی شود، ممکن است یک دادگاه ایرانی، تیمهای نقشه‌برداری ما را از این قاعده مستثنی کند. بنابر این ما نیز مایلیم در این مورد به این صورت بحث کنیم که آیا مگر این تیمها نیز مانند آرمیش - مگ و یا هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری (جنمیش) از دولت ایران حمایت نمی‌کنند؟ شاید لازم باشد که نام این تیمها نیز به تیمهای مستشاری نقشه‌برداری، تبدیل گردد. مسائل دیگری نظیر این وجود دارد که ما حاضریم با صراحت تمام و در تلاشی برای کمک به دولت ایران، در مورد آنها مذاکره کنیم. همچنین مایلیم با متخصصین وزارت خارجه در مورد بهترین نحوه ارائه اسناد مربوط به پرسنل نظامی خود مذاکره کنیم، تا باعث از بین رفتن هرگونه شک و شبهه‌ای در مورد وضعیت آنها در آینده شود. ما فکر می‌کنیم، تهیه یک نوع کارت شناسایی که وضعیت آنها را (از نظر مصونیت - م) بیان کند، برای ما و وزارت خارجه مفید خواهد بود، زیرا اخیراً در بعضی از موارد، پلیس و مقامات قضائی حتی با وضعیت اعضای دفتر وابسته نظامی ما نیز آشنا نبوده‌اند.

(تذکر: در صورت امکان باید از بحث پیرامون مهمترین و پردردسرتین جنبه لایحه یعنی همان عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی ایران»، اجتناب کنیم. تاکنون بحثهای حقوقی قابل قبولی انجام شده است که می‌تواند استدلال کند چرا این عبارت نمی‌تواند معنای «در استخدام» را برساند و در صورت لزوم، حقوقدانان و وکلای ما که از صلاحیت بهتری برخوردارند، می‌توانند در مذاکره با وکلای ایران این مطلب را بهتر تفهیم کنند. ولی تا به حال مدرکی وجود نداشته است که نشان دهد دولت ایران مایل نیست مفهوم محدودی از این عبارت را به کار برد. این مسئله مستلزم مهمترین توضیحی است که ما باید از طریق مذاکرات غیررسمی، در آینده نزدیک آن را به دست آوریم.)

مشاور سیاسی سفیر: مارتین اف. هرتر

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۷ اکتبر ۱۹۶۴ - ۵ آبان ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

حزب ایران نوین، در ادامه تحقیقات خود پیرامون رأی‌گیری ۱۳ اکتبر در مورد لایحه وضعیت به این نتیجه رسیده است که باید حدود ۲۰ نفر از اعضایش بر علیه دولت رأی داده باشند. تاکنون یکی از نمایندگان حزب، غلامرضا مبین، از حزب اخراج شده است و انتظار می‌رود که تعداد بیشتری اخراج شوند.

طبق اظهارات محمود ضیائی، رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس، تحقیقات بعدی روشن ساخته است که حسن ارسنجانی متنی را علیه لایحه نوشته بود که توسط یکی از نمایندگان به نام سرتیپ پور قرائت شد. عقیده بر این است که باهری، وزیر سابق دادگستری نیز در توطئه‌هایی علیه این لایحه دست داشته است و طبق گفته ضیائی گزارشی موجود است که علم نخست‌وزیر پیشین که خود بنیانگذار حزب مردم است، اپوزیسیون را از جانب حزب مردم، تأکید کرده بود. (اگر چه می‌توان باور کرد که ارسنجانی و باهری هر دو در این جریان دخیل بوده‌اند، اما احساس می‌شود قبل از آنکه بتوان گزارش مداخله علم در مخالفت با لایحه‌ای که پیش‌نویس آن را دولت علم امضاء کرده، معتبر بدانیم که باید شواهد بیشتری را به دست آورد.)

طبق گفته ضیائی، شاه دیروز در مراسم سلام روز تولد (شاه - م) نمایندگان مجلس را بشدت سرزنش کرد. اگر چه او هیچ اشاره‌ای به لایحه وضعیت نکرد، اما به طور مبهم پیرامون «معاملات پنهانی، دسیسه‌ها و جاسوسی» که نباید در مجلس صورت بگیرد، صحبت نمود و گفت که کارها باید با همان سرعت و کارایی «دورانی که مجلس نبود» اداره شود. نمایندگان عصبانیت شاه را حمل بر نارضایتی او از این موضوع کردند که اپوزیسیون، که به نظر می‌رسد او نیز آن را مجاز شمرده، هنگامی که پیرامون این لایحه بحث می‌شده، از کنترل خارج گشته است.

تلگرام هوایی در مورد آثار سیاسی و حقوقی رأی‌گیری ۱۳ اکتبر (۱۹۵ - A) امروز ارسال شده است. ولی این تلگرام شامل اطلاعات اخیر نمی‌باشد.

طی گفتگوهای بی‌شماری که در طول هفته گذشته با رابطین در بخشهای مختلف سیاسی داشتیم، دریافتیم که سر و صدای مخالفت با لایحه (که هنوز به امضای شاه نرسیده است) هنوز کاملاً دامنه‌دار است. نمایندگان دولت معتقدند که این سر و صداها در حال فروکش کردن است، اما احساس ما این است که تا فروکش کردن هیجانانگیز موجود در مورد «کاپیتولاسیون»، مدتی وقت لازم است. (امضاء) راکول

واحد تلگراف:

تقاضا می‌شود فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا، به گیرندگان تلگرام سفارت به شماره ۴۴۸ مورخه ۲۷ اکتبر، با شماره کنترل ۳۴۹ اضافه شود.

راکول مارتین اف. هرتز - مشاور سیاسی

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۲۸ اکتبر ۱۹۶۴ - ۶ آبان ۱۳۴۳
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین

امروز با معاون وزیر امور خارجه در رابطه با کنوانسیون وین مذاکرات بیشتری انجام دادم. با اشاره به مطالبی که او هفته قبل مطرح کرده بود، گفتم که ما موضوع را بررسی کرده و با این موضوع که لایحه وضعیت به خودی خود جایگزین یادداشتهای مبادله شده اصلی گردد، مخالف هستیم. از نظر ما این امر درست نیست، زیرا دولت ایران نیز ضمن توضیحاتش به پارلمان گفته بود که لایحه باید به نکات مورد توافق در یادداشتهای جنبه قانونی بدهد. علاوه بر این، نخست‌وزیر نیز در جلسه عمومی مجلس به یادداشتهای مبادله شده، اشاره کرد و خبر دارم که در هنگام طرح لایحه در کمیسیون امور خارجی مجلس، وزارت خارجه همه یادداشتهای را به کمیسیون تقدیم کرده بود. به نظر ما میان دولت آمریکا و ایران قراردادی منعقد شده که دولت ایران نمی‌تواند به صورت یکجانبه در آن تغییر و یا تفسیری به وجود آورد.

برای ما قابل قبول نیست که این نظر را بپذیریم که مصوبه پارلمان به هر صورتی جایگزین این قرارداد گردد.

میرفندرسکی به تمامی این مطالب گوش داد و فقط به گفتن این نکته اکتفا کرد که «قانون مصوب مجلس همانند یادداشتهای مبادله شده است.»

سپس من به وضعیت بستگان اشاره کرده و گفتم که آنها نه تنها به وسیله یادداشتهای مبادله شده، تحت پوشش قرار گرفته‌اند، بلکه در لایحه وضعیت با استناد به ماده ۳۷ کنوانسیون وین نیز مشمول مصونیت هستند. اضافه کردم که ما در مطالعه صورت جلسات مجلس نتوانستیم اشاره‌ای به پیشنهاد یک تبصره در مورد مستثنی شدن بستگان از مصونیت، پیدا کنیم. میرفندرسکی گفت مهم نیست که صورت جلسات چه می‌گوید، ولی چنین تبصره‌ای پیشنهاد گردید و رد شد.

گفتم وقتی در مطالعه صورت جلسات متوجه شدیم که نخست‌وزیر در مجلس گفته بود که آقای میرفندرسکی متن یادداشتهای را برای شما قرائت می‌کند، ولی شما ظاهراً این کار را نکردید، بسیار ناراحت شدیم. میرفندرسکی گفت درست است که متن یادداشتهای قرائت نشده، ولی در صورت جلسات مجلس باز هم اشتباهی رخ داده، زیرا نخست‌وزیر هیچ‌گاه خواستار قرائت یادداشتهای نشده بود.

گفتم با وجود عدم قرائت متن یادداشتهای، ما و همچنین یکی از متخصصین ایرانی در دفتر ما، معتقد هستیم که سابقه قانونی محرز می‌سازد که قصد دولت این بود که لایحه وضعیت باید به یادداشتهای مبادله شده، جنبه قانونی بخشد.

آقای میرفندرسکی گفت مسئله مصونیت پرسنل نظامی آمریکا موجب دردسر زیادی شده است. اولین مشکل، زمانی به وجود آمد که مجلس سنا یادداشتهای را از کنوانسیون وین جدا کرده و قانون جدیدی تصویب نمود که در آن آمریکاییها را «در استخدام» دولت ایران قلمداد کرد. او نمی‌دانست چرا این عمل انجام شده است. مسئله مهم دیگر، آگاهی بسیاری از منتقدین از این امر است که دولت ایران

در زمینه اعطای مصونیتها به آمریکاییها بیش از هر کشور دیگری امتیاز داده و قراردادهای موجود در اختیار وزارت خارجه نیز همین ادعا را ثابت می‌کند. برای مثال، در قرارداد منعقد شده بین آمریکا و پاکستان، قیودی وجود دارد که دولت پاکستان بتواند حاکمیت قضائی خود را حفظ کند و نیز در پیمان ناتو، قیود مشابهی موجود است. در قراردادی که با یونان منعقد شده، پرسنل مستشاری نظامی، اعضای سفارت آمریکا خوانده شده‌اند. در قرارداد منعقد شده بین آمریکا و ترکیه، مصونیت تنها شامل عملی می‌شود که ارتکاب به آنها در حین انجام وظیفه، صورت گرفته باشد و باید یک کمیسیون دوجانبه تشکیل گردد تا تحقق قید انجام وظیفه را مشخص کند. اما در مورد ایران، حیطة حاکمیت قضائی در موارد جنایی به طور کامل توسط قانون مجلس از بین رفته است و این مطلب را با هیچ توضیحی نمی‌توان مخفی نمود.

البته من گفتم که قرارداد منعقد آمریکا با پاکستان و دیگران، از ماهها قبل در اختیار وزارت خارجه بوده و ما کاملاً مایلیم تا قراردادی مشابه با قرارداد ترکیه یا پاکستان را منعقد سازیم. ولی وزارت خارجه (ایران - م) معتقد بود که کنوانسیون وین بهترین وسیله برای ارائه مصونیت است و این مقامات ایرانی بودند که تصمیم گرفتند با کنوانسیون و یادداشتهای مبادله شده، وارد مجلس شوند. حالا برای فکر کردن به انواع دیگر قراردادهای، خیلی دیر شده است. میرفندرسکی با این موضوع موافق بود.

سپس، او پیشنهادی را مطرح کرد که بنا به اظهار خودش کاملاً جنبه شخصی داشته و کس دیگری از آن اطلاع ندارد و از ما خواست که در «مورد آن فکر کنیم». پیشنهاد او این بود که یادداشت دیگری بین سفارت و دولت ایران مبادله شود و دولت ایران اعلام نماید که لایحه وضعیت توسط مجلسین سنا و شورا تصویب شده و جنبه قانونی پیدا کرده است. در پاسخ، دولت آمریکا به این مسئله توجه خواهد کرد و با استفاده از پاراگراف مندرج در کنوانسیون وین مبنی بر لغو مصونیت بنا به درخواست کشور متقاضی، اعلام خواهد کرد که آمریکا نیز مایل است در مواردی که برای دولت ایران حائز اهمیت فراوان می‌باشد، اقدام به تعلیق مصونیت بنماید. این کار مطابق با قیود مندرج در قرارداد منعقد شده بین آمریکا و پاکستان، خواهد بود. میرفندرسکی معتقد است که اگر این تبادل یادداشتهای جدید در موقع مناسبی به اطلاع عموم برسد، جو نامطلوب ناشی از لایحه وضعیت برای هر دو دولت ایران و آمریکا، از بین خواهد رفت. به معاون وزیر گفتم که این پیشنهاد را مورد بررسی قرار خواهیم داد، ولی بدون دریافت مجوز از واشنگتن نمی‌توانیم اظهار نظری کنیم و همچنین برای درخواست دیدگاههای دولت آمریکا در این مورد، مجبور به معرفی فرد پیشنهاد دهنده هستیم. ضمناً سؤال کردم که اگر دولت آمریکا با تبادل چنین یادداشتی موافقت کند، آیا نمی‌توان همزمان و یک بار برای همیشه، تمامی مشکلات موجود، از جمله کاربرد عبارت «در استخدام دولت ایران» و نیز تعمیم قانون مصوب مجلس به تمامی اعضای هیئتهای نظامی آمریکا در ایران، را حل کرد؟ معاون وزیر گفت که به نظر او این کار ممکن است.

اس. دبلیو. راکول

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۶۴ - ۷ آبان ۱۳۴۳

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

یادداشت برای ضبط در پرونده

موضوع: کنوانسیون وین

امروز با معاون وزیر امور خارجه در مورد لایحه وضعیت مذاکرات بیشتری انجام دادم. او به مذاکرات دیروز و به خصوص عدم موافقت ما با جایگزین شدن لایحه وضعیت به جای یادداشتهای مبادله شده، اشاره کرد و گفت که براساس قانون اساسی ایران، نمی‌توان چنین مطلبی را تحت عنوان یک موافقتنامه اجرائی منعقد ساخت، زیرا هرگونه قراردادی از این قبیل، باید به تصویب مجلسین برسد. در همین رابطه مجلس یادداشتهای مبادله شده را تصویب نکرد، بلکه قانون جدیدی را بنیان نهاد و با توجه به این مطلب، یادداشتهای «هیچ‌گونه وضعیت حقوقی ندارد» و «در هوا معلق» مانده است. بار دیگر به وی گفتم که سابقه قانونی به روشنی نشان می‌دهد که خواست دولت بر قانونی شدن همین یادداشتهای بوده و به نظر ما این یادداشتهای بدون توجه به اینکه وضعیت حقوقی دارد یا خیر، هنوز به اعتبار خود باقی است، مگر اینکه وزارت امور خارجه ایران با یک اقدام رسمی و در رابطه با سفارت، در آنها تغییراتی به وجود آورد. گفتم که به نظر ما دو سند در این قضیه معتبر است که یکی از آنها قانون (مصوب مجلس - م) است و دیگری یادداشتهای مبادله شده و واقعیت این است که همه مقامات ایرانی به این مسئله اذعان دارند، همان‌طور که خود او دیروز این مطلب را بیان کرد. اضافه کردم که امیدوارم این موضوع موجب بروز اختلاف بین ما نشود زیرا موضوع از نظر حقوقی پیچیده خواهد شد و نفعی عاید نمی‌گردد. او نیز گفت که می‌داند قانونی شدن یادداشتهای مبادله شده، همان هدف را دنبال می‌کند و اینکه ما نباید اجازه دهیم که چنین موردی، موجب بروز اختلاف میان ما شود.

سپس گفتم که در مورد پیشنهاد دیروز او مبنی بر اینکه شاید بتوان از طریق تبادل یادداشت دیگری به پاراگراف مربوط به نحوه تعلیق مصونیت مندرج در کنوانسیون وین اشاره کرد، قدری فکر کرده‌ام. سؤال کردم که آیا این خطر وجود ندارد که مخالفین دولت به محض اطلاع از مبادله یادداشت دوم، از دولت انتقاد کنند که در موقع وضع قانون، نمی‌دانسته چه می‌کند و اکنون مجبور به توسل به آمریکاییها شده تا آبروی خود را نزد مردم ایران حفظ نماید. معاون وزیر گفت تنها افرادی که بسیاری بد ذات باشند، از این تاکتیک استفاده خواهند کرد ولی این کار باعث رفع نگرانی بسیاری از مردم مخلص خواهد شد.

در گفتگوی بعدی با نخست‌وزیر، وی در پاسخ به سؤال من گفت که شاه مستقیماً به حزب مردم در مجلس دستور نداده بود که به مخالفت با این قانون برخیزند. نخست‌وزیر مصرانه از شاه خواسته بود که در این مورد به نمایندگان دستوری ندهد و مسئولیت آن را به نخست‌وزیر واگذار کند زیرا لازم است که نمایندگان مجلس احساس کنند که از آزادی عمل کاملی برخوردارند. نخست‌وزیر توانست آرای لازم مورد نظر رژیم را برای تصویب کسب کند و انتظار نداشت که با این درجه از مخالفت و تیزهوشی در تاکتیکهای پارلمانی علیه لایحه وضعیت، روبه‌رو شود. واضح است که این، نتیجه دسیسه‌های کسانی است که با دولت او و آمریکاییها مخالف هستند و منصور مشخماً از ارسنجانی و سناتور شریف امامی و سجادی، نام برد. وی گفت هدف فرد آخر، این بود که مجلس اصلاحیه‌ای هر

چند جزئی، در این قانون به وجود آورد تا بدین وسیله باعث اعاده آن به مجلس سنا گردد و در آنجا سناتورها با ایجاد تغییراتی در آن، آبروی از دست رفته خود را به دست آورند تا مردم فکر نکنند که آنها توسط دولت اغفال شده بودند. نخست‌وزیر به من گفت دولت در برابر مخالفین چنین وانمود کرده بود که از نظر دولت مخالفتی محدود با این لایحه اشکالی ندارد. با این حال، استفاده از تاکتیکهایی مانند «خائن» خواندن نمایندگان که به این لایحه رأی مثبت دادند، تأثیر عمیقی بر اعضای ساده‌لوح مجلس داشته است. نخست‌وزیر احساس کرد که با وجود تمام این دسایس، به جز تصویب هر چه سریعتر لایحه و سرکوب هر حرکتی برای اصلاح آن، چاره‌ای ندارد در مورد توجیه افکار عمومی نیز همین طور فکر می‌کرد. ضرر اینکار بیش از نفع آن است.

(من در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری معتقدم که شاه اجازه مخالفت با لایحه را صادر نکرده بود و علت اینکه این موضوع به گوش نمایندگان رسانده نشد، این است که نخست‌وزیر به شاه اطمینان داده بود که مشکلی جدی وجود نخواهد داشت. منصور به من گفت که رهبری جناح مخالف نیز به وی اطمینان داده بود که مخالفت آنها با این لایحه، شدید نخواهد بود.)

سپس نخست‌وزیر سؤال کرد که آیا می‌توان کاری کرد تا لایحه مصوبه مجلس مطابق با قرارداد بین آمریکا و پاکستان تغییر یابد. من، پس از تصریح به این مطلب که ما در ابتداء کاملاً آماده بودیم تا قراردادی از نوع پاکستانی امضاء کنیم، گفتم که نمی‌دانم چگونه می‌توان این کار را بدون مراجعه مجدد به مجلس انجام داد و اینکه به نظر ما این کار بسیار نامطلوب است و مجدداً سؤال در مورد کل قرارداد را مطرح خواهد ساخت. او با این نظر موافقت کرد ولی روشن بود که این تجربه، او را بسیار ناراحت کرده و در ذهنش به دنبال راهی است تا مسائل را بهتر روشن کند. من پیشنهاد میرفندرسکی در مورد نحوه تعلیق مصونیت، مندرج در کنوانسیون وین را با وی در میان گذاشتم.

اس. دبلیو. راکول

سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا - تهران
 تلگرام ارسالی به شماره ۴۸۷
 به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
 مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره‌های ۴۰۴ و ۴۴۸ و ۱۹۵ - A
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

در حالی که سر و صدا پیرامون لایحه وضعیت و «کاپیتولاسیون» ادامه دارد. اطلاعاتی به دست آورده‌ایم که زوایای رأی‌گیری ۱۳ اکتبر و خصوصاً نقش شاه را در آن موقع برای تجویز مخالفتی محدود، روشن‌تر می‌سازد.

همچنان که در تلگرام هوایی به شماره ۱۹۵ آمده، ما می‌دانیم که شاه حدود یک هفته قبل از رأی‌گیری، در پیغامی به مجلس گفته بود که نسبت به نمایندگان که خود را وطن پرست تر از او می‌دانند نظر خوبی ندارد، اما با این حال ما نمی‌دانستیم که آیا شاه، شاید براساس این باور نادرست که میزان مخالفت گسترده نبود و موجب بهبود ظاهر می‌گردد، اجازه مخالفت را نیز داده بود یا خیر. اکنون

روشن است که او مخالفت را مجاز ندانسته است، تکرار می‌شود، مجاز ندانسته است. اما توسط نخست‌وزیر به غلط متقاعد شده بود که این کار به راحتی توسط دولت انجام خواهد شد. آموزگار، وزیر بهداشتی به ما گفت که اندکی قبل از جلسه رأی‌گیری، رامبد، رهبر فراکسیون حزب مردم، منصور را سرزنش کرد و مشخصاً از او پرسید که آیا شاه لایحه وضعیت را که نخست‌وزیر به آن جواب مثبت داده، تصویب کرده است یا نه. رامبد این قضیه را باور نکرد و درخواستی کتبی برای شاه فرستاد. این درخواست با بی‌اعتنایی زیادی مواجه شد. شاه در جواب گفت که چگونه رامبد باور می‌کند که دولت ایران بتواند چنین لایحه مهمی را بدون تصویب صریح او به مجلس تقدیم کند؟ اما شاه مشخصاً به رامبد برای دست برداشتن از مخالفت دستوری نداد.

نخست‌وزیر بعداً به من گفت که هیچ (تکرار می‌شود هیچ) پیغام خاصی از شاه به حزب مردم فرستاده نشده بود که حزب نباید با این لایحه مخالفت کند. وی گفت این مسئله در جهت سیاست ثابت منصور بود که شاه را به اصرار وادار می‌کرد تا درصدد دستور دادن به نمایندگان برنیاید، بلکه مسئولیت کسب آراء اکثریت را برای تصویب لایحه به نخست‌وزیر واگذار کند. به عبارت دیگر، همانطور که قبلاً گزارش شد، منصور بیش از حد مطمئن بود. اگر او از شاه تقاضا کرده بود تا دستوراتی برای اپوزیسیون بفرستد، بدون شک این کار انجام می‌گرفت.

یکی از دلایل اینکه منصور بیش از حد مطمئن بود، و در طی چند روز اخیر کاملاً عیان گردید، این بود که او از جانب رهبران اپوزیسیون فریب خورد. یک روز قبل از رأی‌گیری در ۱۲ اکتبر، رامبد به رهبری حزب ایران نوین گفت که تصمیم گرفته است تا به لایحه حمله نکند. تحت این شرایط، اکثریت، آمادگی مواجهه با شدت حملات اپوزیسیون را نداشتند و هنگامی که کلماتی چون «خیانت» و «نقض قانون اساسی» به کار برده شد، عده‌ای بی‌جهت وحشت کردند. منصور تصادفاً نزد ما تأیید کرده است که در میان تصفیه‌شدگان از حزب ایران نوین مشخصاً مقامات سابق اصلاحات ارضی بودند که از قرار معلوم نسبت به پذیرش نفوذ ارسنجان، آمادگی خاصی دارند.

حقیقت دیگری که از میان مذاکرات اخیر آشکار شده، این است که با فرار از سخت‌ترین تنگناهایی که قابل باور نبود، از مصیبتی همه جانبه اجتناب شد. طبق گفته نخست‌وزیر، حرکتی هماهنگ در جریان بود که این لایحه اصلاح گردد تا بدین وسیله به سنا اعاده شود، زیرا که از این راه، شریف امامی و گروهی از سناتورها با خوشحالی خواهند توانست تا وجهه از دست رفته خود را در نظر مردمی که احساس می‌کردند سنا لایحه را به سرعت تصویب کرده است، به دست آورند. این مسئله منطقی بودن تصمیم ما را (نگاه کنید به بخش ۱ تلگرام هوایی مرجع) در این مورد تأیید می‌کند که قبول عبارات نسبتاً بد لایحه مصوبه سنا، بهتر از قبول خطر برای هرگونه تلاشی در جهت اصلاح لایحه که احتمالاً منتهی به یک بن بست کامل می‌شد، بود.

یک عامل مشخصاً پردردسر در انتقادات اخیر از دولت و لایحه، عناصری از قوه قضائیه ایران بودند که مجبورند مجری این قانون باشند. همان گونه که وزارت خارجه (آمریکا - م) آگاه است، یک تفسیر محدود از این قانون، بدون رجوع به اصل یادداشتهای مبادله شده می‌تواند ما را از آن پوشش کاملی که خواسته ما بوده و دولت نیز در دادن آن به ما اظهار تمایل کرده، محروم کند. این مسئله نیز مقامات وزارت خارجه (ایران - م) را نگران می‌کند. ما با این مقامات درباره راهها و وسایل

تضمین‌کننده حفظ جوهره یادداشتهای اصلی مبادله شده، در حال مذاکره هستیم. ما معتقدیم که راه ساده‌ای را می‌توان یافت که از آن طریق موقعیت دو دولت در برابر مخالفین لایحه و نیز منافع ما در این قضیه در حد قابل توجهی بهبود یابد. این مسئله، موضوع مکاتبه آتی ما خواهد بود.

استوارت دبلیو. راکول

با طنین آوای انقلابی امام خمینی (ره) در فضای اختناق‌بار ایران و انعکاس و انتشار نطق تاریخی و اعلامیه افشاگرانه ایشان در میان مردم، موج جدیدی از خشم و نفرت علیه شاه و رژیم مزدور او سراسر ایران را فراگرفت. ملت مسلمان ایران از این خیانت آگاهی یافت. علما و روحانیون شهرستانها با پشتیبانی و همراهی مردم طی تلگرافها، نامه‌ها و طومارها الغای فوری کاپیتولاسیون را خواستار شدند. سیل تلگراف و نامه‌های اعتراض‌آمیز به سوی هیئت حاکمه سرازیر گشت.

رژیم شاه که هرگز انتظار چنین واکنش تند و انفجارآمیزی را نداشت و گمان می‌کرد که می‌تواند این خیانت‌ننگین را همانند صدها خیانت شاهانه دیگر از نظر مردم پوشیده بدارد، سخت نگران و بیمناک شد. حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، به منظور توجیه این خیانت به مجلس سنا شتافت و در آنجا طی یک سخنرانی سعی کرد که خیانت خود را خدمت جلوه دهد.

این سخنرانی فقط ۵ روز پس از نطق انقلابی امام خمینی (ره)، در جلسه ۷۵ مجلس سنا مورخه ۹ آبان ۱۳۴۳ (۳۱ اکتبر ۱۹۶۴) ایراد گردید. جالب اینجاست در همین جلسه لایحه اجازه تحصیل ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا تصویب گردید. بدین ترتیب رژیم شاه مزد خیانت خود را از ارباب گرفت.

نظر به اینکه سخنرانی منصور در این جلسه، در سندهای لانه جاسوسی مورد اشاره قرار گرفته است، متن آن با استفاده از آرشیو مجلس شورا چاپ گردید.

جلسه ۷۵ مجلس سنا - تاریخ: ۹ آبان ۱۳۴۳ - ۳۱ اکتبر ۱۹۶۴

بنده متأسفم که از چند روز گذشته مسائلی به گوش خورده که بسیار تأسف‌آور است و بسیار تأثرانگیز است. شاید نمایندگان محترم به خاطر داشته باشند که چند ماه پیش لایحه‌ای برای اعطای مصونیت سیاسی، که خاص مملکت ما نیست و در کلیه کشورهای جهان مراعات می‌شود، به عده‌ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند اعطاء شود، در همین مجلس به تصویب رسید و بعد در مجلس شورای ملی هم این لایحه به تصویب رسید و به دولت ابلاغ شد. در این مورد مسائلی گفته شد و مسائلی به گوش رسید و تحریکاتی در خارج عنوان شد که بدون تردید دون شأن ملت ایران و دون شأن دولت ایران و دون شأن مجلسین ایران است. محال و ممتنع است که کسانی یافت شوند که میزان وطن پرستی آنها و میزان علاقه آنان به مملکت، از شاهنشاه ایران و مجلسین ایران و دولت و مردم واقعی ایران بیشتر باشد. چطور ممکن است لایحه‌ای که کوچکترین تخطی به حقوق حقه مملکت ایران وارد کند، از تصویب مجلسین ملی ایران بگذرد. چون این مسئله گفته شد، بنده ضروری می‌دانم در محضر مجلس سنا به گذشته آن و تاریخچه آن و مسائل مشابه آن اشاراتی

بکنم که تا این مسئله کاملاً روشن بشود و همه بدانند که این افکار مغرضانه که در محافل و مغایر گفته می‌شود به هیچ وجه من‌الوجه کوچکترین تأثیری در راه و روش صحیح مملکت نباید داشته باشد. امروز دنیا، دنیایی است که روز به روز به هم نزدیکتر می‌شود. حصارهای بین ممالک پاشیده می‌شود. صحبت از حکومت جهانی به وجود می‌آید.

دیگر صحبت اینکه کسی در خدمت دولتی وارد می‌شود و مصونیت سیاسی به آن داده می‌شود. مثل اینکه در جزء افراد سفارتخانه‌ای این مصونیت شامل بشود کوچکترین توهمی را به وجود بیاورد، جایز نیست. از سال ۱۳۲۲ طبق قوانینی که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت، به دولت اجازه داده شد که هیئتهایی از افسران و درجه‌داران ارتش کشورهای متحده آمریکای شمالی به عنوان مستشار و کارشناس برای ارتش ایران و ژاندارمری استخدام نماید و به موجب همین قوانین تمدید خدمت این مستشاران برای دوره یکساله با تصویب‌نامه هیئت وزیران مجاز شناخته شد. یعنی هر روز را که دولت ایران نخواهد، می‌تواند یک خدمتگزاری را از خدمت معاف و دیگر هیچ‌گونه تعهدی در مقابل آن ندارد و اینجا صحبت این نیست که کشور دیگری مأموری به جانب ایران اعزام دارد، بلکه این تقاضا و نیاز دولت ایران بوده است به عده‌ای کارشناس که تصدیق می‌فرمایند نه تنها ایران بلکه کشورهای مانند ایسلند، نروژ، ایتالیا، یونان، ترکیه، پرتغال، انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، دانمارک و جمهوری فدرال آلمان و کشورهای دیگری مانند کشورهای آسیایی و خاورمیانه و آمریکای جنوبی هم امروز با اسلحه نظامی آمریکا ارتش خودشان را تجهیز کرده‌اند و هیچ تردیدی ندارد که استفاده از صنایع دیگران نیازمند به داشتن کارشناس اختصاصی و کارشناسان ذی‌صلاحیت خود آنهاست. تمدید مدت خدمت مستشاران نظامی سال به سال به موجب تصویب‌نامه انجام شده تا سال ۱۳۴۰ که سفارت کبرای آمریکا در جواب یادداشت وزارت امور خارجه دایر به تقاضای تمدید خدمت مستشاران طی یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ مطابق با اسفند ۱۳۴۰ ضمن موافقت با تمدید یک سال دیگر، تقاضا کرده و اشاره کرد که مانند ۳۸ کشور دیگر که هیئتهای نظامی آمریکا در آن ممالک انجام وظیفه می‌کنند و دارای امتیازات مصونیت‌های سیاسی خاصی هستند، برای روشن شدن وضع کارمندان هیئت مستشاری که در خدمت ارتش ایران هست، تسهیلاتی در نظر گرفته شود و دولت ایران هم از امتیازات و مصونیت‌های مربوط به کارمندان اداری و فنی، پیش‌بینی شده در بند (و) ماده اول قرارداد بین‌المللی وین و یا سایر قراردادهای دوجانبه‌ای که بین آمریکا و کشورهای دیگر به امضاء رسیده است، برخوردار گردند. در اینجا دولت آمریکا اشاره کرده که علاوه بر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی که بنده اسامی آنها را می‌گویم مانند کانادا - انگلستان - فرانسه - بلژیک - هلند - لوکزامبورگ - جمهوری فدرال آلمان - دانمارک - ایسلند - نروژ - ایتالیا - یونان - ترکیه - پرتغال، قراردادهای نظامی بسته شده است. در آن ممالک به تمام افراد نظامی آمریکا و پرسنل آمریکا و کلیه افرادی که در خدمت آن دستگاه نظامی، مصونیت کامل سیاسی داده شده است. در صورتی که در این لایحه که به تصویب مجلسین رسید، طبق معاهده وین که ۶۸ مملکت زیر آن را امضاء کرده‌اند و با وجدان روشن آن را امضاء کرده‌اند. طبق آن ماده فقط یک مصونیت ناقص یعنی مصونیت در حین انجام وظیفه داده شده است، در این لایحه که به تصویب رسیده است، داده شده است. حتی مصونیت مدنی برای مستشاران آمریکایی در خدمت ارتش ایران، اعطاء نشده

است و کلیه مواردی که برای تأمین حقوق افراد ایرانی ضروری است، در اختیار محاکم صالحه ایران است. فقط این افراد در حین انجام وظیفه، چون ما خواهان انجام وظیفه آنها هستیم، اگر اتفاقی بیفتد، دارای مصونیت سیاسی هستند و از مصونیت سیاسی معمولی بین‌المللی استفاده می‌کنند. بنده نمی‌دانم آیا ممالک متمدن اروپای غربی و یا کشورهای دیگری که برای اطاله کلام خیلی زیاد ذکر نمی‌کنم، ولی چند تا از آنها را عنوان می‌کنم مانند فرانسه - یونان - پاکستان - ژاپن - اندونزی - لیبی - اتیوپی و سایر ممالک مشابه اینها در آسیای جنوب شرقی و آفریقا و غیره این قراردادها را بسته‌اند. حتی به معاهده‌ای بین‌المللی اشاره نکرده‌اند و قرارداد دوجانبه بسته‌اند و مصونیت کامل داده‌اند. آیا حس وطن‌پرستی ما خیلی بیش از این ممالک است و یا اینکه آنها نمی‌دانسته‌اند که اگر یک مصونیت را به یک تعداد معدودی کارشناس که مورد نیاز آن ممالک است می‌دهند، در مقابل انجام خدمات آنهاست و این فقط در مملکت ما باید مورد یک توهم و اشاعه اکاذیب و اراجیفی بشود که دون شأن ملت و دون شأن مجلسین و دون شأن دولت ایران است. (نمایندگان - صحیح است) بنده اشاره می‌کنم که این جریان باز به چه صورت ادامه پیدا کرد. پس از مذاکرات و مکاتبات و مطالعات لازم و تشکیل کمیسیونهایی از نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت جنگ و وزارت دادگستری مشاهده شد که چون سایر کشورهای مشابه حتی مصونیت بیشتری به کارشناسان آمریکا داده‌اند، بنابر پیشنهاد وزارت امور خارجه در جلسه ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲، دولت گذشته تصویب کردند که پس از تصویب قرارداد بین‌المللی وین از طرف قوه مقننه، رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران از مزایا و مصونیت‌های کارمندان اداری و فنی موصوف در قرارداد وین، بهره‌مند گردند و در همان موقع وزارت امور خارجه به وسیله تبادل نامه با سفارت کبرای آمریکا در تهران قرار لازم را در این مورد معمول دارد و نامه‌های مبادله شده بین وزارت خارجه ایران و سفارت کبرای آمریکا در پرونده‌های امر موجود است. بعد از اینکه دولت سابق این موافقتنامه با دولت آمریکا را طبق یادداشتی مبادله کرد، لایحه مربوطه را تقدیم مجلس سنا نمود که پس از تشکیل این دولت قبلاً این لایحه در کمیسیونهای مجلس سنا به تصویب رسیده بود و در مجلس علنی مطرح شد و با نظر صائب سناتورهای محترم به تصویب رسید.

متعاقب صدور تصویب‌نامه دولت سابق، وزارت امور خارجه طی یادداشت ۸۲۹۶ مورخه ۲۶ آبان ماه ۱۳۴۲ به سفارت کبرای آمریکا اطلاع داد که هیئت وزیران با پیشنهاد سفارت کبری دایر به اینکه رئیس و اعضای هیئتهای مستشاران نظامی در ایران از مزایا و مصونیتها و معافیتهایی که برای کارمندان اداری و فنی موضوع بند (و) ماده اول قرارداد بین‌المللی وین مورخ ۱۹۶۱ برخوردار باشند، اعلام داشت. در اینجا باید به استحضار برسانم که دولت آمریکا کاملاً حاضر بود که قراردادی مشابه پاکستان، مشابه اندونزی، مشابه لیبی، مشابه اتیوپی، مشابه قرارداد دیگری خارج از ناتو که با ترکیه منعقد کرده است، با ما هم منعقد کند ولی ما نیازی به آن قرارداد با آن وسعت نداشتیم و خودمان را محدود کردیم در چهارچوب معاهده بین‌المللی وین که معاهده بین‌المللی وین تنها مربوط به یک کشور نیست بلکه ۶۸ کشور این قرارداد را امضاء کرده‌اند و دولت سابق ترجیح داد که ما از یک قرارداد بین‌المللی نسبت به این مصونیتها استفاده کنیم و قرارداد دوجانبه‌ای خارج از یک معاهده بین‌المللی دیگر ضرورتی ندارد که به امضاء برسد. سفارت کبرای آمریکا در پاسخ یادداشت وزارت

امور خارجه، طی یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲) اشعار نمود که به نظر سفارت کبرای آمریکا عبارت (اعضای هیئتهای مستشاری نظامی کشورهای متحده در ایران) شامل کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین غیرنظامی وزارت دفاع و خانواده آنها خواهد بود، ولی با توافق نماینده دولت در مجلس سنا این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیرفنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی داده‌اند بسیار کمتر، ساده‌تر و در چهارچوب یک معاهده بین‌المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست. بنده در اینجا به نظر صائب نمایندگان محترم سنا اتکاء می‌کنم که این مسائلی را که متأسفانه اگر از حدود عادی خارج نشده بود، ذکر این مسائل هم دیگر جایز نبود، ولی چون ممکن است احتمالاً افکار کوتاه و اغراض شخصی و نظریات خصوصی و حتی متأسفانه اعمال نفوذ و اعمال نظریات خارج به وسیله ستونهای پنجمی که شاید غیرمرئی باشند و بعضی از آنها هم متأسفانه شناخته شده‌اند، در مملکت شیوع پیدا کند و افکار سالم مردم ایران را، مردم واقعی ایران را خارج از عده‌ای کوچک سیاست‌باغان یا خارج از افکار منحنط عده‌ای ناتوان و کسانی که جز اغراض شخصی و جز نظریات خصوصی و جز مسائل فردی چیزی را در نظر ندارند، ممکن بود تأثیری داشته باشد. امروز بنده ضروری دانستم که این مطلب را موشکافی کنم و حقایق مطالب در اینجا بیان شود و نمایندگان محترم بدانند که چه دولت سابق و چه دولت فعلی نمی‌توانست ذره‌ای از مسائل اساسی و عمومی و منافع حقه مملکت را ندیده بگیرد و اگر از ما قصوری می‌شد، مسلماً شاهنشاه ایران و مجلسین ایران چنین اجازه‌ای را به هیچ نحوی نمی‌دادند. (صحیح است) پس اشاعه این اکاذیب فقط منحصر به یک عده معدودی است که در مقابل ملت ایران محکوم است. مصونیت سیاسی از قرن ۱۸ تا به حال به عناوین مختلف معمول بوده است. در حقیقت عده معدودی از کارشناسان نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند، می‌توانستند به عنوان افراد وابسته به سفارت آمریکا معرفی شوند و همین مصونیت را هم داشته باشند، ولی آیا شأن دولت ایران بود که یک کارمند سفارت آمریکا در ارتش او خدمت می‌کرد و آیا ما می‌توانستیم که از داشتن کارشناسانی که برای امور نظامی مملکت ضرورت دارند، چشم‌پوشی کنیم؟ و آیا دولت ایران و ملت ایران تنها دولت و ملتی بود که نسبت به این نیازمندیها یک امتیازاتی نسبت به دوستان خودش می‌داد؛ یعنی کسانی که در چند سال اخیر باید اذعان کرد که در موقعی که ایران متأسفانه درآمدهای ارزی قابل توجهی نداشت، درآمدهای عمومی قابل توجه نداشت و ثبات و آرامش امروز مملکت را نداشت و امکان داشت به اینکه عناصر مخرب در خارج و داخل مملکت بتوانند در وضع کشور ما مؤثر واقع گردند، کمک کرده است یا آیا با توجه به این امور، شایسته بود که این مسائل عنوان شود؟ به نظر بنده ما هستیم که باید حقایق مطلب را بیان کنیم و مسلماً افکار عمومی آن افکاری که سالم فکر می‌کنند این مسائل را طرد می‌کنند و مجلسین ایران حامی و پشتیبان اقدامات صحیح و اقداماتی است که شاهنشاه ایران نظارت عالی بر آن دارند و به نفع ملت ایران خواهد شد (صحیح است) (علامه وحیدی - پیشنهاد دولت جنابعالی مورد تحسین و تقدیر عموم نمایندگان مجلس است) تشکر می‌کنم، بنده متشکرم که این تأیید و توجهی که مجلس سنا فرمودند، بهترین نمونه است که این اشاعه اکاذیب به کلی از بین برود و افرادی که در محافل خصوصی و در معابر چنین

مسائل مبتدلی را عنوان می‌کنند، بدانند که ایران صاحبی دارد. ملت ایران تمام رشته‌های ناراحتیها و نابسامانیها را گسیخته است. ملتی که درای ۲۵۰۰ سال تاریخ درخشان است، برای دادن چند امتیاز سیاسی به چند کارشناس نظامی از حقوق خود، چیزی ضایع نمی‌کند و لازم به تذکر است که مجلس شورای ملی هم این لایحه را در تاریخ ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ به تصویب رسانید. مسئله‌ای را که بنده در اینجا به عنوان جمله معترضه عرض کردم، ضرورت داشت و شاید ارتباط داشت به همین کمک نظامی نیروی تدافعی و لایحه‌ای که در مجلس مطرح است. این لایحه را در مجلس شورای ملی به اتفاق آراء تصویب کردند. چون همین نظریات نمایندگان محترم مجلس سنا در آنجا هم تجلی داشت که نیروی دفاعی مملکت و حفظ و ثبات و آرامش کشور، اولین شرط اجرای هر برنامه اصلاحی مملکت است. طرز استفاده از این اعتبار چنین خواهد بود که بانکهای اعتبار دهنده آمریکا، هزینه‌های خرید وسایل یدکی و قسمتی از نیازمندیهای تسلیحات ایران را تأمین می‌کنند و از هنگام استفاده از هر قسطی، بعد از ده سال مستهلک خواهد شد و بهره وام هم از پنج درصد تجاوز نخواهد کرد. کشورهای دیگری کوچکتر از ایران و بزرگتر از ایران با افتخارات تمام برای تأمین نیروی دفاع کشورشان از شمال و جنوب و شرق و غرب، اعتبارات وسیعی کسب می‌کنند که متأسفانه در بعضی از قسمتها هم به راه صحیح و منطقی مصرفی نمی‌شود و موجب اعمال زور و قدرت در کشورهای همسایه آنها می‌گردد. ولی ایران با توجه به سیاست صلح‌جویانه خود، این اعتبار را صرفاً برای نیروی تدافعی خودش مصرف خواهد کرد، ولی در هر زمان که اقتضا بکند، تنها ارتش ایران و تنها نیروی تکنیک ارتش و اسلحه ارتش جوابگوی دشمنان داخلی و خارجی نخواهد بود، بلکه دولت ایران و ملت ایران و مجلسین ایران خواهند بود که با منطق صحیح و با مشمت محکم به دهان یاوه‌سرایان و به دهان منحرفین و سودجویان و همچنین به اجانبی که به منافع حقه ایران تخطی کرده باشند، خواهند کوفت. (نمایندگان - صحیح است) بنده تصور می‌کنم که ملت ایران در اینجا یک دل و یک جهت در اجرای برنامه‌های وسیع توسعه اقتصادی و اجتماعی و در تأمین نیروی دفاعی مملکت پشتیبان دولت و مجلسین ایران، بهترین نمونه تجلی نیات ملت ایران، خواهد بود.

سند شماره (۲۵)

یادداشت برای ضبط در پرونده
ملاقات با «آرام» وزیر امور خارجه
تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۱ آبان ۱۳۴۳
طبقه‌بندی: فقط برای استفاده رسمی

موضوع: لایحه مصونیتها

۱ - در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۶۴، بنا به درخواست دکتر کاظمی از دفتر حقوقی وزارت امور خارجه برای انجام یک ملاقات فوری، من و آقای «هرتز» از سفارت آمریکا با او ملاقات کردیم تا پیرامون تأثیرات لایحه مصونیتها، مصوبه اخیر مجلس، تبادل نظر نماییم. دکتر کاظمی گفت که نیاز به توضیحات و راهنماییهای بیشتری دارد تا بتواند پاسخگوی سؤالات وزیر امور خارجه باشد.

۲ - بیانات اخیر نخست‌وزیر در مجلس سنا* مورد بحث قرار گرفت و چنین نتیجه‌گیری شد که بعضی از اظهارات وی در رابطه با تفسیر کنوانسیون وین، درست نبوده است.

* منظور سخنانی نخست‌وزیر در مجلس سنا به تاریخ ۹ آبان ۱۳۴۳ می‌باشد - م

۳ - دکتر کاظمی به طور اخص میل داشت که وجه تمایز بین دو هیئت آرمیش و مگ، اگر وجود دارد، مشخص شود. به وی اطمینان دادیم که بین این دو هیئت تفاوتی وجود ندارد و گفتیم که این دو گروه منتج از هیئت مستشاری است. گروه اول بر اساس قرارداد ۱۹۴۷ به وجود آمده و گروه دوم یعنی مگ برای پشتیبانی از برنامه کمک نظامی که از سال ۱۹۵۰ شروع شده، پدید آمده است. علاوه بر این خاطر نشان شد که وظایف دو گروه از دیرباز با یکدیگر ادغام شده و تعداد مستشاران موجود، خیلی بیشتر از تعداد مندرج در قرارداد مربوط به گروه آرمیش می باشد.

۴ - ضرورت کسب کارت هویت مناسب برای اشخاص تحت پوشش کنوانسیون در گفتگو با دکتر کاظمی مورد تأکید قرار گرفت. این حقیقت که شناسائی صحیح موجب می شود تا ضرورت تفسیر در مورد معنای لایحه جدید از طرف مقامات قضائی به حداقل برسد، نیز مورد بحث قرار گرفت. دکتر کاظمی ظاهراً با این استدلال موافق بود. سپس دکتر کاظمی به ما اطلاع داد که شخص وزیر خارجه مایل است توضیحاتی را مستقیماً از خود ما بشنود. به همین خاطر برای ادامه بحث به دفتر وی رفتیم.

۵ - دکتر آرام نیز به عبارت آرمیش و مگ توجه خاص نشان داد. به همین خاطر بار دیگر در مورد آنها توضیحاتی ارائه شد. او به دیگر گروههای نظامی آمریکا در ایران نیز بذل توجه کرد و از ما خواست که طی نامه ای این گروهها را مشخص کرده و در صورت امکان رونوشتی از قراردادهای مربوط به وظایف هر یک را ضمیمه کنیم. از ما سؤال شد که آیا از نظر ما کارمندان غیر نظامی نیز تحت پوشش کنوانسیون در می آیند؟ ما موضع خود را چنین مشخص کردیم که تعریف موجود در یادداشت شماره ۲۹۹ مبنی بر اینکه تمام کارمندان وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها بخشی از کارمندان اداری و فنی مندرج در کنوانسیون را تشکیل می دهند، هنوز مناسب و صحیح است. وزیر خارجه این موضع را نه تأیید کرد و نه رد نمود. هنگامی که گفتیم دولت ایران مطمئناً مایل است یادداشتهای مبادله شده، جنبه قانونی پیدا کنند؛ وی اعلام توافق نمود، ولی چندی بعد گفت این نظر که لایحه، جایگزین مفاد یادداشتهای شده، او را با مشکلاتی روبه رو ساخته است.

۶ - در رابطه با حدود کاربرد شرایط لایحه به وزیر امور خارجه خاطر نشان شد که بر طبق عرف بین المللی، وزارت خارجه قادر است مسئله وضعیت سیاسی اشخاص را به صورت قطعی حل کند (با ذکر حقوق بین المللی اوپنهایم، لوترپاک، جلد اول، پاراگراف ۳۵۷) و به همین دلیل ما معتقدیم که تصویب کنوانسیون وین، به وزارت خارجه اختیار کافی می دهد که بدون مراجعه به هیئتهای مشورتی دیگر، خود مشخص کند که چه کسی می تواند از مصونیت برخوردار شود. آقای آرام گفت که موضوع آن قدرها هم ساده نیست، چون وزارتخانه های دیگر (او از وزارت اقتصاد نام برد) اختیارات ویژه این وزارتخانه را در این مورد، به رسمیت نمی شناسند.

۷ - علاوه بر این، تأکید کردم که اقدام سنا در کاربرد خاص شرایط کنوانسیون نسبت به پرسنل نظامی آمریکا که «در استخدام» دولت ایران هستند، بر قرارداد بین دولتیین ما تأثیری نگذاشت، ولی به دولت ایران در روشن کردن وضعیت مبهم یک دسته از پرسنل که در مورد آنها اقدام قانونی ضروری بوده است، کمک کرد. اما نمی توان این اقدام سنا را به گونه ای تفسیر کرد که محدود کننده مصونیت به این گروه خاص باشد. زیرا طبیعتاً کارمندان کشور دریافت کننده خدمات، از مصونتهای اعطا شده به نمایندگان کشور ارائه کننده خدمات، به هیچ وجه بهره مند نمی گردند. ما به یادداشتهایی که قبلاً مبادله

شده بود و ضرورت روشن شدن وضعیت این دسته خاص از پرسنل هیئت را نشان می‌داد، اشاره کردیم.

به وزیر امور خارجه اطمینان دادیم که تلاش در محدود ساختن شمول مصونیت به کسانی که در استخدام دولت ایران می‌باشند، تقریباً به طور کامل هدف دو دولت را از بین خواهد برد. وزیر امور خارجه ابتدا خاطر نشان ساخت که یادداشتهای مبادله شده قبلی در این مورد ممکن است اعتبار نداشته باشند، زیرا مجلس سنا در لایحه مصوبه، صریحاً اشاره به آنها را حذف کرده است. پس از تشریح موضع خود برای وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه ما این یادداشتهای را حائز اهمیت ویژه‌ای می‌دانیم زیرا بیانگر نیت طرفین بوده و علاوه بر این ما احساس می‌کنیم که باید به سابقه قانونگذاری قبل از تصویب لایحه، به عنوان مبین نیت دولت ایران اشاره شود، وی ظاهراً موافق به نظر می‌رسید ولی هنوز نگران بود.

۸ - متذکر می‌شود که دکتر آرام و کاظمی هر دو سعی کردند از اهمیت یادداشتهای مبادله شده و نیز سابقه قانونگذاری لایحه بکاهند. ما مؤکداً خاطر نشان ساختیم که برای هر دو مورد اهمیت خاصی قائل هستیم.

۹ - همه توافق کردیم که امروز باید نقش هیئتهای نظامی را کاملاً تعریف کنیم یعنی باید مشخص شود که ما اعضای یگانهای نظامی نبوده و هیئتهای موجود، در زمینه نظامی تنها جنبه مستشاری داشته و جنبه عملیاتی ندارند. وزیر خارجه خاطر نشان ساخت که مخالفت عمومی، ناشی از تجارب تلخ نظامی در گذشته است. دکتر

۷ - علاوه بر این، تأکید کردم که اقدام سنا آرام گفت که مخالفت با این لایحه از طرف رهبران مذهبی بسیار سنگین بوده و رادیو پکن نیز از این لایحه به عنوان یک حربه تبلیغاتی استفاده می‌کند.

۱۰ - وزیر امور خارجه همچنین می‌خواست بداند که چرا درخواستی برای انعقاد قرارداد «وضعیت نیروها» مطرح نشده بود و به جای آن از طریق کنوانسیون وین اقدام شد. تفاوت بین قرارداد وضعیت نیروها و اعطای وضعیت سیاسی به طور کامل تشریح شد و در مورد هر یک نیز مثالی مطرح گردید که یکی از آنها قرارداد مربوط به واحد مخابراتی در پاکستان و نیز اعطای مصونیت به گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا (مگ)، در همان کشور بود که از طریق جذب آنها در سفارت آمریکا عملی گردید. دکتر آرام خواستار دریافت نسخه‌هایی از این دو قرارداد شد و آقای «هرتز» گفت که خلاصه‌ای از آنها را در اختیارش قرار خواهد داد. (از آنجایی که وی قرارداد مربوط به «وضعیت نیروها» را در اختیار دارد، موافقت شد که تنها به ارائه عبارت مناسبی از قرارداد کمک دفاعی متقابل اکتفا شود.)

قراردادهای دیگری از این نوع ذکر گردید و دکتر آرام درخواست کرد که فهرستی از کشورهایی که به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصونیت اعطا کرده‌اند، همراه با عبارات مهم از متون قراردادها، در اختیار وی بگذاریم. آقای «هرتز» به دکتر آرام گفت که نمایندگان پیشین دولتهای ایران و آمریکا بر حل این مسئله از طریق کنوانسیون موافقت داشته‌اند و ظاهراً این طور احساس شده بود که دولت ایران نیز ترجیح داده است که از طریق کنوانسیون مسئله را حل کند، نه از طریق وضع قراردادهای کمک دفاعی نظامی یا از طریق قرارداد رسمی وضعیت نیروها.

۱۱ - علاوه بر این به وزیر گفتم همان طوری که این لایحه در ایران از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوانی گردیده، وضعیت گروه مستشاری نیز مدت مدیدی است که باعث نگرانی کنگره آمریکا بوده است و ما احساس می‌کنیم که مقامات ایرانی نیز باید این حقیقت را با دقت بیشتری مورد سنجش قرار دهند. دکتر آرام با این نظر موافقت نمود.

۱۲ - در رابطه با وجهه گروه نظامی آمریکا، سرگرد «هارت» خاطرنشان ساخت که اعضای این هیئت از آغاز کار خود در سال ۱۹۴۷، مرتکب هیچ‌گونه جنایت جدی نشده‌اند. وزیر خارجه گفت این گونه اطلاعات بسیار مفید است. آقای «هرتز» تذکر داد که اگر آنها مرتکب جنایت جدی شوند، ما احتمالاً مصونیت آنها را لغو خواهیم کرد. دکتر آرام گفت که آیا می‌توان این موضوع را کتباً مورد تأیید قرار داد، که آقای «هرتز» در پاسخ گفت ما هنوز در این مورد مشغول فعالیت هستیم. علاوه بر این خاطرنشان شد که مقامات نظامی حتماً افراد خاطی را کیفر خواهند داد (محاكمه در خارج از ایران) و سیاست ما در مورد پرداخت دعاوی، تکرار شد. نکته دیگری که مطرح شد، موضوع پرداخت ۶۰۰۰۰۰ ریال در رابطه با یک سانحه اتومبیل در تاریخ ۲ نوامبر به یک مدعی ایرانی بود که عامل تصادف، یک کارمند غیر نظامی وزارت ارتش بود. وزیر خارجه از سرگرد هارت خواست که در زمینه پرداخت دعاوی، مطلب جامعی را برای وی تهیه کند، زیرا احساس می‌کرد که این مطالب می‌تواند برای تبلیغات مفید باشد. دکتر آرام تأکید کرد که پیش از شروع اجرای لایحه، باید منتظر شد تا آنها از آسیاب بیفتند؛ ولی مدت این انتظار را مشخص ننمود. وی به طور خلاصه سه نکته را مطرح نمود:

الف) ضرورت روشن کردن حیطة دقیق کاربرد لایحه و تمایل او به انجام این کار،

ب) ضرورت آشناسازی «مرد خیابان»* با موقعیت ارتش در ایران،

ج) ضرورت وجود یک دوره برای ایجاد و اعاده آرامش.

۱۳ - در نتیجه باید گفت که نکات ذیل حائز اهمیت می‌باشند:

الف) در حال حاضر وزیر امور خارجه موضع ما را مبنی بر اینکه تمام کارمندان وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها تحت پوشش لایحه در می‌آیند، به صورت روشنی نپذیرفته است. طرز برخورد آنان با این مسئله مبهم است - نه آن را قبول می‌کنند و نه این استدلال را رد می‌نمایند - ما بایستی از هر موقعیتی که پیش می‌آید، برای قبولاندن تعبیر خود از حیطة لایحه استفاده کنیم و موضوع تبادل یادداشتها و سابقه قانونگذاری آن را یادآوری کنیم. یعنی تعبیر خود را بقبولانیم که به قوه مجریه (وزارت خارجه) این حق داده شده که مشخص کند چه کسی باید مشمول کنوانسیون شود و برعکس؛ و اینکه لایحه، این حق را که همیشه در عرف بین‌المللی وجود داشته، محدود یا باطل نکرده است.

ب) برای ممانعت از پیدایش تعابیر و تفاسیر دولتی و قضائی باید کارت شناسایی مخصوصی تهیه شود، تا مقامات پلیس به محض رؤیت آن از واقعیت امر آگاه گردند.

ج) مقامات ایرانی باید حقایق انکارناپذیر و مکفی در مورد هیئت نظامی در اختیار داشته باشند، تا بتوانند هیئت واقعی را تشریح کرده و از این طریق، اقدامات مخالفین لایحه را نیز خنثی سازند.

د) درست است که باید مدتی بگذرد تا بتوان به اجرای لایحه مصوبه پرداخت و در عین حال

* احتمالاً منظور، «مردم کوچک و بازار» است - م

موجب تضعیف دولت نگشت، ولی ما باید دقت کرده و اجازه ندهیم که این وقفه به عنوان وضعیتی مورد قبول و درازمدت تعبیر شود.

(امضاء)	(امضاء)
رابرت ئی. هارت	مارتین اف. هرتر
سرگرد، JAGC	مشاور سفارت در امور سیاسی وکیل اداره حقوقی

سند شماره (۲۶)

طبقه‌بندی نشده تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۱ آبان ۱۳۴۳

عالی جناب عباس آرام، وزیر امور خارجه

در ارتباط با مذاکره دیروز بعد از ظهر در دفتر شما، خوشوقتم که یک نامه غیر رسمی حاوی اطلاعاتی اساسی در رابطه با بعضی از نکاتی که مورد بحث قرار دادیم، برای شما ارسال دارم. یک نسخه دیگر از این نامه را مستقیماً برای آقای کاظمی ارسال می‌دارم.

ارادتمند شما

مارتین اف. هرتر

مشاور سفارت در امور سیاسی

وضعیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران

۱ - با وجود اینکه پرسنل مستشاری آمریکا از سال ۱۹۴۷ در ایران بوده‌اند، ولی تا همین اواخر هیچ ترتیبی که به طور خاص وضعیت حقوقی آنها را مشخص کند، وجود نداشته است.

۲ - این امری غیر عادی بوده است. زیرا ایران در میان ۶۰ کشور بهره‌مند از کمکهای مستشاری نظامی آمریکا تنها کشوری است که در آن پرسنل مستشاری در حیطه نظام قضائی محلی می‌باشند. واقعیت امر این است که ما مواردی را که تاکنون اتفاق افتاده است، حل کرده‌ایم، لیکن وضعیت چندان رضایت‌بخش نبوده و سبب بروز انتقاداتی از سوی کنگره آمریکا گردیده است.

۳ - وضعیت مورد نظر، به آسانی قابل تشریح نبوده است زیرا ایران تنها کشوری در جهان است که از کمک نظامی درازمدت آمریکا (۵ ساله) برخوردار است. مسئله این است که چرا ایران که از نظر کمکهای نظامی از الطاف خاص آمریکا برخوردار است، باید با پرسنل مستشاری نظامی آمریکا که ارائه‌کننده این گونه کمکها می‌باشند، رفتاری مشخصاً نامطلوب داشته باشد.

۴ - ترتیبات معمول، مربوط به پرسنل گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا، با عنوان قرارداد کمک دفاعی متقابل نامگذاری شده است. طبق این قرارداد، پرسنل «مگ» در ایران حضور یافته و به عنوان بخشی از سفارت آمریکا، عمل می‌کنند و در نتیجه باید براساس قوانین بین‌المللی موجود از مصونیت دیپلماتیک در رابطه با حیطه قانونی دادگاههای محلی، برخوردار شوند. یک نمونه، قرارداد دفاعی متقابل منعقد شده بین آمریکا و پاکستان در تاریخ ۱۹ می ۱۹۵۴ می‌باشد که در بند ۱ ماده ۴ آن، چنین آمده است:

«دولت پاکستان پرسنل دولت آمریکا را در قلمرو خود خواهد پذیرفت تا وظایف دولت آمریکا را

در آن کشور براساس این قرارداد، انجام دهند و البته از تسهیلات و اختیارات لازم جهت نظارت بر پیشبرد کمکهای ارائه شده بر طبق قرارداد مذکور، برخوردار خواهند شد. این پرسنل، از جمله پرسنل مأمور موقت، که از اتباع آمریکا می‌باشند در رابطه با دولت پاکستان به عنوان بخشی از سفارت آمریکا عمل کرده و تحت امر و کنترل ریاست نمایندگی سیاسی می‌باشند و از مصونیتها و امتیازات دیگر پرسنل سفارت آمریکا که اتباع آمریکا و همردیف مستشاران می‌باشند، برخوردار می‌گردند. با توجه به اطلاعات رسمی دولت آمریکا، دولت پاکستان به ارشدترین عضو نظامی مأمور، براساس این بند و نیز ارشدترین عضو نظامی مأمور در نیروی زمینی، دریایی و هوایی و نیز قائم‌مقامهای ویژه آنها، مصونیت کامل دیپلماتیک اعطاء خواهد کرد.»

این گونه قراردادهای بین آمریکا و نزدیک به ۳۹ کشور، از جمله بلژیک، برزیل، برمه، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلستان، و غیره منعقد گردیده است. (فهرستی از کشورهای که چنین قراردادهایی را امضاء کرده‌اند، ضمیمه شده است. ما نمی‌دانیم که سی و نهمین کشور کدام است، ولی با این حال قبول داریم که هم اکنون همه این کشورها، دیگر دارای گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا نمی‌باشند.) در بعضی از این کشورها، قراردادهای بدون وضع قوانین خاص داخلی به اجراء در می‌آید (یا به اجراء در می‌آید). در سایر کشورها، قوانین محلی وضع شده است که مصونیتهای اعطاء شده بوسیله قراردادهای کمک دفاعی متقابل، را مورد تأیید قرار می‌دهد.

۵ - در مورد کشورهایی که در آنها یگانهای نظامی آمریکا مستقر شده‌اند، موافقتنامه‌های جداگانه‌ای به نام موافقتنامه «وضعیت نیروها» (SOF)، امضاء گردیده است. در موارد مربوط به این واحدها، وضعیت با آنچه که در رابطه با هیئتهای مستشاری نظامی وجود دارد، تفاوت می‌کند. موافقتنامه‌های وضعیت نیروها، بین خلایقی که در حین انجام وظیفه و خلایقی که در خارج از حین انجام وظیفه صورت می‌گیرد، تفاوت قائل می‌شود؛ در آنها شرایط مربوط به نحوه توقیف متهم درج شده و شرایط لازم برای رسیدگی «اولیه» و یا عدم رسیدگی شرح داده شده و برای تضمین نظم و دسیپلین نظامی پیش‌بینی‌هایی به عمل آمده است.

یک نمونه از این چنین قراردادهایی، قراردادی است که با پاکستان در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۹ در مورد «استقرار یک واحد مخابراتی» امضاء گردید. (وزارت خارجه ایران یک نسخه از آن را در اختیار دارد.)

۶ - در ایران علاوه بر گروههای مختص به هیئتهای مستشاری نظامی (آرمیش - مگ و جنمیش)، چند واحد نظامی کوچکتر نیز وجود دارند که کمکهای تخصصی در اختیار دولت ایران قرار می‌دهند. (تیم آموزشی توپوگرافیک، مهندسین پادگان خلیج، رله تهران، رله علائم، گروه پشتیبانی تحقیقات و گروههای رابط نظامی.) به نظر می‌رسد که اگر تمام پرسنل نظامی آمریکا را در یک گروه جمع کنیم و برای تمامی آنها یک قرارداد وضعیت که مشابه قرارداد کمک دفاعی متقابل باشد منعقد گردد، بهتر خواهد بود، زیرا پرسنل این گروهها برای ارائه کمک به دولت ایران، در این کشور به سر می‌برند.

۷ - خصوصاً اینکه آرمیش - مگ مرکب از هیئت مستشاری نظامی در ارتش، که براساس قرارداد ۱۹۴۷ عمل می‌کند و گروه مشاورین کمک نظامی که در رابطه با ارائه کمکهای نظامی آمریکا از سال ۱۹۵۰ وارد ایران شده، می‌باشد. گروه آرمیش در اصل «در استخدام» دولت ایران بوده است، لیکن

پس از تصویب اصلاحیه معروف مانسفیلد در کنگره آمریکا در سال ۱۹۵۹ ترتیبی داده شده تا حقوق، مستقیماً به دولت آمریکا پرداخت شود نه به خود پرسنل که از دولت آمریکا حقوق می‌گیرند. واقعیت این است که پرسنل نظامی آمریکا همگی برای ارائه خدمات فنی به دولت ایران در اینجا مشغول به کار هستند، چه عضو آرمیش - مگ باشند که جداسازی اعضای این دو هیئت امری دشوار است، چه عضو جنمیش یا توپوگرافیک و غیره.

به همین دلیل سفارت آمریکا در یادداشت شماره ۲۹۹ ارسالی خود به وزارت خارجه ایران اعلام داشته است که عبارت «اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران، شامل پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می‌باشند، می‌شود که بر طبق قراردادهای و ترتیبات منعقد شده بین دو دولت در رابطه با مشاوره و کمک نظامی ایران، مشغول به کار می‌باشند.» یادداشت شماره ۲۹۹ ما و نیز یادداشت ایران به شماره ۸۲۹۶ که پاسخ یادداشت ماست، نوعی قرارداد منعقد شده بین دو دولت می‌باشند.

۸ - دولت ایران در به اجراء گذاشتن این موافقتنامه با مشکلاتی روبه‌رو بوده است؛ چون ممکن است چنین استدلال شود که از آنجا که پرسنل آرمیش از بعضی از جنبه‌ها هنوز در استخدام دولت ایران هستند. تعمیم مصونیت و امتیازات دیپلماتیک به آنها (و نه به تمام پرسنل نظامی آمریکا در ایران) باید مورد تصویب پارلمان این کشور قرار گیرد. این چیزی است که دولت ایران درصدد کسب آن برآمده است.

۹ - در نتیجه بررسی بعضی از بیانیتهای مطبوعاتی دریافته‌ایم که دولت ایران قرار است برخلاف مفاد یادداشت‌های مبادله شده، امتیازات کمتری به آمریکا بدهد. لیکن ما، با توجه به سابقه حقوقی و نیز وضع سیاسی حاکم بر همکاری بین دو کشور که تمامی برنامه کمک نظامی ما را در برمی‌گیرد، نمی‌توانیم این مسئله را باور کنیم. در همین رابطه بعضی از نکات، در مطالب ذیل که در رابطه با کنوانسیون وین می‌باشد، آشکار شده است.

۱۰ - دولت آمریکا از دیر باز آمادۀ انعقاد قراردادی از نوع کمک دفاعی نظامی متقابل با دولت ایران بوده است؛ و بدون شک اگر دولت ایران قراردادی از نوع قرارداد وضعیت نیروها را ترجیح می‌داد، چنین قراردادی نیز تا به حال منعقد شده بود. به هر حال، دولت ایران ترجیح داد که این قرارداد با کنوانسیون وین مرتبط گردد. این امر، غیر عادی نیست. از هنگام تصویب کنوانسیون در سال ۱۹۶۱ تاکنون، کشورهای دیگری نیز مناسب دیدند که مصونیت‌های پرسنل نظامی آمریکا را، با اشاره به کنوانسیون وین تعریف کنند.

۱۱ - در حالی که در قراردادهای کمک دفاعی متقابل، بین دعاوی جنایی و مدنی تفاوتی منظور نشده (که اکنون بر طبق کنوانسیون وین این تمایز مشخص گردیده)، کنوانسیون وین به وضوح اعلام می‌دارد که مصونیت از دعاوی جنایی (در رابطه با کارمندان اداری و فنی) جنبه مطلق دارد لیکن مصونیت از پیگیری دعاوی اداری و مدنی «نبایستی شامل تخلفاتی گردد که در خارج از حیطه وظایفشان، به وقوع می‌پیوندد».

از آنجا که این قانون، یک تصویب‌نامه مورد قبول بین‌المللی است، به نظر می‌رسد که در واقع بین کنوانسیون وین و قراردادهای کمک دفاعی متقابل تفاوت چندانی وجود ندارد؛ لیکن اگر دولت

ایران به خاطر نگرانی از افکار عمومی، مناسب دیده تا ادعا کند که مصونیت‌هایی که برای پرسنل نظامی آمریکا تأمین کرده به مراتب محدودتر از مصونیت‌هایی است که این پرسنل در دیگر کشورها دارند، ما نیز با چنین بیانیه کلی مخالفتی نداریم. ولی به هنگام ورود در جزئیات، بایستی دقت بسیار داشته باشیم.

۱۲ - به طور مثال، گفته شده است که براساس لایحه مصوبه پارلمان ایران، بستگان از صونیت برخوردار نیستند. این به روشنی، غلط است. بند ۲ ماده ۳۷ از کنوانسیون وین مصونیت‌های فوق‌الذکر را برای اعضای اداری و فنی هیئت و نیز بستگان‌شان که اهل خانه آنها می‌باشند، در نظر می‌گیرد.

۱۳ - علاوه بر این، باز هم به خطا گفته شده است که اعضای مشخصی از هیئت مستشاری نظامی آمریکا، تحت پوشش کنوانسیون وین در نمی‌آیند، طبق متن خود لایحه که به سادگی از «ریاست و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا» سخن می‌راند، نمی‌توان بین اعضای مختلف گروه، تفاوتی قائل شد.

۱۴ - در رابطه با دعاوی جنایی، در عین حال که مسئله حائز اهمیت سیاسی است، زیرا گفته می‌شود این مصونیت سبب اعطای امتیازات نامشروعی به دولت خارجی می‌گردد، ولی عملاً هیچ یک از اعضای هیئت‌های نظامی مستقر در ایران مرتکب جنایتی جدی و خشونت‌بار نشده‌اند.

۱۵ - در رابطه با دعاوی مدنی، باید گفته شود که آرمیش - مگ - که برای تمام پرسنل نظامی در ایران (حتی وابسته‌های نظامی و کارمندان‌شان) عمل می‌کند - همواره قادر بوده بدون اینکه به دادگاه‌های ایرانی گزارش شود، دعاوی را سریعاً فیصله دهد. لیکن معلوم است که رسیدگی به تخلفات در خارج از حین انجام وظیفه، باید توسط دادگاه‌های ایران انجام شود.

به طور مثال، در سال ۱۹۶۴ کمیسیون بررسی دعاوی خارجی علیه هیئت نظامی، رقمی معادل ۱۰۶۴۷۱۹ ریال به خاطر جراحات شخصی و خسارات وارده به مایملک شهروندان ایرانی پرداخته است. (این رقم شامل حق بیمه که در نتیجه ضوابط نظامی باید پرداخت گردد، نمی‌شود. براساس این ضوابط هر عضوی که رانندگی می‌کند، باید اتومبیل خود را حداقل به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال بیمه شخص ثالث کند.)

جدیدترین قضیه‌ای که به این ترتیب حل شد، عبارت است از پرداخت ۶۰۰/۰۰۰ ریال در تاریخ ۲ نوامبر، به خانواده فردی در رشت که قربانی یک حادثه رانندگی شده بود. با اینکه این مورد از دعاوی مدنی بود، ولی نیازی به طرح آن در دادگاه پیدا نشد. اکثر مواردی که تاکنون به وجود آمده است نیز در رابطه با حوادث ترافیکی بوده‌اند.

۱ - بلژیک	۶ - کلمبیا	۱۱ - فرانسه
۲ - برزیل	۷ - دانمارک	۱۲ - انگلستان
۳ - کامبوج	۸ - اکوادور	۱۳ - یونان
۴ - شیلی	۹ - اتیوپی	۱۴ - گواتمالا
۵ - کنگو	۱۰ - جمهوری فدرال آلمان	۱۵ - هائیتی

۱۶ - هندوراس	۲۶ - نروژ	۳۶ - ترکیه
۱۷ - اندونزی	۲۷ - پاکستان	۳۷ - اوروگوئه
۱۸ - ایتالیا	۲۸ - پرو	۳۸ - ویتنام (جنوبی - م)
۱۹ - ژاپن	۲۹ - فیلیپین	
۲۰ - کره (جنوبی - م)	۳۰ - پرتغال	
۲۱ - لائوس	۳۱ - عربستان سعودی	
۲۲ - لیبی	۳۲ - سنگال	
۲۳ - لوکزامبورگ	۳۳ - اسپانیا	
۲۴ - هلند	۳۴ - تایوان	
۲۵ - نیکاراگوئه	۳۵ - تایلند	

سند شماره (۲۷)

مرجع: تلگرامهای ۱۹۵-، ۴۰۴، ۴۴۸ و ۴۸۷ سفارت تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۱ آبان ۱۳۴۳
 از: سفارت آمریکا - تهران
 به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه
 تلگرام ارسالی به شماره ۴۹۵ پیام تیم کشوری

موضوع عبارت است از توضیح قانونی درباره لایحه وضعیت که به زودی تحت عنوان قانون بسط مصونیت‌های کنوانسیون وین (شامل افرادی که در ماده ۱، بند (و) شرح داده شد) به «فرمانده و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران، که براساس قراردادهای مربوطه در استخدام دولت ایران می‌باشند».

همانگونه که در تلگرامهای مرجع توضیح داده شد، عبارات این قانون ناقص است اما توضیحاتی که در حین بحث در مجلس ارائه شد (و یا به هر صورت اجازه داده شد تا مورد بحث قرار گیرد)، روشن می‌سازد که دولت قصد داشت به یادداشتهای مبادله شده در سال گذشته، اعتبار قانونی بدهد. در یادداشت ۲۹۹ همانگونه که در تلگرام ۴۴۰ وزارت خارجه تأیید شد، از عبارت «در استخدام دولت ایران» به دقت اجتناب گردید و افراد مشمول مصونیت را «پرسنل نظامی ایالات متحده یا کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع و بستگان‌شان که اهل خانه آنها می‌باشند و در ایران بر طبق توافقاتنامه‌ها و ترتیبات منعقد شده میان دو دولت و در ارتباط با مشاوره و کمک نظامی، مستقر هستند» تعریف نمود. به هر حال باید متذکر شد که اگر چه دولت به یادداشتهای اشاره نمود، ولی تعریف جامع مورد نظر در یادداشت ۲۹۹ را تأمین نکرد. از طرف دیگر، این یادداشتهای برای کمیسیون امور خارجی قرائت شد.

در طی مذاکره با وزارت امور خارجه پس از تصویب لایحه وضعیت (ما عمداً مذاکرات را با توجه به جو متشنج سیاسی، غیر رسمی و آزمایشی نگه داشتیم)، با موقعیت متضادی روبه‌رو شدیم. از یک سو میرفندرسکی، معاون وزیر امور خارجه، اذعان داشت که لایحه وضعیت و یادداشتهای مبادله شده «یکی است»، اما از سوی دیگر احساس می‌کرد که ممکن است فرض شود که این قانون جایگزین

یادداشت‌های مبادله شده گردیده است. برای مثال او در این مورد که بستگان هم مشمول مصونیتها شده‌اند، ابراز تردید کرد. (آن طور که ما برداشت می‌کنیم با توجه به ماده ۳۷، بند ۲ از کنوانسیون وین که امتیازات و مصونیت‌های پرسنل مشروحه در ماده ۱، بند (و) را تعریف می‌کند؛ بستگان به وضوح تحت پوشش قرار می‌گیرند.) البته ما این گونه موضع‌گیری کردیم که موافقتنامه اصلی را همان طور که در یادداشتها تشریح شده، نمی‌توان به وسیله قوانین محلی ایران محدود و یا دوباره تعریف کرد. اما بسیار محتمل است که دادگاههای ایران در آینده تنها متن قانون وضعیت را به کار ببرند نه روح قانون را، مگر اینکه به سرعت با امضای موافقتنامه‌ای با دولت ایران، تعریف جامع مورد نظر خود را به کرسی بنشانیم.

در وهله اول، ما به این مسئله به عنوان یک مسئله سیاسی می‌نگریم، تا یک مسئله قانونی. دولت خود را در موضعی دفاعی قرار داد و سیاست دولت مبنی بر ممنوعیت بحث علنی، همانگونه که انتظار می‌رفت در ساکت کردن اپوزیسیون حاصلی به بار نیاورد. از جمله اتهامات وارده به منصور و وزارت امور خارجه این است که آنها با کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل نظامی آمریکا در ایران، امتیازات بیشتری از آنچه که ما از طریق قراردادهای مختلف «وضعیت نیروها» (SOF) در دیگر کشورها، به خصوص در کشورهای ترکیه و پاکستان به دست آورده‌ایم، به ما داده‌اند. البته این مسئله تا حدی صحت دارد. اگر ایران قراردادی از نوع «وضعیت نیروها» درخواست می‌نمود، به جرأت می‌توان گفت که ما آماده بودیم تا آن را بپذیریم، اما ایران ترجیح داد که این مصونیتها را با کنوانسیون وین پیوند دهد. در شرایط فعلی، دولت منصور در موقعیت نامناسبی قرار گرفته به نحوی که مجبور است به افراد مطلع از جمله حقوقدانان ایرانی توضیح دهد که چرا قضاوت در تمام دعاوی جنایی در ایران، به دادگاههای ایالات متحده واگذار شده است. در حالی که مشخص است که برای مثال وضعیت واحد مخابرات آمریکا در پاکستان به نحو بارزی تنها شامل واگذاری حقوق قضائی در موارد خارج از حین انجام وظیفه می‌شود. به علاوه موافقتنامه‌های وضعیت نیروها دارای عباراتی است که مستلزم لغو مصونیت در مواردی با «اهمیت ویژه» می‌باشد. علیرغم این مسئله، ترتیباتی که از سوی پارلمان ایران مقرر شده، این چنین شرطی را در بر ندارد.

به اعتقاد ما، این موضوع برای دولت ایران بسیار مفید خواهد بود و به موجب آن امکان کسب توضیحات مورد نیاز ما افزایش می‌یابد. در صورتی که می‌توانستیم (شاید در پاسخ برای قبول صریح تعریف وضعیت در یادداشت ۲۹۹ ما) به آنها بگوییم راجع به لغو شرایط مندرج در ماده ۳۲ کنوانسیون وین، ما در آینده «با ملاحظات موافقانه، درخواست دولت شاهنشاهی را مبنی بر لغو مصونیت از دعاوی جنایی در مواردی که دولت شاهنشاهی ایران آن را دارای اهمیت ویژه تلقی می‌کند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.»

این امر برای ما گران تمام نخواهد شد. احتمالاً در موارد جنایات شنیع در صورتی که دارای اهمیت سیاسی باشد، ایالات متحده بدون توجه به ماده ۳۲ کنوانسیون وین و بدون توجه به اینکه قراردادی از نوع SOF (وضعیت نیروها) وجود دارد یا خیر، مصونیت را لغو خواهد کرد. البته دولت ایران بایستی درک کند که موارد «با اهمیت ویژه» تنها شامل جنایات شنیع مانند جنایت و تجاوز می‌شود، ولی شامل تخلفات رانندگی هر چقدر مهم باشد، نمی‌گردد. چرا که لایحه وضعیت، بین تخلفات در حین

انجام وظیفه و خارج از حین انجام وظیفه تمایزی قائل نشده است. ما معتقدیم استفاده از عبارت صریحتر موافقتنامه وضعیت نیروها در پاکستان (TIAS ۴۲۸۱، ضمیمه B، پاراگراف ۳) که باعث حذف کلمات «همراه با ملاحظات موافقتنامه» می‌شود، مشکل خواهد بود.

اگر چه آمادگی داریم تا در این مورد که لایحه وضعیت صریحاً به یادداشت‌های مبادله شده و به تعریف مورد نظر در یادداشت ۲۹۹ اعتبار قانونی می‌بخشد، بحث کنیم (ما مباحثات حقوقی مناسبی در این مورد داریم از جمله موارد خلاصه شده در تلگرام ۱۹۵ - A) ولی به دلایل سیاسی، مطلوب به نظر می‌رسد که در مقابل توضیحاتی صریحی که خواهانیم، بتوانیم چیزی به دولت ایران بدهیم. همان گونه که واشنگتن از تجربیات ما در موارد قبلی مطلع است، دستگاه قضائی ایران در همه موارد تابع دستورات وزارت امور خارجه در رابطه با مصونیت نمی‌باشد. لذا به سود ما خواهد بود که نه تنها وضعیت قانونی را مشخص سازیم، بلکه به ایجاد جو سیاسی مناسبی که بتوان در آن قانون وضعیت را به آرامی اعمال کرد، کمک نماییم. به اعتقاد ما، ابراز تمایل به لغو مصونیت در موارد جنایی «با اهمیت ویژه» در ایجاد چنین جو سیاسی و همچنین در وادار کردن دولت ایران به قبول توضیح ما از مصونیت، تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

ما درک می‌کنیم که اعلام موضع ایالات متحده در این موضوع، احتمالاً محتاج به روزهای زیادی است. به هر حال ما با وزارت امور خارجه در تماس مستمر هستیم و از آنجایی که صدور بیانه‌ها آغاز شده و وضع را بیش از پیش خراب می‌کند، اطلاع هر چه سریعتر از دیدگاه‌های مقدماتی واشنگتن موجب امتنان خواهد شد.

راکول هارت سرگرد آرمیش - مگام. اف. هرتر

آقای آدلر AIO مشاور سیاسی سفیر - دکتر آرنولد USUS - با تلفن موافقت خود را اعلام کردند

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۱ آبان ۱۳۴۳

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: بایگانی

از: اس. دلبلیو. راکول

موضوع: کنوانسیون وین و لایحه وضعیت

بنا به درخواست خودم، امروز با نخست‌وزیر ملاقات کردم تا پیرامون کنوانسیون وین و لایحه وضعیت با وی مذاکره بیشتری انجام دهم. ابتدا گفتم که آمده‌ام تا به خاطر تأثیر بیاناتش در مجلس سنا در تاریخ ۳۱ اکتبر، تبریک بگویم. در ادامه گفتم ما اطلاع داریم که این بیانات تأثیر به‌سزایی در زدودن ترس و سردرگمی در رابطه با کنوانسیون وین و لایحه وضعیت داشته است.

علاوه بر این گفتم که هدف دیگر من از این ملاقات کمک گرفتن از وی در تهیه گزارش برای دولت متبوع خود پیرامون بعضی از جنبه‌های اظهارات وی می‌باشد، که اگر آن طوری که در مطبوعات منعکس شده صحیح باشد، با برداشت ما هم‌سو نیست. گفتم که هنوز به واشنگتن گزارش نفرستاده‌ام و از هرگونه اظهار نظر رسمی برای مطبوعات محلی امتناع ورزیده‌ام تا مانع از ایجاد توهم شوم که بین دو دولت ما سوء تفاهم یا اختلافی وجود دارد و همان طور که امید شنیدن از زبان خود او دارم، می‌دانم که او هم معتقد است که بین دولتین ما اختلاف نظری وجود ندارد.

من به متن اظهارات او اشاره کردم، دایر بر اینکه بستگان افراد نظامی و نیز پرسنل دیگری که نظامی نیستند، نمی‌توانند از مصونیت‌های مندرج در قانون جدید برخوردار شوند و علاوه بر این، مصونیت از دعاوی جنایی تنها محدود به جرایمی است که در حین انجام وظیفه، صورت گرفته باشد. نخست‌وزیر در ابتدا به نکته آخر اشاره کرد و گفت که صرف‌نظر از آنچه گزارش شده، وی در مجلس سنا ادعا نکرده است که مصونیت شامل جرایم ارتكابی در خارج از حین انجام وظیفه نخواهد شد. بلکه گفته است که اعضای هیئت‌های نظامی از دعاوی مدنی که در خارج از حیطه انجام وظیفه مرتکب می‌شوند، مصون نیستند و آنچه در ذهن داشته خلاف‌هایی از قبیل خودداری یکی از مستشاران از پرداخت اجاره و مانند آن بوده است. او گفت که این مسئله را روشن کرده بود که افراد نظامی آمریکا را نمی‌توان بازداشت کرد لیکن آنها باید مسئولیت‌های مدنی خود را در رابطه با شهروندان ایرانی انجام دهند. گفتم که از شنیدن این توضیحات، خوشحالم.

در رابطه با اعضای خانواده نظامیان احساس کردم که نخست‌وزیر واقعاً معتقد است که آنها مشمول مصونیت نمی‌شوند. وی گفت «آیا معنای این امر این است که اگر فرزند یک ژنرال آمریکایی مرتکب جنایتی شود، در مقابل رسیدگی قضائی مصونیت دارد؟!» جواب دادم که درست است و بخش مربوطه در کنوانسیون وین را به وی نشان دادم. علاوه بر این از او خواستم که ورقه ضمیمه را مطالعه کند و بر آن نکته تأکید کردم که بر طبق آن، اعضای خانواده جزء لازم و لاینفک از مجموعه‌ای است که به وسیله اعضای هیئت‌ها به وجود آمده است. سپس نخست‌وزیر گفت در مجلس گفته شده که اعضای خانواده نباید از مصونیت برخوردار شوند. وقتی که پرسیدم چه کسی این را گفته، وی گفت: «بعضی از نمایندگان». خاطر نشان ساختم که تا قبل از تصویب لایحه، هیچ یک از اعضای دولت چنین وجه تمایزی را ایجاد نکرده بودند و اقدامات خود او و معاون وزیر خارجه طوری طراحی شده بود تا یادداشت‌های مبادله شده توسط دو دولت، جنبه قانونی یابد نه اینکه در مورد مشمولین آن، محدودیتی ایجاد گردد.

این بار نخست‌وزیر گوشی تلفن را برداشت و از دکتر یگانه خواست که به آنجا بیاید. پس از ورود وی، آقای منصور به زبان فارسی از وی سؤال کرد که آیا امکان تغییر متن بیانات وی در صورت جلسات مجلس سنا در مورد اعضای خانواده وجود دارد یا نه. او با حالتی سؤال کرد تا کاملاً روشن کند که قبلاً نیز در این مورد بین آن دو نفر گفتگو شده است. پس از شنیدن صحبت‌های یگانه، همان‌طور که خودم هم می‌دانستم، نخست‌وزیر گفت که بیاناتش در مجلس سنا یک ساعت طول کشیده و شفاهی بوده، لذا امکان اشتباه در یک یا چند نقطه از آن وجود دارد. به طور مثال، یکی از کلمات فارسی به نام «خانواده» به معانی یک فامیل می‌باشد که شامل والدین و بستگان دارای رابطه خونی است، ولی کلمه دیگری وجود دارد به نام «خانوار» که عبارت است از افرادی که تحت تکفل رئیس خانواده، در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. او همواره کلمه دوم را در ذهن داشته و به هیچ وجه هدفش این نبوده که بستگان آمریکاییها از مصونیت محروم باشند. منظور او این بوده که کارمندان ایرانی و غیر آمریکایی که جزء پرسنل نظامی می‌باشند، تحت پوشش قانون جدید نیستند.

گفتم از اینکه منظور وی را فهمیده‌ام، خوشحالم و از وی سؤال کردم که برای از بین بردن هرگونه شک و تردیدی، چه باید کرد. در پاسخ، ابتدا آقای منصور گفت بسیار مهم است که در این مورد علناً

چیز دیگری مطرح نشود. اظهارات وی در مجلس سنا، آرامش را برقرار کرده و نباید وضع را بار دیگر آشفته ساخت. اشتباهات را می‌توان به آرامی تصحیح نمود، اما در عین حال مهم است که سفارت هیچ بیانه‌ای برای مطبوعات و یا مطلب دیگری اظهار نکند که دشمنان دولت از آن برای ایجاد ناآرامی استفاده کنند. گفتم البته که ما به دقت مراقب بوده‌ایم که در این مورد مطلبی نگوییم تا این توهم ایجاد شود که بین دو دولت اختلافی وجود دارد، ولی هر دو طرف در طول این مباحثات، بسیار رنج برده‌اند و ما قویاً معتقدیم که جدای از این مسائل، باید با دقت و فراست به اهدافی که از ابتدا مورد نظرمان بوده، دست یابیم. نخست‌وزیر نیز این مطلب را که بین دو دولت اختلافی وجود ندارد، تکرار نمود و گفت به محض اینکه مشکل کوچک اداری مربوط به اعاده ماده ۳۲ به متن کنوانسیون وین - که به هنگام تصویب آن در مجلس جا افتاده بود - حل شود، دولت ایران رسماً به ما اطلاع خواهد داد که کنوانسیون و همچنین قانونی که آن را به طور کامل در مورد هیئتهای نظامی اعمال خواهد کرد، تصویب شده‌اند. اگر در آینده در مورد تفسیر با کاربرد کنوانسیون اختلاف نظری پیش آید، با توجه به وضعیت خاص هر مورد، دولتین ما بدون سر و صدا درصدد حل آن برآیند. دولت آمریکا نباید نگران باشد، زیرا کاربرد کامل کنوانسیون در مورد پرسنل نظامی تحقق یافته است. از نخست‌وزیر تشکر کرده و بار دیگر به ناپسند بودن اختلاف بین ما در مورد کنوانسیون، اشاره کرده و گفتم آنچه که هر دوی ما برای آن به سختی تلاش کردیم، در حقیقت تحقق یافت. به طور گذرا گفتم که اعلیحضرت اخیراً در این خصوص با ژنرال «اکهارت» گفتگو کرد و هیچ نشانه‌ای در این مورد که قصد دارد در اجرای مفاد کنوانسیون در رابطه با پرسنل هیئتهای نظامی محدودیتهایی را ایجاد کند، هرگز از خود نشان نداد. به وی گفتم که در نظر دارم همان نامه‌ای را که در اختیار آقای منصور قرار داده‌ام، به وزیر خارجه نیز بدهم. ولی او از من خواست که این کار را انجام ندهم، زیرا تصحیحات لازم در مورد اظهاراتش، انجام خواهد شد.

نخست‌وزیر، بعداً به من تلفن کرد و گفت پس از بررسی متن فارسی اظهاراتش، دریافته بود که جای سوء تعبیر در مورد اعضای خانواده وجود دارد. متن سخنرانی تصحیح خواهد شد، تا مفهومی را برساند که وی برای من توضیح داده بود، بنابراین بدون شک بستگان آمریکاییها نیز تحت پوشش قرار خواهند گرفت. علاوه بر این وی گفت در هر صورت نکات توضیحی وی در مجلس سنا از نظر قانونی معتبر نیست، زیرا پس از تصویب لایحه ایراد شده نه قبل از آن.

نخست‌وزیر بار دیگر گفت که وی می‌خواهد این موضوع بین ما دو نفر باقی بماند و وزارت خارجه (ایران - م) از آن مطلع نگردد.

سند شماره (۲۹)

تلگرام ارسالی به شماره ۴۹۹ تاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۲ آبان ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره‌های ۴۴۸، ۴۸۷ و ۴۹۵

موضوع: کنوانسیون وین - لایحه وضعیت

منصور، نخست‌وزیر، طی یک سخنرانی جامع پیرامون سیاست خارجی در روز شنبه در مجلس

سنا برای اولین بار توضیحاتی علنی در مورد زمینه و شمول لایحه وضعیت ارائه داد. این سخنرانی به صورتی مشخص و برجسته در روزنامه‌ها منتشر و از رادیو پخش شد و جو عمومی در حول و حوش مسئله وضعیت را به طور محسوسی بهبود بخشید.

آن‌طور که «کیهان بین‌المللی» نوشت، سخنرانی منصور «تا آنجا که به مردم مربوط می‌شود، در حقیقت برای جبران تصویب لایحه از طرف دولت بود. سیاست سکوت از طرف دولت، آتش زیر خاکستر هر نوع مخالفت احتمالی در کشور را شعله‌ور می‌کرد. آن آتش در یک لحظه خیال شعله‌ور شدن داشت و آن زمانی بود که اپوزیسیون برای بهره‌برداری از آنچه که فکر می‌کرد «نقطه ضعف» دولت است، مخالفت خود را بیرون ریخت. از آنجایی که مضمون اصلی لایحه معلوم نبود و امکان تعیین شمول مصونیت‌های اعطایی وجود نداشت، منتقدین که از طریق منابر مقدس و عطا یا از طریق ستون پنجم مخفی عمل می‌کردند، این دروغ را پخش کردند که «تمامی استقلال و حاکمیت ایران مورد معامله قرار گرفته است.»

در میان نمایندگان مجلس شورا و سناتورها، این پاسخ وجود دارد که جو موجود توسط اظهارات منصور پاکسازی شده است.

اما متأسفانه سخنرانی نخست‌وزیر علیرغم نکات سودمند آن، شامل چند بی‌دقتی خیره‌کننده هم هست که برای جلب نظر مردم خوب می‌باشد، ولی از قرار معلوم اشتباهاتی جدی در مورد شمول لایحه ایجاد کرده است. به‌خصوص گزارش شده که او سه مورد را ذکر کرده که اشتباه است. (۱) در حالی که ایالات متحده خواستار آن است که بستگان نیز مشمول مصونیت شوند، اما بر طبق عبارات این قانون، آنها از شمول مصونیت خارج شده‌اند. (۲) فقط ارتکاب جرایمی که در حین انجام وظیفه باشد مشمول مصونیت است و از قرار معلوم تمایزی میان جرایم جنایی و مدنی وجود ندارد. (۳) علیرغم اینکه ایالات متحده خواستار آن است که تمامی اعضای هیئت‌های مستشاری تحت مصونیت قرار گیرند، ولی این قانون عملاً شامل آنهایی می‌شود که نقش مستشاران فنی را ایفاء می‌نمایند.

ضیائی، رئیس کمیسیون امور خارجی، در روز یکشنبه نزد ما اذعان داشت که این اظهارات نه مطابق قانون است و نه به‌خصوص بر طبق سابقه قانونی لایحه. وزیر امور خارجه در همان روز به طور خصوصی به ما گفت که او می‌داند که منصور چیزهایی گفته که صحت ندارد، ولی ما نمی‌توانیم برای درست شدن کارها، به «آرام» امیدوار باشیم. از این‌رو، روز گذشته خواستار یک ملاقات فوری با منصور شدم و در حالی که موفقیت مردم‌پسند او را که به وسیله آن سخنرانی به دست آورده بود، به او تبریک می‌گفتم از او پرسیدم که ما این اشتباهات آشکار و مسلم را چگونه گزارش کنیم. اشتباهاتی که ممکن است به دلیل نقل نادرست خبر از سوی مطبوعات باشد، اما می‌تواند در آینده موجب بروز مشکلاتی شود. او تمامی آنچه را که گفته بود، پس گرفت. در مورد خانواده‌ها، گفت ممکن است عبارت غلطی استفاده کرده باشد اما در نظر داشته که به اعضایی از اهل خانه که عضو خانواده نیستند، اشاره کند. (به اعتقاد من، او واقعاً فکر می‌کرد که اعضای خانواده‌ها تحت پوشش مصونیت قرار ندارند اما هنگامی که مصونیت مربوطه در کنوانسیون را به وی متذکر شدم به اشتباه خود پی برد. این نیز ممکن است که سایرین قبلاً اشتباهش را به او یادآور شده باشند. وی متعاقباً تلفن کرد و گفت که ترتیبی داده تا متن رسمی اظهاراتش تصحیح گردد، به طوری که مشخص شود که او به اعضای غیر

آمریکایی خانه اشاره کرده است.) در مورد تمایز میان «در حین انجام وظیفه» و «خارج از حین انجام وظیفه»، ادعا کرد که به وضوح گفته بود که این مطلب فقط شامل مسئولیت‌های مدنی می‌گردد. در مورد شمول اعضای هیئت‌های مستشاری منظور او فقط آن بوده که کارمندان ایرانی این هیئت‌ها نمی‌توانند از چنین مصونیت‌هایی بهره‌مند شوند.

سپس از او پرسیدم که برای تصحیح اثرات نادرستی که بیانات او بر مردم داشته است، چه خواهد کرد و اضافه کردم که قبل از به دست آوردن فرصتی برای صحبت با او، از پاسخ دادن به سؤال مطبوعات در این مورد که آیا سفارت با بیانات نخست‌وزیر موافق است یا خیر، خودداری کرده‌ام. او بی‌درنگ جواب داد که به هیچ‌وجه نباید بحث علنی بیشتری در خصوص این موضوع به عمل آید. اشتباهات را می‌توان با تصحیح متن اظهاراتش اصلاح نمود. او حتی مایل نبود که در حال حاضر پای وزارت خارجه (ایران - م) به این ماجرا کشیده شود. نخست‌وزیر گفت که او به دلیل اینکه کنوانسیون وین سهواً بدون یکی از بندهای آن به مجلس ارائه شده، با مشکلات خاصی مواجه شده است. هنگامی که این مطلب و سایر اشکالات موجود در متن اظهاراتش تصحیح شود، دولت ایران به طور رسمی به سفارت اعلام خواهد نمود که قانون کاربرد مصونیت‌های کنوانسیون وین در مورد اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده به مرحلهٔ اجراء درآمده است و کل مصونیت‌های کنوانسیون اعمال خواهد شد. گفتم که از شنیدن این مطلب خوشحالم، زیرا هم ایالات متحده و هم ایران از این فرایند طولانی و خسته‌کننده، رنج برده‌اند و باید مطمئن شویم اهدافی را که هر دو به دنبال آن بوده‌ایم، کاملاً تحقق یابد. علاوه بر این، هنگامی که سرلشکر «اکهارت» اخیراً در این رابطه با شاه صحبت کرد، شاه به هیچ‌وجه نشانه‌ای از خود بروز نداد که به غیر از کاربرد کامل مصونیت‌های کنوانسیون وین در مورد هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده، چیز دیگری در ذهن دارد.

این واقعه آشکارا اهمیت این مطلب را نشان می‌دهد که باید هر چه زودتر توضیحاتی رسمی در مورد شمول مصونیت‌های منتج از لایحه وضعیت و به خصوص اعتبار مداوم یادداشت‌های مبادله شده اولیه، ارائه شود. این واقعه هم‌چنین، به موقع بودن توصیه‌های ما را در تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ که متضمن نکات شیرینی برای کسب نتایج دلخواه است، نشان می‌دهد، اگر وزارت امور خارجه در فراهم کردن بیانیهٔ لازم مانع ایجاد کند، ما باید نخست‌وزیر را روی قولش نگه داریم و در صورت لزوم به شاه مراجعه کنیم. ما برای مدتی بیش از حد طولانی، به منظور کسب این مصونیت‌ها برای افراد نظامی خودمان مبارزه کرده‌ایم و در این راه بیش از حد با عکس‌العمل‌های نامطلوب مردم مواجه شده‌ایم که عمدتاً به دلیل بی‌لیاقتی دولت ایران در انجام این کار بود و نزدیک بود که در این مرحله از بازی، در اثر کم‌دقتی یا کم‌کاری بعضی از مقامات ایرانی به هنگام مشارکت در پیگیری این قضیه، تمامی اهداف خود را از دست بدهیم.

راکول

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی

سند شماره (۳۰)

از: راکول
یادداشت برای ثبت در پرونده

تاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۲ آبان ۱۳۴۳
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین - لایحه وضعیت

بنا به درخواست نخست‌وزیر، امروز به دفترش رفتم. آقای منصور به مذاکراتمان در روز گذشته در مورد اظهاراتش در سنا پیرامون لایحه وضعیت اشاره کرد و گفت پس از بررسی متن فارسی اظهاراتش در سنا معلوم شده که می‌توان با تغییر فقط یک حرف در کلمات مشخصی، مفهوم درست مربوط به اعضای خانواده را ایجاد کرد و این کار انجام خواهد شد. او همچنان شدیداً مخالف هرگونه اظهار نظر علنی بود، زیرا این کار موضوع را دوباره داغ خواهد کرد. به هر حال، او مفاد گفتگوی دیروزمان را طی یادداشتی به وزارت خارجه ابلاغ کرد تا ثبت گردد.

به نخست‌وزیر گفتم که من گزارش کامل گفتگوی دیروزمان را به وزارت خارجه (آمریکا - م) ارسال داشته‌ام، بنابراین اظهارات وی در واشنگتن نیز ثبت شده است. من به گفته وی مبنی بر اینکه وزارت خارجه رسماً از آغاز اجرای قانون جدید ما را مطلع خواهد ساخت، اشاره کردم و با تصور اینکه بتوانم کمکی کرده باشم، گفتم که چند عبارت ساده آماده کرده‌ام که به نظر من توضیحات کافی از موقعیت در رابطه با مصونیتها را ارائه خواهد داد و وزارت خارجه (ایران - م) می‌تواند به هنگام ارسال بیانیه رسمی، چنین متنی را همراه آن بفرستد. آقای منصور خواست که این عبارات را ببیند و من یک نسخه از نامه ضمیمه را در اختیار وی قرار دادم. او متن را خواند و گفت به نظر وی مشکل دیگری نباید وجود داشته باشد، ولی در حال حاضر هم نمی‌تواند نظر نهایی خود را بدهد. با این حال افزود، مقصود او این است که اطلاعیه وزارت خارجه باید برای ما رضایتبخش باشد.

آقای منصور گفت به وی اطلاع داده شده که اعضای سفارت از نحوه برخورد دولت با لایحه انتقاد به عمل آورده و می‌گویند که اگر به این یا آن صورت عمل می‌شد، بهتر بود. این کار او را خیلی غمگین کرده و در صورت ادامه آن بیشتر غمگین خواهد شد. گفتم که همان روز صبح به کارمندان سفارت دستور داده بودم که از اظهار نظر در مورد لایحه وضعیت پرهیزند و فقط بگویند که در حال حاضر قانون تصویب شده، ما فکر می‌کنیم که کنوانسیون وین در مورد پرسنل نظامی اعمال شده است. اضافه کردم: همان طور که می‌دانید، ما از این موضوع که ادامه سیاست سکوت در مورد کاربرد لایحه ممکن است، افراد صادق و مطلع را دچار سردرگمی کند، نگران شده‌ایم و به همین دلیل به وی و سایر مقامات ذی ربط وزارت خارجه به صورت غیررسمی پیشنهاد کرده‌ایم که یک توضیح ساده برای عموم احتمالاً مفید خواهد بود. این کار هم اکنون به خوبی انجام شده و نتایج خوبی داشته و من بار دیگر به کارمندان تأکید خواهم کرد که اعضای سفارت باید از سیاست فوق‌الذکر پیروی کامل بکنند. (به نظر من هیچ اشکالی ندارد که نخست‌وزیر متوجه شود که ما از شیوه عمل برای تصویب این لایحه راضی نیستیم. علاوه بر این معتقدم که در حال حاضر باید شدیداً مراقب باشیم و از هرگونه اظهار نظر انتقادی پرهیز کنیم، زیرا نقطه نظرات ما تأمین شده است.)

در رابطه با بیانیه عمومی، نخست‌وزیر گفت خواسته اصلی او این بوده که این لایحه با کمترین

مقدار بحث به تصویب برسد و اینکه ما نباید فراموش کنیم که دولت علاوه بر جلوگیری از بحثهای زیاد در مورد توضیحاتش در مجلس، مانع از رواج اظهارات بدخواهانه و ضدآمریکایی توسط مخالفین نیز شده است. وی اذعان داشت که دولت وی در برابر مانورهای زیرکانه جناح مخالف کاملاً مات و مبهوت شده بود، اما چند روزی لازم است تا میزان تأثیر این مانورها بر مردم روشن شود. پس از روشن شدن آثار زیان‌آور، دولت با استفاده از اظهارات او در مجلس سنا، نقطه نظرات خود را برای مردم بیان خواهد کرد.

نخست‌وزیر تأیید کرد که آقای «بهبودی» از مقامش در دربار برکنار شده، زیرا تعدادی از نمایندگان را به وسیله فرزندش که عضو مجلس است، به رد لایحه تشویق کرده بود. وی گفت شاه در مورد کل ماجرا خیلی خشمگین شده و سه‌شنبه آینده سه تن از نمایندگان، «رامبد»، «سرتیب‌پور» و یکی دیگر از مخالفین، در حمایت از لایحه وضعیت سخن خواهند گفت. هنگامی که گفتم که آنها باید در نتیجه بیانات منطقی او در مجلس سنا متقاعد شده باشند، نخست‌وزیر شکسته نفسی کرد تا وانمود کند که همین‌طور بوده است.

سند شماره (۳۱)

از: سرفرماندهی نیروهای ضربتی ایالات متحده
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه وزارت خارجه
 وزارت دفاع برای مشاور کل
 جهت اطلاع سفارت آمریکا در تهران فرمانده هیئت آرمیش - مگ، تهران، ایران
 موضوع: وضعیت نیروها در ایران

عطف به:

الف - تلگرام شماره ۴۹۵ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که لزوم توضیح بیشتر در رابطه با آثار بلا تکلیفی در تصویب لایحه در ایران، را پیشنهاد می‌نمود.

ب - تلگرام شماره ۴۹۷ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که پیشنهاد می‌نمود ایالات متحده در برخی از موارد خاص، مسئله لغو مصونیت‌های پرسنل ایالات متحده را متقبل شود.

ج - تلگرام شماره ۴۹۹ سفارت آمریکا در تهران به تاریخ ۲ نوامبر ۶۴ که بیانات دولت ایران در رابطه با آثار لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ را تشریح می‌نمود.

د - کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک به تاریخ ۱۸ آوریل ۶۴ که وضعیت و مزایای طبقات مختلف پرسنل دیپلماتیک را تعیین می‌کند.

۱ - این ستاد مخالفتی با اضافه کردن یک شرط جهت لغو مصونیت در قراردادهای در حال اجراء، پیشنهاد شده در تلگرامهای مرجع (الف و ب) ندارد. عرف موجود در ایران شامل اعمال قضاوت مدنی و جنایی از سوی ایران نسبت به پرسنل وزارت دفاع در قضایایی که به انجام وظایف رسمی مربوط می‌گردد، می‌باشد. مرجع (د) شامل مصونیت از هر نوع قضاوت جنایی و نیز مدنی در دعاوی مربوط به انجام وظایف رسمی می‌شود. در جو سیاسی فعلی، اعطای مصونیت از دعاوی مدنی ممکن است مشکلاتی را برای دولت شاهنشاهی ایران ایجاد کند. با وجودی که ماده ۳۲، مرجع (د)، پیش‌بینی اعطای این نوع مصونیتها را می‌نماید، ایالات متحده می‌تواند برای تأمین دیگر منافع خود، تقبل نماید

که با درخواستهای لغو مصونیت با نظر مساعد برخورد خواهد کرد. یک تعبیر آزاد از قبول لغو مصونیتها در مورد دعاوی مدنی مانع از کنار گذاشتن کامل عرف قبلی خواهد شد، و نیز مانع از امتناع شرکتهای بیمه از پرداخت دعاوی مالی تحت عنوان برخورداری فرد از مصونیت می‌گردد.

۲- از جمله فوایدی که می‌توان با اضافه کردن شرط لغو مصونیت، به دست آورد آن است که می‌توان شرط مزبور را به نحوی تدوین کرد که پرسنل غیر مستشاری ایالات متحده را که از طریق قراردادهای جدید وارد می‌شوند، نیز شامل گردد. پیشنهاد شده است که متنی شبیه به ماده ۴ از قرارداد «ایالات متحده - جمهوری کنگو» به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۳ (مجموعه معاهدات و لوایح بین‌المللی، شماره: ۵۵۳۰) برای این منظور مناسب است. ماده ۴ در قسمت مربوطه، وضعیت مأموران سیاسی در کنوانسیون وین را به رئیس هیئت و معاون او تعمیم می‌دهد و پیش‌بینی می‌کند که: «با کلیه دیگر پرسنل هیئت، از جمله پرسنل نظامی ایالات متحده که به طور موقت اعزام می‌گردند و گروههای کمکی از پرسنل نظامی ایالات متحده که مشغول خدمت در کنگو و یا در حال عبور از خاک آن کشور می‌باشند، همان گونه رفتار خواهد شد که مطابق با کنوانسیون وین باید با کارمندان فنی و اداری هیئتهای دیپلماتیک رفتار شود.»

سند شماره (۳۲)

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۹
از: سفارت آمریکا - تهران تلگرام ارسالی
به شماره ۵۱۱ تاریخ: ۴ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۳ آبان ۱۳۴۳

موضوع: کنوانسیون وین لایحه وضعیت

دیروز نخست‌وزیر از من خواست تا با او ملاقات کنم. او با اشاره به سخنرانی روز شنبه خود و با اشاره به توضیحاتی که به طور خصوصی به ما داده بود، اظهار داشت که مفاد مذاکرات دیروز ما را طی یک یادداشت برای ثبت در بایگانی به وزارت خارجه خواهد فرستاد. من نیز گفتم که توضیحات او را به طور کامل به واشنگتن گزارش کرده‌ام، لذا این توضیحات نیز در حال حاضر در واشنگتن به ثبت رسیده است.

سپس در مورد بیانیه رسمی که وزارت امور خارجه در رابطه با به اجراء درآمدن قانون وضعیت و کاربرد آن نسبت به پرسنل نظامی آمریکا، قرار است برای ما بفرستد مذاکره کردیم. من پیشنهاد کردم برای احتراز از هرگونه اختلاف در آینده بهتر است، به طور مشخص به تعریفی که از پرسنل ما در یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت ذکر شده، اشاره شود. منصور درخواست خود را تکرار کرد که تا مدتی هیچ اقدامی در این مورد صورت نگیرد و به خصوص هیچ مطلبی به طور علنی اظهار نشود. او همچنین تکرار کرد که قصد او این است که بیانیه وزارت خارجه باید رضایت ما را فراهم آورد.

بنابراین وضعیت به مراتب بهتر شده، ولی ما هنوز خواستار پاسخ سریع تلگرام شماره ۴۹۵ هستیم تا بدین ترتیب خود را برای مذاکره با وزارت خارجه جهت کسب توضیحات دلخواه، آماده سازیم.

راکول

۱۳ آبان ۱۳۴۳ - تبعید حضرت امام (ره) به ترکیه

بعد از اوجگیری مبارزات و مخالفت‌های ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه رژیم مزدور شاه، هیئت حاکمه دریافت که برای حفظ حکومت نامشروع خود باید رابطه رهبر و مردم را از بین ببرد. لذا تصمیم گرفت که حضرت امام (ره) را از ایران تبعید نماید. به همین خاطر در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ (۴ نوامبر ۱۹۶۴) دژخیمان رژیم شاه به منزل امام هجوم بردند و ایشان را دستگیر کردند و بدون تأمل حضرت امام (ره) را به تهران منتقل نموده و با یک هواپیما به شهر «بورسا» در ترکیه تبعید نمودند.

صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شهر قم به اشغال نظامیان شاه در آمد، تا از هرگونه قیام مردمی علیه تبعید امام (ره) ممانعت به عمل آید. عصر همان روز ساواک اطلاعیه‌ای به شرح زیر در روزنامه‌های تهران به چاپ رساند:

«طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید. سازمان اطلاعات و امنیت کشور.»

این اطلاعیه، سند زنده قانون شکنی رژیم شاه بود و نشان می‌داد که ساواک دستگاهی فوق قوای مقننه، مجریه و قضائیه بوده است، زیرا حکم تبعید باید از طرف دادگستری و با بررسی پرونده و محاکمه عادلانه صورت گیرد نه اینکه یک سازمان امنیتی نقش دادگاه و قاضی و دادستان و هیئت منصفه را خود به تنهایی ایفاء کند.

لازم به ذکر است که در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳، فرزند امام حاج آقا مصطفی خمینی نیز بازداشت و زندانی گردید.

سند شماره (۳۳)

از: کاردار سفارت آمریکا، تهران، ایران تاریخ: ۶ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۵ آبان ۱۳۴۳
نامه غیر رسمی
جیمز عزیز

با آنکه نامه شما هفته گذشته رسید، ولی نتوانستم مجالی برای جواب دادن به آن پیدا کنم. آن گزارش هنوز پیش من است. در نظر داشتم دیروز جواب نامه‌ات را در حالی که آن گزارش تایپ می‌شد، بنویسم ولی آنقدر حالم بد بود که مجبور شدم به دکتر مراجعه کنم. بعد از خوردن مقدار زیادی قرص، امروز حالم کمی بهتر است.

وقایع اخیر که شما در گزارش رسمی از آنها مطلع خواهید شد، موجب خشنودی قلبی من شده است. سرانجام ما توانستیم از شر آن پیرمرد شیطان صفتی* که چوب لای چرخ ما می‌گذاشت، راحت شویم. «کله گنده» محلی دستور اخراج او را داده بود. در حال حاضر او در یکی از هتل‌های درجه ۲ ترکیه اقامت دارد و سعی می‌کند که عقیده سنی‌های بیچاره را تغییر دهد. اینجا کارهای زیادی هست

* اشاره این دیپلمات آمریکایی، به امام خمینی (ره) است و مشخص است که چرا این چنین به امام توهین کرده است زیرا همان طوری که خود می‌گوید «چوب لای چرخ آمریکا می‌گذاشت.»

که ما را مشغول نگه می‌دارد. در حال حاضر ما باید از ترانه‌های روستایی شرقی خود، دست بکشیم. افتادن در کارهای روزمره عادی بسیار آسان است.

همان طوری که خواسته بودید سه عدد مینیاتور خریداری کرده‌ام، ولی قیمتها بالا رفته. من ۳۸۰ دلار برای تمامی آنها پرداختم، ضمانت شده که مینیاتور واقعی هستند. نتوانستم سایر درخواستهای شما را انجام دهم. فکر می‌کنم در آینده نزدیک بتوانم وجهی را که تذکر دادید به حساب شما منتقل کنم.

من و «روزالیند» بهترین دروهای خود را به شما و «اتل» تقدیم می‌داریم. استوارت دبلیو. راکول

کتاب هفتاد و دوم

مستشاری نظامی
آمریکا در ایران (۳)

معرفی کتاب

«قانونی در مجلس بردند... که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کسی که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند... ما را فروختند. استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. ... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.»

حضرت امام خمینی (ره)

۱۳۴۳/۸/۴

در جلد‌های اول و دوم از مجموعه اسناد لانه جاسوسی تحت عنوان «مستشاری نظامی آمریکا در ایران» به تاریخچه حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران و موضوع احیای کاپیتولاسیون پرداختیم. با توجه به وقایع و پیامدهای مهم و در عین حال اسفبار این قضیه، جلد سوم از این مجموعه به ذکر رویدادهای پس از تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون اختصاص یافته است و با ارائه بیش از ۷۰ سند از مقطع تاریخی آبان ماه ۱۳۴۳ تا آبان ماه ۱۳۵۸، در سه فصل به بررسی این رویدادها می‌پردازد. به منظور استفاده هر بیشتر خوانندگان محترم، در مقدمه مروری اجمالی بر بعضی از نکات و وقایع مهم خواهیم داشت.

پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

پس از تصویب نهایی لایحه کاپیتولاسیون در مهر ماه ۱۳۴۳، دولت وقت همچنان تحت فشار شدیدی قرار داشت. نهضت اصیل اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) با افشاگری در مورد این خیانت بزرگ، وارد مرحله جدیدی از مبارزه علیه رژیم وابسته پهلوی گردید. در مقابل، دولت آمریکا نه تنها سعی نمی‌نمود که به خروج شاه از آن وضعیت بحرانی کمکی نماید، بلکه کوشش می‌کرد تا سر حد امکان شمول لایحه کاپیتولاسیون را گسترش داده و علاوه بر مستشاران نظامی آمریکا، گروه‌های دیگری از نظامیان آمریکا را که در ایران حضور داشتند، ولی مستشار نبودند و همچنین خانواده‌های تمامی نظامیان آمریکایی و حتی خدمه‌های آنان را نیز تحت پوشش مصونیت‌های این لایحه قرار دهد.

به همین منظور مقامات سفارت آمریکا در خلال مذاکرات متعددی با نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، معاون وزارت خارجه و دیگر مقامات ذی‌ربط ایرانی، آنها را تحت فشار قرار می‌دادند تا به خواسته‌های نامشروع آمریکا گردن نهند. این فشارهای دیپلماتیک در حالی اعمال می‌شد که مقامات آمریکایی به خوبی از وضعیت بحرانی دولت منصور آگاهی داشتند. در این رابطه، کاردار وقت سفارت آمریکا چنین می‌گوید:

«در شرایط فعلی، دولت منصور در موقعیت نامناسبی قرار گرفته به نحوی که مجبور است به افراد مطلع، از جمله حقوق‌دانان ایرانی توضیح دهد که چرا قضاوت در تمام دعای جنایی در ایران، به دادگاههای ایالات متحده واگذار شده است. در حالی که مشخص است که برای مثال، وضعیت واحد مخابرات آمریکا در پاکستان به نحو بارزی تنها شامل واگذاری حقوق قضائی در موارد خارج از حین انجام وظیفه می‌شود. به علاوه موافقتنامه وضعیت نیروها دارای عباراتی است که مستلزم لغو مصونیت در مواردی با «اهمیت ویژه» می‌باشد. علیرغم این مسئله، ترتیباتی که از سوی پارلمان ایران مقرر شده، این چنین شرطی را در بر ندارد.» (سند شماره ۲۷ - جلد ۷۱)

همین مقام آمریکایی اعتراف می‌کند:

«از جمله اتهامات وارده به منصور و وزارت امور خارجه این است که آنها با کاربرد کنوانسیون وین، در مورد پرسنل نظامی آمریکا در ایران، امتیازات بیشتری از آنچه که ما از طریق قراردادهای مختلف «وضعیت نیروها» در دیگر کشورها، به خصوص در کشورهای ترکیه و پاکستان به دست آورده‌ایم، به ما داده‌اند. البته این مسئله تا حدی صحت دارد.» (سند شماره ۲۷ - جلد ۷۱)

جالب اینجاست که منصور، نخست‌وزیر وقت، در رابطه با این مسئله برخورد دوگانه‌ای در پیش گرفته بود. هنگامی که با اعتراض مقامات آمریکایی در مورد شمول لایحه کاپیتولاسیون مواجه می‌شد، قول می‌داد که خواسته‌های نامشروع آمریکاییان را برآورده سازد، ولی وقتی که در مجلسین سنا و شورای ملی حضور پیدا می‌کرد، به علت ترس از رسوایی هر چه بیشتر سعی می‌نمود که حیطه و شمول لایحه را به حداقل برساند. این نکته از دید مقامات سفارت آمریکا پنهان نماند، آن چنان که کاردار سفارت آمریکا در این باره می‌گوید:

«اما متأسفانه سخترانی نخست‌وزیر علیرغم نکات سودمند آن، شامل چند بی‌دقتی خیره‌کننده نیز هست که برای جلب نظر مردم خوب می‌باشد، ولی از قرار معلوم اشتباهاتی جدی در مورد شمول لایحه ایجاد کرده است. به خصوص گزارش شده که سه مورد را ذکر کرده که اشتباه است (۱) در حالی که ایالات متحده خواستار آن است که بستگان مستشاران نیز مشمول مصونیت شوند، اما بر طبق عبارات این قانون، آنها از شمول مصونیت خارج شده‌اند. (۲) فقط ارتکاب جرائمی که در حین انجام وظیفه باشد مشمول مصونیت است و از قرار معلوم تمایزی میان جرائم جنایی و مدنی وجود ندارد (۳) علیرغم اینکه ایالات متحده خواستار آن است که تمامی اعضاء و هیئتهای مستشاری تحت مصونیت قرار گیرند، ولی این قانون عملاً شامل آنها می‌شود که نقش مستشاران فنی را ایفاء می‌نمایند» (سند شماره ۲۹)

اما نخست‌وزیر رژیم پهلوی آنقدر در ارتکاب خیانت غوطه‌ور شده بود که حاضر شد با دستکاری در متن سخنانش در مجلس سنا، اهداف نامشروع آمریکا را تأمین نماید.

«آقای منصور به زبان فارسی از وی (دکتر یگانه) سؤال کرد که آیا امکان تغییر متن اظهاراتش در صورت جلسات مجلس سنا در مورد اعضاء خانواده وجود دارد یا نه» (سند شماره ۲۸)، «او (نخست‌وزیر) تمامی آنچه را که گفته بود، پس گرفت. وی متعاقباً تلفن کرد و گفت ترتیبی داده تا متن رسمی اظهاراتش تصحیح گردد، به طوری که مشخص شود او به اعضاء غیرآمریکایی خانه، اشاره کرده است.» (سند شماره ۲۹ - جلد ۷۱)

توقعات ارباب آمریکایی از مزدورانش بقدری زیاد بود که این دوگانگی ظاهری در رفتار نخست‌وزیر نیز موجب نارضایتی آنها شده بود. در این رابطه «استوارت راک ول»، کاردار وقت آمریکا در تهران چنین می‌گوید:

«به نظر من هیچ اشکالی ندارد که نخست‌وزیر متوجه شود که ما از شیوه عمل برای تصویب این لایحه راضی نیستیم» (سند شماره ۳۰ - جلد ۷۱)

مسئله به اینجا هم ختم نگردید. نخست‌وزیر رژیم شاه چنان در مسیر نوکری بیگانه پیش رفته بود که مقامات آمریکایی را محرم اسرار خود دانسته و از آنان درخواست کرد که این خیانتها را حتی با وزارت خارجه تحت امرش نیز در میان نگذارند.

«نخست‌وزیر گفت که وی می‌خواهد این موضوع بین ما دو نفر باقی بماند و وزارت خارجه ایران از آن مطلع نگردد.» (سند شماره ۲۸ - جلد ۷۱)

شاه و لایحه کاپیتولاسیون

شاه که در ابتدا می‌خواست نمایشی از دمکراسی در ایران را به روی پرده آورد، از اینکه میزان و کیفیت مخالفت با این لایحه در مجلس شورای ملی از حد مجاز خارج شده بود، بسیار خشمگین گردید.

«وی (نخست‌وزیر) گفت شاه در مورد کل ماجرا خیلی خشمگین شده و سه‌شنبه آینده سه تن از نمایندگان (رامبد، سرتیپ‌پور و یکی دیگر از مخالفین) در حمایت از لایحه سخن خواهند گفت.» (سند شماره ۳۰ - جلد ۷۱)

«حزب ایران نوین نیز مشخص ساخت که تعداد افراد تصفیه شده، نزدیک به ۲۰ نفر است نه ۱۰ نفر. جدیدترین حرکت در مجلس این بود که در تاریخ ۵ نوامبر، همان نمایندگان مخالفی که از لایحه انتقاد می‌کردند، ناگهان و بدون شک طبق دستورات شاه، تغییر مواضع داده و از آن ستایش کردند.» (سند شماره ۳۵)

آمریکاییان که می‌دیدند مقامات رژیم از ترس عواقب خطرناک لایحه کاپیتولاسیون، در تأمین بعضی از اهداف مورد نظر دولت آمریکا تعلل می‌ورزند. راه حل نهایی را در مراجعه به شاه دیدند.

«اگر وزارت امور خارجه در فراهم کردن بیانیه لازم مانع ایجاد کند، ما باید نخست‌وزیر را روی قولش نگه داریم و در صورت لزوم به شاه مراجعه کنیم.» (سند شماره ۲۹)، «من از طرح هر جنبه‌ای از مسئله مصنوعیها با دیگران بیزار هستم. در صورتی که ما خواهان هر گونه ضمانت کتبی رسمی و حتی غیر رسمی باشیم، باید شخص شاه تصمیم بگیرد و یا در واقع، او باید دیدگاههای ما را بر دولت خویش تحمیل کند.» (سند شماره ۸۱)، «وزیر امور خارجه ایران به کاردار ما گفته است، که او هر

آنچه را که تاکنون در رابطه با کنوانسیون وین واقع شده... برای شاه فاش کرده است و شاه به او دستور داده است که آن یادداشتی را که ما می‌خواهیم، برای ما بفرستد.» (سند شماره ۳۸)

سزای خیانت

سرانجام در روز اول بهمن ۱۳۴۳، منصور (احیاگر کاپیتولاسیون) به سزای خیانتش رسید و به وسیله یکی از فرزندان رشید اسلام به نام «محمد بخارایی» اعدام انقلابی گردید. نزدیک به ۳ ماه بعد در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، شاه نیز توسط یکی از سربازان محافظ کاخ سلطنتی مورد حمله مسلحانه قرار گرفت، ولی قبل از اینکه آن سرباز موفق به کشتن شاه شود، توسط دو نفر از محافظین شاه به شهادت رسید. به این ترتیب ملت ایران نشان داد نه تنها خیانت‌های سردمداران رژیم شاه را فراموش نکرده است، بلکه در اولین فرصت فرزندان انقلابی اسلام، خیانتکاران را به سزای اعمال خویش می‌رسانند.

تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

پنج سال پس از تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ضربه دیگری بر حاکمیت قضائی ایران وارد گردید که آن را از جمله پیامدهای کاپیتولاسیون باید دانست. در سال ۱۳۴۸، فرمانده مستشاران نظامی آمریکا در ایران تقاضا نمود که برای رسیدگی به تخلفات فزاینده نظامیان آمریکایی در ایران، شعبه‌ای از دادگاه نظامی آمریکا، در ایران تشکیل شود. کاردار سفارت آمریکا در مورد این درخواست چنین استدلال می‌نماید:

«ارتش (آمریکا - م) در حال برخورد با مشکلات فزاینده‌ای در مورد رعایت و حفظ دیسیپلین نظامی در ایران است. آنها این مشکلات را ناشی از کیفیت پایین پرسنل نظامی که به اینجا فرستاده شده‌اند و همچنین ناشی از افزایش دقت در روش وکلای مدافع برای حمایت از متهمین، می‌دانند.» (سند شماره ۷۷)

جالب اینجاست که فرمانده مستشاران نظامی، خود اذعان دارد که مستشاران نظامی آمریکایی در ایران از کیفیت پایینی برخوردار بوده‌اند، ولی با این حال به عنوان کارشناس نظامی به ارتش ایران تحمیل شده و هزینه سنگینی بر دوش ملت مسلمان ایران نهاده بودند. در این رابطه «مارتین. اف. هرتز» مشاور سفارت آمریکا در امور سیاسی، چنین می‌گوید:

«این نخستین باری است که ما در میان نظرات مخالف حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران، مطالبی مبنی بر تحمیل هزینه سنگین این حضور بر بودجه ایران دریافت می‌کنیم. اکثر مردم اینجا، فکر می‌کنند که خدمات کلیه پرسنل مستشاری ما به عنوان کمک ارائه می‌شود.» (سند شماره ۴۷) تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران علاوه بر نقض استقلال و حاکمیت قضائی ایران، بر خلاف معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی نیز بود و آمریکاییان به خوبی از این موضوع اطلاع داشتند. در این رابطه، «جان آرمیتاژ» رایزن سیاسی سفارت آمریکا، در این باره می‌گوید:

«در تمام مدت مذاکره با ایرانیها، به آنها اطمینان می‌دادیم که نه در گذشته و نه در آینده قصد برپایی دادگاه نظامی در ایران را نداشته و نداریم. در گذشته این کار را نکرده‌ایم زیرا طبق مقررات

نظامی، نهاد نظامی ما در اینجا به صورت پایگاه در می‌آید و ما به خاطر معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی بشدت از بروز چنین امری جلوگیری می‌کنیم. بر طبق این معاهده ایران متعهد است که به هیچ نیروی خارجی اجازه تأسیس پایگاه در این کشور را ندهد.» (سند شماره ۶۸، ۴ فروردین ۱۳۴۴)

علیرغم این موضوع، ۴ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۸ مقامات نظامی آمریکا در ایران خواستار تشکیل چنین دادگاههایی در ایران شدند. دولت ایران در پاسخ، با این شرط که «تشکیل این دادگاهها در ایران، رسماً به دولت ایران اعلام نگردد»، با این درخواست موافقت می‌کند.

«... ما پیش از تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، آقای گودرزی رئیس اداره چهارم سیاسی را از طرح خود آگاه ساختیم. به ما این گونه پاسخ داده شد: مادامی که تشکیل این دادگاهها در ایران رسماً به دولت ایران اعلام نگردد، وزارت امور خارجه ایران به تشکیل آنها اعتراضی نخواهد داشت.» (سند شماره ۸۴)

انقلاب اسلامی و لغو کاپیتولاسیون

۳ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت با تصویب شورای انقلاب اسلامی، لایحه کاپیتولاسیون را الغاء نمود، ولی با کمال تأسف مقامات دولت موقت در برخورد با مسئولین سفارت آمریکا، بیشتر به توجیه قضیه می‌پرداختند و خود را مجبور به انجام آن نشان می‌دادند.

«بزدی، وزیر خارجه»، به کاردار سفارت، آقای ناس، گفته بود که لغو مصونیت‌های پرسنل آرمیش - مگ را نباید یک حرکت ضدآمریکایی تلقی کرد و یا آن را نشانه‌ای از عدم تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط دانست. وی اضافه کرد که تصویب قانون «کاپیتولاسیون» در سال ۱۹۶۴ با اعتراض مردم رو به رو شد و منجر به تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه گردیده بود.» (سند شماره ۹۵)

علیرغم روحیه سازشکارانه مقامات دولت موقت، رهبری پیامبر گونه حضرت امام خمینی (ره) و حضور همه جانبه مردم در صحنه باعث شد که دولت موقت الغاء این لایحه را اعلام و به این ترتیب بعد از ۱۵ سال بار دیگر استقلال و حاکمیت قضائی ایران احیاء گردید و یکی از خواسته‌های بزرگ ملت مسلمان ایران تحقق یافت که این نیز یکی دیگر از دستاوردهای بی‌شمار انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

با این امید که ارائه این اسناد بتواند گوشه‌هایی از دخالت‌های نامشروع آمریکا را که منجر به نقض حاکمیت و استقلال قضائی کشور عزیزمان گردید، بازگو نماید. برای حسن ختام به فراز دیگری از سخنان گوهر بار حضرت امام خمینی (س) اشاره می‌کنیم که در سال ۱۳۴۳ در مدرسه فیضیه ایراد فرمودند:

«... آقا اگر این مملکت اشغال آمریکاست، پس چرا این قدر عربده می‌کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می‌زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟ اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکاست پس دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بهار ۱۳۷۰ بگوئید؟...»

فصل اول

پیامدهای احیای کاپیتولاسیون

لایحه تصویب تحصیل ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی آمریکا، در جلسه ۱۱۱ مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۴۳ (۵ نوامبر ۱۹۶۴)، مطرح و تصویب شد. در این جلسه تعدادی از نمایندگان که علیه لایحه کاپیتولاسیون صحبت کرده بودند، طی نطقهایی تمامی مخالفت‌های خود را پس گرفتند و شروع به تعریف و تمجید از این لایحه نمودند. آن گونه که در سندهای بعدی خواهد آمد این تغییر موضع در اثر تهدید شاه به عمل آمد و نشان داد که نمایش مضحک دمکراسی و بازی اکثریت - اقلیت در مجلس شورای ملی آن زمان تا چه حد بی پایه و مسخره بوده است. به همین خاطر متن سخنان نمایندگان مخالف در تأیید لایحه کاپیتولاسیون چاپ گردید.

بیانات قبل از دستور آقایان: رامبد - زهتاب فرد - دکتر شفیق امین

رئیس - نطقهای قبل از دستور را شروع می‌کنیم. آقای رامبد تشریف بیاورید.

رامبد - در ابتدای این هفته به مناسبتی تصادفاً در مجلس سنا بودم. جناب آقای نخست‌وزیر ضمن بیاناتی که در پیرامون لایحه تقویت قوای دفاعی می‌فرمودند، مطالبی هم بسیار مفصل و مشروح و جالب درباره لایحه‌ای که چندی قبل از مجلس گذشت، ایراد فرمودند. حزب و فراکسیون حزب مردم به بنده مأموریت دادند که نظرات حزب مردم و فراکسیون مردم را در این جلسه به عرض مجلس شورای ملی برسانم. استماع بیانات ایشان در پیرامون مطلب مورد بحث برای هر شنونده‌ای، تصور می‌کنم احساسی به وجود می‌آورد که من به سهم خودم باید عرض کنم که هم متشکر شدم و هم گله‌مند، هم خوشوقت و هم متأسف. متشکر گردیدم از این جهت که بیانات مشروح و مفصل و جالب ایشان حاکی از مطالبی بود که اطلاع از آن مطالب برای هر ذی‌علاقه، موجب رفع شبهه و ابهام و شک و تردید و گلايه و نگرانی می‌گردید که برای مثال جملاتی چند از عین بیانات آقای نخست‌وزیر را یادآور می‌گردد:

«چند ماه پیش لایحه‌ای بود تا برای اعطاء مصونیت سیاسی که خاص مملکت ما نیست که در کلیه کشورهای جهان مراعات می‌شود به عده‌ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند، اعطاء شود.»

همچنین در جای دیگر، بیانات ایشان حاکی از آن است:

«که علاوه بر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی که بنده اسامی آنها را می‌گویم مانند کانادا - انگلستان - فرانسه - بلژیک - هلند - لوکزامبورگ - جمهوری فدرال آلمان - دانمارک - ایسلند - نروژ - ایتالیا - یونان - ترکیه - پرتغال - که قراردادهای نظامی بسته شده است، به تمام افراد نظامی آمریکا و پرسنل آمریکا و کلیه افرادی که در خدمت آن دستگاه هستند، مصونیت کامل سیاسی داده شده است. در صورتی که در این لایحه که به تصویب مجلسین رسید طبق معاهده وین که ۶۸ مملکت زیر آن را امضاء کرده‌اند و با وجدان راحت و روشن آن را امضاء کرده‌اند، طبق آن ماده فقط یک مصونیت ناقص یعنی مصونیت در حین انجام وظیفه داده شده است، حتی مصونیت مدنی برای مستشاران آمریکایی در خدمت ارتش ایران اعطاء نشده است و کلیه مواردی که برای تأمین حقوق افراد ایرانی ضروری است، در اختیار محاکم صالحه ایران است. فقط این افراد در حین انجام وظیفه چون ما خواهان انجام وظیفه آنها هستیم و اگر اتفاقی بیفتد دارای مصونیت سیاسی هستند و از مصونیت سیاسی بین‌المللی استفاده می‌کنند».

ایشان در دنباله بیانات خود، چنین اضافه کردند.

«فرانسه - یونان - پاکستان - ژاپن - اندونزی - لیبی - اتیوپی - و سایر ممالک متشابه اینها در آسیای جنوب شرقی و آفریقا و غیره این قراردادها را بسته‌اند، حتی به معاهده بین‌المللی اشاره نکرده‌اند و قرارداد دو جانبه بسته‌اند و مصونیت کامل داده‌اند».

و بالاخره دیگر اظهارات جناب آقای نخست‌وزیر حاکی است:

«این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیر فنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی داده‌اند بسیار کمتر، ساده‌تر و در چهارچوب یک معاهده بین‌المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست» آنچه بیان شد اظهارات آقای نخست‌وزیر بود که هر شنونده به اختصار سه مطلب را از آن به خاطر می‌سپارد.

اولاً - تنها ایران نیست و ممالک امثال فرانسه - انگلستان - آلمان غربی - ایتالیا - هلند - دانمارک و غیره قراردادهای متشابهی برای استفاده از مستشاران نظامی آمریکایی دارند.

ثانیاً - شرایط و امتیازات مورد نظر در کشور ایران به مراتب کمتر، محدودتر و ساده‌تر از کشورهای نامبرده است.

بالاخره ثالثاً - این شرط در استخدام از یک طرف، شامل خانواده مستشار نمی‌گردد و از طرف دیگر در مورد خود مستشار هم امتیازات مربوطه به کارمندان اداری و فنی مشروحه در قرارداد وین را محدود کرده‌اند به وظایف مربوط به خدمت آنها، نه در غیر خدمت است.

استناد به این توضیحات برای هر کس که وارد به مطلب نبوده باشد، بسیار مفید و از نقطه نظر اجتماع به نظر بنده لازم می‌بود و از این جهت است که به سهم خود از جناب آقای نخست‌وزیر تشکر می‌کنم. واقعاً هم در خارج از مجلس در پیرامون این لایحه که خود ما در حدود هفت هشت ساعت موافق و مخالف، سطر به سطر، جمله به جمله بحث کردیم و کلمه به کلمه اطلاع داریم. مطالبی به گوش می‌رسد که به هیچ وجه من الوجوه ارتباطی با این لایحه ندارد (صحیح است).

اما بحث دوم، چرا گله‌مندم. من صورت مجلس مذاکرات جلسه مربوطه را در مجلس شورای ملی مجدداً به دقت قرائت کردم. با آن سیاست و کیاستی که در کار هر دولتی لازمه پیش‌بینی و پیش‌گیری در امور اجتماعی و مملکتی است، می‌بایستی از ابتدا مورد نظر متصدیان امر قرار می‌گرفت و به ازای آنچه گذشت و تکرار و تجدیدش موردی ندارد، از ابتدا اذهان عمومی روشن و از امکان بروز هر شایعه‌ای خلاف واقع جلوگیری به عمل می‌آمد و هم اکنون با وجود آنکه احتمالاً نمایندگان محترم مجلس شورای ملی از مطالعه مشروح مذاکرات مجلس سنا اطلاع حاصل فرموده‌اند و در جراید هم درج گردیده، عنوان مطلب در مجلس شورا را نیز مفید می‌دانم، شاید هم تأخیر شده باشد، به هر حال بهتر است که چون مطالب دیگری در پیرامون همین مذاکرات آقای نخست‌وزیر دارم باب گلابه را به همین جا ختم نمایم و در تأیید همین مورد به سرمقاله روزنامه مهر ایران ارکان حزب مردم اشاره کرده که در این باب نیز چنین می‌نویسد:

«بسیار به جا و به موقع بود که دولت در مجلس سنا درباره دو مطلب مهم و حساس که به سرنوشت مملکت ما و نظم و آرامش خاورمیانه بستگی دارد، توضیحات کافی داد. اعتقاد ما بر این است که این قبیل مسائل را نباید از افکار عامه مکتوم داشت، زیرا آن وقت است که عناصر مغرض و دشمنان خارجی شروع به سوء استفاده و بهره‌برداری کرده و با تلقین نظریات غرض آلود خود، گاهی را کوه جلوه داده و مردم عادی کشور را از درک حقیقت باز می‌دارند». در ابتدای عرایض عرض کردم خوشوقتی بنده از آن جهت است که از فحوای کلام آقای نخست‌وزیر چنین استنباط گردید که اظهارات ایشان در مجلس سنا قسمتی هم برای روشن شدن اذهان عمومی بوده است. جای بسیار خوشوقتی است و این خود موهبتی است که ملتی بدان پایه رشد و ترقی فکری و غرور و تعصب ملی برسد که کمترین توهمی در خدشه‌دار شدن منافع مادی یا معنوی کشورش جلب توجه و کنجکاوی عمومی را بکند. در این مورد جا دارد یک بار دیگر از بانیان و به وجود آورندگان این موهبت از دو ناجی نامدار ایران زمین یکی پادشاه فقید رضاشاه کبیر و یکی شاهنشاه عزیز ما که بانی چنین موهبتی که اشاره کردم، هستند حق‌شناسی و سپاسگزاری نماییم (صحیح است) که هر یک به سهم خود احیاء کننده کشوری که از هر جهت به سوی اضمحلال می‌رفت نیز هستند و هم خود به وجود آورنده چنین احساساتی در ملت خود که لبریز از هوشیاری و غرور و تعصب ملی و وطن پرستی و علاقه‌مندی به کوچکترین مسائل مملکتی خود می‌باشند. آری جا دارد یادآوری کنم خاندان پهلوی بود که قبیح و معایب مطالبی مانند کاپیتولاسیون را به ملت ایران فهمانید و برای ابد چنین مسائلی را از تاریخ ایران حذف کرد و از بین برد (صحیح است) پس ملت ایران هم با هوشیاری آماده است که در پیروی از وجود چنین شاهنشاهی، خودش را در همه موارد آماده نشان بدهد. به طور قطع پس از تحولی که شاهنشاه بزرگ ما در امور اجتماعی، اقتصادی، کارگری، کشاورزی، فرهنگی، بهداشتی، نظامی و بالاخره کلیه شئون مختلفه مملکتی به وجود آورده‌اند و هر روز دسته‌ای از افراد ملت و طبقه‌ای از طبقات اجتماع ما از قید اسارت و بندگی آزاد و در راه سعادت و پیشرفت مادی و معنوی خود قدم برمی‌دارند. یقیناً وظایف دولتها درباره توضیح و آشکار کردن اعمال و افکار خود در قبال ملت سنگین‌تر می‌گردد، زیرا به طور قطع و یقین، ملتی که افراد آن آزاد، سالم، باسواد بود از امنیت و آسایش برخوردار گردید، مایحتاج زندگی خود را تأمین شده یافت، به مملکت خود علاقه‌مندتر و

نسبت به سرنوشت آن و آنچه در آن می‌گذرد، با دقت و توجه و کنجکاوی بیشتری مراقبت خواهد کرد (صحیح است) و کنجکاوی درباره این لایحه نیز اگر ناشی از عواملی باشد که عرض کردم، جای بسیار خوشوقتی است و از طرفی تا موقعی که رهبری آن چنان دلیر و شجاع و از خود گذشته و عاشق ملت و مملکت خود چون شاهنشاه ما بر آن سلطنت می‌کند که از جمله در مورد آذربایجان می‌فرماید اگر دستم را قطع کنند سندی بر علیه منافع و تمامیت مملکت امضاء نمی‌کنم، یاوه‌گویان باید بدانند که هر تبلیغ سوء، کمترین اثری در ایمان راسخ و اعتقاد کامل ملت ایران نخواهد کرد. (صحیح است - احسنت) و همچنان که در موارد دیگری پیش آمد و عرض کردم:

دنیا باید بداند که شاید تنها مملکت منحصر به فردی که در موقع مطرح شدن مصالح عالییه مملکتی، هیچ دسته و فرقه و صنفی با یکدیگر اختلاف پیدا نمی‌کند، ایران است (صحیح است - احسنت) آن چیزی که مربوط به قوای دفاعی مملکت می‌شود تمام بیست و چند میلیون ایرانی یک زبان دارند (صحیح است) (قراچورلو - خوشوقتم که با ما همفکر شدید).

خاتمه عرایض من مانند شروع بیانات خود آقای نخست‌وزیر در پیرامون مورد بحث، اظهار تأسف است. و اما تأسف من از آن جهت است که ضمن بیانات ایشان اشاره‌ای به دو جمله گردید، یکی به اغراض شخصی که در محافل و معابر یا منابر گفته می‌شود و یکی هم (به اعمال نظرات خارج به وسیله ستون پنجم) من به اختصار عرض می‌کنم ملت ایران با هوشیاری کامل از آنچه در نقاط دیگر دنیا خاصه بعضی کشورهای مجاور ما و بالاخص در خاورمیانه می‌گذرد، مطلع است و از وضع نابسامان و وحشت و دهشت عمومی، خونریزی و قتل و قتال و غارت که هر روز به صورتی در یکی از مناطق بر اوضاع حکومت می‌کند، اطلاع دارد لذا مقایسه وضع رقت‌انگیز و وحشتناک آنان نسبت به اوضاع کشور خودمان که در نهایت امنیت و آرامش و ثبات سیاسی، بهبود اقتصادی که هر روز پیشرفتهایی در یکی از شئون مملکتی به نفع ملت ایران در نهایت راحتی و آسایش مردم انجام می‌گیرد، در حالی که در بعضی کشورهای مجاور ما هر دسته‌ای که داعیه‌ای داشتند، با روی کار آمدن دسته بعدی خود جزو تسویه‌شدگان قرار گرفتند. شاید هم به دیار عدم رهسپار گردیدند. شاید باز هم این تشنجات و تغییرات همچنان ادامه یابد هر روز نوبت به دیگری برسد و به این ترتیب در آن دیار بر هیچ کس هیچ چیز ابقاء نشود. بنابراین هر فردی از افراد بشر که خون ایرانی در عروق او جاری است اعم از هر طبقه و صنف، غنی و فقیر، کشوری و لشگری، دولتی و غیردولتی، کارگر و کشاورز، استاد، شاگرد، بلا استثناء در راه یگانگی و وحدت ملی و تولید خوش‌بینی و امیدواری و به خصوص بقاء این ثبات و آرامش و آسایش هر یک به سهم خود همکاری و مجاهدت نماید (صحیح است) و در بقاء سلامت و عظمت سلطنت شاهنشاه معظم و محبوب ما که تنها ضامن استقلال و آرامش و آسایش کشور است دعاگو باشد (احسنت) و با هر عاملی که کمترین خللی به این سعادت و سلامت و امنیت اجتماعی موجود ما وارد آورد، مبارزه کنند (صحیح است) و بالاخره در خاتمه عرایضم با استفاده از کلمه معابر یا منابر که ایشان اشاره نمودند، مطلب بسیار مهم لازمی به خاطر آمد که از فرصت استفاده می‌کنم و در مورد منابر می‌خواهم به عرض مجلسین برسانم.

ما در آن مرحله‌ای از تاریخ بشریت رسیده‌ایم که بالاخره باید تفکیک قوای روحانی را از سیاست کاملاً رعایت کنیم، زیرا این امر هم به نفع دولت است و هم به صلاح دین و روحانیت (صحیح است)

من خدای ناخواسته به هیچ وجه نمی‌خواهم تعلیم دین و مذهب و خداشناسی را موقوف یا معطل بدارم بلکه معتقدم که امروز از هر وقت دیگر به این امر بزرگ و تعلیمات مذهبی و خداشناسی احتیاج بیشتری داریم. هر چه انسان بزرگتر می‌شود هر چه بشر جلوتر می‌رود باید ایمانش کاملتر شود. یعنی هر چه به خدا نزدیکتر می‌شود، باید خدا را بهتر بشناسد (صحیح است) به عقیده من در دوره ما یک بدبختی بزرگی نسل بشر را تهدید می‌کند و آن این است که تمام توجه و ذکر و فکر بشری متوجه زندگی مادی گردیده و همه چیز انسان را منحصر به این دنیا می‌دانند و این بدبختی بسیار بزرگی است چون این زندگی مادی که هدف و غایت آمال و آرزوی بشری گردیده، اگر عاقبتش به مرگ و فنا و عدم بینجامد به این ترتیب شدائد و ناراحتیها بیشتر خواهد شد، زیرا علاوه بر رنج و درد و محنت که لازمه بقاء حیات و امرار معاش است، ناامیدی هم علاوه می‌گردد و به تمام معنی زندگی درست جهانی خواهد بود که بالاخره احوال مردم دستخوش تشنجات و انقلابات خواهد گردید.

شک نیست که من هم مانند تمام همکاران عزیزم با نهایت علاقه و اشتیاق در کمال صمیمیت آرزو می‌کنم که به زندگی مادی افراد این ملت بهبودی داده شود و زحمتکشان و رنجبران از زندگی بهتری برخوردار گردند و تصور نمی‌کنم در این مجلس کسی غیر از این بخواهد (صحیح است) اما اولین دوی درد امیدوار داشتن افراد بشر است. ما همه خواه قانونگذار باشیم، خواه مجری قانون، خواه نویسنده باشیم، خواه روحانی، خواه قاضی باشیم، خواه معلم، با تمام قوا باید در تخفیف شدائد و ناراحتیهای اجتماعی مردم بکوشیم و آنها را امیدوار کنیم و این امید حاصل نمی‌شود تا علاوه بر همت خود ایشان، سرهای آنها به طرف آسمان بلند نشود و قلوب آنها به طرف خالق یکتا متوجه نگردد، همه باید در اعمال و کردار خود متوجه سرای جاودان باشند و بدانند که پس از این زندگی عاقبت و عقوبت و سزا و پاداشی هست. همه بدانند که مرگ عدم نیست، استرداد است و سرانجام هر چیز خداست و هر جا که سری هست، سری ز خدا هست.

واقعاً اگر چنین نمی‌بود، این زندگی ارزشی نمی‌داشت و خود دوزخ موعود می‌گردید. آری آنچه مشقت و زحمت را قابل تحمل و کار را مقدس و بشر را یاری می‌کند تا خردمند، مهربان، بردبار نیکوکار و دادگر گردد و در راه پیشرفتهای علمی و معنوی مستعد و متحمل باشد، این است که معتقد باشند از پس امروز موقت، فردای جاودانی است، و این دنیای ظلمانی به عالم نورانی منتهی می‌شود.

حال که چنین پیش آمد بر سبیل اتفاق رشته صحبت بدین جا کشیده شد که در مسائل بسیار عالی، مطالبی از زبان من جاری گردد، من با کمال صراحت اعلام می‌کنم که من خود به این عالم جاودانی معتقدم و حقیقتش را بسی بیش از این دنیای واهی که به آن گرفتاریم و اسمش را زندگی می‌گذاریم، می‌دانم و پس از همه مطالعات و تفکرات، تحقیق و تدقیق، تفحص و تعمق، تأمل عقلم به آن یقین دارد و روحم از آن تسلی می‌یابد. کسانی که با من سفر یا زندگی کرده‌اند به مناجات شب و دعای صبح من واقف هستند (قراچورلو - جنابعالی دائم السفر هستید) پس من تعلیم دیانت را صمیمانه، مشتاقانه، جاذمانه، مصرانه خواستارم اما آنچه ما می‌خواهیم، تعلیم حقیقت دین است نه خرافات و شایعات (صحیح است) صدق و صفا می‌خواهیم، تزویر و ریا نمی‌خواهیم (صحیح است) روحانیت می‌خواهیم، سیاست نمی‌خواهیم، آسمان می‌خواهیم (قراچورلو - مصداق پیدا کرده) زمین

نمی‌خواهیم این مطلبی نیست آقای قراچورلو که با خنده توأم باشد (قراچورلو - فرمودید آسمان می‌خواهیم، عرض کردم مصداق پیدا کرده) دست‌اندازی منبر روحانیت را بر مسند حکومت روا نمی‌داریم. به جای رهبر، روحانی نمی‌خواهیم به جای معلم ملا نمی‌خواهیم به جای قاضی، شیخ نمی‌خواهیم. اگر معلم و قاضی و روحانی هر سه را می‌خواهیم با نظارت کامل دولت می‌خواهیم که هر یک کار خود کنند. آن علم آموزد این مردم را به سوی خدای بزرگ راهنمایی کند (صحیح است).

برادری، محبت، یگانگی، وحدت، صمیمیت، حقیقت و بالاخره عظمت و ملیت را در مردم تبلیغ کنند. به ملت نعمت سلامت بیاموزند و در راه آسایش و امنیت قدم بردارند. آن منبری که به جای نور صدق و صفا، بوی تزویر و ریا از آن می‌آید، برای همیشه خاموش باد. آن زبانی که تخم نفاق و تفرقه، دوئیت و جدایی ناامنی و اغتشاش می‌پاشد، برای ابد بسته باد (احسنت) ای کاش همه روحانیون ما طبق قوانین و تعلیمات عالیه اسلامی در راه تحقق بخشیدن به بهبود زندگی بیچارگان و ضعفا با راهنمایی و تبلیغ مالکین و اغنیا، در تحول تاریخی شاهنشاه این مملکت سهیم و شریک می‌شدند (صحیح است).

من با کمال رشادت می‌گویم ایران تبلیغات مذهبی لازم دارد، اما تبلیغاتی که حقیقت و عدالت داشته، متضمن رشد و ترقی ملت باشد (صحیح است) هم به تنظیم امور کمک باشد هم به تنویر افکار. عقل و روح و معرفت و صمیمیت و محبت و وحدت پیروانند، نه نفاق و دوئیت و تفرقه و سیاست. روحانیون ما باید از آن کسانی باشند که برای ملک و ملت قدرت بخواهند، نه بندگی. عظمت بخواهند نه حقارت. بزرگی بخواهند نه کوچکی. هستی بخواهند نه نیستی. اگر بعضی از ایشان نمی‌خواهند چنین کنند آیا می‌خواهند ملت ایران را متوقف کنند؟ افکار بشری را متحجر سازند. بالاخره نورالهی را خاموش کنند، روح را آماده کنند. ربانیت را به مالکیت بفروشند اگر چنین باشد اگر مقتضیات زمان را نمی‌بینند پس در این دوره بیگانه هستند. در این عصر ترقیات و اکتشافات و اختراعات، نهضت توقف و بی‌حرکتی نمی‌توان خواست. در دوره امیدواری، نومیدی نمی‌توان اعلام کرد. عقل و فکر و ترقی و ملیت و وحدت ایرانی را نمی‌توان پایمال کرد. آیا هستند کسانی که بگویند پیش نباید رفت، پس به همین جا باید بمانیم. آیا نمی‌بینند که همه ذرات عالم در حرکت است رو به تبدیل، تجدد و تمدن مسابقه گذارده‌اند. زیر و بالا، پس و پیش همه در تحول است. آیا می‌خواهند بایستند یا برگردند. ایران را از حرکت نمی‌توان بازداشت. مگر نمی‌بینیم که خدا جهان را می‌گرداند، جهانیان را می‌جنباند اگر ملتها جنبند آنها را می‌جنباند (احسنت) اما در مورد ستون پنجم چون در این باره بحث مفصلی دارم و تصور می‌کنم به اندازه کافی دوستان عزیز و سروران گرامی و یا حداقل شخص آقای قراچورلو را خسته کرده باشم. به عرایض خود خاتمه می‌دهم (احسنت)

قراچورلو - ما عادت داریم.

رئیس - از وقت آقایان رامبد، مهندس بهبودی، دکتر رضانی پنج دقیقه باقی مانده است که آقای زهتاب فرد استفاده می‌کنند، تشریف بیاورید.

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی چندی پیش بنا به دعوت سنتو همراه چند نفر از شخصیت‌های مطبوعاتی از ترکیه دیدن کردم. دیدار ترکیه به خصوص بعد از پیمان سه جانبه و عقد قراردادهای خاص برای من از هر لحاظ جالب بود. سنتو در قسمت راه و ارتباطات و

راه آهن قدمهای بسیار مؤثر و قاطع و مفیدی برداشته و بزودی ارتباطات از راه ترکیه توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد. هم‌اکنون از طرفین مشغول جاده‌سازی هستند که راه ایران را به ترکیه و پاکستان ارتباط بدهند و در آینده بسیار نزدیکی این سه کشور خواهند توانست به وسیله ارتباطات وسیعی با تمام دنیا مربوط بشوند و این قدم بسیار بسیار مفید و مؤثری است که در روحیه ملتین ترکیه - ایران و همچنین پاکستان اثر بسیاری گذاشته است. این توفیق نصیب بنده شد که از نزدیک شاهد احساسات عمیق و روابط صمیمانه ملت ترکیه به ایران باشم. به‌خصوص در روز مبارک چهارم آبان روز میلاد مسعود شاهنشاه من از نزدیک دیدم که ملت و دولت ترکیه با چه احساسات و شور فراوانی به ما تبریک می‌گفتند و در محافل مطبوعاتی و سیاسی با آقایان نمایندگان و سناتورها که صحبتی پیش می‌آمد، متوجه عمق و اصالت نهضت ششم بهمن ما بودند و مکرر گفته می‌شد که امید است در آینده نزدیک دولت ترکیه در مورد اصلاحات ارضی از رویه ایران استفاده بکند و آن را عملی سازند. امروز وقتی که من می‌بینم نهضت ما و رهبری شاهنشاه، تحول خاورمیانه و پیشرفتهای کشورهای اسلامی را هدایت می‌کند به نوبه خود احساس غرور می‌کنم. در کشور ترکیه به تمام معنی موقعیت و وضع اقتصادی و سیاسی ما مورد توجه محافل عمومی هست و به‌خصوص پیام شاهنشاه در مورد مبارزه با بی‌سوادی یک خبری انبساط‌آور و یک خبر مسرت‌بخشی برای عموم تلقی گردید و ما دیدیم دانشجویان ترکیه و محافل سیاسی آنجا با چه وجد و شغفی از این خبر انسانی و از این خبری که دنیا را به راه سعادت و به راه حریت و به راه آزادی سوق می‌دهد و هدایت می‌کند، استقبال می‌کردند. ما هر چه بیشتر این روابط را و هر چه بیشتر این آمد و رفت‌ها را با کشورهای همسایه به‌خصوص با کشور هم‌مرز و هم‌دین ترکیه و پاکستان توسعه بدهیم، بیشتر همدیگر را خواهیم شناخت. موضوعی که بیشتر مورد توجه شخص بنده بود، اتحاد و اتفاق و غرور خاص ملت ترکیه بود. ملت ترکیه امروز دارای یک وضع خاصی است و این مورد برای نمایندگان شاید جالب باشد که گفته شود، دولت در برابر یک حزب قوی و مخالف قرار گرفته، اکثریت مردم به ملاحظاتی با دولت وقت مخالف می‌باشند اما وقتی که موضوع قبرس پیش می‌آید در آنجا متحد و متفقند. در آنجا حزب مخالف و افرادی که با دولت مخالفند این را بهانه قرار نمی‌دهند و این موضوع بسیار جالب و نکته بسیار حساسی است در آنجا حزب مخالف نمی‌خواهد که اگر از طرف قبرس، دولت ترکیه تهدید شد برای تضعیف دولت و برای تضعیف شخصیت‌های مسئول از موقعیت سوء استفاده کند، متأسفانه واقعیتی که بنده هرگز نمی‌خواستم به آن اشاره کنم و قصدم فقط تجلیل از اقدامات سنتو بود، مرا وادار به این ملاحظه کرد. ما دیدیم و دیدیم و هم‌اکنون می‌بینیم شخصیت‌هایی را و روحانی‌نمایی را که می‌خواهند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند. این ننگ‌آور است، شرم‌آور است که یک عربده جوی معرب، یک مرد مالیخولیایی سیاسی یک حرفه‌ای زده و می‌زند و از آن طرف چند نفر از افراد و ورشکستگان سیاسی آن را بهانه برای تضعیف دستگاه و بهانه برای تضعیف رژیم و بهانه برای تضعیف دولت قرار بدهند. این ننگ‌آور است. ما در مبارزات کلی ممکن است با دولت وقت مخالف باشیم، من در جلسه چند روز پیش در همین مجلس و از پشت همین تریبون مطالبی بر علیه دولت گفتم و حرفه‌ای زدم و دولت هم آمد اینجا توضیحاتی داد، اکثریت رأی داد و آن اکثریت و آن رأی مورد تأیید و احترام اقلیت قرار گرفت. این شأن حکومت دموکراسی است، ولی ما اجازه نمی‌دهیم از موقعیت، بعضیها سوء استفاده کنند. مبانی

دینی، مبانی اسلامی چنین ایجاب می‌کند. ما روزی که اینجا آمدیم، در پشت این تریبون قبل از بیان هر مطلبی قسم یاد کردیم، قسم به قرآن مجید و به قرآن کریم یاد کردیم. چه کسی می‌تواند از ذهنش خدای نکرده بگذراند که آنهایی که مسئول امور هستند، نسبت به عقاید دینی خود بی‌قیدند. این تصور، مضحک است. مگر خدای نکرده مسلمین و معتقدین به مذهب همانهایی هستند که در چهار دیواری محدود زندگی می‌کنند. ایرانی این افتخار را دارد و شاهنشاه ما این افتخار را دارد که ریاست دارالتشیع را در جهان به عهده دارند، این افتخار مخصوص ماست. این روحانیتی که ما به آن احترام قائل هستیم، عمق و ریشه دارد. تاروپود ما را تشکیل می‌دهد اما هرگز به هیچ مدعی روحانیت اجازه داده نمی‌شود که در مصالح عالیله مملکتی خدای نکرده، اغراض شخصی را مورد توجه قرار بدهد (صحیح است) آقایان بهتر می‌دانند و من عرض کردم قصد در مورد سنتو بود اما متأسف هستم آن شخصی که معرکه اخیر را راه انداخت شما را به خدا، شما را به شرافتتان، شما را به دینتان دو ماه قبل از ۱۵ خرداد سال ۴۲ اسم این شخص به گوش شما خورده بود؟ دو ماه قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ قیافه این شخص را شما دیده بودید؟ فقط در یک روز، دو ماه به ۱۵ خرداد ۴۲ مانده دیدیم در همه جا عکس این شخص با چاپ افست با چاپ رنگی با ژستهای مختلف و پزهای مختلف و در تمام دکاکین زده شده، اینها برای این بود که صحنه‌ای به وجود بیاورند، اینها برای این بود که شخصی را برای ما بتراشند تا گوشها آشنا بشود و آن حادثه فجیع را به وجود بیاورند. ما هرگز به اینان اجازه نخواهیم داد، از موقعیت سوء استفاده کنند. امروز مملکت در یک مسیر خاصی قرار گرفته است. من چندی پیش به ایتالیا رفتم، در اغلب سازمانها و در اغلب کارخانجات عکس پاپ را گذاشته بودند و به روحانیت ارزش بیشتری قائل هستند، اما وقتی که کشور ایتالیا یا وقتی که چرچیل رهبر انگلستان می‌خواست به فلان نقطه حمله کند، دست‌بوس و پابوس پاپ بود و می‌رفت از او می‌خواست که دعا کند تا در خدمت به مردم توفیق پیدا کند. نه اینکه نقشه جنگ را پیش پاپ بگذارد و بگوید، آقا می‌خواهیم از این نقطه و یا از این جا حمله کنیم یا اینکه ما می‌خواهیم این قرارداد را با آن دولت ببندیم...

رئیس - آقای زهتاب فرد، وقت جنابعالی تمام شد.

اخذ رأی نهایی و تصویب لایحه قانونی راجع به تحصیل دویست میلیون دلار اعتبار از آمریکا جهت تقویت نیروی دفاعی کشور و ابلاغ به دولت.

رئیس - لایحه دویست میلیون دلار تحصیل اعتبار از مجلس سنا برگشته، قرائت می‌شود که نسبت به آن با ورقه رأی بگیریم.

(به شرح زیر خوانده شد)

لایحه قانونی راجع به اجازه تحصیل دویست میلیون دلار اعتبار جهت تقویت نیروی دفاعی کشور.

ماده واحده - به منظور تقویت نیروی دفاعی کشور به دولت اجازه داده می‌شود به تناسب احتیاجات مزبور تدریجاً ظرف مدت پنج سال تا مبلغ دویست میلیون دلار اعتبار با حداکثر بهره پنج درصد به مدت ده سال با تضمین دولت ایالات متحده آمریکا از بانکهای آمریکا تحصیل نماید و قراردادهای مربوطه را امضاء و به موقع اجرا بگذارد. مصرف اعتبارات مزبور مشمول آئین‌نامه معاملات دولتی و قانون محاسبات عمومی نخواهد بود:

وزارت جنگ مأمور اجرای این قانون است.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۴۳ شمسی به تصویب مجلس سنا رسید.

رئیس مجلس سنا - مهندس شریف امامی.

رئیس - آقای مهندس بهبودی .

دکتر مهندس بهبودی - در مورد این لایحه بنده عرایضی دارم اجازه بفرمایید بعد از رأی عرض کنم.

رئیس - نسبت به این لایحه با ورقه اخذ رأی می‌شود.

(آراء مأخوذه شماره شد. نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

آراء موافق ۱۳۱ رأی .

رئیس - لایحه با ۱۳۱ رأی موافق از ۱۳۱ نفر عده حاضر در جلسه به تصویب رسید. به دولت ابلاغ می‌شود (مبارک است).

موافقین: بانو دکتر دولتشاهی - دکتر ضیائی - بوشهری - دکتر شفیع امین - دکتر اعتمادی - دکتر عدل طباطبائی - مهندس عبدالله ریاضی - رامبد - محسنی مهر - مهندس صائبی - مهندس کمانگر - زهتاب فرد - قراچورلو - مهندس مجتهدی - دکتر رضوانی - سرلشگر نکوزاد - مجد - مهندس کیا - مهندس جلالی نوری - روحانی - مصطفوی نائینی - باغمیشه - دکتر فرخ روپارسای - ثامنی - زرگرزاده - حاجی باغلو - دکتر سعید - فهیمی - هیراد - نوربخش - رجائی - ارسنجانی - توسلی - مهندس اسدی - سمیع - بهادری - کسرائی - یعقوب تهرانی - ایلخان - مهندس عدلی - دکتر حکمت - موسوی کبیری - دکتر سامیراد - یغمائی کیهان - دکتر رهنوردی - تبریزی - دکتر اسدی - جهانگیری - بانو ابتهاج سمیعی - دکتر یزدان پناه - دکتر معتمد وزیری - مافی - موسوی ماکوئی - دکتر امامی خوئی - معتمدی - خواجه نوری - مهندس ریاحی - بانو جهانبانی - حیدر صائبی - صائب - سیفی - بالاخانلو - نیری - ساگینیان - دکتر فراگزلو - پاینده - مبارکی - لفوظی - موسوی - غلام نیاکان - محدث‌زاده - پزشکی - دکتر خطیبی - ریگی - دکتر مهدی‌زاده - دکتر صاحب قلم - دکتر مدنی - مهندس بهبودی - مهندس برومند - سرتیپ پور - میرهادی - اقبالی - میرافضل - امینی خراجی - سعید وزیری - مهندس اخوان - مهندس زنجانچی - حاذقی - حسینی - کلانتر هرمزی - جهانشاهی - اولیاء - حکمت یزدی - دکتر کیان - بدر صالحیان - ضابطی طرقي - امام مردوخ - فولادوند - پرویزی - علی مرادی - قلعه جوقی - دکتر بقائی یزدی - روستا - مهندس جلالی - ناروئی - کمالوند - ذبیحی سلطان احمدی - پزند - شفیعی پور کرمانی - دکتر موثقی - ابراهیمی - پاک ذات - آموزگار - زند - سرلشگر همایونی - دکتر صالحی - طالب‌زاده رودسری - دکتر وحیدنیا - احتشامی - دکتر مهندس بهبودی - کسروی - ظفر - ملک‌زاده آملی - مهندس مالک - مهندس والا - دکتر رضانی - دکتر الموتی - دکتر عدل - صفی‌پور - کشفی - پور ادبی - حق شناس - امیر احمدی - قاسم مرادی.

رئیس - آقای مهندس بهبودی بفرمائید.

دکتر مهندس بهبودی - آراء صددرصد موافقی که به لایحه اعتبار دویست میلیون دلار برای تقویت ارتش، مجلس شورای ملی یعنی نماینده حقیقی و واقعی افکار اجتماعی که در واحد جغرافیایی ایران زندگی می‌کند، داد، مرا وادار کرد که چند لحظه‌ای مزاحم همکاران ارجمند‌گرم. در شأن حکومت

دموکراسی است که نمایندگان مختلف ملت در نظارت بر قوه مجریه و همچنین در راه رسیدن به هدفی که جز سعادت و عظمت ایران و ایرانی نیست، سلیقه‌های مختلف و نظریات گوناگون داشته باشد، چه اگر غیر از این بود، نامش را حکومت مشروطه پارلمانی نمی‌گذاشتند و این محل مقدس به وجود نمی‌آمد و لزومی نداشت که پیشوایان آزادی برای رسیدن به هدف مقدس خود حتی از جان خود بگذرند. حکومت مشروطه در عهد شاهنشاهی اعلیحضرت همایونی محمدرضا شاه پهلوی به اوج قدرت خود رسیده است که وجود این مجلس با نمایندگان واقعی از هر تیپ و دسته و صنفی و وجود احزاب، بهترین نمودار آن می‌باشد. لازمه هر پارلمانی در هر مملکت آزادی آن است که عده‌ای طرفدار دولت و عده دیگر منتقد آن دولت باشد، تا مشروطه قوام یابد و این دو دسته را معمولاً به نام اکثریت و اقلیت نام می‌گذارند و هیچ یک از این دو دسته که عقیده دارم در شاه پرستی و میهن دوستی رجحانی بر دیگری ندارند. چه همه ایرانیان شاه پرست و میهن دوست می‌باشند، وظیفه‌ای جز آنچه که در خیر و صلاح مردم و مملکت می‌دانند، انجام ندهند. اگر زمانی خدای ناکرده عده قلیلی از نمایندگان در مظان این تهمت بوده‌اند که منافع شخصی را بر منافع اجتماع ترجیح می‌دهند، چه سربلندن زنان و مردانی که در این مجلس اجتماع کرده‌اند که همه متفق‌القولند که هیچ یک جز خدمت به شاهنشاه و میهن و وظیفه‌ای برای خود نمی‌شناسند (صحیح است) و نه آجیل می‌دهند و نه آجیل می‌گیرند و همه می‌خواهند صداقت خود را در خدمتگزاری نشان دهند (احسن است) یکی دیگر از مظاهر این دوره قانونگذاری آن است که دولت متکی به یک اکثریت عظیم حزبی و برگزیده از یک حزب با یک مرامنامه و ایدئولوژی مدونی می‌باشند و اقلیت متشکل مجلس، متحدالفکر و مجتمع در یک حزب آن هم با یک مرامنامه و ایدئولوژی مدون (صحیح است) بدیهی است، عده‌ای از آزاد مردان نیز در این مجلس مقدس وجود دارند، که یا به علت تعهداتی که در حزب سومی دارند یا به علت آنکه می‌خواهند آزادتر فکر کنند تا به حال وابستگی خود را به هیچ یک از این دو دسته اعلام نکرده‌اند و عده‌ای از آنان متمایل به گروه اکثریت و عده دیگرشان متمایل به گروه اقلیت می‌باشند. بنا بر آنچه که عرض شد، اکثریت فعلی مجلس به علت حزبی بودن، به علت تماسی که در حزب و در فراکسیون خود با افراد قوه مجریه دارند، به علت همبستگی که مرامنامه آنان برایشان به وجود آورده است، آنچه که دولتیان مطرح بکنند آشناتر و عالمترند و این آشنایی و عالم بودن خود را دلیل بر آشنایی و اطلاع بقیه همکاران عزیز غیر حزبی خود می‌دانند و بدین دلیل سعی نمی‌کنند که بقیه رفقاییشان را ارشاد نمایند (احسن است) عرض کردم که اکثریت و اقلیت متشکل هر دو حزبی و از افرادی تشکیل شده است که معتقد به مرامنامه‌های خود می‌باشند. چه خوب است آنهایی که می‌خواهند در افکار عمومی مجلس شورای ملی مطالعه کنند یا مغرضینی که می‌خواهند غرض ورزی نمایند و از گاه، کوهی بسازند، آن قسمت از مرامنامه این دو جمع را که مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجیان و مربوط به قوای تأمینیه و نیروی دفاعی کشور است، مطالعه نمایند. در آنجا خواهند دید هر کسی که در این واحد جغرافیایی که نامش ایران است، زندگی می‌کند و خود را ایرانی می‌داند، در بالا بردن عظمت و قدرت ارتش و در مورد مسائل خارجی متفق‌القولند (صحیح است) من با اجازه همکارانم از پشت تریبون مقدس به دنیا اعلام می‌کنم که برای حفظ حدود و ثغور مملکت برای بالا بردن نیروی معنوی و نیروی مادی ارتش و برای اقتدار نیروی دفاعی مملکت ایرانی در هر لباسی که باشد، هر دین و آئین

که داشته باشد، از هستی خود و از جان خود خواهد گذشت (صحیح است) و در این مورد خود را اسیر چهارچوب کلمات و الفاظ نمی‌کند. او می‌داند که در این دنیا باید با شرف زندگی کند و ایمان دارد، کسی که رهبری او را در دست دارد شرافت او را حفظ خواهد کرد. چون این اعتقاد را دارد، یک دل و یک جان آنچه که باید در راه تقویت نیروی دفاعی و آنچه که وابسته به آن است، انجام دهد، انجام می‌دهد و بهترین دلیل آن آراء صد در صد بوده است، این مجلس ملی به لایحه دولت رأی داده است (احسنت) من اینجا ناگزیر به ذکر جمله‌ای هستم. اگر راهزنان و آشوبگران بین‌المللی تصور کرده‌اند، می‌توانند با تقویت مالی مغرضین و خائنین و جاسوسان، ثبات سیاسی این مملکت را بر هم زنند و کشت و کشتار و جنایات و آدم‌کشی که در سایر ممالک توانسته‌اند ایجاد کنند، ایجاد نمایند، اشتباه کرده‌اند. آنان نمی‌دانند که سابقه دو هزار و پانصد سال حکومت شاهنشاهی در این مملکت، روشن‌بینی و کیاست و فراست شاهنشاه ما پاسخ کوچکترین بی‌نظمی در این مملکت می‌باشد. اگر چند صباحی عده‌ای بی‌وطن توانسته بودند، نظم این مملکت را مختل سازند. علت بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی رئیس دولت بوده، ولی از زمانی که سلطنت این ودیعه آسمانی به خاندان پهلوی منتقل شد، ناامنی و بی‌عدالتی و جاسوسی و اموری که با شرافت ایرانی بستگی دارد، مثل کاپیتولاسیون در این مملکت دیگر تجدید نخواهد شد (صحیح است، احسنت) در پایان عرایضم ناچارم گله‌هایی کنم، اول از رئیس محترم دولت که در بین فرمایشات خود از ستون پنجم اسم بردند و آنان را گروهی شناخته شده نامیدند. به این جمله ایشان معترضم زیرا ایرانی هیچ گاه در پیشرفت سیاست خارجی کمکی نمی‌کند (صحیح است) بنابراین اگر اخلاک‌گرانی در اجتماع هستند، مانند کلیه اجتماعات، اینان ایرانی نیستند و نمی‌توان به آنان نام ستون پنجم داد بلکه خائن و بی‌وطن و جاسوس می‌باشند (صحیح است، احسنت) و قوانین موجود وظیفه دولت را در قبال خائنان و جاسوسان معلوم کرده است و من به عنوان نماینده مجلس شورای ملی از رئیس دولت می‌خواهم در اینجا جاسوسان را معرفی کنند و تسلیم پنجه عدالت نمایند تا دنیا بداند در ایران جاسوسی مثل سایر امور تخریبی از بین رفته است (صحیح است) گله دیگری که می‌خواهم بکنم از رکن چهارم مشروطیت است. اگر من باب مثال یک جلسه هشت ساعته مجلس شورای ملی را لااقل در هشت سطر شرح می‌دادند و ملت می‌دانست که اکثر بحثها ارائه طریق و اخطار نظامنامه‌ای و نظایر آن بوده است، هیچ گاه غرض ورزان نمی‌توانستند بگویند در کار مربوط به امور دفاعی مملکت صفت‌بندی شده است و جمع کثیری مخالف بوده‌اند. از اینکه وقت ذی‌قیمت نمایندگان محترم را تزییع کردم، معذرت می‌خواهم. (احسنت)

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۶ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۵ آبان ۱۳۴۳

از: سرفرماندهی نیروهای ضربتی ایالات متحده به: فرماندهی آرمیش - مگ، تهران، ایران

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه جهت اطلاع: وزارت دفاع، برای مشاور کل

موضوع: وضعیت نیروهای آمریکا در ایران

عطف به:

الف - گزارش وقایع در رابطه با کاربرد کنوانسیون وین در مورد پرسنل هیئت نظامی آمریکا در

ایران.

ب - لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ مورخه ۱۵ مارس ۱۹۶۴ دولت شاهنشاهی ایران که به مستشاران نظامی آمریکا اجازه می‌دهد تا از معافیتها و مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین برخوردار شوند.

ج - تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ مورخه ۲ نوامبر ۶۴، که راجع به لزوم توضیح در مورد مرجع (ب) بحث کرده است.

د - تلگرام سفارت به شماره ۴۹۷ مورخه ۲ نوامبر ۶۴، که سوابق مربوط امتیازات و مصونیتهای پرسنل نظامی آمریکا در دیگر کشورها را درخواست کرده است.

۱- نظر شما را در مورد تأثیر مرجع (ب) در موارد زیر را خواهانیم:

الف - آیا مفاد کنوانسیون وین راجع به وضعیت کارمندان اداری و فنی، به هیئتهای مستشاری آمریکا تعمیم داده می‌شود، یا

ب - این تعمیم صرفاً به مصونیتها و معافیتهایی که پرسنل فوق‌الذکر از آن برخوردارند، محدود می‌گردد.

۲- در رابطه با شرط لغو مصونیتها، مندرج در موافقتنامه گروه مخابرات با پاکستان که در مرجع (ج) ذکر شده، توجه شما را به قضیه لغو خود به خود و اتوماتیک که به وسیله تبادل یادداشتهای ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۹ راجع به ضمیمه ب (TIAS ۴۲۸۱) قابل اجراء شد، جلب می‌کنیم. اجراء شد، جلب می‌کنیم.

۳- همچنان که در مرجع (د) مشخص شد، وضعیت حقوقی گروه مخابرات در پاکستان طبق یک قرارداد وضعیت نیروها (SOF) تعیین می‌گردد، در حالی که گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) جزئی از سفارت بوده و پرسنل آن از «امتیازات مشابه همدیف‌هایشان در سفارت آمریکا برخوردارند» (TIAS ۲۹۷۶). تلاشهای سفارت برای یکسان نمودن برخورداری یگانهای مختلف نظامی در ایران از کنوانسیون وین به طور امیدوارکننده‌ای، موفق از آب درخواهد آمد. از طرف دیگر اگر دولت شاهنشاهی ایران از تعمیم مواد مندرج در مرجع (ب) به پرسنل غیرمستشاری خودداری ورزد، ضروری است که نسبت به وضعیت پرسنل گروه مشاورین کمک نظامی هیچ گونه شکمی وجود نداشته باشد، علیرغم این مطلب که آنها از متن مرجع (ب) حذف شده‌اند، در این رابطه منطقی زیر می‌تواند مفید باشد.

۴- دولت ایران با تصویب کنوانسیون وین تمایل خود را برای تعمیم وضعیت صحیح دیپلماتیک، امتیازات و مصونیتها به پرسنلی که جزئی از سفارت هستند، نشان داد. بنابراین هیچ گونه نیاز منطقی وجود نداشت که شرطی توضیحی برای آنان در مرجع (ب) درج شود. از طرف دیگر تعمیم وضعیت کنوانسیون وین به پرسنل هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران (آرمیش) و پرسنل نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران (جنمیش) که از جهتی به عنوان بخشی از سفارت محسوب نمی‌گردند، به لحاظ وضعیت آنها آن گونه که در موافقتنامه‌های فعلی آرمیش و جنمیش پیش‌بینی شده، ضروری و لازم بود.

سند شماره (۳۵)

از طریق: وزیر مختار
از: مشاور سیاسی - مارتین اف. هرتر

رویدادهای کنوانسیون وین - سیاسی

در مدت غیبت شما، رویدادهای مربوط به لایحه وضعیت همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است. این موضوع بر موقعیت دولت، روابط بین دولت و پارلمان، و روابط بین دولت و عناصر مخالف (مثلاً ملاها) تأثیر گذاشته و احتمالاً بر مواضع دولت در امور خارجی نیز تأثیر خواهد گذارد، گرچه مورد اخیر هنوز قطعی نیست آنچه قطعی است، این است که رژیم نسبت به این اتهام که در روابط خود با ما به طور نامشروع منافع ما را تأمین کرده است، بسیار حساس می‌باشد.

رای‌گیری در مجلس در تاریخ ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه - م) انجام شد و نتیجه ۷۴ به ۶۱ بود. تجزیه و تحلیل کامل مذاکرات و رای‌گیری در گزارش ۱۹۵ - A گنجانده شده و شاید شما مایل به بررسی آن باشید. حزب ایران نوین نیز مشخص ساخت که تعداد افراد تصفیه شده، نزدیک به ۲۰ نفر است نه ۱۰ نفر. جدیدترین حرکت در مجلس این بود که در تاریخ ۵ نوامبر (۱۴ آبان - م)، همان نمایندگان مخالفی که از لایحه انتقاد می‌کردند، ناگهان و بدون شک طبق دستورات شاه، تغییر موضع داده و از آن ستایش کردند. وقتی نخست‌وزیر به آقای راکول گفت که این موضوع اتفاق خواهد افتاد، آقای راکول گفته بود که حتماً منطبق نهفته در بیانات منصور که شنبه گذشته در مجلس سنا ایراد شده بود، نمایندگان را متقاعد کرده است و «نخست‌وزیر با شکسته نفسی کردن، تصدیق کرد که این موضوع صحیح است» (به یادداشت مذاکرات آقای راکول به تاریخ ۴ نوامبر مراجعه کنید).

پس از ارسال گزارش ۱۹۵ - A، بر اساس شواهد مکفی، به این نتیجه رسیدیم که شاه احتمالاً نمی‌توانسته که اجازه مخالفت با لایحه در مجلس، را داده باشد. ظاهر از آنچه که اتفاق افتاده بود از این قرار است که منصور، در نتیجه اعتماد به نفس بیش از اندازه، شاه را از صدور دستوراتی صریح به مخالفین برای دست کشیدن از مخالفت منصرف کرده بود. حال بسیاری از سپر بلاها شناخته شده‌اند، از جمله ارسنجانی، ناصر، دسیسه‌چینان دربار (از بهبودی نام برده شده) و حتی علم. ولی حقیقت مسلم این است که جناح مخالف به ناسیونالیزم مخفی و پر قدرت متوسل شده بود. همه به ما گفته‌اند که موضوع هنوز بسیار داغ و مطرح است. منصور و آرام بیش از حد نگران افکار عمومی افراد تحصیل کرده و نیمه تحصیل کرده است، می‌باشند. بدون شک بخش اعظم مردم نه از این موضوع خبری داشته و نه به این طور مسائل توجهی دارند. تبعید خمینی که به نظر ما در موقع مناسبی صورت نگرفته، بیش از هر چیز دیگری تبلیغات ناسیونالیستی علیه لایحه وضعیت را رواج داده است.

یکی از مشکلات عمده‌ای که ما داشته‌ایم این است که سفارت قادر نیست مستقیماً با سوء تعبیرات مربوط به لایحه که در همه جا پخش شده است، مقابله کند. سخنان منصور در مجلس سنا به تاریخ ۳۱ اکتبر (۹ آبان - م) حاوی اشتباهات زیادی در مورد لایحه وضعیت بود و خود وی نیز در گفتگوی خصوصی با آقای راکول به این موضوع معترف بود. لیکن تا جایی که به عموم مردم مربوط می‌شود، این سخنرانی با به حداقل رساندن شمول لایحه، فقط باعث سردرگمی بیشتر شده است. دولت ما را به سکوت دعوت کرده است. تنها کاری که می‌توانستیم انجام دهیم، ارائه یک گزارش از وقایع (تهیه شده

در بخش سیاسی) به افرادی بود که خواهان توضیحات خاصی بودند، ولی تعداد آنها نیز بسیار کم بود. رابطه با آرمیش - مگ در تمام این مدت بسیار نزدیک و مؤدبانه بوده است. ژنرال اکهارت به افرادش دستور داده که در مورد لایحه وضعیت صحبتی نکنند. ارتشیهای ایرانی ظاهراً از جمله مخالفین مصونیت‌های ما نیستند. برعکس، مایلند که مستشاران ما در ایران بمانند و قادر باشند که عملکرد مؤثری داشته باشند. متأسفانه و علیرغم دستورات ژنرال اکهارت مبنی بر دقت خاص در رانندگی به ویژه در چنین شرایط بحرانی، چند تصادف رخ داده است. جدیدترین رویداد در رابطه با اخراج خمینی این است که دولت سعی می‌کند که «ستون پنجم» و ناصر^۱ را مقصر قلمداد کند. لیکن علت اصلی گسترش ناراحتی و سردرگمی فعلی این است که لایحه در ملاء عام به بحث و مناظره گذاشته نشده بود. ما می‌دانستیم که طوفانی در راه است ولی دولت تصمیم گرفت که ابتدا لایحه را به رأی بگذارد و پس از آن به ارائه توضیحات بپردازد. اما در مرحله دوم آنچنان مرعوب و نگران و افسرده شده بود که پس از رأی‌گیری بیش از دو هفته صبر کرد و سپس اقدام به ارائه توضیحات نمود. این امر سبب شد تا به مخالفین که برای پخش اخبار خود به رسانه‌های گروهی نیاز ندارند، فرصت تاخت و تاز داده شود، در حالی که دولت فقط امیدوار بود که موضوع فراموش شود. ام. اف. هرتز

سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۶ آبان ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران
تلگرام ارسالی به شماره ۵۲۵ جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی - برای مشاور سیاسی
مرجع: تلگرام وزارتخانه به شماره ۳۸۷

۱- روی هم رفته ما تقریباً ۸۵۰ نفر پرسنل نظامی و غیرنظامی از وزارت دفاع در سمتهای مستشاری و دیگر فعالیتهای نظامی در ایران داریم که پنجاه نفر آنها وضعیت دوگانه، یعنی هم وضعیت وابستگی و هم وضعیت استخدامی دارند.

۲- اگر متن کنوانسیون وین فقط شامل پرسنل مستشاری باشد، احتمالاً وجود شرط جداگانه‌ای برای ابطال مصونیت مهم نمی‌باشد. هر چند اگر سعی داشته باشیم تا یگانهای مختلف دیگری را که وضعیت مستشاری آنها در بهترین وضعیت صوری و ظاهری است، تحت پوشش در آوریم (یگانهای از قبیل: تیم نقشه برداری، رله تهران، رله مخابرات، مهندسین خلیج) پس بی فایده خواهد بود تا در این مورد بحث کنیم که قراردادی از نوع همکاری دفاعی مشترک (MDA) رسماً شامل شرط ابطال مصونیت نمی‌باشد، آن گاه ایرانیها می‌توانند پاسخ دهند که اگر ما (آمریکاییها - م) بخواهیم از الگوی پیروی کنیم که مصونیت را فقط شامل پرسنل مستشاری می‌گرداند، آنها مجبور خواهند بود که تعبیر دقیقی از عبارت «پرسنل مستشاری» به عمل آورند.

۳- ما یادآور می‌شویم که خود کنوانسیون وین در ماده ۳۲ حاوی شرط ابطال مصونیت است.
۴- آیا سوابق قضائی در مورد قراردادهایی از نوع (MDA) وجود دارد که شامل یگانهای مختلف، یعنی پرسنلی که وظایفی غیر از وظایف مستشاری انجام می‌دهند، نیز بشود؟ ظاهراً در پاکستان دو

۱- منظور جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور وقت مصر، می‌باشد. م

گونه قرارداد وجود دارد که یکی، گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) را تحت پوشش قرار می‌دهد و دیگری، یگان مخابرات را. آیا به عنوان نمونه، کشورهای دیگری نیز هستند که ترکیبی از این دو قرارداد را داشته باشند؟ ما اطمینان داریم که وزارتخانه تأیید می‌کند که اگر ما نتوانیم یگانهای مختلف را به وسیله کنوانسیون وین، تحت چهارچوب مترقی لایحه اخیر وضعیت قرار دهیم (که شرط ابطال مصونیت برای آن احتمالاً ضروری است)، امیدی نیست که بتوانیم در قرارداد جداگانه‌ای از نوع «قرارداد وضعیت نیروها» (SOF) این یگانها را تحت پوشش درآوریم. هیچ دولتی در ایران، در آینده قابل پیش‌بینی قبول نخواهد کرد با یک لایحه وضعیت دیگر، به مجلس برود.

۵ - وزارت امور خارجه (ایران - م) رونوشت توافقنامه اتیوپی در رابطه با حاکمیت قضائی را درخواست کرده است. دو عدد رونوشت که هر چه زودتر توسط پست هوایی ارسال گردد، درخواست می‌شود.

مارتین اف. هرتر
مشاور سیاسی سفیر

راک ول
سرگرد هارت
از آرمیش - مگ

سند شماره (۳۷)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۶ آبان ۱۳۴۳
از: مشاور سیاسی - مارتین اف. هرتر
از طریق: وزیر مختار

رویدادهای کنوانسیون وین - حقوقی

لایحه‌ای که از تصویب سنا گذشت و مجلس هم آن را به تصویب رساند از نظر حقوقی ناقص است، زیرا از لحاظ فنی تنها شامل حال آن دسته از پرسنل نظامی که «در استخدام دولت شاهنشاهی هستند» می‌شود. تبادل یادداشتهای رسمی اولیه روشن ساختند، چه کسانی باید تحت پوشش لایحه قرار گیرند. مشکلات حقوقی فعلی ما، از این حقیقت ناشی می‌شود که دولت در حالی که اظهار می‌دارد که این لایحه در عمل برای اعطای پوششی که ما در یادداشت ۲۹۹ مشخص کرده‌ایم، تهیه شده است ولی اگره دارد که کتباً تأیید کند که ما از این پوشش برخورداریم. در این مورد جدیدترین مذاکرات در ۵ نوامبر بین آقای آرام و آقای راکول انجام شد. یادداشت مذاکرات آقای راکول در آن تاریخ به بهترین شکل موضع ما را مشخص می‌نماید:

«من گفتم که ما نمی‌توانیم با این نظر در رابطه با اعتبار یادداشتهای مبادله شده، موافقت کنیم. آن نظر بیانگر یک توافق میان دولتین ما می‌باشد و مجلس آن را به صورت مشخصی رد نکرده بود، بنابراین هنوز به قوت خود باقی است. اگر این حقیقت که این قانون بعد از تبادل یادداشتهای تصویب شده است، برای وزیر مزاحمت ایجاد می‌کند، ما کاملاً مایلیم یادداشت جدیدی که همان مطالب را تکرار کند، مبادله کنیم. زیرا به نظر می‌رسید که هر دو طرف توافق دارند که این قانون آنچه را که طرفین خواستار آن بودند، برآورده می‌کند. با توجه به تفسیرهای گوناگونی که علناً در مقابل این قانون قرار داده شده است، چند تأیید کتبی الزامی می‌نمود.

در آینده و آن زمانی که مقامات رسمی هر دو طرف که به این موضوع رسیدگی کرده‌اند، دیگر بر

سر کار نباشند، باید مدارکی کتبی که موارد مورد توافق طرفین را نشان می‌دهد، وجود داشته باشد و این روشن می‌سازد که چرا ما اهمیت زیادی برای این تبادل یادداشتها قائل هستیم و نمی‌توانیم بپذیریم که آنها دیگر اعتبار ندارند. وزیر امور خارجه گفت که او هنوز هم بایستی خودش را متقاعد سازد که مطلب از همین قرار است.»

قبلاً در یک گفتگو، میرفندرسکی پرسید که آیا ما احتمالاً مایل هستیم مطابق با عبارت قرارداد وضعیت نیروها، مشخص سازیم که در مواردی با اهمیت ویژه، مصونیت را لغو کنیم. آقای راک ول سؤال کرد که آیا در آن صورت، پوشش صحیح در یادداشت ۲۹۹ ما را تأیید خواهند نمود.

میرفندرسکی ضمن تأیید اینکه با مسئولین مافوقش مشورت نکرده است، جواب مثبت داد. ما این ایده را به طور آزمایشی با وزارتخانه (آمریکا-م) در میان گذاشتیم (بدون اشاره به گفته‌های میرفندرسکی)، ولی واکنش اولیه مطلوب نبود، زیرا شروط ابطال مصونیت در موافقتنامه‌های مربوط به یگانهای نظامی (SOF) به کار برده می‌شود و نه در موافقتنامه‌های مربوط به هیئتهای مستشاری (MDA). به هر حال روشن نیست که آیا واشنگتن به اندازه کافی این مطلب را که اگر فقط آرمیش - مگ و جنمیش (پرسنل مستشاری واقعی) تحت پوشش کنوانسیون وین قرار گیرند و در نتیجه بیش از یک سوم پرسنل نظامی ما در این کشور از این امتیازات محروم خواهند شد، تأیید خواهد کرد.

اوضاع با نطق نخست‌وزیر در مجلس سنا در تاریخ ۳۱ اکتبر (۹ آبان - م) پیچیده‌تر شد (مروری بر تلگرام ۴۹۹ سفارت، در صورتی که آن را در واشنگتن ملاحظه نکرده‌اید، می‌تواند مفید باشد). گزارش می‌شود که وی در نطقش ادعا نموده است که خانواده‌های مستشاران تحت پوشش قرار نمی‌گیرند و این مصونیت تنها شامل جرائم ارتكابی در حین انجام وظیفه می‌شود (بدون تمایزی میان دعاوی جنایی و دعاوی مدنی) و تنها تعداد مشخصی از اعضای هیئتهای مستشاری تحت پوشش قرار می‌گیرند. اگر چه بعداً هنگامی که آقای راک ول در مورد این اشتباهات از او توضیح خواست، منصور از مواضع خود عقب‌نشینی کرد، اما تصحیح اشتباهات او به اطلاع عموم نرسیده است. حتی وزارت امور خارجه (ایران - م) نیز از آنها و همچنین از این نوشته بی‌اطلاع است. اینها نکاتی از تعبیر پیرامون کنوانسیون وین و قانون وضعیت است که واقعاً امکان ندارد در آنها حرفی باشد. مگر اینکه از طرف ایرانیان سوءنیتی در کار باشد.

یکی از نکاتی که ایرانیان در پذیرش آن اکراه دارند و اگر آن را بپذیرند، مشکلات حقوقی فعلی از میان برداشته می‌شود، قبول هدف یادداشت اولیه ایران به شماره ۸۲۹۶ می‌باشد که در آن اظهار می‌دارند که به اجراء درآوردن کنوانسیون وین در مورد پرسنلی که «در خدمت دولت شاهنشاهی هستند»، نیازمند تصویب مجلس است. ما از این جمله این طور استنباط کردیم که آنها برای اجرای کنوانسیون در مورد سایر پرسنل مشکلی ندارند، بلکه تنها مایلند این خلاء قانونی را پر کنند. این همچنین مفاد جوابیه ما در یادداشت ۲۹۹ بود که ایرانیان آن را پذیرفته و به عنوان جزء لازم توافقنامه، تقدیم مجلس کردند. اما در مذاکرات مجلس، دولت این گونه موضعگیری کرد که لایحه فوق، خود ابزاری برای اجرای کنوانسیون وین در مورد پرسنل مستشاری ماست. آنها هرگز مایل به قبول این اصل حقوق بین‌الملل که بر طبق آن قوه مجریه مسئول تعیین افراد بهره‌مند از امتیازات دیپلماتیک می‌باشد، نبوده‌اند. از طرف دیگر به تبادل یادداشتها (در حالی که جزئی از قانون نیست) در مذاکرات

مجلس اشاره شد، ولی هرگز هیچ گونه اشاره‌ای ضمنی محدود کننده، شنیده نشد. شاید لازم باشد برای گشودن این گره کور، به همان طریقی که در رابطه با «دلاور»* از معضلات قانونی رها شدیم، مستقیم نزد شاه برویم. کسانی که ما با آنها سرو کار داریم می‌ترسند کاری انجام دهند. نمونه بارز این مسئله میرفندرسکی است که به کاردار ما گفته است که وی هدف انتقادهای بیشتری قرار گرفته است و از این مسئله که موضوع کنوانسیون وین «شغل او را به خطر اندازد»، نگران می‌باشد. به آسانی می‌توان تصور کرد که چنین شخصی از اینکه علناً به دولت توصیه نماید تا کتباً آن پوشش کاملی را که ما در ابتداء خواستار بودیم به طور کامل به رسمیت بشناسد، چقدر اکراه دارد. برای چنین اشخاصی، پا جای پای دیگران گذاردن، تأخیر انداختن، بحث کردن و بغرنج کردن موضوع، بسیار کم خطر تر است. ما در تماس نزدیک با آرمیش - مگ بوده‌ایم و کلیه تلگرامهای ما راجع به جنبه‌های حقوقی، کاملاً با آنها هماهنگ شده است.

ضمیمه: پس از تایپ این یادداشت خبر رسید که وزیر امور خارجه (ایران - م) به کاردار ما گفته است که «او هر آنچه را که تاکنون در رابطه با کنوانسیون وین واقع شده (و احتمالاً بحثهای حقوقی ما) را برای شاه فاش کرده است» و شاه به او دستور داده است که «آن یادداشتی را که ما می‌خواهیم، برای ما بفرستند». تا ببینیم چه پیش خواهد آمد

مارتین. اف. هرترز

سند شماره (۳۸)**

تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۴۳ - ۱۰ نوامبر ۱۹۶۴

نخست وزیر - بنده باید در اینجا عرض بکنم، همین طوری که آقای رامبد اشاره فرمودند، بنده در مجلس سنا توضیح لازم را دادم. چون در موقع طرح لایحه مستشاران نظامی آمریکا و همچنین در موقع طرح قرارداد وین توضیحات کافی داده نشده بود، بنده در مجلس سنا تکمیل کردم و آنچه لازم بود به استحضار رساندم و خیلی خوشوقتم که روز پنجشنبه در ساحت مجلس، این مسئله باز مطرح شد و بنده باز مجدداً در اینجا عرض می‌کنم که ملت ایران و دولت ایران و شاهنشاه ایران واقعاً والاتر و ارجح‌اند به اینکه این افکار بتواند کوچکترین رسوخی در حقیقت بنیان سیاست این مملکت بکند یکسان شود. (صحیح است) بودن چند کارشناس خارجی در قسمتهای اقتصادی و نظامی، خاصه به اینکه با توضیحات کافی، مشابهی به عناوین مختلف و به صور مختلف با قراردادهای گوناگون، منطبق با مصالح هر ملت و هر کشوری یا در کادر بین‌المللی، منطقه‌ای و یا به طور متقابل و دو جانبه، مسائل را طوری برای ما روشن کرده که دیگر هر گونه توهمی در اینکه واقعاً در این راه شود چنین افکاری

* دلاور نام مانوری است که در بهار سال ۱۳۴۳ به طور مشترک میان نیروهای ایران و آمریکا در ایران انجام شد. در ارتباط با این مانور یک توافقنامه موقت در مورد وضعیت قانونی نیروها از نظر بهره‌مندی از مصونیت برقرار شد که به تصویب مجلسین ایران نرسید و با تأیید شاه، امضاء گردید. م.

** در جلسه ۱۱۳ مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۴۳، حسنعلی منصور بار دیگر سخنانی پیرامون لایحه کاپیتولاسیون ایراد نمود و سعی کرد که مخالفت‌های انجام شده با این لایحه را محکوم کند و در ضمن به یادداشت‌های مبادله شده میان ایران و آمریکا نیز اشاره نمود. ترجمه این سخنان در میان اسناد لایحه جاسوسی به دست آمد. اما برای دقت بیشتر، از متن فارسی سخنان منصور موجود در آرشیو مجلس، استفاده شد. م.

تأثیر کوچکی داشته باشند، از بین برده است. بنده علاوه بر اینکه اشاره کردم به کشورهای مختلفی که در اروپا، در آمریکای جنوبی، در آسیا، در خاور دور، در خاورمیانه و در آفریقا به صور مختلف با قراردادهای مختلف و با شرایط مختلف این امتیازات را روی احتیاجات زمانی داده‌اند و آن فکری را که دیگر امروز در سیاست بین‌المللی ما، کوچکترین حس حقارتی نباید داشته باشیم. یک ملتی یک دولتی که کاملاً به استقلال اقتصادی و سیاسی خودش واقف و آگاه است و کوچکترین توهمی در این باره نمی‌رود، این مسائل ذکرش دوش‌شان ملت ایران است (صحیح است) و واقعاً باید این افکاری را که جز سمپاشی و غرض‌ورزی و جز جنگ اعصاب، نظر دیگری ندارند، بکلی از بین برد و نگذاشت که ملت واقعی ایران، همان ملتی را که شما با آنها رو به رو هستید، همان ملتی را که ما دیروز در شیراز و خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد، با آن در تماس بودیم، آنها چیز دیگری را از این ملت و از این دولت و از این رهبر و از این دستگاه می‌خواهند. آنها دیگر فکر نمی‌کنند به یک افکار مخربی که روی غرض‌ورزی و روی منافع شخصی و روی منافع سیاسی این مسائل را عنوان می‌کنند و خیلی دور از حقیقت است، فکر نمی‌کنند. علاوه بر اینکه (در) کشورهای دیگر همان طوری که عرض کردم، به انحاء مختلف این امتیازات سیاسی نسبت به یک هیئتهایی که کاملاً جنبه عادی و معمولی دارد، حتی در خود ایران هم ما در سال ۱۳۳۰ به هیئت فنی همکاریهای اقتصادی آمریکا در ایران این امتیازات را داده‌ایم و مسئله تازه‌ای نیست، چون یک هیئتی بوده است که در ایران خدمت می‌کرده است و در موقعی که واقعاً ما نیازمند کمکهای وسیع اقتصادی دولت آمریکا بودیم، در آن موقع این هیئتها در کلیه ممالک دیگر هم مشابه این عمل کرده‌اند و این هیئتها در آنجا انجام وظیفه می‌کردند. در دولت وقت ایران، در زمان آقای دکتر مصدق هم این امتیاز و مصونیت‌های سیاسی به آنها داده شده، بلکه خیلی کاملتر و آنها را در ردیف سفرا و وزرای مختار و در ردیف اعضاء سفارت آمریکا گذاشته‌اند. برای اینکه جلوگیری از طول کلام بشود، بنده متن قانون را نمی‌خوانم ولی در سال ۱۳۳۰ بین رئیس دولت وقت و دولت ایالات متحده آمریکای شمالی، همچنین در سال ۱۳۴۰ در هنگام دولت اسبق، بین دولت شاهنشاهی ایران برای تسهیلات و به وجود آوردن روابط اقتصادی و پیشرفت هیئت همکاریهای اقتصادی آمریکا، تصویب‌نامه قانونی گذشت که همین امتیازات سیاسی را به این هیئت به طور کامل داد. چون طرز کار عوض شده و اصل چهار به هیئت همکاریهای فنی تبدیل شده بود یک تصویب‌نامه قانونی گذشت که شامل تمام مصونیت‌های سیاسی به علاوه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و در تاریخ ۴۳/۴/۷ در مجلس شورای ملی هم تصویب شد و به مجلس سنا فرستاده شد و هیچ نکته‌ای هم درباره این گفته نشد. در دولت گذشته هم روی نیازی که دولت ایران نسبت به هیئت مستشاران آمریکا، به عنوان کارشناس در ارتش ایران، آن هم روی احتیاجی که وسایل و تجهیزات ما تماماً از آمریکا وارد شده است یا اعطا شده است و یا خریده شده است، دولت وقت تصویب‌نامه‌ای گذراند. موافقتنامه‌ای بین دولت ایران و سفارت آمریکا امضاء و مبادله کردند. یادداشتی مبادله کردند که آن هم مربوط می‌شد به تقدیم چنین لایحه‌ای به مجلس سنا که پس از تصویب مجلس سنا به مجلس شورای ملی تقدیم شد و از مجلس شورای ملی هم گذشت و امروز به دولت ابلاغ گردیده، بنده تصور می‌کنم، خاصه اینکه می‌دانم نمایندگان محترم ملت تا چه حد نسبت به نیروی دفاعی مملکت اهمیت و احترام دارند (صحیح است) چطور ممکن است با تمام سوابقی که در سایر کشورها دیده

می‌شود و سوابقی که عیناً وسیعتر در خود ایران از ۱۳۳۰ تا به حال سه قرارداد، سه موافقتنامه، سه قانون امتیازات سیاسی گذشته است، خیلی کاملتر و خیلی وسیعتر، چطور شد نسبت به این موضوع تا این حد افکار عمومی را متأسفانه خواستند، منحرف بکنند و افرادی بودند که نظری غیر از کارشکنی و اخلال در مملکت نداشتند (صحیح است) خوشبختانه در مجلس شورای ملی، روز پنجشنبه کاملاً نمایندگان محترم اتحاد و اتفاق نظر خود را اعلام داشتند و این افکاری را که در خارج از مجلس بنده تذکر دادم که متأسفانه ممکن بود تأثیر بکند در روحیه مردم، بکلی از بین برود (فولادوند - اگر چنین فکری بوده است در خارج از مجلس بوده است) و امروز به عنوان تشکر جناب آقای سرتیپ پور، در مجلس شورای ملی عرایضی می‌کنم نه به عنوان ایراد بلکه جنبه تشکر دارد. بنده هم چندین بار عرض کردم، البته باز هم در مجلس سنا گفته شد که رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران که با تأیید دولت، انجام وظیفه می‌کنند طبق قرارداد بین‌المللی وین از مزایای مربوط به کارمندان اداری و نفتی به شرح مندرج در بند ۲ ماده ۳۷ قرارداد مزبور استفاده می‌نمایند. پس از ابلاغ قانون که لایحه آن منضم به دو فقره یادداشت وزارت امور خارجه ایران و سفارت کبرای آمریکا در تهران که به مجلس تقدیم شده و در متن قانونی با توجه به مفاد آن به تصویب رسیده است، از طرف دولت عیناً عمل خواهد شد و بدیهی است همان طوری که در مجلس سنا اشاره شد، کارمندان غیر فنی که در هیئت مستشاری نظامی خدمت می‌کنند. ولی جزء اعضای هیئت مورد تأیید دولت قرار نگیرند، نه خود و نه خانواده آنها مشمول قانون مصوبه نخواهند بود که آن هم عیناً در کنوانسیون وین و قرارداد وین مندرج است و نه دولت می‌تواند از قانون مصوب مجلس قدمی فراتر بگذارد و نه توجیه و یا توضیح دیگری می‌تواند کوچکترین تغییری در امر قانونگذاری بدهد. پس بنده در اینجا استفاده کردم با تشکر از مجلس شورای ملی در غیاب بنده روز پنجشنبه و توجه به اینکه واقعاً نیات بزرگ نمایندگان همیشه از بین برنده افکار ناسالمی است که در خارج از مجلس گفته و شنیده می‌شود و این مذاکرات مجلس روز پنجشنبه بسیار حسن اثر داشت و مردم از مجلس شورای ملی که واقعاً حافظ حقوق ملت ایران است، متشکر گردیدند. این توضیحی هم که بنده دادم، هم تشکر بود و هم اشاره بود به مذاکرات مجلس سنا و مطالبی که صرفاً مربوط می‌شد به کارمندان غیر فنی و خانواده آنها که ایجاد توهم کرده بودند و بنده در مجلس عنوان کردم که کارمندان غیر فنی و خانواده آنها که جزء لیست اعضاء و رئیس هیئت مستشاری نیستند، به هیچ وجه من‌الوجه شامل آن مزایایی که قرارداد وین تعیین کرده و قانون تصریح دارد، نمی‌شود.

سند شماره (۳۹)

تلگرام وارده به شماره ۴۱۳
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن
تاریخ: ۱۳ نوامبر ۱۹۶۳ - ۲۲ آبان ۱۳۴۳
پیام مشترک وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع
به: سفارت آمریکا - تهران
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۵ و تلگرام وزارتخانه به شماره ۴۰۳
آنچه در زیر می‌آید، متن پیشنهادی یادداشتی است که باید در زمانی کاملاً مناسب تحویل گردد.
اگر فکر می‌کنید که بهتر است تا بعد از امضاء لایحه صبر کنید، لطفاً مقامات ذی ربط ایرانی را از این

نیت ما، مطلع نمایید. پیشنهاد می‌شود که خاطر نشان سازید بیانیه‌ای صریح در مورد قصد ما از در نظر گرفتن الغاء مصونیت، غفلت ایرانیان در پذیرش «نحوه رسیدگی به دعاوی جنایی» را تا حدی جبران می‌کند. مسئله‌ای که نسبت به اکثر توافقنامه‌های وضعیت نیروهای ما (SOF) در دیگر کشورها، نفع کمتری برای ایرانیان در بر دارد.

«سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، افتخار دارد که به تبادل یادداشتهای نوامبر و دسامبر ۱۹۶۳ در رابطه با وضعیت اعضای هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران اشاره نماید (یادداشت وزارت به شماره ۸۲۹۶ به تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ و یادداشت سفارت به شماره ۲۹۹ به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳).

سفارت اطلاع دارد که لایحه دولت شاهنشاهی ایران در مورد امتیازات و مصونتهای اعضای هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران توسط مجلسین شورای ملی و سنا تصویب شده است. این سفارت با توجه به یادداشت شماره ۸۲۹۶ وزارت، این گونه برداشت می‌کند که هدف این لایحه تعمیم مفاد کنوانسیون به اعضاء هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران و اهل خانه آنها می‌باشد، همان گونه که در یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت و در ماده ۳۷ کنوانسیون وین توضیح داده شده است. با توجه به این برداشت و مطابق با مفاد ماده ۳۲ کنوانسیون وین، سفارت می‌تواند، تأیید نماید که مقامات ایالات متحده در رابطه با درخواست مقامات دولت شاهنشاهی ایران در خصوص لغو مصونیت در مواردی که مقامات دولت شاهنشاهی ایران آنها را حائز اهمیت ویژه تشخیص دهند، توجه خاص مبذول خواهند داشت. سفارت پیشنهاد می‌کند که پاسخ وزارت (امور خارجه ایران-م) به این یادداشت، موافقت دولت شاهنشاهی ایران در مورد تفاهمات فوق‌الذکر را تشکیل خواهد داد و نیز جواب مناسب و قانع کننده‌ای به یادداشت شماره ۴۲۳ سفارت به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ خواهد بود».

بعد از اینکه مبادله یادداشتهای به نتیجه رسید، باید با وزارت امور خارجه (ایران-م) در مورد پاراگراف ۴ از یادداشت سفارت به شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ در رابطه با وضعیت پرسنل ارشد مشخص، تماس گرفته شود. سفارت می‌بایست پیشاپیش دولت ایران را از نیت ما در این رابطه آگاه سازد و پیش‌نویس یادداشت مربوط به تعیین افرادی که برای آنها درخواست وضعیت دیپلماتیک شده است را به واشنگتن ارسال دارد. لطفاً کپیهای تأیید شده از کلیه یادداشتهای موجود پس از یادداشت شماره ۴۲۳ که مربوط به مسائل لایحه وضعیت می‌باشد و نیز تبادل یادداشتهای پیشنهادی جاری را هنگامی که به نتیجه رسید، به وسیله بسته پستی ارسال دارید.

سند شماره (۴۰)

ایران تلگرام ارسالی به شماره ۵۵۲
از: سفارت آمریکا - تهران
تاریخ: ۱۴ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲۳ آبان ۱۳۴۳
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی - برای مشاور سیاسی کنوانسیون وین، لایحه وضعیت
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۹۹
به هنگام پیگیری موضوع برای وادار کردن نخست‌وزیر جهت اطلاع متن سخنرانی ۳۱ اکتبر (۹ آبان - م) وی، آن چنان که قول داده بود؛ حقیقت جالب تازه‌ای پدیدار شد. در مذاکره با یگانه، وزیر

مشاور در امور پارلمانی، به ما گفته شد که هیچ گونه شکلی در مورد تداوم اعتبار یادداشتهای مبادله شده رسمی، نمی‌تواند وجود داشته باشد زیرا در لایحه وضعیت به آن مدارک نیز اشاره شده است. یگانہ پافشاری کرد که شماره‌های ذکر شده در سطر اول لایحه (ضمیمه شماره ۱ از تلگرام ۱۹۵-۸)، به کنوانسیون وین ربطی ندارد، اگر چه این طور توسط سنا به ما گفته شده بود و وزارت خارجه هم معتقد است. بلکه مربوط به یادداشتهایی است که به لایحه اصلی دولت ضمیمه و به سنا تقدیم گردیده بود. یگانہ پیشنهاد کرد که این موضوع را به صورت کتبی برای ما ارسال دارد. او حتی کار بهتری کرد و برای نطق بعدی نخست‌وزیر متنی را نوشت که در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان - م) ایراد شد. در آن نطق منصور به این واقعیت اشاره نمود که قانون وضعیت به اصل لایحه تقدیمی دولت و یادداشتهای مبادله شده، اشاره دارد و «با توجه کامل به مفاد آنها به تصویب رسیده است» (یعنی مفاد یادداشتهای). این اظهارات برای ما به هنگام تماسهای بیشتر با وزارت امور خارجه (ایران - م) بی‌نهایت مفید خواهد بود. وزارت خارجه هنوز نگران تفاوت بین آرمیش و مگ است و به اکراه خود در مورد تأیید کتبی شمول صحیح لایحه، ادامه می‌دهد، زیرا این وزارتخانه هنوز هدف انتقاداتی، پیرامون ویژگی حیطة مصونیتها می‌باشد. در رابطه با شمول خانواده‌ها در لایحه، نخست‌وزیر توضیحات مفید، اما نسبتاً مبهمی ارائه داد. او انتقاداتی را که بر لایحه وضعیت وارد می‌آید، شدیداً مورد حمله قرار داد و گفت که در حال تصحیح سخنان نادرست دشمنان خویش است. سپس مشخصاً اظهار داشت که «رئیس و اعضای هیئت مستشاری آمریکا در ایران که مشغول انجام وظایفی با تأیید دولت می‌باشند، بر طبق کنوانسیون وین از امتیازات مقرر در بند دوم ماده ۳۷ آن موافقتنامه برخوردار هستند». اگر چه فقط تئی چند از مستمعین وی قادر بودند، بفهمند که بند دوم - ماده ۳۷ مشخصاً شامل خانواده‌ها می‌شود، ولی ما نمی‌توانیم به این تصحیح خرده بگیریم. بدیهی است که نخست‌وزیر مایل نبود که این مسئله بر ملا شود که سخنان قبلی او حاوی اشتباه خیره‌کننده‌ای بوده است. ضمناً مطبوعات توجه کمی به این توضیحات کرده‌اند و یک روزنامه (تهران ژورنال) با ادعای اینکه منصور در سخنانی اخیر، اعتراف کرده است که خانواده‌ها و «کارکنان اداری» هیئت اعزامی ما تحت پوشش لایحه وضعیت قرار نمی‌گیرند، حتی رواج بیشتری به اظهارات نادرست قبلی داد. بدین ترتیب، گرچه سوابق موجود در مجلس اکنون خیلی اصلاح شده اما تا آنجا که به عموم مربوط می‌شود نظریات مربوط به حیطة محدود لایحه که منصور در نطق ۳۱ اکتبر (۹ آبان - م) خود ایجاد کرده بود، هنوز وجود دارد. حتی به نظر نمی‌رسد که جو عمومی پیرامون لایحه وضعیت خیلی بهبود یافته باشد. ما هر روز شواهد بیشتری مبنی بر گسترش این باور که دولت و مجلس «کاپیتولاسیون» را پذیرفته‌اند، دریافت می‌کنیم. با توجه به وضعیت، هنوز بسیار مهم است که ما قادر باشیم شرایط الغاء مصونیت را با هدف روشن کردن موضوع، یک بار و برای همیشه پیشنهاد کنیم.

هلمز

مارتین. اف. هرتز

مشاور سیاسی سفیر

سند شماره (۴۱)

تلگرام وارده به شماره ۴۱۹
از: وزارت خارجه (آمریکا - م)
به: سفارت آمریکا - تهران، ایران
جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی - برای مشاور سیاسی طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۵۵۲

با توجه به تفسیر «آقای یگانه» آن گونه که در تلگرام مرجع آمده بود، داشتن متن رسمی لایحه دولت به شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ مورخه ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ و ضائم آن مفید خواهد بود. آیا در زبان فارسی برای عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی» که در لایحه نهایی درج شده، معادل مناسبتری وجود دارد؟ عبارتی که نخست‌وزیر بدین شکل «کسانی که وظایف خود را با تأیید دولت انجام می‌دهند» در سخنرانی خود در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان - م) در مجلس به کار برد، به نظر مفیدتر می‌رسد و ما نمی‌دانیم که این دو عبارت در فارسی چگونه مقایسه می‌شوند.

با این موضوع موافقیم که برای ایالات متحده پیشنهاد شرط الغاء مصونیت مهم است، ولی معتقدیم با توجه به عبارات تأسف‌آور لایحه و ادامه سوء تفاهم عمومی در این مورد - آن گونه که در تلگرام مرجع آمده است - گرفتن سندی توضیحی در مورد شمول لایحه نیز از اهمیتی برابر برخوردار است. بنابراین ما از مبادله یادداشتها آن گونه که در پیام مشترک وزارت خارجه و دفاع (آمریکا - م) طی تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۳ منعکس شده، جانبداری می‌کنیم. تلگرام مزبور باید قبل از تهیه پیش‌نویس تلگرام مرجع به دست شمار رسیده باشد. در صورتی که تلگرام مزبور را دریافت نکرده‌اید لطفاً به ما اطلاع دهید.

سند شماره (۴۲)

تلگرام هوایی صادره به شماره: ۲۵۰ - A جهت اطلاع به: بغداد، قاهره، هنگ‌کنگ، کویت، لندن، مسکو
مرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره ۱۹۵ - A به تاریخ ۲۷ اکتبر - ۵ آبان و تلگرام هوایی به شماره ۲۳۳ - A به تاریخ ۱۰ نوامبر - ۱۹ آبان.
به: وزارت خارجه (آمریکا - م)
به: سفارت آمریکا - تهران، ایران
مسکو مرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره ۱۹۵ - A به تاریخ ۲۷ اکتبر - ۵ آبان و تلگرام هوایی به شماره ۲۳۳ - A به تاریخ ۱۰ نوامبر - ۱۹ آبان.
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: عدم اظهار نظر کمونیستها در مورد لایحه وضعیت

با توجه به خشم مفرطی که در اینجا به دنبال تصویب لایحه وضعیت (در مورد اعطای مصونیت‌های مندرج در کنوانسیون وین به پرسنل نظامی ایالات متحده) ایجاد شده و در کنار اتهامات «کاپیتولاسیون» و دیگر شعارهای ناسیونالیستی و ززمه‌های ضدآمریکایی، قابل توجه است که شاهد هیچ گونه اظهار نظر کمونیستی از منابع آشکار یا پنهان تبلیغاتی، در این مورد نبوده‌ایم. تا آنجا که ما می‌دانیم نه رادیو مسکو در برنامه فارسی خود و نه ایستگاههای رادیویی مخفی مانند «صدای ملی ایران» و «پیک ایران»، فرصت موجود را جهت بهره‌برداری از آنچه که کمونیستها آن را یک فرصت عمده تبلیغاتی تلقی می‌نمایند، مغتنم نهموده‌اند. با وجودی که یک منبع عالی‌رتبه وزارت خارجه (ایران - م) در نزد ما ادعا کرده که یک بار رادیو پکن وارد معرکه شده و با تبلیغات خود،

بدگمانیهای موجود پیرامون «کاپیتولاسیون» را پروبال داده است، ولی استعمال ما از «سرویس بین‌المللی رادیوهای خارجی» در لندن حاکی از آن است که هیچ‌گونه تبلیغاتی علیه لایحه وضعیت و یا زمزمه‌های «ضد ایرانی» از این رادیو پخش نشده است. تنها تبلیغات خارجی پیرامون این موضوع منحصرأ از منابع عربی صادر گردیده است. به نظر می‌رسد کمونیست‌ها از کنار این مسئله گذشته‌اند.

از طرف سفیر مارتین. اف. هرتر

کنسول سفارت در امور سیاسی

گروه ۳ - با فواصل زمانی ۱۲ ساله از طبقه‌بندی کاسته شود، به طور اتوماتیک از طبقه‌بندی خارج نشود.

سند شماره (۴۳)

تلگرام صادره به شماره ۵۶۶
تاریخ: ۱۸ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲۷ آبان ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران، ایران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
جهت اطلاع: سرفرماندهی نیروهای ضربتی
مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۹

ما امیدواریم که دولت ایران خیلی زود با مبادله یادداشتهای جدید طبق خط‌مشی مندرج در تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۳، موافقت نماید (این تلگرام درست پس از ارسال تلگرام سفارت به شماره ۵۵۲، در سفارت توزیع شد). روز گذشته نخست‌وزیر به من گفت که یادداشت پیشنهادی، که پیش‌نویس آن را من به وزارت خارجه (ایران - م) داده بودم، را بررسی کرده است و انتظار دارد مبادله یادداشت در آینده نزدیک صورت پذیرد. پیش‌نویسی که ما تهیه کرده بودیم، در مقایسه با تلگرام ۴۱۳ وزارت خارجه (آمریکا - م) اصلاحاتی جزئی در بر دارد. به زودی مبادله کامل یادداشت و همچنین متن لایحه شماره ۲۱۵/۲۲۹۱ دولت با پیک سیاسی ارسال خواهد شد.

هلمز

سرگرد هارت

آرمیش - مگ

مارتین اف. هرتر

مشاور سیاسی سفیر

سند شماره (۴۴)

تلگرام هوایی به شماره ۲۵۷ - A
تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲۸ آبان ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران، ایران
به: وزارت خارجه - واشنگتن
مرجع: تلگرامهای سفارت به شماره‌های ۴۹۹، ۵۱۱، ۵۵۲ نوامبر ۱۹۶۴.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تشریح اظهارات نخست‌وزیر در مورد لایحه وضعیت

خلاصه: این تلگرام هوایی در ارتباط با روشن کردن اذهان عمومی در مورد مفهوم دقیق لایحه وضعیت می‌باشد. در نتیجه سخنرانی نخست‌وزیر در مجلس سنا در تاریخ ۳۱ اکتبر (۹ آبان - م) که حاوی اشتباهات جدی متعددی بود، توضیح بعضی از نکات ضروری گردید (در تلگرام جداگانه‌ای به

تشریح نکات دیپلماتیک و حقوقی که ربطی به اظهارات نادرست در مورد لایحه وضعیت نداشته، بلکه با ماهیت ناقص این لایحه و چند نکته مبهم دیگر که به یادداشتهای مبادله شده بر می‌گردد، به تفصیل پرداخته خواهد شد). ما با تکیه بر سخنرانی نخست‌وزیر در تاریخ ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان - م)، قادر به تأیید این مطلب هستیم که تا جایی که به اشخاص آگاه به لایحه وضعیت مربوط است، سوء تعبیرها تصحیح شده، ولی افکار عمومی هنوز هم مانند سابق در مورد لایحه وضعیت دچار سردرگمی است. مهمترین و مثبت‌ترین نتیجه ناشی از توضیحات نخست‌وزیر که نتیجه مذاکرات ما با او بود، این است که وی اعتبار یادداشتهای مبادله شده را که دقیقتر از لایحه مصوب پارلمان ایران است، مورد تأیید قرار داد.

در نتیجه تحریک افکار عمومی با پخش این شایعه که لایحه وضعیت پرسنل نظامی آمریکا را از امتیازات بیش از حد و با حیطه وسیعی برخوردار می‌کند، نخست‌وزیر حسنعلی منصور در سخنرانی ۳۱ اکتبر خود در مجلس سنا تلاش کرد تا میزان امتیازات تفویض شده را به حداقل رسانده و در این مسیر، اظهارات تأسف باری ایراد کرد. حسنعلی منصور علاقه بسیاری به سخنرانی فی البداهه دارد و احتمال دارد واقعاً در مورد لایحه‌ای که از آن در مقابل مجلس دفاع کرد، دچار سردرگمی و گیجی بوده است. ولی این احتمال هم وجود دارد فردی که مایل بوده سوابق به طرز نادرستی ضبط گردد تا مصونیت‌های پرسنل نظامی آمریکا به حداقل رسانده شود، او را وادار به بیان این نکات کرده باشد. به هر حال طبق سوابق منتشره از صورت جلسات سنا، وی گفته بود:

«... سفارت کبرای آمریکا در پاسخ یادداشت وزارت امور خارجه، طی یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲) اظهار نمود که به نظر سفارت کبرای آمریکا عبارت «اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران» شامل کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین غیر نظامی وزارت دفاع و خانواده آنها خواهد بود. ولی با توافق نماینده دولت در مجلس سنا این امتیاز فقط به رئیس و اعضای هیئت مستشاری داده شده و شامل خانواده و کارمندان غیر فنی هیئتهای مستشاری نخواهد بود. بدین ترتیب حتی از اغلب کشورهایی که مصونیت کامل سیاسی داده‌اند، بسیار کمتر و ساده‌تر و در چهارچوب یک معاهده بین‌المللی است و شامل مصونیت مدنی و مصونیت خارج از حین انجام وظیفه آنها هم نیست»*

با وجود اینکه نخست‌وزیر به کاردار ما قول داده بود که سوابق قانونگذاری مربوطه را اصلاح کند، ولی ظاهراً از طرف دکتر ناصر یگانه، وزیر مشاور در امور پارلمانی به وی گفته شده بود که بهتر است در سخنرانی بعدی اظهارات درستی ایراد گردد و اذعان نشود که سخنرانی قبلی حاوی اشتباهاتی بوده است. همان طوری که در تلگرام ۴۹۹ سفارت گزارش شده، نخست‌وزیر می‌بایست در بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین متقاعد شود که خانواده‌ها جزء لاینفک عبارت «پرسنل اداری و فنی» می‌باشند. وی به صورت ناقصی استدلال می‌کرد که «فامیلها» را می‌توان به عنوان «اعضاء خانواده» تعبیر نمود (نه اعضاء فامیل) ولی بعداً گفت که حذف یک لغت «و» می‌تواند اصلاحات لازم را ایجاد کند. (این موضوع در ذیل بیشتر تشریح شده است). در رابطه با «پرسنل غیر فنی» منصور گفت منظورش این بوده که مستخدمین هیئت مانند آشپزها و رانندگان (ایرانی) نمی‌توانند شامل مصونیت شوند، و در

* برای ترجمه این بخش، از متن اصلی سخنان منصور در صورت جلسات مذاکرات مجلس سنا استفاده شد.

رابطه با مصونیت جنایی، وی مدعی بود که موضوع را به خوبی درک کرده و منظورش این بوده که فقط تخلفات مدنی که خارج از حین انجام وظیفه اتفاق می‌افتد، شامل مصونیت نمی‌شود. باید یادآور شد که حذف لغت کوچک «و» در عبارت «اعضاء خانواده‌ها و پرسنل غیر فنی» سبب می‌شود که این عبارت در زبان فارسی به صورت «اعضاء خانواده‌های پرسنل غیر فنی» خوانده شود و از آنجایی که نخست‌وزیر می‌توانست ادعا کند که تمام پرسنل آمریکایی هیئت مستشاری افرادی «فنی» هستند، اعضاء خانواده‌هایشان نیز از مصونیت برخوردار می‌شوند. به همین ترتیب اگر کلمه «و» در آخرین عبارت حذف شود جمله‌ای نسبتاً نا مفهوم ایجاد خواهد شد که می‌گوید (و در واقع نیز همین طور است): لایحه وضعیت «مصونیت مدنی خارج از محدوده وظایف را مستثنی می‌سازد». این مسئله، پاراگراف مرموزی را که به دنبال اصلاحات نخست‌وزیر در مجلس در تاریخ ۱۰ نوامبر ایراد شد، توضیح می‌دهد. در این پاراگراف نخست‌وزیر گفت:

«در سنا گفتم که کارمندان غیر فنی و خانواده‌هایشان که در فهرست اسامی رئیس و اعضاء هیئت نیستند، از مصونیت‌های کنوانسیون وین و مصونیت‌های مشخص شده در این قانون بهره‌مند نخواهند شد. بنابراین اگر اشتباهی در تندنویسی مطالب و یا در نسخه برداری پیش آمده و یا اگر یک «و» اضافی در مطلب آمده و... می‌توان آن را تصحیح کرد و یا توضیح داد.»

مهمترین و در واقع شومترین نکته نادرستی که در سخنرانی مورخ ۳۱ اکتبر نخست‌وزیر مطرح شده این است که مجلس ایران آگاهانه و با تأیید دولت، مصونیت‌هایی به پرسنل نظامی آمریکایی داده که کمتر از مصونیت‌های مندرج در یادداشتهای مبادله شده در سال گذشته است. ما فوراً و بدون هیچ ابهامی به او توضیح دادیم که تا آنجایی که به دولت آمریکا مربوط است، این دولت قراردادی با دولت ایران منعقد ساخته که در عمل (اگر نه رسماً) مورد تصویب پارلمان ایران قرار گرفته است. ما یادآور شدیم که دولت ایران در ابتدای امر یادداشتهای مبادله شده را به پارلمان تسلیم کرده و متذکر شدیم که طبق مدارک منتشره از صورت جلسات مذاکرات مجلسین سنا و شورا هیچ یک از مقامات دولتی از جمله خود نخست‌وزیر، مطلبی غیر از اینکه این مراحل قانونگذاری به منظور اجازه به دولت برای اجرای موافقتنامه ما طراحی شده، نگفته‌اند.

تحت این شرایط سخنان نخست‌وزیر در این مورد در تاریخ ۱۰ نوامبر از اهمیت بسیاری برخوردار است. (در ترجمه سخنان ذیل، بین پرانتزها کلماتی گنجانده شده تا بنا به توصیه مشاور حقوقی سفارت، پرفسور علی پاشا صالح متخصص در حقوق بین‌الملل، نکات روشنتر شود). «اینجانب مکرراً گفته‌ام و البته در مجلس سنا نیز تکرار کرده‌ام که رئیس و اعضاء هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در ایران و با حمایت دولت مشغول انجام وظایف (شان) می‌باشند، برطبق کنوانسیون وین از امتیازات کارمندان اداری و فنی، مشروحه در بند ۲ ماده ۳۷ برخوردارند. این قانون پس از ابلاغ آن به دولت، دقیقاً به مرحله اجراء در خواهد آمد (و ابلاغ شده است). لایحه (که براساس آن، این قانون وضع شده) دو یادداشت از وزارت خارجه ایران و سفارت آمریکا در تهران را به ضمیمه داشت، که به مجلس تقدیم شد و با توجه (کامل) به مفاد یادداشتهای متن قانونی (یعنی متن این قانون) تصویب گردید. و در رابطه با پرسنل غیر فنی که در هیئت مستشاری نظامی کار می‌کنند ولی دولت ممکن است عضویت آنها را در هیئت تأیید نکند، آن طوری که در سنا اشاره شد، قطعاً نه آنها و نه

اعضاء خانواده‌هایشان تحت پوشش قانون مصوب در نمی‌آیند، واقعیتی که صریحاً در کنوانسیون وین به آن اشاره شده است».

در فارسی این جملات بسیار پیچیده‌تر از ترجمه انگلیسی آن است و مستمعین نخست‌وزیر، بارها آنها را بررسی کرده‌اند و احتمالاً «برای یک فرد عامی، غیر قابل درک می‌باشد. به هر حال دکتر ناصر یگانه قول داد که متن مربوطه را با توضیحات لازم برای وزیر خارجه (ایران - م) ارسال نماید: در تاریخ ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان - م) دکتر محمود ضیائی رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس به ما اطلاع داد که یگانه حدوداً یک ساعت و نیم با وزیر خارجه «دکتر آرام» ملاقات داشته و طبق دستور نخست‌وزیر به وی توضیح داده که بدون شک یادداشتهای مبادله شده باید مورد تأیید لایحه وضعیت قرار گیرد.

خاطر نشان خواهد شد که در حالی که نخست‌وزیر در جواب دادن به کلیه سؤالات مورد بحث، خیلی پیش آمده، ولی چرا در مجلس این کار را نکرده است. هنوز این نظریه وجود دارد که دولت ایران تعیین می‌کند که چه کسانی عضو هیئت نظامی ما می‌باشند، و اینکه بین پرسنل فنی و غیر فنی وجه تمایزی وجود دارد - چیزی که نه در یادداشتهای مبادله شده و نه در لایحه وضعیت وجود دارد؛ عبارت «هیئت مستشاری نظامی» هنوز هم به صورت مفرد به کار می‌رود (در حالی که در یادداشتهای مبادله شده به صورت جمع استفاده شده و کلمه «مستشاری» عمداً در یادداشت شماره ۲۹۹ ما، حذف شد)؛ و البته فقط شخصی که با بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین آشنا است، می‌داند که خانواده‌ها تحت پوشش کنوانسیون بوده و مصونیتها در تمام موارد جنایی و نیز در مورد تخلفات مدنی در حین انجام وظیفه، مصداق پیدا می‌کند.

مهمترین امتیازی که در طول این جریانات به دست آورده‌ایم این است که نسبتاً درک خود دولت از حیثه مورد درخواستمان را بالا برده‌ایم.

از طرف سفیر

مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

سند شماره (۴۵)

از: مارتین. اف. هرتز - مشاور سیاسی سفیر تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲ آذر ۱۳۴۳
یادداشت برای ضبط در پرونده طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
امروز اینجانب که برای کار دیگری به وزارت خارجه رفته بودم، سری هم به آقای عزالدین کاظمی، رئیس اداره حقوقی زدم تا از او بپرسم که لایحه وضعیت چه موقع به اجراء گذاشته می‌شود. او نمی‌دانست ولی من (و آقای هلست که همراهم بود) را به نوشیدن قهوه دعوت کرد. ضمن صرف قهوه توانستم حرف تبادل یادداشتهای پیشنهادی ما در رابطه با تبیین پوشش لایحه وضعیت را به میان آورم.

از آقای کاظمی پرسیدم که پیش‌نویس یادداشتی که آقای آرام به سفیر ما نشان داده، از لحاظ حقوقی از چه جنبه‌ای با یک تصدیق و تأیید ساده از یادداشت پیشنهادی ما تفاوت دارد. آقای کاظمی

گفت در واقع تفاوت خیلی کمی وجود دارد، ولی دولت به خاطر دلایل حقوقی و رعایت قانون اساسی لازم دیده تا سرحد امکان به متن لایحه وضعیت تکیه کند. من گفتم تا جایی که به ما مربوط است ما لازم دیده‌ایم که تا سر حد امکان به عبارات یادداشت شماره ۲۹۹ خود تکیه کنیم. از آقای کاظمی پرسیدم آیا اختلافی اساسی مشاهده می‌کند. آیا این قانون، دولت را قادر نمی‌کند که یادداشتهای مبادله شده را به کار ببرد، خصوصاً اینکه یادداشتهای ما توسط قانون وضعیت هم تأیید می‌شود؟ اضافه کردم که، حتی اگر چنین تأییدی هم وجود نداشت، به نظر ما تنها راهی که در آن تبادل یادداشتهای معنی پیدا می‌کرد، این راه بود و مجلس راه‌گریز قانونی که طی آن دولت می‌توانست تبادل یادداشتهای را به جریان اندازد، بسته است.

در پاسخ به یک سؤال، آقای کاظمی گفت فکر می‌کند که یادداشت پیشنهادی ایران را می‌توان «کمی دستکاری کرد»، بنابراین شما (آمریکاییها-م) مشکلی در قبول آن به عنوان پاسخی به یادداشت پیشنهادی خود، نخواهید داشت. با این حال، او در طول صحبت برخی ملاحظات ناراحت کننده را مطرح ساخت - در حالی که تأیید می‌کرد، وی از جانب خود صحبت می‌کند و ما بایستی توافق کنیم که این «صحبتها را از او نشنیده بگیریم»، مشخصاً اظهار داشت:

(۱) هیچ موافقتنامه‌ای بین دولت آمریکا و دولت ایران در نتیجه تبادل یادداشتهای ۸۲۹۶ و ۲۹۹ ما به وجود نیامده، زیرا این مبادله به طور واضحی مشروط به تصویب آن از سوی پارلمان ایران بوده است. اگر مجلس ایران این تبادل یادداشتهای را رد می‌کرد، آنها هیچ‌گونه ارزش قانونی پیدا نمی‌کردند. (۲) در عمل، مجلس ایران تبادل یادداشتهای را به صورت «غیر مستقیم» تصویب کرد (یعنی توسط مرجع). با این حال، از نظر حقوقی می‌توان ادعا کرد که مجلس ایران فقط بخشی از یادداشتهای مبادله شده را تصویب کرده است.

(۳) آقای کاظمی گفت تا آنجایی که به عبارات پیش‌نویس جواویه ایران ارتباط دارد، لازم دیده شده که تا سرحد امکان به اظهارت نخست‌وزیر در مجلس به تاریخ ۱۰ نوامبر، تکیه شود. وی گفته «لایحه با توجه کامل به مفاد (یادداشتهای مبادله شده) تصویب شد». کاظمی ادامه داد ممکن است ادعا شود که مجلس «با توجه کامل» فقط بخشی از یادداشتهای مبادله شده، مطابق با یادداشت شماره ۸۲۹۶، را تصویب کرده است. در آن صورت تعریف ما از پوشش مورد نظر در یادداشت شماره ۲۹۹، هیچ پایه حقوقی نخواهد داشت، زیرا دولت هیچ‌گاه آن را نپذیرفته است. من گفتم اگر چنین ادعایی اقامه شود، ما در شرایط نخواهیم بود که بتوانیم آن را بپذیریم زیرا ما، مسئله را این طور تلقی می‌کنیم که موافقتنامه‌های بین دو دولت وجود داشته که به پارلمان تسلیم گردیده و با توجه به صورت جلسات مذاکرات پارلمان، کل موافقتنامه نه فقط بخشی از آن مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است؛ باز هم آقای کاظمی این مسئله را تکرار کرد (رجوع شود به پاراگراف اول در فوق) که در واقع هیچ موافقتنامه‌ای بین دولتین وجود نداشته است، زیرا دولت ایران، به جای پذیرفتن تعریف مندرج در یادداشت شماره ۲۹۹، صرفاً توافق کرده است که یادداشتهای مبادله شده ما را به مجلس تسلیم کند. پس از این، آقای کاظمی همراهی بیشتری کرد و گفت فکر می‌کند که لزومی وجود نداشته است تا کل قضیه در قدم اول به مجلس تسلیم شود و گفت که در عمل «ما (آمریکاییان - م) کل پوشش مورد درخواستمان را به دست خواهیم آورد». گفتم اگر دولت ایران مایل است تا موضع محدود کننده‌ای را

اتخاذ کند، البته می‌تواند ادعا کند از آنجایی که هیچ یک از پرسنل نظامی آمریکا در استخدام دولت ایران نیستند، ما (آمریکاییان - م) هیچ گونه پوششی به دست نیاورده‌ایم. آقای کاظمی لیخندی زد و گفت مسلماً این یک نتیجه‌گیری بی‌معنی خواهد بود و هیچ قصدی برای اینکه محدودیتی در کار باشد، وجود ندارد. همچون بعضی از دفعات قبل، صحبت ما با این گفته وی خاتمه یافت که تمام این مسائل را می‌توان با رضایت طرفین حل نمود؛ و دوباره تأیید کرد که یادداشت پیشنهادی ایران را می‌توان کمی دستکاری کرد تا رضایت ما را تأمین کند، و اینکه آن تکه کاغذی که وزیر امور خارجه به سفیر داده، صرفاً یک پیش‌نویس بوده است.

مارتین. اف. هرتز
مشاور سیاسی سفیر

سند شماره (۴۶)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره ۲۶۲- A تاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲ آذر ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران، ایران به: وزارت خارجه (آمریکا - م)
مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۴۱۹ مورخه ۱۶ نوامبر ۱۹۶۴
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: کنوانسیون وین - لایحه وضعیت

متن لایحه اولیه دولت که به مجلس سنا در تاریخ ۲۵/۱۱/۴۲ (۱۵ مارس ۱۹۶۴) (با شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸) ارائه شد، به شرح زیر است:
«ماده واحده - مجلس سنا در جلسه خود به تاریخ (جای خالی)، متن یادداشت شماره ۸۲۹۶ به تاریخ ۲۶/۸/۴۲ (۱۷ نوامبر ۱۹۶۳) وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران و یادداشت شماره ۲۹۹ به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر - ۱۳۴۲ - م) سفارت ایالات متحده در تهران را تصویب کرده و به دولت اجازه می‌دهد تا شرایط و تعهدات موجود در آن را اجراء نماید».
این پیش‌نویس لایحه، یادداشتهایی را که اخیراً طی تلگرامهای سفارت به شماره‌های ۵۲۳ و ۵۴۴ به تاریخ‌های ۵ و ۱۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۴ و ۲۳ آبان ۱۳۴۳ - م) ارسال شده، به ضمیمه داشت.
مقایسه بین معنای عبارت «در استخدام دولت شاهنشاهی» مندرج در لایحه وضعیت (ضمیمه یک از تلگرام هوایی - ۱۹۵ - A) با معنای سخن نخست‌وزیر: «انجام دادن وظایف با تأیید دولت» در زبان فارسی، نشان می‌دهد که هیچ شباهتی بین دو عبارت فوق وجود ندارد، لذا مشکل می‌توان ادعا کرد که عبارت دوم تفسیر دقیقتری از عبارت اول است.

مارتین. اف. هرتز
مشاور سفارت در امور
سیاسی ۲۱ نوامبر ۱۹۶۴

سند شماره (۴۷)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره: ۲۶۳ - A تاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۲ آذر ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران، ایران به: وزارت خارجه (آمریکا - م)
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه مرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره ۲۵۰ - A به تاریخ ۱۷ نوامبر
موضوع: اظهار نظر کمونیستی در مورد لایحه وضعیت

زمان کوتاهی از مخابره تلگرام ۲۵۰ - A مبنی بر عدم اظهار نظر کمونیستی در مورد لایحه وضعیت نگذشته بود که شنود ما اولین اظهار نظر را دریافت کرد. این تفسیر از پیک ایران، ایستگاه رادیویی حزب توده در آلمان شرقی بود و در ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان - م)، یک روز بعد از مخابره تلگرام هوایی ما شنیده شد. این رادیو در قسمتی اظهار داشت: «شاه و همدستان خائن او با تمسک به این موافقتنامه بین‌المللی (کنوانسیون وین - م)، به تعداد کثیری از جاسوسان آمریکایی که در دنیا به عنوان غاصبان آزادی و استقلال مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مشهورند، مصونیت سیاسی داده‌اند و ارتش ایران و اعتبارش را تحت کنترل آنها در آورده‌اند... آنها حقوق و مزایای کمرشکن خود را که با سنگینی بر بودجه اندک کشور ایران می‌باشد، از خزانه دولت ایران دریافت می‌دارند».

این نخستین باری است که ما در میان نظرات مخالف حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران، مطلبی مبنی بر تحمیل هزینه سنگین این حضور بر بودجه ایران دریافت می‌کنیم. اکثر مردم اینجا، فکر می‌کنند که خدمات کلیه پرسنل مستشاری ما به عنوان کمک ارائه می‌شود.

از طرف سفیر

مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

۲۱ نوامبر ۱۹۶۴

سند شماره (۴۸)

از: مارتین. اف. هرتز - مشاور سیاسی سفیر تاریخ: ۲۷ نوامبر ۱۹۶۴ - ۶ آذر ۱۳۴۳
یادداشت برای ضبط در پرونده طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تأیید شمول قانون وضعیت

سفیر دیروز دوبار با آرام وزیر امور خارجه در مورد مبادله یادداشتهای پیشنهادی مذاکره کرد. به موجب آن با ارائه پیشنهادی از طرف ما در مورد شرایط لغو مصونیت، دولت ایران حیطه مورد نظر در یادداشتهای دو طرف (۸۲۹۶ و ۲۹۹) را مورد تأیید مجدد قرار خواهد داد.

در گفتگوی اول که صبح دیروز در وزارت خارجه برگزار شد، آرام گفت که افزودن کلمات «و ترتیبات» را در پاراگراف دوم می‌تواند بپذیرد؛ اما در مورد قبول حذف کلمه «مستشاری» در عبارت «در ارتباط... با هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران» مشکل دارد. او استدلال نمود که ناچار است عبارت قانون را که از هیئتهای مستشاری سخن می‌گوید، حفظ کند. سفیر استدلال کرد که یادداشتهای مبادله شده اولیه، که از «هیئتهای نظامی» در یادداشت سفارت به شماره ۲۹۹ سخن می‌گوید، هنوز به قوت خود باقی است. آرام این مطلب را نه رد کرد و نه تأیید نمود، ولی خاطر نشان

ساخت که در آخرین پاراگراف جوابیه پیشنهادی ایران به یادداشت ما، «مفاد یادداشت (ما)» مورد قبول واقع خواهد شد. به عبارت دیگر به طور غیرمستقیم موضع ما مبنی بر اینکه یادداشتهای مبادله شده اولیه کماکان معتبر می‌باشد، تأیید خواهد شد.

در اینجا سفیر گفت که درست نیست در مبادله یادداشتهای پیشنهادی ما، ابهامی وجود داشته باشد. هدف این است که مطالب روشن شود تا در آینده در این موضوع هیچ نوع اختلافی به وجود نیاید، آقای کاظمی که به جلسه فرا خوانده شده بود، طبق دستور آرام سعی کرد با دکتر یگانه تماس بگیرد، ولی ظاهراً نتوانست تلفنی با او صحبت کند. (یگانه با ما در این مورد هم نظر بوده که تبادل یادداشتهای اولیه توسط قانون وضعیت تأیید شده است).

در این مذاکره و قبل از اینکه دکتر کاظمی وارد شود، سفیر به نظر کاظمی مبنی بر اینکه این قانون جایگزین یادداشتهای اولیه شده است، به عنوان گواهی بر نیاز ما به روشن کردن شمول این قانون، اشاره کرد. آرام مدعی بود که بین ما در مورد اعمال مصونیت برای همه کارکنانمان درک روشنی وجود دارد و کافی است که ما تنها اسامی افرادی را که می‌خواهیم مصونیت شامل حالشان بشود، ارائه دهیم. سفیر گفت که نظر به ماهیت محرمانه برخی از کارها، این امر غیر ممکن خواهد بود. آرام گفت که او از فعالیتهای محرمانه مطلع است. او ضمناً گفت که شاه به او دستور داده است که قبل از عزیمتش به نیویورک در روز بعد، مسئله تأیید ترتیبات وضعیت را روشن نماید.

عصر دیروز در محل اقامت سفیر، آرام پیشنهاد تازه‌ای ارائه داد. او پرسید که آیا این قابل قبول خواهد بود که وزارت امور خارجه یادداشتی برای ما بفرستد که طی آن اولاً ما را مطلع کند که مجلس، قانون وضعیت را که به دولت ایران اجازه می‌دهد تا امتیازات معینی را به افراد هیئت مستشاری نظامی آمریکا که در استخدام دولت ایران هستند تسری دهد، تصویب کرده؛ سپس به سادگی بیفزاید که دیگر کارمندان فنی و مستشاری سفارت تحت پوشش شرایط مربوطه در کنوانسیون وین قرار خواهند گرفت. بر اساس چنین ترتیباتی آن طور که آرام پیشنهاد کرد، سفارت با معرفی افراد اضافی که تحت پوشش کنوانسیون وین قرار دارند، به عنوان افرادی که در یادداشت شماره ۲۹۹ ما مشخصات آنها ذکر شده، پاسخ خواهد داد.

سفیر گفت که او باید با متخصصین خود مشورت کند که آیا این راه حل (که ضمناً هیچ گونه شرط الغاء مصونیتی در پی نداشته باشد) قابل قبول خواهد بود یا نه.

مارتین. اف. هرتر

مشاور سیاسی سفیر

۱۹۶۴/۱۱/۲۸

سند شماره (۴۹)

از: مارتین. اف. هرتر - مشاور سیاسی سفارت تاریخ: ۲۸ نوامبر ۱۹۶۴ - ۷ آذر ۱۳۴۳
یادداشت برای ثبت در پرونده طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تأیید حیطه قانون وضعیت

پیرو دستور سفیر، ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته به ملاقات آرام «وزیر خارجه رفته و پیشنهادمان را

مطرح کردم که پس از اولین پاراگراف یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (ایران م) (که شامل لحن محدود قانون وضعیت است) یک جمله دیگر به شرح زیر گنجانده شود:

«در رابطه با دیگر پرسنل نظامی آمریکا و کارمندان غیرنظامی وزارت دفاع که بر طبق قراردادها و ترتیبات منعقد بین دو دولت در زمینه همکاریهای نظامی در ایران به سر می‌برند، باید افزوده شود که این افراد نیز تحت شمول بند (و) ماده اول کنوانسیون وین قرار می‌گیرند».

آقای آرام نگاهی به این کاغذ کرد و گفت اگر به جای عبارت «پرسنل نظامی و کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع» صرفاً بگوییم «کارکنان سفارت» کارها خیلی ساده‌تر خواهد شد. گفتم به نظر ما درج این عبارت باعث تأیید خواسته ما در یادداشت ۲۹۹ نخواهد شد. پس از آن یادآور شدم که آقای کاظمی به ما گفته بود که به نظر او وزارت خارجه مسئول تأیید وضعیت دیپلماتیک اشخاص به دلخواه خود است و حتی در ذهن ایشان این سؤال مطرح است که آیا اصلاً نیازی بوده که در قدم اول مسئله به پارلمان ارجاع شود. آقای آرام که مشغول رسیدگی به امور دیگری بود. ظاهراً متوجه این نظریه نشد و فقط گفت که ما نباید به مطالب و اظهارات افراد زیر دست خود توجه کنیم. به هر حال، مشخص بود که فکر می‌کرد قبول کاغذی که ما به او داده بودیم، برایش مشکل است. با این حال آقای آرام دو نکته جالب توجه را مطرح نمود. وی گفت «دادگاهها یک یادداشت دیپلماتیک را به کار نخواهند برد».

وی همچنین گرفت که موضوع را با «ایشان»* در میان گذاشته بود و ایشان از لزوم تبادل یادداشت و ضرورت ارجاع آن به پارلمان اظهار شگفتی کرده و گفته بود «هیچ کس برای مستشاران نظامی آمریکایی ما مشکلی ایجاد نخواهد کرد». طبق معمول پاسخ دادم هدف از روشن شدن امور این است که در آینده، در مورد اشخاص مشمول مصونیتها، ابهامی پیش نیاید و گفتم با این همه تلاش، نباید پس از تصویب لایحه وضعمان از قبل بدتر شده باشد. بار دیگر به نظر رسید که آقای آرام کاملاً به حرف من گوش نداده بود، چون فقط گفت که او نیز معتقد است که پس از تصویب لایحه وضع بدتر از قبل شده است.

عصر همان روز، بار دیگر بنا به دستور سفیر با وزیر خارجه در ساعت ۸/۳۰ شب ملاقات نمودم. سرگرد «هارت» در بخشی از این گفتگو حضور داشت، وزیر خارجه پشت میزش مشغول کار بود و در همان حال دور میز دیگری دکتر ناصر یگانه وزیر مشاور و معاون امور پارلمانی، آقای احمد میرفندرسکی مدیر کل سیاسی و دکتر عزالدین کاظمی مشاور حقوقی وزارت خارجه نشسته بودند. مذاکرات من منحصرأً با این آقایان انجام شد. در همان حال وزیر خارجه کاغذهایی را می‌خواند و دسته بندی می‌کرد، به تلفنها جواب می‌داد، و گاهی نیز به طرف ما نگاه می‌کرد و به نظر می‌رسید که گوش می‌داد. در پایان گفتگوی یک ساعت و نیمه، پس از روشن شدن این مطلب که برای رسیدن به توافق راه درازی در پیش است، ما آماده خروج شده بودیم که وزیر خارجه سؤال کرد، آیا مسائل حل و فصل شدند؟ به عبارت دیگر او در این گفتگو نقشی نداشت در حالی که این کار در اطاق وی صورت می‌گرفت.

دکتر یگانه با اشاره به یادداشت آقای آرام به سفیر ما، صحبت را شروع کرد چنان که گویی این

* منظور «شاه» است. م

پیشنهاد تازه‌ای است. من توضیح دادم که چرا ما پیشنهاد حذف کلمه «مستشاری» و درج کلمه «و ترتیبات» را داده بودیم. سپس اضافه کردم که از نظر ما پیشنهاد اخیر وزیر خارجه مفید بوده است، چون در آن، بین پرسنل نظامی آمریکا که برای کسب امتیازات دیپلماتیک به قانون مجلس نیاز دارند و پرسنلی که بدون ارجاع به پارلمان از این امتیازات برخوردار می‌گردند، تمایز قائل شده است. دکتر یگانه گفت که این مسئله، بسیار اساسی است. دولت ایران خواهان اعطای مصونیتها و معافیتها به کلیه پرسنل مستشاری نظامی آمریکا است، گروهی توسط قانون وضعیت و گروه دیگر توسط کنوانسیون وین.

در اینجا نظم گفتگو از بین رفت. آقای میرفندرسکی سؤال کرد که آیا به نظر ما عبارت «کارکنان فنی و اداری» سفارت شامل پرسنل هیئت‌های نظامی ما که تحت پوشش یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه قرار نمی‌گیرند، نیز می‌شود. گفتم بله، اگر شما مایل باشید. ولی نمی‌دانم که او با این پاسخ قانع شد یا نه. آقای میرفندرسکی گفت ولی این بستگی به شما دارد که اعلام کنید که آنها جزء کارکنان اداری و فنی هستند. گفتم خوب چرا این مطلب در متن پیشنهادی گنجانده نشود؟ بلافاصله آقای کاظمی متن زیر را به جای پاراگراف دوم که ما پیشنهاد کرده بودیم، مطرح ساخت: «اکنون که کنوانسیون وین توسط مجلسین ایران تصویب شده، پرسنل اداری و فنی سفارت آمریکا نیز از مصونیتها و امتیازات مندرج در بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون فوق برخوردار می‌گردند».

گفتم اگر سفیر «هلمز» این پیشنهاد را برای واشنگتن مطرح می‌کرد، حتماً به او می‌خندیدند. از این گذشته برای تأیید اینکه ایران کنوانسیون وین را رعایت می‌کند نیازی به ارسال یادداشت دیپلماتیک نیست. اگر ما به واشنگتن گزارش کنیم که دولت ایران میل ندارد پرسنل نظامی ما را تحت پوشش مصونیت‌های کنوانسیون وین قرار دهد، چنین تلقی خواهد شد که با وجود تمام یادداشت‌هایی که قبلاً مبادله شده، هرگز قراردادی بین ما منعقد نگردیده است. خطاب به دکتر یگانه گفتم که من تا به حال فکر می‌کردم که تفاهم اولیه بین ما هنوز معتبر و به قوت خود باقی است. (دکتر یگانه سرش را به علامت تأیید تکان داد). ولی آیا در حال حاضر باید این طور برداشت کنیم که وضع تغییر کرده است؟

پس هدف از ارجاع مطلب به مجلس و فراهم آوردن این همه مشکلات سیاسی چه بوده است؟ دکتر یگانه که تا آن موقع به نظر می‌رسید طرف ما بود، طوری موضعگیری کرد که گویا به وسیله وکلای وزارت خارجه شستشوی مغزی شده است. وی گفت این قانون تنها در مورد کارمندان «آرمیش» که بر اساس قرارداد ۱۹۴۷ (۱۳۲۶ - م) در ایران به سر می‌برند، مصداق دارد. وی سؤال کرد که پرسنل دیگر بر اساس چه قراردادهایی در ایران به سر می‌برند؟ و گفت باید آن قراردادهای را مطالعه کند تا ببیند که آنها هم مشمول این قانون می‌شوند یا نه. سرگرد «هارت» که تازه از راه رسیده بود به کمک من آمد تا گفتگو را به مسیر اصلی بکشانیم. از آنجایی که از نظر کاظمی «معرفی» پرسنل ما به وزارت خارجه حائز اهمیت بسیار بود، تا بدین طریق از مصونیت‌های کنوانسیون وین بهره‌مند شوند، پیشنهاد کردیم: «در مورد دیگر پرسنل وزارت دفاع آمریکا که در رابطه با موافقتنامه‌ها و ترتیبات مربوط به همکاری نظامی بین دو دولت در ایران به سر می‌برند، در صورتی که این پرسنل توسط سفارت آمریکا به عنوان پرسنل اداری و فنی سفارت معرفی شوند، دولت شاهنشاهی ایران آنان را تحت پوشش بند (و) ماده اول کنوانسیون وین منظور خواهد داشت».

آقای یگانه بار دیگر بحث را از مسیر اصلی خارج کرد و گفت تا آنجایی که به پرسنل مستشاری به معنای صحیح کلمه مربوط می‌شود، مصونیت آنها مورد تأیید است؛ لیکن او باید قراردادها را مطالعه کند تا مشخص شود که آیا آنها مستشار هستند یا خیر. در هر حالت، آنها باید «معرفی» شوند. دولت ایران نمی‌تواند مشخص کند که چه کسانی مصونیت خواهند داشت، بلکه ما باید آنان را معرفی کنیم تا بر اساس آن، دولت ایران آنها را تأیید نماید. تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که فهرست اسامی را ارائه کنیم و آن دسته از کارکنان که مستشار هستند از مصونیتها برخوردار خواهند شد. گفتیم این موضوع تصمیم‌گیری را به عهده دولت ایران می‌گذارد. هدف از مبادله یادداشتها، مشخص شدن افراد تحت پوشش است. ما می‌دانیم که دولت ایران هر وقت و به هر کس که بخواهد می‌تواند مصونیت بدهد؛ اما هدف از کار ما این است که به طور واضح بیان شود چه کسانی از مصونیتها بهره‌مند می‌شوند، بلافاصله دکتراظمی پیشنهاد غیرممکنی را یک بار دیگر مطرح ساخت:

«اکنون که کنوانسیون وین تصویب گردیده، پرسنل اداری و فنی سفارت آمریکا (که با همین عنوان به وزارت خارجه) معرفی خواهند شد، از مصونیتها و امتیازات پیش‌بینی شده در بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون وین برخوردار خواهند شد».

بار دیگر گفتیم که این امری است مسلم و نیازی به ارسال یادداشت نیست. آقای میرفندرسکی به آقای کاظمی طوری نگاه کرد که گویی می‌خواست به او بگوید «به تو گفتم که این طور عکس‌العملی نشان خواهند داد.» با این تصور که آقای میرفندرسکی طرف ماست از سؤال کردم که چرا دولت ایران قادر به تأیید ساده این مطلب نیست که آن دسته از مستشارانی که تحت پوشش این قانون قرار نمی‌گیرند، می‌توانند از امتیازات دیپلماتیک کنوانسیون وین برخوردار شوند. پاسخ وی بسیار پر معنی بود: «پرسنل اداری و فنی برای سفارت کار می‌کنند. آنها بخشی از زندگی کشور میزبان نیستند.» (مفهوم این جمله این بود که به عبارت دیگر آنها نمی‌توانند در یک یادداشت دیپلماتیک، یک قانون جعلی خلق کنند - لیکن آماده‌اند تا در یک حالت خاص، این چنین قانون جعلی را قبول کنند، اگر ما بخواهیم که چنین قانونی خلق شود).

گفتم، در این صورت علت پذیرش یادداشت شماره ۲۹۹ توسط آنها چه بوده است؟ آیا قرار است جلسه برخورد اندیشه‌ها تشکیل دهیم؟ آیا دولت یادداشت‌های مبادله شده را به عنوان اساس قرارداد بین دو دولت به پارلمان تسلیم نموده است؟ (آقای یگانه در اینجا متمرثر واقع شد و به علامت تأیید سری تکان داد). آیا باید چنین تصور می‌کردیم که دولت ایران حال مایل نیست اعلام کند که مستشاران نظامی ما از مصونیت برخوردارند؟ آیا نتیجه تمام این کوششها باید این باشد که تنها ۱۰٪ پرسنل نظامی ما در ایران از مصونیت برخوردار شوند؟ آیا آنها مایل به کاربرد کنوانسیون وین در رابطه با پرسنل نظامی ما در ایران هستند یا خیر؟ در برابر این گونه سؤالات همه با عجله پاسخ مثبت می‌دادند، اما این نکته کاملاً آشکار بود که هیچ یک جرأت تأیید کتبی آن را ندارند.

پس از گفتگوی بی نتیجه، ملاقات در ساعت ۱۰ شب پایان یافت. در آن موقع وزیر خارجه خودش وارد بحث شد. وی صرفاً گفت نادیده گرفتن قانون خیلی مشکل است. سرگرد هارت گفت که قرار است ژنرال اکهارت در تاریخ ۳ دسامبر (۱۲ آذر - م) با «ایشان» ملاقات نماید و در صورت تمایل می‌تواند مسئله را با وی در میان بگذارد. آقای آرام به سرعت گفت این کار ضرورتی ندارد، زیرا

تا انتشار رسمی این قانون چند روز دیگر فرصت باقی است. دکتر کاظمی پرسید که آیا ما می‌دانیم که مطابق فرمول پیشنهادی او، وزارت خارجه چاره‌ای ندارد، مگر اینکه خود به خود با تمام اشخاصی که توسط ما به عنوان «پرسنل اداری و فنی» معرفی می‌شوند، مصونیت بدهد. هنگامی که همگی آماده خروج بودیم یک فرمول نهایی به شرح زیر مطرح شد: «پس از تصویب کنوانسیون وین، پرسنل اداری و فنی سفارت ایالات متحده آمریکا که بر اساس موافقتنامه‌ها و ترتیبات موجود بین دو دولت در ایران به سر می‌برند و توسط سفارت معرفی شده‌اند، از امتیازات و مصونیت‌های مندرج در..... (غیره) برخوردار خواهند شد».

سعی کردیم کلماتی به این متن اضافه کنیم تا ماهیت پرسنل و قراردادهای مربوطه آشکارتر شود، اما مخاطبان ایرانی ما از قبول این چنین فرمولی شانه خالی کردند. در اینجا موضوع خاتمه یافت. دکتر یگانه گفت به تحقیقات حقوقی خود ادامه خواهد داد و فرمولی تهیه خواهد کرد که قطعاً مشکلات همه را حل خواهد نمود.

مارتین. اف. هرتر

مشاور سیاسی سفیر

سند شماره (۵۰)

تلگرام ارسالی به شماره ۶۳۰ تاریخ: ۵ دسامبر ۱۹۶۴ - ۱۴ آذر ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
جهت اطلاع: به فرماندهی نیروهای ضربتی - برای مشاور سیاسی طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام وزارتخانه شماره ۴۱۹ - تلگرام سفارت به شماره ۵۶۶
بعد از آنکه ژنرال اکهارت در ملاقات روز پنجشنبه خود با شاه موضوع حیطه لایحه وضعیت را مطرح کرد، ما اکنون امیدواریم که یادداشتهای رضایت بخشی در آینده نزدیک مبادله کنیم.
ما در طول هفته‌های اخیر، بحث تقریباً مداومی در این زمینه با وزارت امور خارجه داشته‌ایم و قبل از عزیمت «آرام» به نیویورک، به حل مسئله نزدیک شدیم اما وزارت امور خارجه پیوسته از تأیید کتبی و صریح آنچه که شفاهاً با ما در میان می‌گذارد، طفره می‌رود. آنها شفاهاً می‌گویند که بدون توجه به محدودیت‌های این قانون، بر اساس مواد کنوانسیون وین و تحت عنوان «کارکنان اداری و فنی» سفارت، قادر به گسترش مصونیتها به همه کارکنان نظامی ما هستند.
اکنون به نظر می‌رسد که ما دو یادداشت از وزارت امور خارجه دریافت خواهیم داشت. یادداشت اول به لایحه وضعیت (که هنوز به اطلاع عموم نرسیده است) اشاره خواهد کرد که به دولت اختیار داده شده است تا مصونیتها را به کارکنان مستشاری که «در استخدام دولت شاهنشاهی هستند»، تسری دهد و دیگری به کنوانسیون وین و گسترش مصونیتها به سایر کارکنان اشاره خواهد نمود. شاه متوجه است که چرا یادداشت دوم باید منطقاً صریح باشد و به درد ما بخورد. کاملاً روشن است که مشکل واقعی این است که بعد از غوغای اخیر در پارلمان و با توجه به افکار عمومی در مورد این موضوع، مقامات وزارت خارجه اکره دارند تا امضایشان را پای سندی بگذارند که از حدود اختیاراتی که پارلمان به آنها داده، فراتر می‌رود. آنها احتمالاً نگران گرفتاریهای آینده هستند. یکی از مقامات،

مشخصاً این نگرانی را نزد ما تأیید کرد. ما قبلاً در رابطه با مانور «دلاور» به این نوع مشکل برخوردیم. در آن مورد حکم شاه عاقبت پیچیدگی قانونی را از میان برداشت و ما پیش‌بینی می‌کنیم که در این مورد هم چنین اتفاقی خواهد افتاد.

مارتین. اف. هرتر
مشاور سیاسی سفیر
هلمز

سند شماره (۵۱)

تلگرام ارسالی به شمار ۶۴۳۰ تاریخ: ۹ دسامبر ۱۹۶۴ - ۱۸ آذر ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن
جهت اطلاع: به فرماندهی نیروهای ضربتی - برای مشاور سیاسی طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام وزارت خارجه شماره ۴۱۹ و تلگرام سفارت به شماره ۶۳۰ کنوانسیون وین
خوشوقتم گزارش دهم که ما امروز مبادله یادداشت‌های مربوط به مصونیتها و معافیت‌های هیئت‌های نظامی ما در ایران را به طور رضایت بخشی به پایان رسانیدیم.
جمعاً سه یادداشت وجود دارد که متن آنها ارسال می‌شود:

۱- یادداشت ایران که به یادداشت شماره ۲۹۹ ما اشاره می‌کند و متن قانون مصوب ۱۳ اکتبر را (که در تلگرام سفارت به شماره ۱۹۵ - A درج شده بود) ارسال می‌دارد.

۲- یادداشت دیگر ایران در جواب یادداشت شماره ۲۹۹ ما که به تصویب اخیر مفاد کنوانسیون وین اشاره دارد و حاوی بیانی رضایت بخش است مبنی بر اینکه «پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی که در ایران تحت موافقتنامه‌ها با ترتیبات منعقد شده میان دو دولت، به سر می‌برند» از مصونیتها و معافیتها برخوردار خواهند شد.

۳- جوابیه ما که ضمن تأیید دریافت دو جوابیه ایران به یادداشت شماره ۲۹۹، حاوی این مطلب است که جوابیه آنها در رابطه با یادداشت شماره ۲۴۳ ما مطلوب و قابل قبول می‌باشد و همچنین حاوی شرط الغاء مصونیت با تعریفی محدود مطابق با تلگرام ۴۱۹ وزارتخانه (که وزارت امور خارجه ایران آن را قبول کرد) است تا از طرف ایرانیها اطمینان حاصل شود که مفاد شرط مذکور در مورد تخلفات رانندگی و یا جرائم جزئی نمی‌تواند به کار رود.

وزارت (امور خارجه آمریکا - م) متوجه خواهد شد شیوه‌ای که بر اساس آن یادداشتها پیش‌نویس شده‌اند ما را از این استدلال که یگانهایی مانند پرسنل پادگان خلیج، رله مخابراتی و غیره تحت عنوان «مستشاری» قرار می‌گیرند، راحت می‌سازد، زیرا یادداشت شماره ۲ تمام کسانی را که تحت پوشش یادداشت شماره ۱ قرار نمی‌گیرند، شامل می‌شود.

در مباحث طولانی و مشکلی که برای رسیدن به این نتیجه انجام شد، لازم بوده است که عبارت به کار رفته در تلگرام ۴۱۳ وزارتخانه، اصلاح شود ولی باید بگوییم که خواسته‌های اساسی ما تأمین شده است و در مواردی بیشتر از آنچه که می‌خواستیم، به دست آورده‌ایم.

لایحه وضعیت هنوز به اطلاع عموم نرسیده است، تاریخ احتمالی انتشار آن ۱۷ دسامبر (۲۶ آذر - م) خواهد بود. (امضاء) مارتین. اف. هرتر - مشاور سیاسی سفیر (امضاء)
سرگرد هارت - آرمیش - مگ
هلمز

سند شماره (۵۲)

اداره: عهد و امور حقوقی
وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۴۳ - ۹ دسامبر ۱۹۶۴
پیوست: دارد
شماره: ۹۷۶۰
یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و احتراماً عطف به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ بدین وسیله نسخه‌ای از قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ را به ضمیمه ایفاد می‌دارد:
قانون مزبور به دولت اجازه می‌دهد که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی کشورهای متحده آمریکا در ایران را که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیتها و معافیتهای مقرر برای کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «و» ماده اول قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ برخوردار نماید.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌دارد.

اداره: عهد و امور حقوقی
وزارت امور خارجه
شماره تاریخ پیوست
قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین
ماده واحده

با توجه به لایحه ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیتها و معافیتهای شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می‌باشد، برخوردار نماید.^۱

سند شماره (۵۳)

اداره: عهد و امور حقوقی
پیوست: ندارد
تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۴۳ - ۹ دسامبر ۱۹۶۴
وزارت امور خارجه
یادداشت شماره: ۹۷۶۲

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۱* احتراماً به اطلاع می‌رساند:
نظر به اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ مراحل تصویب قانونی از مجالس مقننه ایران را گذرانیده است، کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق موافقتنامه‌ها یا ترتیباتی

۱- ترجمه لاتین این سند یافت نشد.

* یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت آمریکا مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ می‌باشد.

که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مقرر گردیده در ایران می‌باشند و از طرف سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت کبری به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می‌شوند، از مصونیتها و معافیتهای موضوع بند ۲ از ماده ۳۷ قرارداد وین درباره روابط سیاسی استفاده خواهند کرد. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید.

سند شماره (۵۴)

مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران
قانون مربوط به مصونیت سیاسی اعضاء هیئت مستشاری نظامی

ماده واحده- با توجه به لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می‌باشد، برخوردار نماید.

اداره عهود و امور حقوقی تاریخ - ۱۳۴۳/۹/۱۸

یادداشت دولت ایران راجع به اجرای قانون فوق‌الذکر

وزارت امور خارجه

یادداشت شماره ۹۷۶۲

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر* ۱۹۶۱ احتراماً به اطلاع می‌رساند:
نظر به اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ مراحل تصویب قانونی از مجالس مقننه ایران را گذرانیده است، کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق موافقتنامه‌ها یا ترتیباتی که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مقرر گردیده در ایران می‌باشند و از طرف سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت کبری به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می‌شوند، از مصونیتها و معافیتهای موضوع بند ۲ از ماده ۳۷ قرارداد وین درباره روابط سیاسی استفاده خواهند کرد. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید. (مهر)

قرارداد وین

ماده ۱

بند (و) - اصطلاح کارمندان اداری و فنی یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و

* یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ می‌باشد م

فنی مأموریت اشتغال دارند.

ماده ۳۷

بند (۲) - کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند، از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود. ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در قسمت اول ماده ۳۶ در مورد اشیایی که برای استقرار اولیه وارد می‌کنند، استفاده خواهند نمود.

ماده ۲۹

شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن اوست خواهد داشت و اقدامات لازمه را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه‌ای به شخص و آزادی و حیثیت او به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۰

۱- محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون از تعرض و مورد حمایت خواهد بود.

۲- اسناد و مکاتبات و همچنین اموال مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ مصون خواهد بود.

ماده ۳۱

۱ - مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف - دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده، مگر آنکه مأمور سیاسی آن مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب - دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج - دعوی ناشی از فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

۲ - مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.

۳ - علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد، جز در موارد مذکور در بندهای الف - ب - ج قسمت اول این ماده و به شرط آنکه این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه وارد نیاورد.

۴ - مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.

ماده ۳۲

۱ - کشور فرستنده می‌تواند مصونیت قضائی مأمورین سیاسی و اشخاصی را که طبق ماده ۳۷ از

مصونیت برخوردارند، سلب نماید.

۲ - سلب مصونیت باید صراحتاً اعلام شود.

۳ - در صورت اقامه دعوی از طرف مأمور سیاسی یا شخصی که طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره‌مند است،

استناد به مصونیت قضائی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعاوی اصلی ارتباط دارد پذیرفته نخواهد شد.

۴ - سلب مصونیت قضائی نسبت به دعاوی مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود. برای اجرای حکم سلب مصونیت جداگانه لازم است.

ماده ۳۳

۱ - مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ این ماده در مورد انجام خدمت برای کشور فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در کشور پذیرنده لازم‌الاجرا باشد معاف است.

۲ - معافیت مندرج در بند ۱ این ماده شامل خدمتکاران شخصی نیز که در استخدام شخصی مأمور سیاسی می‌باشند، می‌گردد مشروط بر آنکه این خدمتکاران:

الف - تبعه کشور پذیرنده نبوده و یا در آنجا اقامت دائم نداشته باشند.

ب - مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور فرستنده یا کشور ثالثی در مورد آنان اعمال گردد.

۳ - مأمور سیاسی باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند (۲) این ماده نمی‌باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می‌شود رعایت نماید.

۴ - معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این کشور باشد نخواهد بود.

۵ - مقررات این ماده مخل قراردادهای دو جانبه و چند جانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد قراردادهایی در آینده نخواهد بود.

ماده ۳۴

مأمور سیاسی از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض منقول و غیر منقول اعم از مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است:

الف - مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمات محسوب می‌شود.

ب - مالیاتها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج - مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مفاد بند ۴ از ماده ۳۹:

(مفاد بند ۴ ماده ۳۹ مقرر می‌دارد): (در صورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نمی‌باشد و یا در صورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه خواهد داد به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و حین فوت ممنوع‌الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در کشور پذیرنده صرفاً به سبب حضور متوفی که در آنجا به سمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده مالیات بر

ارث اخذ نخواهد شد).

د- مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کار افتاده در بنگاههای تجارتي آن کشور.
ه- مالیات و عوارضی که در قبال انجام خدمات خاصی وصول می‌شود.
و- هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در مورد اموال غیر منقول با رعایت مفاد ماده ۲۳ (ماده ۲۳ شامل کارمندان اداری و فنی نمی‌گردد).

ماده ۳۵

کشور پذیرنده مأمور سیاسی را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و هر شکل و الزامات نظامی از قبیل انجام خدمت نظامی و شرکت در عملیات نظامی و اسکان در محل معین معاف خواهد داشت.

ماده ۳۶

۱- کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق و عوارض گمرکی و یا بر هزینه‌های مربوطه بجز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های مشابه اجازه خواهد داد:
الف - اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت.
ب - اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند، همچنین اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد.

تهیه شده در

اداره دادرسی هیئت مستشاری نظامی

مورخ ۱۳۵۱/۱/۹

سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۹ دسامبر ۱۹۶۴ - ۱۸ آذر ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران یادداشت شماره ۲۸۲ به: وزارت امور خارجه ایران
سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، مفتخر است که دریافت یادداشتهای آن وزارتخانه به شماره‌های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ در پاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ سفارت به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ (۲۷ آذر ۱۳۴۲ - م) را اعلام دارد. این یادداشتها به عنوان پاسخهای مطلوب و قابل قبولی به نامه شماره ۴۲۳ سفارت به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ (۲۸ اسفند ۱۳۴۰ - م) تلقی می‌شوند.

در ارتباط با تبادل این یادداشتها و مطابق با شرایط مندرج در ماده ۳۲ کنوانسیون وین، این سفارتخانه خوشوقت است که به وزارتخانه شاهنشاهی اطلاع دهد که مقامات ایالات متحده تقاضای مقامات دولت ایران را مبنی بر لغو مصونیت در مواردی که دولت شاهنشاهی ایران آن را دارای اهمیت ویژه‌ای می‌داند، با نظر موافق مورد ملاحظه قرار خواهند داد. این طور استنباط می‌شود که موارد با «اهمیت ویژه» عبارت است از مواردی که شامل جرائم شنیع و دیگر اعمال جنایات کارانه و سزاوار

مجازات می‌باشد.

سفارت ایالات متحده موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائده خود را تجدید می‌نماید.

سفارت ایالات متحده آمریکا - تهران

۹ دسامبر ۱۹۶۴

سند شماره (۵۶)

تلگرام هوایی به شماره ۳۰۶ - A تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۱ آذر ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه

مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۶۴۳ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: توضیح شمول لایحه وضعیت

ضمائم این تلگرام، کپی سه یادداشت مبادله شده به تاریخ ۹ دسامبر می‌باشد، که به منظور روشن کردن مصونیتها و معافیتهایی که در یادداشت‌های مبادله شده سال گذشته (یادداشت ایران به شماره ۸۲۹۶ و یادداشت آمریکا به شماره ۲۹۹) آمده است، مبادله شده است. تصویب لایحه وضعیت در ۱۳ اکتبر (۲۱ مهر - م) که ظاهراً این مصونیتها و معافیتها را تنها برای گروه محدود و معینی از پرسنل آمریکایی در نظر می‌گیرد، باعث شد تا مفاد این یادداشتها تحت الشعاع لایحه قرار گیرد. تبادل یادداشت‌های کنونی، توضیح مورد نظر را فراهم می‌کند.

از دو ماه پیش که لایحه تصویب شد - و در واقع حتی قبل از آن - ما با وزارت خارجه مذاکراتی داشته‌ایم تا اطمینان حاصل کنیم که هدف اساسی از مبادله یادداشت‌های اولیه، صرف نظر از تعبیرات محدود کننده احتمالی قانون وضعیت، تحقق می‌یابد. این مذاکرات که با پیچیدگیهای قانونی و مسائل سیاسی درگیر بوده و در طی تلگرامهای سفارت به شماره‌های ۴۹۵ و ۶۳۰ گزارش گردیده، کاملاً دشوار و طولانی بوده است.

راه حل مورد قبول طرفین در دو یادداشت وزارت خارجه مندرج است. اولی (یادداشت شماره ۹۷۶۰، ضمیمه یک) صرفاً سفارت را از تصویب اخیر قانون وضعیت در مورد «رئیس و اعضای هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران که تحت موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی هستند»، آگاه می‌سازد. دومی (یادداشت شماره ۹۷۶۲، ضمیمه ۲) به کنوانسیون وین اشاره دارد و توافق دولت ایران را با شمول کامل مصونیت به «پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی که تحت موافقتنامه‌ها و ترتیبات منعقد شده میان دو دولت در ایران بسر می‌برند» و تحت عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت مطابق با تعریف مندرج در بند (و) از ماده اول کنوانسیون وین «معرفی» شده‌اند، اعلام می‌دارد. جوییه سفارت به این دو یادداشت (یادداشت شماره ۲۸۲، ضمیمه ۳)، حاوی شرایط الغاء مصونیت می‌باشد، که مجوز آن در تلگرام شماره ۴۱۳ وزارت امور خارجه آمده است. جوییه سفارت این مکاتبه را به هم پیوند می‌زند. هر دو یادداشت ایران در پاسخ به یادداشت ۲۹۹ ما (تلگرام شماره ۵۵۲ سفارت) می‌باشد که به صورتی غیر مستقیم نیز توسط قانون وضعیت تأیید شده است. پاسخ ما با صراحت بیشتری، دو یادداشت ایران را همچنین با یادداشت اولیه به شماره ۲۴۳ ما که موجب کل مکاتبه گردیده است، پیوند می‌دهد.

باید توجه کرد که در ضمائم ۱ و ۲ بعضی از کلمات توسط مترجم به منظور وضوح بیشتر داخل پرائنتر قرار گرفته است، ولی این پرائنترها جزء خود سند نیست. ترجمه‌های تأیید شده، از یادداشتهای ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ ایران و یک نسخه تأیید شده از یادداشت ۲۸۲ ما، جداگانه به دفتر مشاور حقوقی در امور معاهدات، برای بررسی تقدیم خواهد شد. همه ضمائم طبقه‌بندی نشده می‌باشد، ولی قبل از انتشار علنی آنها، باید سفارت در جریان گذارده شود، زیرا تمام مطالب مربوط به موضوع مصونیت، در اینجا هنوز از حساسیت بالایی برخوردار است. دولت ایران از اعلان عمومی شرایط الغاء مصونیت تا اطلاع بعدی و تا زمان مناسبتری، خودداری می‌ورزد. از طرف سفیر مارتین. اف. هرتز مشاور سفارت در امور سیاسی

ضمائم :

- ۱ - متن یادداشت شماره ۹۷۶۰ ایران
 - ۲ - متن یادداشت شماره ۹۷۶۲ ایران
 - ۳ - متن یادداشت شماره ۲۸۲ آمریکا
- طبقه‌بندی: گروه ۳ - در فواصل ۱۲ ساله طبقه‌بندی کاهش داده شود - به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

سند شماره (۵۷)

تلگرام هوایی ارسالی به شماره ۳۱۳ - A تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۴ آذر ۱۳۴۳ از: سفارت آمریکا - تهران طبقه‌بندی: خیلی محرمانه به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: تبادل یادداشتهای مربوط به لایحه وضعیت - ارسال نسخه‌های اصلی یا کپی تأیید شده به همراه ترجمه.

مرجع: تلگرام هوایی سفارت به شماره ۳۰۶ - A به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۴ - تلگرام سفارت به شماره ۶۴۵.

برای دفتر مشاور حقوقی، امور معاهدات.

ضمائم این تلگرام، اسناد مربوط به لایحه وضعیت به شرح زیر می‌باشد:

- ۱ - یادداشت شماره ۹۷۶۰ وزارت خارجه ایران - نسخه اصلی به اضافه دو کپی تأیید شده به همراه ترجمه.
- ۲ - یادداشت شماره ۹۷۶۲ وزارت خارجه ایران - نسخه اصلی به اضافه دو کپی تأیید شده به همراه ترجمه.

۳ - یادداشت شماره ۲۸۲ سفارت آمریکا در تهران - به اضافه دو کپی تأیید شده .

همان طوری که قبلاً در تلگرام هوایی سفارت به شماره ۳۰۶ - A بیان شد این یادداشتهای، قبل از هماهنگی با این سفارتخانه، نباید منتشر شود. از طرف سفیر: مارتین. اف. هرتز

مشاور سفارت در امور سیاسی

طبقه‌بندی گروه ۳ - با فواصل ۱۲ ساله از طبقه‌بندی کاسته شود، به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

سند شماره (۵۸)

تلگرام وارده به شماره ۲۰۷ تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۴ آذر ۱۳۴۳
از: سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا
جهت اطلاع: سفارت آمریکا- تهران مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۶۴۳ به تاریخ ۹ دسامبر ۶۴
(۱۸ آذر ۴۳) که از نتایج موفق مذاکرات مصونیتها و معافیتها اطلاع می‌دهد.

موضوع: مصونیت‌های کنوانسیون وین

۱- (طبقه‌بندی شده) نتیجه موفقیت‌آمیز مذاکرات در مورد مصونیتها و معافیتها، بی‌نهایت رضایتبخش می‌باشد. من متوجه موانع زیادی که باید بر آنها غلبه می‌شد، هستم و تصدیق می‌کنم که این دستاوردها نتیجه تلاش، بردباری، پشتکار و کار گروهی برجسته و چندین ماهه آرمیش - مگ و سفارت می‌باشد.

۲- (طبقه‌بندی شده) اقدام شاه مبنی بر تشویق نتیجه‌گیری از موضوعی که در جو سیاسی ایران از حساسیت بالایی برخوردار است، بیانگر اطمینان او به هیئت آمریکایی و نشانگر روابط عالی تیم کشوری و مستشاران نظامی با او و دولت شاهنشاهی ایران است.

۳- (طبقه‌بندی شده) لطفاً تبریكات شخصی مرا به جناب سفیر «هلمز» به خاطر موفقیتش، ابلاغ کنید. از همه کسانی که در این امر مساعدت نمودند و به خوبی کار را انجام دادند، تقدیر می‌نمایم.

۴- (طبقه‌بندی نشده) من مایلیم که شما کلیه پرسنل وزارت دفاع را از امتیازات و مصونیت‌های جدیدشان مطلع سازید و تعهدات مهم و الزامیشان مبنی بر رعایت قوانین و رسوم ایرانی را به آنان خاطر نشان سازید. (حاشیه دست‌نویس - م) توجه: تا زمانی که کارتهای هویت آماده نشده، اقدام نکنید. طبقه‌بندی: گروه ۳

سند شماره (۵۹)

تلگرام وارده به شماره ۲۴۹ تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۵ آذر ۱۳۴۳
از: کنسولگری آمریکا در خرمشهر
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

یک منبع موثق گزارش می‌دهد که روحانیون طرفدار خمینی در آبادان، مبارزه ضدآمریکایی را شدت می‌بخشند. اعلامیه‌هایی در محل کار یا در خارج از آن، در میان کارگران صنعت نفت توزیع می‌شود. انتقاد اساساً از لایحه وضعیت مجلس است.

همین منبع گزارش می‌دهد که دو تن از روحانیون آبادان به نامهای «جمی» و «سنابادی» در گردهمایی رهبران طرفدار خمینی که از ۷ تا ۱۳ دسامبر (۱۶ تا ۲۲ آذر - م) در قم تشکیل شد، شرکت داشتند. شورای متخصصین نفت در آبادان در روزهای ۳ و ۴ دسامبر (۱۲ و ۱۳ آذر - م) با «آقا عبدالرسول» شخصیت برجسته مذهبی در منطقه، دیدار کردند. جزئیات متعاقباً به اطلاع می‌رسد.

فلت

طبقه‌بندی: گروه ۳

رژیم شاه که علیرغم عوام فریبی‌ها و تبلیغات دروغین و نیز با شکنجه و زندان نتوانسته بود، افکار

مردم را از خیانت جدید خود منصرف سازد، بر آن شد که با نیرنگ تازه‌ای مردم را خواب و خام ساخته، خیانتی را که به ملت ایران و خدمتی را که به آمریکا کرده است، کوچک و ناچیز جلوه دهد. بعد از تبادل یادداشت‌های مربوط به تصویب کاپیتولاسیون میان ایران و آمریکا، حسنعلی منصور (قهرمان احیای کاپیتولاسیون) بار دیگر به مجلس سنا شتافت، تا لطف ارباب خود را در پذیرش لغو مصونیت در مواقع ضروری به اطلاع همگان برساند. در تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۴۳، در جلسه ۸۹ از دوره چهارم مجلس سنا، منصور این چنین گفت:

«... ما کاملاً توجه به این شبکه‌ها و به این ستون پنجمها و به این عناصر مخرب داریم... در ضمن همین افراد، همین عناصر بودند و هستند که وقتی می‌بینند یک مملکتی با سرعت رو به جلو است، وقتی می‌بینند یک برنامه‌هایی واقعاً صحیح انجام می‌شود، آن وقت شروع به شایعه‌پردازی و غرض‌ورزی می‌کنند!

رجال معظمی که در اینجا تشریف دارید. شما با یک افکار پاک و با یک تجربه وسیع و با یک دنیا خدمت، به این محل آمده‌اید و در اینجا ناظر خدمات دولت هستید و تدابیر و راهنماییها و ارشادی که در این نه ماهه، دولت از مجلس سنا کسب کرده است، بقدری مغتنم است که بنده در مقابل چنین مجمعی جز اظهار تشکر و اطمینان، نمی‌توانم عرض دیگری بکنم. ولی آنچه در خارج می‌گذرد و آنچه مغرضان و حسودان به شایعه می‌پردازند، چنان که در یک موردی به طور مثال عرض می‌کنم. نسبت به مصونیت سیاسی عده‌ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت دولت ایران‌اند، چه حرفها که نزدند. این واقعاً برای کشوری که با این ثبات و آرامش هست، به نظر بنده بقدری مذبحانه و بقدری مغرضانه است که احتیاجی به دفاع ندارد. وقتی ما به هیئتهای اقتصادی، امتیازات بسیار وسیعتری را می‌دهیم، چرا نسبت به مسئله امنیت خود غافل باشیم. این مسائل از حلقوم کسانی خارج می‌شود که متأسفانه مایلند که ایران راه و روش سالم و متین و با ثبات امروز را نپیمایند.

ولی بنده در اینجا، امروز به استحضار مجلس محترم سنا می‌رسانم، با وجودی که این قانون از مجلسین گذشت و ابلاغ شد و دولت مجری آن است، ولی با مذاکراتی که با مقامات آمریکایی به عمل آمد، از طرف دولت آمریکا موافقت شد که نسبت به هر موردی که دولت ایران تشخیص بدهد که ضرورت داشته باشد، دولت آمریکا موافقت خواهد کرد که نسبت به آن فرد سلب مصونیت سیاسی بکنند. (صحیح است) در حقیقت این یک مسئله‌ای است که ما فقط نسبت به خدمتگزارانی در ارتش ایران، حقوقی قائل هستیم با حق اینکه هر موقع ضروری تشخیص بدهیم، این مصونیت را سلب بکنیم و دولت آمریکا این موافقت را اعلام کرده است و بنده امروز در مجلس محترم سنا با اعلام آن احساس افتخار می‌کنم! (صحیح است). دیگر وسیله به دست حسودان و بدبینان داده نشود که این مسائل کوچکی که در روابط بین‌المللی بسیار ناچیز و بی‌اهمیت است و مشابه آن در تمام کشورها به عناوین مختلف انجام می‌شود و در مقابل یک چنین عظمتی که امروز، ایرانی باید به آن ببالد، عنوان کنند و این مسائل را به آن، جامه سیاسی بیوشانند. اینها دوشان مملکت است. اینها دوشان دولت است و اینها بدون تردید محکوم از طرف نمایندگان محترم ملت در مجلس سنا و مجلس شورای ملی است.»

در اینجا چند سؤال مطرح است. اول اینکه اگر این لایحه طبق ادعای قبلی آقای منصور،

بی‌اهمیت، جزئی و به نفع توده مردم بود و مجلسین هم آن را تصویب کرده بودند، چرا دولت وقت وارد مذاکره شد تا در این لایحه به نفع مردم! تغییری بدهد؟ دوم اینکه اگر واقعاً تغییری داده شد چرا آن تغییر، جزء مواد همان لایحه قرار نگرفت؟ سوم اینکه اگر به ادعای آقای منصور مجلسین این لایحه را تصویب کرده‌اند، به چه مجوزی دولت رأساً وارد مذاکره شده و بدون اطلاع تغییری در این لایحه داده است؟ اگر واقعاً در لایحه کاپیتولاسیون تغییری داده شده بود باید مطابق قانون، شکل قانونی به خود می‌گرفت نه آن که آقای منصور آن را در یک سخنرانی بیان کند و به آن بی‌الد. ولی حقیقت ماجرا این بود که منصور سعی کرد با اعلام این خبر، کمی از خشم و نفرت مردم نسبت به این لایحه بکاهد. لازم به ذکر است که در روز ۸ دیماه ۱۳۴۳، رژیم شاه فرزند برومند امام خمینی (ره) یعنی حاج آقا مصطفی خمینی را پس از ۵۷ روز اسارت، از زندان آزاد کرد تا به اصطلاح حسن نیت خود را به مردم نشان دهد، ولی به علت ترس از فعالیتهای ایشان در قم، ۵ روز بعد یعنی در ۱۳ دیماه ۱۳۴۳ ایشان را به ترکیه تبعید نمود.

سند شماره (۶۰)

تلگرام ارسالی به شماره ۷۴۴
از: سفارت آمریکا- تهران
وزارت دفاع - واشنگتن
تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۶۵ - ۲۸ دی ۱۳۴۳
به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۵۷۴
کنوانسیون وین در روزنامه رسمی کشور به تاریخ ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر- م) و قانون جداگانه در مورد تسری مصونیت‌های کنوانسیون به اعضاء هیئت نظامی که «در استخدام دولت ایران هستند»، به تاریخ ۲۶ دسامبر (۵ دی - م) چاپ شد. طبق قوانین ایران هر قانون جدید ده روز پس از انتشار رسمی، قابل اجراء خواهد بود (طبق شرایط قدیمی اجراء قانون در سراسر ایران با توجه به دوری مسافت از تهران، این مدت لحاظ شده است. احتمالاً در عرف روزگار مدرن، قابل اجراء نمی‌باشد). گروه مشاورین کمک نظامی (مگ) مستقر در سفارت، در حال تهیه فهرست کاملی از اسامی افرادی است که باید مشمول این قانون شوند و در مورد فرم و عبارات کارتهای شناسایی که قرار است صادر شود با وزارت خارجه (ایران - م) همکاری می‌کند.

طبقه‌بندی: گروه ۳ هلمز

آرمیتاژ

سرانجام در روز اول بهمن ماه ۱۳۴۳، حسنعلی منصور به سزای اعمال ننگین خویش رسید و به دست یکی از جوانان برومند اسلام به نام «محمد بخارائی»، در جلو درب ورودی مجلس شورای ملی (محل احیای کاپیتولاسیون) اعدام انقلابی گردید. رژیم شاه در ابتداء، خبر مرگ منصور را از رسانه‌های گروهی مخفی داشت و بعد از ۶ بهمن یعنی سالروز به اصطلاح انقلاب سفید، خبر هلاکت او را به اطلاع عموم رساند.

لازم به ذکر است که محمد بخارائی عضو هیئتهای مؤتلفه اسلامی بود و به همراه چند تن دیگر از یارانش به نامهای «نیک نژاد، صفار هرنندی، صادق امانی و مهدی عراقی» طرح اعدام انقلابی شاه و

۱۱ تن از مسئولین رده بالای رژیم شاه از قبیل منصور، ایادی، اقبال و... را ریخته بودند. به علت عدم دسترسی به شاه این اعدامها از منصور شروع شد، ولی متأسفانه ساواک این گروه را شناسایی و دستگیر نمود، لذا آنها موفق به اجرای بقیه اعدامها نگردیدند.

سند شماره (۶۱)

شماره: ۲۷/۳۳۴۷۷/۵۵۳۳۴ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۴ فوریه ۱۹۶۵ - ۱۵ بهمن ۱۳۴۳
از: وزارت اقتصاد - اداره کل گمرکات - بخش سرپرستی به: وزارت امور خارجه - دایره تشریفات
۱- براساس اطلاعات واصله، قانون مربوط به اعطای معافیتها و مصونیتهای سیاسی به مستشاران نظامی آمریکا از تصویب مجلسین گذشته است.
۲- در حال حاضر، اموال مستشاران مذکور بر اساس تبصره ۱ قانون بودجه ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) مربوط به معافیتهای گمرکی، ترخیص می‌شود.
۳- اگر قانون مورد اشاره در بند ۱ این نامه به تصویب نهایی رسیده باشد، تشریفات مشابهی که در مورد مأمورین سیاسی خارج اجراء می‌شود، در رابطه با ترخیص اموال مستشاران آمریکایی اعمال خواهد شد.
۴- در خواست می‌شود که نتیجه اقدامات انجام شده و نسخه‌ای از قانون مربوطه را به این وزارتخانه ارسال دارید.

رئیس کل گمرک دکتر هادی

رونوشت:

وزارت امور خارجه، اداره معاهدات و قراردادهای وزارت جنگ، اداره مستشاری

سند شماره (۶۲)

تلگرام ارسالی به شماره ۸۸۶ طبقه‌بندی نشده تاریخ: ۲۴ فوریه ۱۹۶۵ - ۵ اسفند ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
از آن وزارتخانه تقاضا می‌شود که ما را از موارد زیر مطلع سازید:
۱- آیا برای به اجراء درآمدن کنوانسیون وین، تعداد کافی از ملل (۲۲ کشور) اسناد مربوط به تصویب کنوانسیون را به سازمان ملل تسلیم کرده‌اند؟
۲- دور نمای اقدام سنای آمریکا در مورد کنوانسیون چیست؟
هلمز

سند شماره (۶۳)

تلگرام وارده به شماره ۷۰۶ طبقه‌بندی نشده تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ - ۷ اسفند ۱۳۴۳
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۸۸۶
کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک در ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ - م) به

مرحله اجراء درآمد. در حال حاضر ۳۶ کشور عضو آن می‌باشند. این کنوانسیون در تاریخ ۱۴ می ۱۹۶۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲-م) به سنای ایالات متحده تسلیم شد. لیکن اطلاعی در دست نیست که سنا چه زمانی در مورد آن اقدام خواهد کرد.

جهت اطلاع شما: کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی به مرحله اجراء در نیامده است. پنج کشور مصوبه‌هایشان را سپرده‌اند یا به آن پیوسته‌اند. این کنوانسیون هنوز به سنای ایالات متحده تسلیم نشده است. راسک

سند شماره (۶۴)

طبقه‌بندی نشده
از: سفارت آمریکا - تهران
تاریخ: ۶ مارس ۱۹۶۵ - ۱۵ اسفند ۱۳۴۳
به: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره: ۴۰۶

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی، افتخار دارد تا اطلاعات زیر را که مربوط به مصونیت کارکنان خارجی در ایران و ایالات متحده می‌باشد، در اختیار آن وزارتخانه قرار دهد:

۱- با توجه به مصونیتها و معافیت‌های غیر دیپلماتیک کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی در ایران مطابق با توافقنامه‌ها و ترتیبات منعقد شده بین ایالات متحده و دولت شاهنشاهی ایران، برداشت ما چنین است:

الف - کنوانسیون وین در ۲ فوریه ۱۹۶۵ (۱۳ بهمن ۱۳۴۳-م)، سی روز بعد از سپردن سند تصویب آن، همان طوری که در ماده ۵۱ کنوانسیون پیش‌بینی شده، برای ایران به اجراء درآمد. در ابتداء کنوانسیون در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۶۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۴۳-م) برای قدرتهای امضاء کننده، به اجراء درآمد و این زمانی بود که ۲۲ کشور، اسناد تصویب آن را سپرده بودند. اکنون اعضای کنوانسیون بالغ بر ۳۶ کشور می‌شود.

ب - کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های مشخص شده در مواد ۲۹ تا ۳۶ را برای کارکنان اداری و فنی هیئت‌های خارجی تأمین می‌نماید. ماده ۳۱ مقرر می‌دارد: « مصونیت از تعقیب جزائی در کشور پذیرنده».

ج - به وسیله یادداشت شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ۱۳۴۳)، وزارت امور خارجه (ایران - م) امتیازات و مصونیت‌های مواد ۲۹ تا ۳۶ کنوانسیون را شامل این افراد دانست: «کارمندان نظامی و غیرنظامی آمریکایی که طبق توافقنامه‌ها یا ترتیبات منعقد شده بین دو دولت در ایران هستند و از طرف سفارت به عنوان کارکنان اداری و فنی سفارتخانه به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی می‌شوند».

د - یادداشت شماره ۹۷۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ۱۳۴۳) سفارتخانه را مطلع نمود که مجلسین شورا و سنا در ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳) یا قبل از آن، رأی دادند که این مصونیتها و معافیتها شامل رئیس و اعضای هیئت‌های نظامی آمریکایی که در استخدام دولت شاهنشاهی هستند، بشود. با وجود این قانون، دیگر شکی وجود نخواهد داشت که کارکنان هیئت نظامی که در مقابل

خدمات خود از دولت ایران حقوق می‌گیرند، مشمول کنوانسیون خواهند شد. کارکنانی که به این صورت حقوق نمی‌گیرند، مشمول یادداشت شماره ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه می‌باشند.

ه- این واقعیت که دولت ایالات متحده هنوز کنوانسیون وین را تصویب نکرده است، از لحاظ قانونی ربطی به این مسئله ندارد. ماده ۴۷ کنوانسیون این گونه مقرر می‌دارد که: «دولت پذیرنده (در این مورد ایران) در اجرای مقررات این کنوانسیون، تبعیضی بین دولتها قائل نخواهد شد». مفاد این ماده، مندرج در بند ۲ (الف) مقرر می‌دارد که موارد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد: اگر دولت پذیرنده (ایران) یکی از مقررات این کنوانسیون را به طور محدود اجراء کند به این علت که دولت فرستنده (آمریکا) نسبت به هیئت (ایران) در این مورد محدودیت قائل شده باشد، این ماده به طور واضحی اجازه این امر را می‌دهد ولی اجباری نیست. و یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه، مصونیتها و معافیتهای ماده ۳۷ را بدون قید و شرط اعطاء می‌کند و بدین وسیله بیانگر نیت دولت شاهنشاهی مبنی بر این امر است که این دولت خواستار هیچ گونه محدودیتی در کاربرد آن نمی‌باشد.

۲- این موضوع متضمن معامله متقابل نیست، ولی سفارت مایل است به وزارت امور خارجه اطلاع دهد که دولت آمریکا در اعطاء مصونیتها محدودیتی به کار نمی‌برد. افراد سیاسی خارجی که ایالات متحده استوار نامه‌های آنها را معتبر دانسته و همراهان آنان را تأیید کرده است، از بازداشت و زندانی شدن مصون هستند، کالاها و اموالشان را نمی‌توان توقیف یا ضبط کرد. هر کسی که علیه اینگونه کارمندان دیپلماتیک یا همراهانشان و یا علیه کالاها و اموالشان تعقیب قانونی اعمال نماید یا هر کسی که به یک کارمند دیپلماتیک حمله نماید به جرمه و زندان محکوم خواهد شد (۲۲ ایالات متحده، کد ۲۵۴-۲۵۲).

موضع دولت ایالات متحده این است که بجز اتباع و ساکنان دائمی ایالات متحده، مصونیت رئیس هیئت دیپلماتیک شامل کلیه اعضای هیئت و از جمله کارمندان اداری که جزء کارمندان دیپلماتیک نیستند، می‌شود.

سفارت موقع را برای تجدید احترام به وزارت امور خارجه شاهنشاهی مغتنم می‌شمارد.

سند شماره (۶۵)

طبقه‌بندی نشده تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۵ - ۶ مارس ۱۹۶۵

از: وزارت امور خارجه ایران - دایره تشریفات به: نمایندگیهای سیاسی خارجی مقیم ایران

یادداشت

تشریفات وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به نمایندگیهای سیاسی خارجی مقیم دربار شاهنشاهی احتراماً اظهار می‌دارد:

دولت شاهنشاهی ایران از تاریخ چهاردهم اسفند ۱۳۴۳ برابر پنجم مارس ۱۹۶۵ مقررات و قواعد قرارداد وین راجع به روابط سیاسی مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ را در روابط خود با نمایندگیهای سیاسی کشورهایی که این قرارداد را با توجه به ماده پنجاه و یکم آن تصویب کرده‌اند، رعایت خواهد نمود. موقع را برای تجدید احترام مغتنم می‌شمارد.

سند شماره (۶۶)

تاریخ: ۹ مارس ۱۹۶۵ - ۱۸ اسفند ۱۳۴۳

از: دفتر جان. ای. آرمیتاژ - معاون مخصوص سفیر در امور* MSP به: سفیر

موضوع: اجرای کنوانسیون وین

یادداشت ضمیمه، بخشنامه‌ای به کلیه هیئت‌های سیاسی می‌باشد که در اشاره به ماده ۵۱، یعنی مادهٔ مربوط به اجرای بدون تبعیض کنوانسیون، دارای ابهام است.

من پیشنهاد می‌کنم فعلاً آن را نادیده گرفته و به یادداشت خود خطاب به وزیر خارجه، پردازیم. دفعه بعد وقتی که او را ملاقات نمودید، در صورت امکان از او بپرسید که آیا یادداشت ما را دریافت و مطالعه کرده است. و اگر چنین است آیا او به اداره گذرنامه مجوز لازم را داده است تا کارتهایی در اختیار پرسنل ما قرار دهد که به وضوح نشانگر این باشد که آنان را نمی‌توان دستگیر یا بازداشت نمود.

یادداشت ضمیمه احتمالاً برای رئیس هیئت سیاسی مشکلاتی در بر ندارد، ولی من تصور می‌کنم که می‌توان آنها را به قائم مقام شما ارجاع داد.

سند شماره (۶۷)

یادداشت شماره: ۴۱۸ طبقه‌بندی نشده تاریخ: ۱۱ مارس ۱۹۶۵ - ۲۰ اسفند ۱۳۴۳

از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه ایران

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی احتراماً به اطلاع آن وزارتخانه می‌رساند که در تاریخ ۳ مارس ۱۹۶۵ (۱۲ اسفند ۱۳۴۳-م) در کرمانشاه، یک وسیله نقلیه موتوری به رانندگی «چارلز. ال. گری» که در حال انجام مأموریت اداری بوده و از متخصصین رده ۴ آرمیش - مگ می‌باشد با دوشیزه «ایران سلیمی» تصادف نمود. در ۱۱ مارس (۲۰ اسفند-م) دوشیزه سلیمی بر اثر جراحات وارده از این تصادف فوت کرد. سفارت مایل است تأسف عمیق خود را از وقوع این تصادف ناخوشایند به آن وزارتخانه اعلام دارد.

بر طبق یادداشت شماره ۳۴۲ سفارت مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۶۵ (۳ بهمن ۱۳۴۳-م) که در جواب یادداشت شماره ۹۷۶۲ آن وزارتخانه مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ ارسال شد، آقای «گری» که فردی متخصص است، به عنوان کارمند اداری و فنی سفارت به آن وزارتخانه معرفی شد. بنابراین ایشان طبق ماده ۳۷ کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک از امتیازات و مصونیت‌های سیاسی که در مورد کارکنان سفارت صادق است، برخوردار می‌باشد. از آن وزارتخانه درخواست می‌شود که به مقامات ذی صلاح ایران اطلاع دهد که «گری» مصونیت سیاسی دارد و قضیه نامبرده هم اکنون تحت رسیدگی مقامات نظامی آمریکایی قرار دارد.

اگر چه، بر طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، آقای «گری» از تعقیب مدنی و همچنین جنایی مصونیت دارد ولی مقامات نظامی آمریکا حل و فصل مناسب هرگونه ادعای مدنی ناشی از این تصادف، که از

طرف بستگان درجه یک دوشیزه سلیمی اقامه گردد، متقبل می شوند.
سفارت موقع را برای تجدید احترام به وزارت امور خارجه شاهنشاهی مغتنم می شمارد.

سند شماره (۶۸)

طبقه بندی: خیلی محرمانه اداری - غیر رسمی تاریخ: ۲۴ مارس ۱۹۶۵ - ۴ فروردین ۱۳۴۴
از: سفارت آمریکا - تهران به: سفارت آمریکا - آنکارا
فرانک عزیز:

احتمالاً تا به حال متوجه شده اید که بالاخره برای عقد یک قرارداد وضعیت با ایرانیها به نتیجه رسیدیم. در اصل، این قرارداد همان مصونیتها و امتیازات کنوانسیون وین را در مورد پرسنل نظامی مستقر در اینجا تحت عنوان «کارکنان اداری و فنی» سفارت اعمال می کند. این موضوع در اینجا از نظر سیاسی حائز حساسیت بسیاری است و به خاطر مذاکرات علنی (مجلس - م) موقعیت ما کمی لطمه دیده است. در تمام مدت مذاکره با ایرانیها به آنها اطمینان می دادیم که نه در گذشته و نه در آینده قصد بر پایی دادگاه نظامی در ایران را نداشته و نداریم. در گذشته این کار را نکرده ایم، چون طبق مقررات نظامی، نهاد نظامی ما در اینجا به صورت پایگاه در می آید و ما به خاطر معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی بشدت از بروز چنین امری جلوگیری می کنیم. بر طبق این معاهده ایران متعهد است که به هیچ نیروی خارجی اجازه تأسیس پایگاه در این کشور را ندهد. به هر حال، ایرانیان حتی نسبت به اشاره ای در مورد بر پایی حوزه قضائی خارجی در اینجا حساسیت شدید نشان می دهند و علت آن نیز تجارب طولانی و تلخ آنان در رابطه با «کاپیتولاسیون» می باشد.

این موضوع چگونه به شما ارتباط پیدا می کند؟ چگونگی ربط آن به شما این است که از زمان انعقاد قرارداد جدید، یک تصادف منجر به مرگ در اینجا توسط یک درجه دار جزء به نام «چارلز. ال. گری» متخصص درجه چهارم، صورت گرفته است. او در این تصادف آن قدر بی مبالا و مسامحه کار تشخیص داده شده است که باید در یک دادگاه نظامی محاکمه شود. ژنرال «اکهارت» خواستار محاکمه وی در ترکیه شده و سرگرد «هارت» نیز در همین رابطه در هفته گذشته با ژنرال «هریک» ملاقاتی داشته است. صریح بگویم برداشت ما این است که ژنرال «هریک» تمایلی برای موافقت با این درخواست از خود نشان نداد. از آنجایی که دادرسی مختصر و دادگاه ویژه معمولاً در آنجا تشکیل می شود، ما متحیریم که چرا محاکمه یکی از اعضاء «آرمیش - مگ» باید مشکل خاصی را فراهم کند. از شما نمی خواهیم که در این زمینه ابتکاری به خرج دهید، لیکن می خواهیم شما در جریان باشید تا تصمیم گیری مناسب در این موضوع را تسهیل سازید. در صورت مطلع ساختن سفارت از نتایج امر و زمان آن، متشکر خواهیم شد.

مدت مأموریت ما در اینجا رو به پایان است و در ماه ژوئن (خرداد - م) جهت انتقال اینجا را ترک کرده و عازم وطن خواهیم شد، خدا را شکر. در پائیز امسال عازم مسکو خواهیم شد. اسبهای فراری همیشه به اصطبل باز می گردند. با بهترین احترامات. ارادتمندجان. ای. آرمیتاژ معاون ویژه سفیر طبقه بندی: گروه ۳ - در فواصل ۱۲ ساله از طبقه بندی کاسته شود، به طور خودکار از طبقه بندی خارج نشود.

رژیم شاه تصور می‌کرد با دستگیری و سرکوبی گروه «محمد بخارائی» ریشه اعمال قهرآمیز را برای مدتی طولانی خشکانیده و می‌تواند با آسودگی به حیات خود ادامه دهد، ولی هنوز ۳ ماه از اعدام انقلابی منصور نگذشته بود که صدای رگبار مسلسل، کاخ مرمر را به لرزه درآورد. ساعت ۹ صبح روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ یکی از نگهبانان کاخ مرمر به نام «رضا شمس‌آبادی» در سرسرای کاخ مرمر به طرف شاه اقدام به تیراندازی نمود، ولی قبل از اینکه موفق شود شاه را به سزای اعمال خیانتکارانه‌اش برساند، توسط دو درجه‌دار گارد مورد اصابت قرار گرفت.

این حادثه انعکاسی از نارضایتی شدید و اوضاع قابل انفجار در ایران بود، به همین جهت حکومت سعی نمود با تمام قوا از علنی شدن آن جلوگیری نماید اما موضوع چیزی نبود که قابل انکار و اخفاء باشد. حمله در مرکز شهر و در کاخ مرمر انجام گرفته بود و جمع زیادی از مردم از خیابانهای اطراف با شنیدن صدای مسلسل، به کنجکاوای پرداخته بودند و خبر با سرعت درز پیدا کرده و به سر زبانها افتاده بود و همه جا از ترور شاه سخن گفته می‌شد، از این رو مقامات رژیم در مقام اغفال و انحراف افکار عمومی برآمدند و اولین خبر روزنامه‌ها از طریق سازمان امنیت این بود که «بین چند نفر سرباز در کاخ مرمر نزاعی در گرفت که منجر به تیراندازی و کشته شدن چند نفر سرباز گردید». روز بعد گزارش دیگری که دروغ اول را اصلاح می‌کرد، منتشر شد به این صورت که «هنگامی که اعلیحضرت همایونی شاهنشاه! به دفتر کار خود در کاخ مرمر نزول اجلال! می‌فرمود، سرباز وظیفه‌ای گویا بر اثر جنون آنی، به تیراندازی دست زد و باغبان و دو مأمور را به قتل رسانید و خود کشته شد.»

سند شماره (۶۹)

تلگرام وارده به شماره ۱۰۳۱
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن
تاریخ: ۱۴ می ۱۹۶۵ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۴
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۱۲۷۱
طبق ماده ۵۱، کنوانسیون وین تنها بین دولتهایی که سند تصویب کنوانسیون را تسلیم نموده‌اند و یا به آن ملحق شده‌اند به اجراء گذاشته می‌شود. ایران در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۶۵ (۱۶ بهمن ۱۳۴۳ - م) سند تصویب آن را تسلیم نمود. آمریکا هنوز کنوانسیون را تصویب نکرده و در سنا بلا تکلیف باقی مانده است.

من فکر می‌کنم که سؤال شما در ارتباط با وضعیت پرسنل نظامی آمریکا می‌باشد. این حقیقت که کنوانسیون به این صورت بین آمریکا و ایران قابل اجراء نیست (تأکید می‌شود، نیست) باعث کاهش تعهدات جداگانه‌ای که ایران در یادداشت شماره ۹۷۶۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (ارسال شده به وسیله تلگرام ۳۱۳ - A به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴)، مطابق با ماده ۳۷ (۲) در مورد تسری مصونیتها و معافیتها به پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا متقبل شده، نمی‌گردد (تکرار می‌شود، نمی‌گردد). دولت آمریکا یادداشتهای سفارت به شماره‌های ۴۲۳ به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ و ۲۹۹ به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۶۳ و پاسخ وزارت (خارجه ایران - م) به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ را به عنوان اساس قرارداد الزامی بین دو دولت، تلقی می‌نماید.

بال

سند شماره (۷۰)

طبقه‌بندی: استفاده اداری محدود اداری - غیر رسمی تاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۶۵ - ۱۲/۳/۱۳۴۴
 از: دونالد و همیر - دستیار مشاور حقوقی
 به: جان آرمیتاژ - مشاور سیاسی سفیر
 جک عزیز:

از دریافت نامه شما به تاریخ ۲۵ می که در رابطه با کاربرد کنوانسیون وین می‌باشد، خوشحالم و سعی خواهم کرد تا نقطه نظراتمان را راجع به مواد ۴۷ تا ۵۱ روشن سازم. گرچه ماده ۴۷ به آن استحکامی که می‌توانست باشد، نوشته نشده است و بنابر این من می‌توانم درک کنم که چگونه شما به این نتیجه رسیدید که «هر دولتی که آن را تصویب کند یا به آن ملحق شود، باید این کنوانسیون را نسبت به همه دولتی که با آن کشور رابطه دارند، اعمال کند»، اما فکر نمی‌کنم که شما حمایتی برای این نظریه خاصتان پیدا کنید. ماده ۴۷ تنها موقعی جنبه اجرایی پیدا می‌کند که بین دو دولت، کنوانسیون اجراء شود و این دو دولت دارای اختلاف مشخصی باشند و در آن اختلاف به مفاد کنوانسیون استناد کنند. این یک قاعده اصلی در حقوق بین‌المللی است که یک معاهده تنها به امضاء کنندگان آن مربوط می‌شود. به عنوان یک قاعده (حقوقی - م)، حقوق و وظایف ناشی از یک معاهده، شامل دولتهای ثالثی که شرکای آن معاهده نیستند، نمی‌گردد.

من معتقدم که شما احتمالاً براساس به یاد آوردن یک نکته فنی که شاید از قبل می‌دانسته‌اید، به این نتیجه‌گیری رسیده‌اید. تحت شرایط معینی این بحث مطرح است که هر چند همه دولتها به یک موافقتنامه بین‌المللی خاص نپیوسته باشند، اما اگر تعداد کافی از دولتها موضوع خاصی را در قبال موضوعاتی که جنبه بین‌المللی دارند، اتخاذ نمایند. موافقتنامه حاصله بیانگر اجماعی است بر سر آن چیزی که حقوق بین‌المللی متضمن آن در مورد موضوع مربوطه است. در عین اینکه امکان دارد از چنین استدلالی برای سعی در تحقق قواعد کلی حقوق بین‌المللی استفاده کرد، اما هنگامی که خواهان اجراء یا مطالبه حقی تحت یک موافقتنامه هستیم در حالی که دولت مدعی یا مدعی‌علیه یکی از طرفهای موافقتنامه مزبور نباشد، در این روش مذکور قابل استفاده نمی‌باشد. از این رو، من معتقدم که تفسیر صحیحی از ماده ۴۷ این است که پذیرفته شود، بند اول باید این طور قرائت شود: «در اعمال مفاد کنوانسیون حاضر، دولت پذیرنده نباید بین دولتها (بی که عضو این کنوانسیون هستند) تبعیض قائل شود.» اگر قضیه از این قرار نباشد و نظریه شما قابل اجراء باشد، من معتقدم شما موافق خواهید بود که ایران مجبور خواهد شد کنوانسیون را نه تنها در مورد آمریکا اجراء کند، هر چند آمریکا هنوز عضو این کنوانسیون نمی‌باشد، بلکه باید آن را در مورد همه دولتها اعمال نماید، هر چند که آنها هنوز یکی از اعضای کنوانسیون مذکور نشده باشند.

با اینکه تلگرام شماره ۱۲۷۱ سفارت بیانگر متنی که در آن تفسیر ماده ۵۱ خواسته شده، نمی‌باشد اما ما تصور می‌کنیم که سؤال شما مربوط به مشکل پرسنل نظامی آمریکا می‌باشد و سعی کردیم در تلگرام ۱۰۳۱ وزارتخانه شرح دهیم که چرا ما معتقدیم که تبادل یادداشتهای دیپلماتیک یک الزام قانونی برای ایران ایجاد کرده که مفاد کنوانسیون وین را در مورد پرسنل نظامی آمریکا به اجراء درآورد، صرف نظر از اینکه آیا ایالات متحده یکی از طرفهای این کنوانسیون می‌باشد یا خیر. اگر شما

برای متقاعد کردن مقامات ایران جهت اعمال این کنوانسیون نسبت به پرسنل نظامی آمریکا با اشکال مواجه هستید، برای ما مفید خواهد بود که به طور مشخص تری بدانیم که مشکل چیست و مقامات ایران چه موضعی گرفته‌اند. ما معتقدیم که ما در یک موضع قانونی صحیح قرار داریم، ولی این موضع بیشتر بر پایه تبادلی دوجانبه یادداشتها قرار دارد تا بر پایه تفسیری از خود کنوانسیون وین. من اطمینان دارم آنچه که در بالا گفته شد تا حدودی به شما کمک خواهد کرد و اگر شما خواستار آن هستید که ما این موضوع را مورد بررسی بیشتر قرار دهیم، فقط به ما اطلاع دهید. من توسط «جان گاتری» از انتصاب شما در مسکو مطلع شدم و بسیار خوشحالم، هر چند به خاطر اینکه شما پستی را در حوزه مأموریت من ترک می‌کنید، متأسف هستم. من منتظر دیدار شما به هنگام حضورتان در واشنگتن هستم و امیدوارم که ما بتوانیم در آن موقع صحبت خوبی را با هم داشته باشیم.

با بهترین احترامات شخصی
ارادتمند شما
دونالد. آ. وهمیر

سند شماره (۷۱)

تلگرام ارسالی به شماره: ۶۳۷- A
از: سفارت آمریکا - تهران
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۴۰۴ به تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ طبقه‌بندی: استفاده اداری محدود
موضوع: تصویب کنوانسیون وین توسط آمریکا

همان طوری که وزارتخانه مطلع است، دولت ایران پس از مجادله‌های فراوان کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک را به مجلسین شورا و سنا تقدیم کرد و تصویب آن را نیز به دست آورد. دولت ایران همچنین موافقت کرد که توسط تبادل یادداشتهایی، ماده‌ای از کنوانسیون را که مربوط به «کارکنان اداری و فنی» سفارت است به پرسنل اداره‌های نظامی و غیر نظامی نیز تسری دهد. به هر حال، بعد از آن از طرف بخشی از وزارت امور خارجه (ایران-م) برای برقرار نمودن روشهای لازم جهت اعمال امتیازات و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون، اکراه وجود داشته است. مقامات وزارت خارجه (ایران-م) مکرراً در مذاکرات، این واقعیت را که ایالات متحده هنوز کنوانسیون را تصویب نکرده است، به عنوان عذر یا توجیه نگرش تأخیری و غیر مفید این وزارتخانه عنوان کرده‌اند. سفارت مطمئن است که می‌تواند موضوع «برقرار نمودن روشهای لازم» را با وزارت (خارج ایران-م) حل و فصل کند، ولی نمی‌تواند مطمئن باشد که در یک یا دو وضعیت دشوار، مشکلات تازه‌ای پیش نخواهد آمد. برای این هیئت نمایندگی بسیار مفید می‌بود، اگر سنای ایالات متحده کنوانسیون وین را تصویب کرده بود. سفارت از وزارتخانه می‌خواهد که همه اقدامات مناسب برای تسهیل و سرعت بخشیدن به این تصویب را مبذول دارد.

از طرف سفیرجان.ای.آرمیتاژ دستیار ویژه سفیر در امور MSP

سرانجام در سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ رژیم وابسته شاه ۴ نفر از فرزندان انقلابی اسلام به نامهای

محمد بخارائی، صادق امانی، رضا صفار هرنندی و مرتضی نیک نژاد» را به جرم اعدام انقلابی منصور (احیاء کننده کاپیتولاسیون)، به شهادت رساند و با این کار ثابت کرد که در راه حفظ خود و خدمت به اربابان آمریکاییش از هر گونه خیانت و جنایتی کوتاهی نخواهد کرد.

لازم به ذکر است که یکی دیگر از اعضای این گروه به نام «مهدی عراقی» نیز به حبس ابد محکوم گردید و از زمان دستگیری یعنی سال ۱۳۴۳ تا نیمه سال ۱۳۵۷ را در زندانهای رژیم شاه حبس بود و شکنجه‌های بسیاری را تحمل نمود. ایشان نیز چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط گروهک منحرف «فرقان» به شهادت رسید.

سند شماره (۷۲)

تلگرام وارده به شماره ۳۳۵ تاریخ: ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۵ - ۲۵ شهریور ۱۳۴۴

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی به: سفارت آمریکا - تهران

طبقه بندی: استفاده اداری محدود مرجع: تلگرام وزارت خارجه به شماره ۱۲۶ - A

در ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور - م) سنا به اتفاق آراء به قطعنامه مربوط به موافقت و پذیرش کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک رأی داد. با این حال، وزارتخانه توصیه خواهد کرد که ریاست جمهوری تا هنگامی که کنگره، قانون تکمیلی را مورد رسیدگی قرار ندهد، آن را تصویب نکند یا سند تصویب آن را تسلیم ننماید. احتمالاً سنا در جلسه بعدی خود، قانون تکمیلی را مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

ناراحتی، نگرانی و خشم مردم ایران از ادامه تبعید غیر قانونی حضرت امام (ره) روز به روز افزایش می‌یافت و واکنش خشونت بار آنان هر روز فزونی می‌گرفت و با کوچکترین مناسبتی ظاهر می‌شد. به محض پخش شایعه یا خبری مبنی بر اینکه امام خمینی در تبعیدگاه مریض شده‌اند و یا اینکه دولت ترکیه از زندانبانی ایشان سرباز زده، موجی طوفان‌زا همه جا را فرا می‌گرفت. بازار تعطیل می‌شد و درسهای حوزه به صورت نیمه تعطیل در می‌آمد، منازل علما مملو از انبوه جمعیتی می‌گردید که خواهان اقدامات جدی تر جهت آزادی و بازگشت رهبر بودند. سیل تلگراف و طومار و نامه اعتراض آمیز به سفارت ترکیه و به سازمانهای بین‌المللی ادامه داشت، به طوری که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز در آوریل ۱۹۶۵ طی نامه‌ای به دبیر کل وقت، نسبت به تبعید امام خمینی (ره) اعتراض نمود.

با اوج‌گیری مخالفتها، شاه احساس خطر نمود و دریافت که برای کنترل اوضاع باید چاره‌ای بیندیشد. از این رو با توصیه مشاورانش تصمیم گرفت که امام خمینی (ره) را از ترکیه به عراق منتقل سازد. شاه از این عمل دو هدف را در نظر داشت. اول اینکه با انتقال امام خمینی (ره) از ترکیه به شهر نجف اشرف در عراق که در آن زمان یکی از مهمترین حوزه‌های علمیه شیعه بود، خشم و ناراحتی مردم تا حد زیادی فروکش می‌کرد و از طرف دیگر شاه فکر می‌کرد با حضور امام خمینی (ره) در نجف اشرف، ایشان نخواهند توانست در کنار مراجع حوزه علمیه نجف مطرح شوند و تحت تأثیر شخصیت علمی آنان قرار خواهند گرفت و از پادها محو خواهند شد. لذا دولت ایران با دولت عراق وارد مذاکره شد و موافقت آن دولت را در این موضوع جلب نمود. با این شرط که دولت عراق هیچ

گونه استقبال رسمی و مردمی از ایشان به عمل نیاورد و ورود ایشان را به آن کشور را نیز به طور رسمی اعلام نکند. در مقابل، دولت عراق شرط کرد که انتقال امام خمینی به عراق به عنوان تبعید از طرف دولت ایران نباشد و مقامات ایران حق هیچ گونه دخالتی در سرنوشت، آزادی و مدت اقامت ایشان در عراق نداشته باشند.

به این ترتیب در روز ۱۲ مهر ماه ۱۳۴۴ (بعد از ۱۱ ماه تبعید)، حضرت امام خمینی (ره) به همراه فرزند برومندشان آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی به عراق منتقل شدند. لازم به ذکر است که در آن تاریخ هنوز حزب بعث عراق، در این کشور بر سر کار نیامده بود و زمامداران وقت عراق روابط نسبتاً خوبی با رژیم شاه داشتند.

سند شماره (۷۳)

طبقه بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان
از: سفارت آمریکا - تهران به: عالیجناب دونالد. ای. وهمیر، معاون مشاور حقوقی وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. ۲۰۵۲۰
نامه اداری - غیر رسمی

دون عزیز:

متأسفم که اوضاع و احوال باعث شد که نتوانم زودتر از این به نامه ۲۳ می شما پاسخ دهم. حقیقت این است که مقداری تحقیق باید انجام می شد، به علاوه تخلیه از امان و بغداد که بیشترین وقت و انرژی کارمندان اداری را گرفت، همگی دست به دست هم داده و مانع از نوشتن پاسخ نامهات زودتر از این تاریخ شد. هر چند من مطمئنم که جنگ اعراب و اسرائیل و حوادث همراه آن باعث به تعویق افتادن تحقیق شما شده و شاید اکنون فشار برای فراهم آوردن اطلاعات مورد نظر شما، آنقدرها زیاد نیست. به هر حال اینها مطالبی است که ما توانسته ایم جهت پاسخ به سؤالات شما تهیه نمایم.

قبل از هر چیز، پرسنل این یگانهای مختلف متنوع (که بسیاری از آنها از حساسیت فوق العاده ای برخوردارند) بدون استثناء دارای کارتهای هویت زرد رنگ می باشند، که توسط وزارت امور خارجه (ایران - م) صادر شده و تأیید می کند که آنها مصونیت دارند. اسامی افراد توسط آرمیش مگ به کنسولگری داده می شود که کنسولگری نیز به نوبه خود آنها را به همراه عکس و شماره گذرنامه و توضیحی مبنی بر اینکه این افراد در استخدام وزارت دفاع آمریکا هستند، به وزارت امور خارجه ایران می فرستد. این سیستم در رده پایین سازماندهی شده و با مؤثرترین شکل عمل می کند. تا آنجایی که به پرسنل غیر نظامی وزارت دفاع مربوط می شود، آخرین آمار ۶۰ نفر می باشد. آنها به اضافه ۲۰۸ نفر افسر، ۵۰۱ نفر درجه دار و ۱۳۶۰ نفر از بستگان آنها، جمعاً* ۲۱۵۹ نفر می شوند که دارای کارت زرد هستند.

در مورد دومین سؤال، تا آنجایی که برای ما مشخص است، دولت ایران یادداشت مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ خود مبنی بر تسری مصونیتها به «پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی» را به اطلاع عموم نرسانده است. در وزارت امور خارجه ایران، یادداشتها به ندرت منتشر می شوند، اگر نگوئیم هیچ وقت. در این قضیه دلایل قانع کننده ای وجود دارد که چرا دولت ایران نخواست است چنین کاری را

* - جمع صحیح این ارقام، ۲۱۲۹ است - م

انجام دهد.

در رابطه با سؤال شما درباره ترجمه یادداشت ایران به شمار ۸۸۰۰ به تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۶۳، ما دلایل مخالف و موافق معنای کلمه «تا» را به صورتی اساساً علمی مورد توجه قرار دادیم. این یادداشت در حقیقت توسط یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ وزارت امور خارجه ایران که ما در یادداشت شماره ۲۸۲ به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آنها را به منزله پاسخی «مطلوب و قابل پذیرش به یادداشت شماره ۴۲۳ به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ سفارت» تلقی کردیم، کنار گذاشته شد. این سه یادداشت تلگرام هوایی سفارت به شماره ۳۱۳-۸ به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ به وزارتخانه ارسال شد.

تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۶۳ (۱ فروردین ۱۳۴۲-م) موافقتنامه‌های اصلی ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ که حضور نظامی آمریکا در ایران را میسر می‌سازد، رسماً تمدید نشده بود. برای این موضوع دلایلی که اساساً مربوط به جو سیاسی می‌شود، وجود داشته است. برای مثال ما موافقتنامه‌ها را در سالهای ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) و ۱۹۶۵ (۱۳۴۴-م) به دلیل هیجانات ناشی از موضوع مصونیتها و به خاطر اینکه وضعیت کنوانسیون وین روشن نشده بود، به صورت رسمی تمدید نکردیم. امسال نیز این کار را به دلیل مسائل ناشی از جریان «ویپکی» تاکنون انجام نداده‌ایم. با وجود این مسئله مورد توجه ما این است که موافقتنامه‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷، علیرغم فقدان تشریفات رسمی هنوز به قوت خود باقی است. قراردادهای اصولاً بر اساس رضایت طرفین باقی می‌ماند. بدین معنی که طبق رضایت طرفین و علیرغم فقدان تشریفات رسمی، قراردادهای به قوت خود باقی می‌مانند. شرایط لغو قرارداد ما در مورد آرمیش - مگ به یکی از چند طرق مختلف، از جمله خارج کردن هیئت به وسیله ایالات متحده، فراهم می‌شود. قابل توجه است که ایالات متحده هیچ‌گونه گام عملی برای برهم زدن موقعیت خود در این کشور بر نداشته است. از این گذشته، طبق بیانیه دولت ایران، این کشور مدت قرارداد را تا ۲۱ مارس ۱۹۶۸ تمدید می‌نماید. هر چند ایالات متحده به صورت رسمی یا با موافقت کتبی، قرارداد را تمدید نکرده است. اما ادامه حضور ما در اینجا به خودی خود موافقت ضمنی ما را با ادامه اعتبار مفاد قرارداد به همان شکل اولیه، نشان می‌دهد. حتی اگر ما فرضاً تصور کنیم که لغو قرارداد به خودی خود صورت می‌گرفت، ممکن است گفته شود که قرارداد با موافقت طرفین قضیه دوباره اعتبار یافته است. همان طوری که می‌دانید این فرایند به «استقرار مجدد» موسوم است. و معمولاً در مواردی به کار گرفته می‌شود که به علت بروز جنگ، موافقتنامه‌ها لغو شده است سپس دو طرف می‌خواهند مواد قابل قبول موافقتنامه‌های قبلی را دوباره برقرار نمایند. با آنکه در این حالت مطرح نیست، اما به نظر ما اصل مذکور در اینجا بر اساس قیاس قابل اجراء است. توجه دارید که عامل اساسی در هر دو حالت، رضایت دو جانبه طرفین قرارداد است و نه رسمیت داشتن خود قرارداد. دون عزیز، اینجا خاورمیانه است و قراردادهای آن مفهومی را که در غرب دارد، در اینجا ندارد. در اینجا، از نظر یک ایرانی، یک قرارداد بهترین ترتیب ممکن است که او می‌تواند در آن موقع فراهم کند، اما اگر شرایط مربوطه حتی اندکی تغییر یابد، قرارداد مزبور همواره می‌تواند مورد تجدید مذاکره قرار گیرد. خصوصیت یک ایرانی این است که اگر در زمان امضاء یک قرارداد تنها احتمال بدهد که شرایط به ضرر او تغییر می‌نماید، از همان ابتداء هرگز آن را امضاء نخواهد کرد. ما به فعالیتهای خود در قلمرو مسائل نظامی به سود ایرانیان و با رضایت آنها ادامه می‌دهیم در حالی که آنها ما را در اینجا تحمل می‌کنند. روزی که آنها

تصمیم بگیرند که ادامه حضور ما را بیش از این در اینجا نمی‌خواهند، چه ما با آنها موافقتنامه‌ای داشته باشیم و چه نداشته باشیم، دیگر نسبت به مسائل بردباری کمی وجود خواهد داشت. دون، من مطمئنم اطلاعاتی که در این نامه در اختیارتان گذاشتم، پاسخگوی نیازهای شما خواهد بود. اگر سؤالات بیشتری دارید که فکر می‌کنید ما می‌توانیم پاسخ مفیدی به آنها بدهیم، خواهش می‌کنم در مطرح کردن آنها تردید نفرمائید. دفعه بعد، اگر عملیات تخلیه دیگری وجود نداشته باشد، مطمئناً سریعتر می‌توانیم پاسخ شما را بدهیم. در پاسخ به درخواست وکیل مدافع اداری آرمیش - مگ، یک رونوشت از این نامه را به واشنگتن، وزارت ارتش، دفتر وکیل مدافع کل می‌فرستم. با بهترین احترامات ارادتمند ر. کلایتون مادمعاون مخصوص سفیر در امور کمکهای نظامی

سند شماره (۷۴)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه یادداشت برای ثبت در پرونده تاریخ: سپتامبر ۱۹۶۷ - شهریور ۱۳۴۶
موضوع: مصونیت‌های پرسنل نظامی آمریکا

در تاریخ ۲۴ اوت (۲ شهریور - م) یعنی روزی که عازم سفر به جنوب شرقی آسیا بودم با عزالدین کاظمی در وزارت خارجه ملاقات کردم تا در مورد «ضوابط اصلی» مربوط به تأمین مصونیت برای پرسنل نظامی ما بر اساس قانون وضعیت مصوب ۱۹۶۴، گفتگوهای قبلی را دنبال کرده باشم. عمداً در آن زمان با وی تماس گرفتم، چون تردید داشتم که در مراجعت از سفر مجال لازم برای یک مذاکره کامل را داشته باشم. حدود یک ساعت صحبت کردیم و با وجود عدم حصول توافق، هر دو به درک بهتر مواضع یکدیگر نائل آمدیم. بی شک آقای آرمیتاژ و آقای اسکات مایلند که موضوع را در وقت دیگری پیگیری کنند. در آغاز صحبت گفتم که تصادفات رانندگی، یک امتحان واقعی از کاربرد مصونیتها را فراهم نمی‌کند. از حسن تفاهم مقامات و به خصوص مساعدت آقای کاظمی در قضیه «دیلز» عمیقاً قدردانی نمودم، زیرا زمانی که دادستان عمومی این مسئله را طرح کرد که آیا خانم دیلز از مصونیت برخوردار است یا نه، آقای کاظمی کمک بسیاری کرد. گفتم ما باید درباره پیش آمدن موارد بسیار حادث‌تری فکر کنیم و ببینیم که چگونه می‌توان با آنها برخورد کرد. مثلاً فرض کنیم که یک گروهبان آمریکایی عاشق یک زن از خانواده‌های اصیل ایرانی شده و پدر خانواده به آنها اجازه ازدواج نمی‌دهد و در منازعه‌ای که به این خاطر در می‌گیرد، گروهبان مورد نظر، آن ایرانی برجسته را با شلیک گلوله‌ای می‌کشد. من گفتم که این کار در زمره جنایات هولناک خواهد بود و ما مسلماً توصیه خواهیم کرد که ایالات متحده باید مصونیت را لغو کند؛ اما شخص مزبور باید مصونیت داشته باشد تا بتوان او را از آن مبرا کرد. مقامات ما بدون شک مایل خواهند بود که با مقامات ایرانی همکاری کنند و بدون شک این گروهبان فرضی را جهت بازپرسی نزد بازپرس خواهند فرستاد - اما موضوع مهم این است که مشخص شود این ما هستیم که او را برای بازرسی خواهیم فرستاد، به عبارت دیگر تا زمانی که او را در اختیار آنها قرار ن داده‌ایم، این شخص پیش ما خواهد ماند. کاظمی گفت فرض بسیار خوبی انتخاب شده، زیرا اگر جنایتی و به دنبال آن جنجال عمومی رخ دهد، قابل تصور نیست که مقامات ایرانی گروهبان مزبور را بلافاصله دستگیر نکنند. این نکته که این شخص در یک زندان ایران حبس شود تا زمانی که محاکمه گردد، حائز اهمیت خواهد بود. گفتم ما احتمالاً با این

موضوع موافقت خواهیم کرد، ولی نکته اصلی این است که مقامات ایرانی نمی‌توانند یک گروه‌بان آمریکایی را دستگیر و زندانی کنند. این امر با توافق ما در رابطه با مصونیت‌های کنوانسیون وین مغایرت دارد. بار دیگر به تاریخچه قراردادهای میان دو دولت پرداختیم و برای اولین بار کاظمی گفت به نظر او آنچه که قبلاً در اقدامات او به آنها اشاره شده یعنی تبادل یادداشتهای بین دو دولت در سال ۱۹۶۴ «که ما (ایرانیان - م) مجبور بودیم به خاطر دستورات صادره از بالا آن را انجام دهیم»، حقیقتاً غیر قانونی بوده است. وزارت خارجه نمی‌تواند بیش از حدی که توسط قانون مشخص شده به اشخاص مصونیت بدهد و این قانون، بنا به دلایلی که هیچ یک از ما نمی‌تواند به طور کامل آنها را توضیح دهد، مصونیت را فقط در حد افرادی که «در استخدام» دولت ایران می‌باشند، محدود می‌کند. من سعی کردم آن وضعیتی را که باعث درج این عبارت نامطلوب شد، بار دیگر تشریح کنم و خاطر نشان ساختم که نظر تلویحی وزارت خارجه این بوده است که تأمین مصونیت برای اشخاصی که «در استخدام» نیستند، احتیاجی به مجوز جداگانه‌ای از طرف پارلمان ندارد. ولی کاظمی این موضوع را به خاطر نیاورد. وی گفت که در حین گفتگو با وزارت دادگستری هیچ گاه کنوانسیون وین را مبنا قرار نمی‌دهد، بلکه بیشتر بر حق سنتی وزارت خارجه که مدتها قبل از پیدایش کنوانسیون وین وجود داشته، تکیه می‌کند تا مشخص سازد که کدام یک از اعضاء هیئتهای خارجی باید از مصونیت‌های سیاسی برخوردار شوند. خوشبختانه این حق وزارت خارجه هیچ گاه مورد اعتراض وزارت دادگستری قرار نگرفته است. و تنها سؤالی که مطرح شده این است که آیا این حق می‌تواند کلیه پرسنل آرمیش - مگ و یگانهای تابعه آن را شامل شود یا خیر. گفتم که در تایلند، کل تشکیلات نظامی آمریکا متشکل از تقریباً ۴۰/۰۰۰ پرسنل، از لحاظ فنی بخشی از سفارت آمریکا محسوب می‌شوند. چرا نمی‌توان تکه کاغذی تهیه کرد که تمام وزارتخانه‌های ذی‌ربط موافقت کنند تا کلیه پرسنل آمریکایی «که مطابق قراردادها و ترتیبات منعقد بین دو دولت در ایران بسر می‌برند»، عضو سفارت آمریکا محسوب شوند؟ به نظر من در صورت لزوم سفیر باید این موضوع را در سطح بالا مطرح کند تا یک بار و برای همیشه حل شود. کاظمی احتمال می‌داد که از نظر قانون اساسی موانعی در این راه وجود دارد. اشخاصی که در رابطه با پروژه‌های کمک خارجی به ایران می‌آیند، برنامه آنها نیازمند تصویب پارلمان است. در حالی که فعالیتهای آرمیش - مگ هرگز مورد تصویب قرار نگرفته است.

گفتم بسیار خوب پس چرا تکه کاغذی تهیه نمی‌شود که بگوید به منظور تفویض مصونیتها، تمام پرسنل نظامی آمریکا در ایران، «در استخدام» دولت ایران قلمداد می‌شوند. ما خودمان به خاطر اصلاحیه مانسفیلد که مانع از استخدام سربازان آمریکایی توسط دول خارجی می‌شود، نمی‌توانیم چنین بیانه‌ای را تهیه کنیم، ولی در برابر دولت ایران چنین موانعی وجود ندارد. شاید وزارت جنگ ایران به ابتکار خود بتواند چنین تصمیمی بگیرد. ظاهراً کاظمی از این ایده خوشش آمد.

همان طوری که قبلاً گفتم این بحث نتیجه‌ای نداشت. برداشت من چنین بود که در مواردی که جنجال عمومی را در پی نداشته باشد، می‌توان روی کاظمی به عنوان فردی حساب کرد که بر حق وزارت امور خارجه ایران در تأیید مصونیتها، ایستادگی می‌کند. موضع وی مبنی بر اینکه این نباید جنبه رسمی پیدا کند، دال بر این مدعی است. لیکن در موارد واقعاً مهم (که مورد «ویکی» تقریباً از این نوع بود) ما آشکارا مجبوریم که از اول از او صرف نظر کنیم و هنوز معتقدم که ضروری است تا

آنجایی که امکان دارد با بالاترین مقامات تماس حاصل نماییم. در صورت بروز واقعه‌ای که منجر به جنجال عمومی گردد، تا آنجایی که به روشهای موجود ربط پیدا می‌کند روی زمین خیلی لرزانی قرار داریم. به نظر من با توجه به اظهارات گاه به گاه شاه به سفیر مبنی بر اینکه مایل است در نیروی هوایی خود، مستشار نظامی بیشتری داشته باشد، ما باید سریعاً و قبل از اینکه مسئله حادی پیش آید، مسئله مصونیتها را در مدارک داخلی ایران حل کنیم. در غیر این صورت ما میان دو نیروی مخالف، یعنی تمایلی در واشنگتن به جانبداری از مصونیت (تا زمان لغو آن) و نیز تمایلی در تهران به حمایت از محاکمه فوری، گیر خواهیم کرد. ام. اف. هرتز
رونوشت به:

کاردار، سرهنگ تیلور از آرمیش - مگ
مشاور سیاسی، آقای اسکات، پرونده مصونیتها

سند شماره (۷۵)

سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۲ آوریل ۱۹۶۹ (ظهر) - ۲۳ فروردین ۱۳۴۸
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه یادداشت گفتگو شرکت کنندگان: پرفسور روح‌الله رمضانی - آقای جان آرمیتاژ، مشاور سیاسی سفارت.
مکان: کلوپ فرانسه

موضوع: قرارداد وضعیت نیروها

پرفسور رمضانی گفت تنها چیزی که بر رابطه ایران و آمریکا تأثیر می‌گذارد و ایرانیان در مورد آن داوطلبانه اظهار نظر می‌کنند، امتیازات و مصونیتهای آمریکاییان در ایران است. رمضانی گفت نسبت به این مصونیتها و امتیازات نوعی احساس مخالفت عمیق و انزجار شدید وجود دارد. وی توضیح داد که همه فکر می‌کنند که کلیه آمریکاییان در ایران مصونیت داشتند، ولی عبارت مورد استفاده در تشریح وضعیت، بیش از حد نفرت‌انگیز بود و تلخکامی قابل توجهی را منعکس کرد، حتی اگر محرک این احساس افراد ضدآمریکایی باشند.

من توضیح دادم که طبق قرارداد منعقد شده با دولت ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) مصونیتهای مندرج در کنوانسیون وین، در مورد پرسنل نظامی رسمی تحت عنوان کارمندان سفارت اعمال می‌شود، ولی آمریکاییان عادی کاملاً تابع قوانین ایران می‌باشند. آرمیتاژ گروه ۳- طبق فواصل ۱۲ ساله از طبقه‌بندی کاسته شود ولی به طور خودکار از طبقه‌بندی خارج نشود.

فصل دوّم
تشکیل دادگاههای نظامی آمریکا در ایران

سند شماره (۷۶)

طبقه بندی: خیلی محرمانه
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن
تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۶۹ - ۱۳۴۸/۶/۳۱
به: سفارت آمریکا - تهران
نامه اداری - غیر رسمی

جناب آقای «نیکلاس جی. تاچر» - کاردار سفارت
«نیک» عزیز:

«دیو-بین» اخیراً با من در مورد درخواست «هام توپچل» از فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا مبنی بر اجازه تشکیل دادگاههای نظامی عمومی و ویژه در ایران توسط خود او، صحبت کرده است. این درخواست فقط شامل رسیدگی به آن دسته از تخلفات پرسنل نظامی می شود که از نوعی نباشند که فقط باعث پر کردن بی مورد و اغراق آمیز مطبوعات محلی می شوند. «دیو» خاطرنشان ساخت که همیشه - مگ در این مورد با شما صحبت کرده و شما تمایل داشتید که با روش «مورد به مورد» توافق کنید. فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا کمی بیش از اندازه نگران بود و من اقرار می کنم که خودم هم در مورد تأیید تقاضای «هام» نگران بودم تا اینکه فرصت پیدا کردیم در این مورد بیشتر صحبت کنیم - اولین فرصت در دیدار فرمانده نیروهای ضربتی آمریکا از ایران در ماه اکتبر به دست آمد. اولین نکته ای که مطمئناً شما نیز در آن اشتراک نظر دارید، این است که ما نمی خواهیم چیزی را به عهده گیریم که احتمالاً لایحه وضعیت ما را به خطر می اندازد. آیا یک اقدام یک طرفه از آن نوعی که پیشنهاد شده، نمی تواند تردیدهای جدی در این زمینه ایجاد کند؟ دومین نکته ای که باعث تأمل من می شود، این است که آیا این نوع اقدام احتمالاً این گونه تعبیر یا تفسیر نخواهد شد که حضور ما در ایران جلوه ای فوق - اقلیمی دارد. چیزی که ما خواهان اجتناب از آن هستیم و ایرانیان خود نیز از آن منزجرند. ترس من می تواند به خوبی اثرات قدیمی و نه خیلی قابل اعتماد ناشی از حساسیت ایرانیان در رابطه با این موضوع را منعکس سازد. سپاسگزار می شوم اگر به من اطمینان مجدد بدهید.

ارادتمند (امضاء) جک. سی. میکولوس

سند شماره (۷۷)

طبقه بندی: خیلی محرمانه
 از: سفارت آمریکا- تهران
 نامه اداری - غیر رسمی
 رئیس بخش ایران - دفتر امور خاور نزدیک و جنوب آسیا و وزارت امور خارجه - واشنگتن، دی.سی.
 جناب آقای جک سی. میکولوس
 تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۹ - ۴ مهر ۱۳۴۸
 به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

جک عزیز: با توجه به نامه ۲۲ سپتامبر شما و با توجه به تردیدهای سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا نسبت به تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، من فکر می‌کنم که شاید «دیو - بین» و همقطاراننش به طور کامل متوجه نشده‌اند که پیشنهاد ما در رابطه با اقدام در این مورد چیست.

ارتش (آمریکا - م) در حال برخورد با مشکلات فزاینده‌ای در مورد رعایت و حفظ دیسیپلین نظامی در ایران است. آنها این مشکلات را ناشی از کیفیت پایین پرسنل نظامی که به اینجا فرستاده شده‌اند و همچنین ناشی از افزایش دقت در روش وکلای مدافع برای حمایت از متهمین، می‌دانند. در عین حال، نیاز به روشهای قضائی فوری جهت صدور احکام مناسب در مورد تخلفات کم و بیش کوچک وجود دارد. بنابراین، من با سرهنگ دوم «هاولی»، وکیل مدافع موجود در اینجا و ژنرال «تویچل» موافقم که اگر آنها رسیدگی قضائی به یک مورد را در این کشور مطلوب احساس کنند باید برای سفارت بیانیهای دقیق در مورد تمامی جنبه‌های آن فراهم آورند که شامل بررسی امکان انتشار رسمی آن و درگیری احتمالی ایرانیان (مانند شاهدان و غیره) باشد. سپس اینکه ما با آنها در مورد امکان برپایی دادگاه در ایران مشورت خواهیم کرد. البته ما کاملاً آگاهیم که مخاطرات واقعی سیاسی در مورد هر دادگاهی که در آن بیش از ۲ نفر شاهد ایرانی درگیر باشند، وجود خواهد داشت و یا افکار عمومی را به خود جلب خواهد کرد. از طرف دیگر من نمی‌خواهم برای اعمال هرگونه روش قضائی نظامی در این کشور که احتمالاً تا حد بسیار زیادی موضوعی داخلی است، زمینه‌ای منفی ایجاد کنم، در حالی که ایرانیان بدان توجهی نداشته باشند و احتمال کمی در مورد جلب توجه عمومی وجود داشته باشد. البته ما فقط در مورد محاکمه آمریکاییها برای تخلفاتی که اصولاً مربوط به دیسیپلین نظامی ایالات متحده می‌شود، صحبت می‌کنیم.

به طور خلاصه، ما با مسئله انتقال دادگاههای نظامی به ایران توافق کامل نداریم، ولی موافقیم که هر مورد را به صورتی دقیق و مجزا با آرمیش مگ بررسی کرده و مشخص کنیم که آیا ما می‌توانیم در مورد اجازه دادن به برپایی دادگاه در اینجا ریسک نماییم، نه اینکه اصرار داشته باشیم که در هر مورد ارتش به زحمت افتد و دادرسی در کشورهایمانند آلمان غربی، ترکیه یا جای دیگر انجام شود که اغلب این کار همراه با اقدامات مخل عدالت خواهد بود.

من امیدوارم که این توضیحات، موضوع را روشن نماید، ولی اگر چنین نباشد، لطفاً اجازه دهید تا از نظریات و سؤالات بعدی شما مطلع شویم.

با بهترین احترامات

ارادتمند
 نیکلاس جی. تاچر

فرماندهی: ژنرال تویچل
 مقام امنیتی: ائی. ای. راو

سند شماره (۷۸)

تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۶۹ - ۲۴ آذر ۱۳۴۸

از: نیکلاس جی. تاچر

به: سفیر

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: دادگاههای نظامی ارتش در ایران

تابستان گذشته ژنرال تویچل نزد من آمد و درخواست کرد که با ایجاد دادگاههای نظامی در ایران موافقت کنم تا به آن دسته از جرائم ارتكابی پرسنل نظامی تحت فرمان او که ایرانیان در آن ذی‌مدخل نمی‌باشند، رسیدگی شود. من از او پرسیدم که آیا چنین محاکماتی که بدون اطلاع یا موافقت دولت ایران انجام شود، به موجب قوانین نظامی ایالات متحده معتبر خواهد بود. او گفت که پیرامون این نکته تحقیق شده و وکیل مدافع به او گفته که چنین جریان قضائی معتبر خواهد بود. ژنرال گفت او مشتاق است که از طرف ما اجازه چنین کاری را داشته باشد. زیرا با توجه به افت کیفیت پرسنل نظامی آرمیش - مگ، او مایل است که بتواند در جریان دادرسی تسریع به عمل آورد. وقتی دادگاه نظامی به خاطر جرایمی که در اینجا واقع شده به خارج از ایران منتقل می‌شود، مشکلات متنوعی پیش می‌آید و اغلب نیز مجرم به کیفر نمی‌رسد.

من به ژنرال تویچل گفتم که مسلماً ما نمی‌توانیم هیچ نوع جریان قضائی را تأیید کنیم که برای دولت ایران اهانت‌آمیز بوده و یا نشانی از «کاپیتولاسیون» داشته باشد. با این حال سفارت برای بررسی هر موردی که مستلزم تعیین مخاطرات یا مقتضیات ایجاد دادگاه نظامی در ایران باشد، آماده خواهد بود. به این ترتیب ما یک خط‌مشی دقیقاً ویژه در پیش گرفتیم و ژنرال متوجه شد که ما دادگاههایی را که در آنها ایرانیان ذی‌مدخل باشند، تأیید نخواهیم کرد.

سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا از قصد ما در چگونگی پیشبرد امر مطلع شد. «دیو - بین» مشاور سیاسی آنجا، به طور کامل در جریان قرار گرفت و نامه‌ای به «جک میکلس» نوشت و در آن نامه تصمیم مرا زیر سؤال برد. جک هم نامه‌ای به من نوشت که من هم به آن پاسخ دادم (به نامه‌های ضمیمه مراجعه شود) ولی در این خصوص، چیز دیگری از وزارت خارجه دریافت نکرده‌ام. وقتی که «بین» به همراه ژنرال «تراک مورتون» به اینجا آمدند، او که در یک تفاهم‌نامه ویکا منعقد شده در سال ۱۹۶۰ تفحص کرده بود، گفت که فکر می‌کند این تفاهم‌نامه حتی اجازه تشکیل دادگاههایی از نوع «خانگی» که من و ژنرال تویچل در مورد آنها بحث کرده بودیم، به ما نمی‌دهد. من به «بین» گفتم که به هر حال ما مایلیم که یک بار دیگر کل قضیه را مورد بررسی قرار دهیم. تویچل هم قول داد که نامه دیگری در مورد این موضوع برای سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا بنویسد. هر آنچه که تفاهم‌نامه غیر رسمی در ویکا مورخ دسامبر ۱۹۶۰ (که نسخه‌ای از آن ضمیمه است) ذکر کرد، به وسیله تفاهم‌نامه کنونی «وضعیت نیروها» میان ما و ایرانیان که به واسطه یادداشت‌هایی در ۶۴ - ۱۹۶۳ (نسخه‌ها ضمیمه است) بسط یافت و از طرف مجلس تصویب شد، جایگزین گردیده است. نه در این یادداشتها ذکر از محل محاکمات به عمل آمده و نه در کنوانسیون وین که آنها به آن رجوع داده‌اند. ژنرال تویچل حال می‌خواهد نامه‌ای که امیدواریم آخرین نامه در این خصوص باشد، برای سرفرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا ارسال دارد اما از آنجایی که آنها موضع ما را زیر سؤال برده‌اند،

من معتقدم که بهترین کار این خواهد بود که در صورتی که شما (سفیر - م) موافق باشید، ما بتوانیم نامه دیگری ارسال داریم و در آن خاطرنشان سازیم که موضع ما از تأیید شما نیز برخوردار است. ژنرال تویچل در حال حاضر با همان چیزی مواجه شده است که من زمانی در ذهن داشتم و به او گفتم که شاید در بعضی از موارد تشکیل یک دادگاه نظامی را در این کشور تأیید کنیم. یک درجه دار از اطاعت فرمان یک افسر وظیفه، خودداری کرده و در این رابطه دادگاه نظامی در نظر گرفته شده است. این خود یک دعوی خانگی نظامی در آرمیش - مگ می باشد و من معتقدم که هیچ دلیل واقعی وجود ندارد که اگر بتوان محاکمه را با احتیاط انجام داد، چرا نباید در ایران این محاکمه صورت پذیرد. من فکر نمی کنم که نه نظامیان ایرانی و نه مقامات کشوری کمترین علاقه ای در رابطه با دادرسی آرمیش - مگ به پرونده ای در خاک ایران داشته باشند که دقیقاً مطابق با دیسیپلین نظامی ایالات متحده انجام می گیرد. به هر صورت، من فکر می کنم این یک دادرسی سیاسی است که ما در خصوص هر موردی که پیش می آید، بدون خطر می توانیم به آن اقدام کنیم.

آرمیش - مگ در حال حاضر طبق دستورات کتبی من عمل می کند. زمانی که من کاردار بودم، اعلام کردم که هیچ محاکمه ای از هر نوع که باشد بدون مشورت دقیق با سفارت نبایستی انجام شود. البته در هر مورد، من دقیقاً شرایط مربوط به جرم ارتكابی، از جمله طول مدت احتمالی و دامنه محاکمه، احتمال اعلام عمومی خبر آن، ذی مدخل بودن ایرانیان در آن و غیره را بررسی می کردم. سپس توصیه خود را در خصوص اینکه آیا ما اجازه ادامه و پیشبرد جریان محاکمه را بدهیم یا خیر، به اطلاع شما می رساندم. من گمان می کنم که به طور کلی بتوانیم با آن نوع از جرایم نظامی که دقیقاً در بالا فهرست شده، موافقت نماییم. اما برای هر نوع جرم یا جنایت و خیمی که متوجه اشخاص یا مایملک آنها شده باشد، ناگزیریم که خواستار محاکمه در خارج از این کشور شویم.

چنانچه شما با مطالب فوق الذکر موافقت کنید، من نامه مفصلی را برای «دیو - بین» (با نسخه ای برای میکولوس) تهیه کرده و در آن مجدداً موضع خودمان را توضیح خواهم داد و نیز به اطلاع او خواهم رساند که این نامه از تأیید شما و ژنرال تویچل برخوردار است و از «دیو - بین» خواهم خواست که آن را به اطلاع طرفهای مناسب و علاقه مند در سر فرماندهی نیروهای ضربتی آمریکا برساند.

سند شماره (۷۹)

از: دفتر وکیل مدافع
یادداشت برای سرلشگر تویچل فرمانده آرمیش - مگ
تاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۰ - ۱۸ دی ۱۳۴۸
طبقه بندی: خیلی محرمانه
غیر قابل رؤیت برای خارجیان
موضوع: موافقتنامه های حاکمیت قضائی بین دولت ایران و ایالات متحده
شما در مورد مشاجرات قضائی که ممکن است بین دولت ایران و آمریکا در خصوص اعمال حاکمیت قضائی دادگاههای نظامی ایالات متحده در ایران پیش آید، سؤال کرده بودید.
یک - مشاجرات در خصوص اعمال حاکمیت قضائی
الف - انواع موافقتنامه ها
سه نوع موافقتنامه کلی در خصوص وضعیت پرسنل نظامی ایالات متحده که در کشورهای

خارجی مستقر هستند، وجود دارد. نوع اول «موافقتنامه وضعیت نیروها» نامیده می‌شود. برای مثال می‌توان «موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو» و یا «موافقتنامه اداری ژاپن را نام برد. نوع دوم «موافقتنامه‌های هیئت» است. مانند موافقتنامه‌هایی که ما هم اکنون با نیکاراگوئه و سایر کشورهای آمریکای لاتین داریم. نوع سوم «موافقتنامه‌های کمک دفاعی متقابل» می‌باشد که طبق این‌گونه موافقتنامه‌ها، گروههای مشاورین کمک نظامی (مگ) فعالیت می‌کنند.

به استثنای وابسته‌های نظامی که از مصونیت کامل سیاسی برخوردار هستند و به استثنای نیروهای نظامی ایالات متحده در برلن غربی، اوکیناوا و آرمیش - مگ در ایران، حقوق و وظایف کلیه پرسنل نیروهای نظامی ایالات متحده که در کشورهای خارجی مشغول انجام وظیفه هستند، در یکی از این سه نوع موافقتنامه منعکس است.

به طور کلی می‌توان گفت، پرسنلی که طبق موافقتنامه‌های کمک دفاعی متقابل مشغول به خدمت هستند از امتیازات و حقوق بیشتری نسبت به پرسنلی که طبق دو نوع دیگر موافقتنامه‌ها مشغول به کار می‌باشند، بهره‌مند هستند. این موقعیت ویژه پرسنل گروههای مختلف مشاورین کمک نظامی (مگ)، مربوط به این واقعیت است که این گروهها در همه کشورها بجز ایران، عربستان سعودی و ترکیه، به عنوان بخش لاینفکی از سفارت ایالات متحده عمل می‌کند.

ب - موافقتنامه در ایران

دولت ایران به طور یک جانبه مزایا و مصونیت‌های کنوانسیون وین را به رئیس و اعضای هیئتهای نظامی در ایران تسری داده است. این عمل، برای این افراد و اهل خانه آنها، مصونیت از تعقیب جزائی ایران را فراهم می‌نماید. در مبادله یادداشتها میان دو دولت برای تکمیل دامنه مصونیت، ایالات متحده موافقت کرد درخواست لغو مصونیت را «... در مواردی که با جنایات شنیع و دیگر اعمال جنایتکارانه همراه باشد...»، بانظر مساعد مورد بررسی قرار دهد.

ج - حاکمیت قضائی ایالات متحده بر جرائم واقع شده در ایران

قاعده اصلی برای حاکمیت قضائی ملی توسط دیوان عالی ایالات متحده در قضیه مبادله کشتی مک فادون طرح گردید. در آنجا دیوان عالی ایالات متحده بیان می‌کند «حاکمیت قضائی یک ملت در داخل قلمرو سرزمینی خود ضرورتاً مطلق و انحصاری است. این حاکمیت تحت تأثیر محدودیت قرار نمی‌گیرد، مگر توسط خودش... تمامی استثناها... باید بر طبق رضایت خود آن ملت اعمال شود... رضایت ممکن است علنی و یا تلویحی باشد...».

همان طوری که در پاراگراف (ب) خاطر نشان شد، دولت ایران معافیتها و مصونیت‌های کنوانسیون وین را به رئیس و اعضای ستاد هیئتهای نظامی ایالات متحده در ایران بسط داد. طبق بند ۲ از ماده ۳۷ کنوانسیون وین، اگر اعضای مذکور، تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند از امتیازات و مندرج در مواد ۲۹ الی ۳۵ بهره‌مند خواهند شد؛ البته با این استثناء که مصونیت از پیگرد قضائی در جرایم مدنی و اداری که در بند ۱ ماده ۳۱ درج شده به اعمال خارج از حین انجام وظیفه بسط نخواهد یافت. ماده ۳۱ در بند ۱ مقرر می‌دارد که «یک مأمور سیاسی از تعقیب جزائی در کشور پذیرنده مصونیت دارد...».

بند ۴ ماده ۳۱ منع تعقیب قضائی را کامل نموده و بیان می‌دارد «... مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده، او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت». به این ترتیب دولت ایران آشکارا حق تعقیب جزائی را به ایالات متحده واگذار کرده و آن را برای آمریکا حفظ نموده است. اینکه آیا ایران این واقعیت را به رسمیت می‌شناسد یا خیر، در درخواست خود ایران، در موارد و خیمی که مصونیت ادعا شده است، مشخص می‌گردد. به این صورت که این موارد معین «... به مراجع ذی صلاح قضائی ایالات متحده ارجاع می‌شود...». بنابراین ایالات متحده حاکمیت قضائی بر جرایم ارتكابی توسط نیروهای نظامی خود در ایران را دارا می‌باشد.

د - تعقیب جزائی در دادگاه نظامی

به طور کلی تعقیب جزائی در دادگاه نظامی بیشتر در رابطه با «وضعیت» صورت می‌گیرد تا بر حسب شناسایی رسمی کشوری. تعقیب جزائی در یک دادگاه نظامی بستگی به محل تشکیل دادگاه ندارد. با این حال، یک دادگاه نظامی باید به وسیله مراجع ذی صلاح تشکیل شود و اعضای آن نیز باید طبق قانون صلاحیت عضو بودن را داشته باشند. به علاوه، دادگاه نظامی نیز باید صلاحیت قضائی نسبت به جرم و مجرم را داشته باشد.

هـ - مشاجرات قضائی احتمالی

۱- درخواست دولت ایران برای الغاء مصونیت - اگر بخواهیم دقیق باشیم، درخواست لغو حاکمیت قضائی واگذار شده، یک مشاجره قضائی نیست. این درخواست یک مسئله سیاسی است که به هر حال گاه گاهی اقامه می‌شود و شایسته است که در این یادداشت مورد ملاحظه قرار گیرد. به طور کلی مشاجرات در اثر موافقتنامه‌هایی از نوع موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو «پیش می‌آید که در آنها حاکمیت قضائی برابر، پیش‌بینی شده است. این گونه مشاجرات - مانند قضیه گیرارد در ژاپن - اغلب همراه با درخواست تفسیر کیفیت قضیه طبق موافقتنامه است، یعنی طبق کیفیت قضیه کدام کشور دارای حاکمیت قضائی اولیه می‌باشد. به هر حال ایالات متحده در ایران دارای صلاحیت قضائی انحصاری در خصوص جرائم جنایی می‌باشد که به وسیله مصونیت‌های اعطایی و حاکمیت قضائی واگذار شده از طرف ایران، اعمال می‌شود - مراجعه شود به پاراگراف ج - مشاجرات احتمالاً بر طبق روشهای معمول اقامه نخواهد شد. محتملترین مشاجره‌ای که ممکن است در رابطه با یک قضیه در ایران اقامه شود، موردی است که دولت ایران آن را یک مورد شنیع تلقی نماید و درخواست لغو مصونیت برای آن نماید. این احتمال، بدون توجه به اقدامات انجام شده توسط ایالات متحده برای محاکمه فرد مجرم، همواره وجود خواهد داشت و یک مسئله سیاسی است که خیلی تحت تأثیر رأی یا مکان دادگاه قرار نخواهد گرفت.

۲- اعتراضات دولت ایران به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران.

این یک اصل عمومی شناخته شده در حقوق بین‌المللی است که هیچ کشوری حق ندارد نیروی امنیتی خود را در کشور دیگری حتی علیه اتباع خود به کار گیرد، مگر با رضایت کشور دوم. زیرا حاکمیت قضائی که برای اعمال قوانین دولتی در داخل مرزهای کشور به کار می‌رود، فقط متعلق به

همان کشور است مگر اینکه و تنها موقعی که آن کشور، خود اجازه دهد تا یک دولت خارجی حاکمیت قضائی خود را اعمال نماید. ما این مسئله را به هنگامی که اولین بار پیمان دادگاههای نظامی مورد توجه قرار گرفت، مطرح کردیم و از سفارت خواستیم تا از دولت ایران بپرسد که آیا آنها به پیمان دادگاههای نظامی به عنوان یک ضمیمه ضروری برای بهره‌مندی از مصونیت در مقابل تعقیب جزائی ایران، اعتراضی دارند. مسئولین سفارت (آقای تاجر، کاردار وقت) جواب دادند که بهتر است موضوع را مسلم و حتمی در نظر گرفته و مسئله تشکیل دادگاههای نظامی در موارد مقتضی را دنبال کنید. من فکر می‌کنم که موضع سفارت صحیح بوده و بهترین راه برای پیروی و عمل می‌باشد. با این حال پایه منطقی این عمل این است که دولت ایران تلویحاً به این کار رضایت داده است، زیرا اختیارات قضائی خود را به ایالات متحده واگذار کرده است. من معتقدم، ما می‌توانیم به نحوی منطقی و قابل قبول استدلال کنیم که اقدام ایران در اعطای حق اعمال قوانین قضائی به ایالات متحده که بعضی از اوقات نیز درخواست اجرای آن را می‌نماید، تلویحاً بیانگر این است که حاکمیت قضائی در مسیر «طبیعی» اعمال خواهد شد. در مواردی که ایالات متحده نیروهایی بیش از وابسته‌های نظامی یا یگانهای کوچک مگ دارد که در کشورهای خارجی مستقر هستند، مسیر «طبیعی» رسیدگی به موارد مختلف برای آمریکا این است که حاکمیت قضائی خود را به وسیله تشکیل دادگاههای نظامی در کشوری که جرایم در آنجا اتفاق افتاده، اعمال نماید.

۳- اعتراضات قضائی به وسیله مدعی علیه در مورد محاکمه.

فرض کنید در یک دادگاه معتبر و معین، یک مدعی علیه بر طبق قوانین جزائی نظامی عمومی آمریکا محاکمه می‌شود و جرم بر اساس قانون مذکور محرز است، مدعی علیه که توسط دادگاه نظامی در ایران محاکمه می‌شود، نمی‌تواند دو نوع اعتراض قضائی به دادگاه وارد نماید.

الف - صلاحیت قضائی نسبت به جرم - او می‌تواند احتجاج نماید که ایالات متحده دارای حاکمیت قضائی بر جرمی که در ایران اتفاق افتاده نیست، زیرا ایران دارای حق حاکمیت قضائی انحصاری در داخل مرزهای خود می‌باشد. به نظر من این احتجاج معتبر نیست و رد خواهد شد، زیرا دولت ایران صریحاً حاکمیت قضائی در داخل سرزمینهایش را به ایالات متحده واگذار کرده است.

ب - عدم صلاحیت یک دادگاه آمریکایی در ایران - بر اساس پاراگراف الف که قبلاً ذکر شد و با قبول حاکمیت قضائی ایالات متحده بر یک جرم همان طوری که در پاراگراف الف آمده، متهم (مدعی علیه) می‌تواند احتجاج نماید که بدون رضایت دولت ایران، ایالات متحده نمی‌تواند قوانین دولتی خود را در ایران اعمال نماید. در اینجا سه نوع بحث برای حفظ حاکمیت قضائی می‌توان مطرح کرد.

۱- ایران این موضوع را طبق شرحی که قبلاً در بند ۲ از پاراگراف ه‌دادیم، تلویحاً پذیرفته است.

۲- اعتراض صحیح، از طرف یک فرد وارد نمی‌شود، بلکه فقط از طرف دولت ایران وارد خواهد

شد و موضوعی برای یک تصمیم‌گیری سیاسی خواهد بود.

۳- این مسئله به نظر من به صورت موفقیت‌آمیزی قابل بحث خواهد بود که در سؤال مورد محل تشکیل دادگاه در این گونه موارد مربوط به روش قضائی می‌باشد و نه مربوط به صلاحیت قضائی، یعنی از دیدگاه ماهیت غیر سرزمینی دادرسی دادگاه نظامی، حاکمیت قضائی که توسط یک دادگاه معتبر اعمال می‌شود و دارای صلاحیت قضائی نسبت به آن فرد و آن جرم می‌باشد، صرفاً به خاطر

اینکه دادگاه در محلی اشتباه تشکیل شده، بی اعتبار نمی‌گردد.

دو - نتایج

الف - دولت ایران صریحاً حق پیگرد قضائی سرزمینی خود را در مورد جرایم جنایی مرتکبه در ایران به وسیله اعضاء هیئتهای نظامی را طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین به ایالات متحده واگذار نموده است.

ب - ایالات متحده بر جرایمی که به وسیله قوانین جزائی عمومی نظامی آمریکا قابل رسیدگی می‌باشد و توسط اعضاء هیئتهای نظامی در ایران انجام می‌شود، دارای صلاحیت تعقیب قضائی است.
ج - یک دادگاه نظامی معتبر و معین برای محاکمه جرائم قابل رسیدگی به وسیله قوانین جزائی عمومی نظامی که در ایران به وسیله افراد مشمول این قانون انجام می‌شود، بدون توجه به محل محاکمه، دارای صلاحیت قضائی می‌باشد.

د - درخواست ایران برای لغو حاکمیت قضائی ایالات متحده در یک مورد مقتضی، یک مسئله سیاسی است و به صلاحیت قضائی دادگاههای ایالات متحده لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

ه - دولت ایران تلویحاً نسبت به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران، به عنوان لازمه تعطیل حاکمیت قضائی خود رضایت داده است و در خواستههای دولت ایران از ایالات متحده برای اعمال حاکمیت قضائی آمریکا، بیانگر این امر است.

و - اعتراض علیه اعمال قوانین قضائی یک دادگاه که جرم واقع شده در ایران را مورد رسیدگی قرار می‌دهد، بر این پایه که ایران به طور انحصاری حاکمیت قضائی بر چنین جرایمی را دارا می‌باشد، بنا به دلیل ذکر شده در پاراگراف الف از قسمت دو، رد خواهد شد.

ز - اعتراض علیه عدم صلاحیت یک دادگاه نظامی که برای رسیدگی به یک پرونده در ایران تشکیل گردیده، بر این پایه که آمریکا بدون رضایت دولت محلی نمی‌تواند حاکمیت قضائی خود را اعمال نماید، رد خواهد شد زیرا ایران تلویحاً به اعمال حاکمیت قضائی ایالات متحده در ایران رضایت داده است و متهم هیچ‌گونه حقی برای اعتراض ندارد و حمله به صلاحیت دادگاه صرفاً از نقطه نظر روش عمل است و ربطی به صلاحیت دادگاه ندارد و به ضرر متهم نیست.

سه - توصیه

ایالات متحده برای اعمال تعقیب جزائی خود در ایران در خصوص موارد مقتضی، از طریق گفتگو با سفارت اقدام نماید.

(امضاء) ریچارد. اس. هاوولی

سرهنگ دوم، رکن حقوقی وکیل مدافع

در فواصل ۳ ساله از طبقه‌بندی کاسته شود، بعد از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج شود. وزارت دفاع - گزارش اطلاعات دفاعی»

سند شماره (۸۰)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای خارجیان تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۰-۲۸ دی ۱۳۴۸
از: جی. اچ. تویچل
ستاد مرکزی هیئت نظامی آمریکا در ارتش ایران گروه مشاورین کمک نظامی آمریکا به ایران اداره
پست ارتش، ۹۲۰۵

یادداشت برای: جناب نیکلاس جی. تاچر قائم مقام رئیس هیئت سفارت آمریکا
دفتر رئیس
موضوع: اختیارات قضائی - ایالات متحده - دولت ایران

۱- یادداشت حقوقی ضمیمه جهت ملاحظه شما تقدیم می‌شود. ما به نتایج زیر رسیده‌ایم:
الف - دولت ایران صریحاً و طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین، اختیارات قضائی داخلی خود را در
مورد ارتکاب جرایم جنایی توسط اعضا هیئتهای نظامی آمریکا در ایران، به ایالات متحده واگذار
نموده است.

ب - رسیدگی به جرایمی که اعضاء هیئتهای نظامی آمریکا در ایران مرتکب می‌شوند و در محدوده
«قانون جزای عمومی نظامی» آمریکا است، در حیطه اختیارات قضائی ایالات متحده می‌باشد.

ج - یک دادگاه نظامی آمریکایی که طبق موازین تشکیل شده باشد، بدون در نظر گرفتن محل
تشکیل آن، صلاحیت دارد به جرایمی که اعضاء هیئتهای نظامی آمریکا در ایران مرتکب می‌شوند، بر
اساس قانون «جزای عمومی نظامی» رسیدگی کند.

د - تقاضای دولت ایران جهت لغو اختیارات قضائی آمریکا در موارد مقتضی، یک موضوع سیاسی
است که اختیارات قضائی دادگاههای ایالات متحده را نقض نمی‌کند.

ه - دولت ایران با اجازه دادن به ایالات متحده جهت اعمال اختیارات قضائی خود در ایران، به
طور ضمنی اختیارات قضائی را مورد استفاده قرار دهد.

و - اگر ادعایی علیه اختیارات قضائی یک دادگاه آمریکایی که جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی
در ایران تشکیل شده اقامه شود، بر این اساس که حق انحصاری قضاوت در مورد این جرایم متعلق به
ایران است، این ادعا به علت مغایرت با دلیل ارائه شده در بند الف (بالا)، باطل خواهد بود.

ز - اگر ادعایی علیه صلاحیت یک دادگاه نظامی آمریکایی که جهت رسیدگی به جرمی در ایران
تشکیل شده اقامه شود، بر این اساس که بدون اجازه دولت محلی، آمریکا نمی‌تواند روشهای قضائی
خود را به طور قانونی اعمال نماید، این ادعا باطل خواهد بود، زیرا ایران به طور ضمنی با اعمال
روشهای قضائی آمریکا در ایران موافقت کرده است. مدعی علیه (خواننده) هیچ موقعیتی برای مخالفت
ندارد. صرفاً می‌توان به روش دادرسی دادگاه اعتراض کرد و نه به صلاحیت آن و مسئله به ضرر متهم
تمام نخواهد شد.

۲- اگر یک وکیل مدافع، علیه صلاحیت دادگاه بر مبنای دلیل ذکر شده در قسمت ز (بالا) ادعایی
اقامه کند، دولت (آمریکا-م) تأیید خواهد نمود که مجوز صریح و روشنی در اختیار ندارد و موضوع
باید به بحث گذاشته شود. قاضی نظامی احتمالاً از صلاحیت دادگاه نظامی دفاع خواهد کرد و موضوع
برای ارجاع به مقامات ذیصلاح بالاتر و یا ارجاع به دادگاه استیناف، حفظ خواهد شد. مسئله نباید به
دولت ایران ارجاع شود، مگر اینکه قاضی دادگاه نظامی یا دادگاه استیناف مخالف نظر دولت (آمریکا-)

م) باشند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، ما یا باید دادگاه را با تعویض قاضی و با تغییر کیفیت پرونده تشکیل دهیم، و یا به دولت ایران جهت گرفتن اجازه‌ای صریح به منظور اعمال اختیارات قضائی خود مراجعه نماییم و یا اینکه طرح را به طور کلی رها سازیم.

۳- بنابراین، من توصیه می‌کنم که طرح اصلی خود را دنبال کرده و اختیارات قضائی دادگاههای نظامی خود را طبق مفاد مذاکرات قبلی ما، اعمال نماییم.

اچ. ای. تویچل سرلشگر ارتش آمریکا
فرمانده آرمیش - مگ

سند شماره (۸۱)

از: نیکلاس جی. تاچر - وزیر مختار تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۷۰ - ۷ اسفند ۱۳۴۸
به: سفیر طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: درخواست آرمیش - مگ برای تشکیل دادگاههای نظامی سطح پایین در ایران.
به یاد دارید که یکی دو ماه پیش من یادداشتی برای شما فرستادم که حاوی درخواست آرمیش - مگ برای تشکیل دادگاههای نظامی سطح پایین در ایران بود (یادداشت ضمیمه شده است) قبل از ورود شما به ایران من به آرمیش - مگ متذکر شدم که به نظر من این سفارتخانه می‌بایست در هر مورد، پرونده را به طور جداگانه و خاص بررسی نموده و تصمیم گیرد که آیا تشکیل دادگاه در ایران برای پرونده مورد نظر، عملی مقتضی و مناسب خواهد بود یا خیر. چند چیز در تصمیم‌گیری برای تشکیل دادگاه در ایران مؤثر خواهند بود، از جمله نوع جنایت، ارتباط و یا عدم ارتباط ایرانیان در قضیه، احتمال اعلان عمومی آن. این موضوع مفید به نظر می‌رسد که ایرانیان با این‌گونه دادگاهها مخالف کمی نشان خواهند داد، مادامی که این دادگاهها به مواردی از قبیل مسائل انضباطی، تخلفات داخلی نظامی، سرقتهای کوچک و... رسیدگی کند.

ژنرال تویچل مایل بود که این دادگاهها را تشکیل دهد. زیرا با مشکل افزایش تخلفات انضباطی کوچک روبرو است. در صورت عدم موافقت ما با انجام این‌گونه محاکمات در ایران، او مجبور خواهد شد که این دادگاههای نظامی را در آلمان غربی تشکیل دهد. در این صورت وکیل مدافع می‌تواند با درخواست سفر تعداد زیادی شاهد از ایران به آلمان غربی، به صورتی مؤثر محاکمه را به تأخیر اندازد. ژنرال تویچل در وهله اول به من اطمینان داد که مشاور حقوقی او، مسئله اختیارات قضائی را مورد بررسی قرار داده و متقاعد شده که اقدام به این کار در ایران، امری قانونی است.

به هر حال، موقعی که من این موضوع را با شما مورد بحث قرار دادم، شما نسبت به نکته آخر شبهات قابل توجهی داشتید و سؤال کردید که گویا ما نمی‌بایست بیش از این جلوی کل قضیه را بگیریم، با توجه به اینکه شاید طرح این درخواست با مقامات عالی‌رتبه دولت ایران به منظور کسب نوعی موافقت غیررسمی برای تشکیل دادگاههایمان در این کشور، امری مطلوب باشد.

سپس، سرهنگ «هاولی» از آرمیش - مگ مطالعه‌ای دقیق بر روی مسئله اختیارات قضائی انجام داده که نتیجه آن در یادداشت‌های ضمیمه، از طریق ژنرال تویچل برای ما ارسال شده است. این یادداشتها کامل نیست و از خیلی جنبه‌ها دارای اشکالاتی می‌باشد، زیرا به جرایم جنایی و مدنی که در

خارج از حین انجام وظیفه به وقوع می‌پیوندد، نپرداخته است. عملاً آنچه که این یادداشتها مطرح می‌کنند این است که ایرانیان از طریق مبادله یادداشتهایی با ما، امتیازات و مصونیت‌های مندرج در کنوانسیون وین را به هیئتهای نظامی مستقر در ایران تسری داده‌اند. بنابراین به پرسنل آرمیش - مگ معافیت از دادگاههای ایران اعطاء شده است.* به هر حال، در بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون وین قید شده است کسی که تحت عنوان «مأمور سیاسی» از پیگرد قضائی کشور پذیرنده مصونیت دارد، از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نمی‌باشد. این عبارت را می‌توان به این صورت خواند که ایالات متحده می‌تواند حاکمیت قضائی خود را بر روی کسانی که از حوزه قضائی ایران مصونیت دارند، حفظ نماید.

در عین حال کاملاً آشکار است که وضعیت قضائی دادگاههای نظامی احتمالی آمریکا در ایران به قوت جاهای دیگر نیست. برای مثال، در آلمان غربی موافقتنامه‌های ما با دولت آلمان صریحاً رسیدگی قضائی به رشته‌ای وسیع از جرایم را به دادگاههای نظامی ایالات متحده واگذار کرده است. (در آلمان غربی به پرونده‌های نظامی ایالات متحده نیز رسیدگی می‌شود زیرا امکانات کافی از تشکیلات حقوقی آمریکا در این کشور وجود دارد).

هاولی در یادداشتش این مسئله را که چگونه با اعتراضات احتمالی مدعی علیه در یک دادگاه نظامی برخورد خواهد شد، با ذکر جزئیات مورد بحث قرار داده است. البته ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که یک وکیل مدافع خشن در اعتراض به محاکمه، چه کارهایی خواهد کرد.

در رابطه با امکان کسب توضیحاتی از دولت ایران برای تشکیل دادگاه نظامی در ایران، من خیلی بدبین هستم. سه سال پیش، من ساعتها وقت صرف کردم تا گروهبان وییکی و همسرش را که در یک پرونده قتل درگیر بودند، از بازداشت برهانم (یک زن آمریکایی، شوهر آمریکاییش را با شلیک گلوله کشته بود). ما به خانواده وییکی اجازه دادیم تا شواهد کافی را ارائه دهند، ولی بعداً به صورتی ناقص مطلع شدیم که بازپرس فکر می‌کرد باید دامنه اتهامات را آنقدر وسعت دهد تا خانواده وییکی را در این جنایت درگیر کند. حساسیت سیاسی در مورد کل مصونیتها، کاملاً آشکار شد. اسلاف شما فشار زیادی به نخست‌وزیر وقت وارد کردند که سرانجام نیز این فشارها مؤثر واقع شد و توانستند از نخست‌وزیر تعهد بگیرند که اگر خانواده وییکی یک‌بار دیگر مورد سؤال واقع شود، در آن صورت آنان اجازه خواهند داشت که این کشور را ترک کنند. تاکنون قضیه مصونیت‌های ما در رابطه با تصادفات رانندگی به خوبی عمل کرده است. در مواردی که یک آمریکایی مقصر باشد، ما سریعاً غرامت را پرداخت می‌کنیم و به طور کلی آن آمریکایی اجازه دارد که سریعاً این کشور را ترک کند. من از طرح هر جنبه‌ای از مسئله مصونیتها با دیگران بیزار هستم. در صورتی که ما خواهان هر گونه ضمانت کتبی رسمی و حتی غیررسمی باشیم، باید شخص شاه تصمیم بگیرد و یا در واقع، او باید دیدگاههای ما را بر دولت خویش تحمیل کند.

از طرف دیگر، با نگاه به این موضوع به عنوان یک روش مفید، من فکر نمی‌کنم ایرانیان ناراحت شوند، از اینکه ما دادگاههای سریع یا ویژه در درون تشکیلات خود ایجاد کنیم، تا به تخلفاتی رسیدگی کند که هیچ ربطی به اتباع، اموال و یا قوانین ایران ندارد. نکته اصلی این است که آنها نباید از طرق

* غیر از رسیدگی به دعاوی مدنی و اداری برای اعمالی که خارج از حین انجام وظیفه به وقوع می‌پیوندد.

رسمی از انجام چنین محاکماتی مطلع گردند. آنها به نظم آهنین در نیروهای مسلح خودشان ایمان دارند، لذا تمایل ما را برای حفظ چنین نظمی در نیروهای خودمان، درک می‌کنند. بدین ترتیب به عنوان یک موضوع مفید، باز هم می‌گوییم که معتقدم این کار ریسک زیاد بزرگی نیست. برای مثال یک مورد وجود دارد که ژنرال تویچل مایل است، محاکمه آن در ایران انجام شود. یک گروه بان مبلغ ۱۲۰ دلار از وجوه سینما دزدیده است. او از نظر مالی در تنگنای شدیدی بوده و مشکلات خانوادگی داشته است. آرمیش - مگ تمایل به رفتار ملاطفت‌آمیز با وی دارد. هیچ‌گونه پول، قانون و یا فرد ایرانی در این ماجرا درگیر نیست. سه یا چهار شاهد آمریکایی احضار خواهند شد و دادگاه ویژه حدوداً ۲ یا ۳ ساعت طول خواهد کشید. یک قاضی و یکی دو معاون از آلمان غربی به وسیله پرواز نظامی به اینجا خواهند آمد و در عرض یکی - دو روز باز خواهند گشت. اگر وکیل مدافع بخواهد که در وهله اول صلاحیت دادگاه را زیر سؤال ببرد یا خیال هیاهو راه انداختن پیرامون اصل محاکمه را داشته باشد، دادگاه با انتقال متهم به آلمان غربی دهان او را خواهد بست. البته و بدون شک به او گفته خواهد شد که دادگاهی دور از محل کار او، احتمالاً کمتر مایل خواهد بود تا شرایط تخفیف دهنده را مد نظر قرار دهد.

مسئله بررسی پرونده‌هایی که به ما ارجاع می‌شود، این حق را به ما می‌دهد که اگر کوچکترین شکی در مورد عکس‌العملهای احتمالی داشته باشیم، بتوانیم هر گونه درخواست آرمیش - مگ را رد کرده و اصرار کنیم که محاکمه باید در آلمان غربی انجام شود.

در مقابل، به نظر من این ریسک به اندازه کافی عقلایی و منطقی است تا مسئله برگزاری محاکمات را در رابطه با تخلفات جزئی در دادگاههای ویژه از طرف آرمیش - مگ، مورد تأیید قرار دهیم. البته برگزاری این محاکمات باید با تأیید و موافقت قبلی این سفارتخانه برای هر پرونده باشد.

سند شماره (۸۲)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: وزیر مختار - نیکلاس جی. تاجر

به: سفیر

موضوع: بررسی انجام شده توسط سفارت در مورد پیشنهاد انتقال

دادگاههای نظامی آرمیش - مگ به ایران

در صورت توافق شما، من از مشاور سیاسی خواهم خواست تا مسئولیت اصلی در رابطه با ابلاغ موافقت سفارت در مورد انتقال دادگاههای نظامی به ایران توسط آرمیش - مگ را بپذیرد. ما از رئیس آرمیش - مگ، ژنرال تویچل خواهیم خواست تا یادداشتی در مورد ماهیت دادگاهی که در نظر است تشکیل شود، به ما بدهد تا برای ابلاغ موافقت خودمان، جنبه‌های ذیل در نظر گرفته شود:

۱- ماهیت جرم

۲- محدوده‌ای که اموال، اشخاص و یا قوانین ایران در آن ذی‌مدخل می‌باشند.

۳- هر گونه مسئله قانونی احتمالی که انتظار می‌رود توسط متهم اقامه شود و عواقب اقامه چنین

مسائلی.

۴- آیا اعلام خبر هر مورد برای عموم مردم ریسک به نظر می‌رسد یا خیر.
مشاور سیاسی هر مورد را بررسی خواهد کرد و توصیه‌های خود را به عنوان نظرات سفارت به
آرمیش - مگ، از طریق من برای شما ارسال خواهد نمود.
موافقین:
تصویب شد: تویچل
آرمیش - مگ: ژنرال تویچل مشاور سیاسی: دی. ار. توسینت

سند شماره (۸۳)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رؤیت برای خارجیان
تاریخ: ۲۸ مارس ۱۹۷۰ - ۸ فروردین ۱۳۴۹
از: فرمانده آرمیش - مگ در ایران به: فرمانده نیروهای ضربتی آمریکا پایگاه نیروی هوایی مک
موضوع: تشکیل دادگاههای نظامی در ایران (طبقه‌بندی شده)
۱- (طبقه‌بندی نشده) مرجع: نامه من به تاریخ ۲ اوت ۱۹۶۹ (۱۱ مرداد ۱۳۴۸ - م)، موضوع مانند
موضوع فوق.

۲- (طبقه‌بندی شده) در روز ۱۰ مارس ۱۹۷۰ (۱۹ اسفند ۱۳۴۸ - م) جناب سفیر «مک آرتور» با
درخواست ما برای تشکیل دادگاههای نظامی در ایران موافقت نمود. وی با تشکیل دادگاههای نظامی
ویژه که پس از هماهنگی نزدیک و مورد به مورد با سفارت پیرامون این مسئله که آیا تشکیل دادگاه
در ایران صلاح خواهد بود یا خیر، موافقت نمود.

۳- (طبقه‌بندی شده) تقاضای من در ۲ اوت، که در نامه مرجع آمده است، به منظور کسب موافقت
شما برای تشکیل دادگاههای ویژه و نیز به منظور اجازه تشکیل دادگاههای عمومی در ایران برای
پرونده‌های مقتضی، بود. همان طوری که در بالا ذکر شد، سفیر مک آرتور فقط با تشکیل دادگاههای
ویژه موافقت کرد. ایشان با تشکیل دادگاههای عمومی موافقت نکردند، زیرا احساس می‌کند که احتمال
تأثیرات منفی بر مردم و دیگر مشکلات دادرسی در این گونه موارد بیشتر است. در صورتی که موردی
پیش آید که برای محاکمه در محل، توسط دادگاههای نظامی عمومی مناسب تشخیص داده شود و
احتمال وقوع تأثیرات منفی بر مردم وجود نداشته باشد. وی با پیشنهاد من در مورد تعمیم موافقت
ایشان، مخالفتی نخواهد داشت.

۴- (طبقه‌بندی شده) بنابراین، درخواست می‌شود که با پیشنهاد ۲ اوت ما برای تشکیل دادگاههای
نظامی ویژه در ایران موافقت نمایید. علاوه بر این، درخواست می‌شود که به این ستاد اجازه داده شود
که بتواند دادگاه نظامی عمومی با حضور مقامات ذی صلاح قضائی (آمریکائی - م) در ایران، تشکیل
دهد. البته در صورتی که جناب سفیر با تشکیل چنین دادگاههایی بعد از درخواست ما، موافق باشند.
موافقت شما با تشکیل دادگاه عمومی در این زمان، ضرورت درخواست ما از مقاماتی که در آینده بر
سر کار می‌آیند، برای مواردی را که در آینده پیش می‌آید، مرتفع می‌سازد.

ا.ج. ای. تویچل سرلشگر ارتش آمریکا فرمانده آرمیش - مگ

در فواصل ۳ ساله از طبقه‌بندی کاهش داده شود. بعد از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج شود.

سند شماره (۸۴)

طبقه‌بندی: استفاده اداری محدود تاریخ: ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱-۸ آبان ۱۳۵۰
یادداشت برای ثبت در پرونده

موضوع: روش اخذ استشهاد در دادگاههای نظامی آرمیش - مگ

من در ۲۵ اکتبر (۳ آبان - م) طی ملاقاتی با آقای هاشمیان (رئیس اداره امور آمریکا) با تأمل و احتیاط کامل، تمام نکاتی را که در کاغذ ضمیمه آمده مرور نمودم. (من هیچ نسخه‌ای از کاغذ ضمیمه را تحویل ندادم. زیرا با توجه به درخواست قبلی دولت ایران مبنی بر عدم تمایل آن دولت به داشتن هر گونه اطلاع رسمی از جریان کار، احساس کردم که بهتر است هیچ نوع مدرک کتبی در مورد موضوع وجود نداشته باشد).

آقای هاشمیان سؤالات زیادی را مطرح نمود و من مجبور شدم که بسیاری از نکات را تکرار یا بازگو کنم. نگرانی اصلی او که چندین بار آن را تکرار کرد، این بود که بداند سفارت چه می‌خواهد. مثلاً آیا ما از دولت ایران خواستار تأیید روش استشهاد گرفتن آرمیش - مگ هستیم؟ و یا آیا ما از دولت ایران می‌خواهیم که به شهروندان ایرانی دستور مشارکت در چنین اقداماتی را بدهد؟ من در صدد بودم که بر این نکته تأکید کنم که سفارت تقاضای هیچ اقدامی از طرف وزارت امور خارجه و یا از طرف دولت ایران را ندارد. تنها هدف ما رساندن اطلاعات بوده تا وزارت امور خارجه (ایران-م) بتواند اطلاعات کاملتری نسبت به آنچه که در اوائل ژوئیه (تیر ماه-م) به آقای گودرزی درباره رویه ظاهراً قضائی در گرفتن شهادت از شاهدان ایرانی - داده بودیم، داشته باشد. تذکر: صریحاً بگویم که مطمئن نیستم آقای هاشمیان نه جزئیات روشهای به کار گرفته شده و نه دلیل اینکه چرا ما چنین اطلاعاتی را به اطلاع او رسانیده‌ایم، فهمیده باشد.

مشاور سیاسی سفارت

دی. ار. توسینت

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱-۳ آبان ۱۳۵۰

۱- موافقتنامه‌های دو جانبه ایران و آمریکا، اعضای هیئت مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران را از پیگرد قانونی توسط دادگاههای ایرانی معاف می‌سازد. اعضای از هیئت که مرتکب اعمالی خلاف مقررات نظامی ایالات متحده و یا قوانین ایران می‌گردند، مطابق با آیین‌نامه‌های اداری تنبیه و یا در صورت لزوم در دادگاههای نظامی محاکمه می‌شوند.

۲- به طور معمول، تاکنون این دادگاههای نظامی، خارج از ایران تشکیل می‌شده است. از آنجایی که تشکیل دادگاه در مکانی دور از صحنه وقوع جرم، مشکلات اداری زیادی را در بر دارد و این مشکلات به اندازه‌ای است که اگر انجام پیگرد قانونی را ناممکن نسازد یقیناً آن را مشکل می‌کند، اخیراً تصمیم گرفته شده به منظور بالا بردن سطح انضباطی نظامیان آمریکایی مستقر در ایران، برخی از این دادگاهها در این کشور تشکیل شود.

۳- در ماه ژوئیه ۱۹۷۱ (تیر ماه ۱۳۵۰-م)، پیش از تشکیل دادگاههای نظامی در ایران، ما آقای گودرزی رئیس اداره چهارم سیاسی را از طرح خود آگاه ساختیم. به ما این گونه پاسخ داده شد: مادامی

که تشکیل این دادگاهها در ایران رسماً به دولت ایران اعلام نگردد، وزارت امور خارجه ایران به تشکیل آنها اعتراضی نخواهد داشت و نیز به ما اطلاع داده شد که در جمع آوری مدارک و شواهد وقوع جرم و گرفتن استشهاد، کمال همکاری به عمل خواهد آمد. لیکن مشارکت شهروندان ایرانی در جلسات این نوع دادگاههای نظامی ممکن نخواهد بود. همچنین به ما اعلام گشت که حضور شهروندان ایرانی در دادگاههای نظامی خارج از ایران، به شرطی که به طور رسمی به اطلاع دولت ایران نرسد، بلا مانع خواهد بود. روش متداول دادگاههای نظامی ما، با خواسته‌های دولت ایران مطابقت و هماهنگی دارد و از این پس نیز به همین صورت ادامه خواهد یافت.

۴- با این حال، ما مایلیم خاطرنشان سازیم که روش معمول دادگاههای ایران از یک جنبه با روش جاری دادگاههای آمریکایی تفاوت دارد و احتمالاً «نیازمند توضیح است. در روش دادگاههای ایرانی، استشهاد را می‌توان به سادگی در یک محضر اسناد رسمی تهیه کرد، لیکن بر پایه روشهای قضائی آمریکا، برای اینکه بتوان از یک شاهد ایرانی، شهادتنامه معتبری اخذ و در غیاب وی در جلسات دادگاههای نظامی مورد استناد قرار داد، لازم است جلسهای برای دادن شهادت در حضور دادیار، متهم و وکیل مدافع وی تشکیل گردد و شاهد به سؤالات بازپرس و وکیل مدافع پاسخ دهد. تاکنون چندین بار چنین جلساتی به وسیله هیئت نظامی ایالات متحده تشکیل شده است. این جلسات با حالتی غیر رسمی تشکیل می‌شود و فقط وکیل مدافع و دادیار از شاهد سؤال می‌کنند و پاسخها به روی نوار ضبط می‌گردد. پس از جلسه، گفتگوی ضبط شده در نوار به صورت نوشته در می‌آید تا در دادگاههای نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

۵- اگر قرار است که ما بتوانیم با آن دسته از آمریکاییانی که نسبت به ایرانیان مرتکب اعمال خلاف می‌شوند به گونه‌ای مؤثر برخورد کنیم، لازم است شهادت شهود ایرانی در اختیار دادگاههای نظامی قرار گیرد و نیز جلسات استماع شهادت آنها باید برگزار شود، تا شهادت آنها برای استفاده در چنین محاکماتی از اعتبار قانونی برخوردار باشد.

سند شماره (۸۵)

تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۳- ۳ خرداد ۱۳۵۲

به: وزارت امور خارجه ایران

از: سفارت آمریکا- تهران

یادداشت شماره ۳۶۳ تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۳- ۳ خرداد ۱۳۵۲

عالیجناب وزیر امور خارجه ایران:

افتخار دارم که ورود اولین گروه از کارشناسان نظامی و غیر نظامی آمریکا، مورد تقاضای دولت متبوع شما برای کمک به برنامه مدرنیزه کردن نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران را اعلام کنم. در چند هفته اخیر مذاکراتی میان نمایندگان وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران و ستاد هیئت، در رابطه با جزئیات ترتیباتی که طبق آن این کارشناسان به ایران مأمور می‌شوند، به عمل آمده است. برداشت دولت متبوع من این است که بر طبق قوانین ایران و موافقتنامه‌های موجود میان دو دولت ایران و ایالات متحده، این پرسنل از امتیازات و مصونیت‌های مندرج در یادداشت وزارت امور خارجه شاهنشاهی به شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ و یادداشت این سفارتخانه به شماره ۲۸۲ به

همان تاریخ، بهره‌مند خواهند بود.
تأیید این مطلب از طرف شما مبنی بر اینکه برداشت دولت شاهنشاهی ایران نیز این چنین است،
موجب قدردانی اینجانب خواهد بود.
با تجدید احترامات
ریچارد هلمز

سند شماره (۸۶)

وزارت امور خارجه
اداره حقوقی
آقای سفیر

تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۵۲ - ۲۹ می ۱۹۷۳
شماره: ۱۹۶۸/۱۸

افتخار دارم وصول نامه شماره ۳۶۳ مورخ ۲۴ مه ۱۹۷۳ شما را اعلام و تأیید نمایم. کارشناسان
نظامی و غیر نظامی آمریکایی مورد تقاضا برای کمک به مدرنیزه نمودن نیروهای مسلح شاهنشاهی
ایران از مزایا و مصونیت‌های مندرج در یادداشت شماره ۹۷۶۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ این وزارت و
یادداشت شماره ۲۸۲ همان تاریخ سفارت آمریکا، بهره‌مند خواهند بود.

با تجدید احترامات - به جای وزیر امور خارجه

عباسعلی خلعت‌بری

امضاء

سند شماره (۸۷)

تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۳ - ۴ مهر ۱۳۵۲
یادداشت برای: آقای سهراب، رئیس اداره گذرنامه، دفتر آجودانی، فرماندهی عملیات پشتیبانی
نیروهای آمریکا در اروپا

موضوع: کارتهای مصونیت برای افراد فاقد گذرنامه‌های خدمت

۱- تا آنجایی که خبر دارم، اخیراً اداره گذرنامه اطلاع داده است، افراد معینی که دارای گذرنامه‌های
خدمت نیستند، واجد شرایط دریافت کارت مصونیت از وزارت خارجه (ایران - م) نمی‌باشند. من
اطلاع ندارم که آیا در هر مورد، این نظر بر پایه‌ی اطلاعات ویژه ارائه شده از طرف یک مقام وزارت
امور خارجه قرار دارد و یا بر اساس یک تعبیر کلی از قانون موجود در این زمینه است. هدف از این
یادداشت، روشن شدن وضعیت حقوقی و درخواست این مطلب است که تمام طرفهای ذینفع به نحوی
عمل نمایند تا وزارت امور خارجه (ایران - م) تشویق شود که مطابق آن قانون عمل کند.

۲- بر اساس تبادل یادداشتهایی در ۱۹۶۴ در رابطه با مصونیتها، دولت ایران موافقت کرد تا
مصونیت‌های مندرج در کنوانسیون وین مورخ ۱۹۶۱ را به تمام «پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکا که
طبق موافقتنامه‌ها و ترتیبات منعقد شده میان دو دولت در ایران حضور دارند و توسط سفارت به وزارت
امور خارجه شاهنشاهی معرفی می‌شوند»، تعمیم دهد. این مطلب که آیا افراد، دارای گذرنامه‌های
خدمت و یا گذرنامه‌های عادی هستند، ربطی به موافقتنامه مورد نظر ندارد. دلایل مختلفی، که بعضی
از آنها کلاً به روشهای اداری مربوط می‌شود، این حقیقت را بیان می‌دارد که بعضی از مقامات

آمریکایی و یا بستگان آنها با گذرنامه‌های عادی وارد ایران می‌شوند. گروه نسبتاً بزرگی از این نوع افراد وجود دارد، زیرا آنها بستگان پرسنل نظامی هستند که مشمول مقررات ایالات متحده برای پرداخت هزینه حمل و نقل نمی‌باشند.

۳- بدیهی است که جمله‌بندی یادداشتهای مبادله شده در این زمینه، ممکن است مستقیماً شامل اتباع کشورهای دیگر بجز آمریکا نشود، با این حال تجارب اخیر، بیانگر تمایل وزارت امور خارجه (ایران - م) مبنی بر صدور کارتهای مصونیت برای افرادی است که گذرنامه آمریکایی ندارند، ولی از طرف سفارت آمریکا به عنوان بستگان اعضای مجموعه اداری آمریکا معرفی شده‌اند. به نظر من، ما باید به امر معرفی اسامی چنین افرادی به وزارت امور خارجه، ادامه دهیم. ما موردی نداشته‌ایم که کارمند نظامی، تبعه آمریکا نباشد. با این حال در نمونه‌های مقتضی که یک خارجی در نیروهای مسلح ایالات متحده در حال خدمت باشد، ما باید درخواست صدور کارت مصونیت بنماییم.

۴- درباره نظامیان آمریکا که در ایران کار می‌کنند و بستگانی که دارای گذرنامه عادی هستند، هیچ الزام قانونی وجود ندارد که برای صدور کارت مصونیت، بین آنها و کسانی که دارای گذرنامه خدمت هستند، تفاوت گذاشته شود. اسامی آن افرادی که با ارتش در ایران کار می‌کنند و بستگان آنها، باید بر اساس یک روند عادی اداری برای صدور کارت مصونیت به وزارت امور خارجه ارائه شود.

۵- بر اساس نتایج حاصله از ملاقات ژوئن (خرداد - م) گذشته در وزارت امور خارجه، به همراه آقایان پرشت و گراس و دوشیزه رندر از کارمندان سفارت، به نظر می‌رسد که احتمالاً وزارت امور خارجه (ایران - م) علاقمند به قبول اصول فوق‌الذکر می‌باشد. در صورت بروز مخالفتی در این مورد، می‌توان ملاقات دیگری در وزارت امور خارجه با اداره گذرنامه و یا نماینده اداره عهود و امور حقوقی ترتیب داد.

هارولد اس. ناتان

سروان قضائی ایالات متحده

وکیل مدافع ستاد

رونوشت برای :

آقای پرشت، سفارت آمریکا

آقای گراس، سفارت آمریکا

دوشیزه رندر، سفارت آمریکا

سرهنگ دوم اسپالدینگ، فرمانده ترابری نظامی هوایی

سرهنگ کرافورد، فرمانده ESA

سروان بارتلز، دفتر آجودانی ESA

سند شماره (۸۸)

یادداشت برای ثبت در پرونده تاریخ: ۱۶ دسامبر ۱۹۷۳ - ۲۵ آذر ۱۳۵۲

موضوع: کارتهای رسمی مصونیت و روادیده‌های خروج و ورود مجدد

۱- در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۳، من با آقای گراس، سرکنسول ایالات متحده، دوشیزه رندر و آقای سهراب در کنسولگری ایالات متحده ملاقات کردم تا راجع به مشکلاتی که در مورد اخذ کارتهای

مصونیت برای پرسنل وزارت دفاع و بستگان به وجود آمده است، مذاکره کنیم. ظاهراً مشکل اکنون محدود به مواردی است که پرسنل وزارت دفاع با گذرنامه عادی برای انجام مأموریت به ایران وارد می‌شوند. اداره گذرنامه وزارت امور خارجه مایل به ثبت این گذرنامه‌ها بوده، ولی از صدور کارتهای رسمی مصونیت اجتناب کرده است. من توضیح دادم که با تبادل یادداشتهای سال ۱۹۶۴، آن پرسنلی که با تأیید سفارت ایالات متحده به عنوان انجام مأموریت رسمی با هیئت اعزامی مربوط هستند، بدون توجه به نوع گذرنامه‌ای که دارند، به وسیله یک کارت رسمی مصونیت، مشمول مصونیتها شناخته شده‌اند. تصمیم گرفته شد که کنسولگری از واشنگتن سؤال کند که آنها نسبت به ایرانیانی که عضو هیئتهای رسمی می‌باشند، ولی با گذرنامه عادی به ایالات متحده وارد می‌شوند، چگونه رفتار می‌کنند. هنگامی که از واشنگتن پاسخی درباره نحوه رفتار ایالات متحده دریافت نماییم، کنسولگری جلسه‌ای متشکل از ادارات ذی‌ربط وزارت امور خارجه (ایران - م) برای بحث بیشتر در مورد این موضوع، ترتیب خواهد داد.

۲- گروه مذکور همچنین راجع به مشکلات مربوط به درخواستهای بی‌شمار برای روادید خروج که به صورت یادداشتهای بسیار کوتاه به مقامات گذرنامه ارائه شده بود، مذاکره کرد. آقای سهراب خاطرنشان ساخت که او مجبور است برای اخذ یک روادید خروج اغلب در نیمه‌های شب مزاحم مقامات وزارت امور خارجه شود. اگر چه وزارت امور خارجه در این رابطه کمال همکاری را میدول داشته، ولی گروه تشخیص داد که با این اقدامات نیمه شبانه، بیشتر از حد معمول از اعتبار خود استفاده کرده‌ایم. دوشیزه رندر به مقامات نظامی اصرار کرد که آنها هر کاری که می‌توانند انجام دهند تا این نوع مزاحمتها به حداقل برسد، به این معنی که دفتر گذرنامه ما باید خیلی زود از قصد عزیمت افراد مطلع شده باشد. گروه توافق کرد که در دراز مدت، بهترین راه حل این مشکل این است که وزارت امور خارجه به صدور روادید معتبر خروج و ورود مجدد یکساله برای همه اعضای هیئت رسمی، متقاعد شود. وی خاطرنشان شد که افراد بهره‌مند از وضعیت سیاسی، دارای چنین روادیدهایی هستند. توافق گردید که در ملاقات بعدی با نمایندگان وزارت امور خارجه مسئله روادید خروج و ورود مجدد را مطرح کنیم.

۳- در تدارک برای ملاقات پیش‌بینی شده با مقامات وزارت امور خارجه مقرر شد که دفتر گذرنامه، آماری از تعداد افراد اعزامی به ایران که با گذرنامه‌های عادی وارد شده‌اند و تعداد روادیدهای خروج و ورود مجدد که دفتر گذرنامه به طور متوسط در یک ماه درخواست می‌کند، ارائه دهد.

هارولد اس. ناثان

سرگرد قضائی ایالات متحده

وکیل مدافع ستاد

رونوشت برای:

سروان بارتلز

سرهنگ دوم انگلند

آقای پرشت

دوشیزه رندر

فصل سوّم انقلاب اسلامی و الغاء کاپیتولاسیون

سند شماره (۸۹)

از: سرویس بین‌المللی رادیوهای خارجی - لندن - انگلستان
به: ستاد نیروهای هوایی ایالات متحده در اروپا تاریخ: ۱۳ می ۱۹۷۹-۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸
رونوشت برای: سفارت آمریکا - تهران - ایران طبقه‌بندی نشده
تلگرام شماره ۸۳۰۶

ستاد عالی نیروهای متفق اروپا: فوراً برای بخش «بررسی» ارسال شود.
ایران مصونیت سیاسی مستشاران نظامی ایالات متحده را لغو می‌کند.
رادیو محلی تهران - به زبان فارسی - ساعت ۱۶/۳۰ به وقت گرینویچ ۱۳ می ۱۹۷۹.
«متن» - وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران امروز اعلام کرد که قانون کاپیتولاسیون لغو شده است. متن اطلاعیه وزارت امور خارجه از این قرار است:
بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای انقلاب اسلامی،
قانون مصوب ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۶۴) راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا
در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۵۸/۲/۲۳ (۱۳ می-
۱۹۷۹) لغو شد.

سند شماره (۹۰)

از: سرویس بین‌المللی رادیوهای خارجی - نیکوزیا - قبرس تاریخ: ۱۳ می ۱۹۷۹-۲۳ اردیبهشت
به: سرویس بین‌المللی رادیوهای خارجی واشنگتن دی - سی ۱۳۵۸
طبقه‌بندی نشده

تلگرام شماره ۲۲

ایران، قانون مربوط به مصونیت‌های سیاسی مستشاران نظامی ایالات متحده را لغو می‌کند.
تهران، ۱۳ می - خبرگزاری ایران گزارش داد که قانون ۱۳۴۳ مربوط به تعمیم مصونیت سیاسی به
مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران، امروز لغو شد.

این قانون که مستشاران نظامی آمریکا را تحت پوشش معافیتهای گوناگون سیاسی و نیز مصونیت کامل از محاکمه و پیگرد قرار می‌داد، بنا به پیشنهاد دولت موقت و تصویب شورای انقلاب لغو گردید.

سند شماره (۹۱)

از: فرماندهی آرمیش - مگ - تهران - ایران تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
طبقه‌بندی نشده

به: فرماندهی آرمیش مگ، پایگاه الکس - فوری

موضوع: مصونیت دیپلماتیک

۱- اخبار منتشره توسط رادیو و روزنامه‌های صبح تهران مورخ ۱۴ می ۱۹۷۹ حاکی از آن است که قانون کاپیتولاسیون ۱۹۶۴ ایران در رابطه با تعمیم مصونیت سیاسی به پرسنل مستشاران نظامی آمریکا در تاریخ ۱۳ می ۱۹۷۹ لغو گردیده است. متن اطلاعیه وزارت خارجه ایران به شرح زیر است:

نقل قول: بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۶۴) راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۵۸/۲/۲۳ (۱۳ می ۱۹۷۹) لغو شد. (پایان نقل قول).

۲- به علت از بین بردن پرونده‌های سفارت در طول انقلاب، مطمئن نیستیم که نسخه‌ای از قانون ۱۹۶۴ موجود باشد. تحقیق در بایگانیهای محلی ادامه دارد.

۳- از فرماندهی آرمیش - مگ تقاضا می‌شود که فردی را برای هماهنگ کردن مخاطبان نامه جهت تعیین محل این قانون، مأمور کند. علاوه بر این خواهشمند است هر چه سریعتر این ستاد را در مورد وضعیت حقوقی پرسنل نظامی آمریکا که در ایران هستند، ارشاد فرمایید. وارنر

سند شماره (۹۲)

از: سفارت آمریکا (مستشاری نظامی) تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
به: معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی - سرکار سرهنگ کامکار

۱- همان‌طوری که اطلاع دارید روز گذشته وزارت امور خارجه دولت جمهوری ایران قانون کاپیتولاسیون را که شامل حال مستشاران نظامی آمریکا نیز می‌گردد، لغو نمود.

۲- در حال حاضر از مستشاران باقی مانده در ایران فقط ۳۱ نفر نظامی و سه نفر غیر نظامی برای رفت و برگشت به محل کار خود اتومبیلهای شخصی خود را هدایت می‌نمایند.

به طوری که تصدیق می‌نمایید با توجه به اوضاع و احوال کنونی ایران چنانچه برای مستشاران مزبور حادثه رانندگی اتفاق بیفتد، موقعیت بسیار خطرناکی برای آنان متصور است.

۳- به منظور جلوگیری از هرگونه حادثه ناگوار در ایران، خواهشمند است دستور فرمایید سرکار سرگرد مشیری فرمانده موتورپول همه روزه تعداد ۱۵ نفر راننده به طور تمام وقت در اختیار این قسمت قرار دهند. اتومبیلهای مورد نیاز را می‌توان از اتومبیلهای سفارت آمریکا و یا اتومبیلهای

موجود در فرماندهی موتورپول تأمین نمود.

۴- خواهشمند است دستور فرمایید سرکار سرگرد مشیری به محض دریافت این نامه با تلفن ۸۲۴۰۰۱ داخلی ۱۲۸۹ با اینجانب تماس حاصل نمایند

کیث ا. بارلو

سرهنگ ایالات متحده

سند شماره (۹۳)

از: وزارت خارجه - واشنگتن دی - سی. تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸
به: سفارت آمریکا - تهران - فوری رونوشت به: کاخ سفید - فوری
طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۴۰۹۹

موضوع: وضعیت پرسنل آرمیش - مگ

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- ما موضوع لغو قانون ۱۹۶۴ در مورد اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل آرمیش - مگ را حائز فوریت و اهمیت فوق العاده تلقی می نماییم.

۳- در این رابطه، شما به سرعت یادداشت ذیل را به مقامات عالی رتبه و ذی ربط در وزارت خارجه (ایران - م) تسلیم نمایید. در همان حال، پیشنهاد می کنیم که رابطهای نظامی خود را از اهمیتی که ما برای این موضوع قائلیم و اقداماتی که انجام خواهیم داد، مطلع سازید.

۴- نقل قول: سفارت آمریکا (پس از تعارفات معمول) با توجه به بیانیه اخیر وزارت خارجه دولت موقت اسلامی ایران مبنی بر تصمیم دولت در لغو قانون مربوط به تفویض مصونیتها و امتیازات کنوانسیون وین به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳ - م)، موارد زیر را اعلام می دارد.

۵- نقل قول: به خاطر این اقدام، کلیه پرسنل باقیمانده مستشاری نظامی آمریکا که هم اکنون براساس موافقتنامه ها و ترتیبات منعقد شده میان دو دولت در ایران حضور دارند، از طرف دولت ایالات متحده به عنوان کارمندان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور شده اند. وزارت امور خارجه (آمریکا - م) برای این نوع پرسنل، گذرنامه های سیاسی صادر می نماید و تقاضا دارد که وزارت خارجه (ایران - م) نیز این پرسنل را با همان تعداد (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت - م) به دولت متبوع خود معرفی نماید. فهرست اسامی این پرسنل به پیوست آمده است.

۶- نقل قول: به خاطر ضرورت روشن شدن وضعیت این پرسنل برای مدت اقامت آنان در ایران، سفارت ایالات متحده توجه فوری وزارت امور خارجه را به این موضوع جلب می کند و صدور مدارک هویت دیپلماتیک را برای این افراد، تقاضا می کند.

۷- نقل قول: تعارفات معمول در پایان نامه. پایان نقل قول.

۸- برای اطلاع شما. در صورتی که دولت ایران فوراً آنها را (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت - م) به رسمیت نشناسد، ما مجبور خواهیم شد که خروج کلیه پرسنل آرمیش - مگ را مورد توجه جدی قرار دهیم.

ونس

سند شماره (۹۴)

تاریخ ۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

به: وزارت خارجه ایران

از: سفارت آمریکا - تهران

یادداشت شماره ۱۸۷

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بیانیه اخیر وزارت خارجه دولت موقت اسلامی ایران مبنی بر تصمیم دولت در لغو قانون مربوط به تفویض مصونیتها و امتیازات کنوانسیون وین به پرسنل مستشاری نظامی آمریکا مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴، اعلام می‌دارد.

به خاطر این اقدام، کلیه پرسنل باقیمانده مستشاری نظامی آمریکا که هم اکنون براساس موافقتنامه‌ها و ترتیبات منعقد شده میان دو دولت در ایران حضور دارند، از طرف دولت ایالات متحده به عنوان کارمندان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور شده‌اند. وزارت امور خارجه (آمریکا - م) برای این نوع پرسنل، گذرنامه‌های سیاسی صادر می‌نماید و تقاضا دارد که وزارت خارجه (ایران - م) نیز این پرسنل را با همان تعداد (به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت - م) به دولت متبوع خود معرفی نماید. فهرست اسامی این پرسنل به پیوست آمده است.

به خاطر ضرورت روشن شدن وضعیت این پرسنل برای مدت اقامت آنان در ایران، سفارت ایالات متحده توجه فوری وزارت امور خارجه (ایران - م) را به این موضوع جلب می‌کند و صدور مدارک هویت دیپلماتیک را برای این افراد، تقاضا می‌کند.

سفارت ایالات متحده آمریکا، فرصت را برای تجدید احترامات فائده خود به وزارت امور خارجه،

مغتنم می‌شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۱۶ می ۱۹۷۹

سرلشکر	فیلیپ. سی. گست
سرهنگ	موریس. تی وارنر. جی آر
سرهنگ	دان موزز
سرهنگ ۲	بیل. آر. وینسون
سرهنگ ۲	جری. تی. ویلیز
سرهنگ ۲	لاری لیلارد
سرهنگ ۲	جوزف. ام. استیونسون
سرهنگ ۲	رابرت. ام. مک ویلیامز
ناخدا سوم	رابرت. ا. انگلمان
ناخدا دوم	دان. ا. شرر
سرگرد	ویلیام. ال. فالکنر
سروان	توماس. جی. فیرکه

پاتریک. جی. کوئین	سروان
هومر. بی. کاسادا	سروان
توماس. اچ. ایوانز	سروان
کریگ. پی. ناپ	ستوان ۱
بایرون. ال. سوانسون	ستوان ۱
راسل. جی. هاچ	ستوان ۱
گارلند. جی. پانل	ستوان ۱
لاری. ئی. راف	ستوان ۲
کیث. ا. دانیلز	ناویان ۲
فرانک. تی. کیوبیک	گروه‌بان ۱
جیمز. آر. استامپ	گروه‌بان ۱
جری. ا. راولند	گروه‌بان ۱
ویلیام. ا. هلند. جی آر	گروه‌بان ستاد
روی. ا. هاریس	متخصص ششم
جان. آر. استوارت	متخصص ششم
ویرجیل. ک. نیل	متخصص پنجم
ویلیام. ال. ولف	ستاد کل ۱۴
تد. ا. ویلیامسون	ستاد کل - ۱۴
باری. بی. برانسون	ستاد کل - ۱۱
کیث. دبلیو. کلونجر	گروه‌بان

سند شماره (۹۵)

از: فرماندهی آرمیش - مگ، تهران، ایران به: فرماندهی آرمیش - مگ، پایگاه الکس، فوری
 تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
 تلگرامهای مرجع: الف - تلگرام فرماندهی آرمیش - مگ، ۱۴ می ۱۹۷۹ (طبقه‌بندی نشده)
 ب - تلگرام سفارت آمریکا، تهران، ۱۵ می ۱۹۷۹ (خیلی محرمانه) ج - تلگرام وزارت امور خارجه
 آمریکا، ۱۶ می ۱۹۷۹ (خیلی محرمانه) تلگرام شماره ۵۰۸۱

موضوع: مصونیت‌های آرمیش - مگ

۱- (خیلی محرمانه) تلگرام مرجع الف، شما را در جریان لغو مصونیت‌های آرمیش - مگ قرار داد.
 در تلگرام مرجع ب، اظهارات وزیر امور خارجه (ایران - م) به کاردار سفارت در مورد لغو این قانون،
 مطرح گردید. تلگرام مرجع ج، نیز حاوی متن یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (آمریکا - م) به وزیر
 خارجه دولت ایران بود.

۲- (خیلی محرمانه) در تلگرام مرجع ب آمده که یزدی وزیر خارجه به کاردار سفارت، آقای
 ناس، گفته بود که لغو مصونیت‌های پرسنل آرمیش - مگ را نباید یک حرکت ضد آمریکایی تلقی کرد و

یا آن را نشانه‌ای از عدم تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط دانست. وی اضافه کرد که تصویب قانون «کاپیتولاسیون» در سال ۱۹۶۴ با اعتراض مردم روبرو شد و منجر به تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه گردیده بود.

۳- (خیلی محرمانه) یادداشت پیشنهادی وزارت خارجه (آمریکا-م) که در مرجع ج آمده، باقیمانده پرسنل نظامی آمریکا در ایران را به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور کرد و تقاضای صدور گذرنامه‌های دیپلماتیک را برای آنان نموده است.

۴- (خیلی محرمانه) همان طوری که در تلگرام مرجع الف خاطر نشان شد، بخش اعظم سوابق تاریخی موجود در اینجا (سفارت - م) در دوران انقلاب از بین برده شده است. در نتیجه ما نمی‌توانیم به تأثیرات ناشی از مصونیتها پی ببریم. با این حال، در نتیجه این اقدام و نیز به خاطر فقدان یک «قرارداد وضعیت نیروها» با ایران، باقیمانده پرسنل مستشاری نظامی آمریکا در ایران از نظر حقوقی بسیار آسیب پذیرند. با توجه به تبلیغات مستمر ضد امریکایی در رسانه‌های گروهی ایران (به خصوص در زمینه نظامی)، این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است.

۵- (خیلی محرمانه) تاکنون قدمهایی برداشته شده است که تا قبل از روشن شدن وضعیت پرسنل مستشاری نظامی آمریکا، درگیریهای حقوقی به حداقل کاهش یابد. مستشاران رانندگی نخواهند کرد مگر آنکه چاره‌ای نباشد و در حین رانندگی باید گواهینامه لازم، برگ بیمه و اسناد معتبر را همراه داشته باشند. توجه بسیاری به این مسئله معطوف شده که از مواجهه احتمالی بین امریکاییان و اتباع ایرانی جلوگیری به عمل آید. اگر لازم باشد که مستشاران نظامی آمریکا بعد از ظهرها نیز به کار مشغول باشند، تا قبل از ساعت ۲۲ به محل سکونت خود بر خواهند گشت یا اینکه طوری برنامه ریزی خواهند کرد که تمام شب را در محل کار خود بمانند. این امر سبب می‌شود که از هر گونه برخورد با گشتهای شبانه کمیته در خیابانها، جلوگیری به عمل آید. در تمام فعالیتهای احتیاط فوق‌العاده، رعایت می‌گردد.

۶- (خیلی محرمانه) وضعیت موجود بحرانی نیست، ولی تصمیم‌گیری قاطع و سریع را طلب می‌کند. وارنر

سند شماره (۹۶)

از: ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا - آلمان غربی - ویهینگن تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸
به: فرماندهی آرمیش مگ - تهران، ایران
مرجع: تلگرام فرماندهی آرمیش - مگ، تهران، ایران، ۱۴ می ۱۹۷۹
طبقه‌بندی نشده شماره: ۱۹۳۳

موضوع: مصونیت دیپلماتیک

۱- اطلاعاتی که در اختیار این ستاد است، نشان می‌دهد که قانون ایرانی مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳-م) این مفهوم را می‌رساند که دولت ایران مجاز است پرسنل نظامی آمریکا در ایران را از مصونیتها و امتیازات کنوانسیون ۱۹۶۱ وین بهره‌مند سازد. دولتین آمریکا و ایران، پس از آن در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ یادداشت‌هایی مبادله کرده و توافق کردند که این پرسنل از وضعیت کارکنان

اداری و فنی سفارت آمریکا در تهران برخوردار باشند و از مصونیت‌های مندرج در بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون وین بهره‌مند شوند. توافقنامه ۹ دسامبر ۱۹۶۴، تا آنجایی که ما می‌دانیم نه تغییر یافته و نه فسخ شده و در یادداشت‌های مبادله شده ۲۴ و ۳۰ می - ۱۹۷۳ که طی آنها دولت ایران همان مصونیتها را به پرسنل فنی نظامی و غیر نظامی آمریکایی که به برنامه مدرن‌سازی نیروهای مسلح ایران کمک می‌کنند، تعمیم داد؛ به آن توافقنامه اشاره شده است.

۲- از دیدگاه این ستاد، لغو قانون ۱۹۶۴ نمی‌تواند اعتبار حقوقی و بین‌المللی یادداشت‌های مبادله شده در مورد وضعیت دیپلماتیک این پرسنل را تغییر دهد. بنابراین از دیدگاه این ستاد، پرسنل نظامی آمریکایی باقیمانده در ایران هنوز هم از همان مصونیت‌های قبل از لغو قانون ۱۹۶۴، برخوردار می‌باشند.

۳- تا زمانی که دستورات هماهنگ وزارت خارجه و وزارت دفاع تغییر نکرده، شما باید دیدگاه فوق را به عنوان موضع خود منعکس نمایید. فقط با هماهنگی نزدیک با سفارت، این موضوع را می‌توانید با ایرانیها مورد مذاکره قرار دهید.

سند شماره (۹۷)

از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ - ۳ خرداد ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

طبقه‌بندی: استفاده اداری محدود شماره ۵۴۰۸

موضوع: گذرنامه‌های دیپلماتیک برای پرسنل آرمیش - مگ

۱- فهرست زیر، اسامی کامل پرسنل آرمیش - مگ می‌باشد که متقاضی گذرنامه‌های دیپلماتیک

هستند.

دان آلن شرر

راسل دیل لاتزنهایزر

رابرت آردو انگلمان

ویرجیل کلوین نیل

کریگ پاول ناپ

وارن دانیل وینز

توماس گارنر فیرکه

ویلیام آلونزا هلند جی آر.

جیمز راجر استامپ

جوزف. ام. استیونسون

ملوین گاجه نیداس

گارلند جرومه پانل

لاری ارل راف

برایان لی سوانسون

راسل گارن هاچ

ویلیام لی فالکنر

کیث آلن دانیلز

۲- تقاضانامه‌ها توسط پرسنلی که در تاریخ ۲۳ می اینجا را ترک کرده‌اند، برای وزارت امور خارجه (آمریکا-م) ارسال شد.

سند شماره (۹۸)

تاریخ: ۴ ژوئن ۱۹۷۹- ۱۴ خرداد ۱۳۵۸

طبقه‌بندی نشده

کاردار سفارت آمریکا تهران، ایران

نامه اداری - غیر رسمی

آقای چارلز دبلیو. ناس

چارلز عزیز:

ما اقدامات لازم را در رابطه با تضمین مصونیت دیپلماتیک برای اعضاء آرمیش-مگ را با آقای مالمبورگ در لندن مورد بررسی قرار داده‌ایم. او به ما می‌گوید که ما با ارسال یادداشت دیپلماتیک به وزارت امور خارجه (ایران-م) و صدور گذرنامه‌های دیپلماتیک برای افراد مزبور، هر کاری که می‌توانستیم انجام داده‌ایم. آقای مالمبورگ احساس می‌کند که نکته مهمتر این است که این اقدامات با سکوت رضایتمندانه دولت موقت ایران از طریق عدم رد یادداشت ما، توأم شده است. این موضع دولت موقت ایران از نظر حقوق و عرف بین‌الملل، پایه و اساس کافی برای تثبیت وضعیت مصونیت سیاسی را پی می‌ریزد.

تنها اقدامی که باعث تقویت بیشتر این وضعیت می‌گردد، صدور مدارکی از طرف دولت موقت ایران مبنی بر تأیید این وضعیت و یا صدور یک یادداشت دیپلماتیک از طرف وزارت امور خارجه (ایران-م) مبنی بر به رسمیت شناختن این وضعیت می‌باشد. امیدوارم که این مطلب باعث اطمینان مجدد افراد ذی‌ربط بشود.

با بهترین احترامات و آرزوهای قلبی

ارادتمند

کارل کلمنت دفتر امور ایران

سند شماره (۹۹)

تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۹- ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره ۲۵۵

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن ابراز اظهارات تعارفات خود به وزارت امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، مفتخر است به یادداشت شماره ۱۸۷ با ضمیمه، مورخ ۱۶ می ۱۹۷۹ مربوط به آن دسته از پرسنل مستشاری نظامی که توسط دولت ایالات متحده آمریکا به عنوان اعضاء اداری و فنی به سفارت ایالات متحده آمریکا مأمور شده‌اند، اشاره نماید.

به پیوست، فهرستی از اسامی آن دسته از پرسنل نظامی است که به تازگی به عنوان اعضاء اداری و فنی به سفارت ایالات متحده آمریکا مأمور شده‌اند. سفارت ایالات آمریکا این فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود به وزارت امور خارجه، مغتنم می‌شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۷ ژوئن ۱۹۷۹

رونالد. آر. دیویس	سرهنگ
جیمز. دی. هرندون	سرهنگ
دیل لاتزنهایزر	سرهنگ ۲
جوزف. ام. استیونسون	سرهنگ ۲
آلن. ئی. فاین	سرهنگ ۲
جان. دبلیو. اولسون	سرهنگ ۲
جرالد. دبلیو. رینکر	سرهنگ ۲
دان. ا. شرر	ناخدا دوم
جرالد. ام. هیگبی	ناخدا دوم
ویلیام. جی. فالکنر	سرگرد
رابرت. ا. انگلمان	ناخدا سوم
توماس. جی. فیرکه	سروان
وارن. دی. وینز	سروان
راسل. جی. هاج	ستوان یکم
کریگ. جی. ناپ	ستوان یکم
گارلند. جی. پانل	ستوان یکم
بایرون. جی. سوانسون	ستوان یکم
لاری. ئی. راف	ستوان دوم
کیث. ا. دانیلز	ناویان دوم
ریجیز. جی. راگان	سر گروهبان
جیمز. آر. استامپ	گروهبان یکم
کارل. ال. هاردی	گروهبان یکم
ملوین. جی. نیداس	گروهبان ستاد
ویلیام. ا. هلند. جی آر	گروهبان ستاد
رکس. ا. بیکر	گروهبان فنی
جان. آر. استوارت	متخصص ششم
ویرجیل. ک. نیل	متخصص پنجم

سند شماره (۱۰۰)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت خارجه ایران

یادداشت شماره ۲۶۷

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، مفتخر است به اطلاع آن وزارتخانه برساند که با توجه به موضوع قطع حقوق کارکنان سابق این سفارتخانه، دولت ایالات متحده آمریکا کارکنان سابق آرمیش مگ را به عنوان بخشی از کارکنان سفارت تلقی می نماید. دولت ایالات متحده آمریکا به طور داوطلبانه سعی دارد تا آنجایی که قوانین و مقررات دولت ایالات متحده آمریکا نقض نگردد، قوانین، رسوم و عرف محل (ایران - م) را رعایت نماید. کارکنان ایرانی با قبول استخدام شدن به وسیله یک اداره دولت ایالات متحده آمریکا، در واقع با این وضعیت موافقت کرده اند. لذا مطابق با قوانین کار در جمهوری اسلامی، در این گونه موارد مصونیت مشخصی وجود دارد.

علاوه بر این، دولت ایالات متحده آمریکا توصیه می نماید که اگر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی معتقد است این نوع کارکنان، بخشی از کارمندان این سفارتخانه نیستند و از آنجایی که حقوق کارکنان آرمیش مگ در حقیقت به وسیله دولت ایران پرداخت می شده است، جمهوری اسلامی باید هر گونه پاداش اضافی را که معتقد است برای تطابق با قوانین و بخشنامه هایش لازم است، بپردازد. سفارت فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به آن وزارتخانه، مغتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا تهران، ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹

سند شماره (۱۰۱)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی - فوری

تاریخ: ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲ مهر ماه ۱۳۵۸
تلگرام شماره ۱۰۳۳۶
رونوشت به: وزارت دفاع - واشنگتن دی.سی
موضوع: مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- در تاریخ ۱۸ سپتامبر، مشاور سیاسی سفارت (خانم الیزابت سویفت - م) توسط رئیس اداره حقوقی آقای فرخ پارسی به وزارت خارجه دعوت شد. پارسی به یادداشت شماره ۱۸۷ مورخ ۱۶ می ۱۹۷۹ سفارت اشاره کرد که در آن از طریق وزارت خارجه به دولت موقت ایران اعلام شده که به خاطر لغو قرارداد ۱۹۶۴ در رابطه با پرسنل مستشاری نظامی آمریکا در ایران، دولت آمریکا باقیمانده پرسنل نظامی خود در ایران را به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت ایالات متحده مأمور کرده است. در این یادداشت از دولت ایران تقاضا شده است که برای این افراد اسناد هویت دیپلماتیک صادر نماید (ولی تا به حال تنها یک سند هویت دیپلماتیک آن هم برای گروه بان ویلیام دی. جرمن صادر شده است).

۳- آقای پارسی خاطر نشان ساخت که قانون ۱۹۶۴ لغو شده و دولت موقت ایران هرگز قانونی به

تصویب نمی‌رساند که مستشاران نظامی خارجی را از مصونیت در برابر دعاوی جنایی و مدنی برخوردار سازد. آقای پارسی گفت که دولت موقت ایران، نقش وابسته‌های نظامی را که بر طبق حقوق بین‌الملل از مصونیتها و امتیازات به خوبی برخوردارند، به رسمیت می‌شناسد. ولی سفارت آمریکا در حال صدور گذرنامه‌های دیپلماتیک برای پرسنل مگ و معرفی آنها به عنوان کارکنان اداری و فنی سفارت می‌باشد، در حالی که واقعیت این است که آنها کارکنان سفارت نیستند. آقای پارسی خاطر نشان ساخت که موضوع مستشاران نظامی در ایران برای دولت موقت چه از نظر تاریخی (نظریه سفارت: دولت موقت معتقد است که قانون ۱۹۶۴ توسط شاه و دولت آمریکا به ایران تحمیل شده است) و چه از نظر افکار عمومی ایرانیان، مسئله‌ای بسیار حساس است.

۴- آقای پارسی یادداشت ۱۶ می سفارت را چنین تعبیر کرد که ما از دولت موقت خواسته‌ایم تا وضعیت پرسنل مگ را تحت قواعدی درآورد و صریحاً بیان کرد که دولت موقت مایل نیست قانون جدیدی به منظور اعطای مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک به پرسنل مگ تصویب کند. از مطالبی در گفتگو رد و بدل می‌شد کاملاً مشخص بود که وزارت خارجه (ایران-م) مایل نیست که بیش از این اجازه دهد این افراد به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارت منتقل شوند، اگر چه آقای پارسی صریحاً چنین حرفی نزد. با این حال پارسی که حقوق دانی بسیار منطقی و تحصیل کرده آمریکا است، به طور آشکاری سعی داشت راههایی برای حفظ آبرو پیدا کند تا از یک طرف حساسیت‌های سیاسی دولت موقت ایران را ارضاء کرده باشد و از طرف دیگر مصونیت قابل قبولی برای پرسنل مگ پیدا کند.

۵- پارسی گفت که دولت موقت واقعاً علاقه‌ای به مسئله امتیازات پرسنل مگ در امور گمرکی و غیره ندارد. آنها واقعاً فکر می‌کنند که تمام «مستشاران» نظامی باید در حیطه حاکمیت قضائی ایران باشند. پارسی خاطر نشان ساخت که در گذشته تنها موارد تخلفات جنایی پرسنل نظامی آمریکا در ایران، مربوط به تخلفات رانندگی بوده است. پارسی می‌خواست بداند که آیا ممکن نیست رانندگانی در اختیار کلیه پرسنل مگ قرار داده شود و از این را مانع ارتکاب تخلفات جنایی توسط آنها شد. مشاور سیاسی گفت اگر موارد فوق صحت داشته باشد، ما در ایران خیلی خوش شانس بوده‌ایم. همیشه مهمترین نکته در نظر وزارت دفاع آمریکا با توجه به تجاربی که در دیگر کشورها داشته، مسئله تعقیب جنایی بوده است. مشاور سیاسی ابراز تردید کرد که دولت آمریکا بتواند بدون وجود مصونیت در مقابل دعاوی جنایی و مدنی، به پرسنل نظامی خود اجازه فعالیت در ایران را بدهد. (مقام سفارت، مسئله وضعیت «در حین انجام وظیفه» و «خارج از حین انجام وظیفه» را که در بسیاری از موافقتنامه‌های وضعیت نیروها یافت می‌شود، مطرح نکرد. مذاکره نسبتاً غیر صریح بود و به نظر می‌رسید که پارسی هنوز اطلاعات تازه‌ای در این مورد که در کشورهای دیگر با این مسئله چگونه برخورد می‌شود، ندارد).

۶- پارسی سؤال کرد که پرسنل نظامی مستقر در آمریکا (مانند گروه‌های خرید نظامی) که وابسته نظامی نیستند از چه امتیازاتی برخوردارند. آیا آمریکا به این نوع اشخاص مصونیت دیپلماتیک داده است؟ آیا مواردی هست که در آمریکا نیز پرسنل نظامی کشورهای خارجی، مانند پرسنل مگ به عنوان کارکنان اداری و فنی به سفارتخانه‌های موجود در واشنگتن مأمور شده باشند؟ با مطرح ساختن این‌گونه سؤالات، پارسی آشکارا می‌خواست نمونه‌های قابل قیاسی بیابد تا در زمینه برقراری

پوشش دیپلماتیک برای پرسنل مگ، به آنها استدلال کند.

۷- پارسی سؤال کرد که در حال حاضر چه تعداد پرسنل مگ در سفارت هستند. وی فرض را بر این قرارداد که تعداد آنها شش نفر است چون وزارت دفاع (آمریکا-م) طبق قوانین آمریکا مجاز به پرداخت حقوق به بیش از شش مستشار نظامی در خارج از آمریکا نیست و تمام قوانینی که به دولت موقت ایران اجازه می‌داد به مستشاران نظامی خارجی حقوق پرداخت نماید، حال لغو شده است. نظریه: سفارت فهرست اسامی هفت نفر را به عنوان پرسنل مگ در اختیار پارسی قرار خواهد داد و به وی خواهد گفت که حقوق بعضی از پرسنل تا اول اکتبر (۹ مهرماه-م) از طریق صندوق تأمین اعتبار، پرداخت خواهد شد و پس از اول اکتبر تعداد پرسنل این گروه از هفت به شش نفر تقلیل خواهد یافت. پرسنل اضافی نیز تنها به صورت مأمور موقت وارد کشور خواهند شد.

۸- اقدام مورد تقاضا: موجب امتنان خواهد شد اگر وزارت دفاع یا وزارت خارجه (آمریکا-م) چند نمونه از مواردی که پرسنل نظامی خارجی در آمریکا، غیر از وابسته‌های نظامی، از امتیازات مصونیت دیپلماتیک برخوردار شده‌اند را به ما اطلاع دهد؛ همچنین اگر نحوه عمل ما در کشورهایی که مانند ایران در آنها موافقتنامه وضعیت نیروها وجود ندارد، بیان شود مفید خواهد بود.

۹- نظریه: در نامه‌ای به تاریخ ۴ سپتامبر ۷۹ (۱۳ شهریور ۵۸-م) به وزارت دفاع ملی (ایران-م) با عنوان نامگذاری مجدد پرسنل مگ، نماینده ارشد دفاعی آمریکا به «پایان عملکرد پرسنل مستشاری آمریکا در نیروهای مسلح ایران» اشاره کرد و از وزارت دفاع ملی درخواست همکاری به منظور نامگذاری مجدد و مناسب هیئت نظامی آمریکا را نمود. با وجود پیگیری ما، هنوز پاسخی دریافت ننموده‌ایم. موضوع انتقال مثبت از هر گونه رابطه مستشاری، از طرف دولت ایران دنبال خواهد شد و این مسئله به موقعیت ما کمک خواهد کرد.

۱۰- این موضوع تا آنجایی که به وزارت خارجه (ایران-م) مربوط می‌شود، مسئله‌ای بسیار جدی است، خصوصاً تا آنجایی که ما خبر داریم، پارسی همکاری نزدیکی با وزیر امور خارجه، یزدی دارد. با این حال ما نمی‌دانیم که این تماسها به گونه‌ای با وزارت دفاع هماهنگی شده است یا خیر. ما مایل به حل این مسئله در سکوت کامل و در پایین‌ترین سطح ممکن هستیم. این گفته پارسی که این مسئله برای دولت موقت فوق‌العاده حساس و حائز اهمیت اساسی می‌باشد، صحیح است. آیت الله خمینی با مبارزه علیه قانون ۱۹۶۴، نام خود را به صورت اساسی مطرح کرد و ما شک داریم که او در حال حاضر از وضعیت خاص پرسنل مگ مطلع باشد. در صورت علنی شدن موضوع، ما خواهیم توانست که به خوبی راههایی برای حل و فصل قضیه بیابیم، که تاکنون به خاطر لفاظیهای ملی‌گرایانه بسته بود. لینگن

سند شماره (۱۰۲)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی - فوری رونوشت به: وزارت دفاع - واشنگتن دی - سی
طبقه بندی: خیلی محرمانه
تلگرام شماره ۱۰۹۲۶
مرجع: تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۳۶

۱- (کل متن، خیلی محرمانه است).

۲- پاسخ هر چه سریعتر (وزارت امور خارجه آمریکا - م) به تلگرام مرجع، موجب قدردانی این سفارتخانه خواهد شد.
لینکن

سند شماره (۱۰۳)

از: وزارت خارجه - واشنگتن، دی - سی
به: سفارت آمریکا - تهران، فوری
مرجع: (الف) تلگرام سفارت به شماره ۱۰۳۳۶، (ب) تلگرام سفارت به شماره ۱۰۹۲۶
موضوع: مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برای پرسنل مگ

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- در پیگیری موضوع امتیازات و مصونیتهای دیپلماتیک پرسنل مگ با وزارت خارجه (ایران - م)، باید به دولت موقت ایران خاطر نشان سازید که در رابطه با آن دسته از پرسنل نظامی که در برنامه فروشهای نظامی خارجی مسئولیتهای مدیریتی دارند، انتصاب پرسنل اداره کمکهای امنیتی به عنوان بخشی از کارمندان سفارت، مطابق با عرف جهانی است. در قراردادهای بسیاری که در سراسر جهان منعقد گشته (برای مثال بلژیک، دانمارک، آلمان غربی، پاکستان و کویت) این نوع پرسنل به عنوان بخشی از هیئت دیپلماتیک ایالات متحده عمل کرده و از مصونیتها و امتیازات سیاسی مطابق با درجه و وظیفه خویش بر طبق کنوانسیون وین برخوردار می شوند.

۳- توصیف وزارت امور خارجه (ایران - م) از پرسنل آرمیش - مگ به عنوان «مستشاران نظامی» و اعضاء هیئت نظامی آمریکا در ایران، وظایف جاری آن افراد یا افراد مشابه آنها در سراسر جهان را به خوبی منعکس نمی نماید. پرسنل مگ، دیگر براساس قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران خدمت نمی نمایند. آنها بر اساس مفاد بخش ۵۱۵ (C) لایحه کمک خارجی که وظایف اصلی آنها را به حسابداری و دیگر مسئولیتهای اداره کمکهای امنیتی محدود می کند، به این کشور مأمور شده اند. آنها این وظایف را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت و تحت نظارت و دستورات ریاست هیئت دیپلماتیک انجام می دهند. پرسنل کمکهای امنیتی (مگ) در تهران، به منظور ایفای نقش رابط در آنجا بسر می برند و باید به امور مربوط به فروشهای نظامی خارجی یاری برسانند. حضور آنها به نفع ایران است. بدون حضور پرسنل مگ در تهران، ایجاد تماس در مسائل مربوط به فروشهای نظامی خارجی بسیار سخت و موجب اتلاف وقت بسیار خواهد بود. به منظور انعکاس تغییرات ایجاد شده در وضعیت گروه جدید نظامی شش نفره، ما از آنها به عنوان دفتر روابط دفاعی در ایران یاد می کنیم.

۴- مصونیت دیپلماتیک برای پرسنل اداره کمکهای امنیتی، امری غیر عادی نیست. سفارت باید به

وزارت خارجه (ایران - م) تأکید نماید که انتصاب افرادی نظیر پرسنل مگ به عنوان بخشی از کارمندان یک سفارت (با امتیازات مربوطه) چه در خارج از آمریکا و چه در واشنگتن، امری کاملاً عادی است. تعدادی از دولتهای خارجی، فروشهای نظامی خارجی خود و امور مربوط به کمکهای امنیتی را از طریق سفارتخانه‌های خود در واشنگتن انجام می‌دهند. بعضی از کشورها نیز تعداد کارمندان سفارت خود را به همین منظور افزایش داده و پرسنل نظامی خارجی که به این ترتیب به سفارتخانه‌هایشان مأمور می‌شوند، به صورت عادی به عنوان کارمندان سفارت به دولت آمریکا معرفی شده و متناسب با درجه و وظیفه خود در سفارت از مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مطابق با کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک برخوردار می‌شوند. به عنوان مثال، چندین تن از اعضای دفتر نیروی دریایی ایران در واشنگتن به عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت ایران به وزارت امور خارجه (آمریکا - م) معرفی شده و مورد قبول واقع شده‌اند.

۵- شاید سفارت مایل باشد که به صورت شفاهی، یا یک یادداشت «خلاصه مطالب» و یا از طریق ارسال یک یادداشت دیپلماتیک، نکات ذیل را در مذاکرات مطرح نماید: نقل پس از جمله تعارفات معمول... دولت ایالات متحده یک دفتر جدید رابط دفاعی را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت ایالات متحده در تهران تشکیل داده است. پرسنل این دفتر تحت نظارت و طبق دستور ریاست هیئت نمایندگی دیپلماتیک ایالات متحده در ایران انجام وظیفه می‌نمایند. هدف این دفتر کمک به ریاست هیئت نمایندگی در اداره و حساسی مالی برنامه کمکهای امنیتی برای ایران است. این کمک به نفع جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد. پرسنل دفتر رابط دفاعی، مستشاران نظامی نیستند تا مانند اعضای آرمیش - مگ که بر طبق قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران مشغول به کار بودند از دولت ایران حقوق دریافت دارند.

دفتر رابط دفاعی تشکیل شده از:

(الف) نظامی:

- رئیس دفتر رابط دفاعی
- افسر لجستیکی (نیروی هوایی)
- افسر لجستیکی (نیروی زمینی)
- افسر لجستیکی (نیروی دریایی)
- مدیر برنامه اف - ۱۴ (نیروی دریایی)
- درجه‌دار اداری

(ب) غیر نظامی:

- دستیار بودجه اداری
- منشی تند نویس
- کلیه پرسنل دفتر رابط دفاعی اعم از نظامی و غیر نظامی، اعضاء ستاد اداری و فنی سفارت محسوب می‌شوند.

بر طبق کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (که ایران نیز یکی از

امضاءکنندگان آن است) دولت آمریکا مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مربوطه را که شامل مصونیت از دعاوی جنایی می‌باشد، زمانی به پرسنل دفتر رابط نیروی دریایی ایران در واشنگتن اعطا می‌کند که این پرسنل طبق عرف معمول، از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرسنل سفارت ایران به دولت آمریکا معرفی شوند. این رویه، عرف معمول برای پرسنل نظامی کشورهای خارجی که مأمور به انجام وظایف رابط دفاعی، به عنوان بخشی از کارمندان سفارتخانه‌هایشان در واشنگتن می‌باشند، است. کشورهای دیگر جهان نیز روشهای مشابهی را اعمال می‌کنند.

به همین خاطر، سفارت ایالات متحده آمریکا از دولت ایران تقاضا دارد که پرسنل دفتر رابط دفاعی را به عنوان اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران بپذیرد و پس از معرفی این نوع پرسنل به وزارت خارجه (ایران - م) این پرسنل را طبق عرف معمول از مصونیتها و امتیازات مربوطه برخوردار سازد... عبارت تعارفات اختتامی. (پایان نقل).

۶- وزارت دفاع آمریکا اقدامات لازم را در رابطه با انتصاب شش نفر پرسنل نظامی، برخوردار از حمایت غیر نظامی ایالات متحده و حمایت ملی محلی برای سازمان اداره کمکهای امنیتی در ایران، به عمل آورده است. در صورت موافقت شما، باید گفته شود که این هیئت علاوه بر هشت سمت فوق‌الذکر شامل یک مترجم حضوری، یک منشی و دو راننده که همگی از کارمندان غیر آمریکایی خواهند بود، می‌باشد.

۷- از نظر حقوقی برای به رسمیت شناختن مصونیتها و امتیازات مربوطه برای این پرسنل توسط دولت میزبان، قرارداد کتبی جداگانه و یا مبادله یادداشت‌های دیپلماتیک ضرورتی ندارد، زیرا کنوانسیون وین و عرف معمول دیپلماتیک این موضوع را شامل می‌شود. با این حال، عاقلانه خواهد بود که نوشته‌ای وجود داشته باشد که نشان دهد دولت موقت ایران این چنین وضعیتی را برای کارمندان دفتر رابط دفاعی پذیرفته است.

سند شماره (۱۰۴)

تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۷ آبان ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه ایران

یادداشت شماره ۷۰۸

سفارت ایالات متحده آمریکا به اطلاع وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌رساند که دولت ایالات متحده یک دفتر جدید رابط دفاعی را به عنوان بخشی از کارمندان سفارت ایالات متحده در تهران تشکیل داده است. پرسنل این دفتر تحت نظارت و طبق دستور ریاست هیئت نمایندگی دیپلماتیک ایالات متحده انجام وظیفه می‌نمایند. هدف این دفتر کمک به ریاست هیئت نمایندگی در اداره و حسابرسی مالی برنامه کمکهای امنیتی برای ایران است. پرسنل دفتر رابط دفاعی، مستشاران نظامی نیستند تا مانند اعضاء آرمیش - مگ که بر طبق قرارداد ۱۹۴۷ هیئت نظامی در ایران مشغول به کار بودند، از دولت ایران حقوق دریافت دارند.

دفتر رابط دفاعی تشکیل شده از:

(الف) نظامی:

- رئیس دفتر رابط دفاعی
- افسر لجستیک (نیروی هوایی)
- افسر لجستیک (نیروی زمینی)
- افسر لجستیک (نیروی دریایی)
- هماهنگ کننده فروشهای نظامی خارجی (نیروی دریایی)
- درجه دار اداری

(ب) غیر نظامیان:

- دستیار بودجه اداری
 - منشی تندنویس
- کلیه پرسنل دفتر رابط دفاعی اعم از نظامی و غیر نظامی، اعضاء ستاد اداری و فنی این سفارت خانه محسوب می شوند.

بر طبق کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (که ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است) دولت آمریکا مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک مربوطه را که شامل مصونیت از دعاوی جنایی می باشد، زمانی به پرسنل دفتر رابط نیروی دریایی ایران در واشنگتن اعطاء می کند که این پرسنل طبق عرف معمول، از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرسنل سفارت ایران به دولت آمریکا معرفی شوند. این رویه، عرف معمول برای پرسنل نظامی کشورهای خارجی که مأمور به انجام وظایف رابط دفاعی، به عنوان بخشی از کارمندان سفارتخانه هایشان در واشنگتن می باشند، است. کشورهای دیگر جهان نیز روشهای مشابهی را اعمال می کنند.

به همین خاطر، سفارت ایالات متحده آمریکا از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا دارد که پرسنل دفتر رابط دفاعی را به عنوان اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران بپذیرد و پس از معرفی این نوع پرسنل به وزارت امور خارجه (ایران - م) طبق عرف معمول، آنها را از مصونیتها و امتیازات مربوط به همتایان آنها در هیئت برخوردار سازد.

سفارت ایالات متحده آمریکا فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران معتنم می شمرد.

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹

مشاور سیاسی سفارت: الیزابت. ای. سويفت

گواهی می شود: تامست

رونوشت برای:

وزارت خارجه (اداره چهارم سیاسی - پارساکیا و پارسى)

نسخه اصلی برای حسن اعتصام، مدیر کل سیاسی (اروپا و آمریکا)

در میان اسناد مربوط به «احیای کاپیتولاسیون»، مقاله ای از نشریه میدل ایست جورنال یافت شد.

این مقاله که توسط یک محقق آمریکایی در بهار سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳-م) نوشته شده، حاوی اطلاعات مفید و جالب توجهی در مورد زمینه و سابقه درخواست مصونیت برای نظامیان آمریکایی در کشورهای مختلف از جمله ایران می‌باشد، که در نشریه میدل ایست جورنال، شماره بهار ۱۹۷۴، صفحات ۱۲۱ تا ۱۳۳ درج گردیده است. به همین خاطر، در خاتمه اسناد مربوط به این موضوع، این مقاله نیز در دسترس خوانندگان قرار گرفت.

وضعیت حقوقی نیروهای آمریکا در ایران

ریچارد فاو^۱

هنگامی که شاهنشاه ایران در ژوئیه ۱۹۷۳ (تیر ماه ۱۳۵۲-م) از واشنگتن بازدید کرد، مقامات آمریکایی وی را تشویق به بررسی پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی در زرادخانه آمریکا یعنی هواپیماهای اف - ۱۴ و اف - ۱۵ جهت پیوستن به نیروی هوایی ایران نمودند. این تشویق، گواهی بر تغییری عمده در موضع آمریکا نسبت به تمایل دیرینه ایران برای به دست آوردن سلاحهای پیچیده از ایالات متحده محسوب می‌گردد.

این موضع جدید که بر خلاف مقاومت آمریکا در مقابل خریدهای تسلیحاتی ایران در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود، به روشنی نشان می‌داد که ایالات متحده تواناییهای جدیداً توسعه یافته اقتصادی و سیاسی ایران را به رسمیت شناخته بود. قبل از آن، در سال ۱۹۷۳ ایالات متحده با دو برابر شدن هواپیماهای اف - ۴ و سی - ۱۳۰ ایران، تجهیز ایران به یک اسکادران از سوخت‌رسانهای هوایی، و همچنین افزودن صدها فروند هلیکوپتر شامل هلیکوپترهای ترابری و جنگی و هواپیماهای ضد زیر دریایی موافقت نمود. شاه حتی به یک خبرنگار گفت در حال دریافت سیستم بمبهای هدایت شونده لیزری می‌باشد که مؤثرترین سلاح پرتابی رزمی است که در نیروی هوایی ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

به منظور کمک به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران برای گنجاندن تجهیزات جدید در میان تسلیحات قبلی، ایالات متحده با تقویت آرمیش - مگ (هیئت نظامی آمریکا در ایران) موافقت نمود.^۳ حال که آرمیش - مگ نقش وسیعی را در ایران پیدا می‌کند، مناسب به نظر می‌رسد که وضعیت حقوقی مستشاران آمریکایی در ایران بررسی گردد.

بر خلاف موافقتنامه‌های وضعیت نیروها (SOFAS) که بر بیشتر نیروهای آمریکا در ماوراء بحار حاکم است، قوانین ایران اختیارات قضائی انحصاری بر همه پرسنل را در همه زمانها به ایالات متحده واگذار می‌نماید. در این‌گونه موارد، ایران از همه پرسنل را در همه زمانها به ایالات متحده واگذار می‌نماید. در این‌گونه موارد، ایران از حق خود برای تحت پیگرد قرار دادن صرف‌نظر کرده، حتی اگر مقامات

۱- ریچارد فاو دانشجوی دکترای تاریخ دیپلماسی آمریکا در دانشگاه ویرجینیا می‌باشد. نگارنده خود را مرهون راهنماییهای پرفسور روح‌اله رمضانی (استاد دانشگاه ویرجینیا) در امر تحقیق و بررسی پیش نویسه‌های متعدد این مقاله می‌داند. با این حال، مسئولیت مطالب و تفاسیر این مقاله منحصرأ بر عهده نگارنده می‌باشد.

۲- نشریه کیهان اینترنشنال (تهران)، سوم مارس ۱۹۷۳، ص ۱.

۳- نشریه کیهان اینترنشنال (تهران)، ۲۶ ماه می ۱۹۷۳، ص ۲.

آمریکایی مایل به پیگیری قضیه نباشند. این نوع حقوق برون مرزی، بسیاری از ایرانیها را به یاد «کاپیتولاسیون» اولیه که در سایه آن خارجی‌ان از امتیازات مشابهی برخوردار بودند، می‌اندازد. اهداف این مقاله عبارت است از:

۱- توصیف ارزیابی تفکر آمریکا درباره حقوق برون مرزی، ۲- تبیین اینکه چگونه توافق ایران - آمریکا درباره وضعیت نیروهای ایالات متحده در ایران از اثرات متقابل بین تلقی کلی ایالات متحده و فشار ناشی از مدرن‌سازی در ایران منتج گردیده است و ۳- پیشنهاد اقدامات جایگزین جهت بررسی.

بخش اول

در ورای حرکت آمریکا در جهت کسب حقوق برون مرزی در ایران، یک دهه توأم با فشار به منظور کسب حقوق برون مرزی برای پرسنل نظامی آمریکا در همه جا وجود داشته است. با تشکیل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸- م) که اولین تعهد زمان صلح جهت استقرار مستمر نیروهای آمریکایی در خارج از نیمکره غربی محسوب می‌گردید، نگرانی آمریکا درباره وضعیت حقوقی پرسنل خود در ماوراء بحار آغاز شد. در فوریه سال ۱۹۵۰ (بهمن ماه ۱۳۲۸- م) وزارت دفاع آمریکا شروع به تهیه یک پیش‌نویس برای موافقتنامه وضعیت نیروها کرد، تا روال کارهای قضائی را برای برخورد با قانون‌شکنان در بین نیروهای آمریکایی، به صورت سیستماتیک در آورد. هر دو وزارتخانه دفاع و امور خارجه آمریکا امیدوار بودند تا حیطه قضائی وسیعی در خصوص (۱) کلیه تخلفاتی که صرفاً علیه اموال، امنیت یا پرسنل نظامی آمریکا انجام شده و (۲) کلیه تخلفاتی که در حین انجام وظیفه صورت گرفته است، کسب کنند.

اختیارات قضایی انحصاری به حقوق برون مرزی منجر گردید که نیروهای امپریالیست به طور تاریخی آن را بر اتباع خود در مناطق «عقب مانده» یا «کمتر متمدن» اعمال می‌کردند. ولی غیر از یکی از اعضاء ناتو، بقیه اعضاء همگی از کشورهای غربی مسیحی بودند و استثناً مورد نظر نیز ترکیه بود که غیر مذهبی‌ترین و اروپایی‌ترین کشور اسلامی محسوب می‌گردید. ایالات متحده نمی‌توانست حقوق برون مرزی را بر اساس زمینه‌های تفوق نژادی یا فرهنگی توجیه نماید. دکترین استعماری نیز مناسبی نداشت، زیرا ناتو حداقل اسماً برای هدف مشترکی به نام «توقف توسعه طلبی شوروی» تشکیل شده بود. از آنجا که ایالات متحده، متحدین خود را جهت حفظ دیوار بازدارندگی لازم داشت، لذا نمی‌توانست آنها را به پذیرش حقوق برون مرزی مجبور سازد. بنابراین وضعیت نیروهای آمریکایی که در کشورهای ناتو خدمت می‌کردند، قابل مذاکره بود و نه قابل دیکته کردن. هنگامی که سایر کشورهای عضو ناتو از اعطای اختیارات قضایی انحصاری امتناع ورزیدند، مذاکره کنندگان آمریکایی مصالحه‌ای مبنی بر اختیارات قضایی برابر و همزمان را در وهله اول برای کشور اعزام کننده و در وهله دوم برای کشور میزبان، جایی که وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه آمریکا اختیارات قضایی انحصاری و ویژه‌ای داشتند، پذیرفتند.^۱

۱- شهادت «رابرت مورفی»، قائم مقام وزیر امور خارجه، در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، جلسه موافقتنامه‌های وضعیت نیروها، هشتاد و چهارمین کنگره، اولین جلسه، ۱۹۵۵ (۱۳۳۴- م) صفحات ۳۸۴ و ۳۸۴:
«رسیدگی قضایی برابر به دو سطح اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. دولتی که رسیدگی اولیه را اعمال می‌کند، حق دارد که اولاً متهم را محاکمه کند

در جلسه کمیته روابط خارجی مجلس سنا در آوریل ۱۹۵۳ (فروردین ۱۳۳۲-م) بعضی از سناتورها درباره حقوق قانونی آمریکاییانی که برخلاف میل خود تحت پیگرد سیستم قضایی بیگانه‌ای قرار می‌گرفتند، ابراز نگرانی کردند. برای مثال، سناتور «ویلیام. اس. ناولند» اظهار نگرانی کرد که در کشورهای خاورمیانه، آمریکاییان در معرض بیرحمیهای غیر قانونی و مجازاتهای غیر عادی از قبیل قطع دست برای ارتکاب دزدی خواهند بود. حتی اگر در آن موقع سخنگوی وزارت خارجه به کمیته اطمینان می‌داد که قوانین اسلامی بر هیچ فرد غیر مسلمان اعمال نمی‌گردد، انتقاد از موافقتنامه‌های وضعیت نیروها، شبیح عجیب عدالت خاورمیانه‌ای را به دفعات زیاد در سالهای بعد زنده نگاه می‌داشت. اگر چه سنا به راحتی موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو را تصویب کرد، لیکن نگرانی محافظه کارانه خود را در چارچوب قطعنامه «احساس سنا» به آن ضمیمه کرد. این قطعنامه تأکید می‌کرد که «اگر این خطر وجود داشته باشد که متهم به علت فقدان یا رد حقوق قانونی‌ای که در ایالات متحده از آن برخوردار می‌باشد، تحت حمایت قرار نگیرد، افسر فرمانده از مقامات کشور میزبان خواهد خواست تا از اختیارات قضایی خود صرف نظر نماید... و اگر چنین مقاماتی از اختیارات قضایی خود چشم پوشی نکنند، افسر فرمانده از وزارت امور خارجه خواهد خواست تا چنین تقاضایی را از کانالهای دیپلماتیک اعمال کند و مراتب به وسیله قوه مجریه به کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا و مجلس نمایندگان اطلاع داده خواهد شد.

بدون اتکاء صرف به اظهار این نگرانی، کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا یک کمیته فرعی تشکیل داد تا بر نحوه برخورد با نیروهای آمریکایی که تحت پیگرد سیستم قضایی بیگانه‌ای قرار می‌گیرند، دقیقاً نظارت کند. از سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴-م) سالانه، سناتور «سام. جی. اروین»، رئیس کمیته فرعی، جلساتی را اداره کرده که در آنها، وزارت دفاع درباره موافقتنامه‌های وضعیت نیروها در ناتو و سایر موافقتنامه‌های مشابه، گزارش کار می‌داد. در جلسات اولیه، سر تیب «جورج. دبلیو. هیکن» معاون دادستان کل ارتش، طرز تفکر وزارت دفاع را نسبت به موافقتنامه ناتو این‌گونه جمع بندی کرد:

این عقیده وزارت دفاع است که ترتیبات قضایی تعیین شده به وسیله موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو، فقط به عنوان «حداقل قابل قبول» می‌باشد. ما می‌خواهیم همه آنها را به کار گرفته و همه آنها را در داخل محدوده‌های نظامی خارجی حفظ کنیم.

سازمانهای میهن پرست، تحت رهبری «دختران انقلاب آمریکا» و «لژیون آمریکا» شروع به مذاکره با نمایندگان در راهروهای کنگره نموده و علیه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو در سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴-م) مذاکره کردند. گروهی که نام خود را مدافعین قانون اساسی آمریکا گذاشته بودند، نماینده‌ای نزد کمیته فرعی اروین فرستادند تا در مورد قضیه سربازی که به علت ربودن یک تاکسی به هنگام مستی روز تعطیل در فرانسه زندانی شده بود، اقامه دعوی کنند. کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان به عنوان پاسخی به احساسات عمومی برانگیخته شده علیه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو، جلسات خود را به این امر اختصاص داد. در آن جلسات، سخنرانانی از جمله دختران انقلاب آمریکا، لژیون آمریکا، مدافعین قانون اساسی آمریکا، کهنه سربازان جنگهای خارجی و کنفرانس زنان

و یا از این حق خود صرف نظر نماید. در حالت دوم، دولتی که رسیدگی ثانویه را اعمال می‌کند، می‌تواند متهم را محاکمه نماید. این مصالحه در ماده هفتم از موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو بیان شده است.

میهن پرست، همگی در تأیید اختیارات قضایی انحصاری آمریکا بر نیروهای ماوراء بحار صحبت کردند.^۱ این حرکت در سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵-م) پس از آنکه ژنرال هیکن به کمیته اروین گفت که موافقتنامه به خوبی کار می‌کند و دادگاه ناحیه واشنگتن دی - سی. ایالات متحده غیر قانونی بودن موافقتنامه وضعیت نیروها با ژاپن را تأیید کرد، خاتمه یافت. هم کمیته امور خارجی و هم مجمع عمومی مجلس، قطعنامه‌هایی مبنی بر درخواست اختیارات قضایی انحصاری صادر کردند.^۲

در اواخر ماه می ۱۹۵۷ (اوایل خرداد ۱۳۳۶-م) قضیه معروف «گیرارد» آتش مخالفتها را که در حال سرد شدن بود، دوباره علیه موافقتنامه‌های موجود درباره وضعیت نیروها، شعله‌ور ساخت. در ۳۰-ژانویه ۱۹۵۷ (۱۰ بهمن ۱۳۳۶-م) «ویلیام. اس. گیرارد»، متخصص درجه سوم، یک زن ژاپنی را که مشغول جمع کردن پوکه فشنگ در میدان تیر مورد استفاده ارتش ایالات متحده بود، مورد هدف قرار داده و کشته بود. مقامات ژاپنی تأکید داشتند که عمل گیرارد خارج از حیطه وظایف وی بوده است. پس از چندین ماه جر و بحث، واشنگتن این موضوع را پذیرفت. مخالفین موافقتنامه‌های وضعیت نیروها پس از آنکه دولت آیزنهاور اعلام کرد که گیرارد در یک دادگاه ژاپنی محاکمه خواهد شد، سریعاً افکار عمومی را بسیج کردند. کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان، موضع اولیه خود را با دادن رأی مثبت به اصلاح همه موافقتنامه‌های وضعیت نیروها جهت اعطای اختیارات قضایی انحصاری به ایالات متحده، تغییر داد. همچنان که گزارشهای محدودی حکایت می‌کرد «آشکار است که احساسات عمیقاً تحریک شده به وسیله قضیه گیرارد، اثرات خود را بر این تغییر موضع، بر جای گذاشت». در اوائل ژوئیه، مخالفین موافقتنامه‌های وضعیت نیروها دوباره شکست خوردند. فشار دولت، حرکت اصلاح طلبانه در مجلس نمایندگان را متوقف نمود و دادگاه عالی، تصمیم دولت را در مورد تسلیم نمودن گیرارد به دادگاههای ژاپنی، مطابق قانون اساسی اعلام نمود. را در مورد تسلیم نمودن گیرارد به دادگاههای ژاپنی، مطابق قانون اساسی اعلام نمود.^۳

علیرغم ناکامی مخالفین در اصلاح موافقتنامه‌های موجود وضعیت نیروها، نمایندگان خاصی از کنگره به مخالفت لفظی خود ادامه دادند. آن چنانکه، نماینده مجلس «فرانک. تی. باو» در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸-م) گفت: «من بار دیگر در صحن این مجلس ایستاده‌ام و نمی‌توانم همکاران خود را متقاعد سازم که سربازان آمریکا که مشغول خدمت در ماوراء بحار در یونیفورم ایالات متحده هستند و از پرچم خودشان در هر جایی که می‌روند، پیروی می‌کنند، از حقوق قانونی‌ای که به آنها اعطاء شده محروم می‌باشند.» یک سال بعد، نماینده کنگره «پیتر رودنیو» گفت: «اکنون سال ۱۹۶۰ است، پسران ما در حوزه قضایی بیگانگان و تحت پوشش موافقتنامه‌هایی قرار دارند که علیرغم مخالفت کنگره به همان صورت اول باقی مانده است». چنین اظهاراتی به قوه مجریه هشدار می‌داد که مخالفت کنگره نسبت به موافقتنامه‌های وضعیت نیروها تا چه حد شدید است.

یک دهه پس از آنکه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو مورد مذاکره قرار گرفت، دو منبع مخالفت علیه «اختیارات قضایی برابر» باقی ماند. اول، گروههای فشار میهن پرست و تعدادی از نمایندگان

۱- نیویورک تایمز، ۲۱ آوریل ۱۹۵۵، ص ۷-اول ژوئیه ۱۹۵۵ ص ۵-۱۸ ژوئیه ۱۹۵۵، ص ۴۲.

۲- نیویورک تایمز، ۲۷ می ۱۹۵۶، ص ۲-۹ ژوئن ۱۹۵۶، ص ۱.

۳- نیویورک تایمز، ۲۵ می ۱۹۵۷، ص ۳-۵ ژوئن ۱۹۵۷، ص ۴.

کنگره که آماده دفاع از چیزی بودند که به اعتقاد آنها، حقوق قانونی سربازان آمریکایی محسوب می‌گردید. دوم، وزارت دفاع آمریکا که امیدوار بود اختیارات قضایی خود را در مورد کلیه پرسنل خود در همه جا اعمال کند. اگر چه تا سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸-م) این مخالفتها از قدرت کافی برای اعمال فشار بر کنگره جهت اصلاح موافقتنامه وضعیت نیروها بی بهره بود، ولی قدرت آنها برای محدود کردن قدرت انعطاف وزارت خارجه در مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های بعدی وضعیت نیروها کافی بود. بدون شک، دیپلماتها متوجه بودند که تکرار مواردی مانند قضیه گیرارد مطمئناً می‌توانست اعتراض عمومی را در پی داشته باشد. ما اکنون اثرات فشار خاص وزارت دفاع را برای امضاء یک موافقتنامه با ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بخش دوم

وزارت دفاع آمریکا در طی سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸-م) شروع به پیش بردن کار خود برای یک موافقتنامه خاص درباره هیئتهای مستشاری در ایران نمود. این هیئتها به زمان جنگ جهانی دوم مربوط می‌شدند، ولی هیچ نوع موافقتنامه رسمی که بر وضعیت آنها در مقابل قوانین ایران حاکم باشد. وجود نداشت. گزارش مکتوب وزارت دفاع آمریکا به کمیته فرعی اروین در اوت ۱۹۵۹ (مرداد ماه ۱۳۳۸-م) اعلام نمود که ایران از چشم‌پوشی از اختیارات قضایی خود در مورد هر یک از چهار آمریکایی که طی سال گذشته قوانین ایران را نقض کرده بودند. امتناع ورزیده بود. پنتاگون نیز به کمیته اروین گزارش داد که «فرمانده نظامی ایالات متحده اطلاع داده که فقدان هر نوع موافقتنامه قضایی با دولت ایران، اثرات سویی بر روحیه فرماندهی بر جای گذاشته است.»

ایران یکی از نزدیکترین دوستان آمریکا در خاورمیانه بود. در طی سالهای بعد از سرنگونی دولت جبهه ملی، ایران نسبت به موضع آمریکا در جنگ سرد بشدت وفادار مانده بود. پیمان بغداد تا قبل از کودتای عراق در سال ۱۹۵۸ که اوضاع را در خاورمیانه تغییر داد، نشانگر نوع روابط بود. سپس ایالات متحده و ایران پیمان دو جانبه‌ای را در مارس ۱۹۵۹ (اسفند ۱۳۳۷-م) منعقد ساختند. اعمال فشار ناگهانی وزارت دفاع برای امضاء یک موافقتنامه وضعیت نیروها در ایران، به فاصله پنج ماه پس از امضاء توافقنامه دوجانبه، به سختی تصادفی به نظر می‌رسد. ایالات متحده همچنین پیمان دو جانبه‌ای را که با ترکیه به امضاء رسانده بود و در جلسه اوت ۱۹۵۹ (مرداد ماه ۱۳۳۸-م) وزارت دفاع از ترکیه همانند وضعیت قضایی ایران شکایت کرده بود. ظاهراً وزارت دفاع فکر کرده بود که پیمانهای دو جانبه، موقعیتی برای افزایش اختیارات قضایی بر پرسنل ماوراءبهار به وجود آورده بود.^۱ مسئله حقوق برون مرزی برای ایران موضوع حساسی به شمار می‌رفت. تنها در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷-م) بود که این کشور حاکمیت خود را با الغاء «کاپیتولاسیون» اولیه، مجدداً برقرار کرده بود. وزارت دفاع آمریکا یا ندانسته و یا زیرکانه، سابقه‌ای را که ایرانیها در رابطه با اصرار آمریکاییان برای اختیارات قضایی انحصاری برای پرسنل آمریکایی مد نظر قرار می‌دادند. نادیده می‌گرفت. این سابقه

۱- روح‌اله رضانی، «خلیج فارس و نقش ایران»، (شارلوت ویل: انتشارات دانشگاه ویرجینیا، ۱۹۷۲) صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷. اینجانب در مورد ارتباط زمانی میان امضاء قرارداد دو جانبه و شروع اعمال فشار از طرف وزارت دفاع آمریکا برای امضای یک موافقتنامه وضعیت نیروها با ایران، خود را مدیون پرفسور رضانی می‌دانم.

برای خبرنگار «نیویورک تایمز» در ژانویه ۱۹۶۰ (دی ماه ۱۳۳۸-م) کاملاً روشن بود.^۱ از آنجا که سفارت آمریکا در تهران به خبرنگار مزبور، مطالبی در رابطه با آن سابقه ارائه می‌داد، فرد می‌تواند به این نتیجه برسد که سفارت از طرز تلقی ایرانیها به خوبی مطلع بوده است.

با این حال، وزارت دفاع فشار خود را در سال ۱۹۶۰، (۱۳۳۹-م) افزایش داد. «بنجامین فورمن» معاون ریاست امور بین‌الملل به کمیته فرعی اروین گفت «تحولات در ایران طی دوره گزارش شده، باعث بروز نگرانی گردیده است.» فورمن تأکید کرد که هیچ نوع موافقتنامه رسمی بر وضعیت مستشاران آمریکایی در نیروهای مسلح و ژاندارمری ایران حاکمیت ندارد. وی همچنین دو مورد را تشریح کرد که هر دو، مربوط به حوادث رانندگی منجر به مرگ ایرانیها بود که در آن دو مورد، ایران را از الغاء اختیارات قضایی خود امتناع ورزیده بود. در یک مورد، یک گروهیان آمریکایی در حال رانندگی کامیون و در حین انجام وظیفه، یک عابر را کشته بود. در صورتی که موافقتنامه‌ای مشابه موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو در این مورد نیز موجود می‌بود، ایالات متحده قطعاً از اختیارات قضایی اولیه می‌توانست استفاده کند. در مقابل، یک دادگاه ایرانی گروهیان را به محاکمه کشاند و وی را مقصر شناخت و او را به دو ماه حبس تعزیری و ۶۵۰ دلار جریمه محکوم کرد. فرجام خواهی از این حکم نیز به این علت که مجازات ملایم بود، معلق ماند. در مورد دیگر، یک سروان در خارج از حین انجام وظیفه، عابر دیگری را کشت که خبر آن در جراید ایالات متحده نیز منعکس گردید. سروان محکوم گردید و به مجازاتی برابر شش ماه زندان محکوم شد. وی درخواست فرجام نمود و یک دادگاه عالی‌تر دستور تشکیل محکمه دیگری را داد که تاکنون تشکیل نگردیده است. در خلاصه گزارش وزارت دفاع آمریکا آمده بود که در سال قبل، ایران هیچ نوع الغای حاکمیت قضایی خود را تضمین نکرده بود.

در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰-م) ایران شروع به ارزیابی مجدد روابط خود با ایالات متحده کرد. دوستی سالهای دهه ۱۹۵۰ شامل میلیونها دلار کمک نظامی و اقتصادی آمریکا شده بود، ولی هنگامی که دولت کندی به قدرت رسید، شاه نگران ادامه آن کمکها گردید. وقتی «آورل هریمن»، سفیر سیار کندی برای تشریح سیاستهای دولت کندی در سراسر جهان، به رم وارد گردید، شاه از وی دعوت نمود تا به تهران سفر کند. هریمن قول داد که ایالات متحده به حمایت خود از استقلال ایران ادامه خواهد داد، ولی برای شاه روشن شد که ایالات متحده در حال از دست دادن علائق خود در ایران می‌باشد. شاه بعداً به سی. ال. سولزبرگر، خبرنگار نیویورک تایمز، گفت: هنگامی که دولت آیزنهاور از ایران خواست تا به مذاکرات خود با شوروی پیرامون امضای یک پیمان عدم تجاوز پایان دهد، ایران با این درخواست موافقت کرد. شاه ادامه داد که اکنون ایالات متحده نسبت به تأمین مالی هزینه ارتقاء سطح نیروهای مسلح ایران به سطح همسایگانش از جمله دشمنش عراق بی‌میل است. سلطنت همچنین مواجه با مخالفت‌های شدید داخلی در بهار سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰-م) گردید. پس از ماهها تظاهرات و شورش، شاه پارلمان را منحل کرده و به نخست‌وزیر اجازه داد از طریق مصوبات هیئت دولت، کشور را اداره کند. در کنفرانس سران در وین، نیکیتا خروشچف، نخست‌وزیر شوروی، به این شرایط به عنوان علائم

سقوط شاه اشاره کرد.^۱

مسئله وضعیت نیروها بر روابط بین ایران و ایالات متحده سایه افکند. طی جلسه کمیته فرعی اروین در ژوئیه ۱۹۶۱ (تیر ماه ۱۳۴۰-م) فورمن دوباره از ایران به عنوان منطقه مشکل آفرین یاد کرد. در سال قبل از آن، شانزده مورد در دادگاههای ایران مطرح شد که از هیچ یک از آنها چشم پوشی نگردید. فشارهای وزارت دفاع آمریکا از طریق این جلسات کنگره ایجاد می شد، وزارت امور خارجه آمریکا را تحت تأثیر قرار می داد، در حالی که وزارت خارجه مایل نبود در «دور» بررسیهای تقنینی در خصوص حمایت از سربازان آمریکایی در خاورمیانه وارد شود. فرماندهان نظامی آمریکایی در ایران نیز بدون شک بر سفارت آمریکا در تهران فشار وارد می کردند. حتی اگر وزارت خارجه احتمالاً متوجه می شد که هدف وزارت دفاع (یعنی اختیارات قضایی انحصاری) به غرور ایرانیان لطمه می زد، نمی توانست در مقابل وزارت دفاع مقاومت کند. مذاکرات غیر رسمی بین سفارت آمریکا و وزارت امور خارجه ایران در اوائل سال ۱۹۶۲ (اواخر سال ۱۳۴۰-م) آغاز شد و در ۱۹ مارس (۲۹ اسفند ۱۳۴۰-م) سفارت آمریکا رسماً تقاضا کرد که به پرسنل نظامی و کارکنان غیر نظامی وزارت دفاع آمریکا و بستگان آنها مصونیت دیپلماتیک داده شود. سفارت پیشنهاد کرد که این کار را می توان با داخل کردن مجموعه نظامی آمریکا در کارمندان اداری و فنی سفارت انجام داد، زیرا امتیازات کارمندان اداری و فنی سفارت به محض اینکه کنوانسیون تازه تصویب وین در خصوص روابط دیپلماتیک از طرف ایران نیز تصویب می شد، تأیید می گردید. دو روز پس از ارائه پیشنهاد سفارت، رئیس جمهور کندی از شاه دعوت نمود، که از واشنگتن دیدن کرده تا رئیس جمهور بتواند طرحهای آمریکا دوباره کمکهای نظامی و اقتصادی آتی را تشریح کند. تئودر سورنسن، مشاور رئیس جمهور، درباره طرز تلقی دولت آمریکا درباره اوضاع ایران در آن زمان چنین نوشت: «در ایران، شاه اصرار داشت به ارتش پر هزینه اش که برای حوادث مرزی و امنیت داخلی بسیار زیاد ولی برای جنگ خارجی کاملاً بی فایده بود، کمک کنیم. به گفته یک مشاور دولتی، ارتش شاه طبق ضرب المثل معروف، به مردی شباهت داشت که آنقدر چاق بود که نمی توانست کارهای کوچک انجام دهد و آنقدر لاغر بود که کارهای سنگین از او بر نمی آمد.»^۲

طی این دیدارها، رئیس جمهور به شاه گفت که در آینده کمکهای خارجی به آمریکا بر توسعه درازمدت تأکید دارد تا قدرت نظامی. سپس در حرکتی که به نظر توهین زیرکانه ای می آمد، کمتر از نیمی از اعضای کنگره در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان که شاه در آنجا سخنرانی کرد، حضور یافتند.^۳

شاه پس از مراجعت از سفر ایالات متحده که به سردی با وی برخورد شد، تصمیم گرفت تا دو کار را انجام دهد: وی شروع به اتخاذ مواضع مستقل در امور بین المللی کرد، یعنی که نسبت به اتحاد خود با ایالات متحده نه خیلی وابسته باشد و نه آن را رد کند و در مرحله دوم نیز برنامه گسترده اصلاحات

۱- نیویورک تایمز، ۱۱ مارس ۱۹۶۱، ص ۳-۱۵. مارس ۱۹۶۱، ص ۱۴-۲۲ ژوئیه ۱۹۶۱، ص ۲۰. تئودر سورنسن، کندی (نیویورک: «هارپر» و «راو»، ۱۹۶۵) صفحات ۵۴۶ و ۵۴۷.

۲- سورنسن، کندی، ص ۶۲۸.

۳- نیویورک تایمز، ۲۲ مارس ۱۹۶۲، ص ۴-۱۳ آوریل ۱۹۶۲، ص ۱-۱۴ آوریل ۱۹۶۲، ص ۱.

اجتماعی را جهت بهبود وضعیت بسیاری از مردم خود در پیش گرفت. در ژوئیه ۱۹۶۲ (تیر ماه ۱۳۴۱-م) آمریکا به پرداخت سالیانه سی میلیون دلار جهت حمایت از ارتش شاهنشاهی ایران پایان داد و در ماه اوت (مرداد ماه ۱۳۴۱-م) لیندون بی. جانسون، معاون رئیس جمهور در تهران توقف نمود، تا از شاه دلجویی کند. جانسون بشدت تحت تأثیر استقبال پر شور ۲۵۰ هزار ایرانی که در مسیر حرکت وی صف کشیده بودند، قرار گرفت. به طوری که وی چندین بار توقف کرده و با مردم دست داد. وی طی ملاقاتهایش، بارها و بارها ادامه تعهد آمریکا نسبت به ایران را مورد تأکید قرار داد. شاه طی ملاقاتهای خصوصی اش با جانسون، مسئله قطع کمک نظامی را پذیرفت. یک ماه بعد، ایران سیاست مستقلتر خارجی خود را با آگاه ساختن اتحاد شوروی مبنی بر اینکه اجازه استقرار پایگاه موشکی خارجی در خاک خود را نخواهد داد، آغاز کرد.^۱

وزارت دفاع آمریکا بر فشارهای خود برای کسب اختیارات قضایی انحصاری ادامه داد، گویی که هیچ موضوع دیگری بین ایران و ایالات متحده وجود نداشت. در گزارش تقدیمی به کمیته فرعی اروین در اوت ۱۹۶۲ (مردادماه ۱۳۴۱-م) وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ایران در مورد ۱۸ فقره جرم ارتكابی در آن کشور طی سال گذشته از اختیارات قضایی خود به هیچ وجه چشم‌پوشی نکرده است. تا آن تاریخ، ایران حتی یک مورد چشم‌پوشی را نیز تضمین نکرده بود. مقامات آمریکایی بایستی از حساسیت ایرانیان در شرایطی که حق حاکمیت این کشور مطرح باشد، آگاه می‌بودند، ولی وزارت دفاع آمریکا از تقاضای خود برای «کسب حقوق برون‌مرزی» کوتاه نمی‌آمد. از آنجا که توافقنامه‌ای در بین نبود، فورمن به سناتور اروین گفت: «بعضی از دشواریها خاصه در رابطه با تصادفات ادعایی وسایط نقلیه رخ داده و یک مشکل روحی پیش آورده است.»

شاه «انقلاب سفید» خود را در رابطه با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در ژانویه ۱۹۶۳ (دی ماه ۱۳۴۱-م) آغاز کرد و یک رفتارندم عمومی، برنامه وی را مورد تصویب قرار داد. این انقلاب به نظر می‌رسید که پایه قدرت رهبران مذهبی ایران را در چند جبهه مورد تهدید قرار می‌داد، اصلاحات ارضی بر نقش آنها به عنوان متولیان اراضی وقفی خاتمه می‌داد. سکولاریسم، نفوذ آنها را در تعلیم و تربیت کاهش داده و تساوی حقوق زنان به نظر می‌رسید که بشدت با اصول اسلامی در تعارض باشد. در ژوئن (خرداد ماه ۱۳۴۲-م) رشد نارضایتی منجر به انفجار شورش در تهران گردید که شاه از آن به عنوان بهانه‌ای برای نابود کردن مقاومت آشکار مخالفین سیاسی و مذهبی خود بهره‌برداری کرد. به همین خاطر، شاه از این بحران بسیار قوی‌تر از قبل بیرون آمد.^۲ انقلاب سفید به پیش رفت، انتخابات برگزار گردید و مجلس در اکتبر سال ۱۹۶۳ (مهر ماه ۱۳۴۲-م)، ۲۹ ماه پس از انحلال آن به وسیله شاه، بازگشایی گردید.

در این حال ایالات متحده به حرکت خود به منظور کسب اختیارات قضایی انحصاری بر نیروهایش در ایران ادامه می‌داد. در مارس ۱۹۶۳ (اسفندماه ۱۳۴۱-م) وزارت خارجه ایران به

۱- رامش سنگه وی، آریامهر: شاه ایران (لندن: مک میلان، ۱۹۶۸) صفحات ۲۷۳ تا ۲۷۸-روح‌اله رمضانی، «تحول سیاست آمریکا در خاورمیانه»، ویرجینیا کوارترلی ریویو، ۱۹۶۴، صفحات ۳۶۳ تا ۳۸۲-نیویورک تایمز، ۲۵ اوت ۱۹۶۲، ص ۵-روح‌اله رمضانی، «تحول سیاست خارجی ایران»، میدل ایست جورنال، ۱۹۷۰، ص ۴۳۲.

۲- رمضانی، «تحول سیاست خارجی ایران»، ص ۴۲۶.

سفارت آمریکا اعلام کرد که امتیازات دیپلماتیک در مورد خارجه است. اگر چه این، اولین روزنه بود ولی یک سال تمام طول کشیده بود تا ایرانیها چنین تصمیمی بگیرند. انسان ممکن است چنین نتیجه بگیرد که اختیارات قضایی انحصاری چیزی نبود که آنها مایل به اعطای آن باشند. در حقیقت، وزارت خارجه ایران پس از ملاحظات اضافی، سفارت آمریکا را مطلع ساخت که تصویب کنوانسیون وین به تنهایی قادر به تعمیم امتیازات دیپلماتیک به مستشاران نظامی آمریکا نیست و یک قانون ویژه مصوب مجلس در این باره مورد نیاز می‌باشد. وزارت خارجه ایران قول داد که یک بیانیه مناسب به این کنوانسیون ضمیمه کرده و سپس برای تصویب (به مجلس - م) ارائه کند و همچنین پیشنهاد کرد که یادداشت آن وزارتخانه و پاسخ آمریکا به اطلاع قانون گزاران رسانیده شود. سفارت به دقت پاسخ خود را تنظیم کرده و با عبارت ذیل به طور کلی افراد را از قوانین ایران مستثنی کرد: «آن دسته از پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی عضو وزارت دفاع آمریکا و بستگانشان که اهل خانه آنها می‌باشند و بر طبق قراردادهای دو جانبه مربوط به کمک و مشاوره نظامی در ایران حضور دارند». در حالی که این تماسهای دیپلماتیک پیش می‌رفت، وزارت دفاع آمریکا فشار خود را وارد کرده و به کمیته فرعی اروین اعلام کرد که مشکل روحی در ایران هنوز موجود است، زیرا هیچ نوع توافقنامه وضعیت نیروها در ایران وجود ندارد.

حرکت ایران در راستای تحولات داخلی و فعالیتهای بزرگتر بین‌المللی در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) شدت می‌گرفت. همان‌طور که پرفسور رضانی اشاره کرده «تحركات داخلی و خارجی بر یکدیگر اثر می‌گذاشت».^۱ برای مثال موافقتنامه تجاری ایران - شوروی در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) که برای اولین بار به آن تجارت یک چارچوب استوار براگسترش و تنوع داد، تأکیدی بر استقلال هر چه بیشتر در سیاست خارجی ایران و کمک به اقتصاد داخلی ایران بود. در همان سال سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه سه کشور مسلمان غیر عرب خاورمیانه را در تلاشی برای اجرای طرحهای مدرن‌سازی خود به هم پیوند داد که تأکیدی سمبولیک بر تمایل آنها برای آزادی بیشتر از غرب و خصوصاً از ایالات متحده محسوب می‌گردید. این قدمها صرفاً مقدمات جهش ایران بود. طی سه سال بعد، شورویها یک کارخانه ذوب آهن در اصفهان ساختند، شرکتی آمریکایی یک کارخانه شیمیایی در بندر شاهیپور احداث کرد و یک پروژه مدرن‌سازی در بندر بوشهر در دست ساختمان بود. درآمدهای نفتی طی موافقتنامه‌ای جدید با کنسرسیوم بین‌المللی نفت که شرکت ملی نفت ایران را اداره می‌کرد، افزایش یافت. در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶-م) یعنی سالی که تولید ناخالص ملی ایران به ۱۱/۵ درصد رشد دست یافت، مراسم تاجگذاری شاه، اعتماد به نفس رژیم و رشد قدرت ملی را نمایان می‌ساخت.^۲ ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) در حال احساس این ایران در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳-م) در حال احساس این

حال احساس این اطمینان بود. رسیدن لیندون جانسون به پست ریاست جمهوری در نوامبر ۱۹۶۳ (آبان ۱۳۴۲-م) منجر به تغییر فاحش سیاست آمریکا در قبال ایران گردید. کمتر از دو ماه بعد از روی کار آمدن جانسون، وی «سرجنت شریور»، رئیس سپاه صلح آمریکا را برای تسلیم پیامی به شاه، به ایران فرستاد. جالب

۱- رضانی، «تحول سیاست خارجی ایران»، صفحات ۴۳۳ تا ۴۳۵.

۲- پیتروآوری، «ایران در سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸: حالت اطمینان فزاینده»، نشریه جهان امروز، شماره ۲۴ (۱۹۶۸)، صفحات ۴۵۳ تا ۴۶۶.

اینکه، شاه نیازی به دعوت از فرستاده ریاست جمهوری نداشت، همان‌گونه که با «آورل هریمن» در سه سال پیش از آن، دیدار کرد. در ژوئن ۱۹۶۴ (خرداد ۱۳۴۳-م) شاه طی سفری به ایالات متحده که به عنوان سفری خصوصی و فرهنگی توصیف گردید، با رئیس جمهور و وزیر خارجه ملاقات نمود. جانسون از شاه به عنوان «پادشاه اصلاح‌گر قرن بیستم» یاد کرد. احتمالاً در این ملاقات بود که رئیس‌جمهور موافقت نمود یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را برای فروش تسلیحات نظامی به ایران اعطاء کند تا این کشور قدرت نظامی خود را علیه تهدیدات جدی در طول مرزهای جنوبی در خلیج فارس و مرزهای غربی با عراق تقویت نماید.^۱

رئیس‌جمهور نه تنها یک‌بار سیاست آمریکا در کمک به ایران را عوض کرد، بلکه وزارت دفاع آمریکا نیز همزمان و یکباره به فشار خود برای کسب اختیارات قضایی انحصاری بر پرسنل خود در ایران، خاتمه داد. برای اولین بار پس از سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸-م) در گزارش وزارت دفاع به کمیته فرعی اروین، از ایران به عنوان منطقه‌ای مشکل‌آفرین یاد نشد. این دو تحول در کنار یکدیگر بیانگر این موضوع بودند که ۲۰۰ میلیون دلار، قیمت شاه برای اعطای امتیازات دیپلماتیک به جامعه نظامی آمریکا بود.^۲ وزارت دفاع آمریکا به این دلیل اعمال فشار خود را قطع کرد که به نظر می‌رسید به هدفش رسیده باشد. تنها چیزی که باقی می‌ماند، تصویب پارلمان ایران بود که انتظار نمی‌رفت شاه را نقض نماید.

در ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ۱۳۴۳-م) مجلس شورای ملی ایران، تعمیم امتیازات دیپلماتیک به مستشاران نظامی آمریکایی را با گنجاندن آنها در زمره کارکنان اداری و فنی سفارت تحت کنوانسیون وین تصویب کرد. ۶۱ تن از ۲۰۰ نفر نماینده علیه این اقدام رأی دادند که نشانه مهم عدم تصویب از سوی آن گروه معمولاً آرام بود. بعضی از مخالفین بحث می‌کردند که ایران تحت قیمومیت ایالات متحده قرار خواهد گرفت، در حالی که دیگران بر موضوع «اهانت به غرور ایرانی» تأکید داشتند. یک نماینده مشخصاً اشاره کرد که «یک شاگرد مکانیک خارجی» از امتیازات مشابه سفرای ایران بهره‌مند خواهد شد. (در واقع تعدادی از پرسنل پشتیبانی آمریکایی از قبیل رانندگان کامیون، مکانیکها و شاگردان آنها در ایران کار می‌کردند). حسنعلی منصور، نخست‌وزیر، پاسخ داد که این قانون فقط پرسنل نظامی را در حال انجام وظیفه از پیگرد جنایی مستثنی می‌کند. در واقع ماده ۳۷ کنوانسیون وین مصونیت از پیگرد جنایی را به بستگان کارکنان اداری و فنی نیز اعطاء می‌کرد. این مقامات همچنین از پیگرد مدنی در صورت ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه مصون بودند. سخنگویی به یک خبرنگار گفت که از نظر آمریکا مصونیت از حوزه قضائی ایران در واقع از ماده ۳۷ پیروی می‌کند.^۳

۱- نیویورک تایمز، ۱۶ ژانویه ۱۹۶۴، ص ۳-۵ ژوئن ۱۹۶۴، ص ۳-۶ ژوئن ۱۹۶۴، ص ۳ و ۱۰ باین، سلطنت ایرانی در حال تحول: مصاحبه‌هایی با پادشاهی که حکومتش سنتی و هدفش مدرن‌سازی است (نیویورک: اداره دانشگاه‌های آمریکایی، ۱۹۶۸) صفحات ۲۱۵ و ۲۲۱.

۲- ۱۰ باین هر دو موضوع «تغییر سریع در سیاست آمریکا» و «اعطای حقوق برون‌مرزی» را توضیح داده ولی آنها را به طور مشخص به هم ربط نداده است. در عوض، او «اعطای حقوق برون‌مرزی» را «جوابی دیرتر از موقع» به کمکهای نظامی اولیه آمریکا می‌داند. رجوع کنید به «سلطنت ایران در حال تحول»، صفحات ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۱.

۳- کریسچن ساینس مانیاتور، ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴، ص ۴- برای متن ماده ۳۷ رجوع کنید به سر معاهدات سازمان ملل، جلد ۵۰۰ (۱۹۶۴)، ص ۱۱۶.

تبادل یادداشتها در ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ۱۳۴۳-م) معامله را تکمیل نمود. وزارت خارجه ایران نسخه‌ای از قانون جدید ایران را به سفارت ارسال کرد که در آن چنین آمده بود: «با توجه به لایحه ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیتها و معافیتها شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، می‌باشد،

برخوردار نماید.» سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که شامل جرائم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و سزاوار مجازات باشد»، مورد بررسی قرار دهد. هیچ اشاره مشخصی از سوی طرفین به بستگان آمریکاییان وجود نداشت، ولی در عمل آنها از مصونیتها مشابه همانند کفیلهای خود، بهره‌مند شدند.^۱

ایران تصویب کنوانسیون وین را در ۳ فوریه ۱۹۶۵ (۱۴ بهمن ۱۳۴۳-م) رسماً اعلام کرد. در ژوئن آن سال (خرداد ۱۳۴۴-م) بنجامین فورمن با خشنودی به سناتور اروین گفت که پرسنل آمریکا از پیگرد کلیه جرائم جنایی و مدنی که در حین انجام وظیفه مرتکب شوند، مصونیت یافته‌اند. حداقل در جلسه علنی، هیچ بحثی از عدم تمایل مجلس ایران برای اعطای امتیازات جدید، به میان نیامد. فورمن توضیح داد که عبارات (این قانون - م) برای ایالات متحده خیلی مطلوب است، زیرا پرسنل آمریکایی در حال کمک به ایران هستند. یک سال بعد، پنتاگون دوباره خرسندی خود را از توافق جدید مورد تأکید قرار داد. از سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵-م) به بعد، نام ایران از اظهارات شاهدان و گزارشهای کتبی ناپدید گردید.^۲

شواهد ذهنی نشان می‌دهد که وزارت خارجه آمریکا بر خلاف وزارت دفاع متوجه بود که ایرانیان، اختیارات قضایی انحصاری را با کاپیتولاسیون یکسان خواهند دانست. در سال ۱۹۶۰، همانطور که در ابتداء ذکر شد، خبرنگار نیویورک تایمز، اطلاعات مربوط به سابقه موضوع را از سفارت آمریکا دریافت کرده بود. تأخیر وزارت خارجه ایران برخوردار نماید.»

سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که شامل جرائم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و برخوردار نماید.»

سفارت آمریکا در پاسخ، بی جهت قول داد تا تقاضای ایران را برای لغو مصونیت «در مواردی که شامل جرائم شنیع و سایر اعمال جنایت کارانه و در پاسخ گفتن به درخواست اولیه سفارت آمریکا، قطعاً نشانه‌ای از سکوت بود. با این حال سفارت به پیگیری خود ادامه داد زیرا فشار وزارت دفاع بر

۱- این نتیجه‌گیری براساس مشاهدات شخصی نگارنده در خلال اقامت دو ساله‌اش در ایران می‌باشد. کلیه بستگان پرسنل وزارت دفاع آمریکا، یک نوع کارت شناسایی زرد رنگ به نام «کارت مصونیت» در اختیار داشتند که با کارتهای کفیلهای آنها یکسان بود. این کارتها به زبان فارسی و شامل عکس صاحب کارت بود. در میان جامعه نظامی آمریکا در ایران هیچ شک و شبهه‌ای وجود نداشت که بستگان پرسنل آمریکایی از همان امتیازات کفیلهای خود بهره‌مند می‌باشند.

۲- بولتن وزارت امور خارجه آمریکا، ۲۹ مارس ۱۹۶۵، ص ۴۷۷.

وزارت خارجه به حدی شدید بود که وزارت خارجه توان مقاومت را از دست داد. نتیجه عدم تمایل ایران این شد که در مجلس ایران جار و جنجالهایی به پا گردید.

بخش سوم

حقوق برون مرزی آمریکا در ایران، نتیجه مذاکرات پایاپای در مقطع سالهای دهه ۱۹۶۰ (دهه ۱۳۴۰-م) بود. تا اوائل دهه ۱۹۷۰، حقوق برون مرزی به قوت خود باقی ماند، ولیکن ایران و ایالات متحده به سوی روابط جدیدی پیش می رفتند. مدرن سازی ایران یک قدرت از پیش مسلط منطقه ای به وجود آورده و در همان حال، آمریکا در حال خلاص کردن خود از نقش ژاندارمی جهان بود. دکترین نیکسون و درک وی از قدرت ایران، در واشنگتن این احساس را به وجود آورد که توانایی ایران برای تضمین ثبات در سراسر سواحل خلیج فارس می توانست به منافع آمریکا و ایران کمک کند. تلقی تغییر یافته آمریکا نسبت به خرید تسلیحات بسیار پیشرفته از سوی ایران نمایانگر این تغییر دیدگاه می باشد که در آن، ایران به عنوان یک نیروی فعالتر در سیاستهای جهانی نسبت به سابق مورد پذیرش واقع شده است.

بخشی از تلقی جدید آمریکا، پاسخی به قدرت اقتصادی و نظامی ایران است. تسلط ایران بر منطقه خلیج فارس تام و تمام می باشد. این کشور از لحاظ جمعیت و تولید ناخالص ملی از همسایگانش بسیار جلو افتاده است. نیروی زمینی، دریایی و هوایی این کشور بزرگتر و مجهزتر می باشند! اگر چه قدرت آمریکا همچنان به عنوان بازدارنده نهایی در مقابل شوروی، ضروری است ولی ایران به تنهایی می تواند یک حمله متعارف را از جانب هر کشوری در منطقه خلیج فارس، دفع کند. به رسمیت شناختن دستاوردهای ایران از طرف واشنگتن را در اقداماتی مانند بازدید نیکسون از ایران پس از ملاقات سران در مسکو در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱-م)، انتصاب یک سفیر توانا و جدید در ایران به نام «ریچارد هلمز» و تعیین ایران به جای کانادا در کمیته متارکه جنگ در ویتنام، می توان مشاهده کرد. دکترین نیکسون همچنین باعث تغییر طرز تفکر آمریکا درباره ایران شده است. در حالی که آمریکا در جستجوی قدرتهای منطقه ای برای محدود کردن تشنجات منطقه ای است، برتری قدرت ایران و سابقه دوستی طولانی با ایالات متحده، آن کشور را به عنوان یک انتخاب آشکار در خلیج فارس مطرح می سازد. منافع ایران به طرز مهمی با منافع آمریکا همسان است: ثبات در خلیج فارس، احتمال بی ثباتی در ایران را کاهش داده و امنیت تأمین نفت از خلیج را برای ایالات متحده و نیز سایر کشورهای غربی و ژاپن را میسر می سازد.

در این زمینه تغییر یافته به نظر می رسد «حقوق برون مرزی» جامعه نظامی آمریکا با تلقی جدید آمریکا نسبت به ایران در تعارض باشد. انتخاب در اینجا عبارت است از حفظ توازن بین حساسیت ایران نسبت به حق حاکمیت خود و تمایل وزارت دفاع آمریکا برای محافظت پرسنل آمریکایی از محاکمات جنایی به خاطر تصادفات رانندگی، پیمانی مانند موافقتنامه وضعیت نیروها در ناتو ممکن است یک راه حل باشد. این می تواند استقلال ملی ایران را با جایگزین کردن اختیارات قضایی برابر «ایران - آمریکا» به جای اختیارات قضایی انحصاری آمریکا، به رسمیت بشناسد. با این حال، این راه

۱- برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به رضانی، «خلیج فارس: نقش ایران».

حل ممکن است تصادفات ترافیکی در خارج از حین انجام وظیفه را پتحت پیگرد جنایی ایران قرار دهد. با توجه به این مشکلات به نظر می‌رسد که سه مورد جایگزین وجود داشته باشد: اول، ایران به طور کلی پیگرد جنایی در مورد تصادفات رانندگی را به موارد «بی‌مبالاتی» مانند رانندگی در حالت مستی و یا بی‌توجهی عمدی کاهش دهد. دوم، ایران و ایالات متحده توافق کنند تا به ایالات متحده حق رسیدگی اولیه قضایی در موارد مربوط به تصادفات رانندگی اعطاء شود. سوم، پرسنل نظامی آمریکا فقط در مواقع انجام وظیفه، اجازه رانندگی داشته باشند.

فهرست اعلام

آ - الف	۴۷، ۴۸، ۵۱، ۳۰۷، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۴۶، ۵۵۰ /
آبادان / ۶۸، ۲۶۳، ۲۷۶، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۲،	۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷،
۲۹۳، ۲۹۴، ۷۶۷	۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۹۷، ۵۶۷،
آتک / ۳۶۸، ۳۶۹	۵۹۸، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲،
آنن / ۲۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶	۶۱۴، ۶۳۹، ۶۷۲، ۶۸۵، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۲،
آچسن، دن. سی. / ۵۴۷، ۵۳۵	۷۰۳، ۷۰۶، ۷۱۲، ۷۲۳، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۸،
آدامز، دی. / ۷۸	۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۰،
آدامیک، دان (سرگرد) / ۱۰	۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۷۳، ۷۷۴،
آدلر، ورنون ئی. / ۱۶	۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۶،
آدیس آبابا / ۱۰۴	۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷،
آذربایجان / ۳۷۴، ۳۹۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱،	۷۹۸، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۲،
۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴، ۷۲۸	۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۹
آراسته / ۵۴۹	آرندت، ریچارد تی. / ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۲،
آراسته (مهندس) / ۶۶۷	۳۹۴
آراکان / ۴۶۰، ۴۶۴	آرنولد (دکتر) / ۷۰۶
آرامش، احمد / ۶۱۵	آروشا (تانزانیا) / ۱۱۹
آرام، غلامعباس / ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۰۵،	آزموده (ژنرال) / ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴،
۶۱۶، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۳۷،	آژانس ارتباطات جهانی تهران / ۳۵۰،
۷۳۹، ۷۵۰، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۵۸،	آژانس اطلاعاتی دفاعی / ۱۰
آرتور، مک / ۷۹۷	آژانس پروم پترول رومانی / ۴۸۴
آرژانتین / ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۵۳، ۴۲۰، ۴۲۲،	آژانس عمران بین المللی / ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۴۶،
۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۷،	آژانس کمک امنیتی دفاعی / ۳۲۷
۴۴۱، ۴۴۸	آزنگ / ۶۱۵
آرمیتاز، جان ای. / ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۷۲۲،	آستارا / ۲۵۱
۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۱، ۷۸۳	آسیا / ۱۵۲، ۱۶۰، ۴۷۰، ۵۸۸
آرمیش - مگ (هیئت مستشاری نظامی آمریکا)	آسیای جنوب شرقی (آسه آن) / ۴۱، ۱۲۸،

- آمریکا / (اکثر صفحات) ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۳، ۴۵۱، ۴۵۶، ۶۹۴، ۷۲۶
- آمریکای لاتین / ۹۳، ۹۶، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۶۳، ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۲، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۳۳، ۷۵۳، ۷۸۹
- آمریکای مرکزی / ۹۷، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۲
- آمکو / ۴۶۹
- آمل / ۱۶
- آموزگار / ۴۹، ۳۸۶، ۳۹۵، ۶۲۵، ۶۶۷، ۶۹۱، ۷۳۳
- آموکو / ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۷، ۲۸۹، ۴۳۵، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۹۲
- آناکلاریو / ۳۶۶، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۱
- آنتالیا / ۴۸۲
- آنتیل / ۴۳۳
- آنزوس / ۹۶
- آنکارا / ۲۳، ۴۸۲، ۴۸۳، ۷۷۴
- آنکلشوار / ۴۵۳
- آنگولا / ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۱
- آوری، پیتر / ۸۲۷
- آهنچیان / ۱۵
- آیزنهاور / ۹۶، ۹۸، ۱۶۰، ۸۲۲، ۸۲۴
- آیوی، دی. دبلیو. / ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸
- ابراهیم الحممدی (سرهنگ) / ۲۰۰
- ابراهیم بن عبدالله اتقاری / ۲۱۹
- ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الشیخ / ۲۱۹
- ابراهیمی، ویلیام / ۶۶۷، ۷۳۳
- ابطحی / ۸۳، ۸۴، ۸۶
- ابوسود / ۲۴۱
- ابوظبئی / ۲۳، ۴۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲
- اتاق بازرگانی / ۷۵، ۸
- اتحادیه بین‌المللی ارتباطات / ۱۳۰
- اتحادیه دانشجویان ایرانی (فرانسه) / ۳۸۳
- آشتیانی، عبدالحسین / ۵۷۹، ۵۸۰
- آشویتس / ۱۶۸
- آصفی (مهندس) / ۶۶۷
- آغاچاری / ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۸۴
- آفریقا / ۳۴، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸، ۴۸۷، ۴۹۰، ۵۸۸، ۶۹۴، ۷۲۶، ۷۴۲، ۷۵۳
- آفریقای جنوبی / ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۰
- آقایان، شاهین / ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۱۵
- آلاسکا / ۱۱۰
- آلاگوس / ۴۳۹
- آلبرتینی / ۱۷۰
- آلتیپلانو / ۴۴۱
- آل ثانی / ۲۱۲
- آل خلیفه / ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۹۱
- آلساندرا / ۳۰۷
- آل سعود / ۳۳۲
- آل سنفاری، سید احمد / ۲۰۷
- آلمان / ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۸، ۱۸۲، ۲۲۳، ۳۱۱، ۳۳۲، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۴
- آبوسود / ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۶۰، ۴۶۵
- آبوظبئی / ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۹۳، ۷۰۱، ۷۲۶
- آلن / ۵۲۶، ۵۲۷
- آمازون / ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷
- آمازون / ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰

- ۸۰۸، ۸۰۰، ۶۹۴، ۶۱۰ / اتیوی / ۲۳۱، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۷، ۱۰۴، ۱۰۳، ۷۳۹، ۷۲۶، ۶۹۴، ۵۹۱
- اروپای شرقی / ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۴۸۱، ۴۸۰، ۳۵۳ / اجلاس اونکتاد / ۱۰۷
- اروپای مرکزی / ۹۵ / احتشامی / ۷۳۳، ۶۶۷
- اروگوئه / ۱۵۳، ۱۰۵ / احمد آل میهانی / ۲۰۱
- ارومیه / ۴۱۰ / احمد القشمی (سرهنگ) / ۲۲۸، ۲۰۱
- اروین، سام جی. (سناتور) / ۶۰۶، ۶۱۷، ۸۲۱ / احمد بن حمید آل نهیان / ۲۳۸
- ۸۲۶، ۸۲۹ / احمد بن سلطان القاسمی / ۲۳۸
- اریتره / ۱۰۴، ۱۴۱ / احمد بن صیف الثانی / ۲۱۴
- از قرن ۱۶ تا عصر حاضر (کتاب) / ۱۶۷ / احمد خلیفه السویدی / ۲۳۸
- ازهارى، غلامرضا (ژنرال) / ۵، ۱۸، ۲۰، ۵۰ / احمد زکی یمانی / ۲۱۹
- اسپالدينگ / ۸۰۱ / احمد عبدالله آل غزالی / ۲۰۷
- اسپانيا / ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۳۶ / احمد عبیدالفضل / ۲۳۰
- ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۵۸۹ / احمد ناصر البیسی / ۲۳۰
- استارلايت / ۳۲۶ / احمدی، صادق / ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳
- استالین / ۶۳۰ / ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۴۲، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹
- استامپ، جیمز. راجر. (گروهبان ۱) / ۸۰۷ / ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۵، ۶۶۷
- ۸۰۹، ۸۱۱ / اخوان (مهندس) / ۷۳۳، ۶۶۷
- استانبول / ۲۳، ۱۵۲، ۶۳۳ / اداره پورت فولیو / ۲۴۱
- استانواک / ۴۵۰ / اراک / ۵۷، ۶۳۳
- استرالیا / ۹۶، ۱۰۳، ۱۶۸ / ارتش جمهوريخواه ایرلند / ۱۰۸
- استمیل، جان / ۳۸۳، ۳۹۹ / اردلان، علی / ۷۷
- استوارت، جان. آر. / ۸۰۷، ۸۱۱ / اردن / ۱۸۲، ۲۳۱، ۳۶۷، ۳۸۱، ۳۹۰، ۴۲۱
- استیونس، جوزف. ام. (سرهنگ ۲) / ۸۰۶ / ۴۸۶
- ۸۰۹، ۸۱۱ / ارسنجانی، آقامیر / ۶۶۷
- استیونس، ورنوم سی. (سرهنگ) / ۵۶۰، ۵۶۱ / ارسنجانی، حسن / ۶۰۷، ۶۸۶، ۶۸۹، ۶۹۱
- اس. دی. تندرا / ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۷۳۳، ۷۳۷
- ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱ / ارفع (مهندس) / ۶۶۷
- اس. دی. جانوا / ۳۶۳ / اروپا / ۲۳، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶
- اس. دی. جانوس / ۳۵۴، ۳۶۱ / ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۳
- اسدی سمیع، عباس (مهندس) / ۶۶۶، ۶۶۷ / ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵
- ۷۳۳ / ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۰۹
- اس. دی. کت / ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸ / ۲۲۱، ۲۴۰، ۲۴۱، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۶۳، ۳۸۳
- اس. دی. کوئیک / ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳ / ۳۸۶، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۸۱، ۴۹۸، ۵۰۵، ۵۷۰

اقیانوس اطلس / ۱۶۷	۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۵، ۳۵۴
اقیانوس و آینده بشریت (کتاب) / ۱۷۰	اسرائیل / ۵، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۱، ۷۸، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۲، ۱۰۴
اقیانوس هند / ۱۰۹، ۱۲۳، ۲۲۹	۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۴، ۲۳۱، ۲۴۹
اکوادور / ۱۰۵، ۱۲۸، ۱۴۳، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۶	۲۹۱، ۳۰۲، ۳۱۲، ۳۴۹، ۳۸۱، ۳۸۴، ۴۲۴
۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۷۶	۴۷۴، ۴۷۶، ۴۸۶، ۵۰۲، ۵۹۵، ۶۷۵، ۶۷۷
اکوپترول (شرکت نفتی کلمبیا) / ۴۴۳	۶۷۸، ۶۸۱، ۶۸۳، ۷۷۹
اکهارت / ۶۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۳۸، ۷۵۷، ۷۵۸	اسفندیاری، حسن (دکتر) / ۵۰۶، ۶۶۷
۷۷۴	اسکات / ۷۸۱، ۷۸۳
البرزی / ۶۶۷	اسکندیناوی / ۱۵۰
الجزایر / ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۳۷، ۱۵۱	اسکندریه / ۴۷۴
السالوادور / ۱۰۵، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۳	اسکودرو، استانلی تی. / ۴۳، ۳۰۷، ۳۱۵
العطاس / ۲۲۷	اسلام آباد / ۲۳، ۴۳، ۳۵۷
العوضی، عبدالرحمن (دکتر) / ۱۹۶	اسمیت / ۵۲۵
القباش، سید احمد / ۲۳۸	اسمیت، جوئل ام. کلاین / ۳۶۷
القوة العسكرية الاسرائیلیه (کتاب) / ۱۶۷	اسمیت، یان / ۱۰۴
الموتی (دکتر) / ۷۳۳	اسواکسیپلوراسیون (برمه) / ۴۶۰
الموسسه العربیه للدراسات و النشر (بیروت)، ۱۶۷	اشرفی / ۷۱
الموسوعه السياسیه / ۱۶۷	اشرفی، امین / ۱۶
الن، جرج. و. / ۵۲۴، ۵۲۶	اصفهان / ۴، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۹، ۳۲
الیزابت اول / ۱۶۸	۴۹، ۶۷۹
امارات متحده عربی / ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴	اصول علوم سیاسی (کتاب) / ۱۶۹
۱۹۳، ۲۰۸، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰	اطریش / ۹۵، ۱۱۰، ۵۸۹
۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳	اعتصام، حسن / ۸۱۸
ام القیوین / ۲۳۶، ۲۳۸	اعتمادی (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
امام حسین (ع)، ۵۰	افشار، ارسلان / ۱۵
امام خمینی / ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸	افشار، فریدون / ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱
۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۴۳	افشار، ناصر / ۵۴
۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۷۳	افغانستان / ۷، ۸، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۷۰، ۱۲۸
۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۷۵	۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۵، ۱۸۶، ۲۲۶، ۶۰۶
۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۴۷، ۲۴۸	اقبال، منوچهر / ۷۷۰
۲۷۸، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۰	اقبالی / ۶۶۷، ۷۳۳
۳۵۱، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۵، ۳۹۷	اقیانوس آرام / ۲۳، ۴۸، ۱۰۲، ۱۴۰، ۱۵۴
۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴	۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۵

- ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۴۳، ۵۵۹، ۵۸۷، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۷۳، ۶۷۹، ۶۸۳، ۶۹۲، ۷۱۴، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۶۷، ۷۶۹، ۷۷۸، ۷۷۹، ۸۰۸، ۸۱۴
- انگلند (سرہنگ دوم) / ۸۰۲
- انگلیس / ۱۶، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۷۵، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۷، ۳۵۰، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۷۴، ۴۹۸، ۵۸۹، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۱، ۶۹۳
- انور سادات / ۲۷، ۱۰۳، ۱۶۳، ۱۷۷، ۲۰۶، ۴۷۴، ۴۷۶
- ان. وی. کنوی / ۳۶۸
- اوپک / ۷۰، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۲۲، ۲۳۹، ۲۶۹، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۸۳، ۴۸۸، ۴۹۱
- اورام پیتر بی. / ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳
- اورنج، جان / ۲۵۷، ۲۶۰
- اورنیوکو / ۴۲۶
- اوروگوئے / ۴۲۰، ۴۴۸
- اورینتہ / ۴۳۷
- اورینوکوتاربلت / ۴۳۲، ۴۳۳
- اوزار / ۶۶۷
- اوسترال / ۴۲۹
- اوگادن / ۱۴۱
- اولاشین، اریک ای. / ۵۷۶
- اولسون، جان. دبلیو. (سرہنگ ۲) / ۸۱۱
- اولیاء / ۶۶۷، ۷۳۳
- اونکتاد (سازمان تجارت و توسعه) / ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶
- اویسی، غلامعلی (تیمسار) / ۱۵، ۴۹، ۵۰، ۲۵۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۸
- اہری / ۶۶۷
- اہواز / ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴
- ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۴۳، ۵۵۹، ۵۸۷، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۷۳، ۶۷۹، ۶۸۳، ۶۹۲، ۷۱۴، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۶۷، ۷۶۹، ۷۷۸، ۷۷۹، ۸۰۸، ۸۱۴
- امام علی (ع) / ۵۰، ۷۸
- امامی خوئی (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
- امان / ۴۳، ۳۵۷، ۳۶۷، ۴۸۶، ۷۷۹
- امانی (ژنرال) / ۴۱۲
- امانی، صادق / ۷۶۹، ۷۷۸
- امریکای لاتین / ۴۴۸
- امیر احمد آل ثانی / ۲۱۲
- امیراحمدی / ۶۶۷، ۷۳۳
- امیرانتظام، عباس / ۸، ۷۲
- امیر جابر الاحمد آل جابر الصباح / ۱۹۲
- امیر خلیفہ بن احمد آل ثانی / ۲۱۲
- امیر خلیفہ بن حمد آل ثانی / ۲۱۲
- امیر عیسی بن سلمان الخلیفہ / ۱۸۶
- امین، شفیع (دکتر) / ۶۳۱، ۶۶۷، ۷۲۵، ۷۳۳
- امینی خراجی / ۶۶۷، ۷۳۳
- امینی، علی / ۵۹۲، ۵۹۳
- انتشارات دانشگاه ویرجینیا / ۸۲۳
- انتظام، عبداللہ / ۷۲، ۲۸۵، ۲۹۰، ۵۵۷، ۵۵۸
- انجمن ایران و آمریکا / ۱۰
- اندونزی / ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۰، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۳، ۶۸۰، ۶۹۴، ۷۲۶
- انصاری، علی / ۱۶
- انصاری (مهندس) / ۶۶۷
- انصاری، ہوشنگ / ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۵، ۶۰۳
- انگلستان / ۳، ۳۴، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۳۱۱، ۴۱۲، ۴۹۹، ۵۰۳، ۶۹۳

- ایمینوکو / ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵
- ایالت آسام / ۴۵۴
- ایالت تامائولپاس / ۴۲۷
- ایالت جوجوی / ۴۳۰
- ایالت راکروز / ۴۲۷
- ایالت سالتا / ۴۳۰
- ایالت مندوزا / ۴۳۰
- ایالت ناپو / ۴۳۷
- ایالت نیوکن / ۴۳۰
- ایپاک / ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰
- ایتالیا / ۱۶، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۵۰، ۳۳۵، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۹۱، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۹۳، ۷۲۶، ۷۳۲
- ایداعلی سعید / ۲۳۰
- ایران ایر / ۱۸، ۳۱۵، ۶۱۰
- ایران در سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸: حالت اطمینان فزاینده (کتاب) / ۸۲۷
- ایران ناسیونال / ۸۷، ۸۸
- ایران و قدرتهای بزرگ (کتاب) / ۵۰۴
- ایرلند / ۱۰۸
- ایرلند شمالی / ۱۰۸
- ایریان غربی / ۴۴۹
- ایزدی، علی محمد / ۸، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۳۵۱
- ایزیران / ۳۹۸، ۳۹۹
- ای. زی. ویزارد / ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۶
- ایستگاه پمپاژ ری / ۲۹۴
- ایستون اینترنشنال / ۳۲۶
- ایسلند / ۶۹۳، ۷۲۶
- ایلخان / ۶۶۵، ۶۶۷، ۷۳۳
- ایوانس / ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۴
- ب
- بابان / ۳۶۰
- باتمان / ۴۸۲
- باجا (کالیفرنیا) / ۴۲۷
- باربر، جیمز، ای. (سرهنگ) / ۵۶۵
- بارتلز / ۸۰۱، ۸۰۲
- بارکل، کلارک ا. (سرهنگ ۲) / ۵۱۱
- بارلو، کیث ا. / ۸۰۵
- بازار تهران / ۴
- بازرگان (معروف به بیوک صابر) / ۱۶
- بازرگان، مهدی (مهندس) / ۵۱، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۶۴، ۳۸۸
- باسین / ۴۵۲، ۴۵۳
- باغمیشه / ۶۶۷، ۷۳۳
- باقری، امیر بهمن (سرلشگر) / ۳۳۲، ۳۳۸
- ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۷
- باگنولو، ران / ۳۵۰
- بال / ۷۷۵
- بالاخانو / ۶۲۵، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۶۵، ۶۶۷، ۷۳۳
- بالتیمور شرقی / ۳۶۵
- بالتیمور (مریلند) / ۳۵۸، ۳۶۱
- باند، وای. کی. / ۳۵۳
- بانک اعتبارات صنعتی / ۷۱
- بانک ایران - عرب / ۸۳

- بانک تجارت خارجی ایران / ۸۵، ۸۶
 بانک توسعه و عمران بین‌المللی / ۱۴۶
 بانک جهانی / ۱۰۷، ۱۱۷، ۲۵۱، ۴۵۴، ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۳۶
 بانک چیس مانهاتان / ۳۲۲، ۴۶۰
 بانک صادرات فرانسه (کوفاس) / ۲۴
 بانک صادرات و واردات آمریکا / ۶۹
 بانک عمران ایران / ۲۴، ۸۷، ۱۱۶
 بانک مرکزی ایران / ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۸۵، ۸۶، ۲۰۳، ۲۱۰
 بانک ملی / ۸، ۵۰، ۷۵، ۷۶، ۸۳، ۸۶
 بانکوک / ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۶۸
 بانه / ۱۶
 باو، فرانک.تی. / ۸۲۲
 باهاما / ۱۲۸
 باهری / ۶۸۶
 باهیایانکا / ۴۳۰
 باین، ئی / ۱۰، ۸۲۸
 بحرانهای قرن بیستم (کتاب) / ۱۶۷
 بحرین / ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۵، ۲۳۹، ۲۸۹، ۵۹۱
 بخارائی، محمد / ۷۲۲، ۷۶۹، ۷۷۵، ۷۷۸
 بختیار، شاهپور / ۶، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۴
 بخش (مهندس) / ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۱
 بدر صالحیان / ۶۶۷، ۷۳۳
 بدره‌ای (ژنرال) / ۵۲
 برداران لایو / ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۷
 برازاویل / ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۴۹۲
 برانسون، باری. بی. / ۸۰۷
 برت، دول (ژنرال) / ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۷
 بردوودبنک / ۴۲۹
 بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (کتاب) / ۶۷۳
 برزیل / ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۳، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۷۰۱
 برژنف / ۱۳۲
 برکلی / ۳۶۱
 برمه / ۱۲۸، ۴۲۰، ۴۴۹، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۵، ۷۰۱
 برناردینی، مارکو / ۳۸۰
 بروکسل / ۳۹۰
 برومند (مهندس) / ۶۶۷، ۷۳۳
 برونتی / ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۹
 بریتانیا / ۳۴، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۲۸، ۲۳۲، ۳۸۵، ۳۸۶
 بریتیش پترولیوم / ۴۳۹، ۴۸۷، ۴۸۸
 بریستول، مات. سی. سی. (سرهنگ دوم) / ۵۶۵
 بزرگمهر / ۳۱۲
 بسارایی / ۹۵
 بغداد / ۱۱۰، ۲۰۶، ۷۴۶، ۷۷۹
 بقائی یزدی، مظفر (دکتر) / ۶۲۵، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۶۷، ۷۳۳
 بگین / ۱۰۳
 بلژیک / ۱۴۲، ۳۱۱، ۴۹۲، ۵۸۹، ۶۹۳، ۷۰۱، ۷۲۶، ۸۱۵
 بلغارستان / ۹۵، ۳۵۳
 بلوچستان / ۳۳۵، ۳۵۹، ۴۶۱
 بلوچستان (پاکستان) / ۴۲۲
 بلیز / ۴۲۰، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷
 بمبئی / ۴۵۳
 بمبئی علیا / ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵

- بن / ۱۵۲، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۷۸
 بندر امام خمینی / ۶۸
 بندر بیووار / ۴۳۵
 بندرعباس / ۵۱، ۶۸، ۲۸۶، ۶۷۷
 بندر عدن / ۲۳۱، ۲۳۴
 بندر ماهشهر / ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۴
 بنسون (سرهنگ) / ۵۶۶
 بنگال اوريسا / ۴۵۳
 بنگلادش / ۱۰۳، ۱۲۰، ۴۲۰، ۴۴۹، ۴۶۴، ۴۶۵
 بنياد بين المللی همکاریهای تکنولوژیکی / ۱۴۵
 بنياد پهلوی / ۲۴
 بنی صدر، ابوالحسن / ۷۷، ۱۷۰
 بوت، پیتتر / ۱۴۹
 بوتو / ۴۶۳
 بودیک بن حمود آل غفاری / ۲۰۸
 بورسسا (ترکیه) / ۵۹۵، ۷۱۴
 بوشنر، آر. اچ. / ۵۵۶
 بوشهر / ۵۱
 بوشهری، باقر / ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۳، ۶۶۵، ۷۳۳
 بوشهری، پرویز / ۳۰۴، ۳۱۸
 بوشهری، محمود / ۱۹۷
 بوشهری، موقر / ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۲۵
 بوکووین شمالی / ۹۵
 بوگوتا (پایتخت کلمبیا) / ۴۴۲، ۴۴۳
 بولارد، سرریدر / ۴۹۹
 بولستر / ۳۵۳، ۵۷۹
 بولیوی / ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۴۳، ۴۲۰، ۴۲۶
 ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۸
 بهائیها / ۴۲
 بهبودی، ناصر (دکتر) / ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷
 ۶۶۱، ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۱۲، ۷۳۰، ۷۳۳
 بهزادی، حمید / ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱
 بهزادی (دکتر) / ۳۵۹
 بهمنش، احمد / ۱۶۷
 بیان (تیمسار) / ۳۵۷
 بی‌بی حکیمه / ۲۸۳
 بید بلند / ۲۵۱
 بیروت / ۱۱۰، ۱۶۷، ۳۵۷، ۳۶۰
 بیسیک ریسوسز اینترنشنال / ۴۴۶
 بیکر، رکس. ا. (گروهان فتی) / ۸۱۱
 بیگلری / ۵۲
 پ
 پاپ جان پل دوم / ۱۳۴، ۷۳۲
 پاترسون / ۳۹۹
 پادگان مهندسی خلیج / ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۱
 ۵۸۲، ۷۰۱، ۷۵۹
 پاراگوئه / ۱۰۵، ۱۶۳، ۴۲۰، ۴۴۸
 پارتکس / ۴۷۸
 پارسا، فرخ‌رو (دکتر) / ۶۳۵، ۶۶۴، ۶۶۷، ۷۳۳
 پارساکیا / ۸۱۸
 پارسی، فرخ / ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۸
 پاریس / ۵، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۴۳، ۴۸، ۴۹، ۵۰
 ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۷۵، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۸، ۵۱
 ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۰۵
 ۴۱۱
 پاستازا (اورینته) / ۴۳۷
 پاسداران انقلاب / ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۹۹
 ۴۰۸، ۴۱۳
 پاک ذات / ۶۶۷، ۷۳۳
 پاکستان / ۷۱، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۶
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۶۷، ۲۲۱، ۳۳۲
 ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۹۸، ۴۲۰، ۴۲۳
 ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۶۰۶، ۶۴۰
 ۶۸۰، ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۴، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۰۱
 ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۲۰، ۷۲۶، ۷۳۱، ۷۳۶، ۷۳۸
 ۸۱۵
 پالوان / ۴۶۹، ۴۷۰

- پالایشگاه آبادان / ۱۸، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵
- پالایشگاه اصفهان / ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۵
- پالایشگاه تبریز / ۲۶۳، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۲
- پالایشگاه تهران / ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۶۳، ۲۶۴
- پالایشگاه شیراز / ۲۶۳، ۲۷۶، ۲۸۵، ۲۹۲
- پالایشگاه عدن / ۲۳۳
- پالایشگاه کرمانشاه / ۲۷۸، ۲۷۶
- پالایشگاه و بندر پوئرتو بار یوس / ۴۴۶
- پالیزبان، جهانشاه / ۴۱۲
- پالیزبان، عزت الله (ژنرال) / ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۳
- پان آمریکا (شرکت هواپیمایی امریکا) / ۲۰
- پان اوشن / ۴۸۸
- پانایوتیس اکونومو / ۱۴
- پانل، گارلند جرومه (ستوان ۱) / ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۱
- پایگاه الکس / ۸۰۴، ۸۰۷
- پایگاه دریائی دماغه سوییک / ۱۳۹، ۱۵۴
- پایگاه فورت براگ / ۳۶۳
- پایگاه نیروی هوایی مک ویل (فلوریدا) / ۷۹۷
- پایگاه هوایی کلارک / ۱۳۹، ۱۵۴
- پاینده، ابوالقاسم / ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
- پتروبراس / ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰
- پترو بنگالا (شرکت گاز و نفت بنگلادش) / ۴۶۵
- پترو پرو / ۴۳۵، ۴۳۶
- پتروسی (شرکت نفت ساحل عاج) / ۴۹۴
- پتروناس / ۴۵۶
- پتروویتنام / ۴۷۲
- پرایور، باب / ۵۲
- پرتامینا / ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲
- پرتغال / ۱۰۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۶۳، ۴۰۶، ۶۹۳، ۷۲۶
- پرتوریا / ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۴۱
- پرشت، هنری / ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۹۵
- پرو / ۴۰۷، ۴۰۹، ۸۰۱، ۸۰۲
- پرو / ۱۰۵، ۱۲۸، ۱۴۳، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۶
- پروتوریا / ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷
- پروتوریا / ۱۵۳
- پروژه آهن کودره موخ / ۷۰
- پروشان (مهندس) / ۶۶۷
- پرویزی / ۷۳۳
- پروین / ۶۶۷
- پرینوس / ۴۸۴، ۴۸۵
- پزشکپور (تیمسار) / ۳۵۷
- پزشکی / ۶۶۷، ۷۳۳
- پژند / ۶۶۷، ۷۳۳
- پکن / ۱۰۲، ۱۳۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۴۶۶
- پلوتاس / ۴۳۹
- پمکس / ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸
- پنتاگون / ۳۰۸، ۸۲۳، ۸۲۹
- پنسیلوانیا / ۵۶۱
- پیوف، الکساندر / ۳۵۳
- پوتومايو / ۴۴۳
- پورادبی / ۶۶۷
- پورتیلو، لویز / ۱۴۳، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹
- پورزند / ۵۲
- پورصبا، محسن / ۳۶۷
- پورهاشمی (دکتر) / ۶۶۷
- پوستی، س / ۱۵۲
- پولیساریو / ۱۳۷
- پونست، فرانسوا / ۴۰، ۴۱
- پوینت ایندین (حوزه نفتی) / ۴۹۱

- پهلوی، اشرف / ۳۱۸، ۳۸۹، ۴۰۶
 پهلوی، شمس / ۱۶
 پهلوی، فرح / ۴۹، ۳۹۵
 پهلوی، محمدرضا / ۴۵، ۴۶، ۸۲۶
 پهلوی‌نیا، شهرام / ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۸
 پیشه‌وری، جعفر / ۶۳۰، ۶۳۳
 پیشه‌وری، غلام یحیی / ۶۳۳
 پیغام امروز / ۶۱۵
 پیمان O.A.S / ۹۶
 پیمان بغداد / ۸۲۳
 پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا / ۶۴۰
 پیمان سنتو / ۹۶، ۱۳۶، ۲۴۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲
 پیمان صلح اسرائیل و مصر / ۱۸۶، ۱۹۳
 پیمان عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای / ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۴۱
 پیمان کمپ دیوید / ۲۵، ۲۷، ۴۱، ۱۳۲، ۱۳۶
 ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۷، ۲۲۶
 پیمان ورشو / ۱۰۲، ۱۳۲
 پیمان وین / ۶۷۴، ۶۷۷
 پیونگ یانگ / ۱۳۹
- ت - ث
 تاباسکو / ۴۲۶، ۴۲۸
 تاچر، نیکلاس جی. / ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۱
 ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۶
 تاراپور / ۱۲۴
 تاریخ جهانی (کتاب) / ۱۶۷
 تاریخ روابط بین‌الملل (کتاب) / ۱۶۷
 تاریخ سیاسی معاصر ایران (کتاب) / ۵۹۵
 تاکوئل (پرفسور) / ۹۸
 تالارا / ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶
 تامست، ویکتور / ۳۲۷، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۴
 ۴۰۵، ۸۱۸
 تانزانیا / ۱۱۹، ۱۲۰
- تاییه / ۴۶۷
 تایگر، ام‌گوردن / ۶۰۵، ۶۱۷
 تایلند / ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۶۳، ۴۲۰، ۴۴۹، ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۹۱، ۷۸۲
 تایوان / ۹۶، ۱۳۸، ۴۲۰، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹
 تأسیسات اتمی فرانسه / ۱۴۸
 تأسیسات و سازمانهای بین‌المللی (کتاب) / ۱۶۷
 تبریز / ۴، ۸۷، ۸۸، ۲۶۰، ۲۷۶، ۲۸۵، ۲۹۱، ۴۱۰، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۳
 تبریزی / ۶۶۷، ۷۳۳
 تحقیقات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری / ۴۲۹
 تحول سیاست آمریکا در خاورمیانه (کتاب) / ۸۲۶
 تحول سیاست خارجی ایران (کتاب) / ۸۲۶، ۸۲۷
 تدین، سیدمحمد / ۵۲۶
 تراز (هفته‌نامه بازرگانی خارجی) / ۱۷۱
 تراست مغزهای امپراطوری (کتاب) / ۱۶۷
 ترانس - آندین / ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶
 تربیت (بانو) / ۶۶۷
 ترکمن صحرا / ۴۰۳
 ترکیه / ۹۶، ۱۰۱، ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۳۶۱، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۳، ۵۲۴، ۵۳۵، ۵۸۸، ۵۹۱، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۳۲، ۶۸۰، ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۰۵، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۶۹، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۶، ۷۸۹، ۸۰۸، ۸۲۰، ۸۲۳
 تریپولی / ۴۷۹
 ترینیداد / ۴۳۳
 تسورو / ۴۴۲، ۴۵۰
 تکساکو شوران (پاراگوئه) / ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۸

- ۴۸۸، ۴۸۹ / جاسم خالد المرزوق / ۱۹۶
 ۴۳۷ / تکسا کوگلف /
 ۴۶۸، ۴۶۷ / تگزاس پاسیفیک /
 ۴۶۲ / تگزاس گلف /
 ۳۵۷، ۴۳، ۲۵، ۲۳ / تل آویو /
 ۴۴۵، ۴۴۴ / تنگه ماژلان /
 ۴۵۶ / تنگه مالاکا /
 ۴۴۴ / تنگه والدیویا /
 ۴۷۷، ۴۷۶، ۲۰۶، ۳۳ / تنگه هرمز /
 ۴۳۳ / توباگو /
 ۱۴۳ / تورتیلا /
 ۷۳۳، ۶۶۷ / توسلی /
 ۷۹۸، ۷۹۷ / توسینت، دی. ار. /
 ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴ / توکیو /
 ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱ /
 ۳۴۸ / تولو /
 ۴۵۶ / تونس /
 ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۷۴، ۴۲۴، ۴۲۰، ۱۷۷ /
 ۴۸۰ / توپچل، هام (ژنرال) /
 ۷۸۸، ۷۸۷، ۷۸۶، ۷۸۵ /
 ۷۹۷، ۷۹۶، ۷۹۴، ۷۹۳ /
 ۷۴۵، ۴۸ / تهران ژورنال /
 ۵۱ / تهرانی /
 ۷۳۳، ۶۶۷ / تهرانی، یعقوب /
 ۱۳۳، ۱۰۲ / تیتو (مارشال) /
 ۷۸۳ / تیلور (سرهنگ) /
 ۵۰۱ / تیمرمن /
 ۳۱۲ / تیوکول /
 ۳۵۹، ۱۶ / ثابتی، پرویز /
 ۷۳۳، ۶۶۷ / نامنی /
 ج
 ۱۹۶، ۱۹۳ / جابر الاحمد الصباح /
 ۱۹۶ / جابر علی الصباح /
 ۴۵۳ / جاناتا /
 ۸۲۷، ۸۲۶ / جانسون، لیندون بی. /
 ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۴۹ / جاوه /
 ۶۴۴، ۶۴۲، ۶۳۹، ۶۳۸، ۳۸۳ / جاوید، رفیع /
 ۶۶۷، ۶۶۵ /
 ۲۲۸ / جبهه آزادیبخش ملی (یمن) /
 ۳۵۷، ۴۳، ۲۳ / جده /
 ۱۶۸ / جرم شناسی (کتاب) /
 ۸۱۲ / جرمن، ویلیام. دی. /
 ۴۲۲ / جزایر آدامان /
 ۴۶۹ / جزایر اسپراتلی /
 ۴۳۱، ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۲۴ / جزایر فالکلند /
 ۱۶۸ / جزیره تاسمانی (استرالیا) /
 ۴۸۴ / جزیره تاسوس (یونان) /
 ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۵۱ / جزیره خارک /
 ۲۹۴، ۲۸۴، ۲۷۸، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۰، ۲۶۸ /
 ۴۸۳ / جزیره خیوس (یونان) /
 ۲۸۴، ۲۷۷، ۲۶۲، ۲۶۱ / جزیره لاوان /
 ۴۸۳ / جزیره لسوس (یونان) /
 ۱۷۷ / جعفر نمیری /
 ۵۲ / جعفریان /
 ۶۶۷ / جعفری (دکتر) /
 ۷۳۳، ۶۶۷ / جلالی نوری (مهندس) /
 ۷۳۸ / جمال عبدالناصر /
 ۶۳۰ / جمعیت آزادی آذربایجان /
 ۵۲۷، ۳۵۹، ۳۵۷، ۳۵۰ / جم، فریدون (تیمسار) /
 ۵۲۶، ۵۲۴ / جم، محمود /
 ۱۷۶، ۱۰۴ / جمهوری دموکراتیک خلق یمن /
 ۱۴۳ / جمهوری دومنیک /
 ۷۶۷ / جمی /
 ۱۴۶، ۱۲۶، ۱۰۹ / جنبش غیر متعهدها /
 ۵۸۹، ۴۹۷ / جنگ ایران و روس /

- جنگ جهانی اول / ۹۴، ۹۵، ۵۹۱
- جنگ جهانی دوم / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۷، ۹۵، ۹۶، ۱۵۹، ۳۰۰، ۴۱۳، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۶۰، ۸۲۳
- جنگ چین / ۴۷
- جنگ کره / ۱۶۵
- جنگ ویتنام / ۹۷
- جنگهای داخلی آمریکا (۱۸۶۱ - ۱۸۶۵) / ۹۳
- جوتنا / ۴۳۰
- جونز، جی.ا. / ۳۰۱، ۶۰۶، ۶۱۷
- جونبور (سرهنگ) / ۵۶۵
- جهانبانی (بانو) / ۷۳۳، ۶۶۷
- جهانشاهی / ۷۳۳، ۶۶۷
- جهانگیری / ۷۳۳، ۶۶۷
- جیوتی / ۱۰۴
- جینوچیو، لئونارد. آ. / ۳۳۵، ۳۴۵، ۳۴۶
- ح
- حاتم (دکتر) / ۶۶۷
- حاجی باغلو / ۷۳۳، ۶۶۷
- حاذقی / ۷۳۳، ۶۶۷، ۶۳۶، ۶۲۸
- حافظ اسد / ۴۸۰، ۴۸۱
- حباری (سوریه) / ۴۸۱
- حبیب‌اللهی / ۵۰، ۵۲
- حبیبی / ۶۶۷
- حجازی (ارتشبد) / ۶۳۴
- حزب ایران نوین / ۵۹۳، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۲
- ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۳۴، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۵۸، ۶۵۹
- ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۸۶، ۶۹۱، ۷۲۱، ۷۳۷
- حزب بعث عراق / ۷۷۹
- حزب پان ایرانیست / ۳۵۷
- حزب توده / ۴، ۱۲، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴
- ۳۸۷، ۴۰۷، ۷۵۳
- حزب جاناتا / ۴۵۵
- حزب رستاخیز / ۳۱۶، ۳۸۱
- حزب مردم / ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۸۶
- ۶۸۹، ۶۹۱، ۷۲۵، ۷۲۷
- حسن ابن عبدالله الشیخ / ۲۱۹
- حسین ابراهیم المنصور / ۲۱۸
- حسین عبدالرزاق الجزایری / ۲۱۹
- حسین عبدالله الامری / ۲۰۱
- حسینی (سرهنگ) / ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۶۵، ۶۶۷، ۷۳۳
- حشام محی‌الدین نظیر / ۲۱۹
- حضرت علی (ع) / ۱۴، ۲۲
- حضرت محمد (ص) / ۵۰
- حق شناس / ۷۳۳، ۶۶۷
- حقوق بین‌المللی اوپنهایم (کتاب) / ۶۹۷
- حکمت، علی اصغر / ۵۲۶
- حکمت یزدی، امیر (دکتر) / ۶۰۳، ۶۶۷، ۷۳۳
- حکیمی، ابراهیم / ۵۲۵
- چ
- چاد / ۱۰۵، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۸۷، ۴۹۳
- چاکواکسیپلوراسیون / ۴۴۸
- چاه‌بهار / ۳۱۹، ۳۵۸
- چاینیز / ۴۶۶
- چپمن / ۳۸۵، ۳۹۴
- چرچ، دبلیو. ویت (سرهنگ ۲) / ۵۷۵، ۵۷۶
- چرچیل / ۴۹۹، ۷۳۲
- چریکهای فدایی خلق / ۷۳، ۴۰۰، ۴۰۲
- چکسلواکی / ۹۵
- چمران، مصطفی / ۲، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۳۵۱، ۳۵۲
- ۳۵۶، ۴۰۸
- چوبوت / ۴۳۰
- چیاپاز / ۴۲۶، ۴۲۸
- چین / ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۱، ۴۰۶، ۴۶۶، ۴۶۷
- ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۸۸، ۵۹۱

- حکیمیان (سرتیپ) / ۶۶۷
 حلف بن نصیر و هابی / ۲۰۸
 حمدان بن محمد آل نهیان / ۲۳۸
 حمد بن خلیفه الثانی / ۲۱۳
 حمد مبارک العیار / ۱۹۶
 حمود یوسف النصیف / ۱۹۷
 حمید بن حمود آل بوسعید / ۲۰۸
 حوزہ ریدبنک / ۴۶۹
 حوزہ ریدبنگ بیتس و ناتوماس / ۴۵۳
 حوزہ نفتی آتاکامی یونیون ژاپکس / ۴۵۱
 حوزہ نفتی آردوژونای آرکو / ۴۵۱
 حوزہ نفتی آغاچاری / ۲۷۰
 حوزہ نفتی آمپا / ۴۵۸
 حوزہ نفتی اسپه جوس / ۴۴۱
 حوزہ نفتی اشتارت / ۴۷۹
 حوزہ نفتی اکسون / ۴۵۶
 حوزہ نفتی ال بروما / ۴۷۸، ۴۷۹
 حوزہ نفتی الدولاب / ۴۷۹
 حوزہ نفتی الهویزه / ۴۷۷
 حوزہ نفتی امرود مارین / ۴۹۱
 حوزہ نفتی اوزیری / ۴۵۸
 حوزہ نفتی اوومیبیل / ۴۹۳
 حوزہ نفتی ایپاک / ۲۷۱
 حوزہ نفتی ایریان جایا / ۴۵۱
 حوزہ نفتی بخرآباد / ۴۶۴، ۴۶۵
 حوزہ نفتی بگمگانی / ۴۶۴
 حوزہ نفتی پترو آنگول / ۴۸۹
 حوزہ نفتی پروم / ۴۶۰
 حوزہ نفتی پوتوار و سند / ۴۶۳
 حوزہ نفتی پوتومایو / ۴۴۳
 حوزہ نفتی پوزاریکا / ۴۲۷
 حوزہ نفتی تاراکان / ۴۵۰
 حوزہ نفتی تیتا / ۴۴۱
 حوزہ نفتی تیواکونو / ۴۳۷
 حوزہ نفتی جی سی / ۴۹۳
 حوزہ نفتی چاوک / ۴۶۰
 حوزہ نفتی حمزه (سوریه) / ۴۸۰
 حوزہ نفتی حویسه (سوریه) / ۴۸۰
 حوزہ نفتی داریوش / ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵
 حوزہ نفتی دیوری / ۴۵۰
 حوزہ نفتی رفورما / ۴۲۷، ۴۲۸
 حوزہ نفتی روبیل سانتو / ۴۴۶، ۴۴۷
 حوزہ نفتی رومیلان (سوریه) / ۴۸۰
 حوزہ نفتی سانگا - سانگا / ۴۵۰
 حوزہ نفتی سریا / ۴۵۸
 حوزہ نفتی سمارنگ / ۴۵۶
 حوزہ نفتی سوئی (بلوچستان پاکستان) / ۴۶۲
 حوزہ نفتی سویدیه (سوریه) / ۴۸۰
 حوزہ نفتی سینای ناتوماس / ۴۵۱
 حوزہ نفتی سیح نحیداح / ۴۷۷
 حوزہ نفتی سیدی الاعتیام / ۴۷۹
 حوزہ نفتی شیریری پونو / ۴۳۷
 حوزہ نفتی قارن اعلم / ۴۷۷
 حوزہ نفتی قبا / ۴۷۷
 حوزہ نفتی کابندای گلف / ۴۹۰
 حوزہ نفتی کاراچوک (سوریه) / ۴۸۰
 حوزہ نفتی کامبیتی / ۴۴۱
 حوزہ نفتی کامپوس / ۴۳۸، ۴۴۰
 حوزہ نفتی کاوالا / ۴۸۴
 حوزہ نفتی کرتانوس - کوبان / ۴۴۶
 حوزہ نفتی کونوکو / ۴۵۶
 حوزہ نفتی لوآنگو / ۴۹۱
 حوزہ نفتی لوکونیا / ۴۵۶
 حوزہ نفتی مارون / ۲۷۰
 حوزہ نفتی مارونیاس / ۴۸۵
 حوزہ نفتی ماری / ۴۶۳
 حوزہ نفتی مان / ۴۶۰
 حوزہ نفتی مکران / ۴۶۳

- خادمی، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۵ /
 خالد الاحمد الجابر الصباح / ۱۹۶
 خالد بن حمد الثاني / ۲۱۴
 خالد بن عبدالعزيز السعود / ۲۱۷، ۲۱۸
 خالد بن عبدالله العتيه / ۲۱۴
 خالد فضل منصور / ۲۳۰
 خالد محمد المانی / ۲۱۴
 خاندان آل خلیفه / ۱۹۲
 خاندان ثاني / ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵
 خاندان صباح / ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹
 خانلری (دوشیزه) / ۳۸۳
 خاورمیانه / ۵، ۶، ۷، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲،
 ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۵۳، ۸۲، ۸۴، ۹۶، ۱۰۲،
 ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۶۰، ۱۸۷، ۲۱۷،
 ۲۲۶، ۲۹۹، ۳۲۳، ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۲۱، ۴۲۲،
 ۴۲۵، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۹، ۶۴۵، ۶۹۳، ۷۲۷،
 ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۴۲، ۷۸۰، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۵،
 ۸۲۷
 خبرگزاری ایران / ۸۰۳
 خبرگزاری پارس / ۲۷۱
 خرمشهر / ۶۶
 خروشچف، نیکیتا / ۸۲۴
 خسروانی / ۱۶، ۶۴۳
 خسروداد / ۵۲
 خط لوله ایگات / ۲، ۶۸، ۲۵۲۲۵۱، ۲۷۳،
 ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۵
 خط لوله ترانس - آندین / ۴۳۴
 خط هوایی اردن / ۳۶۷
 خطیبی، حسین (دکتر) / ۶۵۷، ۶۶۰، ۶۶۷،
 ۶۶۸، ۶۷۰، ۷۳۳
 خلعت بری، عباسعلی / ۸۰۰
 خلفان الرومی / ۲۳۸
 خلل ابن احمد / ۶۴۳
 خلیج بنگال / ۴۲۲، ۴۶۴
- حوزه نفتی مولادی / ۴۶۴
 حوزه نفتی میانونگ / ۴۶۰
 حوزه نفتی میری / ۴۵۵
 حوزه نفتی میناس / ۴۵۰
 حوزه نفتی والیوو کاسیم پترومرترند / ۴۵۱
 حوزه نفتی وست ارب / ۴۵۶
 حوزه نفتی هاندیل و بکاپای توتال (اندونزی) /
 ۴۵۱
 حوزه نفتی ینانگ ینانگ / ۴۶۰
 حوزه نفتی یونیون (بانکوک) / ۴۶۸
 حوزه‌های نفتی سوماترا / ۴۴۹
 حوضچه آسام / ۴۶۴
 حوضچه نفتی اوسترال (مازلان) / ۴۲۹
 حوضچه نفتی ایندوس / ۴۶۲
 حوضچه نفتی پاستازا - مارانون / ۴۳۶
 حوضچه نفتی پوتوما یو / ۴۴۳
 حوضچه نفتی بی ریتی / ۴۴۸
 حوضچه نفتی خلیج کوچ / ۴۵۳
 حوضچه نفتی سالادو / ۴۴۸
 حوضچه نفتی سانترال / ۴۵۹
 حوضچه نفتی سان ژورگه / ۴۲۹
 حوضچه نفتی کاراندیتی / ۴۴۱، ۴۴۸
 حوضچه نفتی کامپوس / ۴۳۹
 حوضچه نفتی کلرادو / ۴۳۰
 حوضچه نفتی کواوری / ۴۵۳
 حوضچه نفتی گابن / ۴۹۰
 حوضچه نفتی ماگدالنای میانه / ۴۴۳
 حوضچه نفتی مالویناس / ۴۲۹
 حیدر ابوبکر العتاس / ۲۳۰
- خ
 خاتمی (ژنرال) / ۴۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۳،
 ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳
 خاتمی، محمد / ۳۰۳

- خلیج تونکین / ۴۷۱
 خلیج حمامت / ۴۷۹
 خلیج سوئز / ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶
 خلیج فارس / ۶، ۳۴، ۴۳، ۱۰۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۲۶
 دانشگاه ستاد نیروی هوایی ایران / ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۵، ۵۶۶
 دانشگاه آیداهو / ۴۱۰
 دانشگاه اکلاهما / ۴۱۰
 دانشگاه اورگون / ۵۷
 دانشگاه پنسیلوانیا / ۵۷
 دانشگاه پهلوی شیراز / ۵۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶
 دانشگاه تهران / ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۰
 دانشگاه جان هاپکینز / ۴۱۰
 دانشگاه ژنو / ۴۰۶
 دانشگاه سیراکوز / ۳۶۱
 دانشگاه شیکاگو / ۴۱۰
 دانشگاه فردوسی مشهد / ۴۶
 دانشگاه کلمبیا / ۱۶۰
 دانشگاه کمبریج / ۴۰۶
 دانشگاه کنتاکی / ۴۰۶
 دانشگاه کورنل آمریکا / ۳۸۶
 دانشگاه ملی / ۳۱۹
 دانشگاه ویرجینیا / ۸۱۹
 دانشگاه ییل / ۴۱۰
 دانشور، خسرو (سرتیپ) / ۳۵۷
 دانمارک / ۴۱، ۱۲۷، ۶۹۳، ۷۲۶، ۸۱۵
 دانیلز، کیث آلن (ناویان ۱) / ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۱
 دایان، موشه / ۲۷
 دروس تهران / ۳۵۹
 دره لوزون کاگایان / ۴۶۹، ۴۷۰
 دریاچه توز / ۴۸۲
 دریای آندامان / ۴۶۷
 دریای اژه / ۱۳۵، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵
 دریای ایونی / ۴۸۵
 دریای جنوب چین / ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۶۹
- خلیج تونکین / ۴۷۱
 خلیج حمامت / ۴۷۹
 خلیج سوئز / ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶
 خلیج فارس / ۶، ۳۴، ۴۳، ۱۰۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۲۶
 دانشگاه ستاد نیروی هوایی ایران / ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۵، ۵۶۶
 دانشگاه آیداهو / ۴۱۰
 دانشگاه اکلاهما / ۴۱۰
 دانشگاه اورگون / ۵۷
 دانشگاه پنسیلوانیا / ۵۷
 دانشگاه پهلوی شیراز / ۵۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶
 دانشگاه تهران / ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۰
 دانشگاه جان هاپکینز / ۴۱۰
 دانشگاه ژنو / ۴۰۶
 دانشگاه سیراکوز / ۳۶۱
 دانشگاه شیکاگو / ۴۱۰
 دانشگاه فردوسی مشهد / ۴۶
 دانشگاه کلمبیا / ۱۶۰
 دانشگاه کمبریج / ۴۰۶
 دانشگاه کنتاکی / ۴۰۶
 دانشگاه کورنل آمریکا / ۳۸۶
 دانشگاه ملی / ۳۱۹
 دانشگاه ویرجینیا / ۸۱۹
 دانشگاه ییل / ۴۱۰
 دانشور، خسرو (سرتیپ) / ۳۵۷
 دانمارک / ۴۱، ۱۲۷، ۶۹۳، ۷۲۶، ۸۱۵
 دانیلز، کیث آلن (ناویان ۱) / ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۱
 دایان، موشه / ۲۷
 دروس تهران / ۳۵۹
 دره لوزون کاگایان / ۴۶۹، ۴۷۰
 دریاچه توز / ۴۸۲
 دریای آندامان / ۴۶۷
 دریای اژه / ۱۳۵، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵
 دریای ایونی / ۴۸۵
 دریای جنوب چین / ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۶۹
- د - د
 دادگاه انقلاب / ۷۸، ۷۷، ۹
 داگلاس، مک دونالد / ۳۰۴، ۳۲۱، ۳۲۳
 دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱، ۹، ۹۹
 ۱۷۸، ۲۵۰، ۳۰۵، ۳۳۳، ۴۱۸، ۵۰۴، ۵۹۵
 ۷۲۳

- دریای خزر / ۳۸۳، ۴۹
- دریای سیاه / ۴۸۲
- دریای شرق چین / ۴۷۱، ۴۶۶
- دریای عرب / ۴۵۳
- دریای مرمره / ۴۸۲
- دریفوس، لوی گ. / ۵۱۹
- د. شیخاوندی / ۱۶۸
- دفتر پوینت لوا (سان دیه گو کالیفرنیا) / ۳۵۵
- دفتر تحقیقات اقتصادی (بخش کشورهای در حال رشد) / ۱۷۹
- دفتر شهبانو / ۳۸۳
- دکترین مونرو (۱۸۲۳) / ۱۵۳، ۹۴، ۹۳
- دکوالیکسن (Deqallaixn) / ۲۴
- دماغه والویس / ۱۴۱
- دمینکس / ۴۷۵
- دوآلای (کامرون) / ۴۹۴
- دوبی / ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶
- ۲۴۲
- دوبیوپوی، آلن / ۱۵، ۱۴
- دورژه، موریس / ۱۷۰
- دوسدوی / ۲۵
- دوشان تپه / ۳۶۶، ۵۱
- دوگل (ژنرال) / ۳۸۹، ۱۴۸
- دولاند، ش. / ۱۶۷
- دولت‌شاهی (بانو دکتر) / ۷۳۳، ۶۶۷
- دومان، اف. ک. (سرهنگ) / ۵۱۱، ۵۰۶
- دومینیکا / ۱۴۴
- دهش، هوشنگ / ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۰۴، ۳۰۲
- ۳۲۷
- دهلی نو / ۴۵۳، ۴۵۲، ۳۵۷، ۱۳۸، ۴۳، ۲۳
- ۴۵۵، ۴۵۴
- دیار بکر / ۴۸۲
- دیبا / ۲۶۰
- دیرتک / ۳۶۹، ۳۶۸
- دیزل‌سازی / ۸۸
- دیهم / ۶۶۷
- ذیحی / ۷۳۳، ۶۶۷
- ذوقی، ایرج (دکتر) / ۵۰۴
- ر
- رادیو بی‌بی‌سی / ۵۳
- رادیو پکن / ۷۴۶، ۶۹۸
- رادیو پیک ایران (ایستگاه رادیویی مخفی حزب توده) / ۷۵۳، ۷۴۶، ۳۵۳، ۳۴۹
- رادیو تلویزیون ملی ایران / ۷۹، ۳۵۰، ۳۵۳
- ۳۶۰، ۳۵۵، ۳۵۴
- رادیو خاورمیانه / ۳۵۳
- رادیو محلی تهران / ۸۰۳
- رادیو مسکو / ۷۴۶
- راسک / ۷۷۸، ۷۷۱، ۷۴۶، ۷۴۴
- راشد بن سعید المکتوم / ۲۴۱، ۲۳۸، ۲۳۷
- ۲۴۲
- راشد عبدالله علی‌النویمی / ۲۳۸
- راف، لاری. ئی. (ستوان ۲) / ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۱
- راکول، استوارت دبلیو. / ۳۰۲، ۳۱۵، ۵۸۱
- ۵۸۲، ۶۰۵، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۷۱، ۶۷۲
- ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۲، ۷۰۶، ۷۱۰، ۷۱۱
- ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۲۱، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۰
- راگان، ریجیز. جی. (سرگروهبان) / ۸۱۱
- رامید / ۶۴۴، ۶۴۲، ۶۳۹، ۶۳۸، ۶۲۵، ۶۲۴
- ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۲
- ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۹۱
- ۷۱۲، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۱
- رامتین، سهراب / ۳۵۵
- رامتین، سیامک / ۳۵۵
- رامتین، سیروس / ۳۳۳، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰
- ۳۵۱
- راو، ائی. ای. / ۷۸۶

- راور، ۱۶ / رندر (دوشیزه) / ۸۰۱، ۸۰۲
 راووند، جری. ا. (گروهیان ۱) / ۸۰۷ / رنون، پیر / ۱۶۷
 راه آهن تهران - تبریز / ۶۸ / روحانی / ۶۴۱، ۶۵۳، ۶۶۷، ۷۳۳
 راه آهن خرمشهر - بندر امام خمینی (بندر شاهپور) / ۶۸ / روحانی زیارتی، حمید / ۶۷۳
 راه آهن دولتی ایران / ۲۴ / رود پلاته / ۴۴۸
 رایدرد (سرلشگر) / ۳۰۷ / رودزیا / ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۵، ۴۰۶
 رایدلی (ژنرال) / ۵۰۰ / رود سرخ / ۴۷۲
 رأس الخیمه / ۲۳۸ / رود مکونگ / ۴۷۲
 ربیعی / ۵۰ / رود نستوس / ۴۸۴
 رجائی / ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۶۷، ۷۳۳ / رود نیجر / ۴۸۸، ۴۸۷
 رحیمی / ۵۲ / رود نیل / ۴۷۴
 رزم آرا، پرویز / ۳۶۱ / رودنیو، پیترو / ۸۲۲
 رزم آرا، حاج علی (تیمسار) / ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۵۸، / روزالیند (همسر راکول) / ۷۱۵
 ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۵۳۱ / روزنامه آتش / ۱۶
 رزم آرا، نودر / ۳۶۱، ۳۵۸، ۳۴۹ / روزنامه آژنگ / ۶۱۵
 رزم آرا، هرمز / ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۶۱ / روزنامه اراده آذربایجان / ۶۲۸
 رستوران خانسالار (تهران) / ۴۹ / روزنامه اطلاعات / ۵۴، ۶۲۶، ۶۲۷
 رستوران رکامیه (پاریس) / ۳۸۵ / روزنامه پاری ماچ / ۳۸۸
 رستوران کاروانسرا / ۱۷ / روزنامه پیغام امروز / ۶۱۵
 رستوران میرابل / ۲۴ / روزنامه تهران تایمز / ۷۳
 رشتی (دکتر) / ۶۶۶، ۶۶۷ / روزنامه فیگارو / ۳۹۴
 رشید محمد ثابت / ۲۳۰ / روزنامه کرمانشاه / ۴۱۳
 رضائیه / ۱۶ / روزنامه کیهان / ۴۸، ۵۲، ۱۵۲، ۱۷۰، ۳۱۶،
 رضاخان / ۷۷، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۹۱، ۵۹۳ / ۶۲۶، ۶۲۷، ۷۳۳ / روزنامه کیهان اینترنشنال / ۷۰۹، ۸۱۹
 رضوانی (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳ / روزنامه مهر ایران / ۷۲۷
 رضوی / ۶۶۷ / روزولت / ۴۹۹
 رم / ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷ / روستا / ۶۶۷، ۷۳۳
 ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷ / روسیه / ۷۷، ۹۴، ۱۳۳، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۱۸،
 ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۸۲۴ / ۲۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۷۷،
 ۴۷۴، ۴۹۸، ۵۲۸، ۵۸۹، ۶۷۸ / رمضان (دکتر) / ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۰، ۷۳۳
 رضوانی، روح الله (پرفسور) / ۶۲۵، ۶۶۶، ۶۶۷ / رومانی / ۹۵، ۴۶۵، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۸۱
 رونالد. آر. دیویس (سرهنگ) / ۸۱۱ / رونالد. آر. دیویس (سرهنگ) / ۸۱۱
 رهبر / ۶۶۷ / ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۳۰

- ۶۴۴، ۶۵۹، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۰، ۷۲۵، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۲
 رهنوردی (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
 ریاحی، تقی (سرتیپ) / ۳۳۸، ۳۳۹
 ریاحی، مهدی (مهندس) / ۶۴۱، ۶۶۷، ۷۳۳
 زیرینسکی / ۵۷۲
 ریاض ال اکبری / ۲۳۰
 ریاضی، عبدالله (مهندس) / ۱۵، ۶۲۱، ۶۶۰
 زیمرمان، وارن / ۳۹۵
- ژ
 ژاپن / ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۲۳، ۲۳۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۹۲، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۴، ۶۹۴، ۷۲۶، ۷۸۹، ۷۹۰، ۸۲۲، ۸۳۰
 ژاندارمری شاهنشاهی ایران / ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۹۷، ۷۳۶، ۸۲۴
 ژنو / ۱۰۸، ۱۳۰
 ژیزل / ۴۴۰
- س
 ساحل شمال غربی صباح / ۴۵۵
 ساحل عاج / ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۹۳، ۴۹۴
 سادچیکف / ۵۲۴، ۵۲۹
 ساراواک / ۴۵۵، ۴۵۶
 سازمان آزادیبخش فلسطین / ۱۹۸، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۲
 سازمان اداره مستشاری / ۵۲۲
 سازمان اطلاعات دفاعی (DIA) / ۳۶۵
 سازمان اطلاعات و امنیت ایران / ۱۱
 سازمان اطلاعاتی اسرائیل / ۳۶۱
 سازمان اطلاعاتی فرانسه / ۱۵
 سازمان اطلاعاتی مصر / ۳۶۱
 سازمان انرژی اتمی ایران / ۲۴
 سازمان بهداشت جهانی / ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۴۸
 سازمان توسعه و همکاری اقتصادی / ۷۰، ۱۰۶
- ز
 زائر / ۱۰۵، ۱۴۲، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۹۲، ۴۹۳
 زاهدان / ۶۰۶
 زاهدی، اردشیر / ۱۶
 زاهدی، فضل الله / ۴۹۸، ۵۴۴
 زاید بن سلطان آل نهیان / ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸
 زراور (مهندس) / ۶۶۷
 زرگرزاده / ۷۳۳
 زرن، توماس / ۱۷۹
 زعفرانلو (دکتر) / ۶۴۱، ۶۶۷
 زلاندنو / ۹۶
 زنجان / ۳۷۴
 زنجانچی (مهندس) / ۶۶۷، ۷۳۳
 زند / ۶۶۷، ۷۳۳
 زندنیا، شاپور / ۳۵۱
 زهتاب فرد / ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۳، ۶۳۷

- ۱۰۷، ۱۱۰ سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) / ۵، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۰۱، ۴۱۸، ۴۷۱
- سازمان سرمایه‌گذارها و کمکهای اقتصادی و فنی ایران / ۸، ۷۰، ۷۱
- سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی سازمان ملل (یونسکو) / ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۶۵
- سازمان عمران و توسعه اقتصادی / ۱۲۹
- سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) / ۱۴۷
- سازمان مجاهدین خلق / ۷۳
- سازمان مرکزی آمار / ۶۰۱
- سازمان ملل متحد / ۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۹۸، ۴۰۶، ۴۷۰، ۴۸۵، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۲۴، ۶۵۷، ۷۷۰، ۷۷۸، ۸۲۸
- سازمان وحدت آفریقا / ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۲
- سازمان همکاری و عمران اقتصادی / ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۶۴
- ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) / ۵۳، ۱۳۲، ۱۶۵
- ساقطلیان / ۸۵، ۸۶
- ساکس، لیک / ۵۲۷
- ساگینیان / ۶۶۷، ۷۳۳
- سالتا / ۴۳۰
- سالت لیک سیتی / ۳۹۶
- سالم الصباح السالم الصباح / ۱۹۶
- سالم ربیع علی / ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵
- سامپاگیتا / ۴۶۹
- ساموآی شرقی / ۱۲۸
- سامیراد (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
- سانتاکروز / ۴۳۰
- سانتوز / ۴۳۹
- سانتیاگو / ۴۴۴، ۴۴۵
- ساندرز / ۶، ۷، ۳۲، ۸۲
- ساندس، آر. وای (سروان) / ۵۰۶، ۵۱۱
- سان دیه‌گو (کالیفرنیا) / ۴۸، ۳۵۵
- سان ژورگه / ۴۳۰
- ساواک / ۱۱، ۱۶، ۲۹، ۵۰، ۵۲، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۱، ۶۷۹، ۷۱۴، ۷۷۰
- ساوه / ۲۵۲
- سایم / ۴۷۹
- سایگون / ۴۷۲
- سپهر، اصغر (تیمسار) / ۳۵۷
- ستاد مرکزی سیا / ۳۳۱، ۳۶۲
- سجادی / ۶۸۹
- سحابی، یدالله / ۷۳
- سرانو، جورج دیاز / ۴۲۷
- سرتیپ‌پور / ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۶، ۶۶۳، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۸۶، ۷۱۲، ۷۲۱، ۷۳۳، ۷۴۳
- سرگیه / ۴۳۹
- سری‌لانکا / ۱۲۵
- سعادت‌مند (تیمسار) / ۳۵۱
- سعدالله الصباح / ۱۹۴، ۱۹۶
- سعود بن فیصل السعود / ۲۱۹
- سعید (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
- سعید عبدالخیر النویان / ۲۳۰
- سفارت آمریکا (آنکارا) / ۳۹۹
- سفارت آمریکا (امان) / ۳۲
- سفارت آمریکا (برازاویل) / ۱۱۰
- سفارت آمریکا (بیروت) / ۱۱۰
- سفارت آمریکا (پاریس) / ۷۰، ۳۸۲، ۳۸۴

- ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۵
 سفارت آمریکا (توکیو) / ۲۶۱
 سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات
 سفارت آمریکا (رم) / ۳۶۲، ۳۶۷
 سفارت آمریکا (فرانسه) / ۳۸۱، ۳۹۴
 سفارت آمریکا (کپنهاگ) / ۴۰
 سفارت آمریکا (مایوتو) / ۱۱۰
 سفارت بلغارستان / ۳۵۳
 سفارت فرانسه / ۴، ۱۴، ۲۴
 سکیوریتی پاسیفیک نشنال بانک / ۳۵۵
 سلسله جبال مکران / ۴۶۲
 سلطان ابن عبدالعزیز السعود / ۲۱۸
 سلطان احمدی / ۶۶۷، ۷۳۳
 سلطان بن احمد المعلا / ۲۳۸
 سلطان حسین / ۵۸۹
 سلطان قابوس ابن سعید آل بو سعید / ۱۸۳،
 ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱
 سلطان محمد الدوش / ۲۳۰
 سلطان (ناخدا) / ۵۲
 سلطنت آباد / ۳۸۰
 سلمان الدویج الصباح / ۱۹۷
 سلیمان (پادشاه عثمانی) / ۵۸۸
 سلیمان زیدالخالد / ۱۹۶
 سلیمان عبدالعزیز السلیم / ۲۱۸
 سلیمانی کاشانی / ۶۶۷
 سلیم بصیر آل بوسعید / ۲۰۷
 سلیم ربیع علی (پرزیدنت) / ۲۲۸
 سلیمی، ایران / ۷۷۳، ۷۷۴
 سلیمی، رضا (دکتر) / ۷۰، ۷۱، ۷۷۳
 سمیعی، ابتهاج / ۶۶۷، ۷۳۳
 سمیعی، ادیب / ۶۶۷
 سمیعی، صادق / ۸۳
 سن آنتونیو (تگزاس) / ۳۶۷، ۳۷۵
 سنابادی / ۷۶۷
 سنترام زامورا / ۴۴۶، ۴۴۷
 سنجایی، کریم (دکتر) / ۱۸، ۵۰، ۷۳
 سنجر، ابراهیم (دکتر) / ۵۰۴
 سند (SIND) / ۴۶۲
 سنگاپور / ۱۲۸، ۱۵۴
 سنگال / ۸، ۷۰
 سنگه وی، رامش / ۸۲۶
 سندج / ۱۶، ۴۰۲
 سوئد / ۱۲۷، ۴۶۹
 سوئز / ۴۷۵، ۴۷۶
 سوئیس / ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۱۴
 سوایو / ۱۶۵
 سوانسون، بیرون. ال. (ستوان ۱) / ۸۰۷، ۸۰۹،
 ۸۱۱
 سوٹ فیوریوس / ۴۵۶
 سودان / ۷۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۷۷
 سوده‌ور / ۸۷
 سورپزا / ۴۹۲
 سورنسن، تئودر / ۸۲۵
 سوریه / ۱۸۲، ۲۳۱، ۴۲۰، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲،
 ۵۸۸
 سوسیتہ بلژیک / ۴۹۲
 سوسیتہ دولیتورال (زئیر) / ۴۹۲
 سوفیران / ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۷۸،
 ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۹
 سوگارد، تئودووال (سرہنگ ۲) / ۵۰۶، ۵۱۱
 سولیوان، ویلیام اچ. / ۱۶، ۱۷، ۲۵۰، ۲۵۴،
 ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱،
 ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸،
 ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶،
 ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵،
 ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳،
 ۲۹۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۱
 سوماترا / ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۲

- سومالی / ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۴۲۲
 سوموزا / ۱۰۵
 سوئدیه / ۴۸۰
 سوئفت، الیزابت / ۸۱۲، ۸۱۸
 سهراب (اداره گذرنامه) / ۸۰۰، ۸۰۱، ۳۵۵
 ۸۰۲
 سیاست امنیت ملی آمریکا در دهه هشتاد (کتاب
 / ۹۸
 سیاست خارجی آمریکا از دیدگاه مورگانتا /
 ۱۶۷، ۱۷۰
 سیتگو / ۴۶۰
 سیتو / ۹۶
 سیتی سرویس / ۴۶۹
 سیدالرقبانی / ۲۳۸
 سید العیص / ۲۳۸
 سید صالح سلیم / ۲۳۰
 سیدی، سید حسین / ۱۷۰
 سیریپ (شرکت نفت ملی ایران و سوفیران) /
 ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲،
 ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۳،
 ۲۸۵، ۲۸۹
 سیستم اطلاعاتی ایران (ایز ایران) / ۳۰۲، ۳۰۷،
 ۳۱۵، ۳۹۷
 سیفی / ۶۶۷، ۷۳۳
 سینما رکس آبادان / ۴۹
 ش
 شاخ آفریقا / ۷، ۳۸، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۹،
 ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۸۶، ۲۲۶، ۲۳۱
 شاخوئی / ۶۶۷
 شارجه / ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹
 شامیتتر، جوزف / ۳۸۵
 شاه (پهلوی، محمدرضا) / ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱،
 ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲
- ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷،
 ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱،
 ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۸۴، ۸۶، ۹۷، ۱۳۶،
 ۱۸۵، ۱۹۴، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۴۷،
 ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳،
 ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷،
 ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۷،
 ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۴،
 ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۱،
 ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۳، ۳۹۵،
 ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۰۹،
 ۴۱۰، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۲۴، ۵۲۹،
 ۵۳۱، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵،
 ۶۰۷، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۲۹، ۶۳۳،
 ۶۴۱، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۳، ۶۷۶، ۶۸۰، ۶۸۶،
 ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۴،
 ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۳۴، ۷۳۷،
 ۷۴۱، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۷، ۷۶۹، ۷۷۰،
 ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۳، ۷۹۵، ۸۱۳، ۸۱۹،
 ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸
 شاهراه قم / ۶۸
 شاهزاده سعود / ۲۲۵
 شاهزاده عبدالله / ۲۲۰، ۲۲۶
 شاهستان (پروژه نوسازی مرکز تهران) / ۶۸
 شبه جزیره سینا / ۲۶، ۴۷۵
 شبه جزیره غربی سانتالنا / ۴۳۶
 شبه جزیره کره / ۱۳۹
 شبه جزیره گواجیرا / ۴۴۳
 شبه جزیره موساندام / ۴۷۷
 شجاع‌الدین (وابسته به شریعتمداری) / ۳۵۳
 شرر، دان آلن (ناخدا دوم) / ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱
 شرکاء، جلیل / ۸، ۷۵، ۷۶
 شرکت ئی الی اف / ۴۸۸
 شرکت آنترپوزاسا / ۴۴۶

شرکت ارج / ۴۲	شرکت دیزل سازی / ۸۷، ۸۸
شرکت اسکو / ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶	شرکت دیلمر بنز آلمان / ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۳۷۷
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳	شرکت سهام فیوج / ۳۲۳
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰	شرکت گرومن / ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶
۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷	۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳
۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴	۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷
۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲	شرکت لاپکو / ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
۲۹۳، ۲۹۴	۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷
شرکت اسکو / ۲۷۲	۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷
شرکت اکونومیک اند دیولوپ منت / ۳۱۳	۲۹۰
شرکت الکتربسیته هسته‌ای ایران (INECO) / ۳۰۷	شرکت لاکهید / ۳۰۴، ۳۱۳
شرکت امریکایی (ریدینگ بیتس و ناتوماس) / ۴۵۳	شرکت لاوی / ۳۲۳، ۳۲۵
شرکت انی / ۴۷۵	شرکت لیتون / ۳۰۴، ۳۱۳
شرکت ایپاک / ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۸	شرکت مرسدس بنز / ۸۷
۲۷۰، ۲۷۲	شرکت مسی فرگوسن (تبریز) / ۵۷
شرکت ایندیپندنت / ۴۵۴	شرکت مک دونالد داگلاس / ۳۰۴، ۳۱۲
شرکت برمودا / ۳۱۳	شرکت ملی گاز ایران / ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۷۳، ۲۷۷
شرکت بل هلیکوپتر / ۳۰۴، ۳۱۲	شرکت ملی نفت ایتالیا / ۴۳۹
شرکت بیمه هرمز / ۸۸	شرکت ملی نفت ایران / ۶، ۲۲، ۸۰، ۸۴، ۲۵۰
شرکت پریموس / ۶۳۳	۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷
شرکت پست و تلگراف و تلفن / ۳۱۸	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
شرکت تراکتورسازی رومانی / ۵۷	۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳
شرکت تریپکو / ۴۸۱	۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱
شرکت تکنولوژی پیشرفته ایران / ۳۰۷	۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰
شرکت توتال / ۴۵۱، ۴۶۰	۲۹۳، ۲۹۴، ۸۲۷
شرکت جان دیر / ۵۷	شرکت ملی نفت ایران و اسکو / ۲۵۳
شرکت جنتی اینترنشنال / ۳۲۶	شرکت ملی نفت فیلیپین / ۴۷۰
شرکت جنرال موتورز / ۷۵	شرکت موبیل / ۴۷۵
شرکت جی.تی.ئی. / ۷۵	شرکت نفت اسوآمین اوایل / ۴۴۸
شرکت خاور / ۸۷	شرکت نفت اکوادور / ۴۳۷، ۴۳۸
شرکت دنجون ایران / ۳۶۲	شرکت نفت انگلیس / ۲۳۳
شرکت دوپونت / ۷۵	شرکت نفت ایتالیا / ۴۸۸، ۴۹۴
	شرکت نفت برمه / ۴۵۴
	شرکت نفت چائینیز / ۴۶۶

- شرکت نفت سوریه / ۴۸۱
 شرکت نفت شیلی / ۴۴۵
 شرکت نفت مصر / ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶
 شرکت نفت میانما / ۴۶۰، ۴۶۱
 شرکت نفت هند / ۴۵۴
 شرکت وستینگهاوس / ۳۱۲
 شرمن (سرگرد) / ۵۷۶
 شریعتمداری، حسن / ۳۴۹، ۳۵۳
 شریعتمداری، سیدکاظم (آیت‌الله) / ۴، ۱۴، ۱۸،
 ۴۹، ۲۷۴، ۳۳۱، ۳۵۳، ۳۸۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۶۰۰،
 ۶۳۲، ۶۷۰، ۶۸۹، ۶۹۱، ۷۳۳
 شریف امامی، جعفر / ۱۸، ۴۹، ۵۰، ۲۷۴، ۳۸۵،
 ۳۸۸
 شریفی، فیروز / ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱،
 ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵
 شریور، سرجنت / ۸۲۷
 شفیع مقتدر شفیعا / ۳۵۹
 شفیع پورکرمانی / ۶۶۷، ۷۳۳
 شکیبی (تیمسار) / ۶۲۰
 شلزینگر، جیمز اچ. / ۲۶۲، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۵۰،
 ۳۵۱
 شمس آبادی، رضا / ۷۷۵
 شوارتزکف، اچ. نورمان (سرتیپ) / ۵۰۰، ۵۲۸
 شوپ، لورنس اچ / ۱۶۷
 شورای انقلاب / ۷۷، ۷۲۳، ۸۰۳، ۸۰۴
 شورای عالی خلق یمن / ۲۲۹، ۲۳۰
 شورای نیابت سلطنت / ۳۷، ۵۱
 شوروی / ۳، ۲۶، ۳۲، ۴۱، ۷۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰،
 ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹،
 ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱،
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۸۲،
 ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۷۳،
 ۳۳۲، ۳۳۶، ۴۰۳، ۴۱۱، ۴۶۵، ۴۷۲، ۴۷۳
- ۴۷۴، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۲۵،
 ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۴۹، ۶۰۶، ۶۳۰، ۶۷۶،
 ۶۷۸، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۷۴، ۸۲۴، ۸۲۶، ۸۲۷
 شوشتری، حکیم (دکتر) / ۶۲۹، ۶۶۷
 شهرک ساحلی زواره (لیبی) / ۴۷۹
 شیخ الاسلامی / ۶۶۷
 شیخ راشدالمکتوم / ۲۳۷
 شیخ زاید بن سلطان آل نهیان / ۲۳۶، ۲۳۷
 شیراز / ۴، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۹۱، ۳۸۲،
 ۶۷۵، ۷۴۲
 شیرازی، حمید / ۳۳۳، ۳۳۴
 شیلی / ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۴۴، ۱۵۳، ۴۲۰، ۴۴۴،
 ۴۴۵
- ص
 صائبی (مهندس) / ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۴،
 ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
 صاحب قلم (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
 صادقی / ۵۷۹، ۵۸۰
 صالح، علی پاشا (دکتر) / ۶۸۵، ۷۴۹
 صالح مصلح القاسم / ۲۳۰
 صالحی (دکتر) / ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
 صباح الاحمد الصباح / ۱۹۶، ۴۵۵
 صباغیان / ۷۲، ۷۹
 صحیفه نور (کتاب) / ۵۹۵
 صحیم ابن حمدالثانی / ۲۱۴
 صدای ملی ایران / ۷۴۶
 صدر / ۱۶۷
 صدراعظم اشمیت / ۱۱۵
 صدر، امام موسی / ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۵۷
 صدقیانی (مهندس) / ۶۶۷
 صدیقی / ۵۰
 صدیقی، غلامحسین (دکتر) / ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۱،
 ۴۰۲

- صفار هرندي / ۷۷۸، ۷۶۹
- صفی پور / ۷۳۳، ۶۶۷، ۶۶۵، ۶۴۲، ۶۲۴
- صمصام السلطنه / ۵۹۱
- صنایع کروپ آلمان / ۷۱
- صندوق اعتبارات ایران / ۳۱۷
- صندوق اوپک / ۷۰، ۸
- صندوق بین المللی پول / ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۰۷
- ۴۸۳، ۴۲۳، ۱۶۴، ۱۴۶، ۱۳۶، ۱۳۵
- صندوق تراست / ۱۱۸
- صندوق کنترل مواد مخدر سازمان ملل / ۱۲۷، ۱۴۷
- صندوق ویتھوین / ۱۱۸
- صنعا / ۲۳۱، ۲۲۸، ۲۰۵، ۲۰۴، ۱۹۹، ۱۸۶
- صنعت نفت ایران / ۲۶۲، ۲۵۸، ۲۵۷
- صنعی، اسدالله (سپهد) / ۶۳۳، ۶۰۰
- ع - غ
- عاصم الحمالي / ۲۰۸
- عبدالرحمن سليم العتيقي / ۱۹۶
- عبدالرحمن عبدالعزيز حسن الشيخ / ۲۱۸
- عبدالعزيز ابن خليفه الثاني / ۲۱۴
- عبدالعزيز بن حميد القاسمي / ۲۳۸
- عبدالعزيز بن زيد القریشی / ۲۱۹
- عبدالعزيز حسين / ۱۹۷
- عبدالعزيز عبدالله الخويتر / ۲۱۸
- عبدالعزيز عبدالولي النشير / ۲۳۰
- عبدالغني عبدالقدير / ۲۳۰
- عبدالفتاح اسماعيل / ۲۳۱، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷
- ۲۳۵
- عبدالکريم آل اميرياني / ۲۰۱
- عبدالله احمد الغانم / ۲۳۰
- عبدالله احمد بوخير (دکتر) / ۲۳۰
- عبدالله اعضروي / ۲۳۸
- عبدالله المفرح / ۱۹۷
- عبدالله بن عبدالعزيز السعود / ۲۱۸
- عبدالله بن نصير السويدي / ۲۱۴
- عبدالمطلب الكاظمي / ۱۹۷
- ض
- ضابطی طرفی / ۷۳۳، ۶۶۷
- ضیائی، محمود (دکتر) / ۶۶۹، ۶۶۷، ۶۶۰
- ۷۵۰، ۶۸۶، ۷۰۹، ۷۳۳
- ضیایی، محمد / ۶۱۶
- ط - ظ
- طالب زاده رودسری / ۷۳۳، ۶۶۷
- طالقانی، سید محمود (آیت الله) / ۷۲، ۴۹
- طالقانی، مهدی / ۳۵۶
- طباطبائی / ۷۹، ۳۵۷، ۳۵۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۴
- ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۷، ۷۳۳
- طباطبائی، عبدالحسين / ۶۶۵، ۶۶۲، ۶۶۱
- طباطبائی، عدل (دکتر) / ۶۴۷، ۶۲۶، ۶۲۵
- ۶۵۵، ۶۶۷، ۷۳۳
- طباطبائی، فخر / ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۵۱
- ۶۶۷
- طباطبائی، صادق / ۳۵۶
- طیس، ۴۹، ۳۳۲
- طرح ترومن / ۱۶۰، ۹۶
- طرح مارشال / ۱۶۰، ۹۵
- طرح مالت (کتاب) / ۱۷۰
- طوفانیان، حسن (ژنرال) / ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
- ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲
- ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰
- ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷
- طهماسبی / ۶۶۷
- ظفار / ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۶، ۱۸۵، ۹۷
- ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۳۱، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
- ظفر، ملکشاہ / ۷۳۳، ۶۶۷، ۶۶۵، ۶۲۵

- عبدالوهاب النفیسی / ۱۹۶
 عبدالوهاب عبدالواسع / ۲۱۹
 عبدی، ع. / ۱۷۰
 عثمانی / ۹۴، ۱۵۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰
 عجمان / ۲۳۶، ۲۳۸
 عدلی (مهندس) / ۶۶۷، ۷۳۳
 عدن / ۱۸۵، ۲۰۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱
 ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵
 عراق / ۱۷، ۴۸، ۴۹، ۸۰، ۱۰۸، ۱۳۶، ۱۳۸
 ۲۲۶، ۲۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶
 ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۸۷، ۳۹۰
 ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۱۰، ۵۹۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۸۲۳
 ۸۲۴، ۸۲۸
 عراقی، مهدی / ۷۶۹، ۷۷۸
 عربستان سعودی / ۲۵، ۲۷، ۷۰، ۱۰۲، ۱۰۴
 ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰
 ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹
 ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰
 ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷
 ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴
 ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۶
 ۲۶۹، ۳۳۴، ۳۶۱، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۹۰
 ۴۱۷، ۴۲۷، ۴۷۸، ۷۸۹
 عطائی (مهندس) / ۶۶۷
 عطا، جنتی / ۳۴۲
 علم، اسدالله / ۳۱۰، ۳۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۸۶
 ۷۳۷
 علومی، رضا / ۱۶۹
 علوی، پرویز / ۱۷۰
 علوی درویش، کیان / ۲۱۹
 علی احمد نصیر سلامی / ۲۳۰
 علی اسد مثنی / ۲۳۰
 علی الخلیفه الصباح / ۱۹۷
 علی بابایی، غلامرضا / ۵۹۵
 علی بن احمد الانصاری / ۲۱۴
 علی عبدالله صالح / ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۵
 علی عتتر / ۲۲۷
 علی ناصر محمد الحسنی / ۲۲۷، ۲۳۰
 علی نصیر مجدالحسنی / ۲۳۰
 عمان / ۲۳، ۳۴، ۱۰۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲
 ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰
 ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۴۰، ۴۲۱، ۴۷۳، ۴۷۴
 ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
 عهدنامه گلستان / ۵۸۹
 عیدی امین / ۱۰۵
 عیسی بن سلمان الخلیفه / ۱۸۷
 عیسی غانم الکوری / ۲۱۴
 غنی (دکتر) / ۶۶۷
 ف
 فاجعه ۱۷ شهریور / ۲۴۸
 فارل، تام / ۳۸۳
 فاریس سلیم احمد / ۲۳۰
 فاطمی، تقی (تیمسار) / ۳۵۹
 فالکلند / ۴۲۹، ۴۳۱
 فالکنر، ویلیام.ال. (سرگرد) / ۸۰۶، ۸۱۰، ۸۱۱
 فاو، ریچارد / ۸۱۹
 فاهود / ۴۷۷
 فاین آلدن اچ. (سرهنگ ۲) / ۸۱۱
 فتحعلیشاه قاجار / ۴۹۷
 فرالین، گوردن / ۱۷۹
 فرانتک، ۳۶۸ / ۳۶۹
 فرانسوای اول (پادشاه فرانسه) / ۵۸۸
 فرانسه / ۲۴، ۲۵، ۴۰، ۴۱، ۵۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶
 ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۲
 ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۱۱، ۳۸۱
 ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۳۰

- ۴۹۸، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۶۵۰، ۶۹۳، ۶۹۴، ۸۱۱
 ۷۰۱، ۷۲۶، ۸۲۱ / فیش (سپهبد) / ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹
 فرانسیس، فرانک دو / ۳۰۴، ۳۱۳ / فیصل ابن علی فیصل آل بوسعید / ۲۰۸
 فرانکفورت / ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۵ / فیصل بن سمیع الثانی / ۲۱۳
 فرابو (دکتر) / ۶۶۷ / فیصلی / ۶۶۷
 فرید (تیمسار) / ۴۰۸ / فیگارو / ۳۹۰
 فرد / ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۳ / فیلکوفورد / ۳۱۲
 فردوست، حسین (سرلشگر) / ۱۵، ۴۰۸ / فیلیس / ۴۹۴، ۴۸۸، ۴۷۵، ۴۴۲، ۴۳۵
 فرمانفرمائیان / ۴۰۶ / فیلیپین / ۹۴، ۹۶، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۴
 فرودگاه بین‌المللی تهران (مهرآباد) / ۵۱، ۵۳ / فیوج، آلبرت جی. / ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱
 ۶۸ / فیوگ، آلبرت جی. / ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱
 فصل‌نامه اداره کل امور بین‌المللی وزارت امور
 خارجه (جمهوری اسلامی ایران) / ۱۷۱ / ق
 فضل محسن عبدالله / ۲۳۰ / قابوس ابن سعید آل بوسعید / ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۰۷
 فقیه / ۸، ۵۴، ۵۵ / قاسم بن محمدالثانی / ۲۱۳
 فلات پوتوار / ۴۶۲ / قاضی، ابوالفضل / ۱۷۰
 فلات فالکلند / ۴۲۹ / قاضی عبدالرحمن القسیبی / ۲۱۹
 فلات قاره کامپه چی / ۴۲۸ / قانون اساسی ایران / ۱۱، ۳۹، ۷۳، ۶۲۴، ۶۸۵
 فلاح، رضا / ۲۵۹ / فلت، هارولد. هانس (سرهنگ) / ۵۶۵، ۷۶۷
 فلند / ۹۵ / فنلاند / ۹۵
 فورت پراگ / ۳۷۵ / فورت هولابرد (میلند) / ۳۶۶، ۳۷۵
 فورمن، بنجامین / ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۹ / فورم، گالن / ۴۷
 فولادوند / ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۷، ۷۳۳، ۷۴۳ / فورتن، آندره / ۱۶۷
 فهاربن تیمور بوسعید / ۲۰۸ / فهد بن عبدالعزیز السعود / ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۶
 فهبدین محمود آل سعید / ۲۰۷ / فهیمی / ۶۶۷، ۷۳۳
 فهینک (سرهنگ) / ۵۷۲ / فهیرکه، توماس. جی. (سروان) / ۸۰۶، ۸۰۹
 قرارداد وین / ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲ / قانون منع جکسون - وانیک / ۱۳۲
 قاهره / ۲۳، ۴۳، ۳۵۷، ۴۷۴، ۵۶۵، ۷۴۶ / قاهره / ۲۳، ۴۳، ۳۵۷، ۴۷۴، ۵۶۵، ۷۴۶
 قبرس / ۱۳۵، ۷۳۱، ۸۰۳ / قدرتهای بزرگ و صلح بین‌الملل از دیدگاه
 مورگانتا (کتاب) / ۱۷۰، ۱۷۱ / قراچورلو / ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۴۱، ۶۴۷، ۶۴۹
 ۶۵۸، ۶۶۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳ / قرارداد سالت ۲ / ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۲۳
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵ / قرارداد کالینگاز / ۶۸
 قرارداد لای - گرومن / ۳۱۷ / قرارداد لوزان / ۵۹۱
 قرارداد وین / ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲

- ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۶، ۶۹۰، ۶۹۲، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۵، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۷، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۸، ۸۱۸، ۸۲۰، ۸۲۳، ۸۲۹
- کاتلر / ۸، ۵۸، ۷۲
 کاخ سفید / ۹۷، ۱۶۲، ۵۹۲، ۸۰۵
 کاخ گلستان / ۴۹
 کاخ مرمر / ۷۷۵، ۵۹۳
 کارائیب / ۱۲۸، ۱۴۴، ۴۳۳
 کاراکاس / ۴۳۴
 کاراندیتی / ۴۴۱، ۴۴۸
 کارتر، جیمی / ۷، ۴۴، ۹۷، ۱۱۵، ۱۵۲
 کارخانه دیزل سازی / ۸۸
 کارخانه ذوب آهن ایتالیایی (بندرعباس) / ۶۸
 کارخانه گاز مایع لوموت / ۴۵۸
 کاستاریکا / ۱۰۵، ۱۶۲
 کاظمی، عزالدین (دکتر) / ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۸۱، ۷۸۲
 کافه پلاس دوترن / ۳۸۹
 کافی، احمد / ۴، ۱۱
 کاکتوس / ۴۲۸
 کالتکس / ۴۵۰، ۴۵۲
 کالیفرنیا / ۴۸، ۳۵۲، ۳۷۵، ۴۱۳، ۴۲۷
 کالیمانتان شرقی / ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱
 کالینز، اف. سی. / ۴۷، ۴۸
 کامبخش، هاشم (سرهنگ) / ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۷۴، ۳۸۰
 کامبوج / ۴۱، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۹
 کامپوس / ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱
- ۶۰۳، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۲۶، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۷۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۲۹
- قرارداد (LOME) / ۱۱۵
 قرارگاه بتاپیج گرومن / ۳۲۲
 قرارگاه توکیو / ۳۴۵، ۳۴۸
 قرارگاه تهران / ۳۲۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۵، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۸
 قرارگاه دموفسکی / ۳۴۵
 قرارگاه رم / ۳۶۸، ۳۷۲
 قرارگاه سیا (تهران) / ۳۳۱
 قرارگاه سیا (رم) / ۳۶۲
 قرارگاه هنگ کنگ / ۳۴۵، ۳۴۶
 قراگزلو (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
 قره باغی / ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳
 قروین / ۶۷۸
 قشمی / ۲۰۱، ۲۲۸
 قطب زاده، صادق / ۷۹، ۳۶۰
 قطر / ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
 قلعه جوقی / ۶۶۷، ۷۳۳
 قم / ۴۸، ۴۹، ۷۸، ۲۵۱، ۲۵۲، ۴۱۰، ۵۲۵، ۵۹۴، ۶۷۳، ۶۷۶، ۷۱۴، ۷۶۷
 قنات آبادی، شمس الدین / ۱۶
 قوام / ۵۲۷
 قوام السلطنه / ۴۹۹
 قهقرا (کتاب) / ۱۵۲
 قیس عبدالمنضم الرواوی / ۲۰۸
- ک
 کابل / ۲۳، ۴۳، ۶۰۶
 کابیندا (آنگولا) / ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲
 کایتولاسیون / ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹

کلمنت، کارل / ۸۱۰	کامرون / ۴۹۴، ۴۹۳، ۴۲۳، ۴۲۱
کلوپ فرانسه / ۷۸۳	کامکار (سرهنگ) / ۸۰۴
کلونجر، کیث. دبلیو. / ۸۰۷	کانادا / ۷۲۶، ۶۹۳، ۴۶۹، ۱۳۱، ۱۰۵، ۹۶
کلیسای کاتولیک رم / ۱۳۴	۸۳۰
کلیفورد سی. متلوک / ۵۷۲	کانال سوئز / ۵۰۳، ۲۳۴، ۲۳۲، ۹۶
کمالوند / ۷۳۳، ۶۶۷	کانون مترقی / ۵۹۳
کمانگر (مهندس) / ۷۳۳، ۶۶۷	کپنهاک / ۴۱، ۴۰
کمپانی ئی ال اف (فرانسه) / ۴۹۳، ۴۹۲	کتابخانه مجلس شورای ملی / ۶۱۹
کمپانی آرکو / ۴۴۵	کت، تام / ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۰۲
کمپانی آشلند / ۴۵۸	کراچی / ۳۵۷، ۴۳، ۲۳
کمپانی اگپ ایتالیا / ۴۹۲، ۲۶۵	کرافورد / ۸۰۱
کمپانی الف - اراپ / ۴۷۸، ۴۷۷	کردستان / ۳۸۶، ۳۸۱، ۳۵۹، ۸۱، ۸۰، ۱۶
کمپانی انو (ایتالیا) / ۴۷۹	۴۱۳، ۴۰۲، ۳۹۷، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۰، ۳۸۷
کمپانی اوشنیک اکسپلوراسیون / ۴۹۳	کردستان (ترکیه) / ۳۸۴
کمپانی برونتی شل پترولیوم / ۴۵۹	کرمان / ۱۶
کمپانی پمکس (مکزیک) / ۴۲۲	کرمانشاه / ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۰۲، ۳۶۱، ۲۷۶، ۱۶
کمپانی تایلاساندهینی / ۴۶۵	۶۰۹، ۷۷۳
کمپانی تراکتورسازی ایران / ۷۱	کره جنوبی / ۱۳۹، ۱۲۰، ۱۱۰، ۱۰۲، ۹۷، ۹۶
کمپانی تکساکو / ۴۳۸	۱۶۳، ۱۸۴، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۰، ۱۰۲، ۹۷، ۹۶، ۴۶۶
کمپانی سان / ۴۵۸	۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲
کمپانی سانپو / ۴۸۶	کره شمالی / ۱۳۹، ۱۰۲
کمپانی سی. اف. پی / ۴۸۶	کریاگیت / ۱۳۹
کمپانی رویال داچ شل / ۴۵۶، ۴۵۵، ۴۳۹	کریستوفر / ۲۵۲، ۷۳، ۷۲، ۶۰، ۴۱، ۸
۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۷، ۴۸۸	کریستوفرسن، هنینگ / ۴۱
۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳	کریم احمد آل حرافی / ۲۰۸
کمپانی شناندو اوپل / ۴۴۶	کسرائی / ۷۳۳، ۶۶۷
کمپانی شوران / ۴۴۸	کسروی / ۷۳۳
کمپانی فیلکو فورد / ۳۰۴	کشتی مک فادون / ۷۸۹
کمپانی کوئنتانا / ۴۷۸	کشفی / ۷۳۳، ۶۶۷، ۳۱۲، ۳۰۴
کمپانی گابن / ۴۹۰	کشورهای گروه ۷۷ / ۱۴۵
کمپانی گلف / ۴۳۸	کلارک، رمزی / ۴۱۰
کمپانی ماراتون یونیون / ۴۶۲	کلالی (دکتر) / ۶۶۷
کمپانی نفتی آسامرای (کانادا) / ۴۵۳	کلایدی. تیلور / ۲۴
کمپانی نفتی آشلند اوپل / ۴۸۸	کلمبیا / ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۳۳، ۴۲۰، ۱۲۸

- کمپانی نفتی آموکو / ۴۶۶
 کمپانی نفتی اکسون / ۴۳۹، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۷
 کمپانی نفتی اکسیدنتال / ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۴۲
 کمپانی نفتی تیکوک (ژاپن) / ۴۹۲
 کمپانی نفتی دولتی بولیوی / ۴۴۱، ۴۴۲
 کمپانی نفتی سونانگول / ۴۹۰
 کمپانی نفتی فرانسه / ۴۷۸
 کمپانی نفتی کونوکو / ۴۶۶
 کمپانی نفتی گلف / ۴۶۶
 کمپانی نفتی یونیون / ۴۶۴
 کمپانی نورتروپ / ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۰
 ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷
 کمپانی نورث وست / ۴۳۷
 کمپانی نور فرنیچر / ۳۱۸
 کمیته فرعی اروین / ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴
 ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸
 کمیته گنبدکاووس / ۴۰۲
 کمیته Whole / ۱۱۹
 کمیسیون اقتصادی برنامه محیط زیست اروپا / ۱۲۹
 کمیسیون جنگ / ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۴
 کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل / ۴۰۶، ۷۷۸
 کمیسیون دادگستری / ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۶
 ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۴۴، ۶۵۱
 کمیسیون مشترک ایران و آمریکا / ۷۵
 کندی، جان اف. / ۵۹۲، ۸۲۴، ۸۲۵
 کنسرسیوم اجی آی پی (ایتالیا) / ۴۶۰
 کنسرسیوم تکساکو-گلف، ۴۴۳، ۴۴۷
 کنسرسیوم دومنیکس (آلمان) / ۴۶۰
 کنسرسیوم سی.اف.پی (فرانسه) / ۴۶۰
 کنسرسیوم گنتی / ۴۹۴
 کنسرسیوم موبیل کایو / ۴۷۲
 کنفرانس اسپین / ۳۸۶
- کنفرانس ارتباط رادیویی جهانی سال ۱۹۷۹ / ۱۰۷
 کنفرانس برون فضائی سازمان ملل / ۱۳۰
 کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل / ۱۱۴، ۱۴۷
 کنفرانس تهران / ۵۰۰
 کنفرانس خلع سلاح اروپا / ۴۱
 کنفرانس زنان میهن پرست / ۸۲۲
 کنفرانس سازمان ملل در مورد علم و تکنولوژی برای عمران / ۱۴۷
 کنفرانس سران (وین) / ۸۲۴
 کنفرانس صلح و رسای / ۹۴
 کنفرانس علم و تکنولوژی برای عمران / ۱۱۷
 کنفرانس عمومی یونسکو / ۱۳۰
 کنفرانس قانون دریاها / ۱۰۸
 کنفرانس مدیریت جهانی رادیو / ۱۳۰، ۱۴۸
 کنفرانس CSCE مادرید / ۱۳۴
 کنگرلو / ۶۶۷
 کنگره (مجلس قانونگذاری امریکا) / ۵۹، ۸۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۵۵، ۱۶۳، ۳۲۱، ۵۱۹، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۷۳، ۵۹۳، ۶۶۱، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۷۸، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۵
 کنگو / ۱۴۳، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۹۱، ۴۹۲، ۷۱۳
 کنلی، آواس (سرگرد) / ۵۰۶، ۵۱۱
 کنوانسیون وین / ۵۹۲، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۴۹، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۶، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴

گ	۷۵۳، ۷۵۲، ۷۵۰، ۷۴۹، ۷۴۸، ۷۴۶، ۷۴۵
گابن / ۴۲۱، ۴۷۶، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳	۷۶۴، ۷۵۹، ۷۵۸، ۷۵۷، ۷۵۶، ۷۵۵، ۷۵۴
گائری، جان / ۷۷۷	۷۷۳، ۷۷۲، ۷۷۱، ۷۷۰، ۷۶۹، ۷۶۷، ۷۶۵
گاردان (ژنرال) / ۴۹۸	۷۸۲، ۷۸۰، ۷۷۸، ۷۷۷، ۷۷۶، ۷۷۵، ۷۷۴
گازمان (رئیس جمهور دومینیکن) / ۱۴۳	۸۰۰، ۷۹۵، ۷۹۳، ۷۹۲، ۷۸۹، ۷۸۷، ۷۸۳
گاست / ۵۰۴، ۷۵، ۵۲	۸۱۸، ۸۱۷، ۸۱۶، ۸۱۵، ۸۰۹، ۸۰۶، ۸۰۵
گاندی / ۴۵۵، ۴۵۳	۸۲۹، ۸۲۸، ۸۲۷
گجرات / ۴۵۴، ۴۵۳	کنیا / ۱۴۲
گچساران / ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۸۳	کنیانا نایره / ۱۴۲، ۱۰۵
۲۹۴، ۲۸۸، ۲۸۴	کوئین، پاتریک، جی. (سروان) / ۸۰۷
گدکو / ۳۲۶	کوبا / ۱۴۰، ۱۳۲، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۰۴، ۹۶، ۹۴
گراس / ۸۰۱	۴۸۹، ۲۲۹، ۱۶۵، ۱۵۵، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱
گرانادا / ۹۷	کوپال (تیمسار) / ۵۲۶
گرانچاکو / ۴۴۸	کوچابامبا / ۴۴۲
گراو، آر. وی. (سرلشگر) / ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷	کوچه باستان / ۳۴۲
۵۳۱	کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۲۴۷
گرشینسکی / ۳۴۸	کوراری / ۱ / ۴۳۷
گرگان / ۱۶	کورس / ۶۶۷
گروندین / ۴۹۰	کوروش / ۴۷
گرونکلتون، اورویل ب. / ۳۶۷	کونوکو / ۴۷۵، ۴۵۷، ۴۵۵
گروه تروریستی فرقان / ۴۰۳، ۷۷۸	کویت / ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۶، ۴۳، ۲۳
گروه سورپزا (فنیای بلژیک) / ۴۹۲	۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
گروه کلمبو / ۱۲۸	۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۴۱، ۲۶۹
گری، چارلز. ال. / ۷۷۴، ۷۷۳	۳۵۷، ۷۴۶، ۸۱۵
گریلی (ژنرال) / ۵۰۰	کهکیلیویه و بویر احمد / ۷۴۲
گریم، پل / ۲۸۶	کیا (مهندس) / ۷۳۳، ۶۶۷
گست، فیلیپ. سی. (سرلشگر) / ۸۰۶	کیان (دکتر) / ۷۳۳، ۶۶۷
گلاس (خانم) / ۵۴۴، ۵۴۵	کیتو (پایتخت اکوادور) / ۴۳۸
گلاس (سرهنگ) / ۵۴۴، ۵۴۵	کیتوک، آلدن اچ. / ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۱
گلف / ۴۹۰، ۴۸۹، ۴۸۸، ۴۶۷	کیچن، جف / ۳۱۳
گلوپس لیس / ۴۲۷	کیدویتس، و. ا. (سروان) / ۵۰۶، ۵۱۱
گنجی، منوچهر / ۳۶۹، ۳۷۱، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷	کیسینجر، هنری / ۹۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۲۶۰
۴۰۹، ۴۰۸	کیوان / ۶۶۷
گواتمالا / ۹۶، ۱۰۵، ۱۶۲، ۴۲۰، ۴۴۵، ۴۴۶	کیویک، فرانک. تی. (گروهان ۱) / ۸۰۷

- ۴۴۷
 گواجیرا / ۴۴۳
 گودرزی / ۷۹۸، ۷۲۳
 گونتروالراف / ۱۵۲
 گویانا / ۱۲۵
 گیرارد، ویلیام. اس. / ۸۲۳، ۸۲۲، ۷۹۰
 گینه / ۱۴۳، ۱۲۰
- ل**
 لائوس / ۱۳۹، ۱۲۱
 لاپاز (پایتخت بولیوی) / ۴۴۲
 لاتزنهایزر، راسل دیل (سرهنگ) / ۸۱۱، ۸۰۹
 لارتکی، جین / ۳۸۸
 لاگوآگریو / ۴۳۷
 لاگوس / ۴۸۸، ۴۳۹
 لامبراکیس، جورج ب. / ۱۴
 لاوت / ۵۳۲
 لاکو / ۳۲۶، ۳۲۵
 لاون / ۳۱۲
 لای، پرویز / ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۱۶
 لای، جمشید / ۳۲۶
 لای، منصور / ۳۲۶، ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۱۶
 لای، هوشنگ / ۳۲۶، ۳۲۱
 لایرد جونیر، هوراس. سی. (ناخدا) / ۵۶۵
 لبنان، ۹۶، ۹۷، ۱۰۴، ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۳، ۴۰۸، ۵۸۸
 لشکر هفتم مشهد (خراسان) / ۳۷۵
 لفظی / ۷۳۳، ۶۶۷
 لندن / ۷۱، ۷۶، ۱۶۷، ۲۵۹، ۲۸۶، ۳۵۷، ۳۵۸
 ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۵، ۴۰۳، ۴۰۴، ۵۴۹، ۷۴۶
 ۷۴۷، ۸۰۳، ۸۱۰، ۸۲۶
 لوئی چهاردهم (پادشاه فرانسه) / ۵۸۹
 لوئیس، دونالد ا. / ۵۸۲، ۵۸۱
 لوآندا / ۴۹۰، ۴۸۹
- لوآنگو / ۴۹۱
 لواین / ۴۱۰
 لوتریاک / ۶۹۷
 لوس آنجلس / ۴۱۱، ۸۹
 لوس، هنری / ۹۵
 لوکزامبورگ / ۷۲۶، ۶۹۳
 لوم، جاک، ام. (سرهنگ) / ۵۶۵
 لهستان / ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۰۶، ۱۰۲، ۹۵
 لهمن (سرهنگ) / ۵۷۲
 لیسی / ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۷، ۱۶۵، ۲۳۱، ۲۳۵، ۳۵۷، ۳۹۱، ۴۲۴، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰
 ۵۷۶، ۶۹۴، ۷۲۶
 لیتل، جیمز / ۳۶۶
 لیتون / ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۵
 لیلارد، لاری (سرهنگ ۲) / ۸۰۶
 لیما / ۴۳۶
 لینچ، چارلز / ۱۶۸، ۳۱۵
 لینک، جورج / ۲۵۹، ۲۶۰
 لینگن، بروس / ۸، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۷، ۸۹، ۳۹۳
 ۴۱۲، ۸۱۴، ۸۱۵
- م**
 مائو / ۱۰۲
 ماچن جونیر، ادوین. ا. (سرهنگ) / ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶
 ماچن (سرهنگ) / ۵۶۵
 ماد، ر. کلایتون / ۷۸۱
 مارتابان سیتی سرویس / ۴۶۰
 مارشال / ۵۲۵
 مارکوس / ۴۷۰
 مارون / ۲۸۴، ۲۹۰
 مافی، فتح الله / ۶۲۰، ۶۶۷، ۷۳۳
 مالزی / ۱۰۲، ۱۵۴، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۳

- مالک (مهندس) / ۶۶۷، ۷۳۳
 مالمبورگ / ۸۱۰
 مالی / ۱۰۵
 مانشل / ۴۱
 مانی ابن سعید العتیبه / ۲۳۸
 مانیل / ۱۱۹، ۴۶۹
 ماهونی، توماس ئی. (سرهننگ) / ۵۰۶، ۵۱۱
 ماير، آرمين / ۳۸۵
 مأموریت در تهران (کتاب) / ۵۰۴
 مبارک بن محمد آل نهان / ۲۳۸
 مبارک خادوری (دکتر) / ۲۰۷
 مبارکی / ۶۶۷، ۷۳۳
 مبین (دکتر) / ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۶۴، ۶۶۷
 مبین، غلامرضا / ۶۸۶
 مترینکو، مایکل. جی. / ۴۱۲، ۴۱۳
 متقی، امیر / ۳۹۰
 متین دفتری، احمد (سناتور) / ۷۳، ۶۰۴، ۶۴۶
 متین (عضو دربار) / ۱۶
 مجارستان / ۹۵
 مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن / ۶۸
 مجتمع مس سرچشمه / ۶۸
 مجتهدی (مهندس) / ۶۶۷، ۷۳۳
 مجد / ۶۶۷، ۷۳۳
 مجلس سنا / ۵۱، ۹۴، ۵۰۳، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵
 ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۵
 ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۵۵
 ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۸، ۶۸۷، ۶۹۰
 ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۶، ۷۰۷
 ۷۰۸، ۷۱۲، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۲
 ۷۳۳، ۷۳۷، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴
 ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۸
 ۸۲۱، ۸۲۹
 مجلس سنا (آمریکا) / ۸، ۵۸، ۷۲، ۹۵، ۵۰۳
 ۶۶۱، ۷۷۰
- مجلس شورای ملی / ۲۰۰، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۹۱
 ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶
 ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸
 ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۳
 ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۸، ۶۷۰
 ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۹
 ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۴
 ۷۳۵، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۶۸، ۷۶۹
 ۸۲۸
 مجلس مقننه فرانسه / ۱۳۴
 مجله خواندنیها / ۱۶
 مجله فیگارو / ۳۹۰
 مجمع ملل جنوب شرقی آسیا / ۱۱۵
 مجید بن عبدالعزیز السعود / ۲۱۹
 محدثزاده / ۶۶۷، ۷۳۳
 محسنی مهر / ۶۶۷، ۷۳۳
 محله کان (نیس) / ۳۹۰
 محمد آل زبیر / ۲۰۷
 محمد ابراهیم مسعود / ۲۱۹
 محمد احمد آل جونید / ۲۰۱
 محمد العدسانی / ۱۹۷
 محمد بن احمد / ۲۰۷
 محمد بن جبر آل ثانی / ۲۱۳، ۲۱۴
 محمد بن رشید بن سعید المکتوم / ۲۳۸
 محمد حمود خمیس / ۲۰۱
 محمد خلیفه ال کنیدی / ۲۳۸
 محمد سعید عبدالله محسن الشرجابی / ۲۳۰
 محمد سلیمان الناصر / ۲۳۰
 محمد سلیم کوثر / ۲۳۰
 محمد سیدالمعلا / ۲۳۸
 محمد صالح یغائی / ۲۳۰
 محمد عبدالرحمن البکر / ۲۳۸
 محمد عبدالطیف الملحم / ۲۱۹
 محمد عبدالله الحرینی / ۲۰۷

- ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱،
 ۵۶۰، ۵۶۱، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۱، ۷۴۲
 مصر / ۸، ۲۵، ۲۷، ۴۱، ۷۱، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۴۱،
 ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۲۶، ۲۳۱،
 ۳۰۵، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۸۱، ۳۹۰، ۴۲۰، ۴۲۱،
 ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۵۸۸،
 ۵۹۱، ۷۳۸
 مصطفوی نائینی / ۶۲۵، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۶۷،
 ۷۳۳
 مطیب بن عبدالعزیز السعود / ۲۱۹
 مظلومان، رضا / ۱۶۸
 مظهری (سرلشگر) / ۵۴۶
 معاهده ترکمن چای / ۵۸۹
 معتضد، نادر / ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۴
 معتمد وزیری / ۶۶۷، ۷۳۳
 معتمدی / ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
 معمر قذافی / ۲۷، ۲۳۱، ۳۹۱
 مقصودپور / ۵۵، ۵۷
 مکانیسم‌های از رشد ماندگی (کتاب) / ۱۷۰
 مکزیک / ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۸،
 ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۲، ۳۸۲، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۲۰،
 ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸،
 ۴۲۹، ۴۴۵، ۴۴۶
 مک‌کلاند، شاس. بی. / ۵۵۱
 مک‌کلور، رابرت ا. (سرتیپ) / ۵۶۰، ۵۶۱،
 ۵۶۴، ۵۶۸
 مک‌گافی / ۳۲
 مک‌گی / ۵۳۵
 مک ویلیامز، رابرت. ام. (سرهنگ ۲) / ۸۰۶
 مگ / ۵۰۱
 ملک خالد / ۲۱۸
 ملک‌زاده آملی / ۶۶۷، ۷۳۳
 ملک‌زاده، افسانه / ۳۹۶
 ملک عبدالعزیز السعود / ۲۱۸
- محمد عبدویمانی / ۲۱۹
 محمد علی ابوالخیل / ۲۱۸
 محمدنژاد، حسن / ۱۶۷
 محمود بن علی / ۲۳۸
 محمود سعید المهدی / ۲۳۰
 محمود عبدالله رشید اویشیش / ۲۳۰
 محوی، ابوالفتح / ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸،
 ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶،
 ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۷
 مدرس، حسن / ۶۷۸
 مدرسه فرانسوی LYCEE / ۲۴
 مدرسه فیضیه / ۵۹۳، ۷۲۳
 مدرسه کشاورزی کرمانشاه / ۴۱۳
 مدرسه نظامی زیان سن آنتونیو / ۳۶۳
 مدنی، سید جلال‌الدین (دکتر) / ۵۹۵، ۶۶۷، ۷۳۳
 مدیترانه / ۴۸۱، ۴۷۴، ۴۸۲
 مرادی، علی / ۶۶۷، ۷۳۳
 مرادی، قاسم / ۶۶۷، ۷۳۳
 مراغه / ۱۶، ۳۷۴
 مراکش / ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۳۷، ۵۹۱
 مرتضوی / ۶۶۷
 مردوخ / ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
 مرکز العالم الثالث للدراسات و النشر / ۱۶۷
 مرکز الهیات قم / ۱۱
 مسجد سلیمان / ۲۸۶
 مسعودی، عباس / ۶۰۰، ۶۰۳
 مسقط / ۲۳، ۴۳، ۲۱۰، ۵۹۱
 مسکو / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۴۹،
 ۷۴۶، ۷۷۴، ۷۷۷، ۸۳۰
 مشهد / ۱۱، ۱۵، ۴۶، ۳۴۱، ۴۱۲، ۶۰۶
 مشیر فاطمی / ۳۵۹، ۳۸۵، ۳۸۶
 مشیری (سرگرد) / ۸۰۴، ۸۰۵
 مصباح‌زاده (دکتر) / ۶۶۷
 مصدق، محمد (دکتر) / ۴۳، ۳۸۳، ۵۴۳، ۵۴۴

بازرگانی / ۱۷۱	ملک فیصل / ۲۲۵
موسسه نفت نیجریه / ۴۸۸	ممتاز، جمشید / ۱۷۰
موسسه نفتی گلف / ۴۹۲	منامه / ۳۵۷، ۴۳، ۲۳
موسسه نفتی نیجریه / ۴۸۸	مناوی / ۳۰۷، ۳۱۵
موسسه نفتی ونزوئلا / ۴۳۲	مندوزا / ۴۳۰
موسسه ویتنه وین / ۱۰۷	منصور، حسنعلی / ۳۸۶، ۵۷۲، ۵۹۳، ۵۹۴
موسوی ماکوئی / ۶۶۷، ۷۳۳	۵۹۵، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹
مولیگان، جیم / ۳۴۱	۶۳۰، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳
مونرو، جیمس / ۹۳	۶۶۹، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۵، ۷۰۷، ۷۰۸
مونکوا / ۴۲۷	۷۰۹، ۷۱۱، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۳۷، ۷۴۰، ۷۴۱
مونیک / ۳۹۰	۷۴۵، ۷۴۸، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۵، ۷۷۸، ۸۲۸
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ / ۱۶۷	منطقه پتن / ۴۴۶
مهدی زاده (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳	منطقه شایا / ۱۴۲
مهدب (دکتر) / ۶۶۶، ۶۶۷	منطقه کارک / ۴۶۲
مهرزاد / ۶۶۷	موئی (رئیس جمهور کنیا) / ۱۴۲
مهندس معینی زند (مهندس) / ۶۴۱، ۶۶۶، ۶۶۷	موبیل / ۴۸۸
میدان اختیاریه / ۳۸۰	موتور دیزل / ۸۷، ۸۸
میدان ژاله / ۱۸، ۴۹	موثقی (دکتر) / ۷۳۳
میدان ۱۷ شهریور (میدان شهدا) / ۵	مورتون، بایرون بی. / ۳۰۷، ۳۱۵
میدان شهیاد (آزادی) / ۵۰	مورتون، تراک (ژنرال) / ۷۸۷
میدان کندی / ۳۴۲	مورفی، رابرت / ۸۲۰
میدان نفتی منصوری / ۲۵۳	موریتانی / ۱۰۴، ۱۳۷
میدل ایست جورنال / ۸۲۶	موریس، تی وارنر، جی آر / ۸۰۶
میرافضل / ۶۶۷، ۷۳۳	موری، والاس / ۴۹۹
میرفندرسکی، احمد / ۵۸۲، ۵۹۳، ۶۰۰، ۶۰۲	موزز، دان (سرهنگ) / ۸۰۶
۶۰۳، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۵	موسسه اسپین / ۴۰۷
۶۳۲، ۶۳۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷	موسسه اسمیتونیان / ۴۱۰
۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۵۵، ۷۵۶	موسسه خدمات ژئوفیزیک و کمپانی ژئوفیزیک
۷۵۷	غربی / ۴۲۹
میرهادی / ۶۶۷، ۷۳۳	موسسه سانتافه / ۴۴۵
میکلوس، جک / ۳۱۲، ۳۱۵، ۷۸۵، ۷۸۶	موسسه فیلون اکسپلوراسیون / ۴۸۶
۷۸۸، ۷۸۷	موسسه گسترش نفتی آراکان / ۴۶۰
میلز، جان / ۱۶، ۳۱۲	موسسه مطالعات ژئوفیزیک آمریکا / ۴۸۶
مینا، پرویز (دکتر) / ۲۵۳، ۲۸۰	موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی وزارت

- میناچی، ناصر / ۲۹۲
 مینتر، ویلیام / ۱۶۷
 میوسن، ۴۵۱
- ن
 نابق / ۲۵۳
 ناپ، کریگ پاول (ستوان یکم) / ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۱
 ناپلئون / ۴۹۷، ۴۹۸
 ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) / ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۶۴، ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۲۶، ۷۹۰، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۳۰
 ناتوماس وسان اوایل / ۴۸۶
 ناتیه / ۴۷۶
 ناٹان، هارولد اس. / ۸۰۱، ۸۰۲
 ناجی / ۵۲، ۷۲۷
 ناروئی / ۶۶۷، ۷۳۳
 ناس، چارلز دبلیو. / ۱۹، ۲۱، ۷۱، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۴، ۷۲۳، ۸۰۷، ۸۱۰
 ناسیونالیستهای داخلی / ۱۰۴
 ناصرالدین شاه / ۴۹۸
 ناظم (تیمسار) / ۳۵۷
 نامیبیا / ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۵
 ناوچه‌های اسپروآنس / ۳۱۱
 ناولند، ویلیام اس. / ۸۲۱
 ناهورکاتیا / ۴۵۴
 نایف بن عبدالعزیز السعود / ۲۱۹
 نیعی / ۳۴۷
 نیال / ۱۲۰
 نجاشی، محمود / ۲۳۰
 نجف / ۴۸، ۴۹، ۶۷۶، ۷۷۸
 نجمی (دکتر) / ۶۶۷
 نروژ / ۱۲۷، ۴۶۵، ۶۹۳، ۷۲۶
- نزیه، حسن / ۸۰، ۸۴
 نشریه الفکر الاستراتیجی العربی / ۱۶۷
 نشریه جهان امروز / ۸۲۷
 نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران / ۱۶۷، ۱۷۰
 نشریه روابط بین‌الملل / ۱۷۰
 نشریه سالانه صندوق بین‌المللی پول (I.M.F) / ۱۷۰
 نشریه کریسچن ساینس مانیتور / ۸۲۸
 نشریه میدل ایست جورنال / ۸۱۸، ۸۱۹
 نصر نصرعلی / ۲۳۰
 نصیر بن خالد الثانی / ۲۱۳
 نصیری، نعمت‌الله (تیمسار) / ۵۰، ۵۲، ۶۲۵، ۶۶۷
 نظام نوین دریاها و اقیانوسها (کتاب) / ۱۷۰
 نفوذ آمریکا در ایران (کتاب) / ۵۰۴
 نفیسی (بانو) / ۶۶۷
 نقشبندی، محمد امین / ۳۶۰
 نکوزاد (سرلشگر) / ۶۶۷، ۷۳۳
 نوا، ای - زی / ۳۶۷، ۳۶۸
 نوار ساحلی آراکان / ۴۶۰
 نواف الحمد جابر الصباح / ۱۹۶
 نوتاش (سپهبد) / ۵۷۵
 نوربخش / ۶۶۷، ۷۳۳
 نورته، ۴۳۹
 نورثروپ، جرج جی. (سرهنگ) / ۵۶۵
 نوری اسفندیاری، موسی / ۵۲۸
 نوفل لوشاتو / ۳۸۸
 نیکوفسکی / ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۸
 نهاوندی / ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۵
 نهضت استقلال طلبان صحرا / ۱۰۴
 نهوین / ۴۶۱
 نیاکان، غلام / ۶۶۷، ۷۳۳

و	نیجر / ۱۲۵
واترگیت / ۱۳۹، ۴۱۱	نیجریه / ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۶۲، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۸۷
واتیکان / ۱۳۴	۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۳
وارن / ۶۲۸	نیداس، ملوین. جی. (گروه‌بان ستاد) / ۸۰۹
وارنر / ۸۰۴، ۸۰۸	نیدو / ۴۶۹
واشنگتن، ۵۲۸	نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی آلمانی / ۶۸
والا (مهندس) / ۷۳۳	نیروگاه هسته‌ای فرانسوی / ۶۸
والپاریاسو / ۴۴۵	نیروهای مسلح ایران / ۳۴، ۷۳، ۷۴، ۳۶۲
وب، جیمز. ای. / ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۴۵	۳۸۴، ۳۹۴، ۳۹۸، ۵۰۱، ۵۲۴، ۵۳۶، ۵۶۱
وحیدنیا (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳	۵۶۸، ۵۷۳، ۸۰۹، ۸۱۴، ۸۲۴
وحیدی، علامه / ۶۹۵	نیروهای مسلح یوگسلاوی / ۱۰۲
وزارت اقتصاد و دارایی / ۷۰، ۷۱، ۷۷	نیروی دریایی آمریکا (اروپا) / ۲۳
وزارت امور خارجه آمریکا / (اکثر صفحات)	نیروی دریایی ایران / ۸، ۴۷، ۵۲، ۲۵۱، ۲۶۶
وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران / ۳۰۸	۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹، ۳۱۲، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸
۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۷۹۹	نیروی زمینی ایران / ۳۱۲، ۳۳۴، ۳۶۳، ۳۶۸
وزارت خارجه شاهنشاهی ایران / ۵۳۲	نیروی هوایی آمریکا / ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۲۳، ۵۳۷
وزارت دارایی / ۱۸، ۷۶، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۱	۵۳۸
۵۵۳، ۵۵۲	نیروی هوایی ایران / ۳۰۲، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۳۳
وزارت دفاع آمریکا / ۳۱۱	۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۴، ۵۲۵، ۸۱۹
وزیری، سعید / ۶۶۷، ۷۳۳	نیری / ۶۲۵، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۳۳
وست پوینت / ۳۷۴	نیکاراگوئه / ۹۷، ۱۰۵، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۳، ۷۸۹
وست کوست (کالیفرنیا) / ۴۸	نیکسون، ریچارد / ۹۶، ۹۷، ۵۰۳، ۸۳۰
وستون، برادفورد / ۳۲۵، ۳۲۶	نیک نژاد / ۷۶۹، ۷۷۸
ولت اندیس / ۱۴۴	نیل، ویرجیل کلونین / ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۱
ولتای علیا / ۱۰۵	نیوجرسی / ۵۰۰
ولف، ویلیام. ال. / ۸۰۷	نیوزلند / ۱۰۳
ولیدین ظهیر الهیانی / ۲۰۸	نیولاریدو / ۴۲۷
ونزوئلا / ۱۴۴، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۳۱، ۴۳۲	نیویورک / ۹، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۲۶۰
۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۳، ۶۱۶	۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۹۰، ۳۹۴
ونس، سایروس / ۸، ۴۰، ۵۵، ۵۹، ۱۱۰، ۱۲۰	۵۱۳، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۶۷، ۷۵۴، ۷۵۸، ۸۲۲
۱۴۴، ۲۶۲، ۳۹۶، ۴۰۷، ۸۰۵، ۸۱۷	۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹
وهمیر، دونالد. ای. / ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹	نیویورک تایمز / ۸۲۴
وهنر / ۱۶۸	
ویکی (گروه‌بان) / ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۹۵	

- ویت، ساترث / ۵۳۴، ۵۳۵
 ویتنام / ۳۴، ۴۷، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۵۴، ۳۶۶، ۳۷۵، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۴۹، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۳، ۸۳۰
 ویشنسکی، آندره‌ای / ۵۴۹
 ویلسون / ۹۴
 ویل، شارلوت / ۸۲۳
 ویلی / ۵۲۹، ۵۳۲
 ویلیامز، جان ام. (سرلشگر) / ۵۷۵
 ویلیامسون، تد. ا. / ۸۰۷
 ویلی، جان. سی. / ۵۲۸
 ویلیز، جری. تی. (سرهنگ ۲) / ۸۰۶
 وین / ۱۰۶، ۱۵۲، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۵۶
 وینز، وارن دانیل / ۸۰۹، ۸۱۱
 وینسون، بیل. آر. / ۸۰۶
 ویوید، ای. ز. / ۳۶۸، ۳۶۹
 ویهینگن / ۸۰۸
- ه
 هائیتی / ۱۲۰، ۱۶۳
 هاج، راسل. جی. (ستوان یکم) / ۸۰۷، ۸۱۰
 ۸۱۱
 هارت، رابرت ئی. (سرگرد) / ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۳۹، ۷۴۷، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۵۷
 هارتمن / ۳۹۶، ۴۰۵
 هاردی، کارل. ال. (گروه‌بان یکم) / ۸۱۱
 هاریس، روی. ا. / ۸۰۷
 هاسکی / ۴۶۹
 هاشمیان / ۷۹۸
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (حجت‌الاسلام) / ۲۹۱
 هالیورتن / ۲۸۸
 هاوانا / ۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۲۶
- هاولی، ریچارد. اس. (سرهنگ) / ۷۸۶، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۵
 هایدن (ژنرال) / ۵۷۶
 هایزر (ژنرال) / ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۸، ۵۰۴
 هپتون، رکس (سرگرد) / ۵۶۷
 هتل اینترکننتینال / ۳۵۰
 هتل هیلتون / ۵۲، ۳۱۱، ۳۶۷
 هدایت، الف (سپهبد) / ۵۶۷، ۵۷۵
 هرتر، مارتین اف. / ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۷۱، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۶، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۱۰، ۷۲۲، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۶، ۷۸۳
 هرمزی، کلاتر / ۶۶۷، ۷۳۳
 هردون، جیمز. دی. (سرهنگ) / ۸۱۱
 هریک (ژنرال) / ۷۷۴
 هریمن، آورل / ۸۲۴، ۸۲۸
 هلال بن احمد السمار / ۲۰۷
 هلسینکی / ۱۲۳، ۱۳۴
 هلمز، ریچارد / ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۱، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۶۷، ۷۶۹، ۸۰۰، ۸۳۰
 هلند / ۱۲۷، ۳۶۲، ۳۷۳، ۴۳۳، ۶۹۳، ۷۲۶
 همایونی (سرلشگر) / ۶۶۷، ۷۳۳
 همدان / ۱۶، ۴۱۲، ۶۳۳
 هند / ۸، ۷۰، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۲۱۱، ۲۲۸، ۳۰۴، ۳۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۶۵، ۶۰۶، ۶۱۷
 هندرسن، لوئی. و. / ۵۳۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸
 هندوچین / ۴۰، ۴۱
 هندوراس / ۱۰۵، ۱۶۲، ۴۴۶، ۴۴۷
 هنگ‌کنگ / ۱۲۸، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۶
 ۳۳۷

۱۹۹، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۰، ۱۷۶ / یمن شمالی	۷۴۶، ۳۴۸، ۳۴۷
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۲	هوفمان / ۳۰۸
۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵	هوکینز، جان / ۱۶۸
یوسف جاسم الحاجی / ۱۹۷	هولوکوست / ۱۵۲، ۱۴۹
یوسفی، ن. (سرلشکر) / ۳۳۸	هومر. بی. کاسادا (سروان) / ۸۰۷
یوگسلاوی / ۹۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۴۸۱	هویدا، امیرعباس / ۳۸۶، ۳۸۵
یونان / ۴، ۱۴، ۱۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۳۴	هیئت مستشاری نظامی / ۷۳، ۷۵
۱۳۵، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵	هیئت مؤتلفه اسلامی / ۷۶۹
	هیتلر، آدولف / ۹۵، ۱۵۰، ۱۶۸، ۴۹۸
	هیراد / ۶۶۷، ۷۳۳
	هیسپان اوایل / ۴۳۵، ۴۹۴
	هیکن، جورج. دبلیو. (ژنرال) / ۸۲۱، ۸۲۲
	هیگبی، جرالڈ. ام. (ناخدا دوم) / ۸۱۱
	هیگ (ژنرال) / ۲۳
	هیوبارد (سرهنگ دوم) / ۵۷۶

ی

	یاتسویک / ۶۳۵
	یاسر عرفات / ۵۳
	یاسی مینتوس پترولیوفروس فیسکالس / ۴۳۰
	یبال / ۴۷۶
	یحیی حسین آل / ۲۰۱
	یزدان پناه (دکتر) / ۶۶۷، ۷۳۳
	یزدی، ابراهیم (دکتر) / ۸، ۹، ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۷۲
	۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵
	یمن جنوبی / ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۲
	۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵